



# قرآن مجید

ترجمہ فارسی

مبنی بر اردو ترجمہ

حضرت میرزا طاہر احمد

خليفة المسيح الرابع رحمه الله تعالى

مترجم: سيد عاشق حسين

ناشر: انتشارات اسلم انترنا سיוنال با مسئوليت محدود

اسلام آباد . تلفورڈ . سی . انگلستان

**THE HOLY QUR'AN**  
**ARABIC TEXT AND PERSIAN TRANSLATION**

First published in UK in 1989

Present edition (completely new translation) printed in India  
in 2003

Translated into Persian by : Syed Aashiq Hussain Shah

© Islam International Publications Limited

*Published by :*

Islam International Publications Limited

“Islamabad”

Sheephatch Lane

Tilford, Surrey GU10 2AQ

United Kingdom

*Printed in India at:*

Printwell

146-Industrial Focal Point

Amritsar (Punjab) India

**ISBN : 1 85372 784 9**

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## پیشگفتار

مست فرقان آفتاب علم و دین تا برنت از گمان سوی یقین  
مست فرقان از خدا حَبْلِ الْمَتِينِ تا کشندت سوی ربُّ العالمین  
مست فرقان روز روشن از خدا تا دهندت روشنی دیده ها

قرآن کتاب آسمانی مبنی بر کلام خدای متعال آفرینندهٔ همه جهانهاست. این کلام خدای متعال بیش از ۱۴۰۰ سال قبل بر حضرت محمد ﷺ خیر الانام، خاتم النبیین بعنوان کمال نعمت در حجاز [عربستان] فرود آمد و تعلیم دین و احکام شریعه را تکمیل نموده و نازل آمدن هرگونه احکام شریعت را پایان داد. این کتابی یگانه است که میتواند جوامع بشری را از جمله ابمادش برای تامین نیازهای این دنیا و آخرت که در رأس همه آنها شناسائی و عبادت خدای یگانه است بروشنی هدایت نماید و بطوریکه از اشعار مزبور در فوق از حضرت میرزا غلام احمد قادیانی مسیح موعود و مهدی معبود علیه السلام حاکی است قرآن آفتاب علم و دین است که تعلیم آن انسان را از هرگونه شک و شبه پاك نموده و تا بکمال یقین میرساند. این بسوی خدای متعال میکشد و این روز روشن است که دیده ها را روشنی میبخشد.

در آغاز نزول قرآن که از سال ۶۱۰ میلادی شروع شد تعداد مردم باسواد در صدی بسیار کم را تشکیل میداد اما خدای متعال نازل کننده این کلام بندگان خدمتگذار خود مانند حضرت علی، ابوبکر، زید بن ثابت، زبیر ابن الاعوام رحمت خدا برایشان باد را برای نوشتن و از ههای کلام تهیه فرمود و آن کلام پاك کلمه بکلمه نگاشته شد. زاید بر آن افراد زیادی از یاران پیغمبر اکرم

ﷺ قرآن را به همان صورت که وحی میشد از بر مینمودند. برای اعراب از بر کردن شعرها مرچند طولانی تر میبود مشکلی نداشت. در حقیقت آنان در این کار توانائی فوق العاده و بی نظیری داشتند و هزارها اشعار شعرا را از بر مینمودند.

برای نگهداری از قرآن همان از ابتدای نزول تا تکمیل آن کتاب مقدس مردود روش یعنی نوشتن و از بر کردن پیش گرفته شد و در نتیجه واژه های این کتاب خجسته بدون تحریف و دست خوردگی در صورت اصلی خود ثابت مانده است. همان از آن زمان تا اکنون فیلسوفان و نویسندگان اروپائی بسیار سعی بخرج دادند تا بتوانند حقایق این کلام را وارونه نشان دهند ولی با شکستی کامل روبرو شده اند.

قرآن ادعا نمود که چنانچه همه متفکرین عالم گرد آیند و کنگره جهانی تشکیل داده و همدیگر را یاری دهند و بهم فکر کنند تا سوره همانند کوچکترین سوره قرآن را بیآورند، نخواهند توانست پیروزی بدست آورند. بهمین ترتیب مدعی شد که خدای متعال نازل کننده آن کلامی مقدس است و او خود آنرا نگهداری خواهد نمود.

همین علت است که با وجود شدیدترین انتقادات عاقبت انتقاد کنندگان مجبور به پذیرفتن این حقیقت شدند که قرآن مقدس که امروز در دست ما مسلمانان است همان قرآن است که از طرف خدای متعال بر پیغمبر اسلام حضرت محمد ﷺ وحی فرستاده شد و ایشان آنرا بدست یاران خود سپردند. در این مورد نویسندگان جهانی بارها در نوشته های خود رای مثبت خویش را اظهار داشته اند که اینجا نیاز به توضیح بیشتر ندارد.

طبق قرآن ایمان آوردن به وحدانیت خدا، همه پیغمبران، کتب آسمانی، وجود

فرشتگان، روز قیامت و قضاء و قدر لازم است.

قرآن توحید خدای متعال آفریدگار و پروردگار همه جهانها را اولی تر از همه اعتقادات قرارداده است.

قرآن اعلام نمود که بسوی هر قریه و مردم هر زمان رسولان فرستاده شد. بطوریکه میفرماید:

وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ

ترجمه: و نیست قومی مگر آنکه در ایشان مشاردمنده نباشد.

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

ترجمه: و یقیناً در هر قومی رسولی برانگیختیم [تا ابلاغ نماید که ای مردم!] خدا را عبادت کنید و از سرکشان دوری گزینید.

قرآن ایمان آوردن به تمامی رسولان بلا امتیاز زمان و مکان لازم قرارداد. ضمناً برای آتیه هم علی الخصوص در سوره جمعه مژده داد که آن رسول یعنی محمد ﷺ در آخرین نیز مبعوث میشود که در امر واقع دلالت بر ظهور حضرت مسیح موعود و مهدی معهود میکند و ظهور این پیکر پاک از احادیث نبوی ﷺ و از کتب ادیان دیگر ثابت است. طبق سورة الصف قرآن این وجود عالی مقام دین اسلام که کمال همه ادیان است را بر هر کدام بخش دین برتر به اثبات خواهد رساند.

بعقیده جماعت احمدیه جهانی در اسلام آن وجود پاک نامی صد سال پیش در قادیان شهری کوچک در هندوستان بنام میرزا غلام احمد قادیانی ظهور کرد و دیری نپایید که ایشان بنیادجماعت احمدیه در اسلام را بنا نهادند و همه جهانیان را بسوی اسلام بطریق جالب دعوت کرده اعلام فرمودند که خدا

یکتا است و رسول اکرم حضرت محمد ﷺ خاتم النبیین است و قرآن همه کتب آسمانی را پایان دهنده است و من همان مسیح موعود و مهدی معهود هستم که درباره او ادیان قبلی و رسول اکرم ﷺ مژده دادند و به جماعت خود سفارش نمودند که قرآن را بدست گرفته و به تعلیم آن عمل کنان همه جهانیان را بسوی اسلام که تنها دین راستین در جهان است دعوت نمایند.

پس سپاس مخصوص خدا را که جماعت امروز در بیشتر از صدوپنجاه هفت کشور دنیا مراکز برای اشاعت دین دارد و قرآن را در هفتادوش زبان جهانی ترجمه کرده که از اینها پنجاه و شش به چاپ رسیده و بیست زیر چاپ است موجب گسترش تعلیم قرآن در زبانهای محلی مردم جهانی شده است و بازم بر سبیل پیشوائی حضرت میرزا طاهر احمد خلیفه المسیح الرابع رحمه الله تعالی امام عالی سعی جماعت برآنست که قرآن در بیشتر زبانهای جهانی ترجمه کرده و منتشر نموده شود. "ایم تی آ" سیماي مسلم تلويزون روزانه بیست و چهار ساعت تعلیم قرآن را با دیگر برنامه های سودمند به اکناف جهان پخش مینماید.

اینک ترجمه بزبان فارسی است و سپاس خدای متعال را که کوشش ما به ثمر رسید. اساس این ترجمه، ترجمه آردو زبان از حضرت امیرالمومنین خلیفه المسیح الرابع است و این ترجمه ایشان بطریق جدیدی و نتیجه تفکر و کوشش شب و روز چندین سال ایشان است و ایشان ترجمه را فراخور علم جدید بیان فرموده به اثبات رسانده اند که قرآن محض مجموع اساطیر پیشینیان نیست بلکه بعنوان سرگذشت های پیشینیان بسیار پیشگوئیهای حیاتی را بیان کرده است که هرکدام در زمان خود بظهور رسیده و این

سلسله در آتیه نیز تا قیامت ادامه خواهد داشت.

این ترجمه فارسی نتیجه کاری شب و روز آقای سید عاشق حسین است و از این همکاری ایشان قدر شناسی نموده لازم میدانیم که از نامهای آن دوستان گرامی هم یاد آوری شود که قبلاً در کار مقدماتی ترجمه همکاری کرده وقت طولانی خویش را در این راه خرج داده بودند:

(۱) آقای محمد افضل احمدی (۲) آقای عبدالخالق (۳) آقای ریاض باری (۴) شادروان آقای ملك مشتاق احمد (۵) شادروان آقای نعمت علی در پیشگاه پروردگار عالمیان دست به دعا است که او قادر و توانا این ترجمه را موجب هدایت بیشتر مردم قرار دهد و هر کدام به مرنحوی هم در تکمیل این کار خجسته کوشش و یاری کرده است، او قبول فرموده او را اجری بزرگ اعطاء بفرماید. آمین

با احترامات فوق

منیرالدین شمس

آدیسنال وکیل التصنیف جماعت احمدیه

فوریه ۲۰۰۳



شماره جزء و نام	صفحه	نام و شماره سوره	صفحه	تعداد آيات
١		الفاتحة ١	٢	٧
١	٤٦-١	البقرة ٢	٣	٢٨٧
٢	٨٨-٤٧			
٢	١٣٣-٨٩	آل عمران ٣	١٠٦	٢٠١
٤	١٧٨-١٣٤	النساء ٤	١٦٦	١٧٧
٥	٢٢٠-١٧٩			
٦	٢٦٤-٢٢١	المائدة ٥	٢٣٢	١٢١
٧	٣١٣-٢٦٥	الانعام ٦	٢٧٩	١٦٦
٨	٣٥٨-٣١٤	الاعراف ٧	٢٣٢	٢٠٧
٩	٤٠٤-٣٥٩	الانفال ٨	٣٩١	٧٦
١٠	٤٤٧-٤٠٥	التوبة ٩	٤١٧	١٢٩
١١	٤٩٤-٤٤٨	يونس ١٠	٤٦١	١١٠
		هود ١١	٤٩٢	١٢٤
١٢	٥٤١-٤٩٥	يوسف ١٢	٥٢٥	١١٢
١٣	٥٩٣-٥٤٢	الرعد ١٣	٥٥٧	٤٤
		ابراهيم ١٤	٥٧٤	٥٣
١٤	٦٣٩-٥٩٤	الحجر ١٥	٥٩٣	١٠٠
		النحل ١٦	٦٠٦	١٢٩
١٥	٦٩١-٦٤٠	بنى اسرائيل ١٧	٦٤٠	١١٢
		الكهف ١٨	٦٦٩	١١١
١٦	٧٤٣-٦٩٢	مريم ١٩	٧٠٠	٩٩

شماره جزء و نام	صفحه	نام و شماره سوره	صفحه	تعداد آيات
		طه	٢٠	٧١٩
١٧ اقرب للناس	٧٩٠-٧٤٤	الانبياء	٢١	٧٤٤
		الحج	٢٢	٧٦٨
١٨ قذافح	٨٤٢-٧٩١	المؤمنون	٢٣	٧٩١
		النور	٢٤	٨١٢
		الفرقان	٢٥	٨٣٦
١٩ قال الذين	٩٠٢-٨٤٤	الشعراء	٢٦	٨٥٥
		النمل	٢٧	٨٨٢
٢٠ امن خلق	٩٤٧-٩٠٣	القصص	٢٨	٩١٠
		المنكبات	٢٩	٩٢٦
٢١ اتل ما وحي	١٠٠٦-٩٤٨	الروم	٣٠	٩٥٤
		لقمن	٣١	٩٧٠
		السجده	٣٢	٩٨٤
		الاحزاب	٣٣	٩٩٣
٢٢ و من يقنت	١٠٠٧-١٠٦٠	سبا	٣٤	١٠٢١
		فاطر	٣٥	١٠٣٩
		يس	٣٦	١٠٥٤
٢٣ ومالي	١١٢٢-١٠٦١	الصفت	٣٧	١٠٧١
		ص	٣٨	١٠٩٤
		الزمر	٣٩	١١١١
٢٤ فمن اظلم	١١٧٢-١١٢٣	المومن	٤٠	١١٣٤

شماره جزء و نام	صفحه	نام و شماره سوره	صفحه	تعداد آیات
		خَمّ السجده	٤١	١١٥٨
٢٥ اليه يرد	١١٧٣ - ١٢٢٨	الشورى	٤٢	١١٧٥
		الزخرف	٤٣	١١٩٣
		الدخان	٤٤	١٢١٠
		الجاثية	٤٥	١٢١٩
٢٦ حم	١٢٢٩ - ١٢٩٠	الاحقاف	٤٦	١٢٢٩
		محمد	٤٧	١٢٤٢
		الفتح	٤٨	١٢٥٤
		الحجرات	٤٩	١٢٦٧
		ق	٥٠	١٢٧٥
		الذّٰرِيٓتِ	٥١	١٢٨٤
٢٧ قال فما خطبكم	١٢٩١ - ١٣٦٠	الطور	٥٢	١٢٩٦
		النجم	٥٣	١٣٠٤
		القمر	٥٤	١٣١٥
		الرحمن	٥٥	١٣٢٣
		الواقعه	٥٦	١٣٣٧
		الحديد	٥٧	١٣٤٩
٢٨ قدسع الله	١٣٦١ - ١٤٢١	المجادله	٥٨	١٣٦١
		الحشر	٥٩	١٣٧٠
		المتحنه	٦٠	١٣٧٩
		الصّف	٦١	١٣٨٧

شماره جزء و نام	صفحه	نام و شماره سوره	صفحه	تعداد آيات
		الجمعه	٦٢	١٣٩٢
		المنفقون	٦٣	١٣٩٧
		التفابن	٦٤	١٤٠١
		الطلاق	٦٥	١٤٠٧
		التحریم	٦٦	١٤١٤
٢٩	تبارك النبی ١٤٢٢ - ١٤٩٧	الملك	٦٧	١٤٢٢
		القلم	٦٨	١٤٣٠
		الحاقه	٦٩	١٤٣٧
		المعارج	٧٠	١٤٤٥
		نوح	٧١	١٤٥٢
		الجن	٧٢	١٤٦٠
		المزمل	٧٣	١٤٦٧
		المدثر	٧٤	١٤٧٢
		القيمه	٧٥	١٤٧٩
		الدمر	٧٦	١٤٨٦
		المرسلت	٧٧	١٤٩٢
		النبا	٧٨	١٤٩٨
٣٠	عمّ ١٤٩٨ - ١٦١٠	التّازعات	٧٩	١٥٠٣
		عيس	٨٠	١٥١٠
		التكوير	٨١	١٥١٥
		الانفطار	٨٢	١٥٢٠

شماره جزء و نام صفحه نام و شماره سوره صفحه تعداد آيات

۳۷	۱۵۲۳	۸۳	المطفّفين
۲۶	۱۵۲۸	۸۴	الانشقاق
۲۳	۱۵۳۲	۸۵	البروج
۱۸	۱۵۳۶	۸۶	الطارق
۲۰	۱۵۳۹	۸۷	الاعلى
۲۷	۱۵۴۲	۸۸	الفاشيه
۳۱	۱۵۴۶	۸۹	الفجر
۲۱	۱۵۵۱	۹۰	البلد
۱۶	۱۵۵۴	۹۱	الشمس
۲۲	۱۵۵۷	۹۲	الليل
۱۲	۱۵۶۰	۹۳	الضحى
۹	۱۵۶۳	۹۴	الم نشرح
۹	۱۵۶۵	۹۵	التين
۲۰	۱۵۶۷	۹۶	الملق
۶	۱۵۷۱	۹۷	القدر
۹	۱۵۷۳	۹۸	اليّنة
۹	۱۵۷۶	۹۹	الزلزال
۱۲	۱۵۷۸	۱۰۰	الفديت
۱۲	۱۵۸۱	۱۰۱	القارعه
۹	۱۵۸۴	۱۰۲	التكاثر ۱
۴	۱۵۸۶	۱۰۳	العصر

شماره جزء و نام	صفحه	نام و شماره سوره	تعداد آيات
الهمزه	١٠٤	١٥٨٨	١٠
الفيل	١٠٥	١٥٩٠	٦
قريش	١٠٦	١٥٩٢	٥
الماعون	١٠٧	١٥٩٤	٨
الكوثر	١٠٨	١٥٩٦	٤
الكاغرون	١٠٩	١٥٩٨	٧
النصر	١١٠	١٦٠٠	٤
اللهب	١١١	١٦٠٢	٦
الاغلاص	١١٢	١٦٠٤	٥
الفلق	١١٣	١٦٠٦	٦
الناس	١١٤	١٦٠٨	٧

## ۱ - سورة الفاتحة

این سوره در دوره ابتدائی مکه نازل شده بود و مطابق بعضی از روایات مستند در مدینه دوباره نازل شد و با بسم الله هفت آیت دارد.

این سوره خلاصه جمله مضامین قرآن است و بعلمت همین دلیل یکی نام این سوره ام الكتاب نیز است. علاوه بر این نامهای دیگر نیز دارد مثلاً فاتحة الكتاب، الصلوة، الحمد، ام القرآن، السبع المثانی، الشفاء، الكنز و غیره.

خدای متعال حضرت مسیح موعود علیه السلام را علی الخصوص علم تفسیر این سوره اعطا کرد. لذا حضرت مسیح موعود تفسیر این سوره را علی الخصوص در زبان عربی رقم نمودند.

## سُورَةُ الْفَاتِحَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سَبْعُ آيَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①
سیاربخشنده بارها رحم کننده (۱) ستایش مطلق برای خدا پروردگار	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ②
همه جهانها است (۲) [اوبلااستدعاوبلا امتیاز] بینهایت	الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③
بخشنده بارهارحمکننده است (۳) مالک روز جزاء (۴)	مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ④
تنها ترا عبادت میکنیم و تنها از تو یاری میجوئیم (۵)	إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ⑤
ما را براه راست هدایت کن (۶) بر راه آنانکه بر ایشان انعام	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥
کردی بر ایشان که غضب کرده نشد و گمراه نشدند (۷)	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑦



## ۲- سورة البقرة

این سوره در اولین و دومین سال دوره مدینه نازل شده بود و با بسم الله ۲۸۷ آیت دارد.

همان درابتداء این سوره اعتقادات اساسی مانند خدای متعال، وحی و الهام و ایمان به آخرت بیان میشوند. در سوره الفاتحة سه گروه عبارت از انعام یافته، مفضوب علیهم و ضالین، ذکر شده بودند. سوره البقرة پس از ذکر گروه انعام یافته، تفصیل از نواقص اعتقادات گروه مفضوب علیهم و زشت کاریها و فسق و فجور آنها بیان میکند.

این سوره معجزه ای شگفت انگیز است که وقایع پیغمبران گوناگون را از ابتداء آفرینش گرفته تا ذکر حضرت اقدس محمد ﷺ ارائه داده و تاقیامت مخاطرات درپیش اسلام را نیز خاطر نشان کرده است. پس از ذکر حضرت آدم علیه السلام سخن از پیغمبران متعلق به ادیانی بزرگ گفته میشود که شامل حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و آنحضرت ﷺ است. خواندن این سوره چنین میرساند گویی که شریعت بتمام در این نازل شده است و هیچ پهلوی از شریعت اسلامی باقی مانده به نظر نمیرسد. اگرچه در سورت‌های بعدی برخی جنبه های دیگر نیز یافت میشود، اما این سوره هر موضوعی را فی حد ذاته احاطه کرده دیده می شود. در حدیث آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند که يك قسمت هر چیز بمنزله قلّه آن میباشد و قرآن مجید را قلّه سورة البقرة است. در این سوره آیتی است که سردار همه آیت‌های قرآن میباشد و آن آیت الکرسی است. پس

این شأن اعجازی آنحضرت ﷺ است که این سوره به ایشان اعطاء شد. این سوره عبارت از مسائل نماز و روزه و زکوة و حج نیز است. علی الخصوص حاکی از ذکر آن ادعیه حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام است که ایشان هنگام بازسازی بیت الله در بارگاه خداوندی عرض نموده بودند.

در این سوره سخن از آن میثاق نیز می‌رود که خداوند با بنی اسرائیل بسته بود و آنان از روی بدبختی خود به نقض آن پیمان برخاستند و بعدها همین پیش زمینه برای بعثت حضرت مسیح علیه السلام اثبات شد.

در پایان این سوره آیتی است از آنچه چنین برمی‌آید که مجمل هرکدامین ادعیه در آن فراگرفته شده است و گویی که آن بعنوان يك گنج لامتناهی ادعیه اعطاء شده است.

☆ سُورَةُ الْبَقَرَةِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَتَانِ وَسِتُّعٌ وَثَمَانُونَ آيَةً وَأَرْبَعُونَ رُكُوعًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارما رحم کننده (۱)

أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ - منم خدا داناتر از

الْباقی

الْمَرَّةِ ②

همه (۲)

این "آن" کتابی است. در این هیچ شکلی نیست. متقیان راهدایت دهندۀ

عبدالمطهرین  
صالحین

ذَلِكَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى

لِلْمُتَّقِينَ ③

است (۳)

ایشان که بغیب ایمان آورند نماز

بپای دارند و انفاق کنند از آنچه

بدیشان رزق دادیم (۴)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ

الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ④

وآنانکه ایمان میآرنده آنچه به

سوی تونازلکرده شد و آنچه پیش

ازتونازلکرده آمد و آنان به آخرت

یقین دارند (۵)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا

أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ⑤ وَيَا آخِرَةَ هُمْ

يُوقِنُونَ ⑤

هماناندبرهدایتی ازپروردگارخود

و همانها رستگاراند (۶)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ

هُمْ الْمفلِحُونَ ⑥

یقیناً آنانکه کفرکردند [دراینحال

که]برآنان برابر است خواه آنها را

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ

بترسانی یا آنها را ترسانی، ایمان  
نمی‌آرند (۷)

خدا بر قلبهای آنها و برگوشهای  
آنها مهر نهاده و بر جشان آنان برده  
است و آنها را عذابی بزرگ است (۸)  
و برخی از مردم اند که گویند ما  
به خدا و به روز آخرت ایمان  
آوردیم حالانکه آنها ایمان آوردگان  
نیستند (۹)

خدعه کنند به خدا و آنانکه ایمان  
آوردند حالانکه خدعه نکنند جز به  
خودشان و درک نمیکنند (۱۰)  
در قلبهای آنها مرضی است. پس خدا  
مرضی را به آنها افزایش داد و  
آنها را عذابی دردناک است بدانچه  
دروغ می‌گفتند (۱۱)

و چون به آنها گفته شود فساد در  
زمین نکنید گویند ما فقط اصلاح  
کنندگانیم (۱۲)

باش ایقیناً ممانها فسادکارانند ولی  
در نمی‌یابند (۱۳)

ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۷﴾

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ  
وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ ۖ وَلَهُمْ

عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۸﴾

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَا أَيُّومَ

نُفِئْنَا مِنَ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۹﴾

يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا ۗ وَمَا

يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا  
يَشْعُرُونَ ﴿۱۰﴾

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ۖ فَزَادَهُمُ اللَّهُ

مَرَضًا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۖ بِمَا كَانُوا  
يَكْذِبُونَ ﴿۱۱﴾

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ

قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿۱۲﴾

إِلَّا أَنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن

لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۳﴾

و چون به آنها گفته شود ایمان آورید آن طور که مردم ایمان آورده اند گویند: آیا ایمان آوریم بطوریکه بیخردان ایمان آورده اند. باش! آنها خود بیخرد اند ولی نمیدانند (۱۴)

و چون دیدن کنند به آنانکه ایمان آوردند گویند، ما ایمان آوردیم و دمیکه بسوی شیطانهای خود جدا شوند گویند یقیناً ما با شما ایم. براستی ما [بآنها] فقط تمسخر کنندگانیم (۱۵)

خدا به سخریه آنها پاسخ دهد و به آنها فرصت دهد تا درسرکشی خود سرگردان شوند (۱۶)

همانها اند که گمراهی را ببهای هدایت خریدند. پس نه داد و ستد به آنها سودی داد و نه هدایت یافتگان شدند (۱۷)

مثل آنان بمثل آنست که آتشی بر افروخت. پس دمیکه آن [آتش]

وَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿۱۴﴾

وَ إِذْ قَالُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شِيَطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ لَإِيمَانًا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ ﴿۱۵﴾

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدَّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿۱۶﴾

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ ۖ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿۱۷﴾

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ

پیرامون او را روشن ساخت خدا  
نور آن [افروزنده] ها را برگرفت  
و آنها را در تاریکیها [بطوری] ترک  
کرد که هیچ نمیدیدند (۱۸)

کر، گنگ، کور اند. پس آنها [به  
هدایت] برنگردند (۱۹)

یا [مثل آنان] مانند بارانی است که  
از آسمان فروریزد. در آن تاریکیها و  
رعد و برق است. بعلت غرشهای ابر  
از ترس مرگ، سرانگشتان خود  
را در گوشهای خود مینهند و خدا  
کافران را احاطه کرده است (۲۰)

نزدیک است برق بینائی آنان را  
برگیرد. هرگاه آن بر آنها میدرخشد  
در آن [کمی] راه میروند و هرگاه آن  
بر آنها تاریک سازد میایستند و اگر  
خدا بخواهد شنوائی آنان و بینائی  
آنان را بر میگیرد. یقیناً خدا بر  
هر چیز مدام قدرتمند است (۲۱)

ای مردم! عبادت کنید آن پروردگار  
خود را که آفرید شمارا و آنانرا که

وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلْمٍ لَا يَبْصُرُونَ ﴿۱۸﴾

صُمُّكُمْ عَنِ فَمِهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿۱۹﴾

أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمٌ  
وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي  
أَذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ ۗ  
وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿۲۰﴾

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ ۗ كُلَّمَا  
أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ ۗ وَإِذَا أظْلَمَ  
عَلَيْهِمْ قَامُوا ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ  
بِسْمِعِهِمْ وَأَبْصَارَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۱﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ  
وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۲۲﴾

قبل از شما بودند تا تقوی را فرا  
گیرید(۲۲)

آنکه زمین را برای شما گسترش  
و آسمان را (از روی بقای شما)  
شالوده ای ساخت و آبی از آسمان  
فروریخت پس بدان هر نوع میوه  
ها را رزقی برای شما درآورد. پس  
برای خدا شریکانی قرار ندهید  
حالانکه شما میدانید(۲۳)

و اگر شما در تردیدید از آنچه بر بنده  
خود نازل کردیم پس هیچ سوره ی  
مثل آن را بیارید و سرپرستان خود  
جز خدا [فرا گرفته ها] را فراخوانید  
اگر شمار است گویند(۲۴) ++

پس اگر نکنید و هرگز نتوانید کنید

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ  
بِنَاءً ۖ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ  
مِنَ الشَّجَرِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ  
أندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٣﴾

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا  
فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ ۖ وَادْعُوا  
شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ ﴿٢٤﴾

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا

++ آیت ۲۴: در قرآن مجید اعلام گامی برای آوردن نظیر يك سورة و گامی ده سورة و  
گامی برای جمله قرآن است. آنجا که اعلام برای آوردن نظیر يك سورة است منظور  
از آن توان سورة البقرة هم شد. از این سورة چنین برمی آید گویی که جمله مسائل  
قرآن در این سورة بیان شده است و آنجا که اعلام برای آوردن نظیر ده سورة  
است بدین معنای است که انسان هر کدام ده سورة قرآن را هر کجا از آن بخواهد  
چه کوچک تر از سوره های اخیر چه طولانی تر، بگزیند او عاجز از آوردن نظیر  
آن خواهد ماند تا چه رسد به اینکه همه قرآن باشد.

پس بترسید از آن آتش که سوخت  
آن انسانها و سنگهاست. آن برای  
کافران آماده شده است (۲۵)

و مژده بده به آنانکه ایمان آوردند  
و نیکوکاریها انجام دادند که ایشان  
راباغهاست که در دامنه آنها نهرها  
روانست. هرگاه از آن [باغ]ها میوه  
های بعنوان رزقی داده شوند گویند،  
اینکه همان است که قبلاً هم داده  
شدیم حالانکه قبلاً مانند آن [رزق]  
داده شده بودند و ایشانرا در آن  
[باغ]ها جفت های پاکشده باشند  
و ایشان در آن جاودانند (۲۶)

مانا خدا عار ندارد که مثلی زند  
آنچه به پشه است تا آنچه برتر از  
آنست. پس نسبت به آنانکه ایمان  
آورده اند میدانند که این از  
بیت پروردگار ایشان حق است و اما  
نسبت به آنانکه کفر کردند گویند  
خدارا از این مثل منظور چیست؟  
بسیاری را بدین [مثل] گمراه میکند

النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ  
أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿۲۵﴾

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ  
لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
كُلَّمَا رَزَّ قَوْمٌ مِنْهَا مِنْ شَمْرَةٍ زُرْقًا قَالُوا  
هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنْتُمْ بِهَا  
مُتَشَابِهَةٌ وَلَهُمْ فِيهَا أَنْجُمٌ مُنْظَرَةٌ  
وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۶﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا  
بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا  
فَيَعْلَمُونَ أَنََّّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا  
الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ  
بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ  
كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿۲۷﴾



و کسیرا با این گمراه نمی گرداند

جز فاسقان (۲۷) ++

[یعنی] آنانکه عهد خدایی را پس از توثیق آن بشکنند و ببرند آن [مناسبات] را که خدا امر به پیوند آن کرده و در زمین فساد کنند همانها زیانکارانند (۲۸)

چطور خدارا انکار کنید حالانکه شما مردگانی بودید پس او شما را زنده کرد. باز شما را بمیراند و باز شما را زنده خواهد کرد. سپس بسوی او باز گردانیده خواهید شد (۲۹)

اوست آنکه جمیع آنچه در زمین است را برایشما آفرید. سپس نظر را بسوی آسمان گماشت و آنرا هفت آسمان متوازن ساخت و او به هر چیز صاحب علم دائمی است (۳۰)

الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ  
وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ  
وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ  
الْخٰسِرُونَ ﴿٢٨﴾

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا  
فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ  
ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٩﴾

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ  
جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ  
سَبْعَ سَمَاوَاتٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٠﴾

++ ایت ۲۷: فافوقها - چیزی که پشه بر خود برداشته است. آنچه فوق آنست و آن میکروب مالیریای است و بیشترین مردم جهان جان خود را از مالیریا و بیماریهای مالیریایی از دست میدهند و جمله "خدا شرم ندارد" را مفهوم اینست که قطعاً جای شرمندگی نیست زیرا این مثل بسیار برتر است.

و [یادکن] چون پروردگار تو به فرشتگان گفت یقیناً من در زمین خلیفه‌ی قراردمنده‌ام. گفتند آیا در آن قراردمی آنرا که در آن فساد کند و خونها بریزد حالانکه ما باستایش تو تسبیح گوئیم و تقدیس تو را بیان کنیم. گفت یقیناً من میدانم آنچه شما نمیدانید (۳۱)

و [خدا] جمله نامهارابه آدم آموخت. سپس آن [آفریده] ما را بفرشتگان عرضه نمود و گفت به نامهای ایشان مرا خبر دهید اگر شما راستگویان اید (۳۲) ++

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ ۗ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۱﴾

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هٰٓؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صٰٓدِقِينَ ﴿۳۲﴾

++ آیت ۳۲: واژه اسماء چندین معنای دارد مثلاً:

- (۱) حقایق اشیاء (سراخلافه)۔
- (۲) اسماء زبان عربی (منن الرحمان)۔
- (۳) آن صفات که در فرشتگان نبودند.
- (۴) نامهای آن پیغمبران که ظهور ایشان از نژاد آدم قرار بود و فرشتگان را در این باب هیچ دانشی نبود و هنگامیکه آدم نامهای آن پیغمبران را خواند فرشتگان مبهوت ماندند.

[ بر صفحه ۱۳ ادامه دارد ]

[فرشتگان] گفتند، تو پاکی، نیست ما رادانشی جز آنچه بما موختی همانا تو مدام دانای صاحب حکمت ای (۲۳)

[خدا] گفت: ای آدم! نامهای ایشان را بدیشان خیریده، پس چون [آدم] نام های آنانرا بدیشان خبر داد فرمود آیانگفته بودم بشما که یقیناً من میدانم غیبهای آسمانها و زمین و میدانم آنچه عیان کنید و آنچه نهان کنید (۲۴)

و چون بفرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید پس ایشان سجده کردند جز ابلیس، او ابا کرد و تکبر نمود و از کافران بود (۲۵)

قَالُوا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ۗ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ﴿۳۳﴾

قَالَ يَا اٰدَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاسْمَائِهِمْ ۗ فَلَمَّآ اَنْبَاَهُمْ بِاسْمَائِهِمْ ۙ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ اِنِّيْۤ اَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۙ وَاَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ ﴿۳۴﴾

وَ اِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْۤا اِلَّا اِبْلِیْسَ ۗ اَبٰی وَاَسْتَكْبَرَ ۙ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۳۵﴾

بقیه آیت ۳۲: در نتیجه بعثت پیغمبران نیز موضوع یَسْفِكُ الدِّمًا راست میاید ولی بنحوی دیگر، فرشتگان را تا این حد اندازه ای بود که وقتی که کسی از جانب خدا نماینده ای مامور شد خون در زمین ریخته خواهد شد اما ایشان را به این امر علم نبود که پیغمبران در اینمورد تقصیری نخواهند داشت بلکه مقصر مخالفان ایشان خواهند بود.

وگفتیم ای آدم تو و زوجت در بهشت مسکن بگزین و شما دوی مرجای درآن خواستید فراوان بخورید و به نزدیک آن درخت نروید وگرنه هر دوی شما از ستمکاران خواهید شد(۳۶) ++

پس شیطان آندو را ازآن [درخت] لفراندو آندورا ازآن [حالت] که در آن بودند بدرکرد و گفتیم بیرون روید [درحالیکه] بعضی از شما بعضی دشمن شوند و شمارا تا زمانی در این زمین قرارگاه و بهره برداری است(۳۷)

پس آدم از پروردگار خود کلماتی فراگرفت و توبه کنان بسوی او روی آورد یقیناً او است که بسیار

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ  
وَكَلا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا  
هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٦﴾

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا  
كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ  
لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ  
مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٧﴾

فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۗ  
إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٨﴾

++ ایت ۳۶: اینجا واژه "شجره" بمعنای آن احکام شریعت است که به او امر نمی مربوط میباشد و اگر خلاف آنها عمل شود آنگاه برای انسان امن ازگیتی نابود میگردد. ضمناً در اینجا خطاب به دونفر است اما بدین معنای نیست که تنها آدم و حوا درجنت زیست میکردند. زیرا واژه های آیتی مجاور "اهبطوا منها جميعاً" میفهماند که دیگرانی از بنی آدم نیز در آنجا زندگی میکردند.

بذیرنده توبه و بارها رحمنکننده  
است (۳۸)

گفتیم همه از آن خارج شوید. پس  
زمانیکه شمارا از سوی من هدایتی  
آید پس آنانکه از هدایتم پیروی  
کنند پس نه برایشان بیسی باشد  
و نه ایشان اندومگین شوند (۳۹)  
و آنانکه انکار کردند و به آیات ما  
تکذیب کردندمانها اهل آتشند. آنها  
مدت دراز در آن میمانند (۴۰)

ای بنی اسرائیل! بیاد آورید نعمتی  
را که بر شما ارزانی داشتم و بعهد  
من وفا کنید من بعهد شما وفا کنم  
و تنها از من بترسید (۴۱)  
و ایمان آورید به آن [کلام] که تصدیق  
کننده آن نازل کردیم که بشماست  
و به انکار آن پیشی نگیرید و به  
آیاتم بهائی ناچیز نگیرید و تنها  
مرا تقوی کنید (۴۲)

و حق را بیاطل قاطی نکنید و نه  
حق را کتمان کنید حالانکه شما

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاٰمَآءٌ يَّتَبِعُكُمْ  
مِّنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَاىَ فَلَا خَوْفٌ  
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٣٨﴾

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا ۗ اُولٰٓئِكَ  
اَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٣٩﴾

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِيْ  
اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ ۗ وَاَوْفُوا بِعَهْدِيْ ۗ اَوْفِ  
بِعَهْدِكُمْ ۗ وَاِيَّآىَ فَاَرْهَبُوْنَ ﴿٤٠﴾

وَاٰمِنُوْا بِمَا اَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ  
وَلَا تَكْفُرُوْا ۗ اَوَّلُ كٰفِرِيْهِ ۗ وَلَا تَشْتَرُوْا  
بِآيٰتِيْ ثَمًا قَلِيْلًا ۗ وَاِيَّآىَ فَاتَّقُوْنَ ﴿٤١﴾

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا  
الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٤٢﴾

میدانید (۴۳)

و نماز را بپای دارید و زکات دهید  
و بتعمیم کمرخم کنید بابتعمیم  
کمرخم کنندگان (۴۴)

آیا مردم را به نیکی امر کنید و  
خودتانرا فراموش میکنید حالانکه  
شما کتاب میخوانید پس چرا به  
خرد نییابید (۴۵)

و با صبر و نماز یاری جوئید و حتمًا  
آن گرانست جز بر فروتنان (۴۶)  
آنانکه باور کنند که پروردگار خود  
را دیدار خواهند کرد و اینکه آنان  
بسوی او بازگشتگانند (۴۷)

ای بنی اسرائیل! بخاطر آورید آن  
نعمت را که بر شما ارزانی داشتم  
و آنکه من شمارا بر عالمیان فضیلت  
دادم (۴۸)

و بترسید روزیکه کسی بکار کسی  
نیاید و نه شفاعت از او پذیرفته  
شود و نه بدلی از او گرفته شود  
نه آنان یاری کرده شوند (۴۹)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا  
مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿۴۳﴾

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ  
أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا  
تَعْقِلُونَ ﴿۴۴﴾

وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا  
لَكِبْرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿۴۵﴾

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوْنَ رَبَّهُمْ  
وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۴۶﴾

يَبْنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ كُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي  
أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى  
الْعَالَمِينَ ﴿۴۷﴾

وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْرِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ  
شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ  
مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿۴۸﴾

و[بیاد آورید] هنگامیکه شما را از فرعونیان که شمارا بدترین عذاب میکردند نجات دادیم. آنها پسران شمارا میکشتمند و زنان شمارازنده میگذارند شمارا از پروردگار شما در آن آزمایشی بزرگ بود(۵۰)

وآنگاه که دریارا برایشما شکافتیم و شما را نجات دادیم درحالیکه فرعونیان را غرق ساختیم و شما [این مه را] تماشا میکردید(۵۱)

و هنگامیکه بموسی وعدهٔ چهل شب دادیم. سپس بعد از [رفتن] او گوساله را [معبود] فرا گرفتید و شما ستم کاران بودید(۵۲)

باز از آن پس از شما درگذشتیم تا باشد که شما سپاسداری کنید(۵۳) هنگامیکه به موسی کتاب دادیم و فرقان تا باشد که شما هدایت یابید(۵۴)

و وقتیکه موسی بقوم خودگفت ای قوم من! گوساله را [معبود] گرفته

وَإِذْ نَجَّيْنَكُمْ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ  
يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ  
أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۗ وَفِي  
ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٥٠﴾

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا  
آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥١﴾

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ  
اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥٢﴾

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ ﴿٥٣﴾

وَإِذْ أَنْتَبْنَا مُوسَىٰ إِلَيْنَا وَأَلْفَرَقْنَا  
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٤﴾

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أِنَّكُمْ  
ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ

یقیناً شما بر جانهای خود دستمزد کردید. پس توبه کنان بسوی پروردگار خود روی آورید و نفوس خود را بکشید. این برای شما نزد آفریدگار شما بسیار بهتر است. پس او توبه را پذیرفته بر شما مهربان شد. یقیناً او بسیار توبه پذیر و بارها رحم کننده است (۵۵) ++

و چون گفتید ای موسی! هرگز تورا باور نکنیم تا آنگاه که خدا را آشکارا ببینیم پس صایقه شما را فراگرفت و شما چشم دوخته میدیدید (۵۶)

باز شما را از [حالتی مانند] مرگ بر خیزانندیم تا باشد شما سپاسداری کنید (۵۷)

و افکنندیم بر شما سایه ابرها و بر شما ترنجبین و سلوی نازل کردیم.

++ آیت ۵۵: فاقتلوا انفسکم - به این معنای نیست که همدیگر را بکشید بطوریکه معمولاً علمای میپندارند بلکه به این معنای است که از گناهان خود توبه کرده و نفوس های خود را بکشید.

فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا  
أَنْفُسَكُمْ ۗ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ  
بَارِئِكُمْ ۗ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۗ إِنَّهُ هُوَ  
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۵۵﴾

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّىٰ  
نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّعِقَةُ  
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۵۶﴾

ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ ﴿۵۷﴾

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ  
الْمَنَّانَ وَالسَّلْوَىٰ ۗ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا



بخورید پاکیزه های را از آنچه  
به شما رزق اعطا کنیم و ستم به  
ما نکردند بلکه برجانهای خویش  
ستکاران بودند (۵۸)

و چون گفتیم بداخل این قریه  
بشوید و بخورید از آن هر جا  
خواستید بفروانی و اطاعت کنان  
داخل درب [بزرگ] شوید و بگویید  
"بار سبک کرده شود". ما از  
خطاهای شما در گذریم و حتماً احسان  
کنندگان را زیاد خواهیم داد (۵۹)

پس بدل کردند آنانکه ستم کردند  
سخن را غیر از آنکه برای آنان گفته  
شد. پس عذابی نازل کردیم از آسمان  
بر آنانکه ستم کردند بدانملت که  
نافرمانی میکردند (۶۰)

و چون موسی آب برای قوم خود  
خواست آنگاه گفتیم ضربه بمصای  
خود بر تخته سنگ بزن. آنگاه  
دوازده چشمه از آن جوشید و هر  
کدامین مردم مشربگاه خود را

رَزَقْنَكُمْ<sup>ط</sup> وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا  
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ<sup>هـ</sup>

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا  
حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ  
سُجَّدًا وَ قُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ  
خَطِيئَتَكُمْ<sup>ط</sup> وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ<sup>هـ</sup>

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ  
لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا  
مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ<sup>ع</sup>

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا  
اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ<sup>ط</sup> فَانفَجَرَتْ  
مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا<sup>ط</sup> قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ  
مَّشْرَبَهُمْ<sup>ط</sup> كَلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ

وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۱۱﴾

بشناخت. بخورید از رزق خدا و بنوشید و بطور فتنه گر فساد در زمین مگسترانید (۶۱)

و چون گفتید: ای موسی! ما نخواهیم توانست بریک طعام صبر کنیم پس درحق ما از پروردگار خود دعا کن که برای ما آن چیزها بیرون آورد که زمین میرویاند - سبزی و خیار و گندم و عدس و پیازش. او گفت: مگر میخواهید آنچه را که بهتر است تبدیل کنید با آنچه که پستتر است؟ در شهری داخل شوید پس یقیناً برای شما است آنچه خواسته اید و ذلت و بیچارگی بر آنها افکنده شد و با غضب خدا بازگشتند. این بدانعلت بود که آنها به آیتهای خدا انکار می کردند و انبیاء را بناحق می کشتند. [بلی!] این بدانعلت بود که نافرمانی کرده و تجاوزگری می کردند (۶۲)

مانا! کسانی که ایمان آوردند و

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْمِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلَهَا ۗ قَالَ أَتَسْتَبِدُّونَ الذِّئْبَ هُوَ أَدْنَىٰ بِالذِّئْبِ هُوَ خَيْرٌ ۗ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ ۗ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ ۗ وَبَاءَ وَبِعَضِّ مِنَ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يُكْفِرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۱۱﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَىٰ

آنانکه یهوداند و نصاری و پیروان دیگر کتابهای الهی مرکه به خدا و روز آخرت ایمان آورد و شایسته کاری ها انجام داد پس برای همه آنان پاداش آنان نزد پروردگار آنانست و نه بر ایشان بیسی است و نه ایشان اندوه خوردند(۶۳)++

و چون پیمانی موثق شمارا گرفتیم و طور را بر شما بلند کردیم - آنچه را به شما در داده ایم بقوت بگیرید و آنچه را در آن است ذکر کنید تا توانید [از هلاك] مصون باشید(۶۴) ++ ص.۲۲

وَالصَّيِّئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۶۳﴾

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ  
الطُّورَ ۚ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ  
وَأذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۶۴﴾

++ آیت ۶۳: این آیت قرآن و دیگر آیتهای متشابه آن عدالتمندی را مثلهای بلند مرتبت میباشند. در این امر جای تردید نیست که نجات ترجیحاً به آنان داده شود که ایمان راستین بر محمد رسول الله ﷺ بیاورند اما میتوان بسیار کثیر مردم باشند که پیغام اسلام به ایشان درست ابلاغ نشده باشد. بلکه میلیونهای مردم اند که پیغام اسلام را دریافته اند. لذا قرآن مجید اعلام میکند که اگر مردم این قبیل اعتقاد به خدا داشته باشند و یقین دارند که پس از مرگ برانگیخته و پرسیده شوند پس اگر ایشان عمل کنند بر آن شریعت خود که برای ایشان نازل شد و آنرا میدانند پس درقبال آن نیکیها که برای خدا انجام دهند به پاداشی نیکوتر برخوردار شوند و ایشان را هیچ اندومی فرا نخواهد گرفت.

بازهم سریچی کردید. پس اگر  
 فضل خدا و رحمت او بر شما نبود  
 حتماً از زیانکاران میشدید(۶۵)  
 و همانا دانسته اید آنان را از  
 خودتان که در مورد سبت تجاوز  
 کردند - آنگاه به آنها گفتیم که  
 بوزینگان خوار شوید(۶۶)++

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ  
 اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ  
 الْخُسِرِينَ ﴿٦٥﴾

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنكُمْ فِي  
 السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٦﴾

پس ما این [بیحرمتی] سبت را بعلمت

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا

++ آیت ۶۴: "و رفعا فوقكم الطور" برخی از مفسران از این واژه ها چنین خیال  
 میکنند که کوه طور آنرا از زمین راست کرده شده بود حال اینکه معنای این فقط  
 اینقدر است که آنگاه ایشان در سایه کوه طور بودند. بسا اوقات يك کوه کمی پیش  
 آمدگی دارد و به رهگذری که از نزدش بگذرد چنین بچشم میخورد گویی که آن بر  
 او خم شده است. گاهی در سایه چنین کوه لشکری کامل میتواند جاگیرد.

آیت ۶۶- قرده خاسئین - منظور میمون اصلی نیست بلکه علمای کجروانند که آنان  
 فرمان برگشت به مقام ابتدائی تر خود داده میشوند. طبق نظریه ارتقائی دارون  
 انسان قبلاً میمون بود. پس این نشانه ای است از صداقت قرآن که حالت ابتدائی  
 انسان از میمون ظاهر کرده شد. یقیناً منظور از این علمای کجروانند. چنانچه رسول  
 الله ﷺ نیز همینطور بيشگوئی فرمودند: "تكون في امتي فرقة فيصير الناس الى علمائهم  
 فاذا هم قرده و خنازير" یعنی در امت من ترس و وحشت پدید خواهد آمد آنگاه  
 مردم بسوی علمای خودشان خواهند رفت آنگاه خواهند دید که در آنجا میمونها و  
 سورها نشسته اند... [کنز العمال جلد ۱۶ صفحه ۸۰ حدیث شماره ۳۸۷۲۲۷ ناشر  
 مؤسسة الرسالة بیروت ۱۹۸۵ .

منظره ای پیش روی آن و پشت  
سر آن موجب عقوبت و برای  
متقیان پندی بزرگ قرار  
دادیم (۶۷)

و گامی که موسی ب قوم خود گفت،  
همانا خدایه شما فرمان دهم که گاوی  
[خاص] را بکشید. گفتند، آیا ما را به  
سخریه میگیری؟ او گفت پناه به  
خدایمیرم که از جاملان باشم (۶۸)

گفتند بخاطر ما از پروردگار خود  
دعا کن برای ما روشن سازد که  
آن چیست؟ گفت، همانا او گوید  
آن گاوی است نه خیلی سالخورده  
ونه جوان - میانه ایندواست. پس

بجا آورید آنکه فرمان شوید (۶۹)

گفتند، بخاطر ما از پروردگار خود  
دعا کن ب ما روشن سازد که رنگش  
چیست؟ گفت، همانا فرماید یقیناً  
آن گاویست زرد فام خیلی روشن  
که رنگش بینندگان را سرور

میآورد (۷۰)

وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۷۰﴾

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ  
أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً ۗ قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا  
هَٰزِرًا ۗ قَالَ أَعْمُوذُ بِاللَّهِ أَن أَكُونَ مِنَ  
الْجَاهِلِينَ ﴿۷۱﴾

قَالُوا ادْعُ لِنَارِكَ يَبِينُ لَنَا مَا هِيَ ۗ  
قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِصٌ وَلَا  
بِكْرٌ ۗ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ ۗ فَافْعَلُوا مَا  
تُؤْمَرُونَ ﴿۷۲﴾

قَالُوا ادْعُ لِنَارِكَ يَبِينُ لَنَا مَا لَوْ نُهَا ۗ  
قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ  
فَاقِعٌ لَّوْنُهَا سُرَّةُ الثُّرَيِّينَ ﴿۷۳﴾

گفتند بخاطر ما از پروردگار خود دعا کن برای ما پیداتر سازد که آن چیست؟ چه همه گاوهای بر ما مشتبه شده اند و انشاء الله حتماً

ما هدایت یافتگانیم (۷۱)

گفت مانا او گفته است حتماً آن گاوی است بدون رام که بزمین شخم زند و نه بکشت آبیاری کند. آن سالم است و لکه ای در آن نیست. گفتند اکنون حقیقت را آوردی. پس آنرا ذبح کردند حال آنکه [قبلاً] کنندگان نبودند (۷۲)

و هنگامیکه نفسی را کشتید و درباره آن اختلاف کردید و خدا آشکار کننده بود آنچه را شما پنهان می کردید (۷۳) ++

پس گفتیم [بخاطر ارزیابی] این [واقعه] را با برخی دیگر شبیه به آن مقایسه کنید اینگونه خدا مردگان را [بامواخذه قاتلان آنها] زنده کند و آیتهای خود را به شما نشان

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ۚ إِنَّ الْبَقَرَ تَشْبَهُ عَلَيْنَا ۗ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧١﴾

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا ۗ قَالُوا لئن جِئْت بِالْحَقِّ ۗ لَدَبَّحُوهُمَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٢﴾

وَإِذْ قَاتَلْتُم نَفْسًا فَادَرَأْتُم فِيهَا ۗ وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٧٣﴾

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا ۗ كَذَلِكَ يُخِي اللَّهُ الْمَوْتَى ۗ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٤﴾

دهد تا شما بخرد بیابید(۷۴)++  
 باز از آن پس قلبهای شما سفت شد  
 گویی آنها مانند سنگ بود یا در  
 سنگدلی از آنها سختتر حالانکه از  
 سنگها بعضی است که حتماً از آنها  
 نهرهای بیرون آید و یقیناً از آنها  
 بعضی است که چون بشکافد از  
 آنها آب بیرون آید و یقیناً از آنها  
 برخی است که از خشیت خدا  
 فرود آید و نیست خدا بفطرت از  
 آنچه میکنند(۷۵)

آیا انتظار دارید که شمارا باور  
 کنند حالانکه گروهی از آنها کلام  
 خدا را میشوند و پس از فرا گرفتن  
 آن در آن تحریف میکنند حالانکه  
 آنها خوب میدانند(۷۶)

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ  
 كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنْ مِنَ  
 الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ  
 مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ  
 مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ  
 بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٥﴾

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا بِالْكُمْ وَقَدْ كَانُوا  
 فَرِيقًا مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ  
 يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ  
 يَعْلَمُونَ ﴿٧٦﴾

++ آیات ۷۳ - ۷۴: مفسران معنای این آیات نیز درست فرامیگیرند و گویند که  
 اگر کسی کشته شود آنگاه چند تکه گوشت گاوی بر بدن مقتول بریزید و بر اثر این  
 عمل مشخص میگردد که قاتلش کیست [تفسیر فتح البیان] در حالیکه قرآن در اینجا  
 بوضوح بیان میکند که به حالات مقتول رای کرده حالات همانندش را مقایسه کنید که  
 این تضیه چگونه روی نمود.

و هنگامیکه با آنانکه ایمان آوردند دیدن کنندگویند ما ایمان آوردیم و هنگامیکه برخی از آنها ببرخی دیگر سوا میشوند گویند: آیا به آنها آن امور بیان میکنید که خدا بر شما وا کرده است تا بوسیله ایمان به شما نزد پروردگارتان محاجه کنند پس آیا عقل نمی کنید؟ (۷۷)

آیا نمیدانند که یقیناً خدا میداند آنچه را نهان کنند و آنچه را عیان کنند (۷۸)

و میان آنها بیسوادان اند که هیچ دانشی به کتاب جز آرزوهای [خود] ندارند و آنان فقط حدس میزنند (۷۹)

پس هلاکت بر آنانکه کتاب را با دست خود نوشته بازگویند این از جانب خدا است تا بیدل آن بهائی ناقابل بگیرند. پس برای آنها هلاک است از آنچه دست های آنان

وَإِذْ يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٧﴾

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٨﴾

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيًّا وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٩﴾

قَوِيلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوِيلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا



يَكْسِبُونَ ﴿۸۰﴾

نوشته و ملامت است برای آنان  
بعلمت آنچه کسب کنند (۸۰)

و گویند مرگز آتش بما لس نکند  
جز چند روز. بگو آیا از خدا پیمانی  
گرفته اید؟ پس مرگز خدا خلاف  
پیمان خود نکند یا بر خدا حرف  
میزنید آنچه را نمیدانید (۸۱)

حقیقت اینست آنکه بدی کسب  
کرد تا آن انتها که خطاهایش او را  
فراگرفت پس همانها اهل آتش اند.  
آنها در آن مدت دراز میمانند (۸۲)

و کسانی که ایمان آوردند و نیکو  
کاری کردند ایشان اهل بهشتند  
ایشان در آن جا میدانند (۸۳)

و چون [از آنها] میثاق بنی اسرائیل  
گرفتیم که بفریاز خدا بکسی عبادت  
نکنید و به والدین با حسن عمل  
رفتار کنید و به خویشان و یتیمان  
و تهی دستان نیز و به مردم سخن  
نیکوی بگویید و نماز بهای دارید  
و زکات دهید. باز هم [از پیمان]

وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا  
مَعْدُودَةً ۗ قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا  
فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ ۗ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى  
اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۸۱﴾

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ  
خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا  
خَالِدُونَ ﴿۸۲﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ  
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۸۳﴾

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا  
تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ ۗ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا  
وَوَالِ الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ  
وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا ۗ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ  
وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا لَاقِلِيلًا  
مِّنْكُمْ ۗ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۸۴﴾

روگردانی کردید جز اندک از  
شما و شما اعراض کنندگان  
بودید (۸۴)

و چون [از شما] پیمانی موثق شما  
گرفتیم که خون خودتان را نه  
ریزید و افراد خود را از شهرهای  
خود بیرون نرانید. پس اقرار  
کردید و شما گواه بودید (۸۵)

باز هم شما اید آنانکه مردم خود  
را میکشید و گروهی از خودتان را  
از شهرهای آنان بیرون میرانید.  
شما بگناه و تعدی برخلاف آنها به  
مدیگر بشتبانی میکنید و اگر نزد  
شما اسیر شده بیایند آنان را فدیة  
گرفته آزاد میکنید حالانکه آن  
بیرون کردن آنان بر شما حرام  
بود. پس آیا به بعضی از بخش های  
کتاب ایمان آورده و به بعضی  
انکار میکنید؟ پس چیست پاداش  
کسی از شما که اینگونه عمل کند  
جز ذلت در زندگانی دنیا و روز

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ  
دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ  
دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ  
تَشْهَدُونَ ﴿٨٥﴾

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ  
وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ  
دِيَارِهِمْ تُظْهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ  
وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسْرَى  
تُفْدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ  
إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ  
وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ  
يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ  
الْعَذَابِ ۗ وَمَا لِلَّهِ بِعَافٍ لِّعَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٦﴾

روز قیامت به سوی عذابی سخت  
تر برگردانده شوند و خدا بغفلت  
نیست از آنچه میکنید (۸۶)

مانهاند که زندگی دنیا را بیهای  
آخرت خریدند. پس نه عذاب از  
آنها کاسته شود و نه آنها یاری  
کرده شوند (۸۷)

و یقیناً موسی را کتاب دادیم و  
بعد از او هم پیایی رسولان  
فرستادیم. عیسی ابن مریم را  
آیتهای روشن دادیم و او را با  
روح القدس تائید نمودیم. پس  
آیا مرگاه شما را رسولی بیاید با  
آن سخنان که نفس های شماخوش  
ندارد تکبر خواهید کرد؟ و به بعضی  
از ایشان تکذیب کرده و بعضی  
را خواهید کشت؟ (۸۸)

وگفتند، دل های ما مجسم پرده  
است. در حقیقت خدا آنها را  
بعلت کفرشان لعنت کرده است  
پس بکمی ایمان میآورند (۸۹)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ  
الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ  
العَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْصَرُونَ ﴿٨٧﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ  
بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ۖ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ  
الْبَيِّنَاتِ وَإَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۖ أَفَكُلَّمَا  
جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ  
اسْتَكْبَرْتُمْ ۖ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ ۖ وَفَرِيقًا  
تَقْتُلُونَ ﴿٨٨﴾

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۖ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ  
بِكُفْرِهِمْ فَفَقِيلَ أَلَمْ يَأْتُوا مَنُونًا ﴿٨٩﴾

و چون آمد ایشانرا کتابی از جانب خدا که آن [تعلیم] را تصدیق میکرد که در دست آنها بود حالانکه قبلاً داشتند برخلاف آنها که کفر کردند [از خدا] یاری میطلبیدند پس هرگاه آمد آنانرا آنچه را شناختند به آن انکار کردند. پس لعنت خدا باد بر کافران (۹۰)

بسیار بد است آنچه بیهای جانهای خود بدست آوردند که آن حق را انکار میکنند که خدا نازل کرد [خلاف] این [امر] سرکشیده که خدا بر هر که از بندگان خود میخواستند باغضب بر خود رانازل میکند. پس باغضب بر غضب بازگشتند و کافران را عذابی خوارکننده است (۹۱)

و چون بدیشان گفته شود که ایمان آورید بر آنچه خدا نازل کرده است گویند ما بر آن ایمان آورده ایم که برمانازل کرده آمد و انکار کنند از آنچه جز آنست حالانکه آن

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ<sup>۱</sup> وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا<sup>۲</sup> فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ<sup>۳</sup> فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ<sup>۴</sup>

بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا آنَزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ<sup>۵</sup> فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ<sup>۶</sup> وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ<sup>۷</sup>

وَإِذْ أَقِيلَ لَهُمْ<sup>۸</sup> آمُونًا<sup>۹</sup> بِمَا آنَزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا آنَزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ<sup>۱۰</sup> وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ<sup>۱۱</sup> قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ

كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۹۱﴾

حق است. آن تصدیق کننده برای آنچه است که نزد آنهاست. بگو پس قبلاً چرا پیغمبران خدا را میکشید اگر شما ایمان آوردگانید؟ (۹۲) و یقیناً موسی بانسانه های روشن نزد شما آمده بود بازهم شما بعد از او گوساله را [معبود] بگرفتید و شما ستمکاران بودید (۹۳)

و وقتی که پیمان شما [از شما] گرفتیم و طور را بر شما افراشتیم [به این فرمان که] آنچه را بشما در داده ایم بقوت بگیرید و گوش فرا دهید. گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بعلت کفر آنها به قلبهای آنها محبت گوساله نوشانیده شد. بگو بسیار زشت است آنچه ایمانتان شما را به آن امر کند اگر شما مومنانید (۹۴)

بگو اگر خانه خدادیگران را ترك کرده خالصانه برایشما است پس به مرگ آرزو کنید اگر شما راست

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿۹۳﴾

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ ۖ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا ۗ قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا ۗ وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ ۗ قُلْ بِسْمَائِي أُمْرُكُمْ بِهِ ۖ إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۹۴﴾

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۹۵﴾

گویانید (۹۵)

و هرگز به آن آرزو نکنند بسبب  
آن چه دستهای آنان پیش فرستاده  
است و خداستمکاران را خوب

میداند (۹۶)

و برای زندگی آنها را حریصترین  
همه مردم خواهی یافت حتی از  
آنها [هم بیشتر] که شرک کردند.  
هر کدام از آنها دوستدارد کاشکی  
هزار سال عمر داده شود حالانکه  
اگر طول عمر داده شود [اینهم]

عذاب را از او دورکننده نیست و  
خداینا است به آنچه میکنند (۹۷)

بگو آنکه دشمن جبرائیل است  
پس [بداند] بیگمان اوست که این  
[کلام] را بر قلب تو بفرمان خدانازل  
کرد تصدیق کننده آن را که پیش  
روی آن است و مومنان را هدایت

و مژده است (۹۸)

هر که دشمن خدا و فرشتگانش و  
رسولانش و جبرائیل و میکائیل

وَلَنْ يَّمْتَنُوهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۗ  
وَاللَّهُ عَلَيْهِم بِالظَّالِمِينَ ﴿۹۵﴾

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِمْ  
وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يُوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ  
يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْحُوزِهِ  
مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا  
يَعْمَلُونَ ﴿۹۶﴾

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ  
عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ  
يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۹۷﴾

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ  
وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ

لِّلْكَافِرِينَ ۝

است پس یقیناً خدا دشمن کافران  
است (۹۹)

و بیگمان نشانه های تابان بر تو  
نازل کرده ایم و کسی به آنها انکار  
نکند جز فاسقان (۱۰۰)

آیا هرگاه عقد عهد نمایند گروهی از  
آنها [عهد] را دور خواهد انداخت؟  
بلکه اکثر آنها ایمان ندارند (۱۰۱)  
و هرگاه آنان را رسولی آمد از جانب  
خدا تصدیق کننده آنچه نزد آنانست  
گروهی از آنانکه کتاب داده شدند  
کتاب خدا را پشت سر انداختند  
گویی آنها نمیدانند (۱۰۲)

و آنان پیروی کردند آنچه را که  
شیطانها خلاف ملک سلیمان می  
خواندند و سلیمان کفر نکرد بلکه  
شیطانها کفر کردند - آنها به مردم  
جادوئی میآموختند و [بعکس] آنچه  
دربابل بر دو فرشته هاروت و  
ماروت نازل کرده شد [داستان  
این طور است که] آندو چیزی به

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۚ وَمَا  
يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ۝

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ  
مِّنْهُمْ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ  
مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ  
أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ  
ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ  
سُلَيْمَانَ ۚ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ  
الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا وَيَعْلَمُونَ النَّاسَ  
السَّحْرَ ۚ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ  
هَارُوتَ وَمَارُوتَ ۚ وَمَا يَعْلَمُ مِنْ  
أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا  
تَكْفُرْ ۚ فَيَعْلَمُونَ مِنْهَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ

کسی نمیآموختند تا آنگاه که میگفتند: مافقط بطور آزمایش ایم پس کفرمکن - پس آنها از آندو سخنی فرامیگرفتند که به آن میان زن و شوهر جدائی میفکندند و آنان بوسیله آن به کسی زیان رساننده نبودند جز به اذن خدا و [شاگردان شیطانها] آن امر فرا میگرفتند که آنانرا زیان میزد و آنها را سودی نمیداد حالانکه خوب دانسته بودند آنکه این معامله کرد برایش در آخرت سهمی نیست و بسیار زشت بود به بهائی آنچه جانهای خود را فروختند کاشکی میدانستند(۱۰۳) ++

بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ<sup>ط</sup> وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ<sup>ط</sup> وَيَعْلَمُونَ مَا يُضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ<sup>ط</sup> وَلَقَدْ عَلِمُوا الْمَنَ اشْتَرَاهُ مَالَهُ فِي الْأُخْرَةِ مِنْ خَلْقٍ<sup>ط</sup> وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ<sup>ط</sup> لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ<sup>ط</sup> ﴿۱۰۳﴾

++ هاروت و ماروت دو انسان بودند که اینجافرشته سیرت یاد شده اند و ایشان برای برانگیختن انقلاب چنان امور میآموختند که هدایت بود که مخفی نگهداشته حتی کسی به همسر خود هم افشانکند. البته ایشان اینکار به فرمان خدا میکردند و اما بعدما ایشان را مثل قرار داده این طریق کار از راه سرکشی برای سرنگونی دولتهای استوار دنبال کرده شد. قرآن هاروت و ماروت را بیگناه گرداند چه ایشان اینکار برای خدا میکردند در حالیکه دیگر مردم اینکار از روی خود گزایی میکنند.



وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَآتَوُا التَّمُوبَةَ مِنَّنْ عِنْدِ  
 اللَّهُ خَيْرٌ لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٤﴾  
 ۱۲  
 ۱۳  
 واگر ایمان میآوردند و تقوی اختیار  
 میکردند یقیناً پاداش [آن] از جانب  
 خدا خیلی نیکوی میشد کاشکی می  
 دانستند (۱۰۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا  
 وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا ۗ وَلِلْكَافِرِينَ  
 عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٥﴾  
 ای کسانی که ایمان آورده اید [به  
 رسول ما] "راعنا" مگویید. بلکه  
 بگویید که بر ما نگاه بفرما و گوش  
 فرادهمید و برای کافران عذابی  
 دردناک است (۱۰۵) ++

مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنَّ أَهْلِ الْكِتَابِ  
 وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنَّ  
 خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ  
 مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٦﴾  
 دوست ندارند آنانکه کفر کردند  
 از اهل کتاب و نه مشرکان که بر  
 شما از پروردگار شما خیری  
 نازل شود و خدا هر که را خواهد  
 خاص رحمت خود بر میگزیند و  
 خدا را فضلی عظیم است (۱۰۶)

مَا نُنسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ  
 مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ۗ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى  
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٧﴾  
 هر چه آیتی را نسخ کنیم یا از یاد  
 محو سازیم بهتر از آن یا مانند آن  
 را میآریم. آیا نمیدانی که یقیناً

++ آیت ۱۰۵ - در این آیت گفتن "راعنا" منع شده است چه آنها به بهانه "راعنا"  
 یعنی بر ما رحم کن "راعنا" یعنی "ای چوپان ما" میگفتند و قرآن به آنها هدایت  
 کرد که گفتار راست را بکار گرفته باید "انظرنا" گفته شود.

خدا بر هر چیز که بخواهد مدام  
قدرتمند است (۱۰۷) ++

آیا نمدانی که یقیناً خدا است  
که پادشاهی آسمانها و زمین از آن  
اوست و شمارا بفریاد خدا کسی  
سرپرستی و یابوری نیست (۱۰۸)

آیا دوستدارید که به رسول خود  
سؤال کنید چنانکه قبلاً موسی  
سوال کرده شد؟ پس آنکه ایمان  
را به کفر تبدیل کند حتماً از راه  
راست گمراه شد (۱۰۹)

بسیاری از اهل کتاب دوستدارند  
کاشکی شما را پس از ایمانتان

++ آیت ۱۰۷ - مفسران در مورد این آیت هم عموماً لیز میخورند و ترجمه میکنند که

آیتی که خدای متعال در قرآن نازل کرده آن توان نسخ شد و یکی بهتر از آن توان  
آمد و بدینسان این جدل طولی ناسخ و منسوخ راه افتاد و مفسران پنجم آیت  
را ناسخ و منسوخ قرار دادند در حالیکه از قرآن هیچ هم نسخ نیست. قبل از حضرت  
مسیح موعود علیه السلام تازمان حضرت شاه ولی الله شاه محدث دهلوی این مسئله  
تا حد اکثر حل شده بود جز پنج آیت و آنان نیز از برکت علم الکلام حضرت  
مسیح موعود علیه السلام حل و فصل شدند. جماعت احمدیه اعتقاد دارد که از قرآن  
هیچ هم نسخ نیست بلکه اینجا اشاره به شریعتهای قبلی است چه مرگاه آنها نسخ  
یابفراموشی سپرده شدند پس همانند آنها یا بهتر از آنها نازل کرده شد.

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ ۗ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ  
وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۱۰۷﴾

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا  
سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَنْ يَتَّبِعِ  
الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ  
السَّبِيلِ ﴿۱۰۸﴾

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ  
يَرَوْكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَقَارِئًا ۗ

کافرانی بازگردانند بعلت حسدی که از نفسهای آنها است پس از آنکه حق برای آنان آشکار شد. پس عفو کنید و درگذرید تا آنگاه که خدا فیصل خود را صادر کند همانا خدا بر هر چیزی که بخواهد مدام قدرتمند است (۱۱۰)

و نماز را بپای دارید و زکات دهید و هر چه نیکی برای نفس خود پیش فرستید آنها نزد خدا بیابید یقیناً خدا بیناست به انکار که میکند (۱۱۱)

و گویند هرگز کسی مگر آنکه یهود است یا مسیحی وارد بهشت نشود. این [تنها] آرزوهای آنانست. بگو دلیلی ثابت خود بیاورید اگر شما راستگویانید (۱۱۲)

بلی امر که خود را به خدا بسپارد و احسان کننده است پس پاداش او نزد پروردگارش است و نه ایشان در بیم شوند و نه ایشان اندوهگین

حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْتُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۱۰﴾

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۱﴾

وَقَالُوا لَنْ نَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرًا ۚ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۱۲﴾

بَلَىٰ ۗ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۱۳﴾

گردند (۱۱۲)

و یهودیان گفتند [بنائی] مسیحان بر چیزی نیست و مسیحان گفتند [بنائی] یهودیان بر چیزی نیست در حالیکه آنها کتاب میخوانند. بر همین منوال گفتند ناآگاهان شبیه به گفتارشان. پس خدا روز قیامت میان ایشان در امری که داشتند در آن اختلاف میکردند فیصل

خواهد داد (۱۱۴)

و کیست ستم کارتر از آنکه بازداشت که در مساجد خدا ذکر اوبرپا کرده شود و در پی ویرانی آنها سعی کرد آنها را سزاوار نبود که وارد آنها میشدند مگر ترسان. آنها را ذلت در دنیا و آنها را در آخرت عذابی بسیار بزرگ است (۱۱۵)

و از آن خدا است مشرق و مغرب. پس بهر سو رو کنید همان جا جلوه خدا است. یقیناً خدا خیلی گشایش بخشای مدام دانائی است (۱۱۶)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ وَقَالَتِ النَّصْرَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ ۗ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۗ قَالَ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۱۱۴﴾

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا ۗ أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَافِينَ ۗ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۱۵﴾

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَجَمَّ وَجْهُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۱۶﴾

وگفتند خداپسری برگزیده است. او پاک است بلکه هر چه در آسمانها و زمین است از آن اوست. همه فرمانبرداران اویند (۱۱۷)

او آغاز کننده آفرینش آسمانها و زمین است و چون امری را مقدر کند پس آنرا فقط میگوید باش پس آن رونهاده و منتها میشود (۱۱۸) و آنانکه هیچ دانشی ندارند می گویند چرا خدا بما تکلم نمیکند یا مارا آیتی نیاید. بر همین منوال کسانی که قبل از آنان بودند شبیه به گفتار آنان گفتند. دلپایشان بهم متشابه شده اند. یقیناً ما آیات را برای قومی که باور کنند بروشنی بیان کرده ایم (۱۱۹)

یقیناً ما تورا مژده دهنده و هشدار دهنده با حق فرستاده ایم و درباره جهنمیان پرسیده نشوی (۱۲۰) و هرگز یهود و نصاری از تو خوشنود نشوند تا آنگاه که از کیش آنها تقلید

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ ۗ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ كُلٌّ لَّهِ فِتْنٰوٰنٌ ﴿۱۱۷﴾

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ وَاِذَا قَضٰی اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ ﴿۱۱۸﴾

وَقَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ لَوْلَا يَكْلُمُنَا اللّٰهُ اَوْ تَاتِيْنَا اٰیَةً ۗ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّثْلَ قَوْلِهِمْ ۗ تَشَابَهَتْ قُلُوْبُهُمْ ۗ قَدْ بَيَّنَّا الْاٰیٰتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُوْنَ ﴿۱۱۹﴾

اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَّاُنذِيْرًا ۗ وَّلَا تُسْـَٔلُنَا عَنْ اَصْحٰبِ الْجَحِيْمِ ﴿۱۲۰﴾

وَلَنْ تَرْضٰى عَنْكَ الْيَهُودُ وَّلَا النَّصٰرَى حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ اِنْ هٰدٰى اللّٰهُ

نکنی. بگو. یقیناً هدایت خدائی  
 هدایت حقیقی است و اگر از  
 تحریک نفس آنها تقلید کنی پس  
 از اینکه دانش بتو آمده است هیچ  
 کس تو را از خدا سرپرست و  
 یاریگر نباشد (۱۲۱)

کسانیکه ما به آنها کتاب داده ایم  
 و آنرا سزاوار تلاوت آن تلاوت  
 میکنند همانند که به آن ایمان  
 میآرند و هر که این [کتاب] را انکار  
 کند پس همانها زیانکارانند (۱۲۲)

ای بنی اسرائیل بباد آید آن نعمتم  
 را که بر شما ارزانی داشتم و این  
 که من شما را بر همه جهانیان  
 فضیلت دادم (۱۲۳)

و بترسید از روزیکه کسی بدرد  
 کسی نخورد و بدل از او قبول  
 کرده نشود و نه شفاعت بدو سود  
 دهمونه آنان یاری شوند (۱۲۴)

و هنگامیکه ابراهیم را پروردگارش  
 بکلماتی آزمایش کرد و او آنها را

هُوَ الْهُدَىٰ ۖ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ  
 بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۖ مَا لَكَ مِنَ  
 اللَّهِ مِنْ وَّالِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقًّا  
 تِلَاوَتِهِ ۖ وَأُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَمَنْ  
 يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝

يُبْنِي إِسْرَائِيلَ ۖ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي  
 أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَلِّقُوا  
 الْعَلَمِينَ ۝

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ  
 شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا  
 شَفَاعَةٌ ۖ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۝

وَإِذْ بَاتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَتٍ  
 فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ

بپایان برد [خدا] گفت: یقیناً من تو را برای مردم امامی بزرگ برگزیننده ام. او گفت و از نژادم نیز. [خدا] گفت قرارم به ستم گران نرسد (۱۲۵) ++

و وقتی ماخانه [خود] را برای مردم مرجع تکراری و جای امن قرار دادیم و از مقام ابراهیم جای نماز بگیرد و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که شادوی خانه ام را برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجده آرنندگان

إِمَامًا قَالُومِنْ ذُرِّيَّتِي قَالُ لَايِنَالُ  
عَهْدِي الظلمين ۱۱۵

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمَّا  
وَآتخذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى  
وَعَهْدَنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا  
بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ  
السُّجُودِ ۱۱۵

++ آیت ۱۲۵: در این آیت سخن از آن آزمایش حضرت ابراهیم گفته میشود وقتی ایشان به رتبه نبوت برگزیده شده بودند و وقتی که ایشان آن آزمایش را بپایان بردند نگاه بدیشان گفته شد که شمارا امام برای مردم بسیار کثیری برمیگزینیم. فرقه شیعیان از مطلب این آیت استدلال کرده میگویند که رتبه امامت بالاتر از رتبه نبوت است زیرا طبق این آیت يك نبي به رتبه امامت برگزیده میشود. این استدلال صحیح نیست. حقیقت اینست که رتبه امامت محض بالاتر از رتبه نبوت نیست بلکه آن امامت که از روی رتبه نبوت میرسد بالاتر شناخته میشود. اینجا حضرت ابراهیم با واژه های «اماماً للناس» خطاب شده اند و مفهوم اینست که بیاداش بپایان بردن این آزمایش شما تا روز قیامت برای مردم جهان بعنوان مثال آورده میشود.

پاك بداريد(۱۲۶)

و چون ابراهيم گفت، پروردگارا! اينرا شهرى ايمن و امن دهنده بساز و اهل آنرا آنکه از آنان به خدا و روز آخرت ايمان آرد از ميوه هاى مرنوع رزق اعطا کن. او گفت آن که کفر کند او را نيز کمى بهره مند خواهم ساخت. سپس او را ناچاراً بسوى عذاب آتش بکشم و [آن] بسيار زشت جاىگاه است(۱۲۷)

و وقتیکه ابراهيم پايه‌هاى بيت [خانه خدا] را استوار مىکرد نيز اسماعيل [با اين دعا که] پروردگارا! از ما قبول بفرما. يقيناً تو خيلى شنواى دانائى(۱۲۸)

پروردگارا ما را دو بنده فرمان بردار خود و از ذريت ما امتى فرمانبردار خود برگزين و ما را اسلوب عبادات و قربانيهاى ما بياموز و توبه قبول کرده بر ما ميل بفرما. يقيناً توبه نهايت توبه

وَ اِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَاَرْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرٰتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَاَلْيَوْمِ الْاٰخِرِ ۗ قَالَ وَاَمَنْ كَفَرَ فَاَمْتِعْهُ قَلِيْلًا ثُمَّ اَصْطَرَّهُ اِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ۗ وَيَسُّ الْمٰصِيْرُ ﴿۱۲۷﴾

وَ اِذْ يَرْفَعُ اِبْرٰهٖمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَاِسْمٰعِيْلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا ۗ اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿۱۲۸﴾

رَبَّنَا وَاَجْعَلْنَا مُسْلِمِيْنَ لَكَ وَاَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا اُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ ۗ وَاَرِنَا مٰسِكِنًا وَاَتُبْ عَلَيْنَا ۗ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ﴿۱۲۹﴾



پذیروبارهارحکمنده ای (۱۲۹)  
 پروردگارا در آنان رسولی بزرگ  
 از خود ایشان برانگیز که آیات تو  
 را بر آنها فروخواند و بدیشان علم  
 کتاب و حکمت بیاموزد و بدیشان  
 پاک سازد یقیناً تو صاحب غلبه  
 کامل صاحب حکمت ای (۱۳۰)  
 و کیست که از ملت ابراهیم رو  
 گردانی کند جز کسیکه خود را به  
 نادانی برانگیخت و یقیناً او را در  
 دنیا برگزیدیم و در آخرت نیز از  
 صالحان خواهد بود (۱۳۱)  
 [بیاد آورید] و تیکه خدا به او گفت  
 گردن نه. او [بیساخته] گفت من که  
 [از پیش] برای پروردگار جهانها  
 گردن نهاده ام (۱۳۲)  
 و ابراهیم از این بابت بفرزندان  
 خود توصیه کرد و هم یعقوب: ای  
 فرزندان من یقیناً خدا این دین  
 را برای شما برگزیده است. پس  
 هرگز نیرید جز در حالیکه شما

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا  
 عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ  
 وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ  
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۲۹﴾

وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ  
 سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا  
 وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۳۰﴾

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمُ لَقَالَ  
 أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۱﴾

وَوَضَّيْ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ  
 يَبْنِي إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا  
 تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾

مسلمانید (۱۳۳)

آیا شما حضور داشتید چون یعقوب را مرگ فرارسید؟ هنگامیکه او از فرزندان خود پرسید: چیست را پس از من عبادت کنید؟ گفتند: معبود تو و معبود پدران تو ابراهیم و اسمعیل و اسحاق را عبادت خواهیم کرد که معبود یگانه است و ما فقط فرمانبرداران او خواهیم بود (۱۳۴)

این امتی بود که درگذشت. برای آن بود آنچه آن کسب کرد و برای شما است آنچه شما کسب میکنید و شما پرسیده نشوید درباره آنچه آنان میکردند (۱۳۵)

و گویند یهود بیابید یا نصرانی تاهدایت بیابید. بگو [نه خیر] بلکه تنها امت ابراهیم حنیف [مورد نظر] است و قطعاً او از مشرکان نبود (۱۳۶)

بگوئید ایمان آوردیم به خدا و

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنِّي بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَاللَّهُ أَبَاكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًُا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۴﴾

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۵﴾

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۳۶﴾

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا

آنچه بر ما فر فرستاده آمد و آنچه بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط فر فرستاده شد و آنچه به موسی و عیسی داده شد و آنچه بهمه انبیاء از پروردگار ایشان اعطا شد. میان هیچکدام از ایشان جدائی نمیکنیم و ما برای او تسلیم شده ایم (۱۳۷)

پس اگر آنان ایمان بیاورند بطوریکه شما بر آن ایمان آورده اید پس آنها هدایت یافتند و اگر روی بر تابند پس [عادناً] آنها مدام در نفاق اند. پس خدا شمارا به [سرکوبی] آنها بس است و او بس شنوای مدام دانا است (۱۳۸) رنگ خدا را بگیرید و کیست نیکوتر از خدا در رنگ و ما او را عبادت میکنیم (۱۳۹)

بگو آیا درباره خدا بما معاجه میکنید با آنکه او پروردگار ما و هم پروردگار شما است و اعمال

أَنْزَلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ ۗ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۷﴾

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا ۗ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ۗ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۳۸﴾

صِبْغَةَ اللَّهِ ۗ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً ۗ وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿۱۳۹﴾

قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا ۗ وَرَبُّكُمْ ۗ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ۗ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿۱۴۰﴾

ما برای ما است و اعمال شما برای  
 شماست و مافقط برای او خالص  
 شده ایم (۱۴۰)

آیا میگوئید که ابراهیم و اسمعیل  
 و اسحاق و یعقوب و اسباط حتماً  
 یهودیامسیحی بودند. بگو آیا شما  
 زیاد میدانید یا خدا؟ و کیست ستم  
 کارتر از آنکه آن گواهی را کتمان  
 کند که از خدا نزد او [امانت] است  
 و خدا بفغلت نیست از آنچه می  
 کنید (۱۴۱)

این امتی بود که درگذشت. برای  
 آن بود آنچه آن کسب کرد و  
 برای شما است آنچه شما کسب  
 کنید و شما پرسیده نشوید از  
 آنچه آنان میکردند (۱۴۲)

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ  
 وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا  
 هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ ۗ قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَم  
 اللَّهُ ۗ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً  
 عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا  
 تَعْمَلُونَ ﴿۱۴۰﴾

۱۱  
 ع  
 ۱۲  
 ۱۱

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۗ لَهَا مَا كَسَبَتْ  
 وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۗ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا  
 كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴۱﴾

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ <sup>۱۴۳</sup> حَتْمًا <sup>۱۴۲</sup> گویند بیخردان از مردم  
 عَنِ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ  
 الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يُهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى  
 صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۱۴۴﴾  
 که چه آنان را از آن قبله خود که  
 بر آن بودند برگرداند. بگو مشرق  
 و مغرب از آن خدا است. هر که را  
 خواهد به صراط مستقیم هدایت  
 میکند (۱۴۳)

واینگونه شمارا امت میانی قرار  
 دادیم تا بر مردم گواه باشید و  
 رسول بر شما گواه باشد - آن  
 قبله که [قبلاً] بر آن بودی فقط  
 برای این قرارداد داده بودیم تا آنکه  
 از بی رسول برود را از آنکه روی  
 باشنه های خود برگردد باز شناسیم  
 و براستی این گران بود جز بر آنان  
 را که خدا هدایت کرد و نیست  
 خدا که ایماننان را ضایع دهم  
 یقیناً خدا به مردم بسیار مهربان  
 بارها رحم کننده است (۱۴۴) ++  
 همانا دیدیم برگشتن روی تورا  
 بسوی آسمان پس لازم بود که تو

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا  
 شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ  
 عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي  
 كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ  
 الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ ۗ وَإِنْ  
 كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ  
 وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ  
 بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۴۴﴾

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ  
 فَلَوْلَيْتَكَ قِبَلَةٌ تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ

++ ایت ۱۴۴: خیر الامور اوسطها - [الحديث]

سَطَرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۖ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ  
فَوُتُوا وَجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ  
أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ  
رَبِّهِمْ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۹﴾

وَلَيْنُ اتَّيَّتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كُلَّ  
آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ ۚ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ  
قِبْلَتَهُمْ ۚ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ۗ  
وَلَيْنِ اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا  
جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۗ إِنَّكَ إِذًا لِّمِنَ  
الظَّالِمِينَ ﴿۱۴۰﴾ وَقَدْ لَازِمٌ

را بسوی قبله بگردانیم که آن به  
تو خوش می‌آمد. پس روی خود را  
بسوی مسجد حرام بگردان و شما  
هر کجا باشید روی خود را بسوی آن  
بگردانید و یقیناً آن‌انکه کتاب داده  
شدند مسلماً میدانند که این از  
پروردگار آنان حق است و خدایی  
خبر نیست از آنچه می‌کنید (۱۴۵)

و هر چند تو آنان را که کتاب داده  
شدند هر آیتی هم می‌آوردی نه  
بودند که از قبله تو تقلید می‌کردند  
و تو هم نیستی که مقلد قبله آنها  
باشی و نه بعضی از آنان از قبله  
بعضی تقلید کنند و اگر از هوای  
نفسانی آنها تقلید کنی بعد از آنکه  
دانش بتو آمد یقیناً تو در آن صورت  
از ستمکارانی (۱۴۶)

کسانیکه به آنان کتاب داده ایم  
آنان [با مشاهده آثار الهی در  
رسول] او را می‌شناسند بطوریکه  
پسران خود را می‌شناسند و همانا

الَّذِينَ اتَّيَّهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا  
يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ ۗ وَإِنَّا فَرِيقًا مِنْهُمْ  
لَيَكْفُرُونَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۳۹﴾ مَعْنَى

گرومی از آنها حق را پنهان کنند

در حالیکه آنها میدانند (۱۴۷)

[حتماً این] حق است از پروردگار

تو۔ پس ازدودلان مباش (۱۴۸)

و هر کدام را محل توجه است که

اوبسوی آن روی می‌آرد. پس در

نیکبها از مدیگر سبقت جوید.

مرکجا باشید خدا مه شمارا جمع

کرده خواهد آورد یقیناً خدا بر هر

چیز مدام قدرتمند است (۱۴۹)

و از هرکجا بیرون آمدی پس روی

خود را بسوی مسجد حرام بگردان

یقیناً آن از پروردگار توحق است

و نیست خدا به غفلت از آنچه

عمل کنید (۱۵۰)

و از هرکجا بیرون آمدی پس روی

خود را بسجده حرام بگردان و

شما هرکجا باشید روی خود را

بسوی آن بگردانید تا مردم را

برشاحجتی نباشد جزکسانی از

آنانکه ستم کردند. پس از آنان نه

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ  
الْمُتَرَبِّينَ ﴿۱۴۷﴾

وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوْبُؤُهُمْ فَاسْتَبِقُوا

الْخَيْرَاتِ ۗ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ

اللَّهُ جَمِيعًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۴۸﴾

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۗ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۗ

وَمَا لِلَّهِ بِعَافٍ لِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۴۹﴾

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۗ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا

وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۗ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ

عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ ۗ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا

مِنْهُمْ ۗ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي ۗ

ترسید بلکه از من بترسید و تا نعمت خود را بر شما بکمال برسانم و تا شما هدایت بیابید (۱۵۱)

بطوریکه رسولی در شما از خود شما فرستاده ایم که آیات ما را بر شما فرو میخواند و شما را پاک میسازد و به شما کتاب می آموزد و حکمت [آفر] و بشما می آموزد آنچه را نمیدانستید (۱۵۲)

پس یاد کنید مرا منهم یاد بدارم شمارا و شکر کنید مرا و مرا ناشکری نکنید (۱۵۳)

ای آنانکه ایمان آورده اید با صبر و نماز [از خدا] یاری جویید. حتماً خدا با صابران است (۱۵۴)

و آنرا که در راه خدا کشته شوند مرده مگوئید بلکه ایشان زنده اند و اما شما درک نکنید (۱۵۵) و حتماً شمارا از بیم و گرسنگی و زیان دارائیا و جانها و میوهها بکمی آزمایش کنیم و به شکیبایان

وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥١﴾

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥٢﴾

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٣﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٤﴾

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٥﴾

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٦﴾



مژده بده (۱۵۶)

آنانکه مرگه ایشانرا سختی برسد  
گویند همانا ما از آن خدایم و حتماً  
ما بسوی او باز گشتگانیم (۱۵۷)

ایشانند که بر آنان از پروردگار  
ایشان بر کتھای است و رحمت و  
ایشان هدایت یافتگانند (۱۵۸)

یقیناً صفا و مروه از شمارهای خدا  
است. پس هر که حج این بیت کند  
یا عمره بجا آرد بر او هیچ گناهی  
نیست که ایندوی را طواف نیز  
کند و هر که بکوشد تا زیادتی بر  
نیکی باشد پس یقیناً خدا سپاس  
نواز مدام دانا است (۱۵۹)

همانا آنانکه کتمان کنند آنچه از  
نشانه های تابان و هدایت که نازل  
کرده ایم از این پس که آنرا برای  
مردم در کتاب به روشنی بیان  
کردیم همانها اند که خدا بر آنها  
لعنت کند و همه لعنت کنندگان  
بر آنها لعنت کنند (۱۶۰)

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا  
لِللَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۱۵۶﴾

أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ  
وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿۱۵۸﴾

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ  
حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ  
يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ  
اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿۱۵۹﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ  
وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي  
الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ  
اللُّعُنُونَ ﴿۱۶۰﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوْا فَاوْتِيكَ  
 أَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦١﴾

مگر آنانکه توبه کردند و اصلاح کردند و آن [نشانه های تابان خدا] را به صراحت بیان کردند پس آنان اند که توبه قبول کرده بر آنان میل کنم و من پذیرنده توبه بارها رحیمکننده ام (۱۶۱)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا  
 أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ  
 وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٦٢﴾

مانا آنانکه کفر کردند و مردند در حالیکه آنها کافران بودند آنانند که بر آنها لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم است (۱۶۲)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ  
 وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٣﴾

مدت دراز در آن [لعنت] بمانند و نه عذاب از آنها کاسته شود و نه آنها مهلت داده شوند (۱۶۳)

وَاللَّهُمُّ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٤﴾

و معبود شامع بود یگانه است. نیست معبودی جز او که رحمن <sup>ع</sup> و رحیم است (۱۶۴)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي  
 تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا  
 أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ

یقیناً در آفرینش آسمانها و زمین و از پس هم آمدن شب و روز و کشتیهای که در دریا حرکت کنند با آنچه [کالا] که بمردم سود دهد و آبی که خدا از آسمان نازل کرد

پس به آن زمین را بعد از مردنش احیاء نمود و جنبندگان مرگونه را در آن گسترش داد و تغییر دادن رخ بادها سوسو و ابرها که بین آسمان و زمین مسخرند حتماً آیاتی است قومی را که عقل کنند (۱۶۵)

و کسانی از مردم اند که در مقابل خدا امتیاز برگزینند و مانند محبت خدا با آنها محبت کنند در حالی که آنانکه ایمان آوردند در محبت خدا ثابتتر [از هر محبت] اند و کاشکی آنانکه ستم کردند حالی شوند چون عذاب را مشاهده کنند [بفهمند] که نیرو تماماً از آن خدا است و آنکه حتماً خدا سخت عذاب است (۱۶۶)

منگامیکه آنانکه پیروی شدند از آنها که [از آنان] پیروی کردند بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند و همه اسباب [نجات] آنها قطع

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ۖ وَ تَصْرِيفَ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۱۶۵﴾

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ۗ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۗ وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿۱۶۶﴾

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿۱۶۷﴾

شود (۱۶۷)

و کسانی که پیروی کردند گویند:  
کاشکی ما را مجال بود که از  
آنها همانگونه بیزاری میکردیم  
که از ما بیزاری کرده اند. اینگونه  
خدا اعمال آنانرا برای آنها مایه  
حسرتهاى خود آنان بنمایش  
خواهد گذاشت و آنها بیرون  
روندگان از آتش نباشند (۱۶۸)

ای مردم! بخورید از آن حلال و  
پاکیزه های که در زمین است و  
گام برگامهای شیطان ننهید همانا  
او دشمنی آشکار شماست (۱۶۹)  
همانا او شمارا فرمان کند فقط به  
زشتی و فحشائی و اینکه بسوی  
خدا آن سخنان منسوب کنید که  
خودتان هم نمیدانید (۱۷۰)

و هنگامیکه به آنها گفته شود که  
آنرا پیروی کنید که خدا نازل کرده  
است گویند: بلکه ما پیروی کنیم  
آنچه را که بر آن پدران خود را

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ  
مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا ۗ كَذَلِكَ يَرِيهِمُ  
اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ ۗ وَمَا هُمْ  
بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٨﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا  
طَيِّبَاتٍ ۗ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ  
لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦٩﴾

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوْءِ وَالْفَحْشَاءِ ۗ وَإِن  
تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾

وَإِذْ أَقِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا  
بَلْ نَتَّبِعُ مَا آفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أَوْ لَوْ كَانَ  
أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧١﴾

یافتیم. آیا هر چند پدران آنها خرد  
نداشتند و راه هدایت نه پیموده  
بودند [باز هم از آنها پیروی خواهند  
کرد؟] (۱۷۱)

و مثل آنانکه کفر کردند بمثل آن  
است که بانگ میزند به آنچه که  
نمیشود. [این چیزی نیست] مگر  
اینکه خواندن و صدا زدن [بی  
قائیر] است. آنها کر، لال، کوراند  
پس آنها عقل نمیکنند (۱۷۲)

ای آنانکه ایمان آورده اید بخورید  
از پاکیزه‌های که بشما رزق داده  
ایم و به خدا سپاس گوید اگر  
شما عبادت را خاص او می  
گذارید (۱۷۳)

[خدا] بر شما حرام کرده است فقط  
مردار و خون و گوشت خوک و  
آنچه جز خدا بنام کسی دیگر ذبح  
کرده شود. اما آنکه [از گرسنگی]  
ناچار گردد و به رغبت نخورد و  
تجاوز گرنیست پس بر او گناهی

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعُقُ  
بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً ۗ صُمُّ  
بِكُمْ عَمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۷۱﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوا مِن مِّمَّا  
رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ  
إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿۱۷۲﴾

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ  
الْخِزْيِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ ۚ فَمَن  
أَضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ  
عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۷۳﴾

نیست. همانا خدا بسیار آمرزنده

بارها رحمکننده است (۱۷۴)

همانا کسانی که آنچه را کتمان کنند که خدا در کتاب نازل کرده است و ببدل آن بهائی ناقابل می پذیرند آنانند که در شکمهای خود نمیخورند جز آتش و خدا در روز قیامت بدیشان حرف نزند و نه ایشانرا پاکسازد و برای آنها عذابی دردناک است (۱۷۵)

آنان اند که گمراهی را ببهائی هدایت خریدند و عذاب را ببهائی آمرزش. پس بر آتش آنها چه شکیبا اند (۱۷۶)

این بدانملت است که خدا کتاب را با حق نازل کرده است و کسانی که در کتاب اختلاف کرده اند به عناد خوی بسیار فرو رفته

اند (۱۷۷)

نیکی آن نیست که روی خود را بسوی مشرق و مغرب بگردانید

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۷۴﴾

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ ۗ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿۱۷۵﴾

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿۱۷۶﴾

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ

بلکه نیکی ازان اوست که به خدا و روز آخرت و فرشتگان و کتاب و پیغمبران ایمان آورد و مال دهد بدوستی او به خویشان و یتیمان و مستمندان و مسافران و سائل ها و برای آزادی گردنها و نماز را بیای دارد و زکوت دهد و به عهد خود وفا کنند هرگاه عهد بنند و در فقرو رنج و هنگام کارزار شکیبایان اند همانند که صداقت را پیش گرفتند و همانند که متقی اند (۱۷۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید قصاص کشتگان بر شما واجب کرده شد. آزاد به آزاد و بنده به بنده و زن بزن است و کسیکه برایش چیزی از جانب برادرش عفو شود پس پیروی کردن بروش پسندیده و بدو پرداختن است با برتربهایی - این از پروردگار شما تخفیف و رحمت است. پس

بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ  
وَالنَّبِيِّينَ ؕ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي  
الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ  
السَّبِيلِ ۗ وَالسَّالِفِينَ ۗ وَفِي الرِّقَابِ ؕ  
وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَآتَى الزَّكَاةَ ۗ وَالْمُؤَفَّقُونَ  
بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا ۗ وَالصَّابِرِينَ فِي  
الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ  
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْمُتَّقُونَ ﴿۷۸﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ  
فِي الْقَتْلِ ۗ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ  
وَالْأَنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ ۗ فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ  
شَيْءٌ فَاتَّبِعْهُ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَأَدْءِ إِلَيْهِ  
بِإِحْسَانٍ ۗ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ  
وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۷۹﴾

هر که از این پس تعدی نماید او

را عذابی دردناکست (۱۷۹)

و شما را در قصاص حیات است

ای خردمندان تا باشد که تقوی

را اختیار کنید (۱۸۰)

برشما فرض کرده شد هنگامیکه

بکسی از شما مرگ فرارسد اگر

دارائی بازگذارد در حق والدین

و خویشان به متعارف وصیت

کند. این بر متقیان واجب

است (۱۸۱)

پس هر که آنرا پس از شنیدن آن

تغییر دهد پس مسلماً گناهش بر

آنان است که آنرا تغییر دهند.

یقیناً خدا بسیار شنوای مدام دانا

است (۱۸۲)

پس آنکه از وصیت کننده وهمه

طرفداری کردن یا گناه کردن را

دارد باز میان [وارثان] سازگاری

نماید پس بر او گناهی نیست.

همانا خدا آمرزنده بارها رحم

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَاۤاُولِ  
الْاَبۡبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۱۸۰﴾

كُتِبَ عَلَيْكُمۡ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ  
الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرًاۙ الْوَصِيَّةُ  
لِلَّذِيْنَ وَالِدِيْنَ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ  
حَقًّا عَلٰى الْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۸۱﴾

فَمَنْ بَدَّلَهُۥ بَعْدَ مَا سَمِعَهَاۙ فَاِنَّمَآ اِثْمُهُۥ عَلٰى  
الَّذِيْنَ يَبَدِّلُوْنَهٗۙ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۸۲﴾

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُّوَسِّعٍۭ جَفَاۙ اَوْ اِثْمًا  
فَاَصْلَحَۙ بَيْنَهُمْۭ فَاِنَّمَآ اِثْمُهُۥ عَلٰى اللّٰهِ  
عَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۸۳﴾

۲۲  
ب



کننده است (۱۸۳)

ای آنانکه ایمان آوردید روزه بر شما فرض کرده شد بطوریکه فرض کرده شد بر آنانکه قبل از شما بودند تا باشد که متقی شوید (۱۸۴)

همین چند روزهاست. پس کسی از شما که مریض است یا بر سفر است پس شمار را در روزهای دیگر تکمیل کند و بر آنانکه طاقتش آورند فدیة غذا دادن به نیازمندی است. پس هر که بکوشد نیکی را فراتر از فرض بعمل آورد آنگاه این برای او بسیار نیکو است. اگر روزه بگیرد برای شما بهتر است اگر شما میدانید (۱۸۵) ++

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ  
كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ  
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾

أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۖ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ  
أُخْرَىٰ ۗ وَعَلَىٰ الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ  
طَعَامٍ مَّسْكِينٍ ۗ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ  
خَيْرٌ لَهُ ۗ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۴﴾

++ آیت ۱۸۵ - يطيقون را دو معانی است (۱) آنانکه طاقت آورند (۲) آنانکه طاقت نیاورند - در این واژه سلب و ایجاب هر دو معنی موجود است - معانی اش اینست آنانکه بسبب مجبوری آنی و بیماری نتوانند روزه بگیرند و برای روزه طاقت میآورند باید فدیة بپردازند و باید روزه های ناگرفته را در روزهای دیگر بگیرند و آنانکه روزه گرفتن را اصلاً طاقت نیاورند برای آنان فدیة دادن بس است و بعدها روزه گرفتن هم لازم نیست.

ماه رمضان آنست که در آن قرآن مردم راهدایت و نشانه های روشن به تفصیل هدایت و امور حق را از باطل جداکننده، نازل کرده شد. پس آنکه از شمالین ماه را دریابد پس باید روزه های آن را بدارد و آنکه مریض است یا مسافر پس شمار را در روزهای دیگر تکمیل کردن است. خدا برایشما آسانی میخواهد و برای شما دشواری نمیخواهد و تا شمار را [براحتی] تکمیل کنید و خدا را بزرگ دارید بنابراین هدایت که به شما در داد و تا شما سپاس بگذارید (۱۸۶)

و هنگامیکه بندگانم تورا از من بپرسند پس یقیناً من نزدیک ام و دعای دعاکننده را هرگاه از من دعا کند مستجاب نمایم. پس باید سخنم را بیک گویند و بمن ایمان آرند تا آنان هدایت یابند (۱۸۷)

شبهای صیام نزدیکی کردن با زنان

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ  
هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى  
وَالفُرْقَانِ ۚ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ  
فَلْيَصُمْهُ ۗ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ  
فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ  
الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ  
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا  
هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۸۷﴾

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۗ  
أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۗ  
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلَعَلَّهُمْ  
يَرْشُدُونَ ﴿۱۸۷﴾

أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى

خودبرایش احلال کرده شد. آنها شمارا لباس اند شما آنها را لباس اید. خدا دانست که شما به نفسهای خود حق کشی میکردید پس او بر شما برحمت خود متمایل شد و از شما عفو نمود. پس اکنون با آنان مباشرت کنید و بجوئید آنچه خدا در حق شما نوشته است و بخورید و بیاشامید تا آنگاه که در بامگاه خط سپیدی از خط سیاهی [شب] برایشما آشکار گردد. سپس روزه را تا شب تکمیل کنید و به آنان نزدیکی نکنید در حالیکه شما در مساجد معتکفانید. این حدهای خدا است پس نزدیک آنها نشوید. این طور خدا آیتهای خود را برای مردم بصراحت بیان میکند تا باشد که آنان تقوی را پیش گیرند (۱۸۸) ++ ص: ۶۲

و مالهای خود را میان خود به فریب نخورید و نه آنها را به

نَسَآئِبِكُمْ ۗ هُنَّ لِبَاسٍ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ  
 لَّهُنَّ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ  
 أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۗ  
 فَالَّذِينَ بَآشِرُوا هُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ  
 لَكُمْ ۗ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ  
 الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ  
 الْفَجْرِ ۗ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ۗ وَلَا  
 تُبَآشِرُوا هُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي  
 الْمَسْجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا  
 تَقْرُبُوهَا ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ  
 لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۱۸۸﴾

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ  
 وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ

فرمانروایان عرضه نمایند تا پاره  
از مالهای مردم را بگناه بخورید  
در حالیکه شما میدانید (۱۸۹)

أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ  
تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۹﴾

درباره هلاکها از تو میپرسند، بگو  
اینها وسیله تعیین وقت برای  
مردم و حج است و نیکی این  
نیست که به خانه ما از پشت آنها  
داخل شوید. بلکه نیکوکاراوست  
که تقوی فراگیرد و به خانه ما  
از درهای آنها داخل شود و تقوی  
را بیش گیرد تا باشد که شما  
رستگار شوید (۱۹۰)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاهْلَةِ ۗ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ  
لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ۗ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا  
الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ  
اتَّقَى ۗ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا ۗ وَاتَّقُوا  
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۹۰﴾

و در راه خدا قتال کنید آنها را  
که به شما قتال کنند و تعدی نکنید  
همانا خدا تجاوزگران را دوست نه

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ  
وَلَا تَعْتَدُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۱۹۱﴾

آیت ۱۸۸ - عموماً اصحاب رسول در ماه رمضان شبگاه از نزدیکی کردن به مسران  
پرهیز میجستند و در این آیت ایشان مجاز ساخته شدند و در آیتی مجاور نزدیکی  
کردن فقد هنگام اعتکاف نهی شده است. زاید بر آن در اینجا خط سپیدی و خط  
سیاهی را ذکر است. مفهومش این نیست که در تاریکی رفته این دو خط را  
بازشناسید بلکه معنای آن اینست که چون قبل از گسترش روشنائی صبحگاه،  
نخستین تیغ آفتاب بامدادی پدید آید سحرگاه پایان مییابد.

دارد (۱۹۱)

و [حين قتال] آنها را بکشید مرکبا  
 آنها را دریا بید و بیرون کنید آنها را از  
 جائیکه شمارا بیرون کرده بودند  
 و فتنه سختتر از قتل است و نزد  
 مسجد حرام با آنها قتال نه کنید  
 تا آنگاه که بشما در آن قتال کنند.  
 پس اگر به شما قتال کنند آنگاه  
 شما آنها را بکشید. پاداش کافران  
 همین است (۱۹۲)

پس اگر دست بردارند پس خدا  
 بسیار آمرزنده بارها رحم کننده  
 است (۱۹۳)

و با آنها قتال کنید تا آنگاه که  
 هیچ فتنه باقی نماند و [فرا گرفتن]  
 دین برای خدا باشد پس اگر باز  
 ایستند آنگاه تعدی نیست جز بر  
 ستمکاران (۱۹۴) ++

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ  
 وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمُ  
 وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا  
 تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى  
 يُفْتَلُوا فِيهِ ۚ فَإِن قُتِلُوا فَمَنْ  
 قَاتَلُوهُمْ ۗ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكٰفِرِينَ ﴿۱۹۱﴾

فَإِن أَنْتَهُوا فِإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۹۲﴾

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ  
 الدِّينُ لِلَّهِ ۗ فَإِن أَنْتَهُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا  
 عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۱۹۳﴾

++ آیت ۱۹۴: فرمان قاتلوا خلاف آنهاست که مردم را بزور شمشیر به ارتداد و  
 میدارند و در اینصورت جنگ دفاعی جایز است تا آن انتها که آنها از فتنه  
 ارتداد دست بردارند.

ماه حرام بموض ماه حرام ومه  
 حرمتهاى راقصاص است. پس آنکه  
 برشاتجاوز کند پس براو تجاوز  
 کنید به مثل آنچه برشا تجاوز  
 کرد و از خدا بترسید و بدانید که  
 خدا با متقیان است (۱۹۵) ++

و در راه خدا انفاق کنید و خود  
 را بدستهای خود بهلاك مندازید  
 واحسان کنید. حتماً خدا  
 محسان را دوست دارد (۱۹۶)

وحج وعمره را بخاطر خدا تکمیل  
 کنید. پس اگر باز داشته شوید آن  
 گاه هرچه از قربانی میسر شود  
 [بدمید] و سرخود را متراشید تا  
 آنگاه که قربانی به جای [ذبح] خود  
 برسد. پس کسی از شما که مریض  
 است و او را درسش آزاری  
 است پس از روزه یا صدقه داده

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ  
 وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ ۗ فَمَنِ اعْتَدَى  
 عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا  
 اعْتَدَى عَلَيْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
 وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ  
 مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿۱۹۵﴾

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا  
 بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ۗ وَأَحْسِنُوا ۗ إِنَّ  
 اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۹۶﴾

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ۚ فَإِنْ  
 أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ  
 وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ  
 الْهَدْيُ مَحِلَّهُ ۚ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا  
 أَوْ بِهِ آذَىٰ مِنْ رَأْسِهِ فَفَدِيَةٌ ۚ مِنْ صِيَامٍ  
 أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَا أَمِنْتُمْ ۚ  
 فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا

++ آیت ۱۹۵: ماهای که در آنها قتال حرام است البته قتال در آنها آنگاه جایز است  
 وقتیکه کسی مخالف یا غیر مسلم به آنها احترام نگذارد. هرگز برای مسلمانان  
 لازم نیست که بی دفاع دست بسته بنشینند.

یا قربانی کرده فدیہ دادن است. پس مرگاہ ایمن شدید آنوقت آن که بخواهد از عمره باحج بهره مند شود آنگاه هرچه از قربانی میسر شود [بدمد] و آنکه [توان] نیابد پس روزه سه روز گرفتن است هنگام حج و هفت چون برگردید - اینست ده [روز] تمام. این برای کسی است که خانواده او نزد مسجد حرام نیستند و به خدا تقوی پیشگیرید و بدانید که خدا سخت عقوبت است (۱۹۷)

ماههای حج مشخص است پس آنکه در این ماه به حج تصمیم گرفت آنگاه در حج نه شهوت رانی است، نه زشتکاری است و نه جدل است و هرچه نیکی انجام دهید خدا آن را بداند و توشه راه جمع کنید پس حتمًا بهترین توشه راه تقوی است و از من بترسید ای خردمندان (۱۹۸)

اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ  
فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا  
رَجَعْتُمْ ۗ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ۗ ذَلِكَ  
لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ  
الْحَرَامِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ  
شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧٧﴾

۲۴  
ع  
۸

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ ۚ فَمَنْ فَرَضَ  
فِيهَا الْحَجَّ فَلَارَ فِتْنَةَ وَلَا فُسُوقَ ۗ وَلَا  
جِدَالَ فِي الْحَجِّ ۗ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ  
يَعْلَمُهُ اللَّهُ ۗ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ  
التَّقْوَى ۗ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١١٨﴾

بر شباکی نیست که از پروردگار خود خواهان فضل باشید. پس چون از عرفات برگردید آنوقت نزد مشعر حرام خدا را ذکر کنید و او را یاد کنید بدانسان که او شما را هدایت داده است و از این پیش شایقیناً از گمراهان بودید (۱۹۹) سپس [شمانیز] برگردید از جائیکه مردم بر میگرددند و از خدا آمرزش بخواهید، یقیناً خدا بسیار آمرزنده بارها را رحمنکننده است (۲۰۰)

پس هنگامیکه مناسک حج را تمام کنید آنوقت خدا را یاد کنید آنگونه که پدران خود را یاد میکنید بلکه سرشارتر از آن یاد. پس کسی از مردم است که گوید پروردگارا! بده ما را در دنیا و او را در آخرت هیچ بهره نیست (۲۰۱)

و کسی از آنها میگوید: ای پروردگار ما! اعطاکن مارا نیکوی در دنیا و نیکوی در آخرت و مارا از عذاب

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ ۗ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ۖ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْكُمْ ۗ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ ﴿۱۹۹﴾

ثُمَّ أَقِضُوا مِنْ حَيْثُ أَقَضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۰۰﴾

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا ۗ فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ ﴿۲۰۱﴾

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۲۰۲﴾



آتش نکه دار(۲۰۲)

همانهاست که ایشانرا پاداشی است  
از آنچه کسب کنند و خدا زود  
حساب است(۲۰۳)

و در این روزهای معدود خدا را  
یاد کنید. پس آنکه برشتابد در دو  
روز بر او باکی نیست و آنکه تاخیر  
کند باز بر او باکی نیست [این برای  
اوست که تقوی کند و از خدا  
بترسید و بدانید که شما بسوی  
او محشور کرده شوید(۲۰۴)

و از مردم کسی است که گفتارش  
درباره حیات دنیا تورا خوش آید  
و خدا را گواه نماید بر آنچه در  
دلش است حالانکه او ستیزه گری  
سرسخت است(۲۰۵)

و چون صاحب اختیار گردد در  
زمین سعی کند تا در آن فساد  
بگستراند و کشت و نسل را بهلاک  
برساند و خدا هرگز فساد را دوست  
ندارد(۲۰۶)

أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ  
سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٣﴾

وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ ۗ فَمَنْ  
تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ وَمَنْ  
تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۗ لِمَنِ اتَّقَىٰ ۗ وَاتَّقُوا  
اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٠٤﴾

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۗ وَهُوَ  
الذَّالِي خَصَمٌ ﴿٢٠٥﴾

وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا  
وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ  
لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٠٦﴾

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ  
بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ ۖ وَلَبِئْسَ الْمِهَادِ ۝

و چون بدو گفته شود که برای خدا  
تقوی اختیار کن خود خواهی او  
را بر گناه ثابت میدارد. پس جهنم  
برای او بس است و یقیناً آن  
جایگاه بسیار زشت است (۲۰۷)  
و کسی از مردم است که جان خود  
را بطلب خوشنودی خدا میفروشد  
و خدا بر بندگان بسیار مهربان  
است (۲۰۸)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ  
مَرْضَاتِ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۝

ای کسانی که ایمان آورده اید همگی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ  
كَآفَّةً ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوبَ الشَّيْطَانِ ۖ  
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝

شما به حلقه اطاعت در آئید و گام  
بر گام های شیطان ننهید. یقیناً  
او دشمنی آشکار شما است (۲۰۹)

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْهُ بَعْدَ مَا جَاءَتْكُمْ  
الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝

پس اگر لغزیدید از آن پس که  
نشانه های روشن شما را آمد آنگاه  
بدانید که خدا صاحب غلبه کامل  
صاحب حکمت است (۲۱۰)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي  
ظُلُمٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَقُضِيَ  
الْأَمْرُ ۖ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝

آیا فقط برای این انتظار دارند  
که خدا آنانرا در سایه های ابرها  
بیاید و فرشتگان و کارگزارانیده  
شود و باز گشت همه امور بسوی

خدا است (۲۱۱)

پرس از بنی اسرائیل چه بسا  
آیت های تابان بدیشان داده  
بودیم و هرکه نعمت خدا را تبدیل  
کند از آن پس که آن او را برسد  
آنگاه یقیناً خدا سخت عقوبت  
است (۲۱۲)

زندگی دنیا بکسانیکه کفر کردند  
زیبا بنمایش گذارده شد و آنها به  
کسانی که ایمان آوردند تسخر  
میکنند و کسانیکه تقویٰ پیش  
گرفتند روز قیامت بالاتر از آنها  
باشند و خدا رزق را بهرکه خواهد  
ببهد و حساب اعطا کند (۲۱۳)

مردم يك امت بودند. پس خدا  
انبیاء را مژده دهندگان و بیم  
دهندگان فرستاد و با ایشان کتابی  
باحق نازل کرد تا در میان مردم  
قضاوت کند در آن امور که در آن  
اختلاف کردند و اختلاف در این  
[کتاب] فقط آنهائی میان خود

سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْتَهُمْ مِنْ آيَةٍ  
بَيِّنَةٍ ۖ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا  
جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲۱۱﴾

رُزِقَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَالْحَيَاةُ الدُّنْيَا  
وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ  
اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ  
يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۲۱۲﴾

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ فَبَعَثَ اللَّهُ  
النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۖ وَأَنْزَلَ  
مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ  
فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا  
الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ  
الْبَيِّنَاتُ ۗ بَعْضًا مِنْهُمْ ۗ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ

گردن کشی کنان کردند که آن [کتاب] داده شدند پس از آنکه آنها را نشانه های آشکار آمده بود. پس خدا آنان را که ایمان آورده بودند به اذن خود برای آنچه در آن اختلاف میکردند رهنمائی کرد و خدا هر که را خواهد رهنمائی به صراط مستقیم میکند (۲۱۴) ++

آیاگمان کردید که وارد بهشت شوید در حالی که هنوز شما را حالتی همچون کسانی که قبل از شما بودند نیامده است ایشان را سختیها ورنجهای رسیدولرزانده شدند تا آن انتها که رسول و آنان که با او ایمان آورده بودند فریاد

أَمْؤَالِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِأُذُنِهِ<sup>ط</sup>  
وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ  
مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٤﴾

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا  
يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ<sup>ط</sup>  
مَسَّهُمُ الْبُاسَاءُ وَالضَّرَآءُ وَزُلْزِلُوا  
حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ  
مَتَى نَصُرُ اللَّهُ<sup>ط</sup> أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ  
قَرِيبٌ ﴿٢١٥﴾

++ آیت ۲۱۴: قبل از اینکه پیغمبری ظهور کند مردم همه ایشان همسنگ میشوند. اگر چه ظاهر آیه رسولان قبلی ایمان دارند اما در فسق و فجور بهم میباشند. این سخن کلی است که پیش از ظهور رسولی همه ملتها چه مومن چه غیر مومن همه یک روش را دنبال میکنند. دمیکه آن پیغمبر کتاب و فرامین آنرا نسبت به امر و نهی توضیح میدهد آنگاه مخالفت آن پیغمبر مردم را در دو گروه منقسم میسازد که یکی از آنان پیروان پیغمبر و دیگران مخالفان او میباشند.

زندند انجام یاری خدا تا بچند کشد؟  
باش! یاری خدا یقیناً نزدیک  
است (۲۱۵)

مسئلت کنند از تو که چه انفاق  
کنند؟ بگو هر چه از مال انفاق کنید  
پس برای والدین و خویشان و  
یتیمان و ناداران و درماندگان راه  
است و هر چه نیکوکاری کنید پس  
خدا احتسابه آن آگاه است (۲۱۶)

قتال بر شما واجب کرده شد و لو  
آن شمارا ناخوش داشت و امکان  
دارد که چیزی شمارا ناخوش دارد  
و آن برای شما بهتر است و امکان  
دارد که چیزی شمارا خوش دارد  
و آن برایشما بسیار بد است و  
خدا میداند حالیکه شما نمی  
دانید (۲۱۷)

مسئلت کنند از تو درباره ماه حرام  
یعنی قتال در آن - بگو قتال در آن  
[گناهی] بزرگست و بازداشتن از  
راه خدا و به او انکار کردن و از

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ  
مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ وَاللِّدِينِ وَالْأَقْرَبِينَ  
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَا  
تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ ۗ  
وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ  
لَّكُمْ ۗ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ  
لَّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ  
قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۗ وَصَدٌّ عَنِ سَبِيلِ  
اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ  
أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَالْفِتْنَةُ

مسجد حرام [باز داشتن] و اهل  
 [اصلی] آنرا از آن بیرون راندن  
 نزد خدا [گناهی] بزرگتر از آنست و  
 فتنه بزرگتر از قتل است و آنها  
 شمارا پیوسته کارزار کنند تا آن  
 نهایت که اگر طاقت آورند شما  
 را از دین شما بازگردانند و هر  
 که از شما از دین خود بازگردد  
 و بپردد در حالیکه او کافر است  
 پس همانها که اعمالشان دردنیای  
 آخرت پوچ شد و همانها اهل  
 آتشند. آنها مدت دراز در آن  
 خواهند ماند (۲۱۸)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و  
 آنها که مهاجرت نمودند و در راه  
 خدا جهاد کردند ایشانشانند که رحمت  
 خدا میخواهند و خدا آمرزنده ی  
 بارها رحم کننده است (۲۱۹)

درباره شراب و قمار از تو  
 مسئلت کنند. بگو در این دو [جنبه]  
 گناه بزرگتر است و برای مردم

أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ۖ وَلَا يَزَالُونَ  
 يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ  
 إِنِ اسْتَطَاعُوا ۖ وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ  
 دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ  
 أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ وَأُولَٰئِكَ  
 أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٨﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا  
 وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ  
 رَحْمَتَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٩﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۖ قُلْ  
 فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ  
 وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا ۖ

وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۗ قُلِ الْعَفْوَ ۗ<sup>ط</sup>  
 كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ  
 تَتَفَكَّرُونَ ۗ<sup>ل</sup>

فوائد نیز است و [جنبه] گناه ایندو  
 بزرگتر از بهره ایندو است و  
 مسئلت کنند چه چیز انفاق کنند.  
 بگو آنچه زاید بر نیاز است. این  
 گونه خدا آیات خود را با خاطر شما  
 به تصریح بیان میکند تا باشد شما  
 تفکر کنید (۲۲۰) ++

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ  
 الْيَتَامَىٰ ۗ قُلِ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ۗ وَإِنْ  
 تُخَالِفُواهُمُ فَاخْوَانُكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ  
 الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ  
 لَأَعْتَبْتُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۗ<sup>م</sup>

درباره دنیا و آخرت و از یتیمان  
 تورا میپرسند. بگو اصلاح کردن  
 آنان نیکوکاری است و چنانچه  
 به آنان آمیزش کنید پس برادران  
 شماست و خدا اصلاح آورنده را  
 از فسادکننده خوب میداند و اگر  
 خدا میخواست حتماً شما را به  
 سختی روبرو میساخت. یقیناً خدا

++ آیت ۲۲۰: در این آیت برای حرام و حلال يك اصل استوار بیان شده است. آن  
 چیزها که مصرف آنها سودمندتر از زیان است ملالند و چیزهایی که سودمند اما ضرر  
 آنها زیادتر از فایده است آنها حرامند. الکحل اگر نوشیده شود ضرر میرساند لذا  
 کم نوشیدن نیز حرام است. اما در علم طب الکحل را اهمیتی فوق العاده است.  
 عصاره بوی خوش در محلول الکحل بهم آمیخته هر چند بر لباس پاشیده شود هرگز  
 مستی نیآید.

صاحب غلبه کامل صاحب حکمت  
است (۲۲۱)

وبازنان مشرکه ازدواج نکنید  
تا آنگاه که ایمان آورند و کنیزک  
مومنه بهتر از زنی مشرکه است  
ولو شمارا خوش دارد و مردان  
مشرک را [بازنان مومنه] تزویج  
ندمید تا آنگامکه ایمان آرند و  
حتماً بنده ی مومن بهتر از [آزاد]  
مشرک است ولو شمارا خوش  
دارد. همانها اند که بسوی آتش  
دعوت میکنند و خدا بفضل خود به  
سوی بهشت و آمرزش میخواند و  
آیتهای خود را برای مردم بروشنی  
بیان کند تا آنان پند بگیرند (۲۲۲)  
و درباره قاعدگی از تو میپرسند  
بگو آن [حالت] رنج است. پس در  
قاعدگی از زنان دوری جوید و  
با آنها نزدیکی نکنید تا آنگاه که  
پاک شوند پس چون پاک شوند  
پس با آنها نزدیکی کنید از طریق

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ تُؤْمِنَ ۗ  
وَلَا مَآءٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ  
أَعَجَبْتُمْ ۗ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ  
يُؤْمِنُوا ۗ وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ  
وَ لَوْ أَعَجَبَكُمْ ۗ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى  
النَّارِ ۗ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ  
وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ ۗ وَ يَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ  
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۲۷﴾

۲۷  
﴿۲۷﴾

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ ۗ قُلْ هُوَ آذَىٰ  
فَاعْتَرِزُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ ۗ وَلَا  
تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ ۗ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ  
فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ  
يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ﴿۲۸﴾



که خدا بشما فرمان کرده است.  
یقیناً خدا بسیار توبه کنندگان و  
پاکان را دوستدارد (۲۲۳)

زنان شما کشت شما اند. پس  
بیآیید بنزد کشت خود بطوریکه  
بخواهید و چیزی برای نفسهای خود  
پیش بفرستید و از خدا بترسید  
و بدانید که حتماً شما با او ملاقات  
کنید و بومنان مژده بده (۲۲۴) +

و خدا را هدف سوگندهای خود  
قرار ندهید تا از نیکی کردن، تقوی  
کردن و بین مردم اصلاح نمودن  
گریز کنید و خدا بسیار شنوای  
مدام دانا است (۲۲۵)

خدا شمارا بر قسمهای بیپوده شما  
مواخذه نکند اما بسبب آن [گناه]  
که قلبهای شما کسب کند شما را  
مواخذه کند و خدا بسیار آمرزنده

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ  
أَنْ سِئْتُمْ<sup>ط</sup> وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ<sup>ط</sup>  
وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوَةٌ<sup>ط</sup>  
وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٤﴾

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ  
تَبَرُّوا وَاتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ<sup>ط</sup>  
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾

لَا يُؤْخَذُكُمْ بِالْعُوقِيٍّ أَيْمَانِكُمْ  
وَلَكِنْ يُؤْخَذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ  
قُلُوبَكُمْ<sup>ط</sup> وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٦﴾

+ آیت ۲۲۴: ستمگران این آیت را برای نزدیکی غیرعادی با زنان خود جواز قرار  
میدهند. این ظلم بزرگی است. کلمه حرت یعنی کشت دال بر آن اعضای بدن است  
که موجب تولدنسل اند در صورتیکه نزدیکی غیرعادی هرگز موجب تولدنسل نیست.

بردبار است (۲۲۶)

و برای کسانی که درباره زنان خود ایلاء کنند چهارماه انتظار کشیدن است. پس اگر رجوع کنند آنگاه خدا آمرزنده ی بارها رحمتکننده

است (۲۲۷)

و اگر به طلاق آنگ کند پس یقیناً خدا شنوای مدام دانا

است (۲۲۸)

و زنانیکه طلاق داده شوند تاسه پاکی خود را نگهدارند و برای آنان روانیست آنچه را خدادار رحمهای آنان خلق کرده کتمان نمایند اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارند و در آن صورت شوهران آنان بیشتر حقدارند که آنها را باز گیرند چنانچه بسازگاری اراده کنند و زنان را [حقوق] است چنانکه به متعارف کسی [مرد] را بر آنها است در حالیکه مردان را بر آنان رجحان هم است و خدا

لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصٌ  
أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ ۚ فَإِنْ فَاءَ وَفَإِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۲۶﴾

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ  
عَلِيمٌ ﴿۲۲۷﴾

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ  
قُرُوءٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا  
خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ  
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَبِعَوْنِهِمْ أَحَقُّ  
بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا  
وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ  
وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ  
حَكِيمٌ ﴿۲۲۸﴾

صاحب غلبه کامل و صاحب

حکمت است (۲۲۹)

طلاق دو بار است. بعداً بمتعارف نگه داشتن است یا بوجه نیکو رها کردن است و شمارا روانیست که چیزی از آنچه به آنها دادید پس گیرید مگر اینکه آندوی بترسند که حدهای خدا را بپا نه خواهند کرد و اگر بترسید که آن دوی حدهای خدا را بپا نخواهند کرد پس بر آندو باکی نیست که آزن [بخاطر بپایان دادن تنازعه] بدوستی چیزی رادرحق مرد ترك کند. این حدهای خداست و از آنها تجاوز نکنید و هر که از حدهای خدا تجاوز کند پس آنانند که ستم کارانند (۲۲۰)

پس اگر او آزن را طلاق دهد پس آن زن برای او حلال نیگردد تا زمانی که آزن باشوهری بغیر از او نکاح کند. پس اگر او [هم] به

الطَّلَاقَ مَرَّتَيْنِ ۖ فَمَا سَكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِأَحْسَنِ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۗ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۗ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ فَلَا تَعْتَدُوهَا ۗ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٠﴾

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا حِلَّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَسْكَحَ زَوْجًا غَيْرَهُ ۗ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ

آنزن طلاق دهد در آن صورت برآندو باکی نیست که بهم دیگر رجوع کنند اگر یقین دارند که [این بار] خدای خدا را بپایمکنند و این خدای خدا است که آنها را برای قومی که میدانند بصراحت بیان کرده ایم (۲۲۱)

و هنگامیکه به زنان طلاق دهید و بغایت مدت معین خود برسند آنگاه یا آنها را طبق دستور نگه دارید یا آنها را بستمعارف رها کنید و بازمدارید آنان را به اذیت ناتمندی کنید و هر که اینکار کند یقیناً بر خود ستم کرد و آیات خدا را بباد سخریه نگیرید و بخاطر آریدنعمت خدا را بر خود و آنچه از کتاب و حکمت بر شما نازل کرد. بدینوسیله او به شما پند میدهد و از خدا بترسید و بدانید که خدا بهر چیز نیک دانا

است (۲۲۲)

يُفِي مَا حُدُّدَ اللَّهُ ۖ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ  
يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغُنَّ أَجَلَهُنَّ  
فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ  
بِمَعْرُوفٍ ۖ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا  
لِتَعْتَدُوا ۗ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ  
نَفْسَهُ ۖ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَةَ اللَّهِ هُزُوًا  
وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ  
عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةَ يَعِظُكُمْ  
بِهِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳۳﴾

و وقتی که بزنان خود طلاق دادید و بغایت مدت معین خود برسند پس آنها را باز ندارید که با [دیگر] شوهران خود نکاح کنند چون آندو به متعارف رضای هم بروند. این بند به او داده میشود آنکه از شما به خدا و روز آخرت ایمان دارد. این [طریق] شما را نیکوتر و پاکتر کننده است و خدا میداند

در حالیکه شما نمیدانید (۲۲۲)

و بایستی مادران کودکان خود را دو سال تمام شیر دهند بخاطر آن [مرد] که میخواهد رضاعت را پایان برد و خوراک و لباس آن زنان به متعارف بر صاحب فرزند است و تنی تکلیف نمیشود جز توانایش. مادر بمناسبت کودکش آزار داده نه شود و هم نه پدر بمناسبت فرزند خود و بر وارث هم مانند آنست و اگر آن دو با رضایت و مشورت هم بخواهند

وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ ذَلِكَُمْ أَزْوَاجُكُمْ وَأَطَهْرٌ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۲۲﴾

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ۗ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا ۗ لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ ۗ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۗ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۗ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ

شیرد بازگیرند پس برآند و باکی نیست. اگر بخواهید به فرزندان خود [از جای دیگر] ارضاع کنید باز هم بر شما گناهی نیست و قتیکه آنچه بمتعارف طی کردید پرداخت کرده باشید و از خدا بترسید و بدانید که خدا بینا است به آنچه عمل کنید (۲۳۴)

و کسانی از شما که بپیرند و مسرین باز گذارند آن زنان خود را چهار ماه و ده روز نگهدارند. پس هرگاه بنهایت زمان معین خود برسند آنگاه در مورد آنچه بمتعارف در حق خود انجام دهند بر شما گناهی نیست و خدا مدام آگاهست بآنچه انجام دهید (۲۳۵) و هیچ گناهی بر شما نیست اگر به خواستگاری [آن] زنان به آنها بکنایه تعریض کنید یا در دلهای خود پنهان دارید. خدا میداند که حتمًا شما آنها را بخاطر خواهید

عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۖ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۲۳۴﴾

وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْكُمْ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۲۳۵﴾

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا يُعَذِّبُهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا

مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ  
 حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ  
 اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ۗ  
 وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۲۳﴾

ع  
۱۴

داشت. اما با آنها قرار مخفی نگذارید  
 جز اینکه سخنی نیکو بگوئید و  
 قصد عقد ازدواج نه کنید تا آنگاه  
 که بنهایت زمان معین خود  
 برسند و بدانید که خدا میداند  
 آنچه در دلهای شماست پس از  
 [عقوبت] او حذر کنید و بدانید که  
 خدا آمرزنده بردبار است (۲۳۶)  
 شمارا گنای نیست اگر بزنانی  
 طلاق دهید که به آنها نزدیکی  
 نکرده اید یا مهریه آنها مقرر  
 نداشته اید و آنها را کسی بهر مند  
 کنید. توانگر را فراخور توانائی  
 او و بر ناتوان فراخور توانائی  
 او بفرض است. [این باید] بمتعارف  
 کمی متاعی باشد و این بر محسان  
 لازم تر است (۲۳۷)

و اگر به آنها طلاق دهید قبل از این  
 که به آنها نزدیکی کردید و برای  
 آنها مهریه مقرر داشته اید آنگاه  
 نصف آن [بدهید] مقرر کردید

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا  
 لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفَرَّصُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۗ  
 وَمِمَّا عَوَّهْنَ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى  
 الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا  
 عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿۲۳﴾

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ  
 وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فِضْفُ مَا  
 فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي

بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ ۖ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ  
لِلتَّقْوَى ۖ وَلَا تَتَسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۖ  
إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۲۳۸﴾

جز اینکه آنها ببخشند یا آنکس  
ببخشد که عقدنکاح در دست او  
است و اگر در گذرید این نزدیکتر  
به تقوی است و میان خود برتر  
بهائی را فراموش نکنید یقیناً خدا  
بینا است به آنچه میکنید (۲۳۸)

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ  
الْوَسْطَى ۗ وَكُومُوا لِلَّهِ قِتِينَ ﴿۲۳۹﴾

بر نمازهای [خود] مراقبت کنید  
خصوصاً نماز میانه را و برای خدا با  
تسلیم کامل بپایستید (۲۳۹) ++  
پس اگر بیدارید آنگاه پیادگان  
یا سواران [نماز بخوانید] باز چون  
ایمن شدید آنگاه خدا را یاد کنید  
همانطور که او آموخت شما را آن  
چه را نمیدانستید (۲۴۰)

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجًا لَا أَوْرُكْبَانًا ۖ فَإِذَا  
أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ  
تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿۲۴۰﴾

و آنان از شما که میمیرند و همسران  
باز گذارند در حق همسران خود  
برای بهره گیری يك ساله بدون  
اخراج [از منازل] وصیت کنند ز پس

وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْكُمْ وَيَدْرُونَ  
أَرْوَاجًا ۗ وَصِيَّةً لِأَرْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى  
الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ ۚ فَإِنْ خَرَجْنَا فَلَا

آیت ۲۳۹- و از ه صلاة وسطی را معنای عمومی نماز ظهر است حالانکه صلاة وسطی  
مريك آن نماز است که عیناً میان مشغولیات خوانده شود. هر چند مشغولیات  
بیشتر اهمیت این نماز بیشتر.



جَنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَا فِي أَنْفُسِنَا  
 مِنْ مَّعْرُوفٍ ۖ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤١﴾

اگر آنها [بمیل خود] در روند آنگاه  
 درباره آنچه بمتعارف در حق خود  
 انجام دهند بر شما گناهی نیست و  
 خدا صاحب غلبه کامل صاحب  
 حکمت است (۲۴۱)

وَالْمُطَلَّقَاتُ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا  
 عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤٢﴾

و زنان مطلقه را نیز بمتعارف  
 بهره مند ساختن است. [این در حق  
 آنها] بر متقیان بفرض است (۲۴۲)  
 اینطور خدا آیتهای خود را برای  
 شما روشن سازد تا شما عقل  
 کنید (۲۴۲)

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ  
 تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٣﴾

آیا جهت آنها حالی نشدی که از  
 خانه های خود از ترس مرگ  
 خارج شدند و هزاران بودند؟ پس  
 خدا به آنها گفت که مرگ را  
 قبول کنید سپس [این طور] آنها  
 را زنده کرد. یقیناً خدا بر مردم  
 بسیار فضل بخشاء است و اما  
 بیشتر مردم [به او] سپاسداری  
 نمیکنند (۲۴۴) ++

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ  
 وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ ۖ فَقَالَ لَهُمُ  
 اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَذُوُ  
 فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا  
 يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٤﴾

++ آیت ۲۴۴: معنای موتوا مرگ بدنی نیست چه خودکشی حرام است [بقیه ص ۸۴]

و قتال کنید در راه خدا و بدانید که خدا شنوای مدام دانا است (۲۴۵)

کیست آنکه به خدا قرض حسنه دهد تا او آنرا برایش چندین برابر بیفزاید و خدا [رزق را] جمع میکند و می گشاید و شما بسوی او بازگردانیده میشوید (۲۴۶)

آیا بحال سرداران بنی اسرائیل بعد از موسی نگاه نکردی چون آنها به پیغمبری گفتند بر ایما پادشاه برانگیز تا در راه خدا قتال کنیم. گفت، آیا چون نیستید اگر جنگ بر شما واجب گردد جنگ نکنید؟ گفتند و چیست مارا که در راه خدا جنگ نکنیم حالانکه از خانه های خود و از فرزندان خود بیرون

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٥﴾

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضِعُّهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْضِي وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٦﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ إِنَّهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا يُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَالَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ

بقیه ص: ۸۳ قرآن از طرف دیگر بارها اعلان کرده است مرگه یگبار ازین دنیا رفت دوباره برنمیگردد لذا معنی موتوا وارد کردن مرگ بر هوایی نفسانی است بطوریکه قول صوفیان است موتوا قبل ان تموتوا - قبل از آنکه شما را فوت آید خودتان بمیرید.

رانده شدیم. پس گامیکه جنگ بر آنها لازم کرده شد روی برتابیدند جز اندکی از آنها و خدا به ستم کاران بخوبی آگاه است (۲۴۷)

و پیغمبر آنان بدیشان گفت. خدا برای شما طالوت را پادشاه برانگیخته است گفتند چطور میشود که او را بر ماسلطنت باشد حالانکه ما برای پادشاهی سزا وارتر از او هستیم و او فراخی مال هم نداده شده است. گفت: یقیناً خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و جسم فراخی افزوده است و خدا پادشاهی خود را به هر که بخواهد در میدهد و خدا گشایش بخشاء صاحب علم دائمی است (۲۴۸) ++

و پیغمبرایشان بدیشان گفت همانا علامت پادشاهی او آن است که بشما تابوتی میرسد که در آن از پروردگار شما سکنه و

تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ  
بِالظَّالِمِينَ ﴿۲۴۷﴾

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَلَيْسَ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۗ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۴۸﴾

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ

باقیمانده آن چیزاست که آل موسی و آل هارون وا گذاشتند. فرشتگان آنرا برداشته باشند یقیناً شمارا دراین آیتهای است اگر شما دارندگان ایمان اید(۲۴۹)++

پس هنگامیکه طالوت با لشکر خود رهسپارشد گفت: یقیناً خدا شما را از نهری آزمایش میکند. پس هرکه از آن [پبری] بنوشد از من نیست و آنکه از آن ننوشد از من است مگر آنکه به کفی بدست خود بگیرد. پس نوشیدند از آن مگر اندکی از آنها. پس هنگامیکه او و آنانکه با او ایمان آورده بودند از آن نهر عبور کردند [نافرمانان] گفتند: امروز به [مقابل] جالوت و لشکریانش مارا تابی نیست. آنانکه گمان کردند که آنان از خدا دیدارکننده اند گفتند چه بسا گروهی کم تعداد

تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۱۰۱ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمۡ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۱﴾

۱۰۱

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ ۱۰۲ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ ۱۰۳ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي ۱۰۴ وَمَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۱۰۵ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۱۰۶ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ۱۰۷ قَالُوا لَاطَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۱۰۸ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلتَمُوا اللَّهَ ۱۰۹ كَرۡمًا ۱۱۰ فَوَسَّيْنَا لِقَلِيلَةٍ غَلَبَتۡ فِئَةً ۱۱۱ كَثِيرَةً ۱۱۲ بِإِذۡنِ اللَّهِ ۱۱۳ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۱۰۱﴾

باذن خدا بر گروهی بسیار تعداد  
غالب آمدند و خدا با شکیبایان  
است (۲۵۰) ++

پس گامیکه برای [مقابله] جالوت  
ولشکریانش نمودار شدند گفتند:  
پروردگارا! صبر بر ما نازل کن و  
قدمهای ما را ثابت بدار و ما را بر  
قوم کافران یاری کن (۲۵۱) ++

پس ایشان به اذن خدا آنها را  
مزیت دادند و داود جالوت را  
کشت و خدا او را پادشاهی و  
حکمت در داد و آموخت او را از  
آنچه دوست داشت و اگر خدا بعضی  
از مردم را با بعضی حفظ نمی  
کرد حتماً زمین پر فساد میشد و  
اما خدا را بر عالیشان فضلی  
فراوان است (۲۵۲) ++

این آیه‌های خدا است که بر تو  
بحق میخوانیم و بیگمان تو از  
پیغمبران هستی (۲۵۲)

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُوْدِهِ قَالُوا رَبَّنَا  
أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا  
وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥١﴾

فَهَرَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ <sup>ق</sup> وَ قَتَلَ دَاوُدُ  
جَالُوتَ وَ أَنشَأَ اللَّهُ الْمَلِكَ وَ الْحِكْمَةَ  
وَ عَلَّمَهُ مَا يَشَاءُ <sup>ط</sup> وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ  
بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ <sup>ل</sup> لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ  
وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥٢﴾

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ <sup>ط</sup>  
وَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

آیتها ۲۴۸ تا ۲۵۲ - اگر این آیات به وقت خوانده شوند مراد از جالوت همان حضرت

داود علیه السلام اند که دشمن ایشان جالوت بود. پس اگر این آیتها در تسلسل خوانده شوند واژه های جلوتر "قتل داود جالوت" روشن میسازند که آن جالوت که در اینجا مذکور است دشمن حضرت داود بود که از دست ایشان شکست خورد. قبل ازین ایشان بنام داود خوانده نشدند. علت این معلوم میگردد که ایشان را نبوت و حکمت پس ازین غلبه اعطا شد و مراد از حکمت، نبوت بدون شریعت نیز میباشد.

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى  
بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ  
بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۗ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ  
مَرْيَمَ الْبَيْتَ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ  
وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ  
بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ  
وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فِيهِمْ مَنْ أَمَنَ  
وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا  
اقْتَتَلُوا ۗ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ۝

۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰

۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰

ایشان پیغمبران اند که بعضی از  
ایشان را بر بعضی فضیلت دادیم  
بعضی از ایشان اند که خدا با  
ایشان [رویا روی] تکلم کرد و  
بعضی را رفعت رتبه و مقام داد  
وعیسی بن مریم را نشانه های  
آشکار دادیم و او را با روح القدس  
تایید نمودیم و اگر خدا میخواست  
آنانکه پس از ایشان بودند از این  
پس که نشانه های روشن به آنان  
آمده بود به جان همدیگر نمی  
پرداختند و اما آنها [از هم] اختلاف  
کردند. پس از آنها بودند که ایمان  
آوردند و از آنها بودند که انکار  
کردند و خدا اگر میخواست بقتل  
همدیگر نمیپرداختند و اما خدا  
انجام دهد مرچه میخواست (۲۵۴)  
ای کسانی که ایمان آورده اید  
انفاق کنید از آنچه بشما در داده  
ایم از آن پیش که روزی فرا  
رسد که در آن نه دادوستد باشد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ  
مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ  
وَلَا شَفَاعَةَ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمْ  
الظَّالِمُونَ ۝

ونه دوستی و نه شفاعت و کافران

اند که ستمکارانند (۲۵۵)

خدا اجز او کسی معبود نیست -

مدام زنده قائم بالذات - نه او را

غنودگی فرا گیرد و نه خواب.

هرچه در آسمانها است و هرچه در

زمین از آن او است. کیست که

در محض او بلاذن او شفاعت کند.

او میداند هرچه پیش روی آنها

است و هرچه پشت سر آنها است

و از علم او احاطه نکنند هیچ هم

مگر به آن [اندازه] که او بخواهد.

پادشاهی او بر آسمانها و زمین یهن

است. نگهداری مردو به او سنگینی

نکند. او صاحب بلندترین شأن و

صاحب عظمت است (۲۵۶)

دردین اجبار نیست. مسلماً هدایت

از گمراهی باز شناخته شد. پس هر

که به طاغوت انکار کند و ایمان به

خدا آورد پس او چنگ زد به دست

گیره که آنرا گسیختن نیست و

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۚ لَا

تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ

إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا

خَلْفَهُمْ ۚ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ

إِلَّا بِمَا شَاءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضَ ۚ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٦﴾

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۚ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ

الْغَىِّ ۚ فَمَنْ يُكْفَرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ

بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ

لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٧﴾



خدا بسیار شنوا صاحب علم دائمی

است (۲۵۷) + +

خدا دوستدار آنان است که ایمان آوردند. آنانرا از تاریکیها بروشنی بیرون میآورد و آنانکه کفر کردند دوستان آنها طاغوت اند که آنها را از روشنی به تاریکی ها بیرون میآرند. آنها اهل آتشند که مدت دراز در آن میمانند (۲۵۸)

آیا بحال آنکس نگرستی که با ابراهیم در مورد پروردگارش محاجه کرد چه خدا اورا پادشاهی در داده بود و چون ابراهیم گفت پروردگارم آنست که زنده میکند و میمیراند. او گفت منم زنده میکنم و می میرانم. ابراهیم گفت براستی خدا خورشید را از شرق

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵۸﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ ۖ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحِبُّ وَيُمِيتُ ۖ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ ۖ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۲۵۷﴾

++ آیت ۲۵۷ - مطابق آیه ایمان کسی را با اجبار تبدیل کردن کلیه منع است لا اکراه فی الدین - مفهومش اینست که اجبار در دین به ذره هم جایز نیست البته بر کسیکه حق آشکار شد مثلش طوری است گویی که او چنگ زده به دستگیره ی که دستش میتوان برید ولی از آن دستگیره جدا نتوان کرد.

میآرد تو آنرا از غرب بیآر. پس  
آنکه کفر کرده بود سرگشته ماند  
و خدا قوم ستمگران را هدایت  
نمیدهد (۲۵۹) ++

یا مثل آنکس را [اندریشیدی] که بر  
شهری گذر کرد در حالیکه آن بر  
سقفهای خود افتاده بود؟ او گفت:  
خدا چگونه آنرا بعد از مرگش زنده  
کند؟ پس خدا وی را وادار به  
[حالتی مانند] مرگ صد سالگی  
کرد. سپس وی را برخیزاند.  
پرسید چند [در این حالت] ماندی؟  
او گفت: روزی یا پاره از روز.  
[خدا] گفت: بلکه صدسال ماندی.  
پس بسوی خوردنی خود و  
آشامیدنی خود بنگر که آن  
ناپوسیده است و به اولاغ خود  
بنگر. اینست تا تو را برای مردم

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ  
عَلَى عُرُوشِهَا ۚ قَالَ أَلِيَّ يَحْيَىٰ هٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ  
مَوْتِهَا ۚ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ  
بَعَثَهُ ۖ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ ۗ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا  
أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۗ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ  
عَامٍ ۖ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ  
يَتَسَنَّهْ ۗ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ  
آيَةً لِلنَّاسِ ۖ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ  
نُنشِرُهَا ۖ نَكْسُوهَا حَمًا ۖ فَلَمَّا تَبَيَّنَ  
لَهُ ۗ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ ﴿۲۵۹﴾

++ آیت ۲۵۹ - شان استدلال حضرت ابراهیم اینست چون شخص متقابل ایشان  
خورشیدپرست بود بدو گفتند، برخورشیدغلبه بیآب. پروردگارم آنرا از شرق می آرد  
تو آنرا از غرب بیآر. پس او مبہوت ماند چه اونمیتوانست حرفی خلاف دین خود بزند.

آیتی قراردمیم و بسوی استخوانها  
 بنگر که چطور آنها را بر خیزانیم  
 سپس به آنها گوشت میپوشانیم.  
 پس چون امر بر او روشن شد  
 گفت: بخردیافته ام که خدا به هر  
 چیز مدام قدرتمند است (۲۶۰) ++  
 و [آیاتدبر کردی] چون ابراهیم  
 گفت: پروردگارا! مرا نشان بده  
 چگونه مردگان را زنده کنی؟  
 گفت: آیا ایمان نیاورده ای؟ او  
 گفت: بلی. و اما [پرسیده ام] تا قلم  
 اطمینان بیابد. او گفت: چهار پرنده  
 بگیر و آنها را با خود رام کن باز  
 از آنها یکایک را بر هر کوهی بگذار.  
 سپس آنها را بخوان که بشتاب

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي  
 الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ  
 وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ آزْبَعَةً  
 مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ  
 كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ  
 سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۶۰﴾

آیت ۲۶۰- ظاهراً از این آیت چنین میرسد بطوریکه مفسران نیز اخذ کرده اند که  
 خدا شخصی را به صدسال میراند و پس از صد سال زنده نمود که خورد و خوراک  
 و اولاش و غیره موجود و سالم بود. این استنباطی بی اساس و گستاخگوئی  
 نسبت به قرآن است. درحقیقت خدا او را در حالت خواب یک شبی، رویدادهای  
 صدسال آینده را نشان داد. پس وقتی که او بیدار شد خداوند بدو گفت اینک نگاه  
 کن که الاغت و هم خورد و خوراکت همینطور موجود است که شب اینجا گذارده  
 بودی.

نزد تو می‌آیند و بدان که خدا  
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت  
است (۲۶۱) ++

مثل کسانی که مالهای خود را در  
راه خدا انفاق میکنند بمثل دانه  
است که هفت خوشه می‌رویاند.  
در هر خوشه صد دانه باشد و خدا  
بهر که می‌خواهد [از اینهم] افزونتر  
میدهد و خدا فراخ عطاء صاحب  
علم دائمی است (۲۶۲)

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ  
سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ  
يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾

آنانکه مالهای خود را در راه  
خدا انفاق میکنند سپس آنچه انفاق  
الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
لَمْ يَلْمِئْهُمْ بِمَا أَنْفَقُوا مَتَّوًّا وَلَا آذَى ۚ

آیت ۲۶۱ - مفسران در مورد این آیت نیز اشتباه میکنند چون می‌پندارند که به حضرت  
ابراهیم فرمان شده بود که چهار پرنده را بی‌روانند و باز آنها را قیسه قیسه کرده  
کم کم قیسه را به اطراف شمال، جنوب، شرق و غرب بنهد و از آن پس آنها را بسوی  
خود بخواند تا می‌آیند. لغت زبان عربی مرکز بدین معنا اجازه نمیدهد. کلمات  
"سرهن الیک" بمعنای "أَمَلْتَنَ، مِنَ الصُّورِ اِی اَلْمَيْلَ" است - فعل سر از صور مشتق  
است یعنی مایل کردن پس "سرهن الیک" را معنی است که آنها را بسوی خود مایل  
کن و رام [انس گرفته] کن و قال بعضهم: سرهن ای صح بهن - بعضیها گفتند که سرهن  
را معنای است که آنها را صدا کرده بسوی خود بخوان [مفردات امام راغب] پس  
بر همین منوال آن روان خجسته که می‌خواهند به خدا انس گیرند چون خدا ایشان  
را ندا بزند بی اختیار بسوی خدا می‌گرایند.

میکنند منتی و اذیتی را بدنبال  
نمی آرند پاداش ایشان نزد  
پروردگاریشان است و نه ایشان  
در بیم باشند و نه ایشان اندوه  
خورند(۲۶۳)

سخنی نیکو و گذشت بهتر از آن  
صدقه است که آن با آزاری دنبال  
شود و خدا بی نیاز بردبار  
است(۲۶۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید  
صدقات خود را با منت و آزار  
بهدرندمید مانند کسیکه مال خود  
را بریاء مردم انفاق کند و ایمان  
به خدا و روز آخرت نمیآرد. پس  
مثل او بمانند سنگی هموار است  
که بر آن [لایه] خاک باشد. بر آن  
بارانی سنگین قطران بیارد و  
آنرا تهی و تمیز بگذارد. مرچه کسب  
کنند بر آن هیچ اختیاری ندارند  
و خدا قوم کافران را هدایت  
نمیدهد(۲۶۵)

لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ وَلَا خَوْفٌ  
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۳۳﴾

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ  
يَتَّبِعَهَا آذَىٰ ۖ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿۳۴﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتِكُمْ  
بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ ۚ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ  
النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ  
فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ  
فَأَصَابَهُ وَايْلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۗ لَا  
يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ لَا  
يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۵﴾

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ  
مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَشْيِئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ  
كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ  
أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ  
فَظَلَّ<sup>ط</sup> وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ<sup>۳۷</sup>

و مثل آنانکه انفاق کنند مالهای  
خود را بطلب خوشنودی خدا و  
برای استواری بعضی از نفوس خود  
همچون آن باغی است که برجای  
بلند واقع باشد [و] آنرا بارانی  
سنگین قطران برسد پس میوه  
خود را فزونتر بیآرد و اگر باران  
سنگین قطران به آن نرسد همین  
باران نم نم بسنده است و خدا به  
آنچه کنید بینا است (۲۶۶)

أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ  
تَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ<sup>ل</sup>  
وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضِعْفًا<sup>ث</sup>  
فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ<sup>ط</sup>  
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ  
تَتَّقُرُونَ<sup>ع</sup>

آیا کسی از شما دوستدارد که او  
راباغی از خرما و انگور باشد که در  
دامنه آن نهرها روان باشد. برای  
او در آن میوه های مرنوع باشد  
و او را پیری رسیده باشد در حالی  
که او را فرزندان ناتوان باشند.  
آنگاه آنرا گردبادی برسد که  
در آن آتش [سان گرما] باشد پس  
آن [باغ] بسوزد. اینگونه خدا آیات  
را برای شماروشن میسازد تا باشد  
شما تفکر کنید (۲۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید  
 انفاق کنید از آن پاکیزه های که  
 کسب کنید و از آنچه که از زمین  
 برایشما بیرون آوردیم و قصد نه  
 کنید به ناپاک که از آن [در راه  
 خدا] انفاق کنید حالیکه خودتان  
 گیرنده آن نیستید مگر اینکه در  
 مورد آن نادیده بگیرید و بدانید  
 که خدا بی نیاز صاحب ستایش  
 است (۲۶۸)

شیطان شمارا تهدید تهدیدی کند  
 و بفحشائی فرمان میدهد حالیکه  
 خدا شمارا از خود وعده آمرزش  
 و فضل میدهد و خدا فراخ عطاء  
 صاحب علم دائمی است (۲۶۹)

هر که را خواهد حکمت اعطا کند  
 و آنکه حکمت داده شد پس یقیناً  
 او خیری فراوان داده شد و کسی  
 پندنگیرد جز صاحبان خرد (۲۷۰)  
 و هر چه از نفعه انفاق کردید یا از  
 نذرماندر کردید پس یقیناً خدا آن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا  
 كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ  
 الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ  
 تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِأَخْذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا  
 فِيهِ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿۲۶۸﴾

الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ لِلقَمْرِ وَيَأْمُرُكُمْ  
 بِالْفَحْشَاءِ ۗ وَاللَّهُ يُعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ  
 وَفَضْلًا ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۶۹﴾

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُؤْتَ  
 الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا  
 يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۲۷۰﴾

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ  
 نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ ۗ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

أَنْصَارٍ ﴿۲۷۱﴾

را میدانند و ستکارانرا یاوری  
نیست (۲۷۱)

اگر صدقات را آشکارا دمید پس  
این خیلی خوب است و اگر آنها  
را پنهان کنید و آنها را به تهیدستان  
بدمید پس آن برای شما نیکوتر  
است و [خدا] بسی از گنامان شما  
را از شما دور کند و خدا مدام آگاه  
است به آنچه انجام دهید (۲۷۲)

هدایت آنها بر تو نیست و لكن  
خدا است که بهره خواهد هدایت  
میدهد و هر چه از مال انفاق کنید  
پس بنفع خود شما است و شما  
که فقط بطلب خوشنودی خدا  
انفاق میکنید و هر چه از مال انفاق  
کنید بلاکم و کاست به شما باز  
گردانیده شود و قطعاً شماست مکرده  
نشوید (۲۷۲)

[این انفاق] برای آن نیازمندان  
است که در راه خدا محصور کرده  
شدند و آمدوشد در زمین راطاقت

إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ <sup>ع</sup> وَإِنْ  
تُخْفَوْهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ  
لَّكُمْ <sup>ط</sup> وَيَكْفُرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ <sup>ط</sup>  
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۲۷۲﴾

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي  
مَنْ يَشَاءُ <sup>ط</sup> وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ  
فَلَا نُنْفِسُكُمْ <sup>ط</sup> وَمَا تَنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءً  
وَجْهِ اللَّهِ <sup>ط</sup> وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ  
إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تظَلَمُونَ ﴿۲۷۳﴾

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا  
يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ  
يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَعْيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ <sup>ع</sup>



تَعْرِفُهُمْ بِسِيمِهِمْ ۚ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ  
 إِحْقَاقًا ۖ وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ  
 بِهِ عَلِيمٌ ﴿۲۷﴾

﴿۲۷﴾

نیارند. نادانی آنان را بملت  
 خودداری آنان [ازسوال کردن]  
 توانگر می‌شمارد [اما] ایشان را  
 از سیمای ایشان می‌شناسی. ایشان  
 از مردم با اصرار و الحاح سوال  
 نمیکنند و هرچه از مال انفاق  
 کنید پس یقیناً خدا به آن آگاه  
 است (۲۷۴)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
 سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ  
 رَبِّهِمْ ۖ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ  
 يَحْزَنُونَ ﴿۲۷۵﴾

﴿۲۷۵﴾

آنانکه اموال خود را شب و روز  
 نهان و عیان انفاق کنند پس آنان  
 را پاداش ایشان نزد پروردگار  
 ایشان است و نه ترسی برایشان  
 باشد و نه ایشان اندوه خورند  
 است (۲۷۵)

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا أَلَّا يَقُومُوا إِلَّا  
 كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ  
 الْمَسِّ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ  
 الرِّبَا ۗ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ۗ  
 فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ  
 مَا سَلَفَ ۗ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَمَنْ عَادَ

﴿۲۷۵﴾

آنهاکه رباخوردند نمیایستند مگر  
 مانند ایستادن آنکه مسّ شیطان  
 او را حواس باخته ساخته است  
 این بدانعلت است که آنها گفتند  
 که تجارت مانند ربا است در  
 حالیکه خدا تجارت را حلال و  
 ربا را حرام ساخته است. پس آنکه

به او پندی از پروردگار خود برسد و دست [از رباً] بردارد پس آنچه گذشته است برای او است و کارش با خدا است و آنکه اینکار را اعاده کند پس همانند که اهل آتشند. آنها در آن مدت دراز بمانند (۲۷۶) خدا رباً را میزداید و صدقات را میفزاید و خدا هر ناسپاسی بزهکار را دوست ندارد (۲۷۷)

بیگمان کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاریها کردند و نماز را بپای داشتند و زکوت دادند آنها را پاداش ایشان نزد پروردگار ایشانست. نه بیمی برایشان باشد و نه ایشان اندوه خورند (۲۷۸)

ای آنانکه ایمان آورده اید از خدا بترسید و ترك کنید آنچه از رباً باقی مانده است اگر شما مومنانید (۲۷۹)

پس اگر [ترك] نکنید آنگاه از خدا و رسول اعلام جنگ بشنوید

فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٦﴾

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي بِالصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٧﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ  
أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ  
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٨﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٩﴾

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ  
وَرَسُولِهِ ۗ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ

واگرتوبه کنید آنگاه رأس المال  
شما برای شما است. نه ستم کنید  
ونه ستم بر شما کرده شود (۲۸۰)  
و اگر کسی تهدید است پس تا  
توانگری مهلت دادن است و اگر  
صدقه دهید شما را نیکوتر است  
کاش شما میدانستید (۲۸۱)

و بترسید از روزیکه در آن بسوی  
خدا بازگردانیده شوید. سپس هر  
جان داده شود درخور آنچه کسب  
کرد و قطعاً آنها ستم کرده  
نشوند (۲۸۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید  
چون بهمدیگر برای زمانی معین  
به وام معامله کنید آنگاه آنرا  
بنویسید و نویسنده میان شما  
باید به داد بنویسد و نویسنده ی  
خودداری نکند از اینکه بنویسد.  
پس باید بنویسد بطوریکه خدا  
او را آموخته است و باید دیکته  
گردد آنکه بر اوحق [دیگری] است

أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾  
وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ۗ  
وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ  
تَعْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَىٰ اللَّهِ ثُمَّ  
تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا  
يُظْلَمُونَ ﴿٢٨٢﴾

۲۸۰  
۲۸۱  
۲۸۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ  
أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۗ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ  
كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ۚ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ  
يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ ۚ  
وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ  
وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا ۚ فَإِنْ كَانَ الَّذِي  
عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا

يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيَمِلْ وَلِيَّهِ  
 بِالْعَدْلِ ۖ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ  
 رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ  
 فَرَجُلٌ وَامْرَأَتْنِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ  
 الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ  
 إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى ۖ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ  
 إِذَا مَا دُعُوا ۗ وَلَا تَسْمَؤْا أَنْ تَكْتُبُوهُ  
 صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ۚ ذِكْرُكُمْ أَقْضَىٰ  
 عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَذْنَىٰ الْآلَا  
 تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً  
 تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ  
 أَلَّا تَكْتُبُوهَا ۗ وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ  
 وَلَا يُضَارَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ ۗ وَإِنْ تَفَعَّلُوا  
 فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
 وَيَعْلَمْكُمْ اللَّهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

وباید از خدا پروردگار خود بترسد  
 و هیچ هم از آن کم و کاست  
 نکند پس اگر آنکه بر او حق  
 [دیگری] است نادان یا ناتوان  
 است یا نتواند اینکه دیکته گوید  
 [آنگاه بجایش] دیکته گوید بداد  
 آنکه ولی او است و دو مرد گواه  
 را از مردان خود بگواهی بگیرد.  
 پس اگر دو مرد نباشند آنگاه یک  
 مرد و دو زن از گواهان که آنها را  
 دوست دارید چه اگر یکی از آن دو زن  
 فراموش کند پس دیگری یادش  
 بدهد و گواهان هرگاه خوانده  
 شوند خودداری نکنند و [معامله]  
 کوچک است یا بزرگ از نوشتن  
 [قرارداد کامل] آن بمدتی معین  
 بتنگ نیآید این طرز عمل شما  
 نزد خدا منصفانه ترو به برقراری  
 شهادت اقدامی استوارتر و به این  
 امر نزدیکتر باشد که به شك مبتلا  
 نگردید [نوشتن لازم است] مگر

اینکه دادوستد بین شما حاضر و دست و بدست باشد. آنگاه بر شما باکی نیست که آنرا نه نویسید و چون بهم دادوستد [مدت دار] کنید گواه بگیرید و آزار داده نه شود نویسنده و نه گواه و اگر بکنید پس مسلماً این برای شما گناهی بزرگست و از خدا بترسید در حالیکه خدا به شما میآموزد و خدا بهر چیز نیک دانا است (۲۸۳)

و اگر بر سفر باشید و نویسنده نیابید آنگاه گروئی بدست - و اگر کسی از شما کسی را امین داند پس باید آنکه امین شناخته شد امانت او را ادا کند و باید از خدا پروردگار خود بترسد و گواهی راکتمان نکنید و هر که آنرا کتمان کند پس یقیناً قلبش گناهکار است و خدا میدانند آنچه میکنید (۲۸۴)

هر چه در آسمانهاست و هر چه در زمین از آن خداست و اگر آنچه

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا  
فَرِهْنِجْ مَقْبُوضَةً ۖ فَإِنْ مِنْ بَعْضِكُمْ  
بَعْضٌ فَاَلْيَوْمِ الَّذِي أَوْثَمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ  
اللَّهَ رَبَّهُ ۖ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ۗ وَمَنْ  
يَكْتُمْهَا فإِنَّهُ إِثْمٌ قَلْبُهُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾

ع  
۷

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنْ  
تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُوهُ

يُحَاسِبُكُمْ بِهِ اللَّهُ ۗ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ  
وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ ﴿٢٨٥﴾

را که در دل‌های شما است عیان  
کنید یا آنرا نهان کنید خدا شما  
را با آن محاسبه خواهد کرد. پس  
هر که را بخواهد می‌آمرزد و هر که  
را خواهد عذاب میدهد و خدا بر هر  
چیز مدام قدرتمند است (۲۸۵)

ایمان آورد رسول بر آنکه بر او  
از پروردگار او نازل کرده شد و  
مومنان. هر یک به خدا و فرشتگان  
او و کتابهای او و رسولان او  
ایمان آورد [با این گفتار که ما]  
میان می‌جکدام از رسولان او فرق  
نمی‌گذاریم و گفتند ما شنیدیم و  
اطاعت کردیم. پروردگارا! طالب  
بخشش تو هستیم و بازگشت به

سوی تو است (۲۸۶)

خدا کسی را مکلف نمیکند مگر  
باندازه توانایش. در حق او است  
آنچه [نیکی] بدست آورد و برخلاف  
او است آنچه [بدی] بدست آورد.  
پروردگارا! اگر فراموش کنیم یا

أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ  
وَالْمُؤْمِنُونَ ۗ كُلٌّ آمِنٌ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ  
وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ۗ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ  
رُسُلِهِ ۗ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۗ  
غُفِرَ لَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٦﴾

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا  
كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا  
تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۗ رَبَّنَا وَلَا  
تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَىٰ

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا  
 طَاقَةَ لَنَا بِهِ<sup>٢٨٦</sup> وَأَعْفُ عَنَّا<sup>٢٨٧</sup> وَأَغْفِرْ لَنَا<sup>٢٨٨</sup>  
 وَأَرْحَمْنَا<sup>٢٨٩</sup> أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى  
 الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٩٠﴾

ع  
 ٨

خطا ما را به مواخذه نگیر.  
 پروردگارا! باری بر ما نگذار که  
 بر پیشینیان ما [در نتیجه گناهان  
 آنها] گذارده بودی. پروردگارا!  
 باری بر ما نگذار که ما را به آن  
 تاب آوردن نیست و از ما عفو کن  
 و ما را بیامرز و بر ما رحم کن.  
 توئی مولای ما پس ما را در  
 مقابل قوم کافران پیروزی  
 اعطاء کن (۲۸۷)

## ۳ - سورة آل عمران

این سوره در سومین سال هجرت در مدینه نازل شد و با بسم الله ۲۰۱ آیت دارد.

در این سوره مخصوصاً سخن از آن سه گروه ضالین گفته میشود که در سوره الفاتحه مذکور اند و از این جهت درباره آغاز مسیحیت، تولد حضرت مریم و تولد معجزات حضرت عیسی علیه الصلوة و السلام و از آن سلوک مهر و برتربهایی که خداوند در حق حضرت مریم علیها الصلوة و السلام نشان داد و چطور او رزقی را از غیب برای ایشان میفرستاد نیز ذکر میشود. اوضاع حاکی از اینست که آرزو فوق العاده‌ی که به دل حضرت زکریا علیه السلام در مورد فرزندی پاک راه یافت ناشی از فکر کردن ایشان نسبت به پاکیزگی حضرت مریم بود.

در این سوره معجزات حضرت عیسی علیه السلام از این جهت یاد شدند که آنچه از خواندن بایبل درباره معجزات ایشان اشتهاً فرا گرفته میشود قرآن آن همه را با بیان کردن حقیقت معجزات رد کرده است. اینجا سخن از وفات طبیعی حضرت عیسی نیز گفته میشود.

در این سوره در مقابل میثاق یهود ذکر از میثاق انبیاء که از همه ای پیغمبران گرفته شد یافت میشود. میثاق انبیاء مجملأً عبارت از اینست که اگر بعد از شما چنین پیغمبران خداوند ظهور کنند که به تعلیمات نیکوی شما تصدیق کنند و بر آن عمل کنندگان باشند آنگاه بر ملت‌های شما بفرض است که به ایشان یاری دهند. این آن میثاقی است که در سوره الاحزاب



نیز تذکر داده میشود و از آنحضرت ﷺ نیز همین میثاق گرفته شده بود. در این سوره علاوه بر دیگر امور فلسفه قربانی از دارائی ها نیز بیان شده است یعنی قربانی شما تا آنگاه که چیزی را که دوست دارید و آنچه زیباترین بچشم بخورد، در راه خدا انفاق نکنید، پذیرفته نمیشود. پیروزی معجزانه آنحضرت ﷺ در بدر که زمان پیروزیهای اسلام از آن پس آغاز گرفت نیز یاد کرده میشود. ذکر از جنگ احد نیز است که چگونه یاران رسول الله ﷺ در پیروی حضرت اسماعیل علیه السلام جانهای خود را قربان مانند گاؤ و میشها در راه خدا کردند ولی دامن رسول الله ﷺ را از دست ندادند.

☆ سُوْرَةُ آلِ عِمْرَانَ مَدِيْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مَائَتًا آيَةً وَآيَةٌ وَعِشْرُونَ رُكُوْعًا

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحمکننده (۱)

أَنَا اللَّهُ أَغْلَمُ - منم خدا داناتر از

الْمَلَأُ ②

مه (۲)

خدا! جز او هیچ معبود نیست

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ③

او لم یزل و لایزال است (۳)

او کتاب را بر تو بحق نازل کرد

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا

تصدیق کننده آنچه پیشروی آنست

بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ④

ونازل کرد تورات وانجیل را (۴)

از این قبل مردم راهدایت و نازل

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ⑤

کرد فرقان را. یقیناً آنانکه به

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ

آیتهای خدا کفر کردند آنرا از نابی

شَدِيدٌ ⑥ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ⑦

سخت است و خدا صاحب غلبه

کامل و انتقام گیرنده است (۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ

یقیناً خدا است که چیزی بر او در

وَلَا فِي السَّمَاءِ ⑧

زمین و نه در آسمانها مخفی نمی

ماند (۶)

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ

اوست آنکه به شما شکل میدهد

يَشَاءُ ⑨ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ⑩

در رحمها هر طور که میخواهد.

میچ معبودی نیست مگر او که  
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت  
است (۷)

اوست آنکه نازل کرد بر تو کتاب  
را [که] از آنست آیت‌های [بمعنوا]  
محکمت [که] آنها مادر کتاب اند و  
برخی دیگر [بمعنوا] متشابهات  
است. پس آنانکه در دل‌های آنها  
کجی است آنگاه آنها از پی فتنه  
گری و بغا طر تاویلش آنچه از آنرا  
دنبالکنند که متشابهات است حال  
آنکه تاویلش نداند مگر خدا و آنان  
که به علم نافذند. ایشان میگویند  
ما بر این ایمان آوردیم و همه ای  
آن از پروردگارا ما است و کسی بند  
نمیگرد جز خردمندان (۸) ++

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ  
مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ  
مُتَشَبِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ  
فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ  
وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا  
اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ  
أَمْثَلُهُ كُلِّ مَنْ عِنْدَ رَبِّنا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا  
أُولُو الْأَلْبَابِ ⑧

رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ  
آیت ۸- برخی از آیت‌های قرآن در این معنا محکمت اند که از آنها دیگر میچ معنای  
نادرست نتوان گرفت و اما تاویل آیت های متشابه احتمال میدهد که معنای  
نادرست گرفته شود. پس اگر این تاویل عطف به محکمت کرده شود آنگاه آیت  
های محکم آنرا رد میکنند و به همین دلیل آنان ام الكتاب گفته میشوند.

گرد پس از آنگاه که ما را هدایت دادی و ما را از نزد خود رحمت بده.

یقیناً تو بسیار فراخ اعطائی (۹)

ای پروردگارا! یقیناً تو همهٔ مردم را برای روزیکه در آن شکی نیست جمع کننده ای. یقیناً! خدا غلف وعده نمیکنند (۱۰)

البته آنانکه کفر کردند مالهای آنان و فرزندان آنان در مقابل خدایم بیچارگان نیایند و همانها سوخت آتش اند (۱۱)

مانند شیوهٔ قوم فرعون و آنهایی که پیش از آنها بودند به آیات ما تکذیب کردند پس خدا آنها را به گناهان آنان بگرفت و خداسخت عقوبت است (۱۲)

بگوبه آنها که کفر کردند که حتماً مغلوب کرده شوید و جمع کرده به سوی جهنم برده شوید و آن جایگامی بسیار زشت است (۱۳)

یقیناً برایشما آیتی بود در دو

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةٌ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ⑩

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ ① إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِعَادَ ②

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ③ وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ④

كَذَّابِ ⑤ أَلِ فِرْعَوْنَ ⑥ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ⑦ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ⑧ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ⑨ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ⑩

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْلَبُونَ وَنَحْشُرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ① وَيُسَّ الْمَهَادِ ②

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنِ الْأَقْتَاتِ ③ فِئَةٌ

گروه که رویا روی هم شدند. گروهی بخاطر خدا قتال میکردند و دیگری کافر بودند که آنها را ایشان بچشم ظاهر دو برابر خود میدند و خدا بهر که بخواهد مورد تاییدیاری خود قرار میدهد. یقیناً اهل بصیرت را در این مایه عبرت است (۱۴)

تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ ۗ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ ۗ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ۝

مردم را اغراض نفسانی نسبت به زنان و پسران و فراوانی طلا و نقره و اسب های نشاندار و دامها و کشت. آراسته بنمایش گذارده شد. اینهمه متاع دنیا است و آن خدا است که نزد او بازگشتگامی نیکوتر است (۱۵)

رُزِقَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالبَيْنِ وَالفَنَاطِيرِ الْمُقَطَّرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّةِ وَالحَنَیْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالأَنْعَامِ وَالحَرْثِ ۗ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ ۝

بگو آيا شمارا به چيزهاي نيكوتر از اين آگهي دم؟ آنانکه پرميز كاري كنند رانزد پيروردگار ايشان باغهايست كه در دامنه آنها نهرهاي روان است - در آنها جاويدانند و زوجهاي پاك شده و خوشنودي

قُلْ أَوْسَيْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذِكْمِ ۗ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۝

خدا است و خدا به بندگان بینا

است (۱۶)

[این برای] آنست که گویند:

ای پروردگار ما! یقیناً ما ایمان

آوردیم پس گناهان ما را برای

ما بی‌آمرز و مارا از عذاب آتش

نگهدار (۱۷)

[این باغها برای] صبرکنندگان و

راستگویان و فرمان برداران و

انفاق کنندگان و استغفار کنندگان

صبح گامان است (۱۸)

خدا استوار بر دادگواهی دهد که

یقیناً هیچ معبودی نیست جز او و

فرشتگان و اهل دانش [نیز گواهی

دهند که] هیچ معبودی نیست جز

او که صاحب غلبه کامل صاحب

حکمت است (۱۹)

مرآینه دین نزد خدا اسلام است

و آنها که کتاب داده شدند اختلاف

نکردند مگر از هم سرکشی کنان

از آن پس که علم به ایشان آمد و

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا أَمَتَا فَاغْفِرْ لَنَا  
ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٦﴾

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَالْمَلَكُوتُ  
وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا  
هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ وَمَا  
اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ  
مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَمَنْ

هر که به آیت‌های خدا انکار کند پس  
یقیناً خدا زود حساب است (۲۰)

پس اگر به تو محاجه کنند آنگاه  
بگو: من توجه خود را خالصانه  
تسلیم رضای خدا کرده ام و هم  
ایشان که از من متابعت کردند و  
بگو به آنانکه کتاب داده شدند  
و بیسوادها آیا اسلام آورده اید؟

پس اگر اسلام آوردند آنگاه یقیناً  
هدایت یافتند و اگر روی برتابند  
پس بر تو فقط ابلاغ کردن [پیغام]  
است و خدا بینندگان بیناست (۲۱)

یقیناً آنانکه به آیات خدا انکار  
کنند و بناحق به مخالفت انبیاء  
میپردازند و شدیداً مخالفت کنند به  
آنانکه به استواری انصاف امر  
کنند پس به آنها به عذابی دردناک  
مژده بده (۲۲) ++

همانند که اعمال ایشان به هدر  
رفت دردناک و در آخرت و ایشان

يَكْفُرُ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ①

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَّمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ  
وَمَنِ اتَّبَعْنِي ۖ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ  
وَالْأُمِّيِّينَ أَسَلَّمْتُ ۗ فَإِنْ أَسَلَّمُوا فَقَدْ  
اهْتَدَوْا ۗ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ  
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ②

②

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ  
النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ حَقٍّ ۗ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ  
يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ  
بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ③

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ ۗ وَمَأْلَهُمُ مِنَ النَّارِ ④

++ آیت ۲۲: قتل بمعنای شدید مخالفت و تحریم اجتماعی نیز است.

را کسی از یاوران نباشد(۲۳)  
 آیا ندیدی بسوی آنها که سهمیه  
 از کتاب داده شدند، بسوی کتاب  
 خوانده میشوند تا میان ایشان  
 قضاوت کند با این وجود گروهی  
 از آنها پشت گردانده میروند و  
 آنها اعراض کنندگانند(۲۴)

این بدانعلت است که آنان گفتند  
 که آتش مارا هرگز لمس نکند جز  
 روزهای معدود و فریب داد آنها را  
 دردین خود آنچه برمیباختند(۲۵)  
 پس چطور باشد هنگامیکه آنان را  
 جمع کنیم برای روزیکه در آن  
 شکی نیست و هر تن آنچه کسب  
 کرد تمام داده شود و قطعاً آنها  
 ستم کرده نشوند(۲۶)

بگوای خدای من مالک سلطنت!  
 هر که را خواهی سلطنت میدمی و  
 از هر که خواهی سلطنت پس می  
 گیری و هر که را خواهی ارجمند  
 گردانی و هر که را خواهی خوار

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ  
 الْكِتَابِ يُدْعُونَ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ  
 بِهِمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ  
 مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا  
 أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَّعَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا  
 كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٥﴾

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ  
 فِيهِ وَّوَفَّيْتُمْ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ  
 وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُوتِي الْمَلِكَ مَن  
 تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّن تَشَاءُ  
 وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ ۗ بِيَدِكَ  
 الْخَيْرُ ۗ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٧﴾



کنی. خیر بدست تو است. بیگمان  
تو بر هر چیز مدام قدرتمندای (۲۷)  
تو شب را به روز داخل کنی و  
روز را به شب داخل کنی و از  
مرده زنده بیرون آری و از زنده  
مرده بیرون آری و رزق را به هر  
که خواهی بی حساب میدهی (۲۸)

و مومنان بفریاد مومنان کافران  
رادوست نگیرند و هر که اینکار  
کند پس [اورا] از خدا در چیزی  
[تعلق] نیست جز اینکه از آنها کاملاً  
در حساب باشید و خدا شمارا از  
خویشتن بر حذر سازد و بازگشت  
به سوی خدا است (۲۹)

بگو خواه پنهان کنید هر چه در  
سینه های شماست یا آنرا عیان  
کنید خدا آنرا میداند و میداند  
آنچه در آسمان ها است و آنچه در  
زمین است و خدا بر هر چیز مدام  
قدرتمند است (۳۰)

روزی که هر جان آنچه از نیکی

تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي  
الَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ  
وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ  
تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝۲۸

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ  
مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ  
فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا  
مِنْهُمْ تَقَاتًا وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ  
وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝۲۹

قُلْ إِنْ تُحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَرُوهُ  
يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا  
فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۳۰

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ

بجا آورد و آنچه از بدی انجام داد  
را پیشروی خود حاضر یابد و  
آرزو کند کاشکی میان او و میان  
آن [بدی] فاصله دور میبود و خدا  
شمارا از نفس خود میترساند در  
حالیکه خدا بر بندگان بس مهربان  
است (۳۱)

بگو اگر خدا را دوست دارید پس  
از من اقتدا کنید. خدا شمارا دوست  
داشته و گنامان شما را برای شما  
خواهد آمرزید و خدا آمرزگاری  
بارها رحمنکننده است (۳۲)

بگو خدا و [این] رسول را پیروی  
کنید. پس اگر پشت کنند پس خدا  
مرگز کافران را دوست ندارد (۳۳)  
یقیناً خدا، آدم و نوح و آل  
ابراهیم و آل عمران را در مقابل  
همه جهانیان برگزید (۳۴)

بعضی از ایشان نسلهای بعضی اند  
و خدا بسیار شنوای مدام دانا  
است (۳۵)

مُحْضَرًا ۱۱ وَمَا عَمِلْتُمْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّونَ ۱۲  
لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا ۱۳  
وَيُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ ۱۴ وَاللَّهُ رَعُوفٌ ۱۵  
بِالْعِبَادِ ۱۶

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي  
يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۱۷  
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۸

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ۱۹ فَإِنْ تَوَلَّوْا  
فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِينَ ۲۰

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ  
إِبْرٰهِيمَ وَآلَ عِمْرٰنَ عَلَى الْعٰلَمِينَ ۲۱

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ۲۲ وَاللَّهُ سَمِيعٌ  
عَلِيمٌ ۲۳

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي  
نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ  
مِنِّي ۗ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾

[بیاد آرید] هنگامیکه زنی عمران  
گفت: ای پروردگار من ایقیناً من  
آنچه را در شکم من است [از  
گرفتاریهای دنیا] رها نموده برای تو  
نذر کردم. پس از من بپذیر. یقیناً  
تو بسیار شنوایی دانائی (۳۶)

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا  
أُنْثَىٰ ۖ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ ۖ وَلَيْسَ  
الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ ۗ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ  
وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ  
الرَّجِيمِ ﴿٣٧﴾

پس هنگامیکه او آنرا زائید گفت  
پروردگارا! من که آن را دختر  
زائیده ام حالیکه خدا نیکتر می  
داند آنچه را که زائیده بود و نرینه  
مانند مادینه نیست و [افزود] من  
وی را مریم نام داده و نژاد وی  
را از شیطان رانده درگاه درپناه  
تو میگذارم (۳۷) ++

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا  
حَسَنًا ۖ وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا

پس پروردگارش او را بطریقی  
نیکوتر پذیرفت و وی را بنحوی

++ آیت ۳۷: چون زن عمران درباره دختر بچه زاده خود [حضرت مریم] گفت اینکه  
دختری است حالانکه من از خدا پسری خواسته بودم آنگاه خدا گفت خدا نیک  
میداند که پسر و دختر جدا جدا اند اما دختری که به تو اعطا شد این مانند  
دختران عامی نیست بلکه خدای متعال در این صلاحیت نهاده است که وی را  
میتوان بدون مقاربت بچه ای متولد شود.

زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ ۗ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ۚ  
 قَالَ يَمْرَأَةُ أُنَىٰ لَكَ هَذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ  
 عِنْدِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ  
 حِسَابٍ ﴿۳۸﴾

نیکوتر رشدونمو کرد و زکریا  
 را کفیل وی برگماشت. هرگاه  
 ذکرین نزد وی وارد محراب میشد  
 نزدش رزقی مییافت. او گفت: ای  
 مریم این به تو از کجا میآید؟  
 وی گفت: این از نزد خدا است.  
 یقیناً خدا آنکه را میخواهد رزق  
 بدون حساب اعطا میکند (۳۸)

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ ۖ قَالَ رَبِّ هَبْ  
 لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ۗ إِنَّكَ سَمِيعُ  
 الدُّعَاءِ ﴿۳۹﴾

اینجا زکریا از پروردگار خود دعا  
 کرد. پروردگارا! مرا از نزد خود  
 نژادی پاک بده. یقیناً تو بسیار  
 شنونده دعائی (۳۹)

فَنَادَتْهُ الْمَلِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي  
 الْمِحْرَابِ ۗ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ  
 مَصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا  
 وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۴۰﴾

بس فرشتگان به او درحالی که او  
 در محراب برپا ایستاده عبادت  
 میکرد ندا کردند که خدا تورا به  
 یحیی مژده میدهد که تصدیق کننده  
 کلمه خدا و سردار و نگهدار نفس  
 خود و از نیکوکاران بر رتبه نبوت  
 باشد (۴۰)

قَالَ رَبِّ أُنَىٰ يَكُونُ لِي غُلَمٌ وَقَدْ بَلَغَنِي  
 الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ ۗ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ

او گفت: ای پروردگار من! چطور  
 مرا پسری امکان دارد درحالی که

پیری مرا در رسیده و همسرم نازا است. او گفت، همینطور خدا هر چه خواهد انجام میدهد (۴۱) او گفت، پروردگارا! برای من آیتی قرار بده. گفت: آیتی برای تو اینست که سه روز به مردم جز رمزی حرف نزن و پروردگار خود را بسیار یاد کن و شبگاه و بامگاه او را تسبیح بگو (۴۲)

و چون فرشتگان گفتند، ای مریم! یقیناً خدا تو را برگزیده و تو را پاک کرده و تو را بر زنان جهانیان فضیلت داده است (۴۳)

ای مریم! فرمانبردار پروردگار خود باش و سجده کن و با تعظیم کمر خم کنندگان کمر خم کن (۴۴) این از خبرهای نهان است که آنرا بر تو وحی مینمائیم و تو نزد آنها نه بودی هنگامیکه قرعه خود را میزدند که کدامین از آنها کفالت مریم را به عهده بگیرد و

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۗ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا ۗ وَ أَذْكَرَّ رَبُّكَ كَثِيرًا ۗ وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿١١﴾

وَ أَذْكَرَّ رَبُّكَ كَثِيرًا ۗ وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿١١﴾

وَ أَذْكَرَّ رَبُّكَ كَثِيرًا ۗ وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿١١﴾

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۗ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَا مَهْمُ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ ۗ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿١٥﴾

نه تو نزد آنها آنگاه بودی که  
ستیزه میکردند (۴۵)

چون فرشتگان گفتند: ای مریم  
یقیناً خدا از جانب خود ترا به کلمه  
پاک موده میدهد که نامش مسیح  
ابن مریم باشد. او در دنیا صاحب  
منزلت و هم در آخرت از مقربان  
خواهد بود (۴۶)

و حرف زند ب مردم در گهواره و  
در کهولت و از نیکوکاران  
بباشد (۴۷) ++

وی گفت: ای پروردگار من! پسر  
برای من چگونه میتواند بود  
حالیکه هیچ بشر مرا لمس نکرده  
است. او گفت همینطور خدا هر چه  
خواهد میفریند. هر آن به امری

إِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ  
بِكَلِمَةٍ مِنْهُ ۗ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ  
مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ  
الْمُقَرَّبِينَ ۙ (۱۱)

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمَنْ  
الصَّالِحِينَ ۙ (۱۱)

قَالَتْ رَبِّ أَلَيْسَ لِي وَلَدٌ وَلَمْ  
يَمَسَّنِي بَشَرٌ ۗ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ  
مَا يَشَاءُ ۗ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ  
كُنْ فَيَكُونُ ۙ (۱۱)

++ آیت ۴۷: این آیت را یکی این تفسیر کرده میشود که او در گهواره سخن میگفت و  
دعوی رسالت میکرد. اگر اینطور بود یقیناً یهودیان او را همان در کودکی میکشند.  
در حقیقت او خوابهای خود را در گهواره بیان میکرد چه کودکانی در گهواره می  
توانند خوابهای نیکو بینند و بیان کنند. ولی رسالت به او در سن کهولت داده  
شد و آنگاه یهودیان به مخالفت برخاستند.

تقدیر کند پس به آن میگوید باش،  
 آنگاه آن روی نهاده و منتها می  
 شود (۴۸)

و [خدا] او را کتاب و حکمت  
 بیاموزد و تورات و انجیل (۴۹)  
 و رسولی باشد بسوی بنی اسرائیل  
 [و ابلاغ کند] که من شما را از  
 پروردگارشما آیتی آورده ام که  
 من برایشما از گل همچون پرندۀ  
 بیافرینم. پس در آن بدمم که آن به  
 اذن خدا [بیدرنگ] پرندۀ [طیر  
 روحانی] بگردد و کوری مادرزاد  
 و بیسی را شفاء بدمم و مردگان  
 [روحانی] را به اذن خدا زنده  
 بنمایم و شما را خبر دمم به آنچه  
 بخورید و آنچه در خانه های خود  
 بیاندوزید. یقیناً شمارا در این امر  
 حتماً آیتی است اگر شما ایمان  
 آوردگانید (۵۰) ++

وَيَعْلَمُهَا الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ  
 وَالْإِنْجِيلَ ﴿٤٨﴾

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ  
 جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۚ إِنِّي أَخْلَقُ  
 لَكُمْ مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ  
 فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَأَبْرِيءُ  
 الْأَكْمَةِ وَالْأَبْرَصِ وَأُخِي الْمَوْئِي بِإِذْنِ  
 اللَّهِ ۗ وَأَنْتُمْ كَمَا تَأْكُلُونَ وَمَا  
 تَدَّخِرُونَ ۚ فِي بُيُوتِكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ  
 لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾

++ آیت ۵۰: جمله کلمات این آیت تعبیر میطلبند. در گل دمیده مرغی پرواز کننده را

در آوردن دال بر این تمثیل است که مردمان زمینی از دیدن حضرت عیسی [ص: ۱۲۲]

و تصدیق کننده آنرا که در تورات  
بیشروی من باشد تا بعضی از آن  
چیزها که بر شما حرام شده بود  
را برایشما حلال نمایم و از جانب  
پروردگارتان برایشما آیتی آورده  
ام. پس به خدا تقوی کنید و مرا  
اطاعت کنید (۵۱)

یقیناً خدا پروردگارم و پروردگار  
شماست. پس او را عبادت کنید.  
همین راه راست است (۵۲)  
پس هنگامیکه عیسی احساس کرد  
که در آنها [میل] کفر است او گفت.  
کیستند که [برای خواندن] بسوی  
خدایارانم شوند! حواریان گفتند

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ  
وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ  
وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ  
وَاطِيعُونَ ﴿٥١﴾

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ هَذَا  
صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٥٢﴾

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ  
أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ۗ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ  
نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ۗ آمَنَّا بِاللَّهِ ۗ وَاشْهَدْ بِأَنَّا  
مُسْلِمُونَ ﴿٥٣﴾

در بلندبهای روحانی پرواز میکردند. همین طور گوری مادر زاد ویسی آنانند که  
دلهای ایشان پیسی و کورند. بعنوان مثال از بسیار کثیر آیتهای قرآن پیدا است که  
کلمه کوران معنی کوران ظاهری را نمیدهد بلکه منظورش کوران دلهايند در حالیکه  
زنده کردن مردگان هم همین مفهوم را میپردازد که مردگان روحانی را زندگانی  
روحانی اعطا کرده شود.

أَتَبَّخْتُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ غَالِبًا مَنْظُورٍ مِنْ أَوْهَا أَمُوزِش خُورِد و خُورَاكِ اسْت و بِيَان  
شده است که حضرت عیسی بقوم خویش هدایت میکردند که کدام چیز را بخورند  
و از کدام یکی پرهیز نمایند.



ما یاران خدا ایم. ما به خدا  
ایمان آورده ایم و گواه باش که  
ما مسلمانانیم (۵۲)

پروردگارا ما ایمان آوردیم به  
آنچه نازل کردی و رسول را  
پیروی کردیم. پس ما را در  
گواهان [حق] بنویس (۵۴)

[و منکران مسیحی] تدبیر کردند و  
خدا نیز تدبیر کرد و خدا بهترین  
تدبیر کنندگانست (۵۵)

منگامیکه خدا گفت: ای عیسی!  
من ترا وفات دهنده و بسوی خود  
رفع کننده ام و ترا پاک کرده  
جدا کننده ام از آنها که کفر  
کردند و آنها را که از تو پیروی  
کردند بر آنها که کفر کردند تا  
روز قیامت برتر قرار دهنده ام.  
پس بازگشت شما بسوی من  
است. آنگاه میان شما در  
اموریکه در آنها اختلاف میکردید  
فیصل خواهم داد (۵۶)++

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ  
فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۝

وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ  
الْمُكْرِينَ ۝

إِذْ قَالَ اللَّهُ يُعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ  
وَرَأَيْكَ إِلَىٰ وَمُطَهَّرَكَ مِنَ الَّذِينَ  
كَفَرُوا وَأَوْجَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ  
الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَىٰ  
مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ  
فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝

پس آنانکه کفر کردند را بعذاب  
شدید در دنیا و در آخرت معذب  
کنم و آنها را کسی از یاوران  
نیاشد(۵۷)++

و اما کسانی که ایمان آوردند و  
نیکی کاری کردند آنها را پاداش  
ایشان کامل داده شود و خدا  
ستمکاران را دوست ندارد(۵۸)++  
اینست از آیتها و ذکری حکمت  
مند که آنرا بر تو میخوانیم(۵۹)++  
یقیناً مثل عیسی نزد خدا بمثل  
آدم است. وی را او از گل آفرید.  
سپس او را گفت: باش. پس او  
روی نهاد و منتها شد(۶۰)++

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِّبُهُمُ عَذَابًا  
شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ  
نُصْرِينَ ﴿٥٧﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
فَيُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمُ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾

ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ  
الْحَكِيمِ ﴿٥٩﴾

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ  
مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٦٠﴾

++ آیات ۵۶ تا ۶۰: اینجا کلمه متوفیک بیشتر و کلمه رافعک پس ازان آمده است. اگرچه  
منظور از رافعک بلندی درجات است اما برای آنانکه اصرار میورزند که منظور  
از این رفع بدنی است این دلیل محکمی است که اول وفات واقع شد و پس از  
آن بالا بردن است. پس ثابت شد که منظور از این رفع روحانی است.

[در صفحه ۱۲۵ ادامه دارد]

حق از جانب خدا است پس  
مرکز از دو دلان مباش (۶۱)  
پس مرکه از این پس که دانش به  
تو آمد در این مورد به تو محاجه  
کند آنگاه بگو بیایید که پسران  
ماویسران شما و زنان ماوزنان  
شما و نفوس ما و نفوس شما را  
بخوانیم سپس مباحله کنیم و بر  
دروغگویان لعنت خدا افکنیم (۶۲)  
یقیناً این بیان حق است و هیچ  
معبودی نیست جز خدا و یقیناً  
خدا صاحب غلبه کامل صاحب

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ  
الْمُمْتَرِينَ ﴿٦١﴾  
فَمَنْ حَا جَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ  
الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا  
وَأَبَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا  
وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ  
اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦٢﴾

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ  
إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٣﴾

بقیه آیات ۵۶-۶۰: از صفحه ۱۲۴:

مثال عیسی با آدم بدین منظور آورده شد که در آغاز حضرت آدم بر اثر فرمان  
"کن" از گل بوجود آمدند و با این وجود انسان بودند و چون حضرت عیسی نیز  
در نتیجه فرمان "کن" بوجود آمدند پس ایشان نیز انسان است.

در اینجا واژه کن فیکون اشاره بسوی آغاز آفرینش انسان است و منظور اینست  
که چون خدایه آفرینش انسان آهنگ کرد پس فرمود باش آنگاه او آغاز کرد  
و برایش مقدر بود که تا پایان تکمیل ارتقاء خود ادامه دهد.

حکمت است (۶۳)

پس اگر روی برتابند پس یقیناً خدا  
مفسدان را بخوبی میداند (۶۴)

بگو ای اهل کتاب بیایید بسوی  
سخن که میان ما و شما یکسان  
است اینکه عبادت نکنیم جز به  
خدا و چیزی را با او شریک قرار  
ندیم و کسی از ما کسی را جز  
خدا پروردگار نگیرد پس اگر  
روی برتابند پس بگو، گواه باشید

[فقط] ما مسلمانیم (۶۵)

ای اهل کتاب! چرا در مورد ابراهیم  
محاجه میکنید در صورتیکه تورات  
وانجیل فقط پس از او نازل آمده  
بود. پس آیا بخردن مییابید؟ (۶۶)

گوش کنید! شما کسانی هستید که  
بهم نزاع میکنید در آن امری که  
به آن شما را دانشی است پس  
برای چه جدل میکنید در آن امر  
که شما را به آن هیچ دانشی  
نیست! و خدا میداند و شما

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ  
سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ  
وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا  
بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا  
فَقُولُوا الشَّهْدُ وَإِنَّا مَسْلُومُونَ ﴿٦٥﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ  
وَمَا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ إِلَّا مِنْ  
بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٦﴾

هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجُّوهُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ  
عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ  
عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾

نمیدانید(۶۷)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه پیوسته به خدا متمایل فرمانبردار بود و قطعاً از مشرکان نبود(۶۸)

براستی نزدیکترین کسانی به ابراهیم آنانند که از او پیروی کردند و این پیغمبر و کسانی که ایمان آوردند و خدا ولی مومنان است(۶۹)

گرومی از اهل کتاب دوستدارند کاشکی شما را گمراه سازند در حالیکه جز خود کسی را گمراه نسازند اما درنمیابند(۷۰)

ای اهل کتاب! چرا به آیتهای خدا انکار میکنید حالیکه شما [آنها را] مشاهده میکنید؟(۷۱)

ای اهل کتاب! چرا حق را بیاطل درهم میآمیزید و حق را کتمان می کنید با آنکه شما میدانید.(۷۲)

و گرومی از اهل کتاب گفتند:

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا  
وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ  
الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٨﴾

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ  
وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ  
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٩﴾

وَدَّتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ  
يَضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ  
وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٧٠﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ  
وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧١﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ  
بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ  
تَعْلَمُونَ ﴿٧٢﴾

وَقَالَتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا

اوائل روز ایمان آورید به آنکه نازل کرده شد بر آنانکه ایمان آوردند و آخرش انکار کنید تا باشد که آنها باز گردند (۷۳)

و ایمان نیاورید جز به آنکه از دین شما پیروی کند. بگو بر راستی هدایت خدا هدایت است. این [لازم نیست] که احدی داده شود مانند آنچه شما داده شدید یا [اگر نداده شوند پس حق خود شمرده] نزد خدا با شما محابه کنند بگو یقیناً فضل بدست خدا است. آنرا دردمد به هر که میخواهد و خدا خیلی گشایش بخشای صاحب علم دائمی است (۷۴)

هر که را خواهد خاص رحمت خود قرار میدهد و خدا را فضلی عظیم است (۷۵)

و از اهل کتاب کسی است اگر انبوه مال بدو بسیاری حتماً آن را به تو بازگرداند و از آنان کسی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
وَجْهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا الْآخِرَ لَعَلَّهُمْ  
يَرْجِعُونَ ﴿٧٣﴾

وَلَا تَتُومِنُوا إِلَّا لِمَنْ يَتَّبِعِ دِينَكُمْ ۗ قُلْ إِنَّ  
الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ ۗ إِنَّ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّمَّنْ مَّا  
أَوْتَيْتُمْ أَوْ يَحَا جُؤُكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۗ قُلْ  
إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ ۗ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ  
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٤﴾

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ  
ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٥﴾

وَمِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنُ إِن تَأْمَنَهُ  
يَقْطُرِ يُوَدُّهُ إِلَيْكَ ۗ وَمِنْهُمْ مَّنُ إِن  
تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ

است اگر بدیناری بدو بسیاری به  
تو باز نگرداند مگر اینکه بر سرش  
و ایستی. این بدانملت است که  
آنها گویند که در مورد امیان بر ما  
راه [ایراد] نیست و بر خدا دروغ  
میبندند با آنکه آنها [حقیقت را]  
خوب میدانند (۷۶)

بلی امر که بعهده خدای وفا کرد و  
تقوی پیش گرفت پس یقیناً خدا  
دوستدار متقیان است (۷۷)

یقیناً آنانکه عهدهای خدا و سوگند  
های خود را ببهای ناچیز معامله کنند  
مانند آنکه میچ بهره برایشان  
در آخرت نباشد و خدا به آنها تکلم  
نکند و روز قیامت بسویشان  
نگردد و آنها را پاک نسازد و آنها  
را عذابی دردناکست (۷۸)

و یقیناً از آنها [امل کتاب] گروهی  
اند که به [خواندن] کتاب زبان  
خود را میچرخانند تا آن را از  
کتاب بپندارید در حالیکه آن از

عَلَيْهِ قَائِمًا ۱۰۰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ  
عَلَيْنَا فِي الْأُمِّينَ سَبِيلٌ ۱۰۱ وَيَقُولُونَ عَلَى  
اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۱۰۲

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
الْمُتَّقِينَ ۱۰۳

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ  
ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي  
الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ  
إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَزَكِّيهِمْ ۱۰۴ وَلَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۰۵

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُوتُونَ أَسْنَتَهُمْ  
بِالْكِتَابِ لِيَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ  
مِنَ الْكِتَابِ ۱۰۶ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

کتاب نیست وگویند آن از جانب خدا است حالانکه آن از جانب خدا نیست. آنها بر خدا دروغ بندند باآنکه آنها میدانند(۷۹)

امکان ندارد بشری را که خدا او را کتاب و حکمت و نبوت دهد باز از آن پس به مردم گوید که خدا را رها کرده بندگان من باشید و اما [گوید] مردان خدا پرست باشید بدانعلت که شما بکتاب آموزش میدیدو بدانعلت که شما [از آن] آموزش میگیرید(۸۰)

و به شما این امر نکند که فرشتگان و پیغمبران را خدایان برگزینید. آیا او شمارا بکفر امر کند پس از آنکه شما فرمانبردار شده اید؟(۸۱)

و چون خدا میثاق انبیاء گرفت، درحالیکه شمارا از کتاب و حکمت در داده ام باز اگر شما را رسولی بیاید تصدیق کننده به آنچه در دست شما است باید به او ایمان

وَمَا هُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۷۹﴾

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿۸۰﴾

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۸۱﴾

وَإِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۗ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ



وَآخَذْتُمْ عَلَىٰ ذٰلِكُمْ اٰصْرِيۙ قَالُوۡۤا  
اَقْرَرْنَاۙ قَالَ فَاشْهَدُوۡا وَاَنَا مَعَكُم مِّنَ  
الشَّٰهِدِيۡنَ ﴿۸۲﴾

آوردید و باید او را یاری دهید.  
گفت، آيا شما اقرار ميکنيد و در  
اين مورد بمن عقد پيمان ميکنيد؟  
گفتند، ما اقرار کرديم. گفت پس  
گواه باشيد و منهم با شما از  
گواهان هستم (۸۲) ++

فَمَنْ تَوَلَّىۙ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ  
الْفٰسِقُوۡنَ ﴿۸۳﴾

پس هر که از اين بعد روي  
برگرداند پس همانند که فاسقان  
اند (۸۳)

اَفْخَيْرَ دِيۡنٍ لِّلّٰهِ يَبْعُوۡنَ وَّلَهُۥ اَسْلَمَ مَنۡ  
فِي السَّمٰوٰتِ وَاَلْاَرْضِ طَوْعًا  
وَّكَرْهًا وَّالِيۡهِ يَرْجَعُوۡنَ ﴿۸۴﴾

پس آيا آرزوي دارند جز به دين  
خدا در حالیکه هر چه در آسمانها و  
در زمين است چارونماچار فرمان  
برداراوشده است و بسوي او  
بازگشت داده شوند (۸۴)

++ آیت ۸۲ - در قرآن کریم دو میثاق را ذکر است - یکی میثاق بنی اسرائیل و دومین میثاق انبیاء که از آنحضرت صلی الله علیه وسلم هم گرفته شد [الاحزاب ۸] مرکزیت کلام اینست که هرگاه شمارا رسولانی آیند که همان سخنان گویند که شما میگویید پس اقرار کنید که هرگز ایشان را انکار نکرده و بلکه تصدیق خواهید کرد. اینجابرای این موضوع توضیح لازم است که رسولی بسوی رسولان که فرستاده نمیشود بلکه رسولان بسوی قومهای خود میآیند. پس منظور همانست و پیغمبران گفته شدند که به قومهای خویش توصیه کنید که هرگاه رسولی آید که مصدق من است پس او را انکار نکنید بلکه حتماً او را یاری دهید.

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ  
عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ  
وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ  
مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ  
رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ  
مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۸۵﴾

بگو ما به خدا و آنچه بر ما نازل  
کرده آمد و آنچه بر ابراهیم و  
اسماعیل و اسحاق و یعقوب و  
اسباط نازل کرده شد و آنچه به  
موسی و عیسی و پیغمبران از  
پروردگار ایشان داده شد ایمان  
آورده ایم و میان هیچکدام از  
ایشان جدایی نمیکنیم و ما  
برای او تسلیم شده ایم (۸۵)

وَمَنْ يَّبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ  
مِنْهُ ۗ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿۸۶﴾

و هر که دینی جز اسلام را دوست  
دارد پس هرگز از او قبول کرده  
نشود و او در آخرت از زیان  
کاران باشد (۸۶)

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا وَابْعَدَ  
إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ  
وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي  
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۸۷﴾

چطور خدا قومی را هدایت دمد که  
پس از ایمان خود کفر کردند با  
آنکه گواهی داده بودند که این  
رسول حق است و ایشان را ادله  
روشن آمده باشند و خدا به قومی  
ستمکار هدایت نمیدهد (۸۷)

أُولَٰئِكَ جَزَاءُ وَّهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ  
وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۸۸﴾

مانهاند که پاداش آنها این است  
که بر آنها لعنت خدا و فرشتگان

و همه مردم باد(۸۸)

آنها در آن ب مدت دراز میمانند. نه عذاب از آنان کاسته شود و نه آنان مهلت داده شوند(۸۹)

مگر کسانی که پس از این توبه کردند و اصلاح کردند در آن صورت خدا بسیار آمرزنده بارها رحم کننده است(۹۰)

یقیناً آنها که کفر کردند پس از ایمان خود سپس برکفر می افزودند توبه آنها قطعاً پذیرفته نشود و همانانند که گمراهانند(۹۱) البته آنانکه کفر کردند و مردند در حالیکه آنها کافران بودند از هیچ کدامین آنها طلاء به پری زمین هم پذیرفته نشود اگرچه بخوامند که آنها فدیة دهند. همانا اند که برایشان عذابی دردناک است و آنها را کسی از یاوران نباشد(۹۲)

خُلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُمْسَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلَّةٌ مِنَ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ اقْتَدَى بِهِ ۗ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۗ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٣﴾

هرگز به نیکی نایل نمی‌شوید تا آنگاه که از آن چیزها انفاق کنید که دوست دارید و آنچه از چیزی انفاق کنید یقیناً خدا به آن خوب دانا است (٩٣)

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنزَلَ التَّوْرَةُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾

همه غذاها بر بنی اسرائیل حلال بود جز آنچه اسرائیل بر خود حرام کرد از آن پیش که تورات نازل کرده میشد. بگو، پس تورات را بیارید و آنرا بخوانید اگر شما راستگویانید (٩٤)

فَمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٥﴾

پس هر که از این پس بر خدا دروغ بریافت پس همانهاست مکاران اند (٩٥)

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ ۗ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٦﴾

بگو خدا راست گفت. پس از ملت ابراهیم حنیف پیروی کنید و او از مشرکان نبود (٩٦)

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبْرَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾

یقیناً اولین خانه که برای [فایده] مردم بنا کرده شد آنست که در بکه است - خجسته و هدایت برای

مه جهانها است(٩٧)++

در آن آیتهای روشن است [یعنی] مقام ابراهیم و مرکه داخل آن شد ایمن باشد و این حق خدا بر مردم است که حج خانه [او] کنند مرکه بسوی آن راه بردن راتوان دارد و مرکه انکار کند آنگاه یقیناً خدا از

مه جهانها بی نیاز است(٩٨)

بگو، ای اهل کتاب! چرا آیتهای خدا را انکار میکنید در حالیکه خدا گواه است بر آنچه عمل کنید(٩٩)

بگو، ای اهل کتاب! چرا آنکس را که ایمان آورده است از راه خدا آنرا کج خواسته باز میدارید با آنکه [بر حقیقت] گواه اید و خدا بفغلت

نیست از آنچه عمل کنید(١٠٠)

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ  
وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ۗ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ  
حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۗ  
وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ  
اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن  
سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عَوَجًا وَأَنْتُمْ  
شُهَدَاءُ ۗ وَمَا اللَّهُ بِعَافٍ لِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾

آیت ٩٧- اینجا اول بَیِّنَاتٌ وضع للناس گفته شد و وضع لِلَّهِ نه گفته شد. در این واژه ما بدین امر اشاره است که چون آدمی از غارها بر سطح زمین بیرون آمده مسکن گزید پس نخستین تعمیر خانه کعبه باعث شد که او آموزش فرهنگ و مدنیت را آغاز کند. بهمین دلیل در این جا نام مکه بجای مکه، بگه گفته شد که نام باستانی آن مقام عالی مرتبت است.

ای آنانکه ایمان آورده اید اگر شما از بی گروهی از آنها که کتاب داده شدند رفتید شمارا پس از ایمانتان کافران بازگردانند (١٠١)

و چگونه انکار کنید حالانکه آیتهای خدا بر شما خوانده میشود و رسول او در شما است و هر که به خدا جنگ زد پس حتماً به صراط مستقیم هدایت داده شد (١٠٢)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را تقوی کنید سزاوار تقوای او و هرگز نمیرید مگر در حالیکه شما مسلمانید (١٠٣) ++

و همگی به رسن خدا جنگ بزنید و تفرقه نیفکنید و نعمت خدا را بر خود بخاطر آورید چون شما دشمن همدیگر بودید. پس اودلهای

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيْقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كُفْرِينَ ﴿١٠١﴾

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدَىٰ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٠٢﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٣﴾

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

آیت ١٠٢ - لا تموتن الا وانتم مسلمون را این معنای نیست که پیش از مرگ مسلمان بشوید زیرا مرگ در اختیار انسان نیست. مفهوم اینست که هیچ گاه در هیچ بخش زندگی اسلام را ترک نکنید تا هرگاه شمارا مرگ آید باید عمل کننده بر تعلیم اسلام باشید.

شمارا بهم پیوند داد پس بنعمت او برادران شدید، و شما برکنار حفره آتش بودید پس او شمارا از آن نجات داد. اینگونه خدا آیت های خود را برای شما به سرحاح بیان کند تا باشد که شما هدایت بیابید (١٠٤)

و باید از شما جماعتی باشد [که] مدام بسوی نیکی بخوانند و به معروفات امر کنند و از منکرات بازدارند و همانها موفق شدگانند (١٠٥) و نباشید مانند آنانکه از هم پاشیده و به اختلاف برخاستند از این پس که ایشان را نشانه های روشن آمده بود و آنها ایندکه بر آنها عذابی بزرگ است (١٠٦)

روزیکه چهره های بدرخشند و چهره های تیره گون باشند. آنگاه آنان که چهره های آنان تیره گون گردند [خطاب شوند] آیا پس از ایمان خود کافر شده بودید؟ اینک

فَأَصْحَابُكُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانٌ وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا ۚ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ آيٰتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٤﴾

وَلَتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَّدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٥﴾  
وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۗ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٦﴾

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٧﴾

[طعم] عذاب بچشید چه شما انکار  
می کردید (۱۰۷)

واما آنانکه چهرهای ایشان روشن  
گردد آنگاه در رحمت خدا اند و  
ایشان در آن جاویدانند (۱۰۸)

این آیه‌های خدا است که آنها را  
بر تو بحق میخوانیم و خدا برای  
جهانهای ستم نمیخواهد (۱۰۹)

و از آن خدا است هر چه در آسمانها  
است و هر چه در زمین است و همه  
امور به خدا برگردانده شود (۱۱۰)

شما بهترین امت اید که برای مردم  
در آورده شدید. شما به معروفات  
امر میکنید و از منکرات نهی میکنید  
و به خدا ایمان میآورید و اگر  
امل کتاب ایمان میآوردند حتماً  
برایشان بهتر بود و در آنان هم  
مومن اند در حالیکه بیشتر آنان

فاسقانند (۱۱۱)

مرگز نتوانند بشما رنجی برسانند  
جز گزندی ناچیز و اگر به شما

وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي  
رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٨﴾

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَمَا  
اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ  
وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١١٠﴾

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ  
تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ  
الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۗ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ  
الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرَ الْأُمَّةِ مِنْهُمْ  
الْمُؤْمِنُونَ وَآكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١١١﴾

لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى ۗ وَإِنْ  
يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْتُوْكُمْ الْاَدْبَارَ ۗ ثُمَّ



لَا يُضْرُونَ ﴿١١١﴾

بجنگند به شما پشت برگردانند

سپس یاری داده نشوند (١١٢)

خواری بر آنها افکنده شد هر جای یافته شوند جز آنانکه در [پناه] پیمان خدا و در [پناه] پیمان مردم اند و باغضب خدا بازگشتند و بر آنها درماندگی افکنده شد چه آنها به آیتهای خدا انکار میکردند و انبیاء را بناحق سخت مخالفت می کردند و این بدانعلت بود که نافرمانی میکردند و تعدی می کردند (١١٣)

همه یکسان نیستند. در اهل کتاب گروهی [بر مسلک خود] برقرار اند. آنان در پاره های شب آیات خدا را تلاوت کرده و سجده می کنند (١١٤)

ایشان ایمان به خدا و روز آخرت می آورند و بمعروفات امر کنند و از منکرات نهی کنند و در کارهای نیکو از همدیگر سبقت

ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةَ أَيْنَ مَا تَفْتَوُوا إِلَّا  
بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُ وُ  
بِعُضْبٍ مِنَ اللَّهِ وَضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ  
الْمَسْكَنَةَ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يُكْفِرُونَ  
بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ۗ  
ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١١﴾

لَيَسُوًّا سَوَاءً ۗ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ  
قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ  
يَسْجُدُونَ ﴿١١٤﴾

يَوْمُئِذٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَيَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ۗ وَأُولَٰئِكَ مِنَ

الصَّالِحِينَ ﴿١١٥﴾

جویند و همانها اند که از شایسته کارانند (۱۱۵)

و هر چه نیکوکاری کنند پس هرگز به آن ناسپاسی کرده نشوند و خدا متقیان را خوب میدانند (۱۱۶)

یقیناً آنها که کفر کردند آنها را مالهای آنان و اولاد آنان هیچ هم بی نیاز از خدا نسازد و همانها اند که اهل آتشند. آنها در آن مدت دراز میانند (۱۱۷)

مثل هر آنچه که آنها در این دنیا خرج کنند بمثل بادی است که در آن سرمائی شدید باشد و بر کشتزار قومی بوزد که بر جانهای خود ستم کردند و آن [کشت] را نابود سازد و خدا بر آنها ستم نکرد بلکه آنها بر جانهای خود ستم کنند (۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آوردید کسی را جز مردم خود دوست صمیمی نگیرید، آنها به گزند شما کوتاهی نکنند - دوست دارند که شما رنج

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۗ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٧﴾

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ ۗ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِن أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٨﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا ۗ وَدُوَامَا عَنِّيُمْ ۗ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِن

بکشید. یقیناً کینه آنها از دمانهای آنها پدیدار است و آنچه دل‌های آنان پنهان سازد از این بزرگتر است. البته ما آیت‌های خود را برای شما بوضوح بیان کرده ایم اگر شما عقل کنید (۱۱۹)

اینک شماید که آنها را دوست دارید درحالی‌که آنها شما را دوست ندارند و شما بکتاب بتامی آن ایمان دارید و هرگاه بشما ملاقات کنند گویند ما ایمان آورده ایم و چون جدا شوند بر شما پر خشم سرانگشتان خود را می‌گزند. بگو بخشم خود بمیرید حتماً خدا به امور سینه ما دانا است (۱۲۰)

اگر خوبی بشمارسد آنها را ناخوش دارد و اگر سختی بشما رسد به آن خرسند شوند و اگر صبر کنید و تقوی اختیار کنید نیرنگی آنها هیچ گزندی بشما نرساند. یقیناً خدا احاطه کننده است آنچه را

أَفَوَاهِهِمْ ۖ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۗ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٩﴾

هَآأَنْتُمْ أَوْلَىٰ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ ۚ وَإِذْ لَقُوا كُفْرًا قَالُوا أَمَنَّا ۗ وَإِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَٰلِيكُمْ ۗ أَلَا نَأْمَلُ مِنَ الْغَيْظِ ۗ قُلْ مَوْثُؤُا بَغِيظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٢٠﴾

إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۚ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا ۗ وَإِنْ تُصِبرُوا وَاتَّقُوا ۗ لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿١٢١﴾

عمل کنند(١٢١)

و [بیاد آر] هنگامیکه بامداد از خانواده خود جدا شدی تا مومنان را برای جنگ در سنگرها ترتیب دهی و خدا بسیار شنوای دانا است(١٢٢)

هنگامیکه دو گروه از شما درصدد شدند که بلغزند درحالیکه خدا ولی آندو بود و مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند(١٢٣)

و یقیناً خدا [قبلاً] شمارا در بدریاری کرد حال آنکه شما ناتوان بودید. پس برای خدا تقوی کنید تا باشد که شما سپاس بگذارید(١٢٤)

چون بمومنان میگفتی که آیا برای شهابس نیست که پروردگار شهابا سه هزار فرشته فرودستادگان شمارا مدد کند؟(١٢٥)

بلی، اگرشکیبائی گزینید و تقوی پیش گیرید درحالیکه آنها از خشم خود [جوشان] بر شما بتازند

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ  
الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ  
عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتٌ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلُوا  
وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا طَّ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ  
الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ  
فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ  
يُمَدِّدَ كُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ  
مُنزَلِينَ ﴿١٢٥﴾

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَاتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ  
فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ

آنگاه خدا شمارا با پنجهزار فرشته

عذاب کننده یاری کند (١٢٦)

و خدا این [وعده] برای شما فقط

مژده قرارداد و تا دل‌های شما بآن

اطمینان یابد در حالیکه یاری فقط

از نزد خدا صاحب غلبه کامل

صاحب حکمت داده میشود (١٢٧)

تادسته ای را از آنها که کفر کردند

حک کند یا آنها را سخت خوار نماید

پس نامراد برگردند (١٢٨)

هیچ از امر در اختیار تونیست -

خواه [خدا] بر آنان توبه قبول کرده

متمايل شود یا عذابشان دهد بحر

حال آنها ستمگرانند (١٢٩)

و آنچه در آسمانها است و آنچه در

زمین از آن خدا است، او مرکه را

خواهد می‌آمرزد و مرکه را خواهد

عذاب کند و خدا آمرزگاری بارها

رحمکننده است (١٣٠)

ای کسانی که ایمان آورده اید رباء

را سودهائی چند برابر کشیده

الَّذِينَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٦﴾

﴿١٢٦﴾

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ

وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا

مِنَ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٢٧﴾

لَيَقْطَعَنَّ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاُو

يَكِبْتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوْا خَائِبِيْنَ ﴿١٢٨﴾

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ ۗ أَوْ يَتُوبَ

عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٢٩﴾

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ

يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ

وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٣٠﴾

﴿١٣٠﴾

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوْا رِبٰوًا

اَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ۗ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ ﴿٣٣﴾

نخورید و تقوای خدا پیش گیرید تا

باشد که شما رستگار شوید (۱۳۱)

و بترسید از آن آتش که برای

کافران مهیا شده است (۱۳۲)

و اطاعت کنید از خدا و رسول

تا رحم کرده شوید (۱۳۳)

و بشتابید بسوی آمرزشی از

پروردگار خود و بهشتی که فراخی

آن بر آسمانها و زمین محیط

است. آن برای متقیان مهیا شده

است (۱۳۴) ++

[یعنی] آنانکه انفاق کنند درخوش

حالی و تنگدستی و فروخورندگان

++ آیت ۱۳۴ - از این آیت برمیآید که جنت بر آسمان مقامگاه جداگانه نیست. چه

در این آیت فرمائست که هر چند عرض زمین و آسمانست همان قدر عرض جنت است.

چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم این آیت را بر اصحاب خود خواندند یکی از

ایشان پرسید یا رسول الله اگر جنت فقط بر آسمان و زمین محیط است پس جهنم

کجا است؟ ایشان فرمودند سبحان الله فاین الیل اذا جاء النهار [مسند احمد بن

حنبل - مسند المکیین، حدیث ردیف ۱۵۱۰۰، تفسیر الرازی زیر آیت هذه] که

سبحان الله چون روز آید آنگاه شب کجایی باشد یعنی جهنم هم همانجاست

مگر شما آنرا درک نمیکنید. پس این تصور باطل است که جنت و جهنم راعرض

جداگانه است. جنتیان و جهنمیان همان در یک کاینات زندگی میکنند.

النَّاسِ ۝ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝

خشم و از مردم گذشت کنندگان و  
 خدامحسنانرا دوست دارد(۱۳۵)  
 بعلاوه آنانکه چون فحشائی کنندیا  
 برجانهای خود ستم کنند بیادخدا  
 میافتند - پس برای گناهان خود  
 آمرزش میطلبند و کیست جز خدا  
 که گناهان بیآمرزد و آنان دانسته  
 اصرار نیورزند بر آنچه انجام  
 داده باشد(۱۳۶)

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا  
 أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا  
 لِذُنُوبِهِمْ ۖ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا  
 اللَّهُ ۖ وَلَمْ يُصِرُّوْا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ  
 يَعْلَمُونَ ۝

مانها اند که مزد ایشان از  
 پروردگار ایشان آمرزش و باغ  
 هایست که در دامنه آنها نهرهای  
 روانست و در آنها جاویدانند و  
 عمل کنندگان را چه نیکو مزدی  
 است(۱۳۷)

أُولَٰئِكَ جَزَاءُ وَهُمْ مَغْفِرَةٌ ۖ مَنْ رَبِّهِمْ  
 وَجَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
 خَالِدِينَ فِيهَا ۖ وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ ۝

البته سنی بیش از شما گذشته  
 است. پس بگردید در زمین پس  
 بگردید فرجام تکذیب کنندگان  
 چه سان بود(۱۳۸)

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ ۖ فَسِيرُوا فِي  
 الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ  
 الْمُكذِبِينَ ۝

این بیان است برای مردم [تا  
 راستی و ناراستی بازشناخته شود]

هٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ  
 لِّلْمُتَّقِينَ ۝

و متقیان را هدایت و نصیحت

است (۱۳۹)

و سست نشوید و غم نخورید و حتمًا

شما غالب آیند گانید اگر شما

مومنانید (۱۴۰)

اگر جراحی بشما رسیده پس

یقینًا جراحی مانند آن به قومی

[متقابل] هم رسیده است و این

روزگاری است که آنرا میان مردم

میگردانیم تا خدا آنانکه ایمان

آورده اند را بیآزماید و از شما

شهادت برگزیند و خدا ستمکاران

را دوست ندارد (۱۴۱)

و تا خدا آنان را که ایمان آورده

اند پاک نماید و کافران را نابود

سازد (۱۴۲)

آیا گمان میکنید که وارد بهشت

شوید در حالیکه هنوز خدا کسان را

از شما که جهاد کرده اند آزمایش

نکرده است؟ و [این روش خدا

بدانعلت است تا] خدا شکیبایان

وَلَا تَهْتُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ

الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۹﴾

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ

قَرْحٌ مِثْلُهُ ۗ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ

النَّاسِ ۚ وَلَيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا

وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

الظَّالِمِينَ ﴿۱۴۰﴾

وَلَيَمْحَقَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ

الْكُفْرِينَ ﴿۱۴۱﴾

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا

يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ

الصَّابِرِينَ ﴿۱۴۲﴾



را بشناسد(١٤٣)

و یقیناً شمارگ را آرزو میکردید  
پیش از اینکه آنرا برخوردار کنید  
پس اکنون آنرا دیده اید و شما  
خیره خیره مینگرید(١٤٤)

و نیست محمد جز پیغمبری. یقیناً  
پیش از او پیغمرانی گذشته اند.  
پس آیا اگر او وفات کند یا کشته  
شود روی پاشنه های خود باز گردید؟  
و هر که بر پاشنه های خود باز گردد  
پس هرگز به خدا هیچ زیانی نه  
رساند و یقیناً خدا به سپاسداران  
پاداش میدهد(١٤٥) ++

و به هیچ کس امکان نیست که  
بمیرد جز به اذن خدا. این نهایت  
زمانی نوشته شده است و هر که

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَتُّونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ  
تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ  
قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَأَبْصَارُ مَا تَأْوُقْتَل  
أَنْفَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْفَلِبْ  
عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا  
وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ  
كِتَابًا مُوَجَّلاً وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا

+++ ١٤٥- در این آیت وفات مسیحی را اعلان قطعی است چون گفت که محمد هم  
رسول خداست و از رسولی بیش نیست و هر چند رسولان قبل از ایشان بودند  
همه درگذشتند. چون کلمه "خدا" مطلقاً درباره کسی گفته شود منظور از آن چنین  
گذشتن نیست که مسافری میگذرد بلکه در اینجا مفهوم "گذشتن" وفات است. پس  
اگر حضرت عیسی رسولی بودند حتماً وفات یافته اند.

ثواب دنیا خواهد او را از آن دمیم و هر که ثواب آخرت خواهد او را از آن دمیم و سپاسداران را پاداش حتماً میدمیم (١٤٦)

و چه بسا پیغمبر بودند که بسیار ربانیون با آنان همراه قتال کردند پس برای [سختی] که به ایشان رسیده کمزور شدند [به دشمن] افتادگی نشان دادند و خدا صبر کنندگان را دوست دارد (١٤٧)

و سخن ایشان نبود جز اینکه گفتند: پروردگارا! گناهان ما و تجاوزگری ما که در کار خود کرده ایم برای ما بی‌آمرز و قدمهای ما ثابت بدار و ما را در مقابل قوم

کافران پیروزی اعطا کن (١٤٨) پس ایشان را پاداش دنیا و پاداش نیکوی آخرت دادیم و خدا شایسته کاران را دوست دارد (١٤٩)

ای آنانکه ایمان آورده اید اگر از

نُوتِه مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُوتِه مِنْهَا وَسَجْزَى الشَّكْرِينَ ﴿١٤٦﴾

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قُتِلَ لَمَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٧﴾

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٨﴾

فَأَنَّهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَّ ثَوَابَ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا اللَّهَ

كَفَرُوا وَيَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ  
فَتَقَلِّبُوا الْخَيْرِينَ ﴿١٥٠﴾

بی آنان رفتید که کفر کردند شما را بر باشنه هایتان برگردانند و شامزبان کشیده بازگردید (۱۵۰) بلکه خدا مولای شما است و او بهترین یاوران است (۱۵۱)

بَلِ اللَّهِ مَوْلَاكُمْ ۗ وَهُوَ خَيْرُ  
الْمُصْرِرِينَ ﴿١٥١﴾

حتماً ما در قلبهای آنها که کفر کردند بیم افکنیم چه آنها شریک خدا قرار دادند آنچه را که برای آن او هیچ دلیلی نازل نکرد و مأوی آنها آتش است و ستمکاران راجه زشت جای گاه است (۱۵۲)

سَنَلْقَىٰ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالرُّعْبَ  
بِمَا أَشْرَكُوا يَا اللَّهُ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ  
سُلْطَانًا وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ  
مَثْوَىٰ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٢﴾

و البته خدا وعده خود را به شما راست گردانید هنگامیکه باذن او آنها را از بیخ بر میکنید تا آنگاه که شماتر رسیدید و در مورد دستور [رسول] بهم ستیزیدید و نافرمانی کردید پس از آنکه خدا آنچه به شما نشان داد که دوست داشتید - کسانی از شما بودند که طالب دنیا بودند و کسانی از شما بودند که طالب آخرت بودند.

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ  
بِأَذْنِهِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي  
الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّنْ بَعْدِ مَا أَرْكَبْتُمْ  
مَّا تَحِبُّونَ ۗ مِّنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ  
مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۗ تَمَّ صَرْفَكُمُ  
عَنَّهُمْ لِيُبَدِّلَكُمْ ۗ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ  
وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٣﴾

سپس او شمارا از آنها دور کرد  
تا شمارا بیازماید و یقیناً او از  
شاعفو کرد و خدا را بر مومنان  
فضلی فراوان است (١٥٣)

هنگامیکه با بفرار گذاشته پشت  
سر به کسی نمیدیدید و رسول  
[ایستاده] در دسته آن دگرتان شما  
را فرامیخواند پس خدا شمارا به  
عوض يك اندوه، اندوهی بزرگ  
رساند تا افسوس نخورید بر آنچه  
از دست دادید و نه به آن سختی  
که به شما رسید و خدا آگاه است  
بدانچه عمل کنید (١٥٤)

سپس بعد از اندوه بخاطر آرامش  
بر شما چرت نازل کرد که دسته از  
شمارا فرامیگرفت درحالیکه عدۀ  
بودند که آنها را جانهای خود غمناک  
مینمود و به خدامانندگان جاهلیت  
بغیر از حق گمان میبردند. آنان  
میگفتند، آیا از امر چیزی بدست ما  
است؟ بگو براستی امر بتامای آن

إذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلُونِ عَلَى أَحَدٍ  
وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِيْ أُخْرَاكُمْ  
فَأْتَابَكُمْ غَمًّا بَعِيْدًا لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا  
عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ ۗ وَاللَّهُ  
خَبِيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا  
نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً مِنْكُمْ  
وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ  
يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ  
يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ  
قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ ۗ يُخْفُونَ فِي

بدست خدا است - در دلهای خود پنهان کنند آنچه برای تو آشکار نمیسازند. گویند، اگر از امر چیزی در اختیار ما بود قطعاً در اینجا کشته میشدیم. بگو اگر شما در خانه های خودتان هم بودید حتماً برای آنها که قتل مقدر شده بود بسوی قتل گامهای خود بیرون میآمدند و [این به آن علت است] تا خدا بیآزماید آنچه در سینه های شما است و تا خالص گرداند آنچه در دلهای شما است و خدا به امور سینه ها دانا است (١٥٥)

یقیناً کسانی از شما که برگشتند روزی که دو لشکر روبروی هم شدند این شیطان بود که آنها را لغزاید بعلت برخی از آن اعمال که کسب کردند و البته خدا از آنها عفو نمود یقیناً خدا آمرزگار ی بردبار است (١٥٦)

ای کسانی که ایمان آورده اید مانند

أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبَدُونَ لَكَ ۗ يَقُولُونَ لَوْ  
كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قَاتَلْنَا هَهُنَا ۗ  
قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ  
كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ ۗ  
وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ  
وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ  
بِدَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٥﴾

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى  
الْجَمْعَيْنِ ۗ لَأِمَّا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ  
بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا ۗ وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ  
عَنْهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٦﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

آنها نشوید که انکار کردند و در مورد برادران خود چون در زمین سفر کردند یابه غزوه بیرون آمدند گفتند: اگر نزد ما بودند نمی‌زدند و کشته نمی‌شدند. خدا می‌خواهد این [آرزو] را در دل‌های آنان حسرتی قرار دهد و خدا است که زنده میکند و می‌راند و خدا بینای آنست که عمل کنید (١٥٧)

و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید یقیناً آمرزش و رحمت خدا نیکوتر از آن است که جمع کنید (١٥٨)

و اگر مردید یا کشته شدید حتماً به سوی خدا محشور کرده شوید (١٥٩)

پس بسبب رحمت خدا است که بر ایشان نرم شدی و اگر تو تندخو و سختدل بودی یقیناً آنها از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنها عفو کن و برای ایشان

كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا صَرَبُوا  
فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرًى لَوْ كَانُوا  
عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قَتَلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ  
ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ يُخَيِّ  
وَيُمِيتُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٧﴾

وَلِئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ  
لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا  
يَجْمَعُونَ ﴿١٥٨﴾

وَلِئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ  
تُحْشَرُونَ ﴿١٥٩﴾

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ ۗ وَلَوْ  
كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا  
مِنْ حَوْلِكَ ۗ فَاعْفُ عَنْهُمْ  
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ۗ

آمزش بطلب و درامر [مهم] با آنها مشورت کن و هنگامیکه تصمیمی بگرفتی پس بر خدا توکل کن یقیناً خدا توکل کنندگان را دوست دارد (١٦٠) ++

اگر خدا شمارا یاری کند پس کسی بر شما غالب شونده نیست و اگر شمارا ترک کند پس کیست بعد از او که شمارا یاری کند. پس باید مومنان بر خدا توکل کنند (١٦١)

و امکان پذیر نیست پیغمبری را که خیانت کند و هر که خیانت کند روز قیامت [شومی] آنچه را خیانت کرد با خود آورد. سپس مرتن بتمام داده شود آنچه کسب کرد و آنها

فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٦٠﴾

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۗ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّنْ بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦١﴾

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ ۗ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٢﴾

++ آیت ١٦٠ - در این آیه نخست نرم دل بودن آنحضرت صلی الله علیه وسلم را ذکر است بطوریکه جای دیگر فرمود: بالمومنین رءوف رحیم (التوبه ١٢٨) دومین بدین امر اعلان قطعی است که اصحاب طمع ورزیده گرد آنحضرت جمع نشده بودند و اگر آنحضرت گنجهای جهان را هم بر آنان هزینه میکردند باز هم همچون پروانه ها گرد آنحضرت جمع نمی شدند. با این وجود هم گفته شد که در امور مهم با آنان مشورت کن اما تصمیم نهائی بدست تو است و لازم نیست که مشورت آنان قبول کرده شود و وقتی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن و او یاور تو میشود.

ستم نشوند(١٦٢)

پس آیا آنکه از پی رضای خدا برود  
مانند اوست که با سخط خدا باز  
گردد و مأوی او جهنم است و چه

زشت بازگشتگامی است(١٦٣)

آنان نزد خدا به مراتبی مختلف  
[منقسم] اند و خدا بینای آن است

که میکند(١٦٤)

یقیناً خدا بر مومنان منت نهاد  
چون رسولی در ایشان از خود  
ایشان برگزید. او آیتهای او را  
برای ایشان تلاوت میکند و ایشان  
را پاک میسازد و ایشان را دانش  
کتاب و حکمت میآموزد در حالیکه  
قبلاً یقیناً در گمراهی آشکارا

بودند(١٦٥)

آیا هرگاه بشما سختی برسد که  
دو برابر آن [بدشمن] رساندید [باز  
هم] گویند که این از کجا است. بگو  
آن از جانب نفسهای شماست. یقیناً  
خدا بر هر چیز مدام قدرتمند

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ  
بِسَخَطِ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ  
وَبُئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦٣﴾

هُمُ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا  
يَعْمَلُونَ ﴿١٦٤﴾

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ  
فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ  
آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ  
وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي  
ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٦٥﴾

أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ  
مِثْلِيهَا قُلْتُمْ أَئِن هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ  
أَنفُسِكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦٦﴾



است (١٦٦)

و آن گزندی که شمارا در آنروز رسید که دو گروهی روبروی هم شدند پس آن به اذن خدا بود و برای این بود تا مؤمنان را نمایان سازد (١٦٧)

و تا آنانکه دو رؤی کردند را بشناسد و [چون] به آنها گفته شد بیایید در راه خدا قتال کنید یا دفاع کنید گفتند اگر جنگ کردن را میدانستیم حتماً دنبال شما می آمدیم. آنها در آنروز نزدیکتر بکفر از ایمان بودند. آنان به زبان های خود میاورند که دردلهای آنان نیست و خدا داناتر به آن است که کتمان کنند (١٦٨)

آنانکه برای برادران خود گفتند با آنکه خودشان در عقب نشستند که اگر از بی مامیرفتند کشته نمیشدند. بگو پس مرگ را از جانهای خود برگردانید اگر شما راستگویان

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّتَمَّى الْجَمْعُ ۖ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦٦﴾

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا ۗ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا ۗ قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَأَتَّبَعْنَاكُمْ ۗ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمِيذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ ۗ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾

الَّذِينَ قَالُوا لِأَخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قَاتَلُوا ۗ قُلْ فَادْرءُوا عَن أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٦٨﴾

اید (١٦٩)

و آنانکه در راه خدا کشته شوند  
مرده میندازید بلکه زنده اند و  
از نزد پروردگار خود رزق داده  
شوند (١٧٠)

بسیار خرسندند بدانچه خدا بفضل  
خود ایشان را در داده است و  
درباره بازماندگان خود که هنوز  
با ایشان ملحق نشده اند مؤذگان  
دریابند که آنان را هیچ بیسی  
نیست و ایشان اندومناک نخواهند  
شد (١٧١)

ایشان نویدمائی مییابند به نعمت  
و فضل خدا و اینکه خدا پاداش  
مومنان را به هدر نمیدهد (١٧٢)  
آنانکه به خدا و رسول لبیک  
گفتند پس از آنکه به ایشان  
جراحی رسیده بود. کسانی از  
ایشان را که احسان کردند و  
تقوی را پیشه کردند پاداش  
بزرگی است (١٧٣)

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ  
وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ  
مِنْ خَلْفِهِمْ أَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ  
يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾

وَقِيلَ لَهُمْ

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ  
وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾  
الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ  
مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا  
مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرَ عَظِيمٍ ﴿١٧٢﴾

وَقِيلَ لَهُمْ  
مَنْ يَلْحَقُ بِهِمْ  
مِنْ خَلْفِهِمْ

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٦﴾

[یعنی] کسانی که مردم به آنان گفتند: همانا مردم بر خلاف شما جمع شده اند پس از آنها بترسید [این] بر ایمان ایشان افزود و گفتند، خدا مارا بس است و او چه نیکو کار ساز است (١٧٤)

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّهُمْ سَوْءٌ ۗ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٥﴾

پس بانعمت خدا و فضل بازگشتند، گزند به ایشان لمس نکرد و ایشان خوشنودی خدا را دنبال کردند و خدا را فضلی بزرگ است (١٧٥) یقیناً این تنها شیطان است که دوستان خود را میترساند پس از آنها نترسید و از من بترسید اگر شما مومنانید (١٧٦)

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ ۗ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٦﴾

و تو را غمناک نسازند آنانکه در کفر بشتاب پیش میروند، یقیناً آنها هیچ گزندی به خدا نرسانند، خدا میخواهد در آخرت برایشان هیچ سهمی قرار ندهد و برایشان عذابی بزرگ است (١٧٧)

وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ۗ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّو اللَّهَ شَيْئًا ۗ يُرِيدُ اللَّهُ آلَا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْأَخِرَةِ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٧﴾

براستی آنانکه کفر را بیهای ایمان

اِنَّ الَّذِيْنَ اَشْرَوْا الْكُفْرَ بِالْاِيْمَانِ لَن

خریدند هرگز به خدا هیچ گزندی  
نرسانند و آنها را عذابی دردناک  
است (١٧٨)

و کسانی که کفر کردند گمان نکنند  
که مهلت دادن ما آنها را در حق  
آنان بهتر است. آنها را مهلت فقط  
برای این میدهم تا بر بزهکاری  
ببیزایند و آنها را عذابی خوار  
کننده است (١٧٩)

نیست خدا که مومنان را رها  
سازد بر آن حال که بر آن شماید  
تا آنگاه که پلید و ناپاک را از  
حلال و پاک تمیز دهد و نیست  
خدا که همه شمارا بر غیب مطلع  
سازد بلکه خدا از پیغمبران خود  
هر که را میخواهد برمیگزیند. پس  
به خدا و رسولان او ایمان آرید  
و اگر ایمان آرید و تقوی پیش  
گیرید پس شما را مزد بزرگی  
است (١٨٠)

و کسانی که بخل ورزند بدانچه ها

يَضُرُّوْا وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ وَّلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٧٨﴾

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَنَّهُمْ اِنَّمَا نُمَلِّىْ  
لَهُمْ خَيْرًا لَّا يَنْفُسِيْهِمْ اِنَّمَا نُمَلِّىْ لَهُمْ  
لِيَزِدُّوْا اِثْمًا وَّلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِىْنٌ ﴿١٧٩﴾

مَا كَانَ اللّٰهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلٰى مَا  
اَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتّٰى يَمِيْزَ الْخَبِيْثَ مِنَ  
الطّٰيِبِ وَّمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُظْلِعَكُمْ عَلٰى  
الْغَيْبِ وَّلٰكِنَّ اللّٰهُ يَجْتَبِيْ مِنْ رُّسُلِهٖ مَنْ  
يَّشَآءُ فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَاِنْ  
تُوْمِنُوْا وَتَتَّقُوْا فَلَكُمْ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿١٨٠﴾

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ بِمَا اٰتٰهُمْ

که خدا آنان را بفضل خود اعطا کرد گمان نکنند که آن برای آنان نیکو است بلکه آن برای آنان خیلی زشت است. آنچه ماکه در آن بخل کردند در روز قیامت طوق آنها گردانده شود و میراث آسمانها و زمین از آن خدا است و خدا به آن چه عمل کنید آگاه است (۱۸۱)

یقیناً خدا شنید گفتار آنانکه گفتند خدا تهیدست است و ما ثروتمند ایم. حتماً نوشته داریم آنچه گفتند و [اینکه] آنها رسولان را بناحق بشدت مخالفت کردند و گوئیم عذابی سوزنده بچشید (۱۸۲)

اینست بدانچه دستهای شما پیش فرستاد و اینکه خدا برای بندگان ستم ران نیست (۱۸۳)

آنانکه گفتند یقیناً خدا از ما پیمانی گرفته است که بپیچ رسولی ایمان نیاوریم تا آنگاهکه ما را قربانی بیارد که آتش آن را بخورد. بگو

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ <sup>ط</sup> بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ <sup>ط</sup> سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ <sup>ط</sup> وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ <sup>ط</sup> وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ <sup>ع</sup>

١٨١

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ <sup>ط</sup> سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا <sup>ط</sup> وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ <sup>ط</sup> بِغَيْرِ حَقٍّ <sup>ط</sup> وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ <sup>ع</sup>

١٨٢

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ <sup>ع</sup>

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا آلا نُوْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ <sup>ط</sup> قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي

يَا بَيْتِ وَيَا دِيّ قُلْتُمْ فَلِمَ  
 قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٨٤﴾

پیش از منم پیغمبرانی نزد شما با  
 نشانه های روشن و با آن [سخن]  
 که میگوید آمده بودند پس چرا  
 با ایشان ستیزه جوئی سرسخت  
 کردید اگر شما راست گویان  
 اید (١٨٤) ++

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّنْ  
 قَبْلِكَ جَاءَ وَيَا بَيْتِ وَالرُّبْرُ وَالْكِتَابِ  
 الْمُنِيرِ ﴿١٨٥﴾

پس اگر بتو تکذیب کرده اند پس  
 رسولانی پیش از تو نیز تکذیب  
 شده بودند. ایشان با نشانه های  
 روشن و صحیفه ها و کتاب  
 درخشنده ای آمده بودند (١٨٥) .

++ آیت ١٨٤: یهود اعتقاد داشتند هر چه قربانی بحضور خدا آورده شود علامت قبولیت آن اینست که آتشی از آسمان باریده آن قربانی را میخورد. لذا از آنحضور صلی الله علیه وسلم مطالبه شد که چنین قربانی را بیآر که آتش از آسمان باریده آنرا بخورد. آنگاه خدا در پاسخ این مطالبه گفت که اگر رسولی راستگو را این علامت است پس به قول شما در زمان رسولان قبلی هم قربانی میشد و آتش از آسمان آمده آنرا میخورد پس با این وجود چرا دیگر انبیا را مخالفت شدیدی کردید؟

++ معنای قتل ضرب شدیدم است بطوریکه نوشته است تكون استمارة الفعل على قسمين: احدهما أن يشبه الضرب الشديد مثلاً بالقتل، و يستعار له اسم ثم يشق منه قتل بمعنى ضَرْبٍ يَضْرِبُ ضَرْباً شَدِيداً [تفسیر روح المعانی سورة الفتح زیر آیت انا فتحناك فتحاً مبيناً].

مرتن چشنده مرگ است و پاداش خود بتمام فقط روز قیامت داده شوید پس آنکه از آتش نگاه داشته و به بهشت داخل کرده شد پس یقیناً موفق شد و زندگی دنیا جز بهره گیری فریبنده چیزی نیست (١٨٦)

حتماً در مالهای خود و جانهای خود آزموده شوید و البته از آنانکه پیش از شما کتاب داده شدند و کسانیکه شرک ورزیدند سخنانی دل آزار بفروانی خواهید شنید اگر صبر کنید و تقوی پیش گیرید پس این از کارهای پر همت است (١٨٧)

و هنگامیکه خدا از آنها که کتاب داده شدند پیمانی بگرفت که حتماً شما این کتاب را برای مردم بروشنی بیان کرده و مرگز آنرا کتمان نخواهید کرد. اما آنها آن [میثاق] را پشت سر خود نهادند و

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ  
أَجْرَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ فَمَنْ زُحِرَ  
عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا  
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٦﴾

لَتُبْلَوْنَ فِيْ أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ۗ  
وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ  
قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيْرًا ۗ  
وَإِنْ تَصْبِرُوا وَاتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ  
عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨٧﴾

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ  
لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْفُمُونَهُ ۗ  
فَبَدَّلُوهُ وَإِنَّ ظُهُورَهُمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ  
ثَمًا قَلِيْلًا ۗ فَيَسَّ مَآيَشْرُورًا ﴿١٨٨﴾

به [عوض] آن بهائی ناچیز گرفتند.  
پس چه زشت است آنچه می  
خرند (۱۸۸)

کسانی که به کرده های خود دلشاد  
شوند و دوستدارند که برای آن  
کارها نیز ستوده شوند که انجام  
نداده اند پس هرگز آنها را از  
عذاب رستگار نه پندار بلکه آنها  
را عذابی دردناک است (۱۸۹)

و پادشاهی آسمانها و زمین از آن  
خدا است و خدا به هر چیز مدام  
قدرتمند است (۱۹۰)

بیگمان در آفرینش آسمانها و  
زمین و دیگرگونی شب و روز برای  
خردمندان نشانه هایست (۱۹۱)

کسانی که ایستادگان و نشستگان و  
برپهلوهای خود خدا را یاد میکنند  
و در آفرینش آسمانها و زمین فکر  
واندیشه کنند [و بیساخته گویند]  
پروردگارا! هرگز تو این [عالم] را  
بلامقصد و نیافریده ای تو پاکی پس

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا  
وَّ يُجِبُونَ أَنْ يُحْمَدُوا وَإِيمَانَهُمْ يَفْعَلُوا  
فَلَا تَحْسَبَنَّ لَهُمْ مِمَّا زَاةٍ مِنَ الْعَذَابِ  
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي  
الْأَبْصَارِ ﴿١٩٠﴾

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ  
جُوهِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا  
سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾



مارا از عذاب آتش نگهدار (۱۹۲)  
 پروردگارا! آنکه را به آتش داخل  
 کردی پس او را خوارگرداندی و  
 ستمکاران را هیچکس یاور نه  
 باشد (۱۹۳)

پروردگارا! یقیناً ما گوش کردیم  
 منادیی را که به ایمان منادی  
 میکرد که بر پروردگار خود ایمان  
 آورید. پس ما ایمان آوردیم. ای  
 پروردگار ما! پس گناهان ما را  
 برای ما بیامرز و زشتی های ما  
 را از ما دور کن و ما را با نیکو  
 کاران بپیران (۱۹۴)

پروردگارا! ما را درده آن وعده که  
 تو برای ما بر رسولان خود فرض  
 نمودی [یعنی میثاق النبیین] روز  
 قیامت ما را خوار نگردانی. یقیناً  
 تو خلاف وعده نمیکنی (۱۹۵) ++

پس پروردگارا! ایشان دعای ایشان  
 را استجابت نمود [و فرمود] که  
 من عمل هیچ عمل کننده از شما

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ  
 أَخْرَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ  
 أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا  
 ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ  
 الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾

رَبَّنَا وَإِنَّا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا  
 تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ  
 الْمِيعَادَ ﴿١٩٥﴾

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ  
 عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذَكَرُوا وَأَنْشُرُ ج

بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ ۗ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا  
وَأَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي  
سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ  
عَنَّهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا أُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّةَ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ ثَوَابًا مِّنْ  
عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٣١﴾

خواه مرد است یا زن ضائع  
نمیدم. بعضی از شما از بعضی  
اند. پس کسانی که مهاجرت کردند  
و از خانه های خود بیرون رانده  
شدند و در راه من آزاریده شدند  
و قتال کردند و کشته شدند یقیناً  
من زشتیهای ایشان را از ایشان  
دور کرده و حتماً آنها را وارد باغ  
های نمایم که در دامنه آنها نهرهای  
روانست. این مزدی از محضر خدا  
است و خدا است که نزد او  
بهترین مزد است (۱۹۶)

لَا يَعْزُوكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي  
الْبِلَادِ ﴿١٣٢﴾

آمد و رفت آنها در شهرها که کفر  
کردند تو را نفریبند (۱۹۷)  
این بهره ای ناچیز موقتی است.  
سپس مأوی آنان جهنم است و چه  
زشت جایگاهی است (۱۹۸)

مَتَاعٌ قَلِيلٌ ۖ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ  
وَبِسُّ الْمُهَادِّ ﴿١٣٣﴾

++ آیت ۱۹۵: پس از علی کلمه لسان رسلك نیست بلکه فقط رسلك است. این "علی"  
بفرض است و مفهومش اینست بطوریکه توسط پیغمبران بر قوم های ایشان تو فرض  
کرده بودی که آنان یعنی قومهای رسولی آینده حتماً یاری کنند پس اگر آنان اینطور  
نکنند این اشتباه است و گرنه خدا که بحر حال طبق وعده رسولان را غالب مینماید.

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَزَاءٌ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا  
تُزَلَّاهُنَّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ  
لِلَّابْرَارِ ﴿١٧٧﴾

اما آنانکه به پروردگار خود تقوی  
کنند برایشان باغهای است که در  
دامنه آنها نهرهای روان است. آنان  
در آنها جاویدانند. این از نزد خدا  
پذیرائی است و آنچه نزد خدا است

﴿١٧٧﴾

برای نیکان نیکوتر است (۱۹۹)  
و یقیناً از اهل کتاب کسانی اند که  
به خدا و آنچه بسوی شما نازل کرده  
شده و آنچه بسوی آنان نازل کرده آمد  
برای خدا فروتنان ایمان می آورند  
آیتهای خدا را به بهاء ناچیز نمی  
فروشد آنانند که پاداش ایشان  
نزد پروردگارا ایشان است. یقیناً  
خدا زود حساب است (۲۰۰)

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ  
وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ  
خُشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا  
قَلِيلًا ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ  
رَبِّهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٠﴾

ای آنانکه ایمان آوردید صبر کرده  
و به صبر سفارش کنید و به نگهداری  
مرزها آماده باشید و به خدا تقوی  
کنید تا شما پیروز منم شوید (۲۰۱)

﴿٢٠١﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَاصْبِرُوا  
وَ رَابِطُوا ۗ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ  
تُفْلِحُونَ ﴿٢٠١﴾

++ آیت ۲۰۱ - مفهوم "رابطوا" بر طول مرز اسبابستن است یعنی هیچگاه از حمله دشمن  
بی خوف نباشید بلکه بر مرزها حاضر بوده میتوان اخبار آنطرف مرز را بدست  
آورد همینطور بر مرزها اسبابستن دشمن را برای حمله ناگهانی مجال نینمهد.

## ٤ - سورة النساء

این سوره در میان سومین و پنجمین سال هجرت نازل شد و با بسم الله

١٧٧ آیت دارد.

آغاز این سوره با چنین آیتی میشود درجه شروع شدن آفرینش معجزانه ای انسان ذکر شده است. گویی واژه آدم را تفسیری جدید درآورده میشود. این سوره به آخرین قسمت سوره قبلی وابستگی عمیقی دارد. در آخر سوره قبلی علاوه بر تعلیم صبر به این امر آموزش داده میشود که بهمدیگر برای شکیبائی سفارش کرده و از مرزهای خودنگهبانی کنید. ضمناً در این سوره سخن از کار زارهای هولناکی با دشمنان اسلام گفته میشود که در نتیجه آن بسیاری از زنان بیوگان و بچه های یتیمان میمانند. برای حل مشکلات ناشی از جنگها و درباب حقوق بیوگان و یتیمان پیشنهادی است که بابیش از یک زن عقد ازدواج بسته شود بشرطیکه انصاف رعایت کرده شود و اگر انصاف امکان پذیر نیست باید به یک زن اکتفا کرده شود.

ضمناً به اصل اساسی برای نظام وراثت طبق تعلیم اسلام تفصیل داده

میشود.

در این سوره از مناسبات یهودیان و مسیحیان بهمدیگر و بعثت حضرت مسیح به اینصورت ذکر میشود که چون یهود همه پیمانهای خود را نقض کرده و سختدل شده و تلاش کرده که حضرت مسیح را بدار آویخته بکشند آنگاه چگونه خداوند به نجات حضرت مسیح برآمد و کوششهای یهودیان را برای کشتن حضرت مسیح به دار کشیده به ناکامی و بی مرادی روبروی نموده و

حضرت مسیح را از آن تمامی تهمت‌های پاک ثابت گرداند که یهودیان بر او و مادر پاکدامن او زده بودند.

مضافاً در این سوره از هجرت حضرت مسیح نیز در صورت این پیشگوئی مذکور است که از اهل کتاب هیچ گروهی باقی نخواهد ماند که به صداقت و وفات طبیعی ایشان ایمان نیآورده باشد. این پیشگوئی بصورت مهاجرت ایشان از راه افغانستان به کشمیر تحقق یافته است.

☆ سُوْرَةُ النَّسَاءِ مَدِيْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَسَبْعٌ وَسَبْعُونَ آيَةً وَأَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ رُكُوْعًا

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

ای مردم اتقوی کنید پروردگار خود

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ

را آنکه شما را از یکتا آفرید و

مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا

جفت آنرا از خود آن درآورد و

وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۗ

از آندو مردان و زنان فراوان

وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۗ

گسترانید و بترسید از آن خدای

إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ②

که بنام او ازمم درخواست کنید

[تعلق] [رحمها] [ارعايت کنید] [یقیناً]

خدا بر شما نگهبان است (۲)

و یتیمان را مالهای آنان بدهید و

وَأْتُوا الْيَتٰمٰی اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا

ناپاکیزه هارا ببدل پاکیزهها نه

الْخَبِيثٰتِ بِالطَّيِّبِ ۗ وَلَا تَأْكُلُوا اَمْوَالَهُمْ

گیرید و مالهای آنها را با اموال

اِلٰی اَمْوَالِكُمْ ۗ اِنَّهٗ كَانَ حُوبًا كَبِيْرًا ③

خود موردطمع قرار ندهید. حتماً

آن گناهی بزرگست (۳)

و اگر بیم دارید که در مورد یتیمان

وَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَقْسِطُوْا فِی الْیَتٰمٰی

بداد رفتار نتوانید کنید آنگاه آنکه

فَاَنْكِحُوْا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي

از زنان شمارا خوش آید دو و سه

وَتِلْكَ وَرُبْعٌ ۚ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا

و چهار را به عقد ازدواج درآرید

فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۗ ذَٰلِكَ  
أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ۝

و اگر بیم دارید که بداد رفتار  
نخواهید کرد پس یکی [بس] است  
یا آنانکه دستهای راست شما مالک  
است. این نزدیکتر [به این] است  
که شما بی عدالتی نکنید (٤) ++

وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً ۗ فَإِنْ  
طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ  
هِنًا مَّرِيًّا ۝

و مهریه های زنان به آنها با طیب  
خاطر بپردازید و اگر بدوستی بشما  
از آن و ادمند پس آنرا بمیل و رغبت  
بکار خود ببرید (٥)

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ  
اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا  
وَأَكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۝

و ندمید به ابلهان آنمال خود که  
خدا باعث استواری شما قرارداد  
و آنانرا از آن بخورانید و آنانرا  
بپوشانید و به آنان سخن نیکوی  
بگویید (٦)

++ آیت ٤- دو، سه و چهار زن گرفتن بمنزله فرمان نیست بلکه مفهوم این است که  
یکوقت فقط چهارتا زوجة توان داشت در حالیکه قبل از آن در اعراب تعداد زنان را  
میچ حد و حصری نبود. لذا این آیت تعداد زوجات را بجای اضافه محدود میسازد. البته  
حالت جنگ، چون بسیار کثیر زنان اسیر میآرد و کفالت یتیمان، گرفتن بیش از یک  
زن را اجازه میدهد بشرطیکه عدل را توان رعایت کرد. کسانیکه این اجازه را بهانه  
قرارداده بیشتر از یک زن میگیرند وزن قبلی را کالمعلق رها میکنند هرگز تعلیم اسلام  
را اقتداء نمیکند بلکه هوائی نفسانی خود را پیروی کرده بیش از یک زن  
میگیرند.

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ ۚ  
 فَإِنِ اسْتَمْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا  
 إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ۚ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا  
 وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا ۗ وَمَن كَانَ غَنِيًّا  
 فَلْيَسْتَغْفِرْ ۚ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ  
 بِالْمَعْرُوفِ ۗ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ  
 أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ  
 حَسِيبًا ۝

و یتیمان را بیآزمایید تا آنوقت  
 که به سن نکاح برسند. آنگاه اگر  
 در آنها احساس خردکنید پس مال  
 های آنان را به آنان برگردانید و  
 آن [اموال] را اسرافاً و عجولانه  
 بر بزرگ شدن آنها پیشی گرفته  
 نخورید، و آنکه ثروتمند است باید  
 [از آن اموال] پرهیز کند و آنکه  
 نادرست بطریق مناسب بخورد.  
 پس گامیکه مالهایشان را به آنان  
 باز دهید پس بر آنها گواه قرار دهید  
 و خدا برای حساب گرفتن بس  
 است (٧)

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ  
 وَالْأَقْرَبُونَ ۚ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا  
 تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ  
 أَوْ كَثُرَ ۗ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ۝

مردان را از آنچه والدین و  
 خویشان ارث گزارند سهمی است  
 و هم زنان را سهمی است از آنچه  
 والدین و خویشان ارث گذارند  
 خواه آن کم است یا زیاد. این  
 سهمی بفرض است (٨)

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ  
 وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينُ فَأَرْزُقُوهُمْ مِنْهُ

و اگر هنگام تقسیم خویشان [که  
 حق ندارند] و یتیمان و مساکین



وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ①

حاضر آیند آنگاه بدیشان هم بدهید

و به آنان سخن نیکوی بگویید (٩)

و باید بترسند آنها که اگر پس

از [فوت] خود فرزندان ناتوان و

گذارند که برایشان علاقه مند

بودند و باید به خدا تقوی پیش

گیرند و باید لب به گفتار راست

و درست بکشایند (١٠)

مسلمانانیکه اموال یتیمان را

به ستم میخورند در شکمهای خود

فقط آتش پر میکنند و یقیناً در

آتشی شعله ور افکنده شوند (١١)

خدا به شما درباره فرزندان شما

توصیه میکند. سهم مرد برابر دو

زن است و اگر آنها از دو زن بیشتر

باشند آنگاه برایشان دوسوم

آنست که کسی ارث گذاشت و

اگر یک زن است پس وی رانصف

است و برای والدین آن [متوفی]

هریک از آندو را یک ششم آنست

که او ارث گذاشت اگر او را

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ

ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا

اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ②

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا

إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ③

وَيَصْلُونَ سَعِيرًا ④

ع  
١٢

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ

مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ ⑤ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً

فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ⑥ وَإِنْ

كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ ⑦ وَلَا بَوَیْهَ

لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ ⑧ إِنْ

كَانَ لَهُ وَلَدٌ ⑨ فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ

وَوَرِثَهُ أَبُوهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ ⑩ فَإِنْ كَانَ

لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ  
يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ <sup>١</sup> أَبَاؤُكُمْ  
وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ  
لَكُمْ نَفْعًا <sup>٢</sup> فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ <sup>٣</sup> إِنَّ اللَّهَ  
كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا <sup>٤</sup>

اولاد بود. و اگر او را اولاد نه  
بود و والدینش از او ارث برند  
آنگاه مادرش رایك سوم است و  
اگر او را برادران [وخواهران]  
باشند آنگاه برای مادرش يك ششم  
است پس از [ادای حق] وصیت که  
او کرد یا بدهی. پدران شما و پسران  
شما نمیدانید که کدامین از آنها  
از جهت سودمندی شما نزدیک تر  
اند. این از جانب خدا معین شده  
است. یقیناً خدا مدام دانا و  
صاحب بسیار حکمت است (١٢)

و برایشما نصف آنچه است که  
زنان شما ارث گذارند اگر آنها را  
اولاد نیست. پس اگر آنها را اولاد  
است آنگاه برای شما یکچهارم  
است از آنچه که آنها ارث گذارند  
پس از [ادای حق] وصیت که کرده  
باشند یا بدهی و برای ایشان يك  
چهارم از آنچه است که شما ارث  
گذارید و شما را اولادی نیست و

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ  
لَمْ يَكُنْ لِهِنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ  
فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ  
يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ <sup>١</sup> وَلِهِنَّ الرُّبْعُ مِمَّا  
تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ  
لَكُمْ وَلَدٌ فَلِهِنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ  
بَعْدِ وَصِيَّةِ تُوَصَّوْنَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ <sup>٢</sup> وَإِنْ

اگر شما اولاد دارید آنگاه برایشان يك هشتم است از آنچه که ارث گذارید پس از [ادای حق] وصیتی که کرده باشید یا بدهی و اگر ارث گذار مردی است یا زنی کلله [یعنی بی فرزند و بلا پدر و مادر] او را برادری یا خواهری است پس سهم هریک آنها يك ششم است و اگر آنها بیشتر از آن باشند آنگاه آنها در يك سوم بهم شریکند پس از [ادای حق] وصیت که کرده شد یا بدهی و بلا مضرت کسی. این از جانب خدا سفارش است و خدا مدام دانا ی بردبار است (١٣)

این حدهای خدا است و هر که از خدا و رسولش پیروی کند او وارد باغهای کرده شود که در دامنه آنها نهرهای روانست و در آنجا جاودان باشد و این پیروزی بزرگ است (١٤)

كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَّةً أَوْ امْرَأَةً وَوَلَّهُ  
 أَخًا أَوْ أُخْتًا فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا  
 السُّدُسُ ۚ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ  
 فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ ۚ مِن بَعْدِ وَصِيَّةِ  
 يُؤْصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۗ غَيْرَ مَضَارٍ ۗ  
 وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ۝١٣

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ  
 وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ  
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَذَٰلِكَ  
 الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝

وهرکه از خدا و رسولش نافرمانی کند و از حدود او تجاوز نماید او به آتشی وارد کرده شود که در آن مدت دراز بماند و او را عذاب مهین<sup>١٥</sup> عذابی رسوا کننده است (١٥)

و آنهایی از زنان شما که به فحشائی مرتکب شده باشند بر آنها چهارگواه از خودتان بگیرید. پس اگر آنها گواهی دهند آنگاه زنان را در منازل نگهدارید تا آنگاه که فوت به آنها برسد یا خدا برایشان راهی آن دگر قرار دهد (١٦) ++

و آندو مرد از شما که به آن [فحشائی] مرتکب شوند پس به آنها کیفر [بدنی] بدهید. پس اگر توبه کنند و روی به اصلاح آورند آنگاه از آنها اعراض کنید. یقیناً خدا پذیرنده توبه و بارها رحم

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ ١٥

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَقَّهِنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ١٦

وَالَّذِينَ يَأْتِيَنَّهَا مِنْكُمْ فَادْوُهُمَا فَإِنَّ تَابَا وَاصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ١٧

++ آیت ١٦ - کلمات "خدا برایشان راهی آن دگر قرار دهد" را دو مفهوم توان باشد یکی اینکه شوهرش پیشتر درگذرد و زوجه آزاد شود و دومین اینکه شوهرش وی را طلاق دهد تا با مردی دیگر عقد ازدواج بندد.

کننده است (١٧)

یقیناً بر خدا فقط توبه آنها قبول  
کردن است که فحشائی را به  
حماقت [خود] ارتکاب کنند و از آن  
پس بزودی توبه کنند پس آنانند  
که خدا توبه قبول کرده بر آنان  
تمایل شود و خدا مدام دانای  
صاحب بسیار حکمت است (١٨)

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ  
السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ  
فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ<sup>١٧</sup> وَكَانَ اللَّهُ  
عَلِيمًا حَكِيمًا<sup>١٨</sup>

++ آیات ١٦-١٧: این آیات را تعلق به جنسی بی راهی است آنچه را امروزها گه  
مومننت میگویند یعنی مرد با مرد و زن با زن بی حیائی را ارتکاب کند. برای زنان  
چهارگواه لازم اند ولی برای مردان لازم نیستند. این برای عصمت زنان از تهمت بیجا  
نگهداری است. این فرمان که بیرون رفتن اینچنین زنان را بازدارید این معنای  
ندارد که آنانرا در خانه محبس کنید بلکه مفهومش اینست که نگذارید که آنها بلا  
اجازت تنها از خانه بیرون روند و موجب گسترش این بی حیائی شوند.  
اینجا سوال برمیآید که این جلوگیری چرا برای مردان الزامی نیست. بدیهی است  
که قرآن کریم مردان را برای اداره کردن مخارج و سایر نیازهای زندگی خانواده  
مسؤل میگرداند و اگر آنان در منازل بازداشته شوند دیگر زندگانی روزانه خانواده  
به دشواری روبرو میشود. لذا بجای نگهداری در منازل فرمان شد که آنان کیفر  
بدنی داده شوند و این کیفر مشروط به مشتاد یا صد شلاق نیست بلکه این کیفر بر  
حسب حالات است. در حالیکه اگر احتیاطی فوق بکار گرفته شود نیازی به کیفری باقی  
نیگذازد. اگر کیفر بدنی به زنان جایز بود پس در زندگی حضرت رسول الله صلی الله  
علیه وسلم حتی يك مثل باید صورت عمل میگرفت حالانکه بعضی از زوجات آنحضرت  
گاهی موجب ناراحتی ایشان هم شدند که قرآن در این مورد ذکر کرده است.

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ  
السَّيِّئَاتِ ۚ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ  
الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْإِثْمَ وَلَا الَّذِينَ  
يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ ۗ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا  
لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١١﴾

و نیست توبه آنها که بفحشائی  
عمل می کنند تا آن انتها که هرگاه  
بکسی از آنها فوت فرارسد گوید  
یقیناً اکنون من توبه میکنم و  
نیست [توبه] آنها که بپیرند حالانکه  
آنها کافرانند. همانند که برای آنها  
عذابی دردناک مهیا کرده ایم (۱۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا  
النِّسَاءَ كَرْهًا ۖ وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا  
بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ  
بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ  
فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا  
شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿٢٠﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید شما  
را حلال نیست که میراث زنان  
را به اجبار ببرید و بر آنها تنگ  
نگیرید تا از آنچه به آنها داده باشید  
بکمی ببرید مگر اینکه فحشائی  
آشکارا بیارند و با آنان به رفتار  
نیکوئی زندگی کنید. پس اگر شما  
را خوش ندارد آنگاه چه بسا چیزی  
را دوست ندارید و خدا در آن برکت  
فراوانی نهاده است (۲۰)

وَإِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ  
زَوْجٍ ۖ وَآتَيْتُمْ أَحَدَهُنَّ قِطْرًا فَلَا تَأْخُذُوا  
مِنْهُ شَيْئًا ۖ آتَاخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٢١﴾

و اگر میل کنید که زن را با زنی  
دیگر بدل کنید و به یکی از آنها  
پوست گاو پر از زروسیم [یعنی  
مالی فراوان] داده باشید باز هم

هیچ چیزی از او پس نگیرید.  
آیا آنرا با تهمت و گناهی آشکارا  
پس خواهم گرفت؟ (۲۱)

و از چه روی آنرا میگیرید با  
آنکه بعضی از شما بعضی [در خلوت]  
بهم رسیده اند و آنها از شما پیمانی  
محکم [وفاء] گرفته اند (۲۲)

و نکاح نکنید با آنها از زنان که  
پدران شما نکاح کرده باشند جز  
آنچه گذشته است. بلاشک این  
فحشائی بزرگ و نفرت انگیز و  
راهی بسیار زشت است (۲۳)

برایشما حرام کرده شدند مادران  
شما و دختران شما و خواهران شما  
و عمه های شما و خاله های شما و  
برادرزادگان شما و خواهرزادگان  
شما و مادران شما که بشما شیر  
دادند و خواهران رضاعی شما و  
مادران زنان شما و دختران که در  
کنار تربیت شما پرورش مییابند  
از آن زنان شما که با آنها نزدیکی

و كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ  
إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذَنَّ مِنْكُمْ مِيثَاقًا عَلِيمًا ﴿٢١﴾

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ  
إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۗ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً  
وَمَقْتًا ۗ وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٢٢﴾

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ  
وَأَخَوَاتُكُمْ وَعُمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ  
الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَوَأُمَّهَاتُ النِّسَاءِ  
الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعِ  
وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ الَّتِي فِي  
حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُمْ  
بِهِنَّ ۚ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا

کرده باشید. پس اگر با آنها نزدیکی  
 نکردید آنگاه هیچ گناهی بر شما  
 نیست، و همسران آن پسران شما  
 که از صلب شما اند و اینکه دو  
 خواهر را بهم در نکاح خود در آرید  
 جز آنچه گذشت. یقیناً خدا آمرزنده  
 بارها رحم کننده است (۲۴)

جُنَاحَ عَلَيْكُمْ<sup>٤</sup> وَحَلَائِلَ أَبْتَائِكُمُ  
 الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ<sup>٥</sup> وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ  
 الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ<sup>٦</sup> إِنَّ اللَّهَ كَانَ  
 غَفُورًا رَحِيمًا<sup>٧</sup>



و آنان از زنانیکه شوهر دارند [نیز بر شما حرامند] جز آنانکه دستهای راست شما مالک است. این بر شما فریضه خدا است و آنچه بغیر از آنست برای شما ملال گردانده شد اینک خواستگاری کنید با مالهای خود پارسیان و نه زناکاران. پس چنانچه از آنان کام دل بردید پس به آنان مهریه بفرض بپردازید و در این امر بر شما باکی نیست که پس از تعیین مهریه به [تغییر] آن رضای هم برسید. یقیناً خدا مدام دانای صاحب حکمت است (۲۵)

و اگر بکسی از شما توان نیست که با زنان مومنه آزاد عقد ازدواج ببندد آنگاه از آن کنیزکان مومنه خود که دست راست شما مالک شد [نکاح کند] و خدا به ایمان شما داناتراست. بعضی از شما از بعضی اند. پس با آنان نکاح کنید با اجازه مالکان ایشان و آنان را مهریه

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ۚ  
وَأُجْلٌ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۗ  
فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ  
أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ۗ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ  
فِيمَا تَرَصَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۗ  
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۲۵﴾

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ  
الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ  
أَيْمَانُكُمْ مِنْ قَتَايِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَاللَّهُ  
أَعْلَمُ بِأَيْمَانِكُمْ ۗ بَعْضُكُمْ مِنْ  
بَعْضٍ ۗ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ  
وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ  
مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مَخْذُوتٍ

أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصَيْتَ فَإِنْ أَتَيْتَ  
بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى  
الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ۗ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ  
الْعَنَتَ مِنْكُمْ ۗ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ  
لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٦﴾

ع

آنان بدستور بدمید [اگر] پاك -  
دامنان اند نه زناكاران و نه  
دوست گیرندگان مخفی. پس  
گامیکه عقد ازدواج بسته باشند  
بازاگر فحشائی آورند آنگاه کیفر  
آنان نسبت به زنان آزاد نصف  
است. این [رعایت] برای کسی از  
شما است که از گناه میترسد و  
صبر کردن شما در حق شما بهتر  
است و خدا آمرزگاری بارها  
رحم کننده است (۲۶)

خدا می خواهد برایشما به روشنی  
بیان کند و شمارا به راه آنان  
رهنمائی کند که پیش از شما  
بودند و اوتوبه قبول کرده بر شما  
برگردد و خدا صاحب علم دائمی  
صاحب حکمت است (۲۷)

و خدا می خواهد که توبه قبول  
کرده بر شما برگردد و آنانکه هوای  
نفسانی را دنبال میکنند دوست  
دارند که بر غبت کامل طرفدار

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذِينَ لَكُمْ وَيُهْدِيَكُمْ سُنَنَ  
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ ۗ  
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ  
الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهْوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا  
عَظِيمًا ﴿٢٨﴾

[آنها] بشوید (۲۸)

خدا میخواست که [بار را] از شما  
سبک کند و انسان ناتوان آفریده  
شد (۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید  
مالهای خود را میان خود بیاطل  
مورد طعمه قرار ندهید جز اینکه  
دادوستد برضای هم شما باشد و  
خود را [در اقتصاد] بهلاک نرسانید.  
یقیناً خدا در حق شما بارها رحم  
کننده است (۳۰)

و هر که اینکار تعدی کنان و ستم  
کنان انجام دهد پس بزودی او  
را به آتش افکنیم و این خدا را  
آسان است (۳۱)

اگر شما از گناهان سنگین که از  
آنها نهی میشوید دوری گزینید  
ما بدی های شما را از شما دور  
سازیم و شما را به مقام ارجمندی  
داخل نماییم (۳۲)

و به آن برتری که خدا بعضی

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ<sup>ج</sup> وَخُلِقَ  
الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا<sup>٥١</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُلُوا أَمْوَالَكُمْ  
بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً  
عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ<sup>٥٢</sup> وَلَا تَقْتُلُوا  
أَنْفُسَكُمْ<sup>٥٣</sup> إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا<sup>٥٤</sup>

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ  
نُصَلِّيهِ نَارًا<sup>٥٥</sup> وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا<sup>٥٦</sup>

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ  
عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا  
كَرِيمًا<sup>٥٧</sup>

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى

بَعْضٍ<sup>ط</sup> لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا<sup>ط</sup>  
 وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ<sup>ط</sup> وَسَلُوا  
 اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ<sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ  
 عَلِيمًا ﴿۳۳﴾

از شمارا بر بعضی داده است حرص  
 نخورید مردان را سهمیه است  
 از آنچه آنها کسب کنند و زنان را  
 سهمیه است از آنچه آنها کسب  
 کنند و از خدا فضل او را طلب  
 کنید. یقیناً خدا بهر چیز مدام دانا  
 است (۳۳)

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدِينَ  
 وَالْأَقْرَبُونَ<sup>ط</sup> وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ  
 فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ<sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ  
 شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿۳۴﴾

ووالدین و خویشان هر چه به ارث  
 گذارند برای هر کدام میراثدار  
 قرار داده ایم و با آنانکه پیمان  
 موثق خود بسته اید به آنها هم  
 سهمیه آنان بدهید. یقیناً خدا بر  
 هر چیز گواه است (۳۴)

ع ۴

الرِّجَالِ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ  
 اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ  
 أَمْوَالِهِمْ<sup>ط</sup> فَالضَّالِحَاتُ قُنَّتُمْ  
 حَفِظْتُمْ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ<sup>ط</sup>  
 وَالَّتِي تَخَافُونَ نُسُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ  
 وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ<sup>ط</sup>

مردان بر زنان سرپرستند بدانچه  
 رجحان که خدا بعضی از آنان را  
 بر بعضی در داده است و بدانعلت  
 که از مالهای خود [بر زنان] هزینه  
 میکنند پس زنان شایسته کار  
 فرمانبردار و در نهان هم نگه  
 دارند به آنچه‌ها اند که خدا  
 نگه داشت [آنها فرمان] کرد و آن

فَإِنْ أَطَعْتُمْ كُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا  
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿۳۵﴾

زنان که از سرکشی آنها میترسید  
[مقدمًا] به آنها اندرز دهید باز  
آنها را در خوابگاهها تنها بگذارید  
و آنها را [بالضرورت] کیفر بدنی  
بدهید. پس اگر از شما تمکین کنند  
باز برخلاف آنها راه [تجاوزگری]  
تلاش نکنید. یقیناً خدا بسیار بلند  
بسیار بزرگست (۳۵)

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا  
مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ  
يُرِيدَا إِصْلَاحًا تُوَفَّقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنْ  
اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿۳۶﴾

و اگر شما میان آندو ترس نفاق  
دارید آنگاه داوری از خانواده  
آنمرد و داوری از خانواده آن زن  
تعیین کنید. اگر آندو وفق را دوست  
دارند یقیناً خدا میان آندو وفق  
خواهد داد یقیناً خدا صاحب علم  
دائمی خوب آگاه است (۳۶)

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا  
وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ  
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ  
وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ  
وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

و خدا را عبادت کنید و چیزی  
را با او شریک قرار ندهید و  
احسان کنید به والدین و خویشان  
و یتیمان و همسایه خویشی و  
همسایه بیگانه و همدمان و راه  
گذران و آنها که در ملک دستهای

راست شما اند و قطعاً خدا دوست ندارد آنکه خود بسند و فراخنده است (۳۷)

[یعنی] آنانکه بخل میورزند و مردم را ببخل امر میکنند و کتمان میکنند آنچه خدا بفضل خود آنها را داده است و برای کافران عذابی خوار کننده آماده کرده ایم (۳۸)

و آنانکه مالهای خود را بریاء مردم انفاق میکنند و برخدا ایمان ندارند و نه بر روز آخرت و آنکه شیطان او را همدمی است پس چه زشت همدمی است (۳۹)

و برایشان چه مشکلی بود اگر به خدا و به روز آخرت ایمان می آوردند و انفاق میکردند از آنچه خدا به آنان اعطا کرده است و خدابه آنان خوب آگاه است (۴۰)

یقیناً خدا باندازه ذره هم ستم نکند و اگر نیکوکاری باشد آنرا

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ مُحْتَالًا فَخُورًا ﴿٣٧﴾

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿٣٨﴾

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿٣٩﴾

وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۚ وَإِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضْعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ

أَجْرًا عَظِيمًا ①

میفزاید و از نزد خود پاداشی

بزرگ اعطا میکند (۴۱)

پس چطور شود حال چون از هر کدام امت گواه ای آوریم و تو را بر همه آنها گواه آوریم (۴۲)

آنروز کسانی که کفر کردند و به رسول نافرمانی کردند بخواهند کاشکی [دفن شده] خاک بر آنها یکسان کرده میشد و هیچ سخن را از خدا کتمان نتوانند کنند (۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید بنماز نزدیک نشوید درحالی که درحواس نباشید تا آنگاه که بدانید آنچه میگویید و نه در حالت جنابت مگر اینکه رمگذر اید. تا آنگاه که غسل کنید و اگر شما بیمارید یا برسفرید یا کسی از شما از جای قضای حاجت آمد یا با زنان نزدیکی کردید و آب درنیابید آنگاه بخاک پاکیزه تیمم کنید. پس بر صورتهای خود

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ  
وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ①

ع  
ا

يَوْمَئِذٍ يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا  
الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ  
وَلَا يَكْفُرُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ②

ع  
۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ  
وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ  
وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ  
تَغْتَسِلُوا ③ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ  
سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ  
لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا  
صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ  
وَأَيْدِيكُمْ ④ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا ⑤

و بردستهای خود مسح کنید. یقیناً  
خدا بسیار عفوکننده ی آمرزنده  
است (۴۴)

آیا بحال آنها نگریستی که بخشی  
از کتاب داده شدند گمراهی را  
میخرفند و دوستدارند که شما از  
راه بی راه شوید (۴۵)  
و خدا دشمنان شما را زیاده تر  
میداند و خدا بس است برای  
دوستی کردن و خدا بس است  
برای مدد کردن (۴۶)

کسانی از آنها که بهبودند بعضی  
کلمات را از جای خود تغییر میدهند  
و میگویند ما شنیدیم و نافرمانی  
کردیم و بشنو درحالیکه هیچ  
شنوانشوی و "راعنا" زبانهای خود  
را برتابیده و در دین طعنه زده و  
اگر آنان میگفتند شنیدیم و اطاعت  
کردیم و گوش فرما و بر مانگاه  
بفرما مسلماً برایشان نیکتر و  
برقرارتر میبود و اما خدا

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ  
الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ  
أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ ۝  
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ  
وَلِيًّا ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا ۝

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن  
مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا  
وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا  
بِالْبَيْتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ ۗ وَلَوْ أَنَّهُمْ  
قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَانظُرْنَا  
لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمًا ۗ وَلَكِن لَّعَنَهُمُ  
اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝



بسبب کفرشان به آنها لعنت کرد  
پس قطعاً آنها ایمان نیاورند جز  
چندی (۴۷)

ای کسانی که کتاب داده شدید  
ایمان آرید به آنچه نازل کرده  
ایم تصدیق کننده آنکه در دست  
شماست پیش از آنکه بعضی  
چهرها را داغدار سازیم و آنها  
را برپشتهای خود بازگردانیم یا  
لعنشان کنیم بطوریکه براصحاب  
سبت لعنت کرده بودیم و امر  
خدا حتمی الوقوع است (۴۸)

یقیناً خدا نیا مرزده که به او شریکی  
قرار داده شود و بغیر از این  
بیامرزد برای آنکه بخواهد و آنکه  
با خدا شریک قرار دهد پس یقیناً  
گناهی بزرگ بر یافته است (۴۹)

آیا بحال آنها ننگریستی که خود  
را پاک قرار میدهند؟ بلکه خدا  
مر که را خواهد پاک مینماید و  
آنها به اندازه رشته میان هسته هم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا  
مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ  
وُجُوهًا فَتَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا  
أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ ۗ  
وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۝۴۸

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا  
دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ  
فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ۝۴۹

الْمُتَرَاتِلِ إِلَى الَّذِينَ يَزُكُّونَ أَنفُسَهُمْ ۗ بَلِ  
اللَّهُ يَزِيغُ مَنْ يَشَاءُ وَلَا يَطْلُمُونَ فَتِيلًا ۝

ستم کرده نه خواهند شد(۵۰)

ببین چطور برخدا دروغ بر  
میافند و این بس است گناهی  
نمایان(۵۱)

آیابحال آنهانگریستی که بخشی  
ازکتاب داده شدندباینهمه بربتان  
وشیطانهایمان میآورند و درباره  
آنهاکه کفرکردندمیگویندکه اینها  
ازآنان که ایمان آوردند ازروی  
مسلك راستتراند(۵۲)

همانهاند که خدا لعنشان کرد و  
آنکه را خدالعنت کرد پس هرگز  
برای اوکسی رایاورنیابی(۵۳)  
آیا آنان را سهمی در پادشاهی  
است پس درآنصورت که بمردم  
باندازه نقیری هم ندمند(۵۴)

آیااحسدبرند مردم رابدانعلت که  
خدا بفضل خود آنهارا درداد.پس  
البته مابه آل ابراهیم هم کتاب و  
حکمت داده بودیم و ایشان را  
پادشاهی بزرگ اعطا کرده

أَنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ  
الْكَذِبَ ۗ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا ۝٥٠

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ  
الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ  
وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى  
مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ۝٥١

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ ۖ وَمَنْ يَلْعَنِ  
اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ۝٥٢

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا  
يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ۝٥٣

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ  
مِّنْ فَضْلِهِ ۗ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ  
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَهُمْ مِّمْلًا عَظِيمًا ۝٥٤

بودیم (۵۵)

پس از آنها بود آنکه به آن ایمان آورد و از آنها بود آنکه از آن روی گردانید و [این قبیل مردم را] جهنم سوزان بس است (۵۶)  
 همانا آنانکه به آیتهای ما انکار کردند حتماً آنها را به داخل آتش کنیم. هرگاه پوستشان سوخته شود پوستهای دیگر برایشان تبدیل کنیم تا عذاب را بچشند. یقیناً خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۵۷)

و کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند حتماً ایشان را وارد باغ های نمایم که در دامنه آنها نهرهای روان است و در آنها جاودانان اند. برایشان در آنها زوج های پاکیزه اند و ایشان را وارد سایه های آکنده نمایم (۵۸)  
 یقیناً خدا به شما دستور میدهد که امانات را بحقداران آنها بسپارید

فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ ۗ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿۵۶﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَإِلَّا يَتَسَوَّفُكَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا ۗ كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۵۷﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سُدَّ خَلْفَهُم جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۗ وَوَسُدَّ خَلْفَهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿۵۸﴾

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا ۗ وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ

و هنگامیکه میان مردم حکومت  
کنید بداد حکومت کنید. همانا چه  
پربرکت است آنچه خدا به شما  
نصیحت میکند. حتماً خدا بسیار  
شنوای بیناست (۵۹) ++

ای کسانی که ایمان آورده اید از  
خدا اطاعت کنید و از رسول  
اطاعت کنید و از صاحبان امر خود  
و اگر در امری [با صاحبان امر]  
اختلاف پیدا کنید پس آنرا به خدا  
و رسول برگردانید اگر شما به  
خدا و روز آخرت ایمان دارید.  
این بسیار خوب است و از جهت  
فرجام نیکوتر است (۶۰) ++

تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۱۱ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ  
بِهِ ۱۲ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۱۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا  
الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن  
تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ  
وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ ۱۴ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۱۵

الْمُتَرِّ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا

++ آیت ۵۹- اینجا مفهوم امانت حق رأی در انتخابات است که در نتیجه آن حق  
حکومت بدست میآید پس حق رأی امانتی است که باید برسد او را که حقدار  
آنست و این جمهوریت واقعی است و چون رأی آورده حکومت به دست آید باید  
دادگری بکار گرفته و از جانبداری حزبی خود داری شود. در جمهوریت دروغین  
امروزه با افراد حزب خویش انصاف میشود البته با حزب مخالف بیعدالتی روا  
پنداشته میشود.

برند که ایمان آورده اند بدانچه که برتو نازل کرده شد و آنچه که پیش از تو نازل کرده آمد؟ آنان دوستدارند که داوری را بسوی شیطان برند حالیکه فرمان شده بودند که او را انکار کنند و شیطان دوستدارد که آنها را در گمراهی دور گمراه سازد (۶۱)

و آنگاه که گفته شوند که بیاید به آنکه خدا نازل کرده و به رسول منافقان را بینی که دوری‌گزینند از تو دور (۶۲)

بس چسانست چون به آنها گزندی میرسد بعلت آنچه دستهای آنان پیش فرستاد آنگاه سوگند یاد کرده نزد تو می‌آیند که ما را جز احسان و اصلاح قصدی دیگر نبود (۶۳)

يَمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ  
يُرِيدُونَ أَنْ يُتَّخَمُوا إِلَى الصَّاغُوتِ  
وَقَدْ أَمَرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ  
الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦١﴾

وَإِذْ أَقْبَلَ لَهُمْ تَعَالَى إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ  
وَالَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنْفِقِينَ  
يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ﴿٦٢﴾

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا  
قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ  
بِاللَّهِ إِنَّ أَرْدَنَّا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٣﴾

آیت ۶۰ ص ۱۹۰# - کلمه منکم از آیت اولی الامر منکم را ترجمه کرده برخی علماء این استدلال میکنند که حاکم باید از خود مسلمانان باشد و حاکمی غیر مسلم را اطاعت لازم نیست. این عقیده اشتباهی است [ص ۱۹۲#]

مانند که خدا حال دل‌های آنانرا خوب میداند. پس از آنها اعراض کن و به آنها پند بده و به آنها سخنی بگو که در نفس‌های آنان رسنده باشد (۶۴)

و فرستادیم هیچ رسولی را مگر به اذن خدا اطاعت شود اگر نزد تو می‌آمدند گامیکه بر جانهای خود ستم کردند و از خدا آمرزش می‌خواستند و هم رسول برای آنان آمرزش می‌طلبیدحتماً خدا را پذیرنده توبه و بارها رحم کننده می‌یافتند (۶۵)

پس نخیر، سوگند به پروردگارتو ایمان [واقعی] نمی‌آرند تا آنگاه که

بقیه صفحه ۱۹۱- زیر آنها مسلمانان که در کشورهای غیر مسلم زیست میکنند یا هجرت کرده به چنین کشوری می‌روند زیر فرمان قوانین حکومت آن کشور زندگی میکنند.

دومین وقتی که حاکم مسلمان است با او چه اختلاف توان باشد که آن بسوی خدا و رسول فرستاده شود. اینجا منظور از خدا و رسول تعلیم قرآن است. پس حاکم خواه مسلمان است یا غیر از مسلمان اگر فرمان دهد که برخلاف تعلیم اساسی قرآن عمل کنید در آن صورت فرمانش را رد کرده پیروی از قرآن کردن است.

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ ۗ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ۝۱۶

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ۝۱۷

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ

تو را داور قرار ندهند در آنچه از هم  
ستیزه دارند و از آن پس درباره  
آنچه قضاوت کنی در دلهای خود  
تنگی نداشته باشند و کاملاً گردن  
نهند (۶۶)

و اگر ما بر آنان فرض کرده بودیم  
که نفسهای خود را بکشید و از  
منازل خود بیرون روید میچکس  
به آن عمل نمیکرد جز آنکه از آنها  
و اگر آنها عمل میکردند آنرا که  
به آن توصیه شدند حتماً برای آنان  
نیکو و پایداری برای ثبات قدمها  
میبود (۶۷)

و در آن صورت حتماً آنها را از نزد  
خود پاداشی بزرگ میدادیم (۶۸)  
و یقیناً آنها را براه راست هدایت  
میکردیم (۶۹)

و هر که از خدا و این رسول  
اطاعت کند پس ایشان با کسانی  
اند که خدا برایشان انعام کرد  
یعنی از انبیاء و صدیقان و شهیدان

حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٦﴾

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا  
أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا  
فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ ۗ وَلَوْ أَنَّهُمْ  
فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ  
وَآَسَدَتْ تُبَيِّنًا ﴿٦٧﴾

وَإِذْ آلَا تَيْنُهُمْ مِّنْ لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٨﴾

وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٦٩﴾

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ  
الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ  
وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ۗ

وَحَسَنٌ أَوْلَٰئِكَ رَفِيقًا ﴿٧٠﴾

و صالحان و ایشان بسیارخوب  
رفیقانند (۷۰) ++

ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ ۗ وَكَفٰى بِاللّٰهِ  
عٰلِمِۙمًا ﴿٧١﴾

این فضلی است از جانب خدا و  
خدا را بس دانشی است (۷۱)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا خُذُوْا حِذْرَكُمْ  
فَاَنْفِرُوْا ثُبٰتًا وَاَنْفِرُوْا جَمِيعًا ﴿٧٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید  
وسیله حفاظت خود را فراگیرید.  
باز خواه گروه گروه کوچ کنید  
یا در جمع کوچ کنید (۷۲)

وَ اِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئْنَ ۗ فَاِنْ

++ آیت ۷۰- در این آیت بسیار امور مورد توجه است- (۱) الرسول- ال بمعنى خاص  
و منظور آنحضرت ﷺ است یعنی این رسول خاص. (۲) اگر این رسول را پیروی  
کنید از جمله آنان شوید که انبیا، صدیقان، شهیدان و صالحان را شامل دارند و  
مفهوم اینست که از متابعت آنحضرت ﷺ نبی هم میتواند باشد یعنی آنکه از ایشان  
اطاعت کننده است (۳) علماء اصرار میورزند که معنی "مع" «همراه» است و «از»  
نیست و در تایید استدلال خود کلمات "حسن اولئك رفیقاً" را میآورند که "ایشان  
بهترین همراهان هستند" یعنی با انبیا میباشند و خود ایشان انبیا نیستند. این  
جمله نسبت به آنحضرت ﷺ گستاخ گوئی است زیرا در این صورت معنای این آیت  
اینست که آنانکه آنحضرت ﷺ را اطاعت کنند با انبیا میتوانند باشند ولی خود  
ایشان نبی نشوند و همینطور با صدیقان و صالحان و شهیدان میباشند و خود ایشان شامل  
این گروه نیستند در حالیکه "مع" در آیتهای دیگر مثلاً آل عمران ۱۹۴، النساء  
۱۴۷، الحجر ۲۲ بمعنای "من" آمده است. بعلاوه بعد از مع الذین انعم الله علیهم کلمه  
من النبیین است و این "من" بیانیه گفته میشود، که مفهوش "از ایشان" است.



تاخیر کند و اگر شمارا سختی  
رسد گوید، خدا بر من منت نهاد  
که با آنها بیننده [آن سختی]  
نشدم (۷۳)

و اگر بشما فاضلی از خدا رسد حتماً  
گوید گویی هیچ دوستی میان  
شما و میان او نبوده، ای کاش  
من با آنها بودم پس به پیروزی  
بزرگ موفق میشدم (۷۴)

پس حتماً در راه خدا آنان قتال  
کنند که زندگی دنیا را ببهائی  
آخرت میفروشند و آنکس که در  
راه خدا قتال کند بازگشته شود  
یا غلبه یابد پس [در هر صورت] او  
را پاداشی بزرگ دهیم (۷۵)

و چیست شمارا که قتال نکنید  
در راه خدا و برای آن مردان و  
زنان و کودکان که ناتوان کرده  
شدند، آنانکه گویند، پرورگارا! ما  
را ازین شهر که ساکنانش ستمکار  
اند بیرون بساز و برای ما از نزد

أَصَابَكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ  
عَلَيْنَا إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شُهَدَاءَ ﴿۷۳﴾

وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولُنَّ  
كَانَ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ  
يَلِيَّتِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿۷۴﴾

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ  
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ  
نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۷۵﴾

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ  
وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا  
مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا  
وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا

مِنْ لَّدُنْكَ نَصِيرًا ﴿٧٦﴾

خود سرپرستی قراربده و برای  
ما از محضر خود یاوری بگمار (۷۶)  
آنانکه ایمان آوردند در راه خدا  
قتال میکنند و آنانکه کفر کردند  
در راه شیطان قتال میکنند. پس  
شما دوستان شیطان را قتال کنید  
یقیناً نیرنگ شیطان ناتوان  
است (۷۷)

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ  
الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ  
كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٧﴾

ع  
٧

آیا بسوی آنان ننگریستی که به  
آنها گفته شد که دست بردارید و  
نماز بپای دارید و زکات دهید.  
پس هرگاه قتال بر آنها واجب  
کرده شد ناگهان گروهی از آنها  
میترسند از مردم مانند ترسیدن  
از خدا یا سختتر از آن ترس و  
گفتند: پروردگارا! چرا قتال بر ما  
فرض کردی؟ چرا نه مارا مدتی  
کوتاه سهل دادی. بگو بهره  
گیری دنیا خرد است و آخرت  
برای آنکس خیلی بهتر است که  
تقوی فراگرفت و به اندازه رشته

الْمَ تَرَى إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ  
وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كَتَبَ  
عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ  
النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً  
وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا  
أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ  
الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ  
وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٨﴾

میان هسته ستم نشوید (۷۸)

مرکجا باشید مرگ شمارا دریابد  
 ولو شما دربرجهای استوار باشید  
 واگر آنها را نعمت برسد میگویند  
 این از جانب خداست واگر به  
 آنها گزند برسد گویند [ای محمد]  
 این از نزد تو است. بگوهر چیز  
 از جانب خداست. پس این مردم  
 راجیست که به فراگرفتن سخن

نزدیک نمیشوند (۷۹)

هرچه نعمت به تو برسد از جانب  
 خداست و هرچه گزند بتو برسد  
 پس از نفس تو است وتورا رسولی  
 برای همه جهانها فرستاده ایم و

خدا بطور گواه بس است (۸۰)

هر که این رسول را پیروی کند  
 پس او خدا را پیروی میکند و  
 هر که روی برتابد پس ما تو را  
 بر آنها نگهبانی نفرستاده ایم (۸۱)  
 و میگویند <اطاعت>. اما هرگاه از  
 نزد تو بیرون روند عده از آنها

أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ  
 كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ ۖ وَإِنْ تُصِبْهُمْ  
 حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ  
 تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ ۖ  
 قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ  
 لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ۝

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ۖ وَمَا  
 أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ ۖ  
 وَأَرْسَلْنَا لِلنَّاسِ رَسُولًا ۖ وَكَفَى بِاللَّهِ  
 شَهِيدًا ۝

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ۗ وَمَنْ  
 تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۝

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَأُوا مِنْ  
 عِبَدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ

الَّذِي تَقُولُ<sup>ط</sup> وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ<sup>ج</sup>  
فَاعْرِضْ عَنْهُمْ<sup>ط</sup> وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ<sup>ط</sup>  
وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا<sup>۸۱</sup>

جز آنچه گفتی را مبحث قرار داده شب میگذارند و خدا مینوسد آنچه بیتوته کنند پس از آنها اعراض کن و بر خدا توکل کن و خدا بس کارساز است (۸۲)

پس آیا به قرآن تأمل نمیکنند که اگر جز خدا از جانب کسی دیگر بود یقیناً در آن بسیار اختلاف مییافتند (۸۳) ++

و مرگاه آنها را خبر از امن یا خوف برسد آنها پخش میکنند و اگر [بجای پخش کردن] آنها بعرض رسول یا صاحبان امر از خودشان میرساندند کسانی از آنها که میتوانند استدلال کنند یقیناً از حقیقت آگاه میشوند و اگر فضل خدا و رحمت او برشان بود حتماً

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ<sup>ط</sup> الْقُرْآنَ<sup>ط</sup> وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا<sup>۸۲</sup>

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ<sup>ط</sup> وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَ الَّذِينَ يَسْتَبِطُونَ<sup>ط</sup> مِنْهُمْ<sup>ط</sup> وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ الْإِقْلِيلًا<sup>۸۳</sup>

+ ایت ۸۴: این ایت بر صداقت قرآن دلیلی است که در این هیچ اختلافی نیست با آنکه بیست و سه سال بر نبی امی نازل میآمد و در این طول مدت حتی یکی درس خوانده هم میتواند خیلی از سخنان را فراموش کند پس يك نبی امی را چگونه ممکن بود که کتابی را از خود میساخت و آن مفایرت نداشته باشد.

از شیطان بیروی میگردید جز  
 کمی (۸۴)

پس قتال کن در راه خدا و تو  
 تکلیف کرده نمیشوی جز نفس  
 خود و مومنان را به قتال تشویق  
 کن. بعید نیست که خدا جنگ آنان  
 را جلو گیرد که کفر کردند و خدا  
 سختتر است در جنگ و سخت تر  
 است در عقوبت (۸۵)

هر که شفاعت نیکوی مینماید او  
 را از آن بهره است و هر که شفاعت  
 بدی نماید او را از آن بهره است  
 و خدا بر هر چیز نیر و منداست (۸۶)  
 و چون شمارا ارمغانی تقدیم کرده  
 شود شما نیکوتر از آن تقدیم کنید  
 یا لا اقل همانندی را بازگردانید.  
 یقیناً خدا بر هر چیز حساب گیرنده  
 است (۸۷) ++

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا  
 نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى  
 اللَّهُ أَنْ يَكْفِكَ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ  
 أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا ⑧۴

مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ  
 مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ  
 كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
 مُّقْتَدِبًا ⑧۵

وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ  
 مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ  
 شَيْءٍ حَسِيبًا ⑧۶

++ آیت ۸۷: تعلیم است که چون ارمغانی داده شود باید دهنده را بهتر از آن یا حد  
 اقل همانندش پس بدهید. مفهومش این نیست که همان ارمغان برگردانید یا کلائی  
 مادی بهتر از آن بدهید بلکه تعلیمی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم [صفحه ۲۰۰]

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ۝۸۸

خدا نیست هیچ معبودی جز او. حتماً شما را جمع کند بسوی روز قیامت که در آن شکی نیست و که راستتر از خدا در سخن است (۸۸)

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنِنَ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا ۗ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ۝۸۹

پس چیست شمارا که درباره منافقان دو گروه شده اید حالانکه خدا آنها را نگونسار ساخت بدانچه کسب کردند آیا می‌خواهید هدایت دهید آنکس را که خدا گمراه قرار داده است و هرکس را خدا گمراه قرار دهد پس هرگز برای او راهی نخواهی یافت (۸۹)

وَدُّوَالْوُتَكَفَرُونَ ۚ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً ۚ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ ۗ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ

دوستدارند کاشکی شما همانطور کفر کنید که آنها کفر کردند پس با هم یکسان شوید پس از آنها دوست نه گیرید تا آنگامکه در راه خدا مجرت کنند. پس اگر روی برتانبند پس آنها را بگیرید و آنها را بکشید هر جای

بنیة صفحه ۱۹۹ - با گفتن "جزاکم الله خيراً" بما دادند بهترین تحفه هاست اما برخی از مردم اینرا حيله برای پنهان داشتن حرص خود قرار میدهند. ایشان ارمغان میگیرند اما متناوباً فقط جزاکم الله گفتن را بس میدانند.

وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۱۰﴾

آنها را دریابید و نگیرید از آنها

دوستی و نه یاریگر (۹۰)

مگر کسانی که بقومی مربوط اند که میان شما و میان آنها میثاقی است یا آنها نزد شما می آیند که سینه های ایشان [ازین جهت] احساس تنگی کند که شمارا جنگ کنند یا قوم خود را جنگ کنند و خدا اگر دوست داشت آنها را بر شما مسلط میکرد آنگاه حتماً بشما قتال میکردند. پس اگر از شما کناره گیری کنند و بشما قتال نه کنند و دست آشتی به سوی شما دراز نمایند آنگاه خدا برای شما برخلاف آنها هیچ جوازی قرار نداده است (۹۱)

کسانی دیگر را خواهی یافت که میخواهند که هم از شما این باشند و هم از قوم خود این باشند. هرگاه بسوی فتنه گری برگردانده شوند در آن واژگون کرده شوند.

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ  
وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصْرَتٌ  
صُدُّوهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَقَاتِلُوا  
قَوْمَهُمْ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ  
عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ ۚ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ  
فَلَمْ يَقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَالِ إِلَيْكُمْ السَّلَامُ ۗ  
فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿۱۰﴾

سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ  
يَأْمَنُوا بِكُمْ وَيَأْمَنُوا بِقَوْمِهِمْ ۗ كَلَّمَا رَدُّوْا  
إِلَى الْفِتْنَةِ أَرْكَسُوا فِيهَا ۚ فَإِن لَّمْ  
يَعْتَزِلُوكُمْ وَيَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ

پس اگر از شما کناره گیری نکنند و دست آشتی بسوی شما دراز نه کنند و دستهای خود را باز ندارند پس آنها را بگیرید و آنها را بکشید هر جا آنها را یافتید. همانند که بر علیه آنها ما شما را حجتی روشن اعطا کرده ایم (۹۲)

و شاید مومنی را که مومنی را بکشد مگر بخطا و هر که مومنی را به خطا بکشد آنگاه بنده ای مومن را آزاد کردن و خون بهاء مقرر شده [به رضای هم] به وارثان او ادا کردن است جز اینکه آنها عفو نمایند و اگر او [مقتول] از قومی دشمن شما باشد و مومن است باز هم يك بنده مومن را آزاد کردن است و اگر او از قومی است که میان شما و میان آنها میثاقی است آنگاه خون بهاء مقرر شده [به رضای هم] به وارثان او پرداختن و بنده ای مومن را

وَيَكْفُوا أَيَدِيَهُمْ فَاخْذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ  
حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ ۗ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا  
لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا مَّبِيْنًا ﴿٩٢﴾

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَتَّقِلَ مَوْمِنًا إِلَّا  
خَطَاً ۗ وَمَنْ قَتَلَ مَوْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ  
رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا  
إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا ۗ فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ  
عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مَوْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ  
مُؤْمِنَةٍ ۗ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ  
وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا  
وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۚ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ  
فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ  
اللَّهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٣﴾



آزاد کردن است و آنکه را این  
توان نیست آنگاه دو ماه متوالی  
روزه گرفتن است. این توبه از  
خدا [بفرض] است و خدا دانائی  
صاحب حکمت است (۹۲)

و آنکه مومنی را بعد بکشد پس  
پاداش او جهنم است. او در آن مدت  
دراز میماند و خدا بر او خشناک  
شد و او را لعنت کرد و برایش  
عذابی بزرگ مهیا کرده است (۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید  
وقتی در راه خدا مسافرت کنید  
آنگاه دقت کنید و آنکس را که به  
شما سلام کند، نگویید که تو مومن  
نیستی. شما خواهان مالهای دنیا  
هستید پس نزد خدا غنایمی فراوان  
است. شما ازین پیش همین طور  
بودید. پس خدا بر شما منت نهاد.  
پس [خوب] رسیدگی کنید یقیناً خدا  
آگاه است بدانچه عمل کنید

(۹۵) ++ حاشیه ص: ۲۰۴

وَمَنْ يُقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًا أَوْهُ  
جَهَنَّمَ خُلِدًا فِيهَا وَعَظِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿۹۳﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَى  
إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ  
عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ  
كَثِيرَةٌ ۗ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ  
اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا  
تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۹۴﴾

لَا يَسْتَوِي الْقَعْدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ  
غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ<sup>ط</sup> فَضَّلَ  
اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ  
عَلَى الْقَعْدِينَ دَرَجَةً<sup>ط</sup> وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ  
الْحُسْنَى<sup>ط</sup> وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى  
الْقَعْدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا<sup>١٦</sup>

خانه نشینان از مومنان بلا داشتن  
گزند و جهادکنندگان با مالهای خود  
و جانهای خود در راه خدایکسان  
نیستند. خدا جهادکنندگان با مال  
های خود و جان های خود را بر خانه  
نشینان رتبه نمایان اعطا کرده  
است حالانکه خدابه هرکس وعده  
نیکوئی داده است و خدا مجاهدین  
را بر خانه نشینان فضیلت پاداشی  
معظم داده است (۹۶)

دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً<sup>ط</sup> وَكَانَ اللَّهُ  
غَفُورًا رَحِيمًا<sup>١٧</sup>

[این] از جانب او مراتب و آمرزش  
و رحمت است و خدا آمرزگاری  
بارها رحم کننده است (۹۷)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ  
أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ<sup>ط</sup> قَالُوا كُنَّا  
مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ<sup>ط</sup> قَالُوا أَلَمْ

یقیناً آنانکه فرشتگان آنها را وفات  
دمند که بر جانهای خود ستم رانند  
[فرشتگان به آنها] گویند: شما در  
چه حال بودید؟ پاسخ دهند: ما که

++ ایت ۹۵: از این آیت پیدا است که هرکدام را که راه میرود دشمن پنداشته تشدد  
کردن مجاز نیست. برای شناختن کسی فقط سلام گفتنش به شما بس است. اما شکفت  
انگیز است که در این زمان دگرگونیها علمای کجروانان از گفتن سلام سختی  
میکنند.

تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا<sup>ط</sup>  
فَأُولَئِكَ مَا أُولِيهِمْ جَهَنَّمُ<sup>ط</sup> وَسَاءَتْ  
مَصِيرًا<sup>ل</sup>

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ  
وَالْوُلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا  
يَهْتَدُونَ سَبِيلًا<sup>ل</sup>

فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ<sup>ط</sup>  
وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا<sup>ل</sup>

وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ  
مُرْغَمًا كَثِيرًا أَوْ سَعَةً<sup>ط</sup> وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ  
بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ  
يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ<sup>ط</sup>  
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا<sup>ل</sup>

ع  
۱۱

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ

میهن ناتوان ساخته شده بودیم.  
[ملائک] گویند: آیا زمین خدا فراخ  
نبود تا در آن هجرت میکردید؟ پس  
مانهاند که مأوی آنها جهنم است  
و چه زشت جای گامی است (۹۸)

جز آن مردان و زنان و کودکان  
ناتوان ساخته که نه هیچ حيله  
ای را در اختیار داشتند و نه  
راهی [نجات را] میآفتند (۹۹)

پس آنانند که بعید نیست که خدا  
از ایشان عفو نماید و خدا بسیار  
عفوکننده ی آمرزنده است (۱۰۰)  
و هر که در راه خدا مهاجرت کند در  
زمین فرصتهای بسیار برای خوار  
ساختن [دشمن] و فراخی بیابد و آنکه  
از خانه خود بسوی خدا و رسول  
مهاجرت کنان بیرون رود پس  
[در این حال] مرگ به او فرارسد پس  
اجرش بر خدا است و خدا آمرزنده  
ی بارها رحم کننده است (۱۰۱)

و هرگاه در زمین سفر [جهاد] کنید

پس شما را باکی نیست که نماز را کوتاه کنید اگر بیدارید که آنانکه کفر کردند شما را دچار آزمایش سازند. یقیناً کافران شما را دشمنی آشکار اند (۱۰۲)

و هنگامیکه تومیان آنان باشی و برای ایشان بیش نمازی کنی آن گاه باید گروهی از آنها با تو بیايستند و باید سلاح خود را دم دست بدارند و هنگامیکه سجده کردند پس باید پشت سر شما بروند و گروهی دیگر که نماز نخوانده اند بیایند و با تو نماز بخوانند و باید اسلحه خود و وسایل دفاع خود را بگیرند. آنانکه کفر کردند دوستدارند که شما از اسلحه خود و بار و اسباب خود غافل بشوید تا آنها یکباره بر شما بتازند، و بر شما باکی نیست که اگر شما را از باران مشکلی است یا مریض آید که اسلحه را بنهید و احتیاط

عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ ۚ  
إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ  
إِنَّ الْكُفْرِينَ كَانُوا أَعْدَاؤَ أُمَّيْنًا ﴿١٠٢﴾

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ  
فَلْتَقُمْ طَائِفَةً مِنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا  
أَسْلِحَتَهُمْ ۗ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ  
وَرَاءِكُمْ ۖ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ  
يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا  
حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا  
لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ  
فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا  
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ  
مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا  
أَسْلِحَتَكُمْ ۗ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ  
أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٠٣﴾

لازم را درپیش گیرید. البته خدا  
برای کافران عذابی خوار کننده  
آماده کرده است (۱۰۳)

و هنگامیکه نماز بپایان بردید  
پس خدا را ایستادگان و نشنگان  
و بر پهلوهای خود یاد کنید و هر  
گاه آسوده خاطر شدید پس نماز  
رابپای دارید. یقیناً نماز برای  
مومنان طبق وقت مقرر واجب  
است (۱۰۴)

و در تمقیب قومی [مخالف] سست  
نه شوید. اگر شمارنج میکشید پس  
یقیناً آنها هم رنج میکشند بطوری  
که شمارنج میکشید حالیکه شما از  
خدا امید دارید به آنچه آنها امید  
ندارند و خدا صاحب علم دائمی  
صاحب حکمت است (۱۰۵)

یقیناً ما کتاب را بسوی تو بحق  
نازل کردیم تا بین مردم طبق آن  
فیصل دمی که خدا به تو نمایانده  
است و در حق خیانت کاران

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا  
وَقُوعُودًا وَ عَلَىٰ جُوبِكُمْ ۚ فَإِذَا  
أَضْمَأْتُمْ فَأَقِمْو الصَّلَاةَ ۚ إِنَّ الصَّلَاةَ  
كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّقُوتًا ﴿۱۰۳﴾

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ ۗ إِن تَكُونُوا  
تَأْمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْمُونَ كَمَا تَأْمُونَ ۚ  
وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ۗ وَكَانَ  
اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۰۴﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ  
بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَبَكَ اللَّهُ ۗ وَلَا تَكُنْ  
لِلْخَافِينَ خَصِيمًا ﴿۱۰۵﴾

ستیزه کننده ای مباش (۱۰۶)

و از خدا آمرزش بخواه یقیناً خدا  
بسیار آمرزنده ی بارها رحمنکننده  
است (۱۰۷)

و جدال نکن از آنها که به جانهای  
خود خیانت کرده اند. یقیناً خدا  
دوست ندارد آنرا که خیانتکاری  
گنهار است (۱۰۸)

آنها از مردم پنهان میشوند ولی  
از خدا نتوانند پنهان شوند و او  
با آنها است چون آن گفتگو کرده  
شب بسر برند که او را خوش  
ندارد و خدا احاطه کننده آن است  
که عمل میکنند (۱۰۹)

اینک شما آن کسانی که در زندگی  
دنیا از جهت آنهاستیزه کنید پس  
[بگویید] چه کس در روز قیامت  
از جهت آنها با خدا مجادله کند؟ یا  
چه کس حامی آنان شود؟ (۱۱۰)  
و هر که زشتکاری کند یا برجان  
خودستم راند سپس از خدا آمرزش

وَاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ ۗ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا  
رَّحِيمًا ﴿۱۰۶﴾

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ ۗ  
إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿۱۰۷﴾

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ  
مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا  
يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا  
يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿۱۰۸﴾

هَآنَتُمْ هُوَآءَ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيٰوةِ  
الدُّنْيَا ۗ فَمَنْ يُجَادِلِ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ  
الْقِيٰمَةِ أَمْ مِّنْ يَّكُونُ عَلَيْهِمْ وَكَيْلًا ﴿۱۰۹﴾

وَمَن يَّعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ  
يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿۱۱۰﴾

بخواهد خدا را آمرزنده بارها رحم

کننده مییابد (۱۱۱).

و هر که گناه کسب کند پس آنرا

فقط برخلاف جان خود کسب کند

و خدا صاحب علم دائمی صاحب

حکمت است (۱۱۲)

و هر که خطا کند یا گناه سپس برای

آن بربیگنای تهمت ز ندیس یقیناً

او تهمتی بزرگ و گنای آشکار

بدوش گرفته است (۱۱۳)

و اگر نبود بر توفضل خدا و رحمت

او محتماً گروهی از آنها قصد داشتند

که ترا گمراه سازند حالانکه جز

خودشان کسی را گمراه ن سازند و

نتوانند هیچ گزندی بتو برسانند

و خدا بر تو کتاب و حکمت نازل کرد

و به تو آموخت آنچه نمیدانستی و

خدا را بر توفضلی بزرگست (۱۱۴)

دربسیاری از مشورت های مخفی

آنها جنبه نیکی نیست مگر اینکه

کسی به صدقه یا نیکی امر کند

وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى  
نَفْسِهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۱۲﴾

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ  
بَرِيئًا فَقَدْ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿۱۱۳﴾

ع ۱۱۳

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ  
طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُّضِلُّوكَ ۗ وَمَا  
يُّضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ  
مِنْ شَيْءٍ ۗ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ  
وَالحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ ۗ  
وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿۱۱۴﴾

ع ۱۱۴

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ  
أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ

بَيْنَ النَّاسِ <sup>ط</sup> وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ  
مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٥﴾

یامیان مردم سازگاری دهد و هر  
که این را به خوش نودی خدا  
آرزو کرده انجام دهد پس حتماً او  
را پاداشی بزرگ دهیم (۱۱۵)

وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ  
الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ  
نُؤَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ <sup>ط</sup> وَسَاءَتْ  
مَصِيرًا ﴿١١٦﴾

و هر که بمخالفت رسول برخیزد  
پس از آنکه هدایت بر او روشن  
شد و غیر از راه مومنان را دنبال  
کند ما او را بهمان جهت برگردانیم  
که او برگشته است و او را به  
داخل جهنم نمایم و آن چه زشت  
جایگاه است (۱۱۶)

۱۱۶

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا  
دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ <sup>ط</sup> وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ  
فَقَدْ ضَلَّ ضَلًّا بَعِيدًا ﴿١١٧﴾

قطعاً خدا نمیآمرزد که با او شریکی  
قرارداده شود و آنچه بغیر از آن  
است برای هر که خواهد میآمرزد  
و هر که به خدا شریک قرار دهد  
پس یقیناً او در نهایت ضلالت گم  
گشته است (۱۱۷)

إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنثَاءً وَإِنْ  
يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ﴿١١٨﴾

آنها نمیخوانند بغیر از او مگر  
[بتان] مادگان را و نمیخوانند جز  
شیطانی سرکش را (۱۱۸)

لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَا تَخِدَّنْ مِنْ عِبَادِكَ <sup>ط</sup>



نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿١١٩﴾

گفت: یقیناً من از بندگان تو سهمی

معین خواهم گرفت (۱۱۹)

وحتماً آنها را گمراه سازم و آنها را به امیدهای بیفکنم وحتماً آنها را فرمان دمم آنگاه برگوش های چهار پایان جراحی رسانند و حتماً آنها را فرمان دمم آنگاه آفرینش خدا را تغییر دهند و مرکه جز خدا شیطان را دوست گرفت پس یقیناً او به زیانی آشکارا دچار گردد (۱۲۰) ++

وَلَا ضَلَّئَهُمْ وَلَا مَیْنَهُمْ وَلَا مَرْتَبَهُمْ  
فَلِیَبِیْتُكُنَّ اذَانَ الْاِنْعَامِ وَلَا مَرْتَبَهُمْ  
فَلِیَعْرِیْنَ خَلْقَ اللّٰهِ وَمَنْ یَّتَّخِذِ  
الشَّیْطٰنَ وَلِیًّا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ  
خُسْرًا مُّبِیْنًا ﴿١٢٠﴾

او آنها را وعده های دمد و آنها را به آرزوهای بیافکنند و شیطان آنها

یَعِدُّهُمْ وَيَمِیْنُهُمْ وَمَا یَعِدُّهُمْ  
الشَّیْطٰنُ الْاٰغْرُوْرًا ﴿١٢٠﴾

++ آیت ۱۲۰- این آیه حاکی از يك پیشگویی بزرگست که در زمانی "Genetic

Engineering [علم تکوین] ایجاد خواهد شد یعنی دانش پژوهان تلاش کنند تا آفرینش خدا را تغییر دهند بطوریکه امروز میشود. چون اینکار با امر شیطان صورت عملگیرد لذا آنان زیانکاران بزرگ گفته شدند و کیفر آنان جهنم بیان شد. در مورد ایجادات همین يك پیشگویی جنبه اخطار را همراه دارد. قرآن مجید پراز کثیر پیشگویی هاست اما نسبت به هیچکدام جنبه اخطار ذکر نشده. پس جینیتک انجییرنگ به همان اندازه جایز است تا برای حفاظت آفرینش خدا بکار گرفته شود و اگر برای تبدیلی آفرینش بکار رود به زیان بزرگی توان منجر شد. گروه بزرگی از دانش پژوهان نیز استفاده از جینیتک انجییرنگ را برای تبدیلی آفرینش خدا مخالفت میکنند.

را جز فریب هیچ وعده ی نمی

دهد (۱۲۱)

مانند که مأوی آنان جهنم است

و از آن گریز گاهی نیابند (۱۲۲)

و آنانکه ایمان آوردند و شایسته

کاریها کردند حتماً آنها را بداخل

باغهای نوائیم که در دامنه آنها

نهرهای روان است. آنان در آنها

جاویدانند. این وعده راست خدا

است و چه کس راست تر از خدا

در قول است (۱۲۳)

[فیصل] نه به آرزوهای شما باشد

و نه به آرزوهای اهل کتاب. هر که

زشتکاری کند او به آن پاداش داده

شود و جز خدا کسی را یارویاور

نخواهد یافت (۱۲۴)

و هر که از مردان و زنان شایسته

کاریها کند و او مومن است پس

مانند که بداخل بهشت کرده

شوند و به اندازه نقیری هم ستم

نشوند (۱۲۵)

أُولَئِكَ مَا أُوْبَهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَلَا يَجِدُونَ

عَنْهَا مَحِيصًا ﴿۱۲۱﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ وَعْدَ اللَّهِ

حَقًّا ۖ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿۱۲۲﴾

لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ

الْكِتَابِ ۗ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ ۖ وَلَا

يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۱۲۳﴾

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ

أُنْثَىٰ ۖ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ

الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿۱۲۴﴾

وَمَنْ أَحْسَنَ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ  
وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا  
وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ﴿۱۳۶﴾

و کیست نیکوتر از آنکس در دین  
که روی خود را تماماً بسوی خدا  
بیآرد و احسان کننده باشد و از  
پی دین ابراهیم حنیف برود و  
خدا ابراهیم را دوست گرفته  
بود (۱۲۶)

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ  
وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا ﴿۱۳۷﴾

و هر چه در آسمانهاست و هر چه در  
زمین است از آن خدا است و خدا  
هر چیز را فرا گرفته است (۱۲۷)

۱۳۷

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ ۗ قُلِ اللَّهُ  
يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ ۗ وَمَا يُثَلِّي عَلَيْكُمْ فِي  
الْكِتَابِ فِي يَتِمَى النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْتُوهُنَّ  
مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ  
وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ ۗ وَأَنْ  
تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا  
مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿۱۳۸﴾

و جهت زنان از توفتوی میپرسند.  
بگو خدا جهت آنان شمارا فتوی  
میدهد و [متوجه سازد به] آنچه در  
کتاب جهت آن زنان یتیم بر شما  
خوانده شده که شما آنها را نمیدید  
آنچه در حق آنان فرض است با آن  
که دوستدارید بدیشان نکاح کنید  
و بخاطر مستضعفان از کودکان  
نیز [خدا فتوی میدهد] و [تاکید می  
کند] که برای یتیمان با عدالتندی  
بپاخیزید و هر چه نیکوکاری انجام  
دهید پس یقیناً خدا به آن خوب

آگاه است(۱۲۸)

و اگر زنی از شوهرش بیم ناسازگاری یا عدم توجه ای را دارد پس بر آندو باکی نیست که بهم اصلاح نموده میان خود صلح دهند و صلح [بهر حال] بهتر است و بخل در نفسها بودیعت نهاده شده است و اگر احسان کنید و تقوی رابیش بگیرید پس حتماً خدا آگاه است به آنچه عمل کنید(۱۲۹)

و هرگز نتوانید که بین زنان بداد رفتار کنید هر چند علاقه مندید. پس [اقدامیتوانید به یکسو] باتمام میل متمایل نشوید گویی آن [یکی] را معلق بگذارید و اگر اصلاح آورید و تقوی کنید پس یقیناً خدا آمرزگار بارها رحمتکننده است(۱۳۰) ++

وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۱۲۹﴾

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۳۰﴾

++ آیت ۱۳۰: در صورت بیشتر از يك زن با هر کدام محبت یکسان داشتن در اختیار نیست چه این به دل تعلق دارد البته کارانصاف در اختیار انسان است. پس تاکید شده که اگر زنان بیشتر از یکتا باشند باید بداد رفتار شود و هیچ کدام از آنان چنین ترك کرده نشود که از وی نگهداری نکنید.

و اگر آندو جدا شوند پس خدا مریک  
را بموجب گشایش او بی نیاز سازد  
و خدا گشایش بخشای صاحب  
حکمتی فراوان است (۱۳۱)

و از آن خدا است هر چه در آسمانها  
است و هر چه در زمین است و  
آنرا که پیش از شما کتاب داده  
شدند توصیه کرده بودیم و هم  
شما را که خدا را تقوی پیش  
گیرید و اگر انکار کنید پس  
یقیناً از آن خدا است هر چه در  
آسمانها است و هر چه در زمین  
است و خدا بی نیازی صاحب  
ستایش است (۱۳۲)

و برای خدا است آنچه در  
آسمانها است و آنچه در زمین  
است و خدا را کارسازی بس  
است (۱۳۳)

اگر او بخواهد شما را از بین  
میبرد ای فرزندان آدم! و دیگران  
را میآرد و خدا بر این امر مدام

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يَغْنِ اللَّهُ كَلًّا مِنْ سَعْتِهِ<sup>ط</sup>  
وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا<sup>۱۳۱</sup>

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ<sup>ط</sup>  
وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ  
قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ<sup>ط</sup> وَإِنْ  
تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي  
الْأَرْضِ<sup>ط</sup> وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا<sup>۱۳۲</sup>

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ<sup>ط</sup>  
وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا<sup>۱۳۳</sup>

إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ  
بِآخَرِينَ<sup>ط</sup> وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا<sup>۱۳۴</sup>

قدرتمند است (۱۳۴)

هر که ثواب دنیا بخواهد پس نزد خدا هم مزد این دنیا است و هم مزد آخرت و خدا بسیار شنوای بی‌نا است (۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید برای خدا گواهی داده استوار کنندگان داد گری باشید هر چند برخلاف خودتان یا والدین و خویشان باشد اگر کسی ثروتمند است یا تهیدست پس خدا نگهبان مردوی آنان است. پس از پی هوای نفسانی خود نروید مبادا ازدادگری بگریزید. اگر سخن بیجانید یا پهلوتی کنید پس خدا آگاه است به آنچه مکنید (۱۳۶) ++

ای کسانی که ایمان آورده اید ایمان آورید به خدا و رسولش و آن کتاب

++ آیت ۱۳۶: این آیت تعلیم عدل را هنگام گواهی دادن هم بکار می‌بندد یعنی بر هر کدام گواه بفرض است که گواهی بداد دهد هر چند برخلاف خویشان یا والدین یا خویشاوندان باشد.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿١٣٥﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوِّمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٦﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ

وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ<sup>ط</sup> وَمَنْ  
يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ  
وَالْيَوْمِ الْأَخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا<sup>۳۷</sup>

که او بر رسول خود نازل کرده  
است و آن کتاب که قبلاً نازل  
کرده آمد و هر که انکار کند به  
خدا و فرشتگان او و کتابهای او  
و رسولان او و روز آخرت پس  
یقیناً او در نهایت گمراهی گم  
گشته است (۱۳۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا  
ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آذُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ  
لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا<sup>۳۸</sup>

یقیناً کسانی که ایمان آوردند باز  
انکار کردند باز ایمان آوردند و  
باز انکار کردند باز بر کفر افزودند  
نیست خدا که آنها را بپایامزد و آنها  
را راه هدایت بنمایاند (۱۳۸) ++

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا<sup>۳۹</sup>

موده بده به منافقان که برایشان  
عذابی دردناک است (۱۳۹)

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ  
دُونِ الْمُؤْمِنِينَ<sup>ط</sup> أَيَتَّبِعُونَ عِنْدَهُمْ

[یعنی] آنانکه مومنان را رها کرده  
کافران را دوست میگیرند آیا نزد

---

++ آیت ۱۳۸ - این آیت به این عقیده نفی میکند که مجازات مرتد قتل است. لذا  
فرمود اگر کسی مرتد گردد باز ایمان آورد باز مرتد شود باز ایمان آورد پس کارش با خدا  
است و اگر در حالت کفر ببرد پس حتماً جهنمی است و اگر مجازات او قتل است  
دیگر ذکر از تکراراً ایمان آوردن او و تکراراً مرتد شدن او هرگز الزامی نبود.

الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۝۱۰

آنها خواهان عزت اند؟ پس یقیناً  
عزت تماماً از آن خدا است (۱۴۰)

والبته او در کتاب بر شما نازل  
کرده است که هرگاه بشنوید که  
به آیتهای خدا انکار کرده یابہ آنها  
تمسخر میشود پس مرکز با آنان  
نشینید تا آنگاه که به سخنی جز  
آن درآیند [وگرنه] یقیناً شما هم  
آنگاه همانند آنها بشوید یقیناً خدا  
جمیع منافقان و کافران را در

جهنم جمع کننده است (۱۴۱) ++  
[یعنی] آنانکه درباره شما [برای  
خبرهای بد] چشمدارند پس اگر  
برایشما از جانب خدا فتح باشد  
گویند، آیا ما با شما نبودیم و  
اگر کافران را [در پیروزی] سهمی  
باشد گویند: آیا [نخست] بر شما غلبه  
نیافته بودیم و شما را از مومنان

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا  
سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا  
فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي  
حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۗ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ ۗ إِنَّ  
اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي  
جَهَنَّمَ جَمِيعًا ۝۱۱

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ ۚ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ  
فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ ۚ  
وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ ۚ قَالُوا أَلَمْ  
نَسْتَوْذُ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُمْ مِنَ  
الْمُؤْمِنِينَ ۗ قَالَهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ ۗ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى

++ آیت ۱۴۱: اینجا بوضوح فرمانست که آنها نیکه بیفرمان و کلام الهی را بباد سخریه  
میگیرند با آنها نه نشینید الا همانند آنها میشوید. اما فرمان این نیست که با آنها قطع  
رابطه کنید بلکه آنان که ازین کار توبه کنند با آنان رابطه داشتن مجاز است.



الْمُؤْمِنِينَ سَيِّئًا ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگهداری نکرده بودیم؟ پس خدا در روز قیامت میان شما قضاوت کند هرگز خدا کافران را اختیاری بر مومنان ندهد (۱۴۲)

البته منافقان به خدا خدعه کنند حالانکه او خودش آنها را به خدعه گرفتار کند و [آنانند که] چون بنماز بپاخیزند بابی میلی بپاخیزند و به رخ مردم میکشند و خدا را یاد نکنند جز اندکی (۱۴۲)

میان این دودلان میمانند و نه به طرف اینانند و نه به طرف آنانند و هر که را خدا گمراه سازد پس هرگز برای او راه [هدایت] نمی یابی (۱۴۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید مومنان را رها کرده کافران را دوست نگیرید. آیا میخواهید تا برای خدا دلیلی روشن برخلاف خود فراهم آورید؟ (۱۴۵)

بیگمان منافقان در پائین ترین

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ ۖ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَىٰٓ يُرَآءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ۝

مُذَبِّدِينَ بَيْنَ ذَلِكَ ۗ لَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ ۚ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ۝

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ أَلْتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا مُّبِينًا ۝

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ

التَّارِغَ وَلَنْ تَجِدَهُمْ نَصِيرًا ﴿١٤٦﴾

درجه آتشند و برایشان هیچ

یاوری نخواهی یافت (۱۴۶)

مگر آنانکه توبه کرده و اصلاح

کردند و به خدا [باوفاداری] جنگ

زدند و دین خود را برای خدا

خالص نمودند. پس آنانند که با

مومنان اند و بزودی خدامومنان را

پاداش بزرگی میدهد (۱۴۷)

خدا به عذاب کردن شما چه کار

دارد اگر سپاس گذاریدید و ایمان

آوردید بلکه خدا که بسیار نوازنده

سپاس صاحب علم دائمی است

(۱۴۸)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا

بِاللَّهِ وَأَخْضَعُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ

الْمُؤْمِنِينَ ۗ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ

الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٧﴾

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ

شَكَرْتُمْ وَأَمْتُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا

عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾

خدا دوست ندارد آشکارا سخن گفتن را بگفتار ناپسند جز کسی که براوستم شده است و خداشنوائی صاحب علم دائمی است (١٤٩)

اگر عیان کنیدی یکی رایا آنرا پنهان دارید یا از بدی چشم فرو بندید پس یقیناً خدا عفو کننده مدام قدرتمند است (١٥٠)

یقیناً کسانی که به خدا و رسولان او انکار کنند و میخواهند که میان خدا و رسولان او تفریق کنند و گویند به بعضی ما ایمان آوریم و بعضی انکار کنیم و دوستدارند که راهی میان اینرا پیش گیرند (١٥١) ++

همانها کافران حقیقی اند و برای کافران عذابی رسوا کننده مهیا کرده ایم (١٥٢)

و کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آوردند و میان هیچ کدام از

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿١٤٩﴾

إِنْ تُبَدُّوْا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوْهُ أَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوِّءِ قَاْنِ اللَّهِ كَانَ عَفْوًا قَدِيْرًا ﴿١٥٠﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ مِنْ بَعْضٍ وَنَكْفُرُ مِنْ بَعْضٍ لَا يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيْلًا ﴿١٥١﴾

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ حَقًّا ۗ وَأَعْتَدْنَا لِّلْكَٰفِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٥٢﴾

وَالَّذِيْنَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ ۗ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمُ

++ آیت ١٥١: این آیت منکران حدیث [فرقه اهل قرآن] را که حدیث نبوی

را انکار کرده و درگفته خدا و گفته رسول تفریق مینمایند، رد کرده است.

أَجُورَهُمْ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝١٥٣ ع ايشان تفریق نکردند آنانند که او

به ايشان پاداش ايشان بزودی  
بدمد و خدا آمرزگاری بارها  
رحم کننده است (١٥٣) ++

اهل کتاب از تو مسئلت کنند که  
کتابی را بر آنان از آسمان [بصورت  
عینی] فرود آر. پس البته از موسی  
از اینهم بزرگتر خواسته بودند پس  
گفتند: خدا را بما آشکارا فرابنما.  
پس صاعقه آنان را بملت مستگری  
آنان بگرفت. سپس گوساله را [به  
معبودیت] گرفتند بعد از اینکه نشانه  
های تابان آنان را آمده بود. باین  
همه از آن نادیده گرفتیم و به  
موسی حجتی روشن دادیم (١٥٤)

و بسبب پیمان ايشان طور را  
فرا ايشان بلند کردیم و گفتیم به  
ايشان که [خدارا] اطاعت کنان  
بداخل در شوید و گفتیم به آنان

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ  
كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ  
مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ  
الصَّعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ  
مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ  
ذَلِكَ ۗ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا ۝١٥٣

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا  
لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا  
تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا

++ آیت ١٥٣: اینجا تکراراً گفته شد افانکه به خدا و رسول ایمان میارند در گفته

خدا و گفته رسول تفاوت نمیگذارند.

عَلِيظًا ٥٥

که درباره سبت تجاوز نکنید و از آنان پیمانی موثق گرفتیم (۱۵۵) پس بیهم زدن آنان پیمان خویش و انکار آنان به آیتهای خدا و بنا حق مخالفت شدید آنان از پیمبران و سخن ایشان که قلبهای ما در پرده است بلکه بحقیقت خدا بعلت کفر آنان بر [دل] آنها مهر نهاده است پس ایمان نیاورند جز کمی (۱۵۶)

بعلاوه بکفر آنان و گفتن آنان بهتان بزرگی برخلاف مریم (۱۵۷) وبگفتار آنان که یقیناً ما عیسی ابن مریم پیغمبر خدا را کشتیم حال آنکه نه او را بقتل رساندند و نه او را [تامرگ] بدار آویختند بلکه [جریان] برای آنان مشتبه ساخته شد و البته کسانی که در این اختلاف دارند حتماً درباره آن متردد اند. آنها را در مورد آن هیچ دانشی نیست جز اینکه از گمان پیروی

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبَنَا غُلْفٌ ۖ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ٥٥

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ٥٦

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِمَّنْ مَالَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظُّلُمِ ۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ٥٧

میکنند و به یقین او را نه

کشتند(۱۵۸)++

بلکه خدا او را بسوی خود رفع کرد

و یقیناً خدا صاحب غلبه کامل

صاحب حکمت است(۱۵۹)++

نیست [گرومی] از اهل کتاب مگر

که بیش از مرگ او حتماً بر او

ایمان آرد و در روز قیامت او بر

آنان گواه خواهد بود(۱۶۰)++

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا

حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِهِ قَبْلَ

مَوْتِهِ ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا ﴿١٥٩﴾

++آیت ۵۸: این آیت این ادعا اشتباهی یهود را رد میکند که ما مسیح را بقتل

رساندیم حالانکه آنان مسیح را نه بقتل رسانده کشته بودند و نه بدار کشیده.

صَلْبُوهُ را منظور فقط بدار آویختن نیست بلکه نتیجه اش را بدست آوردن است

یعنی بدار آویخته بمرگ رساندن است زیرا که بسیاری مردم بدار آویخته زنده

فرو آورده میشوند و هیچ گاه گفته نمیشود که آنها بدار کشیده کشته شدند. لذا

این آیت حاکی از این نتیجه است که یقیناً آنان به کشتن مسیح موفق نشده بودند.

”ثَبَّ لَهُم“ را این تفسیر اشتباه است که شخصی دیگر مشابه مسیح شده بود و سپس

او بدار کشیده کشته شد حالانکه این قطعاً برخلاف محاوره زبان عربی است و گرنه

باید ذکر از آن نفر میشد که شبیه مسیح را اختیار کرده مشابه مسیح گردید. ”ثَبَّ لَهُم“

را واضحاً این معنای است که آنان به شبه افتادند و جریان بر آنان مشتبه گردید.

++آیت ۱۵۹: این آیت این ادعای بعضی از علماء را رد میکند که رفع حضرت عیسی

بسوی آسمان شد و واضحاً حاکی از اینست که بل رفعه الله الیه یعنی خدا رفع او را

بسوی خود کرد. سوال اینست که کدام جا خالی از خداست که رفع حضرت مسیح

به آنسو کرده شد؟ حقیقت اینست در جای که مسیح بود خدا همانجا بود [۲۲۵#۳]

فِظْلُمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ  
طَيِّبَاتٍ أَجَلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ  
اللَّهِ كَثِيرًا ﴿١٦١﴾

پس آنها که یهود بودند پاکیزه  
های را که [قبلاً] بر آنان حلال بود به  
علت تجاوزگری آنان و بازداشتن  
آنان (مردم را الجوجانه) از راه خدا  
بر آنها حرام نمودیم (١٦١)

وَ أَخَذَهُمُ الرَّبُّوَأَقَدْتُهُوَأَعْنَهُ وَأَكْلِهِمْ  
أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ ١ وَأَعْتَدْنَا  
لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦٢﴾

[و] بعلت [گرفتن] آنان رباء حالیکه  
از آن نهی شده بودند و خوردن  
آنها مالهای مردم بباطل [کیفرشان  
کردیم] و برای کافران از آنها عذابی  
دردناک آماده کرده ایم (١٦٢)

لَكِنِ الرَّسُخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ  
وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ  
وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ  
وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

اما آنکسان از آنان [یهود] که بعلم  
نافد و مومنان [راستین] اند ایمان  
میارند به آنچه برتونا زل کرده شد  
و آنچه قبل ازتونا زل کرده آمدوبیا  
دارندگان نماز و دهنندگان زکات و

پس رفع را معنی بلندی درجات است.

++ آیت ١٦٠: ان من اهل الكتاب را دو مفهوم میتوان باشد. یکی اینکه از اهل کتاب  
یک نفرم نیست که قبل از مرگش بر او ایمان نیآرد و دومین اینکه از اهل کتاب  
یک گروهی هم نیست که پیش از مرگش بر وی ایمان نیآورد و همین درست است. اگر  
اولین معنا گرفته شود یعنی اگر مفهوم "مرگش" مرگ مسیح گرفته شود این فقط  
ادعای است زیرا میلیونها یهود مردند که نه قبل از مرگ خودشان بر مسیح [ص: ٢٢٦]

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَلِكَ سَنُوتَيْهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٦٣﴾  
 ایمان آوردگان به خدا و روز آخرت ایشانند که بزودی ایشانرا عظیم

پاداش بزرگی بدهیم (١٦٣)

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ  
 وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَأَوْحَيْنَا إِلَى  
 إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ  
 وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ  
 وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ ۗ وَبِهِ دَاوُدَ زَبُورًا ۗ

یقیناً ما بسوی تو وحی فرستاده ایم همانگونه که وحی فرستادیم بسوی نوح و پیغمبران پس از او و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و به داوود زبور

داده بودیم (١٦٤)

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ  
 وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ ۗ وَكَلَّمَ اللَّهُ  
 مُوسَىٰ تَكْلِيمًا ﴿١٦٥﴾

و پیغمبرانی اند که قصص ایشان از این پیش بر تو بیان کرده ایم و بعضی رسولان اند که قصص ایشان بر تو بیان نکرده ایم و خدا با

موسی بسیار تکلم کرد (١٦٥) ++

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ

بقیه آیت ١٦٠: ایمان آوردند و نه قبل از فوت مسیح بر او ایمان آوردند. لذا موضوع "گروه" بدانعلت درست است زیرا که حضرت مسیح پس از هجرت خود بسوی قبائلی گم شده آنوقت وفات یافتند که افرادی کم و بیش از مرقبیله بر ایشان ایمان آورده بودند و این واقعه در کشمیر صورت گرفته بود.



دندگان [فرستادیم] تا پس از  
[آمدن] رسولان مردم را درمقابل  
خدا حجتی نباشد و خدا صاحب  
غلبه کامل صاحب فراوان حکمت  
است (١٦٦)

اما خدا گواهی میدهد که هرچه او  
بر تو نازل کرده است بعلم [نافذ]  
خود نازل کرده است و فرشتگان  
نیز گواهی میدهند درحالیکه خدا  
بطورگواه بس است (١٦٧)

یقیناً کسانی که کفر کردند و از راه  
خدا بازداشتند البته درنهایت  
گمراهی فرورفته اند (١٦٨)

یقیناً کسانی که کفر کردند و ستم  
راندند نمیشود که خدا آنان را  
بیامرزد و نه [ممکن است] که آنها

لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ۗ وَكَانَ  
اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٦٦﴾

لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ  
يَعْلَمُهُ ۗ وَالْمَلِكَةُ يَشْهَدُونَ ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ  
شَهِيدًا ﴿١٦٧﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ  
قَدْ ضَلُّوا ضَلًّا بَعِيدًا ﴿١٦٨﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ  
لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٩﴾

++ ایت ١٦٥: از احادیث اثبات میشود که تعداد انبیاء در کل عالم یکصد و بیست و  
چهار هزار است و افضل ترین همه ایشان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم هستند.  
قرآن فقط چندین پیغمبران را بعنوان مثال ذکر کرده است و آن حالات که بر  
ایشان و بر قومهای ایشان در زمان خود ایشان گذشته بود بر رسولانی دیگر که  
در قرآن مذکور نیستند و قومهای ایشان نیز بر همین منوال گذشته است.

را بر راهی بنهد (١٦٩)

جزراه جهنم که در آن مدت دراز  
 بمانند و خدارا این آسانست (١٧٠)  
 ای مردم! شمارا رسول از پروردگار  
 شما بحق آمده است. پس ایمان  
 آرید که برایشا بهتر است و اگر  
 کفر کنید آنگاه یقیناً از آن خدا است  
 مرچه در آسمانها و زمین است و  
 خدا صاحب علم دائمی صاحب  
 حکمت است (١٧١)

ای اهل کتاب در دین خود تجاوز  
 گری نکنید و بر خدا هیچ نگویید  
 جز راستی. مسیح عیسی بن مریم  
 نیست مگر رسول خدا و کلمه او  
 است که آنرا بسوی مریم نازل کرد  
 و از جانب او روحی است. پس به  
 خدا و رسولان او ایمان آرید و  
 نگویید "سه دست بردارید که خوش  
 بختی شما است. یقیناً تنها خدا معبود  
 یگانه است. او منزه است که او را  
 پسری باشد. از آن او است مرچه

الْأَطْرِيقَ جَهَنَّمَ خُلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا  
 وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٧٠﴾  
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ  
 مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ ۖ وَإِنْ  
 تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ  
 وَالْأَرْضِ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧١﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا  
 تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ ۗ إِنَّمَا الْمَسِيحُ  
 عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَةٌ  
 أَنْفَسَهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا  
 بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً ۗ إِنَّهَا  
 خَيْرٌ لَكُمْ ۗ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَ  
 أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ  
 وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٧٢﴾

در آسمانها است و هر چه در زمین  
است و خدا کارسازی بس است  
(١٧٢) ++

هرگز مسیح ناپسند ندارد که بنده  
خدا باشد و نه فرشتگان مقربان  
او و هر که از عبادت او خود داری  
نماید و تکبر کند پس حتماً او همه  
را بسوی خود جمع کند (١٧٢)

بس آنانکه ایمان آوردند و شایسته  
کاریها کردند پس او ایشان را  
پاداش ایشان بتمام دهد و ایشان  
را بفضل خود بیفزاید و اما آنها

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ  
وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ<sup>١</sup> وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ  
عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ  
جَمِيعًا<sup>٣</sup>

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
فِيؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ  
فَضْلِهِ<sup>٤</sup> وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا

++ آیت ١٧٢: مسیحیان از این آیت استنباط میکنند که مسیح يك رسول معمولی نبود بلکه کلمه خدا بود و این کلمات را عطف به بایبل میکنند که درابتداء او کلام بود و کلام با خدا بود و کلام خدا بود [یوحنا باب ١ آیت ١] آنان مسیح را کلمه الله یا کلام الله قرار میدهند. البته ده آیت اخیر سوره کهف این ادعا را رد میکنند و خصوصاً در این آیت که اگر تمامی دریاها مرکب شوند و دریا های مانند آنها کمک کنند باز هم کلمات خدا تمام نمیشوند. پس مفهوم کلمه، "کن" گفتن خدای است که در نتیجه آن همه چیزها جاندار و بی جان بوجود آمدند و مسیح هم یکی از آنها بود.

++ آیت ١٧٣: در این آیت از جانب حضرت عیسی به این امر انکار میشود که ایشان از بنده بودن خدا انکار میکردند چه این آن بهتان بزرگ است که مقام حضرت مسیح را بالا نمیبرد بلکه ایشان را انکار کننده ای قرار میدهد.

که [عبادت را] ناپسند کرده و تکبر نمودند پس او آنها را بعد از درد ناک معذب کند و برای خودشان جز خدا یار و یاورى نیابند (١٧٤) ای مردم! شمارا حجت بزرگی از خدا آمده است و بسوی شما نوری روشن کننده نازل کرده ایم (١٧٥) پس اما آنانکه به خدا ایمان آوردند و به او چنگ زدند پس حتماً ایشان را بداخل رحمت و فضل خود نماید و ایشان را براه راست هدایت دهد (١٧٦)

فتوی میخوانند از تو بگو خدا شما را درباره کلاه فتوی میدهد. اگر مردی ببرد که او را فرزندی نیست اما او را خواهری است آنگاه برای آن خواهر نصف آن است که او ارث گذاشت حالانکه او آن خواهر را وارث کامل است اگر وی را فرزندی نیست و اگر دو خواهر اند آنگاه آندورا دو سوم

فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۗ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٤﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا ﴿١٧٥﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ ۗ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا ﴿١٧٦﴾

يَسْتَفْتُونَكَ ۗ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ ۗ إِنْ امْرُؤٌ أَهْلَكَ لَيْسَ لَهُ وَكْدٌ وَلَا أَوْلَاءٌ ۗ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ ۗ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَكْدٌ ۗ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلْثُ ۗ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حِظِّ الْأُنثِيَيْنِ ۗ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن

تَصَلُّوا لِلَّهِ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلَيْهِمْ ٣٧

آنست که آن برادر ارث گذاشت  
و اگر برادرانی مردان و زنان  
اند آنگاه مرد را برابر دو سهم  
زن است. خدا برای شما بروشنی  
بیان نموده است مبادا گمراه  
شوید و خدا به هر چیز نیک  
آگاه است (۱۷۷)

## ٥ - سورة المائدة

این سوره در آخر دور مدنی نازل شده بود و با بسم الله ١٢١ آیت دارد.

در این سوره حقیقت از بسیاری معجزات حضرت مسیح علیه السلام بیان شده است. این بیان تفسیرها که "خوانی نعمت" بصورت عینی بر ایشان از آسمان نازل شده بود پرده از حقیقت این نیز با این بیان برداشته میشود که در حقیقت این يك پیشگوئی بود که ملتهای مسیح در نتیجه دعاها و قربانی های حضرت مسیح برخوردار به رزقی فراوان خواهند شد. اما اگر ایشان به این نعمتها ناسپاسی کنند که بدبختانه علامات آن به ظهور آمده است، آنگاه در مقابلش عقوبت هم آنقدر هولناك داده خواهد شد که هیچگاه به جهانیان داده نشده است.

آن نواقص که در یهود بعثت عهد شکنی پدید آمد امت محمدی از آنها جلوتر متنبه ساخته شده اند.

پیش از این در سوره البقرة سخن از حلال و حرام بودن انواع خوردنیها گفته شده است. اما در اینجا آن يك سخن تازه ای گفته میشود که اسلام را بر هر يك دین دیگر ممتاز مینماید و آن اینست که رزق نه فقط حلال بلکه باید طیب نیز باشد. پس اگرچه رزق بظاهرا حلال است باز هم نیکوتر این امر است که تا وقتی که آن به نهایت خود پاکیزه و صحت افزا نباشد از میل کردن آن خود داری کرده شود.

پیش از این ذکر از تعلیم در هر حال استوار ماندن بر عدالتمندی

رفته است. اینک در این سوره موضوع گواهی آغاز میشود و سخن از استوار ماندن بر عدالت نسبت به گواهی بدین نحوی قشنگ گفته میشود که اگر با قومی دشمنی دارید باز هم باید به حقوق ایشان رعایت شود و حساب خود را با آنان تسویه کرده دامن دادگری را از دست ندهید.

در این سوره مجدداً ذکر از میثاق کرده بیان میشود که چگونه یهود چون آنان میثاق را نقض کردند به جنگ بغض و عناد درآمدند به هفتاد و دو فرق منقسم شدند و این زمینه بعثت حضرت عیسی اثبات شد. ایشان بی هفتاد و سومین فرق نجات دهنده ای را ریختند. اما بعنوان پیشگوئی این سخن هم گفته میشود که قوم ایشان از نصیحت ایشان بهره مند نشده و گروه درگروه منقسم شده و بدنبال حسد و کینه و غرض ورزی میان ایشان بنای جنگ های جهانی نهاده خواهد شد و در این جنگها ملت های مسیحی ضد مدیگر خواهند جنگید.

در این سوره آنجا که سخن از بیکار قوما و قتل و غارتگری مدیگر آنان میرود ذکر خصوصی از آن يك گروه میشود که ستمگری و سفاکی را به نهایت آن خواهند رساند [آیه ٣٤]. امروزها ذکر از رفتار ظالمانه نسبت به کودکان در کشورهای اروپائی نیز یافت میشود چه جائیکه سخن از اوضاع کشورهای شرقی بیان آورده شود که بر از این نوع روشها میباشد. چنین جرمهای هولناک وجود دارد که باید در مقابل آنها عقوبت نیز بنحوی عبرتناک کرده شود تا موضوع آیه "فشرد بهم من خلفهم" تکمیل شود و عقوبتهای هولناک را مشاهده کرده مجرمانی باقی مانده دست از این زشتکاریها بردارند. این سوره صدای را برخلاف مرنوع ستمکاریها بلند میکند. ضمناً گفته

میشود که نمیتوان رخصت داد که دین کسی به اجبار تغییر داده شود. اگر کسانی بر اثر سختی اجبار مرتد شوند آنگاه خداوند بعموض آنان قومهای اعطانماید که آنان در عدد از عدد مرتدما بسیار کثیر باشند و در حق مومنان مهرورزی و درمقابل کافران سرسختی نشان دهند.

در این سوره ذکرى از آن تعلیم قرآن نسبت به عدل و انصاف یافت میشود که در هیچکدام کتاب دنیا وجود ندارد و فرموده میشود که علاوه بر ایمان آوردگان بر آنحضرت ﷺ پیروان دیگر ادیان نیز اگر بر تعلیم خود مخلصانه عمل کنند و بر آخرت یعنی بر اعتقاد جواب گوئی نسبت به اعمال خود استوار باشند آنگاه خداوند ایشان را درمقابل بهترین اعمال ایشان بهترین پاداش خواهد داد. باید ایشان در مورد فرجام خود هرگز در بیم نباشند و اندوه نخورند.

در مورد آن ذکر از بغض و عناد همدیگر که در این سوره ادامه دارد علت‌های دیگر نیز بیان میشود. یکی از این علتها شراب و دومین قمار است. اگرچه اینها دارای کمی مزیت نیز میباشد ولی مضرات اینها درمقابل مزایای اینها بزرگتر است.

در این سوره سخن از وفات مسیح علیه السلام بصراحت گفته و ایشان بعنوان رسولی یکتاپرست معرفی میشوند. ایشان هیچگاه قوم خود را تعلیم به پرستش سه تائی و شرک نداده بودند و این آموزش از جانب ایشان نبود که خدای یگانه را رها کرده من و مادرم هر دو تائی را بر مقام معبودیت برگزینید.



☆ سُوْرَةُ الْمَائِدَةِ مَدْنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَاحِدٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ عَشْرٌ رُكُوعًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ① بنام خدا [بلااستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید به

بیمانها وفا کنید. حلال کرده شد

برایشادامهای چهارپا جز آنچه بر

شما خوانده میشود. اما حلال قرار

دمندگان شکار نشوید در حالیکه

شما در احرام اید. ما ناخدا فیصل

میدمد آنچه میخواهد (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید بی

احترامی نکنید شعایر الله را و

نه ماه حرام را و نه قربانی و نه

دامهای را که برای قربانی قلاده

بسته شد و نه کسانی را که در تلاش

فضل و خوشنودی پروردگار خود

به بیت حرام قصد کرده باشند و

چون احرام در آورید آنگاه شکار

کنید و دشمنی قومیکه شمارا از بیت

حرام بازداشتند شما را و ندارد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۖ

أَحَلَّتْ لَكُمْ بِهِمُ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى

عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ

إِنَّ اللَّهَ يُحْكِمُ مَا يُرِيدُ ①

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ

وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ

وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا

مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۗ وَإِذَا حَلَلْتُمْ

فَأَصْطَادُوا ۗ وَلَا يُجْرِمَنَّكُمْ شَنَا ب

قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ

تَعْتَدُوا ۗ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ۗ

وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۗ

که تجاوز کنید و در نیکوکاری و تقوی همکاری کنید و برگناه و ستم همکاری نکنید و از خدا بترسید. یقیناً خدا سخت عقوبت است (٢)+  
 حرام کرده شد بر شما مردار و خون و گوشت حوک و آنچه بنام غیر از خدا ذبح کرده شود و خفه کرده، زیرکتک مرده و مرده از بلندی فرو افتاده و ضربه شاخ خورده و آنچه را درنده خورد مگر آنچه را [پیش از مرگش] ذبح کنید و نیز ذبح کرده بر قربانگاه های معبودان باطله و اینکه باتیرها قرعه افکنید - اینهمه ناپاک است. امروز آنانکه کفر کردند از [مداخله کردن در] دین شما نومید شدند.

وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٥﴾

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالذَّمْرُ وَلَحْمُ  
 الْخَيْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ  
 وَالْمُنْحَنَةَ وَالْمَوْقُودَةَ وَالْمُتَرَدِّيَةَ  
 وَالطَّيْحَةَ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ ۗ  
 وَمَا ذَبَحَ عَلَى التُّصْبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا  
 بِالْأَزْلَامِ ۗ ذَلِكُمْ فِسْقٌ ۗ الْيَوْمَ يَيسَ  
 الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ  
 وَاحْشَوْنَ ۗ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ  
 وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ

++آیت ٢: در آیات ٢ و ٩ این سوره فرمان شده است که با دشمن هم بداد کامل رفتار کرده شود - خواه آن دشمنی بعلت اختلافات دنیائی است یا بر اساس اختلافات دینی است. در این آیت ٢ گفته شد که اگرچه دشمن شما را از رفتن به خانه کعبه بازداشت باز هم علت این دشمنی دینی شما را به بیدادگری مجاز نمیگرداند. اگر مسلمانان این دو آیت را صمیمانه بعمل میآوردند هیچگاه گمراه نمیشدند.

لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي  
مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ رَحِيمٌ ④

پس از آنها نترسید و از من بترسید.  
امروز من دین شما را برای شما  
کامل کردم و نعمت خود را بر شما  
تمام نمودم و اسلام را دین شما  
پسند کردم. پس آنکه در گرسنگی  
بیچاره گردد، تمایل بگناه ندارد  
پس یقیناً خدا آمرزگاری بارها  
ترحم کننده است (٤)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ  
الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ  
مَكْلِبِينَ تَعْلَمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ  
فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا  
اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَانْتَقُوا اللَّهَ طِرًا اللَّهُ  
سَرِيعُ الْحِسَابِ ⑤

مسئلت کنند چه برای آنان حلال  
کرده شده است. بگو، برای شما  
حلال کرده شد همه پاکیزه ها و  
آنچه به بعضی از جانوران شکاری  
برای شکار میآموزید [بدانید که]  
شما آنها را از آنچه میآموزید که  
خدا بشما آموخت پس بخورید از  
آنچه آنها برای شما نگهدارند و  
نام خدا بر آن بخوانید و خدا را  
تقوی فراگیرید. یقیناً خدا زود  
حساب است (٥)

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ  
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ

امروز حلال کرده شد بر شما همه  
پاکیزهها و طعام [پاکیزه] آنها که

وَطَعَامَكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ  
الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا  
الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ  
أُجُورَهُنَّ مِنْ مَحْصِنِينَ غَيْرِ مُسْفِحِينَ  
وَلَا تُتَّخَذِىَ أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ  
بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي  
الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ ٥

کتاب داده شدند نیز بر شما حلال است در حالیکه طعام شما برای ایشان حلال است و زنان پاکدامن از مومنات و زنان پاکدامن از آنان که پیش از شما کتاب داده شدند چون به نکاح در آورده آنان را مهریه آنان بپردازید و زناکاران و گیرندگان به دوستی مخفی نه

ع

باشید [نیز حلالند] و هر که به ایمان انکار کند حتماً عملش ساقط شود و او در آخرت از زیانکاران است (٦). ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه بنماز بپا خیزید پس رویهای خود و دستهای خود را تا آرنج بشویید و سرهای خود را مسح کنید و پاهای خود را تا قوزق [بشویید] و اگر شما جنبی باشید آنگاه [استحمام کرده] خود را خوب پاک کنید و اگر شما بیمارید یا در مسافرت یا کسی از شما از قضای حاجت آمده است یا با زنان مباشرت کردید و آب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ  
فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى  
الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ  
وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ  
جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ  
عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ  
أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً  
فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا  
بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ

اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧﴾

در نیابید آنگاه با خاکی پاکیزه تیمم کنید و بردستهای خود و رویهای خود از آن مسح کنید. خدا را خوش ندارد که بر شما سخت گیرد و اما دوست دارد شما را پاکسازد و نعمت خود را بر شما به اتمام رساند تا شما سپاسداری کنید (٧)

وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٨﴾

و یاد کنید نعمت خدا را بر خود و آن پیمانش را که او به شما بست چون گفتید که شنیدیم و فرمان بردیم و از خدا بترسید. یقیناً خدا به رازهای سینه ما خوب دانا است (٨)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُونَ ۗ وَإِن لَّكُمْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید قیام کنید به استواری برای خدا بحق داد گواهان باشید و هرگز شما را دشمنی قومی بر نیانگیزد که داد نکنید این نزدیکتر به تقوی است و از خدا بترسید. یقیناً خدا آگاه است به آن عمل که انجام دهید (٩)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

خدا وعده داده به کسانی که

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٠﴾

ایمان آوردند و نیکوکاری کردند که  
برایشان آمرزش و پاداشی بزرگ  
است (١٠)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ  
أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١١﴾

و آنها که کفر کردند و آیتهای ما  
را رد کردند آنها اهل جهنم  
اند (١١)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ  
عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ  
أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا  
اللَّهَ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلْ ۗ أَلَمْؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید  
نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید  
چون قومی آمنگ داشت که دست  
های [شر] خود را بسوی شما دراز  
کنند پس او دست های آنان را از  
شما بازداشت و از خدا بترسید.  
پس باید مومنان فقط بر خدا  
توکل کنند (١٢)

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ  
وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ۖ وَقَالَ  
اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۗ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ  
وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي  
وَعَزَّزْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا  
حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

و یقیناً خدا میثاق بنی اسرائیل  
[نیز] گرفته است و ما در آنها  
دوازده سردار برگماشته بودیم و  
خدا گفت یقیناً من باشما هستم اگر  
نماز را بپای داشتید و زکات دادید  
و به رسولان من ایمان آوردید و  
به ایشان یاری دادید و به خدا

قرضه حسنه تقديم نموديد حتماً گناهان شمارا از شما دور ساخته شما را وارد باغهای نمايم که در دامنه آنها نهرهای روانست. پس آنکه از اين بعد کفر کرد پس او از راه راست گمراه شد (١٣)

پس بسبب نقض کردن آنها پيمان خود را لعنشان کرديم و قلبهای آنانرا سفت ساختيم. آنها کلمات را از موضع خود برميگردانند و فراموش کردند بخشی از آنچه را که برای آن خوب تذکر داده شده بودند و پيوسته برخيانت آنها جز کمی از آنها مطلع ميشوي. پس عفو کن از آنان و نادیده بگیر. يقيناً خدا محسنان را دوست دارد (١٤) و کسانی که گفتند ما نصاری هستیم از آنان [نيز] پيمانی موثق آنان گرفتيم. پس آنها [نيز] بخشی از آن را فراموش کردند که به آن اکیداً نصیحت شدند. آنگاه مایان آنان

وَلَا دَخَلَتْكُمْ جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٣﴾

فَمَا نَقِضَهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَسِيَةً ۖ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ ۚ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۗ مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَحَدُنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ۚ فَاعْرِضْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا

يُضَعُونَ ١٥

تاروز قیامت عداوت و کینه مقدر  
 نمودیم و حتمًا خدا آنها را به  
 [بدفرجام] آن [صنائع] آگاه سازد که  
 میساختند (١٥)

ای اهل کتاب یقینًا شما را آمد  
 رسول ماکه برایشما بسیاری از آن  
 امور که شما از کتاب [خود] کتمان  
 میکردید بصراحت بیان میکند و  
 از بسیاری نادیده میگیرد. یقینًا  
 شما را از خدا نوری و کتابی روشن  
 آمده است (١٦)

خدا بوسیله آن آنانرا که از پی  
 خوشنودی او روند به راه سلامتی  
 هدایت میکند و ایشان را باذن خود  
 از تاریکیها بسوی روشنی درآورد  
 و ایشان را بسوی صراط مستقیم  
 هدایت نماید (١٧)

البته کفر کردند آنها که گفتند یقینًا  
 او خدا عیسی ابن مریم است. بگو  
 کی را بر خدا هیچ هم اختیار است  
 اگر او بخواهد که عیسی ابن مریم

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ  
 لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ  
 وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ  
 نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ١٥

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ  
 السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ  
 بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ١٦

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ  
 ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا  
 إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ



و مادرش و هر چه در زمین است  
 همگی را نابود سازد و از آن خدا  
 است پادشاهی آسمانها و زمین و  
 آنچه میان آندو است. او میآفریند  
 هر چه دوست دارد و خدا به هر چیز  
 مدام قدرتمند است (١٨)

وَأَمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۖ وَاللَّهُ  
 مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ  
 يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
 قَدِيرٌ ﴿١٨﴾

و یهود و نصاری گفتند ما فرزندان  
 خدا و مقبولان اوئیم. بگو پس چرا  
 او شمارا بسبب گناهانتان عذاب  
 میدهد؟ بلکه شمائید بشری از آنان  
 که او آفریده است. او میآمرزد  
 آنکه را خواهد و آنکه را خواهد  
 عذاب میدهد و پادشاهی آسمانها  
 و زمین و آنچه میان آندو است  
 از آن خدا است و بازگشت بسوی  
 او است (١٩)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّاصِرِيُّ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ  
 وَأَحِبَّاؤُهُ ۖ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ  
 بِذُنُوبِكُمْ ۖ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ ۖ  
 يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۖ وَاللَّهُ  
 مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ  
 وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٩﴾

ای اهل کتاب! یقیناً شمارا رسول  
 ما پس از انقطاع طولانی رسولان  
 آمده است که [امور مهم] را برای  
 شما به روشنی بیان میکند مبادا  
 بگویید که ما را نه مژده دهنده آمد

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ  
 لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا  
 جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۚ فَقَدْ  
 جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

ع ٨

و نه بيم دهنده پس يقيناً شمارا  
مژده دهنده و بيم دهنده آمده  
است و خدا بر هر چيز مدام  
قدرتمند است (٢٠)

و [بيادآوريد] هنگاميكه موسى  
بقوم خود گفت: اي قوم من نعمت  
خدارا بر خودتان بيادآوريد چون  
او در شما رسولان برگزيد و شما  
را پادشاه برگماشت و شما را در  
داد آنچه كه به هيچ يك از جهانها  
نداده بود (٢١)

اي قوم من! به اين ارض مقدس  
در آييد كه خدا برايشما نوشته  
است و بر پشتهاي خود برنگريد  
و گرنه زيانكاران باز گرديد (٢٢)

گفتند. اي موسى يقيناً در اين  
[ارض مقدس] قومی بسيار سخت  
گير اند و مهرگز ما به آن وارد نه  
شويم تا آنكامه آنها از آن بيرون  
نروند. پس اگر آنها از آن بيرون  
روند آنگاه يقيناً ما بداخل آن

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يُقَوْمِ اذْكُرُوا  
نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ  
وَ جَعَلَ لَكُم مَّلُوكًا ۖ وَ أَنْتُمْ قَالُمْ يَبُوتُ  
أَحَدًا مِنْ الْعَالَمِينَ ﴿٥١﴾

يُقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي  
كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ  
فَتَنْقَلِبُوا خَسِرِينَ ﴿٥٢﴾

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ  
وَ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا  
فَإِنَّ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٥٣﴾

شويم (٢٣)

از کسانی که میترسیدند دومی که خدا برآندو انعام کرده بود گفتند: بر آنها از در [بزرگ] وارد شوید. پس آنگاه که [یکبار] داخل آن شدید پس حتماً شما غالب آیندگانید و بس بر خداتوکل کنید

اگر شما مومنان اید (٢٤)

گفتند: ای موسی قطعاً ما به آن وارد نشویم تا آنگاه که آنها در آن اند. پس برو تو و پروردگارت هر دو بجنگید ما اینجا نشتگانیم (٢٥)

او گفت: ای پروردگار من ایقیناً من جز خویشتن و برادرم بر کسی اختیار ندارم. پس میان ما و میان

قوم فاسقان تفکیک بنما (٢٦)

[خدا] گفت: یقیناً این [ارض مقدس] چهل سال بر آنان حرام کرده شد. آنان در زمین سرگردان میمانند. پس برای قوم زشتکاران افسوس

مخور (٢٧)

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَعْمَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِذْ خَلُّوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ ۚ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غُلَبُونَ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٥﴾

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٧﴾

وَإِثْلَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا بَيْتَنَا  
 قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ  
 مِنَ الْآخَرِ ۗ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۗ قَالَ إِنَّمَا  
 يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٨﴾

و قصه دو فرزند آدم را برای آنان  
 بحق حکایت کن گامیکه آندو  
 قربانی تقدیم نمودند. آنگاه قربانی  
 یکی از آندو پذیرفته شد و از دیگری  
 پذیرفته نشد. او گفت: حتماً من ترا  
 میکشم. او پاسخ داد بر راستی خدا  
 فقط قربانی پرهیزکاران را می  
 پذیرد (٢٨)

لَيْسَ بَسَطَتَّ إِلَى يَدِكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا  
 بِبَاسِطِ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ ۗ إِنِّي  
 أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٩﴾

اگر تو دست خود را بسوی من  
 دراز کردی تا مرا بکشی نیستم من  
 که دست خود را بسوی تو دراز کنم  
 تا ترا بکشم. یقیناً من از پروردگار  
 جهانها بیم دارم (٢٩)

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُو أَبَائِي وَيَأْمُرَكَ  
 فَتَكُونَ مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ ۗ وَذَلِكَ جَزَاءُ  
 الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾

یقیناً من میخواهم که تو گناه من  
 و گناه خود را بدوش گرفته [در  
 محضر خدا] برگردی تا از جمله اهل  
 جهنم بشوی و ستمکاران را همین  
 پاداش است (٣٠)

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ  
 فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٤١﴾

باز هم نفسش قتل برادر خود را  
 برایش زیبا بنمایش گذاشت. پس  
 او را کشت و از جمله زیانکاران

شد (٢١)

آنوقت خدا کلاغی را فرستاد که در زمین می‌گند تا او را بفهماند که جسد برادرش را چسان بپوشاند. گفت، وانفسا! عاجز ماندم که مانند این کلاغ میشدم تا جسد برادرم را میپوشاندم. پس او از جمله

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ ۗ قَالَ يُوَيْلَتَىٰ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوْءَةَ أَخِي ۗ فَاصْبِحْ مِنَ التَّوَّابِينَ ﴿٢١﴾

مطابق حدیث السائرين

پشیمانان شد (٢٢)

بدانعلت ما بر بنی اسرائیل فرض نمودیم که هر که نفسی را بکشد که او کسی را نکشته باشد یا فساد در زمین نکرده باشد آنگاه گویی او همه مردم را کشت و هر که او را زنده داشت آنگاه گویی او همه مردم را زنده کرد و یقیناً رسولان ما ایشان را با نشانه های آشکار آمدند البته بازم بسیاری از آنها

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا ۚ وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ۚ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٢٢﴾

در زمین تجاوزگرانند (٢٣)

یقیناً پاداش آنانکه با خدا و رسول او بجنگند و سعی کنند در زمین فساد بگسترانند فقط اینست که

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ

بسختی کشته شوند یا بدار کشیده شوند یا دستهای آنان یا پاهای آنان از سست مخالف بریده شود یا از میهن تبعید شوند. این برای آنان خواری در دنیا است و برای آنها در آخرت عذابی بزرگ است (۳۴) مگر آنها که توبه کنند پیش از این که بر آنها غلبه یابد. پس بدانید که خدا آمرزندهٔ بارها رحم کننده است (۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را تقوی فراگیرید و واسطه تقرب او را تلاش کنید و در راه او جهاد کنید تا موفق شوید (۳۶) ++

یقیناً کسانی که کفر کردند اگر چه از آن آنها میبود جمیع آنچه در زمین است بلکه مانند آن با آن علاوه تا آنرا روز قیامت به نجات از عذاب

مَنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْنَ مِنَ الْأَرْضِ ۗ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٥﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ ۗ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧﴾

++ آیت ۳۶: مراد از وسیله آنحضرت صلی الله علیه وسلم است و اکنون هیچ وسیله نیست جز آنحضرت [ص] که تعلق را مستقیماً با خدا برقرار سازد. آن دعا که بعد از آذان خوانده میشود با ذکر کلمه وسیله همین موضوع را تأیید میکند.

فداکنند از آنها پذیرفته نمیشد و

برای آنها عذابی دردناکست (٣٧)

آرزوکنند که از آتش بیرون روند

و آنان از آن بیرون روندگان نه

باشند برای آنان عذابی پایدار

است (٣٨)

و مرد دزد یا زن دزد دستهای

آندو را بیریدکه پاداشی باشد به

آنچه آندو کردند [این] از خدا عبرتی

است و خدا صاحب غلبه کامل

صاحب حکمت است (٣٩) ++

پس آنکه پس ازستکاری خود

توبه کرد و اصلاح نمود پس یقیناً

خدا توبه قبول کرده براو متمایل

شود یقیناً خدا آمرزنده بارها رحم

کننده است (٤٠)

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ

بِخُرْجَيْنَ مِنْهَا ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٨﴾

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا

جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ

عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٩﴾

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ

يَتُوبُ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤٠﴾

أَيَانْمِيدَانِي كِه پَادشاهِي آسمانها و **أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مَلَكُ السَّمَوَاتِ**

++ آیت ٣٩: کلمات "السارق والسارقة" بردزدها حرفه و خو گرفته ما از مرد و زن

دلالیت میکند و آنکس که بعلت تهیدستی چیزی از خوردنیها و نوشیدنیها بدزد او

شامل این فرمان نیست. هنگام مَخَصَه یعنی گرسنگی شدیدکه خوک هم جایز میشود.

گرسنه ای اگر چیزی بلا اجازه بخورد مورد آن کیفر نیست که دستش بریده شود.

زمین از آن خدا است. او هر که را خواهد عذاب دهد و هر که را خواهد میآمرزد و خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است (٤١)

ای رسول تو را اندومگین نسازند آنها که در کفر میشتابند یعنی آنانکه بادهان های خود گویند ایمان آورده ایم در حالیکه دلهای آنان ایمان نه آورده است، نیز آنانکه یهود شدند. آنان دروغ را بدقت شنوندگانند و [سخنان] قومی دیگر را که نزد تو نیامده اند هم بدقت شنوندگانند و کلمات را بعد از قرار دادن در مواضع خود تحریف میکنند و [دار و دسته خود را] گویند: اگر این داده شوید آنرا بگیرید و اگر این داده نه شوید پس حذر کنید و کسیکه خدا آزمایش او را خواهد پس تو برای [نجات] او از خدا، هیچ اختیار نه داری. همانند که خدا نمیخواهد که دلهای آنان پاک گردد برای

وَالْأَرْضُ ط يَعَذَّبُ مِنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ ط وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾

يَأَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنُ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ ط يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ ج يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُوْتَوْهُ فَاحْذَرُوا ط وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا ط أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ ط لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ ط وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾

سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ ط



آنان خواری است در دنیا و آنانرا در آخرت عذابی بزرگ است (٤٢)  
 دروغ را بدقت شنوندگان و حرام را فزونتر خورندگان، پس اگر اینها نزد تو بیایند خواه میان آنان داوری کن یا اعراض کن و اگر از آنان اعراض کنی پس مرگز هیچ ضرری بتو نه رسانند و اگر داوری کنی پس میان آنان بداد داوری کن. یقیناً خدا داد گران را دوستدارد (٤٣)

و چطور تو را داور قرار دهند حالی که تورات نزد آنان است در چه حکم خدا است؟ باز هم آنان پس از آن روی برتابیده میروند و مرگز آنان ایمان آوردگان نیستند (٤٤)  
 یقیناً ما تورات را نازل کردیم در چه هدایتی بود نیز نوری، پیغمبران آنانکه [کلیه به خدا] گردن نهادند برای یهودیان بدان داوری میکردند و خداپرستان و

سَمْعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْلُونَ لَسَحْتٍ ۗ<sup>ط</sup>  
 فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ  
 أَعْرِضْ عَنْهُمْ ۗ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ  
 فَلَنْ يَصْرِوْكَ شَيْئًا ۗ وَإِنْ حَكَمْتَ  
 فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
 الْمُقْسِطِينَ ﴿٤٣﴾

وَكَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ  
 فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ  
 وَمَا أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ  
 يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا الَّذِينَ  
 هَادُوا وَالرَّبَّنِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا  
 اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ

هم دانشمندان بعلمت آنکه نگهداری کتاب بمعده ایشان بود [بدآن داوری میکردند] و بر آن گواه بودند. پس نترسید از مردم بلکه از من بترسید و آیتها را ببهای ناچیز معامله نکنید و آنکه داوری نکند مطابق آنچه خدا نازل کرده است پس همانها کافراند (٤٥)

و فرض کرده بودیم بر آنان در آن [تورات] که جان به جان و چشم به چشم و بینی به بینی و گوش به گوش و دندان به دندان و به جراحیها قصاص است. پس کسیکه آنرا [بدوستی] تصدق کند پس آن برای [گناهان] او کفاره است و آنکه داوری نکند به آنچه خدا نازل کرد پس همانها ستمکارانند (٤٦)

و بی ردبا ایشان گرفته عیسی ابن مریم را بدنبال فرستادیم تصدیق کننده آنچه از تورات که پیشروی او بود و او را انجیل

شُهِدَاءٌ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اَخْشَوْنَ  
وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَّمْ  
يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ  
الْكَافِرُونَ ﴿٤٥﴾

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ  
وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ  
وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ  
وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ  
فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا  
أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٦﴾

وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ  
مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ  
وَأَنْزَلْنَا إِلَيْنِ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ

دادیم درجه هدایتی بود نیزنوری  
و تصدیق کننده برای آنچه بود که  
از تورات پیشروی او بود و متقیان  
را هدایتی و پندی بود (٤٧)

و باید اهل انجیل داوری کنند طبق  
آنچه خدا در آن نازل کرده است  
و آنکه داوری نکند طبق آنچه خدا  
نازل کرد پس همانا فاسقانند (٤٨)

و کتاب را بسوی تو بحق نازل  
کرده ایم تصدیق کننده برای آنچه  
از کتاب که پیشروی آنست و بر آن  
نگهبانست. پس میان آنان داوری  
کن مطابق آنچه خدا نازل کرده  
است و موس رانی آنها را پیروی  
نکن دور از آنچه حق که تورا  
آمده است. برای هر کدام از شما  
مسئله و دینی قرار داده ایم و اگر  
خدایم داشت حتماً شما را يك  
امت میساخت و اما [میخواهد] که  
شمارا بآزماید در آنچه شمارا داد  
پس در نیکیها از همدیگر سبقت

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ  
وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٧﴾

وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ  
فِيهِ ۗ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ  
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤٨﴾

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا  
بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ  
فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ  
أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۗ لِكُلِّ  
جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمِنْهَا جَا ۗ وَلَوْ  
شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ  
لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا  
الْخَيْرَاتِ ۗ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا  
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٩﴾

جوید. بازگشت مه شما بسوی خدا است. آنگاه او شما را آگاه سازد به آنچه شما در آن اختلاف میکردید (٤٩)

و [بازاکیداً گویم که] داوری کن میان آنها مطابق آنچه خدا نازل کرد و هوای نفسانی آنها را دنبال نکن و از آنها حذر کن که تو را از بعضی آن تعلیم که خدا به تو نازل کرده است به آزمایش نیفکنند. پس اگر روی برتابند آنگاه بدان که خدا حتماً میخواست که بعلت بعضی از گناهان آنان بر آنان مصیبت بیافکند و حتماً بسیاری از مردم فاسقاند (٥٠)

پس آیا داوری [به طریق] جاهلیت را دوست دارند؟ و اهل یقین را نیکوتر در داوری کردن از خدا کیست؟ (٥١)

ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری را دوست نگیرید. آنها

وَأَن اخْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنِ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٥٠﴾

أَفْحُكُمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ<sup>ط</sup> وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥١﴾

٥١

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَلَّمَهُم بِالْحَقِّ وَقَالَ اللَّهُ لَئِن لَّمْ يَتُوبَا إِلَىَّ وَبُوءَا بِعَهْدِي فَلَيْسَ بِيَدِي عَذَابُهُمْ وَتَكْفُورُهُمْ أَلَمْ يَكْفُرُوا بِيَدِي عَذَابُهُمْ وَتَكْفُورُهُمْ أَلَمْ يَكْفُرُوا بِيَدِي عَذَابُهُمْ وَتَكْفُورُهُمْ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ<sup>ط</sup>

[فقط] همدیگر را دوست اند و آنکس از شما که آنها را دوست گیرد پس یقیناً او از آن آنها شد. یقیناً خداستمکاران را هدایت نمی دهد (۵۲)

پس آنان را که در دلهاشان مرضی است ببینی در آنها پرشتاب میروند گویند. میترسیم مبادا سختی زمان ما را برسد. پس نزدیک است که خدا بیآرد [روز] پیروزی یا امری از نزد خود. آنگاه پشیمان شوند بر آنچه در دلهای خود پنهان کنند (۵۳) و کسانی که ایمان آوردند گویند ای امانانند که به خدا قسمهای جدی خود میخورند که حتماً آنان باشما اند. اعمال ایشان بهدر رفت پس زیانکاران شدند (۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید مرکه از شما از دین خود برگردد پس حتماً خدا قومی را [ببدل] آورد که او ایشانرا دوست داشته و ایشان

وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ ۗ<sup>ط</sup>  
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝۵۲

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَآبِرَةٌ ۗ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصِيبَهُمْ أَوْ يَكْفُرْ مَا آسَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ ۗ نَدِيمِينَ ۝۵۳

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ آيْمَانِهِمْ ۗ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ ۗ حِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خُسْرِينَ ۝۵۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُجِبُّونَهُ ۗ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ

او را دوست داشته باشند - بر مومنان مهربان و بر کافران بسیار سخت باشند - در راه خدا جهاد کنند و از ملامت هر ملامت کننده ناترس باشند. این فضل خدا است. او اینرا میدهد هر که را دوستدارد و خدا گشایش بخشای صاحب علم دائمی است (٥٥)

یقیناً دوست شما فقط خدا است و رسول او و آنانکه ایمان آوردند آنانکه نماز را بیای دارند و زکوت دهند و آنانکه [بمحضور خدا] بتعظیم کمر خم کنندگانند (٥٦)

و هر که دوست گیرد خدا را و رسولش و آنانکه ایمان آوردند پس یقیناً گروه خدائی اند که ایشان پیروزمندان اند (٥٧)

ای کسانی که ایمان آورده اید از

عَلَى الْكُفْرَيْنَ يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۗ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ  
يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ٥٥

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا  
الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ  
وَهُمْ رَاكِعُونَ ٥٥

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا  
فَأِنَّ جَرْبَ اللَّهِ هُمْ الْغَالِبُونَ ٥٧

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ

++ آیت ٥٥: این آیت این خیال را رد میکند که کافر مرتدی قتل است و میگوید که اگر کسی از شما از دین مرتد گردد آنگاه خداوند شما را بیدلش قومی بزرگ اعطا میکند که ایشان با مومنان محبت داشته و در مقابل کافران استوار باشند.

آنانکه پیش شما کتاب داده شدند کسانیکه دین شما را به تمسخر و بازی گرفتند و کافران را دوستان برنگزینید و از خدا بترسید اگر شما مومنانید (٥٨)

و چون شما بنماز فراخوانید آنها آنرا بتمسخر و بازی میگیرند چه آنها قومی اند که عقل نکنند (٥٩)  
 بگو ای اهل کتاب از ما فقط برای این انتقاد میکنید که به خدا و آنچه بر ما نازل کرده شد و آنچه پیش از ما نازل کرده آمد ایمان آورده ایم و بر راستی که بسیاری از شما فاسقانند (٦٠)

بگو آیا شما را به بدتر ازین خبر دهم که نزد خدا [برای شما] پاداشی است؟ آنکس که خدا او را لعن کرد و بر او خشم گرفت و بعضی از آنها را بوزینگان و خوکان قرارداد در حالیکه آنها شیطان را پرستیدند همانها بدتر در رتبه و

اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ  
 أُوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ  
 أَوْلِيَآءَ ۗ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٥٨﴾

وَ إِذْ أَنْذَرْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هَاهُنَا  
 وَ لَعِبًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥٩﴾

قُلْ يَا هَلْ الْكِتَابِ هَلْ تَقْمُونَ مِنَّا إِلَّا  
 أَنْ أَمَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ  
 مِن قَبْلُ ۗ وَإِنَّ أَكْثَرَكُمْ فَسِقُونَ ﴿٦٠﴾

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَٰلِكَ مَثُوبَةً  
 عِنْدَ اللَّهِ ۗ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ  
 وَ جَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَ عَبَدَ  
 الصَّاغُوتَ ۗ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَ أَضَلُّ  
 عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٦٠﴾

گمراهتر از راه اند(٦١)

و چون نزد شما میآیند گویند ما ایمان آوردیم حالانکه آنها بکفر خود بداخل شده بودند و با همان خارج شدند و خدا داناتراست به آنچه پنهان کنند(٦٢)

و بسیاری را از آنها درگناه و تعدی و حرام خوردن آنان بر همدیگر پیشی گرفته بسیار کوشا می بینی. چه زشت است آنچه میکنند(٦٣)

چرا ربانیان و دانشمندان [مامور برنگهداری کلام الله] آنها را از گفتن آنان گناه را و از خوردن آنان حرام باز نداشتند. یقیناً زشت است آنچه میکردند(٦٤)

و یهودیان گفتند که دست خدا بسته است. دستهای خود آنها بسته است و لعنت شدند بموجب آنچه گفتند. بلکه مردود دست خدا باز است. او انفاق کند هرگونه میخواهد و آنچه برتوازخداى تو

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ<sup>٦١</sup> وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ<sup>٦٢</sup>

وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتَ<sup>٦٣</sup> لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ<sup>٦٤</sup>

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبُّ بَنِيُونَ وَالْأَجْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتَ<sup>٦٥</sup> لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ<sup>٦٦</sup>

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُوبَةٌ<sup>٦٧</sup> غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعْنُوا إِمَامًا قَالُوا<sup>٦٨</sup> بَلْ يَدُهُ مَبْسُوطَةٌ لَيْسَ يَنْفِقُ<sup>٦٩</sup> كَيْفَ يَشَاءُ<sup>٧٠</sup> وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا<sup>٧١</sup> وَالْقَيْنَا



نازل کرده شد البته بسیاری را از آنها درس رکشی و کفر بیفزاید و میان آنان تاقیامت دشمنی و کینه افکنده ایم. هرگاه آتش جنگ را برافروزند خدا آنها را فرونشاند و در زمین به گستردن فساددوندگی کنند و خدا فسادکاران را دوست ندارد (٦٥)

و اگر اهل کتاب ایمان آورده و تقوی بیش میگرفتند حتماً بدیهای آنان را از آنان دور مینمودیم و حتماً آنها را وارد باغهای پر نعمت میکردیم (٦٦)

و اگر آنها تورات و انجیل را و آنچه بر آنان از خدای آنان نازل کرده شد برپا میداشتند، آنگاه از فراز خود و از زیر پاهای خود میخوردند. گروهی از آنها میان <sup>٩</sup> رو اند در حالیکه چه زشت است آنچه بسیاری از آنان میکنند (٦٧)

بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ ۗ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٥٦﴾

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَادْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٥٧﴾

وَلَوْ أَنَّهُمْ آقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْفُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ مَحْتِ أَرْجُلِهِمْ ۗ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ ۗ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٨﴾

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ

بر تو از خدای توفروفرستاده شد و اگر بجانیآوری گویی پیغام او را رسانده ای و خدا تورا از مردم حفظ مینماید. یقیناً خدا به قوم

کافران هدایت نمیدهد (٦٨)

بگوای اهل کتاب نیستید بر امری تا آنگاه که بهای ندارید تورات و انجیل را و آنچه بر شما از خدای شما نازل کرده شد و البته آنچه بر تو از پروردگارتونازل کرده شد بسیاری را از آنها در سرکشی و کفر میفزاید. پس بر قومی کافر

افسوس مخور (٦٩)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و آنانکه یهود و صابی و مسیحی شدند هر که به خدا و روز آخرت ایمان آورد و نیکوکاری کرد پس نیست بیمی بر آنان و نه آنان اندوه

خورند (٧٠)

یقیناً ما میثاق بنی اسرائیل گرفتیم و بسوی آنان رسولی بیا

رَبِّكَ ۗ وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ ۗ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُتِّمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۗ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٦٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّاصِرِيُّ مَنُ امْنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٧٠﴾

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا ۗ كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا

فرستادیم. هرگاه آنان را رسولی آمد با آن چیزی که به دلهای آنان خوش نداشت آنگاه گروهی را تکذیب کرده و به گروهی ستیزه گری ظالمانه میپرداختند (٧١)

و پنداشتند که فتنه نخواهد بود. پس کور و کر شدند. باز از این پس خدا توبه قبول کرده بر آنان متمایل شد. باز هم بسیاری از آنان کور و کر ماندند و خدا بینای آن بود که انجام میدادند (٧٢)

همانا کفر کردند آنها که گفتند خدا او مسیح ابن مریم است در حالیکه مسیح میگفت: ای بنی اسرائیل به خدا پروردگار من و پروردگار خود عبادت کنید. برآستی او آنکه به خدا شریک قرار دهد پس یقیناً خدا بهشت را بر او حرام نموده و مأوی او آتش است و ستمکاران را کسی یاور نیست (٧٣)

البته آنها کفر کردند که گفتند

لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ ۖ فَرِيقًا كَذَّبُوا  
وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ﴿٧١﴾

وَحَسِبُوا ۖ أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمُوا  
وَصَمَّوْا ۖ ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا  
وَصَمَّوْا ۖ كَثِيرٌ مِنْهُمْ ۖ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا  
يَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ  
ابْنُ مَرْيَمَ ۖ وَقَالَ الْمَسِيحُ بَنِيَّ  
إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۖ إِنَّهُ  
مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ  
وَمَا أَوْهِنُ النَّارَ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ  
أَنْصَارٍ ﴿٧٣﴾

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ

ثَلَاثَةٌ وَمَا مِنْ آلَهِ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٤﴾

یقیناً خدا سومین سه است حالانکه  
جز معبودیگانه هیچ معبودی نیست  
و اگر باز نیایستند از آنچه میگویند  
آنگاه حتماً به کسانی از آنها که کفر  
کردند عذابی دردناک برسد (٧٤)

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونََهُ  
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧٥﴾

پس آیاتوبه کنان بسوی خدا خم  
نمیشوند و از او آمرزش نمی  
طلبند حالیکه خدا بسیار آمرزنده ی  
بارها رحم کننده است (٧٥)

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ  
خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ  
كَانَا يَأْكُلَنِ الطَّعَامَ أَنْظُرْ كَيْفَ  
نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظُرْ إِلَىٰ يَوْمِ كُفُونٍ ﴿٧٦﴾

مسیح ابن مریم فقط رسولی  
است. یقیناً رسولانی که پیش از  
او بودند در گذشته اند و مادرش  
درستکاره بود. هر دوی غذا می  
خوردند. بنگر چطور آیتهای خود  
را برای آنان بوضوح بیان می  
کنیم. سپس بنگر به کجا گول  
زده برده میشوند (٧٦) ++

++ آیت ٧٦: در این آیت نیز وفات حضرت عیسی را تذکر است زیرا واژه قدخلت بطوریکه قبلاً بیان شد برای گذشتن راه گفته نمیشود بلکه بروفات گفته میشود. برای این بیشتر دلیل اینست که او و مادرش هر دوی غذا میل میکردند گویی اکنون آندو غذا نمیخورند زیرا هر دوی در گذشته اند. اگر حضرت عیسی [ص ٢٦٢]

بگو آيا خدا را ترك کرده عبادت  
 ميكنيد آنچه را كه نه زيان و نه  
 سود شمارا اختيار دارد؟ و خدا  
 است كه اوبسيار شنوائى صاحب  
 علم دائمى است (٧٧)

بگو اى اهل كتاب! بناحق دردين  
 خود تجاوزگرى نكنيد و هواى  
 نفسانى آنمردم را پيروي نكنيد  
 كه پيش از شما گمراه شدند و  
 بسيارى را گمراه كردند و از راه  
 اعتدال گمراه شدند (٧٨)

كسانى از بنى اسرائيل كه كفر  
 كردند بر آنها از زبان داؤد و  
 عيسى ابن مريم لعنت افكنده شد  
 چه نافرمانى كردند و داشتند  
 تجاوز ميكردند (٧٩)

آنان بازنميايستادند ازبدى كه آن

بقية آيت ٧٦: بعلمت رفع الى السما طعام خوردن را ترك کرده اند انگاه حضرت  
 مريم كه برآسمان بالا نرفته اندو با اين وجود ايشان طعام خوردن را ترك کرده  
 اند. پيدااست كه علت وفات ايشان است. لذا حضرت مسيح نيز مانند مادر خود  
 غذا نميخورند زيرا كه ايشان نيز در گذشته اند.

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ  
 لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ  
 الْعَلِيمُ ﴿٧٧﴾

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ  
 غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ  
 ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا  
 عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٧٨﴾

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى  
 لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۗ ذَلِكَ بِمَا  
 عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٩﴾

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ ۗ

لَيْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٨٠﴾

را میکردند. یقیناً زشت بود آنچه  
میکردند( ٨٠ )

تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ  
كَفَرُوا لَيْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ  
أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ  
خُلْدٌ ﴿٨١﴾

بسیاری را از آنها میبینی دوست  
میگیرند آنها را که کفر کردند. البته  
زشت است آنچه نفسهای آنان  
برای آنان پیش فرستاد که خدا  
بر آنان خشناک شد و آنها مدت  
دراز در عذاب ماندگارند( ٨١ )

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا  
أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ  
وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿٨٢﴾

و اگر ایمان میداشتند به خدا و  
این پیغمبر و آنچه بر او نازل کرده  
شد هرگز آنها [کافران] را دوست  
نیگرفتند و اما بسیاری از آنها  
فاستاند( ٨٢ )

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا  
الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ  
أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا  
إِنَّا نَصْرِي ذَلِكَ يَأْتِيهِمْ قَسِيسِينَ  
وَرَهْبَانًا وَآلَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٣﴾

یقیناً در دشمنی آنانکه ایمان  
آوردند سختتر یهودیان و آنها را  
مییابی که شرک کردند و یقیناً در  
دوستی آنهاکه ایمان آوردند نزدیک  
تر آنها را مییابی که گویند ما مسیحی  
ایم چه در ایشان عبادت گذاران  
و اختیار کنندگان رهبانیت اند و  
اینکه ایشان تکبر نمیکنند( ٨٣ )

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ <sup>۸۴</sup> وَهُمْ كَمَا يَكُونُ فِي حَرْبٍ يَوْمَ يُبْعَثُونَ  
 تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا  
 عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا  
 فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿۸۴﴾

و هنگامیکه میشوند آنچه را که به  
 سوی این پیغمبر نازل کرده شد  
 بینی که چشان ایشان اشک ریزد  
 از آنچه حق را شناختند - گویند  
 پروردگارا! ما ایمان آوردیم. پس  
 ما را با گواهان بنویس (۸۴)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ  
 الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ  
 الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴿۸۵﴾

و چیست ما را که به خدا و به آن  
 حق ایمان نیاوریم که ما را آمده  
 است با آنکه آژمند بودیم که  
 پروردگار ما ما را به گروه نیکو  
 کاران درآرد (۸۵)

فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ  
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَلِكَ  
 جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۸۶﴾

پس خدا ایشان را پاداش داد  
 بموجب آنچه گفتند بهشتی که  
 در دامنه آنها نهرهای روان است.  
 ایشان در آنها جاویدانند و پاداش

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ  
 أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۸۷﴾

محسنان همین است (۸۶)  
 و کسانی که کفر کردند و آیات ما  
 را رد نمودند همانها اهل جهنم  
 اند (۸۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا  
 أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ

ای کسانی که ایمان آورده اید حرام  
 مگردانید آن پاکیزه‌های را که

لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۸۸﴾

خدا برای شما حلال نموده است و تجاوز نکنید. یقیناً خدا تجاوزگران را دوست ندارد (۸۸)

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿۸۹﴾

و بخورید حلال و پاکیزه‌های از آنچه خدا بشما رزق در داده است و تقوای آن خدا را پیش گیرید که شما به او ایمان آورندگان اید (۸۹)

لَا يُوَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تَطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۚ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۹۰﴾

خدا شما را به سوگندهای یاوه شامواخذه نکند اما شما را مواخذه کند به آن وعده های که قسمها خورده کردید. آنگاه کفاره این به ده مسکین طعام دادن است از [آن طعام] میانه که به خانواده خود اطعام کنید یا به آنان لباس دادن است یا گردن بنده آزاد کردنست پس آنکه ندارد پس روزه سه روز [گرفتن] است. این کفاره عهد شما است چون سوگند خورده باشید و از سوگندهای خود حفاظت کنید. اینگونه خدا آیتهای خود را برای



شما بصراحت بیان مینماید تا باشد  
 که شما سپاسداری کنید (۹۰) ++  
 ای کسانی که ایمان آورده اید  
 مسکرات و قمار باختن و بت  
 پرستی و تیرهای قمارمه ناپاک  
 و از عمل شیطان است. پس از  
 آنها اجتناب کنید تا باشد که شما  
 موفق شوید (۹۱)

یقیناً شیطان دوستدارد که از  
 طریق مسکرات و قمار میان شما  
 دشمنی و کینه بیفکند و شما را از  
 یاد خدا و از نماز باز دارد. پس  
 آیا شما باز ایستادگانید؟ (۹۲)

و از خدا اطاعت کنید و از رسول  
 اطاعت کنید و [از بدی] حذر کنید و  
 اگر پشت کنید پس بدانید که بر  
 رسول مافقط آشکارا ابلاغ کردن  
 است (۹۲)

کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ  
 وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ  
 عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ  
 تُفْلِحُونَ ﴿٩١﴾

إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ  
 الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ  
 وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ  
 فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩٢﴾

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ  
 وَاحْذَرُوا ۚ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا إِنَّمَا  
 عَلَى رَسُولِنَا الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿٩٣﴾

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

++ ایت ۹۰: در گفتگوی روزانه کلمات والله بالله را عادتاً بر زبان راندن قابل  
 مواخذه نیست ولی قسم را جداً بدروغ خوردن مورد مواخذه است.

کردند را گناهی نیست در آنچه بخورند آنگامه تقوی کنند و ایمان آورند و شایسته کاری کنند و باز [فرا تر] تقوی کنند و [فرا تر] ایمان آورند باز هم تقوی کنند و احسان کنند و خدا محسنان را دوست دارد (۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید حتماً خدا شمارا آزمایش کند از طریق چنین شکار که دستهای شما و تیرهای شما به آن برسد تا خدا نمایان سازد آنرا که غایبانه از او میترسند. پس آنکه پس از این تعدی نماید آنگاه برایش عذابی دردناک است (۹۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید شکار نکشید در حالیکه احرام گرفته اید و آنکه از شما آنرا بعمد بکشد آنگاه بطور کیفر مانند آن چهارپا که او کشت و دو دادگر از شما به آن فیصل دهند قربانی به کعبه

جَنَاحٍ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٤﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَبِئْسَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَلَاءَةً أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحِكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ ۚ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٥﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ ۗ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ

عَدَلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ ٥  
 عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ ٥ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ  
 اللَّهُ مِنْهُ ٥ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ٥

رسیده دادن است یا کفارهٔ غذا  
 دادن به مسکینان است یا معادل  
 آن روزه گرفتن است تا او عقوبت  
 کار خود را بچشد. خدا عفو نمود از  
 آنچه گذشت. پس آنکه تکرار کند  
 خدا از او انتقام گیرد و خدا  
 صاحب غلبه کامل انتقام گیرنده  
 است (٩٦)

أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعًا  
 لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ ٥ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ  
 الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا ٥ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي  
 إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ٥

برایشا شکار دریائی و طعام کردن  
 آن حلال کرده شد. این برای بهره  
 مندی شما و مسافران است و شکار  
 خشکی برایشا حرام کرده شد  
 مادامیکه احرام گرفته اید و خدا  
 را تقوی پیش گیرید که بسوی  
 او محشور کرده شوید (٩٧)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا  
 لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ  
 وَالْقَلَائِدَ ٥ ذَلِكَ لِيَتَّعَلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ  
 مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ  
 بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٥

خدا کعبه بیت حرام را موجب  
 پایداری [دین و اقتصاد] مردم قرار  
 داد و ماه حرام و [دامهای] قربانی  
 و دامهای فلاده بگردن بسته را.  
 این [تنبیه] است تا بدانید که خدا  
 میداند آنچه در آسمانها است و

آنچه در زمین است و اینکه خدا  
 به هر چیز دانا است (۹۸)  
 و بدانید که خدا سخت عقوبت  
 است و اینکه خدا آمرزنده ی  
 بارها رحم کننده است (۹۹)  
 نیست بر رسول مگر بخوبی ابلاغ  
 کردن پیغام را و خدا میداند آنچه  
 عیان کنید و آنچه نهان کنید (۱۰۰)  
 بگو ناپاک و باک یکسان نیست  
 هر چند فراوانی ناپاک ترا شکفت  
 آورد. پس ای خردمندان خدا را  
 تقوی کنید تا موفق شوید (۱۰۱)  
 ای کسانی که ایمان آورده اید نه  
 پرسید از آنچه شما که اگر بر شما  
 آشکار گردد شمارا ناپسند آید و اگر  
 از آنها پرسید می که قرآن نازل  
 شود برای شما فاش ساخته شود.  
 خدا از آنها نادیده گرفته است و  
 خدا آمرزنده ی بردبار است (۱۰۲)+

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ  
 اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۹۸﴾

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ  
 مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿۹۹﴾

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ  
 أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ  
 يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰۰﴾  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَسْيَاءِ  
 إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوَأُهُمْ إِن تَسْأَلُوا عَنْهَا  
 حِينَ يُنزَلُ الْقُرْآنُ تَبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ  
 عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۱۰۱﴾

++ آیت ۱۰۲: بسیاری از امور بوضاحت ممنوع نشدند و این در حق نوع انسان رحمتی  
 است و درخور موقعیت برای خود را بی کردن نیز اشاره است. اما بعضیها را [ص: ۲۷۱]

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿١٠٣﴾  
 مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ ۗ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۗ  
 وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٤﴾

البته قومی پیش از شما نیز این [سخنان] پرسیده بودند. سپس به آنها انکار کنندگان شدند (۱۰۳) و خدامقررنداشته است بحیره و نه سائبه و نه حام و اما آنها که کفر کردند بر خدادروغ میبندند و بیشتر آنها عقل نمیکنند (۱۰۴) ++

++ بقیه آیت ۱۰۲: عادت بود که هنگام نزول وحی سوالهای دگرگونه میکردند. آنگاه لازم بود که آنها پاسخ داده میشدند والا میپنداشتند که سوالهای که به خاطر خطور کند وحی به آنها پاسخ نمیگوید. در آیت مجاور ذکر از قومی است که در گذشته بود و گفته شود که آنان هنگام نزول وحی سوال کرده خودشان را به دشواریها روبرو کرده بودند.

++ آیت ۱۰۴: بحیره: "بَحْرَتُ الْبَعِيرِ" معنای است "شفتت اذنه شَقًّا وَاسِمًا" من گوش شتر را خوب شکافتم (مفردات) و بحیره آن شتر ماده را گویند که گوشهایش شکافته شده باشد. در زمان جاهلیت رسم بر این بود که چون شتر ماده ی دهه تا بچه میزاد گوشهایش را شکافته و آنرا آزاد میگذارند - نه کسی بر آن سوار میشد و نه آن بار میشد (مفردات). سائبه: منظور آن شتر ماده است که در چراگاه آزاد گذارده شود و آن نه از آبشخور بازداشته شود و نه از چرا. در زمان جاهلیت این رسم آنوقت بعمل میآمد چون آن شتر ماده پنج تا بچه را میزاد.

وصیلة: اینهم در زمان جاهلیت رسمی بود که چون بزی ماده دویچه نروماده را دو قلم میزاد آنها را ذبح نمیکردند تا با ذبح کردن یکی به دومین اذیت نشود. حام: گاوی نر که اگر از نسلش ده بچه زاده میشد آنرا میرامیدند و بر آن نه کسی سوار میشد و نه از آن کاری دیگر گرفته میشد و نه از آب و چرا بازداشته میشد.

ووقتی برای آنان گفته شود بیایید بسوی آنچه خدا نازل کرده است و بسوی رسول گویند، مارابس است آنچه پدران خود را برآن یافتیم. آیا اگر پدران آنان هیچ ندانستند و نه هدایت یافتند؟ [باز هم بس است] (١٠٥)

ای کسانی که ایمان آورده اید [تکلیف] بر شما نفسهای خودتان است. آنکس که گمراه شد شمارا زیان نرساند و قتیکه بر هدایت باشید. بازگشت جمیع شما بسوی خدا است. پس او شمارا آگاه سازد به آنچه شما میکردید (١٠٦)

ای کسانی که ایمان آورده اید چون به احدی از شما مرگ فرارسد هنگام وصیت برای گواهی میان خودتان دو گواه دامنند از خودتان گرفتن است. یا اگر در زمین سفر میکنید و مصیبت مرگ شما را برسد، دوتن دیگر غیر از خودتان

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٥﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ۗ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٦﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ ۗ

تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمْنَ  
بِاللَّهِ إِنْ أَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمًا وَلَوْ  
كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا  
إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ ﴿١٠٧﴾

را [گواه مقرر کنید]. شما آندو را  
پس از نمازی نگهدارید. اگر از  
آندو شك دارید پس آندو به خدا  
سوگند یادکنند که به این [گواهی]  
هیچ بهاء قبول نکنیم هرچند  
[خلاف] خویشاوند است و نه کتمان  
کنیم گواهی خدا را که در آن  
صورت یقیناً ما از جمله گناه  
کاران میشویم (۱۰۷)

فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا  
فَأَخْرَجَ يَوْمَئِذٍ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ  
اسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْأُولَىٰ فَيُقْسِمْنَ بِاللَّهِ  
لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا  
اعْتَدَيْنَا إِلَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٨﴾

پس اگر آگاهی حاصل شد که آندو  
مرتکب گناه شده اند آنگاه بجای  
آندوی دوتن دیگر از آنانکه بر علیه  
حقشان دوتن اولی مرتکب شدند  
بلند شوند. پس به خدا سوگند  
یادکنند که گواهی آنان راستتر  
از آن دو تن است و [از انصاف]  
تجاوز نکرده ایم. یقیناً در آن صورت  
ما از ستمکاران میشویم (۱۰۸)

ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا  
أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ  
أَيْمَانِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا ۗ وَاللَّهُ

این [طریق] نزدیکتر است که  
[گواهان اولی] گواهی رأی المین  
دمند و گرنه در بیم میمانند مبادا

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٠٨﴾

﴿١٠٨﴾ پس از سوگندهای آندو [دیگر] سوگندهای آنها رد کرده شود و برای خدا تقوی فراگیرید و گوش بازدمید و خدا قوم فاسقان را مدایت نمیدمد (۱۰۹)

روزیکه خدا مه رسولان را جمع کند و بپرسد: شما را چه جواب داده شد؟ [رسولان] گویند: ما را هیچ دانشی نیست یقیناً توئی که به غیبهها دانا هستی (۱۱۰)

و قتیکه خدا گفت. ای عیسی ابن مریم! بیاد آر آن نعمتم را بر خویش و بر مادرت چون تورا با روح القدس تایید کردم. تو در گهواره و کهلتنی به مردم حرف میزدی و چون تورا کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختیم و چون تو باذنم از گل مانند شکل پرنده خلق میکردی باز در آن می دمیدی پس باذنم پرنده ی میشد و باذنم کور و پیسی را شفا میدادی و

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ ۗ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿١٠٩﴾

إِذْ قَالَ اللَّهُ لِعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ ۖ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۖ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۖ وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۖ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي ۖ فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتَبْرِئُ الْأَكْمَامَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي ۖ وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي ۖ وَإِذْ كَفَّمْتُ بَنِي



إِسْرَاءَ نِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ  
فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا  
سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١١١﴾

چون باذنم مردگان را بیرون  
میآوردی و چون بنی اسرائیل را  
از تو باز داشتم آنگاه که بانسانه  
های تابان نزد آنان آمده بودی و  
کسانی از آنها که کفر کرده بودند  
گفتند، این چیزی جز جادوئی  
آشکارا نیست (۱۱۱)

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ امْنُوا بِي  
وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا  
مُسْلِمُونَ ﴿١١٢﴾

و هنگامیکه بسوی حواریان وحی  
فرستادم که بر من و رسولانم  
ایمان بیاورید، گفتند ما ایمان  
آوردیم و گواه باش به اینکه ما  
فرمانبرداران شده ایم (۱۱۲)

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِيَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ  
هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً  
مِّنَ السَّمَاءِ ط قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ  
مُؤْمِنِينَ ﴿١١٣﴾

چون حواریان گفتند: ای عیسی  
ابن مریم! آیا پروردگارتو را  
امکان است که برای ما خوانی  
نعمتها از آسمان فروآرد؟ [مسیح]  
گفت: برای خدا تقوی فراگیرید  
اگر شما مومنانید (۱۱۳)

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطَهِّرَ  
قُلُوبَنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ

ایشان گفتند: ما دوستداریم از  
آن بخوریم و دلهای ما اطمینان  
یابد و بدانیم که بما راست گفته

عَلَيْهَا مِنَ الشَّهِيدِينَ ﴿١١٤﴾

﴿١١٤﴾

ای و بر آن گواهان شویم (۱۱۴)  
عیسی ابن مریم گفت: ای خدا ای  
پروردگارا! خوانی نعمتها از  
آسمان بر ما فرود بیار که اولین  
مارا و آخرین مارا عیدی و آیتی  
از تو باشد و بما رزق اعطا کن و  
تو بهترین رزق دهندگانی (۱۱۵)

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا  
أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا  
عَيْدًا لِأَوْلَادِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ  
وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١٥﴾

قَالَ اللَّهُ إِنَّي مُنْزِلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ  
يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا  
أَلِيمًا ﴿١١٦﴾

﴿١١٦﴾

خدا گفت: حتماً آنرا بر شما نازل  
کنم. پس آنکه از شما بعداً ناسپاسی  
کند آنگاه حتماً او را عذابی دهم  
که هیچ يك از جهانیان رانخواهم  
داد (۱۱۶)

[و بخاطر آورد] و وقتی که خدا گفت،  
ای عیسی ابن مریم! آیا به مردم  
گفته بودی که من و مادرم را جز  
خدا دو معبود بگیرید؟ [عیسی]  
گوید، تو بپاکی. برایم غیر ممکن  
بود که سخنی میگفتم که به آن  
برایم حقی نیست. اگر آنرا گفته  
بودم پس حتماً تو آنرا میدانستی  
تو میدانی آنچه در دلم است و

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ لِعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ  
قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيَ إِلَهَيْنِ  
مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ  
لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ أَنْ  
كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي  
نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ  
أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿١١٧﴾

من نمیدانم آنچه در دل تو است.  
 یقیناً تو که به همه رازها نیک  
 دانائی (۱۱۷) ++

من برای آنان چیزی نگفتم جز آن  
 چه مرا امر کرده بودی که خدا را  
 عبادتکنید که پروردگارم و پرورد  
 دگارتان است و مراقب بودم بر  
 آنان تا دمیکه در آنان بودم. پس  
 گامیکه مرا وفات دادی بس تو بر  
 آنان مراقب بودی و تو بر هر چیز  
 گواه هستی (۱۱۸) ++

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ  
 اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۚ وَكُنْتُ  
 عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ ۚ فَلَمَّا  
 تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ ۚ  
 وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٨﴾

++ آیت ۱۱۷: سخن از این موضوع میرود که روز قیامت حضرت عیسی گویند که  
 هیچگاه من ب مردم این آموزش نداده بودم که من و مادرم را جز خدا به معبودیت  
 برگزینید. این امر از بایبل نیز ثابت است و در انجیل حتی یک آیت هم نیست  
 که در آن حضرت مسیح گفته باشند که من و مادرم را جز خدا معبود بسازید. بلکه  
 بعکس چون شیطان ایشان را بطور آزمایش گفت که مرا سجده کن باز هم ایشان به  
 او نکفتند که باید تو مرا سجده کنی.

++ آیت ۱۱۸: روز قیامت از این بیان حضرت مسیح که تا آنگاه که من میان آنان  
 بودم چیزی جز آن نگفتم که به من گفتی روشن میسازد که تا وقتیکه حضرت مسیح  
 در میان ایشان در فلسطین بودند هیچگاه ایشان آنانرا برای پرستش خود  
 نیاموختند اما چون از آنجا هجرت کردند بعد ما بخشی از قومش که پیشوای آنان  
 سنت پال بود حضرت مسیح را معبود برگزیدند.

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبَادُكَ ۚ وَإِنْ  
تَغْفِرَ لَهُمْ فإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ ﴿١١٩﴾

اگر عذابشان کنی باز هم آنان  
بندگان تویند و اگر برای آنان  
بی‌آمرزی پس یقیناً تو صاحب غلبه  
کامل صاحب حکمت ای (۱۱۹) ++  
خداوند گفت، این روزی است که  
راستگویان را راستگویی ایشان  
سود میدهد. آنان را باغهای است  
که در دامنه آنها نهرهای روانست.  
ایشان در آنها جاویدانند. خدا از  
آنان خوشنود شد و آنان از او  
خوشنود شدند. این پیروزی بسیار  
بزرگ است (۱۲۰)

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ  
صِدْقُهُمْ ۗ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ رَضِيَ اللَّهُ  
عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۗ ذَلِكَ الْفَوْزُ  
الْعَظِيمُ ﴿١٢٠﴾

پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه  
در آنها است از آن خدا است و  
او به هر چیز مدام قدرتمند  
است (۱۲۱)

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا  
فِيهِنَّ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٢١﴾

++ آیت ۱۱۹: حضرت مسیح علیه السلام از روی این آیه با حکمت بزرگ در حق  
گناهمکاران دعای آمرزش کرده اند که اگر تو آنان را عذاب کنی بندگان تویند و  
اگر بی‌آمرزی تو صاحب غلبه کامل و صاحب حکمت هستی.

## ۶ - سورة الانعام

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۶۶ آیت دارد.

آخرین آیت سوره گذشته حاکی از این امر بود که هر چه در تمام جهانها و در میان آنها است را مالك خدای متعال است و در آغاز این سوره مجدداً این ذکر با وضاحت بیشتر و شأن والاتر بدین ترتیب شده است که ستایش مخصوص برای آن خدای متعال به تنهایی است که آفریدگار زمین و آسمان است و برای پی بردن کنه وجود آنها با وجود حائل بودن تاریکیهای گوناگون آن نور فراست نیز اعطاء کرده شد که بوسیله اش آن تاریکیها پیوسته دور خواهد شد. پس پیشرفت علمی امروز پرده ای را از تاریکیهای آفرینش زمین و آسمان به طریقی برداشته است که پیوسته انسان را علمی بیشتر از گنه وجود آنها و مافیها، بدست میرسد و هر يك تاریکی به نور تبدیل میشود. بطوریکه در آغاز ذکر از دور شدن تاریکیهای آسمان یافت میشود همانطور ذکر از تبدیل شدن تاریکیهای دشت و دریا به نور نیز یافت می شود. ضمناً از آسمانها عذابها نیز بر انسانها بعلت تاریکیهای درونی ایشان، نازل میشود. آیت ۶۶ این سوره عبارت از این موضوع میباشد.

یکسو پژوهشگران علم اند که تاریکیهای آسمان و زمین در نتیجه پژوهش ایشان تبدیل به نور کرده میشود و از سوی دیگر آن بندگان بزرگ خداوند مانند حضرت ابراهیم علیه السلام و دیگرانند که خداوند ایشان را ملکوت زمین و آسمان نشان میدهد و نور آسمانی بر ایشان میبارد بطوری که در آیت ۷۶ ذکر میشود.

در این سوره پیوسته ذکر از پیغمبران و نازل شدن کتابها و نور هدایت برایشان، یافت میشود. بعلاوه در این سوره دانه های سربسته و هسته های را شکافته از تاریکیهای آنها جوانه زدن درختانی سرسبز را ذکر است. بر همین منوال ستارگان را ذکر است که چگونه آنها تاریکیهای دشت و دریا را دور کرده موجب رهنمائی مسافران میشوند.

در رکوع این سوره که با آیت ردیف ۹۶ میآغازد آیتی بزرگ عبارت از این موضوع است که از سبزه، دانه های رویهم چیده میرستد و باز میوه های میروئید، بایدبر فرایند رسیدن این میوه ها فکر کرد. کسانی را که به آیتهای خداوند مؤمن اند در این نشانه های بیشتر است.

ضمناً سبزه از کلوروفیل [CHLOROPHYLL] نمو میکند. این امر نشانه ای بزرگ است. پژوهندگان علم را در این هیچ عمل ارتقائی دیده نمیشود. این يك ماده شیمی است که از هر کدام ماده شیمی دیگر پیچیده تر است و بمحض آغاز زندگی ضرورت از کلوروفیل پیش میآید که انسان از آن بوجود آمد. آنگاه کلوروفیل کدام مراحل را عبور داده بوجود آمد، این مسئله هنوز هم لاینحل است. خصوصاً قابل توجه این امر است که کلوروفیل حیات را از نور میسازد و نه از آتش. همان موضوع نور که آن کدامین انقلابات را در زمین و آسمان بوجود آورد، در پایان این سوره، به اوج خود میرسد.

این سوره حاکی از چنین توهمات فرسوده از مشرکان است که مربوط به "انعام" یعنی دامهای است. خدای متعال آنها را موجب استواری زندگانی مردم قرارداد ولی آنان تمامی سخنان پر حکمت نسبت به دامها را بعلت رسم های مشرکانه ضایع دادند.

در پایان این سوره توضیح از حلال و حرام بودن نه تنها در تعلق دامها داده میشود بلکه سخنان از جهت حرام و حلال بودن امور اخلاقی نیز بیان شده است. به بیان دیگر همراه با حلال و حرام بودن غذاهای جسمانی ذکر از حلال و حرام بودن غذاهای روحانی نیز رفته است. علاوه بر آن تعلیم از نشان دادن حسن عمل را در حق والدین که برای فرزندان خود متحمل به زحماتی طاقت فرسا میشوند، آموخته میشود.

منتها، در پایان این سوره چنین آیتی است که فرمانبردار بودن آنحضرت ﷺ را برای پروردگار خود با آن کمال ذکر میکند که ذکر کردن بهتر از آن امکان ندارد و در تمامی کتابهای آسمانی، آیتی عبارت از این موضوع یافت نمیشود. آنحضرت ﷺ فرمان میشوند که اعلام کنند، نمازهایم و قربانیهایم همه آنها، نه تنها از دامهای چهارپا بلکه قربانیهای احساسات قلبی، زندگانیم و مرگم خالصاً برای خدای من و اگذار شده است.

☆ سُورَةُ الْاِنْعَامِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَسِتُّ وَاسْتُونَ آيَةٌ وَعَشْرُونَ رُكُوعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)  
ستایش مطلق برای خدا است  
آنکه آسانها و زمین را آفرید و  
تاریکیهاونورها پدیدآورد. بازهم  
کسانیکه کفر کردند به پروردگار  
خود شرك میورزند(۲)

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ  
وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمٰتِ وَالنُّوْرَ ۗ ثُمَّ  
الَّذِیْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهَمْ یَعْدِلُوْنَ ①

او است آنکه شمارا از گل آفرید  
سپس نهایت زمانی راتعمین کرد  
و[علم] نهایت زمانی معین نزد او  
است بازهم شهادودلی کنید(۳)++  
و همان خداست درآسانها و در  
زمین. او میداند نهان شمارا و عیان  
شمارا و میداند آنچه میکنید(۴)

هُوَ الَّذِیْ خَلَقَكُمْ مِّنْ طِیْنٍ ثُمَّ قَضٰی  
اَجَلًا ۗ وَاَجَلَ مَسٰی عِنْدَهٗ ثُمَّ اَنْتُمْ  
تَمْتَرُوْنَ ①

وَهُوَ اللّٰهُ فِی السَّمٰوٰتِ وَفِی الْاَرْضِ ۗ  
یَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَیَعْلَمُ مَا  
تَكْسِبُوْنَ ①

++ آیت ۳: از کلمه "اجل" مرگ تصادفی یا مرگ از بیماری منظور است که میتوان قبل از آن مدت معین پیش آید که برای عمر عادی امکان پذیر است. مثلاً انسان هم برای صنائع خود اجل مسمی مقرر میکند مثلاً فلان فلان پل حداکثر برای فلان مدت درست کار میکند و از آن پس خراب کرده شود ولی تصادفاً میتوان زودتر از اجل مسمی [مدت معین] از بین برود.



و آنان را هیچ آیتی از آیت‌های  
 پروردگار آنان نیاید مگر از آن  
 اعراض کنندگانند (۵)

پس آنان تکذیب کردند بحق هر  
 گاه آنانرا آمد. پس بزودی آنانرا  
 خبرهای [تکمیل] آن [سخن] برسد که  
 به آن استهزاء میکردند (۶)

آیندیدند که چه بساقومهای پیش  
 از آنان را هلاک نمودیم که آنان  
 را آن قدرت در زمین داده بودیم  
 که چنان قدرت بشان داده ایم و  
 بر آنها ابرها، بارانی ریزه ریز  
 باریده فرستادیم و نهرهای ساختیم  
 که به تصرف آنها روان بود. سپس  
 آنان را بعلت گناهان آنها هلاک  
 نمودیم و پس از آنان دیگر قومهای  
 را رشدونمو دادیم (۷)

و اگر کتابی نوشته در کاغذ بر تو  
 نازل میکردیم باز آنرا با دستهای  
 خود لمس میکردند حتماً آنها که کفر  
 کردند میگفتند، این فقط جادوئی

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا  
 كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٥﴾

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ۖ فَسَوْفَ  
 يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٦﴾

أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ  
 قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ  
 لَهُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا  
 وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ  
 فَآهَلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ  
 بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٧﴾

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَابٍ  
 فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا  
 إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٨﴾

آشکار است (۸)

و گویند چرا فرشته بر او نازل نه کرده شد؟ بگو اگر فرشته را نازل میکردیم حتماً کار گذرانیده میشد آنموقع آنها هیچ فرصتی داده نمی شدند (۹)

و اگر این [رسول] را فرشته ی بر میگزیدیم [باز هم] حتماً او را [به شکل] آدمی بر میگزیدیم و امر را بر آنها مشتبه میداشتیم آنچه را [حالا] مشتبه میپندارند (۱۰)

و یقیناً پیش از توهم به پیغمبران تمسخر شد. پس آنرا که به ایشان تمسخر کردند آن [سخن] فرا گرفت که به آن تمسخر میکردند (۱۱)

بگو. سیر کنید در زمین سپس بنگرید فرجام مکذبان چطور [بد] بود (۱۲)

بگو از آن کیست آنچه در آسمانها و زمین است؟ بگو از آن خدا است. او رحمت را بر خود فرض

وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ الْقَضِي الْأَمْرُ لَمَّا لَا يُنظَرُونَ ﴿۸﴾

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا ۖ وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ ﴿۹﴾

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْ بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۱۰﴾

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿۱۱﴾

قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ قُلْ لِلَّهِ ۖ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۖ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۖ

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ  
لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾

کرده است و حتماً شمارا تا روز  
قیامت گرد آورد در چه شکی نیست  
و کسانی که بخوبیشتن زیان دادند  
پس آنها ایمان نخواهند آورد (۱۳)  
و از آن او است آنچه در شب و  
روز ساکن شود و اوبسیار شنوای  
دانا است (۱۴)

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۗ وَهُوَ  
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٤﴾

بگو، آیا بفیروز خدا که ابداع کننده  
آفرینش آسمانها و زمین است کسی  
دیگر را دوست بگیرم؟ در حالیکه  
او میخورد و خورانیده نمیشود.  
بگویقیناً من فرمان شده ام که  
اولین مر آنکس باشم که ایمان  
آورد و هرگز از مشرکان مباش (۱۵)  
بگو اگر پروردگار خود را نافرمانی  
کنم یقیناً من از عذاب روزی بزرگ  
میتروسم (۱۶)

قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ اتَّخَذُ وَلِيًّا فَاطِرِ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُهُ وَلَا  
يُطْعَمُ ۗ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ  
مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٥﴾

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ  
يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٦﴾

کسیکه آنروز [عذاب] از او  
برگردانده شود آنگاه یقیناً او بر  
اوترحم کرد و این پیروزی آشکار  
است (۱۷)

مَنْ يُضْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ ۗ  
وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾

و اگر خدا بتو زیان برساند پس نیست آنرا دورکننده ای جز او و اگر او تو را خیری رساند پس او بر هر چیزی مدام قدرتمند است (۱۸)

و او بر بندگان خود باشان جلالی غالب است و او صاحب حکمت مدام آگاه است (۱۹)

بپرس، کدام سخن بزرگتر گواهی است؟ بگو: خدا بین من و بین شما گواه است و این قرآن بسوی من وحی شده است تا با آن مشدار دم به شما و هر کس را که این برسد، آیا شما حتماً گواهی می دهید که جز خدا معبودانی دیگر هستند؟ بگو، من گواهی نمیدهم بگو: یقیناً فقط او معبودیگانه است و یقیناً من برکنار ام از آنچه شما شرک میورزید (۲۰)

کسانیکه ما به ایشان کتاب دادیم آنرا میشناسند بطوریکه فرزندان خود را میشناسند، آنانکه خود را

وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۗ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۸﴾

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۗ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿۱۹﴾

قُلْ أَمُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً ۗ قُلِ اللَّهُ شَهِدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَىٰ ۗ قُلْ لَا أَشْهَدُ ۗ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿۲۰﴾

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ ۗ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۲۱﴾

به خسارت انداختند پس آنها

ایمان نیارند (۲۱)

و کیست ستمکارتر از آنکس که بر

خدا دروغ بربافت یا به آیت‌های

او تکذیب کرد. یقیناً ستمکاران

موفق نمی‌شوند (۲۲)

و روزیکه جمیع آنها را جمع کنیم

باز آنها که شرک ورزیدند را گوئیم

کجا اند شریکان شما که شما آنان

را [شریک خدا] می‌پنداشتید؟ (۲۳)

سپس هیچ فتنه آنها باقی نماند جز

اینکه گویند، سوگند به خدای ما

که پروردگار ما است هرگز ما

مشرکان نبودیم (۲۴)

نگاه کن چگونه خلاف خود دروغ

گویند و آنچه برمی‌بافتند از آنها

گم گردد (۲۵)

و از آنان کسانی که گوش به تو

فرا میدهند در حالیکه بر دل‌های

آنان پرده افکنده ایم [بعلت آن

ممکن نیست] که آنرا درک کنند و

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ

الظَّالِمُونَ ﴿۲۱﴾

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ

أَشْرَكُوا آئِينَ شُرَكَاءِكُمْ وَالَّذِينَ كُنتُمْ

تَزْعُمُونَ ﴿۲۲﴾

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِئْتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ

رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿۲۳﴾

أَنْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۲۴﴾

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۗ وَجَعَلْنَا

عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي

أَذَانِهِمْ وَقْرًا ۗ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمَةً

در گوشه‌های آنان سنگینی است و اگر نشانه‌ی تمامتر هم مشاهده کنند به آن ایمان نیاورند [بیبیک اند] تا آن انتها که چون نزد تو آیند به تو محاجه کنند. کسانی که کفر کردند گویند این فقط داستانهای پیشینیان است (۲۶)

و آنان از آن باز میدارند و هم [خودشان] از آن دوری میجویند و نیستند ملامت کنندگان جز خودشان را و درک نمیکنند (۲۷)

و کاش میدیدی چون بر آتش [کمی] نگه داشته شوند پس گویند ای کاشکی بازگردانیده شویم و به آیتهای پروردگار خود تکذیب نه کنیم و از مومنان بشویم (۲۸)

حقیقت اینست که برای آنان پدیدار شده است آنچه قبلاً پنهان میداشتند. اگرچه برگشت داده شوند حتماً آنرا تکرار کنند که از آن نهی شده بودند و حتماً آنها

لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ  
يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا  
إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْهَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ  
يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا  
يَشْعُرُونَ ﴿٢٧﴾

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا  
يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا  
وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٨﴾

بَلْ بَدَّلَهُمْ مَا كَانُوا يَحْفُوفُونَ مِنْ قَبْلُ  
وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ  
لَكَذِبُونَ ﴿٢٩﴾

دروغ گویانند (۲۹)

و گویند، نیست این [زندگانی] جز  
زندگانی این دنیای ما و هرگز ما  
برخیزانده نشویم (۳۰)

و کاش! میتوانستی بنگری چون  
روبروی پروردگار خود بازداشت  
شوند. [خدا] گوید، آیا این حق  
نیست؟ گویند، بلی سوگند به  
پروردگار ما [این حق است]. او  
گوید، پس عذاب را بجشید چه  
شما انکار میکردید (۳۱)

یقیناً زیان کردند آنها که بملاقات  
خدا انکار کردند تا آنگاه که چون  
ساعت آنها را ناگهان آمد گفتند:  
وانفسا! بر آن کوتاهی که در این  
میکردیم و آنها بار خود را بر پشت  
های خود بردارند. باش! چه زشت  
است آنچه بردارند (۳۲)

و زندگانی دنیا بازی و سرگرمی  
محض برای تکمیل خواهشهای  
نفسانی طریقی است که از برتر

وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا  
نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿۲۹﴾

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۖ قَالَ  
أَلَيْسَ هَذَا بِالدُّنْيَا الْحَقِّ ۖ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۚ  
قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ  
تَكْفُرُونَ ﴿۳۰﴾

بَع

كَذْخِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ ۖ هَٰئِهِ  
إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ ۖ بَغْتَةً قَالُوا  
يَحْسِرَتْنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ  
يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ۖ  
أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ ﴿۳۱﴾

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ ۚ  
وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۚ

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۳۳﴾

هدف زندگانی بازدارد و خانه آخرت برای آنانکه تقویٰ پیش گیرند بهتر است. پس آیا عقل نمی کنند؟ (۳۳)

البته ما میدانیم آنچه میگویند تو را اندوه گین مینماید. پس در حقیقت آنها نه تنهابت و تکذیب کنند بلکه ستمکاران به آیتهای خدا انکار کنند (۳۴)

و یقیناً رسولانی پیش از تو هم تکذیب شدند. پس ایشان صبر کردند بر آنچه تکذیب کرده و آزاریده شدند تا آنگاه که ایشان رایاری ما رسید و کلمات خدا را کسی تغییر دهنده نیست و یقیناً تو را خبرهای آن رسولان آمده است (۳۵)

و اگر اعراض کردن آنان تو را گران گذرد پس اگر میتوانی تلاش کن سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان پس [بوسیله آن]

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بَايَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿۳۴﴾

وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا ۗ وَلَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۗ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَّبِيِّ الْأُمْرُسَلِينَ ﴿۳۵﴾

وَأِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ ۖ وَلَوْ



آنرا آیتی را بیار. و اگر خدا دوست داشت حتماً جمع آنها را بر هدایت گرد میآورد. پس از ناآگامان باش (۳۶)

تنها آنان لبیک گویند که گوش فرا دهند و خدا مردگان را برخیزاند باز بسوی او برگردانده شوند (۳۷) و گویند چرا آیتی بر او از پروردگار او فرو نفرستاده شد؟ بگویقیناً خدا تواناست بر اینکه آیتی بزرگ فرو آرد ولی بیشتر آنان ندانند (۳۸)

و نیست جنبنده ی در زمین و نه پرنده که [در آسان] با دو بال خود پرواز کند مگر ملتهای مانند شما اند. ما در کتاب چیزی فرو نگذاشته ایم. منتها بسوی پروردگار خود محشور کرده شوند (۳۹)

و کسانی که به آیتهای ما تکذیب کردند در تاریکیها [سرگردان] گردند و گنگ اند. خدا هر که را خواهد گمراه میگرداند و هر که را خواهد

شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿۳۶﴾

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ <sup>آیات</sup> وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ <sup>مُتَّقِينَ</sup> يُرْجَعُونَ ﴿۳۷﴾

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۸﴾

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّةٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿۳۹﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّوا وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلُهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۴۰﴾

برصراط مستقیم قرار میدهد (۴۰)  
 بگو: آیا انگاشدید که اگر شما را  
 عذاب خدا بیاید یا بیاید شما را  
 ساعت سختی آیا خواهید خواند  
 کسی را بغیر از خدا؟ اگر شما  
 راستگویانید (۴۱)

[نخیر] بلکه او را خواهید خواند.  
 آنگاه او اگر بخواهد دور کند آن  
 [سختی] را که بسوی آن [او را  
 برای یاری] میخوانید و فراموش  
 کنید آنچه شرك میورزید (۴۲)

و یقیناً بسوی بساملتها قبل از تو  
 [رسولان] فرستادیم. پس آنانرا گاه  
 بسختی و گاه بتنگی گرفتیم تا باشد  
 که تضرع کنند (۴۳)

پس چرا هنگامیکه آنانرا سختی  
 ما رسید به زاری نیفتادند. اما دل  
 های آنان سفت شده بود و شیطان  
 برای آنان مزین ساخت آنچه  
 میکردند (۴۴)

پس هرگاه فراموش کردند آنچه

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ  
 أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ  
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۰﴾

بَلْ إِلَٰهَ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ  
 إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿۴۱﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ  
 فَآخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ  
 يَتَضَرَّعُونَ ﴿۴۲﴾

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ  
 قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ  
 مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۴۳﴾

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ

را که به آن بشدت تذکر داده شده بودند پس دربهای مرچیز را بر آنها باز نمودیم تا آن انتها که چون آنها به آنچه اعطا شده بودند فرحناک شدند ناگهان آنها را بگرفتیم پس فوراً آنها نومید شدند (۴۵)

پس ریشه قومیکه ستم میکردند برکنده شد و ستایش مطلق برای پروردگار همه جهانهاست (۴۶)

بگو آیا انکاشتید، خدا اگر برگردد شنوائی شما و بینائی شما و بر دلهایتان مهنهد کدام معبود است جز خدا که آن [نیرو] را بشما [باز] بیآرد. نگاه کن چطور آیتها را جرخانده بیان میکنیم بازهم آنها روگردانی میکنند (۴۷)

بگو، آیا انکاشتید، اگر عذاب خدا شمارا ناگهان بیاید یا آشکارا آیا کسی [دیگر] هلاک جز قوم ستم گران کرده شود (۴۸)

أَبْوَابِ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿۴۵﴾

فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا ۖ<sup>ط</sup>  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۶﴾  
قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ  
وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ مَنْ  
إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ ۗ أَنْظُرْ كَيْفَ  
نُصِّرُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِقُونَ ﴿۴۷﴾

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ  
بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ  
الظَّالِمُونَ ﴿۴۸﴾

ومانی فرستیم رسولان را مگر مژده دهندگان و بی‌دمنندگان پس آنکه ایمان آورد و اصلاح کند آنگاه نه آنان در بیم باشند و نه آنان اندوه خورند (۴۹)

وآنانکه آیات ما را تکذیب کردند به آنها عذاب میرسد بدانعلت که داشتند زشتکاریها میکردند (۵۰) بگو: نمیگویم بشما نزد گنجهای خدا است و نه غیب را دانم و نمی‌گویم به شما که من فرشته‌ی ام - پیروی نمیکنم جز آنچه را که به سوی من وحی کرده میشود. بگو آیا کور و بینا یکسانند؟ پس آیا تفکر نمی‌کنید؟ (۵۱)

و بوسیله این [قرآن] هشدار بده ایشان را که میترسند که بسوی پروردگار خود محسور کرده شوند. آنانرا جز این [قرآن] نکسی ولی است و نه شفاعت کننده - تا باشد که تقویٰ پیش گیرند (۵۲)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۚ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٥٠﴾

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ ۚ إِن تَبِعُوا إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۗ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥١﴾

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٥٢﴾

و طرد مکن آنان را که صبحگاهان و شامگاه پروردگار خود را در تلاش خوشنودی او میخوانند. هیچ از حساب آنان بر تونیست و نه از حساب تو بر آنانست. اگر [با این وجود] آنانرا طرد کنی پس از ستمکاران شوی (۵۳)

و اینگونه بعضی از آنان را به بعضی آزمایش میکنیم تا میگویند، آیا [بس] آنانند از میان ما که خدا بر آنها منت نهاده است؟ آیا خداداناتر به سپاسداران نیست؟ (۵۴)

و چون نزد تو آیند کسانی که به آیات ما ایمان میآیند پس بگو سلام بر شما. پروردگار شما رحمت را [برای شما] بر ذرات خود فرض نموده است [یعنی] کسی از شما که بدی از او به نادانی سرزند سپس توبه کند و اصلاح نماید آنگاه یقیناً او بسیار آمرزنده بارها رحم کننده است (۵۵)

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۗ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَفَطْرُدُهُمْ فَتَكُونُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٣﴾

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿٥٤﴾

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا قُلْ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ ۚ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۚ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا أَوْ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٥﴾

و اینطور آیتها را تفصیل دهیم و  
[اینست] تا راه مجرمان آشکار  
گردد (۵۶)

بگویقینا نهی شده ام تا عبادت  
کنم آنها را که جز خدا میخوانید.  
بگو مرکز تقلید از هوای نفسانی  
شما نکند [الا] حتماً بیدرنگ گمراه  
میشوم و من از هدایت یافتگان  
نباشم (۵۷)

بگو، یقیناً من از پروردگار خود بر  
دلیلی روشن استوارم و شما آن  
را رد کرده اید. نیست بدست من  
آنچه برای آن تعجیل کنید. داوری  
فقط بدست خدا است. او سراینده  
حق است و او بهترین داوران  
است (۵۸)

بگو اگر بدست من بود آنچه به  
آن تعجیل میکنید حتماً کار میان  
من و شما گذرانیده میشود و خدا  
داناتر به ستمکاران است (۵۹)  
و کلیدهای غیب نزد اوست. آنها

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ  
سَيَلِّمُونَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٥٦﴾

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ  
مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا اتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ  
قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿٥٧﴾

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ  
مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ  
الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضِ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ  
الْفَصِلِينَ ﴿٥٨﴾

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ  
لَقَضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ  
أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا

هُوَ<sup>ط</sup> وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ<sup>ط</sup> وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ<sup>ط</sup> إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَأْسِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ<sup>١٥</sup>

را جزا و کسی نمیداند و او میداند آنچه در دشت و دریا است و برگی فرو نمیریزد مگر او آنرا میداند و دانه ای در تار و پودهای زمین [نهان] نیست و نه چیزی تر و نه خشک مگر در کتابی آشکار [مذکور] است (۶۰)

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى<sup>ج</sup> ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ<sup>ع</sup>

و او است آنکه شمارا در شب [بصورت خواب] اوقات میدمد و می داند آنچه در روز کردید. سپس شما را در آن [بگناه روز] برمیخیزاند تا نهایت زمانی معین [شما] بپایان برده شود. سپس بازگشت شما به سوی او است. سپس شمارا آگاه سازد به آنچه می کردید (۶۱)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً<sup>ط</sup> حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ<sup>١٦</sup>

و او بر بندگان خود با شأن جلالی غالب است و بر شما نگهبانان می فرستد تا آن نهایت که چون به کسی از شما مرگ برسد فرستادگان ما او را اوقات میدهند و ایشان هیچ بهلوی را فرو نمیگذارند (۶۲)

سپس بسوی خدا که مولای حق ایشان است برگردانیده شوند. باش افرمان از آن اوست و او زود ترین حساب گیرندگانست (۶۳)

بگو کیست که شما را از تاریکی های دشت و دریا نجات میدهد - او را بزاری و پنهانی میخوانید که اگر ما را از این [سختی] نجات دهد حتماً ما از سپاسگذاران شویم (۶۴)

بگو خدا است که شما را از آن و از مراندومی نجات میدهد. باز هم شما شرك میآورید (۶۵)

بگو او قدرتمند است که عذاب را بر شما از فوق شمایا از زیر پایهای شما بفرستد یا شما را به شك مبتلا کرده گروه گروه بسازد و بعضی را از شما سختی از جانب بعضی بچشاند. بنگر دلایل را چطور تغییر داده بیان کنیم تا باشد که بفهمند (۶۶)

ثُمَّ رُدُّوْا اِلَى اللّٰهِ مَوْلٰهُمُ الْحَقُّ ۗ اِلٰهٌ الْحَكْمُ ۗ وَهُوَ اَسْرَعُ الْحٰسِبِيْنَ ﴿٦٣﴾

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلْمِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُوْنَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۗ لَئِنْ اَنْجٰنَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿٦٤﴾

قُلِ اللّٰهُ يَنْجِيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ اَنْتُمْ تُشْرِكُوْنَ ﴿٦٥﴾

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰۤى اَنْ يَّبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ اَوْ مِنْ تَحْتِ اَرْضِكُمْ اَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَّيَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَاسَ بَعْضٍ ۗ اَنْظُرْ كَيْفَ نَصْرَفُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُوْنَ ﴿٦٦﴾



وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۗ قُلْ<sup>ط</sup>  
لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ۗ<sup>ط</sup>

و قوم تو آنرا تکذیب کرده اند  
در حالیکه آن حق است. بگو من بر  
شما نگهبان نیستم (۶۷)

لِكُلِّ نَبَأٍ مُّسْتَقَرٌّ ۖ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝۱۸

هر پیشگوئی را نهایت زمان و جای  
گاه معین است و زود بدانید (۶۸)

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا  
فَاعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي  
حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۗ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ  
فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ

و چون بینی آنها را که به آیتهای  
ما ریشخند کنند پس اعراض کن از  
آنها تا حرف بغیر از آن بزنند و اگر  
شیطان از یاد تو ببرد پس بعد از  
بیاد آمدن هرگز با مردم ستمگران

الظَّالِمِينَ ۝۱۹

منشین (۶۹) ++

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ  
شَيْءٍ وَلَٰكِنْ ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝۲۰

و نیست چیزی از حساب آنها بر  
ایشان که تقوی فراگیرند. اما این  
تذکر است تا آنان تقوی را فرا  
گیرند (۷۰)

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَهَوًّا  
وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَّرِ بِهِ أَنْ  
تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ ۗ لَيْسَ لَهَا مِنْ

و بگذارید آنانرا که دین خود را  
ببازی و هزل گرفته اند و زندگانی  
دنیا آنها را فریب داد و بوسیله این  
[قرآن] آنان را تذکر کرده مبادا کسی

++ آیت ۶۹: منظور این نیست که برای همیشه از آنها قطع رابطه کنید بلکه نباید  
با آنها بنشینید تا آنگاه که از این عمل زشت خود داری نکنند.

دُونَ اللَّهِ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ ۗ وَإِنْ تَعْدِلْ  
كُلَّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا ۗ أُولَئِكَ الَّذِينَ  
أَبْسَلُوا بِمَا كَسَبُوا ۗ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ  
حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا  
يَكْفُرُونَ ﴿٧﴾

ع

ملاك شود بد آنچه بدست آورد حال  
آنکه نه اورا یاری است و نه شفاعت  
گری مگر خدا و اگر بجای خود مریک  
بدلی متقابل هم دمد از او گرفته  
نشود. همانند که ملاک کرده شدند  
بد آنچه بدست آوردند و آنان را  
نوشیدنی از آب جوشان و عذابی  
دردناکست چه کفر میکردند (۷۱)

بگو آیا بخوانیم آنچه راجز خدا که  
نه مارا سود میدهد و نه مارا زیان  
میزند و برپاشنه های خود باز  
گردیم پس از آنکه خدا بما هدایت  
داد مانند آنکس که شیطانها او را  
فریب داده در زمین سرگردان  
ساخته اند؟ او رایارانی باشند که  
به سوی هدایت فراخوانند که بیآ  
نرد ما. بگو: همانا هدایت آنست که  
هدایت خدائی باشد و ما امر شده  
ایم که برای پروردگار همه جهانها  
تسلیم شویم (۷۲)

و اینکه نماز را بپای دارید و او

قُلْ أَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا  
وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ  
هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ  
فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ ۗ لَهُ أَصْحَابٌ  
يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ ائْتِنَا ۗ قُلْ إِنْ هَدَىٰ  
اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَأَمِرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ  
الْعَالَمِينَ ﴿٧﴾

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَهُوَ الَّذِي

إِلَيْهِ يُخْشَرُونَ ﴿۷۲﴾

را تقوی اختیار کنید و او است  
آنکه بسوی او محشور کرده  
شويد (۷۲)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
بِالْحَقِّ ۗ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ۗ قَوْلُهُ  
الْحَقُّ ۗ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۗ  
عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۗ وَهُوَ الْحَكِيمُ  
الْخَبِيرُ ﴿۷۳﴾

و او است آنکه آسمانها و زمین  
را بحق آفرید و روزیکه گوید  
باش آنگاه آن رو نهد و منتها  
بشود. سخن او حق است و روزی  
که در صور دمیده شود پادشاهی  
از آن او است. اونهان و عیان رادانا  
است و او صاحب حکمت مدام  
آگاه است (۷۴)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَرَأْتَتَّخِذُ  
أَصْنَامًا آلِهَةً ۗ إِنِّي أَرَأَيْتَ إِذْ أُرِيكَ وَقَوْمَكَ  
فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۷۵﴾

و [بیاد آر] هنگامیکه ابراهیم به  
پدر خود آزر گفت، آیا بتان را  
بمعبودیت گرفته ای؟ براستی من  
تو و قوم تو را در گمراهی آشکار  
میبینم (۷۵)

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونُ مِنَ  
الْمُوقِنِينَ ﴿۷۶﴾

و اینگونه ما [حقیقت] پادشاهی  
آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان  
میدادیم تا او از یقین کنندگان  
باشد (۷۶)

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا ۗ قَالَ

پس چون تاریکی شب او را احاطه

هُذَارِئِي<sup>۷۶</sup> فَلَمَّا أَفَلَّ قَالَ لَا أَحِبُّ  
الْأَفْلِينَ<sup>۷۷</sup>

کرد او ستاره ای دید و گفت:  
[گویی] این پروردگارم است.  
پس چون آن فرو رفت، گفت: من  
فروفتگان را دوست ندارم (۷۷)+

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي<sup>۷۸</sup>  
فَلَمَّا أَفَلَّ قَالَ لَيْسَ لِي لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي  
لَا كُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ<sup>۷۹</sup>

پس چون او ماه تابان را دید گفت:  
[گویی] این پروردگارم است پس  
وقتی آنهم فرونشست گفت، اگر پرورد  
- دگارم مرا هدایت نمیکرد حتماً  
از گروه گمراهانان میشدم (۷۸)+

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي  
هَذَا أَكْبَرُ<sup>۸۰</sup> فَلَمَّا أَفَلَّتْ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي  
بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ<sup>۸۱</sup>

پس چون او به خورشید درخشان  
نگاه کرد، گفت، این پروردگارم  
است، این بزرگتر است. چون  
آنها فرو رفت گفت، ای قوم من  
بیزارم از آنچه شما شرک می  
آرید (۷۹)+

++ در آیات ۷۷ الی ۷۹ سخن از مشاجره حضرت ابراهیم با قوم خودشان گفته  
میشود که گاه بگاه تا سه روز ادامه داشت. حضرت ابراهیم برای دروغ در آوردن  
قوم خویش ستارگان را ذکر کرد که شما آنها را معبود میسازید درحالیکه آنها  
فرو میروند. باز فراتر از آن ذکر از ماه آورده گفت که برخی از شما اینتراپرستش  
میکنند با آنکه اینهم فرو میروند. پس در آخر خورشید را ذکر کرد چه بسیاری از قومش  
خورشیدپرستان بودند و گفت اگر چه این بزرگتر است و این را بر مقام [ص ۳۰۳]

یقیناً من آورده ام روی خود را  
مدام متمایل بسوی آنکه آسمانها  
و زمین را آفرید و من از مشرکان  
نیستم (۸۰)

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ خَائِفًا وَمَا أَنَا مِنَ  
الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٠﴾

و تومش با او محاجه می کرد. او  
گفت آیا در مورد خدا بمن محاجه  
میکنید در حالیکه او بمن هدایت  
داده است و من از [گزند] آنچیزها  
نمیترسم که با او شریک می  
گردانید جز اینکه خدا بخواهد  
چیزی. پروردگارم هر چیزی را بعلم  
احاطه کرده است. آیا پند نمی  
بذیرید (۸۱)

وَحَاجَّهٖ قَوْمُهُ ۖ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ  
وَقَدْ هَدَانِ ۗ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ  
إِلَّا أَن يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا ۗ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ  
شَيْءٍ عِلْمًا ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨١﴾

و چطور بترسم از آنچه شرک می  
آرید با آنکه خود نمیترسید که آن

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا  
تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ

بقیه صفحه ۳۰۲ ربوبیت آورده تعظیم میدمید اما بنگرید که اینهم فرو میرود لذا  
بجای خدا کسی دیگر را معبود قرار دادن شما دروغی محض است. درباره این آیت  
برخی از مفسران این زمان داستانی شگفت انگیز بیان میکنند که حضرت ابراهیم  
را پدرش در غار زندانی کرده بود و چون ایشان از غار بیرون آمدند نخست بار  
ستاره را دیدند و باز ماه را دیدند و باز خورشید را دیدند و اول بار ایشان را  
معلوم شد که آنها فرورفتگانند. اما این داستان درست نیست.

يُنزِلُ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًاۙ فَاٰیُّ  
الْفَرِیْقَیْنِ اَحَقُّ بِالْاٰمَنِۙ اِنْ كُنْتُمْ  
تَعْلَمُوْنَ ﴿۸۱﴾

تغیبات

چیزها را شریک خدا قرار میدهمید  
که در حق آن هیچ دلیلی بر شما  
فروفرستاده است. پس کدام یک  
از دو گروه شایسته تر است برای  
ایمن شدن اگر شما علم دارید (۸۲)  
کسانی که ایمان آوردند و ایمان  
خود را بستمکاری مبهم نساختند  
همانند که برای ایشان امن است  
و ایشان هدایت یافتگانند (۸۳)

تغیبات

الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَلَمْ یَلْبِسُوْا اِیْمَانَهُمْ  
بِظُلْمٍۙ اُوْلٰئِكَ لَهُمُ الْاٰمَنُۙ وَهُمْ  
مُّهْتَدُوْنَ ﴿۸۳﴾

وَ تِلْكَ حُجَّتُنَاۙ اَتَيْنَهَا اِبْرٰهیمَ عَلٰی  
قَوْمِهِۦ ۙ نَرْفَعُ دَرَجٰتٍۙ مِّنْ لِّشَآءٍۙ اِنَّ  
رَبَّكَ حَكِیْمٌ عَلِیْمٌ ﴿۸۴﴾

و این حجت ما بود که آنرا به  
ابراهیم خلاف قومش داده بودیم.  
ما مراتبی هر که رابخواهیم بالا می  
بریم یقیناً پروردگار تو صاحب  
حکمت صاحب علم دائمی است  
(۸۴)

و وی را اسحق و یعقوب دادیم همه  
را هدایت نمودیم و از پیش نوح  
را هدایت داده بودیم و از نژاد او  
داؤد و سلیمان و ایوب و یوسف  
و موسی و مارون را و محسنان  
را همین گونه پاداش میدهمیم (۸۵)

وَ وَهَبْنَا لَهٗۙ اِسْحٰقَۙ وَ یَعْقُوْبَ ۙ كُلًّا  
هَدِیْنٰۙ وَ نُوْحًا هَدِیْنٰۙ مِّنْ قَبْلُۙ وَ مِّنْ  
ذُرِّیَّتِهِۦ دَاوُدَۙ وَ سُلَیْمٰنَۙ وَ اٰیُوْبَ  
وَ یُوْسُفَۙ وَ مُوسٰی وَ هٰرُونَ ۙ وَ كَذٰلِكَ  
نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ ﴿۸۵﴾

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ ۗ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾

و زکریا و یحییٰ و عیسیٰ و ایلیاس را که همه از صالحان بودند (۸۶)

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۗ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾

و اسمعیل و الیسع و یونس و لوط و همه ایشانرا بر همه جهانها برتری دادیم (۸۷)

وَمِنَ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ ۗ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٨٨﴾

و از پدران ایشان و نسلهای ایشان و برادران ایشان [هم بعضی را فضیلت دادیم و] برگزیدیم و ایشانرا به صراط مستقیم هدایت دادیم (۸۸)

ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِ ۗ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحِطَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٩﴾

اینست آن هدایت خدا که او به آن مرکه از بندگان خود بخوامد رهنمائی میکند و اگر شرک می آوردند حتماً ضائع میشد از ایشان آنچه میکردند (۸۹)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَ وَالنَّبُوءَةَ ۗ فَإِنْ يُكْفُرْ بِهَا هُوَ لَا يُفْقَدُ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿٩٠﴾

ایشانند آنانکه ایشان را کتاب و حکمت و نبوت در دادیم. پس اگر این مردم از آن انکار کنند پس حتماً آنها بقومی واگذاریم که به آن منکران نباشند (۹۰)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْمُهُمْ  
اقتدِهٖ ۱ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۲  
إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ۳

ایشانند که خدا آنانرا هدایت داد. پس از هدایت ایشان اقتدا کن. بگو من بابت این از شما مزدی نمیطلبم. این برای همه جهانها فقط بندی است (۹۱)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا  
أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشِيرًا مِّنْ شَيْءٍ ۱ قُلْ مَنْ  
أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا  
وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجَعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ  
تُبَدُّونَهَا وَيُخْفُونَ كَثِيرًا ۲ وَعَلَّمْتُمْ مَا  
لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ ۱ قُلِ اللَّهُ  
كُذِّبَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ۳

و آنان قدر خدا را شایان قدر او نشناختند چون گفتند. خدا چیزی را بر بشری فرو نفرستاد. بگو. که آن کتاب را نازل کرد که موسی برای مردم نور و هدایت آورده بود؟ شما آنرا اوراقی پراکنده ساختید. [کمی] از آنرا آشکار مینمودید و بیشتر از آنرا نهان میکردید در حالیکه شما را آموختیم آنچه را نمیدانستید شما و نه پدران شما. بگو خدا است [هر چیز برای من]. پس آنها را در یاوه گویهای خود بازی کنان برهان (۹۲)

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبْرَكًا مُّصَدِّقًا  
الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ

و این کتابی خجسته است که آن را نازل کردیم تصدیق کننده آنکه پیش روی آنست و تاهشدار دمی



به مادر قریه ما و آنها که پیرامون آن اند و آنانکه به آخرت ایمان دارند و آنانکه بر نماز خود ننگ داری کنندگانند (۹۲)

و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بست یا گفت که بسوی من وحی فرستاده شد در حالیکه چیزی به سوی او وحی کرده نشد و آنکه گوید من کلامی شبیه به آن نازل کننده ام که خدا نازل کرده است. کاشکی مینگریستی آنگاه که ستمکاران در یورش سختیهای مرگ باشند و فرشتگان دست مای خود دراز کرده [گویند] جانهای خود بیرون آرید. امروز به عذابی زبون عقوبت کرده شوید بدانچه بر خدا بناحق میگفتید و شما از آیتهای او تکبر میکردید (۹۴) و البته بسوی ما همانگونه فردا فرد آمده اید که نخست بار شما را آفریدیم و نعمتهای که بشما داده

وَمَنْ حَوَّلَهَا<sup>۱</sup> وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ  
يُؤْمِنُونَ بِهِ<sup>۲</sup> وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ  
يُحَافِظُونَ<sup>۱۳</sup>

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا  
أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ  
وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ<sup>۱</sup>  
وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ  
الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ<sup>۲</sup>  
أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ<sup>۱</sup> الْيَوْمَ تُجْرُونَ  
عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى  
اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ  
تَسْتَكْبِرُونَ<sup>۱۴</sup>

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فِرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ  
أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ

ظُهُورِكُمْ<sup>ع</sup> وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ  
شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ  
شُرَكَاءُ ۗ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ  
عَنكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ<sup>ع</sup> ۝١٥

۱۱  
۱۷

بودیم را پشت سر نهاده اید و  
[چه شد که] با شما آن شفعیان  
را نمی بینیم که گمان میکردید  
که آنها در حق شما شریکان [خدا]  
اند. شما از هم جدا شدید و از شما  
ناپیداشد آنچه را شما [شريك] می  
پنداشتید (۹۵)

یقیناً خدا شکافنده دانه و هسته  
است. او زنده را از مرده بیرون  
میآرد و مرده را از زنده بیرون  
میآرد. اینست پروردگار شما پس  
کجا فریب برده میشوید (۹۶).

او شکافنده صبحگاهان است. او  
شب را ساکن قرارداد و خورشید  
و ماه [در گردش خود] تابع حساب  
اند. این تقدیر صاحب غلبه کامل  
مدام دانا است (۹۷) ++

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ ۗ يُخْرِجُ  
الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ  
الْحَيِّ ۗ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ فَآلَىٰ تَوْفُكُونَ ۝١٦

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ ۗ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا  
وَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ۗ ذَٰلِكَ  
تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝١٧

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا

++ آیت ۹۷: اینجا در مقابل گردش ماه و خورشید بجای زمین برای شب گفته میشود  
زیرا که مردم آنزمان زمین را ساکن میپنداشتند و در کلمه "سکنا" این معنا نیز  
شامل است که آن باعث آرامش است.

ساخت تا شما بوسیله آنها در تاریکی های دشت و دریا هدایت یابید. البته ما آیتهای را بصراحت بیان نموده ایم برای قومیکه دانشمند اند (۹۸)

واوست آنکه شمارا از یکتن آفرید پس قرارگاه موقت و جایگاه حفاظت مدام [ساخت]. یقیناً ما آیتهای را برای قومی صاحب فهم و تدبیر بتفصیل بیان کرده ایم (۹۹)

واوست که آب را از آسمان نازل کرد. پس به آن هر نوع روئیدنی را رویانیدیم. پس از آن سبزه را بیرون آوردیم و از آن در می آوریم دانه های روی هم چیده و از خرما از خوشه های آن میوه های بهم پیوسته و فرورفته و باغهای انگور و زیتون و انار را که [از این میوهها] بعضی مشابه و بعضی نامشابه است. بنگرید بسوی میوه هایش چون پرت می شود و آن برسد. یقیناً

بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٨﴾

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٩﴾

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۖ فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا ۖ وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَبْتِ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ ۗ نُنْظِرُ وَالْإِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾

در این آیه‌ها است برای قومیکه  
ایمان آورند (۱۰۰)

و آنها جنی را شریک خدا قرار داده  
اند حالانکه او آنها را آفریده است  
و برای او بدون علم پسران و  
دختران تراشیده اند. او پاک  
است و بلندتر است از آنچه می  
سرایند (۱۰۱)

او زمین و آسمان را ابداع کننده  
از عدم است. چگونه پسری برای  
او میتواند باشد در حالیکه او را  
زنی نیست و او هر چیز را آفریده  
است و او بهر چیز دانا است (۱۰۲)

این است خدا پروردگار شما. هیچ  
معبودی نیست جز او. او آفریدگار  
هر چیز است. پس او را عبادت کنید  
و او بر هر چیز نگهبان است (۱۰۳)

چشمان نتواند او را دریابد بلکه  
او به چشمان در رسد و او دقیق  
بین مدام آگاه است (۱۰۴) ++

یقیناً شمارا سخنان بصیرت بخش

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ  
وَخَرَاقُواله بَيِّنٌ وَبَدَتْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ٥  
سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰى عَمَّا يَصِفُونَ ٥

ع ١٨

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ٥ اَلّٰى يَكُوْنُ  
لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صٰحِبَةً ٥ وَخَلَقَ كُلَّ  
شَيْءٍ ٥ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ٥

ذٰلِكُمْ اللّٰهُ رَبُّكُمْ ٥ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ٥  
خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ٥ فَاَعْبُدُوْهُ ٥ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ  
شَيْءٍ وَّكِيْلٌ ٥

لَا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ ٥ وَهُوَ يُدْرِكُ  
الْاَبْصَارَ ٥ وَهُوَ اللّٰطِيْفُ الْخَبِيْرُ ٥

قَدْ جَاءَكُمْ بَصٰىرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ ٥ فَمَنْ

أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ<sup>٤</sup> وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا<sup>٥</sup>  
وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ<sup>٥٥</sup>

از پروردگار خود آمده است. پس آنکه بینا شد آنگاه بِنفع خود او است و آنکه کور ماند پس خلاف خود او است و من بر شما نگهبان نیستم (۱۰۵)

وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيَقُولُوا  
دَرَسْتَ وَلِتُبَيِّنَ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ<sup>٥٦</sup>

و اینگونه ما آیتهای پروردگار را گردانده بیان میکنیم تا بگویند که تو خوب آموزش گرفتی و خوب آموزش دادی و تا به روشنی بیان کنیم برای قومیکه علم دارند (۱۰۶)

إِتَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ<sup>٥٧</sup> لَا إِلَهَ  
إِلَّا هُوَ<sup>٥٨</sup> وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ<sup>٥٩</sup>

پیروی کن به آنچه که از پروردگار تو بر تو نازل کرده شد. هیچ معبودی نیست جز او و روی از مشرکان برگردان (۱۰۷)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا<sup>٦٠</sup> وَمَا جَعَلْنَاكَ

و اگر خدا میخواست شرک نمی

++ آیت ۱۰۴: مردم میپندارند که دید از گره چشم بیرون آمده چیزهای دور را میبینند حالانکه این آیت اینرا رد کرده و گفته است که روشنی خودش بجشم میرسد و همین موضوع بر اهل بصیرت خدای متعال صدق میکند. هیچکس را اختیار نیست که او خود خدای متعال را بجشم دل ببیند. البته خدا هرگاه خودش خواهد بر بندگان نیکان خود ظاهر میشود.

عَلَيْهِمْ حَفِيظًا<sup>۷</sup> وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ  
بِوَكِيلٍ<sup>۸</sup>

ورزیدند و تو را بر آنها محافظ  
مقرر نداشته ایم و نه تو بر آنها  
نگهبان ای (۱۰۸)

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ  
فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ<sup>۹</sup> كَذَلِكَ  
زَيَّالِكُمُ الْأُمَّةَ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ  
مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ<sup>۱۰</sup>

ودشنام ندمید آنها را که آنها جز خدا  
میخوانند الا دشمنی کنان بنادانی  
خدا را دشنام دهند. اینگونه هر قوم  
را اعمال ایشان زیباشان داده ایم.  
سپس بازگشت آنها بسوی پرور -  
دگار خود است. پس او آنها را آگاه  
سازد به آنچه میکردند (۱۰۹) ++

وَاقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ  
جَاءَتْهُمْ آيَةٌ<sup>۱۱</sup> لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلُوبُ الْإِنَّمَا  
الآيَةُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ<sup>۱۲</sup> إِنَّهَا إِذَا  
جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ<sup>۱۳</sup>

وسوگندمای جدی خدا یاد کرده  
گویند که اگر آنها را یکی آیت هم  
بیاید حتماً به آن ایمان آورند. بگو  
آیتها تماماً فقد نزد خدا است. اما  
شمارچه چیزی حالی کند هنگامی

++ آیت ۱۰۹: در این آیه گریه به عدالتندی عظیم الشان تعلیم داده میشود که به  
معبودانی دروغین مخالفان دشنام ندمید زیرا شما که میدانید که آنها دروغین اند  
اما مخالفان شما نمیدانند. بنابراین اگر آنان بنادانی به خدا فحش دادند آنگاه  
شما مسؤل اید. سپس این قاعده بیان میشود که به هر کس ایمان خود پسند میفتد.  
البته خداوند روز قیامت فیصل خواهد داد که کدام یک درست بود و کدام یک  
نا درست. البته کار در این دنیا نیز گذرانیده میشود ولی دروغگویان نمیفهمند.

که آن [آیت] ها می‌آید آنها ایمان  
نمی‌آرند (۱۱۰)

و دلهای آنان و چشمان آنان را  
دگرگون می‌سازیم بطوریکه اول  
باربه این [رسول] ایمان نیاورده  
بودند و آنها را در سرکشی خود  
سرگردان رها مینمایم (۱۱۱)

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ  
يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي  
طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١١﴾

١٢  
ع  
١١١

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ  
وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْلى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ  
قُبَلًا مَا كَانُوا لِيَوْمِنَا إِلاَّ أَنْ يَشَاءَ اللهُ  
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿١١٢﴾

و اگر نازل میکردیم فرشتگان را  
بر آنها و مردگان با آنها تکلم می  
کردند و هر چیز را روبروی آنها گرد  
میآوردیم باز هم نبودند که ایمان  
میآوردند جز اینکه خدا میخواست  
ولی بیشتر از آنان خود را بنادانی  
میزنند (۱۱۲)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ  
الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ  
زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ  
مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١١٣﴾

و اینگونه ما برای هر کدام پیغمبر  
شیطان های انسان و جن رادشمن  
قرار دادیم. برخی از آنها بسوی  
برخی سخنان آراسته ای را فریب  
داده وحی میکنند و اگر پروردگار  
تو میخواست اینطور نمیکردند.  
پس آنها و آنچه برمیافند را  
ترك کن (۱۱۳)

وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ  
بِالْآخِرَةِ وَلِيَرِضُوهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ  
مُقْتَرِفُونَ ﴿١١٤﴾

و تا دلهای آنانکه به آخرت ایمان  
نمیآورند، به سوی این [فریب]  
متمایل شوند و تا به آن دل  
بسپارند و تا آنها آنچه [اعمال  
زشت] که بدست آورنده اند بدست  
همیآرند (۱۱۴)



پس آیا غیر از خدا را حکم کننده  
خواهم با آنکه او است آنکه کتاب  
را بایان تفصیل تمام بسوی شما  
نازل کرد و آنانکه کتاب داده شدند  
میدانند که آن از پروردگار تو  
بحق نازل کرده شد. پس از شک  
کنندگان مباش (۱۱۵)

و سخن پروردگار تو از روی  
صداقت و عدالت بنهایت رسید.  
سخنان او را کسی تغییر دهنده  
نیست و او بسیار شنوای صاحب  
علم دائمی است (۱۱۶)

و اگر از بی بیشتر از اهل زمین  
روی تو را از راه خدا گمراه  
سازند. آنها پیروی نمیکنند جز گمان  
راو آنها فقط حدس میزنند (۱۱۷)  
یقیناً پروردگار تو داناتر است  
به آنکس که از راه او گمراه  
است و او به هدایت یافتگان  
نیز داناتر است (۱۱۸)

پس بخورید از آنچه بر آن نام

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ  
إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مَفْصَّلًا وَالَّذِينَ أُتَيْتَهُمُ  
الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ  
بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٥﴾

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا  
لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١١٦﴾

وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ  
يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِنْ يَتَّبِعُونَ  
إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٧﴾  
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ  
سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١١٨﴾

فَكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ

بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

خدا یاد شده است اگر به آیت‌های او مؤمنانید (۱۱۹)

و چیست شما را که نخورید از آنچه بر آن نام خدا یاد شده است درحالیکه او هرچه بر شما حرام است را تفصیل داده است مگر آنچه بسوی آن [از شدت گرسنگی] ناچار کرده شوید و البته بسیاری از بلا علم به هوای نفسانی خود [مردم را] گمراه سازند یقیناً پروردگارتو به تجاوزگران داناتراست (۱۲۰) و عیان گناه و نهان آن [مردو] را ترك کنید بر راستی کسانی که کسب گناه کنند حتماً پاداش داده شوند به آن [کار بدی] که می‌کردند (۱۲۱) و نخورید از آنچه بر آن نام خدا یاد نشود و یقیناً آن ناپاک است. و یقیناً شیطانها بسوی دوستان خود وحی میکنند تا بشما محاجه کنند و اگر از آنها پیروی کنید حتماً شما مشرکان شوید (۱۲۲)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا لِّيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿٣١﴾

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيَجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٣٢﴾

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ ۗ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَىٰ أَوْلِيَٰهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ ۗ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾

ۛ

أَوْ مَنْ كَانَ مِيثَاقًا حَيْنَهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا  
يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلَهُ فِي  
الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ  
زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲۳﴾

آیا آنکه مرده بود باز ما او را  
زنده کردیم و برای او نوری  
قرار دادیم که به آن در مردم راه  
رود مانند آنست که مثلش اینست  
که در تاریکیها باشد که هیچگاه  
از آن بیرون آینده نیست. اینطور  
کافران را زیبا نشان داده شود آن  
چه میکردند (۱۲۳)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا  
مُجْرِمٍ مِمَّنْ لَمْ نُكْرِمُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ  
إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۲۴﴾

و اینطور مادر مریک قریه ارشدان  
مجربان آن را نهادیم تا در آن  
تزویر کنند و تزویر نکنند مگر به  
جانهای خود و درک نکنند (۱۲۴)

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى  
نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ  
حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ۗ سَيُصِيبُ الَّذِينَ  
أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ  
بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿۱۲۵﴾

و چون آنان را آیتی بیاید گویند.  
مرکز ایمان نیاریم تا آنگاه که  
[نشانه ای] مثل آن داده شویم که  
[قبلاً] رسولان خدا داده شدند.  
خدا داناتر است که رسالت خود  
را کجا برگزیند و آنانکه جرم  
کردند یقیناً به آنها از جانب خدا  
ذلت و عذابی سخت برسد. چه  
داشتند نیرنگ میکردند (۱۲۵)

پس آنکس که خدا بخواهد که او را هدایت کند سینه او را برای اسلام باز میسازد و آنکه را خواهد که او را گمراه سازد سینه او را کاسته تنگ میگرداند گویی او زور کرده در [بلندی] آسمان بالای رود. اینگونه خدا بر آنها که ایمان نمیآرند پلیدی مینهد (۱۲۶)

و این راه راست پروردگارتو است. یقیناً ما آیتها را برای قومیکه پند گیرند آشکارا بیان میکنیم (۱۲۷)

برایشان نزد پروردگار ایشان خانه امن است و او ولی ایشان است بعلت آنچه میکردند (۱۲۸) و [بیاد آور] روزیکه جمیع آنها را محشور کند [و گوید] ای گروه جنها شاعوام الناس را استثمار کردید و یاران آنها از عوام الناس گویند پروردگار البعضی از ما از بعضی بهره کشی کردیم و به آن نهایت زمانی

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ  
لِلْإِسْلَامِ ۗ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ  
صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَسْمَاءَ ۖ كَمَا يَضَعُ فِي  
السَّمَاءِ ۗ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى  
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٦﴾

وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۗ قَدْ فَضَّلْنَا  
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٧﴾

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ  
بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٨﴾

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ۖ لِمَعْشَرِ الْجِنِّ  
قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ ۗ وَقَالَ  
أَوْلِيُّهُمْ مِّنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمَعَ  
بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَوَلَعْنَا أَعْبَأَ الَّذِي أَجَلَّتْ  
لَنَا ۗ قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ إِلَّا

خود رسیدیم که برای ما معین  
داشتی. او گوید، جایگاه شاتش  
است که مدت دراز در آن میمانید  
جز آنچه خدا بخواهد. یقیناً پیروز-  
دگار تو صاحب حکمت صاحب  
علم دائمی است (۱۲۹)

و اینگونه مابعضی ستمکاران را بر  
بعضی مسلط مینمایم بعلت آنچه  
کسب میکنند (۱۳۰)

ای گروه جنها و آدمیان آیا شما  
را رسولانی از خود شما نیآمدند  
که آیتهای برابر شما میخواندند و  
شمارابه ملاقات امروز شما هشدار  
میدادند؟ گویند، ما خلاف نفسهای  
خود گواهی دهیم و زندگی دنیا آنها  
را فریب داد و خلاف خود گواهی دهند  
که آنها کافران بودند (۱۳۱) ++

مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿۱۲۹﴾

وَكَذَلِكَ نُؤَيِّنُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا  
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۳۰﴾

يَمْعَشَرُ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ الْمَيَاتِكُمْ  
رَسُولٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي  
وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءِ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا  
شَهَدْنَا عَلَىٰ أَنفُسِنَا وَعَرَّثَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا  
وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿۱۳۱﴾

++ آیت ۱۳۱: کلمات "معشر الجن" را معنا مخلوقی بغیر از انسان نیست بلکه این کلمات  
دال بر اعیان انسانها و ابر قدرتها و نیز مردم کوچک و ملت های کوچک میباشد. اگر  
این درست نیست دیگر چرا رسولانی که بسوی جنهای آمدند بعلت مومن شدن، آنانرا  
نوید از بهشت نیدادند. هیچ جای در احادیث ذکر از موجودی جنها در بهشت نیست.

اینست چه پروردگارتو هیچ قریه  
را به ستم هلاک نمیکند حالیکه  
مردمش غافل باشند(۱۳۲)

و همه رادرجات است فراخور آن  
چه کردند و پروردگارتو به غفلت  
نیست از آنچه میکنند (۱۳۳)

و پروردگارتو بی نیاز و صاحب  
رحمت است. اگر بخواهد شمارا  
ببرد و برگزیند جانشین پس از  
شما آنکه را بخواهد بطوریکه شما  
را از نسل قومی دیگر پدید  
آورد(۱۳۴)

یقیناً به آنچه هشدار داده میشوید  
حتی الوقوع است و هرگز [مارا]  
عاجزکنندگان نیستید(۱۳۵)

بگو ای قوم من ابرجای خود بکنید  
آنچه توانید. البته منم کننده ام.  
پس زود بدانید که [بهترین] افرجام  
خانه برای کیست. یقیناً استمکاران  
پیروزمند نمیشوند(۱۳۶)

و برای خدا گزیده اند سهمی از

ذَلِكَ أَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى  
بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفِلُونَ ﴿١٣٢﴾

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا ۖ وَ مَا رَبُّكَ  
بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٣﴾

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ ۖ إِنْ يَشَاءُ  
يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ  
كَمَا أَنشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿١٣٤﴾

إِنَّ مَا تُوَعَّدُونَ لَأَتِي ۗ وَمَا أَنْتُمْ  
بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٥﴾

قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي  
عَامِلٌ ۚ سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۗ مَنْ تَكُونُ لَهُ  
عَاقِبَةُ الدَّارِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٦﴾

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مَا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ

آن مزرعه و دامهای که خود او آفریده است. پس گویند بزعم خود که این برای خداست و این برای شریکان ما است. پس آنچه برای شریکان آنها است به خدا نمیرسد و آنچه برای خدا است پس آن به شریکان آنها میرسد. چه زشت است آن فیصل که می دهند (۱۳۷)

و اینگونه بسیاری را از مشرکان شریکان آنها کشتن اولاد خود زیبانشان داده اند تا آنها را برباد دهند و دین آنها را بر آنها مشتبه سازند و اگر خدا میخواست این طور نمیکردند پس بگذار آنها و آنچه را برمیافند (۱۳۸)

و گویند بزعم خود که این دامها و کشت ممنوع است. آنها را کسی نخورد تا ما بخوایم و دامهای است که سواری بر پشت آنها حرام کرده شد و دامهای است که نام خدا بر

نَصِيًّا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِزْعِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا<sup>۷</sup> فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ<sup>۸</sup> وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ<sup>۹</sup> سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ<sup>۱۰</sup>

وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاءَهُمْ لِيَرُدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ<sup>۱۱</sup> وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ<sup>۱۲</sup>

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرِّتْ حِجْرًا<sup>۱۳</sup> لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ لَشَاءِ بِرِزْعِهِمْ وَأَنْعَامٌ حَرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءَ عَلَيْهِ<sup>۱۴</sup>

سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٦﴾

آنها نمیخوانند براو دروغ بسته.  
او آنها را حتماً کیفر دهد به آنچه  
بریافتند (١٣٩)

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ ۗ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَّهُمْ ۗ إِنَّهُ ۖ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٤٠﴾

وگویند آنچه در شکمهای این دام  
ماست به مردان ما اختصاص دارد  
و بر زنان ما حرام است و اگر  
آن مرده باشد آنگاه آنها در آن  
بهم شریک اند. حتماً [خدا] آنها  
را به بیان آنها کیفر دهد. یقیناً او  
صاحب حکمت صاحب علم دائمی  
است (١٤٠)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ ۗ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤١﴾

البته زیان کردند آنانکه اولاد خود  
را سفاکانه بدون علم کشتند و حرام  
کردند بر خدا دروغ بسته آنچه  
را خدا به آنان رزق داده بود.  
یقیناً آنها گمراه شدند و هدایت  
یافتگان نبودند (١٤١)

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّتٍ مَّعْرُوشٍ وَغَيْرِ مَّعْرُوشٍ وَالتَّخْلُ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ

او است که باغهای داربست زده و  
بی داربست زده و درختان خرما  
و مزرعه که میوه آن گوناگونست  
و زیتون و آنان را مانند و مغایر



همدیگر رویانید. چون به بار آید میوه آن بخورید و روز درو آن حق او را بدهید و اسراف نکنید چه خدا اسراف کنندگان رادوست ندارد (۱۴۲)

و ازداماها باربردارو برای سواری [آفرید]. بخورید از آنچه خدا به شما رزق داده است و قدم بر قدم های شیطان ننهید. یقیناً او دشمنی آشکار شما است (۱۴۳)

[خدا] هشت جفت [آفرید]. دو از گوسفند و دو از بز. بگو. آیا او دو نر را حرام کرد یا دو مادینه را یا آنچه را رحمای دو مادینه احاطه کرده است. مرا آگاه کنید بدانند اگر شما راستگویانید (۱۴۴)

و دو از شتر و دو از گاو است. بگو. آیا او دو نر را حرام کرد یا دو ماده را یا آنچه را رحمای دو ماده احاطه کرده است. آیا شما گواه بودید چون خدا شما را به آن

مُتَّشَابِهًا وَعَيْرَ مُتَّشَابِهٍ ۗ كَلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ ۗ وَلَا تُسْرِفُوا ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۗ

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَسًا ۗ كَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۗ

ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ ۚ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ ۗ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ ۗ نَسِئُونَ ۗ نَسِئُونَ بَعْلِمَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۗ

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ ۗ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ ۗ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَضَعَكُمُ اللَّهُ بِهَذَا

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا  
يُضِلُّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ  
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾

۷  
۴

توصیه کرده بود؟ پس کیست ستم  
کارتر از آنکه برخدا دروغ بزند  
تا مردم را بدون علم گمراه سازد.  
یقیناً خدا قوم ستمکاران را هدایت  
نمیدهد (۱۴۵)

قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى  
طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً  
أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ  
رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا ۗ أُولَٰئِكَ لَئِيَّا اللَّهُ بِهِ ۗ فَمَنْ  
اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ  
غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٦﴾

بگوید آنچه بسوی من وحی شده  
است حرامی نمییابم برخوردارند  
که آن را بخورد مگر که مردار  
باشد یا خونی ریخته یا گوشت  
خوک چه آن ناپاک است یا  
بلیدی که بر آن نام غیر از خدا  
خوانده شد. اما آنکه بدون تمایل  
و بدون تجاوزگری ناچار است  
آنگاه یقیناً خدا آمرزنده ی بارها  
رحم کننده است (۱۴۶)

و بر آنانکه یهود شدند هر کدام  
جانور ناخن دار حرام کرده بودیم  
و از گاؤ و گوسفند پیه مردو را  
بر آنها حرام ساخته بودیم مگر  
آنچه بر پشتهای آنها برداشته یا به  
روده های استخوانها آمیخته باشد.

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمًا كُلُّ ذِي نُطْرٍ  
وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ  
شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا  
أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ۗ ذَٰلِكَ  
جَزَيْنَهُم بِبَغْيِهِمْ ۗ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿١٤٧﴾

آنها را این پاداش از نافرمانی آنها داده بودیم و حتماً ما را استگویان ایم (۱۴۷)

پس اگر آنها از توتکذیب کنند پس بگو پروردگار شمارا رحمتی فراوانست و عقوبت او از قوم جرמکاران بازداشته نشود (۱۴۸) کسانی که شرك کردند حتماً گویند اگر خدا میخواست هرگز شرك نمی کردیم و نه پدران ما و نه چیزی را حرام میگردانیم. همانگونه دروغ گفته بودند کسانی که پیش از آنها بودند تا آن انتها که عقوبت ما را چشیدند. بگو، آیا شمارا دانشی است پس آنرا برای ما بیرون آورید. شما فقدگمان را پیروی کنید و شما فقط تخمین میزنید (۱۴۹) +

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ  
وَإِسْعَةٍ وَلَا يَرُدُّ بَأْسَهُ عَنِ الْقَوْمِ  
الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٨﴾

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا  
أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاءُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ  
شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ  
حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ  
عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا  
الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٩﴾

+ آیت ۱۴۹: نخست توجه به این سوال جلب کرده میشود که اینطور گفتن که اگر خدا اجازه شرك نمیداد ما و پدران ما، شرك نمی کردیم، قضیه راحل میکند یعنی آنان پیروی از پدران خویش میکنند و نه از تعلیم خدا.. سپس بلافاصله گفته میشود که اگر کتاب الهامی مبنی بر جواز شرك را دارید، آنرا ارائه دهید.

بگو، پس حجت بکمال رسیده از آن خدا است پس اگر او می خواست حتماً شامه را هدایت میداد (۱۵۰)

بگو، آن گوامان خود را بخوانید که گوامی میدهند که خدا آن چیزها را حرام کرده است. پس اگر گوامی دهند آنگاه توباً آنها گوامی نده و از موسهای آنها پیروی مکن که به آیتهای ما تکذیب کردند و آنها که به آخرت ایمان نیآرند و آنها به پروردگار خود شریک قرار می دهند (۱۵۱)

بگو، بیآیید تا بخوانم آنچه پروردگار شما بر شما حرام کرده است - [یعنی] مرگز چیزی را به او شریک قرار ندمید و [لازمأ] با والدین باحسن عمل رفتار کنید و از بیم تنگی رزق، اولاد خود را نکشید. مائیم که بشما رزق می دمیم هم به آنها نیز و به فحشائیا

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ ۗ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۱۵۰﴾

قُلْ هَلْ مَسَّ شُهَدَاءُكُمْ الَّذِينَ يَسْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا ۗ فَإِنْ سَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ ۗ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْآيَاتِ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿۱۵۱﴾

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ ۖ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا ۗ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ ۖ مِنْ إِمْلَاقٍ ۗ وَلَا تَقْرَبُوا نَحْسَ رِزْقِكُمْ وَآيَاهُمْ ۗ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۗ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ ۖ إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ

چه از آنها عیان است و چه نهان است نزدیک نروید و نکشید جانی را که خدا حرام کرده است مگر بحق. این [امر] است که به آن خدا به شما توصیه کرده است تا باشد که شما بخردیابید (۱۵۲) ++

و نزدیک به دارائی یتیم جز به طریق شایسته ای مشوید تا بسن بلوغ خود برسد و کیل و ترازو را بداد تمام ببیماید. ما بکسی تکلیف نمیکنیم جز بگشایش او و گامیکه سخن گوئید پس عدالت راپیش گیرید هر چند از نزدیکان باشد و به عهد خدائی وفا کنید. این امری است که او شمارا به آن توصیه میکند تا پند بگیرید (۱۵۲) و [توصیه میکند] که همین راه راست من است. پس اینرا دنبال کنید و از راههای متفرقه پیروی

ذِكْمَ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۵۲﴾

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۗ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانِ بِالْقِسْطِ ۗ لَأَنكُلِفَ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۗ وَإِذْ قُلْتُمْ فَأَعْدِلُوا وَاوَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ وَعِهْدَ اللَّهِ أَوْفُوا ۗ ذِكْمَ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۱۵۲﴾

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ ۗ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ۗ

++ ایت ۱۵۲: قتل اولاد آنگاه جرم شمارشود چون تولد بچگان از بیم گمی رزق جلو گرفته شود، وگرنه این نوع جلوگیری از روی حفظ سلامت مجاز میباشد.

ذِكْرِكُمْ وَصَّيْتُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٩﴾

نکنید که شمارا از راه او متلاشی کند. این امری است که شما را به آن تاکید مینماید تا باشد که تقوی را فراگیرید (١٥٤)

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٥﴾

سپس موسی را کتاب دادیم که فراخور هر آنکس بود که احسان را بکار میگرفت و هرچیز را تفصیل بود و هدایت بود و رحمت بود تا بلیقاء پروردگار خود ایمان آورند (١٥٥)

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٥٦﴾

و این کتاب خجسته ای است که ما آنرا نازل کرده ایم. پس فرمان از این برید و تقوی را فراگیرید تا ترحم کرده شوید (١٥٦)

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابُ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَفْلِينَ ﴿١٥٧﴾

مبادا بگویید کتاب بیش از ما فقط بر دو گروه برگ نازل کرده شد حالیکه ما از خواندن آنها نا آگاه بودیم (١٥٧)

أَوْ تَقُولُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ

یابگوید، اگر کتاب بر ما نازل کرده میشد حتماً بیشتر از آنها هدایت می یافتیم. پس اینک شما را دلیلی

بِئْسَ نَجْمٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْرِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ﴿١٥٨﴾

روشن از پروردگارتان آمده است و [آن] هدایت است و رحمت است پس کیست ستمکارتر از آنکه به آیتهای خدا تکذیب کند و روی از آنها بگرداند. کسانی که از آیتهای ما روگردانی میکنند حتماً آنها را عذاب سخت پاداش دهیم چه اعراض میکردند (۱۵۸)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انظُرُوا أَيُّكُمْ أَتَمَنَّاظِرُونَ ﴿١٥٩﴾

آیا انتظار دارند جز اینکه آنها را فرشتگان آیند یا پروردگارتو آید یا شماری از نشانه های پروردگار تو برسد؟ [اما] روزیکه بعضی از نشانه های پروردگار تو برسد ایمانش سود نبخشد نفسی را که پیش از آن ایمان نیآورده بود یا درحالت ایمان خود نیکی کسب نکرده بود. بگو منتظر باشید البته مانیز منتظرانیم (۱۵۹)

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَىٰ

یقیناً کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و گروه گروه شدند تو را هیچ بستگی به آنها نیست. کار آنان

اللَّهُ لَمَّا يَنْتَهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٦٠﴾

فقط به خدا است. سپس آنها را آگاه سازد به آنچه عمل که میکردند (١٦٠) کسیکه شایسته کاری آورد پس او را ده باره مثل آنست و آنکه بدی آورد پس او فقط مثل آن پاداش داده شود و مرگز آنهاستم کرده نشوند (١٦١)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا  
وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا  
مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾

بگو یقیناً پروردگرم مرا بسوی راه راست هدایت داد [آنچه را] دینی برقرار، ملت ابراهیم خنیف [برگزید] و او از مشرکان نه بود (١٦٢)

قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ إِلَى صِرَاطٍ  
مُسْتَقِيمٍ ۖ دِينًا قِيمًا مِثْلَ ابْرَاهِيمَ  
خَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦٢﴾

بگو عبادت من و قربانی من و زندگی من و مرگ من تنها برای خدا است که پروردگار همه جهانها است (١٦٣)

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي  
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٣﴾

اورا کسی شریک نیست و به این امر شده ام و من اولین مسلمانان هستم (١٦٤)

لَا شَرِيكَ لَهُ ۚ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ  
الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٤﴾

بگو آیا جز خدا پروردگاری بخوام حالانکه او پروردگار هر چیز است

قُلْ أَعْبُدُ اللَّهَ أَبْغَىٰ رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ  
شَيْءٍ ۗ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ۗ



وَلَا تَرِزُوا زُرَّةً وَزُرَّاءَ حُرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ  
رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ  
فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٥﴾

و نفسی [بدی] کسب نمیکند مگر  
خلاف خودو هیچ باربرباردیگری  
را بر ندارد. سپس بازگشت شما  
بسوی پروردگار شماست. پس او  
شما را آگاه سازد به آنچه شما  
در آن اختلاف میکردید (۱۶۵)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلْفَ الْأَرْضِ  
وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ  
لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ  
سَرِيعُ الْعِقَابِ ۗ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٦﴾

و او است آنکه شما را وارث زمین  
قرار داد و بعضی از شما را بر بعضی  
در مراتب رفعت داد تا شما را  
بیآزماید در آنچه شما را اعطا کرد  
و یقیناً او آمرزندهٔ بارها رحم  
کننده است (۱۶۶)

## ۷- سورة الاعراف

این سوره با استثنای چند آیاتش درمکه نازل آمده بود و با بسم الله ۲۰۷ آیت دارد.

دو سوره قبلی - سوره البقرة و سوره آل عمران - با حروف مقطعات "آلّم" شروع شده بودند. در این سوره حرف "ص" بر "آلّم" علاوه شده است. از این آگاهی پیدا میشود که موضوعاتی که در سوره های قبلی مزبور است بر آنها اینک موضوعاتی دیگر اضافه میشود که تعلق به صادق بودن خدای متعال دارد. در این سوره حرف "ص" را میتوان بمعنای صادق القول نیز گرفت. اما در آیه ۳- سینه مبارک آنحضرت ﷺ را ذکر از کلمه "صدر" یافت میشود. از این معلوم میشود که آنحضرت ﷺ را درباره مضامین سوره های که با "آلّم" شروع میشوند و اینکه آنها از جانب خدای متعال هستند، یقین و علم کامل بود.

در این سوره نسبت به سوره های قبلی این موضوع اضافی بیان میشود که نه تنها آنهاست که ایمان نیآوردند پرسیده شوند بلکه پیغمبران نیز پرسش شوند که تا چه حدی تکلیف خودشان را بجا آورده بودند.

در این سوره باز ذکر از آدم میشود. او به امر خدا آفریده شد و گاهی که خداوند روح خود را در او دمید سپس نوع بشر به اطاعت او فرمان شدند. اینجا ذکر از آنحضرت ﷺ به این معنا است که بزرگترین سجده بحضور خدا ایشان کرده بودند و بهمین نسبت جمیع نوع انسان به اطاعت ایشان فرمان شدند. در پایان سوره گذشته ذکر از این سجده آنحضرت ﷺ

با این کلمات رفته است - قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنَسْكَيَ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ". پس کسیکه هر چیز او برای خدا واگذار گردد بحضور او بتعظیم خم شدن هرگز شرک نیست بلکه اطاعت از او اطاعت از خدا خواهد بود. بعدما ذکر از آن جامه ای است که بظاهر حضرت آدم بشکل برگها تن کرده بودند اما معنای آن جز جامه تقوی جامه دیگری نیست. به این نحو نسل انسان مهاد داده شد که بطوریکه یکبار شیطان آدم را لغزانیده بود او امروز نیز همچنان قومهای پیغمبران را نیرنگ میزند. معنای بیرون رفتن از بهشت عبارت از تجاوز کردن از اوامر شریعت میباشد. زیرا که بهشت همان در دایره شریعت واقع است و بیرون از آن جز جهنم چیزی نیست. امروز نیز نوع انسان بعلت تجاوزگری از حدود شریعت مبتلا به هر نوع جهنم از حیث بدنی و روحی گردانده شده اند. این موضوع که زینت حقیقی زینت تقوی است در این سوره بدین ترتیب بیان میشود که از رفتن به مسجد نایل به زینت نمیشوید تا آنگاه که زینت خود یعنی تقوی را باخود همراه نبرید.

در این سوره سخن از آن بلندترین مقام آنحضرت ﷺ گفته میشود که به هیچکدام پیغمبر دیگری نصیب نشده است. ایشان و یاران ایشان چنین معرفت به شناسائی اهل بهشت اعطا شدند که روز قیامت هر کدام روان را از روی رفعت معنوی خود بشناسند که آیا آن روان بهشتی است یا جهنمی.

پس از آن، ذکر شماری از پیغمبران گذشته میرود که ایشان نیز برای رهنمائی قومهای خویش فرستاده شده بودند و ایشان بیهای فداکاریهای

والای خود قومهای خود را سامان هدایت مهیا کرده بودند اما در مقابل همه ای رسولان بزرگترین مهیا کننده اسباب هدایت آنحضرت ﷺ میباشند. سپس تفصیل به این امر داده میشود که پیغمبران پیشین نیز بر مراتبی بلندتر روحانی برگزیده شده بودند ولی فیض ایشان محدود بود و هیچکدام پیغمبر پیش از آنحضرت ﷺ بر رتبه فیض بخش جهانی برگزیده نشده بود. پس رسول الله ﷺ بعنوان سردار تمامی پیغمبران بنا بر این برگزیده شدند که ایشان برخوردار به رساندن رحمت به همه جهانها بودند یعنی رحمت بودند برای خاوران و باختران و نیز برای عرب و عجم. همچنان رحمت بودند برای انسانها و جمله جنبنندگان و آفریدگان و سخن بدین امر بسیار در احادیث نیز یافت میشود.

قیامتهای که قرار بود بوسیله آنحضرت ﷺ برپا کرده شوند نخستین آن در زندگانی ایشان برپا شده بود. ذکر از آن در آیه مبارکه "اقتربت الساعة وانشق القمر" یافت میشود و دومین قیامت قرار بود که در زمان "آخرین" صورت بگیرد. آنگاه آن مردگان که پس از احیاء دوباره مردگان شدند مجدداً آنها را به حیاتی برخوردار کردن بود. و سپس قیامت دیگری آنست که قرار بود بر اشرارالناس واقع گردد. این قیامتها وابستگی عمیقی به بعثت آنحضرت ﷺ دارند.

☆ سُورَةُ الْأَعْرَافِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَتَانِ وَسَعٌ آيَاتٍ وَارْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ رُكُوعًا

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحیمکننده (۱)

الْمَصَّ ②

الف لام میم صاد [أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ

صَادِقُ الْقَوْلِ] من خدا از همه

داناتر و راست گفتار ام (۲)

[این] کتابی بزرگ است که به

سوی تو نازل کرده شد. پس درسینه

تو از آن احساس تنگی نباشد تا

به آن هشدار دهمی و مومنان را

تذکراست (۳)

پیروی کنید از آنچه از پروردگار

شما به سویتان نازل کرده شد

و به ترک او از خداوندان پیروی

نکنید. بسیار کم است آن پند که

شما میگیرید (۴)

چه بسا از قریه های است که آنها

را هلاک ساختیم. پس عذاب ما

آنها را آمدشگاه یا آنان به قیلوله

بودند (۵)

كِتَابٍ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ

حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى

لِلْمُؤْمِنِينَ ③

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا

تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۗ قَلِيلًا مَّا

تَذَكَّرُونَ ④

وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا

بَيِّنَاتٍ أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ⑤

پس فریاد آنها نبود منگامیکه عذاب  
ما آنها را آمد چرا اینکه گفتند، یقیناً  
ما ستمکاران بودیم (۶)

پس یقیناً ما خواهیم پرسید از  
آنان که پیغمبرانی بسوی آنها  
فرستاده شده بودند و البته از  
پیغمبران نیز خواهیم پرسید (۷)  
و وقایع تاریخی را البته برآنان  
بعلم خواهیم خواند و میچگاه ما  
غایب نمانده ایم (۸)

و آنروز فقط حق وزین گردد. پس  
وزن کرده های آنانکه وزین باشد  
پس آنان پیروزمندانند (۹)

و آنکه وزن کرده هایش سبک آمد  
پس همانها اند که خویشتنان را  
زیان دادند چه به آیتهای ما بی  
عدالتی میکردند (۱۰)

و یقیناً شمارا در زمین تمکن دادیم  
و برای شما در آن امرار معاش  
نهادیم. کم است آن سپاس که می  
گذارید (۱۱)

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بُأَسْنَا إِلَّا  
أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ①

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ  
وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ②

فَلَنَقُصِّبَ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَ مَا كُنَّا  
غَائِبِينَ ③

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ ④ فَمَنْ ثَقُلَتْ  
مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ⑤

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ  
خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا  
يُظْلِمُونَ ⑥

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ  
فِيهَا مَعَايِشَ ⑦ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ⑧

و یقیناً ما شمارا آفریدیم. سپس شما را صورت دادیم. سپس بفرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند جز ابلیس.

او از سجده کنندگان نشد (۱۲)

[خدا] گفت، چه مانعی تو شد که سجده نکردی چون بتو فرمان کردم. گفت، من بهتر از اویم. مرا از آتش خلق کردی و او را از گل خلق کردی (۱۳)

[خدا] گفت: از این خارج شو. پس توفیق نیابی در آن تکبر کنی. پس خارج شو یقیناً تو از خوارشدگان ای (۱۴)

او گفت. مرا فرصت بده تا روزیکه مردم برخیزانده شوند (۱۵)

[خدا] گفت. یقیناً تو از مهلت دادگان ای (۱۶)

او گفت: پس چون مرا گمراه قرار دادی یقیناً من در کمین ایشان بر راه راست تو بنشینم (۱۷) ++

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَكِ اسْجُدُوا لِلْآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿۱۲﴾

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۗ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿۱۳﴾

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّغِيرِينَ ﴿۱۴﴾

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿۱۵﴾

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿۱۶﴾

قَالَ فِيمَا آغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۱۷﴾

ثُمَّ لَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٨﴾

سپس حتماً آیم بر آنان از پیشروی آنان و پشتسر آنان و از راستهای آنان و از چپهای آنان و بیشتر آنها را سپاسگذار نیایی (۱۸)

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا لَمَنْ يَتَّبِعْكَ مِنْهُمْ لَا مَلَائِكَةَ مَعَهُمْ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٩﴾

[خدا] گفت: بیرون شو از اینجا مذمت شده و رانده شده. البته آنکه از آنها از تو پیروی کند حتماً جهنم را از جمیع شما پرکنم (۱۹)

وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٠﴾

و ای آدم تو و زوجت در بهشت مسکن گزینید و بخورید از هر کجا خواستید و نزدیک این درخت نه روید که از ستمکاران شوید (۲۰)

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِحِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢١﴾

پس شیطان آندو را وسوسه داد تا برای آندو آشکار سازد بعضی از عورتهای را که بر آندو پنهان کرده شد و گفت، پروردگارتان شما دوی را از این درخت فقط برای

++ آیت ۱۷: تا محافظت خصوصی از خدای متعال نباشد کسانی که بر راه مستقیم گامزن اند نیز از نیرنگ شیطان محفوظ نیستند. درباره کسانی که قرآن مجید مفضوب علیهم و خالین گفته است ایشان نیز بر راه مستقیم گامزن بودند ولی از نیرنگ شیطان لغزانیده شدند.



این نهی کرده است مبادا دوفرشته بشوید یا از جاویدان بشوید (۲۱) و [شیطان] برای آندو قسمها خورد که من فقط از اندرزگویان شما هستم (۲۲)

پس آندو را بغریب عشوه کرد. پس وقتی که آندو از آن درخت به لب زدند پس عریانیهای ایشان بر آندو پدیدار شد و برگهای بهشت را بر خود پوشاندن گرفتند و پروردگار ایشان به آندو ندا کرد آیاشمارا ازین درخت نهی کرده و نه گفته بودم که یقیناً شیطان دشمنی آشکار شما است (۲۳)

آندو گفتند، پروردگارا ابر جانهای خود ستم کردیم و اگر ما را نه بخشی و بر ما ترحم نکنی حتماً از زیانکاران باشیم (۲۴)

[خدا] گفت، مه [از اینجا] بیرون روید [حالیکه] بعضی از شما بیعضی دشمن باشند و شما را در زمین

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ الصَّٰحِحِينَ ﴿٢١﴾

فَدَلَّهُمَا بِعُرُورٍ ۚ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَ  
بَدَتْ لُهُمَا سَوَآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفْنَ  
عَلَيْهِمَا مِنْ وَّرَقِ الْجَنَّةِ ۖ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا  
أَلَمْ أَنهَكُمَا عَن تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ  
لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٢﴾

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا ۖ وَإِن لَّمْ  
تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ  
الْخٰسِرِينَ ﴿٢٣﴾

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ  
وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ

تا زمانی قرارگاه و بهره ناچیزی

کشیدن است (۲۵)

[خدا] گفت، شما در این زیست کنید

و در این بمیرید و از این بیرون

آورده شوید (۲۶)

ای فرزندان آدم! یقیناً نازل کرده

ایم برایشما لباسی که عورت‌های

شما را میپوشد و موجب زینت

است و نسبت به لباس تقوی! آنکه

بهترین است. این کمی از آیت‌های

خدا است تا باشد که ایشان پند

بپذیرند (۲۷)

ای فرزندان آدم! امرگزشیطان شما

را به آزمایش نیفکند بطوریکه

مادرو پدر شما را از بهشت خارج

گردانده بود. او لباس ایشانرا از

ایشان برکنده بود تا عورت‌های

ایشان را برایشان آشکار سازد.

یقیناً او و دارودستانش شما را از

جای بنگرند که شما آنها را نتوانید

بنگرید. یقیناً ما شیطان‌ها را دوستان

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا

ع

تُخْرَجُونَ ﴿٢٦﴾

يَبْنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا

يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسَ

التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ

لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٧﴾

يَبْنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا

أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا

لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا إِنَّهُ

يَرِيكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا

تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٨﴾

آنهائی قرار دادیم که ایمان نمی  
آرند (۲۸)

و منگامیکه فحشائی کنند گویند  
ما پدران خود را برآن یافتیم و  
خدا ما را برای آن دستور داده  
است. بگو یقیناً خدا به فحشائی  
دستور نمیدهد. آیا بر خدا میگویند  
آنچه نمیدانید (۲۹)

بگو. پروردگام به عدالتمندی  
امر کرده است نیز اینکه در هر  
مسجدی رویهای خود را [بسوی خدا]  
راست نمایید و دین را برای او  
خالص کرده او را بخوانید. شما  
[پس از مرگ] برگردید بطوری  
که او شما را نخستین بار ابداع  
کرد (۳۰)

او گروهی را هدایت داد و گروهی  
است که بر آنها گمراهی لازم شد.  
مانا آنان خدا را ترك کرده  
شیطانها را دوست گرفتند و گمان  
کنند آنها هدایت یافتگانند (۳۱)

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا  
أَبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ  
بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۸﴾

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا  
وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ  
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ  
تَعْوَدُونَ ﴿۲۹﴾

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ  
إِنَّهُمْ أَخَذُوا مِنَ الشَّيْطَانِ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ  
اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنََّّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿۳۰﴾

يَبْنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ  
وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ  
الْمُسْرِفِينَ ﴿٣٧﴾

تج

ای فرزندان آدم در هر کدام مسجد  
زینت خود [لباس تقوی] اختیار  
کنید و بخورید و بنوشید و زیاده  
روی نکنید یقیناً خدا زیاد روی  
کنندگان را دوست ندارد (۳۲)

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ  
وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ  
آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾

بگو که آن زینت خدا را که او  
برای بندگان خود پدید آورد و  
پاکیزه های رزق را حرام کرده  
است؟ بگو آنها در این دنیا برای  
مومنان است و در روز قیامت که  
خالصاً برایشان است. اینگونه ما  
آیتهای خود را بروشنی بیان کنیم  
برای قومیکه دانشمند اند (۳۲)

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ  
مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ  
وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا  
وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

بگو. پروردگام فحشایهاچه عیان  
از آنها و چه نهان و گناه و بغی  
بناحق و اینکه با خدا شریک قرار  
دمید آنچه را که بحق آن او دلیلی  
نازل نکرده است و اینکه بر خدا  
سخنی گوئید که نمیدانید. حرام  
قرار داده است (۳۴)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا

و برای هر کدام امت نهایت

زمانی معین است. پس هرگاه نهایت زمانی ایشان برسد نتوانند تاخیر کنند لحظه‌ی و نتوانند پیشی گیرند (۳۵)

ای فرزندان آدم! هرگاه شما را بیاید رسولی از خود شما که آیت‌های مرا بر شما فروخواند آنگاه هر که تقوی رابیش گیرد و اصلاح نماید پس نیست ایشان را بیمی‌ونه اندوه خوردند (۳۶) +

و کسانی که به آیت‌های ما تکذیب و از آنها سرباز زدند همانها اهل جهنم اند و آنها مدت دراز در آن می ماندند (۳۷)

پس کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بزند یا به آیت‌های او تکذیب کند همانها اند که آنها را سهم آنان از نوشته تقدیر برسد تا چون فرشتگان مانرد آنها بیایند

يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٥﴾

يَبْنِي آدَمَ إِمَامًا يَا تَيْبَنَّا كُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٣٦﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٧﴾

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ أُولَٰئِكَ يَأْتُهُمُ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا آئِن مَّا كُنْتُمْ تَدْعُونَ

++ آیت ۳۶: خطاب عمومی به فرزندان آدم است که هرگاه آنان را رسولان ما بیایند و

آیت‌های خدا را بر آنان بخوانند آنگاه باید شما از آنها روگردانی نکنید.

مِنْ دُونِ اللَّهِ <sup>ط</sup> قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا  
عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا الْكَافِرِينَ ﴿٣٨﴾

که آنانرا وفات دهند گویند، کجا  
اند آنچه هارا جز خدا میخواندید؟  
[جواباً] گویند، آنها همه از ما گم  
گشته اند و خلاف نفسهای خود  
گوامی دهند که آنها کافران  
بودند (۳۸)

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ  
مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ <sup>ط</sup> كُلَّمَا دَخَلَتْ  
أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا <sup>ح</sup> حَتَّىٰ إِذَا دَارَكُوا  
فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَبْتُمْ لِأَوْلِهِمْ  
رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَاتِهِمْ عَذَابًا  
ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ <sup>ط</sup> قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ  
وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

[خدا] گوید، بداخل آتش شوید با  
قوم های از جن و انس که پیش  
از شما در گذشته اند. هرگاه امتی  
وارد [آتش] شوند برخواهر [دار  
ودسته] خود لعنت فرستند تا آن  
انتها که هرگاه همه در آن جمع  
شوند آخرین آنان درباره اولین  
خود گویند پروردگارا! همانها  
مارا گمراه کرده بودند. پس عذاب  
آتش را برای آنها دوبرابر بیا فزا.  
او گوید، هر کس را [عذاب] دوبرابر  
میرسد و اما شما نمیدانید (۳۹)

وَقَالَتْ أَوْلَهُمْ لِأُخْرَبْتُمْ فَمَا كَانَ  
لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا

[گروه] اولین ایشان به آخرین  
خود گویند: شمارا بر ما هیچ برتری  
نیست. پس عذاب آتش را بچشید

بعلمت آن گناه که میکردید (۴۰)  
یقیناً کسانی که به آیت‌های ماتکذیب  
کردند و از آنها تکبر نمودند برای  
آنان درب‌های آسمان گشوده نه  
شود و وارد بهشت نشوند تا  
آنگاه که شتری به چشمه سوزان  
برود و مجرمان را پاداش این  
گونه میدمیم (۴۱)

برای آنها جایگامی است مهیا  
شده در جهنم و از فوق آنان پوشه  
های [ظلمت] لا به لا باشد و ستم  
کاران را پاداش اینگونه می  
دمیم (۴۲)

و کسانی که ایمان آوردند و اعمال  
نیکی بجا آوردند مانفسی را فراتر  
از گنجایش او تکلیف نمیکنیم.  
ایشان اهل بهشتند. ایشان در آن  
جا ویدانند (۴۳)

و هر کینه را از سینه‌های آنان  
برکشیم. زیر آنها نهرهای روان  
شود و ایشان گویند ستایش مطلق

كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٤٠﴾  
إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا  
تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ  
الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلْبِغَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ ۗ  
وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾

لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ  
غَوَاشٍ ۗ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤٢﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا  
نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۗ أُولَٰئِكَ  
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٣﴾

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي  
مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ ۗ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ

برای آن خداست که ما را برای اینجا هدایت نمود حالیکه مرکز ما راه یافتگان نبودیم اگر خدا ما را هدایت نداد. یقیناً رسولان پروردگارا بحق آمده بودند و ندا کرده شوند که این آن بهشت است که شما و اوست آن قرار داده شدید بعلت آنچه میکردید (۴۴)

و بهشتیان به جهنمیان ندا زنند که یقیناً ماسدق کرده یافتیم آنچه پروردگارا وعده داد. آیا شانیز صدق کرده یافتید به آنچه پرورد - دگارتان وعده داد؟ [جهنمیان] گویند بلی. آنگاه منادیی در میان ایشان بانگ زندگه لعنت خدا باد برستکاران (۴۵)

آنانکه از راه خدا باز میدارند و آن را کج میخوانند و آنها به آخرت منکرانند (۴۶)

و در میان ایشان پرده حائل است و برجهای مرتفع مردانی

الَّذِي هَدَيْتَنَا إِلَىٰ هَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَيْتَنَا اللَّهُ تَقْدِجَاءِ تَرْسُلِ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ كُمُ الْجَنَّةِ أَوْ رِثْمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٤﴾

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ ۗ فَأَذْرَكُ مَوْذِنًا بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٥﴾

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٦﴾  
وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمِهِمْ ۗ وَنَادُوا



اند که همه را به سیمایشان  
بشناهند و بهشتیان را ندا کنند که  
درود بر شما. ایشان بداخل آن  
[بهشت] نشده اند حالانکه ایشان

[به آن] آرزو خواهند داشت (۴۷)

و چون دیدگان ایشان بسوی  
جهنمیان برگردانده شود گویند،  
ای پروردگارا! ما را با قوم ستم  
کاران نگردان (۴۸)

و اهل جامای مرتفع مخاطب  
شوند به مردانی که آنها را از  
سیمای ایشان بشناسند و گویند،  
نه گرد هم آیی شما بکار شما آمد  
و نه آنچه شما تکبر می  
ورزیدید (۴۹)

آیا همانها نیستند که شما قسمها می  
خوردید که خدا برایشان ترحم  
نخواهد کرد؟ [ای مومنان!] بداخل  
بهشت شوید. شمارا نه بیمی است  
و نه شما اندوهگین شوید (۵۰)  
اهل آتش ندا زنند اهل بهشت را

أَصْحَابِ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ<sup>ص</sup>  
لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ<sup>٥٠</sup>

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ  
أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ  
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ<sup>٥١</sup>

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا  
يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمِهِمْ قَالُوا مَا أَغْنَى  
عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ  
تَسْتَكْبِرُونَ<sup>٥٢</sup>

أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَأْتِيهِمُ اللَّهُ  
بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ  
عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ<sup>٥٣</sup>

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ  
أَفِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ<sup>ط</sup>

که کمی از آب و آنچه خدا بشما  
رزق در داده است بسوی ما نیز  
بریزید. گویند، یقیناً خدا این هر  
دو را بر کافران حرام نموده  
است (۵۱)

کسانیکه دین خود را ببازی و  
هزل گرفتند و زندگی دنیا آنها  
را فریبداد پس امروز ما ایشان  
را همانگونه فراموش نمایم که  
ملاقات اینروز خود را فراموش  
کرده بودند و چه به آیتهای ما  
انکار میکردند (۵۲)

و یقیناً ما ایشان را کتابی آورده  
بودیم که آنرا بر مبنای علم تفصیل  
داده بودیم آن هدایت و رحمت  
بود آنرا که ایمان میآوردند (۵۳)  
آیا آنها فقط به تاویل آن انتظار  
دارند؟ روزیکه تاویل آن بیاید  
آنهائی که ازین پیش آن [کتاب]  
را فراموش کرده بودند گویند:  
رسولان پروردگار ما یقیناً بحق

قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ۝۵۱

الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا دِيْنََهُمْ لَهْوًا وَّ لَعِبًا  
وَّ غَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فَاَلْيَوْمَ نَنْسَهُمْ  
كَمَا نَسُوْا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا وَّمَا كَانُوْا  
بِآيٰتِنَا يَجْحَدُوْنَ ۝۵۱

وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتٰبٍ فَصَّلْنٰهُ عَلٰى عِلْمٍ  
هُدًى وَّ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُوْنَ ۝۵۱

هَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا تَاوِيْلَهُ ۗ يَوْمَ يٰٓاْتِي  
تَاوِيْلُهُ يَقُوْلُ الَّذِيْنَ نَسُوْهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ  
جَآءَتْ رُسُلٌ رَّبِّيْٓا بِالْحَقِّ ۗ فَهَلْ لَنَا مِنْ  
شَفَعَاءَ فَيَشْفَعُوْا لَنَا اَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ

آمده بودند. پس آیامارا از شفعیان هستند که برای ماشفاعت کنند یا ما برگردانده شویم تا عمل کنیم بغیر از آنکه می‌کردیم. یقیناً جانهای خود را زیان زدند و ناپیدا شد از آنها آنچه برمیافتند (۵۴)

یقیناً پروردگارتان آن خدای است که آسمانها و زمین را درشش زمان آفرید. سپس بر عرش قرار گرفت او روز را با شب میپوشاند در حالیکه روز آنرا بشتاب میطلبد و خورشید و ماه و ستارگان [را آفرید که] به امرش مسخر شده اند. باش! آفریدن و امر کردن برای او اختصاص دارد. بس تنها او صاحب برکت ثابت شد که پروردگار همه جهانها است (۵۵) ++

غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۖ قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٥٤﴾

۵۴

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا ۗ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٥﴾

++ آیت ۵۵: منظور از شش روز شش دور است و يك دور میلیونها ساله هم توان باشد. مفهوم "استوار بر عرش" اینست که پس از آفرینش را تمام کرده خدا از آفریدگان خود بی تعلق نمیشود بلکه همچون يك پادشاه که قوم خویش را نگهبانی میکند خدا هم آفرینشهای خود را نگهبانی میکند.

پروردگار خود را با تضرع و نهانی  
 بخوانید یقیناً او تجاوزگران را  
 دوست ندارد (۵۶)

و در زمین پس از اصلاحش فساد  
 نگسترید و او را با بیم و امید  
 بخوانید. یقیناً رحمت خدا نزدیک  
 محسان است (۵۷)

و او است آنکه بادما را پیشرو  
 رحمت خود مژده دهنده میفرستد  
 تا آن انتها چون آن ابری سنگین  
 را بر میدارد آنرا به دیاری  
 مرده میرانیم. پس آب را از آن  
 نازل میکنیم. پس به آن هر نوع  
 میوههای را در میآوریم. همینگونه  
 مامردگان را [زننده کرده] بیرون  
 میآوریم تا شامپند بپذیرید (۵۸)  
 و سر زمین پاك را رستنی آن به  
 اذن پروردگارش [پاك] بیرون  
 آید و از آنکه ناپاکست بیرون  
 نمیآید جز چیزی بپست. این طور ما  
 آیتهای خود را بیان کنیم برای

أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ  
 لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٦﴾

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا  
 وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ  
 قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٧﴾

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا ابْنَ يَدَيْ  
 رَحْمَتِهِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا لِّثِقَالًا  
 سَقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ  
 فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۗ كَذَلِكَ  
 نُخْرِجُ الْمُوتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ  
 رَبِّهِ ۗ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا  
 نَكِثًا ۗ كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ  
 يَشْكُرُونَ ﴿٥٩﴾

﴿٥٩﴾

قومیکه سپاسگذارند (۵۹)

البته مانوح را نیز بسوی قومش فرستاده بودیم. پس او گفت: ای قوم من خدا را عبادت کنید که شمارا جز او هیچ معبودی نیست. یقیناً من بر شما از عذاب روزی بزرگ میترسم (۶۰)

سرداران قومش گفتند، ای نوح یقیناً ما تو را در گمراهی آشکارا می بینیم (۶۱)

[نوح] گفت: ای قوم من! گمراهی به من نیست بلکه از پروردگار همه جهانها رسولی هستم (۶۲)

پیامهای پروردگار خود را بشما ابلاغ مینمایم و شمارا نصیحت میکنم و می دانم از خدا آنچه شما نمیدانید (۶۳)

آیاتعجب میکنید که شما را پندی از پروردگار شما بر مردی از خود شما آمده تا شما را هشدار دهد و تا تقوی را اختیار کنید و تا

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرِيكَ فِي صَلَاتٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾

أَبْلَغُكُمْ رَسُولًا لِّي بَشِّرَ الْمُنَافِقِينَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٦٢﴾

أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾

باشد که رحم کرده شوید(۶۴)  
 پس او را تکذیب کردند و ما او  
 و آنرا که با او درکشتی بودند  
 نجات دادیم و آنانکه به آیتهای  
 ماتکذیب کردند را غرق نمودیم.  
 یقیناً آنها قومی کور بودند(۶۵)

و بسوی عاد برادر آنان هود [  
 را فرستادیم] او گفت ای قوم  
 من! خدا را عبادت کنید. شمار هیچ  
 معبودی نیست جز او. آیا شما تقوی  
 را اختیار نمیکنید؟(۶۶)

آن سرداران از قومش که کفر  
 کرده بودند گفتند: یقیناً ما ترا  
 در سفامت مینگریم و براستی ما  
 میپنداریم که حتماً تو از دروغ  
 گو یانی(۶۷)

[هود] گفت: ای قوم من! سفامتی در  
 من نیست بلکه من رسولی ام از  
 پروردگار جهانها(۶۸)

بیفامهای پروردگار خود را بشما  
 ابلاغ مینمایم و من برایشما

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي  
 الْفُلِكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا  
 إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ۝<sup>٦٤</sup>

وَالِى عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا ۝ قَالَ يَقَوْمِ  
 اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنَ الْوَعْيِرَةِ ۝ أَفَلَا  
 تَتَّقُونَ ۝<sup>٦٥</sup>

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا  
 نَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ  
 الْكَاذِبِينَ ۝<sup>٦٦</sup>

قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي  
 رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۝<sup>٦٧</sup>

أَبْلَغُكُمْ رَسُولًا مِّن رَّبِّي وَإِنَّا لَكُم نَاصِحٌ  
 أَمِينٌ ۝<sup>٦٨</sup>

نصیحت کننده ای مورد اعتماد

هستم (۶۹)

آیا تمجب میکنید که شما را پندی  
از پروردگارتان بر مردی از خود  
شما آمده است تا شما را هشدار  
دهد و بیاد آورید چون او بعد  
از قوم نوح شما را جانشین قرار  
داد و در آفرینش نسل شما فراخی  
داده شما را افزود. پس بیاد آورید  
نعمتهای خدا را تا رستگار

شوید (۷۰)

گفتند: آیا نزد ما آمدی تا خدا را  
یکتانه عبادت کنیم و رها کنیم  
آنها را که پدران ما عبادت می  
کردند؟ پس بیار برای ما از آن  
چه ما را میترسانی اگر تو از

راستگوییانی (۷۱)

او گفت یقیناً ناپاکی و غضب از  
پروردگارتان بر شما واجب شده  
است آیا درباره آن نامه‌های بمن  
ستیزه میکنید که شما و پدران

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَ كُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ  
عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ ۗ وَاذْكُرُوا  
إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ  
وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَضْطَةً ۗ فَادْكُرُوا  
آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۶۹﴾

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذْرًا  
مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا ۚ فَاتَّبِعْنَا إِنْ  
كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۷۰﴾

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ  
وَغَضَبٌ ۗ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ  
سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ

شما بر نهاده اید در حالیکه خدا در حق آنها هیچ دلیلی نازل نکرده است. پس منتظر باشید. منهم با شما از جمله منتظرانم (۷۲)

پس ما او را و آنانکه با او بودند بر رحمت خود نجات دادیم و ریشه آنها که به آیتهای ما تکذیب کردند برکنندیم و آنها ایمان آوردگان نه بودند (۷۲)

و بسوی شما برادر ایشان صالح [را فرستادیم که] گفت: ای قوم من خدا را عبادت کنید. شمارا جز او هیچ معبودی نیست یقیناً شما را دلیلی آشکار از پروردگارتان آمده است. این ناقه خدا برای شما آیتی است. پس آنرا بگذارید که در زمین خدا چرا کند و آنرا نیآزارید که شما را عذابی دردناک فرا گیرد (۷۴) ++

بِهِمْ مِنْ سُلْطٰنٍ ۙ فَاَنْتَظِرُوْا اِلَيَّْ مَعَكُمْ  
مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ﴿٧٢﴾

فَاَنْجَيْنٰهُ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا  
وَقَطَعْنَا دَاۤ اِبْرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا اٰيٰتِنَا وَمَا كَانُوْا  
مُؤْمِنِيْنَ ﴿٧٢﴾

وَالِىْ ثُمَّ وَاٰخَاهُمْ صٰلِحًا ۙ قَالَ يٰقَوْمِ  
اعْبُدُوْا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُ ۙ قَدْ  
جَآءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ ۙ هٰذِهِ نٰقَةٌ  
اللّٰهُ لَكُمْ اٰيَةٌ فَاذْرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْ اَرْضِ اللّٰهِ  
وَلَا تَمْوُهَاۤ اِسْوًۗءٍ ۙ فَيَاْخُذْكُمْ عَذَابٌ  
اَلِيْمٌ ﴿٧٤﴾ ++

++ آیت ۷۴: منظور از ناقه الله آن ناقه حضرت صالح بود که سوار بر آن قومش را بیغام رسالت ابلاغ میکردند. چون شماری از سرداران بدبخت که عدویشان را نه میگویند آن ناقه را بی کرده جلوتبلیغ رسالت را گرفتند مستوجب عذاب شدند.



و یاد کنید چون او شمارا پس از قوم  
عاجانشین برگزید و شما را در  
زمین آبادان کرد. شما در میداین  
آن قصرها بنا کنید و برای ساختن  
خانه ها کوه ما را میتراشید. پس  
بیاد آید نعمتهای خدایا و مفسدانه  
در زمین تباهاکاری نکنید (۷۵)

آن سرداران از قومش که تکبر  
کرده بودند به مستضعفان یعنی  
آنانکه ایمان آورده بودند گفتند  
آیا میدانید که صالح از پروردگار  
خود پیغمبر شده است. آنان گفتند:  
یقیناً ما با آن پیغام که او فرستاده  
شد به آن ایمان می‌آریم (۷۶)

آنانکه تکبر کردند گفتند: یقیناً ما  
آنرا که به آن شما ایمان آورده اید  
انکار میکنیم (۷۷)

پس آنها ناقه را پی کردند و از  
فرمان پروردگار خود نافرمانی  
کردند و گفتند. ای صالح ایبار برای  
ما به آنچه ما را میتراسانی اگر تو

وَأذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ  
وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ  
سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ  
بِيُوتًا فَادْكُرُوا الْآءَ اللَّهِ وَلَا تَعُوْا فِي  
الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٥﴾

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ  
لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا مَنْ أَمِنَ مِنْهُمْ  
أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ  
قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٧٦﴾

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ  
كٰفِرُونَ ﴿٧٧﴾

فَعَقَرُوا وَالتَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ  
وَقَالُوا لِصَالِحٍ اتَّبَنَّا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ  
الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٨﴾

از رسولانی (۷۸)

پس زلزله شدید آنها را بگرفت و در خانه های خود بروی زانوها افتاده ماندند (۷۹)

پس او از آنها روی برگرداند و گفت: ای قوم من! یقیناً من پیغام پروردگار خود را بشمارسانیده ام و شمارا نصیحت کرده ام ولی شما نصیحت کنندگان را دوست ندارید (۸۰)

و لوط را [فرستادیم] چون بقوم خود گفت: آیا شما فحشائی آورید که به آن هیچیک از جهانیان پیشی نگرفت (۸۱)

یقیناً شما زنان را ترك کرده نزد مردان از روی شهوت میآیید بلکه شما قوم تجاوزگرانید (۸۲)

و جواب قومش نبود جز اینکه گفتند، آنها را از شهر خود تبعید کنید. همانا آنها کسانی اند که خودشان را پارسا میدانند (۸۳)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جُثَمِينَ ﴿۷۸﴾

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ ﴿۷۹﴾

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿۸۰﴾

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿۸۱﴾

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ ۗ إِنَّهُمْ أَنْفُسَنَا يَتَطَهَّرُونَ ﴿۸۲﴾

پس او و املش رانجات دادیم  
جز مسرش که آنزن از جمله  
باز ماندگان شد (۸۴)

وبرآنها نوع باران بارانیدیم. پس  
بنگر که عاقبت مجرمان چگونه  
بود (۸۵)

وبسوی مدین برادرایشان شعیب  
را [فرستادیم] او گفت: ای قوم  
من خدا را عبادت کنید. شمارا جز  
اومیچ معبودی نیست. شمارا از  
پروردگاتان نشانه ای روشن آمده  
است. پس کیل و ترازو را کامل  
دمید و مردم را از کالایشان کم و  
کاست ندمید و در زمین پس از  
اصلاح آن فسادنگسترید. این در  
حق شما بهتر است اگر شما مومنان  
اید (۸۶)

ونه نشینید بر هر بزرگراهی تهدید  
کسان و از راه خدا باز داشته آن  
کس را که بر او ایمان آورده باشد  
و شما آن [راه] را کج می‌خواهید

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ ۗ كَانَتْ مِنَ  
الْغَابِرِينَ ﴿٨٤﴾

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۗ فَانظُرْ كَيْفَ  
كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٨٥﴾

وَالِى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۗ قَالَ يَا قَوْمِ  
اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۗ قَدْ  
جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا  
الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ  
أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ  
إِصْلَاحِهَا ۗ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ  
مُؤْمِنِينَ ﴿٨٦﴾

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ  
وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَن آمَنَ بِهِ  
وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا ۗ وَأذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ

و بیاد آورید چون شما کم بودید  
 پس اوشماراتکشیر کرد و بنگرید  
 که عاقبت فسادکاران چگونه  
 بود (۸۷)

و اگر گروهی از شما ایمان آورده  
 اند بر آن [هدایت] که به آن من  
 فرستاده شده ام و گروهی ایمان  
 نیآوردند پس صبر کنید تا آنگاه  
 که خدا میان ما فیصل دهد و او  
 بهترین فیصل دهندگانست (۸۸)

قَلِيلًا فَكَفَّرْكُمْ<sup>۷۷</sup> وَأَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ  
 عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ<sup>۷۷</sup>

وَإِنْ كَانَ ظَافِقَةً<sup>۷۷</sup> مِنْكُمْ أَمْوًا بِالَّذِي  
 أُرْسِلْتُ بِهِ وَظَافِقَةً<sup>۷۷</sup> لَمْ يُؤْمِنُوا  
 فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ  
 خَيْرُ الْحَاكِمِينَ<sup>۷۸</sup>

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَشْعِيبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كِرِهِينَ ﴿٨٩﴾

آن سرداران از قوم او که تکبر کرده بودند گفتند: ای شعیب! احتمالاً ما تو را و آنانکه با تو ایمان آورده اند از شهر بیرون کنیم یا باید در ملت ما باز گردید. او گفت، آیا اگر چه ما ناپسند دارندگان هم باشیم؟ (۸۹)

قَدْ افترينا على الله كذباً إن عُدنا في ملتكم بعد إذ نجاننا الله منها وما يكون لنا أن نعوذ فيها إلا أن يشاء الله ربنا وسع ربنا كل شيء علماً على الله توكلنا ربنا افتخ بيننا وبين قومنا بالحق وأنت خير الفتحين ﴿٩٠﴾

یقیناً ما بر خدا دروغ بندیم اگر باز گردیم در ملت شما پس از آنکه خدا ما را از آن نجات داده است. برای ما غیر ممکن است که در آن باز گردیم مگر که خدا پروردگار ما بخواهد. پروردگار ما هر چیز را بدانش فرا گرفته است. ما بر خدا توکل میکنیم. ای پروردگار ما! میان ما و میان قوم ما فیصل بده و تو بهترین فیصل دهنده گانی. (۹۰)

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ لِيَتَّبِعْتُمُ شَعِيبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَسِرُونَ ﴿٩١﴾

و آن سرداران از قومش که کفر کرده بودند گفتند، اگر شما از شعیب فرمان بردید آنگاه حتماً

شما زیان کارانید (۹۱)

آنگاه زلزله شدید آنها را بگرفت  
و درخانه های خود به روی در  
افتادگان شدند (۹۲)

آنانکه شعیب را تکذیب کردند  
گویی میجگاه در آن [میهن] اسکان  
نداشتند. آنهاک شعیب را تکذیب  
کردند آنها زیانکاران بودند (۹۳)

پس [شعیب] از آنها روی برگرداندو  
گفت ای قوم من! یقیناً پیامهای  
پروردگار خود را به شما ابلاغ  
نموده ام و برای شما پند گفته  
ام. پس چگونه بر قوم کافران  
افسوس بخورم (۹۴)

و در هیچ قریه ای رسولی نه  
فرستادیم مگر که ساکنانش را  
[بکفرشان] گناه بستگی و گناه  
بسختی بگرفتیم تا باشد که آنها  
زاری کنند (۹۵)

پس حالت سختی را به خیر و  
نعمت تبدیل نمودیم تا آن انتها

فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي  
دَارِهِمْ جِثْمِينَ ﴿٩١﴾

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا  
فِيهَا ۗ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا  
هُمُ الْخٰسِرِينَ ﴿٩٣﴾

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ  
أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا مِّن رَّبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ  
فَكَيْفَ أَتَى عَلَى قَوْمٍ كٰفِرِينَ ﴿٩٤﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا  
أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ  
لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ﴿٩٥﴾

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ  
عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ

وَالسَّرَّاءِ فَأَخَذْنَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١١﴾

که [آنها] فرو گذاشتند و گفتند البته سختی و آسایش که به پدران ما نیز میرسید. پس ناگهان آنها را بگرفتیم در حالیکه آنها هیچ درک نیکردند (۹۶)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٢﴾

و اگر ساکنان قریه ما ایمان می آوردند و تقوی را اختیار میکردند یقیناً درهای برکاتی را از آسمان و زمین بر آنها میگشودیم. اما آنها تکذیب کردند. پس ما آنها را بگرفتیم بیاداش آنچه کسب می کردند (۹۷)

أَفَأَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿١٣﴾

پس آیا ساکنان قریه ما ازین ایمن شده اند که عذاب شبی ما آنها را برسد حالیکه آنها خفتگان اند (۹۸)

أَوْ أَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًىٰ وَهُمْ يُلْعَبُونَ ﴿١٤﴾

و آیا ساکنان قریه ما ازین ایمن شده اند که عذاب چاشتگاهی ما آنها را برسد در حالیکه آنها بازی کنانند (۹۹)

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ ۗ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ

پس آیا از تدبیر خدا ایمن شده

إِلَّا الْقَوْمَ الْخَاسِرُونَ ﴿١٠٠﴾

ع  
۳

اند؟ پس ایمن شده خیال نکند از  
تدبیر خدا جز قوم زیان  
کاران (۱۰۰)

آیا برای آنانکه این زمین را بعد  
از ساکنان آن ارث کرده اند  
رهنمائی نکرد که اگر بخواهیم آنها  
را بپاداش گناهان آنها کفر کنیم  
و بر قلب های آنها مهر نهیم تا آنها  
نشنوند [و نفهمند] (۱۰۱)

این آن قریه هایست که اخبار  
بعضی از آنها را برای توحکایت  
میکنیم و یقیناً آنان را رسولان نشان  
بانسانه های آشکار آمده بودند ولی  
نبودند که ایمان میآوردند چه قبلاً  
[نیز به رسولان] تکذیب کرده  
بودند. این گونه خدا بر دلهای  
کافران مهر مینهد (۱۰۲)

و بسیاری را از آنان پاس دهنده  
میچ عهده نیافتیم و یقیناً بسیاری  
را از آنان زشتکاریافتیم (۱۰۳)  
باز پس از آنها موسی را با

أَوْلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ  
بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ  
بِذُنُوبِهِمْ ۗ وَنَضْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ  
لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠١﴾

تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا  
وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ۗ فَمَا  
كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ  
كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ  
الْكَافِرِينَ ﴿١٠٢﴾

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ ۗ وَإِنْ  
وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿١٠٣﴾  
ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى



آیت‌های خود بسوی فرعون و سرداران او بمموت نمودیم. پس آنان به آن [آیت] ما بی انصافی کردند. پس بنگر فرجام فساد کاران چگونه بود(۱۰۴)

وموسیٰ گفت: ای فرعون براستی من از پروردگار همه جهان‌ها رسولی‌ام(۱۰۵)

واجب است بر من که بر خدا جز حق سخنی‌نگویم. نشانه‌ای روشن از پروردگارتان برایشما آورده‌ام. پس بنی‌اسرائیل را با من بفرست(۱۰۶)

[فرعون] گفت: اگر نشانه‌ای آورده‌ای پس آنرا بی‌آرا گرتواز راست‌گویان‌ای(۱۰۷)

پس او عصای خود را افکندید پس ناگاه آن علناً از دھائی‌بود(۱۰۸) +  
و او دست خود را بیرون کشید پس ناگاه به بینندگان سفید دیده می‌شد(۱۰۹) ++

فِرْعَوْنَ وَمَلَأْ بِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٤﴾

وَقَالَ مُوسَىٰ يُفِرْعَوْنَ إِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٥﴾

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ ۗ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٠٦﴾

قَالَ إِنَّ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ﴿١٠٧﴾

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٠٨﴾  
وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنُّظُرِينَ ﴿١٠٩﴾

سرداران از قوم فرعون گفتند  
حتماً این جادوگر ماهری  
است (۱۱۰)

او میخواید شما را از سرزمین  
شما بیرون کند [فرعون گفت] شما  
چه مشورت میدمید (۱۱۱)

گفتند، او و برادرش را فرصت  
بده و در شهرها گردآوردگان را  
بفرست (۱۱۲)

آنان هر نوعی جادوگر حرفه ای  
را نزد تو بیارند (۱۱۳)

و جادوگران بر فرعون آمده  
گفتند، یقیناً ما را پاداشی بزرگ  
است اگر ما غالب آئیم (۱۱۴)

او گفت، بلی! بعلاوه حتماً شما از  
جمله مقربان شوید (۱۱۵)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا  
لَسِحْرٌ عَلِيمٌ ﴿۱۱۰﴾

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ ۚ  
فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿۱۱۱﴾

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي  
الْمَدَائِنِ خَبِيرِينَ ﴿۱۱۲﴾

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرٍ عَلِيمٍ ﴿۱۱۳﴾

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا  
لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿۱۱۴﴾

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۱۱۵﴾

آیات ۱۰۸ - ۱۰۹: این دو نشان از آن نه نشان است که حضرت موسی و حضرت  
هارون علیهما السلام را از جانب خدا اعطاشد. از دیگر آیتها مشخص میشود که  
چوب دستی بیقین ماری نشده بود بلکه دیدگان بینندگان در اثر تصرف خدای  
متعال چوب دستی را ماری میدیدند. همینطور چگونگی دست حضرت موسی بود  
که رنگش همان طبیعی بود اما بینندگان را بعنوان نشانه درخشان دیده میشد.

گفتند: ای موسی! [نخست] یا تو  
بیفکن یا اینکه ما افکنندگان  
باشیم (۱۱۶)

او گفت، شما بیفکنید. پس دمیگ  
افکنند چشمان مردم را جادویی  
کردند و آنانرا سخت ترسانند و  
تردستی بزرگ آوردند (۱۱۷) ++  
و ما بسوی موسی وحی فرستادیم  
که عصای خود را بیفکن. پس ناگهان  
آن فرو میبرد آن دروغ را که آنها  
بهم می یافتند (۱۱۸) ++

پس حق واقع شد و آنچه داشتند  
می کردند دروغ درآمد (۱۱۹)  
پس آنان آنجا مغلوب کرده شدند  
و خوار باز گشتند (۱۲۰)  
و جادو گران به حالت سجده  
افکنده شدند (۱۲۱)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ  
تَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٦﴾

قَالَ اتَّقُوا فَلَمَّا أَتَقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ  
النَّاسِ وَاسْتَرَهُمُوهُمْ وَجَاءُ وَبِسِحْرِ  
عَظِيمٍ ﴿١١٧﴾

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ  
فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٨﴾

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ ﴿١١٩﴾  
فَغَلَبُوا هَمَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿١٢٠﴾

وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سُجُودًا ﴿١٢١﴾

++ آیت ۱۱۷ - ۱۱۸: اینجا حقیقت جادو افشا کرده شد. کلمات "سحرو اعین الناس" می  
گوید که چشمانشان را چگونه مسریم سان فرا گرفت با آنکه ریسان از حالت  
اصلی خود تغییر نیافته بود. این عمل حضرت موسی را نیز تحت تاثیر گذاشت اما چون  
خدا فرمان کرده که چوبدستی را بیفکن پس تاثیر جادو شکست و از سربینندگان فرو رفت.

قَالُوا امَّا رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢٢﴾

گفتند، ما ایمان آوردیم به پروردگار همه جهانها - (۱۲۲)

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٣﴾

پروردگار موسی و هارون (۱۲۳)

قَالَ فِرْعَوْنُ اَمْتُمْ بِهٖ قَبْلَ اَنْ اُذِنَ

فرعون گفت: آیا براو ایمان آورده اید پیش از آنکه من شمارا اجازه میدادم؟ یقیناً این دسیسۀ ی است که در شهر به نیرنگ درست کرده

لَكُمْ ۗ اِنَّ هٰذَا لَمَكْرٌ مَّكْرْتُمْوٰهٖ فِی

اید تا ساکنان آنرا از آن بیرون رانید. پس شما به زودی

الْمَدِیْنَةِ لِتُخْرَجُوْا مِنْهَا اَهْلَهَا ۗ

بدانید (۱۲۴)

فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿١٢٤﴾

حتماً دست و پاهایتان را از

لَا قَطْعَ ۚ اَیْدِیْكُمْ وَاَرْجُلِكُمْ مِّنْ

سمت مخالف میبرم سپس حتماً

خِلاَفٍ ثُمَّ لَا صَلْبَ لَكُمْ اَجْمَعِیْنَ ﴿١٢٥﴾

جمع شما را بدار میکشم (۱۲۵)

گفتند، یقیناً ما بسوی پروردگار

قَالُوا اِنَّا اِلٰی رَبِّنَا مُنْقَلِبُوْنَ ﴿١٢٦﴾

خود بازگشتگانیم (۱۲۶)

و عیبی از ما نمیکنی مگر که ما

وَمَا تَنْتَقِمُ مِنْهَا اِلَّا اَنْ اٰمَنَّا بِاٰیٰتِ رَبِّنَا لَمَّا

به آیتهای پروردگار خود ایمان

جَاءَتْ نَا رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَاَوْتَوْقْنَا

آوردیم چون ما را آمد. پروردگارا!

﴿١٢٦﴾

مُسْلِمِیْنَ ۗ

صبر را بر ما بریز و ما را

مسلمانان بمیران (۱۲۷)

وسرداران از قوم فرعون گفتند،

وَقَالَ الْمَلَاۤمِیْنَ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اَتَدْرُ

مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ  
وَيَذَرَكْ وَالْهَتَكَ ۗ قَالَ سَنُقْتِلُ  
أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ ۗ وَإِنَّا  
فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾

آیا موسی و قومش را واگذاری  
تادر زمین فساد کنند و تو و معبودان  
تو را ترك کنند. او گفت. حتماً ما  
پسران آنانرا کشته و زنان آنان  
را زنده نگهداریم و یقیناً ما بر  
آنها سخت زورمند ایم (۱۲۸)

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ  
وَاصْبِرُوا ۗ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا  
مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَالْعَاقِبَةُ  
لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾

موسی بقوم خود گفت: یاری جوید  
از خدا و صبر کنید. یقیناً زمین از آن  
خدا است. او آنکه را از بندگان  
خود خواهد وارث آن میگرداند  
و فرجام نیکو برای پرمیزکاران  
است (۱۲۹)

قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ  
مَا جِئْتَنَا ۗ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ  
عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَ فِي الْأَرْضِ  
فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾

[قومش] گفتند، ما آزاریده شدیم  
پیش از آنکه نزد ما میامدی و هم  
پس از آنکه نزد ما آمدی. گفت  
نزدیک است که پروردگارتان  
دشمن شمارا نابود سازد و شمارا  
در زمین جانشین نماید پس بنگرد  
چگونه عمل میکنید (۱۳۰)

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ  
وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ

و یقیناً ما فرعونیان را با قحطی  
و زیان میوهها بگرفتیم تا آنها

فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ  
وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَتَّظِرُوا بِمُوسَى  
وَمَنْ مَعَهُ ۗ إِلَّا أَلَمَّا ظَلَمُوا عِنْدَ اللَّهِ  
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾

بند بگیرند (۱۳۱)

پس هنگامیکه آنها را خوبی می‌آمد  
میگفتند، این از آن ماست و اگر  
آنها را بدی می‌آمد آن را نحوست  
موسی و آنانکه با او بودند قرار می  
دادند. باش. مجوز از نحوست آنها  
نزد خدا است و اما بیشتر آنان  
نمیدانند (۱۳۲)

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِيهِ مِنْ آيَةٍ لَتَسْحَرَنَّ بِهَا  
فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾

وگفتند هر چند آیتی می‌خواهی بی‌آر  
تا به آن ما را مسحور کنی باز هم بر  
تو ایمان آرندگان نیستیم (۱۳۳)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ  
وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالِدَّمَ آيَاتٍ  
مُفَصَّلَاتٍ ۖ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا  
مُجْرِمِينَ ﴿١٣٢﴾

آنگاه بر آنها طوفان و ملخها و  
شبه‌ها و قورباغه ها و خون را آیتها  
جداگانه ای فرستادیم. پس تکبر  
کردند و قومی محرم بودند (۱۳۴)  
و هرگاه عذابی بر آنها واقع شد  
گفتند ای موسی! از پروردگار خود  
برای ما دعا کن بنام آن وعده که  
نزد تو است. پس اگر این عذاب را  
از ما برطرف کردی حتماً حرف تو  
را باور کنیم و بنی اسرائیل را

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا لِمُوسَى  
ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ ۗ لَئِنْ  
كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ بِكَ  
وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٣٣﴾

بتو بفرستیم (۱۲۵)

پس وقتی که عذاب را از آنها دور کردیم تا مدت معینی که آنرا به آن رسیدن بود، ناگاه آنان پیمان شکنی کردند (۱۲۶)

پس از آنان انتقام گرفتیم و آنان را در دریا غرق ساختیم چه آنها به آیتهای ما تکذیب کردند و از آنها غفلتکاران بودند (۱۲۷)

و مردم که بینوایان شمرده شدند را وارث شرق و غربهای آن زمین گردانیدیم که در آن برکت نهاده بودیم و سخنان زیبای پرور - دگارتو در حق بنی اسرائیل به پایان رسید چه شکیبائی کردند و آنچه فرعون و قومش میکردند و آن ساختمانها بلند که میساختند را نابود ساختیم (۱۲۸)

و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. پس آنان بر قومی درآمدند که در محضر بتان خود [عبادت

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ آجَلٍ هُم بِلُغْوِهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ ﴿۱۲۵﴾

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِآيَاتِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿۱۲۶﴾

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿۱۲۸﴾

الربع

وَجُوزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ

گذاران نشته] بودند. آنان گفتند، ای موسیٰ برای ما معبودی بساز چنانکه آنانرا معبودهای است. او گفت، یقیناً شما يك قوم بیخردان اید (۱۳۹)

یقیناً حالتی که در آن این مردم اند نابود شونده است و آن عمل که میکنند باطل است (۱۴۰)

[موسیٰ] گفت، آیا برایشما معبودی بغیر از خدا بخواهم حالانکه اوشما را برمه جهانها فضیلت داد (۱۴۱) و [یاد کنید] وقتیکه ما شمارانجات دادیم از فرعونیان که شما را عذاب سخت میدادند. آنان پسران شما را میکشتند و زنان شما را زنده نگه میداشتند و شمارا در آن از پروردگار شما آزمایشی بزرگ بود (۱۴۲)

و موسیٰ را وعده سی شب دادیم و آنها را با ده [شب علاوه کرده] تکمیل نمودیم. پس وقت معین

لَهُمْ قَالُوا يَمُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا آلِهًا كَمَا لَهُم آلِهَةٌ ۗ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿١٣٩﴾

إِنَّ هَؤُلَاءِ مَتَّبِعُوا مَا هُمْ فِيهِ وَبِطَلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾

قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ آلِهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٤١﴾

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۖ يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۗ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿١٤٢﴾

وَوَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِّمَّاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً



پروردگارش چهل شب تمام شد. و موسی به برادر خود هارون گفت در قوم جانشینم باش و اصلاح کن و راه فسادکاران را دنبال مکن (۱۴۳)

و چون موسی به وقت معین ما آمد و پروردگارش با او تکلم کرد. او گفت، ای پروردگار من! بمن نمایش بده تا بسوی تو چشم افکنم. او گفت: هرگز به دیدن من تاب نداری. ولی بسوی کوه بنگر اگر آن بجای خود برقرار ماند آنگاه میتوانی مرا ببینی. پس هنگامیکه پروردگارش بر کوه تجلی نمود پس آنرا ریزه ریزه برد و موسی بیهوش افتاد. پس دمیکه به هوش آمد گفت، تو پاکی. توبه کنان بسوی تو میگیرایم و من نخستین مومنان ام (۱۴۴) ++

وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٣﴾

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ ۗ قَالَ لَنْ نَرِيكَ وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ نَرِيكَ ۖ فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا ۗ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٤﴾

++ آیت ۱۴۴: حضرت موسی علیه السلام بعلمت ساده دلی خود پنداشتند که اگر خدا بخواهد ایشان میتوانند خداوند را در صورت عینی ببینند. در پاسخ این [ص: ۳۷۲]

قَالَ يُمُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى  
النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَلَامِي ۖ فَخُذْ  
مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾

گفت: ای موسی تو را با پیغامات  
خود و یا کلام خود بر همه مردم  
برگزیده ام. پس محکم بگیر آنچه  
را به تو داده ام و از سپاسگذاران  
باش (۱۴۵)

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَنْوَاعِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ  
مُّوعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ ۚ فَخَذَهَا  
بِقُوَّةٍ وَأَمَرَ قَوْمَكِ يَا خُذُوا بِأَحْسَنِهَا ۗ  
سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٤٦﴾

و هر چیزی را برای او در تختیها  
به رشته تحریر داشتیم که پند  
آمیز و هر چیزی را تفصیلی بود.  
پس آنرا بقوت بگیر و بقوم خود  
امر کن که به نیکوترهای آن  
[تعلیم] تمسک جویند. بزودی من  
خانه فاسقان پشمانشاندمم (۱۴۶)

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي  
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمَةَ  
آيَةٍ ۙ وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ  
لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۗ وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ  
الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۗ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ

من [توجه] آنانرا که در زمین بناحق  
تکبر کنند از آیتهای خود برگردانم  
و اگر هر کدام آیتی را مشاهده کنند  
باز هم به آن ایمان نیارند و اگر  
بینند راه هدایت را آنرا قبول نه  
کنند حالانکه اگر راه گمراهی را

بقیه آیت: ۱۴۴: درخواست خدا گفت. انسان که نتواند غرضی صایقه را تحمل کند  
دیگر چطور تاب آورد که چهره خدا را نگاه کند. پس چون صایقه بطورنشانه بر  
کوه نازل آمد حضرت موسی بیهوش افتاد و چون بهوش آمد بحضور خدا توبه کرد.

بینند آنرا قبولکنند. این بود چه  
به آیتهای ما تکذیب کردند و از  
آنها غفلت کنندگان بودند (۱۴۷)

و آنانکه به آیتهای ما و ملاقات  
آخرت تکذیب کردند اعمال آنها  
ضایع رفت. آنان پاداشی داده  
نشوند جز آنچه داشتند عمل می  
کردند (۱۴۸)

وقوم موسی بعد از او گوساله از  
زیورات خود را [به معبودیت]  
بگزیدند که بیکری [بیجان] بود و  
آن ماغ گاؤ میکشید. آیاندیدند که  
آن نه به آنان حرفی زند و نه برای  
[راست] هدایت دهد. به آن تمسک  
جستند و دستمگران بودند (۱۴۹)

و چون دچار ندامت شدند و دیدند  
که گمراه شده اند گفتند اگر  
پروردگار ما بر ما ترحم نکند و  
ما را نه آمرزد یقیناً از زیان  
کاران میشویم (۱۵۰)

و هنگامیکه موسی بسوی قوم خود

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٧﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ  
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۗ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا  
كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٨﴾

۷  
۴

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ حُلِيِّهِمْ  
عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خَوَازٍ ۗ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ  
لَا يَكْلِمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا ۗ  
إِتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٩﴾

۷  
۴

وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ  
ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا  
وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٥٠﴾

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ

أَسِفًا ۱ قَالَ يُسْمَأَخَلُّهُمُؤْنِي مِنْ بَعْدِي ۲  
 أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَرَبِّكُمْ ۳ وَأَلْقَى الْأَلْوَاخَ  
 وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۴ قَالَ ابْنَ  
 أُمَّرٍ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا  
 يَقْتُلُونَنِي ۵ فَلَا تُشْمِتْ بِي الْأَعْدَاءَ وَلَا  
 تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۶

خشمناك و افسوس کنان برگشت  
 گفت، بدا از جانشینی که در غیاب  
 من کردید آیا در مورد فرمان  
 پروردگار خود شتاب کردید؟ و  
 الواح را [بزیر] افکند و سر  
 برادر خود را گرفته او را بسوی  
 خود کشید. او گفت: ای پسر مادرا  
 قوم مرانان توان شمردند و نزدیک  
 بود مرا بکشند. پس مرا موجب  
 شادمانی دشمنان نساز و نه مرا  
 با قوم ستمکاران بگردان (۱۵۱)  
 [موسی] گفت: ای پروردگار من!  
 بیمارز مرا و برادرم را و ما را  
 بداخل رحمت خود بنما و تو ترحم  
 کننده ترین ترحمکنندگانی (۱۵۲)  
 یقیناً آنانکه گوساله را فرا گرفتند  
 آنان را غضب از پروردگار آنان  
 و رسوائی در زندگی دنیا است و  
 دروغ بهم بافندگان را اینگونه  
 پاداش می دهیم (۱۵۳)  
 و کسانی که بدیها انجام دادند سپس

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلَا خِي وَأَدْخِلْنَا فِي  
 رَحْمَتِكَ ۷ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ۸

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيئَالَهُمْ  
 غَضَبٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ  
 الدُّنْيَا ۹ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ۱۰

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ

توبه کردند و ایمان آوردند البته  
پروردگار تو بازهم آمرزگاری  
بارها رحم کننده است (۱۵۴)

و هنگامیکه خشم موسی فرونشست  
الواح را برداشت و در مندرجات  
آنها برای آنانکه از پروردگار  
خود می ترسند هدایت و رحمت  
بود (۱۵۵)

و موسی از قوم خود مفتاد مرد  
را برای وقت معین مابگزید. پس  
چون آنانرا روزه بگرفت [موسی] گفت،  
ای پروردگار من! اگر می  
خواستی از قبل آنها را هلاک می  
کردی و مرانیز. آیامارا هلاک کنی  
به انکاری که سفیهان ما کردند!  
یقیناً این از جانب تو آزمایشی  
است. تو به این [آزمایش] هرکه را  
خواهی گمراه میکنی و هرکه را  
خواهی هدایت میدهی. تو مولای  
مائی. پس ما را بآمرزو بر ما ترحم  
کن و تو بهترین آمرزندگان

بَعْدَهَا وَأَمَّنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا  
لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٤﴾

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ  
الْأَلْوَابَ ۗ وَفِي نُسُخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ  
لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٥﴾

وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا  
لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ  
رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ  
وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا  
إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ  
وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ ۗ أَنْتَ وَلِيُّنَا  
فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾

مستی (۱۵۶)

و بنویس برای ما خیر و نعمت در این دنیا و در آخرت. یقیناً ما بسوی تو [توبه کنان] آمده ایم. گفت: عذابم است که آنرا میرسانم به هر که بخوام در حالیکه رحمت هر چیز را احاطه کرده است. پس آن [رحمت] را لازم گردانم برای آنانکه تقوی پیشگیرند و زکوت دهند و آنانکه به آیتهای ما ایمان می‌آیند (۱۵۷)

کسانیکه پیروی میکنند از آن رسول امی که او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند. او ایشانرا به معروفات امر میکند و ایشانرا از منکرات نهی میکند و پاکیزهای را برایشان حلال قرار میدهد و ناپاکیزه های را برایشان حرام میگرداند و بار آنان و طوق آنانرا که بر آنان بود از آنان بر میدارد. پس آنانکه به

وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي  
الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ قَال عَذَابِي  
اَصِيبُ بِهِ مَنْ اَشَاءُ وَ رَحْمَتِي  
وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاكُتُبَهَا لِلَّذِينَ  
يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ  
بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ  
الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي  
التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَا أُمَّرَهُمْ  
بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ  
الْخَبِيثَاتِ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ  
وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ قَال الَّذِينَ  
آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا

آن ایمان می‌آورد و او را گرامی دارند و او را یاری‌کنند و از پی آن نور روند که با او نازل کرده شد همانها اند که موفق شدگان اند (۱۵۸)

التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلْنَا مَعَهُ<sup>۱</sup> أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۵۸﴾

۱۵۸

بگو، ای مردم براستی من بسوی همه شما رسول آن خدا ام که پادشاهی آسمانها و زمین از آن او است. نیست هیچ معبودی جز او. او زنده میکند و مییراند. پس ایمان بی‌آید به خدا و رسولش نبی امی آنکه به خدا و کلمات او ایمان دارد و او را پیروی کنید باشد که هدایت بیابید (۱۵۹)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمَّا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵۹﴾

و از قوم موسی عده بودند که باحق [بردم] هدایت میکردند و به آن داد گری میکردند (۱۶۰)

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿۱۶۰﴾

وایشان را دوازده قبیله - قوم ها - منقسم کردیم و بسوی موسی چون قومش از او آب خواست و حی فرستادیم که با عصای خود

وَقَطَّعْنَاهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا<sup>۱</sup> وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَمَهُ قَوْمَهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ<sup>۲</sup>

بر سنگ ضربه بزن. آنگاه از آن دوازده چشمه جست زدومه مردم آبشخور خود را شناختند و بر آنان سایه ابر کردیم و بر آنان ترنجبین و بلدرچین نازل کردیم [و گفتیم] بخورید از آن پاکیزه های که بشما رزق داده ایم و ما ستم نه کردیم اما آنان بر جانهای خودشان ستمکاران بودند (۱۶۱)

و گامیکه به آنان گفته شد که در این شهر مسکن گزینید و از آن از هر جای خواستید بخورید و بگویید "حطه" [ما را بیامرزد] و اطاعت کنان وارد درب بزرگ شوید. ما خطاهای شمارا برایشما میآمرزیم و محسانرا حتماً بیفزاییم (۱۶۲)

پس آنانکه از آنها ستم کردند سخن را بدل کردند جز آنچه برای آنها گفته شده بود. پس ما بر آنها عذابی از آسمان نازل کردیم بعلت آنچه ستم میکردند (۱۶۳)

فَأْتَبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ۖ وَظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ ۖ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى ۖ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ۖ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦١﴾

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَعْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ ۖ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦٢﴾

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنْ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٣﴾



و بپرس آنها را از آن قریه که کنار دریا بود گامیکه در مورد سبت تجاوز میکردند چون روز سبت آنان مای مای آنها آنانرا گروه گروه میآمدند و روزیکه سبت نمیگرفتند آنان را نمیآمدند. این گونه آنان را آزمودیم بدانچه داشتند فسق میآوردند (۱۶۴)

و [بیاد آور] چون گروهی از آنان گفتند چرا قومی را اندرز گویند که خدا ملامت کننده آنان یا آنان را عذاب کننده عذابی سخت است. گفتند این معذرتی است بسوی پروردگارتان باشد که آنان تقوی اختیار کنند (۱۶۵)

پس چون آنرا که به آن توصیه کرده شدند بفراموشی سپردند، ما آنانکه نهی کننده بدیها بودند را نجات دادیم و ستمکاران را بمعذابی سختتر برگرفتیم چه زشت کاری می کردند (۱۶۶)

وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ  
الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ  
حِثَّائِهِمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَعًا وَيَوْمَ لَا  
يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ  
بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٤﴾

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ  
قَوْمًا ۗ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ  
عَذَابًا شَدِيدًا ۗ قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ  
وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٥﴾

فَلَمَّا سَوَّأْنَا دُكْرُوبًا ۖ أَنَجَبْنَا الَّذِينَ  
يَهُونَ عَنِ السُّوءِ ۖ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا  
بِعَذَابٍ بَئِيسٍ ۖ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٦﴾

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَآئِهِمْ قُلْنَا لَهُمْ  
كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٧٧﴾

باز هم وقتیکه نافرمانی کردند آن  
امری را که از آن نهی شده بودند  
آنرا گفتیم بوزینه های خوار  
شوید (۱۶۷)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ  
رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ  
رَّحِيمٌ ﴿١٧٨﴾

[و بیاد آری] وقتیکه پروردگار تو  
اعلام کرد که حتماً تا روز قیامت  
کسانیرا بر آنان مسلط میکند که  
آنرا سخت عذاب خواهند کرد.  
یقیناً پروردگارتو زود عقوبت  
است بآنکه یقیناً او آمرزگاری  
بارها رحمنکننده است (۱۶۸)

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِنْهُمْ  
الضَّالِّحُونَ وَمِنْهُمْ دُونِ ذَلِكَ  
وَبَلَّوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ  
يَرْجِعُونَ ﴿١٧٩﴾

و آنرا در زمین قوم در قوم  
منشعب کردیم و در آنان نیکو  
کاران بودند و در آنان غیر از این  
نیز بودند و ما آنان را بحالتهای  
نیکو و حالتهای بد آزمودیم باشد  
آنان [بهدایت] برگردند (۱۶۹)

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا  
الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى  
وَيَقُولُونَ سَيُعَذِّبُنَا ۚ وَإِنِّي آتِيهِمْ

پس جانشینی کردند پس از آنان  
جانشینانی که کتاب را ارثانه گرفته  
بودند. آنان بهره موقتی این دنیا  
را فرا گرفته و میگفتند، ما بخشوده

شویم و اگر آنها را بهره ای مانند آن می‌آمد آنرا می‌گرفتند. آیا پیمان کتاب که بر آنان فرض بود گرفته نشد که بر خدا جز حق لب بسخن نگشایند و آنچه در آن است را خوانده بودند و خانه عاقبت نیکوتر است برای آنانکه تقوی اختیار کنند. پس آیا عقل نمی کنند؟ (۱۷۰)

و آنانکه بکتاب تمسک جویند و نماز را بپای دارندیقیناً ما پاداش اصلاح کنندگان را ضائع نمی دهیم (۱۷۱)

و چون کوه را بر آنان بلند کردیم گویی آن سایبانی بود و پنداشتند که آن بر آنان فروآینده است. آنچه به شما در داده ایم را بقوت بگیرید و آنچه در آن است را فراگیرید تا تقوی را اختیار کنید (۱۷۲)

و وقتی که بروردگارتو گرفت از

عَرَضَ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ ۗ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ۗ وَالذَّارِ الْأَخْرَةَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۷﴾

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۗ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿۷﴾

وَإِذْ تَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ ۗ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۷﴾

ع  
ع  
ع

وَإِذْ أَخَذْنَاكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ

بنی آدم از صلب آنان [ماده  
تخلیق] نژاد آنان و آنان را بر  
نفسهای خود گواه ساخت [و پرسید]  
آیا پروردگار شما نیستیم؟ آنها گفتند  
بلی گواهی میدیم. مبادا روز  
قیامت بگویید ما از این نا آگاه  
بودیم (۱۷۳) ++

یا گوید شرك که قبلاً پدران ما  
کرده بودند و مانسلی پس از آنان  
بودیم. پس آیا ما را هلاک میکنی  
بدآنچه دروغ گویان کردند (۱۷۴) +

ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ  
أَنْفُسِهِمْ ۗ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ ۗ قَالُوا بَلَىٰ ۗ  
شَهِدْنَا ۗ أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا  
عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿۱۷۳﴾

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ  
وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ ۗ أَفَتُهْلِكُنَا  
بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿۱۷۴﴾

++ آیت ۱۷۳: چنانچه از بنی آدم حتی قبل از آفرینش آنان نسبت به نسل ایشان  
فرمان بود که آنان بر هستی خدای متعال گواه باشند. پس نژادی که هنوز بدنیا  
نیامده باشد چه طور از آنان بیمانی گرفته شد؟ منظور ازین فقط اینقدر است که  
ایمان بر هستی خدای متعال داخل در سرشت انسان است. پس آن تصور خدا که  
در تمامی دنیا یافت میشود این يك حادثهٔ اتفاقی نیست بلکه این مَرْتَسَم در  
سرشت انسان است.

++ آیت ۱۷۴: بلند کردن کوه راهرگز این معنای نیست که کوه از بن کنده بر فراز  
آنها راست شد. بلکه شماری کوه ها بر رهگذرها بطوری خمیدگی دارند که رهگذران  
زیر آنها میگذرند. اینجانب همین مفهوم است. اما خونی که آنوقت آنان را فرا گرفته  
بود از آن چگونگی ایشان استفاده کرده خداوند به آنان توصیه کرد که باید  
تعلیم تورات را بقوت بگیرند.

و اینگونه ما آیتها را تفصیل دمیم تا  
 باشد آنان [بحق] باز گردند (۱۷۵)  
 و بیانکن برای آنها حکایت آنکس  
 که ما او را نشانه های خود داده  
 بودیم پس او از آنها سربیزی  
 کرد. پس شیطان او را تعقیب کرد  
 و او از گمراهان شد (۱۷۶)

و اگر می خواستیم حتماً با آن  
 [نشانه] ها او را رفعت میدادیم  
 اما او بسوی زمین میل کرده  
 هوای نفسانی خود را دنبال کرد.  
 پس مثلش بمثل سگ است که  
 اگر بر او حمله کنید عوعوزبان  
 کشد و اگر ترکش کنید باز هم  
 عوعوزبان کشد. این است مثل  
 قومی که آیات ما را تکذیب  
 کردند. پس این داستان را  
 بر آنان حکایت کن باشد که آنان  
 بتفکر بپردازند (۱۷۷) ++

وَكَذَلِكَ نَقْصِلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ  
 يَرْجِعُونَ ﴿١٧٥﴾  
 وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَخَ  
 مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ  
 الْغَاوِينَ ﴿١٧٦﴾

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ  
 إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ  
 الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ  
 تَتَرَكَّهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ  
 كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ  
 لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٧﴾

++ آیت ۱۷۷: فردی که در این آیت کریمه ذکر شده است مفسران او را بلمم باعور  
 مینامند. این شخص طبعاً با چنین صفات روحانی متزین بود که آنها را [ص: ۳۸۴]

بسیار زشت است مثل قومیکه به آیات ماتکذیب کردند و بودند بر جانهای خودستم میکردند (۱۷۸)  
آنکه را خدا هدایت دهد پس او هدایت یافته است و آنکه را گمراه سازد همانها زیانکارانند (۱۷۹)

و بسیار کثیر از جن و انس را برای جهنم آفریده ایم آنان دلهای دارند که به آن در نیابند و آنان چشمانی دارند که به آن نمی بینند و آنان گوشهای دارند که بدان نشنوند و آنان مانند دامهای اند بلکه آنان [از آنها هم] گمراهتر اند. همانها غفلت کنندگانند (۱۸۰)

همه نامهای زیبا برای خدا است پس او را به آن [نام] مابخوانید و ترك کنید آنها را که در نامهای او

سَاءَ مَثَلًا لِّلْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا  
وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٧٨﴾

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِيٌّ وَمَنْ يُضِلُّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿١٧٩﴾

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيْرًا مِّنَ الْجِيْنِ  
وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَا يَفْقَهُوْنَ بِهَا  
وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُوْنَ بِهَا وَلَهُمْ  
أُذُنٌ لَا يَسْمَعُوْنَ بِهَا ۗ أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ  
بَلْ هُمْ أَضَلُّ ۗ أُولَئِكَ هُمُ الْغٰفِلُونَ ﴿١٨٠﴾

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوْهُ بِهَا  
وَذَرُوا الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ أَسْمَائِهِ ۗ

بقیه آیت ۱۷۷: بکار گرفته میتواندست به تقرب خدا برخوردار شود. ولی بدبختانه او بسوی زمین میل کرد. پس مثل به سگی پیش آورده شد که خواه این را سنگ زنی یا زنی عوعو کرده ناتوان میشود. پس این کس نیز از راه راست برگشت زده برخلاف حق در هرزه سرائی فرورفت.

کج روی کنند. پس آنها پاداش داده  
 شوند آنچه بودند می کردند (۱۸۱)  
 و از آنانکه ما آفریده ایم گروه  
 های اند که بحق هدایت مینمایند  
 و به آن عدالت میکنند (۱۸۲)  
 و آنانکه به آیتهای ماتکذیب کنند  
 تدریجاً آنها را از جهتی بگیریم که  
 که هیچ ندانند (۱۸۳)  
 و آنان را مهلت میدهم و تدبیرم  
 بسیار برقرار است (۱۸۴)  
 آیا تفکر نکنند که صاحب آنها را  
 جنونی نیست. او فقط بیم دهنده  
 آشکارا است (۱۸۵)  
 آیا نینگرد در پادشاهی آسمانها  
 و زمین و هر چه خدا آفریده است  
 و اینکه ممکن است که مدت معین  
 آنها فرار رسیده باشد. پس ازین بعد  
 بکدام سخن ایمان آورند؟ (۱۸۶)  
 آنکس را خدا گمراه قرار دهد او  
 را کسی هدایت دهنده نیست و  
 آنها را در سر کشیهای خود سرگردان

سَيَجْزُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۸۱﴾

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ  
 يَعْدِلُونَ ﴿۸۲﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ  
 حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۸۳﴾

وَأُمْلِي لَهُمْ ۗ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿۸۴﴾

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا ۗ مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ  
 جِنَّةٍ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۸۵﴾

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ  
 وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ ۗ وَإِنْ  
 عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ ۚ  
 فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿۸۶﴾

مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ ۗ وَيَذَرُهُمْ  
 فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿۸۷﴾

رما میکند (۱۸۷)

درباره قیامت از تومسفلت میکنند که چه وقت آن برپا کرده شود؟ بگو علمش فقط نزد خدا است. نیست کسی جز او که آنرا بروقت خود جلوه گر نماید. آن در آسمانها و زمین گران است. شما را نمیآید مگر ناگهان. تو را می پرسند گویی تو از آن کاملاً می دانی. بگو علمش فقط نزد خداست

اما بیشتر مردم نمیدانند (۱۸۸)

بگو من برای نفس خود نه سود را اختیار دارم و نه زیان را مگر آنچه خدا خواهد و اگر غیب را میدانستم البته از دارایی فراوان جمع میکردم و سختی به من نمیرسید. من فقط بیم دهنده و مژده دهنده ام قومی را که

ایمان میآرند (۱۸۹)

او است آنکه شمارا ازیک جان آفرید و ساخت از وی جفتش را

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ  
إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجِيبُهَا  
لَوْ قِفَتِهَا إِلَّا هُوَ تَنَقَّلْتُ فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَعَثَةٌ  
يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ خَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا  
عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا  
يَعْلَمُونَ ﴿۱۸۷﴾

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا  
إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ  
الْغَيْبَ لَأَسْتَكْمَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا  
مَسْنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ  
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۸۸﴾

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ  
وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا



تَعْلَمَهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيْفًا فَمَرَّتْ بِهِ<sup>ع</sup>  
 فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللّٰهُ رَبَّهُمَا لَئِن آتَيْتَنَا  
 صَالِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿١٩٠﴾

تا بسوی او تسکین یابد. پس  
 چون او وی را پوشاند پس وی  
 باری سبک را برداشت پس به آن  
 حرکت کرد. پس چون وی گرانبار  
 شد هر دو از خدا پروردگار خود  
 دعا کردند که اگر ما را پسری  
 سالم دهد حتمًا از سپاس گذاران  
 شویم (۱۹۰)

فَلَمَّا أَتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَآءَ فِيمَا  
 آتَاهُمَا<sup>ع</sup> فَتَعَلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿١٩١﴾

پس گامیکه [خدا] آندورا [پسری]  
 سالم در داد. آندو در آن [اعطا] که  
 او آنرا داد شریکان او بگزیدند.  
 پس خدا بالاتر آن است که شرک  
 میورزند (۱۹۱)

أَيُّشْرِكُوْنَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ  
 يُخْلَقُوْنَ ﴿١٩٢﴾

آیاشریک قرار میدهند آنچه ما را  
 که چیزی نمیآفرینند حالیکه  
 خود آنها آفریده میشوند؟ (۱۹۲)  
 و آنها یارایی به کمک کردن آنرا  
 ندارند و نه یارایی به یاری کردن  
 خودشان را دارند (۱۹۲)

وَلَا يَسْتَطِيعُوْنَ لَهُمْ نَصْرًا وَ لَا  
 أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُوْنَ ﴿١٩٣﴾

و اگر آنها را بسوی هدایت بخوانید  
 شمارا پیروی نکنند. یکسان است

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى  
 لَا يَتَّبِعُوْكُمْ<sup>ط</sup> سَوَآءٌ عَلَيْكُمْ

أَدْعُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ﴿۱۹۴﴾

برای شما خواه آنان را بخوانید

یا شما خاموشان مانید (۱۹۴)

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ

یقیناً آنان را که جز خدا خوانید

بندگانى همچون شایند. پس آنها

أَمْثَالِكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلَيْسَ جِئُوا لَكُمْ

را پیوسته بخوانید باز باید

شمارا اجابت کنند اگر شما راست

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۹۵﴾

گویانید (۱۹۵)

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ

آیا آنان را پاهائی است که بدان

راه روند یا آنان را دست هائی

است که بدان بگیرند یا آنانرا

يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يَبْصُرُونَ

چشمائی است که بدان بینند یا

آنانرا گوشهائی است که بدان

بشنوند؟ بگو شریکان خود را

ادْعُوا شُرَكَاءَ كُمْ تَمَّ كَيْدُونَ فَلَا

تَنْظُرُونَ ﴿۱۹۶﴾

بخوانید بعد ما خلاصم نیرنگ زنید

و مرکز مجالم ندمید (۱۹۶)

یقیناً یاورم آن خدا است که کتاب

رانا زلکرد و او [فقط] نیکوکاران

إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۗ وَهُوَ

يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿۱۹۷﴾

را کفیل میباشد (۱۹۷)

و آنها را که جزا و میخوانید نتوانند

شمارا یاری کنند و نتوانند خودشان

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿۱۹۸﴾

را یاری کنند (۱۹۸)

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا  
وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا  
يُبْصِرُونَ ﴿١١٩﴾

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ

الْجَاهِلِينَ ﴿١٢٠﴾  
وَأَمَّا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۗ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طِيفٌ مِّنَ  
الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿١٢٢﴾

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ  
لَا يُقْصِرُونَ ﴿١٢٣﴾

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَآيَةٌ قَالُوا لَوْلَا  
أَجْتَبَيْتَهَا ۗ قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ  
إِلَيَّ مِنْ رَبِّي ۗ هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ

و اگر آنان را بسوی هدایت بخوانی  
نشنوند و به آنها نگر به تو میبینند  
بینند در حالیکه نمی بینند (۱۱۹)  
عفو کن و به نیکوکاری امر کن و  
از بیخردان اعراض کن (۲۰۰)

و اگر تورا و سوسه ای از شیطان  
برانگیزد پس به خدا پناه بر.  
یقیناً او بسیار شنوای صاحب علم  
دائمی است (۲۰۱)

یقیناً کسانی که تقوی اختیار کنند  
هرگاه به ایشان و سوسه ای از  
شیطان برسد [خدا را] بسیار  
یاد کنند پس ناگاه ایشان صاحب  
بصیرت میشوند (۲۰۲)

و برادران [شیطانی] آنان آنها را  
در گمراهی میکشند. سپس کوتاهی  
نمی کنند (۲۰۳)

و هرگاه به آنها آیتی نیآوری  
گویند چرا آن را نگزیدی. بگو  
من فقط از آن پیروی کنم که  
بسوی من از پروردگارم وحی

وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٤﴾

کرده میشود. این از پروردگارتان  
سخنانی بصیرت افروز و هدایت  
و رحمت است برای قومی که  
ایمان می‌آیند (۲۰۴)

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا  
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٥﴾

و هرگاه قرآن فروخوانده شود  
پس برای آن گوش بازدهید و  
ساکت باشید، باشد بر شما رحم  
کرده شود (۲۰۵)

وَإِذْ كُنَّا فِي نَفْسِكَ نَتَضَّرَّعًا  
وَخِيفَةً وَدُؤَانَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ  
وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٦﴾

و یادکن پروردگار خود را صبح و  
شام دردل خود بزاری و ترسان و  
بفیر از صدای بلند و از غافلان  
مباش (۲۰۶)

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا  
يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ  
وَيَسْبِغُونَ لَهُ يُسْجِدُونَ ﴿٢٠٧﴾

همانا آنانکه نزد پروردگارتو  
میمانند از عبادت او سرباز نمی  
زنند و او را تسبیح گویند و او  
را سجده کنند (۲۰۷)

﴿٢٠٧﴾

## ۸ - سورة الانفال

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۲۶ آیت دارد.

در سوره گذشته الاعراف [آیت ۱۸۸] زمان ظهور آن ساعت که کافران پرسیده بودند در این سوره ذکر از نخستین مظهر آن ساعت بتفصیل بیان کرده و گفته میشود که آن ساعت بر اهل عرب بظهور رسیده و در نتیجه آن زمان کفر و شرک خاتمه خواهد یافت.

در پایان سوره گذشته این هشدار داده شد که حالاتی مشکلات انگیز صورت خواهد گرفت لذا بایستی اینک از همین الآن به حضور خدا فروتنی کنان و پنهان و عیان زاری کرده به دعاها بپرداز زیرا که همه ای مشکلات تنها از دعاها می تو دور خواهد شد.

بمحض آغاز این سوره مؤده ای است که در نتیجه این مشکلات فقر مومنان دور کرده میشود. باز در ادامه ذکر مشکلات، نخست سخن از جنگ بدر گفته میشود. بطوریکه در پایان سوره قبلی توجه خصوصی به دعاها جلب کرده شد لذا ما می بینیم که برای مسلمانان پیروزی بدر نیز ناشی از ادعیه خصوصی آنحضرت ﷺ صورت گرفته بود و الا در مقابل آن ۲۱۲ یار که با ایشان در این جهاد همراه بودند نیرو تهاجمی مشرکان مکه جز جنبه روحانی از هر جهتی از آنجمله مرکبها و مهمات جنگی، تیراندازهای زبردست و برای برانگیختن احساسات جنگاوری ارتشیان چنین زنانی زبردست در سرودن ترانه ماکه بر اثر سرودن آنها ارتشیان را چگونگی جنون فرامیگرفت.

برخوردار بودند. با اینهمه پیروزی را فقط آن دعا‌های آنحضرت ﷺ آوردند که ایشان درخیمه خود به چنین نهایت تضرع کرده بودند که درحالت زاری جامه از شانه مبارک ایشان تکراراً فرومینتاد و حضرت ابوبکر صدیق آنرا برجاش نیاراستند. اوج این دعا این بود که آنحضرت ﷺ تکراراً بمرض رساندند. اللَّهُمَّ إِن تَهْلِكْ مِنْهُ أَصَابَةٌ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ لَا تَعْبُدُنِي الْأَرْضِ [مسلم، کتاب الجهاد] یعنی منظور از آفرینش جن و انس عبادت است و اگر این بندگان که ایشان را من خالصانه به عبادت تو تربیت کرده ام کشته شدند دیگر هیچگاه جماعتی از عبادت گذاران خاص تو بوجود نخواهد آمد. پس در جنگ بدر تاج پیروزی را سزاوار فقط دعا‌های آنحضرت ﷺ بود.

بعلاوه مومنان فهمانیده شدند که مقیاس مهم جهت تفکیک کردن راستگویان و دروغگویان را از یکدیگر، تنها تقوی است. لذا اگر شما برای آینده نیز گمان دارید که بر ابرقدرتهای دنیا برتری بدست آورید باید بر تقوی استوار باشید.

در عین حال این نیز رسانده میشود که رسول الله ﷺ و رفیقان ایشان هرگز تا آن نهایت دست به قتال نمیشدند اگر در دین ایشان تلاش به تغییر دادن نمیشد. همیشه بزرگترین فتنه در دنیا بهین علت بوجود میآمده و در آینده هم خواهد آمد چون تلاش شود که دین مردم با شمشیر تغییر داده شود. البته در اینصورت دفاع تا آن نهایت مجاز است که این فتنه کلیه از بین برود.

ضمناً این امر نیز فهمانیده میشود که ثبات قدم را فراوانی یاد خدا لازم است. پس کسانی که یاد خدا را طی جنگهای هولناک نیز بپا می دارند، موده ای داده میشوند که شما امید که به رستگاری نایل شوید زیرا که هر نوع رستگاری بستگی به ذکر خدا دارد.

دوآیت اخیر این سوره حاکی است که اگر فشار از جانب دشمن افزایش یابد و از میهن خود ناچار به مهاجرت شوید پس این هجرت در راه خدا قابل قبول است و بیاداش این، از جانب خدا پیروزی اعطا کرده و خداوند بملأوه آمرزش در رزق مهاجران نیز برکت خواهد نهاد. این پیشگویی همواره به شأن بلند تحقق مییافته است. آن برکت رزق که ذکرش در آغاز این سوره در صورت انفال شده است اینک آن برکت رزق را صورت های دیگر نیز بیان کرده گفته میشود که در نتیجه هجرت رزق مهاجران بسیار فراخی خواهد یافت.

☆ سُورَةُ الْاَنْفَالِ مَدِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَ سَبْعُونَ آيَةً وَعَشْرَةٌ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحمکننده (۱)

تو را از غنائم پرسند بگو غنائم  
از آن خدا و رسول است پس به  
خدا تقوی اختیار کنید و میان  
خود اصلاح دهید و خدا و رسول  
او را پیروی کنید اگر شما مومنان  
اید (۲)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاَنْفَالِ قُلِ الْاَنْفَالُ لِلَّهِ  
وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ  
بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ  
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ②

مومنان فقط آنانند که هرگاه خدا  
را ذکر شود دلهای ایشان میلرزد  
و هرگاه آیتهای او برایشان فرو  
خوانده شود برایمان ایشان می  
افزاید و بر خدای خود توکل می  
کنند (۳)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ  
وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَّيْتُ عَلَيْهِمُ آيَةً  
زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ③

آنانکه نماز را بجای دارند و انفاق  
کنند از آنچه به ایشان اعطا کرده  
ایم (۴)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَهُمْ رِزْقُهُمْ  
يَنْفِقُونَ ④

مانها مومنان حقیقی اند و برای  
ایشان نزد پروردگار ایشان

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ  
دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ



كْرِيْمًا ۛ

مراتبی بزرگ و آمرزش و رزقی  
کریمانه است (۵)

بطوریکه خدا تورا از خانه خود  
بحق بیرون آورده بود حالیکه  
یقیناً گروهی از مومنان را ناخوش  
داشت (۶)

مواجه کنند بتو درباره حق پس  
از آنکه آشکار شده است گویی  
آنها به سوی مرگ کشانده شوند  
و آنها آن را مشاهده میکردند (۷)  
و [بیاد آورید] چون خدا بشاوعده  
یکی از دو گروه میداد که آن برای  
شما است در حالیکه شما دوست  
داشتید آنکه گزند نارسان است  
برای شما باشد و خدا بر آن  
بود که حق را با سخنان خود  
ثابت نماید و ریشه کافران را  
برکند (۸)

تا حق را ثابت نماید و باطل را  
خط بطلان کشد مرچند مجرمان  
را ناخوش دارد (۹)

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ  
وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَرِهُونَ ۝۱

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا  
يَسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۝۲

وَإِذِيعِدُكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهُمَا  
لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنْ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ  
تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ  
بِكَلِمَتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ۝۳

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ  
الْمُجْرِمُونَ ۝۴

و[بیاد آرید] چون به پروردگار خود التجامی کردید. پس او برای شما قبول کرد [بدین وعده] که من شما را با يك هزار فرشته پشت سرم آیدگان کمک خواهم کرد (۱۰)

و خدا آن را برای شما فقط مؤده ساخته بود و تا بدان دلهایتان اطمینان یابد و گرنه هر نوع کمک فقط از نزد خدا است. یقیناً خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۱۱)

چون او از جانب خود بر شما آرامش داده خواب آسایش را بر شما می پوشاند و نازل میگرد بر شما از آسمان آبی تابدان شما را خوب پاک سازد و آلودگی شیطان را از شما دور نماید و تا دلهای شما را تقویت دهد و تا به آن قدمهای شما ثابت بگرداند (۱۲)

إذ تَسْتَعِينُونَ رَبِّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿١٠﴾

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَتَظْمِنُ بِهِ قُلُوبُكُمْ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١١﴾

إذ يُعْشِيكُمْ الْعَسَا أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١٢﴾

إذِ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْكُمْ  
فَأَنْزَلُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَالِقِينَ فِي قُلُوبِ  
الَّذِينَ كَفَرُوا وَالرُّعْبَ فَأَصْرَبُوا فَوْقَ  
الْأَعْنَاقِ وَأَصْرَبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ۝۱۳

وقتی که پروردگار تو بسوی فرشتگان وحی میکرد که من با شما. پس آنان که ایمان آوردند را استوار بدارید و حتماً در دل های آنها که کفر کردند من ترس خواهم افکنم. پس گردنهای [آنها] بزنید و هر بند آنها را بزنید (۱۳)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقَّوْا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ  
الْعِقَابِ ۝۱۴

اینست چه آنها به خدا و رسول او سخت مخالفت کردند و هر که بمخالفت خدا و رسول او برخیزد پس یقیناً خدا سخت عقوبت است (۱۴)

ذَلِكَ فِذُّ قُوَّةٍ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ  
النَّارِ ۝۱۵

این [باداش شما] است. پس آنرا بچشید و کافران را عذاب آتش است (۱۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ أَقْبَيْتُمُ الَّذِينَ  
كَفَرُوا وَازْحُقَافًا لَتُؤْتُوهُمْ الْأَدْبَارَ ۝۱۶

ای کسانی که ایمان آورده اید هر گاه به لشکری بزرگ آنها که کفر کردند مصادف شوید پس هرگز پشت به آنها نگردانید (۱۶)

وَمَنْ يُؤَلِّمِهِمْ يَوْمَ يُدْبِرُهَا إِلَّا مَتَحَرِّفًا  
لِقِتَالِ أَوْ مَتَحَرِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ

و آن روز هر که پشت خود به آنها بگرداند مگر آنکه برای تدبیر

جنگی است یا برای پیوستن به گروهی [دیگر خود] بکوشد پس او با خشم خدا بازگردد و مأوی او جهنم است و چه زشت مأوی است (۱۷)

پس شما آنها را نکشید بلکه خدا آنها را کشت و [ای محمد] آنچه [سنگ ریزه هابسوی آنها] پرتاب کردی تو پرتاب نکردی بلکه خدا پرتاب کرد و تا او مومنان را از جانب خود به آزمایشی نیکو مبتلا کند. یقیناً خدا شنوای صاحب علم دائمی است (۱۸) ++

ذُرِّكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مَوْهِنٌ لِّكُفْرَيْنٍ ۝۱۸

++ آیت ۱۸: این آیت حاکی از پیروزی در جنگ بدر است. بظاهر آن بدست اصحاب انجام داده شد. اما چون ایشان کافران را بقتل میرساندند در تحت تصرف خدا چنان میکردند. بظاهر علت بزرگی جهت آن پیروزی این شد که آنحضرت صلی الله علیه وسلم سنگریزه هارا پرتاب کردند و درتاییدش وزیدن گردبادهای شدید از جانب مسلمانان بسوی کافران شروع شد و راز قتل کافران از جانب خدا در این واقعه استثنائی پنهان است که چشمان کافران از گردبادهای شدید کورمانند گردید و قتل کردن آنها برای لشکر مسلمانان آسان شد و منظور از کلمه فرشتگان نیز همین نکته است.

بَغْضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا أُوْبَهُ جَهَنَّمُ ۖ وَيُسَّ  
الْمَصِيرُ ۝

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ ۖ  
وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ  
رَمَىٰ ۖ وَيُبَلِّغُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَآءٌ  
حَسَنًا ۖ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝۱۸

است که خدا سست کننده نیرنگ  
کافران است (۱۹)

[ای مومنان] اگر پیروزی می  
جستید پس یقیناً پیروزی شما را  
آمد و [ای منکران] اگر دست  
بردارید برایشما بهتراست و اگر  
[شرارترا] تکرار کنید ما [عذابرا]  
تکرار نمائیم و گروه شامیچ  
بکارشمانیاید هر چند بسیار باشد  
و [بدانید] اینکه خدا با مومنان  
است (۲۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید  
خدا و رسول او را اطاعت کنید  
و از او روگردانی نکنید حالیکه  
شما گوش میکنید (۲۱)

و همچون آنان نشوید که گفتند  
گوش کردیم در حالی که آنها  
گوش فرا نمیدادند (۲۲)  
یقیناً بدترین جنبنده ها نزد خدا  
آن کرونگ اند که عقل نمی  
کنند (۲۳)

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ  
تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَعُدُّوا  
نَعْدًا وَلَنْ نُنْفِخَ عَنْكُمْ فِتْنَةً سَيِّئًا  
وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ  
وَلَا تَوَلَّوْا عُنُقَهُ وَانْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ  
لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُورُ  
الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٣﴾

و اگر خدا در آنها نیکوئی میدید  
حتماً آنها را می‌شنوید و اگر به آنان  
می‌شنوید باز هم از حق روگردانی  
کنان پشت بر میگردانند (۲۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا  
و رسول او را بیک گوید مرگه  
شمارا فراخواند تا او شمارا زنده  
نماید و بدانید که خدامیان انسان  
و قلبش حائل میشود و اینکه یقیناً  
بسوی او گرد آورده شوید (۲۵) ++  
و برسید از فتنه‌ی که نرسد فقط  
به آنهایی از شما که ستم کردند و  
بدانید که خدا سخت عقوبت  
است (۲۶)

و بیاد آورید چون شما کم بودید  
و در زمین ناتوان شمرده میشدید

++ آیت ۲۵: درین آیت توضیح از زنده شدن مردگان بوضاحت موجود است.  
مسیحیان اشتباماً از "احیاء موتی" مردگان را ظاهراً زنده کردن می‌پندارند. پس  
چون آنحضرت صلی الله علیه و سلم مردگان معنوی را بسوی خود فراخواند که  
بیایید تا شما را زنده کنم آنگاه این امر آشکار شد که آنها مردگان دفن در قبرها  
نبودند بلکه مردگان روحانی از اعراب بودند.

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ<sup>ط</sup>  
وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ<sup>٢٤</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ  
وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ<sup>ع</sup>  
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ  
وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ<sup>٢٥</sup>

وَاقْتُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا  
مِنْكُمْ خَاصَّةً<sup>ع</sup> وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ  
العِقَابِ<sup>٢٦</sup>

وَأذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ  
فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ

[و] میترسیدید مبادا مردم شما را  
بربایند پس او شما را پناهداد و  
به یاری خود شما را تایید کرد و  
شمارا از پاکیزهها رزق داد باشد  
که شما سپاسگذارید (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا  
و رسول را خیانت نکنید و الا به  
امانت های خود نیز خیانت کننده  
شوید در حالیکه شما [این خیانت  
را] بدانید (۲۸)

و بدانید که دارائیهائی شما و  
اولاد شما فقط آزمایشی است و  
یقیناً پاداشی بزرگ نزد خدا  
است (۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر  
از خدا بترسید او برایشان شانه ای  
ممتاز قرار دهد و زشتیهای شما را  
از شما دور سازد و شما را بیامرزد  
و خدا را فضلی بزرگ است (۳۰)  
و چون آنها که کفر کردند درباره  
توتوطه میچیدند تا تو را پایبند

النَّاسِ قَالُوا كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ عَنْهُ  
وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ ﴿٢٧﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ  
وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنِيَكُمْ وَأَنْتُمْ  
تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ  
فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ  
لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ  
وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٣٠﴾

وَإِذِمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ  
أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ

وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ<sup>ط</sup> وَاللَّهُ خَيْرٌ  
الْمُكْرِمِينَ ﴿٢١﴾

کنند یا تورا بکشند یا تورا تبعید  
کنند و آنها نیرنگ میکردند حالی  
که خدا باطل کننده نیرنگ بود و  
خدا بهترین [پاسخ دهنده] نیرنگ  
کنندگان است (۲۱)

وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمُ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا  
لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا<sup>ل</sup> إِنْ هَذَا إِلَّا  
أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٢﴾

و چون آیتهای ما بر آنها فرو خوانده  
شود گویند حتماً ما شنیدیم. اگر هم  
خواستیم حتماً مثل آن می گفتیم.  
این جز اساطیر پیشینیان چیزی  
نیست (۲۲)

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ  
مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ  
السَّمَاءِ أَوْ آتِنَا بِعَذَابٍ آئِيمٍ ﴿٢٣﴾

و [یاد کن] چون می گفتند خدا یا! اگر  
اینست حق از جانب تو پس باران  
سنگ را از آسمان بر ما ببار یا  
عذابی دردناک بر ما ببار (۲۳)

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ<sup>ط</sup>  
وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ  
يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٢٤﴾

و نیست خدا عذابشان کند در  
حالی که در میان آنها تویی و نیست  
خدا آنها را عذاب کند در حالی که  
آنها آمرزش می طلبند (۲۴)

وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ  
يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا  
أَوْلِيَاءَهُ<sup>ط</sup> إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ

و چیست آنها را که خدا آنان را  
عذاب نکند با آنکه باز میدارند از  
مسجد حرام حالاتکه صاحبان آن



وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٥﴾

نیستند. صاحبان آن جز متقیان  
کسی نیست اما بیشتر آنان نمی  
دانند(۳۵)++

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً  
وَتَصْدِيَةً ۚ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ  
تَكْفُرُونَ ﴿٣٦﴾

و نیست نماز آنان نزد خانه [کعبه]  
جز سوت کشیدن و دست زدن پس  
بچشید عذاب به آن سبب که کفر  
می کردید(۳۶)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ  
لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَسَيَنْفِقُونَهَا  
ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ۚ ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۚ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٧﴾

براستی آنانکه کفر کردند مالهای  
خود را انفاق میکنند تا از راه خدا  
بازدارند پس حتماً آنان آنها را  
[بهین منظور] انفاق میکنند. باز  
آن [انفاق] بر آنها حسرتی بگردد.  
سپس مغلوب کرده شوند و آنانکه  
کفر کردند بسوی جهنم محشور  
کرده شوند(۳۷)

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ  
الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ  
جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ ۚ أُولَٰئِكَ

تا خدا ناپاک را از پاک جدا سازد  
و ناپاک را رویهم بنهد. پس آن  
جمع را متراکم سازد پس آن را  
در جهنم بیفکند. همانها زیانکاران

آیت ۳۷: تسلط مشرکان بر مسجد فقط ظامری بود. درحقیقت مستحقان آن مکان  
متبرکه که قبل از تسلط و چه بعدا همان مومنان بوده اند.

هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿۳۸﴾

اند (۳۸) ع ۱۸

بگو، آنانرا که کفر کردند اگر دست بردارند آنچه گذشته برای آنها بخشوده شود و اگر تکرار [جرم] کنند پس سنت پیشینان [مانند آنها] گذشته است (۳۹)

و بجنگید به آنها تا آن انتها که فتنه باقی نماند و دین خالصانه برای خدا گردد. پس اگر دست بردارند آنگاه یقیناً خدا بسیار بیناست به آنچه میکنند (۴۰) ++

و اگر روی برتابند پس بدانید که خدا والی شماست. چه خوب والی و چه خوب یاورى است (۴۱)

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا اِنْ يَنْتَهُوْا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ ۚ وَاِنْ يَّعُوْذُوْا فَمَا قَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿۳۹﴾

وَقَاتِلُوْهُمْ حَتّٰى لَا تَكُوْنُ فِتْنَةً وَّيَكُوْنَ الدِّيْنُ كُلُّهُ لِلّٰهِ ۚ فَاِنْ اَنْتُمْ وَاٰفِآءُ اللّٰهِ بِمَا يَعْْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۴۰﴾

وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ مَوْلٰىكُمْ ۗ نَعْمَ الْمَوْلٰى وَنَعْمَ النَّصِيْرُ ﴿۴۱﴾

++ آیت ۴۰: این آیت جهت مسئله ارتداد دلیلی استوار است. اینجا فتنه بمعنی

کسی را از دینش بزور برگرداندن است. پس تا آنگاه که دین خالصاً برای خدا نگردد جهاد برخلاف اجبارکنندگان باهمان اسلحه روا است که با آن برای ارتداد مومنان کوشش میکنند. منظور از فتنه برآتش بریان کردن هم است.

وبدانید هر چه مال غنیمت بدست آورید يك پنجم آن برای خدا [کارهای دین] و برای رسول و خویشان و یتیمان و مستمندان و درماندگان راه است اگر شما ایمان دارید بر خدا و آنچه بر بنده خود روز فیصل دهنده نازل کردیم روزی که دو جمعیت روبروی هم قرار گرفتند و خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است (۴۲)

[یاد کنید] روزیکه شما در کنار زیرین وادی بودید و آنها در کنار بالاتر و قافله پاینتر از شما دو بود و اگر [به گروهی برای جنگ] باهم عهد میگذاردید باز هم در وعده گاه اختلاف میکردید و اما [اینطور شد] تا خدا آن کار را بگذراند که حتمی الوقوع بود تا آنکه را از روی دلیلی روشن جواز هلاکت باشد همان هلاک گردد و آنکه باید از دلیلی روشن

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أُمَّتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ أَجْمَعِينَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۰﴾

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَا خْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِ بَيْتِنَا وَيُخْلِي مَنْ حَيَّ عَنِ بَيْتِنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۰﴾

زنده ماند همان زنده بماندیتینا  
 خدایس شنوای صاحب علم دائمی  
 است(۴۳)++

وقتی که خدا آنها را به تودرخواست  
 اندک نشان میداد و اگر تو را  
 بسیار نشان میداد [ای مومنان!]  
 حتماً میترسیدید و در این امر مهم  
 اختلاف میکردید اما خدا از آن  
 [شمارا] نگهداشت یقیناً و به راز  
 سینه ها نیک داناست(۴۴)++

و هنگامیکه آنها را به شما چون  
 رویا روی هم شدید اندک نشان  
 میداد و شمارا در نگاه آنها اندک  
 نشان میداد تا خدا آنکار را بگذراند  
 که حتمی الوقوع بود همه امور به  
 سوی او برگردانده شود(۴۵)++

إذِ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَمَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ  
 أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ  
 وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ  
 سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝۴۳

وَإِذِ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ اتَّقَيْتُمْ فِي  
 أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ  
 لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَاللَّهُ  
 تُرْجِعُ الْأُمُورَ ۝۴۴

++ آیات ۴۳- ۴۵: پیش از جنگ بدر مسلمانان را برای جنگ خیال هم نبود بلکه  
 ایشان را درباره قافله تجاری اهل مکه خبر رسیده بود و برای جلوگیری آن قافله  
 رفته بودند چه اهل مکه بر آن بودند که تمامی منافع سفر تجاری این قافله را  
 برخلاف مسلمانان در جنگ بکار ببرند. این يك تدبیر خصوصی از جانب خدا بود که  
 او مسلمانان را با این وجود که در عدد کم بودند برای مقابله لشکری بزرگ هست  
 قسمت کرد و الا بسیاری از ضعیفان برای مقابله لشکری آنقدر بزرگ حتی [ص: ۴۰۷]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً  
فَاتَّبِعُوا وَادْكُرُوا وَاللَّهُ كَثِيرٌ أَعْلَمُكُمْ  
تُفْلِحُونَ ﴿٤٦﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید  
هرگاه با گروهی برخورد کنید  
پس پایداری نشان دهید و خدا  
را بسیار یاد کنید تا پیروزی را  
بدست آورید (۴۶)

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا  
فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ  
وَاصْبِرُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٧﴾

و خدا و رسولش را اطاعت کنید و  
از هم نزاع نکنید و گرنه ترسو  
شده و رعب شما از میان میرود.  
پس صبر کنید یقیناً خدا با صبر  
کنندگان است (۴۷)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ  
دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ  
وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا  
يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٨﴾

و مشوید مانند آنانکه از خانه های  
خود خرامان و به رياء مردم در  
آمدند و از راه خدا باز می داشتند  
و خدا احاطه کرده بود آنچه را  
انجام میدادند (۴۸)

وَإِذْ زَيْنَ لَهْمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ وَقَالَ لَأَ

و چون [انسانی] شیطان [کردار] به

++ بقیه آیات ۴۳-۴۵: خانه ها بیرون نیامدند.

ليهلك من هلك عن بينة - اینجا سخنی عبارت از حکمت عمیقی عنوان میشود یعنی  
آنانکه دلیلی روشن را که بینة نامدار دارد باشند ایشان از برکت این دلیل حتماً  
پیروز شدند. بعکس آنها که فاقد دلیل باشند منتها هلاک میشوند. بحرحال جنگ  
ظاهری است یا جدال مسایل کسانی که مجهز به بینة باشند حتماً برندگان اند و  
آنها که بی آنند منتها هلاک شوندگانند.

آنها اعمال آنان مزین نشان داد  
وگفت، امروز هیچکدام از مردم بر  
شما غالب شونده نیست و منم پناه  
دهنده شما. پس چون مردوگروه  
روبروی هم شدند او بر پاشنهای  
خودبرگشت وگفت من از شما بری  
الذمه شدم. یقیناً من بینم آنچه شما  
نبینید. براستی من از خدا میترسم  
و خدا سخت عقوبت است (۴۹)

[بیاد آرید] چون منافقان و آنانکه  
در دلهای آنها بیماریست میگفتند  
که آنها را دین آنها بفریب انداخته  
است حالیکه هر که به خدا توکل  
کند آنگاه یقیناً خدا صاحب غلبه  
کامل صاحب حکمت است (۵۰)

و اگر میدیدی چون فرشتگان آنها  
که کفر کردند را وفات دهند و بر  
روپا آنها و بشتهای آنها ضربه  
زنند و [گویند] عذاب سوزنده را  
بجشید (۵۱)

اینست بدانعلت که دستهایتان

غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي  
جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَ آتِ الْفِتْنِ نَكَصَ  
عَلَى عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي  
أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ  
شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤٩﴾

إِذ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ  
مَّرَضٌ غَرَّهُمْ أَجْرٌ دِينُهُمْ وَمَنْ  
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ  
حَكِيمٌ ﴿٥٠﴾

وَلَوْ تَرَى إِذِ اتَّوَفَى الَّذِينَ كَفَرُوا  
الْمَلَائِكَةَ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ  
وَأَذْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥١﴾

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ

بِظُلْمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾

پیش فرستاد درحالیکه نیست  
خدا که ستمی اندکتر بر بندگان  
کننده باشد (۵۲)

كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ ۖ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ  
كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ  
إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٥٢﴾

مانند شیوه فرعونیان و آنانکه  
پیش از آنها بودند [شیوه شامم  
همانطور است] آنها آیتهای خدا  
را انکار کردند پس خدا آنها را  
به گناهانشان بگرفت یقیناً خدا  
بسیار نیرومند سخت عقوبت  
است (۵۳)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً  
أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا  
بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾

این بدانعلت است که خدا آن  
نعمت را که بر قومی ارزانی  
داشته باشد تغییردمنده نیست  
تا آن انتها که بحال خود تغییر  
دهند و بدانید که خدا بسیار شنوا  
صاحب علم دائمی است (۵۴)

كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ ۖ وَالَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِهِمْ ۗ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ  
فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَعْرَفْنَا آلَ  
فِرْعَوْنَ ۗ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٥٤﴾

مانند فرعونیان و آنانکه پیش از  
آنها بودند [شیوه شامیز همانطور  
است] آنها به آیات ما تکذیب کرده  
بودند پس ما آنها را بسبب گناهان  
آنها ملامت ساختیم و فرعونیان

را غرق کردیم و آنها همه ستمکاران بودند (۵۵)

یقیناً بدترین جنبندها نزد خدا آنانند که کفر کردند و آنها ایمان نمی‌آوردند (۵۶)

[یعنی] آنان که با ایشان پیمان بستنی سپس مهربار پیمان خود را میشکنند و آنها نمی‌ترسند (۵۷)

پس اگر در جنگ با آنان برخورد کنی پس با [فرجام] آنان پراکنده بساز آنها را که پشت سر آنان اند تا باشد که آنها پند بگیرند (۵۸)

و اگر از قومی ترس خیانت داری پس به آنها معامله بمثل کن. هرگز خدا خیانتکاران را دوست ندارد (۵۹)

و کسانی که کفر کردند هرگز گمان نکنند که پیشی گرفته اند. قطعاً آنها نتوانند بمعجزی آرند (۶۰)

و هر چه امکان دارید برای ایشان آماده کنید از نیرو و اسبان

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٥﴾

الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَتَّقُونَ عَاهَدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾

فَأَمَّا تَتَقَفْتَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْهُمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكُرُونَ ﴿٥٨﴾

وَأَمَّا تَخَافُ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْصُرْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ﴿٥٩﴾

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِلَهُمْ ۗ لَا يُعْجِرُونَ ﴿٦٠﴾

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ ۗ وَعَدُّوا لِلَّهِ



وَعَدُّوْكُمْ وَاٰخِرِيْنَ مِنْ دُوْنِهِمْ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ ؕ اَللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ شَيْءٍ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ يُوَفِّ اِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تَظْلُمُوْنَ ۝

بسته [در امتداد خط مرز تا] به آن دشمن خدا و دشمن خود و علاوه بر آنها دیگران را نیز بترسانید. نمیدانید آنها را، خدا است که آنها را میداند. آنچه از چیزی براه خدا انفاق کنید تماماً بسویتان پس داده شود و شما حق تلفی کرده نشوید (۶۱)

وَ اِنْ جَاحَظُوا لِّلسَّلَامِ فَاْجِزْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلٰى اللّٰهِ ۗ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيْمُ ۝

و اگر به صلح میل کنند پس تو نیز به صلح بگرا و بر خدا توکل کن یقیناً او شنوای صاحب علم دائمی است (۶۲)

وَ اِنْ يُرِيْدُوْا اَنْ يَّخْدَعُوْكَ فَاِنَّ حَسْبَكَ اللّٰهُ ۗ هُوَ الَّذِىْ اَيْدِكَ بِبَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ ۝

و اگر بخواهند بتو طفره زنند آنگاه یقیناً خدا برای تو بس است. اوست آنکه بانصرت خود و بامومنان، تو را کمک کرد (۶۲)

وَ اَلْفَ بَيْنَ قُلُوْبِهِمْ ۗ لَوْ اَنْفَقْتَ مَا فِى الْاَرْضِ جَمِيعًا مَّا اَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوْبِهِمْ ۗ وَاَلَيْسَ اللّٰهُ اَعْلَمَ بِعَزِيْزٍ حَكِيْمٍ ۝

و قلبهای ایشان را پیوند داد. اگر هر چه در زمین است همه راهزینه میکردی نه بودی میان دل‌هایشان پیونددهی. ما خدا میان آنان پیوند داد. یقیناً او صاحب غلبه کامل

صاحب حکمت است (۶۴)

ای پیغامبر! خدا بس است تورا و  
آنانرا که از مومنان تورا پیروی  
نمایند (۶۵)

ای پیغامبر! مومنان را بر قتال  
تحریض کن. اگر از شما بیست صبر  
کنندگانند آنان بر دویست چیره  
شوند و اگر از شما یکصد [صبر  
کنندگان] اند بربیک مزار از آنها که  
کفر کردند غالب آیند. چه آنان  
کسانیند که درک نکنند (۶۶) ++

اکنون خدا از [تکلیف] شما کاسته  
است چون او میداند که هنوز  
در شما ضعف است. پس اگر از  
شما یکصد صبرکنندگان باشند آنگاه  
به اذن خدا بر دویست غلبه یابند

++ آیت ۶۶: حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرمان شدند که مومنان را بر جنگ  
تحریض کن. اگر چه ایشان کم عدد اند اما وعدهٔ خدای است که میتواند بر عدد ده  
برابر خود غلبه یابند. مفهوم این نیست که تک نفر میتواند بر عدد ده برابر خود  
غلبه یابد بلکه يك عدد معین نقل شده است که اگر صد نفر اند عین ممکن است بر  
مزار نفر غالب آیند.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ  
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝١٥

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى  
الْقِتَالِ ۗ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ  
صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ ۗ وَإِنْ يَكُنْ  
مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ  
كَفَرُوا ۗ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۝١٦

أَلَنْ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ  
ضَعْفًا ۗ فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ  
يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ۗ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ  
يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ مَعَ

الصَّابِرِينَ ﴿١٧﴾

و اگر از شما يك هزار باشند بر دو هزار [نفر دشمن] چیره شوند و یقیناً خدا با صبر کنندگانست (۶۷)+ سزاوار پیغمبری نیست که او را اسیران [غلام] باشند تا آنگاه که در زمین قتالی خونبار نکند. شما متاع دنیا را دوست دارید در حالیکه خدا را آخرت پسند آید و خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۶۸)

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ ۚ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا ۖ وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١٨﴾

اگر [به شما سلوک آموزش] از پیش تقدیر نشده بود حتماً شما را به پاداش آنچه بدست آوردید عذابی خیلی بزرگ میرسید (۶۹)

لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا آخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٩﴾

پس بخورید حلال و پاکیزه را <sup>ع</sup>فِیْهِ از آنچه به غنیمت بردید و خدا را

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٠﴾

++ آیت ۶۷: در این آیت مذکور است که سردست شما در حالت ناتوانی قرار دارید که نه شما را غذای کامل میسر است و نه مهمات جنگ. لذا یکصد نفر شما بر دویست نفر غالب آیند. اما چون رعب شما برقرار شود آنگاه از نسلهای آینده بر هزار و ده هزار نفر هم میتوانید غلبه یابید. جهت فتح بزرگ که برای آیندگان پیشگوئی شد. بنیادش همان از دست مومنان اولی نهاده شده بود.

تقوی اختیار کنید و یقیناً خدا  
آمرزندهٔ بارها رحم کننده است  
(۷۰)

ای پیغمبرآنان از اسیران که در  
دست شما اند بگو اگر خدا در  
دلهای شما نیکی بداند شما را  
نیکوتر از آنچه بدهد که از شما  
گرفته شد و شما را بیامزد و  
خدا آمرزندهٔ بارها رحمکننده  
است (۷۱)

و اگر آمنگ کنند به خیانت تو پس  
پیش ازین به خدا خیانت کرده  
بودند پس او آنها را بیچاره  
ساخت و خدا صاحب علم دائمی  
صاحب حکمت است (۷۲)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و  
مهاجرت کردند و با مالهای خود  
و جانهای خود در راه خدا جهاد  
کردند و آنانکه [مهاجران را] در  
منازل خود پناه دادند و یاری  
کردند همانهاست که بعضی از ایشان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ  
الْأَسْرَى إِنَّ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ  
خَيْرًا يُؤْتِيكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ  
وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧١﴾

وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَاتَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ  
مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ  
حَكِيمٌ ﴿٧٢﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا  
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
وَالَّذِينَ آوَوْا وَانصَرَوْا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ  
أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ  
يُهَاجِرُوا أَمْوَالُكُمْ مِّنْ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ

به بعضی دوست اند و آنانکه ایمان آوردند اما مهاجرت نکردند شما را هیچ [جواز] از دوستی آنان نیست تا آنگاه که مهاجرت کنند و اگر در دین از تو یاری جویند پس بر شما لازم است که یاری کنید مگر که خلاف قومی باشد که میان شما و میان آنها پیمانی است و خدا به آنچه عمل کنید عمیقاً بینا است (۷۳)

و کسانی که کفر کردند بعضی از آنها دوستان بعضی اند اگر آن را بجان نیاورید [که آموزش داده شدید] در زمین فتنه و فساد بزرگ می باشد (۷۴)

و کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند و آنانکه پناه دادند و یاری کردند همانهاست که مومنان واقعی هستند. ایشان را آمرزش و رزقی کریمانه ی است (۷۵)

حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا ۚ وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۷۳﴾

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿۷۴﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۷۵﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنِّي بَعْدُ وَهَاجَرُوا  
 وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنكُمْ <sup>ط</sup>  
 وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي  
 كِتَابِ اللَّهِ <sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾

وکسانیکه بعدما ایمان آوردند و  
 مهاجرت کردند و با شما همراه  
 کردند ایشان از خود شماست و  
 [نسبت به] خویشاوندان در کتاب  
 خدا بعضی از آنان بیعضی نزدیکتر  
 اند. یقیناً خدا به هر چیز خوب دانا  
 است (۷۶)

## ۹- سورة التوبة

این سوره بلافاصله پس از سوره الانفال در مدینه نازل شد و ۱۲۹ آیت دارد.

پایان سوره الانفال از وضعیت جنگها و ناشی از آنها پدید آمدن مشکلات و بعدها بدست آمدن نعمتها حاکی بود و تصویر بعدی آن وضعیت در آغاز این سوره توبه کشیده ذکر میشود که دشمنان حتماً مغلوب شده و وادار به عقدپیمانها با آنحضرت ﷺ و یاران ایشان خواهند شد. پس انصاف تقاضا دارد که تاآن نهایت که آنان استوار بر پیمانهای خودشان باشند باید از جانب مسلمانان هرگز پیمان شکنی بعمل نیاید.

ذکر ازعواقب عهد شکنی از سوره الفاتح شروع شده در تمام سوره های پیشین بنحوی گوناگون یافت میشود. آن ذکر در این سوره نیز موجود است. اما بطوریکه دشمنان نقض پیمان کرده مجازات میشوند. مومنان هشدار داده میشوند که ایشان را بحر حال به پیمانهای خویش وفا کردن است.

در این سوره این ذکر پیوسته یافت میشود که پیروزی مسلمانان متکی بر برتری تجهیزات جنگی یا تزیاید عددی نیست و نمیتواند باشد و در ادامه این سخن مثل از جنگ چنین داده میشود. آنگاه مسلمانان بر کافران برخوردار به برتری عددی بودند و بر پایه آن برتری شماری از مسلمانان پیدا شدند که کافران را چطور ممکن است که پیروز باشند در حالیکه قبلاً ما یا آن وجود که کم عدد بودیم بر جمعیتی بسیار کثیران پیروز مند میشدیم. ایشان بند داده میشوند که وقتیکه شما کم عدد بودید فقط بعلت دعاهای

آنحضرت ﷺ پیروزمند میشدید. پس اینک گمان شما نسبت به برتری تعداد شکسته میشود. اما شما پس از این شکست بسیار خطرناک دوباره در نتیجه دعاها و صبر و همت همین رسول خدا ﷺ پیروز خواهید شد.

بعدها ذکر از ارزانی داشتن دارائیها میباشد. بعلت آن ارزانی منافقان از روی حسادت حتی بر آنحضرت ﷺ نیز که مستقیماً مسؤول از جهت توزیع آن بودند، تهمت خیانتکاری زدند. حالانکه آنحضرت ﷺ آن مالها را نه برای خویشاوندان خود بلکه جهت بهبودی مهاجران، فقیران و تهیدستان و کسانی در گرداب مشکلات فرا گرفته و کسانی غرق در تاوان بدهی ما، بکار میبردند. پس در ضمن، آنها هشدار داده میشوند که اگر آنها بر این رسول امین ﷺ هم تهمت خیانتکاری زنند حتماً به هلاک افکنده شوند. حقیقت امر اینست که اینچنان افتراء کنندگان خودشان از امثال کسانی بی دیانت و خیانکاران میباشد.

در پایان این سوره آیتی عبارت از این است که این آن رسول است که خالصاً جهت بهبودی شما رنج میکشد، شما هر چه رنج در راه خدا میکشید بر او سخت میگذرد. آن سختی که بر کفار میگذرد هرگز بستگی به سختی قلب او را ندارد. قلب او بیگمان پر از مهر و رحمت همگانه و تمثلی زنده از خدای رؤف الرحیم است.



سُورَةُ التَّوْبَةِ مَدْيَنَةٌ وَهِيَ مِائَةٌ وَتِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ عَشْرَ رُكُوعًا

[اعلام] بیزاری است از جانب خدا  
و رسول او بسوی آن مشرکان که  
با آنها پیمان بسته اید (۱)

پس بگردید در زمین چهار ماه و  
بدانید نیستید شما که خدا را به  
عجز آرید و اینکه خدا کافران را  
خوارکننده است (۲)

و از خدا و رسول او در روز حج  
اکبراعلانی است که خدا از کافران  
کلیه بیزار است و رسول او نیز.  
پس اگر توبه کنید پس آن برای  
شما بهتر است و اگر روی برتابید  
بدانید نیستید شما که خدا را به  
عجز آرید و به آنانکه کفر کردند به  
عذابی دردناک مژده بده (۳)

بِرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ  
عَهِدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ  
وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ  
وَإِنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكٰفِرِينَ ۝

وَإِذْ قَالَ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ  
الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ  
الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ ۚ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ  
خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ  
غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ الَّذِينَ  
كَفَرُوا بِعَذَابٍ آلِيمٍ ۝

این امر لایق تذکر است که قبل از سوره التوبه بسم الله نیست. قرآن مجید را  
جله ۱۱۴ سوره است و بسم الله فقط در آغاز ۱۱۳ سوره مرقوم است. اما این اعجاز  
از قرآن است که جای دیگر در سوره النمل در ضمن نامه از حضرت سلیمان بنام ملکه  
سباسبم الله الرحمن الرحيم کاملاً نوشته عدد بسم الله به عدد سوره ۱۱۴ میرسد.

مگر از مشرکان به آنانکه عقد پیمان کردید و سپس هرگز نقض پیمان نکردند و خلاف شاپه احدی پشتبانی نکردند پس پیمانشان را به آنان بپایان برید تا مدتی که به آنان [مقرر] دارید. یقیناً خدا دوستدار متقیان است(۴)

پس چون ماههای حرام بگذرد آنگاه قتال کنید به مشرکان [عهد شکن] هرکجا آنها را بیابید و دستگیرشان کنید و محصورشان کنید و برایشان برهریک کمینگاه بنشینید. پس اگر توبه کنند و نماز رابهای دارند و زکوت دهند پس راه آنها را ترک کنید. یقیناً خدا آمرزنده بارها را محکمکننده است(۵) و اگر احدی از مشرکان از توبه پناه طلبد پس او را پناه بده تا آنگاه که او کلام الهی را بشنود پس از آن او را تا جای ایمن برسان. این [تخفیف] بدانعلت است که

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿۱۰﴾

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضَرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ ۗ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۱﴾

وَإِن أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَةَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۲﴾

آنها قومی اند که دانشی ندارند (۶)

چسان پیمان مشرکان جزبا آنان که در مسجد حرام پیمان بستید نزد خدا و رسولش درست میشود! پس تا آنگاه که آنها در حق شما [برعهد] ثابت مانند شما هم در حقشان ثابت بمانید. یقیناً خدا

متقیان را دوستدارد (۷)

چطور [عهد آنها مورد اعتماد] است حالیکه اگر بر شما غلبه یابند جهت شما پیمانی و تکلیفی را مراقبت نکنند. شمارا بادهنهای خود خشنود سازند حالانکه دلهای آنها منکرند

و اکثر آنها فاسقانند (۸)

آنها بیدل آیتهای خدا بهائی ناقابل قبول کردند و از راه او بازداشتند یقیناً بسیار زشت است

آن کار که میکنند (۹)

جهت مومنان هیچ پیمانی و تکلیفی را رعایت نکنند. همانها

تجاوزگرانند (۱۰)

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ①

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُ وَأَعَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ②

اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثُمَّ قَلِيلًا فَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِهِ ③ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ④

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً ⑤ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ⑥

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ  
فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ۗ وَتَفْصِيلُ الْآيَاتِ  
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۱۱﴾

پس اگر توبه کنند و نماز را بجای  
دارند و زکوت دهند آنگاه در  
دین برادران شمايند و ما آيتهای  
را تفصيل ميدهيم براي قومی که  
دانشمندند (۱۱)

وَإِنْ تَكْفُرُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ  
وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلِيَّةَ  
الْكُفْرِ ۚ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ  
يَنْتَهُونَ ﴿۱۲﴾

و اگر آنها سوگندهای خود را  
پس از عهد خود بشکنند و در دین  
شما طعن زنند پس با پیشوایان  
کفر جنگ کنید. یقیناً سوگندهای  
آنان هیچ اعتبار ندارد [اینگونه]  
مکن است آنها باز ایستند (۱۲)

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ  
وَهُمْ مَوِّا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ  
بَدَءُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ أَتَخْشَوْنَهُمْ  
فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳﴾

آيا شما با قومی جنگ نکنيد که  
سوگند های خود را شکستند و به  
تبعيد رسول آهنگ کردند و همانها  
اندکه اول بار خلاف شما آغاز  
[تجاوزگری] کردند. آيا شما از آنها  
ميترسيد حالانکه خدا سزاوارتر  
است که از او بترسيد اگر شما  
مومنانيد (۱۳)

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ  
وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ

قتال کنید به آنها. خدا بدست  
شما عذابشان کند و آنها را رسوا

صُدُّورَقَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ۝۱۵

کند و شمارا خلاف آنها یاری دهد  
وسینه های مومنان را درمان  
کند (۱۴)

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ ۗ وَيَتُوبُ اللَّهُ  
عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝۱۵

و خشم از دل‌های آنان دورسازد و  
خدا بر هر که خواهد توبه قبول  
کنان متمایل گردد و خدا بسیار  
دانای صاحب حکمت است (۱۵)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ  
الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ  
دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ  
وَلِجَاجَةً ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝۱۶

آیا گمان کنید که همینطور رها کرده  
شوید در حالیکه خدا هنوز آنان  
از شمارا که جهاد کردند و خدا و  
رسول او و مومنان را رها کرده  
کسی را دوست صمیمی نگرفتند  
[به آزمایش افکنده] باز نشاخته  
است و خدا مدام آگاه است به  
آنچه میکنید (۱۶)

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ  
اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ ۗ  
أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۗ وَفِي النَّارِهِمْ  
خَالِدُونَ ۝۱۷

مشرکان رانیست که مساجد خدا  
را آباد کنند با آنکه آنها بر علیه  
خویشان گواه بکفراند. همانها اند  
که اعمالشان هدر رفت و آنها  
مدت دراز در آتش میانند (۱۷)

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ

مساجد خدا را آباد کند فقط آنکه

به خدا و روز آخرت ایمان آورد و نماز را بپای دارد و زکات دهد و نترسد جز از خدا. پس نزدیک است این مردم از جمله هدایت یافتگان شوند (۱۸)

آیا شما به حاجیان آب دادن و مراقب بودن مسجد حرام رامانند آنکس قرار میدهمد که به خدا و روز آخرت ایمان آورد و در راه خدا جهاد کرد؟ آنان نتوانند نزد خدا یکسان باشند و خدا قومی ستمکار را هدایت نمیدهد (۱۹)

آنانکه ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا با دارائی های خود و جانهای خود جهاد کردند نزد خدا در رتبه بلندترند و همانهاست که برتر شوندگان اند (۲۰)

بروردگار آنان ایشانرا از جانب خود برحمت خود و خوشنودی و باغهای مژده میدهد که در آنها

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى  
الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى  
أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ  
الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ  
اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ  
دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾

يُغْفِرُ لَهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ  
وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾

ایشان را نعمتهای پایداری است (۲۱)  
ایشان در آنها جاویدانند یقیناً خدا  
است که نزد او اجری بزرگ  
است (۲۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید  
بدران خود و برادران خود را  
بدوستی فرانگیرید اگر آنان در  
مقابل ایمان کفر را دوست دارند  
و کسانی از شما که آنها را دوست  
گیرند پس همانهاست مکارانند (۲۳)  
بگو اگر پدرانتان و فرزندانتان و  
همسرانتان و خویشانانتان و آن  
مالها که آنها را کسب میکنند و  
تجارتی که از کسادی آن می  
ترسید و خانه های که آنها را  
دوستدارید برای شما از خدا و  
رسولش و جهاد در راه او گرامی  
- تر اند پس منتظر باشید تا آن  
گاه که خدا فرمان خود را بیآرد  
و خدا زشت کرداران را هدایت  
نمی دهد (۲۴)

خُلْدَيْنِ فِيهَا أَبَدًا ۱ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ  
عَظِيمٌ ﴿٢١﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ  
وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ  
عَلَى الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَمِنْكُمْ  
فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢﴾

قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ  
وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ  
وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ  
كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ  
إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي  
سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ  
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٣﴾

یقیناً خدا شمارا در بسیار میدانها  
 كمك داده است و [بویژه] در روز  
 حنین چون شما را فزونی خود  
 به تکبر و اداسهت اما آن هیچ  
 بکار شما نیامد و زمین با آنها  
 فراخی بر شما تنگ شد باز پشت  
 کرده روی بر تابیدید (۲۵)

سپس خدا آرامش خود را بر  
 رسول خود و بر مومنان نازل کرد  
 و لشکرانی فرفرستاد که شما  
 آنها را نمیدیدید و کسانی که کفر  
 کردند را عذاب داد و کافران را  
 همین پاداش است (۲۶)

سپس خدا بر هر که بخواهد توبه  
 قبول کنان متمایل شود و خدا  
 آمرزنده ی بارها رحم کننده  
 است (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید  
 بیگمان مشرکان ناپاکند. پس آنها  
 پس از این سال به مسجد حرام  
 نزدیک نشوند و اگر از فقر بیم

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ ۙ  
 وَيَوْمَ حُنَيْنٍ ۙ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ  
 فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ  
 الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَابَتْكُمْ  
 مُدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ  
 وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ  
 تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ وَذَلِكَ  
 جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ  
 يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٧﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ  
 نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ  
 عَامِهِمْ هَذَا ۖ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ



يُعْزِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

دارید پس خدا شمارا بفضل خود  
توانگرسازد یقیناً خدا صاحب علم  
دائمی صاحب حکمت است (۲۸)+

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ  
الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ  
وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ  
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا  
الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٢٩﴾

قتال کنید آنان از اهل کتاب را  
که ایمان نمی‌آرند به خدا و نه به  
روز آخرت و نه حرام دانند آنچه  
را خدا و رسول او حرام قرار داده  
است و راه دین حق را اختیار  
نکنند تا آنگاه که جزیه را با  
دست [ادا] کنند و بیچارگان

گردند (۲۹)

+آیت ۲۹۸: منظور از نجس بودن مشرکان نه نجاست بدنی بلکه نجاست اعتقاد  
آنان میباشد. پس باز داشتن مشرکان از برگزاری مراسم حج دال بر اینست که  
آنها نباید با حرکات مشرکانه خود رخصت به برگزاری مراسم حج داده شوند چه  
در زمان جاهلیت آنان گامی نخت و گامی بابتان خود مراسم حج برگزار میکردند.  
حضرت امام ابوحنیفه و دیگر فقیهان حنفی ورود مشرکان در مساجد مسلمانان حتی  
در مسجد حرام نیز مجاز میگردانند. البته آنها مجاز نیستند تا با رسمهای مشرکانه  
خود حج یا عمره را بجا آرند. چنانچه نوشته است. "لِأَنَّهُ لَيْسَ الْمَرَادُ مِنَ آيَةِ  
(انما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام) النهي عن دخول المسجد  
الحرام. و انما المراد النهي ان يحج المشركون او يعتمروا كما كانوا يعملون في  
الجاهلية - الفقه الاسلامي و ادلته. تالیف الدكتور وهبة الزحيلي. جلد ۶ -  
صفحات ۴۲۴ و ۴۲۵ - دارالفکر دمشق.

و یهود گفتند عزیر پسر خدا است و مسیحیان گفتند مسیح پسر خدا است. این گزاف دهن های آنانست. آنان هم آواز به سخن آنان می شنوند که قبلاً کفر کرده بودند. خدا نابودشان کند کجا برگردانیده شوند (۲۰)

آنها علمای دین خود و راهبان خود را بغیر از خدا خدایانی برگزیده اند و هم مسیح ابن مریم را. حالانکه فرمان نشده بودند مگر که برای خدای یگانه عبادت کنند. هیچ معبودی نیست جز او. او منزّه است از آنچه شرک میورزند (۳۱)

آنها خواهند نور خدا را بآباد دهن های خود خموش کنند و خدا [هر سخنی دیگر را] رد کند مگر که نور خود را بکمال برساند و لو کافران را ناخوش گذرد (۳۲) او است آنکه رسول خود را با

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصْرَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَتَلَهُمُ اللَّهُ ۗ أَلَمْ يُوَفِّكُونَا

إِتِّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۗ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ سُبْحٰنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۳۱﴾

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿۳۲﴾

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ

الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۗ وَلَوْ كَرِهَ  
الْمُشْرِكُونَ ﴿٣١﴾

م.

مدایت و دین حق فرستاد تا آن  
را بر هر کدام دین غلبه دهد و هر چند  
مشرکان را ناخوش دارد (۳۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَجْبَارِ  
وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ  
بِالْبَاطِلِ وَيُصَدِّدُونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ  
وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا  
يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَبِشْرِهِمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید یقیناً  
از علماء دین و راهبان بسیاری  
اند که مالهای مردم را باطل مورد  
طعمه قرار میدهند و از راه خدا باز  
میدارند و آنانکه طلا و نقره را  
اندوخته و در راه خدا انفاق نمی  
کنند آنها را بعدایی دردناک مژده  
بده (۳۴)

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا  
جِبَاهُهُمْ وَجُودُهُمْ وَظُهُورُهُمْ ۗ هَذَا  
مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ۗ لَأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا  
كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾

روزیکه شعله آتش جهنم بر آن  
[طلا و نقره]ها افکنده شود. پس  
به آن پیشانیهای آنها و پهلوهای  
آنها داغ کرده شود [و خطاب شود]  
اینست آنچه برای جانهای خود  
اندوخته بودید. پس [طعم] آنرا  
بچشید که شما میان دوختید (۳۵)  
یقیناً عدد ماهها نزد خدا از روزی  
که او آسمانها و زمین را آفرید در  
کتاب خدا دوازده ماه است. چهار

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ  
شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ

از آنها حرمت دارد. اینست دین برقرار. پس در این [ماه] ما بر جان های خودستم نکنید و [در ماههای دیگر] همه بامم بامشركان قتال کنید بطوریکه آنها همه بامم بشما قتال کنند و بدانید که خدا با متقیان است (۳۶)

یقیناً نستی در کفر افزایشی است. آنانکه کفر کردند به آن گمراهتر کرده شوند. آنها سالی آنرا حلال می‌شمارند و سالی آنرا حرام قرار میدهند تا شمار را وفق دهند به آنچه خدا حرام قرار داده است. پس آنها حلال قرار میدهند آنچه را خدا حرام کرده است. زشتی اعمالشان به آنها زیبا نشان داده شد و خدا قوم کافران را هدایت نمیدهد (۳۷) ++

وَالْأَرْضُ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ۗ ذَلِكَ  
الَّذِينَ فِي الْقِيَمِ ۗ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ  
أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً  
كَمَا يَفِئَتُونَكُمْ كَافَّةً ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ  
اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ  
الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا  
وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا  
حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُرِّيْنَ  
لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي  
الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

++| آیت ۳۷: نستی عبارت از این است که اعراب قبل از اسلام ماه های حرمتدار را بمیل خود پس و پیش میکردند تا انجام دهند کارها مثل جنگها و غیره که در این ماه ها حرام بود و بعداً بعضی از ماه های دیگر را حرمت دار قرار دهند.

ای کسانی که ایمان آورده اید  
 چیست شمارا که چون به شما گفته  
 شود که براه خدا [برای جهاد] در  
 آید سنگین شده به سوی زمین  
 می‌گرایید. آیا به زندگی دنیا از  
 آخرت خوشنودتر شدید؟ پس  
 متاع دنیا در آخرت بس حقیر  
 است (۳۸)

اگر [برای جهاد] بیرون نیاید او  
 شمارا بعدابی دردناک عذاب کند  
 و ببدل شما قومی دیگر را بی‌آرد  
 و نیستید شما به او هیچ گزندی  
 برسانید و خدا بر هر چیز مدام  
 قدرتمند است (۳۹)

اگر شما او [رسول] را یاری نکنید  
 البته خدا که او را آموغ هم  
 یاری داد چون آنانکه کفر کردند  
 اورا تبعید کرده بودند حالیکه او  
 یکی از دو بود چون آندو درغار  
 بودند گامیکه او به همراهی خود  
 گفت. غم مخور یقیناً خدا با ما

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ  
 أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى  
 الْأَرْضِ ۗ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ  
 الْآخِرَةِ ۗ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي  
 الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٣٨﴾

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا  
 وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ  
 شَيْئًا ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾

إِلَّا تَنْضُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذَا أَخْرَجَهُ  
 الَّذِينَ كَفَرُوا وَإِنِّي أَتَيْنُ إِذْهُمَا فِي الْغَارِ  
 إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ  
 مَعَنَا ۗ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ  
 بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ

است. پس خدا آرامش خود را بر آنان نازل کرد و او را با لشکرهای کمک کرد که آنانرا ندیده آید و سخن آنانکه کفر کردند پست تر گردانید و تنها سخن خداست که آن برتر است و خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۴۰)

کوچ کنید سبکبار و سنگینبار و با مالهای خویش و جانهای خویش در راه خدا جهاد کنید. این برای شما خیری است اگر شما بدانید (۴۱)

اگر فاصله نزدیک بود و سفر آسان حتماً دنبال تو راه میفتادند اما رنج کشیدن برای آنها دور از کار است و حتماً به خدا قسمها خوردند که اگر ما را توان بود یقیناً با شما بیرون می رفتیم و جانهای خود را به هلاک میدهند و البته خدا میداند که حتماً آنها دروغگو یانند (۴۲)

كَفَرُوا وَالسُّفْلَىٰ ۗ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۴۰﴾

انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۴۱﴾

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ ۗ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۴۲﴾

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ  
يَتَّبِعِينَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ  
الْكَذِبِينَ ﴿٤٣﴾

گذشت کند خدا از تو، چرا به آنها  
اجازه دادی تا آنگاه که برای تو  
عیان میشد آنانکه راست گفتند و  
دروغگوین را باز میشناختی (۴۳)

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ  
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ  
وَأَنْفُسِهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾

آنانکه به خدا و روز آخرت ایمان  
دارند اصلاً از تو اجازه نمیخواهند  
که با مالهای خود و جانهای خود  
جهاد کنند و خدا متقیان را خوب  
میداند (۴۴)

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ  
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي  
رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾

رخصت از تو فقط آنها میطلبند  
که به خدا و روز آخرت ایمان  
ندارند و در شك خود دو دلی  
میکند (۴۵)

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً  
وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ ابْتِغَاءَهُمْ فَبَطَّوهُمْ  
وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٤٦﴾

و اگر قصد داشتند [جهاد را] بیرون  
روندحتماً برای آن آماده میشدند  
ولی خدا خوش نداشت که آنها  
[برای این هدف عالی] برخیزند و  
آنها را بازداشت و گفته شد که با  
بازنشستگان بنشینید (۴۶)

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا  
وَلَا أَوْضَعُوا خِلَافَكُمْ يَبْغُونَكُمْ

و اگر آنها در شما [برای جهاد]  
بیرون میرفتند شما را جز

الْفِتْنَةَ<sup>٤٧</sup> وَفِيكُمْ سَمْعُونَ لَهُمْ<sup>٤٨</sup> وَاللَّهُ  
عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ<sup>٤٩</sup>

اختلال حال چیزی نمیفرودند و  
مرکبها رامیان بشماتند میدواندند  
برای شما فتنه را خواسته و در  
شمانیزسخنان آنانرا بدقت گوش  
کنندگان اند و خدا به ستم کاران  
خوب آگاه است (۴۷)

یقیناً قبلاً نیز آنها برای شما فتنه  
میخواستند و امور را زیور و  
کرده پیش تو آوردند تا آنگاه که  
حق آمد و امر خدا پدیدار شد و  
آنها [آنها] ناخوش میداشتند (۴۸)  
و از آنها است آنکه میگوید که  
مرا رخصت بده و مرا به فتنه  
نیفکن. باش! آنها در فتنه که فرو  
افتاده اند و یقیناً جهنم کافران  
را احاطه کننده است (۴۹)

اگر بتو خیر و نعمت برسد آنها را  
خوش ندارد و اگر بتو سختی برسد  
گویند ما که کار خود را از پیش  
بدست گرفته بودیم و روی بر  
تابیده میروند در حالیکه آنها

لَقَدْ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَبُوا لَكَ  
الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ  
وَهُمْ كَرِهُونَ<sup>٤٨</sup>

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَنْقِصِي<sup>٤٩</sup>  
أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا<sup>٤٩</sup> وَإِنَّ جَهَنَّمَ  
لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ<sup>٤٩</sup>

إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ سَوْهُمْ<sup>٤٩</sup> وَإِنْ  
تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا  
مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ<sup>٤٩</sup>



بسیار شادمانند (۵۰)

بگو ما را میچ گزندی نیرسد جز آنچه خدا برای ما نوشته است. او مولای ما است. پس باید مومنان بر خدا توکل کنند (۵۱)

بگو آیا برای ما جز یکی از دو سخن نیکو را انتظار دارید؟ در حالیکه ما برای شما انتظار داریم که خدا بر شما عذاب بفرستد از نزد خود یابدست ما. پس منتظر باشید یقیناً ما نیز با شما منتظرانیم (۵۲)

بگو انفاق کنید بدخواه یا با کرامت هرگز از شما قبول کرده نشود. یقیناً شما قومی زشت کردار اید (۵۳)

و محروم نکرد آنها را که قبول کرده شود از آنها مالهای آنان جز اینکه خدا و رسولش را انکار کرده بودند و اینکه به نماز نمی آمدند جز کسلناک و انفاق نمی کردند مگر در حالیکه آنها کرامت

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فليتوكل المؤمنون ﴿٥١﴾

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ ۗ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بآيِدِينَا ۗ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ ﴿٥٢﴾

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ ۗ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَسِيقِينَ ﴿٥٣﴾

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ ۗ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كَسَالَى ۗ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَرْهُونَ ﴿٥٤﴾

داشتمند (۵۴)

پس مالهای آنان و اولاد آنان تو را شکفت نیارد. خدا فقط اینرا میخواهد که آنها را بوسیله خودشان در زندگی دنیا عذاب کند و جانهای آنان بیرون رود در حالیکه آنها کافرانند (۵۵)

و قسمها خوردند به خدا که یقیناً آنها از شما اند حالانکه از شما نیستند بلکه قومی ترسو اند (۵۶) اگر بنامگامی یا غاری یا گریز گامی بیابند حتماً بسوی آن عدول کنند حالیکه آنان بشتافتند (۵۷)

و در آنها بعضی اند که جهت صدقات به تو تهمت میزنند. پس اگر از آنها داده شوند خوشنود میگردند و اگر از آنها چیزی داده نشوند بی درنگ آنان قهر کنند (۵۸)

و کاشکی آنها خوشنود میشوند به آنچه خدا و رسولش به آنها در داد و میگفتند که خدا مارا بس است

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ ۗ<sup>ط</sup>  
إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسَهُمْ وَهُمْ  
كٰفِرُونَ ۝

وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ ۗ وَمَا  
هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّمْهُمْ قَوْمٌ يَّفْرُقُونَ ۝

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَخْرَبًا أَوْ  
مُدْخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ۝

وَمِنْهُمْ مَن يُلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ ۚ فَإِنْ  
أَعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا لَّمْ يَعْطُوا  
مِنْهَا إِذًا هُمْ يَسْخَطُونَ ۝

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ  
وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ﴿٥٩﴾

﴿٥٩﴾

وحتماً خدا بفضل خود ما را [بسیار] اعطا کند نیز رسول او و یقیناً ما صمیمانه بسوی خدا میل می کنیم (۵۹)

إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَّاتِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغُرْمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾

صدقات فقط برای ناداران و مساکین و کارکنان بر آنها و کسانی که دلداری آنان مطلوب است و آزادی گردنها و غرامتداران و انفاق در راه خدا و برای بهبودی در ماندگان راه [مخصوص] است این از جانب خدا بفرض است و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۶۰)

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ حَرْبٍ ۗ قُلْ أَدُنُ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ ۗ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾

و در آنها برخی اند که به پیغمبر اذیت کنند و گویند او سراپا گوش است. بگو سراپا گوش برای بهتری شماست. او به خدا ایمان دارد و مومنان را قبول کند و رحمتی است برای آنان از شما که ایمان آورده اند و آنان را که به رسول خدا اذیت کنند عذابی دردناک است (۶۱)

برای شما تسبهای خدای خوردند  
تا شما را خشنود سازند در حالیکه  
خدا و رسول اوسزاوارتر بودند  
که ایشانرا خشنود میکردند اگر  
مومنان بودند (۶۲)

آیانمیدانند هر که به خدا و رسول  
اودشمنی ورزد پس برایش حتماً  
آتش جهنم است که مدت دراز در  
آن بماند. این رسوائی بزرگ  
است (۶۳)

منافقان اظهار ترس کنند مبادا  
جهت آنها سوره‌ی نازل کرده شود  
که آنان را به آن مطلع سازد که  
در دلهای آنان است. بگو بلاشک  
تمسخر کنید خدا که حتماً آشکار  
کند از آنچه شما بیدارید (۶۴)

و اگر از آنان بپرسی حتماً گویند  
ما که تنها شوخی و خوش گذران  
میکردیم. بگو آیا به خدا و آیت  
های او و رسول او استهزاء می  
کردید؟ (۶۵)

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ<sup>٩</sup> وَاللَّهُ  
وَرَسُولَهُ أَحْسَىٰ أَنْ يَرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا  
مُؤْمِنِينَ<sup>١٠</sup>

بِسْمِ

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنِ يُحَادِدِ اللَّهَ  
وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا<sup>١١</sup>  
ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ<sup>١٢</sup>

يَحْذَرُ الْمُنْفِقُونَ أَنْ تُنزَلَ عَلَيْهِمْ  
سُورَةٌ تَسْبِيهِمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ<sup>١٣</sup> قُلِ  
اسْتَهْزِءُوا إِنَّا لِلَّهِ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ<sup>١٤</sup>

وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا  
نَخْوَضُ وَنَلْعَبُ<sup>١٥</sup> قُلْ أَيْلَهُ وَآيَتِهِ  
وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ<sup>١٦</sup>

هیچ عذری نیآورید. یقیناً شما پس از ایمان خود کافر شدید. اگر گروهی از شما را عفو کنیم، میشود گروهی را عذاب نیز کنیم چه آنها جرم کارانند (۶۶)

منافق مردان و منافق زنان از هم نسبت دارند. آنان به منکرات امر کنند و از معروفات باز دارند و مشت های خود را [از انفاق در راه خدا] گره کنند. آنها خدا را فراموش کردند پس او نیز آنها را فراموش کرد. یقیناً منافقان اند که آنها فاسقان اند (۶۷)

خدا به منافق مردان و منافق زنان وعده آتش جهنم داده است. آنها در آن ب مدت دراز بمانند. این برای آنان بسند است و خدا به آنها لعنت کرد و آنها را عذابی پایدار است (۶۸)

مانند آنانکه پیش از شما بودند. آنها فزونتر از شما در نیرو و

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ  
إِيمَانِكُمْ<sup>ط</sup> إِنْ نَعَفَ عَنْ طَائِفَةٍ  
مِّنْكُمْ نَعَذِّبُ طَائِفَةً يَأْتُهُمْ كَانُوا  
مُجْرِمِينَ<sup>ع</sup>

ع

ط

الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ  
بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ  
الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ<sup>ط</sup> نَسُوا  
اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ<sup>ط</sup> إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ  
الْفٰسِقُونَ<sup>ع</sup>

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنْفِقِينَ وَالْمُنْفِقَاتِ وَالْكُفَّارِ  
نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا<sup>ط</sup> هِيَ حَسْبُهُمْ<sup>ع</sup>  
وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ<sup>ع</sup> وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ<sup>ل</sup>

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً  
وَأكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا

بیشتر در دارائیهها و فرزندان بودند. پس آنها از سهم خودشان بهره ای برداشتند پس شما از سهم خود بهره ای برداشتید همچون آنانکه پیش از شما از سهم خود بهره ای برداشتند. و شما مرزگی کردید بطوریکه آنها مرزگی کرده بودند. همانانند که اعمال ایشان در دنیا نیز در آخرت مدر رفت و همانها زیانکاران واقعی اند (۶۹)

آیا به آنها نرسید خبر آنانکه پیش از آنها بودند - قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و شهرهای که زیر و روشدند. آنان را رسولان ایشان بانسانه های آشکار آمدند. پس نبود خدا که به آنها ستم میکرد بلکه خود برجان های خودشان ستم میکردند (۷۰) و مومن مردان و مومن زنان دوستدار همدیگرند. آنان معروفات را امر کنند و از منکرات بازدارند

بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَغْتَمُ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخَضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَظَّتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿۶۹﴾

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَنْتَهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۷۰﴾

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ

و نماز را بیای دارند و زکوت دهند و اطاعت کنند از خدا و رسول او. همانها ایند که بر آنان خدا ترحم کند و یقیناً خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۷۱)

خدا به مومن مردان و مومن زنان وعده ای داده است به بهشتی که در دامنه آنها نهرهای روانست و ایشان در آنها جاویدان اند و به خانه های بسیار پاکیزه در بهشتی دائمی البته خوشنودی خدا [از اینهمه انعامها] بزرگترست مین پیروزی بزرگ است (۷۲)

ای پیغمبر! جهاد کن با کافران و منافقان و بر آنها سخت بگیر و مأوی آنها جهنم است و چه بد جای گاه است (۷۳)

سوگندهای خدای یادکنند که آنها نگفتند حالانکه بیگمان آنها کلمه کفر گفتند و پس از اسلام خودشان کافر شدند. و قصد داشتند به آنچه

الزُّكُوةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ<sup>ط</sup>  
أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ  
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۷۱﴾

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا  
وَمَسْكِنٍ ظَلِيمَةٍ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ<sup>ط</sup>  
وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ  
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۷۲﴾

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ  
وَاعْلُظْ عَلَيْهِمْ<sup>ط</sup> وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ<sup>ط</sup>  
وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۷۳﴾

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا  
كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ  
وَهُمْ مُؤْمِنَاتٌ يَنَالُونَ وَمَا نَقَمُوا إِلَّا

أَنْ أَعْنَهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ ۚ  
فَإِنْ يَتُوبُوا إِلَيْكَ خَيْرًا لَّهُمْ ۚ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا  
يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ ۚ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ  
وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧١﴾

نایل نشدند و آنها [بامومنان] کین  
نداشتند جز برای اینکه خدا و  
رسولش آنانرا بفضل خود ثروتمند  
ساخت. پس اگر توبه کنند در حق  
ایشان نیکو است و اگر روی  
ببرتابند خدا آنانرا در دنیا و آخرت  
عذابی دردناک دهد و آنانرا در زمین  
نه یاری باشد و نه یاورى (۷۴)

وَمِنْهُمْ مَّنْ عٰهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ اٰتٰنٰمِنْ  
فَضْلٍ لَّنُصَدِّقَنَّ وَلَنْ كُؤِنَنَّ مِنْ  
الصّٰلِحِيْنَ ﴿٧٥﴾

و شماری از آنانند که عهد خدای  
بستند که اگر او مارا از فضل خود  
دردهد حتمًا صدقات دهیم و یقینًا  
از نیکوکاران شویم (۷۵)

فَلَمَّا اٰتٰهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوْا بِهٖ وَتَوَلَّوْا  
وَهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٧٦﴾

پس چون خدا ایشان را از فضل  
خود درداد به آن بخل کردند و  
از [قول خود] عدول کردند در این  
حال که آنها اعراض کنندگان  
بودند (۷۶)

فَاَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِى قُلُوْبِهِمْ اِلَى يَوْمٍ  
يَلْقَوْنَهٗ بِمَا اَخْلَفُوا اللّٰهَ مَا وَعَدُوْهُ  
وَبِمَا كَانُوْا يَكْذِبُوْنَ ﴿٧٧﴾

پس خدا در دلهای ایشان عقوبت  
نفاق نهاد تا آنروز که با او ملاقات  
کنند به آن علت که خلاف کردند  
آنچه را با خدا عقد پیمان کردند



و بدانملت که دروغ می‌گفتند (۷۷)  
 آینداندنکه خدازهای ایشان و  
 دسیسه های ایشان را خوب میداند  
 و اینکه خدا به همه غیبها بس آگاه  
 است (۷۸)

کسانیکه در صدقات تهمت زنند  
 بر آنان از مومنان که مشتاقانه  
 نیکوکاری کنندگانند و بر آنانکه  
 جز زحمت خود چیزی ندارند.  
 باز آنانرا بیادسخریه میگیرند  
 حتماً خدا بسخریه آنها پاسخ گوید  
 و آنانرا عذابی دردناکست (۷۹)

آمزش بطلب برای آنها یا آمزش  
 نه طلب برای آنها اگر برای آنها  
 هفتاد بار آمزش بطلبی بازهم  
 هرگز خدا برای آنها نیامزد چه  
 آنها خدا و رسول را انکار کردند  
 و خدا بدکرداران را هدایت نمی  
 دهد (۸۰)

بازگذاشتگان بر بازنشتن خود  
 برخلاف رسول خدا شاد شوند و

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ  
 وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝۷۷

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ  
 الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا  
 يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ  
 مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ  
 عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۷۸

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ ۗ إِنْ  
 تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ  
 اللَّهُ لَهُمْ ۗ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ  
 وَرَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
 الْفَاسِقِينَ ۝۷۹

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلْفَ  
 رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا  
لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ  
حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿۸۱﴾

فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا  
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۸۲﴾

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ  
فَأَسْتَأْذِنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ  
تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ  
عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ  
مَرَّةٍ فَأَقْعُدُوا مَعَ الْخُلَفَاءِ ﴿۸۳﴾

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا  
وَلَا تُقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ  
وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَسِقُونَ ﴿۸۴﴾

نایسند داشتند تا به مالهای خود  
و جانهای خود در راه خدا جهاد  
کنند و گفتند در گرما کوچ نکنید.  
بگو آتش جهنم در تپش فرونتر  
است کاشکی درک میکردند (۸۱)  
پس باید کم بخندند و زیاد  
بگریند. اینست مزد به آنچه  
کسب میکردند (۸۲)

پس اگر خدا تو را به گروهی از  
آنها باز بردو [برای جهاد] از تو جواز  
خروج [باتو] بخواهند پس بگو [در  
آینده برای جهاد] ابدأً من بیرون  
نخواهید رفت و قطعاً همراه من  
بادشمن قتال نخواهید کرد. یقیناً  
شمانخستین بار به خانه نشینی  
خشنود شدید پس اکنون با باز  
نشتگان بنشینید (۸۳)

و برای کسی از آنها بمیرد ابدأً  
نماز [جنازه] نخوان و بر قبرش  
[برای دعا] نیایست. یقیناً آنها  
به خدا و رسول او انکار کردند و

مردند درحالیکه زشت کرداران  
بودند (۸۴)

و تو را مالهای آنها و اولاد آنها  
شگفت نیآرد. خدا فقط این می  
خواهد که عذابشان کند در این  
دنیا به [وسیله] خودشان و جانهای  
آنها بیرون رود در حالیکه آنها  
کافر باشند (۸۵)

و هرگاه سوره ی نازل کرده شود  
که به خدا ایمان آورید و همراه با  
رسول او جهاد کنید ثروت مندان  
آنها از تورخت خواهد و گویند  
بگذارید که ما با باز نشتگان  
باشیم (۸۶)

آنان بر این امر خشنود شدند که  
با زنانی باز نشتگان شدند و بر  
دلهای آنها مهر نهاده شد. پس آنان  
فهم نکنند (۸۷)

اما رسول و آنانکه با او ایمان  
آورده اند ایشان با مالهای خود و  
با جانهای خود جهاد میکنند همانها

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ ۗ إِنَّمَا  
يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا  
وَتَرْهَقَ أَنْفُسَهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ أَمُوتُوا بِاللهِ  
وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا  
الطُّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ  
الْقَعْدِيِّينَ ﴿٨٦﴾

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ  
وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَأَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾

لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ  
جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ۗ وَأُولَئِكَ

اند که [تمام] خیرها برای ایشان است و همانها پیروز ماندند (۸۸)

خدا برای ایشان بهشت‌های آماده کرده است که در دامنه آنها نهرهایی روان است. ایشان در آن جاویداند. این پیروزی بزرگ است (۸۹)

و عذرخواستگان از بادیه نشینان [هم] آمدند تا بدیشان رخصت [بازنشستن] داده شود و [اینطور] آنانکه به خدا و رسول دروغ گفتند باز نشنند. حتماً عذابی دردناک برسد به کسانی از آنها که کفر کردند (۹۰)

نیست باکی بر ناتوانان و بر مریضان و نه بر آنانکه چیزی ندارند تا انفاق کنند در صورتیکه مخلص خدا و رسول او باشند و بر محسان هیچ راه انتقاد نیست و خدا آمرزنده‌ی بارها رحم کننده است (۹۱)

لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۸۸﴾  
 أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۸۹﴾

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۹۰﴾

لَيْسَ عَلَى الضَّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۹۱﴾

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ  
قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ  
تَوَلَّوْا وَعَيْنُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ  
حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ﴿٩٢﴾

و نه [باکی است] بر آنانکه هرگاه  
آیند نزد تو تا آنان را [برای جهاد  
بر مرکبی] سوار کنی تو گوئی  
که نمی یابم چیزی که بر آن شما  
را سوار کنم. ایشان برگشتند در  
حالیکه چشمان ایشان اشکبار  
بود از اندوه که چیزی ندارند تا  
آنها [در راه خدا] انفاق کنند (۹۲)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ  
وَهُمْ أَغْنِيَاءٌ رِضْوَانًا يَكُونُوا مَعَ  
الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ  
فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾

جواز گرفت فقط برخلاف آنان  
است که از تو رخصت میخواستند  
درحالیکه آنها توانگر اند. آنها  
راضی شدند به آنکه با زنانی باز  
نشتگان شوند و خدا بر دلهای  
آنان مهر نهاد پس آنها دانشی  
ندارند (۹۳)

هنكاميكه بسوى آنان برگرديد  
 براى شاعذرآرند. بگو عذر خواهى  
 نكنيد هرگز ما به شما باور كنده  
 نيستيم. البته خدامارا به اخبار  
 شما آگاه ساخته است و خدا به  
 اعمال شما مينگرد نيز رسول او.  
 پس شما بسوى داناي عيان ونهان  
 برگردانده شويد. پس او شما را  
 آگاه سازد به آنچه شما مى  
 كرديد (۹۴)

حتماً براى شما سوگندهاى خدايى  
 ياد كنند هنگاميكه بسوى آنان  
 بازگرديد تا شما از آنها درگذريد.  
 پس [بلاشك] از آنها درگذشت كنيد  
 بحر حال آنها ناپاك اند و ماوى  
 آنها جهنم است بپاداش آنچه  
 كسب ميكردند (۹۵)

براى شما قسمها خورند تا از آنها  
 خشنود شويد. پس اگر شما از آنها  
 خوشنود شويد پس خدا قطعاً از  
 قوم زشتكاران خشنود نشود (۹۶)

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ ۗ قُلْ لَا تَعْتَذِرُونَ وَالنُّؤُومِ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهَ مِنْ أَجْبَارِكُمْ ۗ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾

سَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتَعْرِضُوا عَنْهُمْ ۗ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ ۗ إِنَّهُمْ رَجِسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۗ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٥﴾

يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ ۗ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٩٦﴾

و بادیه نشینان در کفر و نفاق سخت تر اند و بیشتر متمایلند که آن حدما را که خدا بر رسول خود نازل کرده است نشناسند و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۹۷)

و از بادیه نشینان چنین اند که آنچه را [در راه خدا] انفاق کنند غرامت گیرند و برای شاحوادث روزگار را انتظار دارند. حوادث روزگار برای آنانست و خدا شنوای صاحب علم دائمی است (۹۸)

و برخی از بادیه نشینان اند که به خدا و روز آخرت ایمان دارند و آنچه انفاق کنند را موجب قربت های خدا و دعاهای رسول میگیرند. باش ایقیناً این برای ایشان موجب قربت است. یقیناً خدا ایشان را در رحمت خود وارد کند. یقیناً خدا آمرزنده بارها رحم کننده است (۹۹)

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ  
أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى  
رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩٧﴾

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ  
مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَابِّ ۗ  
عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ  
عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبًا لِلَّهِ  
وَصَلَاتٍ الرَّسُولِ ۗ إِلَّا إِنَّمَا قُرْبَةٌ  
لَهُمْ ۗ سَيَدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ إِنَّ  
اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩٩﴾

ع

سبقتداران اولین از مهاجران و انصار و آنانکه با حسن عمل از ایشان پیروی کردند خدا از آنان خشنود شد و آنان از او خشنود شدند و برای ایشان بهشتی مهیا کرده است که در دامنه آنها نهرهای روان است. آنان در آنها جاودانان اند این پیروزی بزرگ است (۱۰۰)

و برخی از آن بادیه نشینان که پیرامون شما اند منافقان اند و از اهل مدینه نیز. آنان برنفاق ثابت میمانند. تو آنها را نمی دانی ما آنها را میدانیم. ما آنها را دو بار عذاب خواهیم کرد. سپس بعد از بزرگ برگردانده شوند (۱۰۱)

و برخی دیگرانند که به گناهان خود اعتراف کردند. آنان کرده های پسندیده را با دیگر ناپسندیده قاطی کردند. بعید نیست خدا توبه پذیرفته بر آنان باز گردد.

وَالسُّبْقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ  
وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ  
لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ  
فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ  
مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا  
عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ  
نَعْلَمُهُمْ سَعَدْبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ  
يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾

وَأَخْرُوجَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا  
عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ  
يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠٢﴾



یقیناً خدا آمرزندهٔ بارها رحم

کننده است (۱۰۲)

از مالهای ایشان صدقه بگیر. بدین  
سان آنان را پاک کرده و آنانرا  
تزکیه کنی و برای آنان به دعا  
بپرداز. یقیناً دعای توبرای آنان  
آرامشی است و خدا شنوای صاحب

علم دائمی است (۱۰۳)

آیا نمیدانند که بس خدایست که  
توبه بندگان خود را قبول میکند و  
صدقات را میپذیرد و اینکه بس  
خدا بسیار پذیرندهٔ توبه بارها

رحمکننده است (۱۰۴)

و بگو عمل بکنید پس خدا به  
اعمال شامینگرد. هم رسول او،  
نیز مومنان، و [منتها] به سوی  
دانای نهان و عیان برگردانیده  
شوید. پس او شما را آگاه سازد

به آنچه شما میکردید (۱۰۵)

و برخی دیگرانند که منتظر از  
فرمان خدا واگذار شده اند -

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ  
وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَاصَلِّ عَلَيْهِمْ ۗ إِن  
صَلُّوتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ  
عَلِيمٌ ﴿۱۰۳﴾

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ  
عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ  
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۰۴﴾

وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ  
وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ۗ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى  
عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُمْ بِمَا  
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۰۵﴾

وَآخِرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا  
يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَاللَّهُ

عَلَيْمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۰۶﴾

خواه عذابشان کند و خواه توبه قبول کرده بر آنان متمایل شود و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۱۰۶)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ ۚ وَلِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ ۗ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۰۷﴾

و آنانکه به آزاریدن و توسعه کفر و تفرقه انداختن میان مومنان و فراموشی کمین گاه برای آنکس که از قبل با خدا و رسول او محاربه کند، مسجدی ساختند و هرآینه سوگند های یاد کنند که ما را قصد نبود جز خوبی حالانکه خدا گواهی میدهد که حتماً آنها دروغ گویند (۱۰۷) ++

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ۗ لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَىٰ التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ ۗ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ﴿۱۰۸﴾

ابدأ در آن نیایست. یقیناً مسجدی که بنیاد آن از روز اول بر تقوی نهاده شد سزاوارتر است که در آن [برای عبادت] بیایستی. در آن مردان اند که دوستدارند که پاک

++ آیت ۱۰۷: صدور فرمان واضح جهت خراب کردن مسجد ضرار بنا بر این بود که آن يك را مشركان بعنوان پایگاه برای فعالیتهای مخفی برخلاف اسلام بکار می گرفتند و الا احترام مساجد بفرض است.

شوند و خدا پاکان را دوست دارد (۱۰۸)

پس آیا آنکه ساختمان خود را بر تقوی و خشنودی [او] بنیادند بهتر است یا آنکه ساختمان خود را بر کناره‌ی سست و فرورفتنی بنیاد نهد؟ پس آن با آن در آتش جهنم بیفتد و خدا بقوم ستمکاران هدایت نمیدهد (۱۰۹)

ساختمان ایشان که آنان بنا کرده اند پیوسته در دلهای آنان شک افکند جز آنکه دلهای آنان [از ترس خدا] پاره پاره گردد و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۱۱۰)

یقیناً خدا از مومنان جانهای ایشان و مالهای ایشانرا خریداری کرده است که [ببدل آن] برای ایشان بهشت است. ایشان در راه خدا قتال میکنند پس قتل میکنند و قتل کرده میشوند. این وعده که

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُيُوتَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنْ اللَّهِ  
وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُيُوتَهُ عَلَىٰ  
شِقَاجِرٍ فَهَارٍ فَأَنْهَارٍ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ ۗ  
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰۹﴾

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي  
قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَاللَّهُ  
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۱۰﴾

۱۰۹  
۱۱۰

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ  
وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ ۗ  
يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ  
وَيُقْتَلُونَ ۗ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ  
وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۗ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ

مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبِشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي  
بَايَعْتُمْ بِهِ ۗ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱۱﴾

در تورات و انجیل و قرآن [بیان]  
است بر او حق است و کیست وفا  
دارتر از خدا در وعده خود. پس  
خرسند شوید بر آن داد و ستد  
خود که با او انجام داده اید و  
همین پیروزی بزرگست (۱۱۱)

الَّذِينَ الْعَبْدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّاجِدُونَ  
الرُّكْعُونَ السُّجِدُونَ الْأَمْرُونَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَالْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ  
الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۲﴾

توبه کنندگان، عبادت گذاران،  
ستایش کنندگان، سیرکنندگان، به  
تعظیم [خدا] کمرخم کنندگان، سجده  
کنندگان، امرکنندگان به معروفات  
و نهی کنندگان از منکرات و نگه  
داران حدمای خدا [مه مومنانند]  
و مومنان را مژده بده (۱۱۲)

مَا كَانَ لِلثَّيْبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ  
يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي  
قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ  
الْجَحِيمِ ﴿۱۱۳﴾

امکان پذیر نیست پیغمبر را و  
آنانکه ایمان آوردند که برای  
مشرکان استغفار کنند اگرچه  
نزدیکان باشند ازین بعد که برای  
ایشان روشن شده باشد که آنان  
جهنمیانند (۱۱۳) ++

وَمَا كَانَ اسْتَغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأبيه إِلَّا  
عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ

و استغفار ابراهیم برای پدر خود  
در خصوص آن وعده بود که او به

او [پدر] داده بود. پس هرگاه او را آشکار شد که اودشمن خدا است از اوبیزاری جست. یقیناً ابراهیم بسیار نرم دل و بردباد بود (۱۱۴) + و نیست خدا که قومی را پس از هدایت آنان گمراه سازد تا آنگاه که برای آنان آشکار نماید که از چه کار پرمیزکنند. یقیناً خدا به هر چیز دانا است (۱۱۵)

یقیناً خدا است که پادشاهی آسمانها و زمین از آن اوست. او زنده کند و میمیراند و شمارا جز خدا کسی دوست است و نه مددگار (۱۱۶) . یقیناً خدا توبه قبول کرده بر پیغمبر و مهاجران و انصار متمایل شد. آنان که در وقت تنگی او را پیروی کردند

أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ ۗ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ  
لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ﴿١١٤﴾

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ  
حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ  
يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ  
وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٦﴾

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ  
وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ

آیات ۱۱۳ - ۱۱۴: هیچ پیغمبر یا مومنان را روا نیست که برای آنکس دعای مغفرت کنند که در حالت شرك بمیرد. تا آنجا که استغفار حضرت ابراهیم برای پدر خود مربوط است چون ایشان به پدر خود قول داده بودند پس ایشان وعده خود را وفا کرده برایش دعای مغفرت کردند تا آنگاه که برایشان آشکار کرده شد که پدر ایشان دشمن خدا بود. سپس حضرت ابراهیم از استغفار برای پدر خویش توبه کردند.

از این پس که نزدیک بود که  
دلهای گروهی از آنان زیغ گردد  
بازهم توبه آنانرا قبول کرد.  
یقیناً و برای ایشان بسیار مهربان  
بارها رحم کننده است (۱۱۷)

و خدا بر آن سه تن [نیز مهربان  
شد] که باز گذاشته شدند تا آن گامه  
زمین بر آنها با وجود فراخی تنگ  
شد و جانهای آنان بر آنها تنگ آمد  
و پنداشتند که از خدا هیچ پناه  
گامی نیست جز بسوی او. باز او  
متایل به پذیرفتن توبه بر آنان  
بازگشت کرد تا آنان توبه کنند.  
یقیناً تنها خدا پذیرنده توبه بارها  
رحمکننده است (۱۱۸) ++

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ

++ آیت ۱۱۸: اینجا سخن از آن سه تن اصحاب گفته میشود که در غزوه تبوک عقب  
ماندند و چون سبب اینکار پرسیده شدند دروغ را به کار بستند. و گرنه خیلی  
منافقان نیز بهانه های برافته بودند ولی آنها هرگز مجازات نشدند اما این سه تن  
مستوجب مجازات تحریم اجتماعی قرار گرفتند و سپس بفرمان خدا این مجازات به  
عفو منجر شد. [بقیه ص: ۴۵۷]

مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ  
ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ  
رَّحِيمٌ ﴿١١٧﴾

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا  
ضَاقتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ  
وَضَاقتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا  
مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ  
لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾

الصّٰدِقِيْنَ ﴿۱۹﴾

تقوی اختیار کنید و با صادقان

بیاشید (۱۱۹)

اهل مدینه را و آن بادیه نشینان که پیرامون آنانند سزاوار نبود که رسول خدا را رها کرده بازمی نشستند و نه اینکه جانهای خود را برجان او ترجیح میدادند [این قربانی نفسها لازم بود] چه واقمیت همین است که آنانرا در راه خدا تشنگی و سختی و گرسنگی نمی رسید و نه قدم نهند بررامی که قدم نهادن آنان کافران را به خشم میآرد و نه از جانب دشمنان [منگام قتال] به چیزی نایل میشوند مگر ببدل آن در حق آنان نیکوکاری نوشته میشود. یقیناً خدا پاداش مومنان را ضائع ندهد (۱۲۰)

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۲۰﴾

بقیه آیت ۱۱۸: ضمناً این آیت یقین محکم از آنحضرت ﷺ بر هستی خدای متعال و روز قیامت را خاطر نشان میکند و الاً آن منافقان که بهانه های بریافته آورده بودند بیشتر از آن سه تن سزاوار مجازات بودند اما ایشان ﷺ به آنها کیفر نکردند بلکه کار آنها را بر روز قیامت واگذارند.

میسطور انفاق نمیکنند چه کم چه زیاد و نه وادی طی کنند مگر درحق آنان نوشته میشود تا خدا ایشانرا پاداش دهد به نیکوترین اعمال که میکردند (۱۲۱)

و مومنان را غیر ممکن است که همه باهم بیرون روند. پس چنانسی شود که گروهی از هر فرق ایشان بیرون روند تا دانش دین را فراگیرند و تا قوم خویش را هشدار دهند چون بسوی ایشان برگردند باشد که آنان [از هلاک] حذرکنند (۱۲۲)

ای کسانیکه ایمان آورده اید جنگ کنید به آنان از نزدیکان خود که از کافرانند و باید در شما سختی بیابند و بدانید که خدا با متقیان است (۱۲۳)

و هرگاه سوره ی نازل کرده میشود پس بعضی از آنها میگویند کدام یکی از شما است که این

وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً  
وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ  
لِيَجْزِيََهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲۱﴾

وَمَا كَانِ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً  
فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ  
لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا  
رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿۱۲۲﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ  
مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً  
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿۱۲۳﴾

وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ  
إِنَّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ



[سوره] اورا در ايمان افزوده است  
پس آنانکه ايمان آورده اند اين  
آنانرا در ايمان افزوده است و  
آنان [برای آينده] مژده های در  
ميبابند (۱۲۴)

واما کسانیکه در دلهاي آنان بيماری  
است [اين سوره] آنها را ناپاکی  
بر ناپاکيشان ميفزايد و آنان می  
ميرند در حالیکه کافر اند (۱۲۵)

آيانينگرند که آنها سالی یکبار یا  
دوبار آزوده ميشوند باز هم نه توبه  
میکند و نه آنها پند میپذیرند (۱۲۶)  
و هرگاه سوره ی نازل کرده شود  
بعضی از آنان به بعضی مینگرند  
[گویی بکنایه گویند] آیا کسی شما  
را ميبیند؟ باز روی برگردانند و  
خدا دلهاي آنانرا برگردانده چه  
آنان قومی اند که نمیفهمند (۱۲۷)

یقیناً شمارا رسولى از خود شما  
آمده است او را شاق است که  
شما رنج برید و برای [خوبی]

أَمْوَا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ  
يَسْتَبْشِرُونَ ﴿۱۲۴﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ  
فَرَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا  
وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿۱۲۵﴾

أُولَٰئِكَ يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ  
مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ  
يَذْكُرُونَ ﴿۱۲۶﴾

وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ  
بَعْضٍ ۗ هَلْ يَرِيكُمْ مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ  
انصَرَفُوا ۗ صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ  
قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۱۲۷﴾

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ  
عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٨﴾

شما آزمند است. برای مومنان بی نهایت مهربان بارها رحم کننده است (۱۲۸)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾

پس اگر سربچی کنند آنگاه بگو برای من خدا بس است. جز او هیچ معبودی نیست. بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش عظیم است (۱۲۹)

تَوَكَّلْتُ

## ۱۰ - سورة يونس

این سوره مکی است و با بسم الله ۱۱۰ آیت دارد.

سورة البقرة و سورة آل عمران را مقطعات آلم است درحالیکه در این سوره بجای "میم" "را" است. لذا روشی از ترجمه قبلی را دنبال کرده میتوان ترجمه کرد که **أَنَا اللَّهُ أُرِي** - منم خدا من میبینم.

موضوع این سوره آن ابتلا است که حضرت یونس علیه السلام را فراگرفت. لذا این سوره یونس نام داده شد. خداوند سرآغاز این سوره سوالی مطرح کرد که آیا مردم را شگفت انگیز است که وحی بریکتن از خودشان فرو فرستاده شد؟ پاسخ این سوال اینست که تعجب مردم مبنی برحالت نفسانی خودشان است. چون ایشان در کارهای دنیائی غرق شده اند، پس خداوند وحی را برایشان نازل نمیکند و آنان این وضعیت خویشتن را واحد اندازه گیری قراردادده میپندارند که خدا نمیتواند وحی را بر هیچکدام از بندگان خود نازل کند.

بلافاصله پس از این، فرمان خدا حاکی است که آن خدا که جمله کاینات را آفرید و هر یک اقدام را بخوبی تدبیر کرده است آیا او این کار را ضائع خواهد داد؟ بلندترین قله این تدبیردال براینست که چنین يك شفیع یعنی آنحضرت ﷺ ظهور میکند که به اذن خدا نه تنها بندگان نیکوکار از امت خود را شفاعت کند بلکه بندگان نیکوکار از امتهای پیشین را نیز شفاعت خواهد کرد.

ضمناً آنحضرت ﷺ رابه خورشید تشبیه داده و نقل میشود که روشنائی

خورشید نظام زندگی رافیز بخش است و برپایه فیض آن، بدری کامل را بظهور آمدن است. آن بدر طی تاریکیهای شب نیز فیض روشنائی از خورشید را پیوسته روی زمین خواهد رساند.

این امر شگفت انگیز است که در این عالم مادی نیز در روشنائی ماه برخی از رستنیها با چنین سرعت رشدونو میکند که صدا از نمودن آنها شنویده میشود. چنانچه دانشمندان میگویند که ازخیاها، بعلت سرعت رشدونو آنها چنین صدای درمیآید که شنیده میشود. پس همان خدا است که هم روز را وسیله حیات قرارداد و هم شب را.

سورة یونس چنین قومی را ذکر میکند که کلیه از آن عذاب نگهداشته شدند که به آن هشدار شده بودند و سورة بعد از این یعنی سورة مود چنین قومی را ذکر میکند که ناشی از انکار خود کلیه هلاک کرده شدند.

☆ سُورَةُ يُونُسَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَعَشْرُ آيَاتٍ وَ أَحَدُ عَشَرَ رُكُوعًا

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

[أَنَا اللَّهُ أَزَى] منم خدا من می

الرَّ تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ②

بینم. این آیت‌های کتاب حکمتمند

است (۲)

آیا مردم را شگفت آورد که به

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ

سوی مردی ازخود ایشان وحی

مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا

فرستاده ایم که مردم را هشداربده

أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ قَالَ

و آنانکه ایمان آورده اند را مؤده

الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ③

بده که قدم ایشان نزدپروردگار

ایشان برحق است. کافران گفتند

یقیناً این جادوئی آشکارا است (۲)

إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

یقیناً پروردگار شما آن خدا است

وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى

که آسمانها و زمین را در شش روز

عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۗ مَا مِنْ شَفِيعٍ

آفرید. سپس برعرش قرارگرفت.

إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ۗ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ

او هرکاری را تدبیرمیکند. نیست

فَاعْبُدُوهُ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ④

شفاعت کننده ای مگرپس ازاجازه

او. اینست خدا پروردگار شما پس

او را عبادت کنید. پس آیا اندرز  
نمیگیرید؟ (۴)

بازگشت جمع شامبوی او است.  
این وعده خدا راست است. یقیناً  
او آفرینش را آغاز میکند باز آن  
را تکرار میکند تا آنان را که  
ایمان آوردند و نیکوکاریها کردند  
بدادپاداش دهد و آنانکه کفر کردند  
را آشامیدنی از آب جوشان و عذابی  
دردناک است چه داشتند کفر می  
کردند (۵)

او است آنکه خورشید را وسیله  
درخشش و ماه را وسیله روشنی  
ساخت و برایش منازل مقرر  
داشت تا شما شمارسالها و حساب  
را فراگیرید. خدا این [مه] را فقط  
بعق آفریده است و آیتها را برای  
قومیکه دانشمندند بصراحت بیان  
میکند (۶)

یقیناً در دگرگونی شب و روز و  
آنچه خدا در آسمانها و زمین آفریده

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ۖ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۖ  
إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ  
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ ۖ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ  
وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ  
نُورًا وَقَدَّرَ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ  
وَالْحِسَابَ ۗ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ  
يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ  
اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

يَتَّقُونَ ﴿٧﴾

است آیتهای است برای قومیکه تقوی اختیار کنند(۷)

یقیناً کسانی که بملاقات ما توقع نه دارند و بر زندگی دنیا خشنود شدند و به همان اطمینان یافتند و کسانی که آنها از آیتهای ما غافل اند(۸)

مانهاند که مأوی آنها آتش است بدانچه کسب میکردند (۹)  
 مرآینه کسانی که ایمان آوردند و نیکو کاریها انجام دادند آنان را پروردگار ایشان به [خاطر] ایمان ایشان هدایت خواهد داد. تحت ایشان در باغ هایی پر نعمت نهر های روان باشد(۱۰)

گفتار ایشان در آنجا [اینست] "بار الها! تو پاک هستی" و تحیت ایشان در آنجا سلام است و پایان سخن ایشان این است که ستایش مطلق از آن خدا است که پروردگار همه جهانها است(۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غِفلُونَ ﴿٨﴾

أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٠﴾

دَعْوُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۗ وَأُخْرُ دَعْوُهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١١﴾

و اگر خدا به شرارت مردم با همان تمجیل عقوبت میکرد که آنان برای خیر تمجیل میکنند حتمًا نهایت زمانی ایشان گذرانیده میشد اما ما آنانکه از ملاقات ما توقع ندارند را درسرکشی های خود سرگردان ترك میکنیم (۱۲)

و مرگه آدمی راستی برسد مارا برپهلوی خود [دراز کشیده] یا نشسته یا ایستاده میخواندو چون سختی اش را از او دورسازیم به طوری بگذرد گویی میجگه مارا بسوی آن سختی که به او رسید نخوانده بود اینگونه تجاوزگران را اعمالی که انجام میدهند زیبا نشان داده میشود (۱۳)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا ۗ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿۱۱﴾

و یقینًا ما پیش از شما مردم بسا از منه راملاک کرده بودیم چون آنهاستم کردند در حالیکه ایشان را رسولان مابانسانه های روشن آمدند اما نه بودند که ایمان میآوردند. قوم

وَلَوْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ تَقْضَى إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ ۗ فَتَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿۱۱﴾

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا ۗ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَانٌ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ ۗ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲﴾



مجرمان را اینگونه پاداش می

دهیم (۱۴)

بازهم ما شما را پس از آنها در

زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم

که چگونه عمل میکنید (۱۵)

و هنگامیکه آیتهای آشکارا ما بر

آنان فروخوانده میشود کسانیکه

ملاقات ما را توقع ندارند گویند

بمیراز این قرآنی دیگر بیار یا

همان را تبدیل کن. بگو برای من

ممکن نیست که آنرا از جانب خود

تبدیل کنم. من فقط از آن پیروی

میکم که بسوی من وحی فرستاده

میشود. اگر من از پروردگار خود

نافرمانی کنم همانا از عذاب روزی

بزرگ میترسم (۱۶)

بگو اگر خدا میخواست من این

کلام را بر شما فرو نمیخواندم و

نه [خدا] آنرا بشما مطلع میساخت.

پس البته عمری از این پیش میان

شما مانده ام پس آیا فهم نمی

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ

بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿۱۵﴾

وَإِذْ أَنْتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ ۚ قَالَ الَّذِينَ

لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنَّا وَهَّاءٌ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا

أَوْ بَدِّلْهُ ۗ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ

تِلْقَائِي أَنفُسِي ۚ إِنَِّّي أَنبِئُكُمْ بِالْمَا يُؤْتِي

الْحَيَاتِ ۚ إِنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي

عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۶﴾

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا

أَدْرِكُكُمْ بِهِ ۗ فَقَدْ لَيْسْتُ فِيكُمْ عُمْرًا مِمَّنْ

قَبْلِهِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۷﴾

کنید (۱۷) ++

پس کیست ستنکارتر از آنکس که  
بر خدا دروغ بست یا به آیتهای او  
تکذیب کرد. یقیناً مجرمان موفق نمی  
شوند (۱۸)

و عبادت کنند بغیر از خدا آنها را  
که نه ضرشان رسانند و نه  
سودشان دهند و گویند. آنها نزد خدا  
مارا شفاعت کنندگانند. بگو. آیا به  
خدا خیر میدید آنچه را او در  
آسمانها و زمین نمیداند؟ او پاک  
است و بسیار بلندتر است از آن  
چه شما شرک میورزید (۱۹)

و مردم جز یک امت بیش نبودند  
پس آنان اختلاف پیدا کردند و اگر  
از جانب پروردگارتو فرمان [قضا

++ آیت ۱۷: مشرکان به رسول الله ﷺ تهمت میزدند که او قرآن را بدروغ به خدا

نسبت داده است. در واژه ما فقد لبثتْ نیکم عمراً این تهمت را با قاطعیت رد  
کرده و گفته می شود که آن پیغمبر را که خودتان صدیق و امین می گفتید و قبل از  
دعوی پیغمبری تا جهل سالکی که او هیچگاه و به هیچکس دروغ نگفته بود اینک  
چطور ناگهان او دروغ گفتن را گرفت

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا  
أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ  
وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ  
شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ ۗ قُلْ أَنتَبِئُونَ اللَّهَ بِمَا  
لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۗ  
سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً  
فَاخْتَلَفُوا ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن  
رَّبِّكَ لَفُضِّي بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيه يَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾

وَقَدَرِ [پیشی نگرفته بود حتماً جهت  
 انکار میانشان قضاوت کرده می  
 شده در آن اختلاف میکردند (۲۰)  
 وگویند، چرا بر او از پروردگارش  
 آیتی نازل کرده نمیشود؟ بگو غیب  
 تنها از آن خدا است. پس منتظر  
 باشید. یقیناً من هم با شما از  
 منتظرانم (۲۱)

و چون ما مردم را پس از آن  
 سختی که به آنان رسید رحمت  
 خود بچشانیم ناگهان درباره آیت  
 های مانیرنگ کردن میگیرند. بگو،  
 خدا [جواباً] زودتر نیرنگ است.  
 یقیناً آنچه نیرنگ کنید فرستندگان  
 مامینویسند (۲۲)

او است آنکه شما را در دشت و  
 دریا حرکت میدمد تا آنگاه که  
 چون شما در کشتیها میباشید و آنها  
 با کمک بادهای خوشایند با آنان  
 حرکت میکنند و به آن آنان خرسند  
 میشوند که ناگاه بادی تند آنها را

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ  
 رَبِّهِ فَقَدْ لَئِمَّا الْعَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا  
 إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ  
 مَسَّهُمْ إِذْ لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ  
 أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا  
 تَمْكُرُونَ ۝

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ  
 حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَينَ بِهِمْ  
 بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ  
 عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ  
 مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا

درمیگیرد و موج از هر سوی بر آنها میآید و گمان برند که آنان در آن [موج] ما فرا گرفته شدند [آنگاه] خدا را میخوانند دین را برای او خالص کرده که اگر ما را از آن نجات دهی یقیناً از سپاسگذاران میشویم (۲۲)

پس چون اونجاتشان دمدبیدرنگ آنها در زمین بناحق تجاوز میکنند. ای مردم! یقیناً تجاوزگری شما تنها بر خود شماست. [شمارا] کمی بهره‌کشی از زندگی دنیا است سپس بازگشت شما بسوی ما است. پس شما را خبر کنیم به آنچه شما می‌کردید (۲۴)

البته مثل زندگی دنیا بمثل آن آبی است که ما آن را از آسمان نازل کردیم. پس رویدنی زمین با آن درآمیخت از آنچه میخورند مردم و چهارپایان تا آنگاه که چون زمین آرایش خود را فرا

اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَكِنِ أَكْثَرَتْنَا مِنَ هَذِهِ لَمَّا كُنَّا مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿۲۳﴾

فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَعَيْتُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ لَمَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۲۴﴾

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ ۗ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ ۗ عَلَيْهَا آسَمَا

أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَهَا حَصِيدًا  
كَانَ لَمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ ۖ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ  
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٥﴾

گرفته زیبا میشود و ساکنانش  
گمان برند که آنها بر آن اختیاری  
کامل دارند پس فرمان ما شبی  
یا روزی به آن میرسد و آنرا بحالت  
درویده تبدیل میکنیم گویی تا  
دیروز آنرا هیچ وجودی نبود.  
اینگونه ما آیات را برای قومیکه  
تعقل کنند بتفصیل بیان کنیم (۲۵)  
و خدا شمارا بسوی خانه سلامتی می  
خواند و هر که را میخواند براه  
راست هدایت میکند (۲۶)

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ ۖ وَيَهْدِي مَنْ  
يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٦﴾

آنانکه احسان کردند را پاداش  
نیکو است و از آن هم فروتر و  
تیرگی و ذلت هرگز چهره های  
ایشان را فرانگیرد. همانا بهشتیانند  
ایشان در آن جاویدانند (۲۷)

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ۖ وَلَا  
يَرْهَقُهُمْ جُؤْهُهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۖ أُولَٰئِكَ  
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٥٧﴾

و آنانکه بدیها کسب کردند را عوض  
هر بدی مثل آنست و خواری آنها را  
فراپوشد. آنها را از خدما هیچ نجات  
دمنده نیست. گویی چهره هاشان از  
پاره های شب تار پوشانده است.

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ  
بِمِثْلِهَا وَتَرَهُمْ مُّذَمِّينَ ذِلَّةً ۖ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ  
مِنْ عَاصِمٍ ۖ كَانَمَا أُغْشِيَتْ  
وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا ۖ

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٨﴾  
 وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ  
 أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ ۖ  
 فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا  
 كُنْتُمْ إِلَّا نَاتِعِبُدُونَ ﴿٢٩﴾

مانها اهل آتش اند. آنان در آن  
 مدت دراز خواهند ماند (۲۸)  
 و [بیاد آرید] روزیکه آنان جمیع را  
 محشور کنیم. سپس به آنانکه شرک  
 کردند گوئیم بایستید برجای خود  
 و شریکانتان. پس میان ایشان  
 جدائی نهیم و شریکان ایشان  
 گویند که شما ما را پرستش  
 نمیکردید (۲۹)

فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ  
 كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لِغُفْلِينَ ﴿٣٠﴾  
 هَٰئِلِكَ تَبْلَوُا كُلَّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ  
 وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ وَصَلَّ  
 عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٣١﴾

پس خدایان ما و میان شما گواه  
 بس است. یقیناً ما از پرستش کردن  
 شما بیخبر بودیم (۳۰)  
 در آنجا هر جان بداند آنچه پیش  
 میفرستاد و آنان بسوی خدا بآلک  
 حقیقی خود برگردانده شوند و  
 آنچه فرا مییافتند از آنها ناپیدا  
 گردد (۳۱)

ع ۸

قُلْ مَنْ يَرِزُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ  
 أَمْ مَنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ  
 يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ

بگو کیست که شما را از آسمان و  
 زمین رزق اعطا میکند یا کیست که  
 برگوشها و چشمها اختیار دارد و زنده  
 را از مرده درآرد و مرده را از

مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۖ فَسَيَقُولُونَ  
اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۱﴾

زنده درآرد و کیست که نظام  
[کاینات] را بتدبیر اداره میکند  
آنگاه حتمًا گویند خدا، بگو چرا  
دیگرتقوی اختیار نمیکنید (۳۲)

فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ ۚ فَمَاذَا بَعَدَ  
الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ ۚ فَأَلَىٰ تَصْرَفُونَ ﴿۳۲﴾

پس همین است خدا پروردگار  
حقیقی شما. پس بعد از حق چیست  
جز گمراهی. پس بکجا برگردانده  
می شوید (۳۲)

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ  
فَسَقَوْا ۗ إِنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۳﴾

اینگونه سخن پروردگارتو صدق  
میکند بر آنها که نافرمانی کردند که  
هرگز آنها ایمان نخواهند آورد (۳۴)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوا  
الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُهِ ۖ قُلِ اللَّهُ يَبْدُو الْخَلْقَ  
ثُمَّ يَعْبُدُهِ ۚ فَأَلَىٰ تَوْفَكُونَ ﴿۳۴﴾

بپرس، آیا از شریکانتان کسی است  
که آفرینش را آغاز کند و تکرار  
کند؟ بگو، خدا است که آفرینش  
را آغاز کند و آن را تکرار کند.  
پس شما به کجا فریب داده می  
شوید؟ (۳۵)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى  
الْحَقِّ ۖ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ ۚ أَفَمَنْ  
يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا

بپرس آیا از شریکانتان کسی است  
که بسوی حق هدایت کند؟ پس  
آیا آنکه بسوی حق هدایت کند سزا  
وارتر است که پیروی کرده شود

یا آنکه هدایت نسیاید مگر که او هدایت داده شود؟ پس چه شد شما را چطور قضاوت کنید؟ (۲۶)

و بیشتر آنها فقط گمان را پیروی می کنند [در حالیکه] گمان از حق هیچ هم بی نیاز نمی سازد. یقیناً خدا خوب میداند آنچه را انجام میدهند (۲۷)

و نیست این قرآن که دور از خدا بوده بهم بافته شود و اما آن را تصدیق کننده است که پیش روی آنست و آن کتاب را تفصیل است که در آن شکی نیست - از جانب پروردگار جهانها است (۲۸)

آیا میگویند که او آنرا بهم بافته است؟ بگو، پس سوره ای مثل آن بیارید و [برای مدد] جز خدا هر که را میتواند فراخوانید اگر شما راستگویانید (۲۹)

بلکه تکذیب کردند آنچه را که دانش آنرا فرانگرفتند و هنوز

يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَٰ فَمَا لَكُمْ<sup>٢٦</sup>  
كَيْفَ تَحْكُمُونَ<sup>٢٦</sup>

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثُرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ<sup>٢٧</sup>

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>٢٨</sup>

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ<sup>٢٩</sup> قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ<sup>٢٩</sup>

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ<sup>٢٩</sup> كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ



قَبْلِهِمْ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿۴۱﴾ تاویل آن بدیشان نرسیده است.

مانگونه تکذیب کردند کسانی که پیش از آنها بودند. پس نگاه کن فرجام ستمگران چگونه شد (۴۰)

و کسانی اند از آنانکه به آن ایمان میآیند و کسانی اند که به آن ایمان نمیآیند و پروردگار تو به فساد کاران داناتراست (۴۱)

و اگر از تو تکذیب کنند پس بگو عمل من برای من است و عمل شما برای شماست. شما برکنار آید از آنچه من عمل کنم و من برکنارم از آنچه شما عمل کنید (۴۲)

و کسانی از آنها اند که به تو گوش فرا میدهند. پس آیا تو میتوانی به گنگان بشنوانی ولو خرد نه داشته باشند (۴۳)

و کسانی از آنها اند که بسوی تو مینگرند. پس آیا تو میتوانی کوران را هدایت دهی اگر چه بصیرت نداشته باشند (۴۴)

وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ ۗ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿۴۱﴾

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ۗ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۴۲﴾

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ ۗ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿۴۳﴾

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ إِلَيْكَ ۗ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يَبْصُرُونَ ﴿۴۴﴾

یقیناً خدا بر مردم هیچ هم ستم  
نمیکند و امامردم خود بر جانهای  
خود ستم میکنند (۴۵)

و روزیکه او آنها را محشور کند  
[فکرکنند] گویی آنان [بر زمین] جز  
ساعتی از روز مکث نکردند. آنان  
از همدیگر معرفی پیداکنند. البته  
خسارت دیدند آنانکه از ملاقات  
خدا انکار کردند و نتوانستند از  
جمله هدایت یافتگان باشند (۴۶)

و اگرتورا بنمایانیم کمی به آن  
که آنها را هشدار میدادیم یا تو را  
وفات دمیم بهر صورت بازگشت  
ایشان بسوی ما است. سپس خدا  
گواه است به آنچه میکنند (۴۷) +

و هر کدام امت را رسولی است.

++ ایت ۴۷: ازین ایت پیداست که لازم نیست که جمله پیشگوییهای بیغمبری حتماً  
در حین حیات وی تحقق یابند البته بعضی از آنها در زندگانی وی صورت ظهور  
میگیرند. قرآنی که بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم نازل آمد پیشگوییهای بی شمار و  
تاقیامت را ذکر میآورد که ظهور آنها پس از رحلت ایشان شروع شد و تا امروز  
بظهور میآیند و تا قیامت صورت ظهور را خواهند گرفت.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ  
النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٥﴾

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَانَ لَمْ يُلْبِثُوا إِلَّا  
سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ  
خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا  
مُهْتَدِينَ ﴿٤٦﴾

وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ  
نَتُوفِّيَنَّكَ فَاَلَيْسَا مَرْجِعَهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ  
عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٧﴾

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ

رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا  
يُظْلَمُونَ ﴿٤٨﴾

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا  
مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ  
أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا  
يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٥٠﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابٌ بَيِّنَاتٌ أَوْ  
نَهَارًا مَآذٍ اسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٥١﴾

أَمْ إِذَا مَا وَقَعَ أَمْتُمْ بِهِ آلْتَن وَقَدْ  
كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥٢﴾

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ

پس گامیکه رسول ایشان آمد کار  
میان آنان بدادگذرانیده شود و  
هرگز ایشان ستمکرده نشوند (۴۸)  
وگویند، انجام این وعده تا به چند  
کشد اگر شمارا استگویانید؟ (۴۹)

بگو، برای نفس خودم نه زیان را  
اختیاری دارم و نه سود را مگر  
آنچه خدا بخواهد. هر کدام امت  
را نهایت زمانی معین است. چون  
آن نهایت زمانی ایشان برسد پس  
نمی‌توانند از آن لحظه ای تاخیر  
کنند و نمیتوانند پیشی گیرند (۵۰)

بگو، مرا حالی کنید اگر شما را  
عذاب خدا شبگاه بیآیدیا در روز  
چطور مجرمان از آن بمجمله فرار  
کنند؟ (۵۱)

آیا سپس به آن ایمان آرید وقتی  
که واقع شود؟ آیا الان [راه فرار  
است] و شما که بتعجیل آنرا می  
خواستید (۵۲)

سپس به کسانی که ستمکردند گفته

شود که [اکنون] عذاب را پیوسته  
بچشید. آیا پاداشی داده میشوید  
مگر آنچه کسب میکردید؟ (۵۳)

و میپرسند از تو آیا آن حق است؟  
بگو، آری قسم به پروردگارم که  
یقیناً آن حق است و نیستید شما  
[آنرا] بمعجز آرنندگان (۵۴)

و اگر چه بود نفسی را که ستم کرد  
جمله آنچه در زمین است حتماً  
آنرا فدایم داد و چون بنگرند عذاب  
راندامت رانها ن کنند و میان آنها  
قضاوت بداد شود و آنان ستم کرده  
نشوند (۵۵)

باش! یقیناً از آن خدا است آنچه  
در آسانها و در زمین است اما  
اکثرشان نمیدانند (۵۶)  
او زنده میکند و میمیراند و بسوی  
او برگردانده شوید (۵۷)

ای مردم! شمارا آمد امر نصیحت از  
پروردگارتان، و درمانی برای آن  
[بیماری] که در سینه ما است و

الْخُلْدِ ۱ هَلْ تُجْرُونَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ  
تَكْسِبُونَ ﴿۵۳﴾

وَيَسْتَبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي ۱  
إِنَّهُ لَحَقُّ ۱ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ۱ ﴿۵۴﴾

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي  
الْأَرْضِ لَأَفْتَدَتْ بِهِ ۱ وَأَسْرُ وَالْتَدَامَةَ  
لَمَّارَ أَوْ الْعَذَابَ ۱ وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ  
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۵۵﴾

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۱  
أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ  
لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۶﴾  
هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۵۷﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُ مَوْعِدَةٍ مِّنْ  
رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ ۱ وَهُدًى

وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۵۸﴾

برای مومنان هدایت و رحمتی

است (۵۸)

بگو [این] بفضل خدا و برحمت او است. پس به این باید بسیار خرسند شوند. این نیکوتر است از

آنچه میاندوزند (۵۹)

بگو، آیا نمی انگارید آنچه را که خدا برای شما رزق نازل کرد. پس خودتان از آن حرام و حلال گزیدید؟ بگو آیا خدا شما را مجاز گرداند یا بر خدا دروغ

می بندید (۶۰)

و چیست روز قیامت پنداشت آنانکه بر خدابر بافند؟ یقیناً خدا را بر مردم فضلی فراوانست. اما اکثرشان سپاس نمیگزارند (۶۱)

و تو در حالت خصوصی نمیباشی و نه در آن [حالت] قرآن را فروخوانی و [ای مومنان] هیچ کاری [نیکو] نمیکند مگر ما بر شما گواه هستیم چون در آن فرو میروید و پنهان

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا ۗ هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿۵۹﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا ۗ قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿۶۰﴾

وَمَا ظُرُّ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿۶۱﴾

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُنْفِصُونَ فِيهِ ۗ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي

الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ  
ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿١١﴾

نمیاند از پروردگارتو به اندازه  
ذره ای هم در زمین و نه در آسمان  
و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر  
مگر در کتابی روشن [مرقوم]  
است (۶۲)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا  
هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٢﴾

باشایقیناً دوستان خدای اند که  
نه ترس است ایشان را و نه  
ایشان غمگین شوند (۶۳)

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿١٣﴾

آنانکه ایمان آوردند و داشتند  
تقوی را فرا میگرفتند (۶۴)

لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي  
الْآخِرَةِ ۗ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ  
هُوَ الْقُوَىٰ الْعَظِيمُ ﴿١٤﴾

ایشان را مژده است در زندگانی  
دنیا هم در آخرت. سخنان خدا  
تغییر ناپذیر است. این پیروزی  
است که بسیار بزرگست (۶۵)

وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ ۗ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ  
جَمِيعًا ۗ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٥﴾

و گفتارشان تو را اندوهگین نه  
سازد. یقیناً عزت تمامتر از آن خدا  
است. او است که بسیار شنوای  
صاحب علم دایمی است (۶۶)

أَلَا إِنَّ اللَّهَ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي  
الْأَرْضِ ۗ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ

باشایقیناً از آن خدا است آنکه  
در آسمانها و آنکه در زمین است  
و آنانکه بغیر از خدا میخوانند [در

واقع] از شریکان پیروی نمیکنند  
[بلکه] از بی‌گمان خالی روند و تنها  
حدس زنند (۶۷)

اوست آنکه شب را برای شما  
قرار داد تا در آن آرامش یابید و  
روز را بینائی بخش. یقیناً در آن  
نشانه‌ها است قومی را که گوش  
فراهمند (۶۸)

گویند که خدا پسری برگزیده  
است. او بی‌نیاز است. از آن او  
است آنچه در آسمانهاست و آنچه  
در زمین. نزد شما به آن [دعوی]  
هیچ دلیلی نیست. آیا جهت خدا  
حرف زنید آنچه را نمیدانید؟ (۶۹)  
بگو یقیناً کسانی که برخدا دروغ  
بنند موفق نمیشوند (۷۰)

دردنیاکمی بهره کشی است. سپس  
بازگشت ایشان بسوی ما است.  
سپس آنها را عذاب سخت چشانیم  
چه آنها کفر میکردند (۷۱)

و بخوان بر آنان خبر نوح چون

دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ ۗ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا  
الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٧٠﴾

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ  
وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ  
لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ ۗ هُوَ  
الْغَنِيُّ ۗ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي  
الْأَرْضِ ۗ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلٰطِينٍ بِهٰذَا  
أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٢﴾

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ  
لَا يُفْلِحُونَ ﴿٧٣﴾

مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ  
نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا  
يَكْفُرُونَ ﴿٧٤﴾

وَإِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ

او بقوم خود گفت ای قوم من! اگر بشما مَوْضِع من ونصیحت کردن من به آیات خداگران میگردد پس برخداتوکل میکنم. پس جمع کنید توانائی خود و شریکان خود را - باز از آن پس که کار خود بر شما مبهم نماند باز بسوی من بگذرانید

و مرا فرصتی ندهید (۷۲)

پس اگر روی برگردانید آنگاه در مورد مزد سؤال از شما نمیکنم و مزدم جز خدا بر کسی نیست و امر شده ام که از فرمان برداران باشم (۷۳)

پس او را تکذیب کردند. آنگاه ما او و آنانکه با او درکشتی بودند را نجات دادیم و آنان را جانشین قراردادیم و آنها را که آیات ما را تکذیب کردند غرق ساختیم پس بنگر عاقبت هشدار دادگان چگونه شد (۷۴)

سپس بعدما رسولانی را بسوی

يُقَوْمِ اِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي  
وَتَذَكِّرِيْ بِآيَاتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ  
فَاَجْمَعُوْا اَمْرَكُمْ وَاَشْرِكُوْا لَكُمْ لَمْ  
يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اَقْضُوْا  
اِلَيّْ وَلَا تُنظِرُوْنَ ﴿٧١﴾

فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ اَجْرٍ اِنْ  
اَجْرِيْ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ  
مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٧٢﴾

فَكَذَّبُوهُ فَجَبْنٰهُ وَمَنْ مَّعَهُ فِي الْفُلِكِ  
وَجَعَلْنٰهُمْ حَلِيفًا وَاَعْرَفْنَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا  
بِآيَاتِنَا فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ  
الْمُنْذِرِيْنَ ﴿٧٣﴾

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ رُسُلًا اِلَى قَوْمِهِمْ



قوم های آنان مبعوث کردیم که آنانرا بانسانه های روشن آمدند پس نبودند تاایمان آورند برآنچه به آن قبلاً تکذیب کرده بودند. اینگونه بردلهای تجاوزگران مهر مینهیم (۷۵)

سپس موسی ومارون را بسوی فرعون و سرداراناش باآیتهای خود مبعوث کردیم. آنگاه آنها تکبر کردند و قوم مجرمان بودند(۷۶) پس چون آنان را حق از سوی ما آمدگفتند. یقیناً این جادوئی آشکار است(۷۷)

موسی گفت آیا جهت حق چون نزد شما آمد اینگونه حرف میزنید؟ آیا آن جادوئی است حالیکه جادو گران موفق نمیشوند(۷۸)

گفتند. آیانزدهما آمدی تا مارا از آن [مسلك] برگردانی که برآن پدران خود را یافتیم و بزرگی در زمین برایشمادوی باشد حالانکه نیستیم

فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيَوْمِئِذٍ بِمُكَذِّبِينَ ۗ وَمِنْ قَبْلُ كَذَّبُوا آبَاءَهُمْ مِنْ قَبْلُ ۖ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٥﴾

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مَجْرِمِينَ ﴿٧٦﴾

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾

قَالَ مُوسَى اتَّقُوا اللَّهَ لِحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ ۖ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّحَرُونَ ﴿٧٨﴾

قَالُوا أَجِئْنَا لِنُلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونُ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ ۖ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٩﴾

ماکه برایشمادوی ایمان آریم (۷۹)  
و فرعون گفت هر کدام جادوگری  
ماهر را نزدم بیارید (۸۰)

پس چون جادوگران آمدند موسی  
به آنهاگفت، بیفکنید آنچه شما را  
افکندن است (۸۱)

پس چون افکندند [آنچه افکندنی  
بود] موسی گفت آنچه آورده اید  
فربیب محض است، حتماً خدا آن را  
باطل کند یقیناً خدا کار مفسدان  
را درست قرار نمیدهد (۸۲)

و خدا حق را با کلمات خود راست  
میگرداند اگر چه مجرمان را ناپسند  
گذرد (۸۳)

پس بر موسی ایمان نیاوردند جز  
فرزندان [شماری] از قوم او ازین  
ترس که فرعون و سردارانش آنان  
را به آزمایش نیفکنند و یقیناً  
فرعون در زمین بسیار گردنکش  
بود و یقیناً از بسیار تعدی کنندگان  
بود (۸۴)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ اَتْتُونِي بِكُلِّ سِحْرِ  
عَلَيْمٍ ﴿٨٠﴾

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى  
اَلْقُوا مَا اَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨١﴾

فَلَمَّا اَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ  
السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيَبْطِلُهُ اِنَّ اللّٰهَ لَا  
يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٢﴾

وَيُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ  
الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٣﴾

فَمَا اٰمَنَ لِمُوسَى اِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ  
عَلَى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَٲٲِهِمْ اَنْ  
يَّفْتِنَهُمْ اِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِى الْاَرْضِ  
وَ اِنَّهٗ لَمِنَ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿٨٤﴾

و موسیٰ گفت ای قوم من اگر شما بر خدا ایمان آورده اید پس [تنها] بر او توکل کنید اگر شما فرمان برداران [واقعی] هستید (۸۵)

پس آنان گفتند، بر خدا توکل می کنیم. پروردگارا! ما را برای قومی ستمکار آزمایش قرارنده (۸۶) و ما را برحمت خود از قوم کافران نجات بده (۸۷)

و ما به موسی و برادرش وحی فرستادیم که شادوی برای قوم خود در مصر خانه های بسازید و خانه های خود را قبله رخ قرار دهید و نماز را بپای دارید و مومنان را مؤده بده (۸۸) ++

و موسیٰ گفت پروردگارا! یقیناً تو فرعون و سردارانش را در زندگانی دنیا زینت و مالها داده ای پروردگارا! آیا [برای اینکه از راه توبازدارند؟] پروردگارا! مالهای آنها را نابود بساز و بر دلهای آنها سخت

وَقَالَ مُوسَىٰ يُقَوْمُ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَسْلُومِينَ ﴿٨٥﴾

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٧﴾

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأْ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ فِرْعَوْنُ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٨٩﴾

بگیرس آنها ایمان نیارند تا آنگاه

که عذاب دردناک را بینند (۸۹)

او گفت، دعای شما دوی مستجاب

شد. پس شما دوی استوار باشید

و هرگز دنبال نکنید راه آنان را

که نمی دانند (۹۰)

و بنی اسرائیل را از دریا عبور

دادیم. پس فرعون و لشکرش از

روی سرکشی و تجاوزگری آنان

را تعقیب کردند تا آن نهایت که

چون غرق او را در گرفت گفت،

من ایمان میآریم که هیچ معبودی

نیست مگر آنکه به او بنی اسرائیل

ایمان آوردند و من از فرمانبرداران

هستم (۹۱)

آیا الان [ایمان] حالیکه قبلاً نافرمانی

قَالَ قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَتَكُمْ فَاستَقِيمَا  
وَلَا تَتَّبِعِنَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۹۰﴾

وَجُورًا بِنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ  
فِرْعَوْنُ وَجُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا ۗ حَتَّى إِذَا  
أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ  
إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا  
مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۹۱﴾

آلَتْنِ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ

++ آیت ۸۸: این آیت حاکی از چنین سخنی است که آنحضرت علیه السلام از خود نمی

توانستند آنرا بپندارند و نه در بایبل مذکور است. پس این تهمت هم نسبت دروغ

دارد که ایشان بدین امر آگاه در نتیجه شنیدن بیان از دانشمندان بائبل شده

بودند. اما حالا وابستگان به باستان شناسی مساکن بنی اسرائیل مدفون زیر

خاک را در مصر کشف کرده اند از آنچه این امر به اثبات میرسد که خانه های بنی

اسرائیل در يك سمت یعنی برخ قبله ساخته شده بودند.

الْمُفْسِدِينَ ﴿۹۲﴾

میکردی و از مفسدان بودی (۹۲)

فَالْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ

پس امروزتورا بابدنت نجات می

دهیم تا برای پسینیان خود نشانه

حَلَقَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ

ی [عبرت] قرارگیری وهرآینه کثیر

مردم از آیتهای ما اصلاً غافلان

أَيَّتَا الْغَافِلُونَ ﴿۹۳﴾

اند (۹۳) ++

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبَوَّأَ صِدْقٍ

والبته ما بنی اسرائیل را جایگاه

راستی مهیا کرده و ایشان را از

وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا

پاکیزه ما رزق دادیم پس ایشان

اختلاف نکردند تا آنگاه که علم

حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي

ایشان را آمد. یقیناً پروردگار تو

بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۹۴﴾

فیصل دهد میان ایشان در امریکه

در آن اختلاف میکردند (۹۴)

فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ

پس اگر تو از آن در شکی که ما

بسوی تو نازل کرده ایم پس بپرس

فَسْأَلِ الَّذِينَ يَاقُرْءُونَ أَلْكِتَابَ مِنْ

++ آیت ۹۲: این آیت هم به اثبات میرساند که قرآن مجید از جانب عالم الغیب

نازل شد زیرا در زمان آنحضرت صلی الله علیه وسلم نعش فرعون را به کنایه هم

ذکر نبود. اما در زمان حاضر وابستگان به باستان شناسی نعش آن فرعون را که

درمقابل حضرت موسی آمده بود کشف کرده اند. ازاین نعش آشکارمیآید که فرعون

را باوجود غرقش پیش از مرگش در آورده بودند و پس از این واقعه حدود شصت

سال ارکار افتاده بستری شده بود. گویی جمعاً او نود سالگی عمر کرد. برای

اطلاع بیشتر مراجعه شود: [ Ian Wilson Exodus 1985 ]

قَبْلِكَ ۱۰ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۱۱

آنانکه کتاب قبل از تو [فرستاده] رامیخوانند. یقیناً حق است که از پروردگارتو بسوی تو آمده است پس از دو دلان مباش (۹۵)

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَسِرِينَ ۱۲

و مباش از آنانکه به آیتهای خدا تکذیب کردند و گرنه تو از سخت زیانکاران شوی (۹۶)

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ۱۳

یقیناً آنانکه فرمان پروردگارتو بر آنان راست آمد ایمان نخواهند آورد (۹۷)

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۱۴

هر چند آنانرا هر کدام آیتی بیاید تا آن نهایت که عذاب دردناک را رویت کنند (۹۸)

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ أَمَنَتْ فَفَنَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ ۱۵ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ۱۶

پس چرانبودند ساکنان هیچ قریه ای که ایمان میآوردند و ایمانشان آنانرا سود میداد جز قوم یونس. گامیکه ایشان ایمان آوردند عذابی رسواکننده را از ایشان در حیات دنیا دور کردیم و تا مدتی ایشان را متنعم نمودیم (۹۹)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ

و اگر پروردگارتو میخواست یقیناً

هر که در زمین است همه آنها با هم  
ایمان می‌آوردند. پس آیا تو می  
توانی مردم را وادار کنی تا آن  
نهایت که ایمان آوردگان  
بباشند (۱۰۰)

و هیچ جان را ممکن نیست که  
بدون اذن خدا ایمان بی‌آورد و او  
بر [رویهای] آنانکه خرد را به  
کار نبرند پلیدی [دلهاشان] می  
افکند (۱۰۱)

بگو، بنگرید هر چه در آسمانها و  
زمین است و نیست آیتها و  
مشدارها که به کار قومی آید که  
ایمان نمی‌آوردند (۱۰۲)

پس آیا انتظار دارند جز روزگاری  
رامانند آنانکه پیش از آنان بودند؟  
بگو پس منتظر باشید البته منهم  
باشا از منتظرانم (۱۰۳)

سپس [بوقت عذاب] رسولان و  
آنانکه ایمان آوردند را اینطور  
نجات میدهم. واجب است بر ما

كُلُّهُمْ جَمِيعًا ۱۱ اَفَاَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى  
يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۱۰۰

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُوْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۱۱  
وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ ۱۰۱

قُلْ اَنْظِرُوْا مَاذَا فِي السَّمٰوٰتِ  
وَالْاَرْضِ ۱۱ وَمَا تُغْنِي الْاٰيٰتُ وَالتَّنْذِرُ  
عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُوْنَ ۱۰۲

فَهَلْ يَنْتَظِرُوْنَ اِلَّا مِثْلَ اَيَّامِ الَّذِيْنَ  
خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۱۱ قُلْ فَاسْتَظِرُّوْا اِلٰى  
مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ۱۰۳

ثُمَّ نَنْجِيْ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كَذٰلِكَ ۱۱  
حَقًّا عَلَيْنَا نَجِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۱۰۴

که مومنان را نجات دهیم (۱۰۴)  
 بگو ای مردم! اگر شما از دینم  
 در شك آید پس من پرستش نمی  
 کنم آنان را که شما بغیر از خدا  
 پرستش میکنید. اما من عبادت کنم  
 آن خدا را که شما را وفات میدهد  
 و فرمان شده ام که از مومنان  
 باشم (۱۰۵)

و مواره بحق [خدا] متمایل شده  
 توجه خود را بر دین راست کن  
 و از مشرکان مباش (۱۰۶)  
 و بغیر از خدا آن را نخوان که نه  
 تو را سود میدهد و نه تو را ضرر  
 میرساند. پس اگر اینکار کردی  
 آنگاه حتمًا بی درنگ تو از ستم  
 کاران میشوی (۱۰۷)

و اگر خدا به تو سختی رساند  
 آنگاه نیست آنرا دور کننده مگر  
 او و اگر بخواهد برای تو خیر  
 و نعمت را، آنگاه کسی نیست فضل  
 او را برگرداند. او آن [فضل] را

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ  
 دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِّنْ  
 دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي  
 يَتَوَقَّعُكُمْ<sup>١٠٤</sup> وَأَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ  
 الْمُؤْمِنِينَ<sup>١٠٥</sup>

وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا  
 تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ<sup>١٠٦</sup>

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا  
 يَضُرُّكَ<sup>١٠٧</sup> فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مَنَّ  
 الظَّالِمِينَ<sup>١٠٧</sup>

وَأِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ  
 إِلَّا هُوَ<sup>١٠٨</sup> وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ  
 لِفَضْلِهِ<sup>١٠٩</sup> يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ<sup>١٠٩</sup>  
 وَهُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ<sup>١١٠</sup>



میرساند به هر که از بندگان خود  
 بخواهد و او بسیار آمرزنده و  
 بارها رحم کننده است (۱۰۸)

بگو: ای مردم! یقیناً شما را حق  
 از پروردگارتان آمد. پس آن که  
 هدایت یابد پس حتماً فقط برای  
 نفس خود هدایت مییابد و آنکه  
 گمراه گردد پس حتماً خلاف خود  
 گمراه میگردد و من بر شما  
 نگهبان نیستم (۱۰۹)

و پیروی کن آنچه را بر تو وحی  
 فرستاده میشود و شکیباش تا  
 آن نهایت که خدا فیصل دهد و او  
 بهترین فیصل دهندگانست (۱۱۰)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ  
 رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي  
 لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۖ وَمَا  
 أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ  
 يَحْكُمَ اللَّهُ ۗ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿١١٠﴾

## ۱۱ - سورة هود

این سوره مکی است و با بسم الله ۱۲۴ آیت دارد.

این سوره به سوره قبلی بستگی دارد و آن بستگی ضمن شرح سوره قبلی تعریف شده است. این سوره را این پهلو بسیار نمایانست که از روی آیت ۱۱۳ "فاستقم كما امرت ومن تاب معك" چنین مسؤولیتی سنگین بمهده آنحضرت ﷺ گذاشته شد که ایشان فرمودند "شَيْبَتِي هُود" یعنی سوره هود که مرا پیر کرد. بعلاوه این سوره حاکی از ذکر آن قومهاست که بعلمت انکار بھلاك رسانده شدند. سرگذشت آن مردم نیز آنحضرت ﷺ را بسیار رنج کرد.

آیه ۱۸ این سوره حاکی از آن يك گواهی است که در حق آنحضرت ﷺ قبل از ظهور ایشان از جانب حضرت موسی علیه السلام داده شد و در عین حال ذکر از آن گواه نیز میرود که بعد از آنحضرت ﷺ ظهور کننده است. در سوره البروج آن گواه بصورت کلمات "شاهد و مشهود" مذکور است یعنی زمانی خواهد بود که در آن شاهی بزرگ در حق مشهودی بزرگ یعنی آنحضرت ﷺ گواهی به صداقت ایشان خواهد داد.

پس از این سوره یوسف آغاز میکند. این سوره عبارت از داستانی بهترین داستانهاست. لذا در پایان این سوره فرمان خدای متعال حاکی است که قصه های پیغمبران که برای آنحضرت ﷺ بیان میشود از این جهت است که دل ایشان استوار گردد و کنایه ای است به این امر که مقصود از بیان کردن سرگذشت مردم در سوره هود دال بر این نیست که ایشان رنج ببرند.

☆ سُورَةُ هُودٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّنْمَلَةِ مِائَةٌ وَارْبَعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَعَشْرَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الرَّ كِتَبٌ أَحْكَمْتُ آيَتُهُ ثُمَّ قُصِلَتْ  
مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ خَيْرٍ ①

أَلَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ ۗ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ  
نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ①

وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ  
يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى  
وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ ۗ وَإِنْ تَوَلَّوْا  
فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]  
بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)  
أَنَا اللَّهُ أَرَىٰ مِنْمُ خُدا - من می  
بینم - [این] کتابی است که آیت‌های  
آن محکم شده است. سپس از  
جانب صاحب حکمتی مدام آگاه  
خوب آشکار ساخته شده است (۲)  
[مشداردند] که بغیر از خدا هیچ را  
عبادت نکنید. یقیناً من شما را از  
جانب اوبیم دهنده ای موده دهنده  
ای هستم (۳)

واینکه از پروردگار خود آمرزش  
بطلبید پس توبه کنان بسوی او  
فروتن شوید. او شمارا تا مدتی مقرر  
به بهترین سامان معیشت برخوردار  
دارسازد و هر صاحب فضیلت را  
شایان شأن او فضل اعطا کند و  
اگر شما روی برتابید آنگاه یقیناً

من درباره شما از عذاب روزی

بزرگ میترسم (۴)

بازگشت شما بسوی خداست و او

بر هر چیز مدام قدرتمند است (۵)

باش! یقیناً آنها سینه‌های خود را می

گردانند تا بتوانند از او پنهان شوند.

باش! وقتی که آنها لباس خود را

تن کنند او میداند آنچه را نهان

کنند و آنچه را عیان کنند. یقیناً او

از رازهای سینه‌ها دانا است (۶)

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ ۝

أَلَا إِنَّهُمْ يَمْتَنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا

مِنْهُ ۗ أَلَا حِينَ يَسْتَعْشُونَ شَيْئًا مِنْهُمْ

يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۗ إِنَّهُ

عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا  
كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ①

و هیچ جنبنده در زمین نیست مگر رزقش بر خدا است و او میداند آرامشگاه موقت آنرا و قرارگاه دائم آنرا هر چیز در کتابی آشکار است (۷)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ②

و اوست آنکه آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و تختش بر آب بود تا شمار آزمایش کند که عملکرد کدام یکی از شما قشنگتر است. اگر بگوئی که یقیناً شما پس از مرگ برخیزانده شوید حتماً آنان که کافر شدند گویند. این فقط جادوئی آشکار است (۸) ++

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ ۗ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ

و اگر عذاب را تا مدتی کوتاه از آنها به تاخیر اندازیم حتماً گویند چه چیز آن را بازداشته است. باش! روزیکه آنها را بیاید محال است

++ آیت ۸: کان عرش علی الماء را مفهوم این نیست که نمود بباله روح خدا بر آب شنا میکرد بلکه مفهومش اینست که خدا بنیاد تمام زندگی را از آب نهاده است و زندگی روحانی نیز بر آن آب روحانی انحصار دارد که از آسمان بر پیغمبران نازل کرده میشود.

بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۹﴾  
 که از آنها بر گرداندن شود و درگیرد  
 آنها را آن [مشدار] که به آن داشتند  
 استهزا می کردند (۹)

وَلَيْنِ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِثْرَحَ الْمُؤْمِنِينَ لَئِن لَّمْ يَنزَعْنَا مِنْهَا  
 مِنْهُ<sup>۱۰</sup> إِنَّهُ لَيُؤْسِكُمْ ﴿۱۰﴾  
 و اگر انسان را از جانب خود رحمت  
 بچشانیم سپس آنرا از او بازگیریم  
 یقیناً او سخت نوید و ناسپاس  
 می گردد (۱۰)

وَلَيْنِ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَّسْتَهٍ  
 لَيَقُولُنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي<sup>۱۱</sup> إِنَّهُ  
 لَفَرِحَ فَخُورٌ ﴿۱۱﴾  
 و اگر پس از سختی که بدو رسید  
 او را نعمت بچشانیم حتماً گوید.  
 رنجها از من دور شد. یقیناً او [بر  
 امری کوچکتر هم] شادمان و بسیار  
 فیس کننده است (۱۱)

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
 أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿۱۲﴾  
 جز آنانکه صبر کردند و نیکوکاریها  
 بجا آوردند همانانند که ایشان را  
 آمرزش و پاداشی بسیار بزرگ  
 است (۱۲)

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ  
 وَصَابِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا الْوَلَا  
 أَنْزَلَ عَلَيْهِ كَنْزًا أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ  
 إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ<sup>۱۳</sup> وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
 عَدِيمٌ

وَكَيْلٌ ۝۱۳

فرشته ای با او فرود میآید. توفیق  
بیم دهنده ای و خدا بر هر چیز  
نگهبان است (۱۳)

یا میگویند که او بر بافته است. پس  
بگو. ده سوره بر بافته مثل آن  
بیآرید و هر که رابتوانید [بیاری  
خود] بخوانید جز خدا اگر شما  
راستگویانید (۱۴)

پس اگر شما را جوابی مثبت ندهند  
آنگاه بدانید که این فقط بعلم خدا  
نازل کرده شده است و این [هم  
بدانید] که جز او هیچ معبودی  
نیست. پس آیا شما فرمانبرداران  
میشوید [یا خیر]؟ (۱۵)

هر که خواستار زندگی دنیا و زینت  
آنست آنها را عوض اعمالشان تمام  
در این [دنیا] میدهم و آنان در آن  
حق کشی کرده نشوند (۱۶)

مانهاند که در آخرت نیست برای  
آنها جز آتش و هر چه در این [دنیا]  
صنعت کردند هدر رود و باطل

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَبَهُ ۗ قُلْ فَأَنزِلُوا بَعْشِرَ  
سُورٍ مِّثْلَهُ مَفْتَرِيَّتٍ وَادْعُوا مَنِ  
اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ ۝۱۴

فَأَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا  
أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝۱۵

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا  
نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا  
يُبْخَسُونَ ۝۱۶

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا  
النَّارُ ۗ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلَّ مَا

كَأُوَاعِمَلُونَ ﴿۱۷﴾

گردد آنچه میکردند (۱۷)

پس آیا آنکه بر دلیلی روشن از پروردگار خوداست و از پی او يك گواه آینده است و از پیش او کتاب موسی پیشواورحمت است [آیا میتواند دروغگوی باشد؟] همان مردم [مخاطبان رسول موعود] به او ایمان خواهند آورد پس آنکه از حزبها او را انکار کند پس وعده گاه او جهنم است. پس درباره آن درشکی نباش. یقیناً همین حق است از پروردگارتو اما کثیر مردم ایمان نمیآرند (۱۸)

و کیست ستمکارتر از آنکس که بر خدا دروغ بندد. همانهاست که به حضور پروردگار خود عرضه شوند و گواهان گواهی دهند که همانهاست که بر پروردگار خود دروغ بستند. باش! بر ستمکاران لعنت خدا است (۱۹)

کسانیکه از راه خدا باز میدارند

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كُتِبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۗ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ ۖ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ ۗ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ ۗ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۗ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۸﴾

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۗ أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۱۹﴾

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ



وآن را کج میخواستند و آنها را  
 که به آخرت انکار کننده اند (۲۰)  
 همانند که هیچگاه در زمین نه  
 خواهند توانست [خدا داران را]  
 بجز آورند. گذشته از خدا آنان  
 را کسی دوست نیست. عذاب برای  
 آنان افزوده شود. آنان شنیدن را  
 طاقت نیآوردند و نتوانند بینند.  
 (۲۱)

همانند که خودشان رازیان زدند  
 و هرچه دروغ می بستند از دست  
 آنها در رفت (۲۲)  
 بیگمان در آخرت آنها زیانکار  
 تران اند (۲۳)

یقیناً آنانکه ایمان آوردند و نیکو  
 کاریها کردند و بسوی پروردگار  
 خود فروتن شدند همانان اهل  
 بهشت اند. ایشان در آن جاودان  
 اند (۲۴)

مثل دو گروه مانند کور و کر و  
 بینا و شنواست. آیا آندو در مثل

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ۖ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ  
 كَفِرُونَ ﴿۲۰﴾

أُولَٰئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي  
 الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ  
 أَوْلِيَاءَ ۖ يُضْعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ ۗ مَا  
 كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا  
 يُبْصِرُونَ ﴿۲۱﴾

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ  
 وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۲۲﴾

لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ  
 الْأَخْسَرُونَ ﴿۲۳﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
 وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ  
 الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۴﴾

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ  
 وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۗ هَلْ يَسْتَوِينَ

مَثَلًا ۱ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۱۵

ع

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ۱۶ إِنِّي لَكُمْ  
نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۱۷

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۱۸ إِنِّي أَخَافُ  
عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ الْيَوْمِ ۱۹

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا  
نَزَّلَكَ إِلَّا بَشْرًا مِثْلَنَا وَمَا نَزَّلَكَ  
إِلَّا الْبَعَثُ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِآدِي  
الرَّأْيِ ۲۰ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ  
بَلْ نَنْظُرُكُمْ كَذِبِينَ ۲۱

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ  
مِّن رَّبِّي وَإِنِّي رَحْمَةٌ مِّنْ عِنْدِهِ فَعَمِيَتْ  
عَلَيْكُمْ ۲۲ أَنْزَلْنَاكُمْ مَوَهَاوَأَنْتُمْ لَهَا  
كِرْهُونَ ۲۳

یکسانند؟ آیا بند نمیگیرید؟ (۲۵)

و یقیناً نوح را بسوی قومش  
فرستادیم [او گفت] یقیناً من برای  
شما بیم دهنده‌ی آشکارم (۲۶)

اینکه شما جز خدا کسی را عبادت  
نکنید. یقیناً من جهت شما از عذاب  
روزی دردناک میترسم (۲۷)

پس سرداران از قومش که کفر  
کرده بودند گفتند ما تو را بشری  
مانند خود بیش نبینیم. بعلاوه نمی  
بینیم ترا جز اینکه آنانکه از تو  
پیروی کرده اند آنها در نظر ظاهری  
درماندگان ماندند هیچ برتری  
را برای تو بر خود ما میبینیم بلکه  
شمارا دروغگویان میپنداریم (۲۸)

گفت ای قوم من اینگرید اگر من  
از پروردگار خود بر دلیلی روشن  
[استوار] ام و او از جانب خود  
مرا رحمتی اعطا کرد و [این امر]  
بر شما پنهان ماند. آیا میتوانیم شما  
را بزور به آن واداریم با آنکه شما

آنرا ناپسند دارید؟ (۲۹)

و ای قوم من! برای منی طلبیم از شما مالی را. مزد من بر کسی نیست جز خدا و آنانکه ایمان آورده اند را طرد کننده نیستم. یقیناً ایشان پروردگار خود را دیدار خواهند کرد اما من شما را قومی خود را به

نادانی زده مینگرم (۳۰)

و ای قوم من! که مرا یاری کند از خدا اگر آنرا طرد کنم. پس آیا بند نمیگیرید؟ (۳۱)

و نمیگوئم برای شما که نزد من گنج های خدا است و نه غیب را میدانم و نمیگوئم که من فرشته ای ام و [حتی] نمیگویم کسانی را که چشمان شما فرومایه بیند خدا آنرا به هیچ خیری برخوردار نکند. خدا داناتر است به آنچه در دلهای ایشان است. [اگر اینطور گویم] آنگاه یقیناً من از جمله ستم کاران باشم (۳۲)

وَيَقَوْمٍ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَاحِثُ إِنِّ  
أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدٍ  
الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَقَّوْا رَبِّهِمْ  
وَلَكِنِّي أَرُكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿۲۹﴾

وَيَقَوْمٍ مَّنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنِّ  
طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۳۰﴾  
وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا  
أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا  
أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدِرِي أَعْيُنُكُمْ إِنِّي  
يُؤْتِيهِمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي  
أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۳۱﴾

گفتند: ای نوح بما جدال کردی و درجدال ازما فزونی یافتی. پس اینک برای ما بیاور به آنچه مارا تهدید میکردی اگر تو از راست گویانی (۲۳)

او گفت: تنها خداست که شمارا به آن بیاید اگر بخواست و نیستید شما که [او را] ببعز آورید (۳۴) و نصیحتم بشما سودی ندهد اگر هم بخواهم شمارا نصیحت کنم، اگر خواهد خدا که شمارا گمراه کند. او پروردگار شماست و به سوی او برگشت داده شوید (۳۵)

ایا میگویند که او آنرا برافته است بگواگر من آنرا برافته ام پس نکبت جرم من بر خودم است و من از آن جرم بیزارم که شما می کنید (۳۶)

و بسوی نوح وحی فرستادیم که ایمان نیآرد از قوم تو جز آنکه ایمان آورده است پس به آنچه

قَالُوا يٰ نُوحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَا كَثُرْتَ جِدَالَنَا  
فَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٢٣﴾

قَالَ اِنَّمَا يٰ تِيكُمْ بِهٖ اللّٰهُ اِنْ شَاءَ و مَا  
اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٣٤﴾

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نَصِيحِيْ اِنْ اَرَدْتُمْ اَنْ  
اَنْصَحَ لَكُمْ اِنْ كَانَ اللّٰهُ يُرِيْدُ اَنْ  
يُّغْوِيَكُمْ ۗ هُوَ رَبُّكُمْ ۗ وَاِلَيْهِ  
تُرْجَعُوْنَ ﴿٣٥﴾

اَمْ يَقُوْلُوْنَ اِفْتَرٰهُ ۗ قُلْ اِنْ اِفْتَرَيْتُهُ  
فَعَلَيْ اِجْرَامِيْ وَاَنَا بَرِيْءٌ مِّمَّا  
تُجْرَمُوْنَ ﴿٣٦﴾

وَاَوْحٰى اِلٰى نُوْحٍ اَنْهٗ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ  
قَوْمِكَ اِلَّا مَنْ قَدْ اٰمَنَ فَلَا تَتَّبِعِيسٓ بِمَا

كَأُوَيَّفَعُلُونَ ﴿٧﴾

کنند دلگیر نشو (۳۷)

و پیش چشان ما و [طبق] وحی  
ماکستی بساز و جهت آنها که ستم  
کردند بمن حرفی نزن حتماً آنها  
غرق شدگانند (۳۸)

و او کشتی میساخت و هرگاه  
سرداران قومش از آنجا گذر می  
کردند او را بیادسخریه میگرفتند.  
او گفت، اگر شما از ما تمسخر می  
کنید پس یقیناً ما از شما تمسخر  
خواهیم کرد همانگونه که شما  
تمسخر میکنید (۳۹)

پس بزودی بدانید که کیست که  
او را عذابی رسواکننده بیاید و  
بر او عذابی پایدار فرود آید (۴۰)  
تا آن انتها که چون فرمان ما در  
رسید و چشمه ها جوشید ما [به نوح]  
گفتیم که در این [کشتی] هر کدام  
جفت جفت [از جانورانی بضرورت]  
واهل خود را جزیعت آنکه فرمان  
ما پیشی گرفته است و هر که ایمان

وَاصْبِرْ أَفْلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا وَلَا  
تَخَاطَبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ  
مُغْرَقُونَ ﴿٨﴾

وَاصْبِرْ أَفْلَكَ <sup>قَد</sup> وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ  
مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالُوا إِنَّ  
تَسْخِرُوا مِنْ قَوْمِنَا نَسْخِرُ مِنْكُمْ كَمَا  
تَسْخِرُونَ ﴿٩﴾

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ <sup>لَمَنْ</sup> يَأْتِيهِ عَذَابٌ  
يُجْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿١٠﴾  
حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ أَقْلُنَا  
أَحْمِلُ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَئِشَ الشُّعِينِ  
وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ  
أَمِنَ <sup>لَمَّا</sup> آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿١١﴾

آورده است سوار کن حالانکه با  
 او ایمان نیآوردند جز کم (۴۱) ++  
 و او گفت درآن سوارشوید -  
 حرکت کردندش و لنگر انداختنش  
 بنام خدا است. یقیناً پروردگارم  
 خیلی آمرزنده بارها رحم کننده  
 است (۴۲)

و آن با آنان در موجها مانند کومها  
 حرکت میکرد و نوح پسر خود را  
 درحالیکه او در جای جدا بود ندا  
 کرد. ای پسر من! با ما سوار شو و  
 با کافران نباش (۴۳)

او گفت. بزودی من به کومی پناه می  
 برم که مرا از آب مصون کند. او  
 گفت. امروز از امر خدا کسی نجات  
 دهنده نیست مگر آنکس را که او  
 ترحم کند. آنگاه میان آندو موج  
 حائل شد و او از غرق شدگان  
 شد (۴۴)

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرِبَهَا  
 وَمُرْسَاهَا ۗ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٤١﴾

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ  
 وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ  
 ارْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٣﴾

قَالَ سَاوِيَ إِلَىٰ جِبَلٍ يَّعِصُنِي مِنَ  
 الْمَاءِ ۗ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللّٰهِ  
 إِلَّا مَنْ رَّحِمْنَا وَحَالٌ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ  
 فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٤﴾

++ آیت ۴۱: منظور جفت هر کدام جانور نیست و الا کشتی برای جانوران گفایت نمیکرد  
 مفهوم اینست که جفت جفت از آن جانوران بگیر که ضرورت انسان است.

وگفته شد: ای زمین آب خود را فروبر و ای آسمان بس کن و آب خشک شد و امر گذرانیده شد و آن [کشتی] بر [کوه] جودی ایستاد و گفته شد هلاک باد قوم ستم کاران را (۴۵)

و نوح به پروردگار خود ندا کرد و گفت: ای پروردگار من! پسر من از اهل من است و یقیناً وعده تو راست است و تو بهترین حکم کنندگانی (۴۶)

[خدا] گفت. ای نوح! یقیناً او از اهل تو نیست. البته او کرداری ناپاک بود. پس از من سوالی نکن که به آن ترادانشی نیست. یقیناً من به تو پند میدهم مبادا از جمله جاهلان بشوی (۴۷)

او گفت: ای پروردگار من! براستی من ازین امر به تو پناه میبرم که از تو سوالی کنم که به آن مرا دانشی نیست و اگر مرا نیامرزی

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَسْمَاءِ  
أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ  
وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا  
لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۴۵﴾

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي  
مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ  
أَحْكَمُ الْحَكَمِينَ ﴿۴۶﴾

قَالَ يُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ  
عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ  
لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ  
مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿۴۷﴾

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا  
لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي  
وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿۴۸﴾

و بر من ترحم نکنی حتماً از جمله  
زیانکاران میشوم (۴۸)

خطاب شد: ای نوح ایائین شو با  
سلامتی از ما و برکتهای که بر تو  
و آن قومهاست که با تو [سوار]  
اند و قومهایی دیگر نیز اند که  
حتماً به آنان بهره مند سازیم سپس  
به آنها از ماعذابی دردناک خواهد  
رسید (۴۹)

این از خبرهای غیب است که  
بسوی تو وحی میفرستیم - پیش  
ازین نه تو و نه قوم تو این را  
[میدانستید]. پس شکیاباش یقیناً  
عاقبت نیکو برای متقیانست (۵۰)

و بسوی عاد برادرشان هود را  
[فرستادیم] او گفت: ای قوم من !  
خدا را عبادت کنید شمارا کسی  
معبود نیست مگر او. شما فقط  
دروغ بافندگانیید (۵۱)

ای قوم من! من از شما بر این مزدی  
نمی طلبم مزد من نیست جز بر آنکه

قِيلَ يٰ نُوحُ اهْبِطْ بِسَلْمٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ  
عَلَيْكَ وَعَلَىٰ اٰمِرٍ مِّنْ مَّعَكَ ۗ وَاٰمِرٌ  
سَمِعَهُمْ ثُمَّ يَمْسُهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ  
الِيْمٌ ﴿٤٩﴾

تِلْكَ مِنْ اٰثْبَاءِ الْغَيْبِ نُوْحِيهَا اِلَيْكَ ۗ مَا  
كُنْتَ تَعْلَمُهَا اَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ  
هٰذَا ۗ فَاَصْبِرْ ۗ اِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٥٠﴾

وَ اِلٰى عَادٍ اٰخَاهُمْ هُوْدًا ۗ قَالَ يٰ قَوْمِ  
اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَيْرِهٖ ۗ اِنْ  
اَنْتُمْ اِلَّا مُفْتَرُوْنَ ﴿٥١﴾

يٰ قَوْمِ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا ۗ اِنْ  
اَجْرِيْ اِلَّا عَلٰى الَّذِيْ فَطَرَنِيْ ۗ اَفَلَا



تَعْقِلُونَ ﴿۵۱﴾

مرا آفرید. پس آیا عقل نمی

کنید؟ (۵۲)

ای قوم من! از پروردگار خود  
استغفار طلبید. سپس توبه کرده  
بسوی او فروتنی کنید. او بر  
شما ابرهای بسیار بارنده خواهد  
فرستاد و شمارا توانائی بر توانائی  
شما بیفزاید و مجرمانه پشت کرده

نروید (۵۳)

آنها گفتند: ای هودانه دلیلی واضح  
نزد ما آورده ای و نه ما از گفتار  
محض تو معبودان خود را ترك  
کنندگانیم و ما برای تو ایمان  
آرندگان نیستیم (۵۴)

ما نمیگوئیم جز اینکه بعضی از  
معبودان ما تورا بشومی گرفته  
اند. او گفت. یقیناً من خدا را  
گواه میگردانم و هم شما گواهی  
نمید که من بیزارم از آنچه شریک  
قراردمید - (۵۵)

[یعنی] جز او پس همه بهم خلافم

وَيَقَوْمٍ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ  
يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا  
وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا  
مُجْرِمِينَ ﴿۵۲﴾

قَالُوا يَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ  
بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ  
بِمُؤْمِنِينَ ﴿۵۳﴾

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَبْكَ بِعَصِ آلِهَتِنَا  
إِسْوَاءٌ ۗ قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا  
أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿۵۴﴾

مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ۗ لَا

تَنْظُرُونَ ﴿۵۶﴾

نیرنگ زنید، سپس مرا فرصتی  
ندمید (۵۶)

یقیناً من فقط برخدا توکل دارم  
که پروردگار من و پروردگار شما  
است، نیست جنبنده ی مگراو [آن  
را] به موی بالای پیشانیش گرفته  
است، یقیناً پروردگارم بر راه  
راست [یافتنی] است (۵۷)

پس اگر شما روی برتابید آنگاه  
من آن سخنان را بشما ابلاغ کرده  
ام که با آن بسوی شما فرستاده  
شدم و پروردگارم بجای شما قومی  
دیگر را جانشین قرار دهد و نیستید  
شما که او را هیچ هم گزندی  
برسانید، یقیناً پروردگارم بر هر  
چیز نگهبان است (۵۸)

و هنگامیکه فرمان ما فرارسید ما  
هود و آنانکه با او ایمان آورده  
بودند را برحمتی از ما نجات دادیم  
و آنان را از عذابی سخت ننگ  
داشتیم (۵۹)

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ ۗ مَا  
مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ۗ إِنَّ رَبِّي  
عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۵۷﴾

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أَرْسَلْتُ بِهِ  
إِلَيْكُمْ ۗ وَيَسْخَلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ ۗ  
وَلَا تَصْرُوهُ ۗ إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿۵۸﴾

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ  
آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا ۗ وَنَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ  
عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿۵۹﴾

و اینان دعاد - آنان آیتهای خدا را انکار و از رسولان او نافرمانی کردند و از هر زورمندی سرکش فرمان میبردند (۶۰)

پس پی آنها افکنده شد لعنت در این دنیا و روز قیامت. باش ایقیناً عاد از پروردگار خود انکار کردند. باش! مَلَکُ بَادِعَادِ قَوْمِ لُوطٍ رَا (۶۱)

و بسوی نمود برادر ایشان صالح را [فرستادیم] او گفت، ای قوم من! خدا را عبادت کنید. نیست شمارا معبودی مگر او. او است که شمارا از زمین پدید آورد و شمارا در آن آبادان کرد. پس از او استغفار بطلبید. پس توبه کنان بسوی او بگرایید. یقیناً پروردگارم قریب و اجابت کننده [دعا] است (۶۲)

گفتند: ای صالح پیش ازین تو میان ما مرجع امید بودی. آیا مارا از پرستش آن باز میداری که آنرا بدران ما می پرستیدند و البته

وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كَلِّ بْنِ جَبْرٍ عِنْدِي ۝

وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ إِلَّا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۚ إِلَّا بَعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ۝

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا ۚ قَالَ يَقَوْمِ ۙ اٰعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُ ۚ هُوَ اَنْشَاَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ ثُمَّ تَوْبُوْا اِلَيْهِ ۚ اِنَّ رَبِّيْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ ۝

قَالُوا يٰصَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هٰذَا اَتَنْهٰنَا اَنْ نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ اٰبَاؤُنَا وَاِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ اِلَيْهِ

هَرِيْبٍ ۱۲

ما درشکی شورانگیزایم از آنچه

بسوی آن ما را میخوانی (۶۲)

او گفت ای قوم من! مرا حالی کنید

اگر من از پروردگارم بر دلیلی

روشن [استوار] ام و او از جانب

خود مرا رحمت اعطا کرده است

باز از او نافرمانی کنم آنگاه چه

کس است مرا درمقابل خدا یاری

دهد. پس شما را در چیزی نیفزاید

جز زیان (۶۴)

و ای قوم من! این فاقه [وقف

در راه] خدا شمارا نشانه ای است.

پس آنرا بگذارید که در زمین

خدا چرا کند و آنرا هیچ گزندی

نرسانید و گرنه عذابی زود رس

شما را فرا گیرد (۶۵)

باز هم آن را بی کردند. پس او گفت

سه روز درخانه های خود خوش

گذرانی کنید این وعده است که

دروغ در نمیآید (۶۶)

پس چون فرمان ما فرارسید ما

قَالَ يَقَوْمِ اَرَايْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ

مِنْ رَبِّيْ وَاَتٰنِيْ مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِيْ

مِنَ اللّٰهِ اِنْ عَصَيْتُهُ ۗ فَمَا تَزِيْدُوْنِيْ

غَيْرَ تَحْسِيْرٍ ۝۱۲

وَيَقَوْمِ هٰذِهِ نٰقَةٌ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيَةٌ فَذَرُوْهَا

تَاْكُلْ فِيْ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوْءٍ

فَيَاْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ ۝۱۳

فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوْا فِيْ دَارِكُمْ

ثَلَاثَةَ اَيَّامٍ ۗ ذٰلِكَ وَعَدُّ غَيْرُ مَكْدُوْبٍ ۝۱۴

فَلَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا صٰلِحًا وَالَّذِيْنَ

صالح و کسانیکه با او ایمان آوردند  
 را برحمت خود نجات دادیم و از  
 رسوائی آن روز [حفظ نمودیم].  
 یقیناً پروردگارتو مدام قدرتمند  
 صاحب غلبه کامل است (۶۷)

و کسانیکه ستم کردند را عذابی  
 غرش کنان در گرفت و آنها در خانه  
 های خود پرویهای خود بر افتاده  
 ماندند (۶۸)

گویی میجگاه در آنها زیست نمی  
 کردند. باش! نمود از پروردگار خود  
 انکار کردند. باش! هلاک باد نمود  
 را (۶۹)

و همانا فرستادگان مانند ابراهیم  
 باموده آمدند. گفتند. سلام. او نیز  
 گفت. سلام. پس او درنگ نکرد که  
 به گوساله بریان آمد (۷۰)

پس چون او دید که دستهای ایشان  
 [به غذا] نمیرسد ایشان را غریبه  
 پنداشت و از ایشان احساس ترس  
 کرد. گفتند. نترس. حتماً بسوی قوم

أَمْوَامَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِن خِزْيِ  
 يَوْمٍ مِّذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿۷۰﴾

وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا  
 فِي دِيَارِهِمْ جِثْمِينَ ﴿۷۱﴾

كَانَ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الْآلِ إِنَّ تَمُودًا  
 كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بَعْدَ التَّمُودِ ﴿۷۲﴾

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ  
 بِالبَشْرِى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَّمَ فَمَا  
 لَيْتَ أَنْ جَاءَ بِعَجَلٍ حَيْنٍ ﴿۷۳﴾

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ  
 وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ  
 إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ ﴿۷۴﴾

وَأَمْرَاتُهُ قَابِئَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا  
بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

لوط فرستاده شده ایم (۷۱) و همسرش [درکنار] ایستاده بود. پس وی خنده کرد. آنگاه ما وی را به اسحاق مژده دادیم و پس از اسحاق، یعقوب نیز (۷۲)

قَالَتْ يَوَيْلَ لِيَءِ الدُّوَانَا عَجُوزٌ وَهَذَا  
بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا الشَّيْءُ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾

وی گفت، ای وای! آیا من بچه ای میزایم حالیکه من سالمندم و این شوهرم پیرمردی است. یقیناً این چیزی بسیار عجیب است (۷۳)

قَالُوا اتَّعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ  
وَبَرَكَتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ  
حَمِيدٌ مُجِيدٌ ﴿٧٣﴾

ایشان گفتند: آیا از امر خدا تعجب میکنی؟ ای اهل بیت بر شما رحمت خدا و برکات او باد. یقیناً او صاحب ستایش صاحب بزرگی است (۷۴) پس هنگامیکه خوف از ابراهیم دور شد و مژده به او رسید او جهت قوم لوط بما به مجادله پرداخت (۷۵)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ  
وَجَاءَتْهُ الْبَشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾

یقیناً ابراهیم خیلی بردبار، نرم دل و انابت کننده ای بود (۷۶)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنتَبِحٌ ﴿٧٥﴾

ای ابراهیم! از این [امر] اعراض کن. یقیناً فرمان پروردگارتو صادر

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ  
أَمْرٌ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ

مَرْدُودٍ ﴿۷۷﴾

شده است و حتماً آنها را عذابی

آید که برگردانده نشود (۷۷)

و هنگامیکه فرستادگان ما نزد

لوط رسیدند او از ایشان ناخوش

آمد و از ایشان دلگیر شد و گفت

این روزی بسیار سخت است (۷۸) +

و قوم او پرشتاب بسوی او آمدند

در حالیکه قبلانیز بدیها میکردند.

او گفت، ای قوم من! اینان دخترانم

اند. ایشان نزد شما نیز پاکیزه اند.

پس خدایا تقوی اختیار کنید و مرا

در مهمانهای من رسوان کنید. آیا در

شما یکی هم خردمند نیست؟ (۷۹) +

گفتند البته تو میدانی که ما را در

دختران تو هیچ حقی نیست و البته

تو میدانی آنچه ما میخواهیم (۸۰) +

او گفت: کاشکی مرا نیروی بود به

مقابله شما یا توانستم بسوی تکیه

گاهی استوار پناه برم (۸۱)

گفتند، ای لوط یقیناً ما فرستادگان

پروردگارتو هستیم. هرگز آنها بتو

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ

وَضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ

عَصِيبٌ ﴿۷۸﴾

وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ <sup>ط</sup> وَمِنْ

قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ <sup>ط</sup> قَالَ يَقَوْمِ

هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا

اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي صَيْفِي <sup>ط</sup> أَلَيْسَ

مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴿۷۹﴾

قَالُوا الْقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ <sup>ج</sup>

وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ﴿۸۰﴾

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أُوَوِّئُ إِلَىٰ رُكْنٍ

سَدِيدٍ ﴿۸۱﴾

قَالُوا أَيْ لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصْلَوْا

إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ

وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرًا تَكُ<sup>ط</sup>  
 إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ<sup>ط</sup> إِنَّ<sup>ط</sup>  
 مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ<sup>ط</sup> أَلَيْسَ الصُّبْحُ<sup>ط</sup>  
 بِقَرِيبٍ<sup>٥٢</sup>

نمیرسند. پس درپاره شب با اهل  
 خود کوچ کن و کسی از شایستس  
 ننگرد جز مسترتو. حتماً او را نیز  
 برسدمان سختی که به آنها رسنده  
 است و عدمگاه آنها صبحگاه است.  
 آیا صبح نزدیک نیست؟ (۸۲)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا<sup>ط</sup>  
 وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ<sup>ط</sup>  
 مَّنصُورٍ<sup>٥٣</sup>

پس چون فرمان ما در رسید. آن  
 [قریه] را زیور و نمودیم و بر  
 آنها سنگهای کلوخه روی هم چیده  
 بارانیدیم (۸۳)

مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ<sup>ط</sup> وَمَا هِيَ<sup>ط</sup> مِنْ<sup>ط</sup>  
 الظَّالِمِينَ بَعِيدٍ<sup>٥٤</sup>

که نزد پروردگار تو علامتگذارده  
 بودند و این [سلوک] از ستگران  
 دور نیست (۸۴)

وَالِى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَاقَوْمِ<sup>ط</sup>  
 اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ<sup>ط</sup> وَلَا<sup>ط</sup>  
 تَتَّقُوا الْمَكِّيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي<sup>ط</sup>

و بسوی مدین برادر ایشان شعیب  
 را [فرستادیم]. او گفت. ای قوم من  
 خدا را عبادت کنید. برایشما کسی

++ آیات ۷۸ - ۸۰: این تفسیر از بعضی از مفسران که نمودبالله حضرت لوط به  
 قومش دختران خود را پیشنهاد کرد درست نیست. امر واقعی اینست که قوم لوط  
 پس از تکذیب وی اینطور میپنداشت که شاید او مردم را از بیرون به آن قریه  
 آورده برخلاف آنها توطئه میچیند. لذا او قوم خود را برای شرم آوری گفت  
 در صورتیکه دخترانم در خانه های شما متأهل اند باز چطور امکان پذیر است که  
 من برخلاف شما توطئه بچینم.



معبود نیست مگر او، و کیل و میزان را کم ندهید. یقیناً من شما را ثروتمند میابم و بر شما از عذاب روزی فرا گیرنده میترسم (۸۵)

و ای قوم من کیل و میزان را بداد بتمام دهید و ب مردم کالای ایشان کم ندهید و در زمین مفسدانه آشوب نگسترانید (۸۶)

آنچه از خدا [در تجارت] باقی بماند برای شما خیر و نعمت است اگر شما مومن آید و من بر شما نگهبان نیستم (۸۷)

گفتند: ای شعیب آیا نمازت تورا امر میکند که ماترک کنیم آنچه را پدران ما پرستش میکردند یا این که جهت مالهای خود بر وفق میل خود کار نکنیم؟ حتماً تو بس بردبار و خردمند ای (۸۸)

او گفت ای قوم من [اقلأ] مرا حالی کنید که اگر من از پروردگار خود بر دلیلی آشکار هستم و او بمن

أَرْكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ  
عَذَابَ يَوْمٍ مَّحِيطٍ ﴿۸۵﴾

وَيَقُومُوا قِوَامَ الْمِيزَانِ  
بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ  
وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۸۶﴾

بَيَّيْتُ لِلَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ  
مُؤْمِنِينَ ﴿۸۷﴾ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿۸۸﴾

قَالُوا يَشْعِيبُ أَسْلَوْتَك تَأْمُرُكَ أَنْ  
تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَأُوْنَا نَفْعَلُ فِي  
أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ  
الرَّشِيدُ ﴿۸۸﴾

قَالَ يَقُومُ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ  
مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا

أَرِيدُ أَنْ أَخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَكُمُ  
عَنْهُ ۗ إِنَّ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا  
اسْتَطَعْتُ ۗ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ۗ  
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿۸۹﴾

از خود رزقی پاکیزه اعطا میکند  
[بازهم خواسته شما را انجام دهم]  
درحالیکه نمیخواهم که خلاف شما  
کنم جهت آنچه از آن شما را باز  
دارم - نمیخواهم مگر اصلاح  
هرچه بتوانم و مرا توان نیست  
مگر به [یاری] خدا. براو توکل می  
کنم و بسوی او انابت میکنم (۸۹)  
و ای قوم من! دشمنی من شمارا  
و اندارد برکاری که شمارا برسد  
[رنج] مانند آنچه بقوم نوح و قوم  
مود و قوم صالح رسیده بود و قوم  
لوط نیز از شما دور نیست (۹۰)

وَيَقَوْمٍ لَا يُجْرِمُكُمْ شِقَاقِي أَنْ  
يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ  
قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ ۗ وَمَا قَوْمَ لُوطٍ  
مِّنْكُمْ بِبَعِيدٍ ﴿۹۰﴾

و از پروردگار خود آمرزش بطلبید.  
باز توبه کنان بسوی او روی بیارید  
یقیناً پروردگارم بارها رحمکننده  
و بسیار دوستدار است. (۹۱)

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ ۗ إِنَّ  
رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿۹۱﴾

آنها گفتند: ای شعیب آنچه میگوئی  
اکثر آن سر ما نمیشود درحالیکه  
یقیناً ما تورا در میان خود بسیار  
ناتوان میبینیم و اگر قبیله تونبود

قَالُوا يَشْعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا  
تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا  
رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ ۗ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا

بِعَزِيْزٍ ﴿١١﴾

حتماً ما تورا سنگسار میکردیم  
و تو بر مقابل ما هیچ برتری نه  
داری (۹۲)

او گفت: ای قوم من آیا قبيله من  
نزد شما از خدا قدرتمندتر است  
و او را شما بی اعتنائی کرده  
پشت سر خود افکنده اید. یقیناً  
پروردگارم آنچه عمل کنید، را  
احاطه کرده است (۹۳)

و ای قوم من! بکنید برجائی خود  
[آنچه میتوانید] و یقیناً من هم  
کننده ام [آنچه میتوانم] بزودی  
بدانید که را آن عذاب میآید که  
او را رسوا کند و کیست که او  
دروغگوی است و مراقبت کنید  
یقیناً من هم باشما مراقبت کننده  
ام (۹۴)

پس چون فرمان ما در رسید ما  
شعيب و کسانی که با او ایمن آورده  
بودند، را برحمت خود نجات دادیم  
و کسانی که ستم کردند را عذابی

قَالَ يُقَوْمِ اَرَهْطِيْ اَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِّنَ  
اللّٰهِ ۗ وَاَتَّخَذْتُمُوْهُ وِرَآءَ كُمْ ظَهْرِيًّا ۗ  
اِنَّ رَبِّيْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ مُّحِيْطٌ ﴿١٢﴾

وَيَقَوْمِ اَعْمَلُوْا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّيْ  
عَامِلٌ ۗ سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۗ مَنْ يَّاتِيْهِ  
عَذَابٌ يُّخْزِيْهِ وَ مَنۢ هُوَ كَاذِبٌ ۗ  
وَاَرْتَقِبُوْا اِنِّيْ مَعَكُمْ رَقِيْبٌ ﴿١٣﴾

وَلَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَّ الَّذِيْنَ  
اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَاَخَذَتِ الَّذِيْنَ  
ظَلَمُوْا الصَّيْحَةَ فَاصْبَحُوْا فِيْ دِيَارِهِمْ

جُمَيْنَ ﴿١٥﴾

باخروش مهیب در گرفت پس در  
خانه های خود بروی چانه ها فرو  
افتاده ماندند (۹۵)

كَانَ لَمْ يَغْنَوِهَا الْآبَعْدَ الْمَدِينِ  
كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودَ ﴿١٦﴾

ع  
خ

گویی که آنان هیچگاه در آنها نبوده  
اند. باش. برای مدین آنگونه ملامک  
است که قوم ثمود ملامک شد (۹۶)  
و یقیناً فرستادیم موسی را با  
آیتهای خود و دلیلی آشکار و  
ادله روشن (۹۷)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ  
مُّبِينٍ ﴿١٧﴾

بسوی فرعون و سردارانش پس  
آنها از فرعون فرمان بردند حالانکه  
فرمان فرعون درست نبود (۹۸)  
او روز قیامت قوم خود را پیشرو  
شود و آنها را وارد آتش کند و  
چه زشت است محل ورود که بر  
آن وارد کرده شود (۹۹)

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَٓئِهِ فَاتَّبَعُوْا أَمْرَ  
فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيْدٍ ﴿١٨﴾  
يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ  
النَّارَ وَيُسَّ الْوُرْدِ الْمَوْرُودِ ﴿١٩﴾

وافکنده شد لعنت پی آنها در این  
دنیا و روز قیامت. چه زشت است  
عطاء که کرده شدند (۱۰۰)

وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
يُسَّ الرِّفْدِ الْمَرْقُودِ ﴿٢٠﴾

این [خبر] از اخبار قریه ما است که  
آنها برای تو حکایت میکنیم. بعضی

ذٰلِكَ مِنْ اٰنْبَاءِ الْقُرٰى نَقَّصْنٰ عَلَيْكَ مِنْهَا

قَابِعٌ وَحَصِيدٌ ﴿۱۰۱﴾

از آنها برقرار اندو بعضی درو کرده شدند (۱۰۱)

وَمَا ظَلَمْنَهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ  
فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ  
مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَّمَّا جَاءَ أَمْرُ  
رَبِّكَ ۗ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿۱۰۲﴾

و ما آنها را ستم نکردیم بلکه آنها  
برجانهای خود ستم میکردند پس  
هیچ بدردایشان نخوردند معبودان  
ایشان که آنها را گذشته از خدا  
میخواندند چون فرمان پروردگار  
تو آمد و آنها آنانرا جز ملامت در  
چیزی نیفزودند (۱۰۲)

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقَرْيَ  
وَهِيَ ظَالِمَةٌ ۗ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿۱۰۳﴾

و گرفت پروردگار تو همینطور  
است چون او قریه های رامی  
گیرد درحالتیکه آنها ستمکارند.  
یقیناً گرفت او المناکی بسیار شدید  
است (۱۰۳)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ  
الْآخِرَةِ ۗ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ  
النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ﴿۱۰۴﴾

یقیناً در این امر آیتی بزرگ است  
برای آنکه از عذاب آخرت میترسد  
این روزی است که برای آن مردم  
جمع کرده شدند و این روزی است  
که گواهی داده شد (۱۰۴)

وَمَا تَوْجِهُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ ﴿۱۰۵﴾

و ما آنرا جز شمرده به زمانی معین  
بتاخیر نمیاندازیم (۱۰۵)

روزیکه آن بیاید هیچ جان بلا  
 اذن او تکلم نکند. پس در آنها هم  
 بدبختند و هم خوش بختند (۱۰۶)

پس کسانی که بدبختند آنگاه آنها  
 در آتش اند. برای آنها در آن ناله  
 کردن و فریاد زدن است (۱۰۷)

مادامیکه زمین و آسمان برقرار  
 است ایشان در آن ماندگار اند  
 مگر آنچه پروردگارتو بخواهد  
 یقیناً پروردگارتو هر چه رابخواید  
 کننده است (۱۰۸) ++

و اما کسانی که خوش بختند ایشان  
 اهل بهشتند و در آن جاویدانند  
 مادامیکه زمین و آسمان برقرار  
 است مگر که پروردگارتو بخواهد  
 این عطای بلا انقطاع است (۱۰۹)

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ  
 فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٠٦﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا  
 زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٧﴾

خُلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ  
 وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۗ إِنَّ رَبَّكَ  
 فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٠٨﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ  
 فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا  
 مَا شَاءَ رَبُّكَ ۗ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ ﴿١٠٩﴾

++ آیات ۱۰۸ - ۱۰۹: ازین دو آیت بظاهر چنین گمان شود که همچون بهشت جهنم  
 نیز دائمی است ولی در آیتی که نسبت به جهنم است باگفتن "الا ما شاء ربك" سخن  
 تمام کرده شد. در حالیکه آیت ۱۰۹ که حاکی از ذکر بهشت است گوید "عطاءً غیر  
 مجذوذ" یعنی عطایی که بلا انقطاع است. ضمناً "خلود" برای مدت دراز گفته میشود.  
 لازم نیست که معنی آن "میشگی" باشد.

فَلَاتَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ ۗ<sup>ط</sup>  
 مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ  
 مِنْ قَبْلُ ۗ وَإِنَّا لَمُوفُونَ ۗ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ  
 مَقْضُوصٍ ۙ ﴿١١٠﴾

پس در شك مباش از آنچه این  
 مردم پرستش کنند. اینها پرستش  
 نکنند مگر بطوریکه پیش از این  
 پدران ایشان پرستش میکردند و  
 یقیناً ما به آنها سهم ایشان بی کم

﴿١١٠﴾

و کاست تمام خواهیم داد (۱۱۰)  
 و یقیناً ما بموسی کتاب داده بودیم  
 پس در این هم اختلاف کرده شد و  
 اگر از پروردگارتو فرمانی پیشی  
 نگرفته بود حتماً کار میان ایشان  
 گذرانیده میشد و یقیناً آنها درشکی  
 مضطرب کننده مستند (۱۱۱)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ۗ<sup>ط</sup>  
 وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ  
 بَيْنَهُمْ ۗ وَاللَّهُ لَفِي شَكِّ مِنْهُ مِرْيَبٍ ۙ ﴿١١١﴾

و یقیناً پروردگارتو همه آنها را  
 عوض اعمال ایشان تمام دهد.  
 حتماً او بخوبی آگاه است به آنچه  
 انجام میدهند (۱۱۲)

وَإِنَّ كَلَّالَ لَمَّا لِيَوْفِيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَاهُمْ ۗ<sup>ط</sup>  
 إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۙ ﴿١١٢﴾

پس استوار باش بطوریکه فرمان  
 داده میشوی و آنانکه با تو توبه  
 کنندگانند و قدم فراترا از حد نهد.  
 یقیناً او دقیقاً بینا است به آنچه  
 عمل کنید (۱۱۳)

فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ  
 وَلَا تَطْغَوْا ۗ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۙ ﴿١١٣﴾

و بسوی آنها میل نکنید که ستم کردند و گرنه آتش شمارا نیز می گیرد و گذشته از خدا شمارا هرگز سرپرستان نیستند. سپس یاری کرده نشوید (۱۱۴)

و نماز را هر دو سر روز و هم در پارهای شب بپای دار. حتماً نیکیها بدیها را می برد. این تذکراست متذکران را (۱۱۵)

پس صبر کن چه یقیناً خدا اجر محسنان را ضائع نمیدهد (۱۱۶)  
پس جراد در قرنها پیش از شما چنین خردمندان نبودند که در زمین از فساد جلوگیری میکردند جز آنکه از آنها که ما آنها را نجات دادیم و کسانی که ستم کردند از پی آنچه رفتند که بنا بر آن [پیشینیان] سرکش قرار داده شدند و آنان مجرمان بودند (۱۱۷)

و نیست پروردگار تو که قریه مارا به ستم هلاک سازد در حالیکه

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ  
النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ  
أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ ﴿١١٤﴾

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفَا  
الَّيْلِ ۚ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ  
السَّيِّئَاتِ ۚ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّكْرَيْنِ ﴿١١٥﴾

وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ  
الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٦﴾  
فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ  
أُولُوا بَقِيَّةَ يَنَّهُمْ عَنْ الْفَسَادِ فِي  
الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ  
أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ ۚ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ  
ظَلَمُوا مَا أَتَرَفُوا فِيهِ  
وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٧﴾

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ  
وَأَهْلَهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٨﴾



اهالیان آنها به اصلاح پرداخته  
باشند(۱۱۸)

و اگر پروردگار تو میخواست  
مردم را يك امت میساخت او!  
آنها پیوسته اختلاف کنندگان  
اند(۱۱۹)

مگر آنکه را پروردگارتو ترحم  
کند و او آنان را به این خاطر  
آفرید و این سخن پروردگارتو  
صدق کرد که حتماً من جهنم را از  
جنهاو مردم پُرخواهم کرد(۱۲۰)

وآنجمله که از خبرهای انبیاء برتو  
بیان کنیم آنچه است که دل تورا  
به آن ثبات دهیم وتورا آمده است  
دراین [اخبار] حق و پندی ومومنان  
را درس عبرت است(۱۲۱)

و بگو به کسانی که ایمان نیآورده  
اند بکنید آنچه بتوانید بر جای  
خود حتماً ما هم کنندگانیم(۱۲۲)  
پس منتظر باشید ما هم منتظران  
ایم(۱۲۳)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً  
وَاحِدَةً وَلَا يَرَاؤُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿۱۱۸﴾

إِلَّا مَنْ رَزَحِمَرَبُّكَ ۗ وَ لِدِيكَ خَلَقَهُمْ ۗ  
وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لِأَمَلَنَّ جَهَنَّمَ مِنْ  
الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۱۹﴾

وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا  
نُحِيتُ بِهِ فُؤَادَكَ ۗ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ  
الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۲۰﴾

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَيَّ  
مَكَانَتِكُمْ ۗ إِنَّا نَعْمَلُونَ ﴿۱۲۱﴾

وَأَنْتَظِرُونَ ۗ إِنَّا مَتَّظِرُونَ ﴿۱۲۲﴾

وغيب آسمانها و زمين از آن خدا  
 است و كار بتنامي آن بسوي او  
 برگردانده ميشود. پس او را  
 عبادت كن و بر او توكل كن  
 پروردگار تو از آن بغفلت نيست  
 كه عمل ميكنيد(۱۲۴)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ  
 يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا فاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ  
 عَلَيْهِ ۗ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٤﴾

## ۱۲ - سورة يوسف

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۱۲ آیت دارد.  
 آغاز این سوره نیز با مقطعات "الر" است و دارای همان معنای است که  
 قبلاً نقل شد.

بلافاصله دنبال این، ذکر از آن یکی از بهترین قصص می‌رود که موجب  
 بهاشت قلبی آنحضرت ﷺ میشود در مقابل آن یکی رنج آور که سوره هود  
 حاکی از آن بود. اینجا لازم است که واژه قصص شرح مجمل داده شود. قصص  
 را معنا قصه و داستانی محض نیست بلکه آن وقائع از ازمه گذشته است که  
 بدنبال پژوهش عیناً به واقعت منجر میشوند.

آغاز این سوره با ذکر رویایی از حضرت یوسف علیه السلام میشود که  
 عبارت از آنهمه وقائع است که ایشان را بعدها پیش آمد و حضرت یعقوب  
 علیه السلام از این رویاء تعبیر کردند که حضرت یوسف را از برادران  
 خویش احتمال زیان و ضرر است. لذا ایشان توصیه کردند که او لب به این  
 رویاء پیش برادران خویش نگشاید.

این سوره عبارت از آن علم تعبیر رویاء است که به حضرت یوسف  
 علیه السلام ارزانی داشته شد. بعنوان مثال، آندو زندانیان که با ایشان همراه  
 بودند تعبیر از رویای آندو عیناً همانطور راست آمد که حضرت یوسف بیان  
 کرده بودند. و بعدها آن زندانی که طبق تعبیر رویایش مؤده نجات داده شده  
 بود باعث شد که پادشاه بواسطه او تعبیر آن رویای خود را از حضرت یوسف  
 بطلبید که نسبت به آن درباریانش اظهار داشتند که آن تحریک نفسانی است.

ضمناً تعبیر رویای پادشاه از حضرت یوسف باعث شد که آن واقعه بزرگ که طبق تعبیر خواب پادشاه منجر به گرسنگی و مرگ تهیدستان مصر و حومه اش میشد، پیش بینی شود و مردم از جنگ فقر و فاقه نجات داده شوند و مواد غذایی ایشان برای هفت سال متوالی تهیه و توزیع کرده شود و کار تدارکاتی اینهمه به حضرت یوسف واگذار کرده شد و منتها بدین علت والدین و برادران ایشان در پناه ایشان درآمدند و همه ایشان برای حضرت یوسف در حضور خدای متعال سجده کردند.

اینهمه چنین وقایع تاریخ است که آنحضرت ﷺ را بر آنها از پیش هیچ علم و اطلاعی نبود. بنابراین دلیل به ایشان گفته شد که آنوقت تو در ایشان نبودی که اینهمه در جریان بود. این فقط خدای علیم و خبیر است که تو را از حقیقت این وقایع آگاه میسازد.

پایان این سوره با آیتی عبارت از این سخن داده میشود که نقل کردن این وقایع همچون حکایت کردن قصه ها یا داستانها عمومی نیست بلکه این وقایع در نهان خردمندان را بسیار عبرت انگیز است و بیگمان تمامی سوره یوسف توجه را جلب بسوی بیشمار وقایع عبرت انگیز مینماید.

☆ سُوْرَةُ يُوسُفَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ مِائَةٌ وَ اثْنَا عَشْرَةَ آيَةً وَ اثْنَا عَشَرَ رُكُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کند (۱)

الرَّحْمٰنُ الَّذِیْ تِلْكَ اٰیٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِیْنِ ②

[أَنَا اللَّهُ أَزِي] منم خدا من می

بینم. این آیت‌های کتاب روشن

است (۲)

اِنَّا اَنْزَلْنٰهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ③

یقیناً ما آنرا قرآنی عربی نازل کرده

ایم تا باشد که شما عقل کنید (۳)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ اَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ ④ وَ اِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهٖ لَمِنَ الْغٰفِلِيْنَ ⑤

بوسیله این قرآن که بر تو وحی

فرستاده ایم ما از بهترین حقایق

تاریخی به اثبات رسیده رابه تو

بیان میکنیم والبته قبلاً [از این

وقایع] از ناآگاهان بودی (۴)

اِذْ قَالَ يُوسُفُ لِاَبِيْهِ يَا اَبَتِ اِنِّیْ رَاَيْتُ اَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَاَيْتُهُمْ لِيْ سٰجِدِيْنَ ⑥

هنگامیکه یوسف به پدر خود گفت:

ای پدر من! برایستی من [در خواب]

یازده ستاره و خورشید و ماه را

دیدم [و] آنها را برایم سجده کنان

دیدم (۵)

قَالَ رَبِّیْ لَا تَقْضُ رُءْیَاكَ عَلٰی

[پدر] گفت. ای پسر عزیزم! این

رویاء را بر برادران خود بیان  
نکنی و گرنه آنان برخلاف تو  
نیرنگی زنند. یقیناً شیطان دشمنی  
آشکارا انسان است (۶)

و اینگونه پروردگارت تو را  
برگزیند و تو را دانش ژرف  
اندیشی اموری آموزد و نعمت خود  
را تمام کند بر تو و بر آل یعقوب  
چنانکه قبلاً آنرا برپدران تو  
ابراهیم و اسحاق تمام کرد یقیناً  
پروردگار تو صاحب علم دائمی  
صاحب حکمت است (۷)

یقیناً در [واقعه] یوسف و برادرانش  
استفسار کنندگان را آیتهاست (۸)  
چون گفتند که یوسف و برادرش  
بدرما را عزیزتر از ما اند حالانکه  
ما گروهی نیرومندتریم. حتماً پدر  
ما در اشتباهی آشکار است (۹)  
یوسف را بکشید یا اورا جای دیگر  
ببفکنید. [اینگونه] توجه پدرتان  
صرفاً برایشما میماند و از آن پس

إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا ۗ إِنَّ  
الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ①

وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ  
تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ  
وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ  
مِنْ قَبْلُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ  
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ②

ع

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ  
لِّلسَّائِلِينَ ③  
إِذْ قَالُوا لِيُوسُفَ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا  
مِمَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ ۗ إِنَّ آبَاءَنَا لَفِي ضَلَالٍ  
مُّبِينٍ ④

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ  
لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ

قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿۱۰﴾

گروهی نیکوکاران بشوید (۱۰)

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ  
وَأَقْوَاهُ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ  
بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿۱۱﴾

گوینده از آنها گفت یوسف را  
نکشید بلکه او را در قمرچاه در  
جوار چراگاه بیفکنید. او را برخی  
از کاروانیان بر میدارد اگر شما

کنندگانید [اینطور کنید] (۱۱)

قَالُوا يَا بَنَا مَالِكِ لَا تَأْتِ مَعَ عَلِيٍّ يُوسُفَ  
وَإِنَّا لَهُ لَصِحُّونَ ﴿۱۲﴾

گفتند، ای پدر ما! چیست تو را که  
جهت یوسف ما را باور نمیکنی  
حالانکه ما برای او خیر خواهان  
هستیم (۱۲)

أَرْسَلَهُ مَعَا غَدَايَرْتَع وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ  
لَحَفِظُونَ ﴿۱۳﴾

فردا او را با ما بفرست تا با خوشی  
و فراخی بخورد و بیآشامد و بازی  
کند حالیکه یقیناً ما برای او نگه  
بانان ایم (۱۳)

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ  
وَإِخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ  
غَافِلُونَ ﴿۱۴﴾

او گفت، یقیناً این امر مرا بفکر  
میفکند که شما او را ببرید و میترسم  
مبادا او را گرگی بخورد در حالیکه  
شما از او غفلتکاران باشید (۱۴)

قَالُوا لَيْسَ أَكْلُهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ  
إِنَّا إِذَا دَلَّ الْخَيْسِرُونَ ﴿۱۵﴾

گفتند، اگر او را گرگی بخورد در  
حالیکه ما گروهی نیرومندتریم  
یقیناً ما آنگاه زیانمندان ایم (۱۵)

پس هنگامیکه او را بردند و برای این امر متفق شدند که او را در قمر چاه در جوار چراگاه بيفکنند آنگاه به سوی او وحی فرستادیم که [روزی] حتماً آنها را ازین کردارشان آگاه سازی حالیکه آنان درک نخواهند کرد [که توجه کس هستی] (۱۶)

و شبگاه گریه کنان نزد پدر خود آمدند (۱۷)

گفتند، ای پدرمان! برآستی ما بهم مسابقه کرده بدور رفتیم و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم پس او را گرگی خورد و نیستی تو ما را باور کننده ولو ما راستگویان باشیم (۱۸)

و برپیراهن او خونی جعل کرده آوردند. [پدر] گفت بلکه نفسهایتان این امر سنگین را برایشما آسان و معمولی ساخته است. پس [چه می توانم کنم جز] صبری نیکو و خدا است [که از او] یاری خواسته

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ ۗ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٦﴾

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ﴿١٧﴾

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ ۗ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿١٨﴾

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ ۗ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً ۖ فَصَبِرْ ۖ جَمِيلٌ ۗ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٩﴾



[شود] بر آنچه بیان میکنید (۱۹)  
 و کاروانی آمد پس سقای خود را  
 فرستادند. پس او دلو خود را فرو  
 نهاد. او بانگ زد. مژده باد این  
 پسری است و او را جهت مال  
 تجاری پنهان کردند و خدا آگاه بود  
 به آنچه میکردند (۲۰)

و او را بیبائی ناچیز به چند  
 درهما فروختند و جهت آن بی از  
 بودند (۲۱)

و آنکس که او را در مصر خرید به  
 زن خود گفت: او را منزلی آبرومند  
 بده. ممکن است ما را سودمند باشد  
 یا ما او را فرزندی بگیریم و  
 اینگونه یوسف را در زمین جای  
 دادیم و [اینطور شد] تا او را دانش  
 ژرف اندیشی از امور بیآموزیم و  
 خدا بر فرمان خود غالب است  
 اما اکثر مردم فهم نمیکنند (۲۲)

و چون به عمر توانائی خود رسید ما  
 او را حکمت و دانش اعطا کردیم و

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ  
 فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَبْشَىٰ هَذَا غُلْمٌ  
 وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةٌ وَاللَّهُ عَالِمٌ بِمَا  
 يَعْمَلُونَ ﴿۲۰﴾

وَسَرَّوهُ بِثَمَنٍ بَخِيسٍ دَرَاهِمَ  
 مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ﴿۲۱﴾

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِمْرَأَتِهِ  
 أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ  
 نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ  
 فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ  
 الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ  
 وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۲۲﴾

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا  
 وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۲۳﴾

مزد محسنان اینگونه میدمیدم (۲۳)  
 و آنزنگه اودر خانه اش بود او را  
 برخلاف میلش بکام خودخواست  
 و درها رابست و گفت بسویم بیا.  
 اوگفت، پناه بر خدا. همانا پروردگار  
 من او است که جای باش مرا نیکو  
 ساخت و یقیناً ستمکاران موفق  
 نمی شوند (۲۴)

و یقیناً آنزن برای او قصد کرد و  
 یوسف نیز آنزن را قصد میکرد  
 اگر از پروردگار خود دلیلی قاطع  
 را مشاهده نکرده بود. این بود تا  
 مازشتی و فحشائی را از او دور  
 داشته باشیم. یقیناً او از بندگان  
 مخلصان ما بود (۲۵) ++

وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ  
 وَغَلَقَتِ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ<sup>ط</sup>  
 قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهُ رَبِّيْٓ اَحْسَنَ مِمَّاۤ اُوۤىٓ  
 اِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظّٰلِمُوۡنَ ﴿۲۳﴾

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ<sup>ع</sup> وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّا  
 بُرْهَانَ رَبِّهٖ<sup>ط</sup> كَذٰلِكَ نَتَصَرَّفُ عَنْهُ  
 السُّوۡءَ وَالْفَحْشَآءَ<sup>ط</sup> اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا  
 الْمُخْلَصِيۡنَ ﴿۲۵﴾

++ آیت ۲۵: مَمَّ بِهَا را این معنای نیست که حضرت یوسف نیز به بدی آهنگ کرده  
 بودند بلکه این کلمات را باید با کلمات "لولا ان رآ برهان ربه" بهم خواند تا معلوم  
 گردد که مفهوم اصلی اینست که یوسف هم ببدی متمایل میشد اگر او قبل از این  
 برهان خدای را ندیده بود. و برهان حاکی از چنین برهان نیست که ایشان در عین  
 آن حال مشاهده کرده باشند بطوریکه شماری از مفسران نقل کرده اند بلکه همان  
 دم کودکی حضرت یوسف را بر همین خدائی نشان داده شدند و پس از آن متمایل  
 بودن ایشان به بدی خارج از موضوع و امکان بود.

و مردوی بسوی درب شتافتند و آن زن پیرامن او را از پشت [کشیده] پاره کرد و آندو آقای آنزن را نزد درب یافتند. آن زن گفت: آنکه به اهل خانه تو بدی را قصد کند مجازات او چیست جز اینکه شود زندانی یا عذابی دردناک (۲۶)

او گفت: خود شست که به لغزاندن من از نفس خودم کوشیده بود و از اهل خانه آنزن یک گواه این گواهی داد که اگر پیرامنش از پیش پاره شده است آنگاه آنزن راست گفت و او از دروغگویان است (۲۷)

و اگر پیرامنش از پشت پاره شده باشد آنگاه آنزن دروغ گفت و او از راستگویانست (۲۸)

پس هنگامیکه او پیرامنش را از پشت پاره شده دید گفت: یقیناً این خدعه از خدعه های شامزنانست. البته خدعه شامزنان بسیار بزرگ

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ  
وَ أَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ ۗ قَالَتْ مَا  
جَزَاءٌ مِنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ  
يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٦﴾

قَالَ هِيَ رَأَوْدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَ شَهِدَ  
شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا ۗ إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ  
مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾

وَ إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ  
وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٨﴾

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ  
كَيْدِكُنَّ ۗ إِنْ كَيْدُكُمْ عَظِيمٌ ﴿٢٩﴾

است (۲۹)

یوسف از این امر اعراض کن و [ای زن!] تو گناهان خود را استغفار بطلب، حتماً تو از خطا کارانی (۳۰)

و زنان شهر گفتند که زن سردار غلام خود را برخلاف میل او جهت نفسش میلفزاند. او [یوسف] از روی محبت دل آزن را شیفته کرده است. یقیناً ما آزن را در

گمراهی آشکار میبینیم (۳۱)

چون آزن به نیرنگهای آزنان شنید آنها را دعوت کرد و برای ایشان پشتیها مهیا کرد و به هر کدام آنها کارد داد و [به یوسف] گفت روبروی آنها برو. پس چون آنها او را دیدند او را بسیار عالی مرتبه یافتند و دستهای خود را قطع کردند و گفتند که پاکست خدا. این بشر نیست. این نیست مگر فرشته

معزز (۳۲) ++

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا <sup>س</sup>وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ <sup>ك</sup>إِنَّكَ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ <sup>ع</sup>

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ <sup>ع</sup> قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا <sup>ط</sup> إِنَّا نَتَرَّبُهَا فِي صُلَىٰ مَبِينٍ <sup>ع</sup>

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ <sup>ب</sup> وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا <sup>ب</sup> وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ <sup>ع</sup> فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا <sup>ط</sup> إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ <sup>ع</sup>

++ آیت ۳۲: "قطعن ایدیهن" را این معنای نیست که آن زنان مستغرق در [ص#۵۳۵]

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنِنِي فِيهِ ۖ وَلَقَدْ  
رَأَوْتُهَا عَنْ نَفْسِهِ فَأَسْتَعْصِمَ ۖ وَلَئِن  
لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرُهُ لَيَسْجَنَنَّ ۖ وَ لَيَكُونَا  
مِّنَ الصَّغِيرِينَ ﴿٣٧﴾

آنزن گفت: این آنکس است که  
جهت او مرا ملامت میکردید. یقیناً  
من بلغزاندن او از نفسش کوشش  
کرده بودم اما او نجات یافت و  
البته اگر نکند آنچه من او را  
فرمانکنم حتماً او زندانی گردد و  
حتماً از جمله فرومایگان خواهد  
شد (۳۳)

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا  
يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ ۖ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي  
كَيِّدُهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ مِنَ  
الْجَاهِلِينَ ﴿٣٨﴾

او گفت، ای پروردگار من! زندان  
برایم محبوبتر از آنست که بسوی  
آن مرا میخواند و اگر نیرنگ آنها  
از من دور نکنی من بسوی آنها میل  
کرده و از جاهلان خواهم شد (۳۴)

فَأَسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ  
كَيِّدُهُنَّ ۖ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٩﴾

پس پروردگارش دعای او را  
مستجاب کرد و نیرنگ آنها را از  
او برگرداند. یقیناً او بسیار شنوا  
صاحب علم دائمی است (۳۵)

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِن مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ

بعدها آنچه علامات را دیدند که بر

بنیه آیت ۴۲: خوشگلی حضرت یوسف بردستان خود چاقو راندند بلکه این عبارت  
را یکی دیگر مفهوم اینست که آنان او را از دسترس خود بالاتر یافتند و واژه  
های "اکبرنه" هم همین موضوع را تایید میکنند.

لَيْسُ جُنَّتُهُ حَتَّىٰ حِينٍ ۝۱۱

۱۱

ایشان پدید آمد که باید او را تا

زمانی زندانی کنند (۳۶)

و با او دو جوان نیز وارد زندان شدند. یکی از آندو گفت، برآستی من خودم را [بخواب] دیدم که جهت شراب می فشارم و دیگری گفت برآستی من خودم را [در خواب] دیدم که بر سرم نانهای برداشته ام که از آن پرندگان میخورند. ما را از تعبیر آنها مطلع ساز. یقیناً ما تو را از محسنان میبینیم (۳۷)

او گفت که بشما طعامی که بشما داده میشود نمیرسد مگر من پیش از رسیدن آن نزد شما دوی تعبیر آنها را برای شما دوی بیان میکنم. این [تعبیر] از آن [علم] است که پروردگارم مرا آموخته است یقیناً من مسلک آن قوم را ترک کرده ام که به خدا ایمان نمی آوردند و آنان آخرت را انکار میکردند (۳۸)

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيْنِ ۗ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرِنِي أَخَصِرُ خَمْرًا ۗ وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرِنِي أَخْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ ۗ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ ۗ إِنَّا نُرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝۱۱

قَالَ لَا يَأْتِيكُمْ مَا طَعَامٌ تُرْزَقُونَ إِلَّا نَبَأُتُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمْ ۗ ذَلِكُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي ۗ إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۝۱۲

و من ازپی دین پدران خود  
ابراهیم و اسحاق و یعقوب رفته  
ام و مارا ممکن نبود که چیزی را  
به خدا شریک قرار میدادیم. این  
از فضل خدا بود که او بر ما و بر  
مردم [مومنان] کرد اما اکثر مردم  
سپاس نمیگویند (۳۹)

او گفت ای دو رفیق زندانم! آیا  
خدایانی مختلف بهترند یا خدای  
یکتا صاحب جبروت (۴۰)

گذشته از او بجزی عبادت نمی  
کنید مگر آن نامهای را که شما و  
پدران شما [برای خدایان دروغین]  
نامگذاری کرده اند. خدا در تائید  
آنها هیچ دلیلی استوار نازل نکرده  
است. حکم کردن تنها از آن خدا  
است. او امر کرده است که جز  
خاص او کسی را عبادت نکنید.  
اینست دین قائم و قائم کننده اما  
اکثر مردم نمیدانند (۴۱)

ای دورفیق زندانم یکی از شما دوی

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ  
وَيَعْقُوبَ ۗ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ  
مِنْ شَيْءٍ ۗ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا  
وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ  
لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٩﴾

لِصَاحِبِي السِّجْنِ ۖ أَرَبَابٌ مُتَّفَقُونَ  
خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤٠﴾

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءُ  
سَمِيَتْهُنَّ ۖ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ ۖ مَا أَنْزَلَ  
اللَّهُ بِهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ ۗ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا  
لِلَّهِ ۗ أَمْرًا ۗ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ۗ ذَلِكَ  
الدِّينُ الْقَيِّمُ ۗ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ  
لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

لِصَاحِبِي السِّجْنِ ۖ أَمْ أَحَدٌ كَمَا فَيَسْتَقِي

رَبَّهُ خَمْرًا<sup>ع</sup> وَأَمَّا الْآخِرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ  
الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ<sup>ط</sup> قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ  
تَسْتَفْتِينَ<sup>١٢</sup>

به آقای خود شراب بنوشاند و اما  
دیگری بدارکشیده شود و پرنندگان  
از سرش [پنجول زده] بخورند. آن  
امر که جهت آن استفهام می  
کردید گذرانیده شد (۴۲)

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي  
عِنْدَ رَبِّكَ<sup>ف</sup> فَأَنسَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ  
فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ<sup>ع</sup>

و او به آنکس که برای او از آن  
دوی گمان میرفت که نجات خواهد  
یافت گفت که نزد آقای خود از  
من ذکر کن. اما شیطان او را  
فراموش ساخت که به آقای خود  
ذکر میکرد. پس او چند سال در  
زندان ماند (۴۳)

ع  
١٢

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ  
سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُئِلَتْ  
خُضْرًا وَأُخْرًا يُبْسِتُ<sup>ط</sup> يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ  
أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا  
تَعْبُرُونَ<sup>١٣</sup>

و پادشاه گفت، برآستی من [در  
خواب] هفت گاؤ فربه می بینم که  
هفت تا لاغر آنها را میخورند و  
هفت خوشه سرسبز می بینم و  
دیگر برخی خشک نیز است. ای  
سرداران! مرا از تعبیر این خوابم  
حالی کنید اگر شما خوابها را  
تعبیر میکنید (۴۴)

آنان گفتند، این خوابهای پراکنده

قَالُوا أَصْغَاتُ أَحْلَامٍ<sup>ع</sup> وَمَا نَحْنُ



بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعِلْمَيْنِ ﴿٤٥﴾

وبی اساس است وما از تعبیر خواب  
های پراکنده و بی اساس دانشی  
نداریم (۴۵)

وَقَالَ الَّذِي نَجَمْنَاهُ مَا وَادَّكَ رَبٌّ بَعْدَ آتَمَةٍ  
أَنَا أَنبِئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ﴿٤٦﴾

آنگاه آنکس که از آندو رهائی  
یافته بود و پس از مدت مدیده  
بیادش آمد گفت، من شما را به  
تعبیر آن آگاه میسازم. پس مرا  
[بسوی یوسف] بفرستید (۴۶)

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ  
بَقَرَاتٍ سَيَانَ يَا كُلُّهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ  
سُنْبُلَاتٍ خَضِرٍ وَأُحْرٍ يُبَسِّتُ لَعَلَّيَ  
أَرْجِعَ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾

یوسف ای درستکارا ما را در مورد  
هفت گاؤ فربه که آنها را هفت لاغر  
میخورند و هفت خوشه سرسبز و  
دیگر خشک حالی کن تا من بسوی  
مردم برگردم و تا باشد که آنها  
[تعبیر آن را] بدانند (۴۷)

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابَّاءَ فَمَا  
حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلَةٍ إِلَّا قَلِيلًا  
مِّمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٨﴾

او گفت، شما هفت سال متوالی  
کشت میکنید. پس آنچه درو کنید  
را در خوشه ها بگذارید جز اندک  
که آنرا خواهید خورد (۴۸)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ  
مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا

سپس از آن بعدشمارا هفت [سال]  
بسیار سخت آید که همه آنچه برای  
آنها پیش فرستادید را بخورند جز

مُخْصُونَ ﴿۵۹﴾

آن اندک که [برای کشتن آینده]

نگاه خواهید داشت (۴۹)

سپس از آن بعدسالی آید که در آن  
مردم خیلی سیراب کرده شوند و

در آن آب میوه بفشردند (۵۰)

و پادشاه گفت، او را نزد من بیارید.

اما چون فرستاده نزد او آمد او

گفت، توبسوی آقای خود برگرد و

از او بپرس که قصه آنزنهاچه بود

که دستهای خود را قطع کرده بودند

یقیناً پروردگارم از خدعه آنها به

خوبی آگاه بود (۵۱)

او [پادشاه پرسید، ای زنان!]

بگوئید کار شماچه بود چون شما

خواستید که یوسف را جهت نفس

او بلغزانید. آنها گفتند: پاك است

خدا. ما را از هیچ بدی برخلاف او

آگهی نیست. زن عزیزگفت: اکنون

چون حق پدید آمده است من

[اقرار مینمایم که] تنها من او را

جهت نفس اولغزانده بودم و البته

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ

النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصُرُونَ ﴿۵۹﴾

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ ۚ فَلَمَّا جَاءَهُ

الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسْأَلُهُ مَا

بِالْنِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ ۗ إِنَّ

رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿۵۱﴾

قَالَ مَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ يٰيُوسُفَ

عَنْ نَفْسِهِ ۗ قُلْ هَٰشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا

عَلَيْهِ مِنْ سُوٓءٍ ۗ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ

الَّتِي حَصَّصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ

نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّٰدِقِينَ ﴿۵۱﴾

اوبیگمان از صادقان بود (۵۲)  
 این است تا او [پادشاه] بداند که  
 من او را در غیب خیانتی نکردم  
 و یقیناً خدا نیرنگ خیانتکاران را  
 به هدف نمیرساند (۵۳)

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ  
 اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٥٣﴾

و میرا قرارندهم نفس خودم را  
یقیناً نفس ببدی بسیار امر کننده  
است جز آنکه راپروردگارم ترحم  
کند. یقیناً پروردگار من آمرزنده  
بارها رحم کننده است (۵۴)

و پادشاه گفت، او را نزد من  
بیارید. من او را برای خودم  
برمیگزینم. پس چون او به او  
گفتگو کرد گفت، یقیناً تو از امروز  
نزدما صاحب رتبه قابل اعتماد  
هستی (۵۵)

او گفت، مرا بر دارائی کشور  
بگمارید. یقیناً من نیک نگهبان،  
دانشمند هستم (۵۶)

و اینگونه یوسف رادر کشور رتبه  
دادیم. او در آن مرجا میل داشت  
رحل اقامت میافکند. ما رحمت  
خویش را به مرکه خواهیم می  
رسانیم و پاداش محسنان راضائع  
نمیدهم (۵۷)

والبته پاداش آخرت نیکوتر است

وَمَا أَبْرَىٰ نَفْسِي ۚ إِنَّ النَّفْسَ  
لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ۗ  
إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٤﴾

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي نَبِيٌّ بِهَا  
لِنَفْسِي ۚ فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ  
لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٥﴾

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۚ إِنِّي  
حَفِيظٌ عَلَيْمٌ ﴿٥٦﴾

وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ ۚ  
يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۗ لَنُصِيبَ بِرَحْمَتِنَا  
مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٧﴾

وَلَا جُرْ إِلَّا خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا

وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٨﴾

۷۴

برای آنانکه ایمان آوردند و تقوی را اختیار کردند (۵۸)

وَجَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ  
فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٩﴾

و برادران یوسف آمدند پس بر او وارد شدند. آنگاه او آنان را شناخت در حالیکه آنان از او ناشناسان ماندند (۵۹)

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي  
بِأَخٍ لَّكُمْ مِّنْ أَبِيكُمْ ؕ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي  
أَوْفَىٰ الْكَيْلِ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٦٠﴾

و چون آنها را با اثاث آنها آماده کردگفت شمارا از بدرتان برادری است او را نزد من بیارید. آیا نه دیدید که من کیل را تمام میدهم و من بهترین میزبانانم (۶۰)

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي  
وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦١﴾

پس اگر او را نزد من نیارید آن گاه برای شما نزد من کیلی نیست و نزدیکم نیاید (۶۱)

قَالُوا سُرَّوْا دُعَاهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَعْلُونَ ﴿٦٢﴾

آنها گفتند. حتمًا جهت او بپدرش گریز زنیم و البته ما [هرچه خواهیم] انجام دهندگانیم (۶۲)

وَقَالَ لِفَتِيلِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي  
رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا  
إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٦٣﴾

و خدمتکاران خود را گفت سرمایه آنان [که پرداخته اند] را در بارهای ایشان بنهید تا وقتیکه بسوی خانواده خود بازگردند از این

امر قدردانی کنند تا باشد که آنها  
برگردند(۶۳)

پس چون بسوی پدر خود برگشتند  
گفتند، ای پدر ما! کیل از ما منع  
کرده شد. پس برادر مارا با ما  
بفرست تا کیل بدست آریم و  
یقیناً مانگهدارندگان اوئیم(۶۴)  
او گفت، آیا جهت او شمارا باورکنم  
جز آنگونه که قبلاً جهت برادرش  
شمارا باور کرده بودم. پس تنها  
خدا بهترین نگهدارنده است و  
او ترحم کننده بالاترین ترحم  
کنندگان است(۶۵)

و چون آنها بار خود را باز  
کردند یافتند که سرمایه ایشان  
بسویشان پس داده شده است.  
گفتند، ای پدر ما! [دیگر] چه می  
خواهیم اینست راس المال ماکه  
بمابیس داده شده است. ما برای  
خانواده خود غله آورده و از برادر  
خود نگهداری کرده و کیل به

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ آبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَنَعَ  
مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانَا نَكْتَلْ  
وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ ﴿١٤﴾

قَالَ هَلْ أَمْنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمْنُكُمْ  
عَلَىٰ آخِيهِ مِنْ قَبْلُ ۗ قَالَ اللَّهُ خَيْرٌ حِفْظًا  
وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ﴿١٥﴾

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَهُمْ  
رُدَّتْ إِلَيْهِمْ ۗ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي ۗ  
هَذِهِ بِضَاعُ أَخْتَانَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا  
وَنَحْفَظُ آخَانَا وَنُرَدِّدُكَ كَيْلَ بَعِيرٍ ۗ ذَٰلِكَ  
كَيْلُ يَسِيرٍ ﴿١٦﴾

بار شتری اضافه خواهیم آورد.

این کیلی آسان است (۶۶)

او گفت، هرگز من او را با شما نه فرستم تا شما بن عهدخدائی محکم ندمید که حتماً او را نزد من [باز] می‌آرید مگر که شما فرا گرفته شوید. پس چون آنها به او عهد محکم خود دادند او گفت، خدا وکیل است بر آنچه ما می‌گوئیم (۶۷)

وگفت: ای پسران! از يك در وارد نشوید بلکه از درهای متفاوت وارد شوید و نیستیم من که شما را از [تقدیر] خدا هیچ هم بی نیاز سازم. فرمان فقط از آن خدا است بر او توکل میکنم و پس باید همه توکل کنندگان بر او توکل کنند (۶۸)

و چون آنان از آنجا که پدر آنان فرمان کرده بود وارد شدند نبود او که آنانرا از [تقدیر] خدا هیچ بی‌نیاز میساخت جز اینکه آرزوی

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ  
مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتِنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ  
بِكُمْ ۚ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى  
مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ ۝۷

وَقَالَ يَبْنَى لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ  
وَادْخُلُوا مِن أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ ۖ وَمَا  
أُغْنِي عَنْكُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ إِنِ  
الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ  
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝۸

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ ۖ  
مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ إِلَّا  
حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا ۖ وَإِنَّهُ

ذَوُعِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ  
التَّائِسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٩﴾

﴿٦٩﴾

دردل یعقوب بود که آنرا برآورد  
و یقیناً او صاحب دانش بود چه ما  
او را خوب آموخته بودیم اما  
بیشتر مردم نمیدانند (۶۹)

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى إِلَيْهِ  
أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ  
بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧٠﴾

و چون بر یوسف وارد شدند او  
برادر خود را نزد خود جای داده  
گفت یقیناً من برادرتو ام. پس غم  
نخور به آنچه میکرده اند (۷۰)

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ  
السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ  
أَيُّهَا الْحَيُّ إِنَّكُمْ لَسِرُّونَ ﴿٧١﴾

پس چون آنرا با بارایشان آماده  
کرد آبخورد را [بی خواست] در رحل  
برادر خود نهاد. پس جارچی جارزد  
ای کاروانیان! یقیناً شما دزدان  
اید (۷۱)

قَالُوا وَقَبِلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقَدُونَ ﴿٧٢﴾

آنان بسوی ایشان روی کرده  
گفتند، شما چه گم میابید (۷۲)

قَالُوا نَفْقَدُ صَوَاعِ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ  
حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٣﴾

گفتند، پیمانۀ کیل پادشاه را گم  
میابیم و هر که آنرا بیآرد او را  
[غله] بیبارشتری داده شود و من به  
آن ضامن ام (۷۳) ++

++ آیت ۷۳: نهادن پیمانۀ در رحل قصد نبود و الا اگر این تدبیر از حضرت یوسف  
بود خدا نمیگفت که او اینرا برای یوسف تدبیر کرد.



گفتند: سوگند به خدا میدانید که نیامده ایم تا در زمین فساد کنیم و هرگز ما دزد نیستیم (۷۴)

گفتند: پس عوض آن چیست اگر دروغگو باشید؟ (۷۵)

گفتند: عوض آن او است که در رحلش آن [پیمانه] یافت شود ستم کاران را پاداش اینطور دهم (۷۶)

پس [جارجی] بیش از برابر ادرش از بارهای آنها [بازرسی] آغازید و آن [پیمانه] را از برابر ادرش در آورد. اینطور ما برای یوسف تدبیر کردیم. او را غیر ممکن بود که برادر خود را در حکمرانی پادشاه نگهدارد مگر که خدا خواهد. هر که را خواهیم به مراتب بلندتر می‌رسانیم و بالاتر هر کدام اهل علم يك صاحب علم است (۷۷)

گفتند، اگر او سرقتی کرده است پس يك برادرش نیز بیش از این سرقتی کرده بود. آنگاه یوسف

قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سِرِّقِينَ ﴿٧٤﴾

قَالُوا فَمَا جَزَاءُ وَهُ إِنْ كُنْتُمْ كَذِبِينَ ﴿٧٥﴾

قَالُوا جَزَاءُ وَهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاءُ ۖ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ ۖ كَذٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ ۖ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ ۖ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ ۖ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٧﴾

قَالُوا إِنَّ يَسْرِقَ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِنْ قَبْلُ ۗ فَأَسْرَهَا يُّوسُفَ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ

آنرا در دل خود فروبرد و آنرا بر آنها ابراز نکرده [در دل خود] گفت. شما بدتر اید از روی رتبه و خدا داناتر است به آنچه شما شرح میدهم (۷۸)

گفتند، ای صاحب اختیار! برایستی پدرش خیلی پیراست. پس بجای او یکی از ما را بگیری. یقیناً ما تو را از محسنان می بینیم (۷۹) او گفت من از این امر به خدا پناه می برم که یکی را بگیرم بجای آنکه نزدش متاع خود را یافته ایم. آنگاه یقیناً ما از ستمکاران ایم (۸۰)

پس چون آنها از او نومید شدند برای مشورت یکسوس شدند. بزرگتر آنها گفت که آیا نمیدانید که پدرتان از شما عهدی موثق خدائی گرفته بود و پیش ازینهم درباره یوسف زیاده روی کرده اید پس هرگز این سرزمین را ترك نکنم

يُبِدِّهَا لَهُمْ ۚ قَالَ اَنْتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا ۗ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا تَصِفُوْنَ ﴿٧٨﴾

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ ۗ إِنَّا نَنْرَيْكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٩﴾

قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اَنْ نَّأْخُذَ اِلَّا مَنْ وَّجَدْنَا مَتَاعًا عِنْدَهُ ۗ اِثًّا اِذَا اَظْلَمُوْنَ ﴿٨٠﴾

فَلَمَّا اسْتَيْسَوُا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا ۗ قَالَ كَبِيرُهُمْ اَلَمْ تَعْلَمُوْا اَنَّ اَبَاكُمْ قَدْ اَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِّنَ اللّٰهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِيْ يُوسُفَ ۗ فَلَنْ اَبْرَحَ الْاَرْضَ حَتّٰى يَأْذَنَ لِىْ اَبِىْ اَوْ يَحْكُمَ اللّٰهُ لىْ ۗ وَهُوَ خَيْرُ الْحٰكِمِيْنَ ﴿٨١﴾

تا پدرم بمن فرمان دهد یا خدا  
تکلیفم را روشن سازد و او  
بهترین حکم کنندگان است (۸۱)  
بسوی پدرتان بازگردید و بگویید  
ای پدر ما! پسر تو سرفتی کرده  
است و گواهی ندمیم جز آنچه  
بما دانشی است و هرگز ما بر  
غیب نگهبانان نیستیم (۸۲)

و پسر از [اهل] آن قریه که در  
آن بودیم و از آن کاروان که  
در آن ما آمده ایم و یقیناً ما راست  
گویانیم (۸۲)

او گفت [نخیر] بلکه نفسهایتان  
کاری سنگین را برایتان سبک و  
معمولی ساخته است. پس صبر زیبا  
[باید پیش گرفت] امکان دارد که  
خدا ایشان همه را نزد ما بیآرد.  
یقیناً او صاحب علم دائمی صاحب  
حکمت است (۸۴)

و روی خود را از آنها برگرداند و گفت  
و افسوس بر یوسف و چشمانش

إِرْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِنَا إِنَّ  
ابْنَك سَرَقٌ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا  
وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَفِظِينَ ﴿۸۱﴾

وَسَلِّ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي  
أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿۸۲﴾

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا  
فَصَبِرْ جَمِيلٌ ۗ عَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَنِي  
بِهِمْ جَمِيعًا ۗ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿۸۳﴾

وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ  
يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنُهُ مِنَ الْحُزْنِ

اشکبار شد و او نهیفته اندوه  
بود (۸۵) +

آنان گفتند، سوگندبه خدا پیوسته  
از یوسف یاد خواهی کرد تا آن  
انتها که [بر اثر اندوه] از پایبستی یا  
از هلاک شدگان بشوی (۸۶)

او گفت، من رنج و الم خویش را  
تنها بحضور خدا فریادمیزنم و از  
خدا میدانم آنچه شانندانید (۸۷)  
ای پسرانم! بروید و یوسف و  
برادرش را تلاش کنید و از رحمت  
خدا و نومیدنش شوید و همانا از رحمت  
نومید نشود جز قوم کافران (۸۸)

پس گاهی که بر او وارد شدند گفتند،  
ای صاحب اختیار! ما و خانواده ما

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتُوا تَذَكُرُ يَوْسُفَ حَتَّى  
تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿۸۵﴾

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ  
وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۸۷﴾

يَبْنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ  
وَآخِيهِ وَلَا تَأْيِسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ  
لَا يَأْيِسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ  
الْكَافِرُونَ ﴿۸۸﴾

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ  
مَسْنَا وَاهْلَكْنَا الضَّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ

+ آیت ۸۵: چشمان سفید شدن را معنا چشمان گور شدن نیست بلکه اشکبار شدن است.

حضرت امام رازی نوشته اند که ابیضت عیناه کنایه به کثرت گریه است. ضمناً  
مینویسد عند غلبه البكاء یكثر الماء فی العین فتصیر العین کأنها ابیضت من بیاض  
ذلك الماء [تفسیر کبیر رازی].

واژه کظیم نیز موبداین مفهوم است. زیرا که این از کظم مشتق است و به معنای  
احساسات اندوه را تحمل کردن است. بدین علت چشمان حضرت یعقوب اشکبار

شد.

را تنگحالی رسیده و با متاعی  
ناقابل آمده ایم. پس مارا کیلی  
کامل بدهی و بر ما صدقه کن یقیناً  
خدا تصدق کنندگان را پاداش  
میدهد (۸۹)

او گفت، آیا میدانید آنچه شما به  
یوسف و برادرش کردید چون  
شما جاهل بودید (۹۰)

گفتند، آیا واقماً تو یوسف ای؟ او  
گفت، من یوسف ام و این برادرم  
است یقیناً خدا بر ما منت نهاده  
است. البته هر که تقوی اختیار کند  
و صبر کند پس یقیناً خدا پاداش  
محسنان راضع نمیدهد (۹۱)

گفتند، سوگند به خدا یقیناً خدا تو  
را بر ما فضیلت داده است و بی  
گمان ما خطا کاران بودیم (۹۲)  
او گفت امروز بر شما هیچ ملامت  
نیست خدا شما را بیامرزد و او  
بهترین ترحم کنندگان است (۹۳)  
بپراهنم رابیرید و آنرا روبروی

مَرْجُوتٍ فَأَوْفٍ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ  
عَلَيْنَا ۖ إِنَّ اللَّهَ بِجَزَى الْمُتَصَدِّقِينَ ۝۸۹

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ  
وَآخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ۝۹۰

قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ ۖ قَالَ أَنَا  
يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي ۖ قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا ۖ  
إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ  
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝۹۱

قَالُوا اتَّاللَّهُ لَقَدْ أَشْرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا  
لَخَاطِئِينَ ۝۹۲

قَالَ لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ ۖ يَعْفِرُ اللَّهُ  
لَكُمْ ۖ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ۝۹۳

إِذْ هَبُوا بَاقِمِصِي هَذَا فَاَلْقَوْهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ

أَيُّ يَاتِ بَصِيرًا<sup>ع</sup> وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ  
أَجْمَعِينَ<sup>ك</sup>

پدرم بنهید که حقیقت بر او آشکار  
گردد و همه خانواده خود را نزد  
من بیارید (۹۴)

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي  
لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تَفْتَدُونِ<sup>ك</sup>

پس گامیکه کاروان راهی شد  
پدر ایشان گفت: یقیناً من بوی  
یوسف می یابم خواه مرا دیوانه  
بگردانید (۹۵)

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ<sup>ك</sup>

گفتند: سوگند به خدا تو مبتلا به  
مان اشتباه قدیمی هستی (۹۶)

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ  
فَارْتَدَّ بِصِيرًا<sup>ع</sup> قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ<sup>ك</sup> إِنِّي  
أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ<sup>ك</sup>

پس چون مزده دهنده آمد و او  
آن پیراهن را روبروی او نهاد  
پس حقیقت برای او آشکار شد.  
او گفت: آیا من بشما نمی گفتم  
که یقیناً من از خدا آنچه میدانم  
که شما نمی دانید (۹۷)

قَالُوا يَا بَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا  
خَاطِئِينَ<sup>ك</sup>

گفتند: ای پدر ما! برای ما آمرزش  
گناهان ما بطلب یقیناً ما خطا کار  
بودیم (۹۸)

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ  
هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ<sup>ك</sup>

او گفت، حتماً برای شما از پروردگار  
خود آمرزش می طلبم یقیناً او  
آمرزگاری بارها رحم کننده

است (۹۹)

پس گامیکه بریوسف وارد شدند او والدین خویش را نزد خود جای داد و گفت، اگر خدا خواهد ایمن وارد مصر شوید (۱۰۰)

و والدین خود را با عزت بر تخت نشاند و همه برای او سجده کنان فرو افتادند و او گفت: ای پدر من! این بود تعبیر رویای قبلی من. پروردگرم آنرا راست گرداند و بر من بسی منت نهاد چون از زندان بیرونم آورد و شمارا از صحرا آورد پس از آنکه شیطان بمیان من و برادرانم فساد انداخته بود. یقیناً پروردگار من برای هر که خواهد لطف کننده است. یقیناً او صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۱۰۱)

ای پروردگار من! یقیناً مرا بهره از امور سلطنت دادی و مرا دانش ژرف بینی امور آموختی.

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ أَوَىٰ إِلَيْهِ  
أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ  
أَمِينٌ ۝

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ  
سُجَّدًا ۖ وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ  
مِن قَبْلُ ۖ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ  
أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجْتَنِي مِنَ السِّجْنِ  
وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ تَزَغَ  
الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۚ إِنَّ رَبِّي  
لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ  
تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ

ای آفریدگار آسمانها و زمین! توئی  
دوست من در دنیا و آخرت. مرا  
فرمانبردار بمیران و مرا بحلقه  
صالحان شامل بدار (۱۰۲)

این از خبرهای غیب است که ما  
آنها بسوی تو وحی کنیم و تو نزد  
آنها بودی چون در کار خود به  
توفیق هم رسیدند حالیکه دسیسه  
میکردند (۱۰۳)

و بیشتر مردم هر چند بخواهی  
ایمان نخواستند آورد (۱۰۴)

و تو از آنها در قبال این [خدمت]  
مزدی نمیخواهی. اینکه همه جهانها  
را نصیحت است (۱۰۵)

و چه بسا آیتهاست در آسمانها و  
زمین که بر آنها میگذرند حالیکه  
آنها اعراض کنندگانند (۱۰۶)

و بیشتر ایشان برخدا ایمان نمی  
آرند مگر در اینحال که شرک  
میورزند (۱۰۷)

بس آیا ایمن شده اند که از عذاب

وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَبِیْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ  
تَوْفَنِي مُسْلِمًا وَالْحَقَّ بِي بِالصَّالِحِينَ ﴿۱۰۲﴾

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۗ وَمَا  
كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ  
وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿۱۰۳﴾

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ  
بِمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۴﴾

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا  
ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۵﴾

وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿۱۰۶﴾

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ  
مُشْرِكُونَ ﴿۱۰۷﴾

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ



اللّٰهُ اَوْ تَاتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۰۸﴾

خدا آنها را [رنجی] فراگیرنده  
آید یا ناگهان آنها را ساعت  
[انقلاب] آید و آنها از آن بیخبر  
باشند؟ (۱۰۸)

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي اَدْعُو اِلَى اللّٰهِ عَلٰى  
بَصِيْرَةٍ اَنَا وَمَنْ اَتَّبَعَنِي ۚ وَسُبْحٰنَ اللّٰهِ  
وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿۱۰۹﴾

بگو اینست راه من. من بسوی خدا  
می خوانم. من بر بصیرت هستم و  
آنکه از من متابعت کرد هم و  
خدا پاک است و من از مشرکان  
نیستم (۱۰۹)

وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ اِلَّا رِجَالًا نُّوحِيْ  
اِلَيْهِمْ مِنْ اَهْلِ الْقُرٰى ۗ اَفَلَمْ يَسِيْرُوْا  
فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عٰقِبَةُ  
الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ وَلَدَارُ الْاٰخِرَةِ خَيْرٌ  
لِّلَّذِيْنَ اٰتَقَوْا ۗ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿۱۱۰﴾

و پیش از تو نفرستادیم کسی از  
ساکنان شهرها را جز مردانی که  
بسوی ایشان وحی مینمودیم. آیا  
در زمین سیر نکرده اند تا ببینند  
که فرجام آنها که از پیش ایشان  
بودند چگونه بود و البته خانه  
آخرت برای ایشان بهتر است که  
تقوی بیش گیرند. پس آیا عقل  
نمیکنید؟ (۱۱۰)

حَتّٰى اِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوْا اَنْهُمْ  
قَدْ كَذَّبُوْا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا ۗ فَنَجّٰى مَنْ

تا آن نهایت که چون رسولانشان  
[از آنها] نومید شدند و [مردم]  
گان کردند که آنها دروغ گفته

تَشَاءُ<sup>۱</sup> وَلَا يُرَدُّ بَأْسَنَا عَنِ الْقَوْمِ  
الْمُجْرِمِينَ ﴿۱۳﴾

شدند نصرت ما در رسید. پس  
نجات داده شد هر که را خواستیم  
و عذاب ما از قوم مجرمان باز  
داشته نمیشود (۱۱۱) ++

لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي  
الْأَبْصَارِ<sup>۱</sup> مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ  
تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ  
شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۳﴾

البته در بیان وقایع تاریخی آنها  
اهل خرد را عبرتی بزرگ است و  
این يك قصه بر بافته نیست بلکه  
تصدیق میکند آنرا که پیش روی  
آنست و هر چیز را تفصیل میدهد  
و هدایت و رحمت است قومی  
را که ایمان میآرند (۱۱۲)

++ آیت ۱۱۱: كَذَّبُوا را معنای است که به آنان دروغ گفته شد و اینجا بدین معنی  
است که آنان پنداشتند که پیغمبران به آنان دروغ گفته اند حتی چون کمک خدا  
به پیغمبران رسید آن مردم فهمیدند که هر چه پیغمبران گفته بودند آن درست بود.

## ۱۳ - الرعد

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۴۴ آیت دارد.

سراغاز این سوره بعلاوه "آلم" حرف "ر" است و "آلمر" را معنا است

"أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ" یعنی منم خدا داناتر از همه و من می بینم.

در این سوره پرده از چنین رازهای کاینات برداشته شده است که قبلاً

آنحضرت ﷺ را بر آنها هیچ علم نبود. در این سوره به این امر نیز کنایه

است که آن اخبار که پیش از این بر تو بیان شد آنها نیز از سوی خدای

عالم الغیب است و شور دل را در آنها جای نیست.

سخن اساسی که از رازهای کاینات در اینجا ارائه داده شد آن حقیقت

از قوه جاذبه یعنی Gravity است. فرمود که زمین و آسمان تصادفاً از خود بر

مدار خود استوار نیست بلکه بمیان تمامی اجرام فلکی یک نیرو مخفی کار

میکند که شما آنرا به چشمان نمیتوانید ببینید. ناشی از این نیرو تمامی

اجرام فلکی بر مدار خود بطوری قرار دارند که گویی بر ستونها استوار

اند. زبردستان علم فلکیات نیز قوه جاذبه را همین معنامیکنند. برای تفصیل

دادن این موضوع اینجا محل صحبت نیست.

موضوعی دیگر که در متن این سوره است عبارت از این است که چه

گونه ای خدای متعال ناشی از آب شفاف هر چیزی از زمین را زندگی داده

است. آب دریائی آنقدر شور است که از آن جانوران زمینی و نباتات بجای

حاصل کردن زندگی به کام مرگ کشیده میشوند. در ضمن این سوره حاکی

از نظام و فرایندی است که طبق آن آب دریائی چطور تصفیه کرده بر بلندی

های کوهها برده میشود و از آنجا باریده چطور طی بازگشتش بسوی دریا، زندگی را به هر سو پخش میکند. این نظام به برق آسمانی بستگی عمیقی دارد. این برق بعلت تبخیر شدن آب دریاها صورت حاصل میکند. آب نیز بدون غرش این برق نمیتواند بصورت قطره ها بر زمین ببارد. این غرشهای برق به گاه ها چنین هولناک است که در مورد بعضیها بجای زندگی بخشیدن موجب هلاک آنها میگردد. نظر به این فرموده شد که فرشتگان هنگام غرش برقها بحضور خداوند به لرزه میفتند. خداوند پیش از این فرمود که برای محافظت هرانسان پیشرویش و پشت سرش چنین نگهبانان مامور اند که وی را فقط فراخور تقدیر خدا و فرمان او، نگهداری میکنند. این يك موضوع علمی و بسیار دقیق است که اینجا گنجایش برای شرح آنرا نه دارد. ولی هرکدام که توفیق یابد میتواند در دریای معناهای آن غوطه ور شده دانه های حکمت را درآورد.

ضمناً این سوره عبارت از این موضوع نیز است که ما هرچیز را جفت جفت خلق کرده ایم. اعراب تا این حد میدانستند که خرما را جفت جفت است اما نسبت به دیگر اشجار و ثمرات ایشان را هرگز دانش نبود که آنها را نیز جفت جفت است. پس این موضوع جدیدی نقل میشود. دانشمندان امروزه این موضوع را به آن ژرفا پی برده اند که طبق بیان ایشان نه فقط زنده نباتات را جفت جفت است بلکه مالیکیولز و آتمز را نیز جفت جفت یافت میشود. در مقابل ماده Matter ضد ماده Anti-matter رانیز جفتی است. گویی که اگر کاینات بتمام آن جمع کرده شود پس مثبت ماده اش با منفی ماده اش آمیخته معدوم شود و فلسفه از نیستی به هستی آمدن نیز با کمک

آن معناها که در این آیتها پنهان است حل میشود.

مضافاً برای اتمام حجت بر دشمنان آنحضرت ﷺ دلیلی زبردست داده میشود. این دلیل دال بر اینست که چطور این پیغمبر عظیم الشان ﷺ و یاران ایشان میتوانند مغلوب شوند در صورتی که سرزمین ایشان پهن تر و سرزمین دشمنان تنگتر میشود. سپس آنحضرت ﷺ دلجوئی کرده میشوند که خواه شما فتح عظیم الشان اسلام را بچشمان خود ببینید یا نبینید منتها دین شما را در اکناف عالم پیروزند خواهیم ساخت.

☆ سُوْرَةُ الرَّعْدِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ أَرْبَعٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلا امتیاز]  
 بسیار بخشنده بارها رحیمکننده (۱)  
 اَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ وَ أَرَى - منم خدا  
 داناتر از همه و میبینم. این آیت  
 ها از کتاب کامل است و آنچه از  
 پروردگارتو بسوی تو نازل کرده  
 آمد حق است اما بیشتر مردم  
 ایمان نمیآرند (۲)

خدا است آنکه آسمانها را بر  
 افراشت بدون ستونهای که آنها  
 را بتوانید ببینید. سپس بر عرش  
 قرار گرفت و خورشید و ماه را  
 بر خدمت گماشت. هر کدام تا مدت  
 معین حرکت میکند. او هر امر را  
 با تدبیر انجام میدهد. او آیتها را  
 بوضوح بیان میکند تا باشد که  
 شما ملاقات پروردگار خود را  
 باور کنید (۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الْمَرَّةَ تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ ۙ وَالَّذِي  
 أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقَّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ  
 النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ②

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ  
 تَرَوْنَهَا ۖ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ  
 الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ  
 مُّسَمًّى ۗ يُدِيرُ الْأُمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ  
 لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ③

و اوست آنکه زمین را گسترانید  
و در آن کوهها و نهرهای نهاد و  
در آن از هر نوع میوه ما جفت  
جفت قرارداد. او روز را با شب  
میپوشاند. یقیناً در آن آیتهاست  
برای قومی که تفکر کنند (۴)

و در زمین قطعه هایی مجاور و  
باغهایی انگور و کشتزار و درخت  
های خرما هم. از یک اصل چند  
رسته و از یک اصل یک رسته [که  
همه] از یک آب سیراب کرده شود  
و ما در طعم برخی را بر برخی  
برتری دادیم یقیناً در این آیتها  
است قومی را که عقل کنند (۵)

و اگر تو تعجب کنی آنگاه این  
قول ایشان عجبتراست که آیا  
چون خاک شویم حتماً ما در  
آفرینشی جدید آیم؟ همانند که  
به پروردگار خود انکار کردند و  
همانند که در گردن های آنها  
طوقها باشد و همانها اهل آتش اند.

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا  
رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الشَّجَرِ جَعَلَ  
فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارُ  
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ④

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مَّجْرُورٌ وَجَنَّتْ  
مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صُورَانٌ  
وَغَيْرُ صُورَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ  
وَنُفَّضَ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ  
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ⑤

وَإِنْ تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ إِذَا كُنَّا  
تُرَابًا أِنَّا لَنَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۗ أَوَلَيْكَ  
الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۗ وَأُولَٰئِكَ  
الْأَعْمَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ ۗ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ  
النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ⑥

آنها در آن مدت دراز بمانند (۶)

و بدی را از توبشتاب میخوانند  
بیش از خوبی در حالیکه قبل از  
آنان مثلهای [عبرتتاک] گذشته  
است و یقیناً پروردگار تو برای  
مردم با وجود استکباری آنها بسیار  
آمرزنده است و یقیناً پروردگار  
تو سخت عقوبت است (۷)

و آنانکه کفر کردند گویند، چرا نه  
شد که براو از پروردگارش يك  
نشانه هم نازل کرده میشد، نیست  
مگر تویك بیم دهنده هستی، و هر

کدام قوم را يك رهنا است (۸)  
خدا میداند آنچه [حمل] هر ماده  
بردارد و آنچه رحم کم کند و  
آنچه میفزاید و هر چیز نزد او  
به اندازه ای است (۹)

او دانای نمان و عیان است  
بسیار بزرگ متعال است (۱۰)  
یکسانست از شما آنکه گفتار را  
پنهان کرد و آنکه آنرا آشکار کرد

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ  
وَقَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلُ<sup>ط</sup> وَإِنَّ  
رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ<sup>ع</sup>  
وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ<sup>و</sup>

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالْوَلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ  
آيَةً مِنْ رَبِّهِ<sup>ط</sup> إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ  
قَوْمٍ هَادٍ<sup>ع</sup>

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ  
الْأَرْحَامُ وَمَا تَرْدَادُ<sup>ط</sup> وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ  
بِمِقْدَارٍ<sup>و</sup>

عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ<sup>و</sup>  
سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَن أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ  
بِهِ وَمَن هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ



بِالنَّهَارِ ⑩

و آنکه در شب پنهان شونده و در روز [علنی] رونده است (۱۱)

فرشتگان شب و روز از پیش روی او و از پشت سر او از فرمان خدا او را پاسداری میکنند حتماً خدا تغییرنمیدهد حالت قومی را تا آن نهایت که تغییر ندهند آنچه در نفسهای آنانست. پس چون خدا اراده کند به قومی بد فرجام را پس برایش برگشت نیست و برای آنها گذشته از او هیچ کار سازی نیست (۱۲) ++

اوست آنکه شمارا بایم و امید برق [آسانی] نشاندهد و ابرهای وزین را بالا میبرد (۱۳)

و تسبیح گوید بانگ ابر به ستایش او و فرشتگان نیز از ترس او و اوبرقهای غریبه را می

آیت ۱۲: من امر الله بظاهر از روی محاوره عربی باید بامر الله باشد یعنی با امر خدا. اما این اسلوب خاص دارای دو معنی است که از امر خدا برای نگهداشتن از تقدیر خدا، امر خدا ظاهر میشود.

لَهُ مَعْقِبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ  
يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ  
مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ  
وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ آفَآءٍ مَّا رَدَّ لَهُ  
وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَّآلٍ ⑩

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا  
وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ⑪

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ  
خِيفَتِهِ ۗ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ  
بِهَا مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ ۗ

وَهُوَ شَدِيدُ الْحَالِ ﴿۱۱﴾

فرستد. پس بوسیله آنها هر که را خواهد سختی میرساند درحالی که آنها جهت خدا جدال کنند و او سخت عقوبت است (۱۴)

ودعای راستین از او کرده میشود و آنان را که گذشته از خدا می خوانند برایشان هیچم استجابت نکنند جز اینکه آنها مانند کسی اند که دو دست خود را بسوی آب دراز کند تا آن بدهنش برسد حالی که آن به او رسنده نیست و دعای کافران نیست جز در گمراهی سرگردانی (۱۵)

و خدا را سجده کند هر چه در آسمانهاست و زمین کام و ناکام و هم سایه هایشان بامگاه و شام گاه [سجده افتاده است] (۱۶)

بپرس کیست پروردگار آسمانها و زمین؟ بگو خداست. بگو پس آیا جز او معبودان را فرا گرفته اید که برای خودشان هم سود و زیان

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ شَيْءٌ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفَيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِمْ ۗ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿۱۱﴾

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلْمُهُم بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ ﴿۱۱﴾

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ قُلِ اللَّهُ ۗ قُلْ أَفَأَتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا ۗ قُلِ

را اختیار ندارند؟ بپرس آیا کور و بینایکسانند یا آیا ظلمت‌ها و روشنی یکسان است یا شریکان خدای که قرار داده اند آنها مانند آفرینش او آفریده اند تا این آفرینش برایشان مبهم شده است؟ بگو خدا آفریدگار هر چیزی است و او یکتا صاحب جبروت است (۱۷)

او آب را از آسمان نازل کرد که وادیه‌بان‌دازه خود جاری شد. پس سیل کف بالایی را برداشت و چیزی که بر آن افروزند آتش را بخواست زیورهایا کالامای مانند آن. از آن نیز کفی مانند اینست. اینگونه خدا حق و باطل را مثال میزند. پس آنچه کف است آنگاه دور میشود و اما آنچه مردم را سود رساند پس در زمین مکت میکند. بدینسان خدا مثلها را بیان میکند (۱۸)

برای آنانکه به دعوت خدا

هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۗ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ۗ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ۗ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۗ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿۱۷﴾

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا ۗ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ ۗ كَذٰلِكَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ۗ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذٰهَبُ جُفَاءً ۗ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ۗ كَذٰلِكَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ ﴿۱۸﴾

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ ۗ

وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي  
 الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ  
 أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ  
 جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿۱۱﴾

ع ۱۱

لیک گویند خوبی است. و آنانکه  
 به دعوت او لیک نگویند اگرچه  
 آنچه در زمین است سراسر و  
 برابر آن بعلاوه آن، از آن آنها باشد،  
 حتمًا آنرا فدا داده خویشان را  
 نجات دهند. همانند که برای آنها  
 حساب است بسیار بد و جایگاه  
 آنها جهنم است و چه زشت جای  
 گاه است (۱۹)

پس آیا آنکه میداند که آنچه بر  
 تراز پروردگارتونازل کرده شد  
 حقّ است مانند آنکس است که او  
 کور است؟ یقینًا بند تنها اهل  
 خرد میپذیرند (۲۰)

کسانیکه به عهدخداى وفا کنند و  
 عهد موثق را نقض نکنند (۲۱)

وکسانیکه پیوند کنند آنچه را  
 خدا به پیوند آن فرمان کرده  
 است و از پروردگار خود هراس  
 دارند و از حساب بد ترسناک  
 اند (۲۲)

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ  
 الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو  
 الْأَلْبَابِ ﴿۱۰﴾

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ  
 الْمِيثَاقَ ﴿۱۰﴾

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ  
 يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ  
 سُوءَ الْحِسَابِ ﴿۱۱﴾

و کسانی که به طلب خوشنودی  
 پروردگار خود صبر کردند و نماز را  
 بیای داشتند و انفاق کردند از  
 آنچه ما بدیشان در دادیم مخفی و  
 علنی و بانیکیها بدیهارا دور کنند  
 همانند که خانه آخرت برای  
 ایشان است (۲۳)

بهشتهای جاودان که بداخل آنها  
 شوند ایشان و آنکه از پدرانشان  
 و مسرانشان و نژادشان اصلاح  
 کرد و فرشتگان از هر در بر  
 ایشان وارد خواهند شد (۲۴)

سلام باد بر شما بیاداش آنچه  
 شکیائی نشان دادید. پس چه  
 تشنگ است خانه آخرت (۲۵)

و آنانکه عهدخداى راپس از توفیق  
 آن بشکنند و بپسند آنچه را که خدا  
 به پیوند آن فرمان کرده است و  
 در زمین فساد کنند همانند که  
 بر آنها لعنت است و برای آنها  
 بسیار زشت خانه است (۲۶)

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ  
 وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ  
 سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ  
 السَّيِّئَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۱۳﴾

جَبَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ  
 آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ  
 وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿۱۳﴾

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ  
 عُقْبَى الدَّارِ ﴿۱۳﴾

وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ  
 مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ  
 يُؤْصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ  
 لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿۱۳﴾

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ<sup>ط</sup>  
وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ  
الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ﴿٢٧﴾

ع ۴

خدا برای هر که خواهد رزق را فراخ گرداند و تنگ گرداند و آنان بر زندگی دنیا دلخوش شده اند و زندگی دنیا در آخرت [بخاطر] نباشد جز مایه عیش (۲۷)

و کسانی که کفر کردند گویند، چرا بر او از پروردگارش يك نشانه هم نازل نشد. بگو، همانا خدا هر که را خواهد گمراه میگرداند و هدایت میکند او را بسوی خود که فروتنی کند (۲۸)

آنانکه ایمان آوردند و دلهای ایشان از یاد خدا آرامش یابد باش! دلهای از یاد خدا آرامش مییابد (۲۹)  
آنانکه ایمان آوردند و نیکوکاری کردند مقامگاه تمیز است برای ایشان و بسیار تشنگ بازگشت گاهی است (۳۰)

اینطور ما تورا در قومی فرستادیم که پیش از آنها بسا امتها در گذشته بودند تا تو آنها را بر آنها فروخوانی

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ۗ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَىٰ آلِيهِ مَنْ آتَابَ ﴿٢٨﴾

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ ۗ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٩﴾

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنُ مَا أَجْرٌ ﴿٣٠﴾

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَا فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِيَتْلُوا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ

بِالرَّحْمَنِ ۖ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ  
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ﴿۱۳﴾

که ما به سوی تو وحی کرده ایم  
حالیکه آنها از رحمان انکارکنند.  
بگو، او پروردگار من است. هیچ  
معبودی نیست مگر او، براو توکل  
میکنم و بسوی او روی فروتن می  
آورم (۲۱)

و اگر قرآن میبود که کوهها بوسیله  
آن حرکت داده میشدند یا زمین  
بوسیله آن ازهم شکافته میشد یا  
مردگان بوسیله آن بتکلم آورده  
میشدند [بازهم دودلی داشتند]  
بلکه فیصل تماراز آن خدا است.  
پس آیاسانیکه ایمان آورده اند  
ازین امر باخبر نشدند که اگر خدا  
میخواست همه مردم را یکجا  
هدایت میداد؟ و آنانکه کفر کردند  
آنها را پیوسته آفت کوبی میرسد  
بعلت کرده هایشان یا آن [آفت]  
نزدیک خانه های آنها نازل آید تا  
آنگاه که وعده خدا برسد. یقیناً خدا  
خلف وعده نکند (۲۲) ++ ص: ۵۷

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ  
قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتُ ۚ  
بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا ۚ أَفَلَمْ يَأْتِ  
الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى  
النَّاسَ جَمِيعًا ۚ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا  
تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ  
قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ ۚ  
إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۱۳﴾

ع

و یقیناً رسولان پیش از تو هم  
بیاد سخریه گرفته شدند. پس من  
آنانکه کفر کردند را مهلت دادم  
سپس آنها را بگرفتیم. پس عقوبت  
من چطور [عبرتتاک] بود (۲۳)

پس آیا آنکه نگهبانست بر مرکب  
به آنچه او کسب کرد [محاسب  
الحق نیست؟] و شریکان خدا قرار  
داده اند. بگونه‌ماشان برخوانید  
یا اورا خبر دهید به آنچه اودر زمین  
نمیداند یا این فقط از سخنان ریاء  
است؟ واقعیت اینست آنانکه کفر  
کردند را نیرنگشان زیبا نشان  
داده شدو آنها از [هدایت] بازداشته  
شوند و آنرا که خدا گمراه سازد  
پس او را کسی هدایت دهنده  
نیست (۲۴)

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلِي مِّنْ قَبْلِكَ  
فَأَمَلَيْتُمُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاِنَّكُمْ لَأَخَذْتُمْ<sup>۲۳</sup>  
فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ۝۲۳

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا  
كَسَبَتْ ۗ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ ۗ قُلْ  
سَمُّوهُمْ ۗ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي  
الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ ۗ بَلْ زُيِّنَ  
لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ  
السَّبِيلِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ  
هَادٍ ۝۲۴

آیت ۲۲: نیست تلاوت قرآن که کوهها از آن حرکت کنند و نه زمین میشکافت مگر  
اینهمه فقط بفرمان خدا ممکن است. این سخن کنایه ای است به این امر نیزکه  
ناشی از گفته ای حضرت مسیح نه کوهها حرکت کردند و نه زمین میشکافت و نه  
مردگان زنده میشدند جز اینکه امر خدا کارفرما بود.



آنانرا درزندگی دنیا عذاب است و عذاب آخرت سختتر است و کسی آنها را از خدا نجات دهنده نیست (۲۵)

مثل است آن بهشتی را که به متقیان وعده داده شد که در دامنه آن نهرهای روانست. خوردنیهای آن برقرار است و هم سایه آن. این عاقبت است آنانرا که تقوی اختیار کردند و عاقبت کافران آتش است (۲۶)

وآنانکه بدیشان کتاب دادیم خرسند شوند به آنچه بسوی تو فرورستاده شود و بعضی از احزاب اند که بیعضی [بخشهای] آن انکار میکنند. بگو: من فقط [این] فرمان شده ام که خدا را عبادت کنم و با او شریک قرار ندم. من به سوی او دعوت میکنم و برگشت من بسوی او است (۲۷)

و بدینسان ما آنرا حکمی فصیح

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابُ الْأَخِرَةِ أَشَقُّ ۚ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۝

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ ۗ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ أُكْلُهَا دَائِمٌ ۖ وَظِلُّهَا ۗ تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا ۗ وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ۝

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ ۗ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ ۗ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مآبٌ ۝

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ۗ وَلَئِنْ

و بلیغ نازل کردیم و اگر پس از آنکه دانشی به تو آمد از پی هوای نفسانی آنها رفتی کسی بغیر از خدا تو را دوست و

۳۸

نجات دهنده نیست (۳۸)

و یقیناً ما رسولانی پیش از تو فرستادیم و برای ایشان همسران و فرزندان قرار دادیم و نیست ممکن رسولی را که آیتی بدون اذن خدا بیآرد و هر یک زمان

معین را نوشته ای است (۳۹)

خدا هر چه را میخواهد محو میسازد و ثابت میدارد و منبع همه نوشته ها نزد او است (۴۰)

و اگر بعضی از آن وعدههای انذاری را که به آنها میدیم به تو نشان دهیم یا تو را وفات دهیم پس [در هر صورت] برتو فقط ابلاغ کردن و حساب کردن بر ما است (۴۱)

آیا نه نگریستند که ما زمین را از کناره های آن می‌کامیم و خدا

اتَّبَعَتْ اَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۗ مَا لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّ لَا وَاقٍ ۙ ﴿٣٨﴾

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ اَزْوَاجًا وَّ ذُرِّيَّةً ۗ وَّ مَا كَانَ لِرَسُولٍ اَنْ يَّاتِيَ بِآيَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۗ لِكُلِّ اَجَلٍ كِتَابٌ ﴿٣٩﴾

يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ ۗ وَّ عِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ ﴿٤٠﴾

وَ اِنْ مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ اَوْ نَتَوْقِيَنَّكَ فَاِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلٰغُ وَّ عَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿٤١﴾

اَوْ لَمْ يَرَوْا اَنَّا نَاتِي الْاَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ اَطْرَافِهَا ۗ وَّ اللّٰهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ

لِحُكْمِهِ ۖ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤١﴾

فیصل میکند و فرمان او را کسی  
بازدارنده نیست و او زود حساب  
است (۴۲)

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ  
الْمَكْرُ جَمِيعًا ۖ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ  
نَفْسٍ ۖ وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ لِمَنْ عُقِبَى  
الدَّارِ ﴿٤٢﴾

و یقیناً کسانی که قبل از آنان بودند  
نیز نیرنگ کرده بودند حالانکه  
نیرنگ کلیه بدست خدا است. او  
میداند آنچه هر جان کسب کند و  
منکران حتماً بدانند که فرجام  
[نیکو تر] خانه برای کیست (۴۳)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلَسَتْ مُرْسَلًا ۖ  
قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ  
وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿٤٣﴾

و گویند کسانی که کفر کردند که  
تو فرستاده ای نیستی. بگو، میان  
من و میان شما گواه بس است  
خدا و آنکس که نزد او علم  
کتاب است (۴۴)

## ۱۴- سورة ابراهيم

این سوره مکی است و با بسم الله ۵۳ آیت دارد. این سوره نیز با همان حروف مقطعات از سوره الرعد "الر" شروع میشود و همان شرح شامل شرح این سوره نیز میشود.

پایان سوره قبلی عبارت از این آیه است، "وگویند کسانی که کفر کردند که تو رسول نیستی. بگو، خدا میان من و شما گواه بس است و هم آنکه علم کتاب همراه دارد."

پس آغاز این سوره نیز با ذکر کتاب میشود و نزول کتاب را این حکمت بیان میشود که این بر تو برای این نازل کرده میشود که مردم از تاریکیها به نور در آورده شوند. در ضمن ذکر است که حضرت موسی علیه السلام نیز کتاب بهمین منظور داده شدند. سپس تذکر از آن هشدار از حضرت موسی است که ایشان قوم خویش را دادند که شما و آنها که در زمین زندگی می کنند همگانه انکار کنید پس خدا از انکار شما بی نیاز است و اگر شما او را ستایش نکنید او در ذات خود صاحب ستایش است.

پس از آن سخن از سایر پیغمبران و علت مخالفت از قومهای ایشان گفته میشود. انکار آنان بدانعلت بود که آنها پیغمبران را انسانی مانند خویش میپنداشتند که وحی پاک از خدا نمیتواند بر ایشان نازل شود.

در این سوره يك سخن جدید اینست که مبحث عقیده قتل مرتد برداشته میشود. حقیقت امر اینست که عقیده قتل مرتد عقیده اجتماعی از منکران پیغمبران بود. پس آنها هر کدام پیغمبر را مرتد انگاشته هشدار میدادند که

می بایستی او به دین ایشان برگردد و الا آنها بپاداش ارتدادش او را تمییدخواهند کرد. لذا خداوند به رسولان خود وحی فرستاد آنانکه خواهان ملاکت شما اند خودشان ملاک کرده خواهند شد. تا آن انتها که آن مال و منال که خویشان را به مالکیت آن گماشته اند شما وارث آنها میگردید.

در این سوره شرح فوق العاده ای از حرف "کلمة" داده میشود و معنای واژه "شجرة" نیز بروشنی بیان شده است. مثل شجره طیبه بمثل انسانهای پاک یعنی پیغمبران میباشد که ظاهراً اصل ایشان به زمین پیوست است ولی ایشان غذاروحانی خود از آسمان میگیرند و ایشان را این غذا بی آنکه فصل بهار است یا پاییز در هر حال اعطاء میشود. عیناً خلاف این. شجره خبیثه حاکی از آن کسانست که به مخالفت پیغمبران میپردازند و مثل آنها بمثل آن درختان است که اصل آنها به ژرف زمین نه پیوسته و تندی بانها را برکنده جابجا میپراکنند. پس منتها مخالفان انبیاء که به دنبال تندی آرزوی نفس خویش موضع نیرنگ خود را گاه بگاه تغییر حال داده به مخالفت انبیاء برخیزند نیز به حالت نابودی کشیده شوند.

ضمناً آن دعا از حضرت ابراهیم علیه السلام است که به خانه کعبه بستگی دارد. در این التجا کرده شد که به بومیان مجاورخانه کعبه از دورا دور انواع میوه ها ارزانی داشته شود و بعداً همینطور بظهور آمد. ایشان هم میوه های جسمانی ارزانی داشته شدند و هم میوه های روحانی و اجمالاً ذکر از این در سوره قریش نیز رفته است. بزرگترین میوه های روحانی در وجود مبارک آنحضرت ﷺ ظاهر شد. ایشان بصورت آن شجره طیبه بظهور آمدند که نوع بشر را از میوه های آسمانی بفراوانی بهره مند ساخت.

در پایان این سوره فرموده شد که کفار خلاف اسلام یا رسولان هر چه نیرنگ زنند و حتی کوه ما نیز از نیرنگ آنها بحرکت آیند بازهم نیستند که رسولان خدا را ناکام سازند.

اینجا مثل زدن از کوه ما دال بر اینست که آنحضرت ﷺ نیز در صورت رسولی متشابه کوهی سرافراشته تر از جمله رسولانی کوه مانند میباشند. پس پایان این سوره عبارت از این کلمات است که زمین و آسمان منکران رسول الله ﷺ دگرگون کرده شوند و ببدل آنها زمین و آسمان جدیدی بنا شود که در نتیجه آن آنها گروه گروه بحضور خدای متعال صاحب غلبه کامل بیرون خواهند آمد.

☆ سُورَةُ اِبْرَاهِيمَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَ سَبْعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

الرَّكْعَةُ كِتَابٌ اَنْزَلْنَاهُ اِلَيْكَ لِتُخْرِجَ  
النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ يَا ذٰنِ  
رَبِّهِمْ اِلَى صِرَاطٍ الْعَرِیْزِ الْحَمِیْدِ ②

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)  
[أناالله أرى آمنم خدا - من  
میبینم. این کتابی است که آن را  
بسوی توفروفرستاده ایم تامردم  
را به اذن پروردگار ایشان از  
تاریکیها بسوی نوربیرون آورده  
برآن راه بیندازی که راه صاحب  
غلبه کامل و صاحب ستایش  
است(۲)

یعنی[راه] آن خدا که مرجه در  
آسمانها و مرجه در زمین است از  
آن اواست و کافران را از عذابى  
شدید هلاك است(۳)

[یعنی] کسانی را که زندگی دنیا  
را در مقابل آخرت زیاد دوست  
دارند و از راه خدا بازمیدارند  
و آنها کج میخوانند آنها در

اللّٰهُ الَّذِیْ لَهُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی  
الْاَرْضِ ۗ وَوَعِیْلٌ لِّلْكَافِرِیْنَ مِنْ عَذَابٍ  
شَدِیْدٍ ③

الَّذِیْنَ یَسْتَحِبُّوْنَ الْحَیْوةَ الدُّنْیَا عَلٰی  
الْاٰخِرَةِ وَیَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِیْلِ اللّٰهِ  
وَیَبْغُوْنَهَا عَوْجًا ۗ اُولٰٓئِكَ فِیْ ضَلٰلٍ

بَعِيدٍ ①

گمراهی دور اند (۴) .

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِبَلْسَانٍ قَوْمِهِ  
 لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ۖ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ  
 وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ  
 الْحَكِيمُ ⑤

وهیچ پیغمبری را نفرستادیم مگر  
 در زبان قوم وی تا برای ایشان  
 روشن بیان کند. پس خدا هر که  
 را خواهد گمراه میسازد و هر که  
 را خواهد هدایت میدهد و او  
 صاحب غلبه کامل صاحب حکمت  
 است (۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ  
 قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ  
 وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِنَا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ  
 لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ①

و یقیناً ما موسی را با آیتهای  
 خود فرستادیم که قوم خود را از  
 تاریکیها بروشنی بیرون بیارو آنها  
 را به روزهای خدا تذکر بده. یقیناً  
 در آن برای همه صبورانی سیاس  
 گذاران بسیار آیتهاست (۶)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ  
 اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَخْرَجَكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ  
 يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَّبِحُونَ  
 أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۗ وَفِي  
 ذِكْرِكُمْ بَلَاءٌ ۖ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ⑤

و [بباد آرید] هنگامیکه موسی بقوم  
 خود گفت که یاد کنید نعمت خدا  
 را بر خودتان چون او شما را از  
 فرعونیان نجات داد. آنها بشما  
 بدترین عذاب میدادند و پسران  
 شما را میکشتند و زنان شمارانگه  
 میداشتند و در آن شما را از



پروردگار خود آزمایشی بزرگ  
بود (۷)

و هنگامیکه پروردگارتان اعلام  
کرد که اگر شما سپاسداری کنید  
حتماً من به شما فزونتر میدهم و  
اگر ناسپاسی کنید یقیناً عذاب من  
بسیار سخت است (۸)

و موسی گفت، اگر شما و هر چه  
در زمین است همه بهم ناسپاسی  
کنید پس خدا یقیناً بی نیازی  
صاحب ستایش است (۹)

آیا شما را خبر آنهایی آمد که پیش از  
شما بودند یعنی قوم نوح و عاد و  
ثمود و کسانی که بعد از ایشان بودند  
آنها را جز خدا کسی نمیداند. آنها  
را رسولان نشان بانسانه های آشکار  
آمدند پس آنها [تکبرکنان] دستهای  
خود را بر دهنهای خود نهادند و  
گفتند یقیناً ما به آنچه با آن شما  
فرستاده شدید انکار میکنیم و  
یقیناً ما جهت آنچه بسوی آن ما را

وَإِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْ رَبِّكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَعْلَمَ الْغُيُوبَ  
لَا زَيْدٌ لَكُمْ وَاللَّيْلِ مِنَ الْمَكَّةَ لَمَّا سَأَلْتَهُمْ لِيُجِيبُوا سَأَلَهُمْ  
لَشَدِيدٌ ۝۸

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي  
الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝۹

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُوءُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمُ  
نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ۗ وَالَّذِينَ مِنْ  
بَعْدِهِمْ ۗ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ۗ جَاءَتْهُمْ  
رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي  
أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا  
أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا  
تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ۝۱۰

میخوانید درشکی ناراحت کننده

هستیم (۱۰)

رسولان آنها گفتند، آیا جهت خدا شك است که آفریدگار آسمانها و زمین است؟ او شمارا میخواند تا گنامانتان را برای شما بیامرزد و شماراتانهایت زمانی معین فرصت دهد. آنها گفتند، نیستید شما جز بشری مانندما. [آیا] میخواهید ما را باز دارید از آنچه پدران ما پرستش میکردند. پس ما را حجتی غالب و آشکار بیار (۱۱)

رسولان ایشان بدیشان گفتند، یقیناً نیستیم ما جز بشری مانند شما اما خدا بر هر که از بندگان خود بخواهد منت مینهد و ما را توان نیست حجتی غالب بیاریم جز به اذن خدا و باید مومنان بر خدا توکل کنند (۱۲)

و چیست ما را که بر خدا توکل نکنیم حالانکه او [خودش] ما را به

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَدْعُوكُمْ  
لِيُعَذِّبَ لَكُمْ ۖ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ  
إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَىٰ ۗ قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ  
مِّثْلُنَا ۗ تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانُوا  
يَعْبُدُ آبَاءَنَا وَنَا فَا تُوْنَا بِسُلْطَنٍ مُّبِينٍ ۝۱۰

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ  
مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ  
مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ  
بِسُلْطَنٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ  
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝۱۱

وَمَا لَنَا أَلَّا تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا  
سُبُلَنَا ۗ وَلَنْصِيرَنَّ عَلَىٰ مَا أَذَيْمُونَا ۗ

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿۱۳﴾  
 راهای مارمنمائی کرد و البته ما  
 صبرکنیم بر آنچه بما اذیت کنيد  
 پس باید توکل کنندگان بر خدا  
 توکل کنند (۱۳)

و کسانی که کفر کردند به رسولان  
 خویش گفتند، حتماً ما شما را از  
 سرزمین خود تبعید کنیم یا باید  
 در ملت ما برگردید. پس پروردگار  
 ایشان برایشان وحی فرستاد که  
 یقیناً ستمکاران را به هلاک می  
 رسانیم (۱۴)

و یقیناً شما را پس از آنهادر سرزمین  
 [آنها] آبادان نمائیم. این برای آن  
 کس است که از مقام بيمدارد و  
 از هشدارم میترسد (۱۵)

وایشان [از خدا] پیروزی خواستند  
 و هر دشمنی طغیانگر هلاک شد (۱۶)  
 و رای آن برایش جهنم است و از  
 آبی چرك زخم نوشانده شود (۱۷)  
 او آنرا جرعه جرعه بنوشد و  
 نتواند براحتی فروبرد و مرگ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ  
 لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي  
 مِلَّتِنَا فَأُوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ  
 الظَّالِمِينَ ﴿۱۴﴾

وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۗ ذَٰلِكَ  
 لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ﴿۱۵﴾

وَأَسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿۱۶﴾

مِّنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ  
 صَدِيدٍ ﴿۱۷﴾  
 يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ  
 الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۗ

وَمَنْ وَّرَاهُمْ عَذَابٌ غَلِيظٌ ۝۱۸

او را از هر سوی بیاید و نتواند  
ببیرد و ورای آن عذابی بسیار  
سخت است (۱۸)

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ  
كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ  
عَاصِفٍ ۗ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى  
شَيْءٍ ۗ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ البُعِيدُ ۝۱۹

مثل آنانکه پروردگار خود کفر  
کردند اینست که اعمال ایشان  
مانند آن خاکستراست که بر آن  
در روز طوفان بادی تند بوزد. بر  
هیچ از آنچه کسب کردند قدرت  
نیابند. همین است که گمراهی  
دور است (۱۹)

الَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
بِالْحَقِّ ۗ إِنَّ يَشَاءُ يَذْهَبِكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ  
جَدِيدٍ ۝۲۰

آیا حالی نیستی که خدا آسمانها  
و زمین را بحق آفریده است اگر  
بخواهد شمارا میبرد و آفرینش  
جدیدی میآرد (۲۰) ++

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۝۲۱

و این بر خدا هیچ مشکل  
نیست (۲۱)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ  
لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا  
فَهَلْ أَنْتُمْ مُخْتُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ

و همه بهم برای خدا بیرون آیند.  
پس مستضعفان به مستکبران  
گویند، ما شمارا پیروی کنندگان

++ آیت ۲۰: اظهار احتمالی است که اگر خدا بخواهد او میتواند نوع بشر را کلیه نابود

سازد و مخلوقی جدید را وارث زمین بگرداند و اینکار خدا را هیچ مشکل نیست.

مِنْ شَيْءٍ ۱۰ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ  
لَهَدَيْتُكُمْ ۱۱ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرُ عَنَّا أَمْ  
صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنَ مَحِيصٍ ۱۲

۱۰  
۱۱  
۱۲

بودیم پس آیا شما بکمی هم عذاب  
خدا را از ما دور کنندگانید؟ آنها  
گویند، اگر خدا بمامدایت میداد  
حتماً شمارا هدایت میدادیم برای  
ما یکسانست چه بیتاب باشیم چه  
صبرکنیم ما را هیچ راه گریز  
نیست (۲۲)

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ  
وَعَدَّكُمْ وَعَدَّ الْحَقِّ ۱۰ وَعَدَّكُمْ  
فَاخْلَفْتُمْ ۱۱ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ  
سُلْطٰنٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ  
لِي ۱۲ فَلَا تَلُمُونِي وَلَا تَلُمُوا أَنْفُسَكُمْ ۱۳  
مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ  
بِمُصْرِخِي ۱۴ إِنْ كَفَرْتُمْ بِمَا  
أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ ۱۵ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۶

و چون کار گذرانیده شود شیطان  
گوید یقیناً وعده ی که خدا به  
شما داد آن وعده درست بود در  
حالی که وعده که من به شما دادم  
تخلف آن میکردم و مرا بر شما  
غلبه ی نبود جز آنکه شما را فرا  
خواندم و شما مرا پذیرفتید. پس  
مرا ملامت نکنید بلکه خودتان را  
ملامت کنید. امروز نه من فریاد  
رس شما ام و نه شما فریادرس  
منید. یقیناً من انکار کنم بدانچه  
قبلاً مرا شریک میکرداندید. همانا!  
ستمکارانند که برای آنها عذابی  
دردناک است (۲۳)

و آنانکه ایمان آوردند و اعمال شایسته کردند و باغهای شوند که در دامنه آنها نهرهای روان است. ایشان در آنها به اذن خدا جاویدان شوند. تحفه آنان در آنها سلام [بهمدیگر] است (۲۴)

آیادیدی چگونه خدا مثل زد که کلمه پاک مانند درختی پاک است - اصل آن محکم پیوسته و شاخه اش در آسمان است (۲۵)

مأکولاتش را به اذن خدا هر آن می دهد و خدا برای مردم مثلها میزند تا باشد که آنها پند بگیرند (۲۶)

و مثل کلمه نایک مانند درختی است که از روی زمین برکنده شود و برای آن [جای] قرار نیست (۲۷)

خدا آنانکه ایمان آوردند را در زندگی دنیا و در آخرت بگفتار استوار ثابت میدارد و خدا ستم کاران را گمراه مینماید و خدا

وَأَدْخَلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ<sup>ط</sup> يُحِبُّهُمْ فِيهَا سَلَامٌ<sup>١١</sup>

الْمُتَرَكِّفُ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ<sup>١٢</sup>

تَوَاتَى أَكْلَهَا كُلِّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا<sup>ط</sup> وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ<sup>١٣</sup>

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ<sup>١٤</sup>

يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ<sup>ط</sup> وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ<sup>١٥</sup>

میکند آنچه بخواهد (۲۸)

ایانگاه کردی بسوی آنانکه نعمت  
خدا را بکفر بدل کردند و قوم خود  
را در خانه هلاک فرودادند (۲۹)

یعنی جهنم که وارد آن شوند و  
چه زشت قرارگاه است (۳۰)

و شریکان خدا گزیدند تا از راه  
او گمراه سازند. بگو، بهره بکشید  
پس حتماً مسیر شما بسوی آتش  
است (۳۱)

بگو به آن بندگانم که ایمان آورده  
اند که نماز را بجای دارند و  
انفاق کنند نهان و عیان از آنچه  
اعطایشان کرده ایم پیش از آنکه  
روزی فرارسد که در آن نه داد و  
ستد و نه دوستی است (۳۲)

خدا است آنکه آسمانها و زمین را  
آفرید و آب را از آسمان فرو  
فرستاد. پس بوسیله آن برای شما  
از میوهها رزق درآورد و کشتیها  
را برای شما سخر کرد تا بفرمان

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا  
وَ أَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ ۗ ﴿۲۹﴾

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا ۖ وَيَسَّ الْقَرَارُ ۝ ﴿۳۰﴾

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ۖ  
قُلْ تَمَعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ۝ ﴿۳۱﴾

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ  
وَيُنْفِقُوا رِزْقَهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً مِّنْ  
قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ ۝ ﴿۳۲﴾

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ  
الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمْ  
الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۖ

وَسَخَّرَ لَكُمُ الْاَنْهَارَ ۝۳۳

او در دریا حرکت کنند و نهرها

را برایشما مسخر کرد (۳۳)

و خورشید و ماه مدام گردش

کنندگان را برایشما مسخر کرد و

برای شما شب و روز را مسخر

کرد (۳۴)

و هر چه را از او درخواستید شما

را داد و اگر نعمت‌های خدا بشمرید

نمی‌توانید آنها را بشمار آرید. یقیناً

انسان بسیار ستمکننده‌ی بسیار

ناسپاس است (۳۵)

و آنگاه که ابراهیم گفت.

پروردگارا! این شهر را جای ایمن

بساز و مرا و فرزندانم را از

این نگهدار که بتان را پرستش

کنیم (۳۶)

پروردگارا! آنها بسیاری از مردم

را گمراه ساخته‌اند. پس آنکه از

من متابعت کرد آنگاه حتماً او از

من است و آنکه از من نافرمانی

کرد پس تو بسیار آمرزنده‌ی بارها

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

دَآبِّينَ ۚ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْاَيَّلَ وَالنَّهَارَ ۝۳۴

وَأْتَكُم مِّنْ كُلِّ مَآسَأْتُمُوهُ ۗ وَإِن

تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصَوْهَا ۗ إِنَّ

الْاِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ۝۳۵

ع ۳۳

وَإِذْ قَالَ اِبْرٰهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ

اٰمِنًا وَّ اجْعَلْنِيْ وَبَنِيَّ اَنْ تَعْبُدَ

الْاَصْنَامَ ۝۳۶

رَبِّ اِنَّهُمْ اَضَلُّنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ ۚ

فَمَنْ يَّبْعَنِيْ فَاِنَّهٗ مِنِّيْ ۚ وَمَنْ عَصَانِيْ

فَاِنَّكَ عَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝۳۷



رحم کننده هستی (۲۷)

پروردگارا! من بعضی از نوادم را  
 دروادی لم یزرع نزدخانه مقدس  
 تو مسکن داده ام ای پروردگار  
 مآتا ایشان نماز را بیای دارند. پس  
 دلهای مردم را بسوی ایشان متماثل  
 بساز و ایشان را از میوه ها رزق  
 اعطا کن تا باشد ایشان سپاسداری  
 کنند. (۲۸)

پروردگارا! یقیناً تو میدانی آنچه  
 مانهان کنیم و آنچه ما عیان نمائیم  
 و یقیناً بر خدا چیزی نهان نیست در  
 زمین و نه در آسمان (۲۹)

ستایش مطلق از آن خداست آنکه  
 مرا سرکه هلت اسمعیل و اسحاق  
 اعطا کرد. یقیناً پروردگارم بسیار  
 شنوای دعا است (۴۰)

پروردگارا! بساز مرا بیای دارنده  
 نماز و نوادم را. پروردگارا! دعائم  
 را قبول بفرما (۴۱)

پروردگارا! بیا مرز مرا و والدینم

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ  
 ذِي زُرْعَةٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا  
 لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ  
 النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ  
 الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿۲۸﴾

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ  
 وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ  
 وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿۲۹﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ  
 إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ  
 الدُّعَاءِ ﴿۴۰﴾

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ  
 ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿۴۱﴾

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿١٣﴾

۱۳

را و مومنان را روزی که حساب  
برپا گردد (۴۲)

و مرگز خدا را از آن امر غافل  
مپندار که ستمکاران انجام دهند.  
یقیناً او آنها را تا روزی فرصت  
دهد که دیدگان در آن خیره  
بماند (۴۳)

آنها هراسان و سرمای خود بالا  
کرده سرگردان شوند و نگاه آنها  
بسوی آنها برنگردد [یعنی چیزی  
دیده نشود] و دلهای آنها ویران  
گردد (۴۴)

و هشدار بده مردم را از آن روز  
که به آنها عذاب فرارسد. پس  
کسانیکه ستم کردند گویند: ای  
پروردگار ما! ما را مدتی کوتاه  
مهلت بده. ما دعوت تو را پذیرفته  
و از رسولان تو متابعت خواهیم  
نمود. [خطاب شود] آیا شما پیش  
از این قسمانی خوردید که به شما  
هیچ زوال نیست (۴۵)

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ  
الظَّالِمُونَ ۚ اِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ  
تَشْخَصُ فِيهِ الْاَبْصَارُ ﴿١٤﴾

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ  
إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ ۗ وَأَفِئْتُهُمْ هَوَآءٍ ﴿١٤﴾

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَا تِيهِمُ الْعَذَابُ  
فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا آخِرْنَا إِلَىٰ  
أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ لُنَجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ  
الرُّسُلَ ۗ أَوْلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ  
قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ ﴿١٥﴾

و شما در منازل آنهائی مسکن می داشتید که بر جانهای خودستم کردند و شمارا این امر نیک روشن شده بود که ما با آنها چگونه رفتار کردیم و مثلها را برایشما بروشنی بیان کرده ایم (۴۶)

و بیگمان حیلۀ خود را [حتی المقدور] تدبیر کردند و حیلۀ آنها نزد خدا است اگر چه حیلۀ آنها بود که کومها از آن از جای خود دور میشد (۴۷)

پس مبندار که خدا وعده خود را بارسلوان خود حُلف کننده است. یقیناً خدا صاحب غلبه کامل و انتقام گیرنده است (۴۸)

روزیکه زمین به زمین دیگری و هم آسمان بدل کرده شود و برای خدایکتای صاحب جبروت بیرون آیند (۴۹)

و مجرمان را آنروز به زنجیرها بسته خواهی دید (۵۰)

وَسَكُنْتُمْ فِي مَسْكِينَ الَّذِينَ ظَلَمُوا  
أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ  
وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ ①

وَقَدْ مَكَرُوا وَمَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ  
مَكْرُهُمْ ۗ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ  
مِنْهُ الْجِبَالُ ②

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخَلَّفًا وَعَدِمَهُ رَسُولَهُ ۗ  
إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ③

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ  
وَالسَّمَوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ  
الْقَهَّارِ ④

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَّنِينَ فِي  
الْأَصْفَادِ ⑤

سَرَّابِيَهُمْ مِّنْ قِطْرَيْنِ وَتَغْشَى  
وَجُوهَهُمُ النَّارُ ﴿٥١﴾

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ ۗ إِنَّ اللَّهَ  
سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٥٢﴾

هَذَا بَلْعٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيَعْلَمُوا

أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو

الْأَلْبَابِ ﴿٥٣﴾

جامه های آنها از قطرانست و آتش

چهره های آنها را فرا گیرد (۵۱)

تا خدا مرئوس را پاداش دهد به آن

چه او کسب کرد. حتمًا خدا زود

حساب است (۵۲)

این برای مردم پیامی آشکار

است و برای اینکه بوسیله آن

مشار داده شوند و تا بدانند که

تنها او معبود یگانه است و تا

خردمندان پند بگیرند (۵۳)

## ۱۵ - سورة الحجر

این سوره مکی است و بایسم الله یکصد آیت دارد.

این سوره با "التر" میآغازد و مقطعات پس از این دیگر تکرار نشده است. بعلمت نشانه های جلالی و جمالی که در سوره گذشته مزبور است گاهی دل‌های کافران نیز مرعوب میشود و گاه بیگانه آنان حسرت میبرند کاشکی ما نیز از آنجمله تسلیم شدگان بشویم. اما بعداً دوباره بحالت اصلی خود باز میگردند. آنها از شناختن حقیقت غلبه پیغمبران بوسیله این اتهام طفره میروند که شاید چشمان آنها جادو شده است.

خدای متعال بصراحت اعلام میکند که دشمن هر چه میتواند بگوید البته مائیم که این کتاب را نازل کرده ایم و در آیه نیز از آن نگهداری خواهیم کرد.

در آیت‌های بعدی سخن از بروج گفته میشود که سورة البروج را بخاطر میآرد و پرده را از این موضوع که "ما این کلام را حفاظت خواهیم کرد" برمیدارد و حاکی از اینست که خداوند در غلامی آنحضرت ﷺ چنین مردان را برانگیزد که همه وقت به نگهداری قرآن مواظب باشند. ضمناً بروج عبارت از این نکته نیز است که آن مجددان دین که پس از آنحضرت ﷺ بعنوان دوازده برج آمده بودند ایشان نیز ماموران بر همین کار بوده اند.

بطوریکه مضامین قرآن را پایان نیست بر همین منوال خداوند گاه به گاه بخاطر بر آوردن نیازهای مادی انسان نیز چنین مخازن را ارزانی میدارد که پایان ناپذیرند. چنانچه نظام سوخت یکی از بزرگ ترین مثل‌های این

قبیل است. یقوت انسان را این فکر دامنگیر بود که اگر چوب تمام شود آنگاه چه میتوان کرد. گاهی این فکر فراگرفت که اگر مخازن زغال بپایان رسد چه کار توان کرد. بعدها این اندیشه تحت فشار گذاشت که اگر مخازن نفت تمام شد چه میشود. اما پیش از اینکه مخازن نفت بپایان برسد خدای لم یزل توجه انسان را به نیرو دیگری که پایان ناپذیر است جلب نمود یعنی نیروی اتمی. اگر انسان قابل به استفاده بردن از این نیرو بشود و تدابیر لازم را برضد تأثیرات منفی این بکاربرد، پس این نیرو تا قیامت پایان نمییابد. پس مانند خزائن روحانی قرآن، برای بقای بشر مخازن مادی نیز بی پایان است.

پس این ذکر است که بدنبال نازل آمدن این دو نوع مخزن که برای انسان تا قیامت ادامه خواهد داشت، شیطان نیز تردیدها خواهد انداخت و این سلسله تردیدها نیز تا قیامت انقطاع ناپذیر است.

ضمناً علاوه بر ذکر حضرت ابراهیم علیه السلام سخن از دیگر پیغمبران و قومهای ایشان نیز گفته میشود. بدین ترتیب مثل از قومهای اصحاب الایکه و اصحاب الحجر آورده فهمانیده میشود که خداوند در آینده نیز مخالفان پیغمبران را مدام به نابودی خواهد کشید.

ضمناً در این سوره سخن از مژده ای به حضرت ابراهیم علیه السلام جهت تولدیکی از پسران ایشان نیز گفته میشود. اگرچه این پیشگوئی حضرت اسحاق و حضرت یعقوب را هم ذکر میکند. اما ترجیحاً این پیشگوئی بستگی به حضرت اسماعیل علیه السلام دارد که از نژاد روحانی و جسمانی ایشان تولد آنحضرت ﷺ تقدیر شده بود.

پس آنحضرت ﷺ این تسلی داده شدند که از تسخر مخالفان صرف نظر کن ما حساب را خود ما با آنها تسویه کننده ایم. هرگاه دلت از سخنان آنها رنج کشد پس خدای خود را با صبوری پیوسته ستایش کن.

☆ سُورَةُ الْحَجْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ آيَةٌ وَسِتَّةٌ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

سیاربخشنده بارمارحم کننده (۱)

أَنَا اللَّهُ أَرَى [منم خدا - من می

الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ

بینم این آیتهای کتاب و قرآنی

مُبِينٍ ②

آشکار است (۲)

رَبَّمَا يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَكُنُوا  
مُسْلِمِينَ ①

ای بسا دوستدارند کسانی که کفر  
کردند کاشکی مسلمانان بودند (۳)  
و گذاران آنها را بخورند و وقتاً بهره  
کشی کنند و امیدها آنها را غافل سازد  
پس بزودی آنها بدانند (۴)

ذُرَّهُمْ يَا كُفُّوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ  
الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ①

و مامیچ شهری را هلاک نساختیم  
مگر برای آن کتابی معلوم بود (۵)  
و میچ قومی نه نهایت زمانی خود  
را پیشی گیرد و نه پس افتد (۶)  
و گفتند، ای آنکه بر او این ذکر  
ناز کرده شد یقیناً تو دیوانه ای (۷)  
چرا با فرشتگان نزد ما نمی آیی اگر  
تو از راستگویانی (۸)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ  
مَعْلُومٌ ①

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا  
يَسْتَأْخِرُونَ ①

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ  
إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ①

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِنْ كُنْتَ  
مِنَ الصَّادِقِينَ ①

ما فرشتگان را فرو نمی فرستیم مگر  
با حق و آنگاه آنها مهلت دادگان  
نباشند (۹)

مَا نُنزِّلُ الْمَلَكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا  
إِذَا مُنظَرِينَ ①

یقیناً ما این ذکر را نازل کرده ایم و  
یقیناً ما آنرا نگهدارندگانیم (۱۰) +

إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ①

و البته پیش از تو نیز در گروه های

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْعٍ

آیت ۱۰: وعده حفاظت قرآن ابدی است. مرگه به قرآن معنای دروغین نسبت داده

شود خدا کسی وجود روحانی را برای اصلاح آن مبعوث مینماید.



الْأَوَّلِينَ ﴿۱۱﴾

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۱۲﴾

كَذَلِكَ نَسُكُّهُ فِي قُلُوبِ

الْمُجْرِمِينَ ﴿۱۳﴾

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ

الْأَوَّلِينَ ﴿۱۴﴾

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا

فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿۱۵﴾

لَقَالُوا إِنَّمَا سَكِرَاتُ أَبْصَارِنَا بَلْ نَحْنُ

قَوْمٌ مَسْحُورُونَ ﴿۱۶﴾

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا

لِلنَّظَرِ إِنَّ

وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿۱۷﴾

پیشین [رسولان] فرستادیم (۱۱)

و هیچ رسولی بر آنها نیامد مگر

با او تمسخر میکردند (۱۲)

اینگونه ما این [بیباکی] را در دلهای

مجرمان داخل مینمائیم (۱۳)

ایمان نمیآرند به این [رسول] حال

آنکه عاقبت کار پیشینیان گذشته

است (۱۴)

و اگر دری را بر آنها از آسمان باز

میکردم پس در آن بالا رفتن را می

گرفتند [تا نشانه ای از صداقت

رسول را بچشمان خود مشاهده

کنند] (۱۵)

البته باز هم میگفتند فقط چشمان

مادمهوش کرده شد بلکه ما قومی

سحر شدگانیم (۱۶)

و ما ناماد را از آسمان منازل ستارگان

ساختیم و آن [آسمان] را برای

بینندگان مزین نمودیم (۱۷)

و آنها را از هر شیطانی رانده شده

نگه داری کرده ایم (۱۸)

مگر آنکه استراق سمع کند پس  
شعله آتش دنبالش میکند (۱۹)

و زمین را گسترانیدیم و در آن  
کوهها نهادیم و در آن از هر چیزی  
موزون را رویانیدیم (۲۰)

و در آن امرار معاش قرار دادیم  
برای شما و آنرا که شما رزق  
دهندگان نیستید (۲۱)

و هیچ چیزی نیست مگر گنجهایش  
نزدما است و آنرا نازل نمیکنیم  
مگر به اندازه معین (۲۲)

و بادهای گرانبار را فرستادیم پس  
از آسمان آبی نازل کردیم پس  
آنرا به شما نوشانیدیم حالیکه شما  
به اندوختن آن قادر نبودید (۲۳)

و همانا ما هستیم که زنده میکنیم  
و میمیرانیم و ما هستیم که وارث  
[هر چیز] شویم (۲۴)

و یقیناً دانسته ایم از شما سبقت  
داران را و البته دانسته ایم هم  
پس ماندگان را (۲۵)

إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ  
مُبِينٌ ⑩

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ  
وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ⑪

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ نَسْتُمِلُهُ  
بِرِزْقَيْنَ ⑫

وَأَنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا  
نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ⑬

وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَاَنْزَلْنَا مِنَ  
السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ  
بِخَزَائِنِ ⑭

وَأِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ  
الْوَارِثُونَ ⑮

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ  
عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ⑯

و یقیناً پروردگارتو آنها را محسور  
کند. هر آینه او بسیار صاحب حکمت  
صاحب علم دائمی است (۲۶)

و یقیناً آدمی را از لجن بویناک  
از گل خشکیده با صدای جرنگ  
آفریدیم (۲۷)

و جنها را پیش از این از آتش  
باد سخت گرم آفریدیم (۲۸) ++

و چون پروردگار تو به فرشتگان  
گفت، من بر آنم که بشری از گلی  
خشک با صدای جرنگ از لجن  
پوسیده بیافرینم (۲۹) ++

پس چون من آنرا بیآرایم و کلام  
خود را در او بدمم پس برای او  
سجده کنان بیفتید (۳۰) ++

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ ۗ إِنَّهُ حَكِيمٌ  
عَلِيمٌ ﴿٢٦﴾

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ  
حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٧﴾

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ  
السَّمُومِ ﴿٢٨﴾

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي خَالِقٌ  
بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٩﴾

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي  
فَقَعُوهُ لَسُجْدٍ لِّينٍ ﴿٣٠﴾

++ آیات ۲۷-۳۰: در این آیتها دو امر علی الخصوص لایق تدبیر اند.

اول اینکه انسان از گل محض نه آفریده شد بلکه از آن لجن است درجه عفونت پدید  
آمده بود و باز صورت گل خشکیده با صدای جرنگ را پذیرفت. این موضوعی است  
که به هیچ گوشه ای ذهن حضرت اقدس محمد ﷺ از خود نمیتوانست راه یابد و  
حتی نکته آفرینش انسان از گل خشکیده با صدای جرنگ در هیچکدام کتاب الهی  
دیگر یافت نمیشود و این مسئله را دانش پژوهندگان امروزه حل کرده اند. [ص#

پس فرشتگان همه ایشان بهم  
سجده کردند (۳۰)

جز ابلیس که سر باز زد که با سجده  
کنندگان باشد (۳۲)

فرمود، ای ابلیس! چیست ترا که  
با سجده کنندگان نشدی (۳۳)

گفت نیستم من که برای بشری که  
او را از گلی خشک با صدای جرنج  
ازلجن پوسیده آفریده ای سجده  
کنم (۳۴)

فرمود: پس تو از این [مقام] بیرون  
شو که یقیناً تورانده شده ای (۳۵)  
فرمود، یقیناً تار و زجا بر تو لعنت  
است (۳۶)

گفت، پروردگارا! مرا مهلت بده  
تا روزی که [آدمیان] برخیزانده

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿۳۰﴾

إِلَّا إِبْلِيسَ ۖ أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ  
مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿۳۱﴾

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ إِلَّا تَكُونُ  
مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿۳۲﴾

قَالَ لَمَّا كُنْتُ لَاسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ  
صَلْصَالٍ مِنْ حَمَآءٍ مَسْنُونٍ ﴿۳۳﴾

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿۳۴﴾

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۳۵﴾

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ  
يُبْعَثُونَ ﴿۳۶﴾

بقیه آیات ۲۷-۳۰: دوم اینکه جن پیش از آغاز آفرینش انسان آفریده شد از چنین  
باد که از آسمان وزد و گرمای سخت آتش سان بهمراه دارد. اینهم چنین امر است که  
فکر آنها نمیتوانست از خود بخاطر آنحضرت صلی الله علیه وسلم خطور کند تا آن  
گاه که خدای عالم الغیب به آن امر مطلع نمیساخت. آفرینش اجنه از نارسموم  
عبارت از میکروبهاست و از این نکته این مسأله نیز حل شده که لجن بویناک چطور  
بوجود آمد. لجن بویناک صورت حاصل نمیکند تا آنگاه که باکتری موجود نباشد.

شوند (۳۷)

فرمود. یقیناً تو از مهلت دادگان  
ای (۳۸)

تا روز وقت معلوم (۳۹)

گفت. بزوردگارا! چون مرا گمراه  
قراردادی حتماً برای آنها [گمراهی  
را] در زمین مزین نشان دهم و  
مه آنها را گمراه سازم (۴۰)

مگر بندگان تو از آنها که مخلصان  
اند (۴۱)

فرمود. [نشان دادن] این راه راست  
بر من است (۴۲)

البته [آنانکه] بندگان من [اند]  
بر آنان ترا مرگز غلبه نباشد جز آنها  
از گمراهان که از بی توروند (۴۳)  
و یقیناً جهنم و عدمگاه مه آنها  
است (۴۴)

آنها مفت در است. برای هر کدام در  
بخشی از آنها مقرر است (۴۵)

البته متقیان در باغها و چشمه  
سارها باشند (۴۶)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٨﴾

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٩﴾

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ  
فِي الْأَرْضِ وَلَا أَغْوِيَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿٤١﴾

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤٢﴾

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ

إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤٣﴾

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٤﴾

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ

جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿٤٥﴾

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٦﴾

بسلامتی ایمن وارد آنها شوند (۴۷)  
 و مرجه کینه در دل‌های ایشان است  
 برکنیم. برادروار و روبروی همدیگر  
 تخت نشین شوند (۴۸)

ایشانرا در آنجا نه خستگی لمس  
 کند و نه ایشان از آنجا بیرون  
 رانده شوند (۴۹)

بندگانم را خبر کن که یقیناً من  
 آمرزگاری بارها را حکمکننده ام (۵۰)  
 و اینکه یقیناً عذابم نیز بسیار درد  
 ناک است (۵۱)

و بدیشان درباره مهمانان ابراهیم  
 حالی کن (۵۲)

چون بر او داخل شدند پس سلام  
 کردند او گفت، ما که از شما ترسان  
 ایم (۵۳)

گفتند، نترس البته ما تو را به  
 پسری دانا مژده میدیم (۵۴)  
 گفت، آیا مرا مژده میدید با اینکه  
 مرا پیری در رسیده است، پس مرا  
 به چه مژده میدید؟ (۵۵)

أَدْخَلُوهَا سَلَامًا مُّئْمِنِينَ ﴿٤٧﴾  
 وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ  
 إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٨﴾

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا  
 بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٩﴾

نَبِيِّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٠﴾

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥١﴾

وَنَبِّئُهُمْ عَنْ صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ﴿٥٢﴾

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا  
 مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٣﴾

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ  
 عَلِيمٍ ﴿٥٤﴾

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ  
 فِيمَ تَبَشِّرُونَ ﴿٥٥﴾

گفتند، الحق بتومزده داده ایم پس

از نو میدان مباش (۵۶)

او گفت، کیست جز گمراهان که

از رحمت پروردگار خود نو مید

گردد (۵۷)

گفت، ای فرستادگان! پس مقصود

شما چیست؟ (۵۸)

گفتند، البته مابسوی قوم مجرمان

فرستاده شده ایم (۵۹)

جز آل لوط، یقیناً ما همه ایشان

را نجات دهیم (۶۰)

جز زنش که مابازشناخته ایم که

حتماً او از پس ماندگان شود (۶۱)

پس چون فرستادگان نزد قوم

لوط آمدند (۶۲)

گفت، همانا! شما گروهی بیگانگان

اید (۶۳)

گفتند، بلکه تورا [خبری] آورده ایم

به آنچه آنان شك میکردند (۶۴)

و آمده ایم به تو بحق و یقیناً ما

راستگویانیم (۶۵)

قَالُوا بَشْرُكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ

الْقَاطِنِينَ ﴿٥٦﴾

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ

إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٧﴾

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٨﴾

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ

مُجْرِمِينَ ﴿٥٩﴾

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمَنْجُوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٦٠﴾

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا لَهَا لِمَنِ

الْغَيْرِينَ ﴿٦١﴾

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦٢﴾

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٦٣﴾

قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ

يَمْتَرُونَ ﴿٦٤﴾

وَأَتَيْنَكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٥﴾

پس با اهل خود در پاره شب کوچ  
کن و در بی آنان حرکت کن و هیچ  
کدام از شما دور زده نگاه نکند و  
به همان سو حرکت کنید که امر  
شده اید (۶۶)

و فرمان را به او رساندیم که آنها  
بامداد از بیخ کنده شوند (۶۷)  
و مردم شهر شادمان آمدند (۶۸)  
او گفت: ایشان مهمانان منند پس  
مرا رسوا نکنید (۶۹)

و از خدا بترسید و مرا خوار نکنید (۷۰)  
گفتند: آیات را از [مناسبات] جهانیان  
منع نکرده بودیم؟ (۷۱)  
گفت: [توجه کنید] اینان دختران  
منند [از اینان شرم کنید] اگر شما  
کنندگان اید (۷۲)

[خداوند وحی کرده است] سو گند  
بجان تویقیناً آنها در بدمستی خود  
سرگردان اند (۷۳)  
پس صبحگاه آنها را عذابی غریبه  
بگرفت (۷۴)

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ  
أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ  
وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٦﴾

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَوْلَاءِ  
مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ﴿٦٧﴾

وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٨﴾  
قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ عَضِيقٌ فَلَا تَضْحَكُونِ ﴿٦٩﴾

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْرَؤْنَ ﴿٧٠﴾

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧٢﴾

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ  
يَعْمَهُونَ ﴿٧٣﴾

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُشْرِقِينَ ﴿٧٤﴾



پس آن شهر را زیرورو نمودیم و  
بر آنها سنگهایی کلوخه باران  
کردیم (۷۵)

یقیناً دراین [واقعه] پژوهندگان  
را آیتی بزرگست (۷۶)  
و البته آن [شهر] برجاده بزرگ  
واقع است (۷۷)

یقیناً پژوهندگان را در این نشانه  
ای بزرگ است (۷۸)  
و یقیناً اهل درختزار نیز ستمکاران  
بودند (۷۹)

پس ما از آنها انتقام گرفتیم و آندو  
برجاده آشکار واقع است (۸۰)  
و هرآینه اهل حجر نیز از پیغمبران  
خود تکذیب کردند (۸۱)

و آنانرا آیتهای خود دادیم پس  
از آنها اعراض میکردند (۸۲)  
و آنان بیخطر در کوهها خانه ما  
می تراشیدند (۸۳)

پس آنها را نیز صبحگاه عذابی  
غریبه بگرفت (۸۴)

فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمْ  
حِجَابًا مِّنْ سَجِيلٍ ۗ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُتَوَسِّئِينَ ۝۷۶

وَإِنَّهَا لِبَسِيلٍ مُّقِيمٍ ۝۷۷

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ۝۷۸

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ۝۷۹

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ ۗ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَارٍ  
مُّبِينٍ ۝۸۰

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحَجَرِ الْمُرْسَلِينَ ۝۸۱

وَآتَيْنَهُمُ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۝۸۲

وَكَانُوا يُنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا  
أُمْنِينَ ۝۸۳

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُصْحِحِينَ ۝۸۴

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۸۵﴾<sup>ط</sup> آنگاه آنچه کسب میکردند بکار

ایشان نیامد (۸۵)

و آسمانها و زمین و هر چه میان  
آندواست را فقط بحق آفریده ایم  
و ساعت حتماً میآید. پس گذشت  
کن با گذشتی نیکو (۸۶)

هرآینه پروردگارتو آفریدگاری  
با کمال و صاحب علم است (۸۷)  
و یقیناً هفت [آیه] بارها حفظ  
خوانده و قرآن بزرگی به تو اعطا  
کرده ایم (۸۸) ++

و نگشادیدگان خود را حریصانه  
بسوی آن مایه عیش که ببعضی از  
گروه های آنان داده ایم و بر آنها  
غم نخور و بال [مهر] خود را بر  
مومنان فرود بیا آر (۸۹)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا  
بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ  
فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿۸۶﴾  
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلْقُ الْعَلِيمُ ﴿۸۷﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ  
الْعَظِيمَ ﴿۸۸﴾

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْتَابِهِ  
أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ  
وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۹﴾

++ آیت ۸۸: چنین برآید که سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي عبارت از آن هفت آیه از سوره  
الفاتحه است که معنای آنها بتکثیر در قرآن تکرار میشود و مصدر حروف مقطعات نیز  
سوره فاتحه است. میچکدام حرف از مقطعات نیست که خارج از آن سوره گرامی  
باشد. حالانکه علاوه بر آن در سوره فاتحه هفت حرف چنین است که بطور مقطعات  
به کار برده نشده است.

و بگو. همانا! من بیم دهنده ای  
آشکار ام (۹۰)

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٩٠﴾

مانند آن [عذاب] که برازهم منقسم  
شدگان فرو فرستادیم (۹۱)  
آنانکه قرآن را پاره پاره  
کردند (۹۲)

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩١﴾

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩٢﴾

پس سوگند به پروردگار تو حتماً  
ما از همه آنها بیرسم (۹۳)

فَوَرَبِّكَ لَنَسَأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٣﴾

درباره آنچه انجام میدادند (۹۴)

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾

پس علناً بیانکن به آنچه امرشوی  
و از مشرکان اعراض کن (۹۵)  
یقیناً ما در مقابل استهزاء کنندگان  
برای تو بس ایم (۹۶)

فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ  
الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾  
إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٦﴾

کسانیکه با خدا مبعودی دیگر قرار  
داده اند پس بزودی بدانند (۹۷)  
والبته میدانیم که دلتنگ شوی از  
آنچه میگویند (۹۸)

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۚ  
فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾  
وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا  
يَقُولُونَ ﴿٩٨﴾

پس تسبیح کن با حمد پروردگار  
خود و از سجده کنندگان باش (۹۹)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٩﴾

و پروردگار خود را عبادت کن تا آن  
انتها که به یقینت شود (۱۰۰)

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿١٠٠﴾

## ۱۶- النحل

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۲۹ آیت دارد.

در زمینه واژه "یقین" که در پایان سوره گذشته ذکر شد از آن يك معنى مرگ نیز گرفته میشود اما در مقام اول همان بمعنای یقین است. آغاز این سوره با این سخن میشود که آن امر که بی‌یقینت وعده شده بود بزودی میرسد. پس ای منکران! بطلب آن تعجیل نکنید و باید باور کنید که خداوند فرشتگان را از آسمان بر هر که از بندگان خود بخواهد نازل میکند.

مضافاً سخن از آفرینش جانوران رفته و پیشگوئی میشود که خداوند چنین انواع سواریه‌ها پدید خواهد آورد که این‌ها شمارا به آن هیچ دانشی نیست. این پیشگوئی در آن‌زمان در مورد آن سواریه‌های گوناگون کرده شد که در زمان کنونی ایجاد شده است.

بر همین منوال در مورد هر نوع جنبندگان گفته شد که حیاتی همه اینها متکی بر آن آب است که از آسمان فرو می‌بارد و از آن رستنیهای زمین می‌روستند و درختان و اثمار پدید می‌آیند. اما يك جنبه آب آنست که سایر جنبندگان و چهارپایان از آن بی‌خبراند. مثلاً چهارپایان علف می‌چرند بی آنکه پی از گنه آن برده باشند. پس آن زندگی که پیغمبران خدا ناشی از آب روحانی نایل شوند و آن فیض را که ایشان دورتر پخش میکنند این عمل را آنان پی نمی‌برند که قرآن آنها را بمثل چهارپایان تعریف کرده است و آنها "أشراً" گفته شدند یعنی حال آنها بدتر از چهارپایان است. چهارپایان که فهم ندارند که این امر را پی برند اما اینها بظاهر دین را می‌فهمند باز هم محروم

از فیض آن هستند.

سپس سخن از بیشمار نعمتهای خداوند می‌رود. درعین حال ذکر از نعمتهای دریایی نیز بیان میشود. از آنجمله انواع ماهی است که آب شور از دریا مینوشد، از آن غذا می‌خورد و در آن زیست میکند. باینهمه در گوشتش به ذره ای هم طعم شوری نیست. درضمن این امر نیز مورد توجه قرار داده میشود که این نظام حیات که متکی بر آب است نه آن کوهها وابستگی دارد که در زمین می‌خکوب محکم ایستاده اند. اگرچه این کوهها نبودند نظام تبخیر آب شفاف از دریاها و باریدن آنها نبود.

قرآن مجید از پهن شدن سایه‌ها بر زمین بدین رنگ حاکی است که گویی آنها به سجده فرورفته اند. اما جنبنده‌ها و فرشتگان نیز بحضور عظمت خداوند سجده میکنند. جنبنده‌های زمین بعلت دریافتن امرار معاش از زمین همواره در زبان حال بحضور خدا سجده میکنند و فرشتگان بعلت برخوردار بودن از دانش آب که از آسمان فرود می‌آید سر به سجود میمانند.

آیه کریمه ۶۲ عبارت از این موضوعی شگفت‌انگیز است که اگر خدا بعلت هر يك ستمکاری آدمیان در مقام عقوبت برآید در آنصورت صف تمامی جنبندگان در زمین درهم پیچیده شود. حقیقت امر اینست که توجه انسان به این امر جلب کرده میشود که او باید فکر کند که اگر جنبندگان نبودند بقای انسان نیز غیر ممکن بود. بهمین علت بلافاصله فرمود که شمارا در دامها درس عبرت است.

ضمناً مثل از زنبور عسل زده عظمت وحی بیان میشود. درباره هیچکدام جانوری دیگر ذکر وحی شدن نیست. بظاهر زنبور عسل نیز مانند مگس

های دیگر است که بر کثافت نشوونما مییابند. تفاوت تنها اینست که این از طریق وحی از هرنوع کثافت پاک شده است. این کندوی خود را نیز بر جاهای بلند و بالا مانند کوهها، درختان و داربستها وغیره درست میکند. این وحی شده است که آبِ هرنوع گل را بمکد. اگرچه کلمه ثمر بکار برده شد ولی این نیز دارای حکمتی دوگانه است. وقتیکه زنبور عسل گل را میکند در نتیجه مکیدنش آن گل میوه میآرد و این زنبور آبِ هرکدام میوه را همان از گلها می مکد و منتها عسلی که درست میکند آن دارای درمانی بزرگ است. کلمات "یخرج من بطونها" به این امر کنایه ای است که عسل تنها از آب گلها تهیه نمیشود بلکه لعابی که از بطن زنبوردرمیآید زنبور آنها را با آب گل میآمیزد. باز زبانچه خود را تکراراً در هوا درمیآرد و آن آمیزش را غلیظ کرده تبدیل به عسل نموده آنها را در حجره های کندو خود حفظ میکند.

سپس مثل از دو غلام داده میشود. یکی آنچه ان احمق است که در کارش هیچ خیری نیست. دومین آنست که خدا او را رزق حسن معاشرت اعطاء کرده و او آن را به هر سوبنفع جامعه مردم بخش مینماید. این یکی نیز به زنبور عسل مشابعت دارد. مگسی غیر از زنبور عسل از قبیل غلام اول است که در آن هیچ از جنبه ای سود نیست و زنبور عسل همچون غلامی است که به حسن معاشرت برخوردار است و او این ارزانی حسن را در جامعه مردم بخش مینماید.

سپس مثل انواع غلامان بر مردم بسته میشود. آنکس که به وحی خدا برخوردار نیست و خدا را گنگ می پندارد او خودش ابکم یعنی لال است. او دست به هرکاری زند معامله بزبان آنکار تمام کند. خسر الدنيا والآخرة.

دومین نوع غلامان پیغمبران خدا میباشند که به مردم تعلیم عدالت بهم میرسانند و مدام گام به صراط مستقیم می نهند. باید یادگرفت که در زمینه زنبور عسل نیز به همین منوال گفته شد که راههای پروردگار خود را دنبال کن. پس رسولان را ازین جهت این بسیار فضیلت حاصل است که ایشان بر آن يك راه راست قدم مینهند که حتماً تا خدا میرساند.

بعلاوه، این سوره عبارت از ذکر پرندگان میباشد و اظهار میدارد که آن مرغان که در آسمان پرواز میکنند را نپندارید که اتفاقاً بالها اعطا شده آنها را نیروی پرواز پیدا شد. تنها پدید آمدن بالها نمیتوانست مرغان را نیروی پرواز مهیا کند تا استخوانهای نرم و خالی و ساختگی خاص سینه و عضلاتی نیرومند در هر دو طرف سینه آنها ساخته نمیشد که همراه با اینقدر بار سنگین زمینه بلند پروازی فراهم میسازد. این پدیده ای حیرت انگیز است که اردکی وزین نیز میتواند پیوسته چندین هزار میل در حالت پرواز بماند. ترکیب درونی اش همچون قسمت جلویی جت هواپیما است که هوا را منتشر میسازد و ناشی از این ساختگی هوا آنها را تا حد اقل تحت فشار قرار میدهد. اردکی که این فشار هوا را بیشتر تحمل میکند دیگران را طی پرواز پیشوائی میکند. چندی بعد، اردکی دیگر از پشت سر آمده جایگزین آن میشود. در ضمن، همین مرغان، مرغان آبی میشوند. آنها به غرق روبرو نمیشوند با آنکه بعلمت سنگینی وزن خود باید به غرق فرو میرفتند. علت غرق ناپذیری این است که پرهای کوتاه بر تن آنها باد را در خود جمع میکنند. این باد قید در پرها آنها را از غرق نگهداری میکند. این کار امکان پذیر نیست تا وقتی که پرها دارای چنین مواد روغنی نباشند که آنها را از جذب آب جلوگیری کند.

مشاهده میشود که مرغان پرهای خود را از منقار خود میگذارند. این امر شگفت انگیز است که آنگاه خداوند از بدن آنها چنین مواد روغنی در میآرد که مالیدن آن بر پرهای بسیار مهم است. اکنون سوال مطرح میشود که چگونه آن مواد خود بخود بوجود آمد و چطور به منقار آنها رسید و چگونه در مرغان نیروی ادراک پیدا شد که جلوگیری از فرورفتن آب در بدن خود ضروری است و الا در آب غرق میشوند؟

سپس ذکر از آن معجزه شگفت آور قرآن است که هر چیز را بتفصیل بیان میکند و از این جهت آن برتری که قرآن را بر کتابهای دیگر حاصل است همان فضیلت رسول الله ﷺ را بردیگر پیغمبران است. بهمین دلیل است که بطوریکه پیغمبران بر قومهای خویش شهید بودند رسول الله ﷺ بر همه ایشان شهید قرار داده شدند.

تعلیم قرآن بر هر چیز محیط است و مثلش در آیه ۹۱ موجود است که آن خود تمامی تعلیمات اخلاقی و روحانی را دربر گرفته و بر آنها حاوی است. نخستین همه، سخن از عدالت میرود که بی آن هرگز اصلاح در دنیا امکان پذیر نیست. سپس ذکر از احسان است که انسان را مقامی بالاتر از عدالت فراهم میآرد. بالآخر ذکر از ایثار ذی القربی کرده موضوع را برانتهای بلندی اش رسانده است. متن این آیه حاکی است که ایشان به همدردی نوع انسان بطوری انفاق میکنند چنانکه مادر در حق فرزندان خود هزینه مینماید و در قبال این طمع هیچ خدمت یا مزدی به دلش راه نمییابد. این والاترین رتبه به آنحضور ﷺ حاصل بود. ایشان پاک از تصور هر نوع عوض، نوع انسان را فیض میرساندند.



در آخرین رکوع این سوره حضرت ابراهیم علیه السلام که تک نفر بود بعنوان يك امت ارائه داده شد. زیرا که بوجود آمدن بسیاری امتهای از وجود ایشان قرار شده بود و این موضوع رسالت آنحضرت ﷺ را فرا گرفته به بالاترین مرتبه خود میرسد. پس آنحضرت ﷺ نیز وحی شدند که سنت ابراهیمی را فراگیر و مجملأ بیان شد که باحکمت و موعظه حسنه مردم را بسوی پروردگار خود بخوان. اما اینکار تقاضا دارد که انسان دست خود را به انتهای صبر محکم بند کند و واژه "لا تستعجل" عبارت از کنایه بهمین موضوع است. انقلاب روحانی آنأ صورت وقوع حاصل نمیکند بلکه انتهای صبر را متقاضی میباشد و این نوع صبر بدون تقوی بدست نیآید و از اینهم بیشتر به کسانی حاصل میشود که حسن عمل یعنی درعمل خود احسان را پیش میگیرند.

ضمناً يك جنبه از موضوع احسان در کلمات "یا مبالعدل والاحسان" بیان شده است و یکی دیگر را آن شرح است که رسول اللہ ﷺ بیان فرمودند که معنای احسان اینست که گامیکه تو برای عبادت بپا شوی بطوری بپا شوگویی که خدا را می بینی و حد اقل تقاضای احسان اینست که برای عبادت در آن حالت احترام بپا شوگویی که خداوند تو را می نگیرد.

☆ سُورَةُ النَّحْلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَتِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ وَعِشْرُونَ كُورَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]  
بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

آتَى أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ  
وَتَعَلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ②

فرمان خدا فرامیرسد پس برای  
آن تعجیل نکنید. او پاک و بالاتر  
است از آنچه شرک میورزند (۲)

يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ  
مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا  
إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ③

اوفرشتگان را با روح القدس با  
فرمان خود بر هر که از بندگان خود  
بخواهد فرو میفرستد که هشدار  
دهد که همانا هیچ معبودی نیست  
جز من پس از من بترسید (۳)

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَلَىٰ  
عَمَّا يُشْرِكُونَ ④

او آسمانها و زمین را باحق آفرید.  
بسیار بالاتر است از آنچه شرک  
میورزند (۴)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ  
خَصِيمٌ مُّبِينٌ ⑤

اوانسان را از نطفه ای آفرید اینک  
ناگاه اوستیزه گری آشکار شد (۵)

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ  
وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ⑥

و چهارپایان را آفرید. شما را در  
آنها اسباب بحصول گرمی و منافع  
است و هم از آنها میخورید (۶)

و شما را در آن زیبائی است چون  
شامگاه آنها را بعد از چرامیآرید و  
وقتی برای چرا میبرید (۷)

و بارهای شمارا حمل کنند بسوی  
شهری که شمارانیشد بلازحماتی  
طاعت فرسا تا آن برسید. هرآینه  
پروردگار شما بسیار مهربان بارها  
رحم کننده است (۸)

و اسبان و استرها و الاغها [آفرید]  
که هم بر آنها سواری کنید و هم مایه  
زینت شود و برایشما بوجود آرد  
آنچه را نمیدانید (۹)

و بر خداست هدایت کردن [مردم]  
براه راست حالیکه از آن [راه]ها  
برخی کج است و اگر خدا می  
خواست حتماً همه شمارا بهم  
هدایت میداد (۱۰)

اوست آنکه آب را برای شما از  
آسمان نازل کرد. از آنست برایشما  
نوشیدنی و از آنست [رستن] درختان  
که در آنها [دامها] میچرانید (۱۱)

و لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ  
وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٧﴾

و تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا  
بِلُغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ ۗ إِنَّ رَبَّكُمْ  
لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٨﴾

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا  
وَزِينَةً ۗ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ ۗ  
وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٠﴾

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ  
شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١١﴾

برایشما بدان کشت و زیتون و خرمه و انگورو هرنوع میوهها را میرویانند. یقیناً در این آیتی است برای قومیکه میندیشند (۱۲)

و برایشما شب و روز و خورشید و ماه را مسخر کرد و ستارگان نیز با امر او مسخرند. یقیناً در این آیت‌های است برای قومیکه عقل کنند (۱۳)

و او هرچه را در زمین از انواع مختلف برای شما آفرید [همه آنها در خدمت شما مسخراند]. یقیناً در این آیتی است قومی را که پند میپذیرند (۱۴)

و اوست آنکه دریا را مسخر کرد تا از آن گوشت تازه ای بخورید و از آن مایه زینت درآرید که آنها را میپوشید و کشتیها را میبینی که در آن آب را شکافته حرکت کنند تا شما فضل او را تلاش کنید و تا شما سپاس گذارید (۱۵)

يُثِبُّ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ  
وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الشَّجَرِ  
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٦﴾

وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ  
وَالْقَمَرَ ۗ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ  
بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ  
يَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا  
أَلْوَانُهُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ  
يَذَكَّرُونَ ﴿١٨﴾

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكُلَ مِنْهُ لَحْمًا  
طَرِيًّا وَتَسَخَّرَ مِنْهُ جُلُودًا لِّتُبَسُوْنَهَا  
وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِيَبْتَلُوا  
مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٩﴾

و نهاد در زمین کوه‌ها را که شمارا  
 امرار معاش می‌سازد و نهرها و  
 راه‌های تاشامدایت بیابید (۱۶)  
 و بسیار علامتها رهنمون دیگر و  
 آنها از ستارگان نیز رهنمائی می  
 گیرند (۱۷)

آیا آنکه می‌آفریند نظیر آنست که  
 نمی‌آفریند؟ پس چرا بند فرا نمی  
 گیرید؟ (۱۸)

و اگر نعمت خدا را بشمارید آنرا  
 احاطه نمی‌کنید. یقیناً خدا آمرزگار  
 بارها رحیمکننده است (۱۹)

و خدا میداند آنچه نهان کنید و  
 آنچه عیان کنید (۲۰)

و آنرا که گذشته از خدا می‌خوانند  
 چیزی را نمی‌آفرینند حالیکه آنها  
 خود آفریده میشوند (۲۱)

مردگانند نه زندگان و درک نکنند  
 کی بر خیزانده شوند (۲۲) ++

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ  
 تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ  
 تَهْتَدُونَ ﴿١٦﴾  
 وَعَلَّمْتَ<sup>١</sup> وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴿١٧﴾

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا  
 تَذَكَّرُونَ ﴿١٨﴾

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ  
 اللَّهَ لَعَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩﴾

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٠﴾

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ  
 لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢١﴾  
 أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ<sup>٢</sup> وَمَا يَشْعُرُونَ<sup>٣</sup>  
 أَيَّانَ يَبْعَثُونَ ﴿٢٢﴾

++ آیت ۲۲: اینجا رد آن مشرکان است که ایمان داشتند به خدایان قلبی که همچون

مردگان و فاقد آثار زندگی بودند.

معبودش نامعبودی یگانه است. پس آنانکه به آخرت ایمان نیآرند دل‌های آنان انکارکننده است و آنان تکبرکنندگانند (۲۲)

هیچ شکمی نیست که یقیناً خدا میدانند آنچه نهان کنند و آنچه عیان کنند. یقیناً او تکبرکنندگان را دوست ندارد (۲۴)

و چون گفته شود چیست آنچه پروردگارتان نازل کرد گویند، اساطیر پیشینیانست (۲۵)

[گویی می‌خواهند] که روز قیامت کلیه بارهای خویش را بردارند و هم بارهای آنهایی بردارند که آنها را بدون علم گمراه می‌کردند. باش!

بسیار بد است آنچه بردارند (۲۶) البته پیشینیان ایشان نیز نیرنگ کرده بودند. آنگاه خدایانهای آنان را از بنیادها خراب کرد و بر آنها بام از بالای آنها فرو افتاد و آنها را عذاب از سوی آمد که گمان نکردند (۲۷)

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۖ قَالِذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ  
بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ  
مُتَكَبِّرُونَ ﴿۲۲﴾

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا  
يُعْلِنُونَ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿۲۴﴾

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا  
أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۲۵﴾

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ  
عِلْمٍ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ ﴿۲۶﴾

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتَى اللَّهَ  
بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ  
مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ  
لَا يَشْعُرُونَ ﴿۲۷﴾

سپس روز قیامت آنها را رسوا کند و گوید، کجایند آن شریکانم که جهت آنها شما مخالفت میکردید؟ آنانکه دانش داده شدند گویند، امروز ذلت و سختی بر کافران است (۲۸)

آنانکه فرشتگان آنانرا وفات دهند درحالیکه بر خویشتن ستم میکنند پس صلح نهند که هرگز مازشته کاری نیکردیم. آری ایقیناً خدا آگاه است به آنچه شما میکردید (۲۹)

پس بداخل درهای جهنم بشوید که در آن مدت متمادی ماندگارید. پس جایگاه متکبران بسیار زشت است (۳۰)

و کسانی که تقوی اختیار کردند را گفته شود، چیست که پروردگار شما نازل کرد گویند، سراپا خیر. کسانی که در این دنیا نیکوکاری کردند خوبی [مقدر] است و خانه آخرت که بس نیکو است، و به آنچه

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ<sup>ط</sup> قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ<sup>ل</sup>

الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي<sup>ط</sup> أَنْفُسِهِمْ<sup>ص</sup> فَأَلْقَوْا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ<sup>ط</sup> بَلَى إِنْ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ<sup>ح</sup>

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا<sup>ط</sup> فَلَيْسَ مَوْجِئُ الْمُنْتَكِبِينَ<sup>ح</sup>

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ<sup>ط</sup> قَالُوا خَيْرًا<sup>ط</sup> لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ<sup>ط</sup> وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ<sup>ط</sup> وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ<sup>ل</sup>

عالی است خانه متقیان (۳۱)

باغهای جاودانست که بداخل آنها شوند. در دامنه آنها نهرهای روان شود. برای ایشان در آنهاست آنچه بخواهند. خدا پاداش متقیان این گونه میدهد (۳۲)

کسانیکه فرشتگان ایشانرا وفات دهند [حالیکه] یا کند، گویند سلام بر شما وارد بهشت شوید بدان عمل که میکردید (۳۳)

آیا آنها انتظار دارند جز اینکه آنانرا فرشتگان آیند یا فرمان پروردگار تو در رسد؟ بدینسان عمل کردند کسانیکه پیش از آنها بودند خدا بر آنهاستم نکرد بلکه خود بر خودشان ستم میکردند (۳۴)

پس آنها را در رسیدن شستیه‌های اعمال خود و آنها را گرفت آنچه به آن تسخر میکردند (۳۵)

و گفتند آنانکه شرك کردند اگر خدا میخواست گذشته از او چیزی را

جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ  
يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾

الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ  
يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا  
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ  
يَأْتِي أَمْرٌ رَئِيكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ  
كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ  
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٤﴾

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا  
عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا



پرستش نمی‌کردیم ماونه پدرانما  
ونه خلاف میل او چیزی را حرام  
قرار میدادیم. همینطور کردند آنانکه  
پیش از آنها بودند. پس آیات‌کلیف  
رسولان است مگر آنکه آشکارا  
ابلاغ کنند؟ (۳۶)

و یقیناً در هر کدام امت رسولی  
فرستادیم که خدا را عبادت کنید  
وازبتان دوری‌گزینید. پس از آنها  
اند که خدا آنها را هدایت داد و  
از آنانند که گمراهی بر آنها واجب  
شد. پس در زمین بگردید و بنگرید  
که فرجام تکذیب کنندگان چگونه  
شد (۳۷)

اگر بر هدایت آنها حرص زنی پس  
یقیناً خدا هدایت نمیدهد آنها را  
که گمراه میکنند و آنها را کسی  
از یاوران نیست (۳۸)

و قسمهای خورند به خدا قسمهای  
جدی خویش که هر که بمیرد خدا  
او را برنخیزاند. بلی! این وعده‌ی

أَبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ<sup>ط</sup>  
كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ<sup>ج</sup> قَهْلُ  
عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ<sup>٣٦</sup>

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا  
اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصَّاغُوتَ<sup>ج</sup> فَمِنْهُمْ مَنْ  
هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ  
الصَّلَاةُ<sup>ط</sup> فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ<sup>٣٧</sup>

إِنْ تَحْرِصْ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ  
لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ  
مِنْ تُصْرِينِ<sup>٣٨</sup>

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ<sup>ل</sup> لَا يَبْعَثُ  
اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ<sup>ط</sup> بَلَى وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا  
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ<sup>٣٩</sup>

است که براو بفرض است و اما  
اکثر مردم نمیدانند (۳۹)  
تا آن امر را برایشان آشکار سازد  
که در آن اختلاف میکنند و تا آنها  
که کفر کردند بدانند که آنها دروغ  
پردازانند (۴۰)

گفتار ما برای چیزی مرگه آن را  
بخواهیم فقط اینست که برای آن  
میگویم، باش. پس آن رومینند و  
منتها میشود (۴۱)

و آنانکه در راه خدا مهاجرت کردند  
از آن پس که ستم دیدند ایشان  
را جای نیکو دهیم در دنیا و البته  
مزد آخرت بزرگتر است کاشکی  
میدانستند (۴۲)

[این پادشاه است برای] آنانکه  
صبر کردند و بر پروردگار خویش  
توکل میکنند (۴۳)

و پیش از تو کسی را نفرستادیم  
جز آن مردان که بسوی ایشان  
وحی میفرستادیم. پس از اهل ذکر

لَيَبَيِّنُ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ  
الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَذِبِينَ ﴿٤٠﴾

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ  
كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤١﴾

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا  
ظَلَمُوا لِنُبُونِهِمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً  
وَلَا جَزَاءَ لَآخِرَةَ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا  
يَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٣﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي  
إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ

لَا تَعْلَمُونَ ﴿۴۴﴾

پرسید اگر شما نمیدانید (۴۴)  
[وما ایشانرا] با نشانه های آشکار  
و صحیفه های [فرستادیم] و بسوی  
تو نیز ذکر فرو فرستاده ایم تا  
مردم را آشکار کنی آنچه بسوی آنها  
نازل کرده شده بود و تا آنها به  
تفکر پردازند (۴۵)

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزَّبُورِ ۖ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ  
لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ  
يَتَفَكَّرُونَ ﴿۴۵﴾

پس آیا کسانی که برای بدیهانیرنگ  
زدند ایمن شده اند که خدا آنها را در  
زمین فرو برد یا عذاب آنها را بیاید  
از سوی که گمان هم نکنند (۴۶)  
یا آنها را در آمدورفت آنها بگیرد.  
پس نیستند آنها که [مقصود خدا  
را] بمعجز آورند (۴۷)

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ  
اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ  
حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۴۶﴾  
أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ  
بِمُعْجِزِينَ ﴿۴۷﴾

یا آنها را جهت کاهش تدریجی  
بگیرد. پس پروردگارتو بسیار مهر  
نواز بارها رحم کننده است (۴۸)  
آیا ایشان مشاهده نکردند هر چه  
خدا آفریده است سایه های آن از  
چپ و راست تغییر مکان کرده  
برای خدا سجده میکنند و آنان

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ ۖ فَإِنَّ رَبَّكُمْ  
لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۴۸﴾  
أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ  
يَتَقَيُّوهُ أَظَلُّوا عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا  
لِلَّهِ وَهُمْ دَخِرُونَ ﴿۴۹﴾

فروتنی کنندگانند (۴۹)

و خدای اسجده کنندمرجه در آسمان  
ما و مرجه در زمین از جنندگان  
است و فرشتگان نیز و آنان تکبر  
نمیکنند (۵۰)

میترسند از پروردگار غالب خود و

انجام دهند مانکه امر شوند (۵۱)

و خدا گفت، دو تا معبود نگیرید.  
یقیناً فقط او معبودی یگانه است.

پس صرفاً از من بترسید (۵۲)

و از آن اوست مرجه در آسمانها و  
زمین است و اطاعت از او واجب  
است پس آیا غیر از خدا همی  
ترسید (۵۳)

و مرجه نعمت شمارا است پس از  
خدا است. پس چون شما را سختی  
در رسد آنگاه بسوی او زاری می  
کنید (۵۴)

سپس هرگاه سختی را از شما  
دور سازد بیدرنگ گروهی از شمایه  
خدای خود شریک قرار دهند (۵۵)

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي  
الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةِ وَهُمْ  
لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٥٠﴾

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ  
مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٥١﴾

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ إِثْمًا  
هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِنِّي فَارِهِبُونَ ﴿٥٢﴾

وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ  
وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾

وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا  
مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْرُونَ ﴿٥٤﴾

ثُمَّ إِذَا كُفِيَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ  
مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٥٥﴾

تانا سپاسی کنند به آنچه ایشان را در داده ایم. پس بکمی بهره بکشید آنگاه [نتیجه اش را] حتماً خواهید دانست (۵۶)

وسمی گزینند از آنچه ایشان را رزق داده ایم برای آنچه را که نمیدانند. سوگند به خدا که حتماً پرسیده شوید از آنچه شما برمی بافتید (۵۷)

و برای خدا دختران ساخته اند. او پاک است. حالیکه برای خودشان است آنچه دوست دارند (۵۸) و مرگه کسی از آنها مژده ای از دختری داده شود صورتش از اندوه تیره میگردد و او خشم را فروبرنده است (۵۹)

متواری شود از مردم از رنج آن مژده که بدو داده شد - آیا در مقابل خواری او [احسان خدا را] نگهدارد یا او را در خاک فرو کند باش! بسیار زشت است آنچه آنها

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْتَهُمْ ۖ فَتَمَتَّعُوا<sup>ق</sup> فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ ۖ تَاللَّهِ لَتَسْتَلْنَ عَمَّا كُنْتُمْ تَقْتَرُونَ ﴿٥٧﴾

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ ۚ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ﴿٥٨﴾

وَإِذْ بَشِّرَ أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ۖ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٩﴾

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ ۖ أَيَسْكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦٠﴾

فیصل میدهند (۶۰)

برای آنانکه به آخرت ایمان نمی  
آرند مثل بسیاری زشت است و والا  
ترین مثل برای خدا است و او  
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت

ع  
۳۳

است (۶۱)

و اگر خدا مردم را بعلت ستمگری  
ایشان مواخذه میکرده میچ جنبنده  
را بر زمین باقی نمیگذاشت و اما  
آنها را تا مدتی معین فرصت دهد.  
پس هر آن نهایت زمانی آنها فرا  
رسد نه لحظه ای تاخیر کنند و نه  
پیشی گیرند (۶۲)

و برای خدا قرار دهند آنچه را  
خودشان دوست ندارند و زبان  
های آنها دروغ سرایید که [هر چیزی]  
نیکو برای آنهاست. بیگمان برای  
آنها آتش است و یقیناً آنها بی یار و  
یاور رهانیده شوند (۶۲)

سوگند به خدا که یقیناً ما بسوی  
قوم های پیش از تو [رسولان]

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ  
السَّوْءِ ۗ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ ۗ وَهُوَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۱﴾

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمَّا  
تَرَكَ عَلَيْهِمَا مِنْ ذَاتِهِ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ  
إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا  
يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً ۚ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿۱۱﴾

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ  
أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ ۗ لَا  
جَرَءَ أَنْ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ ﴿۱۱﴾

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ  
فَزَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهَوَّ

وَلِيَهُمُ النَّيْمُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٤﴾

فرستادیم. پس شیطان آنها را  
اعمالشان مزین نمود. پس امروز  
او دوست آنانست حالانکه آنها را  
عذابی دردناکست (۶۴)

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا تِبْيَانٌ لَّهُمْ  
الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَهُدًى وَرَحْمَةً  
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٥﴾

و کتاب را بسوی تو فرستادیم  
مگر اینکه برای آنها آشکارسازی  
آنرا که در آن اختلاف کنند و [برای  
اینکه] هدایت و رحمت است برای  
قومیکه ایمان آورند (۶۵)

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ  
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً  
لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٦﴾

و خدا نازل کرد از آسمان آبی را که  
بدان زمین را پس از مرگش زنده  
نمود. یقیناً در این نشانه ای بزرگ  
است قومی را که گوش کنند (۶۶)

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۗ لُسُقِيكُمْ  
مِمَّا فِي بُطُونِهِمْ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ  
لَبَّأْ خَالِصًا يَغَالِ الشَّرِيبِينَ ﴿٦٧﴾

و یقیناً شمارا در چهارپایان نیز  
نشانه ای بزرگ است. شمارا می  
نوشانیم از آنچه در شکم های آنها  
است از میان سرگین و خون.  
شیری خالص که نوشندگان را  
خوش مزه است (۶۷)

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ  
تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ فِي

و از میوه های خرما و انگور [هم می  
نوشانیم] از آن می و رزقی نیکو

ذَلِكَ لآيَةٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾

میگیرید. یقیناً در این نشانه ای  
بزرگ است برای قومیکه عقل  
کنند (۶۸)

و پروردگارتو بسوی زنبور عسل  
وحی کرد که در کوهها و در درختان  
و در [گیاه خرنده] آنچه را دار بست  
زند خانه بساز (۶۹)

سپس بخور از میوههای هرگونه و  
راه های پروردگار خود را فروتن  
بپو. از شکمهای آنها شربت می آید  
که رنگهایش گوناگونست و مردم  
را در آن شفاست. یقیناً در این  
آیتی بزرگ است برای قومیکه  
بیاندیشند (۷۰)

و خدا شمارا آفرید سپس شمارا  
وفات دهد و کسی از شما است که  
به سن تهی و حواس باخته رسانده  
شود تا پس از دانستن هیچ نه  
داند یقیناً خدا صاحب علم دایمی  
مدام قدرتمند است (۷۱)

و خدا در رزق برخی از شما را

وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ  
الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا  
يَعْرِشُونَ ﴿٦٩﴾

ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ  
رَبِّكَ ذُلُلًا ۚ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا  
شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ۗ  
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٧٠﴾

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ ۗ وَمِنكُمْ  
مَّن يُّرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمَرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ  
بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٧١﴾

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي



بر برخی فضیلت داده است. پس آنانکه برتری داده شدند نیستند که مالهای خود را به زیردستان خود برگردانند که آنان در آن یکسان گردند. پس آیا نعمت خدا را (بعلم آن) انکار کنند؟ (۷۲)

و خدا است بخاطر شما از جنس خود شما جفتهای ساخت و برای شما از جفتهای شما پسران و نوادگان در داد و از پاکیزه های رزق شما میاگرد. پس آیا باطل ایمان آرند و به نعمتهای خدا انکار کنند؟ (۷۳) و عبادت میکنند جز خدا آنچه را که جهت رزق آنها از آسمانها و زمین هیچ هم مالک نیست و آنان که استعداد هم ندارند؟ (۷۴)

پس برای خدا مثلها نه زنید. یقیناً خدامیدانند و شما نمیدانید (۷۵) خدا مثل میزند از بنده ای که در ملک کسی است و برجیزی قدرت ندارد و از آنکه او را از جانب خود

الرِّزْقِ ۚ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَأْدِي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ ۗ أَفَبِعِزَّةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿۷۲﴾

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۗ أَفِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِعِزَّةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿۷۳﴾

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿۷۴﴾

فَلَا تَصْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۷۵﴾

صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ ۖ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنْنَا رِزْقًا حَسَنًا

رزقی نیکوارزانی داریم پس او از آن هم نماند اتفاق میکند و هم عیان. آیا این دو یکسانند؟ ستایش مطلق خاص خدا است اما اکثر ایشان نمیدانند (۷۶)

هم خدامثل دوتن رامینند. یکی از آندو گنگ است - برجیزی قدرت ندارد و او برارباش باری است. او را هر سوبفرستد خیری نیآرد آیا او و آنکه بداد امر کند و او بر راه راست است میتواند یکسان باشند؟ (۷۷)

و از آن خدا است غیب آسمانها و زمین و امر قیامت همچون چشم بهم زدن است یازودتر از آن. یقیناً خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است (۷۸)

خدا شمارا از شکمهای مادرانتان بیرون آورد که هیچ نمیدانستید و برای شما گوش و چشمان و دل ساخت تا شما شکر کنید (۷۹)

فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٧٦﴾

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبُكْمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ ۗ أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ ۗ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ ۗ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٧﴾

وَ لِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ ۗ وَ مَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٨﴾

وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا ۗ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٩﴾

آیا پرندگان را در جو آسمان مسخر شده ندیدند؟ آنها را جز خدا کسی نگه نمیدارد. یقیناً در آن اهل ایمان را آیتهای است (۸۰)

و خدا برای شما در منازلتان آرامش نهاد و برای شما از پوست چهارپایان [مانند] خانه ها ساخت که آنها را روز کوچ خود و روز توقف خود سبک میابید و از پشم آنها و از کرک آنها و از موهای آنها اثاث تهیه کردن و تا زمانی بهره کشی است (۸۱)

و خدا برای شما از آنچه او آفرید سایه افکنهای ساخت و برای شما در کوهها پناه گاههای ساخت و برای شما جامه های میباید که شما را از گرما حفظ میکند و جامه های ساخت که شما را از سختی جنگ حفظ کند. اینگونه او نعمتهای خود را بر شما بکمال میرساند تا شما فرمانبردار شوید (۸۲)

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ ۗ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٠﴾

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ ۗ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ ﴿٨١﴾

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ ۗ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ﴿٨٢﴾

پس اگر روی برتابند آنگاه بر تو تنها

آشکارا ابلاغ کردن بود (۸۳)

آنها نعمت خدا را شناخته بازهم از

آن انکارکنند و اکثرشان کافران <sup>ع</sup>

اند (۸۴)

و روزیکه ما از هریک امت يك

گواه معوث نمائیم سپس کسانی

که کفر کردند اجازه داده نشوند

[که هیچ حرف زنند] و نه آنها

رسائی به آستانه داده شوند (۸۵)

و چون کسانی که ستم کردند عذاب

را بنگرند آنگاه آن از آنها کاسته

نشود و نه آنها مهلت داده

شوند (۸۶)

و چون کسانی که شرك ورزیدند

شریکان [خیال بافته] خود را

بنگرند گویند، ای پروردگارا!

اینهایی اند شریکان ما که ما آنها

را گذشته از تو میخواندیم. آنگاه <sup>ع</sup>

آنها سخن [خود آنها] را بسوی آنها

خواهند افکند، یقیناً شما دروغ

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿٨٣﴾

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا

وَ أَكْثَرُهُمُ الْكٰفِرُونَ ﴿٨٤﴾

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ۗ لَّا

يُؤَدِّنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ

يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٨٥﴾

وَ إِذْ أَرَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ

عَنَّهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٦﴾

وَ إِذْ أَرَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا

رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَاءُ وَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا

مِنْ دُونِكَ ۗ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ

لَكٰذِبُونَ ﴿٨٧﴾

گویان آید." (۸۷)

پس امروز آنها بسوی خدا طرح  
صلح نهند و هر چه بریافتند از  
آنها نابیدا شود (۸۸)

کسانیکه کفر کردند و از راه خدا  
باز داشتند آنها را عذاب بر عذاب  
ببفزائیم چه فساد میگردند (۸۹)

و روزیکه در هر قوم گواه ای بر  
آنان از خود ایشان برخیزانیم و  
تو را بر همه آنها گواه بیاوریم و  
بسوی تو کتابی نازل کرده ایم  
که هر امر را آشکارا بیان کنده و  
هدایت و رحمت و فرمانبرداران  
را مؤده است (۹۰)

و یقیناً خدا بعدالت و احسان و عطا  
کردن مانند عطا کردن به خویشا -  
- و ندان امر میکند و از فحشائی  
و منکرات و سرکشی باز میدارد تا  
شما نصیحت فراگیرید (۹۱)

و عهد خدای را وفا کنید هر گاه عهد  
کنید و سوگند ما را یس از استواری

وَأَقْوَامًا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامِ وَصَلَّى  
عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۸۸﴾

الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصْذُوعًا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ  
زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا  
يُفْسِدُونَ ﴿۸۹﴾

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ  
أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ  
وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ  
وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿۹۰﴾

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ  
ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ  
وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ  
تَذَكَّرُونَ ﴿۹۱﴾

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا  
الْإِيمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ

آنها نشکنید در حالیکه شاخدارا  
 ضامن خود برگزیده اید و البته  
 خدا میداند آنچه انجام دهید (۹۲)  
 و مانند آن زن نشوید که رشته  
 تابیده خود را پس از استواری آن  
 تکه تکه کرد. سوگندهای خود را  
 میان خود بفریب میگیرید مبادا  
 قومی از قومی برتر آید. یقیناً خدا  
 بدان شمارا فقط آزمایش میکند و  
 البته روز قیامت بر شما روشن تر  
 سازد آنچه را که در آن شما  
 اختلاف میکردید (۹۳)

و خدا اگر دوست داشت همه شمارا  
 يك امت میساخت و اما او هر که  
 را خواهد گمراه میسازد و هر که را  
 خواهد هدایت میدهد و حتماً شما  
 برسیده شوید از آنچه عمل می  
 کردید (۹۴)

و قسمهای خود را میان خود بفریب  
 نگیرید مبادا قدم شما پس از اثبات  
 آن بلفزد و [طعم] بدی را بچشید

عَلَيْكُمْ كَفِيلًا ۱ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا  
 تَفْعَلُونَ ۱۷

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَصَتْ غَزْلَهَا مِنْ  
 بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا ۱ تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ  
 دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى  
 مِنْ أُمَّةٍ ۱ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۱ وَلِيَبَيِّنَنَّ  
 لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ  
 تَخْتَلِفُونَ ۱۸

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً  
 وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۱  
 وَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۱۹

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ  
 فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا  
 السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ ۲۰

وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۵﴾

بدانچه ازراه خدا بازمیداشتید و

شمارا عذابى بزرگ باشد(۹۵)

و بيمان خدای را بیهایی ناقابل

معاوضه نکنید. یقیناً آنچه نزد خدا

است برای شما فقط آن نیکو

است اگر شما میدانید(۹۶)

آنچه نزد شماست تمام میشود و

آنچه نزد خداست باقى میماند و

حتماً مزددمیم آنانرا که صبر کردند

مزد ایشان مطابق آن نیکو ترین

عمل که انجام می دادند(۹۷)

هر که نیکو کاریها انجام دهد مرد

است یا زن و او مومن است آن

گاه یقیناً او را زنده نگهداریم به

زندگی پاکیزه و حتماً ایشان را

پاداش دمیم پاداش ایشان به آن

بهترین عمل که انجام می

دادند(۹۸)

پس چون قرآن فروخوانی آنگاه

به خداپناه ببر از شیطان رانده

شده(۹۹)

وَلَا تَسْتَرْوْا بِعَهْدِ اللَّهِ ثُمَّ قَلِيلًا ۗ إِنَّمَا

عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ﴿۱۶﴾

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۗ

وَلَنَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۷﴾

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ

مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيٰوةً طَيِّبَةً ۗ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ

أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۸﴾

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ

الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ﴿۱۹﴾

البته او را غلبه ی برآنان نیست  
که ایمان آوردند و بر پروردگار  
خود توکل میکنند (۱۰۰)

غلبه او فقط برآنها است که او را  
دوست میگیرند و کسانی که به او  
[خدا] <sup>۱۶</sup> شرک آوردگانند (۱۰۱)

و چون آیتی بجای آیتی تبدیل  
کنیم و خدا نیکوتر میدانند آنچه  
نازل کند گویند، توفیق فرابانده  
ای. حقیقت اینست که بیشتر از  
ایشان نمیدانند (۱۰۲)

بگو. روح القدس آنها را از جانب  
پروردگار تو بحق نازل کرده است  
تا آنکه ایمان آورده اند را ثبات  
دهد و مسلمانان را هدایت و مژده  
باشد (۱۰۳)

و البته ما میدانیم آنها میگویند  
که او را فقط بشری آموخته است.  
زبان آنکه بدو این امر بسته شود  
اعجمی است درحالی که این [قرآن  
در] زبان عربی [رسا و] روشن

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا  
وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۱۰۰﴾

إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ  
هُم بِهٖ مُّشْرِكُونَ ﴿۱۰۱﴾

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ  
بِمَا يَنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ ۗ بَلْ  
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۲﴾

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ  
لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ  
لِلْمُسْلِمِينَ ﴿۱۰۳﴾

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ  
بَشَرٌ ۗ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ  
أَعْجَبِي ۗ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِينٌ ﴿۱۰۴﴾



است (۱۰۴)

مانا! آنانکه به آیتهای خدا ایمان  
نیآوردند خدا آنها را هدایت نمیدهد  
و آنها را عذابی دردناکست (۱۰۵)  
دروغ تنها آنها بهم میافند که به  
آیات خدا ایمان نیآرند و مانها  
دروغ پردازانند (۱۰۶)

مرکه پس از ایمان خود به خدا  
انکار ورزد مگر آنکه وادار کرده  
شود حال آنکه دلش مطمئن بر  
ایمان است [بری الذمه است] و  
اما کسانی که سینه بکفر باز کردند  
پس بر آنها غضب از خدا است و  
برایشان عذابی بزرگست (۱۰۷)

اینست چه آنها در مقابل آخرت  
زندگی دنیا را برگزیدند و اینکه  
خدا قوم کافران را هدایت نمی  
دمد (۱۰۸)

مانهاند که خدا بر دلهاشان و گوش  
هاشان و چشمانشان مهر نهاده است  
و مانها غفلتکارانند (۱۰۹)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ  
لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۰۵﴾

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ  
بِآيَاتِ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكٰذِبُونَ ﴿۱۰۶﴾

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ  
أُكْرِهَ ۖ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلٰكِنْ  
مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا ۖ فَعَلَيْهِمْ  
غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰۷﴾

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلَى  
الْآخِرَةِ ۗ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
الْكَافِرِينَ ﴿۱۰۸﴾

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ  
وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْغٰفِلُونَ ﴿۱۰۹﴾

لاجرم همانند که در آخرت آنها  
زیانکارانند (۱۱۰)

سپس یقیناً پروردگارتو برای  
آنان که بعد از اینکه به فتنه مبتلا  
کرده شدند مجرت کردند باز جهاد  
کردند و صبر کردند حتماً پروردگار  
تو پس از این فراخ آمرزش بارها  
رحم کننده است (۱۱۱)

روزی که هرکس در دفاع جان خود  
جدل کننده آید و هرکس آنچه او  
عمل کرد تمام داده شود و آنان  
ستم کرده نشوند (۱۱۲)

و خدا مثل شهری میزند که جای  
ایمن و آرام بود. آن را رزقش از  
هر سو فراوان می‌آمد. پس آن از  
نعمتهای خدا ناسپاسی کرد. پس خدا  
آنرا جامهٔ گرسنگی و بیم پوشاند  
بعلت آن اعمال [ساکنان آن] که  
می کردند (۱۱۳)

و یقیناً ایشان را رسولی از خودشان  
آمد. پس او را تکذیب کردند.

لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْخٰسِرُونَ ﴿۱۱۰﴾

ثُمَّ اِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِيْنَ هَاجَرُوْا مِنْۢ بَعْدِ مَا  
فُتِنُوْا ثُمَّ جٰهَدُوْا وَصَبَرُوْا اِنَّ رَبَّكَ  
مِنْۢ بَعْدِهَا لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۱۱﴾

يَوْمَ تَأْتِيْ كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا  
وَتُوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ  
لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿۱۱۲﴾

وَصَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا قَرِيْبَةً كَانَتْ اٰمِنَةً  
مُّطْمَئِنَّةً يَّاتِيْهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْۢ كُلِّ  
مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِاَنْعَمِ اللّٰهِ فَاذَقَهَا اللّٰهُ  
لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوْا  
يَصْنَعُوْنَ ﴿۱۱۳﴾

وَلَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُوْلٌ مِنْهُمْ فَكٰذَبُوْهُ  
فَاَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿۱۱۴﴾

آنگاه عذاب آنها را در گرفت حالی

که آنها ستمکاران بودند (۱۱۴)

پس بخورید حلال و پاکیزه های از

آنچه خدا بشمارزق داده است و به

نعمت خدا شکر کنید اگر شماعبادت

را خاص او میگذارید (۱۱۵)

اوبر شما حرام کرده است فقط

مردار و خون و گوشت خوک و آن

چیز را که بر آن نامی بغیر از خدا

برده شود. پس آنکه ناچار گردد

و خواهشمند و تجاوزگرنیست آن

گاه یقیناً خدا فراه آمرزش بارها

رحمکننده است (۱۱۶)

و نگویید برای آنچه زبانهایتان

دروغ ستاید که این حلال است و

این حرام است تا بر خدا بر بافید

همانا کسانی که بر خدا بر بافند موفق

نمی شوند (۱۱۷)

بهره ی است ناچیز [که میگردند]

و آنها را عذابی دردناکست (۱۱۸)

و بر آنانکه یهود شدند حرام ساخت

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا

وَأَشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لِيَّاهُ

تَعْبُدُونَ ﴿١١٥﴾

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ

الْخِزْيِرِ وَمَا آهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ

أَضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

رَحِيمٌ ﴿١١٦﴾

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ

الْكُذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ

لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ إِنَّ الَّذِينَ

يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١١٧﴾

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٨﴾

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا

بودیم آنچه پیش از این بر شما بیان کرده ایم و ما بر آنها ستم نکردیم بلکه آنها خود بر جانهای خود ستم می کردند (۱۱۹)

سپس یقیناً پروردگارتو برای آنان که بنادانی بدی کردند، سپس توبه و اصلاح کردند یقیناً پروردگار تو بعد از آن فراخ آمرزش بارها رحمکننده است (۱۲۰)

یقیناً ابراهیم [خودش] يك امت بود که برای خدا فرمانبردار و مدام بسوی او متمایل و از مشرکان نبود (۱۲۱)

برای نعمتهای او سپاسگذار بود - خدا او را برگزید و او را بصراط مستقیم هدایت کرد (۱۲۲) و در دادیم خوبی او را در دنیا و در آخرت یقیناً او از شایسته کاران است (۱۲۳)

سپس بسوی تو وحی فرستادیم که ملت ابراهیم حنیف را پیروی

عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ<sup>ع</sup> وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ<sup>ع</sup>

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ<sup>ع</sup>

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا<sup>ط</sup> وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ<sup>ط</sup>

شَاكِرًا لِلْإِنْعَامِ<sup>ط</sup> اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ<sup>ط</sup>

وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً<sup>ط</sup> وَإِنَّا فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ<sup>ط</sup>

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا<sup>ط</sup> وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ<sup>ط</sup>

کن و او از مشرکان نبود (۱۲۴)  
یقیناً سبب بر آنان [آزمایش] قرار  
داده شد که در آن اختلاف کردند  
و یقیناً پروردگار تو روز قیامت  
بین آنها قضاوت کند امری که  
در آن اختلاف میکردند (۱۲۵)

بخوان بسوی راه خدا با حکمت و  
اندر زنیکو و ستیزه کن با آنها با  
آن [دلیل] که نیکوتر است. یقیناً  
پروردگار تو داناترست به آنکه  
از راه او گمراه گردد و هم داناتر  
به هدایت یافتگان است (۱۲۶)

و اگر عقوبت کنی آنگاه عقوبت  
کنید همانند آنچه شما عقوبت شدید  
و اگر صبر کنید یقیناً این برای صبر  
کنندگان نیکوتر است (۱۲۷)

و صبر کن و صبر تو فقط بخاطر خدا  
است و بر آنها غم نخور و در تنگی  
نباش از آنچه نیرنگ زنند (۱۲۸)  
یقیناً خدا با آنانست که تقوی کنند  
و آنانکه احسان کنندگانند (۱۲۹)

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا  
فِيهِ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٥﴾

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ  
وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي  
هِيَ أَحْسَنُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ  
ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ  
بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١٢٦﴾

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا  
عُوقِبْتُمْ بِهِ ۗ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ  
لِّلصَّابِرِينَ ﴿١٢٧﴾

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا  
تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا  
يَمْكُرُونَ ﴿١٢٨﴾

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ  
مُحْسِنُونَ ﴿١٢٩﴾

## ۱۷ - بنی اسرائیل

این سوره مکی است و با بسم الله ۱۱۲ آیت دارد. این سوره الاسراء نیز نامیده میشود.

آن موضوع ارتقاء روحانی آنحضرت ﷺ که در سوره گذشته جاری بود ذکرش در این سوره نیز ادامه دارد. ایشان را نشان داده شد که آن سفر نبوتها که در فلسطین بپایان رسید سفر رسالت شما در آنجا تمام نشده بلکه از آنجا بسوی بلندیها بیشتر سر به آغاز نهاده است. ضمن ذکر از نبوت حضرت موسی علیه السلام توضیح داده شد که اگرچه ایشان نیز دارای رتبه ای بالاتر بودند اما حضرت محمد ﷺ به رتبه ای بالا ترین برخوردار شدند. این سوره اکنون ذکر یهود را به این نحو نقل میکند که ایشان ناشی از جرما از فلسطین میهن خود تبعید کرده شدند و بندگان سختگیر از جانب خدا بر ایشان مسلط گردیدند. این بندگان به کوچهای ایشان داخل شده پیش روی پرشتاب کرده تمامی شهر را به نابودی کشیدند. اما خداوند برایشان يك شانس دیگر فراهم میآورد که ایشان فلسطین را در تحت تسلط خود درآورند بطوریکه شرایط کنونی زمان حاکی از آن حقیقت است. در عین حال این نیز واضح کرده شد که اگر آنان از روی توبه بر سر مردم دست مهر نه نهادند در آنصورت نه بعلت جنگ با مسلمانان بلکه خدا خود آنان را از فلسطین بیرون رانده و بندگان نیکوکار خود را به پادشاهی فلسطین برگزیند. بدیهی است که مسلمانان را بر فلسطین غلبه بدست نمیآید تا آن نهایت که دارای شرایطی مربوط به بندگان نیکوکار نباشند.

سپس سخن از آن بدیها میرود که یهودیان را بعزت سختدلی ایشان فراگرفته بود یعنی بخل، ول خرجی، زنا، قتل و غارتگری، مال یتیم را خوردن، عهدشکنی و تکبر و غیره و مسلمانان توصیه شدند که از اختیار کردن این اعمال دوری گزینند.

ضمناً این سوره حاکی است که هنگامیکه تو از این قرآن عظیم تلاوت میکنی آنان فاقد فهمیدن آنند. آنان به شرك تا آن نهایت خوی گرفته اند که بمحض ذکر ازیکتائی خداوند روی برگردانده بطوری پابفرار مینهند که گویی آنها در سخن توحید هیچ علاقه ای ندارند. پس ناشی از انکار خدا ایمان آنان به روز بازپسین نیز کلیه برطرف میشود و قومیکه به روز آخرت ایمان نیآوردند و جوابگویی خود قائل نیستند آنان در جریمکاری قدم خود را آزادانه و پیوسته جلوتر مینهند.

پس از آن اشاره به آن رویاء رسول ﷺ است در چه ایشان در حالت مکاشفه ای اوضاع فلسطین بنمایش گذارده شدند و باز ایشان در بلنندهای روحانی بیشتر درآمدند.

سپس نسبت به شجره ملعون تعریف شد که منظور از این آن یهودیان اند که در پایان سوره الفاتحه ذکر شدند که آنان همواره مورد غضب هم از خدای متعال قرار گیرند و هم از بندگانش. مردمانیکه به غضب و انتقام عادت کنند مثل ایشان مانند آتش است که نشوونما را نابود میسازد. در مقابل این، بندگان فروتن خاصیت "طین" را همراه دارند که هر نوع نشوونما از وسیله ایشان میشود. پس این ذکر دال بر اینست که یهودیان پیوسته تلاش کنند که کوششهای سودمند آنحضرت ﷺ را به نابودی کشند و گمان کنند که چطور

اینان که از گل نشوونما میبندند بتوانند مارا مقابله کنند. اما نشوونما اینهمه دنیا این امر را اثبات میکند که هیچگاه آتش نمیتواند رشد و نمو پدید آمده از قدرت خدا را نابود سازد. کلیه باغستانها و سبزه زارها به این دلیل گواهی بپا ایستاده اند.

پس از این آن آیتهای قرآن اند که با کلمات "اقم الصلوات" شروع می شوند و مقام محمود رسول ﷺ را تذکر میدهند. پس با این وجود که مخالفان به مذمت ایشان تلاش کنند ولی خدای متعال مدام ایشان را به رتبه ای بالاتر ترفیع می دهد. گویی که خداوند حین عمل ارتقاء روحانی ایشان را بر مقام بالاترین به این رنگ ترفیع داد که تدریجاً ایشان به مقام محمود نایل شوند. البته این رتبه بی تلاش و بی هیچ بدست نمیرسد. برای این فرمان است "فتجهد به نافلة لك". برای این شبها برپا بر خیز و مدام به دعاها بپرداز.

اینك این عمل به رسیدن مقام محمود همان در حیات رسول ﷺ شروع شد و دشمنان بچشم خود دیدند چون ایشان بظاهر مغلوب از خاک مکه خارج شدند. در عین حال در آن زمان در این سوره يك پیشگوئی نیز شد که تودوباره وارد این شهر شده و اعلام خواهی کرد "جاء الحق و زهق الباطل انّ الباطل كان زهوقا" - حق آمد و باطل فرار کرد و باطل را فرار مقدر بود. اینست چنانکه با آمدن نور تاریکی فرار میکند.

پس از آن آیت ۸۶ متعلق به روح است. گاهی که مردم از رسول الله ﷺ پرسیدند که روح چیست، خداوند پاسخ داد که بگو نیست روح مگر امر پروردگارم.

مسیحیان به روح الله بودن حضرت عیسیٰ علیه السلام اعتقاد دارند و



مسلمانان نیز ایشان را همینطور لقب میکنند. اما این امر حضرت عیسی را در جای ویژه نمی نشانند. چنانکه هر کدام آفریده آفرینش خود را با امر خدا آغاز کرد، بر همین منوال حضرت عیسی نیز با امر خدا آفریده شدند.

در زمینه موضوع فوق در پایان این سوره شرح کشفی داده میشود که حضرت عیسی را بمحض این علت که ایشان بلا نسبت پدری بدنیا آمدند بر مقام پسر خدا برگزیده شوند، ظلمی بسیار بزرگست. ستایش مطلق فقط از آن خدا است. او را به هیچ پسری نیاز نیست و نه کسی در ملکش او را شریک است. هیچگاه او چنین رفیق را نیاز نداشت که گویی در حالت ناتوانی او را مددگار شود.

☆ سُوْرَةُ بَنِي إِسْرَائِيلَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَاثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً وَاثْنَا عَشَرَ رُكُوعًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

پاك است آنكه بنده خود را هنگام

شب از مسجد حرام تا آن مسجد

اقصى برد كه حومه آنرا بركت

داده ایم تا او را از آیتهای خود

نشاندهیم. یقیناً او بسیار شنوای

بینا است (۲) ++

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا

مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا

الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ السَّمَاءِ

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ②

و به موسی کتاب دادیم و آنرا

برای بنی اسرائیل هدایت نمودیم

وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى

لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي

++ آیت ۲: قرآن مجید حاکی از دو سفر روحانی رسول الله ﷺ است - یکی را

اسراء گویند و دومین معراج است. ضمن اسراء ایشان به دیدار فلسطین برده

شدند که دال بر رفتن با جسم ظاهری نیست بلکه دیدار روحانی است. زیرا

آنگاه که فردی برپا شد و پرسید که بفرمایید که فلان فلان ساختمان فلسطین

چگونه است. در حدیث است که آنگاه آن ساختمان جلوی چشمان آنحضرت ﷺ

پدیدار شد و ایشان آنرا رویت کرده پرسش آنکس را پاسخ گفتند. چنانچه در

حدیث بخاری است: "لما كذبتني تريت في الحجر فجلى لي الله لي بيت المقدس

فطفت اخبرهم عن آياته و انا انظر اليه" - بخاری کتاب التفسیر سورة بنی

اسرائیل.

وَكَيْلًا ①

که از من گذشته کارسازی نه  
گزینید(۳)

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ ۗ إِنَّهُ كَانَ  
عَبْدًا شَكُورًا ②

[ایشان] فرزندزادگان آنانند که با  
نوح سوار کرده بودیم یقیناً او  
بنده سپاسگذار بود(۴)

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ  
لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ  
عُلُوًّا كَبِيرًا ③

و در کتاب به بنی اسرائیل این  
سرنوشت اعلام کرده بودیم که  
حتماً دوبار در زمین فساد کنید و  
سرکشی بزرگ کرده تسلط فرا  
گیرید(۵)++

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ  
عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بِأْسِ شَدِيدٍ فَجَاسُوا  
خِلَالَ الدِّيَارِ ۗ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ④

پس چون اولین آندو وعده فرا  
رسید برخلاف شما چنین بندگان  
خود را برپا کردیم که سخت جنگ  
آوردند. پس آنها در میان شهرها  
غارت و خسارت کرده داخل  
شدند و این وعده حتمی الوقوع  
بود(۶)++

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ  
وَأَمَدَدْنَكُمْ بِأَمْوَالِ الْوَبْنِيِّنَ وَجَعَلْنَكُمْ  
أَكْثَرَ نَفِيرًا ⑤

سپس برای شما سلطه را بر آنها  
بازگردانیدیم و شما را با دارائیهما  
و اولاد یاری دادیم و شما را  
گروهی بزرگتر ساختیم(۷)+++

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ<sup>ت</sup>  
 وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا<sup>ط</sup> فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ  
 الْآخِرَةِ لِيَسُوءَ أَوْجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا  
 الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ  
 وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتَبِيرًا<sup>٥</sup>

اگر نیکوکاری کنید جهت خودتان  
 نیکوکاری کنید و اگر بدی کنید پس  
 [آنها] جهت خودتانست. پس چون  
 وعده دومین برسد [حمله بردگان]  
 چهره هایتانرا مایوس سازند و  
 بداخل مسجد شوند بطوریکه بار  
 اول داخل شدندو بر هر چه غلبه  
 یابندرا کاملاً نابود سازند(۸) ++

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُم<sup>ع</sup> وَإِنْ عُدْتُمْ  
 عُدْنَا<sup>ط</sup> وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا<sup>٥</sup>

امکاندارد که پروردگارتان بر شما  
 ترحم کند و اگر تکرار کنید مامم  
 تکرار کنیم و جهنم را برای کافران  
 فراگیرنده قرار داده ایم(۹) ++

آیات ۵-۹: طبق تقدیر خداوند چون بنی اسرائیل در زشتکاریها خود غرق شدند  
 نبودند نصریادشاه بابل برایشان چیره شد. هجوم آوردگان وارد کوچه ها و خیابانها  
 شدند و عملاً آنانرا نیست و نابود کردند و یابیه مهاجرنشینی واداشتند. پس چون خداوند  
 بنویت اول وعده، بنی اسرائیل را بر فلسطین سلطه داد پس ترحم کرده در عدد و  
 دارائی ایشان برکت نهاد و توصیه کرد که اگر حسن سلوک را بکار گرفتید برفع خود  
 شماسست و اگر زشتکاریها را تکرار کنید بزیافتان تمام شود. چون در زمان آخرب  
 فلسطین چیره شوند علتش زشتکاریهای مسلمانان باشد و باز به آزمایش افکنده  
 شوند. اگر آنان در منطق مفتوح داد و رحمت راپیش گیرند غلبه ایشان بطول انجامد.  
 بعکس میچ قوم را با آنان یارائی مقابله نباشد که ایشانرا سرنگون سازد بلکه خداوند  
 چنین اسباب راپدید آورد که ابرقدرتها از یاری ایشان دست بکشند.

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ  
وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ  
الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿١٠﴾

یقیناً این قرآن جهت آن [راه]  
هدایت میکند که استوارتر است  
و به آن مومنان که نیکوکاری کنند  
مژده میدهد که ایشانرا پاداشی  
بسیار بزرگ است (۱۰)

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ  
أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١١﴾

و اینکه کسانی که به آخرت ایمان  
نیآورند برای آنها عذابی دردناک  
آماده کرده ایم (۱۱)

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ  
وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿١٢﴾

و انسان بدی را میخواند بطوری  
که او خیر را میطلبد و انسان  
بسیار عجل است (۱۲)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ  
الَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً  
تَتَّبِعُونَ أَفْصَالَ مَنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ  
السِّنِينَ وَالْحِسَابِ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ  
تَقْصِيلًا ﴿١٣﴾

و شب و روز را دونشانه قرار  
دادیم پس نشانه شب را محو می  
نمایم و نشانه روز را بصیرت بخش  
میگردانیم تا فضل پروردگار خود  
را تلاش کنید و تا شمارسالها و  
حساب را بدانید و ما هر امری  
را تفصیل داده ایم (۱۳)

وَ كُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَبْعَهُ فِي عُنُقِهِ  
وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ

و هر انسانی را نامه عملش در گردن  
او افکنده ایم و روز قیامت برایش  
کتابی در آوریم که آنرا گشوده

مَنْشُورًا ⑩

إِقْرَأْ كِتَابَكَ ۱ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ

حَسِيبًا ⑪

مِنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ

ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ

وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ

نَبْعَثَ رَسُولًا ⑫

یابد(۱۴) ++

کتاب خود را بخوان. امروز نفس

تو برای محاسبه تو بس است(۱۵)

هر که هدایت یابد پس فقط برای

جان خود هدایت مییابد و هر که

گمراه گردد خلاف آن [جان خود

گمراه] است. و هیچ باربرداری

بار دیگری را بر ندارد و نیستیم

ما که معذب کنیم تا آنگاه که

رسولی را بر نیانگیریم(۱۶)

و هرگاه قصد کنیم که شهری را هلاک

سازیم فرمان کنیم خوشحالان آن

را [که خودخواهی کنند]. پس آنها

در آن فسق و فجور کنند آنگاه قول

بر آنها صدق میکند. پس ما آنها را

نیست و نابود میسازیم(۱۷)

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا

مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ

فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ⑬

وای بسا مردم را پس از نوح هلاک

وَكَمَ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ

++ آیت ۱۴: اینجا طائر بمعنای پرندۀ ای نیست که در گردن مرکب افکنده شود بلکه

بمعنای نامه عمل است که اگر چه بظاهر افکنده ی نیست ولی روز قیامت آشکار

گردد. این کلام رمزی است بطوریکه حافظ نیز سرود. "گردان رابی خطر سرمیبرند"

و اینجا گردان بمعنای شاعران نام دار و بزرگ و عالم اند.

کردیم و پروردگارتو به گنامان  
 بندگان خود آگامی بینا است (۱۸)  
 هر که زندگانی این دنیا میخواید  
 ما هر چه بخواهیم برای آنکه قصد  
 کنیم برای او عاجلانه در همین  
 دنیا میدهیم سپس برای او جهنم  
 ساخته ایم که سخت نکو میده و  
 رانده وارد آن میگردد (۱۹)

و هر که آخرت را آهنگ کرد و  
 برای آن سزاوار آن میکوشد و او  
 مومنست پس همانها اند که کوشش  
 آنان لائق تشکر است (۲۰)

ما از عطای پروردگارتو اینان و  
 آنان همه را کم میکنیم و عطای  
 پروردگارتو باز داشته نشود (۲۱)  
 نگاه کن چگونه بعضی را از آنها  
 بر بعضی برتری دادیم و آخرت هم  
 در درجات بزرگتر است و هم در  
 فضیلت دادن بزرگتر است (۲۲)  
 انبازی با خدا نگرینید و الانکو میده  
 بی یاری و اورمیسانی (۲۳)

نُوحٌ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ  
 خَيْرًا بَصِيرًا ﴿۱۵﴾

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا  
 نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ  
 يَصْلُهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ﴿۱۹﴾

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا  
 وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ  
 مَشْكُورًا ﴿۲۰﴾

كُلًّا نُمِدُّهُمُؤَلَاءً وَهُؤَلَاءُ مِنْ عَطَاءِ  
 رَبِّكَ ۗ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ

مَحْظُورًا ﴿۲۱﴾  
 أَنْ نُنْظَرَ كَيْفَ فُضِّلْنَا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۗ

وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ  
 تَفْضِيلًا ﴿۲۲﴾

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعَدَ  
 مَذْمُومًا مَدْحُورًا ﴿۲۳﴾

و پروردگارتو گذرانیده است که  
جز او هیچ راعیادت نکنید و به  
والدین احسان کنید. اگر یکی از  
آندو یا هر دوی نزد تو به پیری  
برسند پس به آندوی نگو اف و  
نه آن دوی را سرزنش کن و با  
آندوی کریمانه گفتگو کن (۲۴)

و برای آندو از ترحم بال فروتنی  
بگستران و بگو، پروردگارا! بر  
اینده ترحم فرما بطوریکه ایشان  
در کودکی مرا پروریدند (۲۵)

پروردگارتان داناتراست آنچه  
دردلهایتانست. اگر شما نیکوکاران  
اید آنگاه یقیناً او بسیار توبه  
کنندگان را آمرزنده است (۲۶)

و به خویشی حقش بده و هم به  
مسکین و به درمانده راه و ول  
خرجی مکن (۲۷)

حتماً و لخرج کنندگان برادران  
شیطانها اند و شیطان ناسپاس  
پروردگار خود است (۲۸)

وَقَضَىٰ رَبِّيكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ  
وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ إِنَّمَا يُبَلِّغُنَّ عِنْدَكَ  
الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا  
أَقِبٌ وَلَا تَهْزُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا  
كَرِيمًا ﴿٢٤﴾

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ  
وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي  
صَغِيرًا ﴿٢٥﴾

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ ۗ إِنَّ  
تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ  
غَفُورًا ﴿٢٦﴾

وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ  
السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ بِنْدِيرًا ﴿٢٧﴾

إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ۗ  
وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٨﴾



واگر تو را از آنها اعراض کردنی است. به آرزوی رحمت پروردگار خود که برایش امید داری باز برای آنها سخنی نرم بگو (۲۹)

و دست خود را به گردن خود بسته مدار و نه آنرا بگشا تمام گشاده که نکوهیده و حسرت زده بنشین (۳۰)

هرآینه پروردگار تو برای هر که بخواهد رزق را تنگ میگرداند و میگشاید. یقیناً او به بندگان خود آگاهی بینا است (۳۱)

و اولاد خود را از بیم تنگدستی مکشید. این مائیم که هم به آنها رزق میدهم و هم به شما. کشتن آنان خطای بزرگ است (۳۲)

و نزدیک زنا نروید. یقیناً آن فحشائی است و راهی بسیار زشت است (۳۳)

و نفسی که خدا آنرا حرمت داده است بناحق نکشید و آنکه مظلوم

وَأَمَّا تَعْرِضُ عَنْهُمْ ۖ فَتَعَاذَ رَحْمَتِي مَنْ رَّبِّكَ تَرْجُوهُمَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ﴿۳۰﴾

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ  
وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعَدَ مَلُومًا  
مَّحْسُورًا ﴿۳۱﴾

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ  
وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا  
بَصِيرًا ﴿۳۲﴾

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ ۗ  
نَحْنُ نُرْزِقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۗ إِنَّ قَتْلَهُمْ  
كَانَ خِطَاءً كَبِيرًا ﴿۳۳﴾

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً ۗ  
وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿۳۴﴾

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا  
بِالْحَقِّ ۗ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا

لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ ۝<sup>ط</sup>  
 اِنَّهٗ كَانَ مَنصُورًا ۝

کشته شود پس یقیناً ما وارث او  
 را حتی [از عوض] استوار داده ایم.  
 پس او در مورد قتل تجاوز نکند.  
 یقیناً او مورد تائید گرفته شده  
 است (۳۴)

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِي هِيَ  
 اَحْسَنُ حَتّٰى يَبْلُغَ اَشُدَّهُ ۝<sup>و</sup> وَاَوْفُوا  
 بِالْعَهْدِ ۝ اِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُوْلًا ۝<sup>۳۵</sup>

و نزدیک به دارائی یتیم نروید  
 جز با آنطور که نیکوترست تا آن  
 زمان که به سن بلوغ خود برسد  
 و به عهد وفا کنید. هر آینه از عهد  
 پرسیده شود (۳۵)

وَاَوْفُوا الْكَيْلَ اِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوْا  
 بِالْقِسْطِ اِسْمِ الْمُسْتَقِيْمِ ۝<sup>ط</sup> ذٰلِكَ خَيْرٌ  
 وَاَحْسَنُ تَاْوِيْلًا ۝<sup>۳۶</sup>

و کیل را تمام دهید چون کیل  
 کنید با ترازوی راست وزن کنید  
 اینکار نیکو و انجامکار نیکوتر  
 است (۳۶)

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۝<sup>ط</sup> اِنَّ  
 السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ اُولٰٓئِكَ كَانَ  
 عِنْدَهُ مَسْئُوْلًا ۝<sup>۳۷</sup>

و دنبال نکن آنچه تو را به آن  
 هیچ دانشی نیست. یقیناً گوش و  
 چشم و دل - جهت هر کدام از آنها  
 پرسیده شود (۳۷)

وَلَا تَمْشِ فِي الْاَرْضِ مَرَحًا ۝<sup>ع</sup> اِنَّكَ لَنْ  
 تَخْرِقَ الْاَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ  
 طُوْلًا ۝<sup>۳۸</sup>

و در زمین بزرگی کرده راه مرو.  
 یقیناً هرگز نمیتوانی زمین را  
 بشکافی و هرگز بلندی کوهها را

نمیرسی (۳۸)

اینهمه امورات که زشتی آنها نبرد  
پروردگارتو ناپسند است (۳۹)

این از آن سخنان پر حکمت است  
که پروردگارتو آنرا بسوی تو وحی  
کرد و معبودی دیگر را با خدا  
مگزین و گرنه نکوهیده و رانده  
به جهنم افکنده میشوی (۴۰)

پس آیا پروردگارتان شمارا برای  
پسران برگزید و خود از فرشتگان  
دختران گرفت؟ حتماً سخنی بزرگ  
است که شما میگوئید (۴۱)

و یقیناً در این قرآن [آیت‌های را]  
تکرار آبیان کرده ایم تا پند گیرند  
باینهمه جز نفرت کنان فرار کردن  
بر آنها چیزی نمی افزاید (۴۲)

بگو، اگر با او خدایانی بودند  
آنگونه که میگویند آنگاه حتماً  
راهی را بسوی صاحب عرش تلاش  
میکردند (۴۳)

او پاکست و بسیار بلندتر است

كُلَّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ  
مَكْرُوهًا ﴿٣٩﴾

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ  
الْحِكْمَةِ ۗ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ  
فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ﴿٤٠﴾

أَفَأَصْفَكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَ اتَّخَذَ  
مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا ۗ إِنَّكُمْ تَقُولُونَ  
قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٤١﴾

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ  
لِيَذَّكَّرُوا ۗ وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا  
لَأَبْتَغُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿٤٣﴾

سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ ۗ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤٤﴾

از آنچه میگویند (۴۴)

هفت آسمان وزمین و هر چه میان آنهاست اورا تسبیح میگویند و نیست چیزی مگر آن با حمد او تسبیح میگوید. اما شامتسبیح آنها را درک نمیکنید. یقیناً او بسیار

بردباری آمرزنده است (۴۵)

و هنگامیکه قرآن را تلاوت کنی ما میان شما و میان آنها که به آخرت ایمان نمیآوردند پرده ای مخفی

می نهیم (۴۶)

و ما بر دلهای آنها نیز پرده می افکنیم که نتوانند آنرا درک کنند و در گوشهای آنها سنگینی میافکنیم و هنگامیکه تو در قرآن ذکر از پروردگارت میکنی که او یکتا است آنها از بی میلی بر پشتهای

خود بر میگردند (۴۷)

ما داناتریم به آنچه برای شنیدن آن تلاش کنند چون بسوی تو گوش باز دهند و چون آنها نجوی کنند

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ  
وَمَنْ فِيهِنَّ<sup>ط</sup> وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ  
بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ<sup>ط</sup>  
إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ۝

وَإِذَا قُرَأَتِ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ  
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا  
مَسْتُورًا ۝

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ  
يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا  
ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا  
عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ۝

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ  
يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ

چون ستمکاران گویند شما فقط  
از بی آنکس میروید که جادو  
شده است (۴۸)

نگاه کن برای تو چه مثل‌های می  
زنند پس گمراه شده اند و نتوانند  
به راه راست برسند (۴۹)

و گویند آیا چون استخوان‌های محض  
و ریزه ریزه شویم آیا واقعاً ما  
به آفرینشی نوین برخیزانده  
شویم؟ (۵۰)

بگو سنگ شوید یا آهن (۵۱)  
یا آفرینشی که به خاطر شما از آن  
هم [در سفتی] بزرگتر آید. پس حتماً  
گویند که ما را بازگرداند؟ بگو  
همانکه بار اول شمارا آفرید. آنگاه  
بسوی تو [رو کرده] سرمایه خود را  
جنبش دهند و میپرسند، آن تا چند  
بکشد؟ بگو، امکان دارد که زود  
باشد (۵۲)

روزیکه شما را بخواند پس شما  
با حمد او لبیک گوید و گمان

يَقُولُ الظَّالِمُونَ اِنْ تَتَّبِعُونَ اِلَّا رَجُلًا  
مَّسْهُورًا ﴿٤٨﴾

اَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْاَمْثَالَ  
فَصَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً ﴿٤٩﴾

وَ قَالُوا اِذَا كُنَّا عِظَامًا وَّرَفَاتًا اِنَّا  
لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٥٠﴾

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً اَوْ حَدِيدًا ﴿٥١﴾  
اَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ  
فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُّعِيدُنَا قُلِ الَّذِي  
فَطَرَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ  
اِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ  
قُلْ عَسَى اَنْ يَّكُونَ قَرِيْبًا ﴿٥٢﴾

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ  
وَ تَتَذَكَّرُونَ اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٥٣﴾

کنید که مکت نکردید جز مدتی  
اندک (۵۳)

و بگوبه بندگانم بگویند آن سخن  
که آن نیکوتر است. یقیناً شیطان  
میان ایشان ستیزه بر میانگیزد  
یقیناً شیطان انسان را دشمنی  
آشکار است (۵۴)

پروردگارتان داناتر به شما است  
اگر خواهد بر شما ترحم کند و اگر  
خواهد بشما عذاب میدهد و تورا  
بر آنها داروغه نفرستاده ایم (۵۵)  
و پروردگارتون نیکوتر میداند آن  
را که در آسمانهاست و در زمین و  
یقیناً ما بعضی از پیمبران را بر  
بعضی برتری داده ایم و داود را  
زبور دادیم (۵۶)

بگو. بخوانید آنها را که گذشته از  
او چیزی گمان میکردید. بس [نگاه  
کنید] که نتوانند سختی را از شما  
دور کنند و نتوانند آنها را تبدیل  
کنند (۵۷)

وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۖ  
إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ ۖ إِنَّ الشَّيْطَانَ  
كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۖ إِنَّ يَسَاءَ يَرْحَمُكُمْ أَوْ  
إِنْ يَسَاءَ يَعَذِّبُكُمْ ۖ وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهَمْ  
وَكَيْلًا ﴿٥٤﴾

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ ۖ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ  
عَلَى بَعْضٍ ۖ وَأَتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا  
يَمْلِكُونَ كَشْفِ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا  
تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾

آنها را که اینها میخوانند آنها که [خود] بسوی پروردگار خود وسیله ای تلاش کنند که کدامین آنها [از روی وسیله] سزاوارتر است و رحمت اورا امید داشته و از عذاب او خواهند ترسید. یقیناً از عذاب پروردگار تو باید ترسید (۵۸)

و هیچ شهری نیست مگر ما آنرا بیش از روز قیامت هلاک کننده یا آنرا سخت عذاب دهنده ایم. این در کتاب مرقوم است (۵۹)

و چیزی ما را باز نداشت که آیتهای خود را بفرستیم مگر که پیشینیان به آنها انکار کرده بودند و نمود را نفاق آیتی بصیرت افروز دادیم پس آنها به آن ستم کردند و ما آیتها نمیفرستیم جز بتدریج ترساندن (۶۰)

و چون به تو گفتیم که یقیناً پروردگار تو مردم را احاطه کرده است و آن رویاء که به تو نشان

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿۵۸﴾

وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۖ كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿۵۹﴾

وَمَا مَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ ۖ وَاتَّبِعُوا مَوَدَّةَ الثَّاقَةِ مَبْصُرَةً فَظَلَمُوا بِهَا ۖ وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا ﴿۶۰﴾

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ ۚ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي آرَىٰ نِكَ إِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ ۚ

وَنُحَوِّفُهُمْ ۗ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا  
كَبِيرًا ﴿١١﴾

دادیم تنها آزمایشی برای مردم  
بودو آن درخت نیزکه در قرآن  
ملعون است و ما آنها را بتدریج  
میترسانیم. بازهم آن بر آنها فقط

سرکشی بزرگ میفزاید (۶۱)

و چون به فرشتگان گفتیم که  
برای آدم سجده کنید پس همه  
ایشان سجده کردند جز ابلیس. او  
گفت، آیا سجده کنم برای آنکس که

او را از گل خلق کردی؟ (۶۲)

او گفت، مرا حالی کن، اینست آنکه  
را بر من برتری داده ای؟ اگر مرا  
تاروز قیامت فرصت دهی حتماً نژاد

او جراندک را هلاک سازم (۶۳)

فرمود، برو پس هرکه از آنها از  
تو متابعت کند آنگاه حتماً پاداش  
جهنم پاداشی کامل شماست (۶۴)

و هرکه از آنها را توانستی بصدای  
خود بفریب و با سواران خود و  
با پیادگان خود بر آنها بتاز و در  
مالها و فرزندان با آنها شرکت کن و

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ  
فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ ۖ قَالَ ءَأَسْجُدُ لِمَنْ  
خَلَقْتُ طِينًا ﴿١٢﴾

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ  
لَئِن آخَرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا  
أَحْتَسِبُكَ ۚ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٣﴾

قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ  
جَهَنَّمَ جَزَاءٌ وَكُمُ جَزَاءٌ مَّوْفُورًا ﴿١٤﴾

وَاسْتَفْزِرُ مِنْ مِّنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ  
بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ  
وَرَجْلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ



وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ<sup>ط</sup> وَمَا يَعِدُهُمُ  
الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا<sup>۱۷</sup>  
إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ  
وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا<sup>۱۸</sup>

آنانرا وعده هابده وشیطان آنانرا  
جز فریب هیچ وعده ی ندمد (۶۵)  
هرآینه بندگانم اندکه ترا بر آنان  
هیچ چیرگی نیست و پروردگار  
تو بس کارسازی است (۶۶)

رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ  
فِي الْبَحْرِ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ<sup>ط</sup> إِنَّهُ كَانَ  
بِكُمْ رَحِيمًا<sup>۱۷</sup>

پروردگار تو آنست که برای شما  
کشتیهارا در دریا میراند تا شما فضل  
او را تلاش کنید. یقیناً او بر شما  
بارها رحیمکننده است (۶۷)

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ  
تَدْعُونَ إِلَّا آيَاتِهِ<sup>ط</sup> فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ  
أَعْرَضْتُمْ<sup>ط</sup> وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا<sup>۱۸</sup>

و چون شمارا در دریا سختی میرسد  
هر که را جز او میخوانید ناپیدا  
میشود. پس چون او شمارا بسوی  
خشکی نجات دهد از او بپلوتی  
کنید و انسان ناسپاس است (۶۸)

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْصِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ  
يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا  
لَكُمْ وَكِيلًا<sup>۱۹</sup>

پس آیا شما ایمن شدید که او شما  
را جانب دشت به خاک فروبرد یا  
بر شما بادی تند ریگ افشان  
بفرستد و باز هیچ کارسازی  
برای خود نیابد (۶۹)

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى  
فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ

یا ایمن شدید که بار دیگر شمارا  
در آن [دریا] برگرداند و بادی تند

بر شما بوزاند و شمارا غرق سازد  
چه ناسپاسی میکردید سپس برای  
خود بر خلاف ما هیچ انتقام  
گیرنده به آن نیابید(۷۰)

و یقیناً ما فرزندان آدم را احترام  
گذاشتیم و ایشان را در دشت و دریا  
سواری دادیم و از پاکیزه ها رزق  
ایشان دادیم و آنان را بر بسیاری از  
آفریده های خود برتری دادیم(۷۱)  
[بخاطر دارید] روزیکه ما هر قومی  
را به امام ایشان بخوانیم و هر که  
کتابش بدست راست خود داده  
شود. پس آنان کتاب خودشان را  
بخوانند و باندازه رشته در درز  
هسته هم ستم کرده نشوند(۷۲)

و هر که در این [دنیا] کور است  
پس او در آخرت هم کور است و  
گمراهتر از راه است(۷۳)++

و نزدیک بود جهت آنکه به توحی

فَيُغْرِقْكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ لَوْلَا تَجِدُوا  
لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ۝

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ  
وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ  
عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ۝

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ  
أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ  
كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۝

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ  
أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ۝

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا

++آیت ۷۳: اعمی دال بر گوری از چشمان صوری نیست که روز قیامت نیز کور باشد

بلکه منظور بیننده ای است که فاقد بصیرت معنوی است.

کردیم تو را به فتنه اندازند تا  
بربانی بر ما بغیر از آن. اینحال  
بی درنگ حتماً آنها تو را دوست  
میگرفتند (۷۴)

و اگر تورا ثبات نمیدادیم البته  
مکن بود کمی به آنها مایل می  
شدی (۷۵)

آنگاه حتماً تو را میچشاندیم دو  
برابراز [عذاب] این زندگی. هم دو  
برابر از مرگ. سپس هیچ را در  
مقابل ما یاوری نمییافتی (۷۶)

ونزدیک بود قدمهای تورا از سر  
زمین بلغرانندتا تورا از آن بیرون  
کنند و آنگاه آنها هم پس از تو مکت  
نمیگردند جز اندک (۷۷)

این شیوه جهت آن رسولان ما  
است که بیش از تو فرستادیم و  
تو در شیوه ما تحولی نخواهی  
یافت (۷۸)

بپا بدار نماز را هنگام برگشت  
خورشید قاتاریکی شب و قرآن

إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ<sup>٧٤</sup> وَإِذَا  
لَا تَتَّخِذُوكَ خَلِيلًا<sup>٧٥</sup>

وَلَوْلَا أَنْ تَبَتُّنَا لَقَدْ كِدْتُمْ تَرَكُنَّ  
إِيَّاهُمْ سَيِّئًا قَلِيلًا<sup>٧٥</sup>

إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ  
الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا<sup>٧٦</sup>

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ  
لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ  
خَلْقَكَ إِلَّا قَلِيلًا<sup>٧٧</sup>

سُئِنَّا مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا  
وَلَا تَجِدُ لِسُئِنَّا حُويًّا<sup>٧٨</sup>

ع  
٨

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ  
الْأَيْلِ وَقُرْآنِ الْفَجْرِ<sup>٨</sup> إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ

كَانَ مَشْهُودًا ﴿۷۹﴾

خواندن بامگامی را. یقیناً قرآن  
خواندن بامگامی است که به آن  
گوامی داده میشود (۷۹)

و در پاره شب با [تلاوت] این  
[قرآن] تهجد بخوان. این برای  
تو اضافه بر فرض است. بزودی  
پروردگارت تو را بمقام محمود  
مبعوث کند (۸۰)

و بگو. پروردگارا مرا بداخل  
آور که بداخل شدنم بر راستی  
باشد و بیرون آور که بیرون  
آمدنم بر راستی باشد و مرا از  
نزد خود یاوری نیرومند عطا  
کن (۸۱)

و بگو حق آمد و باطل نابود شد  
یقیناً باطل نابود شدنی است (۸۲)  
و نازل کنیم آنچه از قرآن که آن  
درمان و مومنان را رحمت است و  
بر کافران نیز فراید جز زیان (۸۳)  
و وقتی که بر انسان انعام کنیم  
اعراض کند و به پهلوی خود افتاده

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ ۗ عَسَىٰ أَنْ  
يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿۸۰﴾

وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ  
وَ اَخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدْقٍ وَّ اجْعَلْ  
لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا ﴿۸۱﴾

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبٰطِلُ ۗ اِنَّ  
الْبٰطِلَ كَانَ زَهُوْقًا ﴿۸۲﴾  
وَنُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاۗءٌ وَ رَحْمَةٌ  
لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ۗ وَلَا يَزِيْدُ الظَّٰلِمِيْنَ اِلَّا  
خَسٰرًا ﴿۸۳﴾

وَ اِذَا اَنْعَمْنَا عَلٰى الْاِنْسٰنِ اَعْرَضَ  
وَ نَايِبًا بِنَيْبِهِ ۗ وَاِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ

يُوسُفَ ۸۴

دور شود و چون او را گزندى برسد

بسیار نومید میگردد (۸۴)

بگو هر کدام بر نهاد خود عمل کند.

پس پروردگارتو دانانتر به آنست

که او راست تر راه است (۸۵)

و درباره روح از تو مسئلت کنند.

بگو روح از امر پروردگارم است

و شما از علم جز اندک هیچ داده

نشدید (۸۶)

و اگر میخواستیم حتماً باز میبردیم

آنچه را بر تو وحی کنیم. سپس

برای خود خلاف ما به آن کار

سازی نمی یافتی (۸۷)

جز رحمت پروردگار خود. یقیناً

فضل او بر تو بسیار بزرگست (۸۸)

بگو اگر انس و جن همگی گرد آیند

براینکه قرآن مانند این بیارند

باز هم نتوانند مانند آنرا بیارند

اگرچه بعضی از آنها پشتبان بعضی

باشند (۸۹)

و البته ما در قرآن برای مردم از

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ ۖ فَرَبُّكُمْ  
أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا ۝۸۵

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ ۖ قُلِ الرُّوحُ مِنْ  
أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا  
قَلِيلًا ۝۸۶

وَلَيْسَ شِسْئًا لِنَدَاهِبِنَّ بِالذِّى أَوْحَيْنَا  
إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكَيْلًا ۝۸۷

إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ ۖ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ  
عَلَيْكَ كَبِيرًا ۝۸۸

قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى  
أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ  
بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ  
ظَاهِرًا ۝۸۹

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ

هرگونه مثلی را بر گردانیده بیان کرده ایم پس اکثر مردم فقط ناسپاسی کنان انکارکنند (۹۰)

و گویند هرگز ما بر تو ایمان نیاوریم تا آنگاه که برای ما از زمین چشمه ای بشکافی (۹۱)

یا باغی از خرما و انگور از آن تو باشد و در میان آن نهرهای حفر کنی (۹۲)

یا آسمان را بر ما آنگونه که گمان کنی تکه تکه فرو بار یا خدا و فرشتگان را روبرو بیآرد (۹۳)

یا خانه طلائی از آن تو باشد یا در آسمان بالاروی اما بالا رفتن تو را هم باور نکنیم تا آنگاه که کتابی بر ما نازل کنی که آنرا بخوانیم. بگو، پروردگام [از این امور] پاک است. من فقط یک بشر رسول هستم (۹۴)

و به مردم چون هدایت ایشان را آمد چیزی باز نداشت که ایمان

كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا  
كُفُورًا ﴿۹۰﴾

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ  
الْأَرْضِ يَنْبُوعًا ﴿۹۱﴾

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ  
فَتُمْجِرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا ﴿۹۲﴾

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا  
كَسَفًا أَوْ تَأْتِي بِلِلِّهِ وَالْمَلَكَةِ قَبِيلًا ﴿۹۳﴾

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرٍ أَوْ  
تَرْفُقَ فِي السَّمَاءِ ۗ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ  
حَتَّى تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ ۗ قُلْ  
سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا  
رَّسُولًا ﴿۹۴﴾

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمْ  
الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا

رَسُولًا ۱۵

میاوردند مگر گفتند، آیا خدا بشری

را پیغمبر برانگیخته است؟ (۹۵)

بگو، اگر در زمین فرشتگان با

اطمینان راه میرفتند حتمًا ما بر

ایشان از آسمان فرشته ای را

پیغمبر فرود میفرستادیم (۹۶)

بگو، خدایان من و میان شما گواه

بس است. یقیناً او به بندگان خود

آگاهی بینا است (۹۷)

و آنکس را که خدا هدایت دهد

مان هدایت شده است و آنرا که

او گمراه قرار دهد آنگاه تو برای

آنها از او گذشته یاران نمیابی

و روز قیامت آنها را بر رویهای آنها

کورو گنگ و کرم حشور کنیم ماوی

آنها جهنم است. زبانه آتش هرگاه

فرو نشیند برایشان بیفزایم (۹۸)

این پاداش آنهاست چه به آیت

های ما انکار کردند و گفتند، آیا

چون ما استخوانها و ریزه ریزه

شدیم آیا حتمًا ما به آفرینشی نوین

قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْسُونَ

مُظْمِنِينَ لَنَرْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ

مَلَكَارَسُولًا ۱۱

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ

إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۱۷

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۚ وَمَنْ يُضِلِلْ

فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ ۗ

وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ

عُمِيًّا ۚ وَبِكُمَا وَصَمًّا ۗ مَا لَهُمْ جَهَنَّمُ ۗ

كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنُهُمْ سَعِيرًا ۱۸

ذَلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا

وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا ۗ إِنَّا

لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۱۹

برخیزانده شویم؟ (۹۹)

آیا حالی نشوند، خدای که آسمانها و زمین را آفرید قادر بر این است که همانند آنها بیافریند و برایشان نهایت زمانی مقرر داشته است که در آن شکی نیست پس ستم کاران فقط ناسپاسی کرده انکار کردند (۱۰۰)

بگو، اگر شما مالک از گنجهای رحمت پروردگارم میبودید آنگاه هم حتماً از ترس نفق [آنها را] نگه میداشتید و یقیناً انسان خسیس است (۱۰۱)

و یقیناً ما به موسی نه (۹) نشان روشن دادیم. پس از بنی اسرائیل بپرس که چون او ایشان را آمد آنگاه فرعون او را گفت، ای موسی! یقیناً من تو را جادو شده ای تلقی میکنم (۱۰۲)

او گفت، حتماً تو دانسته ای که آن [نشان]های را که بصیرت افروز

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ  
وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ قَالُوا  
الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ﴿۹۹﴾

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ  
رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ ۗ  
وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا ﴿۱۰۰﴾

ع  
۱۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ  
فَسَأَلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ  
فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يُمُوسَىٰ  
مَسْحُورًا ﴿۱۰۱﴾

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا  
رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَآئِرٍ وَرَائِي



لَا ظُلْمَ لَكَ يَفْرَعُونَ مَثُورًا ﴿۱۳﴾

است کسی جز پروردگار آسمانها  
وزمین نازل نکرده است و ای  
فرعون! یقیناً من تورا انسانی ملامت  
شده می بندارم (۱۰۳)

فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَ مِنْهُمْ مِنَ الْأَرْضِ  
فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ﴿۱۴﴾

پس او خواست که ایشان را از  
زمین برکند آنگاه ما او و هر که  
با او بود جمیع را بهم غرق  
ساختیم (۱۰۴)

وَقُلْنَا مَنْ بَعْدَهُ لَبَنِيُّ إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا  
الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ  
جُنَابِكُمْ لَهَيْفًا ﴿۱۵﴾

و از آن پس به بنی اسرائیل  
گفتیم که در زمین سکونت کنید.  
پس گاهی که وعده آخرت فرارسد  
باز شمارا گرد خواهیم آورد (۱۰۵)  
و ما آنرا الحق نازل کردیم و الحق  
نازل آمد و تورا فقط مژده دهنده  
و بیم دهنده فرستاده ایم (۱۰۶)

و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا  
أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۱۶﴾

و قرآن را جز و نازل کرده ایم  
تا آنرا برای مردم آمسته آمسته  
بخوانی و آن را با قدرت مندی و  
تدریجاً نازل کرده ایم (۱۰۷)

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى  
مَكْتَبٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا ﴿۱۷﴾

بگو بدان ایمان آورید یا ایمان  
نیآوردید البته کسانی که پیش ازین

قُلْ اٰمُوْا بِهٖ اَوْ لَا تُوْمُوْا ۗ اِنَّ الَّذِيْنَ  
اَوْتُوْا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهٖ اِذَا يَتْلٰى عَلَيْهِمْ

يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿۱۵﴾

علم داده شدند چون برایشان فرو خوانده شود گریان بر رویها به سجده میفتادند (۱۰۸)

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿۱۶﴾

و می گفتند، پروردگارا پاك است. یقیناً وعده پروردگار ما حتی الوقوع است (۱۰۹)

وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿۱۷﴾

و گریان سجده کنان برویها می افتادند و این [قرآن] ایشان را در فروتنی میفزود (۱۱۰)

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿۱۸﴾

بگو، خدا را بخوانید خواه رحمن را هر کدام را بخوانید پس نامهای نیکو بتمام از آن اوست و نماز خود را نه بلند بخوان و نه آنرا آهسته بخوان و راه میانه ایندو را پیش بگیر (۱۱۱)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَاوِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِيرَةٌ تَكْبِيرًا ﴿۱۹﴾

و بگو، ستایش مطلق برای خدای است که پسری فرانگرفت و او را در سلطنت شریکی نمیشود و هیچ گاه نیازیست که او را از جهت زبونی یاوری باشد و بزرگی او را سرشار بیان کن (۱۱۲)

## ۱۸ - سورة الكهف

این سوره در مکه در چهارمین یا پنجمین سال نبوت نازل شد و با بسم الله ۱۱۱ آیت دارد.

آغاز این سوره با آن مطلب سوره بنی اسرائیل شروع شد درجه بنده بودن حضرت عیسی علیه السلام بصراحت و جلال بیان شده و در کلماتی ساده تراعلام شد که اینها اصلاً علمی ندارند که حضرت عیسی چطور متولد شدند و نه دیگر به این امر دانش دارند که خداوند از نظام زادوولد کلیه پاک است و آنها برخدا دروغی بزرگ بسته اند و این ادعای آنها بی ارزش و بی اساس است.

ضمناًذکری از مسیحیان ابتدائی را بمیان آورده اظهار شد که چطور ایشان خاک مسطح را برای حفاظت و اعتلای توحید خدای متعال ترك گفته منزلگاه منزوی در غارها برگزیدند. قبل از ذکر اصحاب کهف آیتهای ابتدائی حاکی از اینست که هر چه نعمتهای ظاهری بمردم ارزانی داشته شد جنبه ی آزمایش ایشان را همراه دارد. اما زمانی بیاید که اینهمه از آنان ربوده بسوی ایشان واگذار شود که بخاطر خدا زیبایش و آسودگی زمین مسطح را ترك کرده رحل اقامت در غارها افکندند.

پس از آن مثل از آن دو بهشتها یعنی باغها داده میشود که يك فرد بر مبنای آن باغ با دیگری بامناعت طبع حرف زد که من اینهمه ارزانی داشته شدم و تو در مقابلم تهی دست و فقیر هستی. اما در عین حال این هشدار هم اعلام شد که چون خشم شعله ور خداوند بر نعمتهای شما فروبارد پس شما

را خاکستر خواهد ساخت و بعبارت دیگر همان موضوع "صعیداً جزأً" تکرار شده است.

طی همین سوره ذکر از سفر حضرت موسی به همراهی حضرت عیسی علیه السلام یافت میشود در چه ایشان را منتهای حدما مربوط به امت ایشان نشان داده و آن مقام خاطر نشان شد که ماهی غذای روحانی از آنجا به دریا باز رفت و این سخن اشاره ای به آن دور مسیحیت قبل از اسلام میکند که ایشان وضعیت روحانی خویش را از دست داده بودند.

سپس آنحضرت ﷺ بصورت آن بزرگ تمثیل کرده میشوند که مردم ایشان را حضرت خضرنام دهند و شرح داده شد که آن حکمت که به او داده شود بالاتر از دسترسی حضرت موسی علیه السلام میباشد و آن صبوری که بدست آوردن کنه آن لازم است حضرت موسی دارای آن نبودند و رسول الله ﷺ بر حضرت موسی علیه السلام به این فضیلت برخوردارند که ایشان همراز حکمتهای خدای برگزیده شدند.

ضمناً ذکر از ذوالقرنین میرود که اشاره ای بسوی آنحضرت ﷺ میباشد که ایشان را پادشاهی دو زمان اعطا کرده شود - یکی از اولین و دومین از آخرین. ضمن این ذکر. صورت از سفر حضرت ذوالقرنین بتفصیل بیان میشود که دارای بسیار کنایات است که اینجا گنجایش بیان آن را ندارد. اما این امر بحر حال قطعی است که امت حضرت محمد ﷺ در کشور های غربی که خورشید در آب ناپالوده ای از خیالات اهل آنها غروب کرده بچشم میخورد. گسترش خواهد یافت و سفر ایشان بسوی خاور تا آن سرزمین است که ورای آن بین خورشید و زمین هیچ پرده ای نیست.

در پایان این سوره بیان قاطعی عبارت از قصه عروج و زوال مسیحیت میباشد. عروج ابتدائی مسیحیت ناشی از کردار یکتاپرستان بظهور رسید و زوال آنوقت صورت گرفت که اعتقاد بر خدای یگانه رو به زوال گذاشته تا به گرفتن هزاران اولیا را بر مقام خدائی منجر شد. چنانکه راجع به سنت های فرضی که عملاً امروزها به رتبه الوهیت برگزیده میشوند در پایان این سوره بصورت این کلمات ذکر می‌رود: "افحسب الذین كفروا ان يتخذوا عبادی من دونی اولیاء" یعنی کسانی که رسول الله ﷺ را انکار کردند، می‌پندارند که گذشته از خدا بندگان او را اولیاء برگزینند؟

رسول الله ﷺ به عرفانی آشکار برخوردار بودند که این سوره مربوط به دجال است. لذا ایشان توصیه فرمودند کسیکه ده آیت نخستین و ده آیت آخرین این سوره را تلاوت کند او از فتنه دجال ننگه داشته شود. باین وجود که ایشان نیز یک بشر بودند از زبان ایشان اعلام به این صورت بظهور آورده شد که من یک بشرام ولی پاک از هر نوع شرک. پس اگر شما نیز میخواهید که به دیدار پروردگار خود برخوردار شوید باید از آلودگی شرک پاک بشوید. اینجایبشگوئی به این عنوان نیز شده است که وحی خدا جاری خواهد ماند. بندگان پاک خدا که خویشان را از شرک پاک بدارند خدا با ایشان نیز تکلم خواهد کرد.

☆ سُوْرَةُ الْكُهْفِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَاحِدٌ عَشْرَةٌ آيَةٌ وَاثْنَا عَشَرَ رُكُوْعًا

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

ستایش مطلق برای خدا است  
آنکه کتاب را بر بنده خود نازل  
کرد و در آن هیچ کجی نیست (۲)  
محکم استوار و استواری دهنده  
است تا به عذابی سخت از جانب  
اوبترساندمؤمنان که نیکوکاری  
کنند را مژده دهد که آنانرا  
پاداشی بسیارنیکواست (۳)

آنان در آن دایماً مکث کنندگان  
اند (۴)

و بترساند آنها را که گفتند.خدا  
پسری فراگرفته است (۵)  
آنانرا به آن هیچ دانشی نیست و  
نه به پدران ایشان.سخنی بزرگ  
است که از زبانشان درمیآید.آنان  
فقط دروغ میگویند (۶)

پس آیاتودنبال آنها بیاعت شد  
اندوه جانخود را بازنده ای اگر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ  
وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ②

قِيَمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا لِمَنْ لَدُنْهُ  
وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ  
الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ③

مَا كُتِبَ فِيهِ آيَاتٌ ④

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ⑤

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ ⑥  
كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ ⑦  
إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ⑧

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ  
لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ آسَفًا ⑨

آنها بدین سخن ایمان نیآرند؟ (۷)  
 یقیناً ما هر چه روی زمین است را  
 زینت آن ساخته ایم تا ما ایشان  
 را بیآزمائیم که کدام یکی از آنها  
 در عمل نیکوتر است (۸)

و یقیناً ما آنچه روی آنست را  
 دشتی خشکزار میگردانیم (۹)  
 آیا گمان کنید که اهل غارها و اهل  
 نوشته ما از جمله نشانه های ما  
 اعجوبه بوده اند (۱۰) ++

چون جوانانی بفارپناهنده شدند  
 پس گفتند: پروردگارا! ما را از نزد  
 خود رحمتی اعطا کن و ما را در کار  
 ما هدایت کن (۱۱)

پس مادر غارها گوشهای ایشان را  
 سالیانی چند [ از شنیدن سخنان

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا  
 لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۝

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرًّا ۝

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ  
 وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ۝

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ فَنَقَلُوا  
 رَبَّنَا إِنَّا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةٌ وَهِيَ لَنَا  
 مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ۝

فَصَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ  
 عَدَدًا ۝

++ آیت ۱۰: اصحاب الرقیم بمعنای اهل نوشته های است. ایشان در کھف خود نوشته های پر ارزش واگذارده بودند بر آنچه اروپایان امروز پژوهش بسیار کرده اند. این آیه نیز اعجازی را همراه دارد. احتمالاً آنحضرت صلی الله علیه وسلم از اصحاب کھف که مطلع بودند ولی اصحاب کھف را اصحاب الرقیم گفتن کسی نمیتوانست چنین گوید جز خدای عالم الغیب.

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْجَرْبِيِّنَ أَحْصَى  
لِمَا لَيْسُوا أَمْدَاءُ ۝

ع  
۳۳

بیرونی] باز داشتیم (۱۲) ++

سپس آنها را بر خیزانیدیم تا بدانیم کدام یکی از آندو گروه درستتر می‌شمارد که برای چه مدت درنگ کردند (۱۲)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ ۗ إِنَّهُمْ  
فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ۝

ما خبر ایشان را بر تو بر راستی بیان میکنیم. یقیناً ایشان چند جوان بودند که به پروردگار خود ایمان آورده بودند و ما ایشان را بر هدایت افزودیم (۱۴)

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا  
رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ  
مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذْ شَطَطًا ۝

ودلهای آنان را تقویت دادیم وقتی که بپاشدند. پس گفتند، پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است. هرگز ما گذشته از او کسی را معبود نخوانیم و گرنه یقیناً ما حرفی دور از اعتدال زنیم (۱۵)

++ آیت ۱۲: اینجا سنین بمعنای زمان الی نه سال است زیرا که سنین جمع سنه است که برای عدد سه الی نه آورده میشود. اگرچه زمان کامل جهت مکت مسیحیان یکتا پرست در غارها برای نگهداری از ایمان خود بالغ بر کمی بیشتر از سه صد سال است اما عملاً ایشان بیش از نه سال درنگ نکردند. زیرا که درحین این زمان سه صد سالگی هنگامیکه مخالفت دشمنان فرو می رفت آنگاه ایشان از غارها در میآمدند.



هُوَ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَنٍ بَيِّنٍ ۖ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۖ ﴿١٥﴾

اینانند قوم ما که جز او خدایانی  
گزیده اند. چرا در حق آنها دلیلی  
غالب و روشن نمی‌آورند؟ پس  
کیست ستمکارتر از آنکس که بر  
خدا دروغ بهم بافتد (۱۶)

وَإِذِ اعْتَرَّتْهُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا  
اللَّهُ فَأَوَّارَىٰ إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ  
مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ  
مَرْفَقًا ۖ ﴿١٦﴾

و چون شما از آنها و آنها را  
جز خدا عبادت میکنند کنار گرفته  
اید پس به سوی غار پناه گیرید.  
پروردگار شما رحمت خود را بر  
شما میگستراند و کار شمارا برای  
شما آسان نماید (۱۷)

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَرُورِعُنْ  
كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ  
تَقَرُّصُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ  
مِنْهُ ۗ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ ۗ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ  
الْمُهْتَدِ ۗ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا  
مُرْسِدًا ۖ ﴿١٧﴾

و خورشید را هنگام طلوع مینگری  
که از غار ایشان بسمت راست  
کنار کشیده و هنگام غروب راه  
بریده از سمت چپ ایشان می  
گذرد و ایشان در آن درجای گشاد  
اند. این از آیات خدا است. هر که  
را خدا هدایت دهد او هدایت شده  
است و هر که را گمراه گرداند  
آنگاه برایش دوستی هدایت  
کننده نمی‌یابی (۱۸)

و توایشان را بیدار می پنداری  
 حالیکه ایشان خوابند و ما ایشان  
 را به راست و چپ میگردانیم و  
 سگ ایشان بازوهای خود را پهن  
 کرده در آستانه میماند و اگر بر  
 ایشان با دقت بنگری حتماً پشت  
 کرده از آنها رو به فرارنهی و از  
 آنها پرهول شوی (۱۹) ++

اینگونه ما ایشان را بیدار کردیم  
 تا از هم دیگر مسئلهت کنند. گوینده  
 از آنان گفت، چقدر درنگ کردید؟  
 گفتند، روزی یا پاره ی از آن  
 درنگ کردیم. گفتند، پروردگارشما

وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَ هُمْ رُقُودٌ ۙ  
 وَ نُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ ذَاتَ الشِّمَالِ ۙ  
 وَ كَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ ۙ  
 لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا  
 وَ لَمَلَّيْتَ مِنْهُمْ رُعبًا ۝

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ ۙ قَالَ  
 قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ ۙ قَالُوا لَبِئْنَا  
 يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۙ قَالُوا رَبُّكُمْ  
 أَعْلَمُ بِمَا لَبِئْتُمْ ۙ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ

تَقُولُ الْهَرَانُ بِإِعْتَابِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا نَامَ يَبْدُو بِالنَّوْمِ

++ آیت ۱۹: مفسران را از این بیان که "توایشان را بیدار می پنداری حالیکه آنان  
 کفته اند" این استدلال است که آنان به خواب ظاهری رفته بودند و این پندار  
 درست نیست. این بیان براین مطلب دلالت کند که آنان از حالات خارجی ناآگاه  
 بودند لذا این زمان برای ایشان با خواب برابر بود. اگر موضوع بخواب ظاهری  
 نسبت داشت پس این سخن اینطور گفته نمیشد که اگر تو آنان را بنگری از آنها بیمناک  
 و پرهول شوی. کسیکه بخواب است نه کسی از او میترسد و نه پرهول میشود. بحقیقت  
 آنان مردم زحمتکش بودند و هرگاه رومیان به غارها رفته به گرفتاری آنان تلاش  
 میکردند سگی را بر سر غار نشسته می یافتند که از عوعو آن سگ اهل غار از حمله متوجه  
 و پنهان میشدند.

داناتر است که چقدر درنگ کردید. یکی از شمارا با این سکه خود بسوی شهر بفرستید. پس باید مشاهده کند که کدام یکی طعام پاکیزه تراست آنگاه شمارا از آن طعام بیآرد و باید به نرمی رفتار کند و بر شما کسی را آگاه نسازد (۲۰)

یقیناً آنها کسانی اند که اگر بر شما غلبه یابند شما را سنگسار کنند یا شمارا در ملت خود برگردانند و آنگاه ابداً رستگار نخواهید شد (۲۱)

و بدین ترتیب ما بر [احوال] آنان اطلاع دادیم تا [مردم] بدانند که وعده خدا حتمی الوقوع است و اینکه ساعت [انقلاب] است که در آن شکی نیست. چون در کار خود بهم دیگرستیزه کردند. پس بعضی از آنها گفتند که بر آنان ساختمان یادگاری بنا کنید. پروردگار ایشان داناتر به [احوال] ایشان

النصف الاول واللام الثانية من النصف الاخير

بُورِقْكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرُوا  
أَيُّهَا أَرْزُقِي طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ  
وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ۝

إِلَهُمَّ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْنَا يَرْجُوكُمْ  
أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا  
إِذَا أَبَدْنَا ۝

وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ  
وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا ۚ  
إِذِ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا  
ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ ۗ  
قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ  
لَنَنْخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ۝

است. پس آنانکه در امر خود چیره شدند گفتند، ما که یقیناً بر آنها مسجدی بنا میکنیم (۲۲)

حتماً گویند، سه تن بودند و چهارمین ایشان سگ ایشان بود. و گویند پنج تن بودند و ششمین ایشان سگ ایشان بود و [گاهی] گویند هفت تن بودند و هشتمین ایشان سگ ایشان بود. بگو تنها پروردگارم به عدد ایشان داناتر است [و جز او] ایشان را هیچ کس نمیداند. پس درباره ایشان نستیز جز گفتگوی سرسری و در مورد ایشان از کسی از آنان استفسار مکن (۲۳) ++

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ  
وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ  
رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۗ وَيَقُولُونَ سَبْعَةً  
وَأَثَامُهُمْ كَلْبُهُمْ ۗ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ  
بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا  
تُمَارِفِهِمْ إِلَّا مَرَاءً ظَاهِرًا ۗ وَلَا  
تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۗ

۱۵/۲۳

++ آیت ۲۴: درباره عدد اصحاب کهف روایاتی مختلف یافت میشود. اما مرجا ذکر از عدد ایشان میروود سخن از سگ ایشان نیز گفته میشود. چرا مسیحیان سگ را دوستدارند علتش معلوم نیست زیرا در بابیل سخن از این جهت نرفته است. البته قرآن حاکی است که مسیحیان راستین سگ را به مدت دراز برای نگهبانی خود بکار میگرفتند. بنابر این دل بستگی داشتن به یک همراهی وفادار امر طبیعی است. نسبت به عدد ایشان به رسول اللہ ﷺ گفته شد که در مورد اصحاب کهف شرح کشفی بدست کسی نیست. پس درباره ایشان فقط صحبت سرسری کن.

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ  
غَدًا ۗ

و مگو برای چیزی که یقیناً من  
فردا آنرا کننده ای ام (۲۴)

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۗ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا  
نَسِيتَ وَقُلْ عَلَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي  
لَأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا ۝

جز اینکه خدا بخواهد و هرگاه  
فراموش کردی پروردگار خود را  
یاد کن و بگو بعید نیست که  
پروردگارم مرا به سخنی درست  
تر از این هدایت نماید (۲۵)

وَلْيَسْأَلِ كَهْفَهُمْ تَلْكَ مِائَةَ سِنِينَ  
وَأَزْدًا دُونَ تِسْعَةِ ۝

وایشان درغار خود طیسه صدسال  
چندسال شمرده درنگ کردند و  
نه [سال بر آن] را افزودند (۲۶)

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَيْسُوا لَهُ غَيْبٌ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ ۗ  
مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ ۗ وَلَا يُشْرِكُ  
فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ۝

بگو خدا داناترست به آنچه درنگ  
کردند. غیب آسمانها و زمین از آن  
او است - چه نیکوبیننده و چه  
نیکو شنونده است. برای آنان فقط  
او دوست است و او درحکومت  
خود کسیرا شریک نمیسازد (۲۷)

وَإِذْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ ۗ  
لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۗ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ  
مُلْتَحَدًا ۝

و تلاوت کن آنچه از کتاب  
پروردگارت و بسوی تو وحی میشود.  
کلمات او را تغییر دهنده ی نیست  
و توجز او پناهمگامی نخواهی  
یافت (۲۸)

و خویشتن را با آنان شکیباً بدار  
 که پروردگار خود را صبح و شام  
 خوانان خوشنودی او میخوانند  
 و دیده های تو بدوستی زینت  
 دنیا از ایشان برنگردد و او را  
 متابعت نکن که ما دل او را از  
 یاد خود غافل کرده ایم و آنکه  
 هوای نفسانی خود را متابعت کرد  
 و کارش از حد گذشته است (۲۹)

و بگو حق آنست که از پروردگار  
 شما باشد. پس هر که بخواهد ایمان  
 آورد و هر که بخواهد انکار کند.  
 البته ما برای ستم کاران آتشی  
 آماده کرده ایم که دیوارهایش  
 آنها را احاطه کرده است و اگر  
 فریاد کنند پس فریاد رسی شوند  
 با آبی مانند مس گداخته که چهره  
 های ایشان را بسوزاند. چه بد  
 آشامیدنی و چه زشت آرامش  
 گاهی است (۳۰)

البته کسانی که ایمان آوردند و

وَاصِرٌ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ  
 رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ  
 وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنُكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ  
 زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ  
 أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ  
 وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ۝

وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ  
 فَلْيُؤْمِرْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا  
 أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ  
 سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ  
 كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ ۚ بِئْسَ  
 الشَّرَابُ ۖ وَسَاءَتْ مَرْتَفَعًا ۝

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا

نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ۝

نیکوکاری کردند هرگز مایاداش  
آنکه نیکو کاری کند ضائع نمی

گذاریم (۲۱)

مانانند که برای ایشان باغهای  
جاودان است. زیر [قدمهای] آنها  
نهرهای روانست. ایشان در آنجا از  
دست بندهای طلائی آراسته شوند  
و جامه های سبز ابریشم نازک و  
دیباى کلفت تن کنند. ایشان در  
آنها برتختهای تکیه کننده باشند.

بسیار نیکو پاداش است و بسیار

نیکو آرامش گامی است (۲۲)

و برای ایشان مثل دومرد بیان  
کن که به یکی از آندو ما دو باغ  
انگور ساختیم و دور آندو را با  
درختان خرما فراگرفتیم و میان  
آندو کشت زاری رویانیدیم (۲۳)

هریک آندو باغ مأكولات خود را  
می داد و از آن چیزی کم نمیکرد  
و میان آندو نهری جاری کرده

بودیم (۲۴)

أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ  
تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ  
مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ  
سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى  
الْأَرَآئِكِ ۗ نِعْمَ الثَّوَابُ ۗ وَحَسُنَتْ  
مُرْتَفَقًا ۝

وَاضْرِبْ لَهُم مِّثْلًا مِّثْلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا  
لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ  
وَ حَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا  
زُرْعًا ۝

كَلَّمَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْهُمَا لَمَّا نَظِلَم مِّنْهُ  
شَيْئًا ۗ وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا ۝

و او را [باغهای ملو از] میوه بود.  
 پس او به همراهی خود در حالیکه  
 با او گفتگو میکرد گفت: من بیشترم  
 از تو در ثروت و نیرومندتر ام  
 در گروه (۳۵)

و او وارد باغ خود شد در حالی  
 که او برای خویشتن ستمکار بود  
 [و] گفت، گمان نمیکنم هیچگاه  
 این نابود گردد (۳۶)

و گمان نکنم که قیامت برپا گردد  
 و اگر به سوی پروردگار خود  
 برگردانده شوم حتمًا بازگشت  
 گاهی از این هم نیکوتر خواهم  
 یافت (۳۷)

رفیقتش حالیکه بدو گفتگو میکرد  
 گفت، آیا کفر میکنی به آنکه تورا از  
 گل و باز از چکه آب آفرید. سپس  
 تورا مردی فعال آراستید (۳۸)

اما [میگویم] که پروردگارم همان  
 خدا است و من به پروردگار خود  
 کسی را شریک نمیآرم (۳۹)

وَ كَانَ لَهُ نَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَ هُوَ  
 يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَ أَعَزُّ  
 نَفَرًا ﴿٣٥﴾

وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَ هُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۗ قَالَ  
 مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿٣٦﴾

وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً ۗ وَلَئِن  
 رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا  
 مُتَقَلِّبًا ﴿٣٧﴾

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ  
 أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ  
 مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا ﴿٣٨﴾

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي ۖ وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي  
 أَحَدًا ﴿٣٩﴾



و چرا چون وارد باغ خود شدی  
 نگفتی "هرچه خدا خواهد و قدرت  
 مطلقاً برای خدا است" اگر دیدی  
 مرا که من در مال و اولاد از تو  
 کمترم (۴۰)

پس امید است که پروردگارم  
 مرا باغی نیکوتر از تو در دهد و  
 بر آن [باغ تو] آفتی محاسبه کرده  
 از آسان بفرستد پس آن دشتی  
 خشکزار گردد (۴۱)

یا آبش در زمین فرورود پس  
 طاقت برای [باز] جستن آنرا  
 نیآوری (۴۲)

و میوه اش [با آفت] احاطه کرده  
 شد پس او دو کف خود را  
 میگردانید بر آن هزینه که در آن  
 کرده بود و آن [باغ] بردار بست  
 های خود فرو افتاده بود و او  
 میگفت، ای کاشکی احدی را به  
 پروردگار خود شریک قرار نمی  
 دادم (۴۳)

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ قُلْتَ مَا شَاءَ  
 اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ إِنَّ تَرَنَّا أَقَلَّ  
 مِنْكَ مَا لَأَوْوَلَدًا ۝

فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ  
 جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ  
 السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا ۝

أَوْ يُصْبِحَ مَاءً وَهِيَ غُورٌ فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ  
 طَلَبًا ۝

وَأَحِيطَ بِشَمْرِهِ فَاصْبَحَ يَقْلِبُ كَفَّيْهِ  
 عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى  
 عُرُوشِهَا وَيَقُولُ لِيَلَيْتَنِي لَمْ أَشْرِكْ  
 بِرَبِّي أَحَدًا ۝

و برای او گروهی نبودند که در مقابل خدا او را یاری میدادند و نتوانست که انتقام بکشد (۴۴)

آنوقت اختیار از آن خدا بود که حق است. او نیکو درپاداش است و نیکو برای عاقبت است (۴۵)

و برای ایشان مثل زندگانی این دنیا بیان کن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرورستادیم پس رستنی زمین به آن درهم آمیخت. پس آن شکسته و خرد شد که باد آنرا میپیراند و خدا بر هر چیز با کمال قدرتمند است (۴۶)

مال و اولاد زینت زندگی دنیائیند و نیکبها باقیمانده نزد پروردگار تو بهتر است برای ثوابی و بهتر است جهت آرزو. (۴۷)

و روزیکه کوهها را بحرکت آوریم و میبینی زمین درون خود را بروز دهد و آنها را [درآفت] گرد آوریم پس احدی از آنها را وا نگذاریم (۴۸)

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ  
وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا ۝۱۴

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ۖ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا  
وَخَيْرٌ عُقْبًا ۝۱۵

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا  
أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ  
الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ  
الرِّيحُ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
مُقْتَدِرًا ۝۱۶

أَمْوَالٌ وَالْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَالْبَقِيَّةُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ  
ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا ۝۱۷

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ  
بَارِزَةً ۗ وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ  
أَحَدًا ۝۱۸

و صف کشیده بر پروردگارتو  
عرضه شوند. یقیناً پیش ما آمدید  
بدانسان که شمارا اول بار آفریده  
بودیم. بلکه شما گمان میکردید که  
برایشما هیچ وعده گاهی مقرر  
نخواهیم داشت (۴۹)

و کتاب آورده شود. پس مجرمان  
را از آنچه در آن است بيمناک  
خواهی دید و گویند ای وای!  
این کتاب را چیست که چیزی نه  
کوچک و نه بزرگ را فرو می  
گذارد مگر همه را شمار کرده است  
و هرچه عمل کردند حاضر خواهند  
یافت و پروردگارتو به کسی ستم  
نخواهد کرد (۵۰)

و چون به فرشتگان گفتیم که  
برای آدم سجده کنید. پس سجده  
کردند همه جز ابلیس. او از جنها  
بود. پس او از فرمان پروردگار  
خود روگردانی کرد. پس آیا گذشته  
از من او و نژادش را بدوستی

وَعَرَضُوا عَلَي رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا  
كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ  
زَعَمْتُمْ أَنَّنِي لَجْعَل لَكُمْ مَوْعِدًا ۝۴۹

وَوَضَعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ  
مُشْفِقِينَ مَّافِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَا مَا لِي  
هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا  
كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا  
حَاضِرًا ۝ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ۝۵۰

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ  
فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ ۝ كَانَ مِنَ الْجِنِّ  
فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ ۝ أَفَتَتَّخِذُونَهُ  
وَدَرِيَّةَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ  
عَدُوٌّ ۝ بئس لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ۝۵۱

فراگیرید حالیکه آنها دشمن شما  
اند؟ معاوضه ستمکاران بسیار  
زشت است (۵۱)

من آنها را بر آفرینش آسمانها و  
زمین گواه نگرفتم و نه بر  
آفرینش خودشان و نیستم من که  
گمراه کنندگان را بازوئی خود  
بگزینم (۵۲)

وروزیکه گوید، آنانرا که شریکان  
من گمان میکردید بخوانید. پس  
آنان آنها را بخوانند پس آنها  
جوابی به آنها ندمند و میان آنها  
ملاکتگامی قرار خواهیم داد (۵۳)  
و مجرمان به آتش بنگرند و  
گمان کنند که آنها در آن افتادگانند  
و میچ بازگشتگامی از آن نخواهند  
یافت (۵۴)

والبته در این قرآن برای مردم از  
هر کدام مثل را بیان کرده ایم و  
انسان بیشتر از هر چیز ستیزه  
کننده است (۵۵)

مَا أَشْهَدْتَهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ ۖ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ  
الْمُضِلِّينَ عِزًّا ۝۵۱

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ  
رَعِمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ  
وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا ۝۵۲

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ  
مُؤَاقِعُهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ۝۵۳

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ  
كُلِّ مَثَلٍ ۖ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ  
جَدَلًا ۝۵۴

وجه چیزی بازداشت مردم را چون ایشان را هدایت آمد که ایمان میآوردند و از پروردگار خود آمرزش میخواستند جز اینکه [میخواستند] روندیشینیان آنان را نیز بیآیدیا آنانرا عذابی زودتر آینده بیآید (۵۶)

و مارسولانرا نافرستادیم مگر مرزده دهنده و بیم دهنده و کسانی که کفر کردند بدروغ جدال میکنند تاحق را بدان بلغزانند و آنها آیتهای من و از آنچه آنها بیم داده شدند را بیاد سخریه گرفتند (۵۷)

و کیست ستمکارتر از آنکه به آیت های پروردگار خود تذکر داده شد بازهم از آنها روی برتابید و به فراموشی سپرد آنچه را دو دست او پیش فرستاد. یقیناً ما بردلهای ایشان پرده افکنده ایم تا آنها درک نکنند و درگوش های ایشان سنگینی است و اگر آنها را بسوی

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ  
الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ  
تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ  
الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٦﴾

وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ  
وَمُنذِرِينَ ۚ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا  
بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا  
آيَتِي وَمَا أَنْزَرُوا هُرُوقًا ﴿٥٧﴾

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ  
فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَهُ ۗ إِنَّا  
جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ  
وَفِي أذَانِهِمْ وَقْرًا ۗ وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى  
الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٥٨﴾

هدایت بخوانی پس هرگز هدایت

نخواهمندیافت (۵۸)

و پروردگارتو صاحب آمرزش و صاحب رحمت است. اگر او آنها را بمواخذه بگیرد بدانچه انجام دهندحتماًعذاب را بر آنان زودتر بیآرد. اما برای آنها وعده گاهی است که از آن گریزگاهی نه خواهند یافت (۵۹)

و این قریه ها بودند که چون ستم کردند ما نابودشان ساختیم و برای هلاکشان وعده گاهی قرار داده ایم (۶۰)

و هنگامیکه موسی به [مراهی] حوان خود گفت، هرگز من دست برنمیدارم تا آنگاهکه محل اتصال دو دریا برسم اگرچه قرنها راه بروم (۶۱) ++

پس چون آندو بمحل اتصال دریا رسیدند مامی خود را [آنجا] فراموش کردند و آن در دریا رو

وَرَبِّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ ۖ لَوْ  
يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبُوا الْعَجَلَ لَهُمْ  
الْعَذَابُ ۖ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ  
دُونِهِ مَوْئِلًا ۝

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا  
وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ۝

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَتْلِهِ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ  
أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ۝

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا  
فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ۝

به راه نهاد(۶۲)++

پس هنگامیکه آندو گذشتند او به [مهرامی] جوان خود گفت، غذای جاشت مارا بیار. یقیناً مارا ازین

سفر خستگی رسیده است(۶۲)

او گفت، آیا حالی شدی وقتی ما بر سنگی پناه بردیم آنگاه من مامی را فراموش کردم و آنرا از من فراموش نساخت جز شیطان که آنرا بخاطر میداشتم و عجب آن

راه خود را در دریا در گرفت(۶۴)

او گفت، همین را که مامیخواستیم.

پس آندو ردپای خود را دنبال

کرده برگشتند(۶۵)

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ إِنِّي جَدَّاءٌ نَأْتِي  
لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ  
فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسِيئُهُ إِلَّا  
الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي  
الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٤﴾

قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَازْتَدَّاعَلَى  
أَثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٥﴾

++ آیت ۶۱-۶۲: در این آیات اشاره ی به سوی يك مكاشفه حضرت موسی است در چه

عیشی ظهورکننده درامت ایشان به همراه ایشان بر سفر نشان داده میشود.

حوت بمعنای آموزش روحانی است که موجب غذای روحانی میگردد. مجمع

البحرین عبارت از آن زمان است که اتمهای حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و

حضرت موسی علیه السلام بهم متصل شوند یعنی امت حضرت موسی شامل ایمان

آوردگان بر حضرت عیشی تا بظهور رسیدن امت رسول الله صلی الله علیه وسلم

ادامه دهند. امام مسیحیان بسیار جلوتر از آن زمان حال و هوای خود را خراب و خرافاتی

خواهند ساخت و از دست در رفتن مامی را همین مفهوم است.

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ  
عُنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِمَّا لَدُنَّا عِلْمًا ﴿۱۷﴾

پس آندو [در آنجا] از بندگان ما  
بندۀ ی‌رایافتند که او را از جانب  
خود رحمتی بسیار بزرگ داده  
بودیم و از نزد خود به او دانش  
آموخته بودیم (۶۶)

قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَىٰ أَن  
تُعَلِّمِنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُلَنَا ﴿۱۷﴾

موسیٰ به او گفت آیا من از پی تو  
بروم بر اینکه بی‌آموزی مرا از آن  
هدایت که بتو آموخته شد (۶۷)

قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿۱۸﴾

او گفت: یقیناً تو با من طاقت صبر  
نه خواهی آورد (۶۸)

وَكَيفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ  
حُبْرًا ﴿۱۸﴾

و چگونه صبر کنی بر آنچه آنرا به  
تجربه فرانگرفته‌ای (۶۹)

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا  
أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿۱۹﴾

او گفت: انشأً الله حتماً مرا شکیبا  
می‌یابی و در هیچ امر تو را  
نافرمانی نکنم (۷۰)

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ  
حَتَّىٰ أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿۱۹﴾

او گفت: پس اگر در پی من آمدی  
آنگاه مرا هیچ نپرسی تا [خودم]  
برای تو از آن درسختن آیم (۷۱)

فَأَنْطَلَقَا ۗ حَتَّىٰ إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ  
خَرَقَهَا ۗ قَالَ أَخْرِقْنَاهَا لِنُعْرِقَ أَهْلَهَا ۗ

پس آندو رهسپار شدند تا چون  
سوار کشتی شدند او آنرا ترکاند.  
او گفت آنرا ترکاندی تا اهل آنرا

لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا مُّرًا ﴿۲۰﴾



غرق سازی؟ یقیناً چیزی زشت

آورده ای (۷۲)

او گفت: آیا نگفته بودم که یقیناً با

من طاقت صبر نخواهی آورد (۷۳)

گفت، مرا مواخذه نکن به آنچه

فراموش کردم و از کارم مرا

سخت گرفته بیش از طاقتم

تکلیف نده (۷۴)

پس رهسپار شدند تا چون با پسری

روبرو شدند آنگاه او آنرا کشت.

او [موسی] گفت، آیا یک جان

پاک را کشتی بفریاز جانی [که

او کشته باشد]؟ یقیناً تو چیزی

نابیند آورده ای (۷۵)

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ  
صَبْرًا ﴿٧٢﴾

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا  
تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾

فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا قَيَاغُلَمَا فَفَقَّتَاهُ ۗ  
قَالَ أَقَاتَلْتُمْ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ ۗ  
لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا كَرِيمًا ﴿٧٤﴾

او گفت، آیا به تو نگفته بودم که **قَالَ الْمَأْمُورُ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ** **مَعِيَ صَبْرًا** <sup>(۷۶)</sup> یقیناً بهرآه من طاقت صبر نه خواهی آورد (۷۶)

او گفت، اگر بعد ازین از چیزی از تو بپرسم پس مرا همراه نه گیر. یقیناً عذری از من بتو رسیده است (۷۷)

**قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ مِّنْ بَعْدِهَا فَلَا تُصَحِّحْهُ قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّي عُذْرًا** <sup>(۷۷)</sup> **فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا آتَىٰ أَهْلَ قَرْيَةٍ** **اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُصَيِّفُوهُمَا** **فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ** **فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ** **أَجْرًا** <sup>(۷۸)</sup>

پس آندو راهی شدند تا چون نزد اهل قریه رسیدند از مردمش غذا درخواستند اما آنها ازین انکار کردند که آندو را مهمان کنند. آندو آنجا دیواری یافتند که می خواست منهدم شود. پس او آنرا استوار کرد. او [موسی] گفت اگر میخواستی البته برای آن اجرت میگرفتی (۷۸)

**قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ** **سَأَنْبِئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ** **صَبْرًا** <sup>(۷۹)</sup>

او گفت، اینک بین من و بین تو جدائی است. البته تو را بحقیقت آن آگهی می دهم که برآن نه توانستی صبر کنی (۷۹)

باتوجه به کشتی پس آن برای **أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ**

ساکین بود که در دریا کار می کردند. پس خواستم آنرا عییدار سازم چه پادشاهی آنها را تعقیب میکرد که هر کشتی را به غصب میگرفت (۸۰)

وباتوجه به پسر پدر و مادرش هر دوی مومن بودند. پس باک داشتیم که مبادا سرکشی و ناسپاسی کرده آندو را بیارطاعت فرسائی تکلیف کند (۸۱)

پس خواستم که آندو را پروردگار ایشان در عوض [پسری] پاکتر و ترحم کننده تر در دهد (۸۲)

و باتوجه به دیوار، پس آن از آن دو پسر یتیم آن شهر بود و زیر آن گنج آندو پنهان بود و پدرشان نیکوکار بود. پس پروردگار تو خواست که آندو بسن بلوغ خود برسند و گنج خود را (خود) بیرون آورند. این از پروردگار تو رحمتی بود و اینکار بسبب خود نکرده ام.

يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرْذُتُ أَنْ أَعِيبَهَا  
وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ  
غَضَبًا ﴿٨٠﴾

وَأَمَّا الْعُلَمَاءُ فَكَانَ أَبُوهُمُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا  
أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿٨١﴾

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ  
زَكْوَةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨٢﴾

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي  
الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ  
أَبُوهُمَا صَالِحًا فَآرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا  
أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً  
مِّنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ۗ ذَٰلِكَ  
تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٣﴾

این حکمت آنست که بر آن تو نه

توانستی صبر کنی (۸۳)

و درباره ذوالقرنین ازتواستفسار

میکنند. بگو، حتماً کمی از ذکرش را

بر شما میخوانم (۸۴) ++

یقیناً ما در زمین او راجاه و مقام

داده بودیم و او را وسائل هر کار

فراهم کردیم (۸۵) ++

پس او را می رادنبال کرد (۸۶) ++

تا چون او سمت غرب خورشید

رسید آنگاه آنرا دید که در منبع

لجن آلود غروب میکرد و در جوار

آن قومی را یافت. ما گفتیم: ای

ذوالقرنین خواه عذاب کن و

خواه جهت ایشان خوش رفتاری

فراگیر (۸۷) ++

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ ۖ قُلْ

سَأَلْتُوْا عَلَیْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ۗ ﴿٨٤﴾

إِنَّمَا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ

شَيْءٍ سَبَبًا ۗ ﴿٨٥﴾

فَاتَّبَعْ سَبَبًا ۗ ﴿٨٦﴾

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا

تَعْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا

قَوْمًا قُلُوبًا يَذُوقُونَ إِلَّا مَا أَنْتَ تُعَذِّبُ

وَأَمَّا أَنْ تَخْذِفَ بِهِمْ حُسْنًا ۗ ﴿٨٧﴾

++ آیات ۸۴ - ۸۷: ذوالقرنین حقیقی آنحضرت صلی الله علیه وسلم اند. ایشان يك

دوره امت حضرت موسی رادیدند و دوره ی دیگر است که خداوند برای تجدید حیات

امت ایشان کسی از پیروکاران مطیع ایشان را برای اینکار بر میانگیزد. بدین ترتیب

مردوزمان به آنحضرت نسبت داده شود. اما امری که در این زبان تصویری بیان

شده است مربوط به يك واقعه تاریخی است که احتمالاً منظور از آن کوروش

پادشاه ایران است و درباره وی سخن در بائبل نیز رفته است. [ص# ۱۶۹۵]

او گفت: آنکه ستمکردما او را عذاب دهیم. سپس او بسوی پروردگار خود بازگردانده شود که او وی را عذابی سختتر خواهد داد (۸۸) و هر که ایمان آورده و نیکوکاری کرد پس او را پاداشی نیکو است و برایش از فرمان خود به آسایش فیصل دهیم (۸۹)

پس راهنی دیگر را دنیا نکرد (۹۰) تا چون او جای مطلع خورشید رسید پس آنرا بر قومی طلوع کنان یافت که میان ایشان و ورای آن [خورشید] مانعی قرار نداده بودیم (۹۱)

همینطور شد، و ما هر تجربه او را احاطه کرده بودیم (۹۲)

قَالَ اَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ اِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكْرًا ﴿۸۸﴾

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءٌ أَحْسَنُ ۖ وَنَسْفُوْلُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿۸۹﴾

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ﴿۹۰﴾  
حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سَبْتًا ﴿۹۱﴾

كَذٰلِكَ ۗ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿۹۲﴾

بقیه ص ۶۹۱: او دارای نیرو و روحانی فوق العاده و یکتا پرست بود. این آیتها حاکی از سفرهای خاوری و باختری او میباشد. نسبت به ساختن دیوار منظور ازین تنهایک دیوار نیست بلکه دیوارهای مختلف است که در زمان باستانی از جلوگیری حمله کنندگان برخلاف چنین ملتهای که طاقت بدفاع خود نمیآوردند استوار کرده میشد. از آنجمله یک دیوار در روسیه است و دیوار چین نیز است. یعنی حفاظت کردن از طریق دیوارها رسم آن زمان بود.

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ۝

پس راهی دیگر را دنبال کرد (۹۳)

تا چون در میان دو دیوار رسید  
ورای آن دو قومی دیگر را یافت  
که سخن را بشکل درک می  
کردند (۹۴) ++

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ  
دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ  
قَوْلًا ۝

گفتند ای ذوالقرنین یقیناً یا جوج  
ما جوج در زمین فساد کننده اند.  
آیا ما برای تو بر این خراجی  
مقرر کنیم تا میان ما و میان آنها  
سدی بسازی (۹۵) ++

قَالُوا يَا قُرْنَيْنِ إِنَّا يَا جُوجُ  
وَمَا جُوجُ مُمْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ  
نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا  
وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ۝

او گفت، یارائی که پروردگارم  
جهت این مرا داد بهتر است. پس  
شما بمن [فقط] یاری از نیروئی دهید  
تا میانتان و میان ایشان سدی  
بسازم (۹۶) ++

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي  
بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۝

قطعات آهن برایم بیارید تا چون  
میان دو کوه را [پرکرده] برابر  
ساخت گفت اکنون [آتش] بدمید. تا  
آن انتها که چون آن را آتش [سان]  
ساخت گفت، بیارید مرا مس که  
بر آن بریزم (۹۷) ++ [ص# ۶۹۷]

أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ  
بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا ۗ حَتَّىٰ إِذَا  
جَعَلَهُ نَارًا ۗ قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ  
قَطْرًا ۗ ۝

فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿١٨﴾  
 قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ﴿١٩﴾

پس نتوانستند که آن را ببرند و نتوانستند آنرا نقب بیافکنند (۹۸) او گفت، این رحمت پروردگام است. پس چون وعده پروردگام فرارسد آنرا ریزه ریزه کند. یقیناً وعده پروردگام حتمی الوقوع است (۹۹) ++

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿٢٠﴾  
 وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿٢١﴾

و آنروز بگذاریم که بعضی از آنها بر بعضی موج زنند و در صورت دیده شود همه آنها را جمع کنیم (۱۰۰) و آنروز جهنم را آشکارا روبروی کافران قرار دهیم (۱۰۱)

آیات ۹۴-۹۷: دیواری که ذکرش در این آیتها می‌رود آن میان ترکیه و روسیه دیوار دربند است که بوسیله آن راه میان دریای اخضر و کوه قاف بسته شده بود. این دیوار را کوروش جهت جلوگیری کردن از حمله کنندگان اروپائی برخلاف ملت‌های ضعیف استوار کرده بود. کوروش بعموض اینکار از آنان هیچ مزدی نخواست بود بلکه فقط نیروئی کارگروآمن و مس طلبیده بود و کاربنائی نیز مطابق رهنمائی کوروش انجام داده میشد.

++ آیت ۹۹: در زمانیکه یاجوج و ماجوج را خروج در دنیا باشد آنگاه این دیورها بی معنی شده خواهد بود و از روی نوشته‌ها غلبه یاجوج و ماجوج برمه دنیا بطوری صورت خواهد گرفت که طغیان دریائی موج به موج پیش می‌رود. پس درحقیقت غلبه جهانی آنان را در نتیجه غلبه دریائی آنان شروع شدن بود.

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ  
ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ۝

آنانکه دیدگان آنها از یادم در  
برده بودند و طاقت شنوائی را  
نداشتند (۱۰۲)

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا  
عِبَادِي مِنْ دُونِ أَوْلِيَاءِ ۗ إِنَّا أَعْتَدْنَا  
جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ۝

پس آیا آنها که کفر کردند گمانکنند  
که جز من بندگان را سرپرستان  
خود خواهند ساخت؟ یقیناً ما جهنم  
را برای کافران محل پذیرائی  
آماده کرده ایم (۱۰۳)

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ۝

بگو آیا شما را به زیانکارتران در  
اعمال آگهی دهیم (۱۰۴)

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ  
صُنْعًا ۝

کسانیکه همه کوششهای آنها در  
زندگی دنیا فرورفت و گمان کنند  
که آنان هنر صنایع را به حد کمال  
میرسانند (۱۰۵)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا بَيْتَ رَبِّهِمْ  
وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزُنًا ۝

مانهاند که به آیتهای پروردگار  
خود و دیدار او انکار کردند.  
پس اعمال آنها هدر رفت پس روز  
قیامت به آنها هیچ ارجی نه  
گذاریم (۱۰۶)

ذَٰلِكَ جَزَاءُ وَّهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا  
وَآتَّخَذُوا آلِيَّيْ وَرُسُلِي هُرُوعًا ۝

این است پاداش آنها جهنم چه  
کفر کردند و آیتهای ما و رسولان



ما را بیاد سخریه گرفتند (۱۰۷) البته کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند جای پذیرائی آنان بهشتهای فردوس است (۱۰۸) در آن جاودانانند و هیچگاه جدائی از آنها نخواهند خواست (۱۰۹)

بگو. اگر دریاها به [نوشتن] کلمات پروردگار مرکب گردد حتماً دریاها تمام شود قبل از اینکه کلمات پروردگار پایان برسد هر چند کمک بمانند آن (دریاها زاید) بیاریم (۱۱۰)

بگو. من [فقط] بشری ام مانند شما. وحی میشود بسویم که معبود شما معبودی یگانه است. هر که دیدار پروردگار خود را میخواهد پس باید نیکوکاری کند و در عبادت پروردگار خود احدی را شریک قرار ندهد (۱۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿۱۰۷﴾

خُلِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿۱۰۸﴾

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿۱۰۹﴾

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿۱۱۰﴾

## ۱۹ - سورة مریم

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۹۹ آیت دارد. زمان نزولش چهارمین یا پنجمین سال قبل از هجرت حبشه است.

این سوره حاکی از تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام است که بلا وجود پدر دنیا آمدند و گفته میشود که این تولد برچنین معجزه ای متکی بود که مردم آن زمان نمیتوانستند آنرا درک کنند. ضمناً ذکر از این امر ضروریست که اهل تحقیق مسیحیان این امر را به قاطعیت اثبات کرده اند که از بطن دوشیزه ای بی آنکه او به مردی نزدیکی کرده باشد بچه ای توان متولد شد. در اوایل تصور بر این بود که تنها تولد دختر امکان پذیر است ولی از تحقیق اخیر به اثبات رسیده است که تولد پسر نیز امکان دارد.

تاجائیکه تولد معجزانه تعلق دارد آن به گاه ها به این رنگ و روی نیز بظهور میرسد که بچه ای در آن مرحله سن زن و شوهر متولد میشود که بظاهر ایشان تولد را برای خود خارج از امکان میپندارند. همین صورت حضرت زکریا علیه السلام را پیش آمد. ایشان آزمند اولاد بودند. اما ایشان پیر فرتوت شده و سرایشان از سفیدی موها برافروخته بود. همسر ایشان نه تنها پیر بلکه نازا هم بود. پس تولد اعجازی را يك مثل اینست که با وجود این کم بودیها ایشان از اولاد بصورت حضرت یحییٰ برخوردار شدند. این آزمندی اولاد بخاطر ایشان ناشی از تفکر بر حالات حضرت مریم خطور کرد. این امر بلا ذکر نباید بماند که وجود پاك حضرت مریم بود که تولد معجزانه حضرت عیسیٰ علیه السلام بلا وجود پدری از آن مقدر شده بود.

سپس شرح از آن جریان حوادث است که حضرت مریم علیها السلام فلسطین را ترك کرده بسوی خاور آن رفته بودند و شب و روز آنجا را در ذکر خداوند میگذراندند و حین این گوشه نشینی نخست بار بوسیله فرشته ای متمثل به رنگ و روی انسان ایشان را مژده پسری داد.

پس از فارغ شدن حضرت مریم بهمهراه حضرت عیسیٰ به فلسطین باز شدند. آنگاه یهودیان سخت غوغا برپا کرده اینرا اولادی ناجایز تلقی کردند. آنگاه خداوند به حضرت مریم فرمان داد که بخاطرم روزه کری کلامی بگیر و این پسر [که آنگاه در گهواره ای بود یعنی دو یا سه سالگی داشت] خودش به آنها پاسخ خواهد داد. حضرت عیسیٰ جلوی علماء یهودیان چنان سخنانی پرمهرت گفتند که خارج از حیطه فکری از بجه ناپاکی بود. این سخنان شامل پیشگویی از پیغمبر بودن ایشان نیز بود. همزمان ایشان این پیش گوئی نیز کردند که خداوند ایشان را از جاله های آنها جهت قتل ایشان نیز حفظ خواهد کرد. در ضمن گفتند، "وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا" یعنی درود بود بر من از جانب خدا روزیکه بدنیا آمدم و هنگامیکه میمیرم وفات طبیعی میمیرم و درود است بر من از خدا روزیکه برخیزانده شوم.

آیتی شبیه این در مورد حضرت یحییٰ علیه السلام نیز نازل آمد که حاکی است "سَلَامٌ عَلَیْهِ یَوْمَ وُلِدَ وَ یَوْمَ یَمُوتُ وَ یَوْمَ یُبْعَثُ حَيًّا" که درود براو روزیکه بدنیا آمد و درود بر او روزیکه بمیرد و درود براو روزیکه برخیزانده شود. از این آیت استدلال ما این است که حضرت یحییٰ نیز بقتل نرسیدند.

سپس ضمن ذکر از حضرت ابراهیم علیه السلام سخن از اولاد معجزانه ایشان نیز می‌رود. ایشان را در سن کهولت هم حضرت اسمعیل داده شدند و هم حضرت اسحاق و بعدها از نژاد ایشان حضرت یعقوب علیه السلام بظهور آمدند.

علاوه بر آن ذکر از دیگر انبیاء می‌رود در چه صورتهای مختلف از ولادت روحانی بیان میشود و مثل رفع حضرت عیسی علیه السلام نیز بصورت رفع حضرت ادریس علیه السلام ارائه داده شد. ایشان همه آن بندگان نیکوکار خدا بودند که بعدها نژاد ایشان نتوانستند نیکوکار بمانند و نمازهای خود را ضائع دادند و خواهشهای نفسانی خود را دنبال کردند. پس برای ایشان هشدار است که حتماً آنان عوض کجی خواهند یافت.

در این سوره صفت رحمانیت خدا را بتکثیر ذکر است. رحمان را معنای است بی انتها رحمکننده و بلا استدعا اعطا کننده. موضوع این سوره عیناً به این صفت خداوند مطابقت دارد.

پایان این سوره حاکی از این است که پسری را به خدا نسبت دادن گناهی بزرگ است در نتیجه آنچه ممکن است که زمین و آسمان بشکافد و این امر دال بر اینست که این مردم مبتلا به جنگهای چنان هولناک گردانده شوند که گویی آسمان بر ایشان ازهم پاشیده فرو افتاده است.

بعکس در آخرین آیتهای این سوره ذکری از آن مردمان است که پرهیزکاری کرده نیکوکاری را فرامیگیرند. در نتیجه خدای رحمان در دل های ایشان محبت همدیگر پدید می‌آورد و نه کینه ای همدیگر که ذکر از آن قبلاً رفته است.

☆ سُورَةُ مَرْيَمَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ رُكُوعَاتٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

كَمْ يَحْصُهُنَّ ②

أَنْتَ كَافٍ وَ هَادٍ يَا عَالِمٌ يَا صَادِقٌ

این ذکر از رحمت پروردگار تو

ذَكَرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَّرِيًّا ③

است بربنده او زکریا (۲)

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا ④

چون پروردگارش را صدای آهسته

خواند (۴)

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ

گفت، پروردگارا! استخوانهایم

الرَّأْسِ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ

سست و سرم از شدت پیری بر

افروخته است بازهم پروردگارا!

شَقِيًّا ⑤

به خواندن توبدبخت نشدم (۵)

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي

ویقیناً من پس از من از شریکانم

وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ

بیدارم حالیکه زنم نیز نازا

است. پس مرا از نزد خود وارثی

لَدُنْكَ وَلِيًّا ⑥

عطاکن (۶)

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ ۗ وَاجْعَلْهُ

که هم از من ارث برد و هم از آل

یعقوب ارث برد و ای پروردگار

رَبِّ رَضِيًّا ⑦

من او را خیلی پسندیده بنما (۷)

ای زکریا! احتماً ما ترا نوید به  
پسری میدمیم که نام او یحیی  
است. ما پیش از این کسیراهنام  
او ننموده ایم (۸)

او گفت، ای پروردگار من پسری  
برایم چگونه امکان پذیر است  
حالیکه زنم نازا است و منم به  
سن شدت پیری رسیده ام (۹)

گفت، همینطور. پروردگارتو گفته  
است که اینکار بر من آسان  
است و یقیناً من پیش ازین تو  
را آفریده ام درحالیکه چیزی  
نبودی (۱۰)

او گفت: ای پروردگار من برای  
من نشانه قرار بده. او گفت نشانی  
تو این است که با مردم سه شب  
متوالی سخن نگوئی (۱۱)

پس او بر قوم خود از محراب  
بیرون آمد و بسوی ایشان اشاره  
نمود که صبح و شام تسبیح  
گوئید (۱۲)

يٰۤاِزْكَرِيَّا اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلْمٍ اِسْمُهُ  
يَحْيٰى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ۝۸

قَالَ رَبِّ اَتٰى يَكُوْنُ لِيْ غُلْمٌ وَّكَانَتْ  
اِمْرَاَتِيْ عَاقِرًا وَّ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ  
عِتِيًّا ۝۹

قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰى هٰٓهٖنَ  
وَقَدْ خَلَقْتُمْ مِنْ قَبْلُ وَاَنْتُمْ سٰٓئِلٰٓءٌ ۝۱۰

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّيْ اٰيَةً ۗ قَالَ اٰيَتُكَ اَلَّا  
تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰٓثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ۝۱۱

فَخَرَجَ عَلٰى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحٰى  
اِلَيْهِمْ اَنْ سَبِّحُوْا بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاَعْمٰٓءٌ ۝۱۲

يُحْيِي خُذَالِكِثْبَ بِقُوَّةٍ ۖ وَآتَيْنَاهُ  
الْحُكْمَ صَبِيحًا ۙ

ای یحیی کتاب را محکم بگیر و  
ما او را سرکودکی حکمت اعطا  
کرده بودیم (۱۳)

وَخَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكُوهً ۖ وَكَانَ تَقِيًّا ۙ

و او را از نزد خود مهر و پاک  
خوی بخشیدیم و او پرهیزکار  
بود (۱۴)

وَ بَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا  
عَصِيًّا ۙ

و برای والدین خودوظیفه شناس  
و هرگز سختگیر و گردنکش نه  
بود (۱۵)

وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ  
وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۙ

و سلام بر او روزیکه بدنیا آمد و  
روزیکه از دنیا برود و روزیکه  
زنده بر خیزانده شود (۱۶)

وَ اذْكَرٌ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ ۙ اِذْ اَنْتَبَدَتْ  
مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۙ

و در [این] کتاب مریم را یاد کن  
چون او از اهل خود درمکانی به  
سوی شرق کناره گیری کرد (۱۷)

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا ۗ  
فَاَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا  
سَوِيًّا ۙ

پس او میان خود و آنها پرده ی  
اختیار کرد. پس ما به سوی او  
فرشته خود را فرستادیم و او  
برای او شباحت بشری متناسب  
الاعضاء اختیار کرد (۱۸)

قَالَتْ اِنَّنِي اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ

او گفت من از تو به رحمان پناه

كُنْتَ تَقِيًّا ۱۱

میبرم اگر پرمیزکار ای (۱۹)

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكَ  
عُلْمًا زَكِيًّا ۱۲او گفت، منم فرستاده پروردگارتو  
تاتورا پسری پاک نهادبخشم (۲۰)قَالَتْ أَلَيْسَ لِي عُلْمٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي  
بَشَرًا وَلَمْ أَكْ بِبَغِيًّا ۱۳او گفت، چطور پسری برایم امکان  
پذیراست حالیکه بشری مرا لمس  
نکرده ونه بدکاره ای ام (۲۱)قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَهِنٍ ۚ  
وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ  
أَمْرًا مَّقْضِيًّا ۱۴او گفت، مبینطور، پروردگارتو گفته  
که این کاربرای من آسانست و  
[ما آنرا میفرینیم] تا او را برای  
مردم نشانی و ازما رحمتی قرار  
دهیم و تصیم قطعی بر این کار  
رفته است (۲۲)

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ۱۵

پس به او آبستن شد و با او بیگانی  
دوربه گوشه عزلت افتاد (۲۳)فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ ۚ  
قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا  
مِّنْ سَيِّئًا ۱۶پس درد زایمان او را بسوی تنه  
درخت خرما برد، او گفت، ای کاش!  
من پیش از این مرده و از یاد  
رفته بودم (۲۴)فَادْبَهَا مِنْ تَحْتِهَا إِلَّا تَحْزَنُ قَدْ جَعَلَ  
رَبُّكَ تَحْتِكَ سَرِيًّا ۱۷پس [خواننده] او را ازست زیرین  
صدا کرد که غم نخور پروردگارت  
پائین تو چشمه ای جاری کرده



است (۲۵)

و تنه درخت خرما را بسوی خود  
بتکان که رطب تازه را بر تو می  
ریزد (۲۶)

پس بخور و بنوش و چشمان خود  
را روشن دار پس اگر دیدی احدی  
از بشر پس بگو براستی من برای  
رحمان روزه ای نذر کرده ام. پس  
امروز من بکسی تکلم نمیکنم (۲۷)

پس او را برداشت و نزد قومش  
آورد. آنان گفتند. ای مریم اهرآینه  
تو کاری زشت آورده ای (۲۸)

ای خواهر هارون پدرت بود نبود  
مادر تو بدکاره بود (۲۹) ++

آنگاه او به آن [پسر] اشاره کرد.  
گفتند. چگونه ما تکلم کنیم با آنکه  
هنوز کودکی در گهواره است (۳۰)

وَهَزَيْتِ إِلَيْكَ بِجُذْعِ النَّخْلَةِ تَسْقِطُ  
عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا ۝۲۵

فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَمَا مَتَرَيْنِ  
مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ  
لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ  
إِنْسِيًّا ۝۲۷

فَأْتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحِيَّةً ۝ قَالُوا مِيرِيمُ لَقَدْ  
جِئْتِ شَيْفَرِيًّا ۝۲۸

يَا خْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ  
وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا ۝۲۹  
فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ ۝ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ  
كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ۝۳۰

++ آیت ۲۹: اینجا حضرت مریم "خت هارون" گفته شد. ولی در پایان سوره آشکار شد  
که این هارون برادر حضرت موسی نبود. آنجا اسم هارون برادر موسی به روشنی ذکر  
شده است و حضرت مریم بسیار بعد از ایشان بودند. لذا قوم یا ایشان را طنزاً خواهر  
هارون گفتند یا احتمالاً هارون برادر ایشان بود. بحر حال او برادر حضرت موسی نبود.

اوگفت، یقیناً من بنده خدا هستم.  
 او مرا کتاب داده و مرا پیغمبری  
 برگزیده است (۳۱)

و مرا مبارک نموده هر کجا باشم  
 و مرا بنماز و زکوت توصیه کرده  
 است تا مدیحه حیات دارم (۳۲)

و به مادرم و وظیفه شناس ام و مرا  
 سختگیر و سختدل نساخت (۳۳)

و درود است بر من روزیکه به دنیا  
 آمدم و روزیکه میمیرم و روزیکه  
 زنده کرده برخیزانده شوم (۳۴)

اینست عیسیٰ پسر مریم، آن امر  
 حق که در آن شك میکنند (۳۵)

نیست خدا که بسری بگیرد. او پاک  
 است. هر آن به امری آهنگ کند  
 پس به آن تنها این گوید. باش پس  
 آن رونهد و منتها میشود (۳۶)

و یقیناً خدا هم پروردگار من است  
 و هم پروردگار شما. پس او را  
 عبادت کنید همین راه راست  
 است (۳۷)

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ <sup>ط</sup> أَنشَى الْكِتَابَ  
 وَجَعَلَنِي نَبِيًّا <sup>٣١</sup>

وَجَعَلَنِي مُبْرَكًا آيِنَ مَا كُنْتُ  
 وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ  
 حَيًّا <sup>٣٢</sup>

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي <sup>ط</sup> وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا  
 شَقِيًّا <sup>٣٣</sup>

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ  
 وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا <sup>٣٤</sup>

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ <sup>ط</sup> قَوْلَ الْحَقِّ  
 الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ <sup>٣٥</sup>

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ <sup>ط</sup> سُبْحٰنَهُ  
 إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ  
 فَيَكُونُ <sup>٣٦</sup>

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي <sup>ط</sup> وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ <sup>ط</sup> هَذَا  
 صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ <sup>٣٧</sup>

پس گروهمازهم اختلاف کردند.  
پس ملاکست آنها را که کفر کردند  
از حضور در روزی بزرگ (۳۸)

چه خوب بشنوند و چه خوب  
بینند روزیکه نزد ما بیایند. ولی  
ستمگران امروز در گمراهی آشکار  
اند (۳۹)

و آنها را از روز حسرت بترسان  
روزیکه امر قضاوت شود. حال این  
است که آنها به غفلتند و ایمان  
نیآرند (۴۰)

یقیناً ما زمین و هر چه بر آنست  
را وارث شویم و بسوی ما بر  
گردانیده شوند (۴۱)

و در [این] کتاب ابراهیم را یاد  
کن. یقیناً او پیغمبری راستگو  
بود (۴۲)

چون او به پدر خود گفت، ای پدر  
من چرا عبادت میکنی آنرا که نمی  
شود و نمیبیند و نه هیچ هم به  
کار تو میآید (۴۳)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ  
لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ

عَظِيمٍ ۳۸  
أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصُرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ  
الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۳۹

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ  
الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا  
يُؤْمِنُونَ ۴۰

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا  
يُرْجَعُونَ ۴۱

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ ۗ إِنَّهُ كَانَ  
صِدِّيقًا نَبِيًّا ۴۲

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا  
يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ۴۳

ای پدرم! یقیناً مرا آن دانشی آمده است که به تونی آمد. پس در پی من بیا که تو را براه درستی هدایت کنم (۴۴)

ای پدر من! شیطان را عبادت نکن یقیناً شیطان نافرمان رحمان است (۴۵)

ای پدر من! من بیدارم که بتو از رحمان عذابی برسد. آنگاه دوست شیطان شوی (۴۶)

او گفت، ای ابراهیم! آیات او از خدایان من روگردانی میکنی؟ اگر باز نیایستی حتماً ترا سنگسار کنم. مرا برای مدتی دراز تنها بگذار (۴۷)

او گفت: سلام بر تو. البته من برای تو از پروردگارم استغفار میطلبم. یقیناً او بر من بس مهربانست (۴۸)

و برکنار میشوم از شما و آنچه را جز خدا خوانید و پروردگار خود را میخوانم. ممکن است که بخواندن پروردگارم بدبخت نامم (۴۹)

يَا بَتِ اِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِيْ اِهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ۝۴۴

يَا بَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ۚ اِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ عَصِيًّا ۝۴۵

يَا بَتِ اِنِّيْ اَخَافُ اَنْ يَّمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ فَتَكُوْنَ لِلشَّيْطٰنِ وَلِيًّا ۝۴۶

قَالَ اَرَاغِبُ اَنْتَ عَنِ الْهَيْمٰنِ يَا اِبْرٰهِيْمُ ۗ لَنْ نَّمُتَّنٰهُ لَا رَجْمَ لَكَ وَاَهْجُرُنِيْ مَلِيًّا ۝۴۷

قَالَ سَلٰمٌ عَلَيْكَ ۗ سَاَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّيْ ۚ اِنَّهٗ كَانَ بِيْ حَفِيًّا ۝۴۸

وَاَعْتَرٰكُمْ وَمَا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَاَدْعُوْا رَبِّيْ ۗ عَسٰى اَلَّا اَكُوْنَ بِدُعَاۗءِ رَبِّيْ شَقِيًّا ۝۴۹

بس چون عزلت گزیداز آنها  
و آنچه راجز خدا عبادت میکردند  
او را اسحاق و یعقوب اعطا کردیم  
و همه را پیغمبر برگزیدیم (۵۰)

و آنانرا رحمت خود بخشیدیم و  
ایشان را زبان صدق بلند شأن  
در دادیم (۵۱)

و در [این] کتاب موسی را یاد کن.  
یقیناً او خالص گردانیده و نبی  
فرستاده ای بود (۵۲)

و او را از سوی راست طور ندا  
کردیم و نجا گفته او را نزدیک  
نمودیم (۵۳)

و او را از رحمت خود برادرش  
هارون پیغمبری عطا کردیم (۵۴)  
و در [این] کتاب اسمعیل را یاد  
کن یقیناً او راست وعده و نبی  
فرستاده ای بود (۵۵)

و اهل خود را بنماز و زکوت  
امر میکرد و نزد پروردگار خود  
خیلی پسندیده بود (۵۶)

فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ  
اللَّهِ ۗ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۗ وَكُلًّا  
جَعَلْنَا نَبِيًّا ۝

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ  
لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ۝

وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ  
مُخْلِصًا وَقَدْ كَانَتْ رَسُولًا نَبِيًّا ۝

وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ  
وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۝

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ  
نَبِيًّا ۝

وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ ۗ إِنَّهُ كَانَ  
صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۝

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ  
وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۝

و در [این] کتاب ادريس را يادکن  
يقيتًا او درست کاری پيغمبری  
بود (۵۷)

و او را به مقامی بلند ترفيع  
داديم (۵۸)

همانند که خدا برایشان انعام داد  
که بودند از پيغمبران از اولاد  
آدم و از آنانکه با نوح سوار کرديم  
و از نژاد ابراهيم و اسراييل و  
از آنانکه ما هدايت داديم و بر  
گزيديم. چون آيتهای رحمان بر  
ایشان تلاوت ميشد سجده کنان و  
گریان فرو می افتادند (۵۹)

پس بعد از آنها جانشینانی جانشین  
گردیدند که نماز را ضائع کردند  
و از هوسهای نفسانی پیروی کردند.  
پس حتمًا عاقبت گمراهی را بر  
خوردند (۶۰)

جز آنکه توبه کرد و ایمان آورد  
و اعمال شایسته انجام داد. پس  
همانها بداخل بهشت شوند و هیچ

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ  
صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٥٧﴾

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٨﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ  
النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ  
نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ  
وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا  
إِذْ اتَّكَلَى عَلَيْهِمْ آيَةُ الرَّحْمَنِ حَرُّوا  
سُجَّدًا وَبُكِيًّا ﴿٥٩﴾

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا  
الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ  
يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴿٦٠﴾

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا  
فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ  
شَيْئًا ﴿٦١﴾

هم ستم کرده نشوند (۶۱)

بهشتهای جاودانی که رحمان به  
بندگان خود ازغیب وعده داده  
است. حتمًا وعده او وفا کرده  
میشود (۶۲)

نشوند درآنها هیچ مرزه درائی  
جز سلام و برای ایشان درآن  
[بهشت] ما صبح و شام رزق  
ایشان [مبیا] است (۶۳)

اینست آن بهشت که ما ازبندگان  
خود وارث آن او را گردانیم که  
برهیزکار است (۶۴)

و [فرشتگان گویند ما] فرود  
نیایم مگر با فرمان پروردگار  
تو. از آن او است هرچه روبروی  
ما است و هرچه پشتسرما است و  
هرچه میان آنست و پروردگار  
تو فراموش کننده نیست (۶۵)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه  
میان آنهاست. پس او را عبادت  
کن و برعبادت او با صبوری

جَنَّتِ عَدْنِیْ وَ عَدَّ الرَّحْمٰنُ عِبَادَةَ  
بِالْغَيْبِ ۱۶ اِنَّهٗ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا ۱۷

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا اِلَّا سَلَامًا ۱۸ وَ لَهُمْ  
رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً ۱۹ وَ عَشِيًّا ۲۰

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ  
كَانَ تَقِيًّا ۲۱

وَ مَا نَنْزِلُ اِلَّا بِاَمْرِ رَبِّكَ ۲۲ لَهُ مَا بَيْنَ  
اَيْدِيْنَا وَ مَا خَلْفَنَا وَ مَا بَيْنَ ذٰلِكَ ۲۳ وَ مَا  
كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ۲۴

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا  
فَاعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهٖ ۲۵ هَلْ تَعْلَمُ  
لَهٗ سَمِيًّا ۲۶

بایدار باش. آیا تو همنام او را  
می شناسی؟ (۶۶)

وانسان گوید، آیا چون مردم باز  
زنده کرده درآورده شوم؟ (۶۷)

آیا انسان بیدانمیآرد که ما او را  
قبلاًم خلق کردیم حالیکه او هیچ  
چیزی نبود(۶۸)

پس سوگندبه پروردگارتوحتماًما  
محشورکنیم آنهاوشیطانهارا و از  
آن پس حتماً آنها را برزانونما افتاده  
گردجهنم احضارنمائیم(۶۹)

سپس حتماً برکشیم از هرکدام  
گروه آنها را از آنها که برخلاف  
رحمان سخت تربود(۷۰)

سپس یقیناًمائیم داناتربه آنها که  
سزاوارترند که در جهنم سوزانده  
شوند(۷۱)

و نیست هیچ کس از شما [ستم  
گران] جزاینکه واردآن شود. این  
برپروردگارتو به فرض تصویب  
شده است(۷۲)++[ص# ۱۵ ۷]

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِثُّ لَسَوْفَ  
أُخْرَجُ حَيًّا ۝۱۷

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ  
وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ۝۱۸

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيْطِينَ ثُمَّ  
لَنَحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ۝۱۹

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ  
عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ۝۲۰

ثُمَّ لَنَخْنُ أَعْلَمَ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا  
صِلِيًّا ۝۲۱

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ  
حَتْمًا مَقْضِيًّا ۝۲۲



سپس آنانکه پرمیزگاری کردند  
را نجات دمیم وستمکاران را بر  
زانوما فروافتاده بگذاریم(۷۳)

و چون آیتهای ما بر آنها فرو  
خوانده شود کسانیکه کفرکردند  
به کسانیکه ایمان آوردند گویند.  
کدام یکی از دوگروه بهتر در مقام

و نیکوتر در مجلس است(۷۴)  
و چه بسا نسلهای را پیش از آنها  
ملاك ساختیم که برتر در اناث و  
خودنمائی بودند(۷۵)

بگو. آنکس که در گمراهی است  
بس رحمان حتماً او را مهلت دهد  
تا آن انتها که چون ببینند به آنچه  
وعدۀ داده شوند خواه عذابست  
خواه ساعت قیامت آنگاه بدانند

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ  
فِيهَا جُنْيًا ﴿٧٣﴾

وَ اِذْ اُنزِلَتْ عَلَيْهِمُ اٰیٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِيْنَ  
كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اٰى الْفَرِیْقِيْنَ  
خَيْرٌ مَّقٰمًا وَّ اَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٤﴾

وَ كَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ  
اَحْسَنُ اَنْۢثًا وَّ وَّرَعِيًّا ﴿٧٥﴾

قُلْ مَن كَانَ فِي الضَّلٰلَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ  
الرَّحْمٰنُ مَدَدًا حَتّٰى اِذَا رَا وَا مَا  
يُوعَدُوْنَ اِمَّا الْعَذَابُ وَاِمَّا السَّاعَةُ  
فَسَيَعْلَمُوْنَ مَن هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَّ اَضْعَفُ

++ آیت ۷۲: "ان متکم واردما" را معنای این نیست که هرکس حتماً بداخل جهنم  
میشود. قرآن نسبت به یاک کرداران میفرماید که ایشان حتی صدای آهسته از جهنم  
نیز نخواهند شنید. پس اینجا جهنم عبارت از جهنم دنیائی است که نیکوکاران  
برای خدا تحمل میکنند. به گاه به گنهکاران نیز قبل از مرگ اذیتی دردناک میرسد.  
آنها یکنوع جهنم است که در این دنیا میرسد.

جُنْدًا ﴿۷۵﴾

که کی بدتر در رتبه و نا توانتر  
در لشکر است (۷۶)

و خدا کسانی که هدایت یافتند را  
در هدایت میفراید و نیکیهای  
باقیمانده نزد پروردگارتو بهتر  
است در پاداش و بهتراست در  
فرجام (۷۷)

پس ایانگریستی آنرا که به آیت  
های ما انکار کرد و گفت که حتمًا  
من مال و اولاد داده شوم (۷۸)  
آیا برغیب مطلع شده است یا  
عهدی از رحمان گرفت؟ (۷۹)  
باش! حتمًا نوشته داریم آنچه  
گوید و او را قبل از عذاب مهلت  
دهیم (۸۰)

و وارث شویم آنچه را میگوید  
نزد ماتنها خواهد آمد (۸۱)  
و معبودانی جز خدا فرا گرفته اند  
تا مایه عزت آنها باشند (۸۲)  
باش! حتمًا آنها بعبادت آنان انکار  
کرده و برخلاف آنها باشند (۸۳)

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ۞  
وَالْبَقِيَّةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ  
ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ﴿۷۶﴾

أَفَرَأَيْتِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا  
لَأُوتَيْنَ مَا لَمْ نَأْمُرْ بِهٖ ۞

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ  
عَهْدًا ۞

كَلَّا ۞ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ  
الْعَذَابِ مَدًّا ۞

وَنَزِّنُ لَهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِنَا فَرْدًا ﴿۸۱﴾

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا  
لَهُمْ عِزًّا ﴿۸۲﴾

كَلَّا ۞ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ  
وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ صُدَّانًا ﴿۸۳﴾

أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيْطِينَ عَلَى  
الْكَافِرِينَ تَوَارَّهُمُ أَزْوَاجًا ۝۸۴

آیاندیدی که ماشیطانها را خلاف  
کافران فرستیم که آنها را بطریق  
گوناگون برانگیزند (۸۴)

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّمَا عَدَدُّ عَدَائِكَ

پس تعجیل مکن بر آنها یقیناً آنها  
را لمحہ بلمحہ می‌شماریم (۸۵)

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ۝۸۵

روزی که متقیان را بسوی رحمان  
جهت هیئت نمایندگان محشور  
کنیم (۸۶)

وَلَسَوْقَ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِدًّا ۝۸۶

و مجرمان را بطور قومی وارد  
شونده بر آب بسوی جهنم سوق  
دهیم (۸۷)

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ  
الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۝۸۷

شفاعتی را اختیار ندارند جز آنکس  
که از رحمان عهدی گرفت (۸۸)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۝۸۸

و گویند، خدا پسری برگزید (۸۹)

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ۝۸۹

یقیناً امری زشت آورده اید (۹۰)

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَّقَطُرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ

نزدیک است آسمان از آن بشکافد  
و زمین از هم بپاشد و کوه‌ها  
لرزان فروافتند (۹۱)

الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۝۹۰

که برای رحمن پسری ادعا کرده  
اند (۹۲)

أَنْ دَعَا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ۝۹۱

در حالیکه نشاید رحمان را که او

وَمَا يُبْغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۝۹۲

پسری بگزینند(۹۳)

نیست هر کدام از آنانکه در آسمان  
ها و زمین است مگر برای رحمن  
مانند برده ای آینده است(۹۴)

یقیناً او آنها را فرا گرفته است و  
آنها را بخوبی شمرده است(۹۵)  
و هر کدام آنها روز قیامت در  
حضور او بفرد خواهد آمد(۹۶)

البته کسانی که ایمان آوردند و  
نیکو کاری کردند در رحمن برایشان  
[اسباب] محبت فراهم آورد(۹۷)  
پس یقیناً ما اینرا بزبان تو  
آسان کرده ایم تا بدان به متقیان  
مژده و قوم ستیزه گران را بدان  
بیم دمی(۹۸)

وجه بسانسلهای را پیش از آنها  
هلاک کردیم. آیا کسی از آنها را  
احساس می کنی یا آنها را آوازی  
میشنوی؟(۹۹)

إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي  
الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿١٤﴾

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿١٥﴾

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿١٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿١٧﴾

فَأَنَّمَا يُرِيتُهُ بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ  
وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ﴿١٨﴾

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ  
نُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ  
رِكْزًا ﴿١٩﴾

## ۲۰ - سورة طه

این سوره مکی است و با بسم الله ۱۳۶ آیت دارد.

این سوره با مقطعات "طه" شروع میشود. این مقطعات در هیچکدام دیگر سوره بیان نشده است. معنای این مقطعات است - ای پاك رسول و هادی کامل.

سوره گذشته حاکی از جنگهای هولناک بود. بدیهی است که این اخبار بر قلب آنحضرت ﷺ گران میگذشت. بنا بر این خداوند به ایشان توصیه کرد که تو در نتیجه این غمناک نشو. این تنزیل است از آنکه او آفریدگار آسمانها و زمین است و او رحمان است که بر عرش قرار گرفت.

چون منشأ تمامی رسالتها رحمانیت است و مانند سوره گذشته در این سوره نیز موضوع رحمانیت جریان دارد لذا یکبار دیگر ذکر از حضرت موسی' میروود که چطور خداوند ایشان را برپایه صفت رحمانیت رسول خود برگزید. آنهمه منت هائیکه بر سر حضرت موسی' علیه السلام نهاده شد منشأ آنها رحمانیت بوده است.

این سوره حاکی است که چطور جادوگران به سجده افتادند و فرعون آنان را تهدید به مجازات سنگین کرد. اما کسانیکه جلوه رحمانیت را روت کرده باشند ایشان مرعوب از چنین تهدیدها نمیشوند. پس ایمان ایشان بر حضرت موسی' علیه السلام با وجود این تهدید بقوت خود برقرار ماند.

پس از این خداوند به رسول الله ﷺ خطاب کرد که ایشان از تو در مورد کوه ها مسئلت میکنند. درباره کوه ها که هیچوقت از آنحضرت ﷺ

مسئلت نشده بود، بدیهی است مشرکان جهت ابر قدرت ها، بلند همچون کوه ها میپرسیدند که چطور تو در مقابل آنان پیروزمند شوی. يك جانب دولت کسری و جانب دیگر دولت قیصر مانند کوهها ایستاده بودند. برای پاسخ این امر آموخته شد که ابر قدرتهای متکبر به ایمان متمایل نمیشوند تا آنگاه که گردنکشی ایشان شکسته نشود و همچون دشتی ریگزار نشوند که کاملاً هموار و بی پستی و بلندی گردد. و قتیکه اینطور شود پس آنان به آن رسول پیروی کنند که در او هیچ کجی وجود ندارد.

آیت ردیف ۱۰۹ نیز تکرار از صفت رحمان است و آیت ۱۱۰ نیز حاکی از جلوه رحمان است که همه صداها در مقابل رعب و شان او فرومی نشیند گویی که همه آنها سرگوشی حرف زنند.

پس باز به ذکر حضرت آدم مراجعت کرده میشود. زیرا که منشأ آفرینش ایشان نیز جلوه رحمانیت بود و نخستین بار چهار اصل اساسی از شریعت ایشان تعریف شده است یعنی هر کدام حضرت آدم را قبول کند او نه گرسنه ای بماند و نه بی لباس و نه تشنه ای و نه در آفتاب بسوزد.

سپس رسول الله ﷺ یکبار دیگر تعلیم داده میشوند که در مقابل اذیت از دشمنان صبور باش و قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب خورشید و شبگاهان و هر دو کنار روز با حمد پروردگارت او را تسبیح بگو. این آیه عبارت از همه نمازهای شب و روز است.

در پایان این سوره گفته میشود که بگو، همه منتظرانند که از این زدو خورد چه نتیجه ای درمیآید. پس بزودی آشکار گردد که کی بر راه راست است و کیست که هدایت مییابد.

☆سُورَةُ طه مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ مِائَةٌ وَسِتُّ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَثَمَانِيَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها را حکمکنده (۱)

طَيْبٌ مَادِيٌّ - ای پاک [رسول]

طه ②

مادی کامل (۲)

قرآن بر تو نازل نکردیم تا رنج

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ③

بری (۳)

مگر تذکر است برای آنکس که

إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَنْ يَخْشَى ④

میترسد (۴)

فروفرستان آن از جانب او است

تَنْزِيلًا لِّمَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ

که زمین و آسمانهای افراشته را

الْعُلَى ⑤

آفرید (۵)

رحمان - او بر عرش مستقر شد (۶)

الرَّحْمَنِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ⑥

از آن اوست آنچه در آسمانهاست

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا

و آنچه در زمین است و آنچه

بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ⑦

میان آندو است و آنچه زیر زمین

است (۷)

و اگر حرف با صدای بلند زنی پس

وَأَنْ تَجْهَرُ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ

یقیناً او که پنهان و پنهان تر را

وَأَخْفَى ⑧

میداند (۸)

خدا، جزا و کسی معبود نیست همه  
نام های نیکو به او اختصاص  
دارند (۹)

و آیا سرگذشت موسیٰ به تو  
رسید؟ (۱۰)

چون او آتشی را دید پس به اهل  
خود گفت درنگ کنید من آتشی  
را دیده ام. امید است که از آن  
پارهٔ برای شما بیارم یا نزد آن آتش  
رهنمائی بدست بیارم (۱۱) ++

پس هنگامیکه او نزد آن رسید  
صدا شد، ای موسیٰ! (۱۲) ++

یقیناً من پروردگارتو ام. پس  
هر دو کفش خود را در آر. یقیناً تو  
دروادی مقدس طوی هستی (۱۳) +  
و من تورا برگزیده ام. پس گوش  
فرا بده بدانچه وحی میشود (۱۴)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ  
الْحُسْنَىٰ ①

وَهَلْ آتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ②

إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي  
أَنْتُمْ نَارَ الْعَلِيِّ اتَّيَكُمُ مِنْهَا بِقَبَسٍ  
أَوْ آجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ③

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَمُوسَىٰ ④

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ ⑤ إِنَّكَ  
بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى ⑥

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ⑦

++ آیات ۱۰-۱۳: حضرت موسیٰ چیزی آتش سان دیدند و به دو نوع امکان اظهار  
داشتند و امکان دومین که "او آجد علی النار هدی" یعنی ممکن است که از نزد آن  
آتش هدایتی بیارم. راست درآمد. آن آتش چنین نبود که ایشان شعله ای از آن  
را بدست گرفته نزد خانواده خود بازآمده باشند.



یقیناً منم خدا. جز من کسی معبود نیست. پس مرا عبادت کن و برای یاد من نماز را بیای بدار (۱۵)

یقیناً ساعت آینده است. امکان ندارد که آنرا پنهانکنم تا مر نفس پاداش داده شود برای آنچه میکوشد (۱۶)

پس تو را از [تکمیل تقاضا] آن باز ندارد آنکس که بر آن ایمان نیارد و از هوای نفس خود پیروی کند و گرنه ملاک میشوی (۱۷)

و این در دست راست تو چیست ای موسی! (۱۸)

او گفت. این عصای منست که بر آن تکیه زخم و بدان برای گوسفندان خود بر گها فرو میریزم و برای من در آن فواید دیگر نیز است (۱۹)

او گفت. اینرا بنه ای موسی (۲۰) پس او آنرا بنهاد که بناگاه گویی ماری حرکت کننده شد (۲۱)

او گفت. آنرا بگیر و مترس. ما آنرا بحالت قبلی خود بر گردانیم (۲۲)

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي  
وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ⑩

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ  
كُلُّ نَفْسٍ بِمَا سَعَىٰ ⑪

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَّآئِيُمْ مِنْ بِهَا  
وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ ⑫

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ ⑬

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَأَهْمَش  
بِهَا عَلَىٰ غَنِيٍّ وَلِي فِيهَا مَارِبٌ أُخْرَىٰ ⑭

قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَىٰ ⑮

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ⑯

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ ۗ سَنُعِيدُهَا  
سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ⑰

سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ⑱

ودست خود را در پهلوی خود بفشرد،  
آن سفید [درخشان] بلاعیب درآید  
- [این] آیتی دیگر است (۲۲)

تاتورا [در آتیه] از آیت‌های بزرگ ما  
نیز نشان دهیم (۲۴)

بروبسوی فرعون که او سرکشی  
کرده است (۲۵)

او گفت، پروردگارا سینه مرا برای  
من بگشا (۲۶)

و کارم را برایم آسان بفرما (۲۷)

و گره زبانم را باز بفرما (۲۸)

تا آنها سختم را بفهمند (۲۹)

و از خانواده ام نایبی برای من  
قرار ده (۳۰)

مارون برادرم را (۳۱)

بشت مرا بدو محکم کن (۳۲)

و او را در کارم شریک کن (۳۳)

تاتورا بکثرت تسبیح گوئیم (۳۴)

و تورا بسیار یاد کنیم (۳۵)

یقیناً تو به حال ما بینامستی (۳۶)

او فرمود، ای موسی! خواسته تو

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ  
بَيضًا مِّنْ غَيْرِ سَوْءٍ آيَةً أُخْرَىٰ ﴿٣٢﴾

لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ ﴿٣٣﴾

إِذْ هَبَّ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٣٤﴾

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٣٥﴾

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٣٦﴾

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي ﴿٣٧﴾

يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٣٨﴾

وَاجْعَلْ لِّي وَاثِمًا مِّنْ أَهْلِي ﴿٣٩﴾

هَارُونَ أَخِي ﴿٤٠﴾

اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿٤١﴾

وَاشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ﴿٤٢﴾

كَيْ تُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٤٣﴾

وَتَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٤٤﴾

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٤٥﴾

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ ﴿٤٦﴾

برآورده شد (۳۷)

و یقیناً ما یکبار دیگر نیز بر تو منت

نهاده بودیم (۳۸)

چون بسوی مادر تو وحی کردیم

آنچه وحی کرده میشود (۳۹)

که او را در صندوق نهاده پس آنرا

در دریا بیفکن. پس دریا آنرا بساحل

افکند تا دشمن تو و دشمنش او

را بگیرد و من محبت خود را

بر تو بیفکنم و تاجلوی چشمان

ما پروریده شوی (۴۰)

[و بیاد آور] چون خواهرت راه می

رفت و میگفت، آیا بشما بگویم

کی او را پروراند. پس ماتو را

به سوی مادرت برگردانیدم تا

چشمانش روشن شده و محزون

نگردد و تو تنی را کشتی آنگاه

ماتورا از اندوه نجات دادیم و به

آزمایشهای گوناگون آزمودیم.

پس چندسال در اهل مدین بسر

بردی سپس به حدواندازه [عمر

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى ﴿٣٧﴾

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ﴿٣٨﴾

أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ

فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَا خُدَّةُ عَدُوِّي

وَعَدُوِّي لَهُ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي

وَلتَضَعْ عَلَىٰ عَيْنِي ﴿٤٠﴾

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ

عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ ۗ فَرَجَعْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ

كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَكَلَّمَتْ

نَفْسًا فَجَعَلْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ

فُتُونًا ۗ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ۗ

ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ مِّنَّا ۗ ﴿٤٠﴾

نبوت [رسیدی ای موسی! (۴۱)]  
 و تورا برای خود برگزیدم (۴۲)  
 تو و برادرت با آیتهای من بروید  
 و دریادمن سست مشوید (۴۳)  
 شما دوی بسوی فرعون بروید  
 که او سرکشی کرده است (۴۴)  
 پس با او بملایمت سخن گوید  
 امکان دارد که پند بپذیرد یا  
 بترسد (۴۵)

آندوی گفتند: ای پروردگار ما! یقیناً  
 ما میترسیم که مبادا بر ما تعدی  
 کند و سرکشی کند (۴۶)  
 گفت، نترسید یقیناً من با شما دوی  
 هستم - می‌شنوم و می بینم (۴۷)  
 پس هر دو نزد او بروید و بگوئید  
 که ما دو فرستاده پروردگار تو  
 هستیم. پس بنی اسرائیل را با  
 ما بفرست و بدیشان عذاب مکن.  
 یقیناً ما از پروردگارتو با نشانی  
 بزرگ آمده ایم و درود بر هر که  
 از هدایت پیروی کند (۴۸)

وَاصْطَفَعْنَاكَ لِنَفْسِي ﴿٤١﴾  
 اِذْهَبْ أَنْتَ وَآخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي  
 ذِكْرِي ﴿٤٢﴾  
 اِذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿٤٣﴾  
 فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ  
 أَوْ يَخْشَى ﴿٤٤﴾

قَالَ رَبِّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا  
 أَوْ أَنْ يَطَّغِي ﴿٤٥﴾  
 قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ  
 وَأَرَى ﴿٤٦﴾  
 فَاتِيَهُ فَقَوْلًا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ  
 مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ قَدْ  
 جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا  
 اتَّبِعِ الْهُدَى ﴿٤٧﴾

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ  
كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿۵۱﴾

هرآینه بسوی ما وحی شده است  
که یقیناً هر که دروغ گوید و روی  
برتابد بر او عذاب است (۴۹)  
او گفت، پس پروردگارشما دوی  
کیست؟ ای موسی! (۵۰)

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمْ يَا مُوسَى ﴿۵۰﴾

او گفت، پروردگار ما اوست که هر  
چیز را آفرینش آن اعطا کرد و پس  
از آن بر راه هدایت انداخت (۵۱)  
او گفت، پس تکلیف قوم های قبلی  
چیست؟ (۵۲)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ  
ثُمَّ هَدَى ﴿۵۱﴾

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ﴿۵۰﴾

او گفت، علم آنها نزد پروردگارم در  
کتابی [محفوظ] است. پروردگارم  
نه لغزش میخورد و نه فراموش  
می کند (۵۲)

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا  
يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ﴿۵۱﴾

آنکه زمین را برایشما گسترشی  
قرار داد و برایشما در آن راه های  
نهاد و از آسمان آب نازل کرد. پس  
بدان جفت های از نباتاتی گونا  
گون در آوردیم (۵۴)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَأَسْلَكَ  
لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى ﴿۵۱﴾

بخورید و دامهای خود را بچرانید.  
یقیناً در این برای اهل خرد آیت

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ  
لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ ﴿۵۲﴾

های بزرگ است (۵۵)

آفریدیم شما را از آن و در همان  
شماره بر گردانیم و از همان شمارا  
باردیگر بیرون آوریم (۵۶) ++

و البته ما آیتهای خود را بتامی  
آنها اوران نشان دادیم اما او تکذیب  
کرد و ابا نمود (۵۷)

او گفت، آیانز ما آمدی تا ما را از  
سرزمین ما با جادویی خود جلا  
کنی ای موسی! (۵۸)

پس البته ما هم پیش تو جادویی  
مثل آن میآوریم. پس بین ما و  
بین خود وعده گاهی بگذار که نه  
ما خلف آن کنیم و نه تو. این  
مقام [برای هر دو طرف] برابر  
است (۵۹)

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا  
نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿۵۶﴾

وَلَقَدْ آرَيْنَهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ﴿۵۷﴾

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا  
بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ﴿۵۸﴾

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا  
وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا  
أَنْتَ مَكَانًا سَوِيًّا ﴿۵۹﴾

++ آیت ۵۶: این آیه حاکی است که شما در این خاک آفریده شدید و از این درآیید.  
در این مورد ایرادی توان گرفت که کسانی که امروزها سوار بر موشکها و غیره در فضا  
میمیرند چگونه این اصل برایشان اطلاق میشود؟ پاسخ اینست که انسان تا هر  
انتهای که میرود او هوا و غذای زمین را به همراه دارد و او هیچگاه نمیتواند  
رها و بی نیاز از آن بماند.

او گفت، وعده گاه شما روز جشن است و بدین [ترتیب] که مردم چاشتگاه گرد آورده شوند (۶۰)

پس فرعون روی برگردانده رفت و تزویر خود را تکمیل کرد پس باز آمد (۶۱)

موسی به آنها گفت، وای بر شما! بر خدا دروغ برناباید و الا او شما را بعذاب نابود سازد و یقیناً بی مراد است هر که بریافتد (۶۲)

پس در کار خود بهم نزاع کرده و پنهانی دسیسه های محرمانه می کردند (۶۳)

گفتند: یقیناً ایندو صرفاً جادوگران اند و مردو میخواهند که شمارا با جادو خود از وطن شما جلاکنند و راه و روشی مثالی شمارا نابود سازند (۶۴)

پس تدابیر خود را جمع کنید و صف کشیده بیآئید و یقیناً امروز رستگارست آنکه برتر آید (۶۵)

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ  
النَّاسُ صُحًى ⑩

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ إِلَى ⑪

قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ  
اللَّهُ كَذِبًا فَيَسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ  
خَابَ مَنْ افْتَرَى ⑫

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا  
النَّجْوَى ⑬

قَالُوا إِنَّ هَذَيْنِ لَسِحْرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ  
يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا  
وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَى ⑭

فَأَجْمَعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوَصَفَاءُ وَقَدْ  
أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى ⑮

گفتند. ای موسی! آیا اول میفکنی  
و یا ما باشیم نخستین آنکه می  
افکنند (۶۶)

او گفت، بلکه شما بیفکنید. پس  
ناگهان به او خیال بسته شد که  
ریسمانهای ایشان و چوبهای ایشان  
از سحر آنها میدود (۶۷)

پس موسی در دل خود احساس  
ترس کرد (۶۸)

گفتم نترس یقیناً تویی که تو  
برتر خواهی آمد (۶۹)

و بیفکن آنچه در دست راست تو  
است. آن فروبرد آنچه را ساخته  
اند. فقط نیرنگ جادوگری را  
ساخته اند و نیرنگ جادوگری از  
مرسوم آید کامران نمیشود (۷۰)  
پس جادوگران به حالت سجده  
فرو افکنده شدند. آنان گفتند، ما  
به پروردگار موسی و هارون ایمان  
آوردیم (۷۱)

او گفت: آیا ایمان آوردید پیش از

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَإِمَّا أَنْ  
تَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ﴿٦٦﴾

قَالَ بَلِ الْقَوْمُ فَإِذَا جَاءَهُمْ  
وَعَصِيَّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ  
أَنَّهُمْ سَالِحٌ ﴿٦٧﴾

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ﴿٦٨﴾

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٩﴾

وَأَلْقَ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا  
صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سِحْرٍ وَلَا  
يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٧٠﴾

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا أَمْثَلِ رَبِّ  
هُرُونَ وَمُوسَى ﴿٧١﴾

قَالَ أَمْثَلُهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَى لَكُمْ إِنَّهُ



آنکه من به شما اجازه دهم؟ یقیناً این بزرگتر خود شماست که شما راجادوئی آموخته است. پس من دستهایتان و پاهایتان را از جهت مخالف میبرم و حتماً شما را بر شاخه های خرما بدار میکشم و بفهمید که کدام یکی از ما سختتر و ثابت تر در عذاب است (۷۲)

گفتند: هرگز تورا ترجیح ندمیم بر آنچه از نشانهای روشن ما را آمد و او که ما را آفرید. پس فیصله بده آنچه را فیصله دهنده ای. تو می توانی فقط فیصله از زندگی این دنیا بدمی (۷۳)

یقیناً ما بپروردگار ما ایمان آورده ایم تا او خطاهای ما و آن جادوئی که بر آن ما را ناچار کردی را برای ما بیامرزد و خدا بهتر و صاحب بقاء است (۷۴)

یقیناً آنکه بحضور پروردگار خود جرمکار میآید. پس برای او جهنم

لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا قَطْعَ بـ أَيَدِيكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا وَصَلَبَتِكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ إِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ٧٢

قَالُوا لَنْ نُؤْتِيكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ٧٣

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيُغْفِرَ لَنَا خَطِيئَاتِنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ٧٤

بـ

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ٧٥

است. در آن اونه بمیرد و نه زنده  
بماند (۷۵)

وآنکه نزد او مؤمن آید در حالیکه  
شایسته کاری کرد پس همانند  
که برای ایشان درجاتی بلندتر  
است (۷۶)

بهشتهای جاودان که در دامنه آنها  
نهرهای روان است. ایشان در آنها  
جاویدان اند. این پاداش است آن  
کسراکه پاکیزگی فراگرفت (۷۷)  
و یقیناً وحی فرستادیم بر موسی که  
ببربندگانم را هنگام شب و برای  
ایشان اختیارکن رامی در دریا که  
خشک است. نه بیداری دستگیر  
شدن را و نه هم میترسی (۷۸)

و تعقیب کرد فرعون با سپاه خود  
ایشان را پس آنها را چیزی از  
دریا فراگرفت آنچه آنها را فرا  
گرفت (۷۹)

و فرعون قوم خود را گمراه ساخت  
و هدایت نکرد (۸۰)

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ  
فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿٧٥﴾

جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ﴿٧٦﴾

وَلَقَدْ آوَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرَبَ  
بِعِبَادِي فَأَضْرِبْ لَهُمُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ  
يَبَسًا ۖ لَا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿٧٨﴾

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُودِهِ فَعَسَّيْهِمْ مِّنَ  
الْيَمِّ مَا عَسَّيْهِمْ ﴿٧٩﴾

وَأَصْلَ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ ﴿٨٠﴾

وای فرزندان اسرائیل ماشا را  
از دشمن شانجات دادیم و سمت  
راست طور با شما پیمان بستیم  
و بر شاترنجین و بلدرچین نازل  
کردیم (۸۱)

بخورید از پاکیزهها که ما شمارا  
رزق داده ایم و در آن تجاوزگری  
نکنید و الا بر شما خشم من نازل می  
آید و بر سر که خشم من نازل شود  
پس یقیناً او هلاک میگردد (۸۲)  
و یقیناً من بسیار آمرزنده ای ام  
برای آنکه توبه کند و ایمان آورد  
و نیکوکاری کند. سپس بر هدایت  
برقرار باشد (۸۳)

و ای موسی چه تو را از قوم  
خود شتاباند؟ (۸۴)  
موسی گفت، آنان نیز از پی من اند  
و پروردگارا بسوی تو شتابیدم تا  
تو خوشنودشوی (۸۵)  
او گفت، یقیناً ما پس از تو قومت  
را آزمودیم و سامری آنها را گمراه

يٰۤاَيُّهَا اِسْرَائِيْلُ قَدْ اَنْجَيْنَاكَ مِنْ  
عَدُوِّكُمْ وَاَوْعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ  
الْاَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَالسَّلْوٰ ۝۸۱

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا  
فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِيْ ۙ وَمَنْ  
يَّحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِيْ فَقَدْ هَوٰى ۝۸۲

وَ اِنِّىْ لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَاَمِنَ وَعَمِلَ  
صَالِحًا مَّا هَتَدٰى ۝۸۳

وَمَا اَعْجَلَكْ عَنْ قَوْمِكَ يٰمُوسٰى ۝۸۴

قَالَ هُمْ اَوْلٰٓءِىْ اَثَرِيْ وَ اَعْجَلْتُ اِلَيْكَ  
رَبِّ لِتَرْضٰى ۝۸۵

قَالَ فَاِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ  
وَ اَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ۝۸۶

کرد (۸۶)

پس موسیٰ خشناک و رنجیده خاطر بسوی قومش بازگشت. او گفت، ای قوم من! آیا پروردگارتان شمارا وعدهٔ نیکی ندادند؟ پس آیامت آن وعده بر شما طول کشید یا در صدد برآمدید که غضب پروردگارتان بر شما فرود آید پس شما از عهد من تخلف کردید (۸۷) گفتند، ما تخلف از پیمان شما با اختیار خود نکردیم اما باری که از زیورات قوم بر دوش ما نهاده شد پس ما آنرا برانداختیم. پس اینطور سامری طرحی نهاد (۸۸) ++ پس او برایشان گوسالهٔ درآورد که بیکری [بی جان] بود. آن ماغ گاوی میکشید. آنگاه آنان گفتند که

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ  
أَسِفًا ۚ قَالَ يَقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ  
وَعَدَا حَسَنًا ۚ أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ  
أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ  
رَّبِّكُمْ ۚ فَاخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ۗ ﴿٨٧﴾

قَالُوا مَا آخَلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا  
وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ  
فَقَدَفْنَا لَهَا ۚ كَذَلِكَ تَقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٨﴾

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٍ  
فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ

++ آیت ۸۸: زیوراتی که قوم موسیٰ به همراه داشت وزین بود. پس سامری طمع افکند که آن زیورات آنان بدو بسپارند تا او برایشان گوساله ای درست کند که معبود ایشان باشد. ایشان آن زیورات را به سامری دادند و بهانه ای آوردند که بردوش ایشان باری بود که آنرا برانداخته اند.

فَنَسِيَ ۝۱۸

اینست معبودشما و معبود موسی.

پس از او فراموشکاری شد (۸۹)

آیا نمینگرند که آن بهیچ سخن ایشان پاسخ نمیدهد و برای ایشان اختیار ندارد زیان را و

ع ۳۳

نه سود را (۹۰)

حالانکه پیش از آن البته هارون به آنها گفته بود، ای قوم من اجزاین نیست که شما فقط به آن آزموده شدید و یقیناً پروردگارتان بسیار بخشنده است. پس مرا متابعت کنید و به فرمانم گردن نهید (۹۱)

گفتند، جلوی این پیوسته نشنگان ایم تا موسی بسوی ما باز گردد (۹۲) او گفت، ای هارون چه تو را [از مواخذه] باز داشت چون تو آنها را گمراه دریافتی - (۹۳)

- که مرا پیروی نکردی، پس آیا از فرمانم سرپیچی کردی؟ (۹۴) او گفت، ای فرزندمادرم نگیر ریش مرا و نه موی سرم را. من ترسیدم

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا أَوْلًا نَفْعًا ۝

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَقَوْمُ إِنَّ مَا قُتِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ۝

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَكْفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ ۝

قَالَ يَهْرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ۝

أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ۝

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي ۝ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ

بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿۱۵﴾

مبادا بگویی چرا میان فرزندان  
اسرائیل تفرقه افکندی و منتظر  
فرمان من نشدی (۹۵)

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا مِرْيُ ﴿۱۶﴾

اوگفت، ای سامری منظور تو چه  
است؟ (۹۶)

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ  
قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا  
وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي ﴿۱۷﴾

اوگفت، دریافتم آنچه را آنها در نه  
یافتند پس کمی از اثر پیغمبر بر  
گرفتم باز آنرا برانداختم و نفسم  
برایم اینطور آراستید (۹۷) ++

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ  
تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ  
تُخْلَفَهُ<sup>ع</sup> وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي  
ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ  
لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿۱۸﴾

اوگفت، پس دور شو! برای تو در  
طول عمر است که بگوئی، "هرگز  
لمس نکن" و یقیناً برای تو وعده  
گامی است که آن خلاف نه کرده  
خواهد شد و نگاه کن معبود خود را  
که مدام بر آن مقیم بودی حتماً آن  
را میسوزانیم و سپس خاکسترش  
را در دریا می پراکنیم (۹۸) ++

++ آیت ۹۶: سامری این عذر آورد که درباره نبوت او احساس کرد که آن نیرنگی  
است و آنرا برافکند و نفسش اینکار را برایش آراستید.

++ آیت ۹۸: بمجازات اینکار سامری حضرت موسی بدو گفتند، اینک تو در این حالت  
زنده بمان که پیوسته بگوئی، "مراهیچکس لمس نکند". معلوم میشود که [ص ۷۲۷] ۷۲۷

یقیناً معبودش فقط خدای است که  
جز او کسی معبود نیست. او هر چیز  
را بدانش فرا گرفته است (۹۹)

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ  
وَسِعَ كُلُّ شَيْءٍ عِلْمًا ۝

اینگونه اخبار گذشته ما را بر تو  
بیان کنیم و یقیناً تو را ذکر از نزد  
خود اعطا کرده ایم (۱۰۰)

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ  
سَبَقَ ۗ وَقَدْ آتَيْتِكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ۝

هر که ازین روی برتابد پس یقیناً  
روز قیامت باری سنگین بدوش  
گیرد (۱۰۱)

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
وِزْرًا ۝

آنها در این حالت مدت دراز بمانند  
و روز قیامت این برایشان باری  
بسیار زشت است (۱۰۲)

خَلِدِينَ فِيهِ ۗ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
حِمْلًا ۝

روزی که در صور دمیده شود و گنه  
کاران را آن روز جمع کنیم [بکثرت]  
با چشمان آبی را (۱۰۳) ++

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ  
الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ۝

آنها بهم آهسته حرف زنند که مکث

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۝

او میروص بود و بعلت این مرض مردم را از خود دور میداشت. این امر در اروپا  
نیز تا قرن گذشته جریان داشت که بیسی ها را فرمان بود که زنگی بگردن کرده  
راه روند تا مردم مرد و اطراف خیابان از بیسی بودن او متوجه شوند.

++ آیت ۱۰۳: اینجا معنای زُرْقًا مردم با چشمان آبی است. غالباً ذکر از ملت های  
مسیحی می رود که بسیار کثیر از ایشان با چشمان آبی اند.

نکردید مگر ده [روز] (۱۰۴) ++  
 ماداناترایم به آنچه خواهند گفت  
 چون راهی بهتروگزیده تر را فرا  
 گیرنده از آنها گوید، شما مکت نه  
 کردید جز روزی (۱۰۵)

و در باره کوهها از تومیپر سندی. پس  
 بگو، پروردگام آنها را ریزه ریزه  
 خواهد ساخت (۱۰۶)  
 پس آنها را دشت خشکزاری می  
 گذارد (۱۰۷)

تو در آن نه کجی را خواهی دید و  
 نه نشیب و فراز را (۱۰۸)  
 آنروز آنها دعوت کننده ای را  
 پیروی کنند که او را هیچ کجی  
 نیست و برای [احترام] رحمان  
 صداها آرام شود پس فقط صدای  
 آمسته خواهی شنید (۱۰۹)

روزی که شفاعت سودمند نگیرد  
 جز آنرا که برایش رحمان مجاز  
 گرداند و در حق او سخن گفتن  
 را خوش آید (۱۱۰)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ  
 أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ۝۱۰۴

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا  
 رَبِّي نَسْفًا ۝۱۰۵

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ۝۱۰۶

لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ۝۱۰۷

يَوْمَ مِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ  
 وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا  
 تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ۝۱۰۸

يَوْمَ مِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ  
 الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ۝۱۱۰



حاشیه آیت ۱۰۴ صفحه ۷۳۷:

ایشان روز قیامت غلبه بزرگی خویش را تا دیر از دور خواهند نگریست سرگوشی کنان که غلبه ایشان بیش از ده نبوده است یعنی از ده قرن یا هزار سال بیشتر نبود.. تاریخ مسیحیت حاکی از همین امر است که ایشان را غلبه هزار سالگی نصیب شده بود. پس از نخستین سه قرن رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه وسلم غلبه مسیحیان اروپائی همان تا سه قرن مانده است و پس از آن غلبه ایشان رو به زوال گذاشت.

او میدانند آنچه است بیشری آنها  
و پشتسر آنها حالیکه آنها نتوانند  
او را بدانش احاطه کنند (۱۱۱)

و چهارمها برای حی و قیوم فروافتد  
و یقیناً خوار گردد آنکه بارستم را  
بدوش گرفت (۱۱۲)

و هر که شایسته کاری کند و او مومن  
است آنگاه او را خوف ستمکاری  
و حق گشی نخواهد بود (۱۱۳)

و اینطور ما قرآن را گشاده زبان و  
رسانا ز لکردیم و هر نوع هشدار  
را در آن بیان کرده ایم تا باشد که  
تقوی فرا گیرند یا او برای آنها نشانه  
ای عبرتناک بظهور آورد (۱۱۴)

پس خدا پادشاه حق بسیار بلند  
شأن است و به [خواندن] قرآن  
تعجیل مکن پیش از آنکه وحی آن  
بر تو بپایان برده شود و بگو،  
پروردگارا مرا در دانش تزیاید  
بدمی (۱۱۵)

و یقیناً ما پیش از این از آدم

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا  
يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴿١١١﴾

وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۗ وَقَدْ  
خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١٢﴾

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ  
فَلَا يَخُفْ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿١١٣﴾

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَوَصَرَفْنَا  
فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ  
يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٤﴾

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۗ وَلَا تَعْجَلْ  
بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ  
وَحْيُهُ ۗ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٥﴾

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنسِيَ وَلَمْ

نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿۳۵﴾

بیسانی گرفته بودیم پس او  
فراموش کرد اگرچه او را آهنگ  
کننده آن نیافتیم (۱۱۶)

و چون بفرشتگان گفتیم که برای  
آدم سجده کنید. پس سجده کردند  
مگر ابلیس - او سر باز زد (۱۱۷)  
پس گفتیم ای آدم! یقیناً این دشمن  
تو و برای زوج تو است. پس شما  
دوی را از بهشت بیرون نسازد  
پس بدبخت شوی (۱۱۸)

یقیناً برای تو مقدر است که نه در  
آن گرسنه باشی و نه عریان (۱۱۹)  
و اینکه نه در آن تشنه باشی و نه  
زیر آفتاب بسوزی (۱۲۰)

پس شیطان بدو وسوسه انداخت  
و گفت آیا به تو آگاه سازم بر  
درختی جاودان و پادشاهی که  
هرگز پوسیده نگردد (۱۲۱)

پس آندو کمی از آن خوردند پس  
عورت های ایشان بر آنان پدید  
آمد و شروع کردند از برگهای

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ  
فَسَجَدُوا اِلَّا اِبٰٓلِیْسَ ۗ اَبٰٓی ﴿۳۶﴾

فَقُلْنَا يَا اٰدَمُ اِنَّ هٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ  
وَلِرَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ  
فَتَشْقٰی ﴿۳۷﴾

اِنَّ لَكَ اَلَّا تَجُوْعَ فِيْهَا وَلَا تَعْرٰی ﴿۳۸﴾

وَ اَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا فِيْهَا وَلَا تَصْحٰی ﴿۳۹﴾

فَوَسْوَسَ اِلَيْهِ الشَّيْطٰنُ قَالَ يَا اٰدَمُ هَلْ  
اَدْرٰكَ عَلٰی شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمَمْلٰكٍ لَّا  
يَبٰٓئِی ﴿۴۰﴾

فَاَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهَا سَآٓئُهُمَْا وَطَفِقَا  
يَخِصْفٰنِ عَلٰیهِمَا مِنْ وَّرَقِ الْجَنَّةِ  
وَ عَصٰی اٰدَمُ رَبَّهُ فَغَوٰی ﴿۴۱﴾

بهشت بر خود بپوشانند پس آدم  
از پروردگار خود نافرمانی کرد  
و از راه دور شد (۱۲۲)

باز هم خدا او را برگزید و توبه  
قبول کرده بر او مایل شد و هدایت  
داد (۱۲۳)

او گفت، بیرون روید شادو از آن  
بامگی همراهان. بعضی از شما با  
بعضی دشمن شده اند. پس لازم  
است هرگاه شمارا از من هدایتی  
برسد پس هر که از هدایت من  
پیروی نماید پس نه او گم راه  
گردد و نه تیره بخت گردد (۱۲۴)  
و آنکه از یاد من روی برتابد یقیناً  
زندگانی برایش تنگ و روز قیامت  
او را کور بر خیزانیم (۱۲۵)

گوید، پروردگارا! چرا مرا کور در  
آوردی حالیکه بینا بودم (۱۲۶)  
او گوید، همینطور است. تو را آیت  
های مامیاً مدباز هم آنها را فراموش  
میکردی. پس امروز همان طور

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿۱۲۲﴾

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ  
لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ فَاٰمَآءٌ يَتَّبِعُكُم مِّنِّي هٰدِيٌّ  
ۙ فَمَنِ اتَّبَعَ هٰدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقٰى ﴿۱۲۳﴾

وَمَنْ اَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَاِنَّ لَهُ مَعِيشَةً  
ضَنْكًا وَّ نَحْسًا ۗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَعْمٰى ﴿۱۲۵﴾

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِيْ اَعْمٰى وَّ قَد كُنْتُ  
بَصِيْرًا ﴿۱۲۶﴾

قَالَ كَذٰلِكَ اَتٰتٰكَ اٰيٰتُنَا فَنَسِيْتَهَا  
وَ كَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنٰسٰى ﴿۱۲۷﴾

فراموش کرده شوی (۱۲۷)

وبدینسان ماباداش میدمیم او را  
که اسرافکنندوبه آیتهای پروردگار  
خودایمان نیارد وعذاب آخرت  
سختتر و پایدارتر است (۱۲۸)

پس آيا برايشان هدايت نياورد  
که ما بسامردمی از ازمنه پيش از  
آنهاکه در منازل آنان قدم ميزندند  
را هلاک ساختيم؟ يقيناً اهل خرد را

در اين آيتهای بزرگ است (۱۲۹)  
و اگر فرموده پروردگارتو پيشی  
نگرفته ونهايت زمانی معين نبود  
حتماً [عذاب] چسپيده ميشد (۱۳۰)

پس صبر کن بر آنچه ميگويندو با  
حمد پروردگار خود تسبيح بگو قبل  
از طلوع خورشيد و قبل از غروب  
آن و در پاره های شب و در اطراف  
روز تاتو خوشنود شوی (۱۳۱)

وديدگان خود را دوخته مگشا به  
سوی آنچه که به آن بعضی از گروه  
های آنها را بطور زينت زندگانی

وَكذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ  
بِآيَاتِ رَبِّهِ ۗ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ  
وَأَنْفَى ۝۱۲۸

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمَا هَلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ  
الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ ۗ إِنَّ فِي  
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي التَّلَٰهِ ۝۱۲۹

وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ  
لِرِزَامِنَا وَأَجَلَ مُّسَيِّ ۝۱۳۰

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ  
قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا  
وَمِنْ أَنَايِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ  
لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ۝۱۳۱

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ  
أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

لِنَفْسِهِمْ فِيهِ ۖ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ  
وَأَبْقَى ۝۳۲

دنیابر خوردار نمودیم تا آنها را در  
آن بیآزمائیم و رزق پروردگارتو  
نیکوتر و پایدارتر است (۱۳۲)

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ  
لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا ۗ نَحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ  
وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ۝۳۳

واهل خود را بنماز امر کن و بر آن  
استوار باش. ما از تو هیچ رزقی نمی  
خواهیم ما تو را رزق دهنده ایم و  
انجام نیکو برای تقوی است (۱۳۳)

وَقَالُوا الْوَالِدَا يُأْتِنَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ ۗ  
أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۝۳۴

وگویند چرا او برای ما از پروردگار  
خود یک آیت هم نمیآورد. آیا آنها را  
نشانه روشن نیامد که در صحف  
قبلی موجود است؟ (۱۳۴)

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ  
لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا  
فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَسْذِلَّ  
وَنُخْزَى ۝۳۵

واگر ما آنها را قبل از این بعدایی  
هلاک کرده بودیم حتماً میگفتند،  
پروردگارا! چرا رسولی بسوی ما  
 نفرستادی که از آیات تو پیروی  
میکردیم پیش از آنکه ذلیل و  
رسوا میشدیم (۱۳۵)

قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا ۗ  
فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ  
السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ۝۳۶

بگو، هر کدام منتظر است پس شما  
نیز منتظر باشید. پس حتماً بدانید  
آنکه اهل راه راست است و آنکه  
هدایت را دریافت (۱۳۶)

## ۲۱ - الانبياء

این سوره مکی است و زمان نزولش چهارمین یا پنجمین سال نبوت است و با بسم الله ۱۱۲ آیت دارد.

آن حساب که ذکرش در پایان سوره گذشته رفت که مردم جوابگو شوند و این امر بر تو آشکار گردد که تنها تو بر هدایت استوار هستی. اینک ابتدای این سوره حاکی است که ساعت آن حساب فرارسیده است اما بیشتر مردم از این در حالت غفلت اند.

باز در این سوره گفته میشود که پیش از تونیز ما رسولان را از مردان بر میگزیدیم و ایشان دارای چنین جسم نبودند که بی غذا زنده بمانند. اینجا بر الوهیت حضرت مسیح نیز خط بطلان کشیده میشود زیرا ایشان که در طول عمر غذا میخورده اند.

بلافاصله پس از ذکر فوق این امر بیان میشود که بیخردان معبودان خود را همان از زمین بر بافته اند و به دنبال دلیلی بزرگ مبنی بر این امر داده شد که دو خدا نمیتوانند وجود داشته باشند و گرنه هر یک خدا به همراه آفریدگان خود جدا شده و زمین و آسمان دو گانه و از فساد دور نشدنی فرا گرفته شود. حال آنکه نگاه به هر جای از کاینات برسد فقط یگانگی بچشم میخورد. لذا فرموده شد که ما قبلاً نیز هر قدر رسولان را میفرستادیم بسوی ایشان وحی میکردیم که بغیر از خدا هیچ معبودی نیست.

آیت ۲۷ عبارت از این ادعای دروغین آنها است که خدا پسری برگزیده است. اما چون پسری بر مقام معبود فرضی گرفته شود آنگاه تنها يك معبود

تعلق نمی گیرد بلکه مفروضاتی دیگر نیز شامل حال میگردد. بلافاصله پس از آن گفته شد که علاوه بر حضرت عیسیٰ علیه السلام بسیاری دیگر بندگان پاك خدا نیز شریکان خدا قرار داده شدند.

بلافاصله در مجاورت آیتی است که پرده ای را از اسرار کاینات بطوری برداشته است که بخاطر آدمی آنزمان اصلاً نمیتوانست خطور کنند. این آیت حاکی از این امر است که تمامی کاینات در شکل چنین تویی در بسته بود که هیچ چیزی نمیتوانست از آن بیرون رود. پس ما آنرا درهم ترکیبیم که بیدرنگ تمامی کاینات از هم پاشید. سپس بوسیله آب هر چیزی زنده را پدید آوردیم و بلافاصله پس از آب، با "رَوَاسِي" نظام نزول آب را ذکر میشود. بدنبال این گفته میشود که چطور آسمان از زمین و اهل زمین نگهداری میکند. باز ذکر از گردش پیوسته ای از زمین و آسمان و اجرام فلکی میرود و حاکی از اینست چنانکه زمین و آسمان را دوام آوردن نیست در عین حال انسان نیز بی دوام است و ای رسول! هر چند مردم قبل از تو بوده اند هیچکدام از ایشان دوامی نداشت.

ضمناً ذکر از تمامی پیغمبران پیش از رسول الله ﷺ میرود که چطور خداوند به ایشان فیض رحمانیت رساند و این اصل اجتناب ناپذیر را معرفی کرد که هرگاه اهل قریه ای یکبار بهلاك رسانده شوند دیگر هیچگاه بسوی آن باز نمیگردند. در زمان یاجوج و ماجوج چون پژوهندگان علم ظاهراً ادعای به زنده کردن مردگان کنند حتی آنگاه هم بازگشت مردگان امکان پذیر نه خواهد شد.

این سوره حاکی از این امر است که زمین و آسمان درهم پیچیده شود



و در عین حال گفته میشود که این وضعیت همیشه نمیآید بلکه از همین کاینات که معدوم شود يك کاینات جدیدی بوجود آورده خواهد شد. خدای متعال قدرتمند است به این امر که آنرا تکرار کند.

در آخرین رکوع این سوره آنحضرت ﷺ را مظهر کامل خدای متعال که رحمان برای جمیع عالم است قراردادده خطاب شد تو رانیز برای همه جهانها بعنوان رحمت فرستاده ایم.

در آخرین آیت این سوره رسول الله ﷺ بمرض خداوند خود می‌رسانند که تومیان من و میان مخالفانم بداد فیصل بده. زیرا که ایشان نماینده از خدای رحمان هستند پس به همه جهانیان متنبه می‌سازند که خدای رحمان بنده خود را که مظهر او در جمیع عالم است هرگز تنهانمیگذارد.

سوره متعاقب الحج است که ثبوت کامل به این امر است که رسول الله ﷺ بعنوان رحمة للعالمین مبعوث شده بودند و تنها بیت الله جای است که در آنجا مردم از اکناف عالم برای برگزاری مراسم حج گرد می‌آیند.

☆ سُوْرَةُ الْاَنْبِيَاءِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ اَلْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَثَلَاثُ عَشْرَةَ اَيُّهَا سَبْعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارما رحم کننده (۱)

اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ②

مردم را حساب ایشان فرارسیده است با این وجود آنها روی در غفلت برگردانندگانند (۲)

آنانرا هیچ ذکری جدیدی نیآید

مگر آنرا میشوند گویی که آنها

بازی میکنند (۳)

[در اینحالکه] دلهای آنان غلفت گر

است و سرگوشیهارا پنهان کردند

آنانکه ستمکردند. آیا این بشری

جز مثل شما است؟ پس آیا به

سوی جادو میروید با آنکه آنرا

میبینید؟ (۴)

او گفت. پروردگارم میدانند هر

سخن را که در آسمانها و زمین

است و او بسیار شنوای صاحب

علم دائمی است (۵)

بعکس گویند، این خواب های

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا

اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ③

لَا هِيَءَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَأَسْرُوا السَّجْوَى ۚ

الَّذِينَ ظَلَمُوا ۗ هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ

مِثْلِكُمْ ۚ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ

تُبْصِرُونَ ④

قُلْ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ

وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ⑤

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ

پراگنده بلکه او بهم بافته است.  
درحقیقت او شاعری است. پس  
باید مارانشانه ای بزرگ رابیآرد  
آنگونه که پیشینیان [رسولان]  
فرستاده شدند(۶)

میچ قریه ای که قبل از آنها ما  
آنرا هلاک ساختیم ایمان نیآورده  
بود. پس آیا اینها ایمان آرند؟(۷)  
وقبل ازتونفرستادیم مگر مردان  
را که بسوی ایشان وحی می  
فرستادیم. پس ازاهل ذکر بپرسید  
اگر شما نمیدانید(۸)

و ما ایشان را جسمی نساختم که  
غذا نخورند و نه آنان جاودان  
بودند(۹)++

سپس وعده ایشانرا راست کردیم  
پس ایشان و هرکس را خواستیم  
نجات دادیم و تجاوزگران را هلاک  
ساختیم(۱۰)

هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ  
الْأَوَّلُونَ ①

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا  
أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ⑦

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رَجَا لَأُوحِيَ  
إِلَيْهِمْ فَسَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ  
لَا تَعْلَمُونَ ⑧

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا آلَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ  
وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ⑨

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ  
نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ⑩

++آیت ۹: این آیت حاکی از این امر است که هیچ پیغمبری در دنیا وجود نداشت که بلا  
خوردن غذا زندگی میکرد. پس پیغمبری که غذا میخورد طول عمر غیر طبیعی داده نمیشود.

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ ۗ<sup>ط</sup>  
 أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۙ<sup>ع</sup>

البته ما بسوی شما کتابی را فرو فرستادیم که در آن ذکر شما [موجود] است. پس آیا عقل نمی کنید؟ (۱۱)

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً  
 وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۙ<sup>ح</sup>

و ای بسا قریه ما را هلاک کردیم که ستمکار بودند و پس از آنان قومی دیگر را پدید آوردیم (۱۲)

پس همینکه عذاب ما را احساس کردند ناگهان آنها از آن پا به فرار نهادند (۱۳)

فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا  
 يَرْكُضُونَ ۙ<sup>ط</sup>

فرار نکنید و برگردید بسوی جایی که در آن نعمت و آسایش داده شدید و بسوی منازلتان تا اینکه شما پرسش کرده شوید (۱۴)

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ  
 فِيهِ وَمَسْكَنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ ۙ<sup>ح</sup>

گفتند دروغا! یقیناً ما ستمکاران بودیم (۱۵)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۙ<sup>ح</sup>

پس پیوسته همین بودبانگ آنها تا آن انتها که آنها را ویران ساختیم [همچون] مزرعهٔ درو شده (۱۶)

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ  
 حَصِيدًا خِدِيبٍ ۙ<sup>ح</sup>

و ما خلقنا السماء والأرض وما بينهما  
 لغيرين ۙ<sup>ح</sup>

و آنچه ما آسمان و زمین و هر چه میان آندو است را بازی کنان بوجود

نیآورده ایم(۱۷)

اگر خواسته بودیم که مایه بازی فراگیریم حتماً آنرا از نزد خود میگرفتیم اگرما [اینکار] کنندگان بودیم(۱۸)

بلکه حق را بر باطل میزنیم که آنرا پایمال کند. پس بلافاصله آن نابود میشود و هلاک باد بر شما بدانچه اراجیفی میسازید(۱۹) و از آن او است آنچه در آسمانها و زمین است و کسانی که نزد او هستند از عبادت او تکبر نمیکنند و نه خسته میشوند(۲۰)

شب و روز تسبیح میگویند - کوتاهی نمیکنند(۲۱)

آیا معبودانی از زمین برگزیده اند که آنها هم میآفرینند؟(۲۲) اگر در ایندو [زمین و آسمان] جز خدا معبودانی بودند یقیناً ایندو نابود می شدند. پس پاکست خدا که پروردگار عرش است از آنچه

لَوَارِدُنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ آلًا تَحَدُّثُهُ مِنْ لَدُنَّا إِنَّ كُفَّافِعِلِينَ ﴿۱۸﴾

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ۖ وَلَكُمْ الْأُيُولُ مِنْهَا تَصِفُونَ ﴿۱۹﴾

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿۲۰﴾

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿۲۱﴾

أَمْ اتَّخَذُوا إِلَهًا مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ ﴿۲۲﴾

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۗ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۲۳﴾

بیان میکنند (۲۳)

او بر سیده نشود از آنچه انجام دهد  
حالی که آنها بر سیده شوند (۲۴)

آیا جز او معبودانی برگزیده اند؟  
بگو دلیل قطعی خود را بیارید. این  
ذکر آنانست که بامن هستند و ذکر  
آنانست که پیش از من بودند اما  
بیشتر ایشان بحق دانش ندارند  
و آنها روی گردانانند (۲۵)

و پیش از تو رسولی نفرستادیم  
مگر بسویش وحی میکردیم که  
براستی کسی معبود نیست مگر  
من پس مرا عبادت کنید (۲۶)

و گویند رحمن پسری فرا گرفته  
است. او پاک است. بلکه ایشان  
بندگان گرامی هستند (۲۷)

ایشان در گفتار از فرمان او پیشی  
نمی گیرند و بفرمان او عمل می  
کنند (۲۸)

او میداند آنچه پیشروی ایشان  
است و آنچه پشت سر ایشان

لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا  
بُرْهَانَكُمْ ۚ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ  
مَنْ قَبْلِي ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ  
الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا  
نُوحِيْنا إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا  
فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ  
بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ  
يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا  
يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ

خَشِيَّتِهِ مُسْفِقُونَ ﴿۲۹﴾

است و ایشان شفاعت نمیکنند  
جز برای آنکه او خوشنود باشد و  
ایشان از رعب او بیمناکند (۲۹)  
و آنکس از آنها که گوید بغیر از  
او من معبودم پس همانست که او  
را پاداش جهنم دهیم. ستم کاران  
را عوض اینگونه میدهم (۳۰)

﴿۲۹﴾

وَمَنْ يُقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ  
فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ ۚ كَذَلِكَ نَجْزِي  
الظَّالِمِينَ ﴿۳۰﴾

آیا ندیدند آنانکه کفر کردند که  
آسمانها و زمین مردو بسته بود.  
پس آندوی را شکافته جدا ساختیم  
و هر کدام زنده چیز را از آب  
پدید آوردیم. پس آیا ایمان  
نیآرند؟ (۳۱)

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا  
مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا ۚ أَفَلَا  
يُؤْمِنُونَ ﴿۳۱﴾

و در زمین کوهها نهادیم تا اسباب  
خوراکی ایشان فراهم سازند و در  
آن جاده های نهادیم تا آنها هدایت  
یابند (۳۲)

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ  
تَمِيدَ بِهِمْ ۖ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا  
لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿۳۲﴾

و آسمان را سقفی محفوظ ساختیم  
و آنها از آیتهای او روی گردانان  
اند (۳۳)

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا ۗ وَهُمْ  
عَنِ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿۳۳﴾

واوست که شب و روز و خورشید

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ

وَأَقْرَبَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٢١﴾

و ماه را آفرید. مه در مدار [خود] روانند (۲۴)

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ ﴿٢٥﴾

و برای هیچ بشری قبل از تو ابدیت قرار ندادیم. پس آیا اگر تو بمیری آنها جاودان باش کنند؟ (۳۵) ++  
مرفس چشنده طعم مرگ است و شمارا با شروخیرسخت آزمایش کنیم و به سوی ما برگردانده شوید (۳۶)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلَّوْكُمْ بِالْأَشْرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٢٦﴾

و وقتی آنانیکه کفر کردند ترا بینند ترا بیادسخریه میگیرند [و گویند] آیا اینست آنکه از معبودان شما حرف میزند؟ و همانند که به ذکر رحمن منکرانند (۳۷)

وَإِذْ أَرَأَيْتَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ يَذْكُرُ الرَّحْمَنَ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٢٧﴾

آدمی از خمیره عجلت آفریده شد. حتماً نشانه های خود را بشما نشان دهم پس از من کار با عجله نه خواهید (۳۸)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَجٍ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٢٨﴾

++ ایت ۳۵: اینجا رسول الله ﷺ خطاب شدند که ما بیش از تو به هیچکس هم خلاف معمول عمر طولانی ندادیم پس چطور ممکن است که تو بمیری و عمر دیگران خلاف معمول طول بکشد. اینجا وفات حضرت عیسی بطور حتمی به اثبات میرسد.



گویند، انجام این وعده تابجندی  
 کشادگرشما راستگویانید (۳۸)  
 کاش آنانکه کفر کردند میدانستند  
 [بیچاره شوند] چون آتش را نه  
 توانند بازدارند از چهرهای خود  
 و نه از پشتهای خود و نه آنان یاری  
 داده شوند (۴۰)

بلکه آن [ساعت] ایشانرا ناگهان  
 آید و ایشان را متحیر سازد و  
 طاقت نیآورند تا آنرا بر گردانند  
 و نه آنان مهلت داده شوند (۴۱)  
 و یقیناً پیش از تو هم به رسولان  
 تمسخر شد. پس آنانرا که از ایشان  
 سخریه کردند فرا گرفت همان امر  
 که بدان تمسخر میکردند (۴۲)

بگو، کیست که شب و روز شما را  
 از رحمن نگهدارد بلکه آنها از ذکر  
 پروردگار خود روگردانانند (۴۳)  
 آیا آنها را معبودانی اند که بتوانند  
 در مقابل ما از آنها مدافعت کنند؟  
 آنها نتوانند یاری کنند خودشان را

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ  
 صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾  
 لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ  
 عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ  
 ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤٠﴾

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَعَثَةٌ فَبَهُتُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ  
 رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٤١﴾

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ  
 فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا  
 بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤٢﴾

قُلْ مَن يَكْلُؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ  
 الرَّحْمَنِ ۗ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ  
 مُّعْرِضُونَ ﴿٤٣﴾

أَمْ لَهُم آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّن دُونِنَا ۗ لَا  
 يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا

يُصْجَبُونَ ﴿٤٤﴾

و نه آنها از ما مرامی کرده  
شوند (۴۴)

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ  
عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي  
الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ  
الْغَلِبُونَ ﴿٤٥﴾

بلکه ما آنها و پدران آنها را بسیار  
بهرمند ساختیم تا آن انتها که عمر  
بر آنها دراز شد. پس آیا نمی بیند که  
ما زمین را از اطراف آن می کمیم؟  
پس آیا آنها غالب آیند گانند؟ (۴۵)  
بگو. من شمارا بوحی اخطار میدهم  
و کران صدان میشوند. چون اخطار  
داده شوند (۴۶)

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ  
الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٦﴾

و اگر وزشی از عذاب آنها را لمس  
کند حتماً گویند. و احسرتا ایقیناً ما  
ستمکاران بودیم (۴۷)

وَلَيْسَ مَسْئَتُهُمْ نَفْحَةً مِنْ عَذَابِ  
رَبِّكَ لِيَقُولُنَّ يَوْمَئِذٍ إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٤٧﴾

و برای روز قیامت ما ترازوهای داد  
خواهیم گذاشت. پس کسی به ذره  
ستم کرده نشود و باندازه خردلی  
هم باشد آنرا بی آوریم و ما برای  
حساب گرفتن بس مستیم (۴۸)

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ  
فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ  
حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا  
حُسْبِينَ ﴿٤٨﴾

و یقیناً به موسی و هارون فرقان  
و روشنائی و برای متقیان ذکر  
در دادیم (۴۹)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ  
وَضِيَاءً وَذِكْرَ اللَّمْتِينَ ﴿٤٩﴾

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ  
السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿۵۰﴾

[یعنی] آنانکه ترسند از پروردگار  
خود در تنهایی و ایشان از ساعت  
بیمناک اند (۵۰)

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبْرَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ  
مُنْكَرُونَ ﴿۵۱﴾

و این ذکری پُربرکت است که  
ما آنرا فر فرستاده ایم پس آیا  
شما برای آن منکرانید؟ (۵۱)

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ  
وَكُنَّا بِهِ عَلِيمِينَ ﴿۵۲﴾

و یقیناً ابراهیم را رشد او از قبل  
داده بودیم و ما درباره او خوب  
آگاه بودیم (۵۲)

إِذْ قَالَ لِأَيِّهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَائِيلُ  
الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿۵۳﴾

چون او به پدر خود و قومش  
گفت، این بتان چیستند که شما  
ملازم برای آنها شده اید؟ (۵۳)

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَادِينَ ﴿۵۴﴾

گفتند، ما پدران خود را یافتیم  
برای آنها عبادتگذاران بودند (۵۴)

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ  
مُّبِينٍ ﴿۵۵﴾

او گفت، یقیناً شما و پدران شما در  
گمراهی آشکار بودید (۵۵)

قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنْ  
اللَّغِينِ ﴿۵۶﴾

گفتند، آیا ما را حق آورده ای یا  
تو از بازی کنندگانی؟ (۵۶)

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذِكْرِكُمْ مِّن

الْمُهْدِينَ ﴿۵۷﴾

برآن از گواهان مستم (۵۷) و سوگند به خدا حتماً به بتان شما تدبیرکننده ام چون پشت کرده رو گردانان شوید (۵۸)

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿۵۸﴾

پس او آنها را خرد کرد جز بزرگتر آنها را تا آنها بسویش رجوع کنند (۵۹)

وَجَعَلَهُمْ جُذُؤًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿۵۹﴾

گفتند، کی اینکار با معبودان ما کرده است. یقیناً او از ستماکارانست (۶۰) گفتند: جوانی را شنیدیم که ذکر از آنها میکرد، او را ابراهیم می گویند (۶۱)

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۶۰﴾

گفتند، پس او را جلوی چشمان مردم بیاورید تا آنها ببینند (۶۲) گفتند، آیا تو اینکار به معبودان ما کردی ای ابراهیم؟ (۶۲) ++

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ﴿۶۱﴾

قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى آعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿۶۲﴾

قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿۶۲﴾

++ آیت ۶۲: درباره این آیت گفته میشود که پس از کلمه "بَلْ فَعَلَهُ" توقف شود تا این نتیجه برآید که "کسی کرده است" بعکس نزد ما اینرا قطعاً ضرورت نیست زیرا که حضرت ابراهیم خودش به همه گفته بودند که من با معبودان کاری کننده ام. لذا این دروغ نیست. سخنی غیرممکن را بطور ممکن معرفی کردن يك طرز استدلال است که به حضرت ابراهیم علی الخصوص اعطاء بود. میچکدام از مخالفان ایشان این امر را باور نکرد که همه را زیان بت بزرگتر زده است و این (ص# ۷۵۸)

[ابراهيم]گفت، بلکه این بزرگشان  
اینکار کرده است. پس برسید از  
آنها اگر میتوانند حرف زنند (۶۴)  
پس بسوی مردم خود برگشتند.  
آنگاه گفتند یقیناً شما خودتان ستم  
کارانید (۶۵)

سپس سر به گریبان کرده شدند  
[وگفتند] البته میدانی که آنها حرف  
نمیزنند (۶۶)

[ابراهيم]گفت پس آیاعبادت می  
کنید گذشته از خدا آنچه را نه به  
شامیچ سودی میرساند و نه شما  
را ضرر میزند (۶۷)

اف بر شما و بر آنچه را جز خدا  
عبادت میکنید. آیا عقل نمی  
کنید؟ (۶۸)

گفتند، بسوزانید او را و معبودانتان  
را یاری کنید اگر شما کنندگان  
اید (۶۹)

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا  
فَسَأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا سَاطِقُونَ ﴿٦٤﴾

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ  
الظَّالِمُونَ ﴿٦٥﴾

ثُمَّ نَكَّسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ  
مَا هُمْ بِأَوْلِيَاءِ سَاطِقُونَ ﴿٦٦﴾

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا  
يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٧﴾

أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ  
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ  
كُنْتُمْ فاعِلِينَ ﴿٦٩﴾

بقیه آیت ۶۲: امر را غیر ممکن پنداشتن بر این اعتقاد آنان خط بطلان میکشد که  
معبودان آنها توانا به یاریگری هستند.

قَلْنَا يَا رَكُونِ بَرِّدًا وَسَلْمًا عَلَيَّ  
إِبْرَاهِيمَ ﴿۷۰﴾

گفتیم: ای آتش سرد و سلامت باش  
بر ابراهیم (۷۰) ++

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿۷۱﴾

و قصد داشتند بر او نیرنگ زنند.  
پس ما آنها را زیان کارتران  
ساختیم (۷۱)

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي  
بَرَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿۷۲﴾

و او و لوط را بسوی زمینی  
نجات دادیم که در آن برکت برای  
مه جهانها نهاده بودیم (۷۲)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً  
وَكَأَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿۷۳﴾

و او را اسحاق اعطا کردیم و بطور  
نوه یعقوب و مه را پاک کرداران  
بوجود آورده بودیم (۷۳)

وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا  
وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ  
الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا  
عِبْدِينَ ﴿۷۴﴾

وایشان را امامان برگزیدیم که به  
امر ما هدایت میکردند و بسوی  
ایشان برای گفتن سخنان نیکو و  
بپاداشتن نماز و ادای زکات وحی  
میفرستادیم و آنان عبادتگذاران

++ آیت ۷۰: اینجا منظور از آتش میتوان هم آتش مخالفت و هم آتش حقیقی باشد.  
چنانچه در این زمان به حضرت مسیح موعود الهام شد که "مرا از آتش مترسانید  
چه آتش غلام ما بلکه غلام غلامان است" (اربعین شماره ۳- روحانی خزاین جلد  
۱۷- صفحه ۴۲۶- مطبوع لندن).

سرد شدن آتش بدین معنایست که تبش آن موفق به هلاک کردن نشود بلکه آن آتش  
خود فرورود.

ما بودند (۷۴)

ولوط را حکمت و دانش دادیم و او را از شهری نجات دادیم که کثافتکاریها میکرد. یقیناً آنها به بدی بزرگ فرو رفته زشتکاران

بودند (۷۵)

و اورا بداخل رحمت خود کردیم یقیناً او از نیکوکاران بود (۷۶)

[بیاد آرید] نوح را چون قبلأ ندا کرده بود. پس برای او اجابت نمودیم پس او و خانواده او را از آسفتگی بزرگ نجات دادیم (۷۷)

و او را یاری کردیم مقابل قومی که آیتهای ما را تکذیب میکردند. یقیناً آنها قومی زشتکار بودند پس

جمله آنها را غرق کردیم (۷۸)

و [بیاد آرید] داؤد و سلیمان را چون آندوی جهت مزرعه ای داوری میکردند چون شبگاه در آن رمه گوسفندان مردم چرا کرده بودند و یقیناً ماداوری ایشانرا نگه

وَلَوْطًا اتَيْنَهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ  
مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ  
إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوَاءً فُسِقِينَ ﴿٧٤﴾

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ  
الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ  
فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ  
الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا  
إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوَاءً فَأَغْرَقْنَاهُمْ  
أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ  
إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا  
لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾

بانی میگردیم(۷۹)++

پس سلیمان را آن امر فهمانیدیم  
و هر کدام را حکمت و دانش در  
دادیم و مسخر کردیم باداؤد کوهها  
را تسبیح کنان و مرغان را و ما انجام  
دهندگان [اینهمه] بودیم(۸۰)++

و او را برای شما صنعت زره سازی  
آموختیم تا شمار از [گزند] جنگ  
هایتان حفظ کند. پس آيا شما سپاس  
گذاران ميشويد؟ (۸۱)

و [مسخر کردیم] برای سلیمان  
بادی تند که بدستور او بسوی آن  
زمینی میوزید که در آن برکت  
نهاده بودیم و ما بهر چیز دانایان  
ایم(۸۲)++

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ۱۷ وَكَلَّمْنَا دَاوُدَ الْجَبَالَ  
وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ  
لِتَحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ ۱۸ فَهَلْ أَنْتُمْ  
شَاكِرُونَ ۱۹

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي  
بِأَمْرِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا  
وَكَلَّمْنَا كُلَّ شَيْءٍ عُلْمِينَ ۲۰

++آیت ۷۹-۸۰: اینجا مسخر کردن گوه ها بمعنای مطیع کردن مردمان گوهستانی  
را برای حضرت سلیمان است. همچنین در ارتش حضرت سلیمان سخن از لشکر پرندگان  
میروند. اینهمه کلام رمزی و عبارت از دو معنایست - یکی کسانی که به پرواز روحانی  
توانائی اعطا شوند و دومین آن سواران تندرو که مانند پرندگان بسرعت از یکجا  
بجای دیگر می رسیدند. تندروترین دسته لشکریان حضرت سلیمان نیز لشکر پرندگان  
قرار داده میشود.

++آیت ۸۲: اینجا مسخر کردن بادها برای حضرت سلیمان بدین معنای است [ص: ۷۶۲]



وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَّعْوِضُونَ لَهُ  
وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ  
حَافِظِينَ ﴿۸۳﴾

و از سرکشان بودند آنانکه بخاطر  
او غوطه و رمی شدند و علاوه بر آنهم  
کار میکردند و ما نگهبانان ایشان  
بودیم (۸۳) ++

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أُنِّي مَسْنِيَ الضَّرَّ  
وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ﴿۸۴﴾

و ایوب، چون او پروردگار خود  
را خواند که مراسم رنج رسیده  
است و تو رحم کننده ترین رحم  
کنندگان هستی (۸۴)

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّ  
وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً  
مِّنْ عِنْدِنَا وَذَكَرَى لِلْعَبِيدِينَ ﴿۸۵﴾

پس ما دعایش را برای او مستجاب  
نمودیم و برای او هر چه از رنجی  
بود دور کردیم و او را خانواده او  
و با آنان مانند آنان [زاید] در دادیم  
که از جانب ما رحمت و عبادت  
گذاران را پند بود (۸۵)

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلًّا  
مِّنَ الصَّابِرِينَ ﴿۸۶﴾

و اسمعیل و ادريس و ذی الکفل  
همه از صبوران بودند (۸۶)

++ بقیه آیت ۸۲: که در منطقه ساحلی فلسطین رخ بادها ماه بماه تغییر ست میافت و  
کشتیهای دریائی متعلق به حضرت سلیمان با نیرو آن بادها بحرکت میآمد و باز  
بعد از یکماه بادها از سمت دیگر شروع بوزیدن میکرد.

++ آیت ۸۲: اینجا منظور از جنها آفریده از آتش نیستند وگرنه از غوطه زدن  
آنها در دریاها آتش فرومیرد. بلکه اینجا بمعنای آن قومهای گردن کشان است که  
حضرت سلیمان آنان را تسخیر کرده بودند و غوطه وران نیز شامل آنها بودند.

وَأَدْخَلْنَهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ  
الصَّالِحِينَ ﴿۷۷﴾

وآنان را بداخل رحمت خود کردیم  
یقیناً آنان از صالحان بودند (۸۷)

وَذَا التُّورِ إِذْ ذُهِبَ مُعَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ  
نَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا  
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ  
الظَّالِمِينَ ﴿۷۸﴾

و صاحب مامی [را بخاطر بی‌آر] چون  
او خشمگین رفت و پنداشت که بر  
او سخت نمیگیریم. پس در ظلمات  
[فرا گرفته] صدا کرد که هیچ معبود  
نیست مگر توئی - تو یاک هستی.

یقیناً من از ستمکارانم (۸۸) ++

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ<sup>۱</sup> وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ<sup>۲</sup>  
وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۹﴾

پس مداعای او را مستجاب کردیم  
و او را از اندوه نجات دادیم و  
مؤمنان را نجات اینطور دهیم (۸۹)

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي  
فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿۹۰﴾

وزکریا [بیاد آر] چون او پروردگار  
خود را خواند. پروردگارا! امراتنها  
مگذار. تو بهترین وارثانی (۹۰)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ<sup>۱</sup> وَوَهَبْنَا لَهُ<sup>۲</sup> يَحْيَى  
وَأَصْلَحَ آلَهُ زَوْجَهُ<sup>۳</sup> إِنَّهُمْ كَانُوا

پس دعایش را مستجاب نمودیم و  
او را یحیی اعطا کردیم و بخاطرش

++ آیت ۸۸: چون حضرت یونس دیدند که پیشگوئیهای اخطاری ایشان پایان  
نپذیرفته است و در عین حال متوجه نشدند که خداوند بر اثر گریه و زاری پیش  
گوئیهای اخطاری را برمیگرداند لذا ایشان تهر کرده بسوی دریا در رفتند که آنجا  
مامی بزرگ نخست ایشان را بلعید و باز بیرون انداخت. لب بدعای که ایشان  
در آن زمان ظلمتها گشودند این بود که ای خدا هیچ معبودی نیست جز تو- تو یاک  
هستی یقیناً من از ستمکاران بودم.

يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا  
وَرَهَبًا ۖ وَكَانُوا لَنَا خَشِيعِينَ ﴿۱۱﴾

زنش را سلامت بخشیدیم. یقیناً  
ایشان در نیکیها سبقت میجستند  
و ما را بامحبت و بیم میخواندند  
و برای ما فروتنان بودند (۹۱)

وَأَلَّتِي أَحْصَنْتُ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا  
مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابَتَهَا آيَةً  
لِّلْعَالَمِينَ ﴿۱۲﴾

و آنزن را که فرج خود را نگه  
داری کرد، پس از امر خود در آن  
دمیدیم و او و پسرش را برای  
عالمیان نشانه قرار دادیم (۹۲)

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً ۖ وَأَنَا  
رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿۱۳﴾

یقیناً این امت شما است که امت  
واحد است و منم پروردگار شما  
پس مرا عبادت کنید (۹۳)

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۖ كُلٌّ إِلَيْنَا  
رَاجِعُونَ ﴿۱۴﴾

و [بعداً] مسلک خود را میان خود  
پاره پاره کردند. همگی بسوی ما  
مراجعت کنندگانند (۹۴)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ  
فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ ۖ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿۱۵﴾

پس هر که از نیکیها بجا آورد و  
او مومن است پس از کوشش او  
ندیده نگرفته خواهد شد. یقیناً  
ما برای او نویسندگانیم (۹۵)

وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا  
يَرْجِعُونَ ﴿۱۶﴾

و قطعی ممنوع است بر قریه ای  
که ملاکش کنیم که آنان باز نمی  
گردند (۹۶) ++ [ص: ۷۶۵]

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ  
وَهُم مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿۱۷﴾

حتی گامیکه یاجوج و ماجوج  
گشوده شوند و آنها از هر کدام  
بلندی شتابان بیایند۔ (۹۷) ++

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذْ أَهَىٰ شَاحِصَةً  
أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوِ يَلْنَا قَدْ كُنَّا فِي  
غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۱۸﴾

ووعده حتمی الوقوع نزدیک شود  
و ناگهان چشمان آنانکه کفر کردند  
حیرت زده بازمانند [و گویند] وای  
بر ما که یقیناً ما از این در غفلت  
بودیم بلکه ستمکاران بودیم (۹۸)

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ  
حَصْبُ جَهَنَّمَ ۚ أَنْتُمْ لَهَا وَرِدُونَ ﴿۱۹﴾

یقیناً شما و آنچه را جز خدا عبادت  
کنید سوخت جهنم و شما در آن  
واردانید (۹۹)

لَوْ كَانَ هُوَ آلَٰهَةً مَا وَرَدُوهَا ۗ وَكُلٌّ  
فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۰﴾

چنانچه خدایانی بودند هرگز در  
آن وارد نمیشدند و همه در آن  
مدت دراز خواهند ماند (۱۰۰)

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿۲۱﴾

برای آنها در آن ناله کردن است و  
آنها در آن هیچ نشنوند (۱۰۱)

++ آیات ۹۶-۹۷: در اینجا منظور از واژه "قریة" اهل قریة اند. تومیکه بهلاک  
رسانده شود دنیا باز نمیگردد. "حتی" بمعنای این نیست که در زمان یاجوج و  
ماجوج قومهای درگذشته برمیگردند بلکه بدین معنای است که درگذشتگان در  
زمان یاجوج و ماجوج نیز مجاز به برگشتن دنیا نه خواهند شد. پس ظاهراً اینها  
چنین کرشمه ما بنمایش میگذارند گویی که مردگان را زنده میسازند اما هیچگاه  
نیتوانند مردگان حقیقی را زنده بنمایند.

یقیناً آنانکه برای آنان از ما فرمان خوبی پیشی گرفته است همانند که از آن دور داشته شوند (۱۰۲) حسّ آنرا هم نشنوند و آنچه دلهای ایشان دوست میداشت در آن ایشان جاویدان باشند (۱۰۳)

آشفته‌گی بزرگتر هم آنانرا غمگین نسازد و فرشتگان با آنان ملاقات کرده [گویند] این آنروز شما است که شما وعده داده میشدید (۱۰۴)

روزی که آسمانرا در هم پیچانیم بطوریکه طومار نوشته هارا در هم پیچاند. آنطور که اولین آفرینش را آغاز کرده بودیم آنرا تکرار مینمائیم. این وعده بر ما بفرض است. یقیناً ما کنندگانیم (۱۰۵)

و البته در زبور نوشته بودیم پس از ذکر که حتماً سرزمین موعود را بندگان نیکوکار من به ارث برند (۱۰۶) ++

یقیناً در این پیغامی مهم است

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿۱۰۲﴾

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا ۖ وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَلِدُونَ ﴿۱۰۳﴾

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَقُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ ۗ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۱۰۴﴾

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۗ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ ۖ وَعَدَّ عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿۱۰۵﴾

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿۱۰۶﴾

إِنَّ فِي هَذَا بَلَاغًا لِّقَوْمٍ عِبِيدِينَ ﴿۱۰۷﴾

مردم را که عبادتگذارانند (۱۰۷)  
 و تورا نفرستاده ایم مگر رحمتی  
 برای همه جهانها (۱۰۸)

بگو، یقیناً بسویم وحی میشود که  
 معبودتان معبودیکتایست پس آیا  
 شما فرمانبرداران میشوید (۱۰۹)  
 باز اگر پشت کنند پس بگو شمارا  
 یکسان مطلع ساخته ام و نمی  
 دانم آیا دوراست یا نزدیک آنچه  
 وعده داده میشوید (۱۱۰)

یقیناً او میشنود صدای بلند را و می  
 داند آنچه را کتمان کنید (۱۱۱)  
 و نمیدانیم که شاید آن برای شما  
 آزمایشی است و تا زمانی بهره  
 کشی نافرجام است (۱۱۲)

او [رسول] گفت، پروردگارا احکم  
 کن بحق و پروردگارا ما آن رحمن  
 است که یاری از او خواسته شود  
 بر آن سخنان که میگویند (۱۱۳)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۷﴾

قُلِ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ  
 وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۸﴾

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّ اللَّهُ لِيُذِيقَكُمْ عَلَى سَوَاءٍ  
 وَإِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَا  
 تُوعَدُونَ ﴿۱۰۹﴾

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا  
 تَكْتُمُونَ ﴿۱۱۰﴾

وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى  
 حِينٍ ﴿۱۱۱﴾

قُلِ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا  
 الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا  
 تَصِفُونَ ﴿۱۱۲﴾

ع  
 ۱۱۳

++ آیت ۱۰۶: اشاره بسوی پیشگویی حضرت داود علیه السلام مذکور در زبور باب

۳۷ میباشد.

## ۲۲ - سورة الحج

این سوره مدنی است و با بسم الله ۷۹ آیت دارد.

نخستین آیت این سوره عبارت از هشدارى مبنی بر زلزله قیامت است که به همه نوع انسان داده شود بخاطر نشان کردن اینکه اکنون رسولی بظهور آمده که همه نوع انسان را دعوت کرده که بحفاظت خدای رحمان درآیند و یک بار دیگر اخطاریه ای صادر میشود که در صورت عدم قبولیت این دعوت از چنین جنگهای هولناک هشدار داده میشود که گویی بر روی زمین قیامت تاخت خواهد آورد. آنچنان هولناک که زنانی شیرده کودکان خود را فراموش کنند و زنانی باردار بارخویش را بیفکنند. وضع مردم چنان باشد که گویی سکاری اند. در حالی که ایشان نه سکاری بلکه ناشی از عذاب خدا حواس خود را خواهند باخت.

وضع قیامت بخیال میندازد که وقتی همه نوع بشر هلاک شدند پس چگونه دوباره زنده کرده شوند؟ پاسخ اینست، خدای که نخست بار شمار از گل آفرید و باز در رحم مادر از مراحل مختلف گذراند قدرتمند به دوباره زنده گردنست. ضمناً فرمود یکی از مردم است که عبادت خدا را بطوری میگذارد که گویی بر لبه حفره ای ایستاده است. تا آنگاه که خیری بدو میرسد خوشنود است و وقتی که به آزمایش افکنده شود در حفره واژگون بیفتد. این آنکس است که در دنیا و آخرت هر دوی خسارت زده است.

سپس مجلاً ذکر از پیروکاران کلیه ادیان میرود که خداوند میانشان روز قیامت قضاوت خواهد کرد.

پس از آن این امر تاکیدی از خدای متعال است که زوار خانه کعبه را

از جلو نگیرید. بلافاصله دنبال این، ذکر از بیت الله و از آن امر می‌رود که حاکی از تاکید خداوند جهت حضرت ابراهیم علیه الصلوة والسلام است که خانه ام رادماد برای حج کنندگان و اعتکاف کنندگان تمیز و پاک بدار. این فرمان نه تنها برای حضرت ابراهیم علیه السلام بلکه به پیروان خود ایشان و به رسول الله ﷺ و پیروکاران ایشان تا قیامت تعلق دارد.

عطف به موضوع فوق به آنحضرت ﷺ فرمان میشود که مردم را برای حج خانه کعبه دعوت عمومی بکن. دنبال این، ذکر از قربانیا و غیره میشود که آنها شامل شما بر الله است. اگر به آنها بی احترامی کنید معادل با بی احترامی خانه کعبه شمرده شود. اما قربانیا که در راه خدا کنید قبول میشود فقط آنگاه که تقوی به همراه باشد. زیرا که نه گوشت قربانی به خدا میرسد و نه خونس بلکه تنها تقوی از قربانی دهنده ای میرسد.

سپس موضوع از جهاد شمشیر بروشنی بیان کرده گفته میشود که تنها آنان جهاد شمشیر رخصت داده شوند که برخلاف آنان از جانب دشمن باشمشیر تجاوزگری شود و آنان و ادار به مهاجرت نشینی شوند بمحض این عملت که آنان مدعی بودند که خدا پروردگار ما است. سپس شرح به این موضوع عمده ای داده میشود که اگر رخصت دفاع داده نمیشد، نه تنها مساجد مسلمانان منهدم ساخته میشد بلکه معبد های یهود و مسیحیان و صومعه ها نیز به ویرانی کشیده میشد.

ضمناً سخن است از هلاکت قومهای منکران از پیغیبران قبلی و به دنبال این ذکر اشاره بدین امر شود که اگر انسان در زمین گردش کرده مدفن های آن ملت های نابود را تلاش کنی قیناً از بد فرجام آنان مطلع شود. امروز زبردستان باستان شناسی اینکار را دنبال کرده مدفنهای بسا قومها قدیمی را کشف کرده اند.



آیه ۵۲ این سوره حاکی ازین فرمان است که اگر در آرزوهای پیغمبری خواهشی ازدلش شامل هم گردد خدا آن خواهش را ازبین میبرد. اینجا شیطان بمعنای آن نامی شیطان ملعون نیست بلکه اشاره به آن یکی شیطان است که دررگهای انسان مانندخون میدود. آنحضرت ﷺ درمورد این شیطان فرمودند، "ولكن الله اعانى عليه فاعلم (مسند احمد بن حنبل، مسند بنی هاشم) که خداوند بر خلاف او مرا کمک کرده و او مسلمان شده است". لذا این آیت کریمه هرگز دال براین معناییست که هیچ شیطان واقعا در دلهای پیغمبران فتنه ای بر میانگیزد. زیرا که در جای دیگر [الشعراء: ۲۲۲-۲۲۳] صریحاً بیان شود که نیست شیطان که حتی نزدیک پیغمبران خدا بتواند برود. شیطان فقط بر دروغگویان و زشت کرداران نازل میآید و این بیان هیچگاه به رسولان اطلاق نمیکند.

آخرین رکوع این سوره حاکی از این امر است که آنهایی را که این مردم شریکان خدا میگزینند توانا نیستند حتی اگر مگسی چیزی را از جلوی آنها برباید آنها از آن مگس باز بگیرند. امر واقعی اینست که بمحض داخل شدن چیزی به دهن يك مگس بر اثر لعاب دهنش و بعلاوه ناشی از دگرگونی های مواد شیمی آن چیز نمیتواند در وضع اصلی خود باقی بماند.

آخرین آیت این سوره حاکی از توصیه نسبت به جهاد در راه خدا میباشد و شرح اش قبلأ داده شده است و اینهم فرموده شد که حضرت ابراهیم علیه السلام و رسول الله ﷺ و پیروان ایشان را همان خدا مسلمان قرار داده است و او داناتر به این امر است که کدام یکی در پیشگاه او کاملاً تن در میدهد. در پایان این سوره این اعلام تکرار میشود که این رسول یعنی رسول الله ﷺ برای همه جهانیان فرستاده شده اند.

☆ سُورَةُ الْحَجِّ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَسَبْعُونَ آيَةً وَعَشْرَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحمکننده (۱)

ای مردم! پروردگار خود را تقوی  
فراگیرید. یقیناً زلزله ساعت

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ ۚ إِنَّ زَلْزَلَةَ

السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ①

چیزی بسیار بزرگ است (۲)

روزی که آنرا بینی هر زنی شیرده  
فراموش کند آنرا که شیرمیداد و  
هر بار دار بار خود را بیفکنند مردم  
را مدموش مبینی در حالیکه آنها  
مدموش نیستند بلکه عذاب خدا

يَوْمَ تَرَوْنها تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا

أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا

وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَهُمُ

بِسُكَرَىٰ وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ①

بسیار سخت است (۳)

و از مردم است آنکه در مورد خدا  
بیدانش جدل کند و هر شیطانی

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ

عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ①

سرکش را پیروی کند (۴)

بر او مقدر شد که هر که با او دوستی  
کند پس یقیناً او، او را نیز  
گمراه سازد و او را بسوی عذاب

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ

وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ①

شعله ور ببرد (۵)

ای مردم! اگر شما از رستخیز در

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّن

الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ  
 مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ  
 مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنَبِّينَ لَكُمْ<sup>ط</sup>  
 وَتُقَرَّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ  
 مُّسَيَّئٍ ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ  
 لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ  
 وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا  
 يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا<sup>ط</sup> وَتَرَىٰ الْأَرْضَ  
 هَامِدَةً فَاذًا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ  
 وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ۝

شک آید پس یقیناً ما شمارا از  
 خاک آفریده بودیم سپس از نطفه  
 سپس از خون بسته سپس از تکه  
 گوشت از فرایند خاص آفرینش  
 و فرایند عمومی آفرینش [بوجود  
 آوردیم] تا [را از آفرینش را] برای  
 شما آشکار کنیم و آنچه را بخواهیم  
 تا نهایت زمانی معین در رحمها قرار  
 دهیم. سپس شمارا کودکی در آریم  
 تا از آن پس بسن بلوغت خود  
 برسید. آنگاه از شما آنکس است  
 که وفات داده شود و از شما آنکس  
 است که به سالی فرومایه ترین  
 رسانده شود تا پس از [فرا گرفتن]  
 دانش هیچ نداند و زمین را خشک  
 زار مییابی. پس هرگاه باران بر آن  
 بیاریم بحرکت آید و نمو کند و از  
 [نباتات] هر جفتی سبز و شاداب  
 را میرویانند (۶) ++

++ [آیت ۶: در این سوره نخستین سخن لایق تذکرا نیست که جمله مراحل ارتقاء نسبت  
 به تخلیق انسان در این بیان میشود - حتی دگرگونیهای که در شکم مادر] [ص# ۷۷۲]

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخِي الْمَوْتَى  
وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۷﴾

این است چه یقیناً همان خدا حق  
است و اینکه یقیناً او مردگان را  
زنده میکند و اینکه یقیناً او بر هر  
چیز مدام قدرتمند است (۷)

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ  
يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ﴿۸﴾

و اینکه قیامت حتماً آید. در آن هیچ  
شکی نیست و اینکه یقیناً خدا بر  
خیزاند آنان را که در قبور اند (۸)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ  
عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ﴿۹﴾

و از مردم است آنکه در مورد  
خدا بدون علم و بدون هدایت و  
بدون کتابی روشن کننده مجادله  
کند (۹)

ثَانِي عِظْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي  
الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ

پهلوی خود را [متکبران] میپسچاند  
تا از راه خدا گمراه سازد. او را هم

بقیه آیت ۶: در جنین پدید میاید آنها نیز به ترقیب عیناً همانطور نقل است که  
زبردستان دانش در زمان کنونی دریافته اند. این آیت ثبوت حتمی به این امر است  
که آنحضرت ﷺ را شخصاً به این امور قبلاً هیچ دانشی نبود و هیچ وسیله ای نبود  
جز خدای عالم الغیب که بتواند ایشان را به این امور آگاه سازد.

ضمناً این آیت حاکی از اینست که زمین را نیز بر خاک خشکیده آن آب پاشیده  
احیا نموده بودیم. این دریافتی شگفت انگیز است که یگفته پژوهندگان دانش  
چون بر زمینی خشکزار بارانی میبارد واقماً در آن علامات حیاتی پدید میآید.  
اینجا اصل اشاره بدین امر است که آبی که از آسان بسوی آنحضرت ﷺ بارید  
آن يك زمین مرده ای یعنی قومی از جهت روحانی مرده را زنده نمود.

در این دنیا رسوائی است و هم  
روز قیامت او را عذاب آتش  
بجشانیم (۱۰)

اینست بدانعلت که دو دست تو  
پیش فرستاد و یقیناً خدا برای  
بندگان خود ستمکار نیست (۱۱)  
و از مردم است آنکس که خدا را  
عبادت بر لبه [سرسری] کند. پس  
اگر او را خیر برسد به آن اطمینان  
مییابد و اگر او را آزمایش برسد  
روی خود بر گرداند. او دنیا و آخرت  
را زیان کرد. این زیان آشکار  
است (۱۲)

او میخواند آنچه را جز خدا که نه  
ضررش میرساند و نه سودش می  
دهد و این گمراهی دور است (۱۳)  
او آنرا خواند که ضررش نزدیکتر  
از سودش است. چه بد سرپرست  
است و چه بد رفیق است (۱۴)

براستی خدا آنانکه ایمان آوردند  
و نیکوکاری کردند را داخل بهشت

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ  
بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ⑪

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ ۚ  
فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ ۚ وَإِنْ  
أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ ۙ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ ۗ  
خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ۗ ذَٰلِكَ هُوَ  
الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ⑫

يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا  
يَنْفَعُهُ ۗ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ⑬

يَدْعُوا مَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ ۗ  
لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَيْسَ الْعَشِيرُ ⑭

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَرُ ۖ إِنَّ اللَّهَ يُفَعِّلُ مَا يُرِيدُ ﴿۱۵﴾

مای کند که در دامنه آنها نهرهای روانست. یقیناً خدا میکند آنچه را دوست دارد (۱۵)

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ  
لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا  
يَغِيظُ ﴿۱۶﴾

آنکس که گمان میکند که خدا او [رسول] را در دنیا و آخرت کمک نمیکند پس [اگر میتواند] باید راهی بسوی آسمان بگسترده. باز آن [کمک خدا] را ببرد، باز بنگرد که آیا هیچ تدبیرش دور کننده آنچه است که [اورا] خشم میآورد (۱۶)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۖ وَأَنَّ اللَّهَ  
يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ﴿۱۷﴾

و اینگونه ما آنرا آیتهای آشکارا نازل کردیم و اینکه خدا هدایت میدهد آن را که میخواهد (۱۷)  
مانا آنانکه ایمان آوردند و آنانکه یهود شدند و صابی و مسیحی و مجوسی و کسانیکه شرك کردند یقیناً خدا روز قیامت میانشان قضاوت خواهد نمود. یقیناً خدا بر هر چیز گواه است (۱۸)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ  
وَالنَّصْرِيَّةَ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ۗ  
إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّ اللَّهَ  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۱۸﴾

آباندیدی که خدا است که سجده کند اورا آنکه در آسمانها است و

الْعَمْرَةَ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَجَدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ  
وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

وَالشَّجَرُ<sup>۱۷</sup> وَالذَّوَابُّ<sup>۱۸</sup> وَكَثِيرٌ<sup>۱۹</sup> مِنَ النَّاسِ<sup>۲۰</sup> وَكَثِيرٌ<sup>۲۱</sup> حَقٌّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ<sup>۲۲</sup> وَمَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ<sup>۲۳</sup> مِنْ مُكْرِمٍ<sup>۲۴</sup> إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ<sup>۲۵</sup> ۞

آنکه در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیار کثیر از مردم حالانکه بیشترانکه عذاب او بر آنهاحتمی الوقوع است و آنکه را خداسوا کند کسی نیست که او را گرامی بدارد یقیناً خدا میکند هر چه میخواهد (۱۹)

هُذِنَ<sup>۲۶</sup> حَصْمِنِ<sup>۲۷</sup> اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ<sup>۲۸</sup> فَالَّذِينَ كَفَرُوا<sup>۲۹</sup> اُقْطِعَتْ لَهُمْ شِيَابٌ<sup>۳۰</sup> مِنْ نَارٍ<sup>۳۱</sup> يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمْ<sup>۳۲</sup> الْحَمِيمُ<sup>۳۳</sup>

ایندوی ستیزه گراند که در مورد پروردگار خود ستیزه کردند. پس آنان که کفر کردند برایشان جامه های آتش بریده شود و بر سرشان آب جوشان انداخته شود (۲۰)

يُصْهَرُ بِهِ<sup>۳۴</sup> مَا فِي بُطُونِهِمْ<sup>۳۵</sup> وَالْجُلُودُ<sup>۳۶</sup> ۞

گداخته شود با آن هر چه در شکمهای آنها و پوستهای آنها است (۲۱)

وَلَهُمْ<sup>۳۷</sup> مَقَامِعٌ<sup>۳۸</sup> مِنْ حَدِيدٍ<sup>۳۹</sup> كَلِمًا<sup>۴۰</sup> أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ<sup>۴۱</sup> أَعِيدُوا<sup>۴۲</sup> فِيهَا<sup>۴۳</sup> وَذُوقُوا<sup>۴۴</sup> عَذَابَ الْحَرِيقِ<sup>۴۵</sup>

و برای آنها گرزهای آهن است (۲۲) مرگاه قصد کنند که از آن [آتش] از شدت اندوه بیرون روند در آن برگردانده شوند و [گفته شوند طعم] عذاب آتش را بچشید (۲۳)

یقیناً خدا آنانکه ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند را به بهشت‌های داخل کند که در دامنه آنها نهرهای روانست. در آنها از دستبندهای طلا و مروارید آراسته شوند و لباس ایشان در آنها بریشم است (۲۴)

و رهنمائی شوند بسوی گفتار پاکیزه و رهنمائی شوند بسوی راه صاحب ستایش (۲۵)

البته آنانکه کفر کردند و باز می‌دارند از راه خدا و آن مسجد حرام که آنرا یکسان قرار دادیم برای مردم که در آن [بخاطر خدا] نشت‌کنند و بادیه نشینان و آنکس که به ستم در آن کجی را بخواند او را عذابی دردناک بچشانیم (۲۶)

و وقتی ما برای ابراهیم جایگاه خانه کعبه ساختیم [گفتیم] هیچ را شریک من نگردان و خانه ام را برای طواف کنندگان و بیای

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُجَلِّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿۲۴﴾

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ ۗ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ﴿۲۵﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ ۗ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يُظْلَمِ تُذَقُّهُ مِنْ عَذَابِ آلِيهِ ﴿۲۶﴾

وَأَذْبُوا أَنَا لِابْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۳۳﴾



ایستادگان و رکوع کنندگان و  
 سجده کنندگان پاك بدار (۲۷)  
 و اعلام بحج کن در مردم که آیند  
 تو را پیادگان و برآن سواری که  
 [بعلت خستگی سفر] لاغراست. آن  
 [سواری و کالا] ما از مریک راه گود  
 و دور خواهند آمد (۲۸)

تا منافع خود را مشاهده کنند و  
 در روزهای معلوم نام خدا را  
 [بلند] کنند جهت [احسانی] که او  
 ایشان را رزق از دامهای چهارپا  
 اعطا کرد. پس از آنها بخورید و به  
 بی‌نوی نادار نیز بخورانید (۲۹)  
 سپس باید آلودگی [زشتیهای] خود  
 را دور نمایند و نذرهای خود را  
 وفا کنند و این خانه باستانی  
 را طواف کنند (۳۰)

اینگونه [فرمان دادیم] و هر که  
 شعایر خدا را عظمت گذارد پس  
 این برای او نزد پروردگارش بهتر  
 است. چهار پایان برای شما حلال

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا  
 وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ  
 عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ  
 اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَةٍ عَلَىٰ مَآرِزِهِمْ  
 مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۚ فَكُلُوا مِنْهَا  
 وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ  
 وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾

ذَلِكَ ۖ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ  
 خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ  
 الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُثَلَّىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا

الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ  
الزُّورِ ﴿۳۱﴾

کرده شدند جز آنچه بر شما خوانده  
شود. پس از پلیدی بتان احتراز  
نمائید و از گفتار دروغ اجتناب  
کنید (۳۱)

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۖ وَمَنْ  
يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ  
فَتَخَطَفَهُ الطَّيْرُ أَوْ نَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي  
مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿۳۲﴾

مدام به خدا گرایندگان، هیچ را  
با او شریک قرار ندمندگان. و هر که  
به خدا شرک ورزد پس گویی که  
اواز [بلندی] آسمان فرو افتاد. پس  
یا او را پرندگان بر بایندیاباد او را  
پرانیده در مکانی دور بیفکنند (۳۲)  
این [لازم] است و هر که به شعایر  
خدا عظمت گذارد پس یقیناً این  
علامت از تقوی دلهاست (۳۳)

ذَلِكَ ۖ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ  
تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿۳۳﴾

شمارا در این [ قربانیا ] مدتی  
معین بهره کشی است. سپس آنها  
را به خانه قدیم خدا رساندن  
است (۳۴)

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ  
مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿۳۴﴾

و برای هرامت طریق قربانی مقرر  
داشته ایم تا نام خدا را بخوانند  
بر آنچه از دامهای چهارپا که به  
ایشان اعطا کرده ایم. پس معبود

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيَذْكُرُوا  
اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ  
الْأَنْعَامِ ۗ فَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ

شما معبود یگانه است. پس برای  
اوتسلیم شوید و فروتنان را مؤده  
بده (۲۵)

آنانکه هرگاه ذکر خدا کرده شود  
دل‌های ایشان رعب زده شود و  
صبرکنند بر آن سختی که به ایشان  
برسد و نماز را بی‌پای دارندگانند  
و انفاق میکنند از آنچه به ایشان  
اعطا کرده ایم (۲۶)

و شتران قربانی که آنها را برای  
شما از شعایر خدا قرار داده ایم  
برای شما در آنها خوبی است. پس  
بر آنها درصاف آراسته نام خدا یاد  
کنید. پس هرگاه [پس از ذبح] پهلو  
های آنها بزمین قرار گیرد پس از  
آنها بخورید و به قناعت کننده و  
نیازمندم بخورانید. اینگونه آنها  
را بخدمت شما گمارده ایم تا باشد  
که سپاسداری کنید (۲۷)

هرگز به خدا نه گوشت آنها می  
رسد و نه خون آنها و لکن تقوای

أَسْلِمُوا<sup>۱</sup> وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ<sup>۲</sup>

الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ  
وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُتَّقِينَ  
الصَّلَاةَ<sup>۱</sup> وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ<sup>۲</sup>

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ  
لَكُمْ فِيهَا حَيْرٌ<sup>۱</sup> فَادْكُرُوا اللَّهَ  
عَلَيْهَا صَوَافٍ<sup>۲</sup> فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا  
فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ<sup>۳</sup>  
كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ<sup>۴</sup>

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤَهَا  
وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ<sup>۱</sup> كَذَلِكَ

سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿۳۸﴾

شما به او میرسد. اینگونه آنها را  
برایشما رام کرده ایم تا خدا را  
بزرگ گردانید بنابراین که او  
شما را هدایت داد و محسان را  
مژده بده (۳۸)

إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿۳۹﴾

براستی خدا دفاع کننده است از  
آنانکه ایمان آوردند. یقیناً خدا هر  
تدام که خیانتکار و ناسپاس است  
رادوست ندارد (۳۹)

أَذِنَ لِّلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا ۗ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿۴۰﴾

مجاز گردانده شوند [برای قتال]  
آنانکه قتال کرده شوند چه ایشان  
ستم کرده شدند و یقیناً خدا بریاری  
ایشان کاملاً قدرتمند است (۴۰)

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۴۱﴾

[یعنی] کسانی که از خانه های خود  
بناحق بیرون کرده شدند محضاً  
برای اینکه گفتند خدا پروردگار  
ما است و اگر خدا مردم را دفاع  
بعضی آنرا بیعضی [برانگیخته]  
نسیکرد یقیناً نابود کرده میشد  
رهبانخانه ها و کلیساها و معابد  
[یهود] و مساجد که نام خدا در آنها

بکثرت یاد کرده میشود و یقیناً خدایاری دهنده او است که او را یاری دهد. یقیناً خدا بسیار قدرتمند صاحب غلبه کامل است (۴۱)

کسانیکه اگر ایشان را در زمین مکتت دهیم نماز را بپای دارند و زکوت دهند و به معروفات امر کنند و از منکرات نهی کنند و عاقبت هر کار بدست خدا است (۴۲)

و اگر تکذیب کنند تورا پس قبل از آنها تکذیب کردند قوم نوح و عاد و ثمود (۴۳)

و قوم ابراهیم و قوم لوط (۴۴) و اصحاب مدین و موسی هم تکذیب شد. پس کافران را کمی فرصت دادم باز آنها را بگرفتم. پس بنگرید که عقوبت من چگونه بود (۴۵)

پس چه بسا شهرهای بودند که آنها را ملامت کردیم حالیکه آنهاستمگر بودند. پس اکنون برستغهای خود فرو افتاده اند و جامهای معطل و

الَّذِينَ إِنَّمَا كُنُوهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا  
الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا  
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ  
عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ  
قَوْمُ نُوحٍ وَقَوْمُ عَادٍ وَثَمُودٌ ﴿٤٢﴾

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿٤٣﴾  
وَاصْحَابُ مَدْيَنَ ۗ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ  
فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ۖ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ  
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾

فَكَأَيُّنَ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ  
ظَالِمَةٌ فِيهَا ۚ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبُيُوتُ  
مُعْتَزِلَةٌ وَفَصْرِ مَشِيدٍ ﴿٤٥﴾

تصوری استوار اند] که نابود کرده شدند (۴۶)

پس آیا در زمین گردش نمیکنند تا ایشان را دلهای باشد که بدانها عقل را بکاربرند یا گوشهای باشد که بدانها شنوا گردند چه چشمان کور نشود بلکه دلهای کور شود که در سینه هاست (۴۷)

و عذاب را از تو بتعجیل میخواهند در حالیکه خدا هرگز خلاف وعده خود نکند و یقیناً روزی است نزد پروردگارت مانند هزار سال از روی آن شمار که میشمارید (۴۸)

و چه بسا شهرهای است که برای آنها مهلت دادیم در حالیکه ستمکار بودند. سپس آنها را برگرفتم و برگشت به سوی من است (۴۹)

بگو ای مردم من برایشما فقط هشدار دهنده آشکارا ام (۵۰)

پس آنانکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند ایشان را آمرزش و

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ④۶

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ④۷

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ ④۸

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ④۹

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ⑤۰

رزقی گرامی است (۵۱)

و کسانی که برای آیت‌های ما سعی کنند که [آنها را] بجز آورند همانها اهل جهنمند (۵۲)

و پیش از تو هیچ رسولی و نبی نفرستادیم مگر مرگه او آرزو کرد شیطان [نفس] در آرزویش [آمیزش] نهاد. سپس خدا نسخ کند شیطان آنچه مینهد سپس خدا آیت‌های خود را استوار مینماید و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۵۳)

[اینست] تا شیطان آنچه مینهد را برای آنانکه در دل‌های آنان مرضی و دل‌های آنان سفت است فتنه سازد. یقیناً ستمکاران در نفاق فرورفته اند (۵۴)

[و اینست] تا آنها که علم داده شدند بدانند که این از پروردگارت حق است و به آن ایمان آورند و دل‌های ایشان برای آن بگراید و یقیناً خدا آنان که ایمان آوردند

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۵۱﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَمَّتْ آلِقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَتَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۲﴾

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿۵۳﴾

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۵۴﴾

رابسوی راه راست رهنمائی کننده  
است (۵۵)

و پیوسته آنانکه کفر کردند از آن  
در دودلی باشند تا آن انتها که به  
آنها قیامت ناگهانی آید یا عذاب  
روزی ناخرسند بیآید (۵۶)

سلطنت آنروز از آن خدا است او  
میان ایشان حکم کند. پس آنانکه  
ایمان آوردند و نیکوکاری کردند  
در بهشتهای پر نعمت باشند (۵۷)

و کسانی که کفر کردند و به آیتهای  
ماتکذیب کردند همانند که برای  
آنها عذابی رسوا کننده است (۵۸)  
و آنانکه مجرت کردند در راه خدا  
بازگشته شدند یا مردند حتماً خدا  
ایشان رزقی قشنگ دردمد و یقیناً  
خدا بهترین رزق دهندگانست (۵۹)  
یقیناً ایشان را بداخل جایگاه  
کند که از آن خوش آیند و یقیناً  
خدا صاحب علم دائمی بردبار  
است (۶۰)

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيَةٍ مِّنْهُ  
حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ  
عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ ۖ  
فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ  
النَّعِيمِ ﴿٥٦﴾

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاُولَٰئِكَ  
لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥٨﴾

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَاتَلُوا  
أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا ۗ  
وَإِنَّ اللَّهَ لَهُمْ خَيْرٌ الرَّزَاقِينَ ﴿٥٩﴾  
لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ  
لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٦٠﴾



ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ  
تُرَبِّغِي عَلَيْهِ لِيُنْصَرَّتْهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ  
لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ﴿۱۱﴾

همینطور شود و هر که عقوبت کند  
بمثل آنکه به او عقوبت کرده شد  
باز هم برخلاف او سرکشی کرده  
شود یقیناً خدا او را یاری دهنده  
است. یقیناً خدا خیلی عفوکننده ی  
صاحب آمرزش است (۶۱)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ الْاَيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ  
النَّهَارَ فِي الْاَيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿۱۲﴾

اینست چه یقیناً خدا شب را در  
روز داخل کند و روز را در شب  
داخل کند و اینکه یقیناً خدا بسیار  
شنوای دقیقاً بینا است (۶۲)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ  
مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ  
الْكَبِيرُ ﴿۱۳﴾

اینست چه یقیناً همان خدا حق  
است و آنچه راجز او میخوانند  
همان باطل است و اینکه یقیناً  
خدا است که او صاحب بلندشان  
بسیار بزرگ است (۶۳)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
فَقُضِيَ بِالْأَرْضِ مُمْخَضَةً إِنَّ اللَّهَ  
لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿۱۴﴾

آیا ندیدی که خدا آب را از آسمان  
نازل کرد. پس زمین از آن سرسبز  
میشود. یقیناً خدا بسیار باریک بین  
مدام آگاه است (۶۴)

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ  
اللَّهَ لَهُوَ الْعَنِّي الْحَمِيدُ ﴿۱۵﴾

از آن اوست هر چه در آسمانهاست  
و هر چه در زمین و یقیناً خدا است

که او بی نیاز صاحب ستایش  
است (۶۵)

آیاندیدی که خدامرچه در زمین  
است را برایشما مسخر کرد و هم  
کشتیهارا. آنها بفرمان او در دریا  
حرکت کنند و آسمان را نگهداشته  
است که بر زمین بیافتد مگر به  
اذن او. یقیناً خدا بحق مردم بسیار  
مهربان بارها رحمتکننده است (۶۶)

واوست آنکه شمارا زنده کرد، باز  
شمارا بمیراند سپس شما را زنده  
کند. یقیناً انسان بسیار ناسپاس  
است (۶۷)

برای هر کدام ملت طریق قربانی  
قرار دادیم که به آن طریق قربانی  
کنند. پس درین امر بتونسستیزند و  
بسوی پروردگار خود بخوان یقیناً  
تو براه راست هدایت هستی (۶۸)  
و اگر بتو محاجه کنند بگو، خدا  
داناتر به آنست که میکنید (۶۹)  
خدا روز قیامت قضاوت کند بین شما

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ  
وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۗ  
وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ  
إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءَوْفٌ  
رَّحِيمٌ ﴿٦٥﴾

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ  
يُحْيِيكُمْ ۗ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ  
فَلَا يَنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَاذْعُ إِلَى  
رَبِّكَ ۗ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٨﴾

وَإِنْ جَدَلْتَهُ فَقُلْ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ

فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿۷۰﴾

درباره آنچه شاداران اختلاف می  
کنید (۷۰)

آیا نمیدانی که خدا میداند آنچه  
در آسمان و زمین است. یقیناً این  
[همه] در یک کتاب است. یقیناً این  
بر خدا آسان است (۷۱)

و عبادت کنند جز خدا آنچه رابه آن  
او هیچ دلیلی نازل نکرد و آنچه را  
به آن آنان را دانشی نیست و ستم  
کاران را کسی مددگار نباشد (۷۲)

و هرگاه آیتهای روشن ما بر آنها  
فرو خوانده شود در چهره های آنان  
که کفر کردند ناپسندی را می شناسی  
نزدیکست که آنها بتازند بر آنانکه  
آیات ما را بر آنان فرو خوانند. بگو  
بس آيا شمارا خبر دهيم به بدتر از  
این - آتش - خدا به آن وعده  
داده آنها را که کفر کردند و چه  
زشت منزلگاهی است (۷۳)

ای مردم! يك مثل زده میشود پس  
آنها گوش فرادهید. یقیناً آنها را که

الْمُتَعَلَّمِ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ  
وَالْأَرْضِ ۖ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ ۖ إِنَّ ذَلِكَ  
عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۷۱﴾

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ  
سُطْرًا ۖ وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ ۖ وَمَا  
لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿۷۲﴾

وَإِذْ أَنْتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيَّنَّتْ تَعْرِفَ فِي  
وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالْمُنْكَرَ ۖ يَكَادُونَ  
يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَسْتُلُونَ عَلَيْهِمُ آيَاتِنَا  
قُلْ أَفَأَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ ذُكِّرُوا ۖ النَّارُ  
وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ وَبِئْسَ  
الْمَصِيرُ ﴿۷۳﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ ۖ  
إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ

يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَحُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ ﴿۷۵﴾

جر خدا خوانیدنی آفرینند مگس را اگر چه برای آن گردهم آیند و اگر مگس چیزی را از آنها بر باید نه توانند آنرا از آن باز گیرند. ناتوان است طالب [فیض] و هم از آن که فیض طلب میشود (۷۴)

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۷۵﴾

آنها قدر خدا را سزاوار قدر او نه شناختند. یقیناً خدا بسیار قدرتمند صاحب غلبه کامل است (۷۵)

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمَنْ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿۷۶﴾

خدا بر میگزیند رسولانی را از فرشتگان و از آدمیان. یقیناً خدا مدام شنوای در نهایت بینا است (۷۶) ++

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۷۷﴾

او میداند آنچه پیشروی آنها است و آنچه پشت سر آنها است و امور بسوی خدا بر گردانده شود (۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعِبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ

ای آنانکه ایمان آورده اید رکوع کنید و سجده کنید و پروردگار خود

++ آیت ۷۶: این آیه سنت خدا را بعنوان قاعده بیان میکند که به منقطع بودن آن را هیچ ذکری نیست یعنی خداوند همیشه فرشتگان یا آدمیان را بر مقام رسالت برگزیده میفرستد.

تُقْلِحُونَ<sup>٧٨</sup>

رابعادات کنید و نیکیها انجام دهید تا باشد که رستگار بشوید (۷۸)

و از جهت خدا جهاد کنید که شایان جهاد اوست. او شمارا برگزید و هیچ تنگی در دین برایشما نه نهاد. [امین] دین پدر شما ابراهیم بود. [خدا] نام شما مسلمان نهاد قبالاً و هم در این [قرآن] تا رسول بر شما نگهبان باشد و تا شما بر مردم نگهبانان باشید. پس نماز را بپای دارید و زکات دهید و به خدا جنگ زنید. او آقای شماست و چه خوب آقا چه خوب یاور است (۷۹) ++

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۗ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۗ مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۗ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۗ

++ آیت ۷۹: در این آیت نخستین سخن سزاوار کامل اینست که واژه "مسلم" برای هیچ کس انحصاری نیست. بسیار جلوتر از ظهور اسلام خداوند حضرت ابراهیم و ملت ایشان را مسلم قرار داده بود. پس از آن حضرت ﷺ را شهید یعنی نگهبان بر مسلمانان و مسلمانان را بر ملت‌های دیگر نگهبان بودن را ذکر است. بمعنای که حضرت محمد ﷺ در زمان خود شهید بودند بهمان معنا مسلمانان در پیروی ایشان بر دیگران شهید اند. ولی شهید را معنایی نیست که دیگران به اجبار مسلمانان مورد پسند خود ساخته شوند. زیرا که حضرت محمد ﷺ با این وجود که شهید بودند هیچگاه جنگ مهاجمی را نه جنگیدند و نه کسی را بزور به مسلمان شدن واداشتند.

## ۲۳ - المؤمنون

از جمله سوره های که در مکه نازل شد این آخرین است و با بسم الله ۱۱۹ آیت دارد.

در پایان سوره گذشته ذکر بود که پیروزی حقیقی منوط به بیاداشتن نماز و برقراری زکوة و متمسک شدن به خدا است. پس رستگاری مزبور در آنجا در آیت های ابتدائی سوره مؤمنون شرح به این ترتیب داده میشود که رستگار آن مومنانند که آنان نه فقط نماز را با امیدارند و زکوة میدهند بلکه در ایشان بسیار کثیر صفات دیگر نیز یافت میشوند. این صفات از هر دو نوع است یعنی از کدام چیزها پرهیز میکنند و کدام نیکیها را بعمل میآرند.

سپس اینهم فرموده شد که اگر چه آب زندگانی از آسمان فرو میبارد و نظام نسبت به بارندگی اش موجود است اما اگر خدا بخواهد که بر پایه يك علت نوع انسان را درس عبرت بیآموزد او بر این امر توانا است که این آب آسمانی را ببرد. این فرایند را دو طریق است. اولین این که نظامی که تحت آن آب آسمانی تکراراً از بلندیها به زمین باز گردانیده میشود، خداوند در آن تحولات بوجود میآورد بطوریکه در آغاز آفرینش آب زمینی پیوسته تحت عمل تبخیر بسوی آسمان صعود میکرد و چون میبارید بر اثر حرارتی که در جوّ میانه وجود داشت مجدداً بسوی بلندی باز میگشت. دومین صورت آنست که معمولاً مشاهده هم میشود که وقتی آب در ژرف زمین فرورود آنگاه از قعر چاه ها نیز پایین تر رفته ناپیدا میشود.

ضمناً در پی موضوع آب ذکر از آن کشتیها میروود که بر سطح آب حرکت می

کنند و از آنجمله سخن از کشتی حضرت نوح علیه السلام نیز گفته میشود. جریان داشتن کشتیها بر سطح آب منوط به اذن خدا است. کشتیها هنگام بلندترین طغیان آب نیز بر سطح آن روان میمانند و گاه گاه در صورت طوفان معمولی غرق میشوند. بر همین منوال وقتی که قومها نسبت به آب آسمانی که بصورت آب روحانی نازل میشود بوسیله رفتار خود ابراز ناشکری نمایند خداوند ایشان را مانند آب دنیائی از این آب روحانی نیز محروم میگرداند و این امر نیز ایشان را بهره‌مند نمیسازد که رسولان پیوسته در آنها همچون بارانی پیوسته مبعوث میشوند. بلکه آنها برانکارمه ایشان اصرار میورزند. بعداً ذکر از چنان منطقه کوهستانی است که چشمه سار و موجب تسکین قلب بود. همین وادی است که خداوند حضرت مسیح علیه السلام و مادر ایشان را از دشمنان نجات داده در آنجا برد. قرینه‌ها و علامات ابراز مینمایند که آن وادی کشمیر بود.

آیت ۷۹ عبارت از این موضوع است که در منازل ارتقائی نخست حس شتوائی اعطاء شده بود و پس حس بصری و سپس آن دل به انسان داده شد که به بصیرت عمیقی و قریحه درک مضامین روحانی برخوردار است.

از این گذشته برخی چنین آیت‌های است که موضوع آنها مشابه آن آیت‌های است که مبحث تفصیلی بر آنها قبلاً شده است. سپس آیتی است که موضوعی جدید را ارائه میدهد. چون انسانها روز قیامت پرسیده شوند که چند در زمین مکت کردید، ایشان گویند روزی یا پاره‌ی از آن مکت کردیم. خداوند فرماید بلکه از اینهم کمتر در آنجا مکت کردید. این کنایه‌ای به طول زمان پس از مرگ گرفته تا روز رستاخیز است. دنیا آنقدر دور دیده

شود گویی که در يك چشم بهم زدن سپری شد. این همان موضوعی است که انسان را هر روز تجربه میشود که ستارگانی که حتماً از نظام شمسی خورشید و ماه قیز بسیار بزرگتر اند از دور فقط بصورت نقطه های ریز بچشم میخورند.

آخرین آیت این سوره بعنوان دعای است که به آنحضرت ﷺ بدین کلماتی آموخته شد که بعرض پروردگار خود برسان که پروردگارا! بیامرز و ترحم فرما و تو بهترین ترحم کنندگان هستی.



☆ سُورَةُ "الْمُؤْمِنُونَ" مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَتِسْعٌ عَشْرَةٌ آيَةٌ وَ سِتَّةٌ رُكُوعَاتٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

یقیناً مومنان موفق شدند (۲)

و آنانکه در نماز خود فروتنانند (۳)

و آنانکه از هرزه روگردانانند (۴)

و آنانکه [حق] زکوت ادا کنندگان

اند (۵)

و آنانکه فرجهای خود را نگه

داری کنندگانند (۶)

جز بر همسران خود یا آنها که

دست راست ایشان مالک شد. پس

یقیناً ایشان ناملامت شدگانند (۷)

پس آنکه ماورای آن میخواستند

مانها اند که تجاوزگرانند (۸)

و آنانکه برای امانات و عهدهای

خود رعایت کنندگانند (۹)

و آنانکه بر نمازهای خود نگهداران

اند (۱۰)

همانانند که میراث بردگانند (۱۱)

قَدْ أَفْلَحَ

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ①

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خِشْعُونَ ①

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ①

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ①

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَقْرَبِهِمْ حِفْظُونَ ①

إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ①

فَمَنْ ابْتغى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

الْعَادُونَ ①

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ

رَاعُونَ ①

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ①

أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ①

آنانکه به ارث برندجنت فردوس  
 را و ایشان در آن جاودانند (۱۲)  
 و یقیناً ما انسان را از عصاره گل  
 آفریدیم (۱۳)  
 سپس او را دریک قرارگاه محفوظ  
 نطفه قرار دادیم. (۱۴)

سپس نطفه را خونی بسته ساختیم.  
 باز آن خون بسته را گوشتی نرم و  
 له ساختیم. باز آن گوشتی نرم و له  
 را استخوانها ساختیم. باز استخوان  
 ها را گوشت پوشانیدیم. سپس آن  
 را به آفرینشی دیگر پدید آوردیم  
 پس فقط همان خدا صاحب برکت  
 اثبات شد که بهترین آفریدگاران  
 است (۱۵)

سپس شما بعد از آن حتماً مردگان  
 اید (۱۶)  
 سپس یقیناً شما روز قیامت  
 برخیزانده شوید (۱۷)

و یقیناً ما امت راه فوق شما آفریده  
 ایم و ما از آفرینش غفلتکاران

الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ<sup>ط</sup> هُمْ فِيهَا  
 خَالِدُونَ<sup>۱۲</sup>  
 وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ  
 طِينٍ<sup>۱۳</sup>

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ<sup>۱۴</sup>

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ  
 مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا  
 فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا<sup>ط</sup> ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا  
 آخَرَ<sup>ط</sup> فَتَبَرَّكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ<sup>۱۵</sup>

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ<sup>۱۶</sup>

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ<sup>۱۷</sup>

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقٍ<sup>ط</sup> وَمَا  
 كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ<sup>۱۸</sup>

نیستیم (۱۸) ++

و آب را از آسمان به اندازه ای نازل کردیم پس آنرا در زمین جا گزین کردیم و یقیناً ما بر بردن آن هم قدرتمند ایم (۱۹)

پس بدان باغهای خرما و انگور را برایشما پدید آوردیم، شمارادر آنها میوههای فراوانست و از آن [میوه] ما شما میخورید (۲۰)

و درختی رویانید که در طور سینادر میآید که برای خوردندگان باروغن و خورشی میروید (۲۱)

و یقیناً در دامها برایشما درسی است. شمارا مینوشانیم از آن چه در شکم های آنهاست و شمارا در آنها منافع فراوانست و از آنها میخورید (۲۲)

و بر آنها و بر کشتیها سوار کرده میشوید (۲۳)

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ<sup>۱۸</sup> وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِنَّ لَقَدِيرُونَ<sup>۱۹</sup>

فَأَنشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاحِشٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ<sup>۲۰</sup>

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبْغٍ لِلَّكِلَيْنِ<sup>۲۱</sup>

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّتُسْقِيَهُمْ مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ<sup>۲۲</sup>

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ<sup>۲۳</sup>

++ آیت ۱۸: اینجا ذکر از هفت راه آسانی فوق انسانها رفته است. هفت عبارت از عددی است که بارها تکرار میشود - مثلاً روز شنبه که پس از هر هفت روز تکرار میشود. پس سبع طرایق را معنا بيشمار راه های آسانی است.

و یقیناً ما نوح را بسوی قومش فرستادیم پس او گفت: ای قوم من! خدایان را عبادت کنید. برای شما جز او هیچ معبودی نیست. پس آیا تقویٰ فراموش کردید (۲۴)

پس آن سرداران که از قومش کفر کرده بودند گفتند، نیست او مگر بشری مانند شما. او میخواهد که بر شما فضیلت بیابد و اگر خدا میخواست البته فرشتگان را نازل میکرد، ما جهت پدران پیشین خود که اینطور نشنیدیم (۲۵)

نیست او مگر آدمی که او را جنونی است. پس تا زمانی به [عاقبت] او انتظار بکشید (۲۶)

او گفت، پروردگارا! امری را کن که مرا تکذیب میکنند (۲۷)

پس بسوی او وحی فرستادیم که جلوی چشمان ما و طبق وحی ما کشتی بساز. پس چون فرمان ما آمد و چشمه ها بجوشد جفت جفت

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يُقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۲۳﴾

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ لَا يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً ۚ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿۲۴﴾

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فترَبُّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۲۵﴾

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿۲۶﴾

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التُّنُورُ ۗ فَاسْأَلْكَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ

وَأَهْلَكَ الْأَمْرُ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ  
مِنْهُمْ ۗ وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا  
إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۲۸﴾

هر کدام [جانوران ضرورت] و خانواده خود را در آن بنشان جز آنکس از آنها که بر او فرمان ما پیشی گرفت و در [مورد] آنها که ستم کردند بما حریفی نزن. یقیناً آنها غرق شدگانند (۲۸)

فَإِذَا السَّوِيَّتْ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى  
الْقُلُوبِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّيْنَا مِنْ  
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۲۹﴾

پس هر گاه تو و آنانکه باتویند بر کشتی برقرار شدی پس بگوستایش مطلق برای خدا است آنکه ما را از قومی ستمکاران نجات داد (۲۹)

وَقُلْ رَبِّ انزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبْرَكًا وَ أَنْتَ  
خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿۳۰﴾

و بگو پروردگارا! فرود آور مرا بر جایگاهی فرود پر برکت و تو بهترین فرود آوردگانی (۳۰)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿۳۱﴾

یقیناً در این آیه‌های بزرگ است و یقیناً ما آزمایش‌گانی (۳۱)

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿۳۲﴾

پس بعد از آنها مردم زمان دیگر را بوجود آوردیم (۳۲)

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا  
اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا  
تَتَّقُونَ ﴿۳۳﴾

پس فرستادیم در آنها رسولی از خودایشان [او میگفت] که خدا را عبادت کنید - شمارا نیست معبودی مگر او پس آیا تقوی فرا نمی

گیرید؟ (۳۲)

و آن سرداران قومش که کفر کرده  
و به دیدار آخرت انکار کرده بودند  
و آنها را در زندگانی دنیا آسودگی  
داده بودیم گفتند: این فقد بشری  
مانند شماست - میخورد از آنچه از  
آن شما میخورد و میآشامد از آنچه

شما میآشامید (۳۴)

و اگر اطاعت کنید از بشری همانند  
خود یقیناً آنگاه یقیناً شما زیان  
کاران اید (۳۵)

آیا شما را میترساند که چون شما  
ببیرید و خاکی و استخوانها شوید  
یقیناً شما در آوردگانید؟ (۳۶)

دوراست بسیار دور بدانچه وعده  
داده میشوید (۳۷)

ما را فقط زندگی این دنیا است -  
هم می میریم و هم زنده میمانیم و  
بر خیزانده نشویم (۳۸)

یقیناً این فقط مردی است که بر  
خدا دروغ میندد و ما برای او

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا  
وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي  
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ  
مِثْلُكُمْ لَا كُلُّ مَمَّاتٍ كَلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ  
مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٢﴾

وَلِئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا  
لَخَسِرُونَ ﴿٣٥﴾

أَيَعِدُّكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا  
وَعِظَامًا أَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ ﴿٣٦﴾

هِيَ هَاتَ هِي هَاتَ لِمَا تُوَعَدُونَ ﴿٣٧﴾

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا  
وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٨﴾

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا  
وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٩﴾

ایمان آرندگان نیستیم (۳۹)

او گفت: پروردگارا امرا یاری کن چه

آنان مرا تکذیب کرده اند (۴۰)

[خدا] گفت، دیری نمی باید حتمًا

بشیمانان شوند (۴۱)

پس صدایی غرش آنها را بحق در

گرفت و آنها را آشفال ساختیم پس

هلاک باد بر قوم ستمکاران (۴۲)

سپس اهل زمان دیگر را بعد از

آنها پدید آوردیم (۴۳)

هیچکدام امت نتواند از نهایت

زمانی معین خود پیشی گیرد و

نتواند پس افتد (۴۴)

سپس رسولان خود را پی در پی

فرستادیم. هرگاه قومی را رسول

آن آمد او را رد کردند. پس ما

بعضی از آنها را پی بعضی آوردیم

و آنها را داستان ما ساختیم. پس

لعنت باد بر قومی که ایمان نمی

آورند! (۴۵)

باز از آن پس فرستادیم موسی و

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ﴿٤٠﴾

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ فَعَبَّلْنَاهُمْ

غُثَاءً ۖ فَبَعَدَ اللَّقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿٤٢﴾

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا

يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٤٣﴾

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا ۗ كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةً

رَسُولُهَا كَذَّبُونَهَا فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا

وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ ۖ فَبَعَدَ الْقَوْمِ

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا

وَسَلْطَنٍ مُّبِينٍ ﴿۵۱﴾

برادرش هارون را با آیت‌های خود  
و ادله روشن — (۴۶)

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأِيهِمْ فَاسْتَكْبَرُوا  
وَكَانُوا أَقْوَمًا عَالِينَ ﴿۵۲﴾

بسوی فرعون و سردارانش پس  
آنها تکبر ورزیدند و آنها قومی سرکش  
بودند (۴۷)

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ بِبَشَرٍ مِّثْلِنَا  
وَقَوْمُهُمَا أَنَا عِبْدُونَ ﴿۵۳﴾

پس گفتند، آيا به دوشرمانند خود  
ما ايمان آوريم حاليكه قوم آندو  
بندگان مانند؟ (۴۸)

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿۵۴﴾

پس آندوی را تکذیب کردند و از  
جمله ملاك شدگان شدند (۴۹)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ  
يَهْتَدُونَ ﴿۵۵﴾

و یقیناً موسی را کتاب دادیم تا باشد  
آنها هدایت یابند (۵۰)

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً  
وَآوَيْنَهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ  
وَمَعِينٍ ﴿۵۶﴾

و پسر مریم و مادرش را آیتی قرار  
دادیم و آندو را بسوی جای بلند  
بناه دادیم که آرام بخش و چشمه  
سار بود (۵۱)

﴿۵۶﴾

يَا أَيُّهَا الرَّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا  
صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۵۷﴾

ای رسولان! بخورید از پاکیزه ها  
و اعمال نیکوی بجا آورید یقیناً من  
آگاه ام بدانچه عمل کنید (۵۲)

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا  
رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿۵۸﴾

و یقیناً این امت شایک امت است  
و من پروردگار شما هستم. پس از



من بترسید (۵۳)

پس امر خود را میان خود باره باره  
بخش کردند و هر یک گروه خرسند  
شدند بدانچه نزدشان بود (۵۴)

پس آنها را تا زمانی در جهلشان  
بگذار (۵۵)

آیا گمان کنند که آنچه ما به آن آنها  
را از دارائی و فرزندان کم  
کنیم - (۵۶)

ما خوبها را برایشان میفزاییم.  
نخیر بلکه آنها درک نمیکنند (۵۷)  
براستی آنانکه از هیت پروردگار  
خود ترسان اند (۵۸)

و آنانکه ایشان به آیات پروردگار  
خود ایمان میآورند (۵۹)  
و کسانی که ایشان به پروردگار  
خود شرك نمیورزند (۶۰)

و آنانکه هر چه انفاق کنند در حال  
انفاق میکنند که دل های ایشان  
میلرزد که یقیناً ایشان به سوی  
پروردگار خود بازگشت کنندگان

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ  
حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿۵۴﴾

فَذَرَّهُمْ فِي غَمَرَاتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۵۵﴾

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ  
وَبَيْنٍ ﴿۵۶﴾

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ ۗ بَلْ لَا  
يَشْعُرُونَ ﴿۵۷﴾

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ  
مُشْفِقُونَ ﴿۵۸﴾

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۹﴾

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿۶۰﴾

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ  
أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿۶۱﴾

اند(۶۱)

مانهاند در نیکو کاریها شتاب کنند و آنان برای آن سبقت جویندگان

اند(۶۲)

و هیچ جان را تکلیف نمیکنیم جز طاقت او و نزد ما کتابی است که الحق میگوید. لذا آنها ستمکرده

نشوند(۶۳)

بلکه دلهای ایشان از این بیخبر است و اعمال آنان بغیر از آنند که آنان آنرا [بظاهر] کنندگانند(۶۴) تا چون خوشحالان آنها را بعد از گیریم ناگهان آنها زاری کنند(۶۵) امروز زاری نکنید. قطعاً شما از

ما یاری داده نمیشوید(۶۶)

آیتهای من بر شما فرو خوانده میشد باز هم شما بر پاشنه های خود بر

می گشتید(۶۷)

کبرکنان هنگام شب تا دیرگاه به آن مرزه سرائی کرده مجلس می

چیدید(۶۸)

أُولَئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سِيقُونَ ﴿٦١﴾

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَأَلْهَمُ أَعْمَالَ مَنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَمَلُونَ ﴿٦٣﴾

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذْ هُمْ يُجْرُونَ ﴿٦٤﴾

لَا تَجْرُوا وَالْيَوْمَ أَنُكَلِّمُنَا لَّا تُنصَرُونَ ﴿٦٥﴾

قَدْ كَانَتْ آيَتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تُنصَرُونَ ﴿٦٦﴾

مُسْتَكْبِرِينَ ۖ بِهِ سِمَاتُهَا تَهَجَّرُونَ ﴿٦٧﴾

پس آیا بر این سخن فکرواندیشه نکردند یا آنها را آمده است آنچه به پدران قبلی آنها نیا آمده بود (۶۹) یا آیارسول خود را نشناخته اند پس او را انکار میکنند؟ (۷۰) یا میگویند که او را دیوانگی است نخیر بلکه او آنان را بحق آمده است با آنکه بیشتر از آنها حق را ناخوش دارند گانند (۷۱)

و حق اگر هوای نفسانی آنها را پیروی کرده بود یقیناً آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست فاسد می شد بلکه ما ایشان را با ذکر خودشان آمده ایم و آنها از ذکر خودشان رو گردانی میکنند (۷۲)

آیا از آنها مزد میطلبی؟ پس [گوش کنند که] اعطای پروردگار تو نیکوتر است و او بهترین رزق دهندگان است (۷۳)

و یقیناً تو آنها را براه راست می خوانی (۷۴)

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٩﴾

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٧٠﴾

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كِرْهُونَ ﴿٧١﴾

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ آتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٧٢﴾

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ ﴿٧٣﴾

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٤﴾

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ  
الصِّرَاطِ لَكَبُورٌ ﴿۷۵﴾

وبراستی آنانکه به آخرت ایمان  
نمیآرند از راه حق انحراف  
کنندگان اند (۷۵)

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ  
ضُرٍّ لِّلْجُوفِ طَعْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿۷۶﴾

و اگر بر آنها ترحم میکردیم و آن  
سختی که به آنها رسیده بود را دور  
مینمودیم حتماً لجوجانه در سر  
کشی خود سرگردان میشدند (۷۶)

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَاثُوا  
لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿۷۷﴾

والبته آنها را بعبادت در گرفتیم. پس  
نه زاری کردند برای پروردگار  
خود و نه فروتنی کردند (۷۷)

حَتَّىٰ إِذَا فَتَخْنَا عَلَيْهِمُ بَابًا ذَا عَذَابٍ  
شَدِيدٍ إِذْأْتَاهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿۷۸﴾

تا چون در عذابی سخت را بر آنها  
گشودیم ناگهان آنها در این کاملاً  
نومید شدند (۷۸)

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ  
وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿۷۹﴾

واوست آنکه گوش و چشم و دلها  
برایشما آفرید. بسیار کم است  
آن سپاس که شما میگذارید (۷۹)  
اوست آنکه در زمین بذر شما  
افشاند و بسوی او محشور کرده

رَأَاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ

وَهُوَ الَّذِي  
تُخْشَرُونَ ﴿۸۰﴾

الْأَفْ

وَهُوَ الَّذِي يُخَيِّ وَيُمِيتُ وَلَهُ الْآخِرَةُ  
الْيَوْمِ وَالنَّهَارِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۸۱﴾

شوید (۸۰) و او است که زنده میکند و می  
میراند و اختلاف شب و روز در

اختیار او است. پس آیا عقل نمی

کنید؟ (۸۱)

بلکه گفتند مانند آنچه پیشینیان

میگفتند (۸۲)

میگفتند. آیا چون مردیم و خاک

و استخوانها شدید آیا ما حتماً

برانگیختگانیم؟ (۸۳)

البته ما و قبلاً پدران ما هم این

وعده داده شدید. نیست این جز

اساطیر پیشینیان (۸۴)

بپرس زمین و هر چه در آنست از آن

کیست اگر شما میدانید؟ (۸۵)

آنها گویند. از آن خدا است. بگو

پس آیا بند نمیگیرید؟ (۸۶)

بپرس کیست پروردگار هفت

آسمان و عرش عظیم؟ (۸۷)

آنها گویند. از آن خدا است. بگو پس

آیا تقوی فرامیگیرید؟ (۸۸)

بپرس کیست که پادشاهی هر چیز

بدست اوست و او پناه میدهد اما

در مقابل او پناه داده نمیشود

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالِ الْأَوَّلُونَ ﴿۸۱﴾

قَالُوا إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا

عَرَانَا لَمَجْعُونَ ﴿۸۲﴾

لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ

إِنْ هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۸۳﴾

قُلْ لِمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ﴿۸۴﴾

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۸۵﴾

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۸۶﴾

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۸۷﴾

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ

يُجِزُّ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ﴿۸۹﴾

[بگویند] اگر شما میدانید (۸۹)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَلِي تَسْحَرُونَ ﴿۹۰﴾

آنها گویند، از آن خداست. بگو پس

بکجا فریب داده میشوید (۹۰)

بَلْ آتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَانَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۹۱﴾

حقیقت اینست که ما آنان را حق

آوردیم و یقیناً آنها دروغگویان

اند (۹۱)

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ

خدا هیچ پسری نگرفت و نه با او

إِلَهٍ إِذَا ذُكِرَ بِكُلِّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا

معبودی است چه در آن صورت حتماً

بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا

مرکدام معبود جدا میشد با آنچه او

يَصِفُونَ ﴿۹۲﴾

خلق کرد و بعضی از آنها بر بعضی

مجوم می آوردند. پاکست خدا از

آنچه بیان میکنند (۹۲)

عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَلَىٰ عَمَّا

دانای نهان و عیانست و بلندتر

است از آنچه شرک میورزند (۹۳)

ع

يُشْرِكُونَ ﴿۹۴﴾

بگو، پروردگارا! اگر مرا بنمائی

از آنچه بیم داده میشوند [این يك

التجا است] (۹۴)

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ ﴿۹۵﴾

پروردگارا! مرا از قوم ستمگران

قرار ندمی (۹۵)

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۹۶﴾

و یقیناً ما برای [کار] قدرتمندایم

که بتونشان دمیم از آنچه آنها را

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ

لَقَدِرُونَ ﴿۹۷﴾

می ترسانیم (۹۶)

دورکن بدی را به آن [طریق] که  
آن نیکوتر است. ما داناتریم به  
آنچه بیان میکنند (۹۷)

وبگو، پروردگارا! پناه میبرم بتو  
از وسوسه شیطانها (۹۸)

و پناه میبرم بتو پروردگارم که  
آنها به من راه یابند (۹۹)

تا آنگاه که چون مرگ بکسی از  
آنها بیاید گوید، پروردگارا! مرا  
برگردانی (۱۰۰)

باشد که نیکوکاری انجام دهم در  
آن [دنیا] که ترک کرده ام. هرگز نه،  
این فقط حرفی است که او زننده  
آنست و پشت سر آنها سدی حائل  
است تا آنروز که برخیزاننده  
شوند (۱۰۱)

پس چون در صورت دیده شود آن  
روز هیچ خویشی میانشان نیست  
و نه از همدیگر توانند مسئلت  
کنند (۱۰۲)

إدْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ ۗ نَحْنُ  
أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿۹۷﴾

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ  
الشَّيْطَانِ ﴿۹۸﴾

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿۹۹﴾

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ  
ارْجِعُونِ ﴿۱۰۰﴾

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا ۗ  
إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ  
بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۱۰۱﴾

فَإِذَا نْفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ  
يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿۱۰۲﴾

پس آنکس که وزن کرده‌هایش  
وزین باشد همانند که موفق  
شوندگان اند (۱۰۳)

و آنکس که وزن کرده‌هایش سبک  
باشد پس همانند که بجانهای خود  
ضرر زدند آنها در جهنم مدت دراز  
خواهند ماند (۱۰۴)

آتش چهرهای ایشان را بریان کند.  
[از این اذیت] آنها در آن بطوری  
لبها درکشیده باشند که دندان  
نمایان گردیده است (۱۰۵)

آیا آیت‌های من بر شما فروخوانده  
نمی‌شد؟ پس شما به آنها تکذیب  
میکردید (۱۰۶)

گویند: پروردگارا! بدبختی ما بر  
ما غلبه کرده بود و ما قومی گمراه  
بودیم (۱۰۷)

پروردگارا ما را ازین بیرون بیار  
پس اگر [این عمل را] تکرار کنیم  
یقیناً از ستمکاران بشویم (۱۰۸)  
او گوید: دور شوید در آن و سخن

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ  
الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٣﴾

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ  
خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٤﴾

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا  
كُلُوبُونَ ﴿١٠٥﴾

أَلَمْ تَكُنْ أَيْتِي تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ فَاكُنْتُمْ بِهَا  
تَكْذِبُونَ ﴿١٠٦﴾

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا  
ضَالِّينَ ﴿١٠٧﴾

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا  
ظَالِمُونَ ﴿١٠٨﴾

قَالَ احْسُوفِيهَا وَلَا تَكَلِّمُونِ ﴿١٠٩﴾



بن نگوئید (۱۰۹)

یقیناً گروهی از بندگانم بودند که می گفتند، پروردگارا! ما ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و بر ما ترحم کن و تو بهترین ترحم کننده گانی (۱۱۰)

پس شما ایشان را به استهزاء گرفتید تا آن انتها که [اعمال بد] شما را از یادم غافل کرد در حالیکه شما از آنان تمسخر می کردید (۱۱۱)

یقیناً امروز من ایشانرا پاداشی داده ام به آن صبر که میکردند این که یقیناً تنها ایشان رستگاران اند (۱۱۲)

[خدا] گوید، شما بتعداد سالها چند در زمین مکت کردید؟ (۱۱۳)

گویند، ما فقط روزی یا قسمتی از روزی [در آن] مکت کردیم پس بپرس از شمار کنندگان (۱۱۴)

[خدا] گوید، مکت نکردید جز اندک

إِنَّهٗ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا  
أَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ  
الرَّحِيمِينَ ﴿۱۰۹﴾

فَأْتَحَدَّتْهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنسَوْكُمْ  
ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿۱۱۰﴾

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا ۗ إِنَّهُمْ  
هُمُ الْفَائِرُونَ ﴿۱۱۱﴾

قُلْ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿۱۱۲﴾  
قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلْ  
الْعَادِينَ ﴿۱۱۳﴾

قُلْ إِن لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْكُم كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ﴿۱۱۵﴾

کاشکی شما میدانستید (۱۱۵)

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ

پس آیا گمان کردید که شما را

إِنَّمَا لَا تَرْجَعُونَ ﴿۱۱۶﴾

محض عبثاً آفریدیم و اینکه شما به

سوی ما برگردانده نشوید (۱۱۶)

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

پس بسیار بلند مرتبت است

رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿۱۱۷﴾

بادشاه حق. هیچ معبودی نیست جز

او پروردگار عرش گرامی (۱۱۷)

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ

و هر که با خدا معبودی دیگر را

لَهُ بِهِ فَاِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا

بخواند که دلیلی برایش پیش او

نیست پس یقیناً حسابش نزد

يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿۱۱۸﴾

پروردگارش است. کافران قطعاً

موفق نمیشوند (۱۱۸)

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ

و بگو. پروردگارا! ای آمرز و ترحم

فرما و تو بهترین ترحم کنندگان

الرَّحِيمِينَ ﴿۱۱۹﴾

هستی (۱۱۹)

ع  
۱

## ۲۴-النور

این سوره مدنی است و در پنجمین سال هجرت نازل آمد و با بسم الله ۶۵ آیت دارد.

در آغاز سوره قبلی المومنون از آنجمله علامات مومنان از حفاظت فروج بویژگی ذکر است و اصولاً موضوع سوره نور نیز مربوط به همین موضوع است و سخن از مجازات زانی و زانیه می‌رود. بعلاوه گفته میشود که زشتکاران تنها بار فیتان زشتکار خود وابستگی دارند در حالیکه مومنان به این امر بدقت توجه دارند که رفیقان ایشان نیکوکاران باشند. در ضمن تاکید کرده میشود که آن بدبختها که تهمت بر زنان پاکدامن بزنند آنها مجازات سنگین کرده شوند. حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها که در نهایت پاکدامن بودند در این سوره ذکر از آن تهمت و کیفر آنست که بعضی بدبختها بر ایشان زده بودند. پس از این کسانی که يك زندگی پاک را پیش میگیرند پنهما داده میشوند که ایشان بر این پنهما عمل کرده میتوانند از خدا زندگی پاکتر را نایل آیند. از آنجمله پنهما یکی اینست که بمحض ورود به خانه ها سلام کنید تا اهل خانه را به وضع غفلت بطوری نیابید که خیالات شما بلغزد. دومین مال اندیشی اینست که مومنان و مومنات چشمان را فرو بخوابانند و برهمدیگر نگاه آزادانه ای نیفکنند.

پس از اینهمه ذکر، آنحضرت ﷺ بعنوان مظهر والای شان از نور خدای متعال ارائه داده میشوند. آن نور را اوصاف اساسی اینست که آن نه شرقی است و نه غربی بلکه آن مردو اطراف رایکسان منور میگرداند و همچون

چراغی است که ای بسا چراغها را روشن کند. بدنبال این ذکر از منازل اصحاب رضوان الله عليهم می‌رود که چطور رسول الله ﷺ با نور خود آنها را منور کرده بودند.

سپس مثل از کافران زده میشود که وضع دوگانه ای آنان را بیان میکند. یکی اینکه آنان تلاش کنند که عطش خودشان را در لذتهای زندگی غرق شده فرو نشانند و این تلاش منتها به حسرتها منجر میشود. بطوریکه يك تشنه سراب دشت زار را آب می‌پندارد اما چون او نزدش میرسد چیزی بدست نمی‌آرد جز اینکه خداوند این نیرنگ نفسش را مجازات کند. دومین اینکه در مقابل نور آنها را تاریکیهای لا به لا فراگیرند بطوریکه فوق دریای عمیق را ابرهای متراکم فراگیرد و درعین حال یکی غرق شونده در این تاریکیهای لا به لا به غرق روبرو است و تاریکی آنقدر آکنده ای است که او نمیتواند حتی دست خود را ببیند.

از آیت ۵۲ حاکمی است که توصیف مومنان راستین عبارت است از این که چون ایشان بسوی خدا و رسول فراخوانده شوند پس بر این ندا بیدرنگ لبیک میگویند. اینجا در کلمات قد افلح المومنون ذکر از فلاح مزبور هم رفته است یعنی همانند که رستگار میشوند.

این سوره دارای آیت استخلاف نیز است که حاکمی از این موضوع است که بطوریکه پس از پیغمبران پیشین جا نشینان برگزیده شدند پس از رسول الله ﷺ نیز جانشینان ایشان با اذن خدا گمارده شوند اگرچه بظاهر از روی رای انسانی منتخب شوند. یکی علامت ایشان اینست که چون قوم درحین مخاطرات و فساد می‌پندارند که دشمن بر ایشان چیره میشود ما

مخاطرات ایشان را به امن تبدیل مینمائیم.

اطاعت کامل از مومنان را علامت اینست که ایشان از رسول الله ﷺ نه تنها اطاعت میکنند بلکه به ایشان در نهایت احترام میگذارند تا آن انتها که چون ایشان برای امور اجتماعی گرد آیند هرگز بلا رخصت رسول الله ﷺ از جلسه بیرون نمیروند و بیسوادان را آداب معاشرت آموخته فرموده میشود بطوریکه همدیگر را صدا کرده میخوانید رسول الله ﷺ را آنگونه صدا نکنید.

خداوند در آخرین آیت این سوره میفرماید که شما به هر چه مدعی باشید آن ادعای شما مخلصانه هم میتواند باشد و منافقانه هم. همان خدا میداند که شما بر چه وضعی قرار دارید.

☆ سُورَةُ النُّورِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسٌ وَسِتُّونَ آيَةً وَتِسْعَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحیمکننده (۱)

سورتی بزرگ که ما آنرا نازل کرده ایم و آنرا فرض نمودیم و در آن آیتهای آشکارا نازل کرده

ایم تا شما پند بگیرید (۲)

زناکار مرد است یا زناکاره زن پس هر کدام از آن دو را یکصد شلاق بزنید و برای آندو جهت دین خدا به شانرمی راه نیابد اگر شما به خدا و روز آخرت ایمان دارید و کیفر آندو را گروهی از مومنان باید مشاهده کنند (۳)

مردی زناکار [طبعاً] زن نیگیرد جز زنی زناکاره یا مشرکه و زنی زناکاره [طبعاً] شوهر نمیکند جز مردی زناکار یا مشرک و این [کار قبیح] بر مومنان حرام کرده

شد (۴)

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ②

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ③ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ④

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ ⑤ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ⑥

و کسانی که به زنان باکدامن تهمت میزنند سپس چهارگواه نیارند به آنها مشتاد شلاق بزیند و گواهی آنها را ابداً قبول نکنید و همانها زشت کردارانند(۵)++

مگر کسانی که توبه کردند از این پس و اصلاح شوند پس یقیناً خدا صاحب آمرزش بارها رحمکننده است(۶)

و آنانکه بهسران خودتهمت زنند و آنها را گواهان نباشند جز خویشتن پس گواهی هر یک از آنها چهار بار سوگند به خدا خوردن است که یقیناً او از راست گویانست(۷)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا  
بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ  
جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۵﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا  
فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۶﴾

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ  
لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ  
أَحَدِهِمْ أَرْبَعٌ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ  
الصَّادِقِينَ ﴿۷﴾

++ آیت ۵: در این آیت از تهمت زدن زنا جلوگیری میشود زیرا که برای این تهمت زندگان دستور است که چهار گواه دیداری را معرفی کنند و الا مستوجب مجازات مذکور میشوند. این پیش بینی است تا تهمت زندگان زنا از سوء نیت دلسرد شوند.

دومین نکته مهم اینست که چون این موضوع متعلق به مسرخود آنحضرت ﷺ بود و مردم شایعاتی بسیار کثیر میزدند و می شنیدند لذا آنحضرت گری زدند حرفی نزدند تا آن انتها که خدا خود بریت حضرت عائشه را بر آنحضرت ﷺ به اثبات رساند و از حدیث همین اثبات شده است.

و پنجمین بار این [گوید] که براو لعنت خدا باد اگر از دروغگویان است (۸)

و اگر آن زن سوگند خدا خورده چهار بار گواهی دهد که او [مرد] یقیناً از دروغگویانست [گواهی اینگونه] عذاب را از آن زن دور میکند (۹)

و پنجمین بار اینکه خشم خدا بر او [زن] باد اگر او [مرد] از راست گویانست (۱۰)

و اگر نبود فضل خدا و رحمت او بر شما و اینکه خدا بسیار پذیرنده توبه و صاحب حکمتی فراوانست [حال شماها چطور میشود؟] (۱۱)

یقیناً آنانکه دروغ آوردند گروهی از خود شما نیستند. آنرا برای خود بد مپندارید بلکه آن برای شما خوب است. هر کدام از آنها آنچه گناه کسب کرد [و بالش] برای خود او است و هر که از آنها نقش بزرگی آنرا ایفا کرد برایش عذابی بسیار

وَالْحَامِسَةَ أَنْ لَعَنَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكٰذِبِينَ ﴿٨﴾

وَيَذَرُ وَأَعْنَهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكٰذِبِينَ ﴿٩﴾

وَالْحَامِسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ﴿١٠﴾

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ﴿١١﴾

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ ۗ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم ۚ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَّا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ ۗ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾



بزرگ است (۱۲)

چرا چون این سخن را شنیدند مردان مومن و زنان مومن به مردم خود خوبی رانیدند و گفتند که این تهمت آشکار است (۱۳)

چرا بر این چهارگواه نیآوردند؟ پس چون چهارگواه نیآوردند آن گاه همانها نزد خدای خود دروغ گویانند (۱۴)

و اگر فضل خدا و رحمت او در دنیا و آخرت بر شما نبود یقیناً جهت آن [فتنه] که در آن فرو رفته بودید شمارا عذابی بزرگ می رسید (۱۵)

هنگامیکه آن [دروغ] را بزبانهای خود میپرانید و لب خود را به آن سخن ترمیکردید که بدان شما را هیچ دانشی نبود و آنرا ناچیز شمردید حالیکه نزد خدا آن بسیار بزرگ بود (۱۶)

چرا آنگاه که آنرا شنیدید نگفتید

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ  
وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا  
إِفْكٌ مِّمَّيْنٍ ﴿١٢﴾

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ  
فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ قَالُوا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ  
هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٣﴾

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي  
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ  
فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾

إِذْ تَلَقُّونَهُ بِالْسِّنِّتِكُمْ وَتَقُولُونَ  
بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ  
وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا ۗ وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا

أَنْ تَتَكَلَّمُ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ ﴿۱۷﴾

ما رانسردکه به آن لب به سخن  
گشائیم، تو پاک هستی [ای خدا] این  
تهمتی بسیار بزرگ است (۱۷)

يَعِظُكُمْ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۸﴾

خدا شمارا نصیحت میکند مبادا  
میجگاه [امری] همانند آنرا تکرار  
کنید اگر شما مومن هستید (۱۸)

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۹﴾

و خدا آیات را برایشما بروشنی  
بیان میکند و خدا صاحب علم دائمی  
صاحب حکمت است (۱۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۰﴾

براستی کسانی که دوست دارند که  
منتشر گردد فحشائی میان آنان که  
ایمان آوردند برای آنها عذابی درد  
ناکست درد دنیا و در آخرت و خدا  
میداند حالیکه شما نمیدانید (۲۰)

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۲۱﴾

و اگر نبود فضل خدا و رحمت او بر  
شما و اینکه خدا بسیار مهربان و بار  
ها رحمکننده است [حتماً فحشائی

در شما گسترش مییافت] (۲۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوبَ الشَّيْطَانِ ۖ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوبَ الشَّيْطَانِ

ای کسانی که ایمان آورده اید قدم  
های شیطان را دنبال نکنید و هر که  
قدمهای شیطان را دنبال کند پس

فَاتَهُ يَا مُرِيًّا فَحُشَاءٌ وَالْمُنْكَرُ ۗ وَلَوْلَا  
فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا  
مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي  
مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۱﴾

یقیناً او بنفشائی و منکرات امر می  
کند و اگر فضل خدا و رحمت او بر  
شما نبود میچکدام از شما ابداً پاک  
نمیشد. و اما خدا به هر که میخواهد  
پاک میگرداند و خدا بسیار شنوای  
مدام داناست (۲۲)

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ  
أَنْ يُؤْتُوا أَوْلِيَ الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ  
وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَلِيَحْفُوا  
وَلِيَصْفَحُوا ۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ  
لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۲﴾

و صاحب فضیلت و گشایش از شما  
سوگند در دین و دنیا یاد نکنند که  
خویشان خود و بینوایان و هجرت  
کنندگان در راه خدا را چیزی  
نخواهند داد و باید عفوکنند و  
درگذرند. آیا نمیخواهید که خدا  
شمارا بپامرزد و خدا خیلی آمرزنده  
و بارها رحمکننده است (۲۳)

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ  
الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ  
وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۲۳﴾

همانا آنها که بر زنان پاکدامن و بی  
خبرتهمت زنند، لعنت شدند در دنیا  
و آخرت و آنها را عذابی بزرگ  
است (۲۴)

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ  
وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۴﴾

آنروز [رایا دکنید] چون زبانهاشان  
و دستهاشان و پاهایشان برخلاف  
ایشان گواهی دهند به آنچه بودند

انجام میدادند(۲۵)

آنروز خدا آنها را پاداششان بحق تمام دهد و بدانند که خدا است که او حق هویدایی است(۲۶)

زنان ناپاك برای مردان ناپاك و مردان ناپاك برای زنان ناپاكند و زنان پاك برای مردان پاك و مردان پاك برای زنان پاكند. ایشان از آن [تهمتها] مبره اند که میگویند. برای ایشان آمرزش و

رزقی معززا است(۲۷)+

ای کسانی که ایمان آورده اید داخل نشوید به خانه هاجزه خانه های خود تا آن گامه که رخصت گیرید و به اهل آنها سلام بگویید. این برای شما نیکو است تا باشد که

نصیحت بگیرید(۲۸)

يَوْمَئِذٍ يُؤَقِّبُهُمُ اللَّهُ دِيَهُمُ الْحَقِّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ ۚ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ۚ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ ۗ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ ۖ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٢٧﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا ۖ وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ۗ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٨﴾

+آیت ۲۷: در اینجا بیان شده است که معمولاً مردان ناپاك با زنان ناپاك عقد ازدواج میندند. اما این معمول است اصول نیست. حالت استثنایی را هم همراه دارد. مبینطور مردان پاك با زنان پاك نکاح میکنند البته اینجا هم حالت استثنایی را نتوان نادیده گرفت.

پس اگر کسی را در آنها نیابید پس داخل آنها نشوید تا آن گامه که برای شما اجازه داده شود و اگر برای شما گفته شود که برگردید پس برگردید این شمارا پاکیزه تر است و خدا آگاه به آنست که عمل میکنید (۲۹)

گناهی بر شما نیست که داخل خانه های غیر مسکونی بشوید که در آنها اثاث شماست و خدا میداند آنچه عیان کنید و آنچه کتمان کنید (۳۰) بگو به مومنان دیدگان خود را فرو گیرند و از فرجهای خود نگهداری نمایند. این برای ایشان پاکتر است و خدا نیک آگاه است به آنچه میکنند (۳۱)

و بگو به مومنان که چشمان خود را فرو گیرند و از فرجهای خود نگهداری کنند و زینت خود را ظاهر نکنند جز آنچه نمایان از خود است و باید مقننه خود را بر گریبان خود

فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ ۗ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجعوا فارجعوا وهو أركي لكم ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۲۹﴾

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۗ ذَٰلِكَ أَرَاكُمْ لَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَصْنَعُونَ ﴿۳۱﴾

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ ۖ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۖ وَلَا يُبْدِينَ

زَيْنَتُهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ  
 أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ  
 بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ  
 أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَاءِ  
 أَبْنَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ  
 أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّيْبَعِينَ غَيْرَ  
 أُولِي الْأَرْبَابَةِ  
 مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ  
 الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى  
 عَوْرَتِ النِّسَاءِ وَلَا  
 يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ  
 لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ  
 مِنْ زِينَتِهِنَّ ۗ وَتُوبُوا  
 إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا إِنَّهُ  
 الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ ﴿۳۷﴾

بگذارند وزینت خود را آشکار نکنند  
 جز برای شوهران خود یا پدران  
 خود یا پدران شوهران خود یا  
 پسران خود یا پسران شوهران  
 خود یا برادران خود یا پسران  
 برادران خود یا مردان زیر  
 دست یا خدمتکاران خود از مردان  
 که تمایلات جنسی ندارند یا طفلان  
 که بر عورت‌های زنان ناآشناوند و  
 پاهای خود را نزد تا [بمردم] آشکار  
 کرده شود آنچه از زینت‌های خود  
 پنهان میکنند و ای مومنان! جمع شما  
 توبه کنید بسوی خدا فروتنی کنید  
 تا باشد که شما موفق شوید (۳۷)

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ  
 وَالصَّالِحِينَ مِنْ  
 عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۗ  
 إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ  
 يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ  
 وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۸﴾

و میان خود بیوگان و نیکو کاران  
 از غلامان و کنیزکان خود تزویج  
 نمائید. اگر آنها مستمند باشند خدا  
 بفضل خود آنها را بی نیاز میسازد  
 و خدا گشایش بخشاء صاحب علم  
 دائمی است (۳۸)

وَلَيْسْتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا  
 حَتَّى يُعْزِبَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ  
 يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِنْكُمْ إِيمَانًا  
 فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۚ  
 وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۗ  
 وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَّتَكُمْ عَلَى الْبِعَاءِ  
 إِنْ أَرَدْتُمْ تَحْصِنًا لِيَبْتَغُوا عَرَضَ  
 الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَمَنْ يُكْرِهْهُمْ فَأِنَّ  
 اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِمْ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳۱﴾

ع ۳۱

و کسانی که بمعقد ازدواج راه نیابند  
 باید عفت ورزند تا خدا آنانرا  
 بفضل خود بی نیاز سازد و آنان از  
 بردگانتان که مکاتب میخواستند  
 پس اگر در آنان خیری دریابید  
 با آنها مکاتب کنید و از آن دارائی  
 که خدا بشما در داده به آنها هم بدهید  
 و کنیزکان خود را به بدکاری و  
 دار نکنید اگر بخواهند عفت ورزند  
 تا برخوردار از زندگی دنیا شوید  
 هر که به آنها وادار کند پس یقیناً بعد  
 از وادار کردن ایشان خدا صاحب  
 آمرزش بارها را حکمکننده است (۳۴)  
 و یقیناً ما بسوی شما آیتهای آشکار  
 کننده و نمونه از آنانکه پیش از شما  
 بودند و متقیان را نصیحت نازل  
 کردیم (۳۵)

خدانور آسمانها و زمین است. مثل  
 آن نورمانند طاقچه است که در آن  
 چراغی باشد و آن چراغ در آبگینه  
 باشد و آن آب گینه گویی ستاره

اللَّهُ نُورٌ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ مَثَلُ  
 نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۗ الْمِصْبَاحُ  
 فِي زُجَاجَةٍ ۗ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ

دَرِّیُّ یُوْقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ  
لَا شَرْقِیَّةٍ وَلَا غَرْبِیَّةٍ ۗ یَكَادُ زَیْتُهَا  
یُضِیءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُوْرٌ عَلٰی  
نُوْرٍ ۗ یَهْدِی اللّٰهُ لِنُوْرِهِ مَن یَّشَاءُ ۗ  
وِیَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۗ وَاللّٰهُ  
بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ ﴿۱۸﴾

تابان است آن [چراغ] از درختی  
خجسته زیتون روشن کرده شود  
که نه شرقی و نه غربی باشد. نزدیک  
است که روغنش مشتعل گردد  
اگرچه آتش آنرا لمس نکند. این  
نور بر نور است. خدا هر که را  
بخواهد به نور خود هدایت میدهد  
و خدا برای مردم مثلها میزند و خدا  
به هر چیزی مدام آگاه است (۳۶) ++

++ آیت ۳۶: اینجا روغن زیتون را ذکر تمثیلی است. روغن زیتون چون افروخته  
شود نور میفکند ولی دود نمیزند.

لا شرقية ولا غربية: مفهوم اینست که نور خدا نه برای شرق خاص است و نه برای  
غرب اختصاص دارد. رسول الله ﷺ نیز بمصداق این تمثیل شرق و غرب مردوی را  
رسولی تک اند و همین نور است که بوساطت ایشان به اصحاب ایشان نیز در رسید.  
رسول الله ﷺ این نور خجسته ی را فقط تادردات گرامی خود محدود نداشتند بلکه  
برای همگانی مشترک قراردادند بطوریکه در آیت بعدی مذکور است که آن نور در  
منازل اصحاب نیز میدرخشید.

مثل ستارگان برای این زده شد که نور آنها از دورا دورا دورا بیچشم میخورد و به همین  
نسبت نور رسول الله ﷺ و اصحاب ایشان نیز از دورا دورا دیده خواهد شد.  
مشکوة آن طاقچه محفوظ است که در آن چراغ نهاده شود. نور این چراغ از شیشه  
منعکس شده نه تنها آن مشکوة را در آنچه نور است روشن سازد بلکه به بیرون نیز  
منعکس شود. شیشه ی که دوروبر آن چراغ است آنرا دو منظور است [ص: ۱۸۲۶]



فِي مِثْقَاتِ آذَانِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا  
اسْمُهُ لِتَسْبِيحِ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿۳۷﴾

در آن خانه های که خدا امر کرده  
که ترفیع داده شوند و در آنها نام  
او یاد کرده شود. صبح و شام در آنها  
او را تسبیح میگویند (۳۷)

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ  
ذِكْرِ اللَّهِ وَاقَامِ الصَّلَاةِ وَآتَاءِ الزَّكَاةِ  
يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ  
وَالْأَبْصَارُ ﴿۳۸﴾

مردانیکه تجارت و دادوستد آنان  
را از ذکر خدا و برپا کردن نماز و  
ادای زکوت غافل نمیکند. ایشان  
مترسند از روزیکه دلها و دیدگان  
در آن منقلب گردد (۳۸)

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا  
وَيَزِيدَهُم مِّنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ  
مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۳۹﴾

تا خدا بدیشان عوض دهد بهترین  
آن اعمال را که انجام میدادند و  
بفضل خود آنها را میفزاید و خدا  
به هر که بخواهد رزقی بیحساب  
میدهد (۳۹)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ  
بِقِيعَةٍ يَّحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا  
جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ  
فَوْقَهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۴۰﴾

و آنانکه کفر کردند اعمالشان مانند  
سرابی است در دشت که تشنه لب  
آنرا آب پندارد تا چون نزد آن آید  
آنرا هیچ نیابد و خدا را نزد آن  
بیابد. پس او حسابش را به او کامل

بقیه ۸۲۵: اول اینکه اگر گرداگرد چراغ شیشه است دود از آن بیرون نمیآید.  
دوم اینکه نورش درخشنده تر بیرون آمده و گسترش مییابد.

بدهد و خدا زود حساب است (۴۰)

یا [اعمالشان] است مانند تاریکیها

در دریای عمیق که آنرا موجی باز

فوق آن موجی از آن فوق ابری

فرو پوشیده است - تاریکیهای که

رویهم چینده است. چون او دست

خود را در آورد نمیشود آنرا ببیند

و برای کسیکه خدا نور قرار ندهد

پس بدو نور نصیب نمیشود (۴۱)

آیا ننگریستی که خدا است که او

را هر چه در آسمانها و زمین است

تسبیح میگوید و هم پرندگان بال

بازگشاده. هر کدام طریق عبادت و

تسبیح خود را دانسته است و خدا

نیک دانا است به آنچه میکنند (۴۲)

و پادشاهی آسمانها و زمین از آن

خدا است و بازگشت بسوی خدا

است (۴۳)

آیندیدی که خدا ابر را میراند.

سپس آنرا بهم میپیوندد. سپس آن

را لا به لا میگرداند. آنگاه می

أَوْ كُظِّمَتْ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَّعْشَهُ مَوْجٌ

مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ط

ظَلُمْتُ بَعْضَهَا فَوْقَ بَعْضٍ ط إِذَا

أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكْدِرْهَا ط وَمَنْ لَّمْ

يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَالَهُ مِنْ نُورٍ ۝

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَنِ فِي السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ وَالظُّيُورِ صَفَّتِ ط كُلُّ قَدْ عَلِمَ

صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ط وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا

يَفْعَلُونَ ۝

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى

اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا مِّمَّ يُولَّفُ

بَيْنَهُ لَمْ يَجْعَلْهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ

بینی که باران از خلال آن خارج میشود و از بلندیها یعنی از آن کوهها که در آنها واقع است تگرگ نازل میکند. پس بر هر که بخواند آنرا میرساند و او از هر که بخواند آن را باز میدارد. نزدیکست درخشش برق دیده های را ببرد (۴۴)

خدا شب و روز را میگرداند. یقیناً در این امراهل بصیرت رامایه عبرت است (۴۵)

و خدا جنبندگانی هرگونه را از آب آفرید. پس برخی از آنها است که برشکم خود حرکت کند و برخی از آنها است که بر دو پا حرکت کند و برخی از آنها است که بر چهار پا حرکت کند خدا میافریند هر چه دوست دارد. حتماً خدا بر هر چیز قدرتمند است (۴۶)

یقیناً ما آیتهای روشن کننده نازل کرده ایم و خدا هر که را بخواند براه راست هدایت میکند (۴۷)

يَخْرُجُ مِنْ خَلِيلِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيَصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ لِيُكَادَ سَنَابِرَ قَوْمٍ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ۝

يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ۝

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ ۚ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ ۚ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ ۚ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبِينَاتٍ ۖ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝

و میگویند به خدا و رسول ایمان آوردیم و اطاعت کردیم. باز هم گروهی از آنها پس از این روگردانی کنند و اینها مومنان نیستند (۴۸)

و هرگاه بسوی خدا و رسول خوانده شوند تا میانشان قضاوت کند ناگهان گروهی از آنها اعراض میکنند (۴۹) و اگر ایشان را حق باشد دم از فرمان برداری او [رسول] زده بسوی او میآیند (۵۰)

آیا در قلبهای ایشان بیماری است یا به شک افتاده اند یا میترسند مبادا خدا و رسولش بر آنهاستم کند بلکه همانند که ستمکارانند (۵۱) گفتار مومنان هنگامیکه بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان ایشان قضاوت کند فقط اینست که شنیدیم و اطاعت کردیم و همانها موفق شدگان اند (۵۲)

و هر که خدا و رسول او را اطاعت کند و از خدا بترسد و او را تقوی

و يَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ ۖ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٨﴾

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٤٩﴾

وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٥٠﴾

أَفِ قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ ۗ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥١﴾

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥٢﴾

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٥٣﴾

فراگیرد پس همانها پیروزمندان  
اند (۵۳)

وقسمهای جدی. خودبه خدا خوردند  
که اگر آنها را دستوربدمی حتماً  
بیرون روند. بگو قسم نخورید  
فرمانبرداری بمعروف بس است.  
یقیناً خدا آگاه به آنست که انجام  
میدهید (۵۴)

بگو اطاعت کنید از خدا و اطاعت  
کنید از رسول پس اگر پهلو کنید  
آنگاه براو فقط آنست که او تکلیف  
کرده شد و بر شما آنست که شما  
تکلیف کرده شدید و اگر او را  
اطاعت کنید هدایت مییابید و  
نیست بر رسول جز رساندن پیغام  
را آشکارا (۵۵)

کسانی از شما که ایمان آوردند و  
اعمال شایسته انجام دادند خدا  
وعده داده که یقیناً ایشان را خلیفه  
در زمین برگزیند بطوریکه او  
خلیفه برگزید کسانی را که پیش

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ  
أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا  
طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا  
تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ  
تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا  
حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا  
عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا  
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ  
لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

از ایشان بودند و حتماً آن دین ایشان را برای ایشان استوار گرداند که برای ایشان پسندید و حتماً ایشانرا پس از مراسم ایشان به حالت ایمن تبدیل کند. ایشان مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند و هر که پس از آن ناسپاسی کند پس همانها نافرمانان اند(۵۶)++

وَلْيَبَدِّلْهُمْ مَنْ بَعْدَ خَوْفِهِمْ أَمْناً  
يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَمَنْ  
كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٦﴾

وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا  
++ آیت ۵۶: این آیت استخلاف گفته میشود درجه سخن از این موضوع می رود که خداوند سلسله خلافت را بطوریکه در زمان پیغمبران پیشین تشکیل داد پس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیز برگزیند و آن خلافت نور پیغمبر را برگرفته بیشری کند. هر بار خلیفه ی که درگذرد آنگاه جماعت مومنان به حالتی بینناک روبرو گردد آنچه بفضل خدا از برکت خلافت به حالت امن تغییر یابد. پس علامت خلافت راستین اینست که آن جماعت مومنان را از حالت ناامنی بسوی امن در آورد. حضرت مسیح موعود علیه السلام نیز در "الوصیت" همین را فرمودند که پس از درگذشت پیغمبری یا خلیفه ی عجالاً همین احساس فراگیرده اکنون دشمن این نور را فرونشانند اما در این آیت استخلاف وعده ی حتمی است که دشمن هر بار ناموفق گردد. ظهور نبوت را منظور برقراری توحید خداوندی است. همانگونه خواسته نهایی خلافت راستین نیز بپاکردن عقیده توحید است.

الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۵۷﴾

و رسول را اطاعت کنید تا شما  
ترحم کرده شوید (۵۷)

گان نکن آنها که کفر کردند  
[مومنانرا] در زمین بمعجز آرندگان  
اند حالیکه ماوی آنها جهنم است و  
البته چه زشت جایگاه است (۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید آنان  
که زبردست شانند و کسانی از شما  
که به سن مردی نرسیده اند [قبل  
از داخل به اطاق شما] سه هنگام از  
شما باید اجازه بگیرند - قبل از  
نماز فجر و هنگام ظهر که [برای  
استراحت] اجامه های خود را در می  
آرید و پس از نماز خفتن این سه  
هنگام برای حجاب شما است. جز  
این [وقت] ها هیچ گنای بر شما و  
بر آنها نیست [که بلا اجازه آمد و شد  
کنید] برخی از شما بر برخی اکثراً  
آمد و شد کنند. اینطور خدا آیات  
خود را برایشما بوضوح بیان می  
کند و خدا صاحب علم دائمی

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ  
فِي الْأَرْضِ وَمَاؤُهُمُ النَّارُ ۖ وَبِئْسَ  
الْمَصِيرُ ﴿۵۸﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ  
مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا  
الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ۖ مِنْ قَبْلِ  
صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ  
مِنَ الظُّهْرِ ۖ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ۗ  
ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ ۖ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا  
عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ ۖ طُوفُونَ عَلَيْكُمْ  
بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ ۖ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ  
لَكُمْ الْآيَاتِ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۹﴾

صاحب حکمت است (۵۹)

و مرگاہ کودکان از شما به سن بلوغ برسند باید اجازه گیرند بدانگونه که اجازه میگرفتند کسانی که پیش از آنها بودند. این گونه خدا آیتهای خود را برای شما بروشنی بیان کند و خدا صاحب علم

دائمی صاحب حکمت است (۶۰)

و بازنشتگان از زنان که امید نکاح ندارند پس نیست گناهی بر آنها که جامه های [زاید] خود را کنار گذارند زینت را بنمایش نگذارند و اگر عفت و رزقند برایشان نیکوتر است و خدا بسیار شنوای دانا است (۶۱)

هیچ باکی نیست بر کور و نه بر معلول و نه بر بیمار و نه بر خود شما که طعام صرف کنید از منازل خود یا از منازل پدران خود یا از منازل مادران خود یا از منازل برادران خود یا از منازل خواهران خود یا از منازل عموهای خود یا

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۰﴾

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ۗ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۱﴾

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ



از منازل عمه های خود یا از منازل  
دایی های خود یا از منازل خاله های  
خود یا کلیدها آنچه در دست شما  
است یا [از منازل] دوستان خود.  
نیست گناهی بر شما که طعام بهم  
صرف کنید یا جدا گانه. پس هرگاه  
به منازل در آئید پس ب مردم خود  
سلام گوید. [این] از جانب خدا  
درودی بر برکت و پاکیزه است.  
اینگونه خدا آیات خود را برای  
شما بوضوح بیان میکند تا باشد  
که بخرد یا بید (۶۲)

مومنان واقعی همانند که بر خدا  
و رسول او ایمان آورند و هرگاه  
بر امر جامع با او گرد آیند نروند  
تا آنگاه که از او [رسول] رخصت  
نگیرند. همانا کسانی که از تو اجازه  
میگیرند همانند که بر خدا و رسول  
او ایمان میآیند. پس چون از تو  
برای بعضی کارهای خود رخصت  
خواهند پس هر که از آنها را بخواهی

أَخْوَاتِكُمْ وَأُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ وَأُيُوتِ  
عَمَّتِكُمْ وَأُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ وَأُيُوتِ  
خَلَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ  
صَدِيقِكُمْ ۗ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ  
تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا ۗ فَإِذَا دَخَلْتُمْ  
بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ ۗ تَحِيَّةٌ مِّنْ  
عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ ۗ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ  
اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ  
وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ  
جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ ۗ  
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ  
يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ فَإِذَا  
اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لِمَنْ  
شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ

اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۷﴾

اجازه بده و برای ایشان از خدا  
آمزش بخواه. یقیناً خدا خیلی  
آمزنده بارها رحمکننده است (۶۳)  
خواندن رسول رامیان خودمانند  
خواندن همدیگر تلقی نکنید. البته  
خدا میداند آنها را که گریز زده  
از میان شاد میروند. پس آنها که  
از فرمان او مخالفت میکنند باید  
حذر کنند مبادافتنه به آنها فرارسد  
یا عذابی دردناک به آنها اصابت  
کند (۶۴)

باش یقیناً از آن خدا است هر چه  
در آسمانها و زمین است. یقیناً او  
میداند آن [چگونگی] که شما بر  
آن هستید و روزی که بسوی او  
برگردانده شوند آنگاه آنها را خبر  
دهد به آنکار که میکردند و خدا به  
هر چیز خوب دانا است (۶۵)

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ  
كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ۖ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ  
الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا ۖ فَلْيَحْذَرِ  
الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ  
تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ  
أَلِيمٌ ﴿۱۷﴾

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ  
قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ ۗ وَيَوْمَ  
يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا ۗ  
وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۷﴾

## ۲۵ - الفرقان

این سوره در آخیر دور مکه نازل شد و با بسم الله ۲۸ آیت دارد. آغاز این سوره حاکی از این ذکر است که خداوند رسول الله ﷺ را آن فرقان یعنی میزان بزرگ اعطا کرد که راستی و دروغ را بازمی‌شناسد. این همان میزان است که ذکر از آن بارها در سوره النور رفته است. اکنون در این سوره آنرا مثل‌های بیشتر آورده میشود.

از آنجمله یکی اینست که صلاحیت رسول الله ﷺ محدود نه تنها برای بازشناختن راستی و دروغ میان مردم پیرامون خود بود بلکه برای بازشناختن راستی و دروغ میان مردم جهان ایشان را فرقان بزرگ بصورت قرآن اعطا شده بود.

دشمنان رسول الله ﷺ در پاسخ معجزات ایشان برای رسالت راستین این میزان بر بافته ای را ارائه میدادند که این رسول را چیست که غذا می خورد و در بازارها حرکت میکند؟ چرا فرشته ای با وی فرود نرستاده شد تا به همراه وی بیم میداد؟ بدین صورت آنها پیمانانه ای درست کرده بودند که بر رسول باید گنجی از آسمان نازل شود حالانکه بر رسول نه گنج ظاهری بلکه گنج لامتناهی عبارت از تعلیم وی نازل می‌آید.

ضمناً طبق خواسته آنها رسولی باید دارای باغستان باشد که هر چه و هر کجای در آن بخواهد بی زحمت بمیل خود بخورد. خداوند در پاسخ می‌فرماید که آن باغها که ما برای تو در بهشت آماده کرده ایم نسبت به آنها این بیخردان نمیتوانند تصور هم کنند و آن باغستان شامل آن کاخهای روحانی است که

علی الخصوص برای تو ساخته شد.

ضمناً ردّ دعوی کافران فرموده شد که هر چند رسولان قبل از این گذشته اند یکی از ایشان را خاطر نشان کنید که او مانند انسانها در کوچه ها حرکت نمیکرد و اگر نمیتوانید خاطر نشان کنید پس این عمل شما کلیه انکار از مقام رسالت است که گویی خدایتواند هیچکس را رسولی برگزیند. نسبت به نزول فرشتگان بر کافران باید بدانند که فرشتگان حتماً بر آنها نازل شوند ولی با پیغام هلاک آنها و به چنین عذابی خبر دهند که دیگر از آن نجات غیر ممکن است.

یکی این ایراد نیز گرفته میشود که چرا قرآن یکبار بهم نازل کرده نشد؟ حقیقت امر اینست که قرآن را بهم نازل نکردن بسیار حکمتهای پوشیده همراه دارد. از آنجمله یکی اینست که حال و هوای حومه آن زمان متقاضی بود که به ترتیبی که امراض ایشان بظهور رسد نزول آیتهای قرآن نیز عبارت از همان موضوع باشد. دومین اینکه هر آن قلب رسول الله ﷺ بوسیله نشانه های جدید استقامت عمیق ترا عطاء شود و نه تنها يك نشانه را بلکه ایشان طی زمان نزول قرآن يك سلسله لامتناهی نشانه ها را رویت کنند. بعلاوه اگر رسول الله ﷺ آن قرآن را که نزولش بیست و سه سال امتداد داده شد بر یافته بودند هرگز آن دارای چنین ترتیل و ترتیب نبود. آنکس که از نوشتن و خواندن بیسواد باشد چطور میتواند که بر بیست و سه سال آینده پیشی گیرد.

ضمناً حضرت مسیح موعود علیه السلام به این حکمت نیز متوجه ساختند که طی تمامی بیست و سه سال رسول الله ﷺ با اوضاعی بسیار پرخطر مواجهه

شدند. حین هولناک ترین اوضاع از اصحاب خود پیشی گرفته و جان خود را به مخاطرات انداخته خلاف دشمن نبرد کردند. بوسیله زهر نیز تلاش شد که ایشان به هلاک رسانده شوند. اما تا آن نهایت که شریعت پایان داده نشد خدای متعال ایشان را زنده نگهداشت. پس قرآن کریم را رفته رفته نازل آمدن معجزه ای بسیار بزرگ است.

بهین منوال علامات عباد الرحمن را بیان کرده پایان سوره حاکی از این امر شد که بطوریکه آسمان را دوازده برج است همینطور پس از تو برای دفاع از دین تو دوازده مجددان ظهور خواهند کرد و بعد آن بدر ظاهر شود که روشنی کامل از نور تو خواهد یافت.

در همین رکوع این سوره از جمله صفات عباد الرحمن بامیانه روی، فروتنی و درقیام و سجود زندگی گذاردن ایشان مذکور است. آخرین آیت این سوره حاکی از اینست که چرا ایشان زندگی را درقیام و سجود دعا کرده میگذارند زیرا که بغیر از وسیله دعا نتوان از خداوند زندگی یافت و هر کدام از دعا روی بگرداند و تعلق خدا را ببرد بیشتر مرض های هولناک او را فرا میگیرند و دیگر او نمیتواند از آنها نجات بیابد.

☆ سُورَةُ الْفُرْقَانِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ ثَمَانٍ وَسَبْعُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ

صاحب برکت ثابت شد تنها آنکه

لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ②

فرقان را بر بنده خود نازل کرد تا

مشدار دهنده همه جهانها باشد (۲)

الَّذِي لَهُ مَلَكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ

آنکه پادشاهی آسمانها و زمین از آن

يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

اوست و پسری بر نگرفت و نه او

الْمَلِكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ

را کسی شریک در پادشاهی است.

او هر چیز را آفرید و آنرا فراخور

تَقْدِيرًا ③

اندازه مرتب در آورد (۳)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَا يَخْلُقُونَ

و آنها جز او معبودانی گرفته اند

شَيْئًا وَهُمْ يُخْلِقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

که هیچ چیزی را نمی آفرینند حال

لَا أَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ

اینکه خود آفریده میشوند و در حق

خود نه به زیان دست دارند و نه

مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا ④

به سود و نه مرگ در دستشان است

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أِفْكٌ

و نه زندگی و نه حشر و نشر است (۴)

أَفْتَرَسَهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ

و آنها که کفر کردند گویند که

نیست این مگردوغی که او بهم

بافته است و دیگر مردم او را بر

فَقَدَجَاءَ وَظُلْمًا وَزُورًا ⑤

مخالفت با احد العالَمین

این یاری کرده اند. پس یقیناً آنان  
با سراسر ستمی و دروغی آمده  
اند (۵)

و گویند که اساطیر پیشینیانست  
که آنها را رو نویسی کرده و  
صبح و شام آنها بر او فرو خوانده  
میشود (۶)

بگوناگون لکرد آنرا آنکه راز آسمانها  
وزمین را میداند. یقیناً او آمرزنده  
بارها رحم کننده است (۷)

و گویند، این رسول را چیست که  
که غذا میخورد و در بازارها میرود.  
چرا فرشته بر او فرو نفرستاده شد  
تا با او بیم دهنده میبود (۸)

یا گنجی بر او نازل کرده میشد یا  
باغی او را میبود که از آن میخورد.  
و ستمکاران گفتند که شما پیروی  
نیکنید جز مردی را که او را  
جادوئی شده است (۹)

بنگر چه مثلهای برای تومیزند  
پس گمراه گشته اند و هیچ راهی

وَقَالُوا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَبَهَا  
فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ①

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ ۗ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ②

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ  
وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ ۗ لَوْلَا أَنْزَلِ إِلَيْهِ  
مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا ③

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ  
يَأْكُلُ مِنْهَا ۗ وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ  
إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ④

أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ  
فَضَلُّوا أَفَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ⑤

را طاقت نیاورند (۱۰)

صاحب برکت ثابت شد تنها آنکه  
اگر میخواست چیزهای بهتر ازین  
برای تو میآفرید یعنی باغهای که در  
دامنه آنها نهرهای جاری بود و کاخها  
پر عظمت برای تو بنا میکرد (۱۱)  
اما آنها بقیامت مکذب شده اند و  
ما برای آنکه تکذیب قیامت کند  
آتشی شعله ور مهیا کرده ایم (۱۲)

چون آنها از جای دور بنگرند صدای  
خشم و خروش آنها بشنوند (۱۳)  
و هنگامیکه در آن زنجیر کرده در  
تنگنا افکنده شوند در آنجا هلاک را  
بخوانند (۱۴)

امروز فقط يك هلاک را نخوانید  
بلکه بسیار هلاکت های را  
بخوانید (۱۵)

بپرس آیا این بهتر است یا بهشتی  
جاوید که به متقیان وعده شده  
است که آن برای ایشان پاداشی  
و بازگشت گامی است (۱۶)

تَبَرَك الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ  
ذَلِكَ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا ۝

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ  
بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ۝

إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا  
تَغِيظًا وَزَفِيرًا ۖ  
وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضِيقًا مُقْرِنِينَ  
دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ۝

لَا تَدْعُوا النَّيُّومَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا  
ثُبُورًا كَثِيرًا ۝

قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ  
الْمُتَّقُونَ ۗ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا ۝



برای ایشان است در آن هر چه  
 بخواهند [زیرا که ایشان در آن]  
 جاودانانند. این بر پروردگار تو  
 وعده‌ی به مسئولیت است (۱۷)

[بباید آری] روزیکه او آنان و آنها  
 را که جز خدا آنان عبادت میکردند  
 را جمع کند. پس گوید، آیا شما  
 بندگانم را گمراه کرده بودید یا  
 آنها خود از راه راست دور شده  
 بودند؟ (۱۸)

گویند، تو بپاک هستی. ما را نه سزد  
 که فرود از تو آقایان می‌گیریدیم  
 و اما آنها و پدران ایشان را متنعّم  
 ساختی تا آن انتها که ذکر [تو] را  
 فراموش کردند و قومی مستوجب  
 هلاک شدند (۱۹)

پس البته آنها رد کرده اند آنچه  
 می‌گوئید. پس طاقت نی‌آوردید به  
 برگرداندن [عذاب] او کمک [گرفتن]  
 را و هر که از شما ستم کند او را  
 عذابی بزرگ بچشانیم (۲۰)

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ ۖ كَانَ عَلَىٰ  
 رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُورًا ﴿۱۷﴾

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ  
 اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي  
 هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿۱۸﴾

قَالُوا سُبْحٰنَكَ مَا كَانَ يُنْبَغِي لَنَا أَنْ  
 نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ  
 مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ  
 وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ﴿۱۹﴾

فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ ۖ فَمَا  
 تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا ۚ وَمَنْ  
 يَظْلِمِ مِنْكُمْ نُدْفَعُهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿۲۰﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا  
 إِنَّهُمْ لِيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي  
 الْأَسْوَاقِ ۗ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ  
 فِتْنَةً ۗ أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ رَبُّكَ  
 بَصِيرًا ۙ

۱۰۳/۳

و هیچ رسولی را قبل از تو  
 نفرستادیم مگر یقیناً ایشان غذا  
 میخوردند و در بازارها راه میرفتند  
 و بعضی از شما را برای بعضی  
 آزمایش قرار دادیم. آیا صبر می  
 کنید؟ و پروردگارتو بسیار بینا  
 است (۲۱)

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا <sup>وَقَالُوا</sup> لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلِيكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿۱۹﴾  
 و گفتند کسانی که بملاقات ما امید  
 نه دارند چرا فرشتگان بر ما نازل  
 کرده نشدند یا پروردگار خود را  
 میدیدیم. البته خویشان را و الا تر  
 شمرده و سرکشی بسیار بزرگ  
 کرده اند (۲۲)

يَوْمَ يَرُونَ الْمَلِيكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ  
 لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا  
 مَّحْجُورًا ﴿۲۰﴾  
 روزی که فرشتگان را ببینند آن  
 روز مجرمان را بشارتی نباشد و  
 گویند [بفرشتگان عذاب] دورا  
 دوری بهتر است (۲۳)

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ  
 فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا ﴿۲۱﴾  
 ما پیشقدمی کنیم بسوی هر کاری  
 که انجام دادند و آنرا ذره های  
 پراکنده در هوا سازیم (۲۴)  
 اهل بهشت آنروز بهتر اند در  
 مسکن و نیکوترند در آرامش  
 گامی (۲۵)

وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ  
 الْمَلِيكَةُ تَنْزِيلًا ﴿۲۲﴾  
 و [بیاد آرید] روزیکه آسمان بعلت  
 [غرش] ابرها بشکافد و فرشتگان  
 گروه گروه نازل کرده شوند (۲۶)

أَلَمْ لِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ ۗ وَكَانَ  
 يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿۲۷﴾  
 آنروز پادشاهی از آن رحمن است  
 و آنروز کافران را بسی دشوار

باشد(۲۷)

و[بیادآرید]روزیکه ستمکار دست  
خود را[باحسرت]گزیده وخواهد  
گفت. ای کاشکی راهی با رسول  
میکرفتم(۲۸)

وای بر من اکاشکی فلان رادوست  
صیمی نمیکرفتم (۲۹)  
یقیناً مرا از ذکر[خدا]غافل نمود  
پس از آنکه مرا آمد و شیطان که  
انسان را بی یارویاورترک کننده  
است(۳۰)

و رسول گفت. پروردگارا! یقیناً  
قوم من این قرآن را متروک  
شمرده اند(۳۱)++

و اینطور برای هر کدام پیغمبر  
دشمنان از مجرمان میسازیم و  
پروردگار تو هادی و یاور بس

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ  
يَلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ۲۸

يَوْمَئِذٍ لَيْتَنِي لَمْ أَخَذْ فُلَانًا خَلِيلًا ۲۹

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ  
وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُوْلًا ۳۰

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا  
هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ۳۱

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ  
الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ۳۲

++ ایت ۲۱: این آیت حتماً درباره اصحاب نیست زیرا که در حیات رسول الله ﷺ بلکه  
تاسه قرن بعد از ایشان تابعین و تبع تابعین نیز قرآن را ترک نکرده بودند. لازماً این  
یک پیشگویی است که در زمان آینده پایان پذیرنده بود چون امت آنحضرت ﷺ قرآن  
را عملاً ترک کنند و رسول ﷺ در اینمورد بحضور خدا شکایت خواهند کرد.

است (۳۲)

و گویند، آنها که کفر کردند چرا جمله قرآن یکباره براو نازل کرده نشد؟ مینطور [قرار بود نازل شود] تا بدان قلب تو را ثبات دهم و آن را مستحکم و روان ساخته ایم (۳۳)

و هیچ دلیل به تو نمیآوردند مگر ما [به رد آن] برای تو حق و تفسیری نیکوتر میآوریم (۳۴)  
آنانکه جمع کرده بر روی های خود به جهنم برده شوند همانها زشتتر از جهت مقام و گرامتر در راه اند (۳۵)

و یقیناً به موسی کتاب دادیم و برادرش هارون را با او وزیر قرار دادیم (۳۶)

پس گفتیم شما دوی بسوی آن قوم بروید که آنها آیات ما را رد کرده اند. پس آنها را بسختی هلاک کردیم (۳۷)

وما یقین علی عبد المظنون

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿۳۲﴾

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ﴿۳۳﴾

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ سُوءَ مَقَالٍ وَأَوْلَىٰ سَبِيلًا ﴿۳۴﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ﴿۳۵﴾

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿۳۶﴾

و قوم نوح چون بیغبران ما را  
رد کردند آنها را غرق نمودیم و  
آنها را برای مردم آیتی قرار دادیم  
و برای ستمکاران عذابی دردناک  
آماده کرده ایم (٢٨)

و قوم عاد و ثمود و اهل رس و  
بسیار قومهای را که میان آن [زمان]  
بودند. (٣٩)

برای هر کدام مثلهای [عبرتناک] زده  
ایم و [منتها] همه را بسختی هلاک  
ساختیم (٤٠)

و البته [مخالفان تو] بر شهری  
که بارانی شوم بر آن باریده شد،  
[بارها] آمدند. پس آیا آن را نه  
نگریستند؟ حقیقت این است به  
رستاخیز امید ندارند (٤١)

و چون تو را ببینند تو را بباد  
سخریه میگیرند - آیا اینست  
آنکه را خدا رسولی برانگیخته  
است؟ (٤٢)

نزدیک بود که ما را از معبودان

وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ  
وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَاعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ  
عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٨﴾

وَ عَادًا وَ ثَمُودًا وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ  
وَ قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا ﴿٣٩﴾

وَ كَلَّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَ كَلَّا تَبَّرْنَا  
تَتْبِيرًا ﴿٤٠﴾

وَ لَقَدْ آتَوْنَا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا  
مَطَرَ السَّوْءِ ۖ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرُونَهَا بَلًا  
كَانُوا إِلَّا يَرْجُونَ نُشُورًا ﴿٤١﴾

وَ إِذْ آرَأَوْكَ إِذْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوعًا  
أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ﴿٤٢﴾

إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ الْهَيْتَالِ وَلَا أَنْ صَبَرْنَا

خودگمراه میکرداگر بر آنها صبر  
نمیکردیم و بزودی بفهمند چون  
عذاب را ببینند کی از راه گمراه  
تربود (٤٢)

آیا نظرگماشتی به آنکس که هوای  
نفسانی خود را معبود خود فرآ گرفت  
پس آیا تو میتوانی بر او وکیل  
باشی؟ (٤٤)

آیا گمان میکنی که بیشتر از آنها  
میشنوند یا بعقل میرسند؟ یقیناً  
آنها فقط مانند چهارپایانند بلکه  
از آنها هم گمراهترند (٤٥)

آیا ندیدی بسوی پروردگار خود  
که سایه را چگونه میگسترانند و  
اگر میخواست حتماً آنرا ساکن می  
گرداند سپس خورشید را بر آن  
نشان دهنده قرار داده ایم (٤٦)

سپس آن [سایه] را کم کم بسوی  
خود جمع میکنیم (٤٧)  
و اوست آنکه شب را برای شما  
پوشاک و خواب را موجب آرامش

عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ  
الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ  
تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلاً ﴿٤٤﴾

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ  
يَعْقِلُونَ ۗ إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ  
أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٥﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ ۚ وَلَوْ  
شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ۖ ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ  
عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٤٦﴾

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٧﴾

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ  
سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٨﴾

و روز را موجب گسترش قرار داد(۴۸)

و اوست آنکه بادها را مژده دهنده فرستاد پیش روی رحمت خود و آبی خالص را از آسمان نازل کردیم(۴۹)

تادیاری مرده را بدان زنده کنیم و بنوشانیم آن [آب] آنها را که بکثرت دامها و مردم آفریده ایم(۵۰)

والبته آنرا میان ایشان گردانده بیان کرده ایم تا پند بگیرند اما بیشتر مردم فقط ناسپاسی کنان سرباز زدند(۵۱)

و اگر میل داشتیم در هر قریه بیم دهنده میفرستادیم(۵۲)

پس کافران را پیروی مکن و با این [قرآن] به آنها جهاد کن جهادی بزرگ(۵۳)

و اوست آنکه دو دریا را درهم بیامیزد. این یک گوارای شیرین و این نمکی شور است حالآنکه او

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَيْنِ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿۴۸﴾

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلَدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَا سَيِّ كَثِيرًا ﴿۴۹﴾

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيهِمْ لِيَذَكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿۵۰﴾

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ تَذِيرًا ﴿۵۱﴾

فَلَا تَطِعِ الكُفْرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿۵۲﴾

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ ۚ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا



بَرَزَخًا وَجِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿۵۴﴾

میان آنها مانعی و جدائی قطعی  
نهاده است (۵۴) ++

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ  
نَسَبًا وَصِهْرًا ۖ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿۵۵﴾

واوست آنکه آدمی را از آب آفرید  
وبرایش خویشی نَسَبی و خویشی  
ازدواج قرارداد و پروردگارتو  
صاحب قدرت دائمی است (۵۵)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ  
وَلَا يَضُرُّهُمْ ۖ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ  
ظَهِيرًا ﴿۵۶﴾

وپرستش میکنند جز خدا آنها را که  
نه آنانرا سودمندونه آنانرا زیان  
زنند و کافر درمقابل پروردگار  
خود [دیگران را] پشتیبانی کننده  
است (۵۶)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۵۷﴾

وتورانفرستادیم مگرموده دهنده  
ای و بیم دهنده ای (۵۷)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ  
شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿۵۸﴾

بگو، من برای این از شما پاداشی  
نمیخواهم جز هر که بخواهد راهی  
بسوی پروردگاه خود را پیش  
گیرد (۵۸)

++ آیت ۵۴: در این آیت سخن از دریای آرام و دریای اوقیانوس رفته است. آرام  
دریای آب شیرین است و اوقیانوس دریای نمکی و شوراست و میان ایندو سدی  
است که نسبت به آن در آیتی دیگر ذکر رفته است که آن سد برداشته شود و  
ایندو دریا درهم پیوسته شوند.

و بر آن زنده توکل کن که بی مرگست و با ستایش او پاکیزگی او را بیان کن و خبر داشتن به گناهان بندگان خود او را بس است (٥٩)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ ۗ وَكَفَى بِهِ إِذْ تُؤْبَدُ عِبَادِهِ خَيْرًا ۝٥٩

ماتم که خداوند است

مانست که آسمانها و زمین و هرچه میان آندواست را درش روز آفرید. سپس بر عرش قرار گرفت. او رحمن است. پس برای او از کسی آگاه بپرس (٦٠)

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ الرَّحْمَنُ فَسَلِّ بِهِ خَيْرًا ۝٦٠

و چون به آنها گفته شود که برای رحمن سجده کنید گویند و رحمن چیست؟ آیا سجده کنیم برای آنکه تو بامفرمان میدهی؟ و [این امر] آنها را در نفرت زیاده کرد (٦١)

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَّا سَجِدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۝٦١

و فرمودند

صاحب بسیار برکت اثبات شدتها آنکه در آسمان برجها نهاد و در آن چراغی روشن [خورشید] و قمری تابان قرار داد (٦٢)

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۝٦٢

و اوست آنکه شب و روز را از پس آینده همدیگر گرداند برای

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ۝٦٣

آنکه دوست دارد نصیحت حاصل  
کند یا دوست دارد سپاسداری  
کند (۶۲)

و بندگان رحمن آناند که بر زمین  
فروتن راه روند و گویند سلام  
چون جاملان به آنان مخاطب  
شوند (۶۴)

و آنانکه شبها را برای پروردگار  
خود سجده کنان و بپا ایستاده  
می گذرانند (۶۵)

و آنانکه میگویند پروردگارا! بر  
گردان از ما عذاب جهنم را یقیناً  
عذاب آن چسبنده است (۶۶)  
یقیناً آن خیلی بد است بطور  
آرامش و منزلگاه (۶۷)

و آنانکه چون انفاق کنند نه  
اسراف کنند و نه بخل ورزند بلکه  
اعتدال میان این مییاشد (۶۸)

و آنانکه با خدا معبودی دیگر را  
نخوانند و نکشند نفسی را که خدا  
[کشتن] آنرا حرام گردانده مگر

وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى  
الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ  
قَالُوا سَلَامًا ﴿٦٦﴾

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٦٥﴾

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ  
جَهَنَّمَ ۗ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٦﴾

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٧﴾

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ  
يَقْتُرُوا وَوَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٦٨﴾

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا  
يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ

وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ  
آثَامًا ۝١٦

باحق وزنا نکنند و هر که این کند  
کیفرگناه را خواهد دید (٦٩)

يُضَعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخَذُ  
فِيهِ مَهَانًا ۝١٧

روز قیامت عذاب برایش افزوده  
شود و خوار در آن مدت دراز  
بماند (٧٠)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا  
فَأُولَٰئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ  
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝١٨

جز آنکه توبه کند و ایمان آرد و  
نیکوکاری کند پس همانها اندکه  
خدا بدیهای ایشان را به خوبیها  
تبدیل کند و خدا بسیار آمرزنده  
بارها رحم کننده است (٧١)

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى  
اللَّهِ مَتَابًا ۝١٩

و آنکه توبه کند و شایسته کاری  
کند یقیناً اوست که توبه کنان به  
سوی خدا بر میگردد (٧٢)

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ ۚ وَإِذَا مَرُّوا  
بِاللَّعُورِ مَرُّوا كِرَامًا ۝٢٠

و آنانکه گواهی دروغ نمیدهند و  
هرگاه گذرکنند به هرزگیها کریم  
وار گذرکنند (٧٣)

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا  
عَلَيْهَا صَمًّا وَعُمِيَانًا ۝٢١

و آنانکه چون به آیات پروردگار  
خود تذکر داده شوند کروکور بر  
آنها نمی افتند (٧٤)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا  
وَدُرِّيتَنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ

و آنهاکه میگویند، پروردگارا! ما  
را از همسران ما و فرزندان ما

إِمَامًا ﴿٧٥﴾

روشنی چشمان عطا کن و ما را

پیشوای متقیان بنا (٧٥)

همانند که داده شوند بالاخانه

هائی بپاداش آنچه صبر کردند و

ایشان در آنجا استقبال کرده و

سلام رسانده شوند (٧٦)

جاودانانند در آنها - چه تشنگ

است منزلگاه و آرامشگاه (٧٧)

بگو پروردگرم شمارا پروان کند

اگر دعای شمان بود. پس شما آنرا رد

کردید. پس حنماً [وبالش بر شما]

چسبنده است (٧٨)

أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا  
وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٦﴾

خُلْدِينَ فِيهَا ١ حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا  
وَمَقَامًا ﴿٧٧﴾

قُلْ مَا يَعْبُؤْا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ٢

فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامَاً ﴿٧٨﴾ ﴿٧٧﴾ ﴿٧٥﴾

## ۲۶-سورة الشعراء

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۲۲۸ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز با مقطعات شده و حرف "ر" نخستین بار بطور حرف مقطعه نازل کرده میشود. این را میتوان معنای مختلف شد و هست. اما شماری از دانشمندان این مقطعات را شرح اینطور میدهند که منظور از "ط" طیب و "س" سمیع و از "م" علیم میباشد.

پایان سوره گذشته حاکی بود چون انسان از دعا انکار کرده تعلق خود را با خدا میبرد، پس در نتیجه هر نوع مرض روحانی او را فرامیگیرد. در این سوره دنبال همین موضوع بعنوان مثال ذکر از آن اقوامی میروود که بعلت انکار دعا مستوجب این سلوک خداوندی شدند. پس از ذکر این ملتها تکرار مجدد از کلمه "الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ" دال بر اینست زیرا که خداوند رحیم است او آنانرا بارها فرصت میداد تا باشد که آنها بازگردند. این جریان عمل پی در پی ادامه داشت. آنان به مقابله حق میپرداختند و خداوند مجدداً با رحمت نوین خود بر آنان نازل میشد.

اینجا تکرار از واژه "الْعَزِيزُ" حاکی از این امر است که دشمنان به هر نحوی تلاش کردند تا پیغمبران او را رسوا کنند ولی خداوند نه گذاشت که آنها به آرزوی خود برسند و خدای عزیز پیغمبران خود را عزت دائمی داد. ضمناً آنحضرت ﷺ فرمان شدند که ایشان خویشاوندان خود را از عقوبت بترسانند و بال و پر خود را بر خویشاوندان روحانی خویش فرو آرند.

اگر کافران بر کفر خود پافشاری کنند پس اعلام کن که من از کفرتان بیزارم

و تو گلم تنها بر خدا است که صاحب غلبه کامل، صاحب حکمت، بارها ترحم کننده، بسیار شنوای دعاها و بسیار دانا است.

سپس چنین دلیلی آورده میشود از آنچه حتماً به اثبات میرسد که شیطانها بحر حال نمیتوانند بر پیغمبران نازل شوند زیرا که ایشان نه "أَنَّكَ" اند و نه "أَنَّمِ" یعنی پیغمبران نه دروغگویانند و نه گنهکاران و مردم که در جوار ایشان زیست میکنند همگان گواه بر راستگویی ایشان میباشند.

کلامی که بر آنحضرت ﷺ نازل شد در عظمت آن این امر نیز شامل است که آن پراز حسن شعرگوئی سطح اعلائی است و بسیاری از شاعران شعر گفتن را تحت تاثیر فصاحت و بلاغت شعری قرآن گرفته، ترك کردند. ولی از این بیان این گمان را تقویت دادن که رسول الله ﷺ نیز شاعری بلند مرتبه بودند از این جهت اشتباهی بزرگ است که يك شاعر که در هر کدام وادی ولگردی میکند ولی قرآن آن چنان کتابی نیست که بی سبب در هر کدامین وادیا بگردد.

در عین حال خداوند آن شعرگویان را که ایمان آورده و نیکوکاری کرده و خدا را ذکر فراوان میکنند و چون ستم شوند انتقام میگیرند مبرا قرار داد، این کنایه ای است بسوی آن مسلمان شاعران که از طریق شعرهای خود انتقام گرفتند از آن شاعران بدگو که خلاف رسول الله ﷺ با شعرهای خود هجوم آورده بودند.

☆ سُوْرَةُ الشُّعْرَاءِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ مَائَتَانِ وَثَمَانٍ وَعِشْرُونَ آيَةً وَ أَحَدُ عَشَرَ رُكُوعًا

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

طَيِّبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ - پاک -

طَسَمَ ①

بسیار شنوا - بسیار دانا (۲)

این آیت‌های کتاب روشن است (۳)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ②

آیات و جان خود را میبازی برای نکه

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا

مومنان نمی‌شوند؟ (۴)

مُؤْمِنِينَ ③

اگر بخوامیم آیتی بر آنها از آسمان

إِنْ لَشَاءُنَا نَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً

نازل کنیم پس برای آن گردنهای

فَطَلَّتْ أَعْنَاقَهُمْ لَهَا خُضَعِينَ ④

ایشان خاضع شود (۵)

آنها را بندی جدید از رحمان نیاید

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ

مگر از آن روگردانی میکنند (۶)

إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ⑤

پس براستی آنها [هر آیتی نورا] رد

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ

کردند. پس حتماً آنها را بیا آید اخبار

يَسْتَهْزِئُونَ ⑥

[از راست آمدن] آنچه که به آن

تمسخر میکردند (۷)

آیا بسوی زمین ندیدند؟ ای بسا

أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ

زوج ما بسیار نیکوی [از نباتات]

كُلِّ زَوْجٍ وَجْجٍ كَرِيمٍ ⑧

در آن رو یانیده ایم؟ (۸)



إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً<sup>١</sup> وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ  
مُؤْمِنِينَ<sup>١</sup>

یقیناً در این آیتی بزرگ است در  
حالیکه بیشتر ایشان ایمان نمی  
آرند (٩)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ<sup>٢</sup>

و یقیناً پروردگارتو است که او  
صاحب غلبه کامل بارها رحمتکننده  
است (١٠)

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَنْتَ الْقَوْمَ  
الظَّالِمِينَ<sup>٣</sup>

و چون پروردگارتو بموسی ندازد  
که بسوی قومی ستمکار برو (١١)

قَوْمَ فِرْعَوْنَ<sup>٤</sup> أَلَا يَتَّقُونَ<sup>٥</sup>

قوم فرعون [بآن پیغام که] آیا  
تقوی فرانخواستند گرفت؟ (١٢)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونُ<sup>٦</sup>

او گفت، پروردگارا ابراستی من می  
ترسم مبادا مرا تکذیب کنند (١٣)

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي

و سینه ام احساس تنگی دارد و  
سخن بر زبان بخوبی نمی رود پس

فَأَرْسَلْ إِلَىٰ هَارُونَ<sup>٧</sup>

رسالت را به هارون بفرست (١٤)

وَلَهُمْ عَلَىٰ ذُنُوبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ<sup>٨</sup>

بعلاوه یکی گناه آنها بر گردنم  
نیز است و می ترسم مبادا مرا

بکشند (١٥)

قَالَ كَلَّا<sup>٩</sup> فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ

فرمود، هرگز نه. پس مردوی شما  
با آیات ما بروید. یقیناً ما با شما

مُسْتَمِعُونَ<sup>١٠</sup>

مستقیم ما خوب شنوندگانیم (١٦)

پس مردوی نزد فرعون بروید و بگوئید، یقیناً ما رسول از پروردگار همه جهانها هستیم (۱۷)

[برای ابلاغ این پیغام] که بنی اسرائیل را با ما بفرست (۱۸)

[فرعون] گفت، آیا ترا در میان خود بکودکی نپروریدیم و سالها از عمر خود میان ما بسر بردی (۱۹) و کردی آن کار خود را که کردی و تو از ناسپاسان هستی (۲۰)

[موسی] گفت، آنکار آنگاه کردم که از گم گشتگان راه بودم (۲۱)

مرگاه از شما ترسیدم پس از شما فرار کردم. پس پروردگارم مرا حکمت داد و مرا از پیغمبران قرار داد (۲۲)

[آیا] اینست احسانی که منت آن را بر من میگذاری که بنی اسرائیل را غلام گرفته ای؟ (۲۳)

فرعون گفت و آن پروردگار جهان ما چیست؟ (۲۴)

فَاتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾

أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٨﴾

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِيْنَا وَلِيدًا وَوَلِّبْنَا مِنْ  
عَمْرِكَ سِبْيَانَ ﴿١٩﴾

وَفَعَلْتَ فَعَلْتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ  
الْكَافِرِينَ ﴿٢٠﴾

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذْ وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢١﴾

فَقَرَّرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْكُمْ فَوَهَبَ لِي  
رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٢﴾

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمَّتْهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي  
إِسْرَائِيلَ ﴿٢٣﴾

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٤﴾

[موسی] گفت، پروردگار آسمانها  
و زمین و هر چه میان آندو است  
اگر شما باورکنندگان اید (۲۵)

او گفت برای آنانکه پیرامونش  
بودند آیا نمیشنوید؟ (۲۶)

[موسی ادامه داده] گفت، پروردگار  
شما و پروردگار پدران پیشینیان  
شما است (۲۷)

او گفت، یقیناً این رسول شما که  
بسوی شما فرستاده شد حتماً  
دیوانه‌ی است (۲۸)

[موسی] گفت، پروردگار شرق و  
غرب و هر چه میان آندو است  
اگر شما عقل کنید (۲۹)

[فرعون] گفت، اگر معبودی گرفتی  
جز من یقیناً ترا از زندانیان  
خواهم ساخت (۳۰)

[موسی] گفت، آیا اگر چه تو را  
چیزی آشکار بی‌آرم؟ (۳۱)

[فرعون] گفت، پس بی‌آر اگر تو  
از راستگویانی (۳۲)

قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا  
بَيْنَهُمَا ۗ إِنَّكُمْ مُّوقِنِينَ ﴿۲۵﴾

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ﴿۲۶﴾

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿۲۷﴾

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ  
لَمَجْنُونٌ ﴿۲۸﴾

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا  
بَيْنَهُمَا ۗ إِنَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۲۹﴾

قَالَ لِمَنِ اتَّخَذْتَ الْهَاطِرِیَّ لَا جَعَلْتَكَ  
مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿۳۰﴾

قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿۳۱﴾

قَالَ قَاتِبِهِ ۗ إِنَّ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ﴿۳۲﴾

پس موسیٰ عصای خود را بنهاد که  
یکه‌و آن اژدهائی آشکارشد (۳۳)  
پس دست خود را برکشید پس  
ناگاه آن بینندگان را سفید دیده  
میشد (۳۴)

[فرعون] سرداران پیرامون خود  
را گفت، یقیناً این جادوگری ماهر  
است (۳۵)

میخواهد شمارا بزور جادویی خود  
از سرزمین شما بیرون راند. پس  
چه مشورت میدهید؟ (۳۶)

گفتند: کمی فرصت بده او برادرش  
را و گردآوردگان را در شهرها  
بفرست (۳۷)

جمله جادوگران حرفه را نزد تو  
بیآرند (۳۸)

پس جادوگران در روزمعیّن بر  
وعده گاه جمع کرده شدند (۳۹)  
و به مردم گفته شد آیا گردخواهید  
آمد؟ (۴۰)

تا ما جادوگران را دنبال کنیم اگر

قَالَ لَقِيَ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ لُتْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءٌ لِلنَّظِيرِينَ ﴿٣٤﴾

قَالَ لِلْمَلَاحِقَةِ إِنَّ هَذَا السَّحْرُ عَلَيْنَا ﴿٣٥﴾

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ  
بِسِحْرِهِ ۗ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٦﴾

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ  
حُشْرِينَ ﴿٣٧﴾

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرٍ عَلَيْنَا ﴿٣٨﴾

فَجُمِعَ السَّحْرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ  
مَّعْلُومٍ ﴿٣٩﴾

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٤٠﴾

لَعَلَّنَا نَبْغِ السَّحْرَةَ إِنْ كَانُوا هُمْ

الْغُلَبِيِّنَ ﴿۳۱﴾

آنها برترشوند (۴۱)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لِنَأْتِيَنَّكَ

پس چون جادوگران آمدند به فرعون گفتند، آیا ما را پاداشی است

لَأَجْرٍ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغُلَبِيِّنَ ﴿۳۲﴾

اگر برتر آیندگان باشیم؟ (۴۲)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۳۳﴾

[فرعون] گفت، بلی! و یقیناً شما آن

گاه شامل مقربان بشوید (۴۳)

قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقَوْمَا أَأَنْتُمْ مَلْئُوقُونَ ﴿۳۴﴾

موسى به آنها گفت، هر چه [جادوئی]

افکندگانید بینکنید (۴۴)

فَأَلْقُوا جِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعَجْرَةٍ

پس ریسمانهای خود و چوبهای دستی خود را افکندند و گفتند،

سوگند به اقبال فرعون یقیناً ما

غالب آیندگان ایم (۴۵)

فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغُلَبِيُّونَ ﴿۳۵﴾

فَأَلْفَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا

پس موسى عصای خود را انداخت که ناگاه آن شروع کرد به فرو

بردن آن دروغ را که بهم بافته

بودند (۴۶)

يَأْفِكُونَ ﴿۳۶﴾

فَأَلْفَىٰ السَّحَرَةُ سُجُودِينَ ﴿۳۷﴾

پس جادوگران سجده کنان [بر زمین] افکنده شدند (۴۷)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۸﴾

آنان گفتند، ما ایمان آوردیم به

پروردگار همه جهانها (۴۸)

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿۳۹﴾

پروردگار موسى و هارون (۴۹)

[فرعون] گفت، آیا برای او ایمان آورده اید پیش از اینکه به شما اجازه میدادم؟ یقیناً آن بزرگ شاست که شمارا جادوئی آموخته بود پس بزودی بدانید حتماً دستها تان و پاهاتان را از ست مخالف ببرم و حتماً همه شما را به دار کشم (۵۰)

گفتند: هیچ اشکالی ندارد ما که حتماً به سوی پروردگار خود برگشتگانیم (۵۱)

یقیناً ما امید داریم که پروردگار ما خطاهای ما را برای ما بیا مرزد چه ما اولین ایمان آوردگانیم (۵۲)

و بسوی موسی وحی کردیم که بندگان را شبگاه کوچ بده. همانا شما تعقیب کرده شوید (۵۳)

پس فرعون جمع کنندگان را در شهرها فرستاد (۵۴)

[آنها اعلام کردند که] همانا! اینها ناچیز و اندک اند (۵۵)

قَالَ امْتُمُّوْهُ قَبْلَ اَنْ اُذِنَ لَكُمْ ۗ اِنَّهٗ لَكَبِيْرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمْ السِّحْرَ ۚ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۗ لَا قَطْعَنَ اَيْدِيكُمْ وَاَرْجُلِكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَّلَا وَّصَلْبِكُمْ اَجْمَعِيْنَ ۙ

قَالُوْا اَلَا ضِيْرٌ اِنَّا اِلَى رَبِّنَا مُتَّقِلُوْنَ ۙ

اِنَّا نَطْمَعُ اَنْ يَّعْفِرَ لَنَا رَبُّنَا حَطِيْئَاتِنَا اِنْ كُنَّا اَوَّلَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۙ

وَاَوْحَيْنَا اِلَى مُوسَى اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِيْ اِنَّكُمْ مُّتَّبِعُوْنَ ۙ

فَاَرْسَلَ فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حٰشِرِيْنَ ۙ

اِنَّ هٗوَ اِلَّا سَرْدِمَةٌ قَلِيْلُوْنَ ۙ

ع ۷

وَالَهُمْ نَالَعَا يَظُونَهُ ۝۱۹

با این حال یقیناً آنها برای ما  
خشم آرندگانند (۵۶)

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ ۝۲۰

والبته همه ما مواظب ایم (۵۷)  
پس بدر کردیم آنها را از [سرزمین]

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝۲۱

بهشتها و چشمه سار (۵۸)

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۝۲۲

و گنجها و جایگاه معزز (۵۹)

كَذَلِكَ ۝ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝۲۳

اینطور شد و بنی اسرائیل را  
وارث آنها قرار دادیم (۶۰)

فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ۝۲۴

پس آنان بامگاه دنبال ایشان  
افتادند (۶۱)

فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعُ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى

پس هنگامیکه هردو گروه همدیگر  
را دیدند همراهان موسی گفتند

إِنَّا لَمَدْرُكُونَ ۝۲۵

یقیناً ما گیر افتاده ایم (۶۲)

قَالَ كَلَّا ۚ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ۝۲۶

او گفت، هرگز نه. یقیناً پرورگارم  
بامن است و حتماً مرا رهنمائی

کند (۶۳)

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ امْرُؤٌ بِعَصَاكَ

پس بسوی موسی وحی کردیم که  
باعصای خود بردریا ضربت بزن.

الْبَحْرُ ۝ فَأَنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ

پس دریابشکافت. آنگاه هر بخشی  
همانند تپه ای بزرگ بود (۶۴) +

الْعَظِيمِ ۝۲۷

+ آیت ۶۴: این آیت حاکی از عبور کردن دریا حضرت موسی از آنجا است [ص. ۸۶۵]

وَأَرْزَأْنَاكُمْ الْآخِرِينَ ﴿١٥﴾

و گروه بسین را در اینجا [به گروه  
بیشین] نزدیک آوردیم (٦٥)

وَأَجْبِنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٦﴾

و موسی و هر که همراهش بود همه  
را نجات دادیم (٦٦)

ثُمَّ آغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿١٧﴾

سپس بسینیانرا غرق کردیم (٦٧)  
یقیناً در این آیتی بزرگ است  
در حالیکه بیشتر ایشان ایمان  
آوردگان نبودند (٦٨)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ  
مُؤْمِنِينَ ﴿١٨﴾

و یقیناً پروردگارتو حتماً اوست  
که صاحب غلبه کامل بارها رحم  
کننده است (٦٩)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩﴾

و خبر ابراهیم بر آنان بخوان (٧٠)  
چون او به پدر خود قومش گفت،  
چه را عبادت میکنید؟ (٧١)

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ بَنَاءَ إِبرٰهٖمَ ﴿٢٠﴾

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢١﴾

گفتند، بتان را میپرستیم و بخاطر

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عُكْفِينَ ﴿٢٢﴾

بقیه آیت ٦٤: که محل اتصال رودخانه نیل و دریا است. گاهی آب سیل در  
رودخانه نیل از بالا با آن سرعت میآید که گویی دیوار آب میآید. همین طور دریا هم  
هنگام مدّ با موجهای سیل برانگیخته توسعه مییابد. پس خداوند حضرت موسی را  
آنوقت بحفاظت از محل اتصال رودخانه و دریا عبور داد که آبهای آیندو هنوز  
بهم نشده بودند و فرعون و لشکریانش که ایشانرا دنبال میکردند بعلت بهم  
شدن سیل رودخانه و دریا بفرق افکنده شدند.



[پرستش] آنها نشتگانیم (۷۲)  
 او گفت، آیا آنها شمارا گوش کنند  
 چون میخوانید؟ (۷۳)  
 یا شمارا سود میرسانند یا ضرر  
 می زنند؟ (۷۴)  
 گفتند بلکه پدران خود را دیدیم  
 همینطور عمل میکردند (۷۵)  
 او گفت، آیا نگریستید آنچه راشما  
 پرستش میکنید؟ (۷۶)  
 شما و پدرانتان که قبلاً بودند (۷۷)  
 پس یقیناً اینها جز پروردگار جهان  
 ما دشمنان من اند (۷۸)  
 آنکه مرا آفرید پس او مراد هبیری  
 میکند (۷۹)  
 و آنکه مرا می خوراند و می  
 نوشاند (۸۰)  
 و چون مریض شوم آنگاه او مرا  
 شفاء میدهد (۸۱)  
 و آنکه مرا میرانده سپس زنده  
 خواهد کرد (۸۲)  
 و از آنکه امید دارم که روز جزا

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ۞۷۲

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضُرُّونَ ۞۷۳

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ۞۷۴

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۞۷۵

أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ۞۷۶

فَأِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ۞۷۷

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ۞۷۸

وَالَّذِي هُوَ يُطْعَمُنِي وَيَسْقِينِ ۞۷۹

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ۞۸۰

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ۞۸۱

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ

خطاهای مرا ببخشد (۸۳)  
 پروردگارا! مرا حکمت عطا کن و  
 مرا شامل نیکوکاران بنما (۸۴)  
 و برای من زبان راستی در  
 آیندگان قرار بده (۸۵)  
 و مرا از وارثان بهشت پرنعمت  
 بگردان (۸۶)  
 و پدرم را بیامرز. یقیناً او از  
 جمله گمراهان بود (۸۷)  
 و مرا خوار نکنی روزیکه مردم  
 بر خیزانده شوند (۸۸)  
 روزیکه سودی نه بخشد هیچ  
 دارائی و نه پسران (۸۹)  
 مگر آنکه خدا را سلیم الطبع  
 بیاید (۹۰)  
 و بهشت نزدیک متقیان کرده  
 شود (۹۱)  
 و جهنم روبروی گمراهان آورده  
 شود (۹۲)  
 و به آنها گفته شود کجا اند آنها  
 را که شما پرستش میکردید (۹۳)

الدِّينِ ۱۹  
 رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقِيْنِ  
 بِالصَّالِحِيْنَ ۲۰  
 وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِيْنَ ۲۱  
 وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَّرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيْمِ ۲۲  
 وَ اغْفِرْ لِاٰبِيْ اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الصَّالِحِيْنَ ۲۳  
 وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُوْنَ ۲۴  
 يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُوْنَ ۲۵  
 اِلَّا مَنْ اٰتَى اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِيْمٍ ۲۶  
 وَ اُرْلَقَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِيْنَ ۲۷  
 وَ بَرَزَتْ الْجَحِيْمُ لِلْغٰوِيْنَ ۲۸  
 وَ قِيْلَ لَهُمْ اَيْنَمَا كُنْتُمْ تَعْبُدُوْنَ ۲۹

مِنْ دُونِ اللَّهِ ۗ هَلْ يَنْصُرُونَكُم  
أَوْ يَنْتَصِرُونَ ۝۱۶

فرود از خدا. آیا به شما یاری می  
کنند یا انتقام میگیرند؟ (۹۴)  
پس بر روی افکنده شدند در آن  
آنها و سرکشان (۹۵)

فَكُبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ۝۱۷

و جمله لشکرهای ابلیس (۹۶)  
گویند، درحالیکه آنها در آن بهم  
ستیزه کنند (۹۷)

وَجُودُوا لِابْلِيسَ اجْمَعُونَ ۝۱۸

سوگند به خدا بیگمان ما در  
گمراهی آشکار بودیم (۹۸)

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ۝۱۹

و تیکه شمارا با پروردگاره عالم  
ما یکسان قرار میدادیم (۹۹)

تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝۲۰

و مارا کسی گمراه نکرد مگر  
مجرمان (۱۰۰)

إِذْ نَسَوْنَ كُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝۲۱

پس برای ما کسی شفاعت کننده  
نیست (۱۰۱)

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ۝۲۲

و نه دوست صمیمی (۱۰۲)  
پس کاشکی یکبار ما را برگشتی بود

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ۝۲۳

پس از مومنان میشدیم (۱۰۳)  
یقیناً در این آیتی بزرگ است و

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝۲۴

بیشتر ایشان ایمان آوردگان  
نیستند (۱۰۴)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ

مُؤْمِنِينَ ۝۲۵

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۳۶﴾

و یقیناً پروردگار تو است که او صاحب غلبه کامل بارها را حکمکننده است (۱۰۵)

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳۷﴾

قوم نوح هم رسولان را تکذیب کردند (۱۰۶)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۸﴾

هنگامیکه برادر ایشان نوح به آنها گفت آیا تقوی را پیشه نمی کنید؟ (۱۰۷)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿۳۹﴾

یقیناً من برای شما رسولی امین هستم (۱۰۸)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا عَمْرًا

پس خدا را تقوی کنید و مرا اطاعت نمایید (۱۰۹)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۰﴾

و هیچ مزدی از شما برای این نمی خواهم. مزدم فقط بر پروردگار همه جهانها است (۱۱۰)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا عَمْرًا

پس خدا را تقوی فراگیرید و مرا اطاعت نمائید (۱۱۱)

قَالُوا أَنْتُمْ مِنْ لَدُنْكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ ﴿۴۱﴾

گفتند: آیا ترا باور کنیم با آنکه محض فرومایگانی از تو متابعت کرده اند؟ (۱۱۲)

قَالَ وَمَا عَلِيٌّ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۴۲﴾

او گفت، مرا چه دانشی است به

آنچه آنان میکردند (۱۱۳)

حساب ایشان فقط برپروردگاری

است کاشکی دریابید (۱۱۴)

و نیستم طردکننده مومنان (۱۱۵)

من فقط بیم دهنده آشکارا

هستم (۱۱۶)

گفتند، ای نوح! اگر دست برنداری

حتماً از سنگسار شدگان می

شوی (۱۱۷)

[نوح] گفت، پروردگارا! یقیناً قوم

من مرا تکذیب کرده اند (۱۱۸)

پس میان من و میان ایشان

آشکارا قضاوت کن و نجات بده

مرا و آنانکه از مومنان با من

هستند (۱۱۹)

پس او و آنان که با او بودند را

در کشتی بر نجات دادیم (۱۲۰)

پس از آن بازماندگان را غرق

نمودیم (۱۲۱)

یقیناً در این آیتی بزرگ است و

بیشتر از آنان ایمان آوردگان

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوَ تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٥﴾

إِن أَنَا إِلَّا أَنْذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٦﴾

قَالُوا لَيْنَ لَّمْ تَنْتَهَ يٰ نُوحُ لَتَكُونَنَّ

مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٧﴾

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٨﴾

فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحَا وَنَجِّنِي

وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٩﴾

فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ

الْمُسْحُونِ ﴿١٢٠﴾

ثُمَّ أَعْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ ﴿١٢١﴾

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ كَانَ أَكْثَرُهُمْ

مُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾

نبودند (۱۲۲)

و یقیناً پروردگارتو است که  
صاحب غلبه کامل بارما رحم  
کننده است (۱۲۳)

عادیان [نیز] پیغمبران را رد  
کردند (۱۲۴)

هنگامیکه برادر ایشان هود به  
آنها گفت آیا تقویٰ فرا نمی  
گیرید (۱۲۵)

یقیناً من برای شما رسولی امین  
مستم (۱۲۶)

بس خدا را تقویٰ فراگیرید و  
مرا اطاعت کنید (۱۲۷)

مزدی بر این از شما نمیطلبم.  
مردم تنها پروردگار همه جهانها  
است (۱۲۸)

آیا بر هر کدام تبه بیهدف یادگاری  
[بخود بالیده] بنا مکنید؟ (۱۲۹)

و صنایع [گونگون] میسازید تا  
جاویدان باشید (۱۳۰)

و وقتی گرفت و گیر کنید مستمگرانه

ع  
۱۸

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۲﴾

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۲۳﴾

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۲۵﴾

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿۱۲۶﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿۱۲۷﴾

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي

إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۲۸﴾

أَتَّبِعُونَ كِلِّ رِبْعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿۱۲۹﴾

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ

تُخْلَدُونَ ﴿۱۳۰﴾

وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿۱۳۱﴾

گرفت و گیرمیکنید (۱۳۱)

پس خدا راتقوی فراگیرید و

مرا اطاعت کنید (۱۳۲)

و بترسید از او که شمارا با آن

چیزهایاری کرد که میدانید (۱۳۳)

شما را یاری داد با دامها و

پسران (۱۳۴)

و باغها و چشمه سار (۱۳۵)

یقیناً من میترسم بر شما از عذابی

روز بزرگ (۱۳۶)

گفتند، یکسان است بر ما خواه

اندرز کنی یا از اندرز کنندگان

نباشی (۱۳۷)

این فقط خُلق پیشینیان است [که

بما میآموزی] (۱۳۸)

و ما عذاب شدگان نیستیم (۱۳۹)

پس او را رد کردند پس آنها را

هلاک نمودیم. یقیناً در این آیتی

بزرگست اما بیشترشان مومنان

نیستند (۱۴۰)

و یقیناً پروردگارتو صاحب غلبه

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا عَزَّ

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ عَزَّ

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ عَزَّ

وَجَنَّتٍ وَعُيُونٍ عَزَّ

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

عَظِيمٍ عَزَّ

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ

مِّنَ الْوَعِظِينَ عَزَّ

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ عَزَّ

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ عَزَّ

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ عَزَّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً عَزَّ

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ عَزَّ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ عَزَّ

عَزَّ

کامل و بارها رحم کننده  
است (۱۴۱)

ثمودیان [نیز] پیغمبران را  
تکذیب کرد (۱۴۲)

هنگامیکه برادر ایشان صالح به  
آنان گفت آیاتقوی' راپیشه نمی  
کنید؟ (۱۴۳)

براستی من برای شما رسولی  
امین هستم (۱۴۴)

پس خدا را تقوی' اختیار کنید و  
مرا اطاعت کنید (۱۴۵)

و مزدی بر این از شما نمیخواهم.  
مزدم تنها بر پروردگار همه جهانها  
است (۱۴۶)

آیا در اینجا امین رها کرده  
شوید؟ (۱۴۷)

در باغها و چشمه سار (۱۴۸)  
و کشتهها و خرماها که شکوفه های  
آنها پربار است (۱۴۹)

و مهارت را بکار برده در کوهها  
خانه ها میتراشید (۱۵۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا عَمْرًا ﴿١٤٤﴾

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنْ أَجْرِيَ

إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾

أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هُمْ بِأَمِينٍ ﴿١٤٦﴾

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٨﴾

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ ﴿١٤٩﴾



فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا<sup>١٥١</sup>

پس خدا را تقویٰ فراگیرید و  
مرا اطاعت کنید (١٥١)

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ<sup>١٥٢</sup>

و فرمان از تجاوزگران نه  
برید (١٥٢)

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

آنانکه در زمین فساد میکنند و به  
اصلاح نمیپردازند (١٥٣)

وَلَا يُصْلِحُونَ<sup>١٥٣</sup>

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمَسْحُورِينَ<sup>١٥٤</sup>

گفتند، یقیناً تو فقط از جمله آنان  
هستی که حواس از جادویی پرت  
کرده شوند (١٥٤)

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بآيَاتٍ إِنْ

نیستی توجز بشری همانندما، پس  
بیآرآیتی اگر تو از راستگویان  
هستی (١٥٥)

كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ<sup>١٥٥</sup>

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شَرْبٌ وَلَكُمْ شَرْبٌ

او گفت، این ناقه است که برای  
آن نوبت آب خوردن است و شما  
را [هم] نوبت آب است در روز  
معین (١٥٦)

يَوْمٍ مَّعْلُومٍ<sup>١٥٦</sup>

وَلَا تَمْسُوها بِسَوْءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ

پس آنرا بقصد سوئی دست نزنید  
وگرنه عذاب روزی بزرگ شما  
را فرا گیرد (١٥٧)

يَوْمٍ عَظِيمٍ<sup>١٥٧</sup>

فَعَقَرُوا وَهَا قَاصِبًا صَبَحُوا إِذْ مِينًا<sup>١٥٨</sup>

پس آنرا پی کردند پس سخت  
پشیمان شدند (١٥٨)

پس عذاب آنها را در گرفت. یقیناً در  
این آیتی بزرگست و بیشتر آنها  
ایمان آوردگان نبودند (۱۵۹)

و یقیناً پروردگار تو صاحب  
غلبه کامل بارما رحم کننده  
است (۱۶۰)

قوم لوط [هم] رسولان را تکذیب  
کرده بودند (۱۶۱)

چون برادر ایشان لوط به آنها  
گفت آیا شما تقوی اختیار نمی  
کنید؟ (۱۶۲)

براستی من برای شما رسولی  
امین هستم (۱۶۲)

پس خدا را تقوی اختیار کنید و  
مرا اطاعت کنید (۱۶۴)

و مزدی بر این از شما نمی  
خواهم. مزدم فقط بر پروردگار  
مه جهانها است (۱۶۵)

آیا در سراسر جهان نزد مردان  
میآید؟ (۱۶۶)

و آنرا ترك میکنید که خدا برای

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا  
كَانَ أَكْثَرَهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۱۵۹﴾

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶۰﴾

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۶۱﴾

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۶۲﴾

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿۱۶۲﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا عَمَلًا ﴿۱۶۴﴾

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنْ أَجْرِيَ  
إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۵﴾

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۶﴾

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ

شما از مسران شما آفرید؟ بلکه  
شما قوم تجاوزگرانید (۱۶۷)

گفتند، ای لوط! اگر تو باز نیایستی  
حتماً تو از [شهر] بیرون رانندگان  
خواهی شد (۱۶۸)

او گفت البته من از کردار شما  
بیزارم (۱۶۹)

پروردگارا! امن و اهل مرا نجات  
بده از آنچه آنها میکنند (۱۷۰)

پس نجات دادیم او و اهلش  
مگانی را (۱۷۱)

مگر پیر زنی که از باز ماندگان  
بود (۱۷۲)

پس دیگرانرا هلاک کردیم (۱۷۳)

و بارانی بر آنها بارانیدیم. پس  
بسیار بد بود بارانی برای بیم  
دادگان (۱۷۴)

یقیناً در این آیتی بزرگ است و  
بیشتر ایشان مومنان نبوده  
اند (۱۷۵)

و یقیناً پروردگار تو است که

أَرْوَا جِكْمَ ۖ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿۱۶۷﴾

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ  
الْمُخْرَجِينَ ﴿۱۶۸﴾

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿۱۶۹﴾

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿۱۷۰﴾

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿۱۷۱﴾

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغُبَرِ ۚ ﴿۱۷۲﴾

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿۱۷۳﴾

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ  
الْمُنذَرِينَ ﴿۱۷۴﴾

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ  
مُؤْمِنِينَ ﴿۱۷۵﴾

وَأَنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۷۶﴾

صاحب غلبه کامل بارها رحم

کننده است (۱۷۶)

اهل بیشه [هم] پیغمبران را

تکذیب کردند (۱۷۷)

چون شعیب به آنها گفت آیا

تقویٰ فرانمیگیرید؟ (۱۷۸)

یقیناً من برای شما رسولی امین

هستم (۱۷۹)

پس خدا را تقویٰ پیش گیرید و

مرا اطاعت کنید (۱۸۰)

و مزدی بر این از شما نمیخواهم.

مزد من فقط بر پروردگار همه

جهانها است (۱۸۱)

کیل کامل دهید و از کم دهندگان

نباشید (۱۸۲)

و با ترازوی راست وزن

کنید (۱۸۳)

و بمردم کالاهای ایشان کم ندهید

و مفسدانه در زمین ناامنی را

گسترش ندهید (۱۸۴)

و برسید از آنکه آفرید شمارا و

كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٦﴾

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿٧٨﴾

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿٧٧﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا عَمَّ

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنْ أَجْرِيَ

إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨١﴾

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ

الْمُخْسِرِينَ ﴿٨٢﴾

وَزِنُوا بِالْقِسْطِ ۖ أَلْمُسْتَقِيمِ ﴿٨٣﴾

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْمُوا

فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٨٤﴾

وَأْتُوا الذِّئْبَ خَلْقَكُمْ وَالْجِلَّةَ الْأُولَىٰ ﴿٨٥﴾

آفرینش اولین را (۱۸۵)  
 گفتند، تو فقط از جادو حواس  
 پرت شدگانی (۱۸۶)  
 نیستی تو جز بشری مانند ما و تورا  
 از دروغگویان میپنداریم (۱۸۷)  
 پس بیفکن بر ما پاره‌ی از آسمان  
 اگر تو از راستگویانی (۱۸۸)  
 [شعیب] گفت، پروردگارم داناتر به  
 آن کار است که میکنید (۱۸۹)  
 پس او را رد کردند. آنگاه آنها را  
 عذاب روز ابر مهلك سایه افکن  
 فرا گرفت یقیناً آن عذاب روزی  
 بزرگ بود (۱۹۰)  
 یقیناً در این آیتی بزرگست و  
 بیش تر ایشان ایمان آوردگان  
 نبوده اند (۱۹۱)  
 و یقیناً پروردگارتو صاحب غلبه  
 کامل بارها را حکمکنده است (۱۹۲)  
 و یقیناً این [کلام] نازل کرده از  
 پروردگار همه جهانهاست (۱۹۳)+  
 روح الامین با آن نازل آمد (۱۹۴)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمَسْحُورِينَ ﴿١٨٥﴾

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ

الْكَذِبِينَ ﴿١٨٦﴾

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ  
 مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾

قَالَ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ

الظُّلَّةِ ۗ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ

مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾

ع  
 ١٩٤

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ۗ

بر دل تو تا تو از بیم دهندگان  
شوی (۱۹۵) ++

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ۗ

بزبان عربی آشکاراست (۱۹۶) ++  
و یقیناً این در صحیفه های پیشین  
[مذکور] بود (۱۹۷) ++

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ۗ

آیا آنان را نشانه ای نیست که  
علمای بنی اسرائیل [هم] آن را  
می دانند (۱۹۸) ++

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ  
بَنِي إِسْرَائِيلَ ۗ

و اگر آن را بر کسی از عجمیان  
نازل میکردیم (۱۹۹)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ۗ

پس او آن را بر آنها فرو می  
خواند نبودند که به آن ایمان می  
آوردند (۲۰۰)

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ۗ

اینطور آن [امر] را بداخل دلهای  
مجرمان کرده ایم (۲۰۱)

كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۗ

[که] به آن ایمان نیآوردند تا آنگاه  
که عذابی دردناک را رویت  
کنند (۲۰۲)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۗ

++ آیات ۱۹۳-۱۹۸: قرآن کریم بوسیله حضرت جبرائیل علیه السلام نازل کرده شد

که دومین نام ایشان الروح القدس نیز است و آن بر قلب آنحضرت ﷺ جاری کرده شد.

فَيَأْتِيهِمْ بَعَثَةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٤٢﴾

پس آن ایشان را ناگهان آید در  
حالی که آنان درک هم نه  
کنند (۲۰۳)

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢٤٣﴾

پس گویند، آیا ما مهلت دادگان  
ایم؟ (۲۰۴)

أَفِعْدَابِئِنَّا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٤٤﴾

پس آیا عذاب ما را زود می  
خواهند (۲۰۵)

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٤٥﴾

پس آیا نگرستی اگر آنانرا چند  
سال بهره ای برسانی (۲۰۶)

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٤٦﴾

سپس آنان را آید از آنچه بیم  
داده میشدند (۲۰۷)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَمْتَعُونَ ﴿٢٤٧﴾

هیچ بکارایشان نیاید آنچه بهره  
موقتی که رسانده میشدند (۲۰۸)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا  
مُنذِرُونَ ﴿٢٤٨﴾

و هیچ شهری را ملامت نکردیم مگر  
برایش بیدمندگان بودند (۲۰۹)

[این] ذکر بسیار [عبرتناك] است و  
مرکز ماستگران نبودیم (۲۱۰)

و شیطانها با این [وحی] نازل نه  
شدند (۲۱۱)

ذِكْرِي <sup>ث</sup> وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٤٩﴾

و نه آنها را سزاوار است و نه آنها  
[اینرا] استطاعت دارند (۲۱۲)

وَمَا تَزَلَّتْ بِهِ الشَّيْطَانُ ﴿٢٥٠﴾

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢٥١﴾

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُؤُلُونَ ﴿۲۱۳﴾

یقیناً آنها از شنیدن [کلام الهی]  
ممزول شده اند (۲۱۳)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ  
الْمُعَذِّبِينَ ﴿۲۱۴﴾

پس با خدا هیچ معبودی دیگر را  
نخوان و گرنه از عذاب شدگان  
بشوی (۲۱۴)

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿۲۱۵﴾

و قبیله یعنی قراابتداران خود را  
بترسان (۲۱۵)

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ  
الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۱۶﴾

و بال خود را فرود آر بر آنان  
از مومنان که تو را پیروی می  
کنند (۲۱۶)

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا  
تَعْمَلُونَ ﴿۲۱۷﴾

پس اگر از تو نافرمانی کنند پس  
بگو براستی من برکنارم از آن  
کار که میکنید (۲۱۷)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿۲۱۸﴾

و توکل کن بر صاحب غلبه کامل  
بارها رحم کننده (۲۱۸)

الَّذِي يَرَبُّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿۲۱۹﴾

آنکه می بیند تو را چون بپا  
ایستی (۲۱۹)

وَتَقَلَّبَكَ فِي السُّجُودِ ﴿۲۲۰﴾

و ببقراری تو را در سجده  
کنندگان (۲۲۰)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۲۲۱﴾

یقیناً او بسیار شنوای صاحب علم  
دائمی است (۲۲۱)



هَلْ أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيْطَانُ ۖ ﴿۳۱﴾

آیابتو خبر کنم بر آنکه شیطانها  
بکثرت نازل می‌آیند (۲۲۲)

تَنْزِيلَ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ ۖ ﴿۳۲﴾

نازل می‌آیند بکثرت بر هر کدام  
دروغ پردازی گناهمکار (۲۲۳)

يُلْفُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَذِبُونَ ۖ ﴿۳۳﴾

گوش [به سخنان آنها] فرامی‌دهند و  
از آنها بیشتر دروغ‌گویانند (۲۲۴)

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ۗ ﴿۳۴﴾

نسبت به شاعران، تنها گمراهان  
آنها را پیروی میکنند (۲۲۵)

الْمُرْتَدَّاهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهيمُونَ ۗ ﴿۳۵﴾

آیا نمی بینی که آنها در هر وادی  
سرگردانند (۲۲۶)

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ۗ ﴿۳۶﴾

و اینکه آنها می‌گویند آنچه عمل  
نمیکنند (۲۲۷)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا  
ظَلَمُوا ۗ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ

مگر آنان [از آنها] که ایمان  
آوردند و شایسته کاری کردند و

خدا را زیاد ذکر کردند و انتقام  
گرفتند از پس آنچه ستم شدند

و کسانی که ستم کردند خواهند  
دانست که به کدام بازگشتگامی

﴿۳۶﴾

مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ۗ ﴿۳۷﴾

برگردند (۲۲۸)

## ۲۷ النمل

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۹۴ آیه دارد.

آغاز این سوره با حروف مقطعات طسّ میشود. خدای سبحان طیب است و او حضرت محمد رسول الله ﷺ را نیز طیب بوجود آورد و بر طیب شیاطین نازل نمیشوند. لذا احتمالاً این کلام از چنین خدای طیب است که بسیار صاحب حکمت است و او وحی طیب و پر حکمت را بر بنده طیب خود فرستاد.

ضمناً ذکر از حضرت موسی بازگو کرده گفته میشود خداوند بندگان پاک خود را بوسیله وحی متبارک مینماید. چنانکه آیت ۹ حاکی از این است که آن بندگان نیکوکار خدا که نور خدا را تلاش میکنند خداوند ایشان را جلوه نور خود نشان داده بسوی برکات میخواند.

پس از این ذکر از حضرت داؤد علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام میرود که مشتمل بر بسیار چنین امورات است که از مصطلحات قرآنی پرده ای برداشته و انسان را از تاریکیها بروشنی درمیآرد. اما در این موضوع بسیاری از چنین آیاتی متشابه شامل است که از آن کسانی که در دلهای ایشان کجی است به ژرفای موضوع نرسیده گمراهرتر میشوند. از آنجمله بیشتر از همه قابل توجه منطق الطیر است. منطق الطیر از روی قرآن زبان آنان است که همچون مرغان در آسمان پرواز میکنند یعنی در زبان آسمانی گفتگو میکنند. این خیال درست نیست که حضرت سلیمان علیه السلام به آن زبان دانا بودند که در آن مرغان بهم حرف میزدند. بسیاری آیتهای این سوره این سوء زن را رد میکنند. بمنوان مثال به فرموده قرآن قوم نمل بهم حرف میزدند و حضرت

سلیمان آنرا فهمیدند. اگر منظور از نمل بجای قوم نمل به گفته بعضی از مفسران مورچه های پنداشته شود باز هم مورچه که طیر یعنی پرنده ای نیست. پس حضرت سلیمان که منطق الطیر اعطا شده بودند چطور زبان مورچه ها را درک کردند.

بعلاوه گفته میشود که در ارتش حضرت سلیمان علیه السلام لشکر پرندهگان نیز بود که سرداران آن سراغ ملکه سبارا گرفته به دربار وی رسید. چون او بازگشت علت از عدم حضور خود را بیان کرد، از آنچه چنین برمیآید که گویی او تمامی آن سخنان را که در دربار ملکه گفته شد، درک میکرد. جالب اینست که زبان درباریان و ملکه که زبان پرندهگان نبود. ضمناً وقتیکه او نامه حضرت سلیمان را به ملکه ارائه داد باز هم آن گفتگو که میان ملکه و درباریان صورت گرفت آنهمه در زبان انسانی بود و آن پرنده توانست درک کند. مجلاً میتوان گفت که در این سوره همه قصه ها و اساطیر را نسبت به کلمات منطق الطیر رد کرده همین معنا مورد تایید قرار داده میشود که بندگان خدا در زبان آسمانی صحبت میکنند.

ضمناً ملکه از روی سیاسی برتری حضرت سلیمان را قبول کرده بود اما هنوز در حقیقت دست از دین خود برداشته به دین توحید حضرت سلیمان داخل نشده بود. برای فهماندن این امر کارایگران حضرت سلیمان علیه السلام چنین فرشی را در دربار ایشان درست کردند که آن مانند شیشه میدرخشید و ایجاد احساس مینمود که آن نه فرش بلکه آب است. بنابراین ملکه سببرای پرمیز از آب جامه را از ساقهای خود برداشت. آنگاه حضرت سلیمان بدو پند دادند که خورشید نیز که مثل این منبع نور بچشم میخورد

درحقیقت فیض از نور خدا حاصل میکند و آنانکه اینرا منبع نور می پندارند همینطور فریب میخورند که نگاه ملکه سبا فریب خورد. پس از این سخن ملکه به حقیقت امرحالی شد که هر سو فقط جلوه خدا است و باقی جلوه ها همگان فریب نظر است.

سپس پیوسته ذکر از آن پیغمبران میرود که چون ایشان پرچم توحید را بلند کردند، ملت‌های مشرک بطوریکه قوم سبأ مشرک بود تکراراً ایشان را رد کردند و اگرچه خداوند قوم سبأ را بعلمت هدایت یافتن ایشان بخشود اما دیگران بعلمت دنبال کردن راه شرک، ملامت کرده شدند.

سپس فرمود که موضوع توحید خداوندی که سرچشمه حیات است همچون باران برانبیاء نازل میشود. لذا زندگی مادی هم متکی برآب آسمانی است و زندگی روحانی هم به انبیا از فیض آب آسمانی حاصل میشود.

درضمن سؤال برداشته شده است که آیا گذشته از خدا هیچ هم خدای ساخته میتواند نظام باریدن آب شفاف را تنظیم کند؟ این موضوع بر این سخن بپایان رسانده شد که خداوند بمیان دریاها مانعی درست کرده است. این موضوعی است که همچون آب آسمانی بر رسول الله ﷺ نازل شد وگرنه در زمان ایشان هیچ نوع معلومات علمی یا جغرافیائی وجود نداشت. موضوعی که قرآن مجید درباره مانعی بمیان دریاها بیان کرده است در حقیقت در این یک پیشگوئی پنهان بود که باید هنگام راست آمدن آن برای کاوشگران ایمان افروز اثبات میشد - یعنی خداوند دریاها را که میان آنها مانعی ناقابل عبور ساخته شد، بهم خواهد پیوست. درباره این موضوع پیشگوئی آشکار درآیت‌های دیگر مزبور است.

اکنون همان موضوع دعا را که پیوسته در چند سوره های گذشته جاری است بازگو کرده فرموده میشود که چون يك در مانده دعا میکند خدا آنرا مستجاب مینماید. امری شگفت انگیز اینست که این موضوع نیز تعلق به دریاها دارد. بطوریکه به گفته آیتهای دیگر چون بعضی مردم گرفتار در طغیان دریاها نومید میشوند و در نهایت وضع آشفتهگی و بیقراری خدای متعال را میخوانند، او آنانرا از آن طغیان هولناک نجات داده به خشکی می رساند. ولی با وجود این نجات و قتیکه بعضیها مجدداً بسوی شرك باز میگردند پس خداوند بر این امر قدرت مند است که آنانرا در خشکی فروبرد. این موضوع بتفصیل در آیتهای دیگر نیز بیان شده است و در عین حال در قرآن مجید ذکر از آنانکه در زمین فرو برده شدند نیز یافت میشود. بعنوان مثال امروز نیز دیده میشود که به گاه ما در صورت زلزله ما شهرهای بزرگ بر اثر انفجار زمین بخاک کرده میشوند.

در ادامه این موضوع فرموده شد که بایستی انسان فکر کند که کیست که در تاریکیهای دشت و دریا او را از مرنوع مخاطرات نجات میدهد؟ آیا معبودی دیگر جز خدا است؟ دنبال این فرمود، کیست که نخست بار تخلیق میکند و پس آن تخلیق را مدام تکرار میکند؟ آیا معبودی دیگر هم جز خدا است؟ این عبارت از این درس است که قتیکه آنان می بینند که نخست بار هم همان خدای متعال میآفریند [و گرنه آغاز آفرینش را هیچ راهی نیست] و سپس روزانه همان عمل را پیوسته تکرار کرده هر آن در تمام دنیا از برکت آب زندگی گوناگون را از خاک در میآورد، دیگر چطور ممکن است که او به انجام این امر ناتوان بماند که انسان را پس از مرگش بخواسته خود دوباره

زنده بنماید؟ اما چنانکه آنها را بر آخرت هیچ دانشی نیست بنابراین بجهت دوباره زنده شدن خود مردد میمانند. خداوند رسول الله ﷺ را از روی این پس منظر خطاب کرده فرمود که مثل کافران و مشرکان همچون دو میت است و صدای تو به مردگان نمیرسد. پس وقتی که تو آنان را بسوی هدایت میخوانی صدای تو به این کران عقل نمیرسد. بر همین منوال کوران رانیز نور تو هیچ بهره ای نمیرساند زیرا که برای دنبال کردن نور باید چشمان نیز دارای نور باشند.

در آیت ۸۲ هشدار بزرگ است به آنهایی که زندگی را روی زمین همچون جانوران میگذرانند که جنبنده ای زمینی به کیفر آنها گمارده خواهد شد. اینجابر "تکلمهم" مردومعنا اطلاق میشود. یکی معنایست که آن جنبنده تکلم خواهد کرد یعنی در زبان حال با آنها تکلم خواهد کرد و معنای دیگر اینست که آن آنها را گزیده و آنها به مرضی بسیار هولناک گرفته خواهند شد. پس در این آیه کریمه کلمات "دابة الارض" حاکی از آن موشهای است که هم دابة اند و هم روی زمین موجب گسترش مرض طاعون میباشند. آن کرمهای بر پشت اینها سوار اند که از نیش زدن آنها طاعون گسترش مییابد.

کوه ها را مردم در زمان رسول الله ﷺ جامد میپنداشتند. ولی آیت ردیف ۸۹ حاکی از اینست که آنها با اینکه محکم در زمین پیوست اند همچون ابرها مدام پرواز میکنند. در این مورد هیچ استنباط نتوان کرد جز اینکه آنها نیز همراه با زمین مانند ابرها گردش میکنند. آخرین قسمت این آیت قطعی اثبات کرده که مترخدائی که این کوه ها را در زمین میخکوب کرده است چطور از آن تنقید توان کرد؟ اینجا این اندیشه نیز ازاله کرده شد که این واقعه

روزقیامت صورت خواهدگرفت. روز قیامت که هیچ چشم این کوه ها را پرواز کنان نخواهد دید و اگر کوه ها آنروز پروازکنند این برخلاف ادعای اتقن کلّ شیء خواهدبود. بنابراین چاره ای نیست جزاینکه انسان قبول کند که کوهها درزمین آنگونه گردش میکنند که ابرها درآسمان پروازکرده بچشم میخورند. این همه امور بیان میشود تا دانشمندان بخود ببندند که خدای متعال پروردگارایشان صانع بزرگ است.

درآخرین آیه این سوره این وعده داده میشود که نشانه های مذکور برای نوع انسان حتماً بظهور رسانده خواهند شد. آنها شامل هم نشانه های زمینی و هم نشانه های آسمانی میباشند و اهل علم در زمان آینده به این امر گواهی خواهندداد که چنانکه قرآن مجیدفرموده بودعیناً همانطورصورت گرفته است.

☆ سُوْرَةُ النَّمْلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ أَرْبَعٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَ سَبْعَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

طَیِّبٌ وَ سَمِیْعٌ - پاک و بسیار

شنوا - این آیات از قرآن و

کتابی آشکار است (۲)

هدایت و مژده است مومنان

را (۳)

آنانکه نمازراپای دارند و زکوت

میدمند و آنانکه ایشان به آخرت

یقین دارند (۴)

یقیناً کسانیکه به آخرت ایمان

ندارند برای آنها اعمالشان مزین

نشان داده ایم پس آنها سرگردان

میشوند (۵)

مانهاند که برایشان عذابی بد

است و آنها در آخرت زیانکارتر

اند (۶)

و یقیناً قرآن به تو از نزد صاحب

بسیارحکمت صاحب علم در داده

طَسَّ تِلْكَ آيَاتِ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ

مُؤْمِنِينَ ①

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ②

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ③

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّاتٌ لَهُمْ

أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ④

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي

الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ ⑤

وَإِنَّكَ نَتَلَقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ

عَلِيمٍ ⑥



میشود (۷)

هنگامیکه موسی به اهل خود گفت  
به راستی من آتشی میبینم. پس  
یا از آنجا برای شما خبری میآرم یا  
برای شما پاره آتش میآرم تا شما  
گرم شوید (۸) +

پس چون نزدش آمد ندا داده شد  
که برکت داده شد آنکه در این  
آتش است و آنکه پیرامون آنست  
و پاک است خدا پروردگار همه  
جهانها (۹) ++

ای موسی! یقیناً این [خطاب کننده]  
منم خدا صاحب غلبه کامل صاحب  
حکمت (۱۰) ++

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا  
سَاتِيكُمْ مِنْهَا خَبِرَ أَوْ آتِيكُمْ بِشَهَابٍ  
قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي  
النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسَبَّحْنَ اللَّهَ رَبَّ  
الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾

يُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تُهْتَزُّ كَانَهَا

++ آیات ۸-۱۰: در این سه آیت سخن از واقعه نازل شدن وحی بر حضرت موسی  
رفته است چون ایشان با خانواده خود از مدین مهاجرت کرده بسوی مصر باز می  
گشتند. آنوقت زمستان بود و ایشان به آتش نیاز داشتند. ایشان برکوه طور شعله ی  
روشن آتش سان دیدند. اما چون ایشان آنجا رسیدند هیچ آتش نبود بلکه بخشی از  
درخت بطور فوق العاده روشن دیده میشد. آنگاه خداوند برایشان وحی فرستاد  
که آنچه را تو آتش سان روشن می بینی آن آتش نیست بلکه نور من میدرخشد. این  
تشبیلی است.

جَانٌّ وَّلِيٌّ مُدْبِرًا وَّلَمْ يَحْقُبْ ط اِمْرًا  
لَا تَخَفْ ۖ اِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ  
الْمُرْسَلُونَ ﴿۱۱﴾

آن را حرکت کننده دید گویی آن  
ماری بود، پشت کرده برگشت و  
پشت سر نگاه نکرد. ای موسی!  
نترس. همانا رسولان در قرب من  
نمیترسند (۱۱)

اَلَا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلْ حِسَابًا بَعْدَ سُوْءٍ  
فَاِنِّي غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۲﴾

مگر آنکه ستم کرد سپس بدی را  
به نیکی تبدیل نمود پس یقیناً من  
بسیار آمرزنده‌ی بارها را حکمکننده  
ام (۱۲)

وَاَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ  
بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوْءٍ ۖ فِي تَسْعِ اَيْتٍ اِلَى  
فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ ۖ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا  
فٰسِقِيْنَ ﴿۱۳﴾

و دست خود را بداخل گریبان  
خود کن آن بدون عیب درخشان  
بیرون آید. [ایندو] شامل که نشانه  
است بسوی فرعون و قومش البته  
آنها قومی زشت کردارانند (۱۳)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ اٰيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوْا هٰذَا  
سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿۱۴﴾

پس چون آنها را آیتهای بینش  
بخش ما آمد گفتند، اینکه جادوئی  
آشکار است (۱۴)

وَجَحَدُوْا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا اَنْفُسُهُمْ  
ظُلْمًا وَّعُلُوًّا ۖ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ  
الْمُفْسِدِيْنَ ﴿۱۵﴾

و ظلم و سرکشی کنان به آنها  
انکار کردند با آنکه دلهای ایشان  
آنها را باور کرده بودند. پس بنگر  
فرجام مفسدان چگونه است (۱۵)

یقیناً داود و سلیمان را دانشی فراوان داده بودیم و مردو گفتند، ستایش مطلق برای خداست آنکه ما را بر بیشتر از بندگان مومن خود برتری داد (۱۶)

و سلیمان وارث داود شد و گفت، ای مردم! ما زبان پرندگان آموخته شده ایم و ما را از هر چیز ارزانی داده شد. یقیناً این فضلی آشکار است (۱۷)

و برای سلیمان لشکریانش از جنها و انسانها و پرندگان گرد آورده شدند پس آنها جداگانه صف آرایی شدند (۱۸)

تا آنگاه که چون بر وادی نمله رسیدند زنی گروه نمل گفت: ای قوم نمل! در خانه های خود بیایید [تا] سلیمان و لشکریانش شمارا له نکنند حالیکه ایشانرا احساس هم نباشد (۱۹)

پس [سلیمان] از سخنش تبسم

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ  
عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۶﴾

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ  
عَلِمْنَا مَقْطِعَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِمَّا  
شِئْتُمْ ۗ إِنَّ هَذَا هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿۱۷﴾

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِبِّ  
وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿۱۸﴾

حَتَّىٰ إِذَا اتَّوَعَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ ۗ قَالَتْ  
نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسْكِنَكُمْ ۗ لَا  
يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا  
يَشْعُرُونَ ﴿۱۹﴾

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ

أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي  
أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ  
صَالِحَاتٍ تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي  
عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٠﴾

نمود و گفت، پروردگارا! توفیقم بده  
که شکر آن نعمت بجا آورم که بمن  
و والدینم ارزانی داشتی و این  
که نیکوکاری کنم که تو را خوش  
آید و مرا برحمت خود به داخل  
بندگان نیکوکار خود بنما (۲۰)

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى  
الْهُدُودَ ۗ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢١﴾

و او انسانی بلند خیال را ناپیدا  
یافت پس گفت مرا چیست که  
هدمد را نمی بینم یا او از غیبت  
کنندگان است (۲۱) ++

لَأَعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَا أَدْجُحُنَّهُ  
أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَنِ مُبِينٍ ﴿٢٢﴾

حتماً او را سخت عذاب دهم یا  
او را بکشم یا باید [بدفاع خود]  
مرا دلیلی محکم بیآورد (۲۲)

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطَّتْ بِمَا  
لَمْ تُحِظْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبِيلٍ  
بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿٢٣﴾

پس [سلیمان] را دیری نپایید که او  
[هدمد] آمد و بمحض رسیدن گفت،  
آن امری را فرا گرفته ام که تو آن  
را فرانگرفتی و تو را خبر حتمی از  
قوم سبا آورده ام (۲۳)

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ

براستی من زنی را دیدم که بر

++ آیت ۲۱: "طیر" بمعای بلند خیال انسان است [غریب القرآن]. "هدمد" در عبرانی

"هدد" اسم یکی ژنرال از ارتش حضرت سلیمان بود [جیوش انسانی کلوبیدیا].

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَوَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٤﴾

آنها حکمرانی میکرد و او را هر  
چیز ارزانی داشته شد و وی را  
تختی بزرگ است (٢٤)

وَجَدْتُهُمْ وَاقَوْمَهُمْ يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ  
دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ  
فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٥﴾

و آن [زن] و قومش را جز خدا به  
خورشید سجده کنان دیدم و  
شیطان اعمال آنها را به آنها زیبا  
بنمایش گذارده است. پس آنها را  
از راه راست بازداشته است پس  
آنها هدایت نیابند (٢٥)

أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ  
وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٦﴾

[شیطان آنها را برانگیخته است]  
که آن خدا را سجده نکنند که چیز  
های پوشیده در آسمانها و زمین را  
درآورد و میداند آنچه نهان کنید  
و آنچه عیان کنید (٢٦)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ  
الْعَظِيمِ ﴿٢٧﴾

خدا است که نیست معبودی جز  
او و او پروردگار عرش عظیم  
است (٢٧)

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ  
الْكَذِبِينَ ﴿٢٨﴾

[سلیمان] گفت، ما بررسی میکنیم  
آیا راست گفتی یا تو از دروغ  
گویانی (٢٨)

إِذْ هَبُّ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ

این نامه من ببر و آنرا روبروی

تَوَلَّ عَنْهُمْ فَأَنْظِرْ مَاذَا يَرِجِعُونَ ﴿۳۱﴾

ایشان بگذار سپس از آنها بگرد  
و بنگر که چه پاسخ میدهند (۲۹)  
[این نامه را دیدید و] ملکه گفت، ای  
سرداران! یقیناً نامه ای گرامی به  
سوی من فرستاده شد (۳۰)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْاِئِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكِ كِتَابٌ  
كَرِيمٌ ﴿۳۱﴾

همان‌آن از سلیمان است و البته  
اینست، بنام خدا بسیار بخشنده و  
بارها رحم کننده (۳۱)

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمٍ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ ﴿۳۱﴾

اینکه بر علیه من سرکشی نکنید و  
مرا فرمانبرداران بی‌آیید (۳۲)  
[ملکه] گفت، ای سرداران! در کار  
من رای دهید. نیستم من امری را  
سپری کنم تا بمن رای دهید (۳۳)  
گفتند، ما دارندگان نیروئی و جنگ  
جویان سرسخت هستیم در حالی  
که امر کردن بتو است، پس بخود  
بیاندیش تا چه امر کنی (۳۴)

أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿۳۲﴾

ملکه گفت، براستی پادشاهان چون  
وارد شهری شوند آنرا فاسد کرده  
و عزتمندان از ساکنان آنرا خوار  
گردانند و همین‌طور میکنند (۳۵)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا  
كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ ﴿۳۳﴾

قَالُوا نَحْنُ أَوْ لَوْ قُوَّةٌ وَأَوْ لَوْ آبَائُ  
شَدِيدٌ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا  
تَأْمُرِينَ ﴿۳۴﴾

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً  
أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعزَّةَ أَهْلِهَا  
أَذَلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿۳۵﴾

وَإِن مَّرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنظُرْهُ  
بِمَا يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٦﴾

والبته من هدیة ی بسوی ایشان  
می فرستم. پس منتظر میشوم که  
فرستادگان با چه [جوابی] باز می  
گردند (٣٦)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمٌ قَالَ أَتِمِدُّوْنَ بِمَالِ  
فَمَا آتَىٰ اللهُ خَيْرٌ مِّمَّا أَتَيْتُمْ ۚ بَلْ أَنْتُمْ  
بِهَدِيَّتِكُمْ تُفْرِحُونَ ﴿٣٧﴾

پس وقتیکه [فرستاده] سلیمان را  
آمد او گفت، آیامیخواهید مرا با  
مال کمک کنید حالیکه آنچه خدا  
بمن در داده است خیلی بهتر از  
آنچه است که بشاد داده شد اما شما  
بهدیة خود خرسند میشوید (٣٧)

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ  
لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ  
صَغِيرُونَ ﴿٣٨﴾

[ای فرستاده] بسوی ایشان باز گرد  
والبته ما نزد ایشان با لشکرهای  
میآیم که آنرا طاقت [مقابله]  
آنها نباشد و آنها را از آن [شهر]  
خوار بیرون کنیم حالیکه آنها  
بیچارگانند (٣٨)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَا بَنِي بَعْرِشَها  
قَبْلَ أَنْ يَأْتُوْا نِي مُسْلِمِينَ ﴿٣٩﴾

[سلیمان] گفت: ای سرداران! کیست  
از شما که تخت او را را بیآرد  
بیش از اینکه مرا فرمانبرداران  
شده بیآیند (٣٩)

قَالَ عَفْرِيْتُ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ

گفت عفریت از جنها، من آنرا

تَقُومُ مِنْ مَّقَامِكَ ۚ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ  
أَمِينٌ ﴿۱۰﴾

نزد تو می‌آرم قبل از اینکه از جای  
خود کوچ کنی و یقیناً من بر آن  
توانای قابل اعتماد هستم (۴۰) ++

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا  
أَتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ۚ  
فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ  
فَضْلِ رَبِّي ۖ لِيَبْلُوَنِي ۖ أَشْكُرَ أَمْ أَكْفُرُ ۚ  
وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ  
كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿۱۱﴾

گفت آنکه اورا علم کتاب بود، من  
آنها نزد تو می‌آورم پیشتر از این  
که دست نگاهبانان تو بسوی تو  
بازگردند. پس هنگامیکه آنها نزد  
خود نهاده یافت گفت، این محض  
از فضل پروردگارم است تا مرا  
آزمایش کند آیا شکر می‌کنم یا  
ناشکری میکنم و هر که شکر کند  
پس فقط برای نفس خود شکر می  
کند و هر که ناشکری کند آنگاه  
یقیناً پروردگارم بی نیاز صاحب  
اکرام است (۴۱) ++

++ آیت ۴۰: عفریت جنی نیست که عرفاً جن گفته میشود سرداران جابر از قومهای  
کوهستانی نیز جن گفته میشوند و آنان تابع حضرت سلیمان بودند.

++ آیت ۴۱: درین آیت علم کتاب بمعنای علم بائبل نیست. آنحضرت ﷺ فرمودند علم  
رادونوع است. علم الادیان و علم الابدان که این یکی از امثال آنست. عفریت دانش  
پژوهنده ی بزرگ بود و او بزور علم خود میتوانست مشکلترین چیزی را کپی کند. پس  
او ادا کرده که او میتواند اینکار مشکل را انجام دهد قبل از اینکه لشکریان تو برسند.



[سلیمان] گفت، تختش را برای وی معمولی بگردانید. بینم آیا بحقیقت مییابد یا از جمله کسانی است که هدایت نمییابند(۴۲)++ پس هنگامیکه او [ملکه] آمد از او پرسیده شد آیا تختش اینسانست؟ او گفت، گویی این همانست و ما دانش همان قبل از این داده شده و تسلیم شدگان بودیم(۴۳)++

و [سلیمان] او را بازداشت از آنچه را که فرود از خدا عبادت میکرد. یقیناً او از قوم کافران بود(۴۴) بدو گفته شد که وارد کاخ شود. پس چون آنرا دید آنرا آبی عمیق

++آیت ۴۲: بنابر سخن عفریت حضرت سلیمان فرمان دادند که تخت ملکه را معمولی ساخته برایش بنمایش گذارده شود و قرار بر این نبود همان تخت ملکه فرا آورده شود بلکه مفهوم این بود که آن تخت کپیه کرده درست شود تا بر تختی که او غرور داشت بطور معمولی بنمایش گذارده شود.

++آیت ۴۳: در این آیت تمامی محتویات سخن آشکار میگردد. ملکه این طور نه پرسیده شد که آیا همین تخت تو است بلکه پرسیده شد که آیا تخت تو همین گونه است. ضمناً جواب ملکه این نبود که این همان است بلکه گفت که این اینقدر متشابه آنست که گویی همان است.

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَ تَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ④۱

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَ هَكَذَا عَرْشُكِ ۖ  
قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ۗ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ④۲

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۖ  
إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ ④۳

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ ۗ فَلَمَّا رَأَتْهُ  
حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا ۗ قَالَ

إِنَّهُ صَرَخَ مُمَرَّدٌ مِّنْ قَوَارِيرَ ۖ قَالَتْ  
رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ  
سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٥﴾

۳  
ع  
۱۸

پنداشت و جامه را از دوساق خود برداشت. سلیمان گفت، یقیناً این کاخی است نشانده ای از آبگینه ها [ملکه] گفت پروردگارا! یقیناً بر جان خود دستم کردم. حالا با سلیمان برای خدا پروردگار همه جهانها تسلیم می شوم (۴۵) ++

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا  
أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَن  
يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٦﴾

و همانا بسوی ثمود برادر ایشان صالح را فرستادیم [او گفت] خدا را عبادت کنید. پس ناگاه آنها دو گروه شده ستیزه کردند (۴۶)

قَالَ يَقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ  
الْحَسَنَةِ ۚ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ  
تُرْحَمُونَ ﴿٤٧﴾

او گفت، ای قوم من! چرا قبل از خوبی به بدی عجله میکنید؟ چرا از خدا مرزش نمیطلبید تا شما ترحم کرده شوید (۴۷)

++ آیت ۴۵: ملکه اجازه داده شد که به کاخ وارد شود. فرش آن کاخ از آبگینه درست شده بود و از روی درخشندگی خود آب بجشم میخورد حالانکه فرش معمولی بود و آب هرگز آنجا وجود نداشت. ملکه آنرا آب پنداشت و جامه خود را بسوی بالا جمع کرد تا خست نشود. آنگاه حضرت سلیمان بدو برگفت که اینهم جوال نگاه است بدانگونه که خورشید را روشن دیده میپنداری که آن خودش منشاء نور است درحالیکه بحقیقت نور خدای در آن روشن همی شود. بنا بر این گفتار او بخرد یافت که ما خورشید را بنا حق پرستش میکردیم.

قَالُوا ظَلَمْتُمْ نَابِلَكُمْ وَيَمْنُ مَعَكُمْ قَالُوا  
ظَلَمْتُمْ كُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ  
تَفْتَنُونَ ﴿۴۸﴾

گفتند، تو و به کسانی که با تو  
اند را بفال بد میگیریم. او گفت  
فال بدشانزد خداست بلکه شما  
قومی هستید که آزمایش کرده  
شوید (۴۸)

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ  
فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿۴۹﴾

و نه تن در شهر بودند که در سر  
زمین فساد میکردند و اصلاح نمی  
کردند (۴۹)

قَالُوا اتَّقُوا اللَّهَ لُنُبَيْتَتَهُ وَآهْلَهُ ثُمَّ  
لَنَقُولَنَّ بِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ  
وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿۵۰﴾

گفتند، بهم سوگند به خدا یاد  
کنید که حتماً بر او و اهل خانه  
اش شیخون زنیم سپس به  
سرپرست او گوئیم هرگز هلاک  
اهل خانه اش را مشاهده نکردیم  
و یقیناً ما راستگویانیم (۵۰)

وَمَكْرُؤٌ مَكْرٌ أَوْ مَكْرٌ نَامِكْرٌ أَوْ هُمُ لَا  
يَشْعُرُونَ ﴿۵۱﴾

و آنها نیرنگی بزرگ زدند و ما  
هم [جواباً] نیرنگ کردیم و آنها  
میچ در نیافتند (۵۱)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ إِنَّ  
أَنَّ دَمْرَهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۵۲﴾

پس بنگر فرجام نیرنگ آنها چه  
گونه بود. یقیناً ما آنها و قوم ایشان  
مگان را هلاک ساختیم (۵۲)

فَتِلْكَ بَيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّا فِي

پس این خانه های آنانند که

ذَلِكَ آيَةٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۵۳﴾

مخروبه شد به [علت] آن ستم  
گری آنها که میکردند. یقیناً در این  
آیتی است برای قومیکه دانش را  
بکار برند (۵۳)

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿۵۴﴾

ونجات دادیم کسانی را که ایمان  
آوردند و تقوی را پیشه کردند (۵۴)  
ولوط را چون اوبقوم خود گفت،  
آیا مرتکب فحشائی میشوید  
حالیکه شما خوب در مییابید (۵۵)  
آیا احتمالاً شما زنان را ترك کرده  
نزد مردان بشهوت میآید؟ بلکه  
شما قومی هستید که خود را بنادانی  
میزنید (۵۶)

وَلَوْ طَأَّ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ  
وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ ﴿۵۵﴾

أَيُّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ  
النِّسَاءِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿۵۶﴾

پس جواب قومش هیچ نبود مگر  
این که گفتند که خاندان لوط را  
از شهر خود بیرون کنید یقیناً آنها  
مردانی پاکی جویانند (۵۷)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا  
أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ ۚ إِنَّهُمْ  
أُنَاسٌ يَبْظَهُرُونَ ﴿۵۷﴾

پس ما او را نجات دادیم و هم  
اهلش را جز زنش که وی را از جمله  
بازماندگان شمردیم (۵۸)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ ۗ قَدَرْنَا  
مِنَ الْعَابِرِينَ ﴿۵۸﴾

و بر آنها يك بارانی بارانیدیم و

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ

الْمُذْرِبِينَ ﴿٥٩﴾

چه زشت است بارانی برای  
هشدار دادگان (۵۹)

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ  
اصْطَفَىٰ ۗ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٠﴾

بگو ستایش مطلق از آن خداست  
و درود باد بر آن بندگان که او  
ایشان را برگزید. آیا خدا بهتر  
است یا آنها که شریک قرارداده  
شوند (۶۰)

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ  
لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَاقًا  
ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا  
شَجَرَهَا ۗ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ  
بَلَّوْا قَوْمًا  
يَعْدِلُونَ ﴿۱۱﴾

آنها قومی بی انصاف اند (۶۱)

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلْفَهَا  
أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ  
الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ  
بَلَّوْا قَوْمًا  
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۲﴾

بیشتر ایشان نمیدانند (۶۲)

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ  
وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ  
الْأَرْضِ ۗ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ  
بَلَّوْا قَوْمًا  
تَذَكَّرُونَ ﴿۱۳﴾

است آنچه بند میگیرند (۶۳)

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ  
وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ

که بیشروی رحمت خودبادهای  
مژده رسان را میفرستد. آیا هیچ  
معبودی است با خدا؟ بلندتر است  
خدا از آنچه شرك میورزند (۶۴)  
یا کیست که آفرینش را ابتدا کند  
سپس آن را تکرار کند و کیست  
که شمارا در آسمان و زمین رزق  
درمیدهد. آیا هیچ معبودی است  
با خدا؟ بگودلیل خود را بیآرید  
اگر شمارا استگویانید (۶۵)

بگو نمیداند آنکه در آسمانها و زمین  
است غیب راجز خدا و نمیابند  
چه هنگام برخیزانده خواهند  
شد (۶۶)

بلکه دانش آنان در مورد آخرت  
بغایت رسیده است بلکه آنها از آن  
درشکنند بلکه آنها در مورد آن کور  
شده اند (۶۷)

و آنانکه کفر کردند گفتند آیا چون  
ما خاک شویم و پدران ما آیا باز  
حتماً بیرون آورده شویم؟ (۶۸)

رَحْمَتِهِ ۱۰ ؕ إِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ ۱۱ ۚ تَعَلَى اللَّهِ عَمَّا  
يُشْرِكُونَ ۱۲

أَمْ مَنْ يَبْدُوُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ  
يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۱۳ ؕ إِلَهٌ مَّعَ  
اللَّهِ ۱۴ ۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ ۱۵

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ ۱۶ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ  
يُبْعَثُونَ ۱۷

بَلِ ادْرَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ۱۸ بَلْ هُمْ  
فِي شَكٍّ مِنْهَا ۱۹ بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ۲۰ ۚ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذَا كُنَّا تُرَابًا  
وَأَبَاؤُنَا أَنَا الْمُخْرَجُونَ ۲۱

البته قبلاًم ما و پدران ما این وعده داده شدیم. این فقط افسانه های پیشینیان است (۶۹)

بگو، بگردید در زمین و بنگرید که فرجام مجرمان چگونه بود (۷۰) و بر آنهاغم نخورو از آنچه نیرنگ زفنددر تنگی مباش (۷۱)

و میگویند انجام این وعده تا بچند میکشد اگر شما راستگویان اید (۷۲)

بگو نزدیک است بعضی از آن [امور] که بشتاب میخواهید دنبال شما درآمده است (۷۳)

و یقیناً پروردگار تورا بر مردم فضلی فراوان است و اما بیشتر ایشان شکر نمی کنند (۷۴)

و برستی پروردگارتونیک میدانند آنچه در سینه های خود کتمان کنند و آنچه عیان کنند (۷۵)

و چیزی از غایب در آسمان و زمین نیست مگر در کتابی آشکار موجود

لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ ۗ  
إِنْ هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۶۹﴾

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ  
كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿۷۰﴾  
وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ  
مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿۷۱﴾

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ ﴿۷۲﴾

قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدْفَ لَكُمْ بَعْضُ  
الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿۷۳﴾

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ  
أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿۷۴﴾

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ  
وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿۷۵﴾

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي  
كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿۷۶﴾



است (۷۶)

یقیناً این قرآن بر بنی اسرائیل  
اکثر آن [سخنان] بیان میکند که  
آنان در آن اختلاف دارند (۷۷)+  
و یقیناً آن مومنان را هدایت و  
رحمت است (۷۸)

یقیناً پروردگارتو میان ایشان به  
حکمت خود قضاوت نماید و او  
صاحب غلبه کامل صاحب علم  
دائمی است (۷۹)

پس توکل کن بر خدا یقیناً تو  
برحق آشکار هستی (۸۰)  
و هرگز تو صدا نه مردگان را  
بشنوایی و نه کران را بشنوایی  
وقتی پشت کرده برگردند (۸۱)

و نیستی تو که کوران را از  
گمراهی آنها بهدایت بیاری. تو  
نمیشنوایی مگر به آنانکه به آیت

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفْضُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ  
أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٧﴾

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ ۗ وَهُوَ  
الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٩﴾

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ إِنَّكَ عَلَىٰ الْحَقِّ  
الْمُبِينِ ﴿٨٠﴾

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ  
الدُّعَاءَ إِذَا وُتُوا مَدْبِرِينَ ﴿٨١﴾

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ صَلَاتِهِمْ ۗ  
إِنَّ تُسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ

++ آیت ۷۷: درباره عجوبه های گذشته بایبل حاکی از داستانهای شکفت انگیز است.  
قرآن کریم حقیقت آنها را بیان کرده برده ی را از داستانها برداشته است در صورتیکه  
بنی اسرائیل آنها را بر ظاهر تعبیر میکردند.

مُسْلِمُونَ ﴿۸۱﴾

های ما ایمان می‌آرند پس ایشان  
فرمانبردارانند (۸۲)

و هنگامیکه فرمان بر آنها واجب  
گردد جنبنده‌ی از زمین بیرون  
آریم که آنها را بگزد [برای] این  
که مردم به آیت‌های ما باور نمی  
کردند (۸۳)

وروزیکه گردآریم ازمرکدام امت  
لشکری از آنها که آیت‌های ما را  
تکذیب کردند. پس آنها جدا جدا  
صف آرائی کرده شوند (۸۴)

تاآنگاه که چون [نزدخدا] بی‌آیند  
او گوید، آیا آیت‌هایم را تکذیب  
کردید حالانکه به علم آنها را احاطه  
نکرده بودید؟ یا چه بود که شما  
میکردید (۸۵)

و فرمان بر آنها صادر شود بعلمت آن  
ستم که میکردند پس [جواباً] آنها  
حرفی نزنند (۸۶)

آیاندیدی که ما ساختیم شب را  
تا در آن آرامش یابند و روز را

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ  
دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ  
كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿۸۲﴾

ع  
۴

وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ  
يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿۸۱﴾

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ وَقَالَ أَكْذَبْتُمْ بآيَاتِي وَلَمْ  
تَحِطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذَانُكُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۸۲﴾

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا  
يُطِقُونَ ﴿۸۱﴾

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ  
وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

يَوْمَ مُمْؤُونَ ﴿۸۷﴾

روشنائی بخش. یقیناً در این آیتی  
بزرگ است برای قومیکه ایمان  
آرند (۸۷)

و روزیکه در صور دمیده شود و  
هرچه در آسمانها است و هرچه  
در زمین است بترسد جز آنکه  
را خدا بخواهد و همگان نزد او  
خاضعانه بیایند (۸۸)

و کومها را میبینی. تو آنها را  
ساکت و جامد گمان کنی حالانکه  
مانند حرکت ابرها آنها حرکت می  
کنند این صناعت آن خداست که  
هرچیز را استوار ساخت. یقیناً  
او مدام آگاه است به آن عمل که  
میکنید (۸۹)

هرکه نیکی آورد پس پاداش او  
بهتر از آن باشد و آنها آنروز از  
آشفگی ایمن شوند (۹۰)

و هرکه بدی آورد پس چهره های  
آنان در آتش و از گون افکنده شود  
آیا پاداش داده شوید جز آنچه

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي  
السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ  
اللَّهُ ۗ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَخِرِينَ ﴿۸۸﴾

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ  
تَمْرٌ مَّرَّ السَّحَابِ ۗ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ  
كُلَّ شَيْءٍ ۗ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿۸۹﴾

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا ۗ وَهُمْ  
مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ مُؤَنُونَ ﴿۹۰﴾

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ  
فِي النَّارِ ۗ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ ﴿۱۱﴾

شما میکردید (۹۱)

من فقط این فرمان شده ام که  
پروردگارا این شهر را عبادت کنم  
آنکه اینرا حرمت داد و هرچیز  
از آن اوست و فرمان شده ام که

إِنَّمَا أَمْرٌ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ  
الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأَمْرٌ أَنْ  
أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۱﴾

از فرمانبرداران باشم (۹۲)

و اینکه قرآن را تلاوت کنم. پس  
هرکه هدایت یابد برای خود  
هدایت مییابد و هرکه گمراه گردد  
پس بگو من فقط از هشدار

وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا  
يَهْتَدَىٰ لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا  
مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۲﴾

دمندگانم (۹۳)

و بگو ستایش مطلق برای خدا  
است. بزودی نشانه های خود را  
به شما نشان دهد. آنگاه آنها را  
بشناسید و پروردگار تو بغفلت

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ  
فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا  
تَعْمَلُونَ ﴿۱۳﴾

نیست از آنچه میکنید (۹۴)

﴿۱۳﴾

## ۲۸ - سورة القصص

این سوره درمکه نازل شد و با بسم الله ۷۹ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز با مقطعات طسّم شده است از آنچه اثبات میشود که موضوع طیب، سمیع و علیم که شرح آن قبلاً داده شده است، ادامه داده میشود. چنانکه در سوره گذشته ذکر از نشانه های بزرگ صورت گیرنده در آینده رفته است، در این سوره بیان کرده میشود که خدا علم به زمان گذشته نیز بهمان اندازه دارد چنانکه علم از آینده دارد. ضمناً علمی که به آنحضرت ﷺ نسبت به حضرت موسی علیه السلام داده شد آن دارای بسیار معجزات است. مجلاً اینکه آبی که کودکی معصوم حضرت موسی را نتواست غرق کند همان آب موجب غرق فرعون و لشکریانش شد.

سپس این ذکر است که یهودیان این زمان از تو انکار کنان میگویند که اگر نشانه های مانند موسی بر تو نازل شود ما انکار نخواهیم کرد. اما آنان این امر را فراموش میکنند که یهودیان آن نشانه های را که در زمان حضرت موسی ظاهر شدند هم رد کرده بودند و الا اینهمه نشانه ها را رویت کرده متمایل به بت پرستی نمی شدند. همه ای منکران خواه به زمان گذشته تعلق دارند یا به زمان رسول الله ﷺ مربوط اند روش آنان عیناً کج مانند مدیگر است. آنان بظاهر بر نشانه های پیشینیان ایسان میآرند و چون نشانه های امثال آنها را جلوی چشمان خود فرود آمده رویت کنند به آنها انکار میکنند.

ضمناً ذکر از آن اهل کتاب میرود که هم قبلاً بر موسی علیه السلام ایسان آورده بودند و چون معجزات را بر رسول الله ﷺ نازل آمده دیدند پس

بر پایه پاکی خصلت خود بر آنها هم ایمان آوردند. اینطور ایشان به پاداش دوگانه حقدار شدند.

مجمل اینهمه مبحث اینطور است که انسان هدایت را بزور نمی تواند بدست آورد بلکه خداوند پاکدلان را خودش هدایت میدهد. بعلاوه اینهم گفته شد که ذکر کثیر از ملاکت قومهای پیشین که یافت میشود اینطور نیست گویی که خداوند بر آنها ستم روا داشت بلکه آنها هدف آن ستمگری خود درآمدند که بنادانی بر جانهای خویش و بر رسولان زمان روا میداشتند.

سپس قرآن کریم میفرماید بطوریکه شب و روز بهم تبدیل میشوند تاریکیها نیز مدام بر انسان مسلط کرده نمیشود. بوسیله کلامی فصیح و بلیغ و والا مرتبه متنبه کرده میشود که اگر شب برای همیشه مسلط میشد شما نمی توانستید در آن تاریکیها ببینید ولی بوسیله گوشهای شنوا میتوانستید گوش کنید. بعکس اگر روز برای همیشه مسلط کرده میشد آنگاه باید کران را نیز راه در روشنی روز دیده میشد. پس چرا نمی بینند؟

سپس ذکر از قارون میرود. او دارائی بیشمار اعطاء شده بود و مردم بنگاهی پر حسرت بسویش دیده میگفتند، ای کاش آنها نیز دارائی مثل آنها بدست میآوردند. اما عاقبت او این شد که او با گنج های خود بخاک کرده شد. در ابتدای همین سوره هشدار داده شد که خداوند نه تنها بر غرق کردن در دریاها توانا است بلکه اگر او بخواهد بعضی متکبران را بهمراه دارائی های خودشان در زمین فرو میبرد. بعنوان مثال ما در زمان کنونی نیز می بینیم که چون زمین بر اثر زلزله ما میشکافد شهرهای پر جمعیت و ایجادهای بزرگ زمان، بی نام و نشان به خاک کرده میشوند.

پس از این آیتها يك آیت [۸۶] چنین است که برای اثبات کردن بر دشمنان کافی بود که این کلام خدا است و این بهر حال حتمی الوقوع است و آن اینست که ما تو را دوباره بداخل معاد یعنی مکه مینمائیم. پس آنان این معجزه را جلوی چشمان خود راست آمده دیدند. بیشگویهائی زمان گذشته و کنونی را بعد از این چه گنجایش تردید باقی میماند؟ در نهایت نتیجه اینست که هیچ چیزی به اثبات نمیرسد جز توحید خداوندی. ذکر از ملاکتهای گذشته به اثبات میرساند که هر چیز فناپذیر است - آن فنا خواه بعلت غضب الهی است خواه تحت قانون طبیعی. تنها جلوه خدا جاودان است.

☆ سُورَةُ الْقَصَصِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَتَمَانُونَ آيَةً وَتِسْعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

طَيِّبٌ سَيِّعٌ عَلِيمٌ - پاك -

طَسْمٌ ①

بسیار شنوا - بینهایت دانا (۲)

این آیتهای کتاب آشکار

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ②

است (۳)

ما از خبر موسی و فرعون بر تو به

تَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ

حق میخوانیم برای قومیکه ایمان

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ③

آرند (۴)

مانا فرعون در زمین سرکشی

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا

کرد و ساکنان آنرا گروه گروه

شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ

نمود. او از آنها گروهی را بیچاره

يُدْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ

میساخت. پسران ایشان را می

کشت و زنان ایشان را نگه

كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ④

میداشت. یقیناً او از فسادکاران

بود (۵)

و ما درصدد آمدیم که بر آنهایی

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي

که در زمین ناتوان پنداشته شدند

الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ

منت نهیم و ایشان را رهنماها



الْوَرِثِينَ ﴿٦٠﴾

برگزینیم وایشان را وارث قرار  
دهیم (۶)

وَتُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنَرَى فِرْعَوْنَ  
وَهَامَانَ وَجُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا  
يَحْذَرُونَ ﴿٦١﴾

و آنها را در زمین قدرتمندسازیم و  
فرعون و هامان و لشکریان آندو  
را [از بنی اسرائیل] نشان دهیم از  
آنچه بیشانک بودند (۷)

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ  
فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا  
تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۚ إِنَّا رَأَيْنَاهُ إِلَيْكَ  
وَجَاعَلْنَاهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٢﴾

و بسوی مادر موسی وحی فرستادیم  
که او را شیربده. پس هرگاه درباره  
او ترسیدی پس او را در دریا  
بیفکن و نه در ترس باش و نه  
اندوه بخور. یقیناً او را بسوی تو  
بازگردانیم و او را از رسولان  
[رسولی] قرار دهیم (۸)

فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا  
وَحَزَنًا ۗ إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُودَهُمَا  
كَانُوا خَاطِبِينَ ﴿٦٣﴾

پس خانواده فرعون [باذن خدا]  
او را برداشت تا برایشان دشمن  
و [موجب] اندوه گردد. یقیناً  
فرعون و هامان و لشکریان آندو  
خطاکاران بودند (۹)

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنِي ۖ  
وَلَا تَقْتُلُوهُ ۗ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ

و زن فرعون گفت، این [مایه]  
آسودگی دیدگان من و توخواهد  
بود. او را نکش. ممکن است ما را

تَخَذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۰﴾

سودمند گردید یا ما او را به فرزندی  
بگزینیم در حالیکه آنها هیچ هم  
درک نمی‌کردند (۱۰)

وَاصْبَحَ قُورَاءَ أُمَّرٍ مَوْسَىٰ فَرِحًا إِنَّ  
كَادَتْ لِتُبَدِي بِهٖ لَوْلَا أَنَّ رَبَّنَا عَلِي  
قَلْبَهَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱﴾

و دل مادر موسی [از تفکر] خلاصی  
یافت. نزدیک بود که این [راز]  
رافاش کند اگر قلبش رانه پیوسته  
بودیم [اینطور کردیم] تا او از  
مومنان شود (۱۱)

وَقَالَتْ لِأَخْتِهِ قُصِيهِ فَبَصَّرَتْ بِهٖ عَنْ  
جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۲﴾

و [مادر موسی] به خواهرش گفت،  
دنبالش برو پس وی او را از  
دور میدید در حالیکه آنها پی نمی  
بردند (۱۲)

وَحَرَّمَ نَاعِلِيهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ  
هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ  
لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ﴿۱۳﴾

و ما همان از پیش زنان شیرده  
را بر او حرام کرده بودیم. پس  
[خواهرش] گفت، آیا شما را بر  
خانوادهٔ خیردم که او را برای  
شما پروراند و آنها خیرخواه او  
باشند (۱۳)

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا  
تَحْزَنَ وَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ

پس [اینگونه] او را به مادر خود  
باز گرداندیم تا چشمانش روشن  
گردد و اندوهگین نشود و تابداند

که وعده خدا حق است اما بیشتر مردم نمیدانند (۱۴)

و هنگامیکه به سن توانائی خود رسید و استوار گردید ما او را حکمت و دانش در دادیم و محسنان را پاداش این گونه میدیم (۱۵)

پس وارد شهر شد و قتیکه مردمش بغفلت بودند. پس در آنجا دو مرد را دید که بهم ستیزه میکردند. این [یکی] از قبیله او بود و آن [دیگری] از دشمنان او بود. پس آن که از قبیله او بود برخلاف آنکه از دشمنانش بود او را بیاری خواست. پس موسی او را مشتی زد و او را از پای در آورد. [موسی در دلش] گفت، این از کار شیطان است. یقیناً او دشمن گمراه کننده آشکار است (۱۶) ++

[موسی] گفت، پروردگارا! یقیناً من بر جان خود ستم کرده‌ام. پس مرا بی‌آمرز. پس او را آمرزید.

ع ۱۴

أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۱۳

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۖ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۱۵

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شَيْعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ ۖ فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنْ شَيْعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ ۖ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۖ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۖ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ۱۶

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرْنَا لَهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۱۷

یقیناً اوبس آمرزنده ی بارها رحم

کننده است (۱۷) ++

او گفت چه بر من منت نهادی پس

هرگز پشتبان مجرمان نخواهم

شد (۱۸) ++

پس بامگاه ترسان و به اطراف

مراقب بوده بداخل شهر شد. پس

ناگاه همان که دیروز او را به

یاری خواسته بود از او یاری می

جوید. موسی بدو گفت یقیناً تو یک

گمراه آشکارا هستی (۱۹) ++

پس هنگامیکه آهنگ کرد که دست

فراز برد به آنکس که دشمن هر

دوی بود او گفت: ای موسی! آیا

میخواهی مرا بکشی آنگونه که

دیروز تنی را کشتی؟ تونمیخواهی

مگر در زمین زور کنی و دوست

نداری که از اصلاح کنندگان

باشی (۲۰) ++

مردی از انتهای شهر سعی کرده

آمد و گفت، ای موسی! یقیناً

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ

ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ ﴿١٨﴾

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا

الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِحُهُ

قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَعَوِيُّ مَبِينٌ ﴿١٩﴾

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ

لَهُمَا إِقَالَ يَمْوَسَىٰ أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا

قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ ۗ إِنَّ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ

تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ

تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿٢٠﴾

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ

قَالَ يَمْوَسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَا تَمْرُؤُنَ بِكَ

يَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنَّ لَكَ مِنَ  
النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾

سرداران خلاف تو بهم مشورت  
میکنند تا تورا بکشند. پس در رو.  
یقیناً من از خیر خواهان تو  
هستم (۲۱) ++

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ  
نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٢﴾

پس او هراسان و به اطراف  
مراقب بوده از آنجا خارج شد.  
گفت، پروردگارا من! مرا از قومی  
ستمکار نجات بده (۲۲) ++

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى  
رَبِّيَ أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿٢٣﴾

و هنگامیکه بسوی مدین رو آورد  
گفت، نزدیکست پروردگارم مرا  
براه راست هدایت کند (۲۳) ++

++ آیات ۱۶-۲۲: معلوم میشود حضرت موسی در تاریکی صبحگاهی به خانه خود  
میآمدند. روزی ایشان در راه يك اسرائیلی را با يك نفر از فرعونیان دعوی کرده  
دید. چون او حضرت موسی را بیاری خود خواست ایشان به مرد فرعونیان مشت  
زدند و او جان از دست داد.

روز دیگر در تاریکی صبحگاهی باز حضرت موسی گذر میکردند که همان کس ستیزه  
گر از قوم ایشان با يك نفر دیگر از فرعونیان ستیزه شروع کرد و دمیکه حضرت  
موسی قدم بیاری شخص از قوم خویش جلو بردند شخصی از فرعونیان فریاد زد که  
آیا هم بمن همانطور رفتار کنی که تو دیروز یکی از ما را کشته بودی. پس از بیان  
این دو رویداد در آیت مجاور این بیان شده است که سرداران فرعونیان بر آن  
شدند که موسی به مجازات قتل رسانده شود. آنگاه يك نفر که آگاه بود به حضرت  
موسی از پیش متنبه ساخت و ایشان از آنجا بسوی مدین رهسپار شدند.

ووقتیکه بداخل آبگاہ مدین شد  
 آنجاگروهی از مردم را دید [که به  
 دامها] آب میدادند و جدا از آنان دو  
 زن را دید که [گوسفندان خود را]  
 دور میراندند. موسی گفت. شما  
 دوی را چه کار است؟ آندو گفتند.  
 ما آب نمی دمیم تا چوپانها [آب  
 داده] برنگردند و بدرماخیلی پیر  
 است (۲۴)

پس او برای آندو [دامهارا] آب داد.  
 سپس بسمت سایه برگشت و  
 گفت. پروردگارا! یقیناً چیزی که  
 از خیر نازل کنی من برای آن  
 نیازمندم (۲۵)

پس یکی از آندو [دختر] باکمال  
 حیا قدم زده نزدش آمده گفت.  
 پدرم تو را میخواند تا ترا عوض  
 آن بپردازد که برای ما آب دادی.  
 پس گامیکه نزد او آمد و سرگذشت  
 را برای او بیان نمود او گفت نترس  
 از قوم ستمکاران نجات یافته

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً  
 مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ ۖ وَوَجَدَ مِنْ  
 دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۗ قَالَ مَا  
 خَطْبُكُمَا ۗ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى  
 يُصَدَرَ الرَّعَاءُ ۗ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ۝

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ  
 رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ۝

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ ۗ  
 قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ  
 مَا سَقَيْتَ لَنَا ۗ فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ  
 عَلَيْهِ الْقَصَصَ ۗ قَالَ لَا تَخَفْ ۗ  
 نَجُوتُكَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝

ای (۲۶)

یکی از آندو [دختر] گفت، ای پدرم! او را برای خدمت استخدام کن. پس هر که را برای خدمت استخدام کنی بهترتر اوست که نیرومند امین باشد (۲۷)

او گفت [ای موسی] یقیناً من می خواهم که یکی از ایندو دخترم را با تو بعقد ازدواج ببندم بر این شرط که هشت سال مرا خدمت کنی. پس اگرده سال را تمام کنی پس از میل خودت است. نمی خواهم بر تو سخت گیرم و انشا الله مرا از نیکوکاران خواهی یافت (۲۸)

[موسی] گفت، این میان من و میان تو قرار شد هر کدام از ایندو زمان را بپایان برسانم پس خلاف من زیادتی نباید باشد و هرچه می گوئیم خدا بر آن وکیل است (۲۹)

قَالَتْ اِحْدٰهُمَا يَابِتِ اسْتَاَجِرُهُ اِنْ خَيْرٍ مِّنْ اسْتَاَجَرْتَ الْقَوٰى الْاَمِيْنَ ﴿٢٧﴾

قَالَ اِنِّيْ اُرِيْدُ اَنْ اُنْكِحَكَ اِحْدٰى ابْنَتَيْ هٰتَيْنِ عَلٰى اَنْ تَاَجِرِنِيْ مِّنْىْ حِجَجًا ۚ فَاِنْ اٰتَمَّتْ عَشْرًا مِّنْ عِنْدِكَ وَمَا اُرِيْدُ اَنْ اَسْئَلَنَّكَ سَتَجِدُنِيْ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٢٨﴾

قَالَ ذٰلِكَ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ ۗ اَيَّمَا الْاَجْلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلٰى ۗ وَاللّٰهُ عَلٰى مَا نَقُوْلُ وَكِيلٌ ﴿٢٩﴾

۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹

پس چون موسی مدت معین را  
 پایان رساند با اهل خود رهسپار  
 شد. او از جانب طور آتش سان  
 دید. اوبه خانواده خود گفت درنگ  
 کنید. یقیناً من آتشی احساس کرده  
 ام. امکان دارد که از آن برای  
 شما خربیارم یا اخگری تا شما  
 گرم شوید (۳۰)

پس وقتی که به آن آمد ندا شد از  
 کنار وادی پربرکت دریک بخش  
 خجسته از درخت که ای موسی!  
 ما ما منم خدا پروردگار همه  
 جهانها (۳۱)

و اینکه عصای خود را بیفکن. پس  
 چون آنرا دید که آن حرکت می  
 کرد گویی ما راست او پشت کرده  
 برگشت و پشت سر نگاه نکرد. ای  
 موسی! جلوی او نترس یقیناً تو از  
 ایمن شدگانی (۳۲)

دست خود را داخل گریبان خود  
 کن آن بی نقص روشن درآید و

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ  
 آنس مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ  
 امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ  
 مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ  
 تَصْطَلُونَ ﴿٣٠﴾

فَلَمَّا آتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ  
 فِي الْبُقْعَةِ الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ  
 يُّمُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٣١﴾

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ  
 كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ  
 يُّمُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ۗ إِنَّكَ مِنَ  
 الْأَمِينِينَ ﴿٣٢﴾

أَسْلُكُ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ  
 بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۗ وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ



جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذُنُوبِكُمْ بِرُءُوسِكُمْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِيقِينَ ﴿۳۱﴾

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿۳۲﴾

وَإِخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي ۗ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿۳۳﴾

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِإِخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيِّتِنَا ۗ أَنْتُمْ وَمَنِ اتَّبَعَكُمْ أَوَّلُ الْغٰلِبِينَ ﴿۳۴﴾

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا أَسْحٰرٌ مَّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا

بازو خود را [برای دوری] از ترس بسوی خود جمع کن پس این دو دلیل قاطع است از پروردگارتو بسوی فرعون و سرداران‌ش. یقیناً آنها قومی زشت کردار بودند (۳۳)

[موسی] گفت، پروردگارا! برایستی من یک تن از آنها را کشته‌ام. پس می‌ترسم مبادا مرا بکشند (۳۴)

و برادرم هارون در زبان از من زبان آورتر است. پس او را با من مددگار بفرست، او مرا تصدیق خواهد کرد. البته من [اینهم] بیم دارم مبادا مرا تکذیب کنند (۳۵)

حتماً ما بازوی تو را با برادر تو نیرومندسازیم و شامادوی رانشانه ای برتر دهیم. پس آنها با [حضور] آیتهای ما تا شامادوی نمیرسند. شما دوی و آنانکه شما را پیروی کنند

غالب آیندگانید (۳۶)

پس هنگامیکه موسی با آیتهای روشن ما آنانرا آمد گفتند اینکه

مقاله ۱۱  
عبداللطیف خیرین

فِي آبَائِهَا الْأَوَّلِينَ ﴿٢٧﴾

فقط جادوئی بهم بافته است و در  
بدران پیشین خود مانند آن نه  
شنیده بودیم (۲۷)

و موسی گفت، پروردگارم دانافر  
است به آنکه از جانب او بامدایت  
آمد و کیست که خانه آخرت نصیب  
او گردد. یقیناً ستمکاران هیچگاه  
موفق نمیشوند (۲۸)

و فرعون گفت، ای سرداران! من  
که برای شما جز خود کسی دیگر  
را معبود نمیدانم. پس ای هامان  
بخاطرم بر [اجر] گل آتش بیفروز  
پس برای من قصری بساز تا بر  
معبود موسی بنگرم و البته من او  
را از دروغگویان میپندارم (۲۹)  
و او و لشکریانش در زمین بناحق  
تکبر کردند و گمان کردند که آنها  
بسوی ما برگردانده نشوند (۴۰)  
پس ما او و لشکریانش را فرو  
گرفتیم و آنها را در دریا انداختیم  
پس بنگر فرجام ستمکاران چه

وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ  
بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ  
الدَّارِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٨﴾

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ مَا عَلِمْتُ  
لَكُمْ مِنْ الْوَعْدِ ۚ إِنِّي فَادُّكُمْ بِكُمْ  
عَلَى الطَّيْنِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي  
أُطَّلِعَ إِلَىٰ آلِ الْمُوسَىٰ ۚ وَ إِنِّي لَأُظَنُّهُ مِنْ  
الْكَذِبِينَ ﴿٢٩﴾

وَاسْتَكْبَرُوا وَجُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ  
الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٤٠﴾  
فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ ۚ  
فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

گونه بود(۴۱)

و آنها [فرعونیان] را پیشوایانی  
قرار داده بودیم که بسوی آتش  
میخواندند و روز قیامت یاری

داده نشوند(۴۲)

و لعنت هم دراین دنیا دنیابالشان  
نهادیم و در روز قیامت از حال  
افتادگان باشند(۴۳)

و همانا موسی را از آن پس که قوم  
های پیشین را هلاک کرده بودیم  
کتاب دادیم. آن برای مردم بینش  
افروز و هدایت و رحمت بود تا  
آنها پند بگیرند(۴۴)

و توب جانب غرب [طور] نبودی چون  
بسوی موسی فرمان وحی کردیم  
و نه تو از گواهان بودی(۴۵)

و اما بسیار قومهای را سربلند کردیم  
حتی عمر بر آنها دراز شد. و تو در  
اهل مدین آیتهای ما را بر آنها فرو  
خوانده مقیم نبودی بلکه مائیم  
که فرستنده رسولان بودیم(۴۶)

وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً يُدْعَوْنَ إِلَى الثَّارِ عَ وَيَوْمَ  
الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾

وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً عَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ  
هُم مِّنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿٤٢﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِن بَعْدِ مَا  
أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَآئِرَ لِّلنَّاسِ  
وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى  
مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٤٤﴾  
وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ  
الْعُمُرُ عَ وَمَا كُنْتَ تَأْوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ  
تَتَلَوَّا عَلَيْهِمُ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا  
مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾

و تو کنار طور نبودی آنگاه که ندا کردیم اما تو یک رحمت هستی از پروردگار خود تا بیم دمی قومی را که قبل از تو آنها را هیچ بیم دهنده نیآمد تا باشد که آنها پند بگیرند (۴۷)

و مبادا آنانرا سختی برسد بعلت آن چه دستهای ایشان پیش فرستاد پس بگویند پروردگارا! چرا نه فرستادی رسولی بسوی ما تا از آیتهای تو پیروی میکردیم و از جمله مومنان میشدیم (۴۸)

پس هنگامیکه آنان را از جانب ما حق آمد گفتند چرا او داده نشد مانند آنچه موسی داده شد. آیا به آن انکار نکردند که قبلاً به موسی داده شد؟ گفته بودند ایندو جادو گران پشتبان همدیگراند و گفته بودند حتماً ما به هر چیز انکار کنندگانیم (۴۹)

بگو اگر شمارا استگو یانید کتابی را

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۴۷﴾

وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۸﴾

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظْهَرَانِ ۗ وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ وَّوَن ﴿۴۹﴾

قُلْ فَاتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ

مِنْهُمَا آتَيْتَهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٥٠﴾

از جانب خدا بیارید که آن از این دو [تورات و قرآن] بیشتر هدایت دهنده باشد من آنرا پیروی خواهم کرد (۵۰)

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ ۗ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾

پس اگر دعوت تو را قبول نکنند پس بدان که فقط از هوای نفسانی خود پیروی میکنند و کیست گمراه تر از آنکه بغیر از هدایت خدا از هوای نفسانی خود پیروی کند یقیناً خدا قومی ستمکار را هدایت نمی کند (۵۱)

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٢﴾  
الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٣﴾

و یقیناً ما سخن را برای ایشان به خوبی رسانده بودیم تا باشد که پند گیرند (۵۲)  
کسانی که آنرا کتابی پیش از این داده بودیم [بسیاری از] ایشان به این [قرآن] ایمان دارند (۵۳)

وَإِذْ يُثَلَّىٰ عَلَيْهِمْ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا ۖ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٤﴾

و هرگاه [قرآن] برایشان تلاوت شود گویند ما به این ایمان آوردیم یقیناً این از جانب پروردگار ما حق است. یقیناً ما پیش از این فرمان برداران بودیم (۵۴)

مانهاند که پاداش خود دو بار داده شوند چه صبرکردن و بدی را بانیکی دور میکنند و انفاق میکنند از آنچه به ایشان ارزانی داشته ایم (۵۵)

و هرگاه یاوه گوئی میشوند از آن اعراض کنند و میگویند اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شما است. سلام بر شما ما به نادانان رغبت نداریم (۵۶)

یقیناً نتوانی هدایت کنی هر که را بخوامی و اما خدا هر که را بخواهد هدایت میکند و او دانا تر است به آنها که لایق هدایت اند (۵۷)

و گفتند اگر با تو هدایت را پیروی کنیم از وطن خود ربهوده می‌شویم. آیا ایشان را مسکن ندادیم در حرمی ایمن که بسوی آن میوه های هرگونه آورده میشود؟ [این] از نزد ما رزقی است. اما بیشتر

أُولَٰئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ آوَىٰ ذُرِّيَّتَهُنَّ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ وَ مَآزَرَٰزَقَهُمْ يَنْفِقُونَ ﴿۵۵﴾

وَ إِذْ أَسْمَعُوا اللَّغْوَ اعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَأَعْمَلُنَّ وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ لَّا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿۵۶﴾

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۵۷﴾

وَ قَالُوا لَئِن نَّبَّعَ الْهُدَىٰ مَعَكَ لَتَخْطَفَ مِنَّا أَرْضُنَا أَوْ لَمَنَّمَكِنَّا لَهُمْ حَرَمًا أَمَّا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رَّزَقًا مِّنْ لَّدُنَّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۸﴾

ایشان نمی دانند (۵۸)

وجه بساقریه های راهلاک ساختیم که بر خوشحالی خود متکبر شده بودند. پس این نشیمنهای آنهاست که پس از آنها جز مدتی کم سکونت کرده نشدند و یقیناً تنها ما وارث

شدیم (۵۹)

و پروردگار تو ملاک نکند قریه های را تا آن گام که رسولی را در مادر آنها مبعوث کنده آیت های ما را بر آنها تلاوت کند و ما قریه های را ملاک نکنیم مگر ساکنان آنها ستم

کار شده باشند (۶۰)

و هر چه بشماداده شد فقط اثاث زندگی دنیا و زینت آنست و آنچه نزد خداست به ثروثات تراست. پس آیا عقل نیکنید؟ (۶۱)

پس آیا آنکه را وعده نیکوئی داده ایم و او یابنده آنست همانند آن است که او را بامتاع زندگی دنیا بهره مند ساختیم پس او در روز

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ  
مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسْكَنُهُمْ لَمْ تُسَكَنْ  
مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ  
الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ  
يَبْعَثَ فِي أُمَّهَارِ سُوْلًا يَتْلُو عَلَيْهِمُ  
الْآيَاتِ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا  
وَأَهْلَهَا ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾

وَمَا أُوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيٰوةِ  
الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ  
وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾  
أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَا يَأْتِيهِ  
كَمَنْ مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ  
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِّينَ ﴿٦١﴾

قیامت [برای جوابگوئی] از جمله  
احضار شدگان باشد؟ (۶۲)

وروزیکه او آنها را فراخوانده و  
خواهد گفت، کجا مستندان شریکان  
من که آنها را شما [شريك] گمان  
میکردید؟ (۶۳)

کسانیکه بر آنها فرمان صدق کند  
خواهند گفت: پروردگارا! اینهای  
اندکه آنانرا گمراه کردیم. ما آنان  
را گمراه کردیم بطوریکه خود ما  
گمراه شدیم. [اکنون] ما ابراز  
بیزاری کرده بسوی تو میآیم. هرگز  
اینها عبادت ما نمیکردند (۶۴)

و گفته شوند که شریکان خود را  
بخوانید پس آنها را خوانند خوانند.  
پس آنها برای آنها میچ پاسخ می  
نخوانند داد و آنها عذاب را مشاهده  
خواهند کرد. کاشکی هدایت می  
یافتند (۶۵)

و روزیکه خدا به آنها ندا کند و  
پرسد، چه جواب به رسولان ما

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ  
الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾

قَالَ الَّذِينَ لَدَيْنَ حَقِّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ  
الَّذِينَ آغْوَيْنَا آغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا  
تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِلَّا نَانِيَعِبُدُونَ ﴿٦٣﴾

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ  
يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ  
كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ  
الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾



دادید؟ (۶۶)

پس اخبار آن روز بر آنها مشتبه گردد. پس آنها از همدیگر هم مسئلت نکنند. (۶۷)

پس اما آنکس که توبه کرد و ایمان آورد و نیکوکاری کرد پس بعید نیست که او از جمله رستگاران باشد (۶۸)

و پروردگارتو هر چه خواهد می آفریند و [از آن] اختیار میکند و آنان را هیچ اختیاری نیست. پاک است خدا و بلندتر از آنچه شرک می ورزند (۶۹)

و پروردگارتو میداند آنچه سینه های آنها پنهان کند و آنچه را عیان کند (۷۰)

و اوست خدا. نیست معبودی مگر او. ستایش مطلق در دنیا و آخرت از آن اوست. حکم از آن اوست و بسوی او بازگردانده شوید (۷۱)

بگو. مرا حالی کنید اگر خدا

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٧﴾

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَاعْتَسَىٰ  
أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٨﴾

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۗ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٩﴾

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٠﴾

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۗ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧١﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْإِلٰلَ

شب را برشما تا روز قیامت دراز  
نماید کدام معبود است جز خدا که  
شماراروشنی بیآرد. پس آیا گوش  
نمیکنید؟ (۷۲)

بگو. مرا حالی کنید اگر خدا روز را  
بر شما تا روز قیامت دراز نماید  
کدام معبود است جز خدا که شمارا  
شب آورد که در آن آرامش می  
یابید. آیا از بصیرت کار نمی  
گیرید؟ (۷۳)

و از رحمت خود شب و روز را  
برای شما برای این پدید آورد تا  
در آن آرامش یابید و تا فضل او  
را تلاش کنید و تا شما سپاس  
بگذارید (۷۴)

وروزیکه آنها را فراخواند و گوید.  
کجا اند آن شریکانم که شما آنها را  
[شریکم] گمان میکردید؟ (۷۵)

و از هر کدام امت یک گواه بر  
انگیزم و بگوئیم که برهان تان  
بیآرید. آنگاه آنها بدانند که حق

سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهَ غَيْرِ اللَّهِ  
يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ ۖ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿۷۲﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ  
سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهَ غَيْرِ اللَّهِ  
يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ ۖ أَفَلَا  
تُبْصِرُونَ ﴿۷۳﴾

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ لَيْلًا وَالنَّهَارَ  
لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ  
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۷۴﴾

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ  
الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿۷۵﴾

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا  
بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَصَلَّ

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٧٦﴾

ع ٧٦

تنها از آن خدا است و هر چه بر می  
بافتند از آنها ناپیدا شود (۷۶)

یقیناً قارون از قوم موسی بود.  
پس او برخلاف ایشان [قوم خود]  
سرکشید و او را گنجهای دادیم  
که [وزن] کلیدهای آنها گروهی  
نیرومند را خسته میکرد. هنگامیکه  
قومش او را گفت، خود خواه مباش  
یقیناً خدا خود خواهان را دوست  
ندارد (۷۷)

و در آنچه خدا به تو ارزانی کرده  
است خانه آخرت را تلاش کن و  
از دنیا [نیز] سهم خود را فراموش  
نکن و احسان کن بطوریکه خدا  
برتوا احسان کرده است و در زمین  
فساد مجو. یقیناً خدا فسادکاران را  
دوست ندارد (۷۸)

او گفت، این داده شده ام فقط به  
علت آن دانشی که نزد من است.  
آیا نمیدانند که یقیناً خدا هلاک کرده  
است از قبلش آن نسلهای را که

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى  
عَلَيْهِمْ ۖ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ  
مَفَاتِحَهُ لَتَنُورُ أ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ  
إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا  
يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٧﴾

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا  
تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا  
أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي  
الْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٨﴾

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۗ أَو  
لَمْ يَعْلَمَنَّ اللَّهُ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ  
الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَآكْثَرُ

آنهاستختر از او در نیرو و زیادتیر  
در جمعیت بودند؟ و مجرمان از  
گناهان خود پیرسیده نشوند (۷۹)  
پس او در تزیین خود بر قوم خود  
بیرون آمد. آنها که زندگی دنیا را  
دوست داشتند گفتند. کاشکی برای  
ما هم بود مانند آنچه قارون داده  
شد. یقیناً او نصیب دار بزرگی  
است (۸۰)

و آنانکه دانشی داده شدند گفتند.  
وای بر شما. ثواب خدا خیلی بهتر  
است برای آنکس که ایمان آورد  
و نیکوکاری کند اما نیست جز صبر  
کنندگان که به آنها این [معرفت]  
داده شود (۸۱)

پس ما او و خانه او را بر زمین فرو  
بردیم و برای او هیچ گروهی نبود  
جز خدا که او را یاری میکرد و او  
از انتقام گیرندگان نشد (۸۲)

و کسانی که تا دیروز مقام او را  
آرزو میکردند گفتند. دریغ! خدا

جَمَعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ  
الْمُجْرِمُونَ ﴿۷۹﴾

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ ۖ قَالَ الَّذِينَ  
يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَيْلَتٌ كُنَّا مِثْلَ مَا  
أَوْتَى قَارُونَ ۗ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿۸۰﴾

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ  
اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا  
يُلْقِيهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿۸۱﴾

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ ۗ فَمَا كَانَ لَهُ  
مِنْ فِتْنَةٍ يُصْرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۗ وَمَا كَانَ  
مِنَ الْمُتَصَرِّينَ ﴿۸۲﴾

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ  
يَقُولُونَ وَيَ كَانَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ

برای هر که از بندگان خود می خواهد رزق را فراخ میگرداند و تنگ میگرداند و اگر خدا بر ما منت نهاده بود ما را [نیز] فرو میبرد و دریغاً کافران موفق نشوند (۸۳)

این خانه آخرت است که ما آنرا برای آن مردم میسازیم که در زمین نه خود ستائی میجویند و نه فساد و عاقبت برای متقیان است (۸۴)

هر که نیکوکاری آورد پس برای او [پاداش] نیکوتر از آنست و آنکه بدی را آورد پس کسانی که بدیها کردند پاداش داده نشوند جز آن چه میگردند (۸۵)

یقیناً آنکه قرآن را بر تو فرض کرد حتماً تو را بسوی بازگشتگاهی باز گرداند. بگو، پروردگارم داناتر است آن که هدایت آورد و آنکه او در گمراهی آشکار است (۸۶) و تو هیچ خواهش نداشتی که کتاب

يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيُكَانَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكٰفِرُونَ ﴿٨٣﴾

﴿٨٣﴾

تِلْكَ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِيْنَ لَا يُرِيْدُوْنَ عُلُوًّا فِي الْاَرْضِ وَلَا فِسَادًا وَالْعٰقِبَةُ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٨٤﴾

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِيْنَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٨٥﴾

اِنَّ الَّذِيْ فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لَرٰءَدُكَ اِلَىٰ مَعَادٍ ۗ قُلْ رَبِّيْٓ اَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدٰى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٨٦﴾

وَمَا كُنْتَ تَرْجُوْا اَنْ يُلْقٰى اِلَيْكَ الْكِتٰبُ

بتوداده شود مگر از پروردگارتو رحمت است. پس پشتبان کافران مباش (۸۷)

و تو را از [پیروی] آیات خدا باز ندارند پس از آنگاه که بر تو نازل شده باشد و بسوی پروردگار خود بخوان و از مشرکان مباش (۸۸)

و با خدا هیچ معبودی دیگر را نخوان. هیچ معبودی نیست مگر او. هر چیز هلاک شدنی است مگر جلوه او. حکم از آن او است و به سوی او بازگردانده شوید (۸۹)

إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَاهِرًا  
لِلْكَافِرِينَ ﴿٨٧﴾

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلَتْ  
إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ  
الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٨﴾

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا  
هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ  
الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٩﴾

## ۲۹ - العنكبوت

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۷۰ آیت دارد.

بازاین سوره هم از "الم" شروع میشود درجه میتوان کنایه ی باشد که خداموضوعات سوره البقره را مجدداً بیان مینماید. چنانکه در سوره البقره یهود را ذکر بود که ایمان آوردن آنان برای خدا تا آنگاه که به آزمایشها جور در نیآمدند. قابل قبول نشد. اینک همان موضوع در این سوره نیز بازگو کرده میشود. در این زمان رسول الله ﷺ هم مانند پیشینیان فقط ادعای ایمان کافی نیست بلکه گذشتن از هر نوع آزمایش ها مانند ملت های پیشین لازم است.

سپس خداوند میفرماید که بعضیها از جانب مادر و پدر نیز روبرو با آزمایش های سخت میشوند. والدین بعلمت مشرک بودن فرزندان خود را به شرک می خوانند. اما انسان باید بداند مادر و پدر که خداوند در حقشان به روش احسان تعلیم داده است، احسان خداوند در حق او بالاتر از احسان مادر و پدر است. لذا او شرک را در مقابل هیچ بهائی بخاطر مادر و پدر خود قبول نکند.

بطوریکه در آغاز سوره بقره ذکر از منافقان کرده پرده از بیماریهای درونی آنان برداشته شد. در این سوره ذکر از منافقان جاری میشود و بیماری های روحانی گوناگون آنان تجزیه و تحلیل میشوند.

مدعیان ایمان ازین آزمایش نیز میگذرند که سرداران نشان به آنها می گویند، دنبال ما بیایید و اگر مسلک ما نادرست هم باشد ما بار شما را بدوش میگیریم. بلی! احتمالاً اینها هم بار خویش را و هم بار پیروان خویش را بعلمت گمراه ساختن آنان بدوش خواهند گرفت و روز قیامت این امر قضاوت شود

که اینها چگونه دروغ بر خدا میبستند.

سپس ذکر از قومهای حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت لوط و بسیار قومهای دیگر رفته است که بعلت مخالفت از پیغبران خویش ملاک کرده شدند و علامات آنها تا حال در زمین باقی مانده است. باستان شناسان آثار بسیاری از قومهای کهن را اکتشاف نموده اند و البته سراغ گرفتن از بسا قوما هنوز باقی است. حتی درباره کشتی نوح هم گفته میشود که باستان شناسان از آن نیز غافل نیستند و روزی حتماً آنرا کشف خواهند کرد.

سپس در آیه مرکری ۴۲ که به عنوان سوره "العنكبوت" تعلق دارد فرموده میشود: کسانی که معبودانی غیر از خدا بر میگزینند مثل آنان با عنکبوتی است که رشته ای بیچدار مییافت. استدلال مشرکان نیز همچنین بیچدار اما در حقیقت بینهایت احقانه است و مثل فرا گرفته های آن نیز مانند آن مگس های احق است که در تار عنکبوت بدام میافتند و آنها نمیدانند که هیچ دامی دیگر ناتوان تر از تار عنکبوتی نیست.

در تار عنکبوت این تضاد است که اگر چه تاری که از لعابش در میآید اینقدر محکم است که نخی با آن کلفتی و سنگینی. از آهن هم آنقدر محکم نیست باز هم آن دامی ناتوانتر اثبات میشود. پس برای دشمنان اعلام است که دامی محکم تر هم بسازند اما انجامش نیست مگر مانند تار عنکبوت که بظاهر محکم ولی در حقیقت بسیار ناتوان اثبات شده است.

در پایان خداوند جویندگان خود را مژده ای میدهد. مسلك شاهر چه باشد هر کدام دین دارای آن راستی است که بر آن فکرو اندیشه کرده بخواسته خدا هدایت انسان بسوی راستی اسلام ممکن است.



☆ سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعُونَ آيَةً وَ سَبْعَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

الْمَرَّةِ

اَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ مِنْ خَدَائِدَانِ تَرَا زَمَهُ (۲)

آیا مردم پنداشتند که ما کرده

شوند [بصرف] اینکه میگویند ما

ایمان آورديم و آنان آزمایش

کرده نشوند (۳)

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا  
وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ②

و یقیناً آنها که پیش از آنها بودند را

آزمایش کردیم. پس یقیناً خدا باز

شناسد آنها را که راست گویانند و

البته دروغ گویان را [نیز] باز

بشناسد (۴)

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ  
اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ③

آیا گمان کردند آنها که بدیها کنند

بر ما سبقت گیرنده اند. چه زشت

است آنچه قضاوت کنند (۵)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ  
يَسْبِقُونَا ۗ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ④

آنکس که به دیدار خدا امید دارد

پس یقیناً وقت معین خدا رسنده

است و او بسیار شنوای صاحب

علم دائمی است (۶)

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ⑤

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ  
لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿۷﴾

پس هر که جهاد کند پس فقط بنفع  
خودش جهاد میکند. یقیناً خدا  
بی نیاز از همه جهانها است (۷)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ  
أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۸﴾

و کسانی که ایمان آوردند و نیکو  
کاری کردند یقیناً بدیهای ایشان را  
از ایشان دور نمایم و حتماً پاداش  
دهیم ایشان را طبق آن نیکوترین  
عمل که انجام می دادند (۸)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِن  
جَاهَدَكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ  
عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ  
فَأَنبِئِكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۹﴾

وانسان را توصیه کردیم به مادرو  
پدر خود احسان کن [گفتیم] اگر  
باتوستیزه کنند که بامن آنچه را  
شريك آور که به آن تورا دانشی  
نیست پس آندو را پیروی نکن.  
بازگشت شما بسوی من است آن  
وقت شما را آگاه سازم به آنچه  
شما میکردید (۹)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ﴿۱۰﴾

و کسانی که ایمان آوردند و نیکو  
کاری کردند را حتماً به نیکوکاران  
داخل کنیم (۱۰)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا  
أُودِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ

و از مردم آنانند که میگویند "به  
خدا ایمان آوردیم". پس آنگاه که

درواه خدا آزار داده شوند آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می دهند و پس چون یاری پروردگارتو فرار سدحتمًا گویند، یقینًا ما با شما بودیم. آیا خدا دانتر به آن نیست که در دلهای همه جهانیانست؟ (۱۱) و البته خدا خواهد دانست آنانکه ایمان آوردند و یقینًا هم منافقان را خواهد دانست (۱۲)

و کسانی که کفر کردند گویند به آنانکه ایمان آوردند که راه ما را پیروی کنید ما خطاهای شما را بدوش خواهیم گرفت در حالیکه نیستند آنها که هیچ هم از خطاهای آنها به دوش گیرندگان باشند یقینًا آنها دروغگو یانند (۱۳)

و یقینًا بدوش کشند بارهای خود - شان را و با بارهای خودشان بارهای دیگر نیز و حتماً پرسیده شوند در روز قیامت از آنچه بودند برمیافتند (۱۴)

اللَّهُ ۙ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ ۙ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ۝۱۱

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ۝۱۲

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطِيئَتَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطِيئَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ۙ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ۝۱۳

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ ۙ وَلَيَسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝۱۴

و یقیناً ما نوح را بسوی قومش  
فرستاده بودیم پس او در ایشان  
پنجاه کم مزار سال مکث کرد.  
پس طوفان آنها را فروگرفت و  
آنها ستمکاران بودند(۱۵)++

پس ما او و [با او] سواران کشتی  
را نجات دادیم و آن [کشتی] را  
نشانه ای برای همه جهانها قرار  
دادیم(۱۶)

و ابراهیم [را فرستادیم] چون بقوم  
خود گفت که خدا را عبادت کنید  
و او را تقوی اختیار کنید. این  
برایشما بهتر است. [و بهتر بود]  
اگر شما میدانستید(۱۷)

یقیناً شما بفریاد خدا بتان را عبادت  
میکنید و دروغ بهم مییابید. البته  
آنرا که جز خدا عبادت کنید رزقی  
را برایشما اختیار ندارند. پس رزق  
را از نزد خدا بخواهید و او را

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ  
فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا  
فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿۱۵﴾

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ  
وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿۱۶﴾

وَأَبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ  
وَاتَّقُوهُ ۚ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ  
تَعْلَمُونَ ﴿۱۷﴾

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا  
وَتَخْلُقُونَ أَفْكَالًا ۚ إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ  
دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا  
عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ

++ آیت ۱۴: عمر حضرت نوح ۹۵۰ سال بیان میشود ولی این نه عمر ظاهری بلکه عمر

شریعت ایشان است.

عبادت کنید و او را سپاسگذارید  
بسوی او باز گردانده شوید (۱۸)  
و اگر تکذیب کنید پس یقیناً ملتها  
پیش از شما نیز تکذیب کرده بودند  
و نیست بر پیغمبر جز رساندن  
[پیغام] آشکارا (۱۹)

آیا ندیدند که چطور خدا آفرینش  
را آغاز میکند. سپس آن را تکرار  
میکند. یقیناً این بر خدا آسان  
است (۲۰)

بگوسیر کنید در زمین پس بنگرید  
که چطور خدا آفرینش را ابتداء  
کرد. باز خدا آنرا بصورت پیدایش  
آخرت بر بخیزاند. یقیناً خدا بر هر  
چیز مدام قدرتمند است (۲۱)

هر که را خواهد عذاب میدهد و هر  
که را خواهد رحم میکند و بسوی  
او بازگشت داده شوید (۲۲)

و نیستید شما در زمین و نه در  
آسمان عاجز کنندگان [خدا] و برای  
شما جز خدا هیچ دوستی نیست و

وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أَمَمٌ مِّنْ  
قَبْلِكُمْ ۗ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ  
الْمُبِينِ ﴿۱۹﴾

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ  
يُعِيدُهُ ۗ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۲۰﴾

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ  
بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ ۗ  
إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۱﴾

يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ ۗ وَإِلَيْهِ  
تُقَلَّبُونَ ﴿۲۲﴾

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي  
السَّمَاءِ ۗ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ

وَلَا نَصِيرٌ ﴿۱۳﴾

نه یابوری است (۲۳)

و کسانی که به آیات خدا و ملاقات او را انکار کردند همانند که از رحمت نومید شده اند و همانند که آنرا عذابی دردناکست (۲۴)

پس جواب قومش نبود مگر اینکه گفتند، او را بکشید یا او را بسوزانید. پس خدا او را از آتش نجات داد. یقیناً در آن آیات است آن مردم را که ایمان می‌آوردند (۲۵)

و او گفت، شما که خدا را ترک کرده بتانرا جهت محبت همدیگر در زندگانی دنیا برگزیده اید. سپس در روز قیامت بعضی از شما به بعضی انکار کنند و بعضی از شما بعضی را لعنت کنند و مأوی شما آتش باشد و شما را هیچ از یاوران نباشد (۲۶)

پس لوط برای او [ابراهیم] ایمان آورد و گفت من بسوی پروردگارم مهاجرت کننده ام. یقیناً او صاحب

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۴﴾

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۵﴾

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَىٰكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿۱۶﴾

فَأَمِّن لَّهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي ۗ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۷﴾

غلبه کامل صاحب حکمت  
است (۲۷)

و او را اسحق و یعقوب بخشیدیم  
و در نژادش [هم انعام] نبوت و  
کتاب را قراردادیم و او را مزدش  
در این دنیا دادیم و هم در آخرت  
یقیناً او از صالحان است (۲۸)

و لوط چون به قوم خود گفت.  
یقیناً شما به فحشائی [پر شتاب]  
میآید. احدی از جهانها شما را به  
آن سبقت نگرفته است (۲۹)

آیاشما بر مردان [بشهوت] میآید  
و راهزنی میکنید و درگردهائی  
خود ناپسندها میآرید. پس جواب  
قومش نبود مگر اینکه گفتند  
عذاب خدا را نزد ما بیار اگر  
تو از راستگویانی (۳۰)

[لوط گفت] پروردگارا در مقابل  
قوم فساد کاران مرا یاری  
کن (۳۱)

پس گامیکه فرستادگان ما بمزده

و وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي  
ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَأَتَيْنَاهُ آجْرَهُ فِي  
الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٨﴾

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ  
الْفَاحِشَةَ مِمَّا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ  
الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ  
السَّبِيلَ ۗ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ ۗ  
فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا  
بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٠﴾

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ  
الْمُفْسِدِينَ ﴿٣١﴾

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ ۖ

قَالُوا إِنَّا مَهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّا  
أَهْلُهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٢٢﴾

بسوی ابراهیم آمدند گفتند. یقیناً  
ما اهل این قریه را هلاک کنندگان  
ایم. یقیناً ساکنان آن ستمکاران  
اند (۲۲) ++

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ  
بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ  
كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٢٣﴾

او گفت. یقیناً در این [شهر] لوط هم  
است. ایشان گفتند ما داناتریم  
به آنکه در آن است. یقیناً ما او و  
خانواده اش جز زنش را نجات  
دهیم. آنزن از جمله باز ماندگان  
است (۲۳)

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا  
سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا  
تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجِيُكَ  
وَأَهْلِكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ  
الْغَابِرِينَ ﴿٢٤﴾

و گاهیکه فرستادگان مانند لوط  
آمدند او از ایشان ناخوش آمد و  
بسبب ایشان طاقت او تنگ شد.  
پس گفتند: ترس مدار و اندوه گین  
مباش. ما تو و همه خانواده تو را  
نجات میدهیم جز زن تو که البته  
او از بازماندگانست (۲۴)

++ آیت ۲۲: فرشتگان که برای نابودی قوم لوط مامور شدند قبلاً بر حضرت ابراهیم  
نیز نازل آمده بودند و چون حضرت ابراهیم رقیق القلب بودند لذا ایشان برای  
عفو آن قوم لوط در درگاه خدای متعال بسیار اصرار ورزیدند.



یقیناً بر مردم این شهر عذابی از آسمان نازل کننده ایم چه آنها نافرمانی میکنند (۳۵)

و البته از آن يك نشانه روشن واگذارديم برای آن مردم که عقل کنند (۳۶)

وبسوی مدین برادرایشان شعیب [رافرستادیم] پس او گفت، ای قوم من خدا را عبادت کنید و به روز آخرت امید داشته باشید و مفسدانه در زمین نا امنی نگسترانید (۳۷)

پس او را تکذیب کردند. پس زلزله آنها را فرو گرفت پس در حالتی شدند که در منازل خود به زانوهای در افتاده بودند (۳۸)

و عادی و ثمود را [نیز زلزله گرفت] و این از [ویرانی] منازلشان بر شما روشن گردیده است و شیطان اعمالشان را برای آنها زیبا نشان داد و آنها را از راه [راست] بازداشت حالانکه بخوبی میدیدند (۳۹)

إِنَّا مَنزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۳۵﴾

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۳۶﴾

وَالِىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۳۷﴾

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ ﴿۳۸﴾

وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّن مَّسْكِنِهِمْ<sup>۳۵</sup> وَرِزِينَ لَّهُمُ الشَّيْطٰنُ أَعْمٰلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿۳۹﴾

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَدْ  
جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي  
الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَاقِينَ ﴿٤٠﴾

و قارون و فرعون [را هم کيفر  
گمراهی آنها دادیم] و يقيناً موسى  
آنان را بانسانه های آشکار آمده  
بود باز هم آنها در زمین خود خواهی  
کردند و [از کيفر ما] سبقت گیرندگان  
نبودند (۴۰)

فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا  
عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَن أَخَذَتْهُ  
الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن خَسَفْنَا بِهِ  
الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن أَعْرَقْنَا وَمَا كَانَ  
اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ  
يَظْلِمُونَ ﴿٤١﴾

پس ما هر کدام از آنها را بعلت  
گناهش بگرفتیم. پس از آنها بود که  
بر آن سنگریزه ها بارانیدیم و از  
آنها بود که آنها غرّش هولناک  
فرو گرفت و از آنها بود که آنها  
بزمین فرو بردیم و از آنها بود که  
آنها غرق نمودیم و نبود خدا که  
بر آنها ستم کند و اما بر جانهای خود  
ستم میکردند (۴۱) ++

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ

مثل کسانی که دوستان گذشته از

++ آیت ۴۱: در این آیت سخن از این رفته است که با چه وسیله ها قوم های مخالف  
پیغمبران زمان خود بھلاک رسانده شدند. بر بعضیها باد سنگریزه های بارانیدیم  
و برخی ها را غرّشی خوفناک فرو گرفت و بعضیها ناشی از زلزله ها بخاک برده  
شدند و بعضیها بفرق افکنده شدند. معمولاً همین چهار طریق است که برای هلاک  
دشمنان پیغمبران بکار برده میشود.

كَمَثَلِ الْعُنْكَبُوتِ إِتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ  
 أَوْهَانَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعُنْكَبُوتِ ۖ  
 لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۴۱﴾

خدا گرفته اند مانند مثل عنكبوت  
 است. آن خانه ی ساخت و یقیناً  
 سست ترین خانه ها خانه عنكبوت  
 است کاشکی میدانستند (۴۲)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ  
 شَيْءٍ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۴۲﴾

یقیناً خدا میداند آنچه را جز او  
 میخوانند و او صاحب غلبه کامل  
 صاحب حکمت است (۴۳)

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۚ وَمَا  
 يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعُلَمَاءُ ﴿۴۳﴾

و این مثلهای است که ما برای  
 مردم بیان میکنیم و آنها را درک  
 نمیکند جز صاحبان علم (۴۴)

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ إِنَّ  
 فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۴﴾

خدا آسمانها و زمین را بحق آفریده  
 است یقیناً در این مومنان را  
 آیتی بزرگ است (۴۵)

فروخوان آنچه از کتاب برتووحی شود و نماز رابهای دار. یقیناً نماز از فحشائی و ناپسندها باز میدارد و یقیناً ذکر خدا بزرگتر است و خدا میداند آنچه میکنید (۴۶)

و با اهل کتاب مباحثه کن فقط به آن [طریق] که آن نیکوترست جز آنان از ایشان که ستم کردند. بگو ما ایمان آورده ایم به آنکه بسوی ما نازل کرده شد و بسوی شما نازل کرده شد و معبود ما و معبود شما یکتا است و ما برای او گردن نهادگانیم (۴۷)

و اینگونه ما کتاب را بسوی تو نازل کردیم. پس کسانی که ایشان را کتاب دادیم به آن ایمان میآرند و از آنان [اهل کتاب هم] است آنکه به آن ایمان میآرد و به آیات ما انکار نکند مگر کافران (۴۸)

و بیش از این توهیح کتابی نمی خواندی و نه آنرا بدست راست

أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۗ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۴۶﴾

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۗ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا أَمَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَالْهُنَا وَالْهَكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۴۷﴾

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ ۗ فَالَّذِينَ آتَيْتَهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ ۗ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ﴿۴۸﴾

وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَا زَنَابَ الْمُبِطُونَ ﴿۴۹﴾

خود مینوشتی و گرنه ردکنندگان  
 حتماً [از تو] به شك میفتادند (۴۹)  
 بلکه آن آیت‌های آشکار است در  
 سینه‌های آنانکه علم داده شدند و  
 به آیت‌های مافقط ستمگران انکار  
 میکنند (۵۰)

و گویند، چرا بر او از پروردگارش  
 نشانه نازل کرده نشد؟ بگو نشانه  
 ها فقط نزد خدا است و من فقد بیم  
 دمنده‌ی آشکارام (۵۱)

آیا این برایشان بس نیست که  
 کتابی بر تو نازل کرده ایم که بر  
 آنها فرو خوانده میشود و یقیناً در  
 این برای قومیکه ایمان آرند  
 رحمت است و بند است (۵۲)

بگو خدا بین من و بین شما گواه  
 بس است. او میداند آنچه در  
 آسمانها و زمین است و کسانیکه  
 بیاطل ایمان آوردند و به خدا  
 انکار کردند همانندکه زیانکاران  
 اند (۵۲)

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ  
 أُوتُوا الْعِلْمَ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا  
 الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ  
 قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ  
 مُبِينٌ ﴿٥١﴾

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ  
 يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا  
 لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا  
 يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَالَّذِينَ  
 آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ  
 هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٥٢﴾

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۗ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ ۗ وَلِيَأْتِيَهُمْ بَعْتَةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٦﴾

و آنها عذاب را از تو بتعجیل می خواهند و اگر نهایت زمانی مقرر نبود آنها را عذاب حتماً می آمد البته آن آنرا ناگهان می آید در حالیکه آنها هیچ درک نکنند (۵۴)

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۗ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٥﴾

آنها عذاب را از تو بتعجیل می خواهند و یقیناً جهنم کافران را احاطه کننده است (۵۵)

يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٦﴾

روزی که عذاب آنها را از فراز آنها و زیر پاهای آنها فروپوشد و [خدا] گوید، بچشید [طعم] آنچه شما می کردید (۵۶)

يُعْبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ﴿٥٧﴾

ای بندگان من که ایمان آورده اید و نیکوکاری کردید زمین من بسیار فراخ است. پس تنها مرا عبادت کنید (۵۷)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٨﴾

هر کس [طعم] مرگ را چشیده است. سپس به سوی ما برگردانده شوید (۵۸)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ

و کسانی که ایمان آوردند و نیکو کاری کردند حتماً ایشانرا در بالا

تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ  
الْعَمَلِينَ ﴿٥٩﴾

خانه های بهشت جا دهم که در  
دامنه آنها نهرها روان باشد. ایشان  
در آن جاویدانند. عمل کنندگان را  
چه خوب پاداش است (۵۹)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٦٠﴾

کسانی که صبر کرده و بر پروردگار  
خود توکل می‌کردند (۶۰)

وَكَأَيِّنْ مِنْ ذَا بَأْسٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ  
يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾

و چه بسا جنبندها هستند که رزق  
خود را برنمی‌دارند. خدا است که  
هم به آنها رزق میدهد و هم به شما  
و او بسیار شنوای صاحب علم  
دائمی است (۶۱)

وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ  
لِيَقُولَنَّ اللَّهُ فَاَلَيْ يُوَفِّكُونَ ﴿٦٢﴾

و اگر از آنها بپرسی کیست که  
آسمان ها و زمین را آفرید و  
خورشید و ماه را مسخر کرد؟ حتماً  
گویند، خدا. پس کجا منحرف کرده  
میشوند (۶۲)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ  
وَيَقْدِرُ لَهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٣﴾

خدا است که برای هر که از  
بندگان خود می‌خواهد رزق را فراخ  
گرداند و برای او [رزق] تنگ می  
گرداند. یقیناً خدا به هر چیز نیک  
دانا است (۶۳)

و اگر از آنها بپرسی کیست که آب را از آسمان نازل کرد پس زمین را بدان پس از مرگش زنده نمود؟ حتماً گویند، خدا، بگوستایش مطلق برای خدا است اما بیشتر آنها عقل نکنند (۶۴)

و نیست این زندگی دنیا مگر بازی و بازیچه و البته خانه آخرت زندگی حقیقی است، کاشکی می دانستند (۶۵)

پس وقتی سوار کشتی شوند دین را برای او خالص کرده خدا را خوانند، پس هرگاه آنها را بسوی خشکی نجات دهد بیدرنگ آنها شرك میورزند (۶۶)

تا ناشکری کنند بدانچه به آنها بخشیده ایم و تا موقتاً بهره کشی کنند، پس بزودی [نتیجه] آن را بدانند (۶۷)

آیاندیدند که ما حرمی جای ایمن ساخته ایم در حالیکه مردمان از

وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لِيَقُولُنَّ  
اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا  
يَعْقِلُونَ ﴿٦٤﴾

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُمْ وَلِحَبِّ  
وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ م  
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٥﴾

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ  
لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ  
يُشْرِكُونَ ﴿٦٦﴾

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ ۗ وَلِيَتَمَتَّعُوا  
فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾

أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا مِمَّا  
وَيَتَخَفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۗ



أَفِإِنبَاطِلٍ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ  
يَكْفُرُونَ ﴿٦٨﴾

پیرامون آن ربوده میشوند. پس  
آیا به باطل ایمان بیارند و نعمت  
خدا را انکار میکنند؟ (۶۸)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ  
كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ  
مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٩﴾

و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا  
دروغ بهم بافتد یا حق را تکذیب  
کند چون او را بیاید. آیا منزلگاه  
کافران در جهنم نیست؟ (۶۹)

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۗ  
وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٠﴾

و آنانکه در تلاش ما کوشند یقیناً ما  
ایشانرا براه خود هدایت کنیم و  
یقیناً خدا با محسنان است (۷۰)

## ۳۰- الروم

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۶۱ آیت دارد.

این سوره نیز با مقطعات آلم شروع شده است. سورت‌های شروع شده با مقطعات آلم حاکی از این ذکر است که خدا داناتر است که چه شد و چه خواهد شد.

سوره قبلی در پایان خود مدعی بود که یقیناً خدا با احسان کنندگان است و بزرگترین احسان کنندگان آنحضرت ﷺ بودند. پس ایشان مؤده ای داده میشوند به پیروزیهای بیشتر که ذکر از آنها چندین بار در این سوره رفته است. نخست در قالب پیشگوئی بیان فرمود که مشرکان فارس [که به یکتا پرستی بحر حال مدعی که بودند] در مقابل دولت مسیحیان روم به پیروزی نایل آیند. بر پایه راست آمدن آن پیشگوئی آنان کمی از خاک آن کشور را بدست آوردند و مشرکان بر اساس این واقعه فال گرفتند که آنان در مقابل آنانکه با خدامنسوب اند پیروزی نهائی را هم بدست خواهند آورد. این سوره عبارت از این اعلام است که هرگز اینطور نخواهد شد. یقیناً رومیان خاک میهن از دست داده ای خود را بازگیرند و آنوقت مسلمانان شادمان گردند بر پایه این توقع که اکنون ایشان را نیز انشاء الله در مقابل بت پرستان پیروزی بزرگ بدست خواهد آمد.

این پیشگوئی از آنروزها است که مسلمانان هنوز بسیار ناتوان بودند و هیچکس نمیتوانست مدعی برای پیروزی بزرگ باشد. ضمناً در وعده مزبور این پیشگوئی نیز مضر بود که مسلمانان در مقابل ابر قدرت مشرکان دولت

کسری نیز به پیروزی بزرگ نایل خواهند آمد. پس عیناً همینطور بظهور رسید. مردم مدرکی اینقدر مهم را مشاهده کرده نیز از هستی خداوند انکار می کنند. پس ایشان یکبار دیگر بسوی این حقیقت متوجه ساخته شوند که آیا ایشان درباره زمین و آسمان یانفسهای خویش تعقل نمیکنند تا مدارک هستی خداوند را در وجود خودشان و در آفاق زمین و آسمان مشاهده کنند؟ باز ایشان به آثار ملت‌های پیشین متوجه ساخته میشوند که اگر ایشان نیز مثل پیشینیان از حال خود بی خبراند پس باید به عاقبت آنها بنگرند. آنها بزرگترین ملت‌های دنیائی بودند و آنان زمین را در مقابل ملت‌های موجود در زمان رسول الله ﷺ بیشتر آبادان کردند و اما چون آثار ارسلان خدا آمدند بعلت انکار ایشان با آن عظمت‌های خود بخاک کرده شدند.

بعدها این موضوع بوسیله مثل‌های گونا گون پیوسته جریان دارد که به هر کجا نگاه را بدوانید موضوع مرگ پس از زندگی و زندگی پس از مرگ تعمیم داده بچشم میخورد. اما افسوس که انسان بر این امر تأمل نمی کند که این همگان نظام را این مقصد نهائی نمیتواند باشد که تکراراً او بخاطر همین دنیا زنده کرده شود. آخرین مرحله زندگی همانست که در آن او بخاطر محاسبه در محضر خداوند احضار کرده شود.

پس آنحضرت ﷺ یکبار دیگر به این امر نصیحت شوند که تو صبور باش. وعده خدا بحر حال حق است و آنهایی که باور نمیکنند تو را از موضع خودت دور نیفکنند. اینجا صبر را مفهوم اینست که به نیکیها چنگ زنی و به هیچ ارزش قائل شده سخن حق را ترك نگویی.

☆ سُوْرَةُ الرَّوْمِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدَى وَسِتُّونَ آيَةً وَ سِتَّةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۝

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیاربخشنده بارما رحم کننده(۱)

الْمَلَّحِ ۝

أَنَا اللّٰهُ أَعْلَمُ - منم خدا از همه  
داناتر(۲)

عُلِبَتِ الرَّوْمُ ۝

رومیان مغلوب کرده شدند(۳) ++  
در زمین نزدیک و آنها پس از  
مغلوب شدن خود بزودی غلبه  
خواهندیافت(۴) ++

فِي آذُنِ الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ  
سَيَعْلَبُونَ ۝

در سه الی نه سال.فرمان از آن  
خدا است پیش از آن و پس از آن  
و مومنان [نیز از پیروزیهای خود]  
آنروز بسیار خرسند شوند(۵) ++

فِي يَضِعَ سِنِينَ ۝ لِلّٰهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَمِنْ  
بَعْدِ ۝ وَيَوْمَ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۝

بیاری خدا. او یاری میکند هر که  
را بخواهد و اوصاحب غلبه کامل  
بارها رحمکننده است(۶) ++

يَنْصُرِ اللّٰهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۝ وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الرَّحِیْمُ ۝

وعدۀ خدا است. خدا خلف وعده  
خود نمیکند اما بیشتر مردم نمی  
دانند(۷) ++ [حاشیه ص# ۹۵۷]

وَعَدَ اللّٰهُ ۝ لَا يَخْلِفُ اللّٰهُ وَعَدَّهُ وَلٰكِنْ  
أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ  
عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفْلُونَ ﴿۸﴾

آنها ظاهر زندگی دنیا را میدانند  
در حالیکه آنها از آخرت بیخبر  
اند (۸)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ  
وَاجِلٌ مُّسَىٰ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ  
بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَفِرُونَ ﴿۹﴾

آیا در خودشان تفکر نکنند که خدا  
آسمانها و زمین و آنچه میان آندو  
است را فقط بحق و نهایت زمانی  
معین آفریده است و یقیناً بیشتر  
مردم بملاقات پروردگار خودشان  
منکران اند (۹)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ  
كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ

آیا در زمین سیر نکنند تا بنگرند  
که فرجام آنها که قبل از آنان  
بودند چطور بود. آنان سخت تر  
از آنان در توانائی بودند و زمین

++ آیات ۳-۷: در این آیت‌های ابتدایی از سوره الروم کلمات غلبت الروم را بدین  
معنای ذکر است که دولت روم حین جنگ با دولت آتش پرست کسری از ایران در  
خاک نزدیکی به شکست روبرو شود. اما همان وقت این پیشگویی نیز فرموده شد  
که رومیان را فتح دوباره بر دولت کسری حاصل شود و آن واقعه در مدت نه سال  
صورت خواهد گرفت. اینهم دلیلی فوق العاده بر راستی رسول الله ﷺ است که  
این خیر ایشان را خدای متعال خود داد.

در همان آیتها منتهای پیشگویی مربوط به غلبه مسلمانان نیز است و همان طور که مندرج  
است با شأن بزرگی پایان پذیرفت. این پیروزی نیز در بضع سین بموقع جنگ  
بدر بدست مسلمانان آمد.

را خوب میکافتند و آبادان کردند  
 آنرا بیشتر از آنچه آنها آنرا آبادان  
 کرده اند و آنانرا رسولان ایشان  
 بانشانه های آشکارآمدند. پس نبود  
 خدا که بر آنهاستم میکرد و اما خود  
 بر جانهای خودستم میکردند (۱۰)

سپس عاقبت آنها که بدی کردند  
 بسیار بد شد چه به آیات خدا تکذیب  
 کردند و داشتند به آنها تمسخر  
 میکردند (۱۱)

خدا است که آفرینش را آغاز می  
 کند سپس آنرا تکرار میکند سپس  
 بسوی او بازگرانده شوید (۱۲)  
 و روزیکه قیامت برپا گردد مجرمان  
 نومید شوند (۱۳)

و کسی از شریکانشان برای آنها  
 شفاعت کننده نباشد و آنها [خود]  
 شریکان خود را انکار خواهند  
 کرد (۱۴)

و روزیکه قیامت برپا گردد آنروز  
 [مردم] پراکنده شوند (۱۵)

وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا  
 وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ  
 اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ  
 يَظْلِمُونَ ﴿۱۰﴾

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَلَمْ  
 كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۱۱﴾

اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ  
 تُرْجَعُونَ ﴿۱۲﴾

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ  
 الْمُجْرِمُونَ ﴿۱۳﴾

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ  
 وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ ﴿۱۴﴾

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِضُ يَتَفَرَّقُونَ ﴿۱۵﴾

پس آنانکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند پس ایشان در گلزاری شادان گردانیده شوند(۱۶)

و آنانکه انکار کردند و تکذیب کردند به آیتهای ما و به ملاقات آخرت را، پس همانند که در عذاب احضار شوند(۱۷)

پس [در هر حال] پاکست خدا وقتی که وارد شام شوید و آنگاه که بامگاه کنید(۱۸)

و ستایش مطلق برای او است در آسمانها و زمین و شبگاه و هنگامی که ظهر میگذرانید(۱۹)

زنده را از مرده بیرون میآرد و مرده را از زنده بیرون میآرد و زمین را پس از مرگش باز زنده میگرداند و همینطور هم شما در آورده شوید(۲۰)

و از نشانهای اوست که شما را از گل آفرید. سپس [گویی] ناگهان شما بشر پراکنده همی شدید(۲۱)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ﴿۱۶﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿۱۷﴾

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿۱۸﴾

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿۱۹﴾

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿۲۰﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴿۲۱﴾

و از آیت‌های اوست که زوج های شما را از جنس شما آفریدتا بسویشان میل کرده آرامش یابید و محبت و رحمت را میان شما نهاد. یقیناً در این آیات است برای قومی که تفکر کنند(۲۲)

و از آیت‌های اوست آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شما. یقیناً در این برای صاحبان علم آیت‌های است(۲۳)++  
و از آیت‌های اوست خواب شما هنگام شب و روز و جستن فضل او. یقیناً در این آیت‌های است مردم را که گوش باز میدهند(۲۴)

و از آیت‌های اوست که شمارا در حالت ترس و امید برق نشاندهند و آب را از ابرنازل کند. پس بدان

وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا اِيَهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿۳۰﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ اَلْسِنَتِكُمْ وَاَلْوَانِكُمْ ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿۳۱﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ﴿۳۲﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبُرْقَ حَوَاقٍ وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَيُحْيِيْ بِهٖ الْاَرْضَ

++آیت ۲۴: اینجا اشاره ای است که در ابتدا فقط يك زبان بود و آن الهامی بود و بعدها در نتیجه منتشر شدن انسان در منطقه های مختلف با تبدیلی خاک. زبان نیز تغییر همیافت. بر همین منوال درابتداء رنگ انسان نیز یکسانی بود و بعدها آن نیز تحت تاثیر آب و هوا منطقه تبدیل می شد.



بَعْدَ مَوْتِهَا<sup>ط</sup> إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ  
يَعْقِلُونَ ﴿۲۵﴾

زمین را پس از مرگش زنده  
میکند. یقیناً در این آیه‌های است  
برای مردمی که خردمندی را بکار  
برند (۲۵)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ  
بِأَمْرِهِ<sup>ط</sup> ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ  
الْأَرْضِ<sup>ث</sup> إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿۲۶﴾

و از آیات اوست که آسمان و زمین  
با فرمان او استوار است. سپس  
گامیکه او شما را از زمین بانگ  
زند ناگهان شما درآیید (۲۶)

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ<sup>ط</sup> كُلٌّ لَّهُ  
قَلْبُونَ ﴿۲۷﴾

و از آن اوست هر چه در آسمانها و  
زمین است. همه فرمانبرداران  
اویند (۲۷)

وَهُوَ الَّذِي بِيَدِهِ الْخَلْقُ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ  
أَهْوَنُ عَلَيْهِ<sup>ط</sup> وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ<sup>ج</sup> وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ ﴿۲۸﴾

و اوست آنکه آفرینش را آغاز  
کند سپس آنرا تکرار کند و این  
بر او آسانتر است و مثل او در  
آسمانها و زمین بلندتر است و او  
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت  
است (۲۸)

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ<sup>ط</sup> هَلْ  
لَكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ  
فِي مَا رَزَقْتُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ

او برای شما مثل از خود شما میزند.  
آیا از زیردستان شما در آن شریکان  
اند که به شما رزق داده ایم پس  
شما در آن هم سنگ شوید و بترسید

تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۗ كَذَلِكَ  
نُفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۳۰﴾

از آنها مانند ترسیدنشان از خویشان  
خود؟ اینگونه ما آیتهای خود را  
تفصیل میدیم برای مردمی که  
عقل کنند (۲۹)

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ  
عِلْمٍ ۖ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ ۖ وَمَا  
لَهُمْ مِنْ ناصِرِينَ ﴿۳۱﴾

حقیقت اینست آنانکه ستم کردند  
بیدانش هوائی نفسانی خود را  
دنبال کردند. پس کی هدایت دهد  
آنکه را خدا گمراه گرداند و آنها را  
کسی از یاوران نباشد (۳۰)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۗ فِطْرَتَ  
اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۗ لَا تَبْدِيلَ  
لِخَلْقِ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ ۗ وَلَكِنَّ  
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۲﴾

پس مدام حق گرا بوده توجه خود  
را برای دین راست کن. این آن  
فطرت خداست که بر آن او مردم  
را آفرید و در آفرینش خدا تغییری  
نیست. دین برقرار و برقرار کننده  
اینست. اما اکثر مردم ندانند (۳۱)

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ ۗ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ  
وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۳۳﴾

انابت کنان بسویش [راه روید] او  
را تقوی اختیار کنید و نماز را

++ آیت ۳۱: یعنی خداوند آدمیان را بر فطرت آفریده است و هر يك انسان بر همان  
يك دین متولد میشود یعنی با فطرت پاک و تمیز و باز بزرگ شده در نتیجه تا فرات  
گونا گون لغزش میخورد. بر اساس این آیت مثلاً خواه بجهت ی هندو، مسیحی، یهودی  
یا مشرک است هنگام تولد او معصوم چشم بدنیا میگشاید.

بیادارید و از مشرکان نباشید (۳۲)  
 [نباشید از] آنانکه دین خود را پاره  
 پاره کردند و گروه گروه شدند هر  
 کدام گروه خرسند اند به آنچه  
 نزد آنها است (۳۳)

و گامیکه بمردم سختی لمس کند  
 پروردگار خود را بسویش انابت  
 کنان میخوانند. سپس گامی که  
 بدیشان رحمت خود بچشانند ناگهان  
 گروهی از آنها به پروردگار خود  
 شرك میورزند (۳۴)

تاناشرکی کنند به آنچه آنها را داده  
 ایم پس بهره موقتی بکشید. باز  
 [فرجامش را] بزودی بدانید (۳۵)  
 آیاما دلیلی قاطع بر آنها نازل کرده  
 ایم پس آن تکلم میکند جهت آنچه  
 با او شریک قرار میدهند؟ (۳۶)

و هرگاه بمردم رحمت بچشانیم به  
 آن میخرامند و اگر به آنها سختی  
 برسد بدان [علت] که دستهای آنها  
 بیش فرستاد ناگهان آنها نوید

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعَابًا كُلِّ  
 حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٣﴾

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ  
 مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةٌ  
 إِذْ أَفْرَيقُ مِنْهُمْ يَرْتَابُونَ ﴿٣٤﴾

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْتَهُمْ ۗ فَتَمَتَّعُوا  
 فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٥﴾

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا  
 كَانُوا بِهِ يَشْرِكُونَ ﴿٣٦﴾

وَإِذَا آذَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا ۗ وَإِنْ  
 تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ  
 إِذَاهُمْ يَفْطِنُونَ ﴿٣٧﴾

شوند (۳۷)

آیا ندیدند که خدا برای هر که خواهد رزق فراخ میگرداند و تنگ میگرداند یقیناً در این امر آیت های است برای قومی که ایمان آرند (۳۸)

پس بده به خویشی حش و به بی‌نوا و در مانده راه. این نیکو است برای آنانکه خوشنودی خدا را آرزو دارند و همانها موفق شدگان اند (۳۹)

و آنچه از ربا دمید تا به اموال مردم داخل شده افزوده شود پس نزد خدا افزوده نمیشود و آنچه از زکوت به آرزوی خوشنودی خدا میدمید پس همانند که افزایش گیرندگانند (۴۰)

خدا است آنکه شمارا آفرید. سپس به شما رزق بخشید. سپس شمارا می میراند باز شما را زنده کند. آیا از شریکان شما است آنکه

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۳۷﴾

قَالِ ذَٰلِكَ الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ ذَٰلِكَ حَظُّ الَّذِينَ يَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۳۸﴾

وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبِّ الْيَرْبُوبِ أَفِ أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوعِنْدَ اللَّهِ ۗ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ﴿۳۹﴾

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۗ هَلْ مِنْ شَرِكَا بِكُمْ مَّن يَفْعَلُ مِنْ ذَٰلِكُمْ مِّن

سَيَسْأَلُكَ اللَّهُ لِمَ كُنْتَ كُفْرًا ۚ وَتَقُولُ لَا مَعَ لِي ۚ أَعَمَّتْ الْآيَاتُ لِقَوْمِي فَلَأَلْبَسُكُمْ كُفْرًا فَتَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

[هیچ کدام] از این [کار]ها چیزی هم انجام دمد؟ او پاک است و بالاتر است از آنچه شرک می آورند(۴۱)

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا أَلْعَالَهُمْ ۚ يُرْجَعُونَ ﴿٤٢﴾

فسادغلبه یافت در دشت و دریا بسبب آن بدیها که مردم کسب کردند تا به آنها طعم بعضی از اعمالشان بچشانند تا باشد که رجوع کنند(۴۲)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ۚ كَانُوا أَكْثَرَهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤٣﴾

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَدِيمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدِّعُونَ ﴿٤٤﴾

بگو در زمین بگردید پس بنگرید که فرجام آنها که قبلاً بودند چطور شد. بیشترشان مشرک بودند(۴۳)

پس توجه خود را بسوی دین استوار راست کن پیش از آنکه روزی برسد که از خدا برگشت آن ممکن نیست آن روز آنها پراکنده شوند(۴۴)

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۚ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَهُ يَمْهَدُونَ ﴿٤٥﴾

هر که کفر کند پس کفرش بر خود او است و آنانکه نیکوکاری کنند پس در حق جان خود اقدام بعمل آرند(۴۵)

تا بفضل خود عوض دهمبه آنانکه ایمان آوردند و نیکوکاری کردند. یقیناً او کافران را دوست نه دارد (۴۶)

و از آیت‌های اوست که بادها مؤده دهمدگانی را میفرستد تا شمارا از رحمت خود بچشاند و تا کشتیها بفرمان او حرکت کنند و تا فضل او را تلاش کنید و تا باشد که شاسپاس بگذارید (۴۷)

و البته پیش از توهم رسولان را بسوی قوم های ایشان فرستادیم. پس ایشان نزد آنها با نشانه های آشکار آمدند. پس ما انتقام گرفتیم از آنها که جرم کردند. مدد مومنان بر ما بفرض بود (۴۸)

خدا است آنکه میفرستد بادها - پس بر میانگیزد ابری را - پس آن را در آسمان میگستراند بطوریکه دوستدارد و آنرا قطع میسازد - باز می بینی که از خللش باران

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿۴۶﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مَبْشُرَاتٍ ۖ وَلِيَدَّبِقُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۴۷﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمْ ۗ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۸﴾

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا ۖ فَيُبْسِطُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كَسَفًا تَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ۚ

درمیآید. پس گامیکه میرساند آن را به هرکه از بندگان خود می خواهد ناگهان ایشان شادمانی می کنند(۴۹)++

حالانکه قبلاً پیش از اینکه [آب باران] بر آنان نازل کرده میشد نو مید شده بودند(۵۰)++

پس آثار رحمت خدا را بنگر. چه گونه اوزمین رازنده میکند. یقیناً اوست [خدا] زنده کننده مردگان و او بر هر چیز مدام قدرتمند است(۵۱)++

واگر بادی بفرستیم پس [در نتیجه این باد] آن [سیزه] را زردگون ببینند حتماً بعد از آن ناسپاسی کردن میگیرند(۵۲)

پس نیستی توبشوانی مردگان را

فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٩﴾

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قِبَلِهِ لُمُبْلِسِينَ ﴿٥٠﴾

فَانظُرْ إِلَىٰ أثرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥١﴾

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ﴿٥٢﴾

فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الضَّمَمَ

++ آیات ۴۹-۵۱: در این آیه تا تخیر شدن آبی صاف دریا و باز باکوه های بلند تصادف کرده جاری شدن آبی صاف رابسوی زمین های زیرین. و بدانعلت زنده شدن زمین مرده. را ذکر میشود. اگر این نظام از جانب خدا اجرانمیشد آنگاه هرگز امکان پذیر نبود که هیچ آثار زندگی در زمین یافت میشد.

و نه به گوش رسانی دعوت کران  
را چون پشت کرده بروند (۵۲)

و نتوانی تو رهنمائی کنی کوران را  
از گمراهی آنها - تو نتوانی بشنوانی  
جز آنرا که به آیتهای ما ایمان آرد.  
پس همانها فرمان بردارند (۵۴)

خدا است آنکه شما را از ناتوانی  
آفرید. باز بعد از ناتوانی نیرومندی  
ساخت. سپس بعد از نیرومندی،  
ناتوانی و پیری ساخت. او میآفریند  
مرجه دوستدارد و او صاحب علم  
دائمی مدام قدرتمند است (۵۵)

و روزیکه قیامت برپا گردد مجرمان  
قسم خورند [دردنیا] فقط ساعتی  
درنگ کردند. همینطور [قبلاًهم]  
در جوال میشدند (۵۶)

و کسانی که دانش و ایمان داده  
شدند گویند یقیناً در کتاب خدا  
تا روز رستخیز مکت کردید. پس  
این روز رستخیز است اما شما  
نمیدانید (۵۷)

الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿۵۲﴾

وَمَا أَنْتَ بِهَدِ الْعُمَىٰ عَنِ صَلَاتِهِمْ ۙ إِنَّ  
تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ  
مُسْلِمُونَ ﴿۵۴﴾

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ  
مِنْ بَعْدٍ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ  
ضَعْفًا وَشَيْبَةً ۙ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَهُوَ  
الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ﴿۵۵﴾

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ  
مَا لَيْسُوا بِغَيْرِ سَاعَةٍ ۙ كَذَلِكَ كَانُوا  
يُؤْفَكُونَ ﴿۵۶﴾

وَقَالَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ  
لَبِئْسَ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ ۗ  
فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا  
تَعْلَمُونَ ﴿۵۷﴾



پس آنروز آنها که ستم کردند را  
معذرت آنها سودی نبخشد و نه  
عذر از آنها قبول کرده شود (۵۸)

و البته در این قرآن هرگونه مثل  
را برای مردم بیان کرده ایم و  
اگر آنها را هر کدام آیتی بیاری  
آنها که کفر کردند حتماً گویند شما  
فقط دروغگویانید (۵۹)

اینگونه خدا بردل‌های آنها مهرنهد  
که دانشی ندارند (۶۰)

پس صبر کن. یقیناً وعده خدا حق  
است و کسانی که یقین ندارند تو  
را سبک نپندارند (۶۱)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا  
مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿۵۸﴾

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ  
كُلِّ مَثَلٍ ۖ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ  
الَّذِينَ كَفَرُوا وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿۵۹﴾

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ  
لَا يَعْلَمُونَ ﴿۶۰﴾

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ  
الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿۶۱﴾

۶  
۹

## ۳۱ - سورة لقمان

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۲۵ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز با "آلم" میشود و سوره البقرة نخستین سوره است که با آلم شروع شده بود و اکنون مضامین آن سوره مبارکه در قالب جدید ارائه داده میشوند. بطوریکه در ابتدای سوره البقرة نزول الکتب را ذکر است در آغاز این سوره نیز ذکر از آن هدایت خداوندی میرود که مضر در آن کتاب است. اما موضوع از این جهت افزایش پیدا میکند که آنجا کتاب را مطلب ابتدائی تقوی را در نظر گرفته به آن مردم هدایت دادن بود که راستی را دلیرانه راستی میگفتند. اما اینجا کتاب به هدایت ایشان نیز مدعی شده است که در حالت تقوی پیشرفته منتصب بر مقام محسنین هستند و از این پس هدایت را هر چند مراحل لامتناهی است، این سرچشمه هدایت پایان ناپذیر آنها را نیز آبیاری خواهد کرد.

در این سوره یکبار دیگر زور به این امر داده شده است که خدا بر بسیار قوه ها اختیار دارد که شما نمیتوانید آنها را با چشم صوری ببینید. چنانکه شما قوه ثقل را نمیتوانید ببینید دیگر چطور با چشمان صوری آفریدگار اینگونه قوه های بیشمار را میتوانید ببینید؟

حضرت لقمان علیه السلام میان مردم به حکمت بسیار معروف بودند. در این سوره پس از "آلم" با واژه "الکتاب" کلمه "الحکیم" اضافه شده است از آنچه معلوم میگردد که اکنون سخنان حکمت به نسبت لقمان حکیم در قالب مختلف پیراسته میشود. از آنجمله سخنان حکمت ایشان مهم ترین اینست که

ایشان به پسر خود نصیحت فرمودند که هیچگاه او کسی را با خدا شریک قرار ندهد. باز وی را تعلیم احسان در حق والدین آموختند چه آندوی با آفریدگار جهانیان بدین معنای مشابهت اندک دارند که ظاهراً سبب زاد و ولد میشوند. در ضمن تاکید به این امر کرده میشود که اگر کوچک ترین خیال شرک به دل شما راه یابد به علم علیم و حکیم خدا خواهد بود. او به دانه های به اندازه خردلی که در زمین و سنگی خاره پنهان است نیز علم دارد و هم خبیر است. اینجا در واژه "خبیر" اشاره ای بدین سومعلوم میگردد که او به عاقبت تمامی پیش آمدهای آینده آدمی نیز مطلع است.

سپس فرمائی عمده تربیا داشتن نماز است. این نخستین فرمان از جمله فرامین سورة البقرة میباشد. زندگی مؤمن سراسر متکی بر بپا داشتن نماز می باشد و توفیق امر بالمعروف و نهی عن المنکر تنها ناشی از بپا داشتن نماز بدست میآید. اما حال انسان اینست باآنکه او را توفیق نیکی از جانب خدا بدست میآید او بر اثر فضیلت های معمولی خود بر دیگران تفاخر کرده خودستائی میکند. پس او را تعلیم تواضع داده فرمان شد که باید بر زمین با فروتنی راه رود و صدای خود را فروکشد.

سپس انسان متوجه ساخته میشود به سپاسگذاری که عمده ترین موضوع این سورة کریمه میباشد. حضرت لقمان علیه السلام به پسر خود تکراراً توصیه به سپاسگذاری میکنند. پس حکمتی که حضرت لقمان اعطاء شدند عمده ترین نکته اش که از آن نصیحت ایشان را آغاز میشود شکر خدا است. نعمت های خدا را هرگز پایان نیست. او زمین و آسمان و نیروهای مخفی در آنها همگان را برای نشوونمای انسان رام کرده است تا آن انتها که

کهکشانشا واقع برکناره های کاینات نیزحتماً بر نیروهای مخفی در انسان کم و بیش تاثیر میگذارند. ولی بازم بعضیها هیچ دانش به این کاینات ندارند و با آنکه بی سواد اند بازم نسبت به خدای متعال حرفهای بی موا میزنند. آنان را نه کتابی است و نه هدایت که دارای تعلیم به پشتبانی شرک باشد.

ضمناً با گفتن "کتاب منیر" این وسوسه ازاله کرده میشودکه بت پرستان به اثبات تعلیم موهوم خودشان بعضی کتب امثال "ودا" ارائه میدهند. ولی "ودا" هیچ دلیلی به پشتبانی خود ندارد بلکه انسان را در بیشتر تاریکیها فرو میکند.

هیچ حساب را نمیشود که اسرار قدرت و حکمت خداوندی تعمیم یافته در کاینات را احاطه کند تا آن انتها که اگر تمامی دریاها گوهر شود و درختان قلم بازم بیان از اسرار قدرتهای خداوند پایان نیپذیرد اگرچه دریاها خشک شوند و درختان تمام گردند.

بدنبال آن چنین آیتی [۲۹] است که پرده را از رازهای آفرینش انسان عجب گونه برمیدارد. انسان متوجه ساخته میشود که اگر او در پیرامون آن جنین به تفکر پردازد که در رحم مادر تشکیل مییابد و اینکه او از کدام مراحل تخلیق میگذرد، آنگاه او میتواند علم به اسرارحکمتها مربوط به نخستین آفرینش خود تاحدی بدست آرد. لذا پژوهشگران علم محققاً بیان میکنند که بمحض از ابتدای آبستنی گرفته تا مرحله تکمیل جنین تمامی آن دگرگونیهادر جنین پیوسته واقع میشوند که داستان ارتقائی را از آغاز زندگی گرفته بازگو میکنند. این موضوعی بسیار وسیع و عمیق است و تمامی زبردستان علم براین نکته بهم متفق هستند. این نخستین آفرینش انسان است

و به فرموده خدا بطوریکه شما از کرمی حقیر پیشرفت کرده به منتهای صلاحیتهای بشری رسیدید بر همین منوال شما در آفرینش جدید خود تا روز قیامت آنقدر پیشرفت کرده خواهید داشت که انسان را در مقابل آن صورت تکمیل شده همان حیثیت باشد که در مقابل انسان آن حقیر کرم را بود که از آن زندگی را آغاز شد.

پایان این سوره حاکی از این اعلام است که ساعتی مزبور را علم، چون انسان از مردگان در صورت انتهای تکمیل شده خود برخیزانده شود، تنها نزد خدا است. او میداند که آن چه هنگام و چطور بظهور خواهد رسید و بعلاوه در پی همین موضوع ذکر از آن دیگر امور نیز می‌رود که آنها را فقط خدا میداند و انسان در آن علم هرگز سهیم نیست و آن امور بدین ترتیب اند که آب از آسمان چه هنگام و چطور خواهد بارید؟ و چیست در رحمهای مادران که پرورده میشود؟ و انسان فردا چه بدست خواهد آورد؟ و محل مرگش کجا است؟

اینجا دور کردن يك شك لازم است. این زمان پیشرفته مدعی است که میتوان از كمك آلات و اسباب جدید مشخص کرد که در شکم مادر چیست تا آن انتها که این آگاهی نیز امکان پذیر است که آیا بچه صحت مند است یا مریضی مادر زاد و آیا او دختر است یا پسر. ولی با این ادعای حتمی نمیشود بی‌تین گفت که آن بچه در شکم مادر معلول است یا نه. تنها برپایه‌ی امکان غالب ذکر میکنند. بلکه بارها این پیشگوئی پزشکان نیز نادرست درآمد که بچه دختری است یا پسر. انسان این امر را بسیار مشاهده میکند که به گاه پزشکان ویژه گرزایمان در بچه نقصی مادر زاد را با تحقق بیان میکنند.

اما چون آن بچه متولد میشود او سالم و بی عیب چشم بدنیا می‌گشاید. به  
گاه آنان بی‌تین می‌گویند آن دختری است یا پسر، اما تولد بعکس میشود.

☆ سُوْرَةُ لُقْمَانَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسٌ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَارْبَعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحمکننده (۱)

الْمَرَّةِ ②

أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ - منم خدا داناتر از

همه (۲)

تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ③

این آیتهای کتاب صاحب حکمت

اند (۳)

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ ④

محسان را هدایت و رحمت

است (۴)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ  
وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ⑤

آنانکه نماز را پبای دارند و زکوت

دمند و آنانکه آخرت را ایمان

دارند (۵)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ  
هُمُ الْمُفْلِحُونَ ⑥

مانها برهدایت ازپروردگارخود

اند ومانها موفق خوانندشد (۶)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ

و از مردمندانانکه به حرفهای پوچ

معامله میکنند تا بیدانش از راه

خدا گمراه سازند و آن را بباد

سخریه بگیرند. همانهاند که برای

ایشان عذابى خوار کننده ای

است (۷)

يُضِلُّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ يَغْيِرُ عِلْمَهُ ⑦

وَيَتَّخِذَهَا هُزُؤًا ⑧ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

مُهِينٌ ⑨

وَإِذْ تُلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلِيُّ مُسْتَكْبِرًا كَانُ  
لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ  
بِعَذَابِ الْيَوْمِ ۝۸

و چون آیت‌های ما بر او فرو خوانده  
شود تکبرکنان پشت میکند گویی  
آنها را گوش نکرده است گویی در  
گوش‌های سنگینی است. پس بدو  
به عذاب دردناکی مژده بده (۸)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ  
جَزَاءُ النَّعِيمِ ۝۹

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و  
نیکوکاری کردند برای ایشان  
بهشت‌های پر نعمت است (۹)

خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۱۰

در آنها جاویدانند. وعده خدا حق  
است و او صاحب غلبه کامل  
صاحب حکمت است (۱۰)

خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضِ  
فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تُمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ  
فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ۝۱۱

آسمانها را آفرید بدون ستونهای  
که آنها را ببینید و در زمین کوهها  
نهاد تا شما را غذامهیا سازند و هر  
کدام جنبنده را در آن گستراند.  
و آب را از آسمان نازل کرد و  
هر کدام جفت نجیبی را در آن  
[زمین] پدید آوردیم (۱۱)

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ  
مِنْ دُونِهِ ۚ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ

اینست آفرینش خدا. پس بمن  
نشان دهید چیست که آفریده اند  
آنانکه بغیر از او یند بلکه ستمکاران



مَبِينٌ ۱۲

بَع

در گمراهی آشکار اند (۱۲)

و یقیناً به لقمان حکمت دادیم که  
خدا را سپاس بگذارد و هر که سپاس  
بگذارد فقط برای جان خود سپاس  
میگذارد و هر که ناسپاسی کند پس  
یقیناً خدایی نیازی صاحب ستایش  
مطلق است (۱۳)

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ ۗ  
وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ  
كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝۱۳

و چون لقمان به پسر خود گفت  
حینی که او را نصیحت میکرد ای  
پسر دلبنده! با خدا شرك نوز.  
یقیناً شرك ستمگری بزرگی  
است (۱۴)

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ  
يَبْنَى لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ۗ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ  
عَظِيمٌ ۝۱۴

و انسان را در مورد والدین خود  
با تاکید سفارش نمودیم. مادرش  
او را در ضعف بر ضعف برداشت  
و شیر باز گرفتنش در دو سال  
بود. این [سفارش کردیم] که  
سپاسداری کن بمن و والدین خود  
بازگشت بسوی من است (۱۵)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ  
وَهُنَّ عَلَى وَهْنٍ وَفِصْلُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ  
اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ ۗ إِلَى الْمَصِيرِ ۝۱۵

و اگر آندو با تو محاجه کنند که  
آن را شریکم بگردان که به آن

وَإِنْ جَاهَدَكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ  
لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۖ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي

اللَّيْثَ مَعْرُوفًا ۚ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ  
إِلَىٰ تُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا  
كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

تو را دانشی نیست پس آندو را  
پیروی نکن درحالیکه دردنیا با  
آندو بمتعارف رفاقت کن و راه او  
را پیروی کن که بسویم انابت  
کرد. سپس بازگشت شما بسوی من  
است. آنگاه شمارا آگاه سازم به  
آنچه شما میکردید (۱۶)

يٰۤاَيُّهَا اِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ  
خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ اَوْ فِي السَّمٰوٰتِ  
اَوْ فِي الْاَرْضِ يٰۤاَتِ بِهَا اللّٰهُ ۗ اِنَّ اللّٰهَ  
لَطِيْفٌ خَبِيْرٌ ﴿١٧﴾

[لقمان گفت] ای پسردلبندم! همانا  
چیزی اگر به اندازه دانه خردلی  
است و در سنگی خاره یا در آسمانها  
یا در زمین هر کجا موجود باشد  
خدا حتماً آنرا درآرد. یقیناً خدا  
بسیارباریک بین آگاه است (۱۷)

يٰۤاَيُّهَا اَقِمِ الصَّلٰوةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ  
وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبِرْ عَلٰى مَا  
اَصَابَكَ ۗ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ﴿١٨﴾  
وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي  
الْاَرْضِ مَرْحًا ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ  
مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ ﴿١٩﴾

ای پسردلبندم! نماز را بپای دار  
و بمعروفات امر و از منکرات نهی کن  
و صبر کن بر آنچه بتو در رسد. یقیناً  
این از امور مهم است (۱۸)  
و بزرگی فروخته از مردم روی  
نه تاب و خرامان در زمین قدم  
برندار. بر راستی خدا هر کدام متکبر  
و خودخواه را دوست ندارد (۱۹)

و در رفتار خود میانه روی اختیار کن و صدای خود را فرو بردار. یقیناً ناپسند ترین صداها صدای خراست (۲۰)

آیا ننگریستی که خدا هر چه در آسمانها و زمین است را برایشما مسخر نمود و نعمتهای ظاهری و باطنی را برایشما به اتمام رساند و بعضی از مردم اند که در مورد خدا بدون دانش یا هدایت یا کتابی روشن ستیزه میکنند (۲۱)

و چون برای آنها گفته شود پیروی کنید آنچه را خدا نازل کرده است، گویند بلکه آنرا پیروی کنیم که بر آن پدران خود را یافتیم. آیا هر چند شیطان آنها را بسوی آتشی شعله و ربخواند [باز هم آنرا پیروی کنند؟] (۲۲)

و آنکه توجه خود را به خدا تسلیم نماید و احسان کننده است پس گویی او به دست آویزی

وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۱ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَيْرِ ۲

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً ۳ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ۴

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ۵

وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ

عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ۲۳

استوار جنگ زده است و منتها  
برگشت همه امور بسوی خدا  
است (۲۳)

و هر که کفر کند پس کفرش تورا  
اندوهگین نسازد. بازگشت ایشان  
به سوی ما است. آنگاه آنها را آگاه  
سازیم بدانچه میکردند. یقیناً خدا  
به اسرار سینه ما دانا است (۲۴)  
آنانرا کمی بهره‌مند سازیم. سپس  
ناچار آنانرا بسوی عذابی سخت  
ببریم (۲۵)

و اگر از آنها بپرسی که کی آسمانها  
و زمین را آفرید؟ حتماً گویند، خدا.  
بگو ستایش مطلق برای خدا است  
اما بیشتر آنها نمی‌دانند (۲۶)  
برای خدا است هر چه در آسمانها  
و زمین است. یقیناً خدا بی نیازی  
صاحب ستایش است (۲۷)

و اگر هر چه درختان در زمین  
است قلمها باشد و دریا [مرگب  
و] آنرا کمک کنند پس از آن هفت

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنُكَ كُفْرُهُ ۱۱ إِنَّا  
مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا ۱۲ إِنَّ اللَّهَ  
عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۲۴

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ  
غَلِيظٍ ۲۵

وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۱۳  
بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۲۶

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۱۴ إِنَّ اللَّهَ هُوَ  
الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۲۷

وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ  
أَقْلَامٍ وَالْبَحْرِ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةَ

دریا [دیگر] کلمات خداتمام نشود.  
خدا صاحب غلبه کامل صاحب  
حکمت است (۲۸)

آفرینش شما و برخیزاندن شما  
نیست مگر مانند یکتا. یقیناً خدا  
بسیار شنوای بینا است (۲۹)

آیا ننگریستی که خدا شب را به  
داخل روز میکند و روز را به  
داخل شب میکند و خورشید و ماه  
را مسخر کرده است. هر کدام بسوی  
نهایت زمانی مقرر خود روان است  
و اینکه خدامدام آگاه است بدانچه  
انجام دهد (۳۰)

این بدانعلت است که یقیناً خدا  
حق است و آنچه را جزا و میخوانند  
باطل است و یقیناً خدا است که او  
والاشان بسیار بزرگ است (۳۱)

آیا ننگریستی که کشتیها با نعمت  
خدا در دریا حرکت میکنند تا شما  
را از آیتهای خود نشان دهد. یقیناً  
در این امر برای هر کدام صبرکننده

أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ  
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

مَا خَلَقَكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنْكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ  
وَاحِدَةٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٢٩﴾

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ أَيْلَ فِي النَّهَارِ  
وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي أَيْلٍ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ  
وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى  
وَإِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣٠﴾

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ  
دُونِهِ أَبَاطِلٌ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ  
الْكَبِيرُ ﴿٣١﴾

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ  
اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ  
لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾

بسیار سپاسگذار آیت‌هایست (۳۲)  
 گامیکه موج آنها را مانند سایه فرا  
 گیرد دین را برای او خالص کرده  
 خدا را میخوانند. پس چون آنها  
 را بسوی خشکی نجات دهد آنگاه  
 [برخی] از آنها راه میانه پیشگیرند  
 و به آیات ماستیزه نمیکند جز هر  
 کدام که فریبکار و سخت ناسپاس  
 است (۳۳) ++

ای مردم! پروردگار خود را تقوی  
 فراگیرید و بترسید از روزیکه نه  
 بدر بکار پسر آید و نه پسر هیچ هم  
 بکار پدر آید. یقیناً وعده خدا راست  
 است. پس نه زندگی شمارا بفریبید  
 و نه شیطان فریبنده در باره خدا  
 شمارا بفریبید (۳۴)

وَإِذْ أَعَشَيْتَهُمْ مَوْجَ كَالظُّلَلِ دَعَا اللَّهَ  
 مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْتَهُمْ إِلَى  
 الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا  
 إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ﴿٣٣﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَأَخْشَوْا يَوْمًا  
 لَا يَجْرِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلٌ ذُو  
 جَارٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا  
 تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ  
 بِاللَّهِ الْعُرُورُ ﴿٣٤﴾

++ آیت ۳۳: این آیت حاکی از این جنبه‌ی روانی انسان است که چون در طغیان  
 دریا فراگرفته شود آنگاه خواه کسی خدا ناشناس باشد یا مشرک فقط خدا را یاد  
 کند و چون خدا وی را نجات دهد باز بسوی حالت قبلی خود برمیگردد مگر  
 کسیکه راه میانه را پیش گیرنده است. او به خشکی نجات یافته هم خدا را  
 فراموش نمیکند.

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ  
 الْعَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا  
 تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا  
 تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ  
 عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٥﴾

ع  
 ۳۵

یقیناً خدا است که علم قیامت نزد  
 اوست و باران را فرومیفرستد و  
 میداند آنچه در رحمها است و  
 کسی نداند چه کسب کند فردا و  
 کسی نداند در کدام زمین بمیرد.  
 یقیناً خدا صاحب علم دائمی  
 پیوسته آگاه است (۳۵)

## ۳۲ - السجده

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۳۱ آیت دارد.

مقطعات الم [انا الله اعلم] واقع در آغاز این سوره بستگی این سوره را با آخرین آیه‌های سوره قبله آشکار میسازد. آیه‌های آخیر سوره قبله حاکی از این موضوع بود که بسیار کثیر امور است که آنها را جز خداوند کسی نمی‌داند و در انا الله اعلم عیناً همان موضوع تکرار می‌شود.

سپس مجدداً سخن از اسرار زمین و آسمان را گفته می‌شود که آنها را بغیر از خدا هیچکس نمیداند. سپس چنین آیتی است که راز عمر کاینات را عجب گونه افشا میکند. خداوند میفرماید در مقابل روزی شمار کرده شما روز خدا برابر یک هزار سال است و روزهای یکسال انسانی را با هزار ضرب زده عددی که حاصل می‌شود ذکرش در این سوره رفته است. بعلاوه خداوند در آیتی دیگر [سوره الماعراج ۵] میفرماید که روز خدا برابر با پنجاه هزار سال است. پس اگر این روز را ضرب با روز يك هزار ساله طبق حساب زده شود حاصل آن تقریباً بیست بیلیون سال است و نزد پژوهندگان علم نیز عمر این کاینات هیجده الی بیست بیلیون سال است. بهمین نسبت خداوند اعلام فرمود که علم پنهان و آشکار فقط از خدا است که هر چیز را بنحوی نیکوتر تخلیق نمود. امری شگفت انگیز اینست که این تخلیق بتمام از خاک معمولی انجام داده شد. پس از این باز نسبت به آفرینش ذکر از آن دیگر مراحل است که جنین در رحم مادر طی می‌کند.

سپس دوباره ذکر از شك مردم نسبت به مجدداً زدن شدن فرموده يك



این نکتهٔ جدید نقل میشود که هر انسان را فرشته مرگ جداگانه ای است که او عوامل و باریک در باریک خرابیهای وضع اش را در نظر گرفته نتیجه ای درست در میآرد که روح آن بشر باید کی باز گرفته شود. اینجا باز موضوعی از آخرین آیتهای سوره گذشته در قالب جدیدی پیراسته میشود.

در رکوع اخیر این سوره با ذکر حضرت موسی علیه السلام موضوع "آلم" را بازگو کرده فرموده میشود که درباره ملاقات او متردد باش. بعضی مفسران این ملاقات را دال بر ملاقات خدا نمی گیرند بلکه به گفته ایشان این عبارت از ملاقات حضرت موسی علیه السلام با رسول الله ﷺ میباشد. اگرچه این معنای هم گرفته شود پیدا است که این آن ملاقات نیست که در روز قیامت با همگان رسولان بعمل خواهد آمد بلکه علی الخصوص ذکر از آن ملاقات میرود که در حین معراج با حضرت موسی علیه السلام صورت گرفت و حضرت موسی از جهت نمازها مشورت خویش را ارائه دادند. در پایان این سوره رسول الله ﷺ فرموده شدند که از دشمنان و اذیت کنندگان اعراض و رزید.

☆ سُوْرَةُ السَّجْدَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اِحْدَى وَثَلَاثُوْنَ اَيَّةً وَ ثَلَاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

الْمَلِكِ

أَنَا اللّٰهُ اَعْلَمُ - منم خدا داناتر (۲)

فروفرستاند این کتاب کامل در

تَنْزِیْلِ الْكِتٰبِ لَا رِیْبَ فِیْهِ مِنْ رَبِّ

این شکی نیست که از جانب

الْعٰلَمِیْنَ ②

پروردگاره جهانها است (۳)

آیا میگویند آنرا بر یافته است؟

اَمْ یَقُوْلُوْنَ اَفْتَرٰهُ ۗ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

بلکه آن از پروردگارتوحق است

لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا اَتَتْهُمْ مِنْ نَّذِیْرٍ مِّنْ قَبْلِكَ

تا بیم دهی قومی را که هیچ بیم

لَعَلَّهُمْ یَهْتَدُوْنَ ③

دهنده ی پیش از توبسوی ایشان

نیامد تا باشد که آنها هدایت

یابند (۴)

خدا است آنکه آسمانها و زمین و

اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا

آن چه میان آندو است را در شش

بَیْنَهُمَا فِیْ سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی عَلٰی

زمان آفرید. سپس بر عرش برقرار

الْعَرْشِ ۗ مَا لَكُمْ مِنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّلِیٍّ وَّلَا

شود شما راجزاو نیست دوستی

شَفِیْعٍ ۗ اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ ④

و نه شفاعت کننده ای. پس آیا

بند نمیگیرید؟ (۵)

فیصله را بتدبیر از آسمان بسوی

یُدْبِرُ الْاَمْرَ مِنَ السَّمٰءِ اِلَى الْاَرْضِ ثُمَّ

يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ  
سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٦١﴾

زمین نازل میکند. سپس در روزی  
بسوی او بیلامی رود که مقدارش  
از آن [حساب] که می‌شمارید هزار  
سال است (۶)

ذَلِكَ عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ  
الرَّحِيمُ ﴿٦٢﴾

اینست دانای نهان و عیان که  
صاحب غلبه کامل بارها را حکمکننده  
است (۷)

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ  
الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ﴿٦٣﴾

آنکه هر چه را او آفریدنی‌کوترین  
ساخت و آفرینش انسان را از  
گل آغاز کرد (۸)

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ﴿٦٤﴾

سپس نژادش را از عصاره آبکی  
ساخت (۹)

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ  
لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا

سپس او را آراستید و روح خود  
را در او دمید و برایشا شنوائی  
و بینائی و دلها قرارداد. کم است  
آن سپاسداری که مکنید (۱۰)

مَا تَشْكُرُونَ ﴿٦٥﴾

وَقَالُوا إِذَا أَصْلَبْنَا فِي الْأَرْضِ عَائِنَا لَنُفِي  
خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُم بِلِقَائِ رَبِّهِمْ

وگویند. آیا چون در خاک گم شویم  
آیا حتماً مادر آفرینش نوینی [مبتلا]  
شویم؟ حقیقت این است که آنها  
بملاقات خدا منکرانند (۱۱)

كُفْرُونَ ﴿٦٦﴾

قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ

بگو. آن فرشته مرگ که بر شما

قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ

يَكُمُّكُمْ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تَرْجِعُونَ ﴿١٢﴾

مقرر است شما را وفات دهد و از آن پس بسوی خدا بازگردانده شوید (۱۲)

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ﴿١٣﴾

و اگر بزه کاران را بنگری چون پیشگاه پروردگار خود سر فرو کرده بایستند و گویند [پروردگارا! ما دیدیم و شنیدیم پس ما را برگردان که نیکوکاری کنیم. یقیناً ما باورکنندگانیم (۱۳)]

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًىٰ وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٤﴾

و اگر میخواستیم به هر کدام نفس هدایت اورا [حسب حالش] میدادیم اما فرمانم صدور یافته که حتماً جهنم را از جمله جنها و انسانها پر مینمایم (۱۴)

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِن نَسِيتُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾

پس [عذاب را] بچشید چه ملاقات امروز خود را فراموش کرده بودید یقیناً ما [هم] شما را فراموش کرده ایم پس عذاب دیرپا را بچشید بدانچه شما میگردید (۱۵)

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَرَُّ وَأَسْجَدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا

يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٦﴾

تکبر

آوری شوند سجده کنان بزمین  
فرو میفتند و با حمد پروردگار  
خود او را تسبیح می گویند و  
ایشان تکبر نمیکنند (۱۶)

تَجَافَى جُوبَهُمْ عَنِ الْمَصَاجِعِ يَدْعُونَ  
رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ  
يُنْفِقُونَ ﴿١٧﴾

پروردگار خود را با بیم و امید  
خوانده پهلومای ایشان از خواب  
گاه ما جدا میشود و انفاق کنند از  
آنچه بدیشان رزق داده ایم (۱۷)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ  
أَعْيُنٍ ۚ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

پس هیچکس نمیداند که برای  
ایشان چه روشنی چشمان پنهان  
داشته شد به [پاداش] آنچه عمل  
میکردند (۱۸)

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا ۗ  
لَا يَسْتَوُونَ ﴿١٩﴾

توکل غفلان

پس آیا کسیکه مومن است میشود  
مانند آنکه فاسق است. آنان یکسان  
نیستند (۱۹)

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ  
جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ ۖ نُزُلًا بِمَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

نسبت به کسانی که ایمان آوردند و  
نیکوکاری کردند پس مأوی ایشان  
بهشتی است [بطور] پذیرائی به  
آن عمل که بجا میآوردند (۲۰)

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۖ كُلَّمَا  
أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

و نسبت به آنانکه نافرمانی کنند  
پس مأوی آنها آتش است. هر گاه

اراده کنند که ازان خارج شوند  
درآن بازگردانده شوند و برای  
ایشان گفته شود که آن عذاب  
آتش را بچشید که به آن شما انکار  
میکردید (۲۱)

وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ  
بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿۲۱﴾

و حتماً آنها را بچشانیم عذابی  
کوچک دون عذابی بزرگ تا باشد  
که آنها [بسوی هدایت] باز  
گردند (۲۲)

وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ  
الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۲﴾

و کیست ستمکارتر از آنکه به آیت  
های پروردگار خود تذکر داده شود  
باز هم از آنها روی بتابد. یقیناً ما از  
مجرمان انتقام کشنده ایم (۲۳)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ  
أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ  
مُنْتَقِمُونَ ﴿۲۳﴾

و یقیناً به موسی کتاب دادیم.  
پس درباره ملاقات او در شک  
مباش و آنرا برای بنی اسرائیل  
هدایت قرار داده بودیم (۲۴) ++

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي  
مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي  
إِسْرَائِيلَ ﴿۲۴﴾

++ آیت ۲۴: این آیت را يك معنا این میشود که درباره ملاقات موسی مردد مباش. غالباً  
این اشاره است به واقعه معراج حینی که آنحضرت ﷺ با حضرت موسی ملاقات کردند و  
بعدها این ملاقات بارها تکرار شد. حین ذکر موسی ذکر از ملاقات خدا بداند علتست چنان  
که حضرت موسی را ملاقات نصیب شد آنحضرت ﷺ را بیشتر از آن رویت خدا حاصل شد.

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ آيَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا ۗ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ﴿۳۰﴾

پس چون صبوری نشان دادند از آنها امامانی برگزیدیم که بفرمان ما هدایت میکردند و به آیتهای ما یقین داشتند (۲۵)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُم يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۳۱﴾

یقیناً پروردگارتواست که قضاوت کند میانشان در روز قیامت در آن [امور] که در آنها اختلاف می‌انگیزند (۲۶)

أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ ۗ أَفَلَا يَسْمَعُونَ ﴿۳۷﴾

آیا آنها را هدایت نداد که چه بسا از ملتهای پیش از آنها را ملامت کردیم که در مساکن آنان گام میزنند. یقیناً در این بسیار نشانه های است. پس آیا گوش نمیکنند؟ (۲۷)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا سَوَّجْنَا الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَخَرَجَ بِهِ زُرْعَاتُ آكُلٍ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ ۗ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ﴿۳۸﴾

آیا ندیدند که آب را بسوی زمینی با بر سوج میدیم پس بدان سبزه در آوریم که از آن میخورند دام های آنان وهم خود آنان آیا نگاه نمیکنند؟ (۲۸)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۹﴾

و میپرسند که این فتح تا به چند میکشد اگر شمارا استگویانید (۲۹) بگو در روز فتح ایمان آوردن

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا

إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْتَظَرُونَ ﴿۳۰﴾

آنها که کفر کردند هیچ سودی ندمد

و نه آنها مهلت داده شوند (۳۰)

فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَانْتَظِرِ اللَّهُمَّ

پس از آنها اعراض کن و منتظر

[فرمان خدا] باش. البته آنها هم

منتظرانند (۳۱)

۳۰  
۳۱

مُنْتَظَرُونَ ﴿۳۱﴾



## ۳۳- الاحزاب

این سوره در مدینه نازل آمد و با بسم الله ۷۴ آیت دارد.

بمحض آغاز این سوره موضوع از آخرین آیتهای سوره گذشته ارائه داده میشود عبارت از اینکه کافران و منافقان تلاش کنند تا تو را از مسلک تو دور کنند. پس باید از آنها اعراض کنی و آنها را پیروی نکن بلکه آنها را پیروی کن که وحی بسوی تو فرستاده میشود.

آیت کریمه ردیف ۵ حاکی از این اصل استواری است که انسان در یکوقت نمیتواند محبت با دو وجود جدا جدا عیناً همسان داشته باشد. کنایه ای در این عبارت بدین جهت است که بر دل تو فقط محبت خدا غلبه دارد و محبت تو در دنیا نیز بر پایه آن محبت است که تو با خدا داری. لذا آن حدیث این موضوع را روشن تر میسازد درجه فرموده شد که اگر تو لقمه ای غذا را هم بخاطر خدای متعال به دهن همسر خود نهدی آنها را به عبادت شمار خواهی رفت.

سپس ذکر از رسمی از اعراب است که همسران خود را مادر گفته از آنان اظهار بیزار می کردند. این رسم بد را برکنده توجه به این امر جلب کرده میشود که تعلق مادرانه و پسرانه استوار بر پایه آن دستورهای است که خدا معرفی کرده است. پس چطور شما میتوانید آنها را با دهن های خود عوض کنید. بر همین منوال اگر یکی پسر خوانده شود او نمیتواند بر مقام فرزندی قرار گیرد. پسر آنست که خویشی صلبی را داشته باشد. پسر گفتن فقط اظهار الفت است و بیش از آن چیزی نیست.

مجدداً دنبال این موضوع گفته میشود که دل را فقط يك اولی یعنی محبوب تر است و باید مومنان را محبوب ترین همه رسول الله ﷺ باشند. ضمناً ذکر از دیگر قوم و خویشی ها به ترتیب میرود که ایشان از روی قرب شما برهمدیگرفضیلت دارند.

این سوره که دارای آیت خاتم النبیین نیز است و بعضی علماء که فاقد عرفان اند اینرا بدین معنا میگیرند که ایشان ﷺ آخرین نبی هستند و هیچگاه پس از ایشان هیچ پیغمبری نخواهد آمد. این عقیده اشتباهی را نیز رد مینماید با ذکر آن میثاق که از هر کدام پیغمبری گرفته میشود که اگر پس از شما پیغمبری آید که سخنان شما را تایید کننده باشد آنگاه بر امتهای شما بفرض است که آنان بجای انکار آن پیغمبر او را تایید کننده بشمار آیند. این سوره نسبت به رسول الله ﷺ گفت "ومنك" یعنی ما از تو نیز عهد گرفتیم. پس امت ایشان نیز توصیه کرده میشود که کسی مدعی نبوت واجد آن شرایط که صدرصد پیروکار رسول الله ﷺ باشد و او از فیض محمدی به انعام نبوت برخوردار شود و فقط تعلیم ایشان ﷺ را بلا تغییر و تبدل ارائه دهنده است و برای اعتلای آن وارد جهاد شده است نه فقط اینکه مخالفت او بر شما حرام است بلکه بر شما لازم است که او را یاری دهید.

سپس معنای اساسی احزاب را رعایت کرده در این سوره ذکر از جنگ خندق میرود درجه احزاب از تمامی عرب برمیدینه هجوم آورده بودند و برای نجات مدینان هیچ صورت ظاهری امکان پذیر نبود. آنگاه خداوند معجزه ای را در حق ایشان نشان داد که بوسیله گردبادی مولناک مومنان را یاری کرد که ناشی از آن چشمان کافران کورگشت و آنها در حالت آشفتهگی پابفرار نهادند.

مرکبهای بسیار که جابجا بسته بودند مجرم آوردگان را مهلت نشد تا آنها را باز کرده با خود ببرند. پس مرکبهای خود را با افاته دیگر واگذارده در رفتند و آن قلت مواد غذایی که مسلمانان را روبرو بود نیز دور شد.

حالتی که یثرب قبل از این واقعه ای داشت اینجا ذکر از آن نیز می رود. آنقدر خوفناک مصیبت و تباهی ایشان را فرا گرفته بود که چشمان ایشان ناشی از خوف خیره شده بود و منافقان به مسلمانان مدینه میگفتند که اکنون شمارا هیچ جای پناه نیست. آنگاه مومنان بدیشان پاسخ میدادند که ایمان ما که از قبل هم استوارتر شده است چه ما آگاهی به این حمله احزاب از پیش داده شده بودیم و این اشاره ایشان بسوی سورة القمر آیت "سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَ يَوْلُونَ الدَّبْرَ" بود. پس مسلمانان وقت جنگ به عهد خود وفا کردند. بعضی بودند که آنها گام شامل نبودند اما انتظار داشتند کاشکی ایشان را نیز مانند یاران رسول الله ﷺ شامل جنگ احزاب توفیق اثبات قدم و فداکاریها بدست آید.

در آیت ۲۸ این سورة خداوند به رسول الله ﷺ فرمان داد که ایشان با زن مطلقه پسر خوانده خویش عقد ازدواج بندند و این فرمان بر ایشان بسیار گران میگذشت و بعلاوه تا حدی این خوف نیز دامنگیر بود که منافقان بعلت این ازدواج ایراد خواهند گرفت. بنا بر این ایشان درباره این ازدواج سخت متردد بودند. اما عمل کردن بر فرمان خدا بحرحال الزامی بود.

پس از این چنین آیتی [۴۱] است که میشود آنرا قله این سوره خواند و آن به واقعه حضرت زید رضی الله عنه نیز بستگی دارد. این اعلام بدین

عنوان بود که درحقیقت رسول الله ﷺ نه پدر زید بودند و نه پدر کسی انسان مانند شماها بلکه ایشان خاتم النبیین هستند. یعنی ایشان را مقام ابّوت روحانی یعنی مقام پدری روحانی انبیاء اعطاء شده است. سیاق عبارت همین معنای را میپردازد حالانکه خاتم النبیین را بسیار معنا دیگر نیز است که همگان منطوق این آیت قرآن است و براساس هر کدام از آن معناها رسول الله ﷺ خاتم النبیین به اثبات میرسند. بعنوان مثال خاتم را يك معنى مصدق است و از میان تمامی شریعتهای پیغمبران تنها يك شریعت حضرت محمد رسول الله ﷺ است که رسولان پیشین متعلق به هر زمان را تصدیق میکند. هیچکدام از کتب مذاهب دنیا نمیتواند آیتی با این شان بالا ارائه دهد.

ضمناً آیتی بعد از این تذکر به آن دعای حضرت زکریا علیه الصلوة والسلام است که خدای متعال پس از مژده به اعطای پسری بر ایشان وحی فرستاد که صبح و شام خدا را تسبیح بگو.

سپس در آیات ۴۶-۴۷ ذکر از شامد، مبشرو نذیر بودن رسول الله ﷺ میروود. ایشان شامد بودند هم بر صداقت رسولی بلند مرتبت پیش از خود حضرت موسی علیه السلام و هم بر غلام خود که ظهورش پس از ایشان قرار بود. مثال ایشان با خورشید داده میشود که همه جهانها را روشن میسازد و ماه نیز از او روشنی حاصل میکند. پس تقدیر شده است که ماه ای آنگاه که تاریکی شب جهان را فرا گرفته باشد روشنی خود رسول الله ﷺ را به فرزندان نوع انسان برساند. پس این دارای این پیشگوئی بود که در آتیه در زمان تاریکیها همینطور بظهور خواهد آمد.

ضمناً مومنان آداب تقویٰ آموخته میشوند و والاترین رتبه رسول الله ﷺ را رعایت کرده ایشان توصیه کرده میشوند که بعدِ نهایت احترام آنحضرت ﷺ بر ایشان بفرض است. گاهی رسول الله ﷺ خویشاوندان و یاران خود را بر منزل خود به مهمانی دعوت میکردند. اصحاب در این آیتها نصیحت میشوند که چون رسول الله ﷺ ایشان را به مهمانی دعوت کنند آن گاه اینرا يك دعوت معمولی پنداشته پیش از وقت بخانه ایشان ﷺ رسیده منتظر آشپزی نباشید. چون غذا آماده به صرف شود و شما خواسته شوید پس بروید و پس از صرف آن رخصت گرفته برگردید و اگر حین صرف طعام به چیزی نیاز دارید آنگاه از پس پرده به امهات المومنین مطلع سازید. اینجا امهات المومنین در مقابل سایر زنان مسلمان علی الخصوص توصیه به پاکیزگی کرده میشوند. چه بلند رتبه ایشان تقاضا دارد که نباید رسول الله ﷺ بعلت کوچکترین لغزش ایشان سخنی تهمت آمیز را بشنوند.

بطوریکه منافقان بر رسول الله ﷺ تهمتهای بی مورد برافته اذیت کردند بر همین منوال حضرت موسی علیه السلام نیز هدف بهتانهای بی مورد قرار داده میشوند. پس در پایان این سوره این موضوع مجدداً نقل میشود که رسول الله ﷺ را با رسولی پر جلال پیشین خود حضرت موسی علیه السلام مشابهت های فراوان است. بطوریکه حضرت موسی علیه السلام گفته شدند که بحر حال ایشان نزد خداوند "وجه" هستند همانطور رسول الله ﷺ نیز تسلی داده شدند که تو را هیچ زبانی ناشی از این بهتانها نمیرسد چه تو نزد خدا "وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ" هستی.

در پایان این سوره یکبار دیگر در دو آیت اشاره به حضرت موسی علیه

السلام کرده فرموده میشود که آن بار امانت که بدوش تو نهاده ایم سنگین تر از آن بار است که بر شانه حضرت موسى علیه السلام نهاده شده بود. تا آن انتها که کوه ها نیز از رعب این سنگینی بار ریزه ریزه میشوند. اما تو به برداشتن این بار سنگین قدم خود را جلوتر نهاده ای و خویشتن را در تحت بسیارستم قرار داده ای بی آنکه میپنداشتی که عاقبت این کار چطور خواهد شد.

☆ سُورَةُ الْاَحْزَابِ مَدِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اَرْبَعٌ وَسَبْعُونَ آيَةً وَتِسْعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

ای بیغمبرا خدا را تقوی اختیارکن

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللّٰهَ وَلَا تُطِغِ الْكُفْرٰنَ

و از پی کافران و منافقان نرو.

وَالْمُنٰفِقِیْنَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِیْمًا حَكِیْمًا ②

یقیناً خدا صاحب علم دائمی بسیار

صاحب حکمت است(۲)

و پیروی کن آنچه را بسوی تو از

وَاتَّبِعْ مَا یُوحٰی اِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ

پروردگار تو ووحی فرستاده میشود.

كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیْرًا ③

یقیناً خدا نیک آگاه است به آن

کار که میکنید(۳)

و برخدا توکل کن و خدا برای

وَتَوَكَّلْ عَلٰی اللّٰهِ ۗ وَكَفٰی بِاللّٰهِ وَكِیْلًا ④

کارسازی بس است(۴)

خدا نه برای هیچکس در سینه او

مَا جَعَلَ اللّٰهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَیْنِ فِیْ جَوْفِهِ ۚ

دو قلب قرارداد و نه آن همسران

وَمَا جَعَلَ اَرْوَاجَكُمْ اِلٰی تَظْهَرُونَ مِنْهُنَّ

خود را که ظاهر میکنید مادرانتان

اُمَّهَاتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ اَدْعِیَاءَكُمْ

گرداند و نه پسرخواندگان شما را

اَبْنَاءَكُمْ ۗ ذٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِاَفْوَاهِكُمْ ۗ

پسران شما ساخت. این گفتار شما

وَاللّٰهُ یَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ یَهْدِی السَّبِیْلَ ⑤

فراخی دهانهای شما است و خدا

راست میگوید و اوست که براه

راست هدایت میکند (۵)

آنرا جهت پدران آنان بخوانید  
این نزد خدا منصفانه تراست و اگر  
پدران ایشان را نمیدانید پس آنها  
در دین برادرانتان و دوستانتان  
اند و در مورد آن خطا که بدین  
[نسبت] کردید بر شما باکی نیست  
و اما هر چه دل هایتان بعمد کنند  
[گناه است] و خدا بینهایت آمرزنده

بارها رحم کننده است (۶)

نبی به مومنان از جانهای ایشان هم  
اولیتر است و همسرانش مادران  
آنانند و خویشان رحمی در کتاب  
خدا بعضی از ایشان بیعضی اولی  
تر از [سایر] مومنان و مهاجران  
اند مگر بسوی دوستان خود نیکو  
کاری [بعنوان احسان] کنید. این

در کتاب مرقوم است (۷)

و چون از انبیاء پیمان ایشان  
گرفتیم و هم از تو و هم از نوح  
و ابراهیم و موسی و عیسی پسر

أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ  
فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي  
الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ ۗ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ  
فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ ۗ وَلَكِنْ مَّا تَعَدَّتْ  
قُلُوبُكُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝

أَتَيْتُ أَوْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ  
وَأَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتِهِمْ ۗ وَأَوْلُوا الْأَرْحَامِ  
بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ  
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا  
إِلَى أَوْلِيائِكُمْ مَعْرُوفًا ۗ كَانَ ذَلِكَ فِي  
الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ  
وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى



ابن مَرِيْمَ ۞ وَاَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثًا قَاعِلِيًّا ۞

مریم و از ایشان بیانی محکم گرفتیم (۸)

لِيَسْئَلَ الصّٰدِقِيْنَ عَنْ صِدْقِهِمْ ۚ وَاَعَدَّ

تاراستگریان را از راستی ایشان سوال کند و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است (۹)

لِلْكَافِرِيْنَ عَذَابًا اَلِيْمًا ۞

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ

ای کسانی که ایمان آورده اید نعمت خدا را بر خود یاد کنید چون لشکرها نزد شما آمده بودند. پس بادی تند و لشکرمائی را علیه آنها فرستادیم که آنها را نمیدیدید و خدا به آنچه عمل کنید بینا است (۱۰)

عَلَيْكُمْ ۚ اِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَاَرْسَلْنَا

عَلَيْهِمْ رِيْحًا وَّجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا ۗ وَكَانَ

اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرًا ۞

اِذْ جَاءُوكُمْ مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ اَسْفَلَ

چون آنها از فراز شما و از نشیب شما نزد شما آمدند و گامیکه چشمان متحیر شد و دلها [تپیده] تا گلوها رسید و به خدا گمانهای گوناگون میبردید (۱۱)

مِنْكُمْ ۚ وَاِذْ رَاغَبَتِ الْاَبْصَارُ وَبَلَغَتِ

الْقُلُوْبُ الْحَنَاجِرَ وَتَطُنُّوْنَ بِاللّٰهِ الظُّنُوْنَ ۞

مومنان آنجا آزمایش شدند و لرزشی شدید [آزمایش] لرزانده شدند (۱۲)

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَزُلْزِلُوْا زَلٰلًا

شَدِيْدًا ۞

وَ اِذْ يَقُوْلُ الْمُنٰفِقُوْنَ وَالَّذِيْنَ فِيْ

و چون منافقان و آنانکه در دلهای آنها بیماری بود گفتند آن وعده که

قُلُوْبِهِمْ مَّرْضٌ مَّا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ

الْأَعْرُورَ ⑩

خداو رسولش بمادادند فقط فریب

بود (۱۳)

و هنگامیکه گروهی از آنها گفت،  
ای یثربیان! شما را امکان پایداری  
نیست پس بازگردید و گروهی از  
آنها از پیغمبر اجازه طلبیده می  
گفتند که منازل ما نامحفوظ است  
حالآنکه آنها نامحفوظ نبودند، فقط  
درصد بفرار برآمده بودند (۱۴)

و اگر بر آنها از هر سوی هجوم آورده  
میشد سپس به فتنه خواسته می  
شدند حتماً آنرا [بعمل] می آوردند و  
درنگ نمی کردند جز آنکه (۱۵)

در حالیکه از این پیش با خدا عهد  
بسته بودند که پشت نخواهند بر  
گرداند و عهد خدای پرسیده می  
شود (۱۶)

بگو، فرار شما را هرگز سودی  
نبخشد اگر از مرگ یا قتل فرار  
کنید و در آن صورت بهره مند نشوید  
جز آنکه (۱۷)

وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا  
مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا ۖ وَيَسْأَلُونَ فَرِيقًا  
مِّنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ ۗ ثُمَّ  
وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ۗ إِنَّ يُرِيدُونَ الْإِفْرَارَ ⑪

مناقشه  
میان یثربیان

وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ  
سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَا تَوْهَا وَمَا تَلَبُّوا بِهَا إِلَّا  
يَسِيرًا ⑫

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا  
يُؤْتُونَ الْأَدْبَارَ ۗ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ  
مَسْئُولًا ⑬

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ ۚ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ  
الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَّاتَمَّتْ عُنُقُ إِلَّا  
قَلِيلًا ⑭

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ۗ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۱۸﴾

بگو، کیست شما را از خدا نجات دهد اگر او درصدد رنج شما باشد یا برایشما رحمت را اراده کند و برای خودجز خدا یار و یاورى نیابند (۱۸)

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمَعْوِقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا ۚ وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۹﴾

خدا خوب می‌شناسد از شما باز دارندگان [جهاد] را و آنهاکه گویند برادران خود را بسوی ما بیایید و برای نبرد نمی‌آیند جز اندک (۱۹)

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ ۚ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدْوُرًا أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۚ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ ۚ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ ۗ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ۗ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿۲۰﴾

برضد شما بسیار بخل ورزند. پس چون [موقع] ترس برسد آنها را می‌بینی به تومینگرند که [از وحشت] دیدگانشان می‌گردد مانند آنکس که بیهوشی مرگ بر او پوشانده باشد. پس گاهی که ترس دور شود بزبانهای تیز شما را می‌آزارند بر خیر بخل ورزندگان. آنها کسانی اند که ایمان نیاوردند. پس خدا اعمال آنان را ضائع کرد و این برخدا آسان است (۲۰)

يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يُذْهِبُوا وَإِنْ

گمان کنند که لشکرها منور نرفته

اند و اگر لشکرها [باز] آیند آرزو کنند کاشکی در میان بدویان دشت نشین بوده اخبار شمارا معلوم می کردند و اگر در میان شما باشند

ع ۲۳  
۱۸

جنگ نکنند جز اندک (۲۱)

یقیناً شمارا در رسول خدا نیک نمونه ای است برای هر که به خدا و روز آخرت امید دارد و خدا را زیاد یاد کند (۲۲)

و چون مومنان لشکرها را دیدند گفتند همان است که خدا و رسول بپا و عده داده بود و خدا و رسول او راست گفته بود و این فقط بر ایمان و فرمان برداری ایشان افزود (۲۳)

مردانی از مومنان اند که هر چه عهد خدای بستند بر آن راست پا شدند و از آنهاست آنکه نذر خود را انجام داد و کسی از آنان است که انتظار میکشد و [در روش خود] هیچ تغییری نداد (۲۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا جَاءْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَالْحَقُّ يَكْفُرُهُمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢١﴾  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا جَاءْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَالْحَقُّ يَكْفُرُهُمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢﴾  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا جَاءْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَالْحَقُّ يَكْفُرُهُمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢٢﴾

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿٢٣﴾

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿٢٤﴾

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ  
الْمُنْفِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّ  
اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٢٥﴾

تا خدا را استگویانرا پاداش راستی  
ایشان بدهد و به منافقان اگر  
بخواهد عذاب دهد یا توبه قبول  
کنان بر آنها بگراید. یقیناً خدا  
بسیار آمرزنده بارها رحم کننده  
است (۲۵)

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا  
خَيْرًا ۗ وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ ۗ  
وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿٢٦﴾

و خدا آنها که کفر کردند را بخشم  
آنها [بطوری] رد کرد که به خیری  
نایل نشدند و خدا مومنان را در  
جنگ بس است و یقیناً خدا قدرت  
مند صاحب غلبه کامل است (۲۶)

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوا مِنْهُمْ مِنْ أَهْلِ  
الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي  
قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ  
وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٢٧﴾

و او آنانرا از اهل کتاب که آنها  
را پشتبانی کردند از قلعه های آنان  
فرود آورد و در دل های آنان رعب نهاد  
شما گروهی را میکشید و گروهی  
را به اسارت میگرفتید (۲۷) ++

وَأُورِثُكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ  
وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوْهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٨﴾

و شمارا زمین های آنها و منازل  
آنها و اموال آنها و زمینی که آن  
را [هنوز] نه تاخیدوارث نمود  
و خدا بر هر چیز قادر است (۲۸) ++

ع  
۱۹

++ آیت ۲۷: در اینجا سخن از خیانت یهود هنگام جنگ احزاب رفته [ص# ۱۰۰۶]

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسْرِحُكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ۝

ای نبی! به همسران خود بگو اگر شما زندگی دنیا و زینت آنرا می‌خواهید پس بی‌آید تا شما را متنعم سازم و شما را با روشی نیکو برهانم (۲۹)

وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ۝

و اگر شما خدا و رسول او و خانه آخرت را می‌خواهید پس یقیناً خدا برای نیکوکاران از شما پاداشی بزرگ آماده کرده است (۳۰)

يُنْسَاءُ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَّفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۗ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝

ای همسران پیغمبر! هر که از شما فحشائی آشکار را بیاورد برایش عذاب دو برابر است و این بر خدا آسان است (۳۱)

بقیه آیت ۲۷: است. آنان بدفاع خود قلمه‌های استوار ساخته بودند اما وقتی که خدا درسد نابودی آنها برآمد قلمه‌های ایشان هیچ بدریشان نخورد بلکه آنها را بدست خودشان نابود کردند.

++ آیت ۲۸: این آیت عبارت از پیشگویی درباره فتوحات چنین مناطق است که مسلمانان هنوز قدم به آنجا نه نهاده بودند. بحقیقت این پیشگوییهای را يك سلسله طولانی است.

وَمَنْ يُقِنْتَ مِنْكَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ <sup>۱</sup> وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُوتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ ۗ  
وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ۝

و هر که از شما به خدا و رسول اطاعت کرده و شایسته کاری کند وی را اجرش دو برابر بدهیم و برای او رزقی کریمانه آماده کرده ایم (۲۲)

يُنِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ ۚ إِنَّ  
التَّقِيْتُمْ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ  
الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝

ای همسران پیغمبر! هرگز شما مانند یکی از زنان [سایر] نیستید اگر تقوی فراگیرید. پس سخن با ناز و عشوه مگویید مبادا آنکس که در دلش بیماری است دچار طمع گردد پس سخن زبنده ی بگویید (۲۳)

و درخانه های خود بنشینید و نمایش ندیدد آرایش را مانند آرایش جاملیت گذشته و نماز را بپای دارید و زکوت بدهید و خدا و رسولش را اطاعت کنید. ای اهل بیت! نیست مگر خدا دوست دارد که مرنوع آلودگی را از شما دور سازد و شما را به پاکیزگی حد کمال پاک سازد (۲۴)

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ  
الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ  
الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ إِنَّمَا يُرِيدُ  
اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ  
وَيُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا ۝

و بخاطر سباید آنچه از آیتهای

وَأذْكُرَنَّ مَا يَمْتَلِي فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَةِ اللَّهِ

وَالْحِكْمَةَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿۳۳﴾  
 خدا و حکمت در خانه های شماتلاوت  
 کرده شود. همانا خدا بسیار باریک  
 بین آگاه است (۳۵)

یقیناً مردان مسلمان و زنان  
 مسلمان و مردان مومن و زنان  
 مومن و مردان فرمانبردار و زنان  
 فرمانبردار و مردان راستگو و  
 زنان راستگو و مردان صبرکننده  
 و زنان صبرکننده و مردان فروتن  
 و زنان فروتن و مردان صدقه دهنده  
 و زنان صدقه دهنده و مردان روزه  
 دار و زنان روزه دار و مردان حفظ  
 کننده فروج و زنان حفظ کننده  
 فروج خود و مردان ذکر زیاد کننده  
 خدا و زنان ذکر زیاد کننده. [مه]  
 را خدا آمرزش و پاداشی عظیم  
 مهیا کرده است (۳۶)

و نسرزد مومن و مومنه را چون  
 خدا و رسولش کاری را قضاوت کند  
 که [باز هم] آنان را در کار خود اختیار  
 باشد و هر که خدا و رسولش را

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ  
 وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ  
 وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ  
 وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَشِيعِينَ وَالْخَشِيعَاتِ  
 وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ  
 وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ  
 وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّكِرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا  
 وَالذَّكِرَاتِ ۗ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا  
 عَظِيمًا ﴿۳۳﴾

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ  
 اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ  
 الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ



وَرَسُولُهُ فَعَدَّ ضَلَّالًا مُّبِينًا ﴿۳۷﴾

نافرمانی کند پس یقیناً در گمراهی  
آشکار گم گشته است (۲۷)

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ  
وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ  
مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ  
تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا  
زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ  
حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا  
مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿۳۸﴾

و هنگامیکه میگفتی به آنکه بر او  
خدا انعام کرد و هم تو انعام کردی  
که مسر خود را نگهدار [طلاق نده]  
و خدا را تقوی کن و در دل خود  
آن امر را پنهان میکردی که خدا  
آشکار کننده آن بود و از مردم  
میترسیدی و خدا سزاوارتر است  
که از او بترسی. پس گامیکه زید  
حاجت خود را از آن زن برآورد  
آن زن را بنکاح تو در آوردیم تا  
مومنان را نسبت به زنان پسر  
خواندگان خود تنگی نباشد چون  
آن [پسر خوانده] ما حاجت خود را  
از زنان برآورده باشند و فرمان  
خدا شدنی است (۲۸)

بیغمبر را در آن امر که خدا برای  
او واجب نمود هیچ تنگی نیست.  
این سنت خدا است که در آنان  
نیز بود که از پیش گذشته اند و

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ  
اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ  
وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ﴿۳۹﴾

یقیناً امر خدا به میزان دقیق تقدیر  
میشود (۳۹) ++

[این سنت خدا گذشته است در]  
آنکه پیغام خدا را می‌رسانند و  
از او می‌ترسیدند و نمی‌ترسیدند  
مگر از خدا و خدا را حساب گرفتن  
بس است (۴۰) +

محمد پدر کسی از مردان [مانند]  
شمانیست ولی او رسول خدا و  
خاتم جمله انبیاء است و خدا به  
هر چیز خوب دانا است (۴۱) ++  
ای کسانی که ایمان آورده اید خدا  
را ذکر فر او ان کنید (۴۲)  
و او را تسبیح بگویید با مکانها  
و شامگاهان (۴۳)

اوست آنکه می‌فرستد رحمت را  
بر شما و هم فرشتگانش تا شمارا از  
تاریکیها به روشنی بیرون آورد  
و به مومنان بارها رحم کننده  
است (۴۴)

خوش آمد ایشان روزیکه با او

الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ  
وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ  
حَسِيبًا ﴿۳۹﴾

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ  
وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۗ  
وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۴۰﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ذُكِّرُوا بِاللَّهِ ذِكْرًا  
كَثِيرًا ﴿۴۱﴾

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿۴۲﴾

هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ  
لِيخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَكَانَ  
بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿۴۳﴾

خَيْرُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامًا ۗ وَأَعَدَّ لَهُمْ

أَجْرًا كَرِيمًا ﴿۱۵﴾

ملاقات کنند سلام است و برای ایشان رزق گرامی آماده کرده است (۴۵)

ای پیغمبر! یقیناً ماتو را فرستاده ایم گواه و مؤده دهنده و بیم دهنده (۴۶).

ودعوت کننده بسوی خدا باذن او و خورشیدی منورکننده (۴۷)

و مؤده بده مومنان را که [این] برای ایشان از خدا فضلی بزرگ است (۴۸)

و اقتدای کافران و منافقان نکن و ایذارسانی آنها را نادیده بگیر و توکل بر خدا کن و خدا را کار سازی بس است (۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید گاهی که با زنان مومنه عقد ازدواج کنید سپس به آنها طلاق دهید بیشتر از اینکه به آنها نزدیکی کنید پس شمارا هیچ عده بر آنها نیست که آنرا بشمارید پس آنها را بهره مند

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۱۶﴾

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِآذِنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿۱۷﴾

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿۱۸﴾

وَلَا تَطْعَمِ الْكُفْرِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿۱۹﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَعَهُنَّ وَسِرَّوَهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿۲۰﴾

سازید و آنها را بروش نیکوی  
رما کنید(۵۰)

ای پیغمبر! براستی ما برای تو  
حلال قراردادده ایم آن همسران  
تو که مهریه ایشان پرداختی و آن  
زنان زیر دست تو که خدا به تو  
غنیمت کرده است دختران عموی  
تو و دختران عمه مایت و دختران  
دایت و دختران خاله مایت که با  
تو مهاجرت کرده اند و زنی مومنه  
که خویشتن را برای پیغامبر عرضه  
نماید اگر پیغمبر بخواهد که با آن  
زن عقد ازدواج بزند. این بغير از  
مومنان برای تو اختصاص دارد.  
حتماً میدانیم آنچه بر آن [مومن] ها  
فرض کردیم در مورد همسران  
ایشان و کنیزکان ایشان تا بر تو  
سخت نگذرد و خدا بسیار آمرزنده  
بارها رحم کننده است(۵۱)

هر که از آن [ممسر] ما را میخواهی  
جدا کن و هر که را میخواهی با خود

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ  
الَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ  
يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ  
عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ  
وَبَنَاتِ خَالَتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ  
وَأُمَّرَاءَ الْمُؤْمِنَاتِ إِن وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ  
إِن أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ  
مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا  
عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ  
أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۗ  
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝

تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤَيَّ إِلَيْكَ مَنْ  
تَشَاءُ ۗ وَمَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا

جَاخَ عَلَيْكَ ۗ ذَٰلِكَ أَذَىٰ أَنْ تَقَرَّ  
 أَعْيُنُهُمْ ۖ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا  
 آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي  
 قُلُوبِكُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿۵۲﴾

نگهدار. و زنی را که جدا کردی  
 اگر میخوامی او را بازگیری بر  
 تو گناهی نیست. این نزدیکتر  
 اینست که چشمان ایشان روشن  
 گردد و رنجور نباشند و همه آنان  
 خرسند شوند بدانچه به آنان بدهی  
 و خدا میداند آنچه در دلهای شما  
 است و خدا صاحب علم دائمی  
 بسیار بردبار است (۵۲)

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ  
 بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ  
 إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ  
 شَيْءٍ رَقِيبًا عَٰلِمًا ﴿۵۳﴾

بعداً برای تو [زاید] زنان روانیست  
 و نه اینکه بجای ایشان همسرانی  
 بدل کنی اگرچه زیبایی ایشان به  
 تو شگفت آرد جز آنانکه زبردست  
 تواند و یقیناً خدا بر هر چیز مراقب  
 است (۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ  
 إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرِ  
 نَظْرَيْنِ ۖ إِنَّهُ ۗ وَلَكِنِ إِذَا دُعِيتُمْ  
 فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعَمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا  
 مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ ۗ إِنَّ ذُكُّكُمْ كَانَ

ای کسانی که ایمان آورده اید به  
 خانه های پیغمبر داخل نشوید جز  
 اینکه شمارا بصرف طعام دعوت  
 شود بفریز از اینکه آمادگی آن  
 [طعام] را منتظران باشید و چون  
 [بصرف طعام] خوانده شوید در

يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا  
يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ  
مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ  
ذِكْرُكُمْ أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا  
كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ  
تَنكِحُوا أزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ  
ذِكْرَكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٤﴾

آیید و چون طعام را صرف کردید  
منتشر شوید [آنجا نشسته] جویندگان  
گفتگو نباشید یقیناً این امر به  
پیغمبر میآزارد اما [به اظهار آن]  
از شما شرم دارد ولی خدا از بیان  
حق شرم ندارد. هرگاه از ایشان  
[مسران پیغمبر] برای چیزی  
سوال کنید پس ایشان را از پس  
پرده سوال کنید. این پاکیزه تر  
برای دلهای شما و دلهای ایشان  
است و نه سزد شمارا که رسول  
خدا را بیآزارد و نه اینکه ابداً  
پس از او با مسران او عقد ازدواج  
بندید. یقیناً این نزد خدا امری  
بزرگ است (۵۴)

اگر عیان کنید چیزی را یا نهانش  
کنید پس یقیناً خدا به هر چیز دانا  
است (۵۵)

ایشان [مسران پیغمبر] را باکی  
نیست در مورد پدران خود و نه  
پسران خود و نه برادران خود و

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٥﴾

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ  
وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا

نه برادرزادگان خود و نه خواهر  
 زادگان خود و نه زنان [مومن] خود  
 و نه زیردستان خود و [ای همسران  
 پیغمبر] خدا را تقوی کنید یقیناً  
 خدا بر هر چیز نگهبان است (۵۶)  
 یقیناً خدا و فرشتگان او بر پیغمبر  
 درود میفرستند. ای کسانی که ایمان  
 آورده اید شما نیز بر او درود و  
 سلام بسیار گرم بفرستید (۵۷) ++  
 یقیناً کسانی که خدا و رسول او را  
 میآزارند خدا به آنها لعنت کرده  
 در دنیا و آخرت و برای آنها عذابی  
 رسواکننده مهیا کرده است (۵۸)  
 همانا آنانکه به مومنان و مومنات

مَلَكَتْ أَيْمَانَهُنَّ<sup>ج</sup> وَاتَّقِينَ اللَّهَ<sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ  
 كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا<sup>د</sup>

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ<sup>ط</sup>  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا  
 تَسْلِيمًا<sup>د</sup>

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ  
 اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا  
 مُهِينًا<sup>د</sup>

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

++ آیت ۵۷: درباره این آیت حضرت اقدس مسیح موعود علیه الصلوة والسلام  
 میفرماید: "از این آیت پدید میآید که اعمال رسول اکرم آنچنان بودند که خدای  
 متعال برای تحسین یا تحدید اوصاف ایشان هیچ کلمه‌ی به کار نبرد. کلمات میسر  
 بودند اما خدا خودش آنها را به کار نبرد یعنی ستایش اعمال صالحه ایشان پهن  
 تر از تحدید بود. این نوع آیت در شأن هیچکدام پیغمبر دیگر به کار نرفته است.  
 در روان ایشان آن صدق و صفا بود و اعمال ایشان در نزد خدای متعال آنقدر  
 پسندیده بود که او برای همیشه فرمان داد که در آتی مردم بعنوان سپاس گذاری  
 درود بفرستند. [گزارش رویداد جلسه سالیانه ۱۸۹۷ صفحه ۵۰-۵۱]

بَعِثْنَا<sup>۷</sup> مِیْنَاهُ  
 یَغْیْرَمَا کَتَسَبَوْا فَحَمَلُوا بِهِنَّ نَأْوِ اِئْمَا  
 آزار رسانند بدون آن [جرم] که  
 آنان کسب کرده باشند برآستی  
 بهتان بزرگی و گناهی آشکار بدوش  
 گرفتند (۵۹)

یَا اَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِاَزْوَاجِکَ وَبَنَاتِکَ  
 وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ یُدْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ  
 جَلَابِیْهِهِنَّ<sup>۸</sup> ذَلِکَ اَدْنٰی اَنْ یُّعْرَفْنَ فَلَا  
 یُؤْذِیْنَ<sup>۹</sup> وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا<sup>۱۰</sup>  
 ای پیغمبر! بگو به همسران خود  
 و دختران خود و زنان مومنان که  
 چادرهای خود را بر خود سرکنند.  
 این نزدیکتر است که آنها شناخته  
 شوند و آزاریده نشوند و خدا  
 بسیار آمرزنده بارها رحم کننده  
 است (۶۰) ++

لَیْسَ لَمْ یَنْتَهَ الْمُنْفِقُوْنَ وَالَّذِیْنَ فِی  
 قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُوْنَ فِی الْمَدِیْنَةِ  
 لَنْغَرِبَنَّکَ بِهِمْ ثُمَّ لَا یَجَاوِرُوْنَکَ فِیْهَا  
 اِلَّا قَلِیْلًا<sup>۱۱</sup>  
 اگر منافقان و آنانکه در دلهای آنها  
 بیماری است و آنانیکه در مدینه  
 شایعه میپراکنند باز نیاستند حتماً  
 تو را بر [عقوبت] آنها برانگیزیم.  
 سپس در این [شهر مدینه] تو را  
 مجاورت نکنند جز اندک (۶۱) ++

مَلْعُوْنِیْنَ<sup>۱۲</sup> اَیْمًا تُقْفُوْا اُخْذُوْا وَقْتِلُوْا<sup>۱۳</sup>  
 ++ آیت ۶۰: اینجا منظور از دستور حجاب این معلوم میشود که بوسیله حجاب زنان  
 مسلمان در مقابل زنان غیر از مسلمان باز شناخته شوند و گرنه یهود از سوء نیت  
 میتوانند گویند که آنها نمیدانستند که زنی اذیت شده مسلمان است.



تَقْتِيلاً ۱۱

گرفته و بسختی کشته شوند(۶۲)+

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ

[این] سنت خدا در پیشینیان هم

تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۱۲

بود و در سنت خدا تحولی نمی

یابی(۶۳)

سَأَلْتُ النَّاسَ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا

مردم تو را از قیامت میپرسند.

عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ

بگو: علمش تنها نزد خدا است و

چه چیزی تو را فهم دهد که شاید

السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ۱۳

ساعت نزدیک باشد(۶۴)

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفْرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ

یقیناً خدا کافران را لعنت کرده و

برای آنها آتشی شعله ور آماده

سَعِيرًا ۱۴

کرده است(۶۵)

خُلْدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا

مدت دراز در آن مقیم شوند.

[آنجا] نه سرپرستی و نه یآوری

نَصِيرًا ۱۵

خواهند یافت(۶۶)

بقیه آیات ۶۱-۶۲: خداوند به رسول الله صلی الله علیه وسلم وعده ی داد که تو

بر آنان غلبه مییابی و آنان شهر تو را ترک گویند. آنگاه زیر لعنت خدا باشند و

چنین حالات رخ دهد که هرکجا یافته شوند بمواخذه گرفته و قتل آنان مجاز

گردانده شود.

در اینجا از فتنه پردازیهای بنو قریظه که آتش جنگ را تا مکه برافروختند ذکر

خصوصی است. برای جلوگیری از این فتنه هیچ چاره ی نبود جز اینکه آنها بچنگ

آورده بقتل رسانده شوند.

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ  
يَلَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ﴿١٧﴾

روزیکه چهره هایشان در جهنم واژ  
گون کرده شود. گویند: کاشکی  
خدارا اطاعت میکردیم و رسول  
را اطاعت میکردیم (۶۷)

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا  
فَأَصَلُّوْنَا السَّبِيلَا ﴿١٨﴾

و گویند: پروردگارا! یقیناً ما  
سرداران خود و بزرگان خود را  
اطاعت کردیم. پس آنها ما را  
گمراه کردند (۶۸)

رَبَّنَا اتِّهِمُ ضَعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ  
وَالْعُنْهُمُ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿١٩﴾

پروردگارا! آنها را عذاب دوبرابر  
بده و بر آنها لعنت کن لعنتی  
بزرگ (۶۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا  
مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا ۗ وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ  
وَجِيهًا ﴿٢٠﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید  
نشوید مانند آنانکه به موسی  
آزاریدند. پس خدا او را تبرئه  
کرد از آنچه گفتند و او نزد خدا  
بلند شأن بود (۷۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا  
سَدِيدًا ﴿٢١﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید خدا  
را تقوی اختیار کنید و لب به سخن  
راست و استوار بگشائید (۷۱)

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ  
ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ

او اعمال شما را برایشما اصلاح  
نماید و گناهامان شما را برایشما

فَارْقُورًا عَظِيمًا ﴿۷۱﴾

بی‌آمرزد و هر که خدا و رسولش را اطاعت کند پس یقیناً موافقت بزرگ را موفق شده است (۷۲)

یقیناً امانت را بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم که خود داری کردند که آنرا بدوش گیرند و از آن بیمناک شدند در حالیکه انسان کامل آنرا برداشت. یقیناً او [بر خویشتن] بسیار ستمگر و [از عواقب تکلیف] بی پروا بود (۷۳) ++

اینطور بود تا خدا منافقان و منافقات و مشرکان و مشرکات را عذاب دهد و تا خدا بر مومنان و مومنات توبه قبول کنان متمایل شود و خدا بینهایت آمرزنده بارها رحمکننده است (۷۴)

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا  
وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ  
ظَلُومًا جَهُولًا ﴿۷۳﴾

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ  
وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ  
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ  
عَفُورًا رَحِيمًا ﴿۷۴﴾

++ آیت ۷۳: در این آیت گریه ذکر از فضیلت آنحضرت ﷺ بر دیگر جمله پیغمبران آمده است زیرا امانتی که بصورت تعلیم قرآن نازل آینده بود پیش از آنحضرت ﷺ هیچ پیغمبری تاب نداشت که بار آنرا بدوش خود تحمل کند. پس منظور از امانت قرآن مجید است.

ظلوماً جهولاً را بعضی مفسران اصلاً معنای نادرست نسبت می‌دهند. ظلوماً را مفهوم ستم بر دیگری نیست بلکه بر جان خویش ستمکننده‌ی است که باری اینقدر سنگین را برداشت. همینطور منظور از جهولاً جاهل مطلق نیست بلکه آنکس است که مسئولیتی با این بزرگی را پذیرفت و از عواقب آن بی پروا ماند. همه آن سلسله مظالم که بر آنحضرت ﷺ روا داشته شد پس از شروع نزول قرآن رو به آغاز کرد.

## ۳۴ - سورة سبأ

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۵۵ آیت دارد.

ابتدای این سوره عبارت از این کلمات است که ستایش مطلق از آن خدا است که آسمانها را مالك و زمین هم ترانه او را میسراید و در آخرت نیز ترانه از حمد او سروده شود. اینجا کنایه ای آشکار بسوی رسول الله ﷺ است که غلامان راستین ایشان زمین و آسمان را مملو از ستایش و نیایش خدا خواهند کرد.

سپس به تشریح کوه ها پرداخته مضافاً گفته میشود که کوه ها بمعنای ملت های زحمت کش کوهستانی میباشند. بعنوان مثال کوه ها برای حضرت داود علیه السلام بظاهر مسخر نشده بودند بلکه قوم های زحمت کش ساکن بر کوه ها رام کرده شدند. پس کوه ها که ذکر از آنها در پایان سوره گذشته رفت شرح به آنها اینجا داده میشود.

سپس شرح به اوضاع آن اجنه است که برای حضرت داود و حضرت سلیمان مسخر کرده شدند و ایشان کارهای طاقت فرساز آنها میگرفتند و گفته شد که آنان اجنه در قالب انسان بودند و نه آن اجنه معروف که آفریده از شعله های آتش پنداشته میشوند. درباره این اجنه قرآن مجید جای دیگر می فرماید که آنها در بند و زنجیر بودند حالانکه اجنه آتش را که در بند و زنجیر نتوان کرد و اینکه آنان غوطه خورده از دریا مرواریدها در می آوردند حالیکه جنی ساخته از آتش که نمیتواند در دریا غوطه خورد زیرا آتش که بداخل آب فرومی نشیند. اینهمه امور سپاسگذاری را برآل داود

بفرض مینمود. پس حضرت سلیمان علیه السلام که از میان آل داود از روی خویشی صلی و روحانی ارشدیت داشتند حق سپاسگذاری را بجا آوردند. ولی چون ایشان آگاه کرده شدند که پسرایشان که جانشین تخت ایشان است همچون جسمی فاقد زندگی روحانی است ایشان روی به دعا آوردند که پروردگار اصف سلطنت را در دوره اش بپیچان چه من به این سلطنت دنیائی هرگز علاقه مند نیستم. پس عیناً همینطور بظهور آمد. پس از درگذشت حضرت سلیمان چون پسرایشان تخت نشین گشت رفته رفته بر قوم های کوهستانی معلوم گشت که پادشاهی بیخرد برایشان مسلط است آنان علیه او طغیان کردند و بدینسان سلطنت ظاهری حضرت سلیمان علیه السلام پاره پاره گردید.

چون سلطنت های بزرگ از هم میپاشند آنگاه بجای اینکه اهل سلطنت بر اثر محبت همدیگر این دعا کنند که دلهای ما بهمدیگر نزدیکتر گردانده شود بعکس طعمه نفرتها قرار گرفته به دعای دور شدن از همدیگر میپردازند. آنگاه ایشان زیر پای غضب الهی له کرده اساطیر نابود شدگان ساخته می شوند. میان محل سکونت های ایشان آنقدر دوری افکنده میشود که دورادور بجای باغستان و گلزارها، بیسه ها و نیستان بچشم میخورد.

در پایان سوره گذشته آنحضرت ﷺ تعلیم صبوری داده شدند. اکنون مجدداً توصیه میشود که پیوسته صبور باش و قلب ایشان با این مژده ثبات داده شد که سلطنت های پیشین که همچون قومهای کوچک بودند ولی خداوند تورا سلطنت با تعمیم روحانی بر سراسر جهان در داده است.

ضمناً توجه مخالفان بدین امر جلب کرده میشود که آنان فردا فرد یا دو

دو بپایستاده در محضر خدا دعاکنند و از آن پس تعقل کرده دریابند که آن شهزاده علم و حکمت که قرآن حکیم اعطا شده است هرگز مجنون نیست. سپس فرموده شد که برای این امر تفکر کن چون آنان سخت آشفته خاطر بگردند و آن آشفتگی دور نشود و آنان از جای نزدیک درگرفته شوند. جای نزدیک "حیل" جان است یعنی آنان از درون خودشان مبتلا به عذاب کرده شوند. در آیت مجاور اشاره به مکان دور عبارت از این امر است که اینگونه مردم را توبه کردن بسیار دور است. چنانکه حدوث کردن پیش آمدها بر خودشان باعث نشد که ایشان توفیق توبه بدست آورند آنگاه چطور امکان پذیر است که آنان از خوف عذاب آنچه را بسیار دور گمان میکنند توفیق به توبه حقیقی بدست آورند. میان اینچنین منکران و تکمیل خواهشات نفسانی آنها مانع همیشگی نهاده میشود همانگونه که به پیشینیان ایشان رفتار شده بود اما این تیره بختها مدام متردد میمانند.

☆ سُورَةُ سَبَاٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَسِتُّ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
 بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)  
 ستایش مطلق برای آن خدا است  
 که از آن اوست هرچه در آسمانها  
 است و هرچه در زمین است و در  
 آخرت هم ستایش مطلق از آن  
 اوست او بسیار صاحب حکمت  
 مدام آگاه است (۲)

او میداند آنچه داخل زمین گردد  
 و آنچه از آن خارج شود و آنچه  
 از آسمان نازل شود و آنچه در  
 آن بالا رود و او بارها رحم کننده  
 صاحب آمرزش است (۳)

و کسانی که کفر کردند میگویند  
 ساعت بر ما نیاید. بگو، آری -  
 سوگند به پروردگام که برغیب  
 آگاه است حتّابیر شامیاید -  
 نشود پوشیده از او باندازه ذره  
 در آسمانها و نه در زمین و نه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي  
 الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ  
 الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ①

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا  
 وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا  
 وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ①

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ  
 قُلْ بَلَى وَرَبِّي تَأْتِيكُمْ لَا عِلْمَ الْغَيْبِ إِلَّا  
 يَعَزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا  
 فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا  
 أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ①



کوچکتر از آن و نه بزرگتر مگر  
در کتابی آشکار است (۴)

تا [خدا] عوض دهد کسان را که  
ایمان آوردند و نیکوکاری انجام  
دادند. همانند که برایشان آموزش  
و رزقی کریمانه است (۵)

و آنانیکه میکوشند تا آیات ما را  
بیچاره سازند همانند که آنها را  
عذابی دردناک از عذابی لرزنده  
است (۶)

و آنانکه علم داده شدند بنگرند  
هرچه بسوی تو از پروردگار تو  
نازل کرده آمد آن حق است و  
بسوی راه صاحب غلبه کامل و  
صاحب ستایش هدایت میکند (۷)

و کسانیکه کفر کردند میگویند  
آیا شما را نشاندهیم مردی را که  
به شما خبر میدهد هنگامیکه از هم  
پاشیده بکلی ذره ذره شدید حتماً  
به آفرینش نوی [داخل] شوید (۸)  
آیا بر خدا دروغی بهم بافته است

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَئِكَ  
لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزِ أَلِيمٍ ۝

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ  
إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى  
صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى  
رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ  
إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝

أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ  
وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ①

یا او رادیوانگی است؟ در حقیقت  
آنها که به آخرت ایمان نمی‌آرند  
در عذاب و گمراهی دور سرگردان  
اند (۹)

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا  
خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ إِن لَّشَاءُ  
نَخِيفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نَسْقِطُ  
عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ ۗ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً  
لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ②

پس آیا بسوی آن [پدیده ها] نگاه  
نکردند که در آسمان و زمین پیش  
روی ایشان [تجلی یافته] اند یا  
آنچه قبل از آنها بودند. اگر  
بخواهیم آنها را بزمین فروبریم  
یا پاره‌ی از آسمان بر آنها فرو  
افکنیم. یقیناً در این آیتی بزرگ  
است برای هر آن بنده‌ی که توبه  
کند (۱۰)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا ۗ يُجِبَالٌ أَوْجِي  
مَعَهُ وَالطَّيْرَ ۗ وَالثَّالِثَةَ الْحَدِيدَ ③

و یقیناً داود را از جانب خود  
فضلی در دادیم [چون این اذن دادیم  
که] ای کوه ها! با او فروتنی کنید  
و ای مرغان [شاهم] و آهن را  
برای او نرم ساختیم (۱۱) ++

إِن أَعْمَلَ سِبْغَتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ  
وَأَعْمَلُوا صَالِحًا ۗ إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ

[وگفتیم] که زره های کامل بقدر  
جسم بساز و حلقه های [زره] را تنگ  
بدار و نیکوکاری کنید. یقیناً من به

بَصِيرٌ ﴿۱۱﴾

وَلَسَلِيمٌ الرِّيحَ غُدُوَهَا شَهْرٌ  
وَرَوْاحَهَا شَهْرٌ ۚ وَاسْلَأَهُ عَيْنِ  
الْقَطْرِ ۗ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ  
بِإِذْنِ رَبِّهِ ۗ وَمَن يَزِغْ مِنْهُم مَّن آمَرْنَا  
نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿۱۲﴾

مرجه عمل کنید بی نامستم (۱۲) ++  
و برای سلیمان بادی را [مسخر  
کردیم] سفر بامدادی آن [هم برابر  
سفر] یکماه بود و سفر شامگاهی  
آن [هم برابر سفر] یکماه بود و  
چشمه مس را برای او جاری کردیم  
و از جنها آن [قومهای وحشی را رام  
کردیم] که زیر دست او بفرمان  
پروردگارش بزحمت کار میکردند  
و هر که از آنها از امر ما منحرف شود  
او را عذاب جهنم بچشانیم (۱۳) ++

++ آیات ۱۱-۱۲: مسخر کردن کوه ها را مفهوم رام کردن آن قومهای زحمت کش  
کوهستانی است که حضرت داود آنها را تسخیر کرده بودند و کارهای سنگین برای  
حضرت داود انجام دادند. غالباً منظور از طیور [پرندگان] آن مردم نیکوکارانند  
که برایشان ایمان آورده و از نظر روحانی نسبت به طیور داده شدند. مضافاً نعمتی  
دیگر که به حضرت داود اعطاء شد آن تخصص گذاختن آهن و استفاده از آن بود.  
زره های دفاعی حین جنگ ساخته از حلقه های آهن از زمان ایشان بکار برده  
شد. حضرت داود بدین امر نیز فرمان شدند که زره ها نه با حلقه های بزرگ بلکه  
با حلقه های تنگ ساخته شوند. اگر زره ها قبل از حضرت داود ساخته هم میشد  
آنگاه بحر حال زره ها با حلقه های تنگ در زمان ایشان ایجاد شده بود.

++ آیت ۱۳-۱۴: بادها را تابع فرمان حضرت سلیمان کردن بدین معنا نیست بطوری  
که بعضی مفسران قصه های بیان میکنند که ایشان بالونی ایجاد [بقیه ص# ۱۰۲۸]

آنان هر چه اومیخواست برایش  
میساختند - قلمه های بزرگ و  
مجسمه ها و لگنهای مانند استخرها  
و دیگرهای بزرگ یکجا نشانده. ای  
آل داؤد اشکر کنید به سزاواری

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ  
وَتَمَاثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ  
رُسِيَّتٍ ۚ اِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا  
وَقَدِيلًا ۗ مِنْ عِبَادِيَ الشُّكُورِ ﴿۱۴﴾

کرده بودند بلکه اشاره به آن بادهای تند و وز بر ساحل دریائی است که بعد از  
یکماه تغییر رخ میدادند و کشتیها را بانیرو آن بادها سریعاً حرکت کردن و سپس  
باز گشتن مطلب این آیت است.

حضرت داؤد برآه قدرتِ تخصص داشتند درحالیکه حضرت سلیمان صنعت کان  
کندن برای فلز گرانبها یعنی مس و استفاده کردن از آن بنحوی گوناگون آموخته  
شده بودند.

جناتی که در اینجا مذکور اند سخن از آنها پیش از این حین ذکر در باب حضرت  
داؤد نیز رفته است. مفهوم این موضوع مردمان کوهستانی و زحمت کشانند. در  
آیت مجاور این ذکر است که آن مردمان چنان کارهای سنگین و طاقت فرسا انجام  
میدادند که برای ملتهای متمدن امکان پذیر نمیشد. برای تفصیل آنکارها نخست  
سخن از قلمه های بزرگ است. باز درباره مجسمه ها و استخرها، لکن های بزرگ  
و دیگرها گفته شده است. این دیگرها آنچنان بزرگ بودند که جابجا کردن آنها کاری  
طاقت فرسا بود و یکجا میماندند. غالباً در اینها غذای برای ارتش بزرگ ایشان  
آماده کرده میشد.

پس از یادآوری این نعمتها نه تنها حضرت داؤد بلکه آل ایشان نیز توصیه  
میشوند که سپاسگذار باشند. این نعمتها بازگرفته نمیشود تا آنگاه که سپاسگذاری  
کنید. سپس در زمان پسر حضرت سلیمان این نعمتها از دست رفت چه او نه دارای  
خصوصیت روحانی بود و نه استعداد دولتمداری را داشت.

شکرش واندک اند از بندگانم که  
شکر میکنند (۱۴) ++ [حاشیه  
ص#۱۰۲۸]

پس هنگامیکه فرمان مرگ را بر  
او گذرانیدیم کسی به آنها بر مرگ  
او آگاه نکرد مگر کرمی [پسرش  
ناخلف] که چوب دستی [سلطنت]  
او را میخورد. پس چون آن [نظام  
سلطنت] بامنشین شد آنگاه برجن  
[کومستانی] ما آشکارگشت اگر  
آنها غیب را میدانستند در عذابی  
رسوا کننده مکت نمیگردند (۱۵)

براستی برای [قوم] سبا درمسکن  
خود آیتی بزرگ بود. راست و  
چپ دوباغ بود. [ای قوم سبا]  
بخورید از رزق پروردگار خود و  
برای او سپاس گذارید [بایتخت  
سبا] شهرزیبائی بود و [آن شهر را]  
پروردگاری بس آمرزنده بود (۱۶)  
پس [ازحق] اعراض کردند. پس  
سیل بندشکسته [موجزن] بر آنها

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى  
مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَاتِهِمْ  
فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا  
يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِئُوا فِي الْعَذَابِ  
الْمُهِينِ ﴿۱۵﴾

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَيْنِ  
عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ  
رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۗ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ  
غَفُورٍ ﴿۱۶﴾

فَاعْرَضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ  
وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِ أُكُلٍ

فرستادیم و هردو باغ را در چنین  
 دو باغ تبدیل کردیم که مردو  
 دارای میوه های بد مزه و درخت  
 گز و کم کم سدر بودند (۱۷)

این عوض آنها بود چه ناسپاسی  
 کردند و آیا جز ناسپاسان بکسی  
 [اینطور] کیفر میکنیم؟ (۱۸)

و میان ایشان و میان شهرهای که  
 در آنها خیری فراوان نهاده بودیم  
 شهرهای مویدا ساخته بودیم و  
 راه پیمودن را در آنها [آسان و]  
 ممکن کرده بودیم [مقصود این  
 بود که] شبها و روزها در آنها  
 ایمن راه بیمایید (۱۹)

اما [چون ناسپاس شدند] گفتند:  
 پروردگارا! میان سفرهای ما دوری  
 بیفکن و بر خودشان ستم کردند.  
 پس آنها را افسانه های ساختیم و  
 آنها را پاره پاره نمودیم. یقیناً  
 در این برای هر یک صبرکننده و  
 سپاس گذار آیت های است (۲۰)

حَمَطٌ وَأَثَلٌ وَوَشَىٰ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ①۷

ذَلِكَ جَزَايَهُمْ بِمَا كَفَرُوا ۗ وَهَلْ نُجَازِي  
 إِلَّا الْكَفُورَ ①۸

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَرَكْنَا  
 فِيهَا قُرَىٰ ظَاهِرَةً ۚ وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ ۗ  
 سَيْرًا وَفِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ ①۹

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا  
 أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ  
 كُلَّ مُمَزَّقٍ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ  
 شَكُورٍ ②۰

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُمْ  
فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۱﴾

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ  
مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي  
شَكٍّ ۗ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِیظٌ ﴿۲۲﴾

ویقیناً ابلیس اندیشه خود را بر  
آنها راست آورد. پس بدو پیروی  
کردند جز گروهی از مومنان (۲۱)  
و او [ابلیس] را بر آنها هیچ غلبه  
نبود مگر [خواستیم] تا باز شناسیم  
آنکه به آخرت ایمان می‌آورد و آنکه  
از این در شک است و پروردگار  
تو بر هر چیز نگهبان است (۲۲)

بگو بخوانید آنهایی را که جز خدا  
[چیزی] گمان کنید. آنها باندازه  
ذره هم مالک نیستند در آسمانها  
و نه در زمین و نه برای آنها در  
آندو هیچ سهمی است و برای او  
هیچ از آنها پشتیبان نیست (۲۲)

و در درگاه او شفاعت بکار نیاید  
جز برای آنکه او برایش اذن کرده  
باشد تا آنگاه که چون آشفتمگی از  
دلهای آنها دور کرده شود [از  
شفاعت کنندگان خود] بپرسند [هم  
اکنون] پروردگار شما چه گفت؟  
گویند، حق [گفت] او بلند مرتبت

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا  
يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي  
الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شَرْكٍ وَمَا  
لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظٰهِيرٍ ﴿۲۱﴾

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ ۗ  
حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا  
قَالَ رَبُّكُمْ ۗ قَالُوا الْحَقُّ ۗ وَهُوَ الْعَلِيُّ  
الْكَبِيرُ ﴿۲۲﴾

و بسیار بزرگ است (۲۴)

بپرس: کی شمارا از آسمانها و زمین  
رزق میدهد بگو: خدا. یقیناً ما یا  
شما البته یا برمدایت یا درگمراهی  
آشکاره مستیم (۲۵)

بگو: شما پرسیده نشوید از آنچه  
ما جرم کنیم و نه ما پرسیده شویم  
از آنچه شما میکنید (۲۶)

بگو: خدا ما را جمع کند سپس  
میان ما با حق قضاوت نماید و او  
فیصل دهنده آشکارا صاحب علم  
دائمی است (۲۷)

بگو: مرانسان دهید آنهائی را که  
با او شریک بستید. هرگز چنین  
نیست بلکه همان خدا است که  
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت  
است (۲۸)

و نفرستادیم تو را مگر مژده  
دهنده و بیم دهنده برای همه مردم  
اما بیشتر مردم نمیدانند (۲۹)

و میگویند انجام این وعده تا

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ  
لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝

قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا  
تَعْمَلُونَ ۝

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا  
بِالْحَقِّ ۚ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ۝

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ  
كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا  
وَنَذِيرًا ۚ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ



صَدِیقَیْنِ ۳۰

بچند میکشد اگر شما راستگویان

اید؟ (۳۰)

بگو و عدمگاه شما روزی است که

نه لحظه از آن عقب مانید و نه

پیشی گیرید (۳۱)

و کسانی که کفر کردند میگویند:

مرکز ایمان نیاریم برای قرآن

و نه بر آن [پیشگوئیا] که پیش

روی آنست و کاشکی میدیدی گاهی

که ستمکاران نزد خدا باز داشت

شوند. برخی از آنها سخن را به

برخی پس دهند و آنان که ناتوان

پنداشته شدند برای آنان که تکبر

میکردند گویند اگر شما نبودیحتما

ما ایمان آوردگان بودیم (۳۲)

گویند آنانکه تکبر کردند به آنها

که ناتوان پنداشته شدند آیا ما

شمارا از هدایت چون شمار آمد

بازداشتیم؟ بلکه شما خودتان بزه

کاران بودید (۳۳)

و گویند آنها که ناتوان پنداشته

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَخِرُونَ عَنْهُ  
سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ۳۱

۳۰  
۳۱

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا  
الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ۱ وَلَوْ تَرَى  
إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۲  
يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ ۳ يَقُولُ  
الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا لِّلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا وَالْوَلَا  
أَنْتُمْ لَكُمْ آئَاتٍ مِّنْ بَيْنِ ۳۲

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا  
أَنْحُنُّ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهَدَىٰ بَعْدَ إِذْ  
جَاءَكُمْ بِلُكْنًا مِّنْ بَيْنِ ۳۳

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا لِلَّذِينَ

شدند به آنها که تکبر کردند بلکه این فریبکاری شب و روز بود چون بما امر میکردید که به خدا انکار کنیم و برای او انبازان قرار دهیم و ندامت را پنهان سازند دمیکه عذاب را نگرند و در گردن های آنها که کفر کردند طوقهانییم. آیا عوض داده شوند جز آنچه داشتند می کردند؟ (۳۴)

و در هیچ شهری بیم دهنده نه فرستادیم مگر خوش حالان آن گفتند، همانا ما به آنچه منکرانیم که با آن شما فرستاده شدید (۳۵) و گفتند، ما در مالها و اولاد بیشتر ایم و ما عذاب شدگان نیستیم (۳۶) بگو: براستی پروردگارم رزق هر که را بخواهد فراخ گرداند و تنگ گرداند اما بیشتر مردم نمی دانند (۳۷)

و نیستند مالهای شما و فرزندان شما آنکه شمارا نزد ما برتبه قرب

اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ الْيَلِّ وَاللَّهَارِ اِذْ تَأْمُرُونَنَا اَنْ نَّكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهُ اَنْدَادًا ۗ وَاَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَاَوْا الْعَذَابَ ۗ وَجَعَلْنَا الْاَغْلَالَ فِيْ اَعْنَاقِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۗ هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۳۴﴾

وَمَا اَرْسَلْنَا فِيْ قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيْرٍ اِلَّا قَالُوْا مُتْرَفُوْهَا ۗ اِنَّا بِمَا اُرْسِلْتُمْ بِهِ كٰفِرُوْنَ ﴿۳۵﴾

وَقَالُوْا اِنَّا اَكْثَرُ اَمْوَالًا وَاَوْلَادًا ۗ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِيْنَ ﴿۳۶﴾

قُلْ اِنَّ رَّبِّيْ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۳۷﴾

وَمَا اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ بِاِيْتِيْ تَقْرِيْبِكُمْ عِنْدَنَا ۗ لَفِيْ الْاٰمَنِ اٰمَنٌ وَعَمَلٌ

بیآرند مگر آنکه ایمان آورد و نیکوکاری کرد پس همانند که برای ایشان پاداش دوبرابر است به [علت] آن کار که کردند و ایشان در بالاخانه ما ایمن شدگانند (۳۸)

و کسانی که آیت‌های ما را به عجز آرندگان میکوشند همانها در عذاب احضار شدگانند (۳۹)

بگویقینا پروردگام برای هر که از بندگانش بخواهد رزق را فراخ مینماید و [گامی] برایش تنگ می‌نماید و آنچه از چیزی انفاق کنید پس اوست که عوض میدهد و او بهترین رزق دهندگان است (۴۰)

وروزیکه جمیع آنها را محشور کند سپس بفرشتگان گوید، آیا اینها شمارا عبادت میکردند؟ (۴۱) ++

گویند: تو پاک هستی، توئی دوست ما نه آنها، بلکه آنها جنها را عبادت میکردند و بیشتر آنها به آنان ایمان آوردگان بودند (۴۲) + [ص ۱۹۳۶]

صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمُونَ ﴿۳۸﴾

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ ﴿۳۹﴾

قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۖ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ خَلْفُهُ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ ﴿۴۰﴾

وَيَوْمَ يُحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿۴۱﴾

قَالُوا سُبْحٰنَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مَنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ ۗ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿۴۲﴾

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا  
وَلَا ضَرًّا ۗ وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا  
عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُمْ بِهَا تَكْذِبُونَ ﴿۱۶﴾

پس امروز سود و زیان مدیگر  
را در اختیار ندارند و گوئیم برای  
آنانکه ستم کردند، عذاب آن آتش  
بجشید که به آن انکار میکرده  
اید (۴۲)

وَإِذْ أَنْتَلَىٰ عَلَيْهِمُ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا  
إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُ  
يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ ۗ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا  
إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ ۗ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا  
لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ۗ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ  
مُبِينٌ ﴿۱۷﴾

و چون آیتهای روشن ما بر آنها  
فروخوانده شود گویند نیست این  
مگر آدمی که میخواهد باز دارد  
شما را از آنچه پدران شما عبادت  
میکردند و گویند نیست این جز  
دروغی که بهم بافته شد و کسانیکه  
کفر کردند برای حق چون نزدشان  
آمد گفتند، این فقط جادوئی آشکار  
است (۴۴)

وَمَا آتَيْنَهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا  
أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ﴿۱۸﴾

و ندادیم آنانرا میج از کتب که آن  
را میآموختند و نه پیش از تو بیم  
دهنده ی بسویشان فرستادیم (۴۵)

++ آیت ۱۷-۴۲: در این آیتها ذکر از آن مشرکان است که سرداران بزرگ خود را  
به خدایی برگزیده بودند. در اینجا منظور از جن همان سردارانند. مشرکان نام  
بعضی از فرشتگان را نیز میگفتند که آنان معبودان آنانند. این بر فرشتگان فقط  
تهدی است و فرشتگان در روز قیامت از این تهمت اظهار بریت نمایند.

و تکذیب کرده بودند آنها که پیش از اینها بودند حالیکه اینها به یکدم آن نرسیده اند که به آنها بخشیده بودیم. پس آنها [نیز چون] رسولانم را تکذیب کردند آنگاه گرفتم چه [سخت] بود (۴۶)

بگو شمار فقط به یک امر نصیحت میکنم که بیای ایستید برای خدا دد دو ویک ویک باز خوب فکر کنید که رفیق شمارا دیوانگی نیست. او فقط برای شما پیش از عذابی شدید بیم دهنده است (۴۷)

بگو هر چه عوضی را از شما میطلبم پس آن بخاطر شما است. عوض من فقط بر خداست و او بر هر چیز گواه است (۴۸)

بگو، یقیناً پروردگارم با حق [بر باطل] ضربه میزند. او دانای نهانها است (۴۹)

بگو حق رسیده است و باطل نه [چیز را] ابتدا میکند و نه [آنها]

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ وَمَا يَلْعَنُوا  
مُخْشَرًا مَّا آتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي ۗ<sup>۴۶</sup>  
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۙ<sup>۴۷</sup>

قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ ۚ أَنْ تَقُومُوا  
لِلَّهِ مَثَلِي ۚ وَفَرَادَىٰ تُمَثَّفَكُرُوا ۗ مَا  
بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ  
لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ۙ<sup>۴۷</sup>

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۗ إِنْ  
أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
شَهِيدٌ ۙ<sup>۴۸</sup>

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عِلْمًا  
الْغُيُوبِ ۙ<sup>۴۹</sup>

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِّلُ الْبَاطِلَ وَمَا  
يُعِيدُ ۙ<sup>۵۰</sup>

تکرار میکند (۵۰)

بگو، اگر گمراه شوم خلاف نفس خود گمراه شوم و اگر هدایت یابم پس بدانمست است که خدا بسوی من وحی میکند. یقیناً او بسیار شنوای نزدیک است (۵۱)

و کاشکی میدیدی چون بیمناک شوند. پس [بیم] زایل نگردد و از جای نزدیک [یعنی زودتر] گرفته شوند (۵۲)

وگویند، به این ایمان آوردیم و چسان آنان را از جای دور [ایمان را] بدست آوردن ممکن است (۵۳) حالانکه از این پیش به آن انکار کردند و از مکانی دور درغیب تیرهای بی هدف پرتاب میکنند (۵۴)

و میان آنها و میان آرزوهای آنها جدائی افکنده شود بطوریکه تَبَلابا امثال آنها کرده شد. یقیناً آنها دچار شکی ناراحت کننده بودند (۵۵)

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۗ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي ۗ إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥١﴾

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَاقَتَهُمْ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥٢﴾

وَقَالُوا أَمْ تَأْتِيهِمْ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٤﴾

وَجِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ﴿٥٥﴾

## ۳۵- سورة فاطر

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۶۶ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز مانند سوره قبلی با الحمد میشود. سوره گذشته از پادشاهی خداوند بر زمین و آسمان و مشغول ماندن تمامی کاینات در ذکر خدا با زبان حال، حاکی بود. اینجا چون خداوند نخست بار زمین و آسمان را پدید آورد توجه به حمد خدا جلب میشود زیرا که زمین و آسمان را بوجود آوردن بی هدف نمیتواند باشد. در عین حال قبل از وجود زمین و آسمان بسوی رحمانیت یک آفریدگار اشاره میشود.

آیت ردیف ۲ دال بر ذکر آن فرشتگان است که دو دو و سه سه و چهار چهار پر دارند. البته این را هرگز این مفهوم نیست که فرشتگان را بظاهر پر است بلکه آن چهار والنسی [Valencies] اساسی ماده را ذکر است که در نتیجه اش جمله پدیده های شیمیائی بوجود میآید. پژوهندگان علم علی الخصوص خدا پرستان توجه را بدین سو جلب میکنند که در نتیجه عکس العمل شیمیائی از دیگر ماده های چهار والنسی کاربن آن زندگی بوجود آمده است که دانشمندان آنرا carbon based life مینامند. این آیه قرآن بیان میکند که فرشتگان دارای بیشتر از این بالها نیز وجود دارند که شما آنان را در حال کنونی نمیدانید و در تحت تاثیر آنان تغییراتی بزرگ شیمیائی بظهور خواهند رسید که عجاله انسان گمان هم از آنها نمیتواند بکند.

مجدداً این سوره حاکی از ذکر آن دو دریا است که آب یکی شور و دومین آب شیرین و مطلوب دارد. اما صنعت خداوند شکفت انگیز است که

گوشت جانوران پرورده آب شور نیز شیرین میماند و گوشت پرورده های آب شیرین نیز شیرین میماند. این چه عجب پدیده ای است که گوشت مامی ها پرورده آب شور کلیه از تاثیر شوریدگی آب پاك میماند.

پس از این آیت‌های [۱۷- ۱۸] میآید که نوع انسان را متنبه میسازد که اگر شما به نعمتهای خداوند سپاسگذاری نکردید و به انکارش پافشار ماندید پس اگر خداوند بخواهد شما را بخاك فروبرده و بجای شما مخلوق جدیدی میآرد و این امر دور از شان کبریائی او نیست.

ضمناً توجه انسان بدین امر جلب کرده میشود که زندگی بر زمین در هر قالبی که باشد متکی بر آبی فروباریده از آسمان میباشد و میوه های متنوع از آن آب میروید. رنگهای آنها از هم جدا است. این مسأله اختلاف رنگها کنانه ای است به این امر که بطوریکه میوه های درآمدی از خاک همرنگ دارای رنگهای متنوع میباشد بر همین منوال اگرچه آدمیان هم از نژاد يك آدم هستند ولی رنگهای ایشان و زبان های ایشان مختلف است و هیچ مشابهت از هم بچشم کسی نمیخورد مگر به آن بینندگان که خدا ایشان را عرفان اعطاء کرده است.

کسانیکه با خدا انبازان قرار میدهند نمیتوانند آن چیزها را که در زمین پدید میآیند بر مقام همتائی آن کردگار بگزینند تا چه رسد به اینکه تصور ایشان شريك او را در آن آسمانها تلاش کند که درباره آنها ایشان را هیچ هم دانشی نیست.

سپس آدمیان متنبه ساخته شدند که زمین و آسمان با نیروی خود بر مدارهای خود استوار نیستند بلکه اگر دست تقدیر خداوند آنها را پیوسته



---

نگه نداشته باشد و آن اجرام های فلکی یکبار از مدار های مربوطه بلغزند  
پس زمین و آسمانها را قیامت فراگیرد و آنها دیگر هیچگاه دوباره بر هیچ  
مداری مستقر نخواهند شد.

☆ سُورَةُ فَاطِرٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَخَمْسَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
جَاعِلِ الْمَلَكِةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ  
مَّثَلِيٍّ وَثَلَاثٍ وَرُبْعٍ ۚ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا  
يَشَاءُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ②

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]  
بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)  
ستایش مطلق از آن خدا است که  
آفریننده آسمانهای زمین است -  
فرشتگان را رسولانی دارندگان  
بالبهای دوتا و سه تا و چهارتا [یعنی  
قوة ها] قرار دهنده - میفزاید در  
آفرینش هر چه دوست دارد خدای  
هر چیز مدام قدرتمند است (۲)

آنچه خدا برای مردم از رحمت  
بگشاید پس کسی آنرا جلوگیرنده  
نیست و آنچه را جلوگیرد سپس  
کسی آنرا جاری کننده نیست و  
او صاحب غلبه کامل صاحب  
حکمت است (۳)

ای مردم انعمت خدا را بر خودتان  
یاد کنید. آیا آفریننده ی است جز  
خدا که از زمین و آسمان رزق

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا  
مُمْسِكَ لَهَا ۚ وَ مَا يُمْسِكُ ۚ فَلَا يُرْسِلُ لَهُ  
مِنْ بَعْدِهِ ۚ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ③

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۚ  
هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنْ

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَآتِنِي  
تُوفِيقُونَ ①

اعطا کند. هیچ معبودی نیست جز او  
پس کجا منحرف کرده میشوید (۴)  
و اگر تو را رد کنند پس رسولان  
پیش از تو نیز رد کرده شدند و همه  
امور بسوی خدا بر گردانده شود (۵)  
ای مردم! یقیناً وعده خدا حق است.  
پس زندگی دنیا شمارا نفریبد و  
هیچ فریبکار شمارا درباره خدا  
گول نزند (۶)

وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ  
قَبْلِكَ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ②

يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا  
تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۗ وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ  
بِاللَّهِ الْعُرُورُ ③

همانا شیطان لكم عدو و فاتخذوه عدوا  
ایماید عوا جزبهه لیگونوا من اصحاب  
السعیر ④

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ۗ  
إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ  
السَّعِيرِ ④

کسانیکه کفر کردند برای آنها عذابی  
سخت است و آنانکه ایمان آوردند  
و نیکوکاری کردند ایشانرا آمرزش  
و پاداشی بسیار بزرگ است (۸)

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۗ  
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ  
مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ⑤

پس آیا آنکه برایش زشتی عملش  
زیبا بنمایش گذارده شود و او  
آنرا زیبا بنگرد [فریب خورده تر  
از او کسی است.]؟ یقیناً خدا هر که

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَاهُ حَسَنًا ۗ  
فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ  
يَشَاءُ ۗ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ

حَسْرَتٍ ۱۰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۱۱

را خواهد گمراه میگرداند و هر که  
را خواهد هدایت میدهد. پس دل  
تو از آنها دریغ داشته از دست  
نرود. یقیناً خدا خوب میدانند آنچه  
میکنند (۹)

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا  
فَسُقْنَهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيَّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ  
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۱۲ كَذَلِكَ النُّشُورُ ۱۳

و خداست آنکه بادها را فرستاد.  
پس آنها بر رابر میدارند. پس آن  
رابسوی شهری مرده سوق میدمیم  
و به [وسیله] آن زمین را پس از  
مرگش زنده مینماییم. همینطور  
دوباره بر خیزیدن است (۱۰)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ۱۴  
إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ  
الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ ۱۵ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ  
السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۱۶ وَمَكْرُ  
أُولَٰئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ ۱۷

هر که خواهان عزت است پس  
عزت بتمام از آن خداست. کلمه  
پاک بسوی او بالا میرود و نیکو  
کاری آن را بیلا میبرد و آنانکه  
نیرنگ زندقه را عذاب سخت  
است و نیرنگ آنها در رود (۱۱) +

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ

و خدا شما را از گل آفرید سپس

++ آیت ۱۱: برخی از مردم نشت و برخاست خود را با کسانی نامور موجب بزرگی  
میپندارند. مومنان توصیه کرده میشوند که بزرگی بدست خداست و هر چند مخالفان  
در دنیا به تذلیل ایشان تلاش کنند آن ضائع خواهد رفت.

جَعَلَكُمْ أَرْوَاجًا ۚ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ  
وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ  
مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي  
كِتَابٍ ۚ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۱۷﴾

از نطفه و از آن پس شما را جفت  
های ساخت و هیچ ماده باردار  
نمیشود و نه او میزاید مگر بعلم  
او و هیچ سالخورده عمر دراز  
نمیآید و نه از عمر او کاسته میشود  
مگر آن در کتابی است. یقیناً این  
بر خدا آسانست (۱۷)

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ ۚ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٍ  
سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ ۚ وَمِنْ  
كُلِّ تَاكُونٍ لِحَمَاطٍ رِيًّا ۚ وَتَسْتَخْرِجُونَ  
حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا ۚ وَتَرَى الْفَلَكَ فِيهِ  
مَوَازِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَلَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ ﴿۱۸﴾

و دو دریایکسان نیستند. این آب  
شیرین است آشامیدن آن خوش  
مزه و گوارا است و آن شور و  
تلخ است و از هر کدام گوشت تازه  
میخورید و زیوری استخراج می  
کنید که آنها را میپوشید و کشتی  
ها را مشاهده کنید که شکافنده در  
آن حرکت میکنند [این است] تا  
از فضل او تلاش کنید و تا باشد که  
شما سپاس گذار شوید (۱۸)

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۚ  
وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۚ كُلٌّ يَجْرِي  
لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ

شب را بداخل روز میکند و روز  
را بداخل شب میکند و خورشید  
و ماه را مسخر کرده است. هر یک  
بسوی مدت معین خود حرکت می

الْمَلِكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا  
يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ۝۱۹

کند این خداپروردگار شماست.  
پادشاهی از آن او است. کسانی را  
که جزاومیخوانید مالک پوست  
هسته خرما هم نیستند (۱۴)

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دَعَاءَكُمْ وَلَوْ  
سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۝ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ  
يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ ۝ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ  
خَيْرٍ ۝۲۰

اگر آنها را بخوانید خواندن شما  
را گوش نکنند و اگر بشنوند شما  
را پاسخ ندهند و روز بازپسین  
شرك شمارا انکار کنند و مانند آگاه  
کننده ای بزرگ کسی شمارا آگاه  
نسازد (۱۵)

الثالثة  
ع ۱۴

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ  
هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝۲۱

ای مردم! شما محتاج خدا اید و  
خدا است که او بی نیاز صاحب  
ستایش است (۱۶)

إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ۝۲۲  
وَمَا ذَلِكُ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۝۲۳

اگر بخواهد شما را نابود سازد  
و آفرینش نوی پدیدآرد (۱۷)  
و این امر بر خدا هرگز دشوار  
نیست (۱۸)

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ۝ وَإِنْ تَدْعُ  
مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِلْهَائِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ  
كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۝ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ

و هیچ باربرداری بار دیگری را  
بدوش نگیرد و اگر سنگین باری  
بسوی بار خود بخواند چیزی از  
بار او برداشته نشود هر چند از

رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۗ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿۱۹﴾

خویشان باشد. تو فقط آنها را می ترسانی که از پروردگار خود بنهان می ترسند و نماز را بجای دارند و هر که پاکیزگی اختیار کند برای نفس خود پاکیزگی اختیار کند و بازگشت بسوی خدا است (۱۹)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿۲۰﴾  
وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ﴿۲۱﴾  
وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ﴿۲۲﴾

و مساوی نیستند نابینا و بینا (۲۰)  
و نه تاریکیها و نه روشنی (۲۱)  
و نه سایه و نه آفتاب. (۲۲)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يُشَاءُ ۗ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ ﴿۲۳﴾

و نه زندگان و نه مردگان مساوی اند. یقیناً خدا هر که را بخواهد می شنواند و نیستی تو که بسمع آنان برسانی که در قبرها مستند (۲۳)

إِن أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿۲۴﴾  
إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۗ وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿۲۵﴾

تو فقط يك بیم دهنده هستی (۲۴)  
یقیناً ما تو را باحق مژده دهنده و بیم دهنده فرستاده ایم و هیچ امتی نیست مگر حتماً در آن بیم دهنده ی گذشته است (۲۵)

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

و اگر تو را رد کنند پس حتماً رد کرده بودند آنها که قبل از آنها بودند. ایشانرا نیز رسولان ایشان

وَبِالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿٢١﴾

بانسانه های روشن و صحیفه ها و

با کتابی تابان آمده بودند (۲۶)

سپس بگرفتیم آنها را که کفر

کردند. پس عقوبتم چقدر سخت

بود (۲۷)

۲۱  
۱۵

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ  
نَكِيرِي ﴿٢٧﴾

آیا ندیدی که خدا آب را از آسمان

فرومیگرداند. پس بدان میوهها به

رنگهای مختلف بدید میآریم و

بعضی کوهها رگ سفید و بعضی

رگ قرمز اند. رنگ آنها مختلف

است و سیاه رگ هم هستند (۲۸)

و از مردم و جنبنده ها و چهارپایان

نیز بعضی اند که رنگهای آنها

مختلف است. یقیناً از خدا از

بندگانش فقط صاحبان دانش می

ترسند. یقیناً خدا صاحب غلبه کامل

آمرزگار است (۲۹)

یقیناً آنانکه کتاب خدا میخوانند

و نماز را بپای دارند و انفاق

کنند نهان و عیان از آنچه ایشان

را رزق داده ایم امیدوار تجارتمی

الْمُرْتَانَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا  
وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ  
أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ﴿٢٨﴾

وَمِنَ النَّاسِ وَالْذَوَابِّ وَالْأَنْعَامِ  
مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ  
مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ  
غَفُورٌ ﴿٢٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا  
الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا  
وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ ﴿٣٠﴾



اند که هیچگاه نابود نشود(۳۰)  
تا خدا آنانرا مزدایشان کامل دهد  
و برایشان بفضل خود بیفزاید.  
یقیناً و بسیار آمرزگاری قردان  
است(۳۱)

و آنچه از کتاب بسوی تو وحی  
کرده ایم همان حق است. تصدیق  
کننده آن است که پیشروی آن  
است. یقیناً خدا به بندگان خود  
بسیار آگاه و بینا است(۳۲)

پس وارث کتاب قراردادیم  
آنانرا که ازبندگان خودبرگزیدیم  
پس برخی از ایشانند که برنفس  
خودسختگیرند و برخی ازایشان  
میانه رو اند و برخی از ایشان به  
فرمان خدادرنیکیها سبقت جوینده  
اند. همین است که آن فضل بزرگ  
است(۳۳)++

لِيُؤْفِقَهُمْ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ  
فَضْلِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣١﴾

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ  
الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ  
بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٣٢﴾

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ  
عِبَادِنَا ۗ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۗ وَمِنْهُمْ  
مُقْتَصِدٌ ۗ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ ۗ إِنَّ  
اللَّهَ ۗ ذَلِكُ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٣﴾

++ آیت ۳۳: اینجا ذکر از سه نوع مومنان است (۱) الایش گناه دارند و به اگر اه و  
اجبار نفس خود را بر راه خدا میرانند (۲) میانه روها (۳) در نیکیها از مدیگر  
سبقت میجویند.

جَبَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يَحْتَلُونَ فِيهَا مِنْ  
أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا  
حَرِيرٌ ﴿٢٢﴾

بهشتهای جاودان است که داخل  
آنها شوند. در آنها از دستبندهای  
طلائی و مروارید آراسته شوند  
و لباس ایشان در آنها ابریشمی  
باشد (۲۴)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آذَهَبَ عَنَّا  
الْحَزْنَ ۗ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾

وگویندستایش مطلق برای خدا  
است که اندوه را از ما دور کرد.  
یقیناً پروردگار ما بینهایت آمرزنده  
قدردان است (۲۵)

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ ۗ لَّا  
يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا  
لُغُوبٌ ﴿٢٤﴾

آنکه ما را از فضل خود درجای  
با مرتبه ویژه فرود آورد. ما را در  
آن نه سختی رسد و نه ما را در آن  
خستگی رسد (۲۶)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ ۗ لَّا يُقْضَى  
عَلَيْهِمْ فِيهَا مَوْتٌ وَأُولَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ  
عَذَابِهَا ۗ كَذٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كٰفِرٍ ﴿٢٥﴾

و آنانکه کفر کردند آنها را آتش  
جهنم است. نه بر آنها گذرانده شود  
تابمیرندونه عذابشان از آنها کاسته  
شود. هر یک ناسپاس را اینگونه  
پاداش میدیم (۲۷)

وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا  
نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۗ

و آنها در آن ناله کنند. پروردگارا!  
ما را بیرون آر تا نیکوکاری کنیم  
غیر از آنکه میکردیم. آیا شما را

چندان عمر نداده بودیم طی آنچه  
پند گیرد آنکه پندگیرنده است؟  
وهم شمارا بیم دهنده آمده بود. پس  
بچشید و ستمکاران را کسی یاور  
نیست (۳۸)

یقیناً خدا دانای نهان آسمانها و  
زمین است. یقیناً او دانا است به  
آنچه در سینه هایست (۳۹)

اوست آنکه شما را در زمین  
جانشین قرارداد. پس مرکه انکار  
کند انکارش بر خود او است و  
کافران را کفرایشان نزد پروردگار  
ایشان چیزی نمیفزاید جز خشم  
(او) و نه کافران را کفر ایشان

چیزی میفزاید جز خسارت (۴۰)  
بگو. آیا آن شریکان خود را دیدید  
که جز خدا میخوانید؟ مرا نشان  
دهید آنچه در زمین آفریده اند یا  
آنها را در آسمانها شراکت است یا  
آنها را کتابی داده ایم پس آنها از  
روی آن بردلیلی روشن استوار

أَوَلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرُ  
وَجَاءَكُمْ التَّذْوِيرُ<sup>ط</sup> فذوقوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ  
مِنْ نَّصِيرٍ<sup>ع</sup>

۳۸

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ<sup>ط</sup>  
إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ<sup>ح</sup>

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ<sup>ط</sup>  
فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ<sup>ط</sup> وَلَا يَزِيدُ  
الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا<sup>ع</sup>  
وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا  
خَسَارًا<sup>ح</sup>

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَ الَّذِينَ تَدْعُونَ  
مِنْ دُونِ اللَّهِ<sup>ط</sup> أَرْؤُونَ مَاذَا خَلَقُوا مِنَ  
الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ<sup>ع</sup> أَمْ  
آتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ<sup>ع</sup> بَلْ إِنَّ  
يَعْبُدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا<sup>ح</sup>

اند؟ نه چنین است بلکه بعضی از  
ستمکاران ببعضی فقط وعده های  
فریبنده میدهند(۴۱)

یقیناً خدا آسمانها و زمین را نکه  
داشته است مبادا بلفزند. اگر هر  
دو [یکباره] بلفزند آن پس کسی  
نیست که آندو را نگهدارد. یقیناً  
او بسیار بردبار بسیار آمرزنده  
است(۴۲)

و بخدا سوگندهای محکم خوردند  
که اگر آنانرا بیم دهنده آید حتماً  
بیشتر از هر یک امت هدایت یابند.  
پس چون آنانرا بیم دهنده آمد  
آنها را نیزود مگر نفرت(۴۳)

[بعلت] تکبر و نیرنگ زشت [آنها]  
در زمین و نیرنگ زشت فقط  
صاحب آنها را احاطه میکند. پس آیا  
منتظرند جز سنت پیشینیان [که بر  
آنها از جانب خدا اجرا شد]؟ پس هر  
گز تو سنت خدا را تغییری نمی  
یابی و هرگز سنت خدا را تحولی

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ  
تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمَسَكَهُمَا مِنْ  
أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿۴۱﴾

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ  
جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ  
إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا  
زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿۴۲﴾

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ۗ وَلَا  
يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۗ فَهَلْ  
يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۗ فَلَنْ  
تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۗ وَلَنْ تَجِدَ  
لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿۴۳﴾

نمیایی (۴۴)

آیا در زمین نگشتند تا میدیدند که فرجام آنها که پیش از آنها بودند چگونه شد با آنکه آنها سختتر از اینها در نیرو بودند؟ و نیست چیزی در آسمانها و زمین تا او را بجز آرد. یقیناً او صاحب علم دائمی قدرتمند

است (۴۵)

و اگر خدا مردم را مواخذه میکرده آنچه کسب کردند هیچ جنبنده را بر پشت آن [زمین] باقی نمیگذاشت. اما او آنها را تا نهایت زمانی معین مهلت دهد. پس چون نهایت زمانی آنان پایان رسد [آشکار شود که]

خدا بینندگان خود بینا است (۴۶)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ  
وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ  
لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي  
الْأَرْضِ ۗ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿۴۵﴾

وَلَوْ يُوَأخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا  
تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ  
يُوَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فإِذَا جَاءَ  
أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ﴿۴۶﴾

++ آیت ۴۶: در این آیت گناه به انسان نسبت داده شد ولی در نتیجه آن ملاکت جانوران بیان میشود. از این منظور این نیست که گناه یکی کند کیفر دیگری برد. بلکه حقیقت اینست که مرگ جنبندگان بزبان انسان تمام شود زیرا که زندگانی انسان به جانوران وابستگی دارد. اگر جنبندگان از بین روند بقای انسان امکان پذیر نیست. در اینجا منظور از دابة مرنوع جانوری است که بر زمین حرکت کند و حتی به هر طریقی می جنبد.

## ۳۶-سورة یس

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۸۴ آیه دارد.

در پایان سوره گذشته ذکر از آن قسمنامه کافران بود که اگر ایشانرا هیچ مشداردمنده ای میآمد ایشان بیشتر از همه ملت های پیشین بر هدایت او ایمان میآوردند. در ابتدائی آیتهای سوره یسین خداوند به رسول ﷺ خطاب کرده میفرماید ما تو را بسوی قومی رسالت داده ایم که نزد پدران ایشان از مدت مدیدی هیچ بیم دهنده ای نیآمده بود. اما با این وجود درباره کثیر از ایشان این فرمان خداوند راست آمد که آنها ایمان نخواهند آورد. پس در پایان سوره گذشته بیان از مدعی بودن کافران به این امر که اگر آنان را بیم دهنده ای میآمد آنگاه حتماً آنان ایمان میآوردند رد کرده میشود. سپس تمثیلی از دشمنان انبیاء آورده بیان میشود که حقیقت امر این است که این تکبر ایشان است که آنها را از قبولیت هدایت باز میدارد. آنطور که بگردن کسی طوقی افکنده شود و در نتیجه گردنش کشیده میماند پس گردن يك متکبر نیز مانند اوسفت و کشیده میماند. لذا ایمان فقط آنکس میآورد که درونش خالی از تکبر است.

ذکری که از آیه ۱۴ شروع میشود مفسران درباره اش نظرهای متنوع داده اند. اما تفسیری که حضرت حکیم مولانا نورالدین خلیفه المسیح الاول رضی الله عنه در این باب بیان کرده اند بدل راه مییابد و آن اینست که نخستین دو پیغمبر که حضرت موسی و عیسی علیهما السلام بودند رسول الله ﷺ با تایید آندوی بر ایشان عزت نهادند. اما پس از انکاری پیوسته کافران

شخص چهارمین از قریه ای دور بپا شد و او به کافران متنبه ساخت که آن وجودی بلندترین مرتبت که برای شما بیشمار سامان هدایت مهیا میسازد بی آنکه مزدی بطلبد بر او ایمان آورید.

در زمان نزول قرآن نزد کافران فقط خرما را بصورت نرماده جفتی بود و بخاطر کسی نمیتوانست خطور کند که خدای متعال نه تنها درختان میوه را جفت جفت آفریده است بلکه آیت ۲۷ مدعی است که هرچیزی از کاینات جفت جفت است و علم امروز پرده ای را از همین حقیقت برداشته است که حتی ماده و اتم و ذرات اتم فرعی [sub-atomic] را نیز جفت جفت است. مجعلاً موضوع جفت ها بسیار لامتناهی است و برای پی بردن موضوع توحید فهمیدن این مطلب الزامی است. همان آفریدگار کاینات بی نیاز از جفت است و الا تمامی مخلوق به جفت نیاز دارد.

ضمناً پس از ذکر فوق درآیتی موضوع احیاء نو را بازگو کرده آن مردگان که روز آخرت برانگیخته شوند نشان داده میشوند با این اظهار تعجب که کیست که او مارا دوباره زنده کرده است. در پاسخ این گفته می شود که براستی همگان رسولان خدا راست میگفتند.

آیت ۸۱ حاکی از در آوردن آتش از درختی سرسبز میباشد. مردم می پندارند که چون درخت خشک میگردد فقط آنگاه آتش از آن در می آید. این موضوع هم درجای خود درست است. اما اینهم واقعیت است که از درختانی سرسبز نیز آتش میتوان درآید و اینطور همی شود. لذا به گفته های زبردستان علم نباتات چون برگهای درخت نوع سدر بر اثر بادهای تند بهم دیگر برخورد کنند آنگاه آنها ناشی از تسلسل این عمل آتش میگیرند و جنگل های بزرگ

بر اثر این آتش نابود میشوند.

آخرین آیه این سوره بر ذکر بپاخواستن در روز بازپسین منجر میشود  
درجه اعلام شده است که هر چیز کاینات را مالک تنها خدا است و ای  
فرزندان آدم! شما بسوی او باز میگردید.



☆ سُوْرَةُ یَسٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اَرْبَعٌ وَثَمَانُوْنَ اَيَةٌ وَخَمْسَةُ رُكُوْعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیاربخشنده بارما رحم کننده (۱)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

یَا سَيِّدَ - ای سردار! (۲)

یَسٍ ②

سوگند به قرآن صاحب حکمت  
(۳) ما

وَ الْقُرْآنِ الْحَكِیْمِ ③

یقیناً تواز رسولان هستی (۴)

اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ ④

[استوار] بر صراط مستقیم (۵)

عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ ⑤

[این] تنزیلِ صاحب غلبه کامل  
بارما رحم کننده است (۶)

تَنْزِیْلِ الْعَزِیْزِ الرَّحِیْمِ ⑥

تامشدار دمی قومی را که پدران  
ایشان هشدار داده نشدند پس آنها  
غافل هستند (۷)

لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا اُنذِرَ اَبَاؤُهُمْ فَهُمْ  
غٰفِلُوْنَ ⑦

یقیناً این فرمان بر بیشتر آنها  
راست آمد. پس آنها ایمان نه

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰی اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا  
یُؤْمِنُوْنَ ⑧

آوردند (۸)

یقیناً درگردنهای آنها طوقهای افکنده ایم و آنها تاچانه هارسیده است پس آنها سر به بالا نگه داشتگانند(۹)++

و مانعی از پیشروی آنها و مانعی از پشتسر آنها قرار داده ایم. پس آنها را پوشانیده ایم پس آنها نمی بینند(۱۰)++

یکسانست برای ایشان خواه آنها را بترسانی خواه آنها را نترسانی ایمان نیارند(۱۱)

توقف میترسانی آنرا که نصیحت را پیروی کند و از رحمان درغیب میترسد. پس او را مژده آمرزش و پاداش کریمانه بده(۱۲)

یقیناً ما مردگان را زنده نمایم و نوشته داریم آنچه بیش فرستند و

++ ایت ۹-۱۰: ظامرا بر کافران میچ نوع طوق افکنده نمیشود و هم نه هم کافران کور میباشد. لذاحتماً این کلام تمثیلی است و بدین معنای است که طوقهای که بر آنان افکنده اند از نیکبها باز میدارند و آنان فاقد از بینائی معنوی اند.

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿۸﴾

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿۹﴾

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰﴾

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿۱۱﴾

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ ۚ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي لِقَائِ

إِمَامٍ مُّبِينٍ ۙ

۱۳۸

هم آثار ایشان را و هر چیز را در  
بزرگ راهی آشکار [زیر زمین]  
نگه داشته ایم (۱۳)

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ ۙ

۱۳۹

و ایشانرا مثل اصحاب قریه بیان  
کن چون آنها را رسولان [خدا]  
آمدند (۱۴)

إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ۙ

چون بسوی ایشان دو [رسول]  
فرستادیم. پس مردو را رد کردند.  
آنگاه آندو را با سوئی تقویت  
دادیم پس گفتند یقیناً ما بسوی  
شما فرستادگانیم (۱۵)

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا  
فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ  
مُرْسَلُونَ ۙ

آنها گفتند: نیستید شما مگر بشری  
مانند ما و رحمن چیزی نازل  
نکرده است. شما فقط دروغ می  
پردازید (۱۶)

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلَنَا وَمَا أَنْزَلَ  
الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا  
تَكْذِبُونَ ۙ

گفتند: پروردگار ما میداند که یقیناً  
ما بسوی شما فرستادگانیم (۱۷)

قَالُوا رَبَّنَا عَلِّمْنَا لِنَا إِلَيْكُمْ لِمَرْسَلُونَ ۙ

نیست بر ما جز ابلاغی آشکار (۱۸)  
گفتند: یقیناً ما شمارا بفال بد می  
گیریم البته اگر باز نیاستادید  
حتماً شمارا سنگسار کنیم و حتماً

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۙ

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا  
لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ  
أَلِيمٌ ۙ

شما را از ما عذابی دردناک  
برسد (۱۹)

گفتند: بدشگونی شما با خود شما  
است. آیا اگر خوب تذکر داده  
شوید [باز هم انکار کنید]؟ امر  
واقعی اینست که شما قوم تجاوز  
گرانید (۲۰)

و مردی از اقصای شهر سعی کرده  
آمد. او گفت: ای قوم من! [این]  
فرستادگان را پیروی کنید (۲۱)  
ایشان را پیروی کنید که از شما  
هیچ مزدی نمیطلبند و ایشان  
مدایت یافته مستند (۲۲)

قَالُوا طَّأَبْرُكُمْ مَعَكُمْ طَّ اَيْنُ  
ذِكْرْتُمْ طَّ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ۝۱۹

وَجَاءَ مِنْ اَقْصَا الْمَدِيْنَةِ رَجُلٌ يَّسْعَى قَالَ  
يَقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِيْنَ ۝۲۰

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ اَجْرًا وَهُمْ  
مُهْتَدُونَ ۝۲۱

وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ  
تُرْجَعُونَ ﴿۲۳﴾

وچيست مرا كه عبادت كنم آنرا  
كه مرا آفريد و شما نيز بسوى او  
بازگشت داده شويد (۲۳)

أَتَأْخِذُ مِنْ دُونِ الْهِمَّةِ إِنْ يُرَدِّدِ  
الرَّحْمَنُ بَصِيرًا لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ  
شَيْئًا وَلَا يَتَّقُونَ ﴿۲۴﴾

آيا جز او معبودانى بگيرم كه اگر  
رحمن بزيان من قصد كند مرا  
شفاعت آنها هيچ كفايت نكند و نه  
مرا برهانند (۲۴)

إِنِّي إِذْ أَنفَىٰ صَلِّ مُبِينٍ ﴿۲۵﴾

يقيناً من در آنصورت فوراً در  
گمراهى آشكار بشوم (۲۵)

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ﴿۲۶﴾

يقيناً من به پروردگار شما ايمان  
آورده ام. پس مرا گوش كنيد (۲۶)  
گفته شد داخل بهشت باش. او گفت:

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ ۗ قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِي  
يَعْلَمُونَ ﴿۲۷﴾

اى كاشكى قوم من ميدانست (۲۷)  
بدان رفتارآمزش كه پروردگارم  
بمن كرد و مرا از گرامى داشتگان  
قرارداد (۲۸)

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ  
الْمُكْرَمِينَ ﴿۲۸﴾

و از آن پس لشكري بر قومش از  
آسمان نازل نكرديم و نه ما نازل  
كننده بوديم (۲۹)

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ  
مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿۲۹﴾

آن فقط صدای مولناك بود كه به  
ناگاه آنها فرورده [خاكستر]

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ  
خُمِدُونَ ﴿۳۰﴾

شدند (۳۰)

وای بر بندگان انبیاید رسولی آنان را مگر که بدو تسخر میکنند (۳۱)  
 آیا ندیدند که چه بسا نسلهای از پیش آنها را ملاک نمودیم که حتماً آنها بسوی آنان باز نمیگردند (۳۲)  
 نیست مگر مه در حضور ما احضار

شدگان (۳۳)

و زمین مرده برایشان آتی است. آنها را زنده کردیم و از آن دانه بیرون آوردیم پس از آن می خوردند (۳۴)

و در آن باغهای خرما و انگور نهادیم و در آن چشمه های شگفتیم (۳۵)

تا بخورند از میوه [اعطا کرده] او و آنچه دست های ایشان کسب کرد. پس آیا شکر نمی کنند؟ (۳۶)  
 پاکست آنکه آفرید جفت های همه آنها از آنچه زمین میرویانند و از خود ایشان و از آنچه آنها که نمی

يَحْسِرَةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣١﴾  
 أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣٢﴾  
 وَإِن كُنَّا لَمَّا جَمِعَ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٣٣﴾

وَأَيُّ لَّهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٤﴾

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٥﴾

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ ۗ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾

سُبْحٰنَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا

دانند (۳۷)

يَعْلَمُونَ ﴿۳۷﴾

و شب هم ایشانرا آیتی است. روز  
را از آن برمیکشیم. پس ناگاه آنها  
در تاریکیها فرو میروند (۳۸)

وَ اَيَّةَ لَّهُمُ الْاَيْلُ ۙ نَسَلُحُ مِنْهُ النَّهَارَ فَاِذَا  
هُم مُّظْلَمُونَ ﴿۳۸﴾

و خورشید بسوی منزلگاه خود  
حرکت میکند. این تقدیر [جاری  
کرده خدای] صاحب غلبه کامل  
صاحب دانش است (۳۹) ++

وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ۗ ذٰلِكَ  
تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۳۹﴾

و ماه را منازل مقرر کرده ایم تا  
آن انتها که مانند شاخی کهنه از  
خرما می گردد (۴۰) ++  
خورشید رانیشود که به ماه برسد  
و نه شب را میشود که از روز  
پیشی گیرد و هر کدام بر مدار [خود]  
روان اند (۴۱) ++

وَ الْقَمَرَ قَدَّرْنٰهُ مَنَازِلَ حَتّٰى عَادَ  
كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿۴۰﴾  
لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا اَنْ تُدْرِكَ  
الْقَمَرَ وَ لَا الْاَيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ۗ وَ كُلٌّ فِي  
فَلَكَ يَسْبَحُونَ ﴿۴۱﴾

++ آیت ۳۹-۴۱: این آیتهای کریمه در مورد جرم های فلکی حاکی از چنین سخنان است  
که آنحضرت ﷺ را از خود حتی تصور نیز ممکن نبود. جریان بهم نرسیدن خورشید و ماه  
روزانه مشاهده میشود اما ماه چرا کوچک میشود و باز بزرگ میشود. این عمل به گردش  
بستگی دارد. بعلاوه این سخن گفته میشود که خورشید نیز بسوی اجل مسمی حرکت  
میکند. این جمله را يك معنا اینست که يك وقت خورشید نیز به نهایت زمانی خود  
رسیده پایان خواهد پذیرفت و يك معنای دیگر که پژوهندگان فلك امروزه مادر آورده  
اند اینست که خورشید با جمیع جرم های خود به یکسو حرکت میکند [ص ۱۰۶۴]

و برای ایشان آیتی است که ما  
نواد ایشان را درکشتی پرسوار  
کردیم (۴۲)

و برای ایشان مثل آن [دیگر  
سواریه‌ها] پدید آوریم بر آنچه  
سوار خواهند شد (۴۳)

و اگرما غرق آنها بخواهیم پس  
برای آنها نه فریاد رسی باشد و نه  
آنها نجات داده شوند (۴۴)

جز رحمتی از ما و تا یکوقت برای  
بهره کشی موقتی (۴۵)

و چون برای ایشان گفته شود که  
تقوی فراگیرید در آن امور که پیش  
روی شما است و آنچه پشت سر  
شماست تا شما رحم کرده شوید  
[متوجه نمیشوند] (۴۶)

وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ  
الْمُسْحُونِ ﴿٤٢﴾

وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٣﴾

وَ إِن نَّشَاءُ نُغْرِقُهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا  
هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٤٤﴾

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٥﴾

وَ إِذْ أَقْبَلْ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ مَا  
خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

بقیه آیت ۳۹-۴۱: یعنی تمامی کاینات بطور مجموع متحرك است وگرنه میبایستی  
سیاره‌ها بهم بخوردند و باآنکه تمامی کاینات حرکت میکند فاصله‌ها میان جرم‌های  
فلکی تغییرناپذیر است. این پژوهش تازه‌ترین از پژوهش‌های پژوهش‌گران  
فلکیات است از آنچه ضمناً این اثبات میشود که دیگر کایناتی نامشخص نیز است که  
این همه از قدرت کشش آن بسوی آن متحرك میباشد.



وایشان را آیتی از آیت‌های پروردگار  
ایشان نمی‌آید مگر از آن اعراض  
کنندگان میشوند (۴۷)

و هنگامیکه گفته شوند انفاق کنید  
از آنچه خدا بشما رزق عطا کرده  
است گویند آنانکه کفر کردند به  
کسانیکه ایمان آوردند آیا آنها را  
بخورانیم که اگر خدا دوستداشت  
خود به آنها میخوراند (۴۸)

و میگویند که انجام این وعده تا  
بچند میکشد اگر شما راستگویان  
اید (۴۹)

آنان منتظر نیستند جز برای صدای  
هولناک که آنها را بگیرد در حالی  
که به مجادله مشغول باشند (۵۰)  
پس نتوانند وصیت کنند و نه به  
خانواده خود برگردند (۵۱)

و در صور دمیده شود پس ناگاه  
آنان از قبرها درآمدند به سوی  
پروردگار خود بشتابند (۵۲)

گویند: ای وای بر ما! کیست که

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا  
كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٧﴾

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ  
قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ  
مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا  
فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٨﴾

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً  
تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٥٠﴾

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى  
أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥١﴾

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ  
الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥٢﴾

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا

مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿۵۳﴾

مارا از آرا گامهای ما بر خیزاند.  
همانست به آنچه رحمن وعده داد  
و فرستادگان راست میگفتند (۵۳)  
این فقط صدای هولناک باشد. پس  
بیدرنگ همگان آنها در حضور ما  
عرضه کرده شوند (۵۴)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ  
جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿۵۴﴾

پس امروز هیچ کس هیچ هم ستم  
کرده نشود و نه عوض داده شوید  
جز آنچه شما میکردید (۵۵)

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تَجْرُونَ  
إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۵۵﴾

یقیناً اهل بهشت امروز از سرگرمی  
های گوناگون لذت برند (۵۶)

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ  
فَكِهُونَ ﴿۵۶﴾

ایشان و زوجهای ایشان در سایه  
ها بر تختها تکیه زده باشند (۵۷)

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى  
الْأَرَآئِكِ مُتَكِرُونَ ﴿۵۷﴾

برای ایشان در آن میوهها باشد و  
آنان را باشد مرچه بخوانند (۵۸)

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَائِدَعُونَ ﴿۵۸﴾

سلام گفته شود از رب رحیم (۵۹)  
ای مجرمان! امروز جدا شوید (۶۰)  
ای بنی آدم! آیا بشما تاکیداً پند نه  
داده بودیم که شیطان را پرستش

سَلِّمْ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ ﴿۵۹﴾

وَأَمَّا زُورُ الْيَوْمِ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿۶۰﴾  
أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَىٰ أَدَمَ أَنْ لَا  
تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ

مَبِينٌ ۱۱

نکنید یقیناً او دشمنی آشکار شما  
است (۶۱)

وَأَنْ اَعْبُدُونِي ۱۲ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۱۳

و اینکه مرا عبادت کنید. این راه  
راست است (۶۲)

وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا ۱۴ اَفَلَمْ  
تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ۱۵

و البته او آفرینشی کثیر از شما  
را گمراه ساخت. پس آیا خرد را  
بکار نمی بستید؟ (۶۳)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۱۶

این همان جهنم است که شما وعده  
داده میشدید (۶۴)

اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۱۷

امروز بداخل آن شوید چه شما  
کفر میکردید (۶۵)

الْيَوْمَ نُخْتِمُ عَلَيْ اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا

امروز بر دهنهای آنها مهرنیم و  
دست های آنها با ما تکلم کنند و با ما  
آنها گواهی دهند بدانچه کسب می

اَيَدِيهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ ۱۸

کردند (۶۶) ++

++ آیت ۶۶: توضیح انسان که روز قیامت خواسته شود آن تنها بروفق گواهی فرشتگان  
نیباید بلکه اعضای بدن انسان خود اقرارگنمان خود خواهند کرد. در این جمله.  
پاسخ به سوالی مبنی بر خیال شاعرانه غالب نیز داده میشود. او گفته بود که ما  
بناحق مبنی بر نوشته های فرشتگان بما واخذه گرفته شویم آیا هنگام نوشتن ایشان  
کسی از جانب ما هم حضور داشت؟ خلاصه در آنروز آدمی از خود بمعاصی خود  
اقرار خواهد کرد. نظام قرآن مجید بر عدالت مندی استوار است. آنروز هم گواهی ما  
و هم اقرار گنمان بهم حاضر خواهد بود.

و اگر خواسته بودیم چشمان آنها را مسخ میکردیم. آنگاه آنها به راه پیش می افتادند اما [راه را] چطور میدیدند؟ (۶۷)

و اگر ما میخواستیم آنها را در منازل خود از بین میبردیم. پس نمی توانستند راه بروند و نه باز می گشتند (۶۸)

و آنکس که او را طول عمر دهیم در خلقت او را کاهش میدیم. پس آیا عقل نمی کنند؟ (۶۹)

و او را شعر نیاموختیم و نه این برای او می شایست. این فقط بندی و قرآنی آشکار است (۷۰) تا بترساند آنها که زنده است و فرمان بر کافران راست آید (۷۱) آیا ندیدند که ما از آنها که دست قدرت ماساخت برای ایشان چهار پایان آفریدیم. پس ایشان مالک آنها شده اند (۷۲)

و آنها را برای ایشان رام نمودیم

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ﴿۶۷﴾

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَاتَتِهِمْ فَمَا اسْتَبَاقُوا صِغَابًا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿۶۸﴾

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ ۗ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿۶۹﴾

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ ﴿۷۰﴾

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۷۱﴾

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِيئَانَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَلَائِكُونَ ﴿۷۲﴾

وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا

يَا كُفْرًا ۷۳

پس بعضی از آنها سواری ایشان اند

و از آنها [بعض را] میخورند (۷۳)

و ایشان را در آنها منافع و نوشیدنی ها است. پس آیا شکر

نمیکنند؟ (۷۴)

و خدا را رما کرده معبودان گرفته

اند تا آنها یاری داده شوند (۷۵)

آنها نتوانند آنان را یاری دهند

در حالیکه آنها برای [گواهی

دادن خلاف] آنان لشکری احضار

شدگانند (۷۶)

پس سخن آنها تو را اندوهگین

نسازد. بقیئاً ما میدانیم آنچه پنهان

کند و آنچه عیان کنند (۷۷)

آیا انسان ندید که ما او را از

نطفه ای آفریدیم؟ آنگاه چه

انقلاب! که او ستیزه گری آشکار

شد؟ (۷۸)

و برای ما مثلهای زد و خلقت

خود را فراموش ساخت. گفت کی

استخوانها را زنده کند حالیکه

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا

يَشْكُرُونَ ۷۴

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّهُمْ

يُنصِرُونَ ۷۵

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ

جُنُودٌ مَّحْضَرُونَ ۷۶

فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا

يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۷۷

أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ

فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ۷۸

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۗ قَالَ

مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ۷۹

آنها پوسیده شوند (۷۹)

بگوزنده کند آنها را آنکه آفرید  
آنها رانخت بار و او بهر کدام

آفرینش خوب دانا است (۸۰)

آنکه برای شما از درخت سبز  
آتشی ساخت، پس شما از آنها بعضی

را به سوزاندن گرفتید (۸۱)

آیا آنکه آسمانها و زمین را آفرید  
براین قادر نیست که مانند آنها

بیافرینند؟ چرا نه درحالیکه او  
آفریننده بزرگ صاحب علم دائمی

است (۸۲)

فرمان او فقط اینست هرگاه  
چیزی را اراده کند که برایش

میگوید، باش. پس آن رونهد و منتها  
میشود (۸۳)

پس پاك است آنکه پادشاهی هر  
چیز بدست اوست و بسوی او باز

گردانیده خواهید شد (۸۴)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ  
وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ  
نَارًا إِفَادَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ ۚ بَلَىٰ ۚ  
وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ  
كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ  
وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

## ۳۷ - سورة الصفات

این سوره درمکه نازل آمد و با بسم الله ۱۸۲ آیت دارد.

قبل از آنکه شرح به آیت‌های ابتدائی سوره الصفات داده شود این امر لازم به تذکر است که اینجامده ترین موضوع این است : گامیکه این پیش گوئی‌های پایان بپذیرد لازماً اینهم اثبات شود که احیاء نوینی که به آن اعلام باقوت کمیشود هم صورت وقوع حاصل خواهد کرد. چنانکه در آیت ۱۲ خداوند می فرماید. بپرس از اینها که آیا شما درتخلیق خود محکم تراید یا آنچه ما را که خدا خلقت اعطاء کرده است؟ پس از این مسئلت برای کافران مبهوت کننده تر این اعلام است که خدای سبحان بحیثیت خالق بالاتر از نیروهای تخلیق شما است و قدرتمند است به این امر که چون شما مردگان خاک شوید مجدداً شمارا زنده نماید و همزمان این هشدار نیز صدور یافت که چون شما مجدداً زنده کرده شوید آنگاه زبون نیز ساخته خواهید شد. بمبارت دیگر کسانی که منیع بودن تخلیق خود مدعی بودند بر آنها اثبات گردد که تخلیق آنان که با هیچ هم حیثیت نیست و اشدّ خلقاً یعنی محکم تر در آفرینش تنها ذات خدای متعال است.

اینک ما توجه را به آیت‌های ابتدائی این سوره جلب مینمائیم. کلمات "والصفات صفاً" در حقیقت دال بر آگاهی آن هواپیماهاست که انسان بسازد و آنها صاف به صف بر دشمنان حمله کنند و بسیار هشدار داده و جزوه های کثیر بر آنان بیافکنند که گردنها بنهید و گرنه نابود کرده میشوید.

سپس خدای متعال میفرماید که اینها را چه حیثیت است که بر پایه طاق

ظاهری خود مدعی خدا بودن خود شده اند. خدا فقط، خدای یکتا است. سپس فرمود که او پروردگار شرقها است. این آیت نیز دال بر یک پیشگوئی است و الا در آن زمان هیچکس بیش از یک شرق به تصور "شرقها" قائل نبود که در زمان کنونی پیداشده است. این کنایه ای به آن روزگار است که انسان بوسیله آن ایجادات جدید و گوناگون که دارای نیروی پرواز فوق العاده بلندتر بعنوان مثال موشک های اکتشافی، تلاش خواهد کرد که رازهای ملاء اعلی را معلوم کند. چنانکه در زمان کنونی تلاشها جریان دارد. ولی از هر سو بر آنها سنگها پرتاب شود یعنی مورد هدف نشانه احجار سماوی پرخطر قرار گرفته شوند و جز بدست آوردن کمی از رازهای آسمان نزدیک، هیچ هم موفق نشوند. اینهمه آن امور اند که بر آنها تحولات زمان و ایجادات جدید گواه است که عیناً به گفته فوق واقعیت عینی حاصل کرده اند.

در ابتدای این سوره چه ذکر از آن جنگها است که بدنبال فتوحات مادی میان قوما واقع شود لذا اینجا ذکر از قتال رسول الله ﷺ نیز میرود که خالصاً در راه خدا بود و در حین آن شمشیر بهدف ریختن خون دیگران کشیده نشده بود بلکه جماعت اصحاب را مانند قربانیها بکشتن دادن بود و این عمل بستگی به آن قربانی حضرت ابراهیم علیه السلام داشت که ایشان به قربانی پسر خود حضرت اسماعیل علیه السلام آماده شده بودند. این خیال مفسران که میشی در بته ای گیر افتاده بموض قربانی حضرت اسماعیل رها شده بود در نهایت بی اساس است که ذکرش نه در قرآن است و نه در حدیث. میشی در مقابل حضرت اسماعیل چطور بزرگتر توان باشد؟ حضرت اسماعیل بدان علت زنده نگهداشته شدند تا دنیا آن منظره ذبح عظیم را مشاهده کند که قرار بود که در



زمان رسول الله ﷺ بحق خواهد رسید.

از نسبت سوره الصافات تا جائیکه قبل از این ذکر از بسیار حمله های صف بسته رفته است قرآن مجید در پایان این سوره بیان می فرماید که در حقیقت صف بسته که لشکرهای ما است. در این سوره هم ذکر از لشکرهای صف بسته رسول الله ﷺ می رود و هم ذکر از لشکرهای صف به صف آن فرشتگان میشود که در حمایت رسول الله ﷺ از آسمان فرو فرستاده شدند. در بادی نظر این قتال کنندگان صف به صف ناتوان و بعکس دشمن ایشان بسیار نیرومند بود و باید شکست می خوردند، اما تقدیر خدائی برتر آمد و خدا و خدا داران برتر شدند.

☆ سُورَةُ الصَّافَّاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَثَلَاثٌ وَثَمَانُونَ آيَةً وَخَمْسَةٌ رُكُوعَاتٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ① بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

سوگندبه [ارتش] صف بندی کنندگان

وَالصَّفِّ صَفًّا ②

صف درصف (۲)

پس به آنانکه بیانگ بلند سرزنش

فَالرُّجْرَاتِ زَجْرًا ③

کنند (۳)

پس ذکر بلند کنندگان را (۴)

فَالثَّلِيثِ ذِكْرًا ④

یقیناًمعبودشماحتماًیکتا است (۵)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ⑤

پروردگار آسمانهاست و پرورد-

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

گار زمین است و هم آنچه را که

وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ⑥

میان آندواست وپروردگارمشرقها

است (۶)

یقیناً ما آسمان نزدیک را با

إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ

زینت ستارگان مزین ساخته

الْكَوَاكِبِ ⑦

ایم (۷) ++

و[این] ازهرکدام شیطانی رانده

وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ ⑧

حفاظت است (۸) ++

آیات ۷- ۸: این آیات حاکی از نظام ظاهری کاینات است که چگونه جو [ص# ۱۰۷۵]

آنان نتوانند سخن ملاءاعلی را  
بشنوند و از هر سو سنگ پرتاب  
شوند۔ (۹)

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى  
وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ۝۹

مردود شمرده و آنها را عذابی  
پیوسته است (۱۰)  
مگر آنکس که يك یا دو سخن  
برباید آنگاه شعله فروزان او را  
هم دنبال کند (۱۱)

دُحُورًا وَأُولَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ۝۱۰

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ  
شَهَابٌ ثَاقِبٌ ۝۱۱

پس بپرس از آنها آیا آنها محکتر  
در آفریدن اند یا آنها [محکتر در  
آفرینش اند] که ما آفریدیم؟ یقیناً

فَأَسْتَفْتِيهِمْ إَهُمُّ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنِ خَلَقْنَا  
إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ ۝۱۲

بقیه آیات ۷-۸: زمین شهب ثاقب پیایی سقوط کننده بسوی زمین را همان در جو  
سوزانده خاکستر میسازد و دنبال این تا دورشعله ای گشان گشان دیده میشود.  
ضمناً اینهم گفته شد که انسان در زمانی تلاش خواهد کرد که اخبار کاینات را بدست  
آورد از آنچه در زمان نزول قرآن که گمانی هم نمیتوان بخاطر کسی خطور کرد.  
اما بسوی سواران موشکهای محفوظ از هر سو سنگها پرتاب کرده خواهد شد و آنها  
نتوانند بالاتر از این سماء الدنیا بیروند. آنها موفق به رسیدن فقط تا حد این آسمان  
نزدیکی بشوند.

بطور روحانی منظور از این آن شیطانها در قالب انسان اند که از سوء نیت وحی  
را کنجکاوی کننده و حدس زننده اند. شیطان نمیتواند نزدیک به نزول وحی  
برود اما شیطان انسانی همچون سامری توانست تا حدی حدس زند که چرا مردم  
بعثت وحی مرعوب میشوند.

ما آنها را از گلی چسبنده آفریده  
ایم (۱۲)

در حقیقت تورا [آفرینش] خوشایند  
است و آنها تمسخر میکنند (۱۳)  
و هنگامیکه بند کرده شوند بند  
نمی گیرند (۱۴)

و چون آیتی را ببینند تمسخر  
میکنند (۱۵)

و گویند، اینکه محض جادویی  
آشکار است (۱۶)

آیا وقتی مردیم و خاک و استخوان  
شدیم آیا واقعا ما برخیزانندگان  
ایم (۱۷)

و آیاهم پدران پیشین ما؟ (۱۸)  
بگو: بلی، در حالیکه شما خوار  
شدگانید (۱۹)

پس آن فقط يك سرزنی است  
که ناگهان آنها چشم دوخته  
خواهند نگریست (۲۰)

و گویند: وای بر ما! اینکه روز  
جزاء است (۲۱)

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿۱۳﴾

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿۱۴﴾

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿۱۵﴾

وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۱۶﴾

إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنْ أُنَّا  
لَمَبْعُوثُونَ ﴿۱۷﴾

أَوِ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿۱۸﴾

قُلْ نَعْمُ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿۱۹﴾

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ  
يَنْظُرُونَ ﴿۲۰﴾

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿۲۱﴾

این آن روز فیصله است که به آن  
شما تکذیب میکردید (۲۲)

محشور کنید کسانیرا که ستم کرده  
بودند و همراهان آنانرا و آنچه  
را که پرستش میکردند (۲۳)

دون از خدا. پس آنها را بسوی  
راه جهنم بیفکنید (۲۴)

آنها را نگهدارید. یقیناً آنها پرش  
شدگانند (۲۵)

شمارا چیست که [امروز] بهم دیگر  
کمک نمیکنید؟ (۲۶)

بلکه آنها امروز [هر جرم را] تسلیم  
کنندگانند (۲۷)

وبعضی از آنها بسوی بعضی سوال  
کنان متوجه شوند (۲۸)

گویند: شما بودید که نزد ما از ستم  
راست ما [برای فریبکاری از جهت  
دین] میآمدید (۲۹)

باسخ دهند بلکه شما هم از مومنان  
نبودید (۳۰)

مارا بر شما از دلیل برتری نبود بلکه

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ  
تُكَذِّبُونَ ﴿٢٢﴾

أَحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ  
وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٢٣﴾

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ  
الْجَحِيمِ ﴿٢٤﴾

وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿٢٥﴾

مَا لَكُمْ لَا تَنصُرُونَ ﴿٢٦﴾

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٧﴾

وَأَقْبَلْ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٨﴾

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿٢٩﴾

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٣٠﴾

وَمَا كَانُوا لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ

بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَٰغِيْنَ ﴿۳۱﴾

شما خود قوم سرکشان بودید (۳۱)

فَحَقِّ عَلَيْنَا قَوْلَ رَبِّنَا ۗ اِنَّ لَذَآئِقُوْنَ ﴿۳۲﴾

پس سخن پروردگار ما بر ما راست  
آمد. یقیناً ما چشندگان [طعم عذاب]

هستیم (۳۲)

فَاَعْوَيْنَكُمْ اِنَّا كُنَّا عٰوِيْنَ ﴿۳۳﴾

پس ما شما را گمراه کردیم - یقیناً  
ما خود نیز گمراه بودیم (۳۳)

فَاِنَّهُمْ يَوْمَ يُؤْمَدُ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُوْنَ ﴿۳۴﴾

پس در آنروز آنها در عذاب بهم  
شریک باشند (۳۴)

اِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِيْنَ ﴿۳۵﴾

همانا ما بجرمان همینطور رفتار  
می کنیم (۳۵)

اِنَّهُمْ كَانُوْا اِذَا قِيْلَ لَهُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ  
يَسْتَكْبِرُوْنَ ﴿۳۶﴾

یقیناً آنها بودند هنگامیکه گفته می  
شدند که جز خدا کسی معبود نیست  
تکبر میکردند (۳۶)

وَيَقُوْلُوْنَ اِنَّا لَتَارِكُوْا الْهَيْتٰنِ لِشَاعِرٍ  
مَّجْنُوْنٍ ﴿۳۷﴾

و میگفتند: آیا ما بخاطر شاعری  
مجنون معبودان خود را ترک  
کنیم؟ (۳۷)

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿۳۸﴾

حقیقت اینست که او بحق آمده  
بود و همه رسولانرا تصدیق کرده  
بود (۳۸)

اِنَّكُمْ لَذَآئِقُو الْعَذَابِ الْاَلِيْمِ ﴿۳۹﴾

همانا شما حتماً چشندگان عذاب  
درد ناک هستید (۳۹)

و یاداش داده نمیشود جز آنچه  
شما میکردید (۴۰)

بندگان مخلص خدا استثنائی  
اند (۴۱)

همانند که برای ایشان رزقی  
مشخص است (۴۲)

میوهها [متنوع] حالی که ایشان  
بسیار احترام کرده شوند (۴۳)  
درباغهای پر نعمتها (۴۴)

روبروی همدیگر بر تختها  
نشسته (۴۵)

جامی پر آب از چشمه های جاری بر  
ایشان بگردش آورده شود (۴۶)  
در نهایت شفاف نوشندگان را  
سراسر لذت (۴۷)

نه در آن [مشروب] نشسته باشد و نه  
آنان از آن عقل رازایل کنند (۴۸)  
و نزد آنان زنان چشمان فرومشته،  
حدقه فراخ و زیبا باشند (۴۹) ++  
[بسیار درخشان] گویی آنها تخم های  
ماکیانند فرو پوشیده (۵۰) ++

وَمَا تَجْرُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱﴾

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿۱۱﴾

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿۲۱﴾

فَوَاكِهَ ۚ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿۴۳﴾

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿۴۴﴾

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿۴۵﴾

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ ﴿۵۱﴾

بِضَاءٍ لَّذَّةٍ لِلشَّرِيبِ ﴿۵۷﴾

لَا فِيهَا عُوقٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنرَفُونَ ﴿۵۸﴾

وَعِنْدَهُمْ قَصِيرَاتُ الظَّرْفِ عِينٌ ﴿۵۹﴾

كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ ﴿۶۰﴾

پس بعضی از آنها بیعضی سوال  
کنان متوجه شوند(۵۱)

گوینده از آنها گوید: برآستی مرا  
همدمی میبود.(۵۲)

میگفت: آیاتو از تصدیق کنندگان  
این [امر] هستی؟(۵۳)

آیا چون مرده و خاک و  
استخوان شویم حتماً عوض داده  
شویم(۵۴)

[گوینده] گوید آیا مینگری؟(۵۵)  
پس او با دقت نگاه کرد که او را  
درست در وسط جهنم یافت(۵۶)  
گفت: سوگند به خدا نزدیک بود  
مرانیز هلاک میکرد(۵۷)

و اگر نعمت پروردگرم نبود حتماً  
از جمله احضارشدگان بودم(۵۸)  
پس آیاما میرندگان نبودیم؟(۵۹)  
جز نخستین مرگ ما و مرگ عذاب

++ آیات ۵۰-۵۱: این تمثیلات است و گرنه حوران را تخم های ماکیان فروپوشیده  
گفتن هیچ معنای نمیبیرد از جز اینکه زوجهای روحانی ایشان نیز مانند تخم های  
ماکیان باطناً پاکیزه و شفاف خواهند بود.

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۵۱﴾

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿۵۲﴾

يَقُولُ أَتَيْتَكَ لِمَنِ الْمُصَدِّقِينَ ﴿۵۳﴾

إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا  
إِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿۵۴﴾

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّظَلِّعُونَ ﴿۵۵﴾

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿۵۶﴾

قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ ﴿۵۷﴾

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتَ مِنَ

الْمُخْضَرِّينَ ﴿۵۸﴾

أَفَمَا نَحْنُ بِمَبِيتِينَ ﴿۵۹﴾

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ



بِمَعْدِيَيْنَ ﴿۱۰﴾

داده نشویم (۶۰)

إِنَّ هَذَا هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱﴾

یقیناً این موافقت بزرگی است

[برای آنکه ایمان آورد] (۶۱)

لِمَثَلٍ هَذَا فَاذْلِعْمَلِ الْعَمَلُونَ ﴿۱۲﴾

پس باید عملکنندگان برای [حصول

رتبه] مثل این عمل کنند (۶۲)

أَذَلِكَ خَيْرٌ تُرْزَأُ أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿۱۳﴾

آیا این پذیرائی نیکوتر است یا

درخت زقوم؟ (۶۳)

إِنَّا جَعَلْنَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿۱۴﴾

یقیناً این را برای ستمکاران آزمایش

قرار داده ایم (۶۴)

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ

البته این درختی است که در قعر

جهنم میروید (۶۵)

الْجَحِيمِ ﴿۱۵﴾

شکوفه هایش همانند سرهای شیطان

ما است (۶۶)

طَلَعَهَا كَأَنَّه رُءُوسُ الشَّيْطَانِ ﴿۱۶﴾

پس مرآینه آنها از آن خورندگان

اند باز شکمها را از همان پر

کنندگان اند (۶۷)

فَأِنَّهُمْ لَا كَلُونَ مِنْهَا فَمَا لَوْ

سپس یقیناً ایشان را برآن [طعام]

نوشابه آمیخته به آب جوش

است (۶۸)

مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿۱۷﴾

تُمْ إِنَّ لَكُمْ عَلَيْهَا شَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ﴿۱۸﴾

سپس یقیناً بازگشت ایشان

بسوی جهنم است (۶۹)

تُمْ إِنَّ مَرَجِعَهُمْ إِلَى الْجَحِيمِ ﴿۱۹﴾

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿۷۰﴾

یقیناً آنها پدران خویش را گمراه یافته بودند (۷۰)

فَهُمْ عَلَىٰ أَثَرِهِمْ يَهُرَعُونَ ﴿۷۱﴾

پس آنها بر نقش پای آنهایی دوانده میشوند (۷۱)

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۷۲﴾

ویقیناً پیش از آنها اکثر پیشینان نیز گمراه شده بودند (۷۲)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُّنْذِرِينَ ﴿۷۳﴾

ویقیناً در آنها بیم دهندگان فرستاده بودیم (۷۳)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ ﴿۷۴﴾

پس بنگر فرجام بیم دادگان چه طور بود؟ (۷۴)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿۷۵﴾

مگر بندگان مخلص خدا (۷۵)

وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿۷۶﴾

و یقیناً نوح بما ندا کرد. پس ما چه خوب اجابت کننده ایم (۷۶)

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ

و او و خانواده اش را از آشفته‌گی بزرگ نجات دادیم (۷۷)

الْعَظِيمِ ﴿۷۷﴾

و همان نژاد او را باقیمانده‌گان قرار دادیم (۷۸)

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿۷۸﴾

و یادباد نیکوی او را درآیندگان باقی گذاردیم (۷۹)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿۷۹﴾

درود بر نوح در همه جهانها (۸۰) و یقیناً ما پاداش نیکوکاران همین

سَلَّمَ عَلَىٰ نُوْحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿۸۰﴾

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۸۱﴾

- گونه میدهم (۸۱)
- یقیناً او از بندگان مومن ما بود (۸۲)
- سپس دیگرانرا غرق کردیم (۸۳)
- و یقیناً از گروهش ابراهیم نیز بود (۸۴)
- [یادکن] چون او نزد پروردگار خود بقلب سلیم آمد (۸۵)
- چون او به پدرش و قومش گفت، چیست را پرستش میکنید؟ (۸۶)
- آیا جز خدا معبودانی سراپادروغین را دوستدارید؟ (۸۷)
- پس چه گمان به پروردگار جهانها کرده اید (۸۸) ++
- پس او نگاهی به ستارگان انداخت (۸۹) ++
- پس گفت: یقیناً من بیزارم (۹۰) ++
- پس از او اعراض کنان پشت کرده رفتند (۹۱) ++
- پس پنهانی بسوی معبودان آنها رفت و پرسید آیا نمیخورید؟ (۹۲) ++
- إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۱﴾
- ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ﴿۸۳﴾
- وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ﴿۸۴﴾
- إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿۸۵﴾
- إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿۸۶﴾
- أَبِفَكَ الْإِهَةَ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ ﴿۸۷﴾
- فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۸۸﴾
- فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿۸۹﴾
- فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿۹۰﴾
- فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿۹۱﴾
- فَرَاغَ إِلَى إِلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿۹۲﴾

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿۹۲﴾

چيست شما را كه به نطق نمى  
آييد؟ (۹۲)

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿۹۳﴾

پس بدست راست ضربه بزور  
نواخته بر آنها قصد مخفی کرد (۹۳)

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ ﴿۹۴﴾

پس آنها [قومش] دوندگان بسوى  
او آمدند (۹۴)

قَالَ اتَّعَبِدُونِ مَا تَنْحِتُونَ ﴿۹۵﴾

او گفت: آیامیپرستید آنچه را بدست  
[خود] می تراشید (۹۵)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿۹۶﴾

درحالیكه خدا آفرید شما را و هم  
آنچه را كه میسازید (۹۶)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَنْقُوهُ فِي

گفتند: جای [آتش] برایش بنا کنید.  
پس او را در آتش بیفکنید (۹۷)

الْجَحِيمِ ﴿۹۷﴾

پس بدو درصدد نیرنگ [ظالمانه]  
شدند پس آنها را بست شدگان  
نمودیم (۹۸)

فَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿۹۹﴾

واو گفت: یقیناً من بسوى پروردگار  
خود رونده ام. حتماً او مرا رهنمائی

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿۱۰۰﴾

کند (۱۰۰)

++ آیات ۸۸-۹۲: اینجاستیم بمعنای بیمار نیست والایس ازین گفتار انجام دادن کاری سنگین همچون شکستن بتان برای مریضی ممکن نبود. ستیم را معنا بیزار نیراست. پس حضرت ابراهیم گفتند، من از شما و بتان شما بیزارم و به شکستن بتان تصد کردند.

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۰۱﴾

پروردگارم! مرا [وارث] از نیکو  
کاران عطاکن (۱۰۱)

فَبَشِّرْهُ بِخُلُوبِهِ ﴿۱۰۲﴾

پس او را مؤذۀ پسری بردبار  
دادیم (۱۰۲)

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَىٰٓ اِنِّى  
اَرَىٰ فِى الْمَنَامِ اَنِّىۤ اَذْبَحُكَ فَانظُرْ  
مَاذَا تَرَىٰ ۗ قَالَ يَآبَتِ اِفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ  
سَتَجِدُنِيۡ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰرِحِيْنَ ﴿۱۰۳﴾

پس چون وی با او به [سن] سعى و  
کار رسید گفت، ای پسر دلبندم! یقیناً  
من در خواب دیده ام که ترا ذبح  
میکنم. پس فکر کن چه نظر داری.  
او گفت: ای پدرم! آنچه امر شدی  
انجام بده. حتماً مرا اگر خدا خواهد  
از صبرکنندگان مییابی (۱۰۳) ++

فَلَمَّا اَسْلَمَا وَتَلَّهٗ لِجَبِيْنٍ ﴿۱۰۴﴾

پس چون هر دو تسلیم [رضاً] شدند  
و او را روی پیشانی انداخت (۱۰۴)

++ آیت ۱۰۳: در اینجا سخن از آمادگی حضرت ابراهیم برای ذبح کردن فرزند خود حضرت اسماعیل به صوری، گفته میشود. حضرت ابراهیم خوابی نه فقط یکبار بلکه بارها میدیدند که ایشان فرزند خود را ذبح میکنند. اما با این وجود که معنای ذبح ظاهری بخاطر ایشان خطور کرد باز هم ایشان لب بگرفتن جان فرزند خود نکشوند تا آنگاه که او به رضایت خود اظهار آمادگی نکرد. بطوریکه در کلمات "فلما بلغ مع السعی" ذکر است که چون به سن سعى و کار خود رسید و به انجام کارهای طاقت فرسا پرداخت. اما تعبیر این خواب این بود که وی در دشتی خشکزار رها کرده شود. پس خدا ایشان را بعمل آوردن این خواب به صور، بازداشت و منتها مطلع ساخت که تو این خواب را از پیش تکمیل کرده ای.

در عین حال او را ندا کردیم. ای  
ابراهیم! (۱۰۵)

رویای خویش را راست آوردی  
یقیناً نیکوکاران را ما اینطور مزد  
میدهم (۱۰۶)

یقیناً این آزمایشی آشکار  
است (۱۰۷)

پس او را بعموض ذبح عظیمی  
حفظ نمودیم (۱۰۸) ++

و یادباد نیکوی او را در آیندگان  
باقی گذاشتیم (۱۰۹)

دروود بر ابراهیم (۱۱۰)  
محسنان را پاداش اینطور می  
دهیم (۱۱۱)

یقیناً او از بندگان مومن ما  
بود (۱۱۲)

و او را برای اسحاق [بطور]  
پیغمبر نوید دادیم که از شایسته  
کاران بود (۱۱۳)

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا اِبْرَاهِيمُ ﴿۱۰۵﴾

قَدْ صَدَقْتَ الرَّءِیَاۤءَ اِنَّكَ كَذٰلِكَ نَجْزِی  
الْمُحْسِنِیْنَ ﴿۱۰۶﴾

اِنَّ هٰذَا هُوَ الْبَلٰۤءُ الْمُبِیْنُ ﴿۱۰۷﴾

وَقَدَّیْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِیْمٍ ﴿۱۰۸﴾

وَتَرَكْنَا عَلَیْهِ فِی الْاٰخِرِیْنَ ﴿۱۰۹﴾

سَلَّمَ عَلَیْ اِبْرٰهِیْمَ ﴿۱۱۰﴾

كَذٰلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ ﴿۱۱۱﴾

اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ ﴿۱۱۲﴾

وَبَشَّرْنَاهُ بِاسْحٰقَ نَبِیًّا مِّنَ الصّٰلِحِیْنَ ﴿۱۱۳﴾

++ آیت ۱۰۸: مقصود ذبح عظیم آنحضرت ﷺ اند که بیشتر از همه انبیاء فداکاری

کردند و ظهور ایشان متکی بر نجات حضرت اسماعیل علیه السلام بود.

و بر او و بر اسحاق برکت  
 نهادیم و از نژاد آندو هم نیکی  
 کنندگان بودند و هم بر نفس خود  
 آشکارا ستمکاران بودند (۱۱۴)

وَبَرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اسْحَقَ ط وَمِنْ  
 ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ بَجَّ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ  
 مُبِينٌ ع

۲۳۹  
۷

و یقیناً بر موسی و هارون منت  
 نهادیم (۱۱۵)

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ع

و آندو و قوم آندو را از اندوهی  
 بزرگ نجات دادیم (۱۱۶)

وَجَبَّيْلُهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ  
 الْعَظِيمِ ع

و ایشان را یاری دادیم و ایشان  
 غالب آیندگان شدند (۱۱۷)

وَنَصَرْنَهُمْ فَاكْتَوَاهُمْ الْعَلِيلِينَ ع

و آندو را کتابی روشنی بخش  
 دادیم (۱۱۸)

وَأَتَيْنَهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ع

و آندو را براه راست هدایت  
 نمودیم (۱۱۹)

وَهَدَيْنَهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ع

و یادباد نیکوی آندو را در  
 آیندگان باقی گذاردیم (۱۲۰)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْأَخْرَبِ ل

درود بر موسی و هارون (۱۲۱)  
 یقیناً ما پاداش نیکوکاران همین  
 طور میدهیم (۱۲۲)

سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ع

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ع

یقیناً آندوی از بندگان مومن ما  
 بودند (۱۲۳)

إِلَهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ع

وَإِنَّ الْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۲۳﴾

یقیناً الیاس نیز از رسولان بود (۱۲۴)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۲۴﴾

هنگامیکه به قوم خود گفت: آیا تقوی را اختیار نمیکنید؟ (۱۲۵)

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿۱۲۵﴾

آیا 'بعل' را میخوانید و بهترین آفریدگاران را ترک کنید؟ (۱۲۶)

اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿۱۲۶﴾

خدا را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما است (۱۲۷)

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿۱۲۷﴾

پس او را تکذیب کردند پس یقیناً آنها احضار شدگانند (۱۲۸)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿۱۲۸﴾

جز بندگان مخلص خدا (۱۲۹) و یادباد نیکوی او را در آیندگان

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿۱۲۹﴾

باقی گذاردیم (۱۳۰)

سَلَّمَ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ ﴿۱۳۰﴾

درود بر الیاسین (۱۳۱) ++

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۳۱﴾

یقیناً ما پاداش محسنان اینگونه

++ آیت ۱۳۱: اینجا الیاسین بجای الیاس گفته میشود. مفسران گویند که سه الیاس بودند. زیرا کمتر از سه کلمه الیاس تعلق نمیگیرد. اما در زبان عبری صیغه جمع برای احترام هم استفاده میشود. بعنوان مثال در کتب عبری اسم آنحضرت ﷺ نه "محمد" بلکه "محمدیم" نوشته شده است. بعلمت اینکه ایلیا [الیاس] نیز فداکاری فوق العاده نشان دادند پس اسم ایشان در صیغه جمع نوشته شده است.



- می دهیم (۱۳۲)
- یقیناً او از بندگان مومن ما بود (۱۳۳)
- و همانا لوط از رسولان بود (۱۳۴)
- هنگامیکه او و اهلش همگی را نجات دادیم (۱۳۵)
- جز پیرزنی که از برجای ماندگان بود (۱۳۶)
- باز دیگران را هلاک نمودیم (۱۳۷)
- و مسلماً شما از [مدفن] آنها گذر میکنید صبحگاهان (۱۳۸)
- و شبانگاه. پس آیا بخرد نمی یابید (۱۳۹)
- و یقیناً یونس از رسولان بود (۱۴۰)
- چون او به سوی کشتی پر فرار کرد (۱۴۱)
- پس او قرعه انداخت. پس او از بیرون افکندگان شد (۱۴۲)
- پس ماهی او را بلعید درحالیکه او [خود را] از ملامت کنندگان
- إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿۳۳﴾
- وَإِنَّ لَوْطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳۴﴾
- إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿۳۵﴾
- إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَيْرِينَ ﴿۳۶﴾
- ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ ﴿۳۷﴾
- وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُّصْبِحِينَ ﴿۳۸﴾
- وَبِالْأَيْلِ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۳۹﴾
- وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۴۰﴾
- إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿۴۱﴾
- فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿۴۲﴾
- فَأَلْتَمَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿۴۳﴾

بود (۱۴۳)

پس اگر او از تسبیح کنندگان

بود (۱۴۴)

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿۱۴۳﴾

یقیناً در شکم آن مکث میکرد تا  
روزی که [مردم] برخیزانده

شوند (۱۴۵)

لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۱۴۴﴾

پس او را بدستی خشک و خالی  
افکندیم درحالیکه او سخت بیمار

بود (۱۴۶)

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿۱۴۵﴾

وبوته ای کدوسان برای پوشاندن  
او رویانیدیم (۱۴۷)

وَأَثْبْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ﴿۱۴۶﴾

و او را بسوی صدمزار نفر  
فرستادیم بلکه ایشان [درتعداد]  
افزایش مییافتند (۱۴۸)

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿۱۴۷﴾

پس آنان ایمان آوردند پس آنان  
را تامدتی بهرمندساختیم (۱۴۹)

فَأَمَّاؤَافَمَتَّعْنَهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۱۴۸﴾

پس از آنها بپرس آیا برای  
پروردگار دختران و برای ایشان  
پسرانند؟ (۱۵۰)

فَأَسْتَفْتِهِمْ أَلرَّبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ  
الْبُيُوتُ ﴿۱۴۹﴾

یافرشتگان را زنان آفریدیم و  
آنها بر آن گواه هستند (۱۵۱)

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿۱۵۰﴾

باش ایقیناً آنها از روی دروغ  
بربافته خودشان میگویند (۱۵۲)

[که] خدا را پسری است در حالیکه  
حتماً آنها دروغ پردازانند (۱۵۳)

آیا او دختران را بر پسران  
برگزیده است؟ (۱۵۴)

شما را چیست؟ چسان قضاوت می  
کنید؟ (۱۵۵)

پس آیا پند نمیگیرید؟ (۱۵۶)  
یا برای شما دلیلی غالب و روشن  
است؟ (۱۵۷)

پس کتاب خود را بیارید اگر  
شما راستگویانید (۱۵۸)

و میان او و میان جنه‌انسی قرار  
داده اند. در حالیکه جنه‌انسی می  
دانند که آنها نیز احضار خواهند  
شد (۱۵۹)

پاک است خدا از آنچه بیان می  
کنند (۱۶۰)

بندگان برگزیده خدا [از این  
سخنان] مستثنی اند (۱۶۱)

أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ أَفْكَهَمَ لَيَقُولُونَ ﴿۱۵۲﴾

وَلَدَ اللَّهُ ۗ وَاللَّهُ لَكَذِبُونَ ﴿۱۵۳﴾

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿۱۵۴﴾

مَا لَكُمْ ۖ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿۱۵۵﴾

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۱۵۶﴾

أَمْ لَكُمْ سُلْطٰنٌ مُّبِينٌ ﴿۱۵۷﴾

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ﴿۱۵۸﴾

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسْبًا ۗ وَلَقَدْ

عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لِمُحْضَرُونَ ﴿۱۵۹﴾

سُبْحٰنَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿۱۶۰﴾

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿۱۶۱﴾

پس یقیناً شما و آنچه را عبادت می کنید (۱۶۲)

نتوانید شما که خلاف او [کسی را] همراه کنید (۱۶۳)

مگر آنکه او بداخل جهنم شدنی است (۱۶۴)

و فرشتگان گویند [برای هر کدام ما مقامی مشخص است (۱۶۵)

و حتماً ما صاف در صف هستیم (۱۶۶)

و یقیناً ما تسبیح کنندگانیم (۱۶۷)

و آنان [کافران] می گفتند (۱۶۸)

اگر ما راهیچ ذکر پیشینان رسیده بود (۱۶۹)

یقیناً از بندگان مخلص خدا می شدیم (۱۷۰)

اما [اکنون چون] آن [خدا] را انکار کرده اند پس [فرجام را] حتماً خواهند دانست (۱۷۱)

و البته این فرمان ما در حق بندگان فرستاده ما پیشی گرفته است (۱۷۲)

فَأِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ۝۱۱۲

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنِينَ ۝۱۱۳

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ۝۱۱۴

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ۝۱۱۵

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ۝۱۱۶

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ۝۱۱۷

وَإِنْ كَانُوا يَقُولُونَ ۝۱۱۸

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأُولِينَ ۝۱۱۹

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝۱۲۰

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝۱۲۱

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا

الْمُرْسَلِينَ ۝۱۲۲

یقیناً همانند که به ایشان نصرت داده شود (۱۷۲)

و یقیناً لشکرماست که ایشان غالب شوندگان اند (۱۷۴)

پس تامدتی از آنها دوری کن (۱۷۵) و آنها را بنگر پس آنها هم حتماً بزودی بدانند (۱۷۶)

پس آیا به عذاب ما عجله می کنند؟ (۱۷۷)

پس هنگامیکه آن به محوطه ایشان فرود آید آنگاه صبحگاه هشدار دادگان بسیار بد باشد (۱۷۸)

باز بمدتی از آنها دوری کن (۱۷۹) و بنگر پس آنها هم حتماً خواهند دید (۱۸۰)

پاکست پروردگار تو ربّ العزت از آنچه بیان میکنند (۱۸۱)

و درود بر همه پیغمبران (۱۸۲) و ستایش مطلق برای خدا پرورد - گار همه جهانها است (۱۸۳)

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿۱۷۲﴾

وَإِنْ جُذِبْنَا لَهُمُ الْغَلْبُونَ ﴿۱۷۴﴾

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۱۷۵﴾  
وَأَبْصُرُهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿۱۷۶﴾

أَفِعْدَابًا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿۱۷۷﴾

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿۱۷۸﴾

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۱۷۹﴾  
وَأَبْصُرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿۱۸۰﴾

سُبْحٰنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۱۸۱﴾

وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۸۲﴾

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۸۳﴾

## ۳۸-سورة ص

این سورة درمکه نازل شد و با بسم الله ۷۹ آیت دارد.

این سورة فقط بايك حرف مقطع "ص" شروع میشود. مفسران شرح میدهند که "ص" بمعنای "صادق القول" میباشد یعنی آن خدا که سخنانش حتماً به اتمام رسد و قرآن که مشتمل بر پنجاهای بزرگ شأن است بر این امر گواه قرار داده شد که انکار از قرآن تنها بعلمت آن خود خواهی است که منشأ از مخالفت میگیرد.

در این سورة ذکر از آن مکاشفه حضرت داؤد علیه السلام میرود که خاطر نشان کننده آزمندی فطرت آدمی است که اگر او را برتری نودونه درصد هم داده شود او صددرصد آنرا میخواهد و برای ناتوانان و ناداران يك درصدمه وانمیگذارد. در سورة گذشته سخن از جنگهای ابرقدرتها میرود که آنها نیز بدنبال این هدف اند که حقوق حکومت همه کشورهای نادار و عقب مانده از ایشان ربوده و حکومت دنیا بی مشارکت دیگری افسار کرده شود. بعبارت دیگر این دعوی خدائی است. پس از آن نوع انسان به نسبت حضرت داؤد علیه السلام توصیه کرده شوند که ستیزه های میان خود را با عدالتمندی سپری کنید و نه ستمکاری و تجاوزگری.

این سورة حاکی از دوست داشتن حضرت سلیمان علیه السلام اسپان است. این واقعه را به اشتباه تفسیر کرده بعضی علماء بیان میکنند که يك مرتبه ایشان بر اسپان آهسته دست زده بر ساق هایشان دست نوازش می کشیدند که در حین این دلگرمی وقت نماز گذشت. آنگاه قهرو غضب حضرت

سلیمان بعلت غفلتکاری خود تا به آن نهایت رسید که فرمان به کشتن اسبان صادر کردند. ولی این تفسیرخنده آور را آن یکی آیت رد میکند درچه ایشان میفرمایند که آنها را نردم بازآرید. از این معلوم میگردد که پیغمبران را مرکب های که برای جهاد در راه خدا بخشیده میشوند ایشان آنها را بسیار دوست دارند و میخواهند که آنها را بارهابینند. رسول الله ﷺ نیز فرمودند که برای امت من در پیشانیهای آن اسبان تا قیامت برکت نهاده شد که برای جهاد آماده کرده شوند.

دراین سوره حضرت ایوب علیه السلام بعنوان مثال پیغمبری بلند مرتبت و صاحب شکیبائی معرفی میشوند و آن حقایق بیان میشود که در بائیل در قالب اساطیری عجیب و غریب نقل شده است.

☆ سُوْرَةُ صَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعٌ وَثَمَانُونَ آيَةً وَخَمْسَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ①

صادق القول - راست گفتار -  
سوگند به قرآن صاحب ذکر (۲)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ②

حقیقت اینست کسانی که کفر  
کردند در تکبر و مخالفت فرورفته  
اند (۳)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا  
وَأَلَاتٍ حِينَ مَنَاصٍ ③

چه بسا ملت‌های از پیش آنها را  
بهلاك رساندیم. آنگاه [برای کمک]  
صدا کردند درحالی که وقت نجات  
نبود (۴)

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ  
وَقَالَ الْكٰفِرُونَ هَذَا سِحْرٌ كَذٰبٌ ④

و تعجب کردند که آنها را هشدار  
دهنده از میان خودشان آمد و  
کافران گفتند این جادوگری سخت  
دروغگو است (۵)

أَجْعَلُ الْآلِهَةَ إِلٰهًا وَاحِدًا ۗ إِنَّ هٰذَا  
لَشَيْءٌ عَجَابٌ ⑤

آیا او بسیار معبودان را یکتا معبود  
ساخته است. همانا این چیزالته  
تعجب انگیز است (۶)



و اعیان از آنان رفتند [وگفتند] که بروید و بر معبودان خود صبر کنید. یقیناً این [کار] آهنگ شده است (۷)

ما به این در مورد هیچ ملتی آینده هم نشنیده ایم. این حرف فقط اختراعی است (۸)

آیا از میان ما ذکر [فقط] بر او نازل کرده شد؟ در حقیقت آنها از ذکرم در شک اند - در حقیقت عذابم را نه چشیده اند (۹)

آیا گنجهای رحمت پروردگار تو صاحب غلبه کامل و فراخ عطا نزد آنان است؟ (۱۰)

یا آیا پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است برای آنان است؟ پس باید همه چاره های را منظم بکار بندند (۱۱)

[اینهم] از احزاب لشکری است که آنجا مغلوب کرده شوند (۱۲)

بیش از آنها قوم نوح و عاد و فرعون

وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْسُوا  
وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهِتِكُمْ ۚ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ  
يُرَادُ ۗ

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْأَخْرَةِ ۚ إِنَّ  
هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ ۗ

ءَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۗ بَلْ هُمْ  
فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي ۗ بَلْ لَّمَّا يَدُوقُوا  
عَذَابِي ۗ

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ  
الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۗ

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا  
بَيْنَهُمَا ۗ فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ۗ

جُنُدًا مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ  
الْأَحْزَابِ ۗ

كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ

وَفِرْعَوْنَ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿۱۳﴾

وَتَمُودَ وَقَوْمَ لُوطٍ وَأَصْحَابَ لَيْكَةِ ۖ  
أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿۱۴﴾

إِنْ كُنَّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ  
عِقَابُ ۚ ﴿۱۵﴾

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا  
لَهُمْ مِنْ فَوَاقٍ ﴿۱۶﴾

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ يَوْمِ  
الْحِسَابِ ﴿۱۷﴾

إِصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا  
دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ ۗ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿۱۸﴾

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُثِيِّ  
وَالْإِشْرَاقِ ﴿۱۹﴾

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً ۗ كُلٌّ لَّهٗ أَوَّابٌ ﴿۲۰﴾

دارنده میخها تکذیب کردند (۱۳)  
و تمود و قوم لوط و ساکنان بیشه  
ها همانند احزاب [مذکور] (۱۴)  
نیست هیچکدام جز اینکه رسولان  
را تکذیب کردند و کیفرم بر آنها  
حتمی الوقوع شد (۱۵)

و آنها انتظار ندارند جزیک بانگ  
مولناک را که در آن هیچ وقفه ی  
نباشد (۱۶)

و گفتند: پروردگارا! ما را بهره ما  
زودتر پیش از روز حساب بده (۱۷)  
صبر کن بر آنچه میگویند و یاد  
کن بنده ماداود را که دارای  
دسترسی بود. یقیناً او بسیار توبه  
کار بود (۱۸)

براستی ما کوه هارا با او مسخر  
کرده بودیم. آنها شامکامان و  
صبحکامان تسبیح میکردند (۱۹)  
و پرندگان جمع کرده را [برایش  
مسخر کرده بودیم]. همه در حضور  
او [خدا] فروتنان بودند (۲۰)

و پادشاهی او را تقویت دادیم و او را حکمت و کلامی داوری کننده بخشیدیم (۲۱)

آیابه تو خیرستیزندگان آمد چون از روی دیوار کاخ پریدند (۲۲) چون بر داؤد داخل شدند آنگاه او از آنها آشفته خاطر شد. گفتند، نترس ما دوستیزندگانیم که یکی بردیگری تجاوز میکند. پس میان مابحق قضاوت کن و تجاوز نکن و ما را بسوی راه راست هدایت کن (۲۳)

مانا این برادرم است. وی را نودو تنه میش اند و برایم یک میش است پس گوید آنرا بمن واگذار کن و در میحث مرا مغلوب می سازد (۲۴)

او گفت البته با خواستن میش تو بسوی میش های خود بر تو ستم کرده است و یقیناً بسیار شریکانشند که بعضی از آنها بر بعضی ستم می

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ۝۲۱

وَهَلْ أَتَاكَ نَبُؤُا الْخَصْمِ ۚ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ۝۲۲  
إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ ۗ خَصْمِنا بَغِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ۝۲۳

إِنَّ هَذَا أَخِي ۚ لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ ۚ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ۝۲۴

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ إِلَى نِعَاجِهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۗ وَظَنَّ

دَاوُدَ إِنَّمَا فَتَتُهُ فَأَسْتَغْفِرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿۲۵﴾

استغفرت

کنند جز آنانکه ایمان آوردند و شایسته کاری کردند و کم اند مانند ایشان و داود پنداشت که ما او را آزمایش کرده بودیم. پس وی از پروردگار خود آمرزش طلبید و فروتن به روی فرو افتاد و توبه کرد (۲۵)

پس او را این [غزش] آمرزیدیم و یقیناً برای او نزد ما قرب و مقام نیکوی بود (۲۶)

ای داود! یقیناً ما تو را در زمین خلیفه گماردیم. پس میان مردم بداد قضاوت کن و پیروی از هوای نفس نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد. براستی کسانی که از راه خدا گمراه گردند آنرا عذابی سخت است چه روز حساب را فراموش ساخته بودند (۲۷)

و آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است را بلامقصد نیافریده ایم. این گمان کسانی است که

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ <sup>ط</sup> وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿۲۶﴾

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ <sup>ط</sup> إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿۲۷﴾

ع ۲۷

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا <sup>ط</sup> ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا <sup>ع</sup> فَوَيْلٌ

لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن النَّارِ ۗ

انکار کردند. پس هلاک باد از  
[عذاب] آتش بر آنان که کفر  
کردند (۲۸)

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ  
الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ۗ

آیا کسانی که ایمان آوردند و نیکو  
کاری کردند را مانند فسادکاران  
در زمین قرار دهیم و متقیان را  
مانند بدکرداران بگردانیم؟ (۲۹)

كِتَابٍ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا  
آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ۗ

کتابی بزرگ که مابسوی تو نازل  
کرده ایم بسیاربرکت داده شده  
است تا [مردم] در آیتهایش تدبیر  
کنند و تا خردمندان پندگیرند (۳۰)  
و داؤد را سلیمان دادیم. چه نیکو  
بنده بود. یقیناً او بسیار توبه کار  
بود (۳۱)

وَوَهَبْنَا لِذَاوُدَ سُلَيْمَانَ ۗ نِعْمَ الْعَبْدُ  
إِنَّهُ أَوَّابٌ ۗ

چون شامگاه بر او اسبهای تند  
رو عرضه نموده شد (۳۲)

إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشيِّ الصَّفْصَفُ  
الْجِيَادِ ۗ

پس او گفت: یقیناً من دوستی مال  
را از روی یاد پروردگارم دوست  
دارم تا آنها در پرده پنهان  
شدند (۳۳) ++

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ  
رَبِّي ۗ حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۗ

[او گفت] آنها را رو برویم باز آورید.

رَدُّوْهَا عَلَيَّ ۗ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ

وَالْأَعْنَاقِ ۲۴

پس [از نظر لطف] بر ساقها و گردن  
های آنها [از نوازش] دست کشیدن  
را شروع کرد (۳۴) ++

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَالْقَيْنَاءَ عَلَى كُرْسِيِّهِ

والبته سلیمان را آزمودیم و جسمی  
[بی علم و حکمت] را بر تختش نهادیم  
سپس او [به سوی خدا] انابت  
کرد (۳۵) ++

جَسَدًا ثَمَّ أَنَابَ ۲۵

++ آیات ۲۳-۲۴: کثیر مفسران از این آیت این معنای میگیرند که حضرت سلیمان را با دسته اسبان خویش آنقدر دوستی بود که در تماشا آنها فرورفته ایشان نماز را قضا کردند و ازین کوتاهی قهر کرده ایشان جمیع آنها را پی کرده و گردن های آنها را از تن جدا ساختند. این توجیه بینهایت بیخردانه است و اینرا به قرآن نسبت دادن برخلاف وقار آنست. اگر نماز قضا شده بود آنگاه میبایستی پیش از این سخن از نماز خواندن میرفت. ضمناً تماشا کردن اسبان بمیل خود ایشان بود باز تقصیر از اسبان بیچاره چه بود که گردن های آنها زده شد؟ امر واقعی اینست که چون آن دسته اسبان برای جهاد در راه خدا نگهداری شده بود لذا ایشان به اظهار دوستی دست به ساقها و ران های آنها کشیدند بطوریکه امروز هم یکی دوستدار اسبها سلوک همینگونه میکند.

++ آیت ۲۵: این آیت را مطلب اینست که وارث ایشان نه اوصاف روحانی داشت و نه شایستگی دولتمداری. لذا او جسمی بی ارزش بود. منظور از "و القیناء علی کرسیه" تخت نشینی وی است. در حق این آیت نیز برخی از علماء ستمگری کرده و حضرت سلیمان را گویی فاسق میگردانند. طبق بیان آنان زنی خوشگل که همسر ایشان نبود بر صندلی ایشان مسند نشین شد و ایشان بدو میل بدی پیدا کردند و باز خیال گرفتند اینکه بر ایم از جانب خدا آزمایشی بود [بقیه ص # ۱۱۰۲]

گفت پروردگارا امر ابیامرز و مرا  
سلطنت اعطا کن که پس از من به  
کسی نشاید. یقیناً تو بسیار فراخ  
عطا هستی (۳۶) ++

پس مسخر نمودیم برای وی باد  
را که با امر او بنرمی میوزید به  
مرسوی که او میخواست (۳۷)

و شیطانهای را که مامر مریک هنر  
بنائی و غوطه باز بودند (۳۸)  
و دیگران به زنجیرها بسته  
را (۳۹)

این بدون حساب اعطای ما است.  
پس منت بگذار یانگه دار (۴۰)  
یقیناً او را در پیشگاه ما تقرب و  
مقام نیکوی بود (۴۱)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا  
يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ  
الْوَهَّابُ ①

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً  
حَيْثُ أَصَابَ ②

وَالشَّيْطَانِ كُلِّ بَأْسٍ وَّعَوَاصٍ ③

وَأَخْرَجْنَا مَقْرَرِينَ فِي الْأَصْفَادِ ④

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِعِزِّ

حِسَابٍ ⑤

وَأَنَّ لَهُ عِنْدَنَا لُزْفِي وَحُسْنَ مَّآبٍ ⑥

این داستان متشابه آن یکی است که مفسران در مورد حضرت یوسف نیز برافته اند.

++ آیت ۳۶: این آیت حاکی از نتیجه نهائی تمامی آیتهای گذشته میباشد. چون به  
ایشان مشخص شد که پسرایشان نه دارای روحانیت است و نه هم دولت مدار است  
پس ایشان وی را نفرینند و به حضور خدا التجاج کردند که پس از من کسی را سلطنتی  
بابزرگی سلطنت من داده نشود. پس از وقائع تاریخ به اثبات میرسد که پس از  
حضرت سلیمان آن سلطنت پیوسته رو به زوال گذاشت.

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ۗ ﴿۴۲﴾  
 و بنده ما ایوب را یاد کن چون پروردگار خود را خواند که یقیناً شیطان مرا رنج و عذاب رسانده است (۴۲) ++

أَرْكُضُ بِرِجْلِكَ ۗ هَذَا مَغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ۗ ﴿۴۳﴾  
 [گفتیم] مرکب خود را لگدبزن. آب خنک برای شستشویی و آشامیدن [همین نزدیک] است (۴۳) ++

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لَأُولِي الْأَبَابِ ۗ ﴿۴۴﴾  
 و ما او را خانواده اش و مانند آنان بعلاوه آنان بعنوان رحمت ما و صاحبان خرد را ذکری درس آموز بخشیدیم (۴۴)

وَخَذُ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَاصْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۗ ﴿۴۵﴾  
 و دسته شاخهای خشک و تر درم بیچیده را بدست خود بگیر و بدان بزن و سوگند را نقض نکن. یقیناً ما او را شکیبایافتیم. چه نیکو بنده ای بود. یقیناً او تکرار آناست کننده بود (۴۵) ++

++ آیات ۴۲-۴۵: گزندی که شیطان به حضرت ایوب رسانید بسیار دردناک بود. طبق بائبل ایشان را شدیداً بیماری جلدی فرا گرفته بود. بدانعلت عیال ایشان از آن بیماری کرامت داشته ایشان را برپشته آشغال افکنده ترک کردند. قرآن مجید ذکر از این نوع قضیه ای نیآورده است. [۱۱۰۵]



و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب را که دارای دسترسی و صاحب بصیرت بودند (۴۶)

یقیناً ما ایشانرا خالصانه بعلمت ذکر از خانه آخرت برگزیدیم (۴۷) و یقیناً آنان نزد ما از برگزیدگان و دارندگان خوبها بودند (۴۸)

واسمعیل و الیسع و ذوالکفل را یاد کن و هر کدام از خوبترینان

وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ۝

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ۝

وَأَنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ ۝

وَأَذْكُرُ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۝ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ ۝

بقیه آیات ۴۲- ۴۵: بنص قرآن خدای متعال حضرت ایوب را فرمان داد که دسته ی شاخها زده مرکب خود را جلو برد و توصیه کرد که سوگند خود را نشکند. درباره این قصه ی شگفت انگیز منقول میشود که در اینجا منظور اسب نیست بلکه زن است یعنی ایشان سوگند یاد کرده بودند که به همسر خود صد ضربه شاخ زنند بدانعلت خداوند فرمان داد که با جارو بزن و اگر این جارو صد ساقه داشته باشد سوگند پایان میدهد. اما این قصه بهم بافته ی است. آن زنان پیغمبران که نافرمانان بودند اسم همسر حضرت ایوب شامل آنها مذکور نیست. پس منظور از ضغفأ شاخ زدن به مرکب است تا آن ایشان را به آبی برساند که با استعمال آن ایشان سلامت را بازیابند.

خدای متعال چون حضرت ایوب را سلامت باز بخشید آنگاه ن تنها اینکه خانواده ایشان بسبب عیادت بسوی ایشان بازگشتند بلکه خداوند مآفتد آنان يك جماعت فداکاران نیز ایشان را درداد.

بوده اند(۴۹)

این ذکری بزرگ است و یقیناً  
برای متقیان بازگشتگامی نیکو  
است(۵۰)

یعنی باغهای جاودان است. برای  
آنان درما خوب گشوده داشته  
شود(۵۱)

تکیه زده در آنجا میوههای فراوان  
و آشامیدنیها خواهند طلبید(۵۲)  
و نزد ایشان زنان همسال چشم  
[باحیا] فرومشته باشند(۵۳)++

اینست آنچه برای روز حساب  
و عده داده شوید(۵۴)

یقیناً اینست رزق ما که آنرا  
هرگز پایان نیست(۵۵)

همینطور باشد و یقیناً بازگشتگاه  
برای سرکشان بسیار بدهاست(۵۶)  
جهنم - بداخل آن شوند. پس چه  
زست بستری است(۵۷)

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَأْوٍ ۝۵۰

جَنَّتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْأَبْوَابُ ۝۵۱

مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ  
كَثِيرَةٍ وَوَسْرَاءٍ ۝۵۲

وَعِنْدَهُمْ قُضِرَتُ الْأَرْفِ آتْرَابٌ ۝۵۳

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ۝۵۴

إِنَّ هَذَا لِرِزْقِنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ۝۵۵

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّغْيِينِ لَشَرَّ مَا بٍ ۝۵۶

جَهَنَّمَ ۚ يَصْلَوْنَهَا فَفِئَسَ الْمِهَادُ ۝۵۷

++ آیت ۵۳: این کلام که نزد ایشان زنانی چشمان فرومشته باشند. تمثیلی است و

دال بر فروتنی و حیاء ایشان میباشد.

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقٍ ۝۵۸

این [حتماً شدنی است]. پس باید  
آنها بچشند - آبی جوشان و یخ  
بسته (۵۸)

وَأَخْرَجْنَا مِنْ شَكْلَةٍ أَزْوَاجًا ۝  
هَذَا قَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا  
بِهِمْ ۝ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ۝۵۹

و چیزهای دیگر هم شکل آن (۵۹)  
این آن لشکری است که با شما  
داخل [آن] شونده اند. آنها را هیچ  
خوش آمدنیست. مسلماً آنها داخل  
آتش شوند (۶۰)

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْرَحِبَابِكُمْ ۝ أَنْتُمْ  
قَدْ مَتَّمُّوهُ لَنَا فَيَسِّرْ أَلْقَارًا ۝۶۰

آنها [به گروهی لعنت کننده] گویند:  
بلکه شما [ملمعون] اید. شمارا خوش  
آمد نیست. شما این [همه] را برای  
ما پیش فرستادید. پس چه زشت  
قرارگاه است (۶۱)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرِّدْهُ عَذَابًا  
ضِعْفًا فِي النَّارِ ۝۶۱

گویند: پروردگارا! آنکه اینرا برای  
ما پیش فرستاد برایش عذابی در  
آتش دو برابر بیافزا (۶۲)

وَقَالُوا مَا لَنَا آلَانِ رِجَالًا كُنَّا  
نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ۝۶۲

و گویند: چیست مارا آنمردم را  
نمی بینیم که آنها را از شریران  
میشمردیم (۶۳)

اتَّخَذْتُهُمْ سِحْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ  
الْأَبْصَارُ ۝۶۳

آیا آنها را حقیر شمرده بودیم یا  
چشمان ما [از شناسائی] آنان لغزش

خورد؟ (۶۴)

حتّٰا این مجادله اهل آتش واقعیت است (۶۵)

بگو، من فقط بیم دهنده ی ام و هیچ معبودی نیست جز خدای یکتا صاحب جبروت (۶۶)

پروردگار آسمانها و زمین و هر چه میان آندو است - صاحب غلبه کامل - آمرزگار (۶۷)

بگو: آن يك خبر بزرگی است (۶۸)

شما از آن اعراض کنید (۶۹) همراهی دانشی به ملای اعلی نبود چون آنها مجادله میکردند (۷۰)

بسوی من وحی میشود فقط اینکه من بیم دهنده آشکارا (۷۱)

چون پروردگارتو بفرشتگان گفت ما نا من از گل بشری آفریننده ام (۷۲)

پس هرگاه آنرا کاملاً آراستیدم و کسی از روح خود در آن دمیدم پس

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ۝۱۵

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ ۚ وَمَا مِنَ إِلَّا اللَّهُ

أَوْ أَحَدُ الْقَهَّارِ ۝۱۶

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۝۱۷

قُلْ هُوَ نَبِيُّ عَظِيمٍ ۝۱۸

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ۝۱۹

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَائِكَةِ إِذْ

يَخْتَصِمُونَ ۝۲۰

إِنْ يُوحَىٰ إِلَىٰ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝۲۱

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا

مِّن طِينٍ ۝۲۲

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي

فَقَعَّوْا لَهُ سُجْدِينَ ۝۲۳

برای او سجده کنید (۷۳)

پس فرشتگان جمله ایشان سجده کردند (۷۴)

مگر ابلیس. او تکبر کرد و بوده از کافران (۷۵)

او گفت: ای ابلیس! ترا چه بازداشت که سجده کنی آنرا که من به دو دست [قدرت] خود آفریده بودم. آیا تکبر کردید یا تو از صاحبان بلند مرتبه هستی (۷۶)

گفت: من بهتر از اویم. مرا از آتش آفریدی و او را از گل آفریدی (۷۷)  
فرمود: پس از اینجا بیرون شو یقیناً تو رانده شده ای (۷۸)

و یقیناً بر تو تا روز جزاء لعنت من است (۷۹)

گفت: پروردگارا! پس مرا مهلت بده تا روزی که همه برخیزانده شوند (۸۰)

فرمود: پس یقیناً تو از مهلت دادگانی (۸۱)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿۷۳﴾

إِلَّا ابْلِيسَ ۖ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ

الْكٰفِرِيْنَ ﴿۷۵﴾

قَالَ يَا ابْلِيسَ مَا مَنَعَكَ اَنْ تَسْجُدَ لِمَا

خَلَقْتُ يَدَيَّ ۗ اسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ

الْعٰلِيْنَ ﴿۷۶﴾

قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ ۗ خَلَقْتَنِيْ مِنْ نَّارٍ

وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِيْنٍ ﴿۷۷﴾

قَالَ فَاخْرِجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ ﴿۷۸﴾

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِيْ اِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿۷۹﴾

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِيْ اِلَى يَوْمِ

يُبْعَثُوْنَ ﴿۸۰﴾

قَالَ فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ ﴿۸۱﴾

تا روز وقت معلوم (۸۲) گفت: سوگند به عزت توحتمًا همه اینها را گمراه کنم (۸۳) ++  
جز از آنها آن بندگان که مخلص تویند (۸۴) ++

فرمود: پس حق اینست که من فقط حق میگویم (۸۵)  
حتما جهنم را از تو و از همه آنها که از تو تقلید کنند پرخواهم کرد (۸۶)

بگو من برای این هیچ مزدی از شما نمیخواهم و نه من از متکلف ما هستم (۸۷)  
این فقط تذکر بزرگی است برای همه جهانها (۸۸)

و حتما حقیقت آن را پس از یک مدت خواهید دانست (۸۹)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿۸۲﴾

قَالَ فِعْرَتُكَ لَا غُوبِيَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۳﴾

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿۸۴﴾

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ﴿۸۵﴾

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ

مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۶﴾

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا

مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿۸۷﴾

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۸۸﴾

وَلَتَعْلَمَنَّ بِنَاءَ بَعْدَ حِينٍ ﴿۸۹﴾

ع  
۱۴

++ آیات ۸۴-۸۵: گامی که خدای تعالی شیطان را مردود کرد و او از روی خودنمایی از خداوند مهلتی خواست که بندگان را که بر من رجحان دادی اگر بمن فرصت داده شود ایشان را هر نوع فریب داده از تو میربایم و آنان بجای تو از من پرستش کنند مگر آن بندگان که خاص تو باشند. حتماً برایشان من هیچ اختیاری نتوانم یابم.

## ۳۹ - سورة الزمر

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۷۶ آیت دارد.

در پایان سوره قبلی ذکر از آن بندگان شده بود که دین را خاص خدا قرار داده از پرستش شیطان انکار کرده سر به عبادت خدا سپردند. در این سوره بمحض آغازش اعلام است که ای رسول! دین را خالصانه برای خدا قرارداده عبادت را خاص او بگذار. یقیناً خدا تنها دین خالص را قبول دارد. سپس يك دليل كافران رد کرده میشود. آنان بت پرستی را معمولاً این توجیه میکنند که خدایانی بر یافته وسیله تقرب خدا میشوند. خداوند فرمود هرگز چنین نیست بلکه وسیله همان است که دینش مانند دین آنحضرت ﷺ خالص و پاک از آلودگی شرک باشد.

سپس این حقیقت بازگو کرده میشود که زندگی انسان را آغاز از یکتا شده بود. سپس چون انسان در رحم مادر بطور جنین مراحل ارتقائی طی میکرد آن جنین در سه تاریکی پنهان بود - نخستین تاریکی شکم مادر است که رحم را دربر گرفته است - دومین تاریکی از خود رحم است در آنچه جنین پرورده میشود و سومین تاریکی پلیسنتا [Placenta] یعنی پرده ی دور جنین که آن را درون رحم مادر دربر گرفته است.

باز به آنحضرت ﷺ اذن به این اعلام داده شد که مرا تنها همین فرمان است که عبادت خویش را خاص او بنمایم. سپس فرمود که بگو تنها خدا است که برای او دینم را خالصانه به عبادت او سپرده خواهم داشت. شما در جای خود بنفیر از او هر کدام را میخواهی عبادت کنید و بملاوه بگو. آنانکه

اینطور کنند یقیناً معامله بخسارت ایشان تمام گردد. چه آنان علاوه بر گمراهی خود، موجب شوند که نسلهای آینده خود را نیز بر اثر این کجی در ژرفای تاریکی بیفکنند.

ضمناً این نکته بیان شده است که آنکس که خدای متعال سینه او را برای ذکر خود فراخی ببخشد بهتر از او هیچکس نمیتواند باشد. پس بسیار تیره بختند کسانی که از ذکر پروردگار خود توافل میکنند.

آیت ۲۴ این سوره عبارت از این اعلام است که خدا برای تو سخنی دلپذیر بیان میکند که او بر تو کتابی که بتکرار خوانده شود نازل کرده است درجه بعض چنین آیتهاى اند که متشابهات و جفت جفت اند اما به شرح آنها آیتهاى دیگر عیناً متشابه آنها نیز وجود دارند که کاوشگران حق را برای درک کردن متشابهات کمک میکنند. این همان موضوع است که در کلمات *يَفْسَّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا* بیان شده است. در جای دیگر فرمود *أَنَّا نَكُونُ فِي الْعِلْمِ يَعْنِي فِي عِلْمِ نَافِعٍ* اند برای ایشان که هیچ آیت هم متشابه نیماند بلکه بر ایشان هر چیز روشن است.

این سوره دارای آن آیت کریمه نیز است که بر حضرت مسیح موعود علیه السلام الهام شده بود و ایشان این کلمات یعنی *"أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ"* [آیا خدا برای بنده خود کافی نیست] را برنگین ترسیم کرده بر انگشتر نشانده بودند. بهمین نسبت احمدیان انگشترهای مثل آن را بطور تبرک و نیک فال بر انگشت میکنند.

آیت ۴۳ این سوره پرده را از این راز مهم برمیدارد که خواب نیز یک نوع مرگ است درجه روح یا شعور بتکرار غرق می شود و طبق نظامی



مقرر کرده از خدای متعال درست بروقت معین با ته مغز برخوردار کرده باز میگردد. زبردستان علم بر این امر پژوهشگری کرده میگویند این واقعه در وقت معین شخصی در خواب را بتکرار پیش میآید. این وقت معین با ساعت اتمی نیز میتوان میزان کرد و در این مدت معین هیچ تفاوتی بچشم نخواهد خورد. اما چون خداوند جان را پس از غرق باز نمیگرداند این حالت را مرگ یا وفات میخوانند.

چنانکه اینجا ذکر از احضار شدن در محضر خدا و جدا شدن از دنیا برای همیشه است پس برای آنانکه خوف از جوابگوئی را دارند مژده ای است که خداوند مختار است که هر نوع گناه را بیآمرزد. او بسیار بخشنده و بارها رحم کننده است. پس بدرگاه او فروتن شوید و خویشتن را به او بسپارید پیش از اینکه آن عذابی شمارا درگیرد و قبل از توبه جان از تن دررود و حسرت برده اعلام کنید کاشکی انسان در پیشگاه خداوند جسورانه دست بگناه نمیزد.

نام این سوره "زمر" است و در دو آیت اخیر [زمر] گروه در دو قسمت منقسم کرده شد. یکی گروه از آنان است که گروه درگروه به جهنم رانده شوند و یکی از آنان است که گروه درگروه به بهشت برده شوند.

☆ سُوْرَةُ الزُّمْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سِتُّ وَ سَبْعُونَ آيَةً وَ ثَمَانِيَةُ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

نازل آمدن این کتاب از خدا

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ

صاحب غلبه کامل صاحب حکمت

الْحَكِيمِ ①

است (۲)

یقیناً ما [این] کتاب را با حق نازل

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ بِالْحَقِّ فَاغْبُذْ

کرده ایم. پس دین را خاص او

اللَّهِ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ①

قرار داده خدا را عبادت کن (۳)

أَلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ① وَالَّذِينَ

باش دین خالص شایان خدا است

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا

و کسانی که جز او دوستان گرفته

اند [گویند که] آنها را پرستش نمی

إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى ① إِنَّ اللَّهَ

کنیم مگر برای اینکه ما را بسوی

يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ①

خدا نزدیک کرده به بلندتر رتبه

تقرب برسانند. یقیناً خدا میان

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ ①

آنها قضاوت نماید در آن باره که

آنها در آن اختلاف میکردند یقیناً

خدا آنکه دروغگوی سخت

ناسپاس است را هدایت نمی

دهد (۴)

خدا اگر میخواست پسری بگیرد  
حتماً از آنچه او آفریده هر چه را  
دوستداشت برمیگزید. او پاک  
است. او خدا یکتای صاحب  
جبروت است (۵)

او آسمانها و زمین را بحق آفرید.  
او پوشش شب را بر روز میفکند  
و پوشش روز را بر شب میفکند.  
او خورشید و ماه را مسخر نمود.  
مگي به نهایت زمانی خود حرکت  
میکنند. مشدارا او صاحب غلبه  
کامل آمرزگار است (۶)

شمارا از یکتا آفرید. سپس از  
خود آن جفت آنرا ساخت و برای  
شاهشت جفت از چهار پایان نازل  
کرد. شمارا در شکمهای مادرانتان  
درسه تاریکی خلقی پس از خلقی  
میآفریند. این خدا پروردگار شما  
است. پادشاهی از آن او است. هیچ  
معبودی نیست جز او. پس بکجا  
برگردانده شوید (۷) + [ص ۱۱۱۶]

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأُصْطَفَىٰ مِمَّا  
يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ سُبْحٰنَهُ ۗ هُوَ اللَّهُ  
الْوٰحِدُ الْقَهَّارُ ۝

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۗ يَكُوْرُ  
الَّيْلَ عَلٰى النَّهَارِ وَيَكُوْرُ النَّهَارَ عَلٰى الْاَيْلِ  
وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي  
لِاجْلِ مُسَيِّ ۗ اَلَا هُوَ الْعَزِيْزُ  
الْعَقَّارُ ۝

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَّاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا  
زَوْجَهَا وَاَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْاَنْعَامِ ثَمْنِيَةَ  
اَزْوَاجٍ ۗ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُوْنِ اُمَّهَاتِكُمْ  
خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِى ظُلُمٰتٍ ثَلٰثٍ ۗ  
ذٰلِكُمْ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمَلِكُ ۗ لَا اِلٰهَ اِلَّا  
هُوَ ۗ فَاَلٰى تُصْرَفُوْنَ ۝

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۚ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ①

اگر انکار کنید پس یقیناً خدا بی نیاز از شما است و کفر را برای بندگان خود دوست ندارد و اگر سپاس گوید آن را برایش می پسندد. هیچ باربری بار دیگری را بدوش نگیرد. سپس بازگشت شما بسوی پروردگارتانست پس او شما را آگاه سازد به آنچه می کردید. یقیناً او به رازهای سینه ها خوب آگاه است (۸)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ۗ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْ نَّبِيِّ مَا كَانَ

++آیت ۷: واژه انزل اگرچه معنای نازل کردن را میپردازد ولی در اینجا بمعنای آفرینش چیزهای فائده مند فوق العاده استعمال میشود و نه بمعنای نازل شدن از آسمان به صور. همه دنیا میدانند که چهارپایان مثل باران از آسمان فرودنیایند بلکه واژه نزول برای آنها بدانعلت بکار رفته است که آنها برای انسان سودی فراوان همراه دارند. همین واژه "نزول" برای آمد ثانی حضرت عیسی بکاربرده شد. بلکه این فوق همه در حق آن حضرت صلی الله علیه وسلم بکار برده شده است. بعنوان مثال قرآن فرمود قد انزل الله اليكم ذكراً رسولاً (سورة الطلاق ۱۱-۱۲). تمامی علماء قبول دارند که آنحضرت(ص) با جسم صوری از آسمان نزول نکرده بودند. ایشان را باید که هم در عقیده خود درباره نزول حضرت عیسی نیز تجدید نظر کنند.

يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ اللَّهُ أَتَذَادًا  
يُضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ  
قَلِيلًا ۗ إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۝

خواند. سپس چون از جانب خود  
نعمت را به او عطا کند فراموش  
سازد آنچه را که قبلاً بسوی آن  
دعایمیکرد و برای خداشريك قرار  
دهد تا از راه او گمراه سازد. بگو  
بهرهٔ ناقابل بکفر خود بگیر یقیناً  
تو از اهل آتش هستی (۹)

أَمْ مَنْ هُوَ قَانِتٌ أَنْ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا  
يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ۗ  
قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ  
لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو  
الْأَلْبَابِ ۝

آیا کسیکه در پاره های شب عبادت  
کننده است [گامی] سجده کنان و  
[گامی] بپا ایستاده، از آخرت می  
ترسد و رحمت پروردگار خود را  
امید دارد [صاحب دانش نیست؟]  
بپرس آیا آنانکه دانش دارند و  
آنها که دانش ندارند یکسان اند؟  
یقیناً فقط صاحبان خرد اندرز می  
گیرند (۱۰)

ع

قُلْ يُعْبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ ۗ  
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ  
وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ۗ إِنَّمَا يُوَفَّى  
الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝

بگو: ای بندگان من که ایمان آورده  
اید! پروردگار خود را تقوی فرا  
گیرید. کسانی که حسن عمل نشان  
دهند را در این دنیا هم خوبی  
است و زمین خدا فراخ است.

البته فقط صبرکنندگان پاداش  
خودشان کامل بدون حساب داده  
شوند (۱۱)

بگو برآستی من امر شده ام که  
دین را مخلصانه برای او قرار  
داده خدا را عبادت کنم (۱۲)  
و امر شده ام که من نخستین  
فرمان برداران باشم (۱۳)

بگو، یقیناً من اگر پروردگار خود  
را نافرمانی کنم از عذاب روزی  
بزرگ میترسم (۱۴)

بگو: من دین خود را مخلصانه  
برای او قرار داده خدا را عبادت  
میکنم (۱۵)

بس او را ترك کرده هرچه را می  
خواهی پرستش کنید. بگو برآستی  
خسارت کاران [واقعی] آنانند که  
جانهای خود و خانواده خود را روز  
قیامت خسارت دادند. هشدار! این  
خسارتی آشکار است (۱۶)

برای آنها هم از بالای آنان سایه

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ  
الدِّينَ ۗ

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ۗ

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ  
يَوْمٍ عَظِيمٍ ۗ

قُلْ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ۗ

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ۗ قُلْ إِنَّ  
الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ  
وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا ذَلِكَ هُوَ  
الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۗ

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظِلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ

آتش است و هم از زیر آنها سایه  
[آتش] است [یعنی آتش از هر سو  
آنها را فرا گیرد]. این است که به  
آن خدا بندگان خود را میترساند.  
ای بندگانم! پس مرا تقوی اختیار  
کنید (۱۷)

و کسانی که اجتناب کردند بتان  
را که عبادتشان کنند و بسوی خدا  
فروتنی کردند ایشان را مؤده  
بزرگ است. پس بندگانم را مؤده  
بده (۱۸)

کسانی که به سخن گوش باز دهند  
پس بهترین آنرا پیروی کنند همانها  
اند که خدا ایشان را هدایت  
کرده است و همانند که صاحبان  
خردند (۱۹)

پس آیا آنکه فرمان عذاب بر او  
راست آمد [میتواند نجات یابد؟]  
پس آیات او را هم میتوانی نجات  
دهی که سراپا در آتش است؟ (۲۰)  
اما کسانی که پروردگار خود را تقوی

تَحْتَهُمْ ظِلٌّ ۗ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ  
عِبَادَهُ ۗ يُعْبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿۱۷﴾

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا  
وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ ۗ فَبَشِّرْ  
عِبَادِي ﴿۱۸﴾

الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ  
أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ  
وَأُولَٰئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۱۹﴾

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ ۗ أَفَأَنْتَ  
تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿۲۰﴾

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ عُرفٌ مِّنْ

فَوْقَهَا عُرْفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ  
الْمِيعَادَ ①

پیش گیرند برای ایشان بالاخان  
های است که فوق آنها بالاخان  
های دیگر بنا شده باشد. دردانه آنها  
نهرها روان است. [این] وعده خدا  
است. خدا خلف وعده نمیکنند (۲۱)  
آیاندیدی که خدا آب را از آسمان  
نازل کرد - پس آنرا در زمین در  
صورت چشمه ها جاری کرد سپس  
بدان مزرعه ای در میآرد - رنگش  
مختلف است - سپس [آن رسیده  
یا رسیده] خشک گردد. پس زرد  
شدن آنرا مینگری. سپس آنرا ریزه  
ریزه میگرداند. یقیناً خرد مندان  
را در این اندرزی بزرگست (۲۲)

الْمُتَرَّانَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ  
زُرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتْرَهُ  
مُضْفَرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي  
ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِبِأُولِي الْأَبْصَارِ ②

پس آیا کسیکه سینه او را خدا  
برای اسلام بگشاید باز او بر  
نوری از پروردگار خود [استوار]  
است [میشود او مانند کسانی عاری  
از یاد خدا باشد؟] پس هلاک باد  
بر کسانی که دلهای آنها [عاری] از  
ذکر خدا سفت اند. آنها در گمراهی

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ  
عَلَى نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ  
قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ  
مُّبِينٍ ③



آشکاراند (۲۳)

خدا نیکوترین بیان را کتابی  
متشابهی بارها تکرار شونده نازل  
کرده است که از آن پوستهای  
ایشان که از پروردگار خود می  
ترسند بلرزه میفتد. سپس پوست  
های ایشان و قلبهای ایشان به ذکر  
خدا [متمایل] نرم شود. این هدایت  
خدا است که بدان مرکه را  
دوست دارد هدایت میدهد و آنکه  
را خدا گمراه گرداند پس او را  
هیچ هدایت دهنده‌ی نیست (۲۴)

پس آیا آنکه روز قیامت چهره‌ی خود  
را برای نجات از سختی عذاب  
سپری قرار دهد [تواند نجات یابد؟]  
و به ستمکاران گفته شود بچشید  
آنچه را کسب میکردید (۲۵)

کسانیکه از پیش آنها بودند نیز  
تکذیب کرده بودند. پس عذاب  
آنها را از آن جهت آمد که تصور هم  
نمیکردند (۲۶)

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا  
مَثَانِيًّا ۖ تَقَشَّرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ  
رَبَّهُمْ ۗ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ  
إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ  
مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ  
هَادٍ ۝۲۳

أَفَمَنْ يَتَّبِعِي بَوَاجِهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ ۗ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ  
تَكْسِبُونَ ۝۲۴

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَهُمُ  
الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۝۲۵

پس خدا آنها را رسوائی چشاند در  
زندگانی دنیا و عذاب آخرت بزرگ  
تر است کاشکی میدانستند (۲۷)

و البته در این قرآن از هر کدام  
مثل برای مردم بیان کرده ایم تا  
آنها پند بگیرند (۲۸)

این قرآن فصیح و بلیغ دارای  
هیچ کجی نیست تا آنها تقوی را  
فرا گیرند (۲۹)

خدایان میکند مثل چنین کس که  
وابسته به چند شریکان بهم مناقشه  
کنندگان است و مثل آن کس که  
کلیه برای یک نفر است. آیا ایندو  
یکسان حال اند؟ ستایش مطلق از  
آن خدا است. اما امر واقعی اینست  
که بیشتر ایشان میدانند (۳۰)

یقیناً توهم میبری و یقیناً آنها هم  
میمیرند (۳۱)

سپس یقیناً شما روز قیامت در  
حضور پروردگار خود با یکدیگر  
ستیزه خواهید کرد (۳۲)

فَاذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۲۷﴾

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ  
كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۲۸﴾

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ  
يَتَّقُونَ ﴿۲۹﴾

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ  
مُتَشَكِّسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ  
يَسْتَوِينَ مَثَلًا ۚ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ  
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿۳۱﴾

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ  
تَخْتَصِمُونَ ﴿۳۲﴾

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ  
وَكَذَبَ بِالصَّدْقِ إِذْ جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ  
فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿۳۲﴾

۳۲

پس کیست ستمکارتر از آنکس  
که دروغ بر خدا ببرد و صدق را  
چون نزدش بیاید تکذیب کند.  
آیا برای کافران جایگاه در جهنم  
نیست؟ (۳۲)

وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ  
أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۳۳﴾

و کسیکه با صدق آید و [آنکه] به  
آن تصدیق نماید همانانند که پرهیز  
کارانند (۳۳)

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذَٰلِكَ  
جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۳۴﴾

برای ایشان است نزد پروردگار  
ایشان هر چه بخواهند. شایسته  
کاران را این پاداش است (۳۴)

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا  
وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي  
كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۳۵﴾

تا خدا زشتیهای آن [اعمال] که می  
کردند را از آنان دورسازد و آنان  
را بدهد پاداش ایشان به بهترین  
آن اعمال که میکردند (۳۵)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ ۗ وَيُخَوِّفُونَكَ  
بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ  
فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿۳۶﴾

آیا خدا برای بنده خود بس نیست؟  
و تو را میترسانند از آنانکه غیر  
از اویند و آنکه را خدا گمراه  
قرار دهد پس او را هدایت دهنده  
ای نیست (۳۶)

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ ۗ أَلَيْسَ

و آنکه را خدا هدایت دهد او را

اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿۳۸﴾

گمراه کننده ی نیست. آیا خدا صاحب غلبه کامل انتقام گیرنده نیست؟ (۳۸)

وَلَيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِ ۗ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿۳۹﴾

و اگر از آنها بپرسی کی آسمانها و زمین را آفرید؟ حتماً گویند خدا. پس بگو، آیا نگریستید که اگر خدا بخواهد مرا گزند رساند آنچه ما را بغیر از خدا میخوانید آیا آنها دورکننده زیان آن [گزند] اند؟ و اگر برای من برحمت اراده کند آیا آنها رحمت او را بازدارند - گمانند؟ بگو خدا برای من بس است. توکل کنندگان بر او توکل میکنند (۳۹)

قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۗ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۴۰﴾

بگو، ای قوم من! هرکاری که می خواهید برجای خود بکنید البته منم کننده ای ام. پس بزودی بدانید (۴۰)

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿۴۱﴾

کی را عذابی میرسد که او را خوار کند و بر او عذابی پایدار نازل میشود (۴۱)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ ۚ  
فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا  
يُضِلُّ عَلَيْهِ ۚ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۙ

یقیناً ما کتاب را بر تو بحق  
برای [نفع] مردم نازل کرده ایم. پس  
هر که هدایت یابد پس برای نفس  
اوست و آنکه گمراه شد پس فقط  
خلاف آن [نفس] گمراه شود و تو  
بر آنها نگهبان نیستی (۴۲)

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي  
لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ۖ فِيمِصَّتْ الَّتِي  
قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأَخْرَىٰ  
إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ  
لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۙ

خدا جانهارا هنگام مرگشان قبض  
می کند و آنکه نمرده است را در  
خوابش [قبضکند] پس بر آنکه مرگ  
گذرانیده شد او را نگه میدارد و  
دیگری را تا زمان معین [پس] می  
فرستد. یقیناً در این آیت‌های است  
برای قومیکه تفکر کنند (۴۳)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ ۗ قُلْ أَوْ  
لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ۙ  
قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا ۗ لَهُ مُلْكُ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ ثُمَّ إِلَيْهِ  
تُرْجَعُونَ ۙ

آیا آنها جز خدا شفیعیان گرفته اند؟  
بگو. اگر چه آنها چیزی را اختیار  
ندارند و عقل نمیکند؟ (۴۴)  
بگو: شفاعت کاملاً بدست خدا است.  
پادشاهی آسمانها و زمین از آن او  
است سپس بسوی او برگردانده  
شوید (۴۵)

و مرگه خدای یگانه را ذکر شود

وَإِذَا دُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ

دل‌های آنها که به آخرت ایمان ندارند رنج برند و چون ذکر شود آنان را که غیر از اویند بیدرنگ شادمان میشوند (۴۶)

بگو ای خدا آفریدگار آسمانها و زمین دانای نهان و عیان! تو میان بندگان خود داوری کن در آن باره که در آن اختلاف میکنند (۴۷)

و اگر بود همگی آنچه در زمین است از آن آنها که ستم کردند و ماندن آن بملوه آن حتماً آنرا برای نجات خویشان از عذاب بد روز قیامت فدا میداند و برای ایشان از جانب خدا پدید آید آنچه را گمان هم نمی کردند (۴۸)

و زشتیهای آنچه کسب کردند برای آنها پدیدار گردد و آنها را فراگیرد آنچه به آن تسخر می کردند (۴۹)

پس هرگاه انسان را گزند می رسد ما را میخواند. سپس چون

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ  
الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿۴۶﴾

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ  
عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۴۷﴾  
وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ  
جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ  
الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَبَدَّ اللَّهُ مَا  
لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿۴۸﴾

وَبَدَّ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ  
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۴۹﴾

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا  
حَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ

او را از جانب خود نعمت عطا کنیم گوید: این فقط بنابر دانشی داده شده ام. درحقیقت این فتنه بزرگی است و اما بیشتر ایشان نمیدانند (۵۰)

البته آنانکه پیش از آنها بودند همین را گفته بودند. پس بکار ایشان نیامد هرچه کسب می کردند (۵۱)

پس رسید به آنها بدیهای آنچه کسب کردند و کسانی از این مردم که ستم کردند را هم حتماً برسد بدیهای آنچه بدست آوردند و آنها نتوانند [خدارا] بجز آرند (۵۲)

آیا نمیدانند خدا برای هر که خواهد رزق را فراخ نماید و تنگ می نماید. یقیناً در این آیت‌های است برای قومیکه ایمان می‌آرند (۵۳)

بگوای بندگان من که برجانهای خود تجاوز کرده اید! از رحمت خدا نومید نشوید. یقیناً خدا همه

عَلَىٰ عِلْمٍ ۗ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِن ۖ  
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۰﴾

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ  
عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۵۱﴾

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا ۗ وَالَّذِينَ  
ظَلَمُوا مِنْهُمْ هَٰؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ  
مَا كَسَبُوا ۗ وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿۵۲﴾

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ  
لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ  
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۳﴾

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا  
تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ  
الدُّنُوبَ جَمِيعًا ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ

الرَّحِيمِ ﴿۵۴﴾

گناهان را می آمرزد. یقیناً او بسیار آمرزنده بارها رحمکننده است (۵۴)

و بسوی پروردگار خود انابت کنید و او را فرمانبردار شوید. قبل از این که شمارا عذاب آید. سپس یاری داده نشوید (۵۵)

و پیروی کنید بهترین آنچه را که بسوی شما از پروردگار شما نازل کرده شد پیش از آنکه عذاب شما را برسد درحالیکه شما درک هم نکنید (۵۶)

مبادا کسی گوید یا حسرتا! بر آن کوتاهی که در پهلوی [رو بروی] خدا میکردم و من که محض از تسخیر کنندگان بودم (۵۷)

یا بگوید، اگر خدا مرادایت میکرد حتماً از متقیان میشدم (۵۸)  
یا بگوید وقتی عذاب را بنگرد که اگر برایم یکبار بازگشتی باشد آنگاه از نیکوکاران میشوم (۵۹)

وَأَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿۵۵﴾

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۵۶﴾

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتُ عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴿۵۷﴾

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿۵۸﴾  
أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَىٰ الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۹﴾



بَلَىٰ قَدْ جَاءَ ثُكَّالُ الْيَتِيمِ فَكَذَّبَتْ بِهَا  
وَاسْتَكْبَرَتْ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ۝۱۰

بلی! البته ترا آیت‌های من آمد و  
آنها را رد کردی و تکبر را بکار  
بردی و تو از کافران بودی (۶۰)  
و روز قیامت کسانی که برخداد روغ  
گفتند را خواهی دید که روی‌های  
آنها سیاه اند. آیا جایگاه تکبر  
کنندگان در جهنم نیست؟ (۶۱)

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ  
وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ  
مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِيْنَ ۝۱۱

و خدا کسانی که تقویٰ فرا گرفتند  
را نجات دهد با سر بلندی ایشان،  
نه گزندی به ایشان برسد و نه  
ایشان اندومگین شوند (۶۲)

وَيَجِيءُ اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ  
لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝۱۲

خدا آفریدگار هر چیز است و او  
بر هر چیز نگهبان است. (۶۳)

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
وَكَيْلٌ ۝۱۳

کلیدهای آسمانها و زمین از آن او  
است و کسانی که به نشانه‌های خدا  
انکار کردند همانها اند که خسارت  
کاران اند (۶۴)

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ  
وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِآيٰتِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ  
الْحٰسِرُوْنَ ۝۱۴

بگو، آیا مرا فرمان میدهد که  
غیر خدا را عبادت کنم؟ ای  
جاملان! (۶۵)

قُلْ اَغْيَرَ اللّٰهُ تَاْمُرُوْا بِىْ اَعْبُدُ اِيَّهَا  
الْجٰهِلُوْنَ ۝۱۵

و یقیناً بسوی تو و بسوی آنها که

وَلَقَدْ اَوْحٰى اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ

قَبْلِكَ ۱۶ لَيْنٍ أَشْرَكَتَ لِيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ  
وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَسِرِينَ ۱۷

از پیش تو بودند وحی کرده شد  
که اگر شرک کردی یقیناً عمل تو  
ضائع رود و حتماً از خسارت  
کاران شوی (۶۶)

بَلِ اللَّهِ فَاَعْبُدُوهُ كُنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۱۷

بلکه خدا را عبادت کن و از سپاس  
گذاران باش (۶۷)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ۱۸ وَالْأَرْضُ  
جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ  
مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ ۱۹ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا  
يُشْرِكُونَ ۲۰

و آنها قدر خدا را شایان قدر او  
نه شناختند و زمین روز قیامت  
کلیهٔ درمشت او باشد و آسمانهای  
پیچیده بدست راست او باشند.  
او پاک است و بلندتر از آنچه  
شرک ورزند (۶۸) ++

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي  
السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ

و در صور دمیده شود و هر چه در  
آسمانهاست و هر چه در زمین است  
بیهوش افتد مگر آنکه را خدا خواهد

++ آیت ۶۸: در این آیت نفثهٔ قیامت کشیده شد: (۱) در آنروز زمین کلیهٔ در قبضه  
خدا باشد و (۲) تمامی آسمان یعنی کاینات پیچیده در دست راست او باشد. منظور  
از دست راست، دست قدرت است و نه دست راست صوری. موضوع پیچیدن کاینات  
در این زمان از روی پژوهش علمی کاملاً راست آمده است که زمین و آسمان بدان  
گونه داخل یک "بلیک هول فنا" کرده شوند گویی که آنها بهم پیچیده اند. در  
آیت‌های دیگر به وضاحت بیشتر گفته میشود که منظور از تمثیل پیچیدن چه است.

اللَّهُ ثُمَّ نُنْفَخُ فِيهِ أٰخْرٰى فَاِذَا هُمْ  
قِيَامٌ يَنْظُرُوْنَ ﴿٦٩﴾

سپس در آن دوباره دمیده شود.  
پس ناگهان آنان برپا ایستاده می  
نگرند (۶۹)

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ  
الْكِتَابُ وَجَاءَتْ بِالنَّبِيِّْنَ وَالشَّهَدَاءِ  
وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا  
يُظْلَمُوْنَ ﴿٧٠﴾

وزمین بنور پروردگار خود روشن  
گردد و نامه اعمال [روبرو] نهاده  
شود و پیغمبران و گواهی دهنندگان  
احضار شوند و میان ایشان قضاوت  
بحق کرده شود و ایشان ستم  
کرده نشوند (۷۰)

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ  
بِمَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٧١﴾

و مرتن آنچه عمل کرد کاملاً داده  
شود و او داناتراست به آنچه می  
کنند (۷۱)

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُرَّارًا  
حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتِحَتْ أَبْوَابُهَا  
وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ  
مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ  
وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا  
بَلٰى وَلٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى  
الْكَافِرِينَ ﴿٧٢﴾

و کسانی که کفر کردند گروه در گروه  
بسوی جهنم رانده شوند تا آن انتها  
که چون به آن برسند درهایش  
گشوده شود و نگهبانانش به آنها  
گویند، آیا رسولان از خود شما نزد  
شما نیامده بودند که آیههای  
پروردگار شما را بر شما میخواندند  
و شما را از ملاقات این روز شما  
مهدار میدادند؟ آنها گویند: بلی.

امافران عذاب برکافران راست  
آمد(۷۲)

گفته شود:به درهای جهنم وارد  
شوید که در آن مدت درازماندگان  
اید.پس چه زشت است جایگاه  
متکبران(۷۳)

و آنانکه خدا را تقوی کردند  
گروه درگروه ببهشت برده شوند  
حتی چون به آن برسند درهای آن  
گشوده شودو نگهبانانش به ایشان  
گویند: درود بر شما. خوشا بحال  
شما! پس جاودان به آن وارد  
شوید(۷۴)

و گویند:ستایش مطلق از آن خدای  
است که ما را وعده خود وفا کرد  
و ما را وارث سرزمین [موعود]  
گرداند جا میسازیم در بهشت هر  
جا بخواهیم پس پاداش عمل  
کنندگان چه تشنگ است(۷۵)

و فرشتگان را بینی که پیرامون  
عرش را بدور گرفته باشند و

قِيلَ ادْخُلُوا ابْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا  
فَبِئْسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾

وَسَيُقَى الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ  
زُمُرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ  
أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ  
عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ  
وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ  
نَشَاءُ ۚ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ ﴿٧٤﴾

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ

با حمد پروردگار خود تسبیح گویند  
 و قضاوت میان ایشان بداد شود و  
 گفته شود ستایش مطلق برای خدا  
 پروردگار همه جهانها است (۷۶)

الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَأَقْبَضَ  
 بَيْنَهُمُ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ  
 الْعَالَمِينَ ﴿٧٦﴾

## ۴۰ - سورة المومن

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۸۶ آیت دارد.

حروف ابتدائی این سوره مقطعات حَمّ است و شش سوره بعدی نیز با همین مقطعات شروع کرده میشود. اینطور با این جمعاً هفت سوره است که با حَمّ شروع میشوند. خداوند داننا تراست که این سوره ها را وابستگی که با سوره الفاتحه است آن چیست؟

در سوره گذشته فرزندان آدم توصیه شدند که از رحمت خدا نباید نومید شد. قنوط [نومیدی] اصلاً صفت شیطان است. آنکس که بر رحمت خدا از ته قلب توکل کند و از گناهان خود توبه حقیقی کند آنگاه خداوند توانا است که همه گناهانش را بیآمرزد.

بر همین منوال در سوره گذشته فرشتگان حاقّین خوانده شدند که ایشان پیرامون عرش را احاطه کرده اند. اما در این سوره علاوه کرده شد که آمرزش شما وابستگی به دعاهاى فرشتگان نیز دارد که عرش خدا را بدوش گرفته اند. خداوند هر جا موجود است و او هر يك چیز کاینات را برداشته است. لذا اینجا ذکر از صفات تنزیه او می باشد و عرش دال بر صفای قلب آنحضرت ﷺ است. آن تختگاه خدای متعال است. فرشتگان برای تقویت قلب ایشان آنرا از هر چهار سو فرا گرفته اند. ایشان برای بندگان گنهکاران خدا نیز دعا می کنند و بعلاوه برای نژاد ایشان نیز. پس یقیناً این دال بر آن ادعیه برخاسته از عرش دل رسول الله ﷺ است که ایشان تا قیامت برای نیکو کاران خدا در آتیه و نژاد ایشان کرده اند.

در این سوره ذکر از آن شهزاده است که چون فرعون در صد شد که حضرت موسی را بکشد، او ایمان آورده بود ولی آنرا پنهان داشت. اما چون جلوی او طوطئه ای بقتل حضرت موسی چیده شد آنگاه او از اظهار ایمان خود نتوانست باز ایستد و بقوم خود هشدار بزرگ داد که اگر موسی دروغ گوی است او را ول کنید چه دروغگویان خود به خود هلاک میشوند. اما اگر او بر راستی استوار باشد آنگاه او از آنچه ما شمارا میترساند بعضی از آنها شما را فراگیرد.

اینجا قومهارا برای همیشه نصیحتی است که کار مدعیان نبوت به خدا بسپارند. اگر ایشان دروغگو اند او خود ایشان را هلاک سازد و اگر ایشان درستکار باشند و شما بدیشان انکار کردید آنگاه از وعیدهای ایشان بعضی را برخودتان راست آمده خواهید دید. چون این اعلام به آن مدعیان نبوت هم بستگی دارد که بعد از رسول الله ﷺ به نبوت مدعی شده بودند لذا سرگذشتهای آن مدعیان حاکی است که کسانی از آنها که دروغگو بودند هلاک کرده و بفراموشی سپرده شدند.

به نسبت نبوت حضرت یوسف علیه السلام نیز ذکر از مدعی بودن مردم به این امر است که پس از ایشان هیچ پیغمبری ظهور نخواهد کرد. اگر این سخن درست بوده آنگاه چطور رسول الله ﷺ بعد از حضرت یوسف به پیغمبری برگزیده شدند؟ پس این ادعای محض از آن مردم است که از تقدیر خدائی هیچ دانشی ندارند. هر چیزی بسته توان شد مگر راه فضل خدا. ضمناً بدنبال اینکه خداوند دروغگویان را هلاک میسازد این آگاهی هم داده شد که او راستگویان را احتمالاً یاری میدهد. پس هر چه زور دارید بکار برید هیچگاه

شما نتوانید پیغمبران راستین خدا را بشکست رو برو کنید.

آیت ۶۶ بار دیگر به خالص کردن دین مورد تاکید قرار میدهد بدین جهت که جز خدای زنده دیگریچ معبودی نیست. پس دین را برای او خالص کرده فقط او را بخوانید.



☆ سُوْرَةُ الْمُؤْمِنِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سِتُّ وَثَمَانُونَ آيَةً وَتِسْعَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

حمید، مجید - صاحب حمد صاحب  
تمجید (۲)

حَمْدٌ

نازلکردن این کتاب از خدا  
صاحب غلبه کامل دانائی کامل  
است (۳)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ②

آمرزنده گناهان و پذیرنده توبه -  
سخت کیفر - صاحب دهمش و  
وسعت است. هیچ معبودی نیست  
جز او. بازگشت بسوی اوست (۴)  
در آیاتهای خدا ستیزه نکند جز  
آنهایکه کفر کردند. پس آمد و  
رفت آنها آزادانه در کشور تو را  
فریب ندمد (۵)

غَافِرِ الذُّبْحِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ  
العِقَابِ ذِي الطُّوْلِ ۱ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۲  
إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ③

قوم نوح پیش از آنها و گروههای  
مختلف پس از آنها نیز تکذیب  
کرده بودند و هر قوم [نسبت] به

مَا يَجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا  
فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ④

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ  
مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ

بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ  
لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ<sup>قَد</sup>  
فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ①

رسول خود همت را به این اراده  
گمارده بودند که او را بگیرند و  
بدروغ [با او] مجادله کنند تا  
حق را بدان رد کنند. پس آنها را  
بگرفتم. پس [بنگرید که] عقوبت  
من چطور بود (٦)

و اینگونه فرمان پروردگارتو بر  
آنها تیکه کفر کردند راست می‌آید  
که آنها واردان آتش اند (٧)

آنانکه عرش را بدوش گرفته اند  
و آنانکه پیرامون آند با حمد  
پروردگار خود تسبیح میخوانند و  
بدو ایمان می‌آیند و آمرزش می  
طلبند برای آنانکه ایمان آوردند  
- پروردگارا! هرچیز را برحمت  
ودانش فرا گرفته ای. پس کسانیکه  
توبه کردند و راه تو را پیروی  
کردند را بی‌آمرز و ایشان را از  
عذاب جهنم نگهدار (٨)

پروردگارا! ایشان را به بهشت  
های دایم داخل کن آنکه را وعده

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ  
كَفَرُوا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ②

آنها تیکه

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ  
لَيْسِيحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَوْمَئِذٍ بِهِمْ  
وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا  
وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ  
لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ  
عَذَابَ الْجَحِيمِ ③

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي

داده بودی به ایشان و آنکه از پدران ایشان و همسران ایشان و فرزندان ایشان نیکوکاری کند. یقیناً تو صاحب غلبه کامل صاحب

حکمت هستی (۹)

وایشانرا از زشتیها نگهدار و هر که را آنروز از [نتایج] بدیها حفظ کردی پس یقیناً وی را رحمت کردی و همین موافقت بزرگی

است (۱۰)

مانا آنها که کفر کردند صد اشوند که نفرت خدا از نفرت بهم شما بزرگ تر است. چون به ایمان خوانده می شدید آنگاه انکار میکردید (۱۱)

گویند: پروردگار ما تو ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی پس مابه گنامان خود اقرار مینمایم. پس آیا ازین راه گریز است؟ (۱۲) ++

وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ  
وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ ۗ إِنَّكَ أَنْتَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۹﴾

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ ۗ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ  
يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ ۗ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ  
الْعَظِيمُ ﴿۱۰﴾

ع ۱

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ينادُونَ لَمَقُمْتُ اللَّهَ  
أَكْبَرُ مِنْ مَقْمَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ  
إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿۱۱﴾

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَشْتَتِينَ وَآحْيَيْتَنَا  
أَشْتَتِينَ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى  
خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿۱۲﴾

++ آیت ۱۲: بظا هر آدمی یکبار میرد. البته دوبار زنده شدنش بعقل میرسد. یکی این زندگی و دومین آن زندگی بعدی. در "أَمَّنَّا الشَّتَتِينَ" منظور از نخستین مرگ عدم کلی است یعنی نخست بار ما را از عدم کلی بوجود آورده بودی.

ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ  
كَفَرْتُمْ ۗ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا ۗ  
فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿١٣﴾

اینحال شما است چه هرگاه خدا  
به یگانگی خوانده میشد انکار  
میکردید و اگر بدو شریک آورده  
میشد باور میکردید. پس [اکنون]  
فیصله کلیه در اختیار خدا است که  
بسیار بلندتر، بسیار بزرگتر (۱۳)  
اوست که شمارا نشانه های خود  
نشان دهد و برایشما رزق را از  
آسمان نازل کند و پندنگیرد جز  
آنکه انابت کند (۱۴)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ  
السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ  
يُنِيبُ ﴿١٤﴾

پس خدا را بخوانید اطاعت را  
برای او اختصاص داده اگرچه  
کافران ناپسند دارند (۱۵)

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ  
الْكَافِرُونَ ﴿١٥﴾

او صاحب درجاتی بلند پایه و  
صاحب عرش است. روح را بفرمان  
خود نازل کند بر هر که از بندگان  
خود میخواهد تا به روز ملاقات  
مشار دهد (۱۶)

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ ۗ يُلْقِي  
الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ  
لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٦﴾

روزیکه ایشان بیرون آیند چیزی  
از [حال] ایشان بر خدا مخفی نباشد  
امروز پادشاهی از آن کیست؟ برای

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۗ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ  
مِنْهُمْ شَيْءٌ ۗ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ۗ لِلَّهِ

الْوَّاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٧﴾

خدا است که یکتای صاحب جبروت  
است (١٧)

امروز هرنفس مزد داده شود به  
آنچه کسب کرد. امروز ستمکاری  
نیست. یقیناً خدا زود حسابست (١٨)  
و آنها را از روز عقوبت نزدیک  
شده بترسان. گامیکه دلها از اندوه  
به گلوها برسد. ستمکاران را نه  
باشد دوست صمیمی و نه شفیعی  
که قبول کرده شود (١٩)

او میداند خیانت چشان را و آنچه  
را سینه ما پنهان کنند (٢٠)

و خدا با حق قضاوت میکند و آنهایی  
را که جز او خوانند چیزی را قضاوت  
نکنند. یقیناً خدا است که او بسیار  
شنوای بیناست (٢١)

آیا در زمین گردش نکردند تا می  
دیدند که فرجام آنها چطور شد که  
از پیش آنها بودند. آنها با کمالتر  
از اینها در نیرو و نشانیهای وا  
گذارده در زمین بودند. پس خدا

الْيَوْمَ تُجْرَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۗ لَا  
ظُلْمَ الْيَوْمَ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٨﴾

وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْأَرْزَاقِ إِذِ الْقُلُوبُ  
لَدَى الْحَنَاجِرِ كُضْمِينَ ۗ مَا لِلظَّالِمِينَ  
مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ﴿١٩﴾

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي  
الضُّوُرُ ﴿٢٠﴾

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ ۗ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ  
مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ  
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٢١﴾

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ  
قَبْلِهِمْ ۗ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً  
وَأَنْزَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ

آنها را به گنایان ایشان بگرفت و آنها را کسی از خدا نجات دهنده نبود (۲۲)

این بود چه آنان را رسولان ایشان با نشانه های آشکار میآمدند بازهم آنان انکار کردند. پس خدا آنها را بگرفت. یقیناً او بسیار نیرومند و سخت عقوبت است (۲۳)

یقیناً موسی را با نشانه های خود و دلیلی غالب و آشکار فرستادیم (۲۴)

بسوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند اینکه جادوگری بسیار دروغ پرداز است (۲۵)

پس گامیکه او از جانب ما ایشان را بحق آمدگفتند: پسران ایشان را بکشید که با او ایمان آوردند و زنان ایشان را زنده نگهدارید و فیرنگ کافران نیست مگر بهدر رونده (۲۶)

بِذُنُوبِهِمْ<sup>ط</sup> وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۝۲۲

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ  
بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ<sup>ط</sup> إِنَّهُ  
قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۲۳

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ  
مُّبِينٍ ۝۲۴

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا  
سِحْرٌ كَذَّابٌ ۝۲۵

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا  
اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ  
وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ<sup>ط</sup> وَمَا كَيْدُ  
الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلٰلٍ ۝۲۶

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى  
وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ  
دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ  
الْفَسَادَ ﴿٢٧﴾

و فرعون گفت بگذارید من موسی  
را بکشم و او باید پروردگار خود  
را بخواند. براستی من میترسم  
که دین شما را عوض کند یا فساد  
را در زمین شیوع دهد (۲۷)

وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ  
مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٨﴾

و موسی گفت: یقیناً من به پروردگار  
خود و پروردگار شما پناه میبرم از  
هر تکبر کننده که به روز حساب  
ایمان نیآورد (۲۸)

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ  
يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ  
يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ  
مِنْ رَبِّكُمْ ۗ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ  
كَذِبُهُ ۗ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ  
بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي  
مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٩﴾

و گفت مردی مؤمن از فرعونیان  
که ایمان خود را پنهان داشته بود  
آیا مردی را برای این میکشید که  
او میگوید، خدا پروردگار من است  
و شما را با نشانه های آشکار از  
پروردگار شما آمده است؟ و اگر  
دروغگو باشد پس دروغش بر خود  
او است و اگر راستگو است پاره  
از آن چیزها که شما میترسید  
شما را میرسد. یقیناً خدا آنرا که  
او تجاوزگر و سخت دروغگو  
است هدایت نمیدهد (۲۹) ++

يَقَوْمَ لَكُمْ الْمَلِكُ الْيَوْمَ ظَهَرِينَ فِي  
الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ  
جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا  
أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ  
الرَّشَادِ ۝

ای قوم من! امروز بدست شما  
چنین پادشاهی است که در زمین  
چیره می شوید پس کی ماریاری  
دهد از گرفت عذاب خدا اگر ما  
را بیاید. فرعون گفت فقط آنچه  
بشما حالی کنم آنچه را حالی  
میشوم و شما را فقط براه هدایت  
رهنمائی میکنم (۳۰)

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ  
عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۝

و گفت آنکه ایمان آورده بود ای  
قوم من ایقیناً من میترسم بر شما  
[روزگاری] مانند روز احزاب نه  
آید (۳۱)

++ آیت ۲۹: آن مرد مومن که ذکرش در این آیت است او از خویش وندان و از  
سرداران بزرگ فرعون بود و مانند حضرت آسیه او نیز به حضرت موسی ایمان  
آورده بود. اما ایمان خود را پنهان میداشت.

از این آیت میرسد هنگامیکه فرعون و سردارانش به قتل حضرت موسی تصمیم  
میرفتند او ایمان مخفی خود را علنی نمود و به آنها پند نمود که دست از اینکار  
بردارند و دلیلی آورد که اگر او دروغگوی است پس گزند دروغ بر خود او میفتد.  
کسیکه به او نسبت دروغ داده شد او خودش آن دروغگوی را مواخذه کند. اما اگر  
او راستگوی درآمد آنگاه آفت های که او پیشگویی میکند بعضی از آنها دنبال شما  
افتاده منجر به هلاک شما شوند. این علامت دایمی از پیغمبران راستگویان است و ملت  
های که بسوی ایشان پیغمبران مبعوث میشوند برای ایشان پندی استوار است.



مانند روش قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه پس از آنان بودند و خدا برای بندگان خود ستم را قصد نه دارد (۳۲)

و ای قوم من! برستی من بیم دارم بر شما از روزیکه صدای بلند به همدیگر زده خواهد شد. (۳۳)

روزیکه پشت کرده پابفرارنمید شمارا از خدائجات دهنده ی نباشد و مرکه را خدا گمراه قرار دهد پس کسی او را هدایت دهنده نیست (۳۴)

البته شما را یوسف هم پیش از این با نشانه های روشن آمده بود. پس شما مدام در شك مانندید از آنچه که با آن شمارا آمد تا آن انتها که چون او درگذشت گفتید که خدا بعد از او رسولی را مبعوث نخواهد کرد. اینگونه خدا گمراه میگرداند آنکس را که او تجاوز گری در شك فرو رونده

مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَ ثَمُودَ  
وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ<sup>ط</sup> وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ  
ظُلْمًا لِلْعِبَادِ<sup>٣٢</sup>

وَيَقُومُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ  
التَّنَادِ<sup>٣٣</sup>

يَوْمَ تَوْتُونَ مَدِيرِينَ<sup>ج</sup> مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ  
مِنْ عَاصِمٍ<sup>ح</sup> وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ  
هَادٍ<sup>٣٤</sup>

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ  
فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ<sup>ط</sup> حَتَّى  
إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ  
رَسُولًا<sup>ط</sup> كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ  
مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ<sup>٣٥</sup>

است (۲۵)

کسانی که درباره آیت‌های خدا مجادله کنند بدون دلیل قاطمی که آنها را آید گناهی بزرگست نزد خدا و نزد آنانکه ایمان آوردند. اینطور خدا بردل هر کدام متکبر زور گو مهرینهد (۳۶)

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ  
سُلْطَنٍ أَتَاهُمْ<sup>ط</sup> كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ  
وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا<sup>ط</sup> كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ  
عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ<sup>٢٥</sup>

و فرعون گفت: ای هامان برای من کاخی بنا کن تا من به آن راه ها برسم (۳۷)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا  
لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ<sup>٢٦</sup>

راه های آسمانها تا بسوی خدای موسی نگاه دزدکی کنم و براستی من حتمًا او را دروغگو گمان می کنم و اینگونه برای فرعون اعمال زشتش زیبانشان داده شد و از راه بازداشته شد و نبود نیرنگ فرعون جز غرق در بی مرادی (۳۸)

أَسْبَابَ السَّمَوَاتِ فَأَصْلَحَ إِلَى إِلَهِ  
مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا<sup>ط</sup> وَكَذَلِكَ  
رُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ  
السَّبِيلِ<sup>ط</sup> وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي  
تَبَابٍ<sup>٢٧</sup>

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَوْمَ اتَّبَعُونِ اِهْدِكُمْ  
سَبِيلَ الرَّشَادِ ۝۳۰

و گفت آنکه ایمان آورده بودنای  
قوم من! مرا پیروی کنید، شمارا راه  
مدایت نشان خواهم داد (۳۹)

يَقَوْمِ اِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ  
الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ۝۳۱

ای قوم من! این زندگانی دنیا سر  
و سامان موقتی بیش نیست و  
یقیناً آن سرای آخرت است که  
شایان منزل گاه است (۴۰)

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى اِلَّا مِثْلَهَا  
وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْشَى وَهُوَ  
مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ  
فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝۳۱

هر که زشتکاری کند پس پاداش  
داده نشود مگر همانندش و هر که  
از مرد یا زن نیکوکاری کند و او  
مومن است پس همانها وارد بهشت  
شوند. رزق در آن بدون حساب  
داده شوند (۴۱)

وَيَقَوْمِ مَا لِيَ اَدْعُوْكُمْ اِلَى التَّجْوَةِ  
وَتَدْعُونِنِي اِلَى النَّارِ ۝۳۲

و ای قوم من! مرا چیست که شما  
را بسوی نجات میخوانم حالی که  
شما مرا بسوی آتش میخوانید (۴۲)

تَدْعُونِنِي لَآ اَكْفُرُ بِاللّٰهِ وَاَشْرِكُ بِهٖ مَا  
لَيْسَ لِيْ بِهٖ عِلْمٌ وَاَنَا اَدْعُوْكُمْ اِلَى  
الْعَزِيْزِ الْعَقَّارِ ۝۳۲

مرا میخوانید تا به خدا انکار کنم  
و آنچه را شریک او قرار دهم که به  
آن مرا دانشی نیست و من شمارا  
بسوی صاحب غلبه کامل آمرزگار  
میخوانم (۴۳)

بیگمان مرا میخوانید بسوی آنچه برای خواندن آن نه در دنیا جواز است و نه در آخرت و اینکه یقیناً بازگشت مابسوی خدا است و اینکه یقیناً تجاوزگرانند که اهل آتشند (۴۴)

پس یقیناً یادخواهید کرد آنچه بشما میگویم و کار خود را به خدا میسپارم. یقیناً خدا بندگان را نیک بینا است (۴۵)

پس خدا او را نگهداشت از بدیهای آنچه نیرنگ میکردند و فرعونیان را عذاب بد احاطه کرد (۴۶)

آتش - صبح و شام بر آن عرضه می شوند و هنگامیکه قیامت برپا شود [گفته شود که] فرعونیان را به داخل عذاب سختتر کنید (۴۷)

و هنگامیکه در آتش بهم ستیزه کنند پس مستضعفان به مستکبران گویند، یقیناً ما پیروان شما بودیم.

لَا جَرَمَ أَنْمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدْنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٤٤﴾

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ ۗ وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٥﴾

فَوَقَّهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَوَحَّاقٍ بِإِلِ فِرْعَوْنَ سُوءِ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ ۗ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٧﴾

وَإِذْ يَحْجُرُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا

فَهَلْ أَنْتُمْ مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيًّا مِّنَ النَّارِ ۝

پس آیا شما می‌توانید بخشی از عذاب را از ما دور سازید؟ (۴۸)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ۝

گویند کسانی که تکبر کردند یقیناً ما همه در آن ایم. یقیناً خدا بین بندگان حکم کرده است (۴۹)

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ۝

و آنهائیکه در آتش باشند به نگه بانان جهنم گویند: پروردگار خود را دعا کنید که يك روز که کسی عذاب را از ما بکاهد (۵۰)

قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ۚ قَالُوا بَلَىٰ ۚ قَالُوا فَاذْعُوا ۚ وَمَا دُعَاؤُ الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلٰلٍ ۝

گویند: آیا شما را رسولان شما بانسانه های روشن نیآمده بودند. گویند بلی. گویند پس دعا کنید. اما دعای کافران مگر پوچ است (۵۱)

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ۝

یقیناً ما به رسولان خود و آنها که با ایشان ایمان آوردند را هم در این دنیایاری دهیم و هم روزی که گواهان برپا خیزند (۵۲) ++

++ آیت ۵۲: خداوند پیغمبران خود را حتماً یا بندگان نصرت خود قرار میدهد. یَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ را مطلب قیامت یعنی روز فیصله است - روزیکه برخلاف مجرمان گواهی های ناقابل تردید ارائه داده شود.

آنروزستمکاران را عذر خواستن  
آنها سودی نبخشد و برای آنها لعنت  
و برای آنها خانه بد است (۵۳)

و یقیناً ما موسی را هدایت دادیم  
و بنی اسرائیل را وارث کتاب  
نمودیم (۵۴)

که خردمندان را هدایت و اندرزی  
بود (۵۵)

پس صبر کن، یقیناً وعده پروردگار  
توحق است و برای خطاهای خود  
استغفار کن و با حمد پروردگار  
خود تسبیح بخوان شامگامان  
و بامگامان (۵۶) ++

همانا کسانیکه درباره آیات خدا  
بدون آنکه دلیلی قاطع آنها را آمده  
باشد ستیزه کنند نیست در دلهای  
ایشان جز خود خواهی آنچه را آنها  
نرسند. پس به خدا پناه بر. یقیناً او  
بسیار شنوای بینا است (۵۷)

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ  
اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٣﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي  
إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ﴿٥٤﴾

هُدًى وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٥٥﴾

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ  
لِذُنُوبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ  
وَالْإِبْكَارِ ﴿٥٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِعَدْرِ  
سُلْطَنِ أَتْمُهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا  
كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ  
هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٥٧﴾

++ آیت ۵۶: معنای "ذنب" نسبت به آنحضرت ﷺ بمعنای از یاد رفتن و سهوی است و

نه سرزدن گناه.

لَخَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرَ مِنْ  
خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا  
يَعْلَمُونَ ﴿۵۸﴾  
وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ  
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا  
الْمُسِيءَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿۵۹﴾

آفرینش آسمانها و زمین یقیناً  
بزرگتر است از آفرینش انسانها  
و اما بیشتر مردم نمیدانند (۵۸)  
و نیستند یکسان نابینا و بینا نه هم  
آنانکه ایمان آوردند و نیکوکاریها  
کردند و زشت کاران [یکسان]  
اند. کم است بند آنچه شما می  
پذیرید (۵۹)

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ  
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۶۰﴾

همانا ساعت حتمی الوقوع است.  
در این شکی نیست و اما بیشتر  
مردم ایمان نمیآرند (۶۰)

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۗ  
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي  
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دُخْرِينَ ﴿۶۱﴾

و پروردگار شما گفت مرا بخوانید  
شمارا اجابت میکنم. البته کسانیکه  
از عبادت من کبر و رزند حتماً بذلت  
و خواری بداخل جهنم گردند (۶۱)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْيَلَّ لِتَسْكُنُوا فِيهِ  
وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى  
النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ  
لَا يَشْكُرُونَ ﴿۶۲﴾

خدا است آنکه برای شما شب را  
قرار داد تا در آن آرامش یابید و  
روز را بینائی بخش. یقیناً خدا  
رابر مردم فضلی زیاد است و اما  
بیشتر مردم سپاس نگذارند (۶۲)

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

اینست خدا پروردگار شما آفریننده

مرچیز. هیچ معبودی نیست جز او. پس کجافریب داده میشود (۶۳) همینطور فریب داده شوند کسانی که به آیات خدا انکار کنند (۶۴) خدا است آنکه زمین را قرارگاه و آسان را موجب بقاء [شما] قرار داد و شمارا صورت داد و صورتهای شما را نیکوتر ساخت و شما را از پاکیزه هارزق درداد. اینست خدا پروردگار شما. پس تنها همان خدا صاحب برکت ثابت شد که پروردگار تمامی جهانها است (۶۵)

اوست زنده. نیست معبودی جز او. پس دین را برای او خالص نموده او را بخوانید. ستایش مطلق برای خدا پروردگار همه جهانها است (۶۶)

بگو. براستی من نهی شده ام که عبادت کنم آنها را که جز خدا می خوانید گامیکه مرا از پروردگارم نشانه های روشن آمده است و

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ فَالَّذِينَ تُوْفِكُونَ ﴿٦٣﴾

وَقَالُوا

كَذَلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِينَ كَانُوا آيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٦٤﴾

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً ۖ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ ۖ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۗ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ ۗ فَتَبَرَّكُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٥﴾

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾

قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِلرَّبِّ



الْعَالَمِينَ ﴿۱۷﴾

امر شده ام که کاملاً فرمانبردار  
پروردگارمه جهانباشوم (۶۷)

اوست آنکه شما را از گل باز از  
نطفه باز از خون بسته آفرید.  
سپس شمارا کودکی بیرون میآرد.  
سپس [توفیق بخشد] تا بعد بلوغ  
خود برسید تا از آن پس به پیران  
سال باشید و تا بنهایت زمانی معین  
خود برسید. و بعضی از شما از قبل  
وفات داده شوند، و [این است] تا  
شما عقل کنید (۶۸)

اوست آنکه زنده کند هم می  
میراند. پس هرگاه به امری تصمیم  
گیرد پس برای آن فقط میگوید  
باش آنگاه آن رونهد و منتها می  
شود (۶۹)

آیا ندیدی کسانی را که در آیات  
خدا ماحاجه میکنند. آنها کجا منحرف  
کرده میشوند (۷۰)

کسانیکه انکار کردند بکتاب و به  
آن امور که با آن رسولان خود را

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ  
لُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً  
ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا  
شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ  
وَلِتَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ  
تَعْقِلُونَ ﴿۱۸﴾

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ۚ فَإِذَا قُضِيَ  
أَمْرًا ۚ فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۱۹﴾

۱۸  
۱۹

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ  
أَلَّا يُصِرُّوا قَوْلَهُ ﴿۲۰﴾

۲۰  
معاذ الله

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ  
رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿۲۱﴾

میفرستادیم پس آنها بزودی

خواهند دانست (۷۱)

گاهی که در گردنهای ایشان طوق

باشد و زنجیرها [باآنچه] کشیده

شوند (۷۲)

در آبی جوشان. سپس در آتش

انداخته شوند (۷۳)

سپس برایشان گفته شود: کجا اند

که شما آنها را شریک قرار می

دادید (۷۴)

بغیر از خدا - گویند: از ما گم شده

اند. بلکه ما که بیش از این چیزی

رانمیخواندیم. اینطور خدا کافران

را گمراه قرار میدهد (۷۵)

این است چه شما در زمین بناحق

شادمانی میکردید و چه شما فیس

میکردید (۷۶)

داخل درهای جهنم شوید - در آن

مدت دراز منزل کنندگانید. پس

منزلگاه متکبران بسیار زشت

است (۷۷)

إِذَا أَعْلَلَ فِي آعْنَاقِهِمُ وَالسَّلْسِلُ<sup>ط</sup>  
يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾

مِنْ دُونِ اللَّهِ<sup>ط</sup> قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ  
نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا<sup>ط</sup> كَذَلِكَ يَضِلُّ  
اللَّهُ الْكُفْرِينَ ﴿٧٤﴾

ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ  
بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾

أَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا<sup>ع</sup>  
فَيْئَسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾

پس صبر کن. یقیناً وعده خدا حق است پس اگر برخی آنکه آنها را اخطار میکردیم تورا نشاندمیم یا تو را وفات دمیم بحرحال بسوی ما برگردانده شوند (۷۸)

والبته پیش از توهم رسولانی را فرستادیم. بودند از ایشان آنانکه بر تو ذکر کرده ایم و بودند از ایشان آنان که بر تو ذکر نکرده ایم و رسولی را ممکن نیست که بدون اذن خدا آیتی بیارد. پس چون امر خدا آید قضاوت به داد کرده شود و تکذیب کنندگان آنگاه زیان کنند (۷۹) ++

خدا است آنکه چهار پایان را برای شاساخت تابعی از آنها را سواری

++ آیت ۷۹: نخستین سخن در این آیت لایق تذکرایست که از میان بیشمار پیغمبران فقط برخی از ایشان بزبان رسول الله ﷺ ذکر شده اند. اما این کل تعداد پیغمبران نیست. بلکه از میان پیغمبران گوناگون تعدادی بمنوان نمونه ارائه شده اند. در حالیکه بطور نمونه اجتماعی ایشان آنحضرت ﷺ را ذکر است. در قرآن مجید با رسول الله ﷺ جمعا ۲۵ پیغمبران را طبق پیشگوئی مکاشفات ذکر است [مکاشفه باب ۴- ۱۱].

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَأِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّا يُرْجِعُونَ ﴿۷۸﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقُصُّصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿۷۹﴾

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۷۹﴾

کنید و از آنها بعضی را می‌خورید (۸۰)  
و شما را در آنها منافع است و تا  
بر آنها [سوار شده] حاجتی در دل‌های  
خود را بر آورید و بر کشتیها نیز  
برداشته می‌شوید (۸۱)

و شما را آیت‌های خود نشان میدهد  
پس شما کدامین آیت‌های خدا را  
انکار خواهید کرد؟ (۸۲)

پس آیا در زمین سیر نمی‌کردند پس  
میدیدند که فرجام آنها که از بیش  
آنها بودند چطور شد؟ ایشان از  
اینها بیشتر و با کمال تردد در نیرومندی  
و واگذاردن آثار [عظمت] در زمین  
بودند. پس هیچ بدرد آنها نخورد  
آنچه کسب میکردند (۸۳)

پس هرگاه ایشان را پیغمبران  
ایشان بانسانه‌های آمدند شادمان  
ماندند به همان دانش که نزد ایشان  
بود و فرا گرفت آنها را همان تمسخر  
که آنرا میکردند (۸۴)

پس چون عذاب ما را دیدند، گفتند

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَتَلْبَغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً  
فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْقُلُوبِ  
تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ ۖ فَآيَ آيَاتِ اللَّهِ  
تُكْفِرُونَ ﴿٨١﴾

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ  
كَانُوا أَكْثَرُ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي  
الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَّا كَانُوا  
يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا  
بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَّا  
كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٨٣﴾

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّهُ

وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿۸۵﴾

ما ایمان آورده ایم به خدا که او  
یگانه است و انکار کرده ایم بر  
اساس آنچه با او شرک ورزندگان  
بودیم (۸۵)

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا  
بِأَسْنَانِ سُنَّتِ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي  
عِبَادِهِمْ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكٰفِرُونَ ﴿۸۶﴾

بس ایشان را ایمان ایشان سودی  
نیآورد چون عذاب مارادیدند. این  
سنت خدا است که جهت بندگانش  
گذشته است و کافران آنوقت  
زیان کشیدند (۸۶)

## ۱۴ - حَمَّ السَّجْدَةِ

این سوره مکی است و با بسم الله ۵۵ آیت دارد.

پس از سوره المومن سوره حَمَّ السَّجْدَةِ است. ابتدای این سوره نیز با مقطعات حَمَّ میشود. بمحض شروع این سوره ادعا میشود که قرآن مجید نازل شده است در آن زبان فصیح و بلیغ که آن موضوعات را به روشنی بیان کرده است. اما منکران در پاسخ میگویند که بر دلهای ما پرده‌ی است، گوشهای ماسنگین و میان ما و شامحاجبی حائل است و رسول الله ﷺ را مخاطب ساخته اعلام میکنند که هر چه میتوانی بکن و ما هم باعزم در کار خود مشغول هستیم. اکنون نباید این امر بخیال افتاد که دشمنان انبیاء ایشانرا بی آزار آزاد به انجام دادن هر کار میگذارند. بلکه مفهوم اینست که تو کار خود را ادامه بده و مایبوسته سعی خواهیم کرد که تو را به شکست روبرو کنیم.

بعکس رسول الله ﷺ این پاسخ آموخته شدند که تو به آنها بگو که اگرچه منم آدمی مثل شما هستم اما آن وحی که بر من فرستاده شد در نتیجه آن میان من و شما تفاوت زمین و آسمان بوجود آمده است.

در این سوره برخی چنین آیت‌های است که بعضیها بملت عدم ادرك در مورد آنها ایراد میگیرند. بعنوان مثال نسبت به آیات ۱۱ تا ۱۳ میپندارند که آن تمامی کاینات که در ابتدای آفرینش همچون مه در جو گسترش یافته بود ذکر از آن کرده میشود در حالیکه آفرینش زمین بسیار بعد از آن صورت گرفته است.

در حقیقت اینجا آن موضوع نقل میشود که نظام غذایی که در زمین موجود است آن در چهار دور به تکمیل رسانده شد و قرار دادن کوه ما در

این، نقش عمده ای را ایفا کرده است. سپس فرمود که آسمان بالائی آن بصورت دودی بود. این دود بحقیقت در صورت چنین بخاراتی وجود داشت که بلندتر از هفت آسمان در جوار زمین بود و آن بخارات چون تکراراً بر زمین میبارید آنگاه در اثر شدت گرما دوباره بسوی بلندیهای آسمان بصورت دود بالا می رفت. مدت مدید این چگونگی زمین را فرا گرفته بود و منتها آن آب بر زمین باریده در صورت دریاها در روی زمین گسترش یافت که از آنجا بصورت بخارات بالا رفته و با کوهها برخورد کرده باز بر زمین به باریدن گرفت. سپس هفت آسمان در جوار زمین در دو دور به تکمیل رسانده شدند و هر طبقه آسمان فرمان معین داده شد که آنرا فلان کار انجام دادن است.

امروز پژوهشگران علم، آسمانی در جوار زمین دارای هفت طبقه را ذکر کرده میگویند که هر کدام طبقه کار معینی را برعهده دارد و غیر از آن بقای انسان بر زمین ممکن نبود و اینهمه طبقات آسمان بر حفاظت زمین و اهل زمین مامور شده اند.

آن استقامت که به آن رسول الله ﷺ آموزش داده شدند تفصیل و پاداش بزرگ آن در دو بخش ذکر شده است. بخش اول عبارت از این مژده به همه ای مومنان است که اگر ایشان در مقابل ستمکاریهای دشمن شکیبائی نشان دهند آنگاه خداوند برایشان فرشتگانی را نازل خواهد کرد که دلهای ایشان را تقویت بدهند و با ایشان مکلام شده تسلی بدهند که ما هم در این دنیا با شمائیم و در آخرت نیز باشما خواهیم شد.

سپس در این آیتها که با کلماتی وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ شروع میشوند موضوع را جلو تر برده فرمود که اگر شما علاوه بر حفاظت خود

تو گُل بر خدا کرده با صبر و حکمت در رساندن پیغام به ایشان شکیبائی نشان دادید آنگاه آنانکه دشمن سرسخت شمایند آنان یقوت جان نثاران شما خواهند شد. اما این ممجزه گذشته از همه باشان والاتر در ذات گرامی آنحضرت ﷺ بظهور رسید که صبورترین صبرکنندگان بودند و ایشان ناشی از صبر به مَسِرَّت فراوان برخوردار بودند و واقعاً که در زندگی ایشان بسیار کثیر دشمنان جان ایشان تبدیل به جان نثاران ایشان گشتند.

پایان این سوره عبارت از این ذکر است که ما آنانرا که منکر از ملاقات خدا هستند نشانه های فراوان نشان خواهیم داد که مربوط به هم نشانه های بظهور رسیده بر آفاق و هم به آن نظام زندگی حیرت انگیز باشند که خداوند در اجسام ایشان تنظیم کرده است. پس آنانکه توفیق نگاه کردن بر آفاق و درون خودش بدست آورند همانند که اعلام ایشان این خواهد بود، رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.



☆ سُوْرَةُ حَمَّ السَّجْدَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ رُكُوْعَاتٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

حَمَّ ②

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)  
حمید، مجید - صاحب حمد صاحب  
تمجید (۲)

تَنْزِیْلٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ③

نازل کردن این از جانب رحمن  
[و] رحیم است (۳)

كِتٰبٌ فُصِّلَتْ اٰیٰتُهُ قُرْاٰنًا عَرَبِیًّا لِّقَوْمٍ  
یَعْلَمُوْنَ ④

کتابی است که آیاتش بوضوح  
بیان شد [بصورت] قرآنی که فصیح  
و بلیغ است برای قومیکه  
بدانند (۴)

بَشِیْرًا وَاَنْذِیْرًا ۚ فَاَعْرَضَ كَثَرُهُمْ  
فَهُمْ لَا یَسْمَعُوْنَ ⑤

مژده دهنده است هم بیم دهنده.  
پس بیشتر ایشان روگردانی  
کردند و آنها گوش نکنند (۵)

وَقَالُوْا اَقْلُوْا بِنٰفِیْ اَكِنَّتُمْ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ  
اِلَیْهِ وَفِیْ اٰذَانِنَا وَقُرْوٰنٌ مِّنْ بَیْنِنَا وَبَیْنِكَ  
حِجَابٌ فَاَعْمَلْ اِنَّا عَمِلُوْنَ ⑥

وگفتند، دل‌های ما در پرده است از  
آنچه ما را بسوی آن میخوانی و  
گوش‌های ما سنگین است و در  
میان ما و درمیان شما پرده‌ی  
است. پس هرچه میل داری بکن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

البته مامم برجای خود کنندگان

ایم (۶)

بگو من هم مانند شما فقط بشری هستم. بسوی من وحی میشود که معبود شما معبودیگانه است. پس در حضور او با استواری بپایستید و از او آمرزش بطلبید و هلاک باد بر مشرکان (۷)

کسانی که زکات نمیدهند و همانند که به آخرت منکرانند (۸)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و نیکو کاری کردند پاداش ایشان بدون انقطاع است (۹)

بگو آیا او را انکار کنید که زمین را در دو زمان آفرید و برایش شریکان قرار میدهد؟ اینست پروردگار همه جهانها (۱۰)

و او در مناطق مرتفع آن کوهها ساخت و در آنها برکت نهاد و در آنها سامان خوردن و نوش از خود آنها در چهار زمان مقرر داشت که [این

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ  
أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ  
وَاسْتَغْفِرُوا لَهُ ۗ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ ۗ

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ  
هُمْ كَفِرُونَ ۝

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ  
أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝

قُلْ أَيُّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ  
الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ  
أنداداً ۗ ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ  
فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَمْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ  
أَيَّامٍ ۗ سَوَاءٌ لِّلسَّالِفِينَ ۝

نیازها [طلبکاران را یکسانست (۱۱)]  
سپس بسوی آسمان متوجه شد و  
آن دودی بود. پس او به آن و  
زمین گفت هر دوی بخوشی یا  
ناخوشی بیآید. هردو گفتند ما  
بخوشی حاضر آمده ایم (۱۲)

پس او آنها را در دو زمان درمفت  
آسمان ساخت و قوانین هر آسمان  
را در آن وحی کرد و آسمان دنیا  
را با چراغها و اسباب نگهبانی مزین  
کردیم این تقدیر صاحب غلبه  
کامل صاحب دانش است (۱۳)

پس اگر روی برتابند آنگاه بگو  
شمارا بعدابی مانند عذاب عاد و  
ثمود هشدار میدهم (۱۴)

چون ایشان را پیش روی ایشان  
و در زمانی قبل از ایشان رسولان  
آمدند که عبادت نکنید جز خدا را  
گفتند. اگر پروردگار ما میخواست  
البته فرشتگان را نازل میکرد.  
پس یقیناً ما با آن پیغام که

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ  
فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا  
أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١﴾

فَقَضَّسَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ  
وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا  
السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ ۗ وَحِفْظًا ۗ ذَٰلِكَ  
تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾

فَإِنِ اعْرَضُوا فَعَدَا ۗ كَذَٰلِكَ نَجْزِي  
الْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ  
وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۗ  
قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا  
بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿١٤﴾

فرستاده شدید به آن انکار  
کنندگانیم (۱۵)

پس نسبت به عاد آنها در زمین بنا  
حق کبر ورزیدند و گفتند، کیست  
سختتر از ما در نیرو؟ آیانی بینند  
که خدای که آنها را آفرید سختتر از  
آنها در نیرو است و آنها به آیتهای  
مالجوجانه انکار میکردند (۱۶)

پس ما بادی تند را در روزهای  
شوم بر آنها فرستادیم تا آنها را در  
زندگی دنیا عذاب ذلت بچشانیم و  
البته عذاب آخرت رسواتر است  
و آنها یاری نخواهند شد (۱۷)

و باتوجه به نمود پس به آنها  
هدایت دادیم اما آنها بر هدایت  
کوری را ترجیح دادند. پس صاعقه  
عذاب خوارکننده آنها را گرفت به  
آنچه داشتند کسب میکردند (۱۸)

و نجات دادیم ایشان را که ایمان  
آوردند و تقوی میکردند (۱۹)  
و روزیکه دشمنان خدا بسوی آتش

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ  
الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ  
يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ  
مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿۱۵﴾

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي  
أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُبَذِّقَهُمْ عَذَابَ  
الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ  
الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿۱۶﴾

وَأَمَّا مُؤَدُّ فَهَدَيْنَهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ  
عَلَى الْهُدَىٰ فَآخَذْتَهُمْ صِغْرَةَ الْعَذَابِ  
الَّذِي كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۷﴾

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿۱۸﴾

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ

يُوزَعُونَ ﴿۱۰﴾

احاطه کرده برده شوند و آنها گروه  
گروه تقسیم کرده شوند (۲۰)

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ  
سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا  
كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۱﴾

تا چون به آن برسند گوش های  
ایشان و دیدگان ایشان و پوست  
های ایشان برخلاف ایشان گواهی  
دهند به آن عمل که میکردند (۲۱) ++

وَقَالُوا الْجُودُ بِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا  
قَالُوا أَنْظَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ  
وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ إِلَيْهِ  
تُرْجَعُونَ ﴿۱۲﴾

وگویند به پوستهای خود چرا بر  
خلاف ما گواهی دادید. پاسخ دهند:  
آن خدا ما را بتکلم آورد که هر چیز  
را به تکلم آورد و اوست که شما  
را اوّل بار آفرید و بسوی او باز  
گردانیده شوید (۲۲) ++

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ  
سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ  
وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا  
مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۳﴾

و نمیتوانستید شما پنهان شوید [از  
این] که گواهی دهد برخلاف شما  
شنوایتان و نه چشمانتان و نه  
پوستهایتان ولی شما گمان کرده  
بودید که خدا نمیداند بیشتر را  
از آنچه میکنید (۲۳) ++

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ  
أَرَدْتُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۱۴﴾

و آن گمان شما که به پروردگار  
خود گمان میکردید شما را هلاک  
کرد و شما از زیانکاران شدید (۲۴)

و اگر صبرکنند آتش جایگاه آنها  
است و اگر عذر آورند پس آنها  
از عذر پذیرفتگان نباشند(۲۵)

و برای آنان رفیقانی قرار دادیم  
که آنها برای ایشان پیراسته  
آوردند آنچه پیشروی ایشان بود  
و آنچه پشت سر ایشان بود و بر  
ایشان همان فرمان راست آمد که  
در مورد قومهای بود که قبل از  
آنان از جن و آدمی گذشته بودند.

یقیناً آنها زیانکاران بودند(۲۶)

و گفتند آنانکه کفر کردند این قرآن  
را گوش نکنید و در آن شلوق کنید  
تابدینسان برتری بیابید(۲۷)

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ۗ وَإِنْ  
يَسْتَعْتِبُوا فَمَا لَهُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿۲۵﴾

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ  
أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ

الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ ﴿۲۶﴾

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا

الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ ﴿۲۷﴾

++ آیات ۲۱-۲۲: در این آیتها از آنجمله گواهی های که روز قیامت برخلاف مجرمان  
فراهم شوند شکفت انگیز گواهی پوست تن است. در آن زمان که گواهی پوست تن  
بخطا رخطور نمیگردد ولی کارشناسان علم حیوانیت امروز بطور قطعی به اثبات رسانده  
اند که شکل و شباهت بیرونی و درونی انسان بیشتر در هریک مسام پوست مرتسم کرده  
شده است. حتی اگر جانوری میلیونها سال پیش اینطور زیر خاک باشد که مسام های  
پوستش سالم باشند. پس بر اساس یکی از آن مسامها جانوری اصلاً مانند آن مجدداً توان  
تخلیق کرد. عمل تخلیق انسان و میش ها از روی علم پیدایش [Genetic  
Engineering] و مسام های پوست تن نیز این گواهی قرآن را به اثبات میرساند.

فَلَنذِيْقَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَذَابًا شَدِيْدًا  
وَلَنَجْزِيْنَهُمْ اَسْوَا الَّذِيْ كَانُوْا  
يَعْمَلُوْنَ ﴿۲۸﴾

پس یقیناً ما کسانی که کفر کردند  
را عذابی سخت بچشانیم و حتماً به  
آنها پاداش دهیم بدترین آن عمل  
که میکردند (۲۸)

ذٰلِكَ جَزَاءُ اَعْدَاءِ اللّٰهِ النَّارُ لَهُمْ فِيْهَا  
دَارُ الْخُلْدِ ۚ جَزَاءُۙ بِمَا كَانُوْا بِاٰتِنَا  
يَجْحَدُوْنَ ﴿۲۹﴾

این [امر حتمی] است که پاداش  
دشمنان خدا آتش است. برای  
ایشان در آن منزلگاهی دراز مدت  
است. این پاداش است چه به آیت  
های ما دانسته انکار میکردند (۲۹)  
و کسانی که کفر کردند گویند،  
پروردگارا! ما را از آن جنها و  
انسانها بنما که ما را گمراه کردند  
تا آندو را زیر پای خود له کنیم  
تا از خوارترینها بشوند (۳۰)

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا رَبَّنَا الَّذِيْنَ  
اَضَلَّنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ نَجْعَلْهُمَا  
تَحْتَ اَقْدَامِنَا لِيَكُوْنَا مِنَ الْاَسْفَلِيْنَ ﴿۳۰﴾

مانا آنانکه گفتند خدا پروردگار  
ماست از آن پس پایداری کردند  
فرشتگان بر ایشان بکثرت نازل  
شوند که نترسید و اندوه گین  
نشوید و دلشاد شوید به بهشتی  
که شما وعده داده میشوید (۳۱) ++  
مامم در زندگی این دنیا دوستان

اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا  
تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَلَّا تَخٰفُوْا وَّلَا  
تَحْزَنُوْا وَاَبْشُرُوْا بِالْجَنَّةِ الَّتِيْ كُنْتُمْ  
تُوْعَدُوْنَ ﴿۳۱﴾

نَحْنُ اَوْلٰٓئُكُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي

الْأَخْرَةَ<sup>۳۲</sup> وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُنَّ  
 أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ<sup>۳۳</sup>

شما ایم و هم در آخرت و برای شما  
 در آن مهیا است هر چه دل های  
 شما آرزو کنند و برای شما در آن مهیا  
 است هر چه طلب کنید (۳۲) ++

تُرَاوَعُونَ<sup>۳۴</sup> غُفُورٍ رَحِيمٍ<sup>۳۵</sup>

این از جانب بینهایت آمرزنده بار  
 ها رحمت کننده پذیرائی است (۳۳)

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ  
 وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ  
 الْمُسْلِمِينَ<sup>۳۶</sup>

و کیست نیکوتر در سخن از آنکس  
 که بسوی خدا بخواند و نیکو کاری  
 کند و گوید، یقیناً من از فرمان  
 برداران کامل هستم (۳۴)

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ<sup>۳۷</sup> ادْفَعْ  
 بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ  
 عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ<sup>۳۸</sup>

و نتوان شدیکسان نیکی [با بدی]  
 و نه بدی [با نیکی]. دفاع کن با  
 چیزی که نیکوترین است. پس  
 ناگهان آنکس که بین او و تو  
 عداوت است او مانند یک دوست  
 صمیمی میشود (۳۵)

آیات ۳۱-۳۲: در این آیات ذکر است که نزول وحی مدام جاری خواهد ماند و بر آن  
 کسان نازل شود که بخاطر خدا راه استقامت پیش گیرند و هنگام آزمایشها ثابت  
 مانند در آنصورت فرشتگانی که بر ایشان نازل آیند، گویند که ما هم در این دنیا  
 با شما ایم و هم در آن دنیا با شما باشیم و همه آرزوهای نیکو شما را بپایان  
 بریم.



و این رتبه داده نشود جز آنان را که صبرکنند و این رتبه داده نشود جز آنکه نصیبار بزرگی است (۳۶) و اگر انگیزی از شیطان تو را میانگیزد آنگاه به خدا پناه ببر. یقیناً او بسیار شوای صاحب علم دائمی است (۳۷)

و از آیتهای او است شب و روز و خورشید و ماه. سجده نکنید خورشید را و نه ماه را و خدا را سجده کنید که آنها را آفرید اگر شاعباد ترا خاص او گذارید (۳۸) و اگر تکبر کنند پس [بدانند] آنانکه نزد پروردگارتو هستند شب و روز او را تسبیح میخوانند و ایشان خسته میشوند (۳۹)

و از آیتهای اوست که زمین را افتاده مبینی. پس هرگاه آب را بر آن نازل کنیم تکان خورد و نمو کند. یقیناً آنکه آنرا زنده کرد حتماً مردگان را زنده کننده

وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا ۗ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٦﴾

وَأَمَّا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۗ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٧﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۗ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٨﴾

فَإِن اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْمُونَ ﴿٣٩﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۗ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتَى ۗ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾

است. یقیناً او بر هر چیز آنچه را خواهد مدام قدرتمند است (۴۰) ++  
 هرآینه کسانی که در آیت‌های ما انحراف ورزند بر ما مخفی نمی ماند. پس آیا روز قیامت آنکه به آتش افکنده شود بهتر است یا آنکه ایمن آید؟ بکنید هر چه میل دارید. یقیناً او در نهایت بینای آنست که میکنید (۴۱)

یقیناً [کیفر شوند] آنانیکه به ذکر انکار کردند چون نزد ایشان آمد حالانکه یقیناً آن کتابی غالب و گرامی بود. (۴۲)

دروغ آنرا نیاید از پیش رویش و نه پشت سرش. نازل کردن آن از

إِنَّ الَّذِينَ يُلْجِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا ۗ أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرًا مِّنْ يَّاتِيَّ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ اِعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ ۗ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤١﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿٤٢﴾

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۗ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٣﴾

++ آیت ۴۰: در اینجا سخن از زنده بودن زمین پس از باریدن باران رفته است. پس زندگی پس از مرگ نیز بهین موضوع بستگی دارد. بعثت ثانی برای همه است ولی بحقیقت زندگی روحانی نصیب آنان میشود که از آبی از آسمان نازل شونده برخوردار باشند یعنی پیغمبران را پذیرفته و بر تعلیمات ایشان عمل میکنند. آب آسمان بر هر جای زمین میبارد باز هم بر فایده صخره ها و زمینی بایر هیچ نمیفزاید و تنها آن خاک را حیات می بخشد که دارای ماده حیات است.

صاحب حکمت صاحب ستایش  
است (٤٣)

برای تو گفته نمیشود جز آنچه به  
رسولان پیش از تو گفته شد. یقیناً  
پروردگارتو صاحب بسیار آمرزش  
هم عذابی دردناک دهنده است (٤٤)  
و اگر ما آنرا قرآن اعجمی [غیر  
فصیح] ساخته بودیم یقیناً میگفتند  
که چرا آیتهاش روشن ساخته  
نشد. آیا اعجمی و عربی [یکسان]  
اند؟ بگو، آن برای ایشان که ایمان  
آورده اند هدایت و شفاء است و  
آنها که ایمان نیآرند در گوشهای  
ایشان سنگینی است و آن [هدایت]  
بر آنها مخفی است. همانند که از  
جای دور خوانده شوند (٤٥)

و البته موسی را نیز کتاب داده  
بودیم پس در آن اختلاف کرده شد  
و اگر فرمان پروردگارتو پیشی  
نگرفته بود یقیناً میان آنها قضاوت  
کرده میشد و یقیناً آنها از آن در

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ  
مِنْ قَبْلِكَ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَعْفِرَةٍ  
وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ۝٤٤

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا  
فُصِّلَتِ آيَاتُهُ ۗ أَءَعْجَبِي ۗ وَعَرَبِي ۗ قُلْ  
هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً ۗ وَالَّذِينَ  
لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ  
عَلَيْهِمْ عَمًى ۗ أُولَٰئِكَ يَتَدَوَّنَ مِنْ  
مَّكَانٍ بَعِيدٍ ۝٤٥

ع  
١٢  
١٩

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ۗ  
وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ  
بَيْنَهُمْ ۗ وَاللَّهُ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَرِيِبٌ ۝٤٦

شکی ناراحت کننده اند. (۴۶)

هر که شایسته کاری کند پس برای  
 نفس اوست و هر که بدی کند پس  
 بر جان اوست و پروردگار تو بر  
 بندگان بیچاره خود به ذره ای هم  
 ستم کننده نیست (۴۷)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ  
 فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۴۷

علم ساعت بسوی او برگردانده شود و بعضی میوه ما از غنچه های خود بیرون نیاید و ماده ای بار دار نمیشود و نه هم میزاید مگر بعلم او و [یاد کنید] روزیکه به آنها بانگ زند که کجا اند شریکانم؟ آنها گویند: ما تو را آگاه میسازیم

که کسی از ما گواه نیست (۴۸)

و ناپیداشود از آنها آنچه را که قبلاً می خواندند و بفهمند که ایشان را هیچ گریزگامی نیست (۴۹)

انسان از خواستن خوبتر فرو نمی ماند. اما اگر بدی او را برسد پس دل شکسته نوید میشود (۵۰)

و اگر بدو رحمت خود بچشانیم پس از آنکه گزندی بدو رسید حتماً گوید: این برای من است و گمان نمی کنم قیامت برپا گردد و اگر هم به سوی پروردگار خود بازگردانده شوم یقیناً برای من خوبی نزد او بالاتر است. پس یقیناً

إِلَيْهِ يُرَدُّ عَلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا يَعْلَمُهُ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ آيُنْ شُرَكَائِي قَالُوا أَدْنُكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ۱۴

وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ

وَوَدُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ ۱۵

لَا يَسْمَعُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ

مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُوسِسْ قَنُوطٌ ۱۶

وَلَيْنٌ أَذَقَهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءٍ

مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ

السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَيْنٌ رُّجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي

إِنِّي لِنِ عِنْدَهُ لِلْحَسَنِ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ

كَفَرُوا وَابْمَأْجَمُوا وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِّنْ

عَذَابٍ غَلِيظٍ ۵۱

آنهاکه کفر کردند را آگاه سازیم  
 بآنچه میگردند و حتماً به آنها عذاب  
 شدیدی بچشانیم (۵۱)

و هرگاه بر انسان انعام کنیم روی  
 بر تابد و کنار کشیده دور میشود و  
 هرگاه بدو گزندی برسد آنگاه دعا  
 های عریض را کننده است (۵۲)

بگو. حالی کنید اگر او از جانب خدا  
 باشد باز هم شابه او انکار کردید  
 [پس] کیست ستمکارتر از آنکه در  
 مخالفت غرق است؟ (۵۳)

حتماً ما آیتهای خود را به آنها  
 در اطراف جهان و در خود ایشان  
 نشاندهیم تا بر آنها خوب آشکار  
 گردد که آن حق است. آیا این به  
 پروردگار تو بس نیست که او بر  
 هر چیز نگهبان است (۵۴)

باش احتمالاً آنها از دیدار پروردگار  
 خود در شک اند. باش ایقیناً او  
 هر چیز را احاطه کرده است (۵۵)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ  
 وَنَايَبَانِيهِ ۚ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو  
 دُعَاءٍ عَرِيضٍ ۵۲

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثَمَرٌ  
 كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَصْلٍ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقِ  
 بَعِيدٍ ۵۳

سَتْرِيهِمْ أَتَيْنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ  
 حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ  
 بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۵۴

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيضَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ۗ  
 أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ۵۵

بِج

## ۴۲- الشوری

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۵۴ آیت دارد.

آخرین آیه سوره گذشته حاکی از این بود که چون نعمت نبوت نازل می شود آنگاه مردم از قبولی آن اعراض میورزند و چون بملت انکار شری به آنها تمسک کند برای دور شدن آن به دعا های عریض میپردازند. پس آنان متنبه ساخته میشوند که خداوند آنانرا آن نشانه های خود نیز نشان خواهد داد که بر آفاق ظهور میکنند و مظاهر بزرگی از قانون قدرت میباشد و هم آن نشانه های به نمایش گذارد که در درون هر کدام انسان بعنوان گواهی به هستی خدای متعال وجود دارند.

در این سوره پس از مقطعات فرموده شد بطوریکه قبلاً وحی فرستاده شده بود و پیشینیان به آن پشت گردانده بودند بر همان منوال اکنون بر تو وحی بعنوان نعمتی بزرگ فرستاده میشود. اما دنیا داران این نعمت آسمانی را قبول نکنند زیرا که آنها آزمند به نعمتهای دنیا میباشدند.

سپس در آیه کریمه - ۸ آنحضرت ﷺ بعنوان بیم دهنده ای کُلُّ عَالَمٍ معرفی میشوند. چه مادر همه قریه ها یعنی مگه جای را که خداوند مرکز تمامی دنیا برگزیده است اگر آن بیم داده شود آنگاه همه جهان بیم داده شد و کلمات وَمَنْ حَوْلَهَا همه محل سکونت های روی جهان را احاطه کرده است. سپس ذکر از یَوْمِ الْجَمْعِ است. مفهوم این کلمات اینست، بطوریکه مکه محل گردائی همه نوع انسان برگزیده شد. یکی دیگر محل گردائی روز آخرت است که آنگاه جمیع نوع انسان جمع کرده خواهند شد.

پس رسول الله ﷺ را مبعوث کرده سعی بر آن بود که همه مردم بمنوان امت واحده ای جمع کرده شوند. اما خداوند میدانست که اهل دنیا این نعمت را رد کرده در وضع ازهم جداخواهند ماند چه نیست خداکه مردم را باجبار بر هدایت جمع کند و الا او همه مردم گیتی را يك امت میساخت.

وحی فرستادن را بر رسولان پیشین نیز همین مقصود بود که ایشان مردم را بهم گرد آورند. اما مرگاه ایشان آمدند بدبختانه مردم از این نعمت انکار ورزیده انشقاتی فزونتر پیدا کردند. علت اصلی تفرقه این بیان میشود که ایشان از همدیگر کینه داشتند. اکنون مسئله این است چرا قضیه ایشان با وجود نافرمانیهای پیوسته ایشان بیایان داده نمیشود؟ پس جوابش اینست تا آنزمان که انسان را بر زمین سلسله آزمایش مقدر است قضیه ایشان پیش از سرآمد آنزمان در این دنیا طی کرده نمیشود. اگرچه موقتاً قضیه هر کدام ملت در مدت اجل مسمی آن در این دنیا، طی کرده میشود اما چون اقوام دنیا متوالیاً جایگزین همدیگر میشوند لذا مجموعاً این قضیه بشر هنگام اجل مسمی منتهای، بیایان داده خواهد شد.

سپس رسول الله ﷺ توصیه میشوند که بعلمت اختلاف و نافرمانیهای منکران هیچ جای تردد نیست. مرگاه خدا امر را به همایش آنها بگذراند حتماً آنها را جمع خواهد کرد. يك پیشگوئی بزرگ نسبت به این همایش در سوره جمعه نیز موجود است.

مفسران فرقه شیعه آیت ۲۴ این سوره را دور از سیاقش رفته این ترجمه میکنند که گویی رسول الله ﷺ به این امر توصیه میشوند که بگویند، ای مردم! من هیچ اجری از شما نمیطلبم جز اینکه اجر خویشانم را بپردازید.



البته این آیت را مرکز این مطلوب نیست. اجر برای خویشان طلبیدن در حقیقت اجر برای خودخواستن است. معنای این آیه اینست که من اجری نه برای خودم میخواهم و نه برای خویشانم ولی شما خویشاوندان خودتان را فراموش نکنید و شمارا بفرض است که به تکمیل نیازهای ایشان هزینه کنید. رسول الله ﷺ بوضاحت میفرمایند که صدقه به من و نژادم مرکز داده نشود. این موضوع که برناداران و نیازمندان هزینه کنید علی الخصوص بر اقرباء خود سوالی را مطرح میکند که چرا خداوند خودش آذوقه ایشانرا مستقیماً نمیرساند؟ پاسخ اینست که گشایش و تنگی رزق منوط به حکمتهای دیگر میباشد. گاهی مردم با افزایش رزق آزموده شوند و گاهی بتنگی رزق. آنانکه بگشایش رزق آزموده شوند سخن از ایشان رفته است و ایشان با آنکه فراخی رزق دارند بخیال ناداران حتی از خویشان خود نیز نمیفتند.

سپس آیت ۳۰ رازی حیرت انگیز را فاش میکند که در زمان رسول الله ﷺ هیچ انسان زمینی را تصورش هم نمیتوانست بشود. آسمانها در آن زمان مانند پلاستک امروزه با هفت لایه و ماه و ستارگان نشانده در آن مانند دانه های نگین بر لباس آراسته، پنداشته میشد. چه کس را گمان بود که همچون جنبنندگان این زمین در آنجا نیز وجود دارند. نه تنها خبر حتمی به این امر داده شد که در آسمانها نیز مخلوقی وجود دارد بلکه موضوع در صورت "جمع" نقل کرده به بلندی آسمان بسته شد که حتماً در زمانی مخلوق زمینی و مخلوقی که بر آسمان زندگی کنند، جمع کرده خواهند شد. آیا این همایش جسمانی است یا مخابراتی علمش تنها به خدا است. اما زبردستان علم امروز تلاش میکنند که بیک نحوی ارتباط ایشان با بومیان آسمان برقرار گردد.

بعبارت دیگر ایشان وادار شده اند که بعلاوه زمین بر اجرام فلکی دیگر نیز به وجود داشتن جنبندگانی تعقل کنند.

در همین سوره که عنوانش نیز "الشوری" است ذکر از مایمی دیگر نیز میرود یعنی برای مسلمانان شماری مقرر داشته شد که مرگه اموری مهم درپیش آید پس باید گرد آمده بهم تعقل کنند.

یکی دیگر آیه کوچک این سوره شماره ۴۱ فوقیت تعلیم قرآن را بر همه تعلیمات اسبق به اثبات میرساند. فرموده میشود که اگر کسی مورد تجاوز گری قرار گرفته شود بایسی او درانتقام گرفتن معامله بمثل کند و بدنبال جوشش انتقام گیری تجاوزگری نکند. اما اگر او عفو را بطوری بکار برد که منجر به اصلاح شود آن عمل بسیار بهتر است. گاهی مردم ناشی از عفو بر بدی جسورتر میشوند. عفوکردن درست است اگر اصلاح بعمل آید.

آیت ۵۲ عبارت از انواع وحی است. بنص این آیه میچکس را ممکن نیست که خدا بدو بغیراز وسیله وحی تکلم کند. گاهی این وحی ازپس پرده است یعنی متکلم دیده نمیشود اماقلب انسان آن کلام را بوضاحت در مییابد. گاهی فرستاده خدا در قالب فرشته ای نازل میشود و هرچه وحی برساند عیناً همان است که خدا بدو امرکرد. سپس خطاب به آنحضرت ﷺ کرده فرمود که ما وحی را برتو نیز بر همان منوال فرستاده و تورا به امرخودکلامی زندگی بخش اعطاء کرده ایم.

درپایان این سوره مجدداً این موضوع بازگو میشود که زمین و آسمان و هرچه میان آنها است بتمام از آن خدا است و همه امور برگشت بسوی خداوند داده شوند.

☆ سُوْرَةُ الشُّوْرَى مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ أَرْبَعٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَخَمْسَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

حَوْرٍ ①

حمید مجید - صاحب حمد صاحب

تمجید (۲)

عَلِيمٌ، سَمِيعٌ، قَدِيرٌ. بسیار دانا، بسیار

عَسَقٍ ①

شنا، صاحب قدرت کامل (۳)

اینطور وحی فرستد صاحب غلبه

كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ

کامل صاحب حکمت بسوی تو و

قَبْلِكَ ۗ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ①

بسوی آنانکه پیش از تو بودند (۴)

برای اوست هرچه در آسمانها است

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَهُوَ

وهرچه در زمین است و او بلند

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ①

مرتبت صاحب عظمت است (۵)

نزدیک است آسمانها از بالای خود

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَّقَطُرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ

بشکافند و فرشتگان با حمد پرورد -

وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

گار خود تسبیح خوانند و آمرزش

وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ ۗ إِلَّا إِنْ

طلبند برای آنها که در زمین اند.

اللَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ①

باش ایقیناً خدا آمرزنده ی بارها

رحم کننده است (۶) ++

++ آیت ۶: چون افتهای بزرگ آسانی بر انسان افتد، فرشتگان آسانی نیز (ص ۱۱۸)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ  
حَفِظَ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا  
لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ  
يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ  
وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۝

و خدا بر آنها نیز نگهبانست که  
جز او دوستان برگرفته اند و تو  
بر آنها وکیل نیستی (۷)

و بدینسان ما قرآن عربی را بسوی  
تو و وحی فرستادیم تا تو مادر  
شهر ما و آنکه پیرامون آنست را  
بترسانی و بترسانی از روزگردائی  
که در آن شکی نیست. گروهی در  
جنت و گروهی در آتشی شعله ور  
باشند (۸)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً  
وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ  
وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وِثْقٍ وَلَا نَصِيرٍ ۝

و خدا اگر میخواست حتماً آنها همه  
را یک ملت میساخت اما هر که را  
میخواهد بداخل رحمت خود می  
نماید و نسبت به ستمکاران نیست  
آنها را دوستی و نه یاریگری (۹)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۚ قَالَ اللَّهُ هُوَ  
الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

آیا آنها دوستانی جز او گرفته اند؟  
پس خدا است که او بهترین دوست  
است و اوست که مردگان را زنده  
کند و او بر هر چیزی که بخواهد

بقیه آیت ۶: در حق بندگان نیکوکاران خدا استغفار میکنند. فرشتگان در ذات  
خود بیگناه اند اما برای بندگان نیکوکار خدا استغفار میکنند.

قدرت دائمی دارد(۱۰)

و هر چیزی که در آن اختلاف پیدا کنید پس داوری آن بدست خدا است. این است خدا پروردگارم، بر او توکل کرده و بسوی او انابت میکنم(۱۱)

او آفریدگار آسمانها و زمین از عدم است. او ساخت برای شما از خودتان جفتها و هم از چهارپایان جفتها. او در این شمارا میافزاید. هیچ چیزی هم مثل او نیست و او بسیار شنوا بسیار بینا است(۱۲)++

کلیدهای آسمانها و زمین در قبضه اوست. رزق را برای هر که خواهد

وَمَا خَتَقْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ۗ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۝

فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّهُ بِكُلِّ

++آیت ۱۲: در زمان آنحضرت ﷺ از جفت بودن جانوران و بعضی از درختان آگاهی بود اما این دانش نبود که خداوند هر چیز را جفت جفت آفریده است. در زمان کنونی این امر اثبات شده است که حتی هر ذره ی ماده نیز جفت جفت است. دوم اینجا رویانیدن انسان را ذکر است از آنچه معلوم میشود که آغاز زندگی از نباتات شده بود و این عیناً درست است. اینجا واژه "ذَرَأَ" است. این موضوع در آیتهای دیگر بوضاحت بیشتر بیان شده است. بعنوان مثال در سوره نوح: ۱۸ فرموده شد: أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا.

فراخ میکند و هم تنگ میگرداند.  
یقیناً او به هر چیز نیک دانا  
است (۱۳)

او همان احکامِ دین را برایشما  
اجرا کرده است که برای آنها به  
نوح هم اکیداً توصیه کرده بود  
وآنکه بسوی تووحی فرستاده ایم  
وآنچه به آن به ابراهیم و موسی و  
عیسی نیز اکیداً توصیه کرده  
بودیم که دین را با استواری بپا  
دارید و هیچ تفرقه در آن نیفکنید.  
سنگین است بر مشرکان آنچه به  
سوی آن آنها را میخوانید. خدا هر  
که را میخواهد برای خود بر  
میگزیند و بسوی خود هدایت  
میدهد آنرا که انابت کند (۱۴)

و تفرقه نیفکنند مگر میان خود  
طغیان کرده پس از اینکه دانش  
آنان را آمده بود و اگر فرمان  
پروردگار توتانهایت زمانی معین  
جلونیفتاده بودحتاکار میان آنها

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا  
وَ الَّذِي آوَىٰ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ  
إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا  
الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ۗ كَبُرَ عَلَى  
المُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ ۗ اللَّهُ  
يَجْتَبِي ۙ إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي ۙ إِلَيْهِ مَنْ  
يُنِيبُ ﴿۱۴﴾

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ  
العِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ ۗ وَ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ  
مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ  
بَيْنَهُمْ ۗ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُوْرثُوا النِّكْبَ مِنْ

بَعْدِهِمْ لَنْ نَرِيَ شَكَّ مِنْهُ مَبْرُؤٍ ۝۱۵

گذرانیده میشد و یقیناً آنها که پس از آنها ارت کتاب داده شدند البته از آن درشکی ناراحت کننده اند (۱۵)

فَلذَلِكَ فَادُعْ ۚ وَاسْتَقِمُّ كَمَا أَمَرْتُ ۚ  
وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۚ وَقُلْ أَمِنْتُ بِمَا  
أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمَرْتُ لِأَعْدِلَ  
بَيْنَكُمْ ۗ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۗ لَنَا أَعْمَالُنَا  
وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ۗ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا  
وَبَيْنَكُمْ ۗ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ  
الْمَصِيرُ ۗ ۝۱۶

پس بنا بر این [آنها را] دعوت کن و پایداری کن بطوریکه فرمان شده ای و دنبال هوای نفسانی آنها نرو و بگو من بر آن ایمان می‌آریم که خدا از سخنان کتاب نازل کرده است و امر شده ام که میان شما عدالت‌مندی کنم. پروردگار ما و پروردگار شما خدا است. اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شما است و بین ما و بین شما هیچ دعوی [کارگر] نیست. خدا ما را جمع خواهد کرد و بازگشت بسوی اوست (۱۶) و آنها که در مورد خدا محاجه کنند از این پس که آن قبول شده است دلیل آنها نزد پروردگار ایشان باطل است و بر آنها غضب و برای آنها عذابی سخت است (۱۷)

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا  
اسْتُجِيبَ لَهُمْ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ  
رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ  
شَدِيدٌ ۝۱۷

خدا او است آنکه کتاب را بحق و میزان فرورستاد و چه تو را حالی کند که شاید آن ساعت قریب است (۱۸)

آنها آنرا بتمجیل می‌خواهند که به آن ایمان نمی‌آرند و آنانکه ایمان آوردند از آن می‌ترسند و میدانند که آن حق است. هشدار ابراستی آنانکه در مورد ساعت محاجه کنند البته درگرمای فرورفته اند (۱۹)  
خدا بر بندگان خود لطف کننده است. هر که را خواهد رزق می‌دهد و اوبسیار توانای صاحب غلبه کامل است (۲۰)

هر که کشت آخرت را می‌خواهد ما برای او در کشتش می‌فزایم و هر که کشت دنیائی را می‌خواهد او را از آن می‌دهیم و برایش در آخرت هیچ بهره‌ی نیست (۲۱)

آیا برای [حمایت] آنها شریکان اند که برای آنها چنین احکام اجراء

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ ۖ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿۱۸﴾

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَمْشَقُونَ مُنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ ۗ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿۱۹﴾

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿۲۰﴾

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۗ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿۲۱﴾

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذُرْ بِهِ اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ



کرده اند که خدا به آن دستوری  
 نداده بود؟ و اگر طریق فیصله را  
 دستور نبودحتماً کارمیان ایشان  
 گذرانیده میشد. یقیناً ستمکاران  
 را عذابی دردناکست (۲۲)

ستمگران را بيمينك ميبيني از آنچه  
 کسب کردند حالانکه آن به آنها  
 حتمی الوقوع است و آنانکه ایمان  
 آوردند و نیکوکاری کردند در باغهای  
 بهشت باشند. برای ایشان هر چه  
 خواهند نزد پروردگارايشان [مہیا]  
 است. همین است که آن فضل  
 بزرگ است (۲۳)

اینست آنکه را خدا به آن بندگان  
 خود مژده میداد که ایمان آورده  
 و نیکوکاری کردند. بگو. من از شما  
 براین هیچ پاداشی نمیطلبم جز آن  
 محبت که در خویشاوندان میباشد  
 هر که نیکی [ناپیدا] را پدیدار سازد  
 ما برایش حُسن را در آن زیاده می  
 نمایم. یقیناً خدا بسیار آمرزنده ی

الْفُضْلِ لِقَضَىٰ بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ  
 لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۲﴾

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ  
 وَاقَعٌ بِهِمْ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا  
 الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَةٍ أَلْبَنَةٍ لَهُمْ  
 مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ  
 الْكَبِيرُ ﴿۲۳﴾

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَةَ الَّذِينَ آمَنُوا  
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۗ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ  
 عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۗ وَمَنْ  
 يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا ۗ إِنَّ اللَّهَ  
 غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿۲۳﴾

پذیرنده سپاس است (۲۴)

آیا میگویند بر خدا دروغ بهم بافته است؟ پس خدا اگر میخواست بر دل تو مهر مینهاد و خدا باطل را می زداید و حق را با کلمات خود به اثبات میرساند. یقیناً او به امور سینه ما خوب دانا است (۲۵)

و اوست آنکه توبه را از بندگان خود میپذیرد و از بدیها عفو می نماید و میداند آنچه میکنید (۲۶) و قبول کند دعای آنان را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و ایشانرا بفضل خود میفزاید در حالیکه کافرانند که آنها را عذابی سخت است (۲۷)

و اگر خدا رزق بندگان خود را فراخ مینمود حتماً در زمین یاغی گری میکردند و اما هر چه میخواهد باندازه ی فرو میفرستد. یقیناً او به بندگان خود بخوبی آگاه و بینا است (۲۸) ++ [ص# ۱۱۸۷]

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ ۗ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۲۵﴾

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۲۶﴾  
وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿۲۷﴾

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ ۗ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿۲۸﴾

و اوست آنکه باران نازل میکند  
ازین پس که نومیدشوند و رحمت  
خود را می گسترانند و او کار سازی  
صاحب ستایش است (۲۹)

و از آیت های اوست آفرینش آسمانها  
و زمین و هر چه جنبنده دارد آندو  
گسترانید و او بر جمع کردن آنها  
هر گاه بخواهد قدرتمند است (۳۰)

و هر چه مصیبت بشما برسد پس  
بسبب آنست که دستهای شما کسب  
کرد حالانکه او از بیشتر امور  
عفو می نماید (۳۱)

و نمیتوانید شما در زمین بمعجز  
آرندگان باشید و برای شما گذشته  
از خدا هیچ سرپرست نیست و نه

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ مِّنْ بَعْدِ مَا  
قَضَوْا وَيُنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۗ وَهُوَ الْوَلِيُّ  
الْحَمِيدُ ﴿٢٩﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا  
بَيْنَهُمَا مِنْ دَأْبٍ ۗ وَهُوَ عَلِيُّ  
جَمْعُهُمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٣٠﴾

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ  
أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ ﴿٣١﴾

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۗ وَمَا  
لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣٢﴾

++ آیت ۲۸: اگر خدا میخواست رزق را فراوان مینمود و میجکس بینوا نمی ماند.  
اما او به توزیع رزق بعضیها را زیاده و به بعضیها کم درداد در حالیکه مردو  
طریق موجب آزمایش اند. برخی از مردم بعلت فراوانی رزق بی راه شوند  
و بعضیها بعلت ناداری رزق گمراه شوند بطوریکه آنحضرت ﷺ فرمودند که "کاد  
الفقر ان یكون کفرا" یعنی نزدیک است که تنگدستی به حالت کفر برساند. پس  
در این آیت بسوی مرام اشتراکی نیز اشاره است که منتها ناداری به انکار خدای  
متعال منجر میشود.

یاریگری (۳۲)

و کشتیها رونده در دریا مانند کوه  
 ما از آیتهای او است (۳۲) ++

اگر بخواهد باد را ساکن گرداند پس  
 آنها بر سطح آن [دریا] را کد بمانند  
 یقیناً در این هر صبر کننده و سپاس  
 گذار را نشانه های است (۳۴) ++

یا ملاکشان سازد بدانچه [سواران  
 آن کشتیها] کسب میکردند و او  
 از بیشتر امور گذشت میکند (۳۵)

و بدانند آنانکه در آیتهای ما جدل  
 کنند، برای آنها هیچ جای فرار  
 نیست (۳۶)

پس هر چه به شما داده شد فقط  
 اثاث موقتی برای زندگانی این  
 دنیا است و هر چه نزد خدا است  
 نیکوتر و پایدارتر است برای آنان

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾

إِنْ يَشَاءُ يُسَكِّنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ  
 عَلَى ظَهْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ  
 شَكُورٍ ﴿٣٤﴾

أَوْ يُوقِفَهُنَّ بِمَا كَسَبْنَ وَأَعْفَ عَنْ  
 كَثِيرٍ ﴿٣٥﴾

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ  
 مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾

فَمَا آوْتَيْتُم مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ  
 الدُّنْيَا ۗ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ  
 آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٧﴾

++ آیت ۳۳-۳۴: اینجا از جمله نشانه های بزرگ خداوند سخن از کشتیهای گفته می  
 شود که مانند کوه ماسر به فلک کشیده در آب میروند. پیدا است که در زمان آنحضرت  
 ﷺ کشتیهای معمولی با بادبان حرکت میکردند، پس لازماً این پشگویی برای آینده  
 بود که در زمان کنونی به ظهور رسیده است.

که ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل کنند (۳۷)

و کسانی که از گناهان بزرگ و فحشائی اجتناب کنند و چون غضبناک شوند ایشان عفو می نمایند (۳۸)

و آنانکه بدعوت خدا لبیک گویند و نماز را برپا کنند و کارهای ایشان بامشورت هم انجام گیرند و از هر چه به ایشان داده ایم انفاق کنند (۳۹)

و کسانی که چون بر آنها ستم گردد انتقام گیرند (۴۰)

و عوض بدی مثل آن بدی است که کرده شد. پس هر که عفو کند و اصلاح آورد آنگاه پاداش او بر خدا است. یقیناً او ستمکاران را دوست ندارد (۴۱)

و البته هر که انتقام گیرد پس از ستم بر خودش پس هماناند که هیچ باکی بر آنها نیست (۴۲)

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ  
وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ  
يَغْفِرُونَ ﴿٣٨﴾

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا  
الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ  
وَمَا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٩﴾

وَالَّذِينَ إِذَا آصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٤٠﴾

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا  
وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ  
الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا  
عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٢﴾

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ  
وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ  
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

یقیناً الزام فقط بر آنانست که بر  
مردم ستم کنند و در زمین بناحق  
سرکشی آغالند. همانند که آنها  
را عذابی دردناکست (۴۲)

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ  
الْأُمُورِ ۝  
وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَبِئْسَ  
بَعْدِهِ ۝ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ  
يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ۝

و هر که صبر کند و بیامرزد یقیناً  
این از کارهای پرمت است (۴۴)  
و هر که را خدا گمراه گرداند پس  
او را از آن پس یآوری نیست. و  
ستم کاران را میبینی که هرگاه  
عذاب را رویت کنند گویند آیامیچ  
را می به برگشت [آن] است؟ (۴۵)

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ  
الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيِّ ۝  
وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ  
خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ۝

و آنها را بنگری که بر آن [عذاب]  
عرضه شوند سرنگونان از ذلت -  
آنها از نگاه دزدکی آن [عذاب] را  
مینگرند. کسانی که ایمان آوردند  
گویند: مرآینه خسارتگران همانها  
اند که در روز قیامت خود را و  
خانواده خود را ببخسارت افکندند.  
مشدارا یقیناً ستم کاران در عذابی  
پایدار باشند (۴۶)

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يُنصِرُونَهُمْ

و گذشته از خدا آنها را دوستان

نباشند که آنها رایاری دهند و مرکه را خدا گمراه سازد پس برای او میچ راهی نیست (۴۷)

فرمان پروردگار خود را لیک گویند بیشتر از آنکه روزی برسد که آن را از جانب خدا برگشت نیست. آنروز شما را نه جای پناه است و نه شما را جای انکار است (۴۸)

پس اگر روی برتابند پس ما تو را بر آنها نگهبانی نفرستاده ایم. بر تو فقط ابلاغ کردن است و یقیناً مرگه انسان را از جانب ما رحمت بچشانیم به آن شادمان میگردد و اگر آنها را گزندی برسد بدانعلت که دستهاشان پیش فرستاد پس یقیناً انسان ناسپاس میگردد (۴۹)

سلطنت آسمانها و زمین از آن خدا است هرچه را بخواهد میافریند. مرکه را خواهد دختران میدهد و مرکه را خواهد پسران میدهد (۵۰)

مَنْ دُونَ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٧﴾

اَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّاتِيَ يَوْمَ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَا يَوْمَ يَمْيِزُ مَا لَكُمْ مِنْ كَثِيْرٍ ﴿٨﴾

فَاِنْ اَعْرَضُوْا فَمَا اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا ۗ اِنْ عَلَيْكَ اِلَّا الْبَلٰغُ ۗ وَاِنَّا اِذَا اَدَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ مَّرْحَمَةٍ فَرِحَ بِهَا ۗ وَاِنْ تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْ فَاِنَّ الْاِنْسَانَ كَفُوْرٌ ﴿٩﴾

لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۗ يَهَبُ لِمَنْ يَّشَآءُ اِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَّشَآءُ الذُّكُوْرَ ﴿١٠﴾

یا گامی آنها را قاطعی میکند - مادینه و نرینه - و هر که را خواهد نازا میسازد. یقیناً او صاحب علم دائمی صاحب قدرت دائمی است (۵۱)

و نرسد بشری را که خدا با او تکلم کند جز بوحی یا از پشت پرده یا بفرستد پیغام رسانی که باذن او هر چه بخواهد وحی کند. یقیناً او بلند شان صاحب حکمت است (۵۲)

و بدین ترتیب ما بسوی تو از امر خود کلامی زندگی بخش وحی فرستادیم. تو نمیدانستی کتاب چیست و ایمان چیست. اما ما آن را نور ساختیم که به [وسیله] آن هر که از بندگان خود بخواهیم هدایت دهیم و یقیناً تو مردم را براه راست هدایت میکنی (۵۳)

راه آن خدا که هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از آن او است. باش! همه امور بسوی خدا بر میگردد (۵۴)

أَوْيَرُوجُهُمُ ذُكْرَانًا وَإِنَّا نَجْعَلُ  
مَنْ نَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿۵۱﴾

وَمَا كَانَ لِشَيْءٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا  
أَوْ مِنْ وَرَائِي حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا  
فَيُوحِي بِآذِنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ  
حَكِيمٌ ﴿۵۲﴾

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ  
أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا  
الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نُّهْدِي بِهِ  
مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي  
إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۵۳﴾

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا  
فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ  
الْأُمُورُ ﴿۵۴﴾



## ۴۳ - سورة الزُّخْرَف

این سوره درمکه نازل آمد و با بسم الله ۹۰ آیت دارد.

بعضی آغازین سوره تکرار از واژه "أم" است. در سوره گذشته ذکر از "أمّ القری" بود بدین عنوان که مکه مادر مه ای قریه ما است. در این سوره ذکر از سوره الفاتحه است که این کلام عظیم الشان را بمنزله مادر است. بعبارت دیگر تمامی مضامین قرآن در آن بطوری جمع کرده شده اند که رحم مادر این مورد را احاطه میکند که انسان را قبل از پیدایش با آنهمه صفات تزئین نماید که برایش مقدر شده اند.

باز فرموده شد، چون شاد در دشت و دریا مسافرت کنید آنگاه بیاد آرید که همان خدا است که کشتیهایی روان در دریا یا جانورانی حرکت کننده در زمین که بر آنها سوار میشوید، برایشما رام کرد. بسیاری از شما باشند که با حوادث روبرو شده به آن مقاصد نرسند که بخاطر آنها عازم شده بودند. اما بدانید که مقصد نهائی همانست که به آن رسیده در بارگاه خدائی حضور خواهید یافت.

نخستین آیت این سوره سخن از اهل کتاب میگوید و آیتهای بعد از مشرکان. پس از این، ذکر از آن پیغمبران پیشین و علی الخصوص ایشان که به سوی قومهای مشرک رسالت داده شدند و انکار از ایشان از جانب کافران و بعلمت انکار، بد فرجام آن کافران، میرود.

قبلاً خدای سبحان ذکر از همایش همه ای نوع بشر را بریک دست، کرده میفرماید که اگر ما را اینطور کردن بود آنگاه برای همایش جمله آزمندگان دنیا فقط یک صورت بود که خانه های آنان را با زر و سیم و دیگر اسباب

عیش و نوش می انباشتیم. اما اینکه محض اسباب عیش و نوش ظاهری و بی اساس و مال و منال فناپذیر و بهره کشی دنیائی بدست آنها میرسید. اما عاقبت نیکو فقط نصیب متقیان میشود.

اینجا يك علت از جمع نشدن مردم بر يك دست اینهم بیان میشود که چون رفیقان ایشان خدانشناس میباشند آنها به دام منکران خدا میافتند. ولی روز قیامت هر که در دنیا تحت تاثیر رفیقی گمراه رفته باشد به آن رفیق خود با اظهار این حسرت خواهد گفت. کاشکی میان من و تو دوری شرق و غرب میبود و من به این مجازات نمیرسیدم.

در این سوره آیت مهمی دیگر است که پرده را از چگونگی نزول حضرت مسیح بر میدارد و بدنبال این ذکر میگوید که حضرت مسیح که يك مثل بودند و چون جلوی مشرکان ذکر از حضرت مسیح آورده میشد. مخاطب به رسول الله ﷺ میگفتند. اگر قرار است که یکی غیر الله را بپذیریم. بهتر است که بجای غیر الله از قومی دیگر کسی را از قوم خود به آن مقام برگزینیم. آنان این امر را درک نمیکردند که مسیح نه خدا بلکه بنده ای انعام شده خدا بود و برای آنها بعنوان مثلی بود از آنچه بسیار درس میتوان گرفت.

سپس در این سوره پیشگوئی میشود که مسیح در آتیه نیز بعنوان مثل نازل خواهد شد با این علامت که ساعت برای انقلاب معظم فرارسیده است. این سوره شأن معظم آنحضرت ﷺ را بیان میکند. ایشان بزرگترین عبادت کنندگان خدا بودند. پس اگر خدا را پسری بود هرگز ایشان از عبادت او اعراض نمیکردند. پس انکار کردن ایشان از عبادت پسر فرضی خدا به اثبات میرساند که ایشان یقین کامل داشتند که خدا را هیچ پسری نیست.

☆ سُورَةُ الزُّخْرُفِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تَسْعُونَ آيَةً وَ سَبْعَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

حَمْدٌ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]  
بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)  
حَمِیدٌ مَّحِیدٌ - صاحب حمد،  
صاحب تمجید (۲)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ②

مقاله  
عبدالمجید

سوگند به کتاب بیان کننده  
آشکار (۳)  
یقیناً ما اینرا قرآنی فصیح و  
بلیغ قراردادیم ایم تا شما عقل  
کنید (۴)

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ  
تَعْقِلُونَ ③

و یقیناً آن [قرآن] در ام کتاب  
است نزد ما بسیار بلند مرتبت و  
دارای حکمت است (۵)

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيَّا لَعَلٌّ  
حَكِيمٌ ④

پس آیا از نصیحت کردن شما برای  
این دوری گزینیم که شما قوم  
تجاوز گرانید؟ (۶)

أَفَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ  
كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ⑤

و ای بسا پیغمبری در پیشیان  
فرستاده بودیم (۷)

وَكَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ ⑥

و هیچ پیغمبری ایشان را نیامد

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۵﴾

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ

مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿۶﴾

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ

الْعَلِيمُ ﴿۷﴾

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ

لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۸﴾

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ

فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ

تُخْرَجُونَ ﴿۹﴾

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمُ

مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿۱۰﴾

لَيَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذَكَّرُونَ وَإِنَّمَا

رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا

مگر به او مسخره میکردند (۸)

پس ما سختتر از آنها در جنگ

آوری را هم هلاک کردیم و مثل

پیشینیان گذشته است (۹)

و اگر بپرسی از آنها کیست که

آسمانها و زمین را آفرید حتمًا

گویند، آنها را صاحب غلبه کامل

صاحب دانش آفریده است (۱۰)

آنکه زمین را برایشما گسترشی

قرارداد و برایشما در آن راههای

نهاد تا شما رهنمائی بیابید (۱۱)

و آنکه آب را از آسمان باندازه

نازل کرد، پس شهری مرده را

بدان زنده نمودیم، همینطور شما

بیرون آورده شوید (۱۲)

و آنکه زوج هرچیز را آفرید و

برای شما کشتیهای گوناگون و

چهارپایان بوجود آورد آنچه را

سوار شوید (۱۳)

تا بر پشتهای آنها استوار بنشینید.

سپس نعمت های پروردگار خود

سُبْحٰنَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ  
مُقْرِنِیْنَ ۝۱۵

رایادکنید چون بر آنها قرار گیرید  
و بگوید پاک است آنکه این را  
برای ما رام کرد حالیکه ما به رام  
کردن آن طاقت نمیآوردیم (۱۴)

وَ اِنَّا اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ ۝۱۵

و یقیناً ما بسوی پروردگار خود  
باز گشتگانیم (۱۵)

وَ جَعَلُوْا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا ۙ اِنَّ  
الْاِنْسَانَ لَكَفُوْرٌ مُّبِیْنٌ ۝۱۶

و آنها بعضی از بندگان او را برای  
او جزو قرار دادند یقیناً انسان  
ناسپاسی آشکار است (۱۶)

ع  
۷

اَمْ اَتَّخَذَ مَا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَاَصْفَكُمْ  
بِالْبَیِّنِیْنَ ۝۱۷

آیا از آنچه او آفرید دخترانی  
گرفت در حالیکه برایشما پسران  
برگزید (۱۷)

وَ اِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِمَا صَرَبَ لِلرَّحْمٰنِ  
مَثَلًا ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَّهُوَ كَظِیْمٌ ۝۱۸

و هرگاه کسی از آنها مژده داده  
شود به آنکه برای خدا مثل اعلیٰ  
میزند پس رویش سیاه می گردد  
حالیکه او غم سخت را فرو برنده  
است (۱۸)

اَوْ مَنْ يُنَشَّؤْا فِی الْحِلِیَةِ وَ هُوَ فِی  
الْخِصَامِ غَیْرٌ مُّبِیْنٌ ۝۱۹

آیا آنکه در زیورپرورش مییابد و  
او درستیز نتواند سخن واضعتر  
بگوید [وی را نصیب خدا می  
گردانید]؟ [۱۹]

و فرشتگان که بندگان رحمن اند  
 رازنان [دیویها مندی] قرار دادند.  
 آیا به آفرینش آنها گواه اند؟  
 یقیناً گواهی ایشان نوشته شده و  
 برشش خواهند شد (۲۰)

و گویند اگر رحمن میخواست ما  
 آنها را پرستش نمیکردیم. ایشان  
 را به آن هیچ دانشی نیست. آنها که  
 فقط حدس میزنند (۲۱)

آیا قبلاً ما به آنها کتابی داده ایم  
 پس آنها به آن جنگ زده اند؟ (۲۲)  
 بلکه میگویند البته ما پدران  
 خود را بر مسلکی یافتیم و یقیناً  
 بر نقش قدم آنان هدایت یافتگان  
 ایم (۲۳)

و همین ترتیب از پیش تو در  
 هیچ شهری بیم دهنده نفرستادیم  
 مگر خوشحالان آن گفتند که ما  
 پدران خود را بر مسلکی یافته  
 ایم و یقیناً ما از نقش قدم ایشان  
 اقتداکنندگانیم (۲۴)

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ  
 عِبْدُ الرَّحْمَنِ إِنِآثًا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ  
 سَكَّتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيَسْأَلُونَ ﴿۲۰﴾

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا  
 لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا  
 يَخْرُصُونَ ﴿۲۱﴾

أَمْ أَنبِئْتَهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ  
 مُسْتَمْسِكُونَ ﴿۲۲﴾

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا  
 عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّهْتَدُونَ ﴿۲۳﴾

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ  
 مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا  
 آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ  
 مُّقْتَدُونَ ﴿۲۴﴾

قُلْ أَوْلَوْا جِئْتُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ ۖ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿۲۵﴾

او گفت: آیا [هم در آن صورت که] اگر شمارا بهتر از آن چیزی بیارم که بر آن پدران خود را یافته بودید؟ گفتند: یقیناً ما انکار میکنیم به آنچه بدان تو فرستاده شدی (۲۵)

فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿۲۶﴾  
وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿۲۷﴾

پس ما از آنها انتقام گرفتیم. پس بنگر عاقبت مکذبان چطور بود (۲۶)

و چون ابراهیم به پدر خود و قومش گفت: یقیناً من بیزارم از آنچه شما عبادت میکنید (۲۷)  
مگر آنکه مرا آفرید پس اوست که حتماً مرا هدایت دهد (۲۸)

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿۲۸﴾  
وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۹﴾

[و خدا] آن [سخن] را نشانه بزرگی باقی مانده در اعقاب وی قرارداد تا باشد آنان رجوع کنند (۲۹)

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿۳۰﴾

حقیقت اینست که آنها و پدران آنان را موقتاً متمم نمودم تا آن انتها که ایشان را حق و رسولی بصراحت بیان کننده آمد (۳۰)

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ

و چون حق ایشان را آمد گفتند

وَأَتَاهِهِ كِفْرُونَ ﴿۳۱﴾

این جادویی است و یقیناً ما  
آنها را انکار کنندگانیم (۳۱)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ  
مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿۳۲﴾

وگفتند چرا این قرآن بر شخص  
نامی از دوشهر بزرگ نازل کرده  
نشد (۳۲)

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ۗ نَحْنُ  
قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ  
دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمَ بَعْضًا سَخِرِيًّا ۗ  
وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿۳۳﴾

آیا ایشان رحمت پروردگار تو  
را تقسیم کنند؟ مائیم که امرار  
معاش ایشان را میان ایشان در  
زندگانی دنیا تقسیم کرده ایم و  
بعضی از ایشان را بر بعضی در  
درجات برتری داده ایم تا بعضی  
از آنها بعضی را تسخیر کنند و  
رحمت پروردگار تو نیکوتر از آن  
است که جمع میکنند (۳۳)

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً  
لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ  
سُقْفًا مِّنْ فَضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا  
يَظْهَرُونَ ﴿۳۴﴾

و اگر این احتمال نبود که همه  
مردم قومی یک نواخت خواهند  
شد حتماً برای آنها که رحمن را  
انکار کنند سقف خانه های ایشان  
و پله های که بر آنها بالا آیند را  
از نقره میساختیم (۳۴)

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا ۗ وَسُررًا عَلَيْهَا

و مهم درهای منازل ایشان و مسند



يَتَّكُونَ ۝۱

مای را که بر آنها تکیه میزنند (۳۵)

وَزُخْرُقًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ

و تزئین اعطا میگردیم. این همه

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ

فقط اناك فنا پذیر زندگی دنیا

لِلْمُتَّقِينَ ۝۲

است و آخرت نزد پروردگارتو

ع

برای متقیان است (۳۶)

وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ

و هر که از یاد رحمن سرباززند

برایش شیطانی بگماریم. پس او

شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ۝۳

هنشین او گردد (۳۷)

وَأَنَّهُمْ لِيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ

و یقیناً آنها آنانرا از راه گمراه

سازند درحالیکه گمان کنند که

وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ۝۴

آنها هدایت یافتگانند (۳۸)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

حتی چون نزد ما آید گوید [به

همراهی خود] کاشکی میان من و

میان تو دوری مشرق و مغرب

میبود. پس چه زشت هنشین

بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَيَسْأَلُ الْقَرْيَةَ ۝۵

است (۳۹)

وَلَنْ يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَلَمْتُمْ أَنكُم فِي

و چون ستم کرده ای امروز هرگز

شمارا سودنیارد اینکه همه شما در

الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝۶

عذاب شریکانید (۴۰)

أَفَأَنْتَ تَسْمِعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ

پس آیا کران را توانی شنواند

یا هدایت توانی کرد کوران را

وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝۷

و آن را که درگمراهی آشکار است (۴۱)

پس اگر تو را ببریم بازهم یقیناً ما از آنها انتقام گیرنده ایم (۴۲)  
یا نشان دهیم تو را آنکه را به آنها وعده داده ایم پس یقیناً ما بر آنها کاملاً قدرتمند ایم (۴۳)

پس جنگ بزن آنرا که بر تو وحی فرستاده شود. یقیناً تو بر راه راست هستی (۴۴)

و یقیناً این برای تو و برای قوم تو ذکری بزرگ است و حتماً شما پرسیده خواهید شد (۴۵)

و بپرس آنان را که قبل از تو از رسولان خود فرستاده بودیم آیا گذشته از رحمن خدایانی قرار داده بودیم تا عبادت کرده شوند؟ (۴۶)

والبته ما موسی را بسوی فرعون و سردارانش با نشانه های خود فرستاده بودیم. پس او گفت، یقیناً

فَأَمَّا نَذَهَبَتْ بِكَ فَأَنَا مِنْهُمْ مُتَتَّبِعُونَ ﴿٤١﴾

أَوْ نُرِيكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَأَنَا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾

فَأَسْمِسُكَ بِالَّذِي أَوْحَىٰ إِلَيْكَ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾

وَسَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا ۖ أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهًا يُعْبَدُونَ ۗ ﴿٤٥﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۖ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾

من از پروردگار جهانها رسولی  
مستم (۴۷)

پس چون او آنان را با آیتهای ما  
آمد فوراً از آنها خنده کردن  
گرفتند (۴۸)

و آنها را میچ آیتی نشان نمیدادیم  
مگر آن بزرگتر از نظیر [آیت قبل] است  
خود میبود و آنها را بعذاب گرفتیم  
تا آنها رجوع کنند (۴۹)

و گفتند، ای جادوگر! برای ما از  
پروردگار خویش بخواه برای آن  
چه او بشما وعده داده است. یقیناً  
ما هدایت یافتگان شویم (۵۰)

پس چون عذاب را از آنها دور  
ساختیم بیدرنگ به عهد شکستن  
گرفتند (۵۱)

و فرعون در قوم خود اعلام کرد،  
ای قوم من آیا از آن من نیستند  
کشور مصر و این نهرهای که به  
تصرف من جاری اند. پس آیا به  
بصیرت نمیابید؟ (۵۲)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا  
يُصْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ  
أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ  
يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّحَرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا  
عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ  
يَنْكُثُونَ ﴿٥٠﴾

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ  
أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ ۗ وَلَا  
يَكَادُ يُبِينُ ﴿۵۳﴾

حقیقاً من بهتر از آنکس مستم که  
بی توان است و نتواند سخن  
رسانم بگویند (۵۳)

فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ  
أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿۵۴﴾

پس چرا بر او انگومای طلائی  
فرود فرستاده نشدند یا فرشتگان  
با او گروه گروه میآمدند؟ (۵۴)

فَأَسْحَفَتْ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا  
قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿۵۵﴾

پس او به قوم خود هیچ ارجی  
نگذاشت پس آنها او را اقتداء  
کردند. بیگمان آنها قومی بدکردار  
بودند (۵۵)

فَلَمَّا أَسْفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ  
أَجْمَعِينَ ﴿۵۶﴾

پس چون ما را بخشم آوردند ما  
از آنها انتقام گرفتیم. پس همه  
آنها را غرق کردیم (۵۶)

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿۵۷﴾

پس ما آنها را قصه های گذشته و  
برای آیندگان سامان عبرت قرار  
دادیم (۵۷)

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذْ أَقْرَبُوكَ  
مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿۵۸﴾

و هرگاه عیسی پسر مریم بعنوان  
مثلی آورده شود ناگهان قوم تو از  
آن غوغا کردن میگردند (۵۸)

وَقَالُوا ءِذَا هُم بِمَا ضُرِبُوا  
لَكَ إِلَّا جَدَلًا ۗ بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿۵۹﴾

و گویند: آیا معبودان ما نیکوترند  
یا او. این حرف را برای تو فقط

به ستیز میزنند. بلکه آنها قومی

سخت ستیزه گر اند (۵۹)

او فقط بنده ی ما بود. ما بر او

انعام کردیم و او را برای بنی

اسرائیل مثلی [قابل تقلید] قرار

دادیم (۶۰)

و اگر میخواستیم فرشتگان را

از خود شما برمیگزیدیم که در

زمین جانشینی میکردند (۶۱)

و یقیناً او ساعت انقلاب را شناخت

خواهد بود. پس به آن [ساعت] هرگز

شک نکنید و مرا پیروی کنید.

این راه راست است (۶۲)

و شیطان شما را باز ندارد. یقیناً

او دشمنی آشکار شما است (۶۳)

و چون عیسی با ادله روشن آمد

گفت. من شمارا حکمت آورده ام

و برای این آمده ام که شمارا

بعضی از آن سخنان بوضوح بیان

کنم که در آن اختلاف دارید. پس

خدارا تقوی اختیار کنید و مرا

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ

مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۵۹﴾

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي

الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ ﴿۶۰﴾

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا

وَاتَّبِعُونِ ۗ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿۶۱﴾

وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ

عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۶۲﴾

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ

جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَالْبَيِّنَاتِ لَكُمْ بَعْضُ

الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۗ ﴿۶۳﴾

اطاعت کنید(۶۴)

یقیناً خدای است که پروردگار من و پروردگار شما است. پس او را عبادت کنید. این راه راست است(۶۵)

پس گروههای از میان خودشان بهم اختلاف انگيختند پس آنهایی که اختلاف کردند را از عذاب روزی دردناک هلاک باد(۶۶)

آیا منتظراند مگر ساعت [قیامت] آنان را در حالی ناگهان آید که ایشان احساس هم نداشته باشند(۶۷)

آنروز بعضی دوستان صمیمی دشمن همدیگر کردند جز متقیان(۶۸)  
ای بندگان من! امروز بر شما هیچ بیمی نباشد و نه شما اندوهگین شوید(۶۹)

کسانیکه به آیات ما ایمان آوردند و فرمانبردار شدند(۷۰)  
شما و جفت های شما بداخل بهشت شوید. شما شادمان کرده

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۗ قَوْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ إِلِيمٍ ﴿٦٥﴾

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾

إِلَّا خِلَافَ يَوْمٍ مِثْلِهِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾  
يُعْبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾

الَّذِينَ آمَنُوا بِالْآيَاتِ وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾  
أَدْخَلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾

شوید (۷۱)

وتشتهای طلائی و کوزه های بلورین  
برایشان بدور آورده شود و به هر  
چه دلها تمنا کند و چشمان سرور  
یابد در آن مهیا است و شما در آن  
جاودانان اید (۷۲)

و این آن بهشتی است که وارث  
آن گزیده شدید بعلت آن اعمال  
که شما انجام میدادید (۷۳)

شمارا در آن میوههای فراوانست  
که از آنها خواهم خورد (۷۴)  
البته مجرمان در عذاب جهنم  
بمدت دراز خواهند ماند (۷۵)

آن از آنها کاسته نشود و آنها  
در آن نومید مکت کنند (۷۶)

و ما بر آنها ستم نکردیم و اما  
آنها خود ستمکاران بودند (۷۷)

و بانگ زنند ای مالک، پروردگار  
تو ما را مرگ دهم! او گوید: بر راستی  
شما [در همین جا] مکت کنندگان  
اید (۷۸)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصُحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ  
وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهُ بِهِ الْأَنْفُسُ  
وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧١﴾

وَ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا  
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا  
تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ  
خَالِدُونَ ﴿٧٤﴾

لَا يَفْتُرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْسُونَ ﴿٧٥﴾

وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ  
الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾

وَ نَادَوْا يُمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۗ قَالَ  
إِنَّكُمْ مُّكْتَبُونَ ﴿٧٧﴾

لَقَدْ جِئْتُمْكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ  
لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ﴿۷۹﴾

یقیناً ما نزد شما بحق آمده بودیم  
اما بیشتر از شما حق را ناپسند  
دارندگان بودند (۷۹)

أَمْ أَبْرَهُمْ بِأَمْرٍ إِذْ أَتَاكُمْ بِرُءُوسِ  
الْعِزَّةِ وَالسَّيْفِ وَإِن تَرَوْهُوَ  
ضَلَّ سَبِيلَ الْغَيِّ ۚ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ  
الْعِزَّةُ وَالسَّيْفُ ۚ وَإِنَّ رَبَّهُ لَسَمِيعٌ  
عَلِيمٌ ﴿۸۰﴾

آیا آنها در صدد انجام کاری شده  
اند؟ پس یقیناً ما هم در صدد [انجام  
کاری] شده ایم (۸۰)

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ  
وَنَجْوَاهُمْ ۗ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ  
يَكْتُبُونَ ﴿۸۱﴾

آیا گمان میورزند که ما هر راز  
ایشان و نجوایشان را نمی شنویم؟  
بلی، رسولان ما نزد ایشان  
نویسندگانند (۸۱)

قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ  
الْعَبِيدِ ۖ ﴿۸۲﴾

بگو، رحمن را اگر پسری بود  
پس من از نخستین عبادتگذاران  
بودم (۸۲)

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ  
الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۸۳﴾

پاك است پروردگار آسمانها و  
زمین، پروردگار عرش از آنچه  
آنها بیان میکنند (۸۳)

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا  
يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿۸۴﴾

پس آنها را بگذار می مریز و سرانی  
کنند و بازی کنند تا آن انتها که  
آنها را بخود رابینند که وعده داده  
شدند (۸۴)

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ  
رَحْمَةٌ ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ  
عَلِيمٌ غَفُورٌ ﴿۸۵﴾

و اوست آنکه در آسمانها معبود



إِلَهُ ۖ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿۸۵﴾

است و در زمین معبود است و او صاحب بسیار حکمت صاحب علم دائمی است (۸۵)

وَتَبَّرَكَ الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ وَعِنْدَهُ عِلْمُ  
السَّاعَةِ ۖ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۸۶﴾

و فقط آن يك صاحب بینهایت برکت ثابت شد که پادشاهی آسمانها و زمین و هر چه میان آندو است از آن اوست و علم این ساعت مخصوص نزد او است و بسوی او بازگردانیده شوید (۸۶)

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ  
الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ  
يَعْلَمُونَ ﴿۸۷﴾

و آنها را که جز او میخوانند هیچ اختیار برای شفاعت ندارند جز آنانکه به [سخن] حق گواهی دهند و ایشان که علم دارند (۸۷)

وَلَمَنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ  
فَأَلِي يُوْفِكُونَ ﴿۸۸﴾

و اگر از آنها بپرسی کی آنها را آفرید حتماً گویند: خدا. پس کجا فریب داده میشوند؟ (۸۸)

وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا  
يُؤْمِنُونَ ﴿۸۹﴾

و [یادکن وقت این] گفتارش را که پروردگارا! این مردم مرگز ایمان نیارند (۸۹)

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلِّمْ ۖ فَسَوْفَ  
يَعْلَمُونَ ﴿۹۰﴾

پس تو از اینها گذشت کن و بگو سلام. پس بزودی بدانند (۹۰)

## ۴۴ - الدخان

این سوره مکی است و با بسم الله ۶۰ آیت دارد.

ابتدائی موضوع از سوره الدخان اشاره به موضوع سوره القدر مینماید آنچه از این ابتدائی آیات کریمه این سوره آشکار است که ما این کتاب را در چنین شبی تاریک نازل کرده ایم که بسیار بابرکت بود چه انوار ابدی را پس از این تاریکی ظهور کردن بود. حین این شب فیصل به هریک سخن حکمتمند داده خواهد شد.

در پایان سوره گذشته این موضوع جریان داشت که مخالفان را در بازی و بازیچه سرگردان بگذار و از آنها اعراض کن. آنوقت فرارسیده است چون حق از باطل تفکیک کرده شود. لذا این موضوع درآیتهای ابتدائی این سوره بیان میشود.

این سوره را "دخان" نام دادن عمده ترین علت اینست که هیچ بامداد رحمت را بعد از آن تاریکیها که در آنها آنان گرفتار اند. پدید آمدن نیست بلکه آن تاریکیها همچون دخان یعنی دود موجب افزایش عذابشان خواهد شد. اینجا میتوان کنایه ای بسوی دود اتمی هم شد که هیچ چیزی در سایه آن محفوظ نیست بلکه هر چیز طعمه هلاکتهای گوناگون قرار میگیرد. لذا زبردستان علم جدید متنبه میسازند که هر نوع زندگی حتی جرثومه ها یا میکروبها پنهان زیر خاک زمین نیز در سایه دود اتمی هلاک خواهند شد. خدای تعالی میفرماید چون اینطور شود آنگاه آنها روی به خدا آورده گویند، خدایا! این عذاب دردناک را از ما دور بفرما. اینجا این پیشگویی نیز میشود

که آن عذاب وقفه وقفه خواهد آمد. پس از ملاکتهای يك جنگ جهانی تا زمانی فرصت داده شود و از آن گذشته جنگ جهانی دیگر با ویرانیهای مجدد خواهد آمد.

درباره سوره الدخان آنحضرت علیه السلام را این علم داده شد که پیشگویی های این سوره را زمان ظهور وابستگی به ظهور دجال دارد.

☆ سُوْرَةُ الدُّخَانِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّونَ آيَةً وَثَلَاثَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
 بسیاربخشنده، بارهارحم کننده (۱)  
 حمید، مجید - صاحب حمد صاحب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

حَمْدٌ ②

تمجید (۲)  
 سوگند به کتاب آشکار (۳)

عبدالمطعم بن

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ③

یقیناً ما اینرا در شبی خجسته ای  
 نازل کردیم یقیناً ما بیم دمنندگان  
 بودیم (۴)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَّكَةٍ إِنَّا كُنَّا

مُنذِرِينَ ④

در آن [شب] هر کدام امری برحمت  
 فیصله داده شود (۵)

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ⑤

امری که از جانب ما است. یقیناً  
 ما هستیم فرستندگان رسولان (۶)  
 رحمتی از پروردگار تو. بیگمان  
 اوست بسیار شنوای صاحب علم  
 دائم (۷)

أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ⑥

رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ ⑦ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ  
 الْعَلِيمُ ⑧

[از جانب] پروردگار آسمانها و  
 زمین و هر چه میان آندو است  
 اگر شما باور کنید گانید (۸)

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ⑨

إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ⑧

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ  
وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ⑩

هیچ معبودی نیست جز او. او زنده  
کند و میسیراند. پروردگار شما و  
پروردگار پدران پیشین شما (۹)  
حقیقت اینست که آنها در شک  
بازی میکنند (۱۰)

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ⑪

بس منتظر باش روزی را که آسمان  
دودی آشکار را بیارد (۱۱)  
مردم را فراگیرد. این عذابی درد  
ناک باشد (۱۲)

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ  
مُبِينٍ ⑫

پروردگارا! عذاب را از ما دور  
کن. یقیناً ما ایمان آرندگانیم (۱۳)  
اینک بندشان از کجا در حالیکه  
ایشان را رسولی با ادله روشن  
آمده بود (۱۴)

يَغشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ⑬

رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ⑭

باز هم از او روی برتابیدند و  
گفتند، آموزش داده [بلکه] دیوانه  
است (۱۵)

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ⑮

البته ما عذاب را زمانی اندک دور  
کنیم. بهر صورت شما [همان سخنان  
را] اعاده کنید گانید (۱۶)

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ  
عَائِدُونَ ⑯

يَوْمَ نَبِّطُشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا  
مُتَّقِمُونَ ﴿١٧﴾

روزیکه سخت گیریم [شمارا]  
سخت گرفتنی بزرگ حتماً انتقام  
کشدگانیم (۱۷)

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ  
وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

و یقیناً ما پیش از آنها قوم فرعون  
را آزمایش کرده بودیم حال آنکه  
آنها را رسولی گرامی آمده بود (۱۸)  
[گفت] اینکه بندگان خدا را بمن  
واگذار کنید. یقیناً برای شمارسولی  
امین ام (۱۹)

أَنْ أَدُّوْا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ ۗ إِنِّي لَكُم رَسُوْلٌ  
أَمِيْنٌ ﴿١٩﴾

و اینکه در مقابل خدا هرگز سر  
کشی نکنید. هرآینه من شمارا دلیلی  
غالب آشکارا آورده ام (۲۰)

وَأَنْ لَا تَعْلُوْا عَلَيَّ اللَّهُ ۗ إِنِّي أَنَا رَبُّكُمْ  
بِسُلْطَنِ مُّبِيْنٍ ﴿٢٠﴾

و یقیناً من به پروردگار خود و  
پروردگار شما پناه میبرم که مرا  
سنگسار کنید (۲۱)

وَإِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ  
تَرْجُمُونِ ﴿٢١﴾

و اگر به من ایمان نیآرید پس  
مرا تنها بگذارید (۲۲)

وَإِنْ لَّمْ تُوْمِنُوْا لِي فَاَعْتَرِوْا نِي ﴿٢٢﴾

پس او پروردگار خویش را خواند  
که اینها قوم بزمکارانند (۲۳)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَأَيُّ قَوْمٍ  
مُّجْرِمُوْنَ لَيَقَعُنَّ ﴿٢٣﴾

پس بابندگانم شگاه کوچ کن.  
البته شما تمقیب کرده شوید (۲۴)

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ ﴿٢٤﴾

و دریا را ترک کن چون آن آرام  
است. یقیناً آنها لشکری اند که  
غرق کرده شوند (۲۵)

آنها وا گذاشتند بسا باغها و چشمه  
سارمائی را (۲۶)

و کشته‌ها و جایگاههای ارجمند (۲۷)  
و نعمتی که در آن آسودگان بوده  
اند (۲۸)

مینظور شد و ما قومی دیگر را  
وارث آن گردانیدیم (۲۹)

پس نه آسمان بر آنها گریست و نه  
زمین و نه مهلت دادگان بودند (۳۰)  
و البته ما بنی اسرائیل را نجات  
دادیم از عذابی خوارکننده (۳۱)

[که] از فرعون [بود]. یقیناً او از  
تجاوزگری کنندگان بسیار جباری  
بود (۳۲)

و یقیناً ما آن [بنی اسرائیلی] ما را  
بر اساس علم برجانیان ترجیح  
داده بودیم (۳۳)

و آنان را بعضی از آن نشانه های

وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا ۱ إِنَّهُمْ جُنْدٌ  
مَّعْرُقُونَ ۲۵

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جِثَّتٍ وَعُيُونٍ ۲۶

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۲۷

وَنِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ۲۸

كَذَلِكَ ۲۹ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۳۰

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا  
كَانُوا مُنظَرِينَ ۳۱

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ  
الْمُهينِ ۳۲

مِنْ فِرْعَوْنَ ۳۳ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ  
الْمُسْرِفِينَ ۳۴

وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَيَّ  
الْعَالَمِينَ ۳۵

وَاتَّيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ ۳۶

دادیم که در آنها آزمایشی آشکار بود (۳۴)

یقیناً این مردم میگویند (۳۵)  
نیست آن [دیگر] جز اولین مرگ  
ما و ما برخیزانندگان نیستیم (۳۶)  
پس بیآرید پدران ما را اگر شما  
راستگویانید (۳۷)

آیا آنها بهترند یا قوم تبع و آنانکه  
از پیش آنها بودند. ما آنها را  
هلاک کردیم. یقیناً آنها بزمکاران  
بودند (۳۸)

و آسانها و زمین و هر چه میان  
آندوست را بازی کنان نه آفریده  
بودیم (۳۹)

و آندو را نیفریدیم مگر بحق و  
اما بیشتر ایشان نمیدانند (۴۰)  
یقیناً روز فیصله همگی آنها را  
وعده گامی است (۴۱)

روزیکه دوستی بکار هیچ دوست  
نه آید و نه آنها یاری کرده  
شوند (۴۲)

إِنَّ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ  
إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ  
بِمُنشَرِينَ ۚ  
فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۚ

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ ۗ وَالَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا  
مُجْرِمِينَ ۚ

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا  
بَيْنَهُمَا الْعِجِينَ ۚ

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ  
لَا يَعْلَمُونَ ۚ

إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ۚ

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا  
هُم يُنصَرُونَ ۚ



إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ  
الرَّحِيمُ ﴿٤٣﴾  
مگر بر آنکه خدا رحم کند. یقیناً او  
صاحب غلبه کامل بارها رحم کننده  
است (۴۳)

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ﴿٤٤﴾  
طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿٤٥﴾  
كَأْمَلٍ يُغْلَى فِي الْبُطُونِ ﴿٤٦﴾  
مانند جوشیدن آب جوشان (۴۴)  
او را بگیرد و او را بکشید  
بسوی وسط جهنم (۴۵)  
سپس بر سرش کمی عذاب آب  
جوشان بریزد (۴۶)

كَغَلَى الْحَمِيمِ ﴿٤٧﴾  
خَذُوهُ فَاَعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٨﴾  
مانند جوشیدن آب جوشان (۴۷)  
او را بگیرد و او را بکشید  
بسوی وسط جهنم (۴۸)

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ  
الْحَمِيمِ ﴿٤٩﴾  
ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٥٠﴾  
جوشان بریزد (۴۹)  
بچش، یقیناً تو که صاحب بزرگی  
و ارجمند بودی (۵۰)

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥١﴾  
إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥٢﴾  
همانا اینست آنچه [نسبت] به آن  
شما شك میکردید (۵۱)  
یقیناً متقیان در جای ایمن  
باشند (۵۲)

فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٣﴾  
يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ  
مُتَقَلِّبِينَ ﴿٥٤﴾  
در باغها و چشمه سارها (۵۳)  
لباس سندس و استبرق تن کرده  
رو بروی هم تکیه زده نشسته

باشند(۵۴)++

مینطور بشود و ایشان را به  
دوشیزگان فراخ چشم هم جفت  
نمائیم(۵۵)

ایشان در آن ایمن هرنوع میوهها  
طلب خواهند کرد(۵۶)

و در آن نجشند مرگ جز مرگ اول  
و او آنها را از عذاب جهنم حفظ  
نماید(۵۷)

این بطور فضل از پروردگارتو  
است. یقیناً این پیروزی بزرگ  
است(۵۸)

پس ما آنرا بر زبان تو آسان نموده  
ایم تا ایشان پند بگیرند(۵۹)

پس منتظر باش یقیناً آنها نیز  
منتظر اند(۶۰)

كَذَلِكَ نَسُفُّهُمْ بِخُورِ عَيْنٍ ۝۵۴

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ۝۵۵

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ  
الْأُولَىٰ ۗ وَوَقَّهُمُ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۝۵۶

فَضَلًّا مِّن رَّبِّكَ ۗ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ  
الْعَظِيمُ ۝۵۸

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ  
يَتَذَكَّرُونَ ۝۵۹

فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ ۝۶۰

۳  
۱۱  
۱۲

++ آیات ۵۴-۵۵: این تمثیل آن چیزها بیان شده است که مردم در دنیا دوست دارند و مگر نه حالت اصلی آنها کسی نمیداند.

## ۴۵- سورة الجائیه

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۲۸ آیت دارد.

در این سوره آیت ۱۴ چنین آیتی است که پرده را از رازهای زمین و آسمان بنحوی برمیدارد که آیتی شبیه اش در هیچکدام کتب قبلی نازل نشده است. فرموده میشود، تمامی آنچه در زمین و آسمان است برای انسان مسخر شده است. پس کسانی که فکر کنند بدانند که همگان اجرام سماوی بر انسان تاثیری میگذارند. گویی که انسان مائیکروبیونیورس (Micro Universe) است و مجمل این کائنات پهناور است.

پس، بعد از این ذکر که قیامت حتماً برپا گردد فرمود، نشانه ای هیبتناک قیامت را رویت کرده و بدفرجام خویش را جلوی چشمان خود نگریسته آنها به زانوهای زمین خواهند افتاد. بعبارت دیگر ایشان در مقابل جلال خدای متعال به سجده بیفتند و آرزو کنند کاشکی از این عذاب بزرگ رهانیده شوند. سپس فرمود که هر کدام امت فراخور کتاب شریعت خود قضاوت کرده شود.

در پایان این سوره توجه انسان یکبار دیگر بسوی این امر جلب کرده میشود که تمامی کاینات به زبان حال خدای متعال را ستایش میکند و اینکه کبریائی بتمام از آن اوست و او صاحب غلبه کامل و صاحب حکمت است.

☆ سُوْرَةُ الْجَائِيَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَمَانٍ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَأَرْبَعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

حَمِيدٌ مَجِيدٌ - صاحب حمد صاحب

حَمْدٌ ②

تمجید (۲)

نازلکردن این کتاب از خدای

صاحب غلبه کامل صاحب حکمت

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ

الْحَكِيمِ ③

است (۳)

یقیناً در آسمانها وزمین مومنان را

بسیار آیت های است (۴)

و در آفرینش شما و هر چه جنبنده

او میگستراند آیتهای است برای

قومیکه یقین دارند (۵)

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ

لِلْمُؤْمِنِينَ ④

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبْتُغِي مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ

لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ⑤

و دیگرگون کردن شب و روز و

آنچه خدا از آسمان رزق نازل کند

وزمین را بدان پس از مرگش زنده

کند و رخ راجا بجا کرده وزانند

بادما آیتهای است برای قومیکه

عقل کنند (۶)

وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ

بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ

يَعْقِلُونَ ⑥

این آیتهای خدا است که آنها را

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ

حَدِيثٌ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَتِهِ يَوْمَ مَوْنٍ ﴿٧﴾

برتوباحق فروخوانیم. پس اینها  
پس از خدا و آیتهای او به کدام  
سخن ایمان خواهند آورد؟ (۷)

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَقَاكٍ آثِيمٍ ﴿٨﴾

هلاک باد بر هر يك افترا کننده  
و دروغگویی بزرگ (۸)

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يَصُرُّ  
مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرَهُ  
بِعَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٩﴾

او آیتهای خدا را گوش میکند که بر  
او خوانده میشود. بازهم کبرکنان  
اصرار میورزد که گویی او آنها  
را نشنیده است. پس او را بعذابی  
دردناک مزده بده (۹)

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا  
أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٠﴾

و هر گاه او بر بعضی از آیات ما مطلع  
میگردد آنها را ابیاد سخریه میگیرد.  
مانها اند که برای آنها عذابی  
خوار کننده است (۱۰)

مَنْ وَّرَأْبِهِمْ جَهَنَّمُ ۖ وَلَا يَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا  
كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ  
أَوْلِيَاءَ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾

[و] از ورای آنها جهنم است و  
میچ هم به کاریشان نه آید آنچه  
کسب کردند و نه آنچه راجز خدا  
دوستانی گزیدند در حالیکه برای  
ایشان عذابی بزرگ است (۱۱)

هٰذَا هُدًى ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ  
لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ ﴿١٢﴾

این هدایتی بزرگ است و آنانکه  
به آیتهای پروردگار خود انکار

ع  
۱۲

کردند برای آنها از عذابى لرزنده

عذابى دردناك [مقدر] است (۱۲)

خدا است آنكه دریا را برای شما

مسخر کرد تا با امراو در آن کشتیها

روان شوند و تا فضل او را تلاش

کنید و تا شما سپاس بجا آرید (۱۳)

و آنچه در آسمانها است و آنچه در

زمین است از آن همگی را برای

شما مسخر کرد. یقیناً در این آیتهاى

است برای قومى که تفکر کنند (۱۴)

بگو به کسانیکه ایمان آوردند که

به آنها که به روزهاى خدا امید

ندارند رفتار عفو کنند تا قومى را

باداش دهد مطابق آنچه کسب مى

کردند (۱۵)

هرکه نیکوکارى بجا آرد پس به

نفع خود اوست و هرکه بدى کند

پس خلاف خود اوست. باز شما به

سوى پروردگار خود برگشت داده

شوید (۱۶)

و یقیناً بنی اسرائیل را کتاب

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ

الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٣﴾

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُونَ ﴿١٤﴾

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا

يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ ﴿١٥﴾

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَسَاءَ

فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٦﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ

وحکمت و نبوت در داديم و آنان را از باکيزه ما رزق بخشيديم و آنها را بر همه عالمان فضليت اعطا کرديم (۱۷) ++

و آنانرا تعليمات آشکار از شريعت اعطا کرديم. پس آنها اختلاف نه کردند مگر خلاف همديگر سرکشي کرده پس از آنکه ايشان را علم آمد. يقيناً پروردگارتو روز قيامت در آن امور فيصله دهد که در آنها اختلاف ميکردند (۱۸)

سپس تو را بريك امر شريعتي معظم استوار نموديم. پس از بي آنان نرو و از هوای نفسانی آنها پيروي نکن که نادانانند (۱۹) ++

وَالْحُكْمَ وَالثَّبُوتَ وَرَزَقْنَهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾

وَأَيُّهُمْ يَبْتِغِي مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٨﴾

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٩﴾

++ آيت ۱۷: منظور از فضيلت بني اسرائيل بر عالمان اين است که ايشان را بر جهانهای مشخص آنزمان فضيلت حاصل بود. دنيا در بخش های مختلف آنقدر منقسم بود که بني اسرائيل درباره آنها هيچ اطلاعی نداشتند. بازم هر چند جهانهای آنزمان بر بني اسرائيل معلوم بود ما ايشان را بر همه آنها فضيلت داديم.

++ آيت ۱۹: باز از آن پس به آنحضرت ﷺ شريعت اعطا شد. چون ايشان پيغمبر همه جهانی بودند شريعت ايشان ﷺ نیز همه جهانی بود.

إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ  
الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ  
وَالِيُ الْمُتَّقِينَ ﴿۲۰﴾

یقیناً آنان درمقابل خدا هیچ هم  
بکارتو نیایند و ستمگران یقیناً  
دوست همدیگر اند و خدا دوست  
متقیان است (۲۰)

هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ  
لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿۲۱﴾

این برای مردم بصیرت افروز  
سخنان است و هدایت و رحمت  
قومی را که یقین دارند (۲۱)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ  
نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتِهِمْ  
سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۲۲﴾

آیا پنداشته اند آنانکه گناه های  
گوناگون کسب کنند که آنها را  
مانند آنان قرار دهیم که ایمان  
آوردند و نیکوکاریها کردند [که  
گوئی] زیستن آنان و مردن آنان  
همسان باشد؟ بسیار زشت است  
آن قضاوت که میکنند (۲۲)

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ  
وَلِيَجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا  
يُظَلَمُونَ ﴿۲۳﴾

و خدا آسمانها و زمین را بحق  
آفرید تا هر جان پاداش داده شود  
فراخور آنچه او کسب کرد و آنها  
ستم کرده نشوند (۲۳)

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ  
اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَوَحَّمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ

پس آبادیدی آنکس را که هوای نفس  
خویش را معبود خویش برگرفت  
و خدا او را بر مبنای علمی گمراه



نموده و بر شنوائی و بینائی او  
مهر نهاده و بر دیدگانش پرده  
افکنده است؟ پس کیست پس از  
خدا که او را هدایت دهد؟ آیا  
باز هم پند نیکگیرید؟ (۲۴)

و گویند، نیست آن [زندگی] جز  
زندگی دنیائی ما - ما هم میسریم  
هم زنده شویم و نیست مارا ملاک  
کند جز روزگار حال آنکه آنها را  
به این هیچ هم دانشی نیست. آنها  
فقط حدس میزنند (۲۵)

و مرگ آیت‌های روشن ما بر آنها  
خوانده شود دلیل آنان نیست جز  
اینکه گویند: پدران ما را بیارید  
اگر شمارا استگویانید (۲۶)  
بگو خدا است که شما را زنده می  
کند. سپس شمارا میسراند. سپس  
شمارا جمع کند بسوی روز قیامت  
که در آن هیچ شکی نیست و اما  
بیشتر مردم نمیدانند (۲۷)

و از آن خدا است پادشاهی آسمانها

وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشْوَةً ۖ فَمَنْ يَهْدِيهِ  
مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۲۴﴾

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ  
وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا  
لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا  
يُظُنُّونَ ﴿۲۵﴾

وَإِذْ تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ  
حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوَابَا بَابِنَا إِن  
كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۲۶﴾

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ  
يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ  
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۲۷﴾

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَيَوْمَ

و زمین و روزیکه قیامت برپا گردد دروغگویان آنروز زیان خواهند کشید (۲۸)

و مرکدام ملت را بزانو درآمده ببینی و هرامتی بسوی کتاب خود فراخوانده شود. امروز مزد داده شوید بدانچه شما میکردید (۲۹)

این کتاب ما است که برخلاف شما بحق سخن گوید. یقیناً ما اینو شتیم مرچه شما میکردید (۳۰)

پس کسانی که ایمان آوردند و نیکو کاری کردند پس ایشان را پروردگار ایشان در رحمت خود داخل کند. این پیروزی آشکار است (۳۱)

و باتوجه به آنها که انکار کردند. [گفته شوند] پس آیا آیتهای ما بر شما فرو خوانده نمیشد؟ باز هم تکبر کردید و شاقوم بزمکاران شدید (۳۲)

و منگامیکه گفته شود. وعده خدا

تَقَوْمُ السَّاعَةِ يَوْمَئِذٍ يُخَسِرُ الْمُبِطُونَ ﴿٢٨﴾

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾

هَذَا كِتَابُنَا يُنطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٠﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣١﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَتِي تُتلى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا

رَبِّ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ ۗ  
 اِنْ نَّظُرُ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ  
 بِمُسْتَيْقِنِينَ ﴿۳۲﴾

حق است و ساعتی است که در  
 آن هیچ شکی نیست گوئید. ما  
 نمیدانیم ساعت چیست. ما [اینرا]  
 فقط گمان میپنداریم و ما یقین  
 آوردگان نیستیم (۳۲)

وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ  
 مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۳۳﴾

و برای آنان آشکار شود زشتی  
 های آنچه میکردند و آنها را احاطه  
 کند بدانچه داشتند تسخر می  
 کردند (۳۳)

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ  
 يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَا أَوْكُمُ النَّارُ وَمَا  
 لَكُمْ مِّنْ نُصْرِينَ ﴿۳۴﴾

و گفته شود. ما امروز شما را  
 فراموش میکنیم بطوریکه شما  
 ملاقات امروز خود را فراموش  
 کرده بودید و جایگاه شما جهنم  
 است و شما را کسی از یاوران  
 نیست (۳۴)

ذَلِكُمْ بِأَنكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا  
 وَعَرَّيْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۗ فَايَوْمَ لَا  
 يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿۳۵﴾

این بدانعلت است که شما آیتهای  
 خدا را ببادسخریه گرفتید و زندگی  
 دنیا شمارا فریب داد. پس امروز از  
 آن [آتش] خارج کرده نشوند و نه  
 عذر ایشان قبول کرده شود (۳۵)  
 پس ستایش مطلق از آن خدا است

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ

الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۷﴾

که پروردگار آسمانها و پروردگار  
زمین است [همان که] پروردگار  
تمامی جهانها است (۳۷)

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

و از آن او است کبریائی در  
آسمانها و زمین و او صاحب غلبه  
کامل صاحب حکمت است (۳۸)

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳۸﴾

ع  
۳۸

## ۴۶ - الاحقاف

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۲۶ آیت دارد.

بمحض آغاز این سوره اظهار از همان حقیقت مذکور در آخرین آیات سوره گذشته میشود که هر چه در زمین و آسمان و میان آندو است خدا را ستایش میکند. در ابتدای این سوره فرموده میشود که زمین و آسمان و هر چه در آندو است بر آن حق استوار اند که قبلاً ذکر شد. مجلاً باید گفت که تمامی کاینات در حق کسی جز خدای حق گواهی نمیدهد. بلافاصله پس از این به مشرکان خطاب کرده میشود که زمین و آسمان و هر چه در آنها است آفرینش خدا است. شمارا باید آفرینش خدایانی بر یافته خودتان نشان دهید. در حقیقت در این مضمحل دلیل اینست که بر هر کدام آفریده ما مهرچایی او نشانده شده است.

اگرچه در این سوره ذکر از هلاکت قوم عاد میرود که بوسیله احقاف بیم داده شدند ولی این اسلوب قرآن را نباید ندیده گرفت که با تذکر سرگذشت‌های پیشینیان اشاره به وقایع متشابه پسینیان نیز کرده میشود.

در این سوره مجدداً کنایه ای به موضوع دخان یعنی دود شده است که هرگاه ابرها سایه افکنند آنان می پندارند که آسمان بر ایشان نعمت‌های میبارد. اما چون آن ابر ایشان را فرارسد آنگاه حالی شوند که آن همراه با چنین بادهای تشعشعی است که هر چیزی را هلاک سازند. پس ایشان آنقدر توفیق هم نتوانند بدست آورند که از مسکن خود بیرون آیند و چیزی جز منزلی ویران ایشان گواه بر وجود ایشان نباشد. ناگاساکی و میروشیما در

ژاین مصداق این امر میباشند.

آیه ۳۴ عبارت از این موضوع است که آیا آنان نمینگرند که خدا از آفرینش آسمان و زمین در مانده نمیشود. انسان آن زمان نمیتوانست ببینند ولی انسان امروز که به معلوم کردن رازها تلاش میکند میداند که زمین و آسمان تکراراً در عدم غرق میشوند و مجدداً در آفرینشی جدید درمیآیند و این فعل خداوندی که تکراراً زمین و آسمان را بحالت عدم برده بر سطح هستی در میآورد خاطر نشان میکند که هیچگاه او از عمل تخلیق دچار خستگی نمیشود. پس اینک انسان چطور خیال کند که چون او نابود شود خدا را توانائی نیست که او را دوباره بوجود آورد؟!

☆ سُوْرَةُ الْاِحْقَافِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَثَلَاثُوْنَ اَيَّةٌ وَارْبَعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

حمید مجید - صاحب حمد صاحب

۲۱  
۴۱

ح م

تمجید [۲]

نازل کردن این کتاب از خدای

صاحب غلبه کامل، صاحب حکمت

است (۲)

تَنْزِیْلَ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِیْزِ

الْحَكِیْمِ ⑤

آسمانها و زمین و هر چه میان

آندو است را نه آفریدیم جز

بحق و برای مدت معین، و آنها که

کفر کردند اعراض کنند از آنچه

مشار داده شوند (۴)

مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى ۙ وَالَّذِیْنَ

كَفَرُوْا عَمَّاۤ اُنْذِرُوْا مُّعْرِضُوْنَ ①

بگو آیا نگریستید آنچه را جز

خدا میخوانید؟ مرانشانمید چه

چیز را در زمین آفریده اند؟ یا

برای ایشان در آسمانها مشارکتی

است؟ برای من کتابی پیش از

این یا نوشته ی علمی بیآرید

اگر شما راستگویانید (۵)

قُلْ اَرَءَیْتُمْ مَا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ

اَرُوْنِیْ مَاذَا خَلَقُوْا مِنَ الْاَرْضِ اَمْ اَمْ لَهُمْ

شِرْكٌ فِی السَّمٰوٰتِ ۙ اِیْتُوْنِیْ بِكِتٰبٍ

مِّنْ قَبْلِ هٰذَا اَوْ اَثَرٍ ۙ مَنْ عِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ

صٰدِقِیْنَ ②

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ  
لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ  
عَنْ دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ ﴿٦﴾

و کیست گمراوتر از آنکه جز خدا  
آنها را میخواند که نمیتوانند تا  
قیامت او را جوابی بدهند؟ و آنها از  
خوانده شدن خود بیخبراند (۶)

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً  
وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٧﴾

و هنگامیکه مردم محشور کرده  
شوند آنها [که پرستش میشدند]  
به دشمنی آنها برآیند و از پرستش  
آنان انکار کنندگان شوند (۷)

وَإِذَا تَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيَّنَّتْ قُلُوبَ الَّذِينَ  
كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ  
مُبِينٌ ﴿٨﴾

و هنگامیکه آیات روشن ما بر آنها  
خوانده میشود آنها که کفر کردند  
درباره حق چون نزدایشان آمد  
گویند، این جادویی آشکار  
است (۸)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ  
فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ  
بِمَاتُ تُبَيِّنُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي  
وَبَيْنَكُمْ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٩﴾

آیا میگویند که او آنرا بریافته  
است؟ بگو، اگر آنرا بریافته بودم  
آنگاه شما در مقابل خدا به نجاتم  
هیچ طاقتم نیاوردید. او داناتر  
به آنست که در آن مستغرق اید. او  
میان من و میان شما بس گواه  
است و او آمرزگاری بارها رحم  
کننده است (۹)



بگو من از رسولان آغازی نیستم  
و نسید انم چه رفتار کرده شود  
بمن و یا به شما. من فقط آنرا  
پیروی کنم که بمن وحی فرستاده  
میشود و نیستم من جز بیم دهنده  
آشکار (۱۰)

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرَّسُلِ وَمَا  
أَدْرِي مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ ۗ إِنَّا نَسِجُ  
إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيْنَا وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ  
مُّبِينٌ ﴿۱۰﴾

بگو آیا نگر نیستید [به آن نتیجه  
که] اگر او از جانب خدا باشد و شما  
او را انکار کنید حالانکه گواهی  
دهنده ی از بنی اسرائیل بر [ظهور]  
مثیل خود گواهی داده بود پس او  
که ایمان آورد و شما تکبر کردید.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ  
وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي  
إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنْ  
وَاسْتَكْبَرْتُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي  
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۱﴾

++ آیت ۱۱: اینجا منظور از شاهد حضرت موسیٰ علیه السلام هستند و منظور از ایمان آوردن ایشان ایمان آوردن بر پیغمبری که در آینده ظهور کند یعنی حضرت محمد ﷺ هستند که درباره ظهور ایشان حضرت موسیٰ علیه السلام گواهی داده بودند. در استثناء ۱۸: ۱۸ مرقوم است: من برای ایشان از میان برادران خود ایشان یک پیغمبر بپاکرده کلام خود را دردمن او افکنم و هر چه به او فرمان دهم همان را به ایشان خواهد گفت.

منظور از "وَاسْتَكْبَرْتُمْ" آن قوم بنی اسرائیل است که رسول الله ﷺ را انکار کردند. آنان فهمانیده شده اند که بنیان گذار ملت شما بر رسول الله ﷺ ایمان میداشت اما شما منکران او هستید. گویی که شیوه شما پیوسته انکار کردن است آنچه از تکبر منشأ میگیرد.

یقیناً خدایه قوم ستمکاران هدایت  
نمیدمد (۱۱)

و آنها که کفر کردند گفتند به آنها  
که ایمان آوردند اگر این خوب  
بود بسوی آن بر ما سبقت نمی  
گرفتند و چون به آن هدایت نه  
یافتند گویند این يك دروغ  
باستانی است (۱۲)

و پیش از این کتاب موسیٰ رهمنما  
و رحمتی بود و این کتاب تصدیق  
کننده در زبان فصیح و بلیغ است  
تا بیم دهد آنهائی را که ستم کردند  
و نیکوکاران را مؤده است (۱۳)

مانا آنانکه گفتند، پروردگار ما  
خدا است سپس راه وفا پیمودند  
پس بر آنها نه بیم است و نه آنها  
اندوهناک شوند (۱۴)

مانها اهل بهشتند در آن جاویدان  
اند. این پاداش است به آن عمل  
که داشتند میکردند (۱۵)

و انسان را اکیداً نصیحت کردیم

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانُوا  
خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ  
فَسَيَقُولُونَ هَذَا أِفْكَ قَدِيمٌ ﴿۱۱﴾

وَمِنْ قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً  
وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانِ عَرَبِيٍّ لِّيُنذِرَ  
الَّذِينَ ظَلَمُوا ۗ وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ﴿۱۲﴾

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا  
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۳﴾

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا  
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴﴾

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا

حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا  
 وَحَمَلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا  
 بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ  
 رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي  
 أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ  
 صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي  
 إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۷﴾

که به والدین خویش احسان کند،  
 مادرش او را بارنج برداشت و  
 بارنج او را زاد و حملش و شیر  
 گرفتنش سی ماه است تا آن انتها  
 که چون به بلوغیه خود رسید و  
 چهل ساله شد گفت، پروردگارا!  
 توفیقم بده تا سپاسگذارم برای آن  
 نعمت تو که بر من و بر والدینم  
 ارزانی داشتی و اینکه نیکوکاری  
 کنم که تو را خوش آید و نژادم  
 را برای من اصلاح کن. یقیناً من  
 بسوی تو رجوع میکنم و یقیناً من  
 از فرمانبرداران هستم (۱۶)

مانهاند که از ایشان نیکوترین  
 از آن اعمال که کردند را بپذیریم  
 و از بدهیهای ایشان عفو نمایم. ایشان  
 شامل اهل بهشت هستند. [این] آن  
 وعده راست است که داده می  
 شدند (۱۷) ++ (ص# ۱۲۳۶)

و آنکس که به والدین خود گفت،  
 اف بر شما، آیامرامیترسانید که من

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا  
 عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي  
 أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصِّدْقِ الَّذِي  
 كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿۱۷﴾

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا

بیرون آورده خواهم شد با آنکه  
پیش از من بساقومهادرگذشته اند  
و آندو به خدا فریادکنان [به پسر  
خود] گفتند: هلاک برتو، ایمان بی‌آر.  
یقیناً وعده خدا راست است. پس  
او گفت: اینها فقط اساطیر پیشینیان  
است (۱۸)

مانه‌اند که بر آنها آن فرمان [خدا]  
راست آمد که بر ملت‌های درگذشته  
پیش از آنها از جن و بشر [راست]  
آمده بود. یقیناً آنها خسارتکاران  
اند (۱۹)

و هر کدام را مراتب است از  
[روی] آنچه عمل کردند و اینست تا  
[خدا] آنان را پاداش اعمال ایشان  
کامل دهد و ایشان ستمکرده نه  
شوند (۲۰)

و [بیاد آرید] روزی آنانکه کفر  
کردند روبروی آتش عرضه شوند.  
+ آیت ۱۷: أَحْسَنُ مَا عَمِلُوا یعنی خداوند پاداش نیکو نه بمیزان کم نیکوکاری بلکه

أَتَعِدُنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ  
الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي ۚ وَهُمَا يَسْتَعِيبُنِ اللَّهَ  
وَيُنكَرُ مِنْهُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ فَيَقُولُ مَا  
هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۸﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي  
أَمْرِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ  
وَالْإِنْسِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ ﴿۱۹﴾

وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مِمَّا عَمِلُوا ۚ  
وَلِيُوقِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ  
لَا يُظْلَمُونَ ﴿۲۰﴾

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ ۗ  
أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا

بمیزان بهترین بخش نیکوکاری خواهد داد.

شما چیزهای باک و پسندیده خود را در زندگانی دنیا خود تمام کردید و به آنها کامروا شدید. پس امروز عذاب رسوا کننده بپاداش داده شوید چه شادان زمین بناحق تکبر میکردید و چه شما زشت کاری میکردید (۲۱)

و برادر عاد را یاد کن چون او بقوم خود نذر دشته های رینگ هشدار داد در حالیکه از پیشرویش و از پشت سرش هشدارهای [بسیار] گذشته بود که جز خدا قطعاً کسی را عبادت نکنید. بر راستی من بر شما از عذاب روزی بزرگ میترسم (۲۲)

گفتند: آیا آمدی نزد ما تا ما را از معبودان خود منحرف کنی؟ پس بیار بدانچه ما را میترسانی اگر تو از راستگویانی (۲۳)

او گفت: علم که فقط نزد خدا است. من بشما آنچه ابلاغ میکنم که با آن فرستاده شده ام و اما شما را

وَاسْتَمَعْتُمْ بِهَا<sup>ع</sup> فَأَيُّومَ تُجْرَوْنَ عَذَابَ  
الهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي  
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ  
تَفْسُقُونَ<sup>ع</sup>

وَإِذْ كُرِّحَا عَادٍ<sup>ط</sup> إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ  
بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ التُّدْرُ مِنْ بَيْنِ  
يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ<sup>ط</sup>  
إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ  
عَظِيمٍ<sup>ع</sup>

قَالُوا أاجْتَنَّا لِيَأْفَكْنَا عَنْ آلِهَتِنَا<sup>ع</sup> فَاتِنَا  
بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ<sup>ع</sup>

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ<sup>ع</sup> وَأُبَلِّغُكُمْ مَا  
أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرِكُمْ قَوْمًا

تَجْهَلُونَ ﴿۲۴﴾

قومی جاہل می بینم (۲۴)

بس چون آنرا ابری بسوی وادی  
های خود پیش آینده دیدند گفتند،  
این ابری است که بر ما بارش  
میبارد. نخیر! بلکه اینست همانکه  
آنرا بشتاب میخواستید. این بادی  
تند است که در آن عذابی دردناک

است (۲۵)

هر چیز را به فرمان پروردگار  
خود نابود سازد. پس [بطوری نابود]  
شدند که جز خانه های ایشان هیچ  
هم دیده نمیشد. اینگونه ما به قوم

بزمکاران پاداش می دمیم (۲۶)

والبته به آنها تمکنی داده بودیم که  
آن تمکن بشما نداده ایم و برای  
آنان گوشها و چشمان و دلها ساختیم  
پس گوشهای ایشان و چشمان  
ایشان و دلهای ایشان هیچ هم بکار  
ایشان نیامد چون به آیتهای خدا  
محاجه کردند و فراگرفت آنها را  
آنچه به آن تمسخر میکردند (۲۷)

فَلَمَّا رَأَوْهُ غَارُوا مُمْسِقِينَ ۙ  
أَوْدِيَّتَهُمْ ۙ  
قَالُوا هَذَا غَارٌ وَمُمْطِرُنَا ۙ بَلْ هُوَ مَا  
اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ ۙ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۵﴾

ثُمَّ مَرُّوا كُلُّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا  
لَا يُرَى إِلَّا أَسْمَانُهُمْ ۙ كَذَلِكَ  
نَجَّزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿۲۶﴾

وَلَقَدْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي مَا آتَيْنَاهُمْ مِنْكُمْ فِيهِ  
وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَ أَبْصَارًا وَ أَفْئِدَةً ۙ  
فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا  
أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ  
كَانُوا يُجْحَدُونَ ۙ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ حَاقَ بِهِمْ  
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿۲۷﴾

و البته ما شهرهای پیرامون  
شمارا هلاک کردیم و آیتهای را  
بطریق گوناگون بیان کرده ایم  
تا شما رجوع کنید (۲۸)

پس چرا آنانرا یاری نکردند آنها را  
که بخاطر تقرب جز خدا معبودانی  
گرفته بودند؟ بلکه آنها از اینها کم  
گشتند. این بود [نتیجه] دروغ اینها  
و آنچه فرا مییافتند (۲۹)

و چون گروهی از اجنه را بسوی  
تو گردانیدیم که قرآن را گوش می  
کردند. پس چون آنها نزدش آمدند  
گفتند، ساکت باشید. پس آنگاه که  
سخن پایان یافت بسوی قوم خود  
مشاردندگان باز گشتند (۳۰) ++  
گفتند، ای قوم ما ایقیناً ما کتابی  
گوش کرده ایم که پس از موسی

وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَى  
وَصَرَفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۸﴾

فَلَوْلَا نَصْرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ  
اللَّهِ قُرْبَانًا إِلَهَةً ۗ بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ ۗ  
وَذَلِكَ أَفْكَهْمُ وَمَا كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿۲۹﴾

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِبِّ  
يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ ۗ فَلَمَّا حَضَرُوهُ  
قَالُوا أَوْنَحْنُ سَمِعْنَا ۗ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى  
قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿۳۰﴾

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ

+ آیت ۳۰: اجنه مذکور نه اجنه تصویری بعرف عام بلکه سرداران قومی بزرگ بودند  
که با شنیدن اخبار رسول الله ﷺ بر آن شدند که حضور یافته آگاهی پیداکنند و  
تصمیم نهائی بگیرند. پس چون آنان بسوی قوم خویش بازگشتند نوید از صداقت  
آنحضرت ﷺ به سمع ایشان رساندند.

نازل کرده شد تصدیق کننده برای آنچه پیش روی آن بود. آن بسوی حق و بسوی راه راست هدایت میکند(۳۱)++

ای قوم ما! دعوت کننده بسوی خدا را لبیک گوید و بر او ایمان بیارید. او گناهانتان را برایشما آمرزیده و از عذاب دردناک حفظ خواهد کرد(۳۲)++

و هر که دعوت کننده خدا را لبیک نگوید پس او نتواند در زمین عاجز کننده بشود و در مقابل خدا برایش دوستان نیستند همانند که در گمراهی آشکاراند(۳۳)

آیا مشاهده نکردند که خدای که آسمانها و زمین را آفرید و از آفرینش

بَعْدَ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِيَ إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣١﴾

يَقَوْمًا أَجِيبُوا دَعَى اللَّهِ وَأَمْنَآبِهِ  
يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيَجِرْكُمْ مِّنْ  
عَذَابِ إِلِيمٍ ﴿٣٢﴾

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَعَايَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ  
فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ  
أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٣﴾

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

++ آیت ۳۱: اینجا آشکار کرده شده که آن پیغمبر که قرار بود پس از حضرت موسی یک شریعت کامل بیآرد ظهور کرده است.

++ آیت ۳۲: آنان هنگام برگشت در قوم خویش پس از بیان مذکور خود ایشان را توصیه کردند که آن پیغمبری راستین است لذا بر او ایمان بیارید که بشفیع خود شماست و هشدار دادند هر که بفرستاده‌ی خدا نکار کند، نتواند او را زیان زند.



وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَخْلُقْهَا بِقَدْرِ  
عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ۗ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۴﴾

آنها هیچ فروماند بر این امر  
توانا است که مردگانرا زنده نماید  
بلی! یقیناً او بر هر چیز مدام قدرت  
- مند است (۳۴) ++

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ ۗ  
أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ ۗ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۗ  
قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ  
تَكْفُرُونَ ﴿۳۵﴾

و[بیاددارید] روزیکه عرضه شوند  
بر آتش آنها که کفر کردند آیا این  
راست نبود؟ گویند بلی سوگند به  
پروردگار [این راست بود]. او  
گوید پس عذاب را بجشید بدان  
علت که شما انکار میکردید (۳۵)

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ  
الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۗ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ  
يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا  
سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ ۗ بَلَّغْ ۗ فَهَلْ يَهْتَكُ إِلَّا  
الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۳۶﴾

پس صبر کن آنگونه که رسولانی  
صاحب عزم صبر کردند و برای  
آنان تمجیل مکن. روزیکه مشاهده  
کنند آنچه راهشدار داده شوند  
[گمانکنند] گویی درنگ نکردند جز  
ساعتی از روز. بیفام ابلاغ شد.  
پس آیا کسی هلاک کرده میشود

جز قوم فسادکاران (۳۶)

++ آیت ۳۴: پس از اندرز مذکور توجه ایشان به آن صداقت دایمی جلب کرده شد  
که هر کدام پیغمبر قوم خود را بسوی آن میخواند یعنی ایشان باید به روز رستاخیز  
ایمان آرند که بدون این اعتقاد ایمان مکمل نمیشود.

## ۴۷-سورة محمد

این سوره در مدینه نازل آمد و با بسم الله ۲۹ آیت دارد.

این سوره اگرچه از لحاظ داشتن شمار آیتها بسیار کوتاه است ولی عملاً عبارت از مجمل تمامی سوره های است بر همان منوال که رسول الله ﷺ مظهر تمامی رسولان هستند.

در آیه ۱۹ این سوره فرموده میشود که برای قیامت روحانی بزرگ که آنحضرت ﷺ مبعوث کرده شدند تمامی علامات ظهورش نمایان شده است. پس نصیحت گرفتن ایشان آنوقت که آن ساعت برپا گردد چه بدرد خواهد خورد.

☆ سُورَةُ مُحَمَّدٍ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ تِسْعٌ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَأَرْبَعَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده، بارها مارحکمنده (۱)

کسانیکه کفر کردند و از راه خدا

باز داشتند او اعمال ایشان را

ضائع داد (۲)

و کسانیکه ایمان آوردند و نیکو

کاری کردند و ایمان آوردند بر آنچه

بر محمد نازل کرده شد و همان

از پروردگار ایشان راستی کامل

است عیبهای ایشان را دور نماید

و احوال ایشان را اصلاح کند (۳)

اینست زیرا آنها که کفر کردند

دروغ را پیروی کردند و آنانکه

ایمان آوردند حق را از پروردگار

خود پیروی کردند. اینگونه خدا

برای مردم مثلهای آنان بیان می

کند (۴)

پس چون شماروبروی آنها شوید

الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصْذُوعًا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

أَصْلَ أَعْمَالِهِمْ ②

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا

بِمَا نَزَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ

رَبِّهِمْ ۚ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ

بَالَهُمْ ③

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ

وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ ۚ

كَذَلِكَ يُضْرَبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ④

فَإِذَا قُضِيَتْهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضْرَبَ

الرِّقَابِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا أَخْتَمْتُمُوهُمُ  
 فَشَدُّوا الوَثَاقَ ۗ فَمَا مَتَابَعِدُ وَإِمَّا  
 فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَصْعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۗ  
 ذَلِكَ ۗ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآتَصَّرَ مِنْهُمْ  
 وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَ أَبْضُكُمْ بِبَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ  
 قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ  
 أَعْمَالَهُمْ ۝

که کفر کردند پس گردنهای [آنها] را  
 بزیند تا آنگامکه چون خون آنها  
 را بکثرت ریختید پس محکم بند  
 کنید. پس بعداً یا با منت نهادن یا  
 با فدیہ گرفتن آزاد کردن است  
 تا آن انتها که جنگ خلع سلاح  
 کند. همینطور باید شود و اگر خدا  
 میخواست از آنها انتقام میگرفت  
 اما او میخواهد که بعضی از شما را  
 ببعضی آزمایش کند و کسانی که در  
 راه خدا بسختی اذیت داده شدند  
 پس او اعمال ایشان را ضائع  
 نمیدهد (۵) ++

++ آیت ۵: در این آیت مهم ترین پهلومای جهاد در راه خدا بیان شده است. نخست  
 اینکه قومهاییکه برخلاف مومنان شمشیر بردارند آنها مغلوب ساخته حتماً محکم  
 بند شوند تا آنگاه که جنگ پایان یابد. سپس یا آنان بعموض فدیہ یا بلا فدیہ منت  
 نهاده رها کرده شوند.

کسانی که جنگهای دفاعی اسلام را تهاجمی و اجباری بخاطر مسلمان ساختن قرار  
 میدهند این آیت شدیداً اعتقاد ایشان را رد میکند. این بهترین فرصت است که  
 اسیران به اجبار مسلمان ساخته شوند. ولی تا چه برسد باینکه به اجبار مسلمان  
 ساخته شوند فرمان اینست که اگر اسیران اسلام را هم قبول نکنند آزاد کرده  
 شوند و اگر فدیہ نگیرید آنصورت هم خوب است.

او آنها را هدایت داده و به احوال  
ایشان اصلاح خواهد آورد (۶)  
و ایشان را بداخل آن بهشت کند  
که آنها او برای ایشان عالیتر  
ساخت (۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر  
به خدایاری دهید او به شما یاری  
کند و قدمهای شما را استوار سازد (۸)  
و کسانی که کفر کردند بر آنها هلاک  
باد و [خدا] اعمال ایشان را ضائع  
داد (۹)

این بود چه آنها ناپسند داشتند  
آنچه را خدا نازل کرد. پس او اعمال  
ایشان را ضائع داد (۱۰)  
پس آیدار زمین نگشتند تا می  
دیدند که عاقبت پیشینیان ایشان  
چطور بود. ما بر آنها ملاکت افکنديم  
و برای این کافران نیز همانند  
آنها سلوک میشود (۱۱)

این بدانعلت است که خدامولای  
آنان است که ایمان آوردند و

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِالْهَمِّ ⑥

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ⑦

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّصِرُوا اللَّهَ

تَتَّصِرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ⑧

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَّأَلَهُمْ وَاصَلَّ

أَعْمَالَهُمْ ⑨

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْظَ

أَعْمَالَهُمْ ⑩

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ⑪

دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ⑫ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ⑬

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ

الْكٰفِرِيْنَ لَا مَوْلٰى لَهُمْ ﴿۱۱﴾

ع ۱۲

اینکه کافران اند که هیچ مولای  
آنها نیست (۱۲)

یقیناً خدا کسانی که ایمان آوردند و  
اعمال شایسته انجام دادند را  
وارد بهشت‌های کندک در دامنه آنها  
نهرها رواند و آنها که کفر کردند  
کام روایی کنند و بخورند آنطور  
که چهارپایان خورند و آتش جای  
گاه آنها است (۱۳)

إِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِيْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا  
الصّٰلِحٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهٰرُ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ  
وَيَأْكُلُوْنَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ  
مَشْهُوِيَةٌ لَهُمْ ﴿۱۳﴾

و چه بسا شهرهای بودند که قدرت  
مندتر بودند از شهر تو که تو را  
از آن بیرون کردند. ما آنها را  
بهلاك رساندیم و برای آنها کسی  
یاری دهنده نبود (۱۴)

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ  
قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْنَاكَ عَنْهَا لَمْ نَخْلُقْ  
لَهَا نَاصِرًا لَهُمْ ﴿۱۴﴾

پس آیا کسیکه از پروردگار خود  
بر هدایت استوار است مانند آن  
است که زشتی اعمالش برای او  
مزین نشان داده شود و آنها از هوای  
نفسانی خود پیروی کنند؟ (۱۵)

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُرِّيْنَ  
لَهُ سُوْءٌ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿۱۵﴾

مثل آن بهشت که بمتقیان وعده  
داده میشود [بدین ترتیب است

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُوْنَ ۗ فِيهَا

أَنْهَرَمِنْ مَاءٍ غَيْرِ اسْنٍ وَأَنْهَرَمِنْ  
 لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَرَمِنْ خَمْرٍ  
 لَذَّةٍ لِلشَّرْبِ بَيْنَهُ وَأَنْهَرَمِنْ عَسَلٍ  
 مُصَفًّى ۖ وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ  
 وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ ۗ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ  
 فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ  
 أَمْعَاءَهُمْ ۝۱۶

که [در آن نهرهای آبی تغییرناپذیر  
 و نهرهای شیری است که طعمش  
 مرگز عوض نمیگردد و نهرهای  
 باده است که نوشندگان را لذت  
 بخش است و نهرهای عسل خالص  
 است و برای ایشان در آنها هر نوع  
 میوهها و از پروردگار خود آمرزش  
 است. آیامیشود ایشان مانند کسانی  
 باشند که ب مدت دراز در آتش بمانند  
 و آبی جوشان نوشانده شوند که  
 روده های آنها را ببرد؟ (۱۶) ++  
 و از آنانند که [بظاهر] گوش بتودمند  
 حتی چون از نزد تو بیرون روند به  
 آنانکه علم داده شدند میگویند. هم  
 اکنون او چه گفته بود. همانهاند که

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا  
 خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا  
 الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ أَنْفًا ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

++ آیت ۱۶: این آیت بی در پی تمثیلاتی بیان میکند وگرنه در این دنیا مادی نه  
 آبی را که از بوسیدگی محفوظ است و نه شیراز خرابی سالم است و نه هیچ شراب  
 وجود دارد که بدون مستی فقط لذت دهد. بعلاوه اگر انسان رافقط این چیزهای  
 میسر باشد او نمیتواند تنها برای این چیزها اطمینان خاطر حاصل کند. پس بدیهی است  
 که اینها تمثیلات است. کسانی که این چیزها را در این دنیا نیکو می پندارند یا  
 فواید را به اینها وابسته مییابند مژده ی داده میشوند که ایشان در بهشت به  
 بهترین چیزها بنفع خود برخوردار خواهند شد.

خدا بر دل‌های ایشان مهر نهاده و  
هوای نفس خود را پیروی  
کردند (۱۷)

و کسانی که هدایت یافتند خدا  
آنان را در هدایت افزود و آنان  
را تقوای ایشان در داد (۱۸)

پس آیا آنان فقط ساعت را  
انتظار دارند که آنها را ناگهان آید؟  
پس یقیناً علماش که آمده است.  
پس برای آنها کجا [بدرد خورد]  
بند پذیرفتن آنها چون آن ایشان  
را بیاید؟ (۱۹)

پس بدانکه یقیناً هیچ معبودی  
نیست جز خدا و درخواه آمرزش  
باش برای گناهان خود و برای  
مومنان و مومنات و خدا میداند  
جایگاه سفری شما را و هم مسکن  
گاه شمارا (۲۰)

و گویند کسانی که ایمان آوردند  
چرا سوره‌ی نازل کرده نشد؟ پس  
چون سوره‌ی محکم فرو فرستاده

طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا  
أَهْوَاءَهُمْ ۝۱۷

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ  
تَقْوَاهُمْ ۝۱۸

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ  
بَغْتَةً ۖ فَتَدْجَأَ أَسْرَاطُهَا ۚ قَالَ لَكُمْ إِذَا  
جَاءَتْهُمْ ذُكْرُهُمْ ۝۱۹

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ  
لِذُنُوبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ  
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَمَثْوِئِكُمْ ۝۲۰

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ  
فَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَذُكِّرَ فِيهَا



شود و در آن ذکرقتال کرده شود،  
میبینی آنها را که در دلهای ایشان  
مرض است بسوی تو مینگرند  
نگریستن آنکه بغشی مرگ مبتلا  
است. پس هلاک باد بر آنها (۲۱)

اطاعت و سخنی معروف باید باشد.  
پس چون این امر استوار شده  
است پس اگر خدا را مخلص می  
ماندند حتماً برای ایشان نیکو  
بود (۲۲)

پس آیا شما را ممکن است که  
اگر متولی شوید در زمین فساد  
کنید و رشته خویشی را ببرید؟  
[مرگزنه] (۲۳)

مانهاند که خدا آنها را لعنت کرد  
و آنها را کرساخت و چشمان ایشان  
را کور کرد (۲۴)

پس آیا قرآن را تدبر نمیکنند یا  
بر دل هایشان قفلهاست؟ (۲۵)  
یقیناً کسانی که پشت کرده مرتد  
گشتند از این پس که هدایت بر

الْقِتَالُ ۱ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ  
مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ  
عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۲ فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ ۳

طَاعَةٌ ۴ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ ۵ فَإِذَا عَزَمَ  
الْأَمْرَ ۶ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا  
لَّهُمْ ۷

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي  
الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۸

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ  
وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ ۹

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ  
أَقْفَالٌهَا ۱۰

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ  
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ

آنها روشن شده بود، شیطان  
[اعمالشانرا] برای آنان پیراسته  
نشان داد و امیدهای دروغین  
داد (۲۶)

لَهُمْ وَأَمَلَى لَهُمْ ﴿۲۶﴾

اینست چه آنها به کسانی که نازل  
کرده خدارانایسند داشتند گفتند  
ما در بعضی سخنان شمارا اطاعت  
کنیم و خدا رازهای آنان را خوب  
میداند (۲۷)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا الَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ  
اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ  
يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿۲۷﴾

پس چطور باشد چون فرشتگان  
به آنها وفات دهند؟ ایشان بر چهره  
های آنها و پشت های آنها ضربه  
زنند (۲۸)

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يُضْرَبُونَ  
وُجُوهُهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ﴿۲۸﴾

اینست چه ایشان پیروی کردند  
آنچه را که خدا را بخشم میآرد  
و خوشنودی اورانابخش داشتند.  
پس او اعمال ایشان را نابود  
کرد (۲۹)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ  
وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿۲۹﴾

آیا گمان کردند کسانی که در دلهای  
آنان مرض است که خدا کینه های  
آنها را بیرون نیآرد؟ (۳۰) ++

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ  
لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْغَانَهُمْ ﴿۳۰﴾

و اگر بخواهیم یقیناً آنها را به تو نشان دهیم و حتماً آنها را از سیمای آنان بشناسی و حتماً آنها را از طرز گفتار آنها بشناسی و خدا اعمال

شمارا میداند(۳۱)++

و حتماً شما را آزمایش کنیم تا آنگاه که از شما جهادکنندگان و صبرکنندگان را باز شناسیم و احوالتان را آزمایش کنیم(۳۲)

مانا آنها که کفر کردند و از راه خدا باز داشتند و به مخالفت رسول برخاستند با آنکه هدایت برایشان روشن شده بود نتوانند هیچ هم گزند به خدا برسانند و او اعمال آنان را ضائع دهد(۳۳)

ای کسانی که ایمان آوردید اطاعت

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ قَلْعَ قَوْمِهِمْ بِسِيمَاهُمْ ۖ وَنَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿۳۱﴾

وَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجْهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ ۗ وَنَبْلُوهُمَا أَجْرًا كَمَا ﴿۳۲﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَأَوْصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَسَآءُوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ ۖ لَنْ يُضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا ۖ وَسَيُحِطُّ بِأَعْمَالِهِمْ ﴿۳۳﴾

++ آیات ۳۰-۳: در این آیتها منافقان متنبه ساخته شدند که اگر آنها می پندارند که بغض و کینه را در سینه های خود پنهان دارند و کسی به این امر آگاه نمیشود این صورت امکان پذیر نیست. درباره رسول الله ﷺ فرمود که تو آن منافقان را از سیمای ایشان و از طرز گفتار ایشان میشناسی. پس آنها میتوانند از نگاه مردم ساده لوح پنهان باشند ولی حال ایشان بر آنحضرت ﷺ خوب روشن است.

کنید خدا را و اطاعت کنید رسول  
را و اعمال خود را ضایع نه  
دمید (۳۴)

یقیناً آنانکه کفر کردند و از راه  
خدا باز داشتند سپس مردند در  
شرایطی که آنها کافران بودند پس  
مرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد (۳۵)

پس ضعف نشان ندهید که بسوی  
صلح بخوانید در حالیکه شما غالب  
آیندگانید و خدا با شما است و هرگز  
[پاداش] اعمالتان را کم ندهد (۳۶)

زندگی دنیا فقط بازی و برای  
تکمیل آرزوهای نفسانی چنان  
وسیله است که هدف اعلای زندگی  
را بغفلت می‌فکند و اگر شما ایمان  
آرید و تقوی را فرا بگیرید او پاداش  
شما را بدهد و مالهای شما را از  
شما نخواهد (۳۷)

اگر آن [اموال] را از شما بخواهد  
و اصرار ورزد حتماً بخل می‌کند و  
کینه‌های شما را بیرون کند (۳۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا  
الرَّسُولَ وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٤﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَأَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ  
ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَخْفَرَ اللَّهُ  
لَهُمْ ﴿٣٥﴾

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ ۗ وَأَنْتُمْ  
الْأَعْلَوْنَ ۗ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ  
أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٦﴾

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ ٱلْحَقُّ وَإِن  
تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ  
وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٧﴾

إِن يَسْأَلْكُمْ مَوَالِيَهُمْ فَيُخْفِكُمْ تَبَخَّلُوا  
وَيُخْرِجْ أَضْعَانَكُمْ ﴿٣٨﴾

هَآأَنَّمْ هُوَ لَآءٌ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي  
 سَبِيلِ اللّٰهِ ؕ فَمِنْكُمْ مَّنْ يَبْخُلُ ؕ وَمَنْ  
 يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنِ نَفْسِهِ ؕ وَاللّٰهُ  
 الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ ؕ وَإِن تَوَلَّوْا  
 يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ؕ ثُمَّ لَآ يَكُونُوا  
 أَمْثَالَكُمْ ﴿٣٩﴾

ع  
 ۸

ای اشمائی هستید که برای انفاق  
 در راه خدا خوانده می‌شوید و از  
 شما کسی است که بخل میکند با  
 آنکه هر که بخل کند یقیناً برخلاف  
 نفس خود بخل کند و خدا بی نیاز  
 است و شما نیازمند، و اگر پشت  
 کنید او بجای شما قومی دیگر  
 را تبدیل کند. سپس آنان مانند  
 شما نخواهند بود (۳۹)

## ۴۸ - سورة الفتح

این سوره هنگام برگشتن از صلح حدیبیه نازل آمد و با بسم الله ۳۰ آیت دارد.

دنبال سوره محمد سوره الفتح است که حاکی از بلندترین مقام آنحضرت ﷺ میباشد. در آیت شماره ۱۱ این سوره مذکور است که رتبه آنحضرت ﷺ تا آن انتها بلند است که ایشان کاملاً برای خدا شده بودند و بهمین دلیل آمد ایشان گویی که آمد خدای متعال قرارداد شده. بیعت کردن بر دست ایشان گویی بیعت کردن بر دست خدا بود. بطوریکه که فرموده شد " اِنَّا بِيَايُكَوْنُ اللّٰهُ يَدُ اللّٰهِ فَوْقَ اَيْدِيْهِمْ يَعْنِيْ يٰقِيْنًا كَسَانِيْ كِيْ بِيْعَتِ اَزْ تُوْ مِيْكَنُنْدُ اَيْشَانِ بِيْعَتِ اَزْ خُدَا مِيْكَنُنْدُ. دَسْتِ خُدَا اَسْتِ كِيْ بَرِ دَسْتِ اَيْشَانِ اَسْتِ.

در آیت ۱۹ خداوند مجدداً موضوع بیعت را بیان مینماید. در موقع صلح حدیبیه چون مومنان زیر سایه درختی بر دست آنحضرت ﷺ مجدداً بیعت میکردند درعین حال این وعده نیز داده شد که آن آزرده‌گی که در دل اصحاب رضوان الله عليهم بعثت میسر نیامدن برگذاری مراسم حج راه یافته بود آن پس از بیعت کلیه دور شد و موجب آرامش قلبی گردید و آن امر که بظاهر جنبه شکست پنداشته میشد یعنی عدم ورود درمکه آن اساس پیروزی‌های آتیه به اثبات رسید درجه "فتح قریب" نیز شامل بود و هم آن پیروزیها که بعدها بدست آمدند.

در پایان مومنان وعده ای داده شدند که آن رویای که آنحضرت ﷺ نشان

داده شدند یقیناً الحق به اتمام خواهد رسید و اصحاب رضوان الله عليهم بر آن گواه قرار گیرند چون ایشان برای برگزاری مراسم حج وارد مکه خواهند شد و این چیرگی بر مکه علامت غلبه بر نوع انسان قرار خواهد گرفت.

پس از سوره محمد در این سوره نیز اسم مبارک آنحضرت ﷺ بیان شده است و با قطعیت ذکر از آن پیشگوئی حضرت موسی علیه السلام است در چه بعثت آنحضرت ﷺ با اسم مبارک ایشان و تمامی صفات آن پیغمبر صاحب جلال ﷺ و یاران ایشان نقل شده است. سپس ذکر از يك پیشگوئی از انجیل نیز میرود. بعبارت دیگر پیشگوئی مربوط به بعثت آنحضرت ﷺ نه تنها در عهدنامه قدیم وجود دارد بلکه در عهدنامه جدید نیز از جانب حضرت مسیح علیه السلام بعنوان مظهر شأن جلالی ایشان ﷺ بازگو کرده میشود و تشبیه این شأن با چنین مزرعه ای داده میشود که هیچکدام متکبر با وجود سوء قصد خودش نتواند موفق شود که آنرا زیر پای خود له کند و نه تنها يك برزگر بلکه بسیار چنین برزگران باشند که آن مزرعه را کشت خواهند کرد.

☆ سُورَةُ الْفَتْحِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثُونَ آيَةً وَأَرْبَعَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتياز]  
بسیار بخشنده، بارها رحمت کننده (۱)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ②

یقیناً ما تو را پیروزی دادیم  
پیروزی آشکار (۲)+

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا

تا خدا تو را بیامرزد از هر لغزشی  
گذشته تو و آنچه بعد آید و  
نعمت خود را بر تو بکمال رساند  
و تو را بر راه راست گامزن  
بدارد (۳)++

تَأَخَّرَ وَيَتَّبِعْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ

صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ③

و خدا تو را یاری کند یاری با  
عزتمندی غالب (۴)+

وَيُنْصِرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ④

++ آیات ۲-۴: مومنان موده داده شدند که ایشان پیروزیهای بزرگ بدست خواهند آورد.

در آیت ۳ کلمه ذنب به رسول الله ﷺ منسوب شده است و منظور از آن گناه نیست یعنی این مطلب نیست که بطوریکه قبلاً تو گناه میکردی در آینده نیز گناه کن و منتها گناهان تو آمرزیده خواهد شد. مطلب اینست که بطوریکه قبلاً تو از گناه پاک بودی و تمام زندگی تو بر این امر گواه است خداوند برای زندگی آینده تو نیز قول حفاظت میدهد تا آن آنها که اتمام نعمت بشود. اینجا منظور از نعمت نبوت است.



اوست آنکه در قلب های مومنان آرامش نازل کرد تا ایمان را با ایمان خود بیفزایند و از آن خدا است لشکرهای آسمانها و زمین و خدا صاحب علم دایمی صاحب بسیار حکمت است (۵)

تا مومنان و مومنات را بداخل بهشتهای کند که در دامنه آنها نهر های روانست و در آنها جاودان باشند و زشتیهای آنانرا ازایشان دورنماید و این نزدخدا پیروزی بزرگ است (۶)

و تا عذاب دهد منافقان و منافقات و مشرکان و مشرکات را که برخدا بدگمانی میبردند-گردش مصیبتها بر خود آنها میفتد و خدا بر آنها غضبناک شده و بر آنها لعنت کند و برای آنها جهنم آماده کرده است وجه زشت جایگامی است (۷)

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ  
الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ  
إِيمَانِهِمْ ۗ وَاللَّهُ جُودٌ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا  
وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۗ وَكَانَ ذَلِكَ  
عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝

وَّ يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ  
وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ  
يَا اللَّهُ ظَنَّ السَّوْءَ ۗ عَلَيْهِمْ دَآبْرَةُ السَّوْءِ ۗ  
وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ  
وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۗ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝

و لشکرهای آسمانها و زمین ازان  
خداست و خدا صاحب غلبه کامل  
صاحب حکمت است (۸)

وَاللَّهُ جُبُودٌ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَكَانَ  
اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۸﴾

یقیناً ما تو را گواه و مزده دهنده  
و بیم دهنده فرستادیم (۹)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا  
وَ نَذِيرًا ﴿۹﴾

تا شما بر خدا و رسولش ایمان  
آرید و او رایاری دهید و او را  
تعظیم گذارید و صبحگاه و شبگاه  
او را تسبیح گوئید (۱۰)

لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ تَعَزَّزُوا  
وَ تَتَّقُوا ۖ وَ تَسْبِّحُوهُ بُكْرَةً  
وَ آصِيلًا ﴿۱۰﴾

مرآینه کسانی که تورا بیعت کنند  
آنها فقط به خدا بیعت کنند. دست  
خدا فوق دستهای ایشان است.  
پس هر که پیمان را بشکند پس بر  
خلاف جان خود پیمان می‌شکند و  
آنکه وفا کند به آنچه بر آن او با  
خدا عهد بست پس یقیناً خدا او  
را پاداشی بزرگ بدهد (۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ ۖ  
يَدُلُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۚ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا  
يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ  
عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۱۱﴾

باز گذشتگان از بادیه نشینان

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ

شَعَلْتُمْ أَمْوَالَنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْنَا  
 يَقُولُونَ يَا لَسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ  
 قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ  
 أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ  
 كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۱۱﴾

حتماً گویند که ما را اموال ما و  
 خانواده ما مشغول داشت. پس  
 برای ما آمرزش بطلب. به زبانهای  
 خود میگویند آنچه در دلهای  
 ایشان نیست. بگو. اگر خدا درصدد  
 باشد که شمارا سود دهد یا درصدد  
 باشد که زبانی بزند بگو پس کی  
 برای شما درمقابل خدا به ذره‌ی  
 هم اختیار دارد. حق اینست که هر  
 چه عمل کنید خدا آگاه است (۱۲)

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ  
 وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ آهْلِيهِمْ أَبَدًا وَرَبِّينَ ذَلِكَ  
 فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ  
 وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿۱۲﴾

بلکه شما گمان کردید که رسول و  
 مومنان هرگز بسوی خانواده های  
 خود برنگردند و این در دلهای  
 شما آرایش داده شد و شما بر خدا  
 سوء ظنی را گمان کردید و شما  
 قومی ملامت شده اید (۱۳)

وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا  
 أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿۱۳﴾

و آنکه به خدا و رسولش ایمان نه  
 آرد. پس یقیناً ما برای کافران آتشی  
 شعله ور تهیه کرده ایم (۱۴)

و پادشاهی آسمانها و زمین از آن خدا است. هر که را بخواید میآمرزد و هر که را بخواید عذاب میدهد و خدا آمرزندهٔ بارها رحم کننده است (۱۵)

منگامیکه بسوی غنیمتها روید تا آنها را جمع کنید بازگذشتگان حتماً گویند بگذارید ما را که دنبال شما بیایم - میخواهند که کلام خدا را تبدیل کنند. بگو، هرگز دنبال ما نیآید. اینطور خدا از پیش گفته بود. پس گویند، شما از ما حسد میورزید. امر واقعی این است که اینها نمی فهمند جز اندک (۱۶)

بازگذشتگان از بادیه نشینان را بگو: بزودی شما بسوی قومی خوانده شوید که خیلی جنگاور باشند. شما با آنان جنگ کنید یا ایشان مسلمان شوند پس اگر شما اطاعت کنید خدا شما را پادشاه

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعْزِرُ  
لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ  
غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۵﴾

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى  
مَغَائِمٍ لِّيَأْخُذُواهَا ذُرُوقًا نَتَّبِعْكُمْ ۗ  
يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ ۗ قُلْ لَنْ  
تَتَّبِعُونَا كَذَلِكَ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ ۗ  
فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا ۗ بَلْ كَانُوا  
أَلَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۶﴾

قُلْ لِلَّهِ مُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتَدْعُونَ  
إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ  
أَوْ يُسْلِمُونَ ۗ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ  
أَجْرًا حَسَنًا ۗ وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ  
مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۱۶﴾

نیکی بدمد و اگر روی برتابید  
 بطوریکه قبل‌روی برتابیده بودید  
 او شمارا به عذابى دردناك معذب  
 نماید (۱۷)

نیست باکی برنابنا و نه برمعلول  
 باکی است و نه بر بیمار باکی است  
 و کسیکه خدا و رسول او را اطاعت  
 کند او وی را بداخل بهشتهای  
 کند که در دامنه آنها نهرهای روان  
 است و هر که پشت کند او را عذابى  
 بسیار دردناك دهد (۱۸)

یقیناً خدا از مومنان خرسند شد  
 چون ایشان زیر درخت باتوبیعت  
 میکردند و او آنچه در دلهای  
 ایشان بود را می دانست. پس او  
 برایشان آرامش نازل کرد و آنان  
 را پیروزی نزدیک در داد (۱۹)

و غنیمتهای فراوان که آنها را  
 بدست می‌آوردند و خدا صاحب  
 غلبه کامل بینهایت حکمت مندی  
 است (۲۰)

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى  
 الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ  
 حَرَجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ  
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ  
 يَتَوَلَّ يَعْذِبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾  
 لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ  
 يَبَايَعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي  
 قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ  
 وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٩﴾

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ  
 عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٢٠﴾

وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا  
فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ  
عَنكُمْ ۗ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ  
وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿۱۱﴾

و خدا شما را به غنیمت های فراوان وعده داده است که آنها را بدست آرید پس این را برای شما عجلتاً داده و دستهای دشمن را از شما بازداشته تا مومنان را نشانه‌ی باشد و شما را براه راست هدایت دهد (۲۱)

و [پیروزیهای] دیگر که بدست نیآورده اید. خدا آنها را احاطه کرده است و خدا به هر چیز مدام قدرتمند است (۲۲)

و اگر کسانی که کفر کردند با شما قتال کنند حتماً پشت دهند. باز هیچ دوست و یآوری نیابند (۲۳)  
این سنت خدا است که قبلاً هم گذشت و تو سنت خدا را تبدیلی نیابی (۲۴)

و اوست آنکه در زمین مکه دستهای آنانرا از شما بازداشت و دستهای شما را از آنان بازداشت پس از آنکه شما را پیروزمند

وَآخِرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ  
اللَّهُ بِهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿۱۲﴾  
وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا  
الْأَذْبَارَ تُمَّ لَّا يُجِدُونَ  
وَلِيًّا ۗ وَلَا نَصِيرًا ﴿۱۳﴾  
سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ ۗ وَلَكِنْ  
تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿۱۴﴾

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ  
عَنكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ  
بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ  
أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ  
اللَّهُ بِمَا

تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۱۵

ساخت و خدا بینا است به آنچه

شما عمل کنید (۲۵)

مانها اند که کفر کرده و شما را از مسجد حرام بازداشته بودند و هم قربانی را که بازداشته شد تا به جایگاه خود برسد و اگر نبودند چنین مومن مردان و مومن زنان که آنانرا شناخته آنانرا زیرا به میکردید، پس نادانسته از آنها شما را زبانی میرسید. این بود تا خدا مرکه را بخواهد بداخل رحمت خود کند. اگر رُک جدا شده بودند حتمًا به آنانکه از آنها کفر کردند

عذابی دردناک میدادیم (۲۶)

چون کسانی که کفر کردند در دل های خود غیرت یعنی غیرت جاهلانه را گزیدند، پس خدا بر رسول خود و بر مومنان آرامش خویش نازل کرد و ایشان را بر تقوی ثابت داشت و فقط آنان حقدار تر و اهل آن بودند و خدا دانای هر چیز

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهُدَىٰ مَعَكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّهُ<sup>ط</sup> وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّوهُمْ فَضِيبِكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ<sup>ك</sup> بغيرِ عِلْمٍ<sup>ج</sup> لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ<sup>ح</sup> لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۱۶

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا<sup>ط</sup> وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۱۶

است (۲۷)

بغینارویای رسول خود را راست گردانید که اگر خدا بخواهد حتماً شما ایمن، موهای سر خود تراشیده و کوتاه کرده بدون ترس داخل مسجد حرام خواهید شد. پس او میداند آنچه شما نمیدانید. پس او بعلوّه این پیروزی نزدیک را مقدر کرده است (۲۸)

اوست که رسول خود را باهدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر کدام [شعبه] دین غالب نماید و خدا را گواهی بس است (۲۹) ++

محمد رسول الله و کسانی که با او اند در مقابل کفار سختتراند - به میان خود مهر آوراند. تو ایشان را رکوع کنان سجده کنان میبینی

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ ۗ  
لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ  
أَمِنِينَ ۗ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ  
وَمُقَصِّرِينَ ۗ لَا تَخَافُونَ ۗ فَعَلِمَ مَا لَمْ  
تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا  
قَرِيبًا ﴿۲۷﴾

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ  
الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۗ وَكَفَى  
بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿۲۸﴾

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ مَعَهُ  
أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ  
تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنْ

++ آیت ۲۹: اینجا پیشگوئی است که اسلام بر کلیه ادیان دنیا غلبه خواهد یافت. هنگام نزول این آیت غلبه ظاهری حتی بر مکه نیز نصیب نشده بود. پس در آن زمان این پیشگوئی که اسلام بر تمامی ادیان جهان غلبه خواهد یافت حامل عظمتی بی مثل است.



اللَّهُ وَرِضْوَانًا سَيَأْتُهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ  
 مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي  
 التَّوْرَةِ ۗ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ ۗ  
 كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ  
 فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يُعْجِبُ  
 الرِّزَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَّ اللَّهُ  
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ  
 مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝

عَلَىٰ سَوْقِهِ

۳۳

ایشان فضل خدا و خوشنودی را  
 جویانند. علامتشان بر اثر سجده  
 ها در چهره های ایشانست و این  
 مثل ایشان است که در تورات  
 است و در انجیل علامت ایشان  
 مانند مزرعه ای است که غنچه های  
 خود را درآرد، پس آنرا نیرومند  
 سازد، پس آن فربه شود و برساقه  
 خود استوار گردد، برزگران را  
 شادمان سازد تا بعلت آنها کافران  
 را بخشم آرد. خدا به کسانی از  
 آنها که ایمان آوردند و نیکوکاری  
 کردند را وعده آمرزش و پاداش  
 بزرگی داده است (۳۰) ++

++ آیت ۳۰: صفات آنحضرت ﷺ بیان شده در این آیت نه تنها تا در ذات گرامی  
 ایشان محدود داشته شد بلکه بیدرنگ فرموده شد والذین معه یعنی این خوبیها  
 بداخل آنان نیز سراعت کنند که با آنحضرت هستند. از آنجمله صفات عمده ترین در  
 کلمات "أشداء على الكفار" بیان شده است. البته معنای این کلمات این نیست که  
 ایشان بعلت سختدلی خود بر کافران سختگیر باشند بلکه از جهت قبول نکردن  
 تاثیر کافران "سخت" خوانده شده اند و گرنه دل های ایشان پر از رحمت باشند  
 که بدانعلت بهمیدگرا رحمت و ملاطفت رفتار خواهند کرد. مقصود ایشان از جهاد نه  
 کسب دارائی دنیا بلکه خوشنودی خدا خواهد بود. ایشان بحضور خدا رکوع کنان

وسجده کنان فروتنی کرده و فضل او را طلب کنند. منظور از فضل چنین دارائی دنیا است که خوشنودی خدای متعال رانیز همراه داشته باشد. این آن جنبه های مهم جهاد ایشان است که درباره ایشان در تورات نقل شده است.

نسبت به مسیح موعود که در آخرین دوره در امت آنحضرت ﷺ ظهور کند و قبول کنندگان ایشان. مثل در انجیل با چنین روئیدگی زده شد که بتدریج رشدونمو کنند و بر ساقه ی خود استوار گردد و برزگران از رویت آن یعنی در خدمت دین سهیم شدگان بسیار خرسند شوند و در نتیجه منکران ایشان خشناک تر گردند. البته خداوند به ایمان آوردگان راستین و طلبکاران آمرزش او، مژده ی پاداش بزرگی و آمرزش داده است.

## ۴۹- سورة الحجرات

این سوره پس از فتح مکه نازل شد و با بسم الله ۱۹ آیت دارد.  
 آن مراتب جلال و جمال آنحضرت ﷺ که سوره گذشته حاکی بود پس از آن اصحاب رضوان الله عليهم توصیه شدند که شما را نه سزد که جلوی آن رسول عظیم الشأن نگاه بالا کرده و نه هم صدا را بلند کرده سخن گویند. بدینسان درباره کسانی که آنحضرت ﷺ را از دور صدا را بلند کرده از خانه بیرون میخواندند اظهار رنجش کرده شد.

سپس آیت - ۱۰ عبارت از بهترین طریق کار است که میبایستی دولت مداران کشورهای اسلامی در صورت اختلاف همدیگر درآتیه آنها دنبال کنند. بدیهی است که در زمان آنحضرت ﷺ که دولت های اسلامی را مبارزه همدیگر خارج از موضوع بود. بنابراین در این سوره منشوری عظیم الشأن ارائه داده میشود که نه تنها برای کشورهای اسلامی اختصاص داده میشود بلکه کشورهای غیراسلامی نیز میتوانند در صورت مبارزه همدیگر آنها اعمال کرده باهم صلح دهند. عمده ترین مطالب آن منشور بترتیب زیر است:

(۱) اگر دو کشور اسلامی بهم مبارزه کنند پس بر دیگر کشورهای اسلامی بفرض است که همه باهم آندو کشور مبارز را از پیکار بازدارند و هر کدام از آندو به نصیحت تسلیم نشود آنگاه کشورهای اسلامی همه بهم برخلاف آن کشور اسلامی عملیات نظامی را اعمال کنند.

(۲) پس چون آنها دست از مبارزه بکشند آنگاه میبایستی تلاش شود تا میان آندو صلح داده شود.

(۳) اما چون برای صلح کوشش کنید باید عدالت‌مندی کامل را رعایت کنید و با مردود فریق بداد رفتار کنید زیرا که نتیجه منتهائی همین است که خدا عدالت‌مندان را دوست دارد و هر که را خدا دوستدارد هرگز او را به شکست روبرو نمی‌کند.

یکبار دیگر توجه به این امر جلب کرده میشود که اگرچه این خطاب به رخ مسلمانان است اما آن طریق کار که آموخته میشود برای همه نوع انسان سودمند است.

پس از آن علت اصلی تفرقه و انشقاق میان ملت‌های مختلف بیان میشود و آن نژاد پرستی است. هرگاه قومی قوم دیگری را بیاد سخریه می‌گیرد، خویشتن را جدا و بالاتر از دیگری شمرده این طور میکند.

ضمناً چنین متفرق خرابیهای معاشرتی نقل میشود که منشأ اختلافات اند. ضمناً این مطلب را وضاحت میشود که چرا خداوند ملت‌های را به رنگها و نژادهای مختلف منقسم کرده است؟ این برای اظهار برتری برهمدیگر نیست بلکه از جهت شناسائی همدیگر سهولتی است. بعنوان مثال اگر گفته شود که فلان کس امریکائی است و فلان آلمانی است برای این گفته نمیشود که نژاد امریکائی را بر دیگران فضیلت حاصل است بلکه فقط برای شناخت اینطور گفته میشود.

☆ سُورَةُ الْحُجُرَاتِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]  
بسیار بخشنده ، بارها رحمکننده (۱)  
ای کسانی که ایمان آورده اید از  
خدا و رسول او پیشقدمی نکند  
و خداتر اتقوی فرا گیرید. یقیناً خدا  
شنوای صاحب علم دائمی است (۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ  
اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ  
عَلِيمٌ ①

ای کسانی که ایمان آورده اید صدا  
های خود را از صدای پیغمبر بلندتر  
نکنید و او را با چنین صدای بلند  
نخوانید که بعضی از شما بعضی  
دیگر را میخوانند مبادا اعمال شما  
ضائع شود و شادرك هم نکنید (۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ  
فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ  
بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن  
تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ①

یقیناً کسانی که صداهای خود را در  
حضور رسول فرو میکشند همانند  
که خدا دلهای ایشان را برای تقوی  
آزمایش کرده است و ایشان را  
آمرزش و پاداش بزرگی است (۴)  
مانا آنانکه تو را از بیرون خانه

إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ  
رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ أَمْتَحَنَ اللَّهُ  
قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى ۗ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ  
عَظِيمٌ ①

إِنَّ الَّذِينَ يَأْدُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۵﴾

میخوانند بیشترشان نادانند (۵)  
و اگر آنها صبر میکردند تا آنگامه  
تو خود بر ایشان بیرون میآمدی  
یقیناً در حق ایشان بهتر بود خدا  
آمرزنده ی بارها رحم کننده  
است (۶)

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ  
لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر  
فاسقی شمارا خبری بیآرد پس  
رسیدگی کنید مبدا بنادانی قومی  
رازیان رسانده پس بر کردار خود  
بشیمان شوید (۷) ++

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ  
بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ  
فَتُصِيحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَدِيمِينَ ﴿۱﴾

و بدانید که در شمار رسول خدا است  
اگر او در بسیاری از امور شما  
را تقلید کند حتماً به سختی مبتلا  
شوید و اما خدا ایمان رانرد شما  
محبوب گردانید و آنرا در دلهای  
شما مزین ساخت و کفر و فساد و

وَاعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ ۗ لَوْ  
يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ  
وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ  
وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمْ

+ آیت ۷: در مدینه بسیار شایعه پراگنان آنچنان شایعات میپراگندند که آنها را  
درست پنداشته ناشی از شک محض بعضی به قتل بعضی برانگیخته میشدند. چنانچه  
شتابکاری بسختی بازداشته شد. چه از این شایعات عین ممکن بود که بعضی از  
بیگناهان به تجاوز قرار گیرند و بعداً مومنان شرمسار شوند.

نافرمانی را نزد شما نفرت انگیز نمود. همانها اند که راه راست یافتگانند (۸)

از جانب خدا این بعنوان فضلی بزرگ و نعمتی است و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۹)

و اگر دو گروه از مومنان جنگ کنند پس میان ایشان صلح دهید. پس اگر یکی از آنها برخلاف دیگری تجاوز کند پس شما جنگ کنید با آنکه تجاوز میکند تا آن انتها که به فرمان خدا برگردد و اگر برگردد پس میان آنها بداد صلح دهید و انصاف کنید یقیناً خدا انصاف کندگان را دوست دارد (۱۰)

یقیناً مومنان [بهم] برادر اند پس میان برادران خود صلح دهید و خدا را تقوی اختیار کنید تا شما رحم کرده شوید (۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید تمسخر نکنند قومی [از شما] بقومی

الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّشِدُونَ ﴿۸﴾

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۹﴾

وَإِنْ طَافَتَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأْصَلِحُوا بَيْنَهُمَا ۚ فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ فَاءَتْ فَأْصَلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿۱۰﴾

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأْصَلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۱﴾

ع ۳۳

يَأْيُهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن

دیگریحتمل که آنها بهتر از ایشان باشند، و نه زنان به زنان یحتمل که آنان بهتر از آنها باشند و از مردم خود عیبجویی نکنید و نه همدیگر را بالقبهای بد بخوانید. داغ فسق بعد از ایمان چیزی بد است و آنکه توبه نکند پس همانها اند که ستم گراندند (۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید از گمان کثیر برهیز کنید. یقیناً بعضی گمانها گناه است و نه تجسس کنید و نه از هم دیگر غیبت کنید. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ پس شما از آن کراهت دارید. و خدا را تقوی فرا گیرید. یقیناً خدا بسیار توبه پذیر بارها رحم کننده است (۱۳)

ای مردم! یقیناً ما شما را از نر و ماده آفریدیم و شمارا خانواده ها و قبیله ها قرار دادیم تا همدیگر

قَوْمٍ عَلَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُمْ ۗ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ ۚ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۗ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۱۲﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ۚ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا ۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۳﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ



رابشناسید. یقیناً نزد خدا گرامیتر  
اوست که متقی تر است. یقیناً  
خدا صاحب علم دائمی مدام آگاه  
است (۱۴)

گویند بادیه نشینان که ما ایمان  
آوردیم. بگوشما ایمان نیآورده اید  
و اما بگویید ما مسلمان شده ایم  
در حالی که ایمان هنوز بداخل  
دلهايتان نشده است، و اگر شما  
خدا و رسول او را پیروی کنید  
در اعمال شما هیچ هم تقلیل ندهد.  
یقیناً خدا بسیار آمرزنده بارها  
رحمکننده است (۱۵) ++

یقیناً مومنان همانند که بر خدا و

++ آیت ۱۵: در این آیت کریمه از ایمان و اسلام تعریف ابتدائی کرده میشود که  
ایمان را از اسلام جدا میسازد. همه میتوانند مدعی شوند که در دل آنان ایمان  
است اما اینجا توضیح داده میشود که آنان حداکثر میتوانند بگویند که مسلمان  
شده اند. به بیان دیگر کسانی که در دلهايشان اگر ایمان نباشد باز هم میتوانند  
خودشان را مسلمان بخوانند. بسیاری اند در میان آنان که در حالت کفر میمیرند و  
بسیاری اند چنان که هنوز ایمان به دل ایشان داخل نشده است اما پس از قبول  
کردن اسلام ظاهری. منتها مومنان راستین هم خواهند شد.

لِتَعَارَفُوا ۱ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ  
اتَّقِيكُمْ ۲ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۱۱

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا  
وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ  
الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ۲ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ  
وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا ۱۱  
اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۵

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ

رسول او ایمان آوردند، سپس به شك مبتلا نشدند و بامالهای خود و جان های خود در راه خدا جهاد کردند، همانا اند که ایشان راست گویانند (۱۶)

بگو، آیه خدادین خود می آموزید حالانکه خدامیداند آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است و خدا به هر چیز خوب دانا است (۱۷)

منت مینهند بر تو که مسلمان شده اند، بگو، اگر شما راستگویان اید اسلام خود را بر من منت ننهید بلکه خداست که بر شما منت می گذارد که شما را به ایمان هدایت داد (۱۸)

یقیناً خدا میدانند نهان آسمانها و زمین را و خدایبنا است به آنچه میکنید (۱۹)

وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿١٦﴾

قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهُ بِدِينِكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا ۗ قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ ۗ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَيْكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٨﴾

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾

## ۵۰ - سورة ق

این سوره حین دوره ابتدائی مکه نازل آمد و با بسم الله ۴۶ آیت دارد. این سوره از جمله حروف مقطعات با حرف "ق" شروع میشود. بنظر علماء جید حرف "ق" اختصار و اژه "قدیر" میباشد و دنبال این نخستین کلمه "قرآن" آمده است که از "ق" شروع میشود. پس از آن، ذکر از منکران قدرت خداوند می‌رود که می‌گویند که خدا را این توانائی از کجا است که چون ما مرده خاکستر شویم مجدداً ما را روز قیامت جمع کند. بنظر آنان این امر بسیار دور از عقل است. خداوند می‌فرماید ما میدانم آنچه زمین از آنها کم میکند. اما با این وجود ما قدرتمندیم که ذراتی منتشر آنرا جمع کنیم. توجه آنان بسوی وستعتهای آسمان جلب کرده گفته میشود که در این کاینات بزرگتر حتی یک نقض هم نتوانند خاطر نشان کنند پس چطور توانند انکار از قدرتهای آفریدگار این را کنند؟

سپس گفته میشود که آن وسوسه‌ها که در دل‌های ایشان برمی‌خیزد ما از آنها کاملاً آگاه ایم زیرا ما که به انسان از رگ جانش هم نزدیکتر هستیم. ضمناً این پیشگوئی فرموده شد که حتماً همه بهم بر خیزانده شوید و با برانگیخته شدگان یک سَوق دهنده و گواهی نیز همراه باشد.

در ذکر جهنم گفته میشود که بی دینان گروه در گروه در پی همدیگر هیزم جهنم میشوند. آنچنان جهنم که شکمش هیچگاه پرشدنی نیست. چون خداوند تمثیلاً از آن بپرسد که آیاشکمت پرشد آن در زبان حال پاسخ گوید که آیا دیگر اینچنین بدنصیبها نیز هستند؟ من برای آنها نیز جای دارم.

درعین حال بهشت نزدیک بهشتیان کرده شود. غَيْرَبَعِيدَ را این مطلب هم میشود که این امر مرگز دور از قیاس نیست. پس آنحضرت ﷺ نصیحت شدند که از طعن و مرزه دهانی آنها را ندیده بگیر. پیشگوئیهایی که در قرآن فرموده شدند حتمی الوقوع اند. پس از طریق قرآن آنکس را نصیحت کن که از مجازات میترسد.

اینجا مرگز این مفهوم نیست که رسول الله ﷺ از جمیع مردم تنها آنان را نصیحت کنند که از مجازات خدائی میترسند. نصیحت که برای همه انسانها یکسانست اما بهره مند فقط آن میگردد که از مجازات خدائی ترس دارد.

☆ سُورَةُ ق مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَثَلَاثَةٌ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسیار بخشنده بارها رحمکننده (۱)

بِجَٓ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ۝

قدیر - دارای قدرت کامل -

سوگند به قرآن صاحب عزت (۲)

در حقیقت تعجب کردند که ایشان

را هشدار دهنده ی از خود ایشان

آمده است. پس کافران میگویند

این امری شگفت انگیز است (۳)

آیا چون مردیم و خاک شدیم؟ این

بازگشتی دور است (۴)

ما نیک میدانیم آنچه زمین از

آنها میکامد و نزد ما کتابی نگه

دارنده ای است (۵)

بلکه به حق تکذیب کردند چون

آنان را آمد. پس آنها در امری

درهم آمیخته هستند (۶)

پس آیا فوق خود بسوی آسمان

نظر نکماشتند که چطور ما آنرا

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ ۚ

فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ۝

ۚ إِذْ آمَنُوا وَكُنَّا رَبَّآءَ ذٰلِكَ رَجِعْ

بَعِيدٌ ۝

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ ۚ

وَعِنْدَنَا كِتٰبٌ حَفِیظٌ ۝

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي

اَمْرٍ مَّرِیْحٍ ۝

اَفَلَمْ يَنْظُرُوْا اِلَى السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ

بَنَيْنَاهَا وَرَبِّهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوْجٍ ۝

ساختیم و آنرا زینت دادیم و در

آن میج شکافی نیست (۷)

وزمین را گسترش دادیم و کوهها

را در آن محکم نهادیم و از مرنوع

جفت‌های شاداب را رویانیدیم (۸)

چشان بازکننده و یادآوری است

برای هر کدام بنده‌ی که [به خدا]

انابت کننده است (۹)

و آبی پربرکتی را از آسمان نازل

کردیم. پس بدان باغها و دانه خرمن

را رویانیدیم (۱۰)

و نخلهای بلند قامت را که آنها را

خوشه‌های رویهم چیده اند (۱۱)

رزقی برای بندگان - و شهری مرده

را به آن [باران] زنده نمودیم.

بیرون آمدن چنین است (۱۲)

قبل از آنان تکذیب کرده بودند

هم قوم نوح و اهل معادن و

ثمود (۱۳)

و عاد و فرعون و برادران

لوط (۱۴)

و الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ

وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ۝۸

تَبَصَّرَةٌ وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ۝۹

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ

جَبْتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ۝۱۰

وَالنَّخْلَ بَسَقَتْ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ۝۱۱

رِزْقًا لِلْعِبَادِ ۝ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا

كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ۝۱۲

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ

الرِّسِّ وَثَمُودٌ ۝۱۳

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ ۝۱۴

و اهل بیشه هاو قوم تبع. همه به رسولان تکذیب کردند. پس هشدارم بر آنها راست آمد (۱۵)

پس آیاه آفرینش اولین در مانده شدیم؟ نخیر. بلکه آنها از آفرینشی جدیدی در شکی هستند (۱۶)

و یقیناً ما انسان را آفریدیم و می دانیم آنچه نفسش او را وسوسه کند و ما بسویش نزدیکتر از رگ جان او هستیم (۱۷)

چون دو سخن گیرنده سخن می گیرند ایشان راست و چپ می نشینند (۱۸) +

او سخنی نمیگوید مگر نکهبانی نزدش آماده است (۱۹) ++

[چون] آید غشی مرگ برحق. این است همان که تو از آن گریز می

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمٌ تُبِعَ كُلٌّ  
كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدُ ﴿۱۵﴾

أَفَعِيبًا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ ۚ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ  
مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿۱۶﴾

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَهُمَ مَّا تَوْسَّوَسُ  
بِهِ نَفْسُهُ ۗ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ  
الْوَرِيدِ ﴿۱۷﴾

إِذِ اتَّلَفْتُمُ الْمُتَلَفِّينَ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ  
الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿۱۸﴾

مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ  
عَتِيدٌ ﴿۱۹﴾

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ مَا

++ آیات ۱۸-۱۹: اینجا به نکهبانان اعمال انسان اشاره است. فرشتگان بسمت راست انسان نشسته نیکبایش را مینویسند و بسمت چپ نشسته بدیهارا مینویسند. این فرشتگان بچشم صوری دیده نمیشوند بلکه این کنایه ای است بسوی آن نظام شهادت که خداوند مقرر داشته است.

كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدٌ ﴿٢٠﴾

میکردی (۲۰)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ﴿٢١﴾

و در صور دمیده شود. این روز  
مشار است (۲۱)

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ﴿٢٢﴾

و هر نفسی که بیاید با او سوق  
دمنده ی و گواهی باشد (۲۲)

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا

یقیناً تو در این مورد در غفلت ماندی.  
پس ما پرده تو را از تو برداشته  
ایم و امروز نگاه تو بسیار تیز  
است (۲۳)

عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ

حَدِيدٌ ﴿٢٣﴾

و منشنش گوید. اینست آنچه  
نزدم آماده است (۲۴)

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٍ ﴿٢٤﴾

[ای سوق دمنده و گواه!] در جهنم  
بیفکنید شادوی هر سخت ناسپاس

الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلٌّ كَقَارِعِينٍ ﴿٢٥﴾

و عنادکننده [حق] را (۲۵)  
بازدارنده از نیکوکاری. متجاوزی.

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ﴿٢٦﴾

به شك مبتلا کننده ی را (۲۶)  
آنکه با خدا معبودی دیگر ساخته

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيهِ فِي

بود. پس شادوی او را در عذابی  
سخت برانید (۲۷)

الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿٢٧﴾

منشن او گوید. پروردگارا! من

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ



فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝

او را به سرکشی نکشیدم و اما  
او خود به گمراهی دور فرورفته  
بود (۲۸)

قَالَ لَا تَخْصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ  
إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ۝

[خدا] گوید، نزد من ستیزه نکنید  
و من به شما هشدار از پیش  
فرستاده ام (۲۹)

مَا يَبْدُلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ  
لِّلْعَالَمِينَ ۝

فرمان نزد من عوض کرده نشود و  
من بر بندگان بیچاره خود ستم  
کننده نیستم (۳۰)

يَوْمَ نَقُولُ لِحَبَشْتِهِمْ هَلْ أَمْتَلَأْتِ وَتَقُولُ  
هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ۝

روزی که از جهنم بپرسیم، آیا پر  
شدی. آن پاسخ دهد، آبیایش هم  
است؟ (۳۱)

وَأَرْزَقْتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۝  
هَذَا مَا تَوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ۝

و بهشت نزدیک متقیان کرده شود  
هیچ دور نباشد (۳۲)

اینست آنچه وعده داده شوید  
بخاطر هر کدام مراجعت کننده و  
نگهدارنده (۳۳)

مَنْ حَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ  
بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ ۝

آنکه از رحمان به نهان میترسد و  
قلبی انابت کننده آورده است (۳۴)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ۝

ایمن بداخل آن شوید. این روز  
بی پایان است (۳۵)

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿۳۵﴾

آنرا است در آن هر چه بخواهند  
و نزد ما بیشترم است (۳۶)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ  
مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ  
مَّحِيصٍ ﴿۳۶﴾

و چه بسیار قومهای پیش از آنها را  
هلاک کردیم که آنها به سخت  
گرفتن سختتر از اینها بودند. پس  
آنها در زمین غارها کردند [اما] آیا  
هیچ پناه گامی بود؟ (۳۷)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ  
أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿۳۷﴾

مانندار این البته یادآوری است  
برای آنکه اهل دل است یا گوش  
فراهد و او بینا است (۳۸)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا  
بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ۚ وَمَا مَسَّنَا مِنْ  
لُغُوبٍ ﴿۳۸﴾

و یقیناً ما آسمانها و زمین و هر چه  
میان آندو است را در شش زمان  
آفریدیم و هیچ خستگی با لمس  
نکرد (۳۹)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ  
قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿۳۹﴾

پس صبر کن بر آنچه گویند و قبل  
از طلوع خورشید و قبل از غروب  
با حمد پروردگار خویش تسبیح  
بگو (۴۰)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ﴿۴۰﴾

و در پاره ای شب نیز او را  
تسبیح بگو و هم پس از سجده  
ها (۴۱)

وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ  
قَرِيبٍ ﴿٤١﴾

و گوش کن روزیکه ندا دهنده از  
جای نزدیک منادات کند (۴۲)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ  
يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾

روزیکه صدای مولناک الحق  
بشوند. آن روز بیرون آمدن  
است (۴۳)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِنَّا  
الْمُصِيرُ ﴿٤٣﴾

یقیناً ما هستیم که زنده کنیم و می  
میرانیم و بازگشت بسوی ما  
است (۴۴)

يَوْمَ تَشْهَقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ۗ ذَٰلِكَ  
حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾

روزیکه زمین بالای ایشان از  
سرعت حرکت بشکافد. این رستا  
خیزی بر ما آسان است (۴۵)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ ۗ وَمَا أَنْتَ  
عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ ۗ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ  
يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾

ما داناتریم به آنچه میگویند تو  
بر آنها به اجبار اصلاح کننده نیستی  
پس بوسیله قرآن پیوسته اندرز  
کن او را که از هشدارم می  
ترسد (۴۶)

## ۵۱-سورة الذَّارِيَات

این سوره از جمله سورت‌های ابتدائی است که در مکه نازل شد و با بسم الله ۶۱ آیت دارد.

بمحض آغاز این سوره پیشگوئیهای مذکور در سوره های گذشته بشمول بهشت و جهنم آنچنان بی‌تین بیان کرده میشوند بطوریکه مخاطبان قرآن بهم صحبت میکنند.

در این سوره کریمه جنگ‌های در زمان آینده مجدداً بطور گواه قرارداد میشوند تا مردم این پیشگوئیها را بچشم خود بحق رسیده ببینند و پس در این امر هیچ جای تردید باقی نماند که رسولی که علم غایب بر او مکشوف کرده شد حتماً امور زندگی پس از مرگ نیز او را خدا دانای غیب گفت.

فرمود، سوگند به پاشندگان تخم - اینک این پیشگوئی ظاهراً نیز حرف بحرف به حق رسیده است زیرا که واقعاً امروزها تخم ما بوسیله هواپیماها و میلی کپترها پاشیده میشود و هواپیماها بارهای سنگین را برداشته پرواز میکنند و با وجود این سنگینها سبک رو میباشند. بوسیله همین هواپیماها هم ابرقدرتها غالب و هم ملتهای مغلوب و قهرزده اطلاعات را بدست می‌آرند. اینهمه را گواه گردانده این نتیجه ای درآورده شد که به آنچه شما وعده ای داده میشوید، حتمی‌الوقوع است و روز جزاء یعنی روز قضاوت هم در دنیا برای ملتهای دنیائی و هم روز قیامت برای همه نوع انسان بپا خواهد شد.

سپس آشکار نموده شد که این پاشندگان تخم و باربرداران بر زمین حرکت کنندگان نیستند بلکه در آسمان پرواز کنندگان اند. پس آن آسمان

گواه قرارداد شده که دارای راه های آنها است. چنانکه اگر نگاه افکنیم مرجا علامات راه های هواپیماها بچشم میخورند. پس نتیجه اینهمه به این امر منجر میشود که شماها به آخرت انکار کرده به گمراهی شدیدی مبتلا شده اید. اگر این سخنان بجای آنحضرت ﷺ از جانب کسی حدس زنده می بود آنگاه کسانی که اینگونه حرف را با حدس زده بودند همه بهلاک رسانده شدند اما این رسول راستین ﷺ برای همیشه باقی است.

این کلام مرقع فصاحت و بلاغت میباشد. پس از ذکر تخم پاشندگانی از آسمان توجه به اینسوجلب کرده میشود که تمامی اسباب رزق شما از آسمان فرومیآید اما درعین حال یکی آن نوع رزقی است که کنه اش را انسان نمی تواند درک کند و فرشتگان نیز همان رزق داده میشوند. لذا ذکر از مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام میرود که فرشتگان بوده اند و در قالب انسان برایشان ظاهر آمده بودند. هنگامیکه حضرت ابراهیم علیه السلام جلوی ایشان آن بهترین رزق عرضه داشتند که آذوقه انسان است آن مهمان فرشتگان از میل آن اجتناب ورزیدند چه رزق ایشان از نوع مختلف بود. دنبال ذکر از حضرت ابراهیم علیه السلام سخن از ای بسا پیغمبرانی گذشته نیز گفته میشود.

سپس چنین آیتی است که آسمان را مدام وسعت پذیر عنوان میکند درباره آنچه علم انسان در زمان آنحضرت ﷺ حتی تا حد خیال هم وجود نداشت. در زمان کنونی زبردستان فلکیات این حقیقت را ارائه داده اند که آسمان پیوسته وسعت پذیر میماند تا آن انتها که به اجل مستی یعنی به نهایت زمانی معین خود رسیده بسوی مرکزی بازخواهد گشت.

موضوع رزق را بنحوی ارائه داد که همه وجودهای انسانی و ملکوتی بحر حال يك نوعی رزق را نیازمندند. تنها يك ذات است که از هر نوع رزق بی نیاز است و آن ذات خدای است که رزق دهنده ای همگان میباشد.

☆ سُورَةُ الذَّارِيَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ إِحْدَى وَسِتُونَ آيَةً وَثَلَاثَةُ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحمکننده (۱)

سوگند به [تخم] پاشندگان (۲)

پس باربرندگان را (۳)

پس سبک رفتار روندگان را (۴)

پس بخش کنندگان امر مهم را (۵)

حتماً راست است فقط آن چه

وعدۀ داده شوید (۶)

و یقیناً روز جزاء حتم الوقوع

است (۷)

سوگند به آسمان دارنده راهها (۸)

یقیناً شما در امر اختلاف هستید (۹)

پس از او همان برگردانده شود

که برگردانده شود (۱۰)

حدس زندگان هلاک شدند (۱۱)

آنانکه در غفلت گمراه شده

اند (۱۲)

میپرسند روز جزاء کی باشد (۱۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

وَالذَّرِيَّتِ ذَرَوًا ①

فَالْحِمْلِتِ وَقْرًا ②

فَالْجُرِيَّتِ يُسْرًا ③

فَالْمَقْسِمِتِ أَمْرًا ④

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ ⑤

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ⑥

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْجُبكِ ⑧

إِنكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ⑨

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفَكَ ⑩

قُتِلَ الْخَرِصُونَ ⑪

الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرٍةٍ سَاهُونَ ⑫

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ ⑬

روزیکه آنها بر آتش گذاخته  
شوند (۱۴)

طعم فتنه خود بچشید. این همان  
است که به آن شما تعجیل می  
کردید (۱۵)

یقیناً متقیان میان باغها و چشمه  
سار باشند (۱۶)

ایشان بگیرند آنچه پروردگار  
ایشان بدیشان در دهد. یقیناً  
ایشان از این پیش نیکوکاران  
بودند (۱۷)

کم بود آنچه در شب می  
خوابیدند (۱۸)

و بامدادان هم استغفار می  
کردند (۱۹)

و در مالهای ایشان حتی بود  
سایلان را و نیازمندی بی  
سؤال را (۲۰)

و برای یقین دارندگان در زمین  
نشانه های است (۲۱)

و هم در نفسهای خود شما. پس آیا

يَوْمَهُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ﴿١٤﴾

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ ۗ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ  
بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٥﴾

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٦﴾

أَخْذِينَ مَا أُنْزِلَ لَهُمْ رَبُّهُمْ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا  
قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ ﴿١٧﴾

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٨﴾

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٩﴾

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿٢٠﴾

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ﴿٢١﴾

وَفِي أَنْفُسِكُمْ ۗ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٢٢﴾



نمینگرید؟ (۲۲)

و رزق شما در آسمان است و آنچه که وعده داده میشود (۲۳) پس سوگند به پروردگار آسمانها و زمین یقیناً آن راست است بمثل آنچه شما [بهم] تکلم میکنید (۲۴) آیا خبر مهمان گرامی ابراهیم به تو رسید (۲۵)

چون ایشان براو بداخل آمدند گفتند، سلام. او هم سلام گفت [و در دلش گفت] مردم ناشناخته [بنظر میآید] (۲۶)

پس بشتاب او بسوی اهل خانه خود رفت و گوساله ای فربه [و بریان] آورد (۲۷)

پس آن رابه ایشان عرضه داشت [و] پرسید آیا نمیخورید؟ (۲۸) پس از ایشان خوف راحس کرد. آنان گفتند، نترس وبه اوبه بسری دانشمند مؤده دادند (۲۹)

آنگاه همسرش بانگ زده جلو آمد

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿٢٢﴾

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطُقُونَ ﴿٢٣﴾

ع  
۱۸

ع  
۱۹

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٥﴾

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ مُنْكَرُونَ ﴿٢٦﴾

فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٧﴾

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٨﴾

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشِّرُوهُ بِخَلْمِ عَلِيمٍ ﴿٢٩﴾

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ

وَجَهَّاهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ﴿۳۰﴾

وسیلی توی چهره خود زد و گفت،

[من] پیرزنی نازا هستم (۳۰)

گفتند: همینطور [شود که] پروردگار

تو گفته است. یقیناً او صاحب

بسیار حکمت صاحب علم دائمی

است (۳۱)

قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ

الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿۳۱﴾

گفت: کار شما چیست ای فرستاد  
 گان؟ (۳۲)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٢﴾

گفتند: یقیناً ما بسوی قوم بزمکاران  
 فرستاده شده ایم (۳۳)

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٣٣﴾

تا بر آنها سنگریزه های گل  
 بفرستیم (۳۴)

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ طِينٍ ﴿٣٤﴾

نزد پروردگارتو نشان زده برای  
 تجاوزگران (۳۵)

مُسْوَمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿٣٥﴾

پس در آن آنانکه مومنان بودند را  
 بیرون آوردیم (۳۶)

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٦﴾

پس در آن فقط يك خانه از  
 فرمان برداران یافتیم (۳۷)

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ  
 الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٧﴾

و در آن نشانه [عبرت] واگذارديم  
 برای آنهاکه از عذابی دردناک می  
 ترسند (۳۸)

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ  
 الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٣٨﴾

و در [واقعه] موسی [نیز آیتی بود]  
 چون ما او را بادللی روشن بسوی  
 فرعون فرستادیم (۳۹)

وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ  
 بِسُلْطَنٍ مُّبِينٍ ﴿٣٩﴾

پس او با معتمدین خود روی  
 برگرداند و گفت يك جادوگراست  
 یادیوانه (۴۰)

فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سِحْرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٤٠﴾

پس او و لشکریانش را بگرفتیم  
و آنها را در دریا افکندیم در حالیکه  
او ملامت شونده بود (۴۱)

و در عاد [نیز نشانه‌ی بود] وقتی بر  
آنها بادی ویرانگر فرستادیم (۴۲)

بر آنچه گذر میکرد چیزی باقی نمی  
گذاشت مگر آن را مانند چیزی  
پوسیده میگردانید (۴۳)

و در ثمود [هم نشانه‌ی ای بود] گامی  
که به ایشان گفتیم بدستی بهره  
برداری کنید (۴۴)

پس آنها از فرمان پروردگار خود  
سرباز زدند و صاعقه آنها را بگرفت  
و آنها چشم دوخته ماندند (۴۵)

پس نه طاقت ایستادن راداشتند  
و نه انتقام گیرندگان بودند (۴۶)  
و قوم نوح از این پیش [نشان  
عبرت بود]. یقیناً آنها قومی فاسق  
بودند (۴۷)

و آسانرا به قدرت مخصوصی بنا  
کرده ایم و یقیناً ما توسعه دهندگان

فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ  
وَهُوَ مَلِيمٌ ۝۱۱

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ  
الْعَاقِمَةَ ۝۱۲

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ  
كَالرَّمِيمِ ۝۱۳

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ  
حِينٍ ۝۱۴

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذْتَهُمُ  
الصَّعِقَةَ ۖ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۝۱۵

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا  
مُنْتَصِرِينَ ۝۱۶

وَقَوْمِ نُوحٍ ۖ مِنْ قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا  
فَاسِقِينَ ۝۱۷

۱۷

وَالسَّمَاءَ بَيْنَهُنَّ أَبَابِدٌ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ۝۱۸

ایم(۴۸)++

و زمین را هموار نمودیم و چه

خوب گسترانندگانند(۴۹)

و هر چیز را به زوج آفریدیم تا

شما اندرز بگیرید(۵۰)

پس بسوی خدا شتابان بدوید.

یقیناً من از جانب او برای شما

هشدار دهنده آشکار هستم(۵۱)

و با خدا معبودی قرار ندهید. یقیناً من

از جانب او برای شما هشدار دهنده

آشکار هستم(۵۲)

مینظور بسوی ایشان که پیش از

آنها بودند رسولی نیامد مگر می

گفتند که او جادوگری یا دیوانه‌ی

است(۵۳)

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمُهَدُّونَ ﴿۴۸﴾

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ  
تَذَكَّرُونَ ﴿۴۹﴾

فَفِرُّوْا إِلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ  
مُبِينٌ ﴿۵۰﴾

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۚ إِنَّ لَكُمْ  
مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۵۱﴾

كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ  
رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجُنُّونٌ ﴿۵۲﴾

آیت ۴۸: باینده به این امر دلالت میکند که خداوند آسمان را بنا کرده فوایدی بیشمار در آن نهاد. در عین حال اینهم فرمود که ما اینرا همیشه توسعه پذیر خواهیم داشت و علی‌الخصوص این بخش بیان که ما اینرا همیشه توسعه پذیر خواهیم داشت کلامی بلند مرتبت و اعجازی میباشد و یک پیغمبر می‌توانست از جانب خود بیان کند. این امر پژوهندگان علم با کمالات جدید بیان کرده اند که این کیهان لمحہ به لمحہ توسعه پذیر است. در زمان رسول الله ﷺ این کاینات بهر کس جامد و راکد دیده میشد.

أَتَوَاصُوا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿۵۴﴾

آیا بهمدیگر به این نصیحت میکنند  
بلکه آنها قومی گردنکش اند (۵۴)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ﴿۵۵﴾

پس از آنها روی برتاب. هرگز تو  
سزاوار ملامت نیستی (۵۵)

وَذَكَرْنَا الذِّكْرَ لِيَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۵۶﴾

و نصیحت کن یقیناً نصیحت به  
مومنان فایده میبخشد (۵۶)

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا  
لِيَعْبُدُونِ ﴿۵۷﴾

وجن و بشر را نیافریدم مگر این  
که مرا عبادت کنند (۵۷) ++

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ  
يُطْعَمُوا ﴿۵۸﴾

من رزقی از آنها نمیخواهم و نه این  
را میخواهم که مرا بخورانند (۵۸)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿۵۹﴾

یقیناً تنها خدا بسیار رزق دهنده  
است. بسیار قدرتمند و صاحب  
صفات برقرار است (۵۹)

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ

پس یقیناً آنها که ستم کردند را  
پاداش ستم است مثل پاداشی که

أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿۶۰﴾

هم قبیل آنها را بود. پس پاداش را  
از من بتمعجل طلب نکنند (۶۰)

++ آیت ۵۷: منظور از جن و انس مردم خاص و مردم عام، ملت های بزرگ و قدرتمند و

ملت های کوچک و ضعیف میباشند. مقصود از آفرینش مردوی عبادت خداوند است. اگر

جن بمعنای جنی معروف گرفته شود آنگاه میبایستی آنها نیز پاداش عبادت خویش یعنی

نویدهبشت داده شوند. ولی داخل شدن جن ها در بهشت هیچ جای تذکر نیست.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي كَفَرُوا  
يُوعَدُونَ ﴿١١﴾

بِسْ هَلَاكَتْ اسْتَبَهْ أَنَهَا كَهْ كَفَرُوا  
كَرَدَدْنَدْ دَرْ أَنْ رَوْزْ خَوْذْ ائِشَانْ كَهْ  
وَعْدَهْ دَادَهْ مِيشُونَدْ (٦١)

## ۵۲- سورة الطور

این سوره از آنجمله سوره های است در ابتداء در مکه نازل آمد و با بسم الله ۵۰ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز با گواهی های آسمانی شده است. نخستین گواهی است گواهی طور که بر آن حضرت موسی علیه السلام را خبری به رسولی با رتبه ای شامختر از خودایشان یعنی آنحضرت ﷺ داده شد. سپس سوگند به کتابی یاد شد که بر صحیفه های گشوده و چرمی نوشته شده است. چون در زمان قدیم نوشتن برچرم رسمی بود برای اینست که آن کتاب نوشته بر چرم گفته میشود. در همان کتاب پیشگوئی بیت الله است آنچه مملو از متقیان و روحانیت خواهد بود. یکباردیگر گواه گردانده میشود آسمانی با سقف بلند و دریای طفیان کرده که بین آندو آبی مسخر کرده شد که تکیه گاه زندگی میباشد.

پس از تذکر گواهی های آسمانی خداوند هشدار میدهد که روزی که آسمان سخت لرزه خورد و ابرقدرتهای مانند کوه ها برکنده و در همه دنیا پراکنده شوند، آنروز مکذبان را در همین دنیا هلاکت خواهد بود.

پس مجرمان را وعید جهنم و متقیان را نوید بهشت داده میشود. پس خداوند آنحضرت ﷺ را به نصیحت کردن پیوسته اشاره کرده گواهی میدهد که ای رسول! سخنان تونه مانند کاهن ها بی هوا است و نه تو مجنون هستی زیرا که کلام خودت و کلامی که بر تو نازل میشود این دو امر مذکور را رد میکند. پس بخاطر ابلاغ کردن فرمان پروردگار خود صبور باش. تو جلوی



چشمان ما هستی یعنی مرآن در حفاظت ما قرار گرفته ای. و باستایش خدای خویش او را تسبیح بخوان خواه تو برای عبادت روز بپا شوی یا شبگامان برای عبادت بپاشوی. هنگامیکه ستارگان فروروند بازهم بعبادت پروردگار خویش مشغول باش.

☆ سُورَةُ الطُّورِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①
- بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
 بسیار بخشنده بارها را حکمکننده (۱)  
 و سوگند به طور (۲)
- و به کتابی مسطور (۳)  
 در صحیفه های گشوده پوست (۴)  
 و سوگند به خانه آباد (۵)  
 و سوگند به سفی بلند کرده (۶)  
 و سوگند به دریای طغیان کرده (۷)  
 یقیناً عذاب پروردگارت حتمی  
 الوقوع است (۸)  
 کسی آنرا دورکننده نیست (۹)  
 روزیکه آسمان سخت بلرزد (۱۰)  
 و کوه ها بکثرت روان شوند (۱۱)  
 پس ملک باد در آن روز بر  
 مکذبان (۱۲)
- وَالطُّورِ ①
- وَكَتَبَ مَسْطُورٍ ②  
 فِي رَقٍ مَّنْشُورٍ ③  
 وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ④  
 وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ⑤  
 وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ⑥  
 إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ⑧  
 مَّا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ⑨  
 يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَورًا ⑩  
 وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ⑪  
 فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا يَوْمَ يَسْعَى السَّمَكُ الْبَحْرِيُّ  
 مَعَهُمْ يَوْمَئِذٍ لِّمَن كَفَرَ يَوْمَئِذٍ  
 الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ⑮  
 يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً ⑯

مبین آن آتش است که به آن

تکذیب میکردید (۱۵)

پس آیا این جادویی است یا شما

بصیرت را بکار نمیبردید (۱۶)

وارد آن شوید. پس صبر کنید یا

صبر نکنید شمارا یکسانست. فقط

عوض آن داده شوید که شاعمل

میکردید (۱۷)

یقیناً متقیان در بهشتها و نعمت ما

باشند (۱۸)

شادمان بدانچه پروردگار ایشان

به آنان داد و پروردگار ایشان

بدیشان از عذاب جهنم حفظ

نماید (۱۹)

بخورید و بیاشامید با خوشمزگی

بعلت آنچه شما میکردید (۲۰)

بر تختهایی درصاف کشیده تکیه زده

باشند و ایشان را با زنان درشت

و سیاه چشم جفت نمائیم (۲۱)

و کسانی که ایمان آوردند و اولاد

آنان نیز ایشانرا با ایمان پیروی

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ ﴿۱۵﴾

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿۱۶﴾

إِصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا  
سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ ۗ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ  
تَعْمَلُونَ ﴿۱۷﴾

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿۱۸﴾

فَكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ ۗ وَوَقَّهْمُ  
رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿۱۹﴾

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۲۰﴾

مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ  
وَزَوَّجَهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿۲۱﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ  
بِإِيمَانٍ الْحَقْنَابِهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ وَمَا

أَلْتَهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ  
أَمْرٍئٍلٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ ﴿۲۷﴾

کردند اولاد ایشان را هم به آنان  
ملحق نمائیم و آنان را از اعمال  
ایشان میچ کم ندمیم. مرکس رمین  
بکسب کرده های خود است (۲۲)

وَأَمَدَدْتُهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَ لَحْمٍ مِّمَّا  
يَسْتَهْوُونَ ﴿۲۸﴾

و ایشان را یاری کنیم [و اعطا  
کنیم ایشانرا] نوعی میوه و نوعی  
گوشت از آنچه میل کنند (۲۳)

يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لًا لَّغَوْ فِيهَا  
وَلَا تَأْتِيهِمْ ﴿۲۹﴾

در آنجا جامهای ممدیگر را [با  
عاطفه] بر بایند. در آنها نه بیبودگی  
است و نه امرگناه است (۲۴)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ  
لُؤْلُؤٌ مَّكُونٌ ﴿۳۰﴾

و پسرانی خوردسال ایشان گویی  
آنان مرواریدهای نهفته اند گرد  
ایشان دور زنند (۲۵) ++

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۳۱﴾

و بعضی از آنان بسوی بعضی احوال  
پرسی کنان روی آوردند (۲۶)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُسْفِقِينَ ﴿۳۲﴾

گویند: یقیناً ما قبلأً در خانواده خود  
بیمناک می ماندیم (۲۷)

فَمَنْ لِّلَّهِ عَلَيْنَا وَوَقْنَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿۳۳﴾

پس خدا بر ما منت نهاد و ما را از  
عذاب وزش های سوزاننده نجات

++ آیت ۲۵: تمثیلاً ذکر از نعمتهای بهشت است که در آن خدمتگاران پسران خوردسال

باشند که گویی "مرواریدهای نهفته" اند. این اثبات میکند که این کلام تمثیلی است.

داد(۲۸)

یقیناً ما از این پیش هم او را می  
خواندیم. یقیناً بس او نیکورفتار  
بارها رحم کننده است(۲۹)

پس تو پیوسته نصیحت کن. بنعمت  
پروردگارت نه کامن هستی و نه  
دیوانه(۳۰)

آیا میگویند، شاعری است که برای  
او گردش روزگار را انتظار  
داریم(۳۱)

بگو منتظر باشید پس حتماً منم با  
شما از جمله منتظرانم (۳۲)  
آیا پراکندگی خاطرشان آنها را به  
این امر کند یا آنها قومی سرکش  
اند؟(۳۳)

آیا گویند، او این را از خود دروغ  
بسته است. حقیقت اینست که آنها  
ایمان نخواهند آورد(۳۴)

پس باید بیارند مانند آن کلامی  
را اگر راستگویند(۳۵)  
آیا بدون چیزی [خودبخود] آفریده

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ  
الرَّحِيمُ ۙ

۱۳۰

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ  
وَلَا مَجْنُونٍ ۙ

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ مَّتَرَبِّصٌ بِهِ رَبِّبِ  
الْمُتُونِ ۙ

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ  
الْمُتَرَبِّصِينَ ۙ

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ  
قَوْمٌ طَاغُونَ ۙ

أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلَهُ ۗ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ۙ

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا  
صَادِقِينَ ۙ

أَمْ خَلَقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ

الْخُلُقُونَ ۝

شدند یا خودشان آفریدگاران  
اند (۳۶)

أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا  
يُوقِنُونَ ۝

آیا آنها آسمانها و زمین را آفریده  
اند؟ حقیقت اینست که آنها باور  
نخواهند کرد (۳۷)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ  
الْمُضْطَرُّونَ ۝

آیا نزدشان گنجهای پروردگارتو  
است یا ایشان داروغه اند (۳۸)

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ  
مُسْتَمِعَهُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۝

آیا آنرا نردبانی است که در  
آن [بالا رفته] سخنان گوش کنند؟  
پس باید شنونده از ایشان دلیلی  
روشن بیآرد (۳۹)

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ ۝

آیا برای او [خدا] دختران و برای  
شما پسران اند؟ (۴۰)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّغْرَمٍ  
مُّثَقِّلُونَ ۝

آیا مزدی از آنها میخواهی که آنها  
از غرامت سنگین بارانند؟ (۴۱)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۝

یا غیب است نزدشان پس آنها [آن  
را] مینویسند (۴۲)

أَمْ يَرِيدُونَ كَيْدًا ۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ  
الْمَكِيدُونَ ۝

یا میخواهند نیرنگ زنند؟ پس آنها  
که کفر کردند همانانند که نیرنگ  
برخلاف آنها زده شود (۴۳)

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ ۖ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا

آیا برای ایشان معبودی است جز

يُشْرِكُونَ ﴿٤٤﴾

خدا؟ پاك است خدا از آنچه شرك  
مپورزند (۴۴)

وَأَنْ يَّرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا  
يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ﴿٤٥﴾

و اگر پاره از آسمان سقوط کرده  
را ببینند گویند این ابری برهم  
نشته است (۴۵)

فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ  
يُصْعَقُونَ ﴿٤٦﴾

پس آنها را برهان تا آن انتها که به  
آن روز خود برخورد کنند که در آن  
صایقه ی بر آنها افکنده شود (۴۶)

يَوْمَ لَا يُعْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا  
وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٧﴾

روزی که هیچ حيله ایشان بکار  
ایشان نیاید و نه ایشان یاری  
داده شوند (۴۷)

وَأَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ  
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٨﴾

و یقیناً کسانی که ستمکاری کردند  
را عذاب بعلاوه آنست. اما اکثر  
ایشان نمیدانند (۴۸)

وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا  
وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٩﴾

و برای فرمان پروردگار خود صبر  
کن. پس یقیناً تو جلوی چشمان  
ما هستی و با ستایش پروردگار  
خود تسبیح بگو، هنگامیکه بر می  
خیزی (۴۹)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿٥٠﴾

و هم شب را برای او تسبیح بگو  
و هم پس از غروب ستارگان (۵۰)

## ۵۳- سورة النجم

این سوره بلافاصله پس از هجرت حبشه پنجمین سال نبوت نازل شد و با بسم الله ۶۳ آیت دارد.

نام این سوره النجم است و در پایان سوره قبلی نیز ذکر از "اذْبَارَ النَّجْمِ" می‌رود. سپس موضوع بسوی شرق‌های برگردانده می‌شود و پیشگویی به شکستن آن ستارگان می‌شود که مشرکان آنها را پرستش می‌کرده اند و فرمود که رسول الله ﷺ این امر را از پیش خود برنباخته اند زیرا که هیچگاه ایشان به سخن بمیل نفس خویش نمی‌آیند.

قبلاً در پایان سوره "الذَّارِيَاتُ" خدای که ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ خوانده شد و هم الرِّزَّاقِ سخن از همان خدا گفته در این سوره او بنام "شَدِيدُ الْقُوَى" و "ذُو مِرَّةٍ" ذکر می‌شود یعنی خدای که صاحب صفاتی بسیار محکم و صاحب حکمتی بی مانند است.

سپس ذکر از واقعه معراج می‌رود. رسول الله ﷺ نزدیک پروردگار خویش شدند و خدای متعال برحمت خود بر ایشان فرود آمد و همچون وتری دوکمان شد. این آیه‌های پیچیده اند که به شرح آنها بنحوی گوناگون تلاش شده است. یقیناً این واقعه حاکی از هیچ آسمان ظاهری نیست بلکه ذکر از ماجرای فوق العاده ای است که بر قلب آنحضرت ﷺ گذشت. مکاشفه ای که نظیرش در زندگی هیچ کدام پیغمبر یافت نمی‌شود. قلب ایشان در محبت خدای متعال به رخ فلک بلند شد و خدا به محبت بنده خویش بر دلش فرود آمد. ضمناً مطلب از قَابَ قَوْسَيْنِ اینست که آنحضرت ﷺ صورت آن وتری را



گرفتند که میان کمان خداوند و آنحضرت ﷺ هر دوی را همان يك وتر بود. بعبارت دیگر تیری از کمان خداوند پرتاب شده همان بود که از کمان آنحضرت ﷺ پرتاب میشد. این تفسیر عیناً بنص این آیت قرآن مجید است وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى.

سپس معراج جسمانی با این آیت بکلی نفی کرده میشود که مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى - یعنی دیدگان صوری خدا را دیدار نکرد بلکه آن خدای را که چشمان قلب رسول الله ﷺ دید قلبش در بیان آن هیچ دروغ نگفت.

بدنبال فوق، ذکر از يك سدره می‌رود که بعنوان نرده ای تقسیم کننده مرزهای میان خدا و بندگانش میباشد. در حقیقت قبلاً نیز میان اعراب رسمی بود و امروز نیز آن یافت میشود که هرگاه مرز ملکی از يك صاحب ملك تمام میشود آنگاه برای بازشناسی مرز دو ملك میان آن دو سدرهای خاردار افکنده میشود. پس هرگز در آسمان درخت سدره وجود نداشت که ورای آن آنحضرت ﷺ نمیتوانستند بروند. این تفسیر بسیار خنده آور است که بعضی مفسران از قرون وسطی بوجود آورده بودند. مطلب فقط اینقدر است که آنحضرت ﷺ تا آن مقام ارفع قرب خداوندی رسیدند که ورای آن رسیدن هیچ بنده ای را امکان پذیر نبود چه پس از آن موضوع از صفات تنزیه خداوندی را آغاز میشود. سپس ذکر از خدایان فرضی کافران می‌رود که آنها را به اثبات وجود آنها هیچ دلیلی در دست نیست. آنان فقط حرفهای بی‌هوا می‌زنند. این منتهای دانش آنهاست اینجامنظور از شعرای همان النجم است که مشرکان آنرا خدا قرار داده بودند. سپس مجملأً تذکری بعنوان عبرت از بدفرجام قومهای مشرک بعلت شرك ورزیدن ایشان در زمان گذشته میباشد.

☆ سُوْرَةُ النَّجْمِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَسِتُّونَ آيَةً وَثَلَاثَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
 بسیاربخشنده بارهارحمکننده (۱)  
 سوگندبه ثریاچون سقوط کند(۲)  
 نیست رفیق شما گمراه و نه  
 نامراد است(۳)  
 و نه از هوای نفس خود کلام می  
 کند(۴)  
 این فقط وحی است که فرو  
 فرستاده میشود(۵)  
 صاحب سخت توانائیها او را  
 آموخته است(۶)  
 که صاحب بسیار حکمت است.  
 پس او برقرارشد(۷)  
 درحالیکه برافق بالاترین بود(۸)  
 سپس نزدیک شدباز فرودآمد(۹)  
 پس اومانند وتر دوکمان شد یا  
 از آن هم نزدیکتر(۱۰)  
 پس اوبسوی بنده خودوحی فرستاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ②

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ③

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ④

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ⑤

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ⑥

ذُو مِرَّةٍ ⑦ فَاسْتَوَىٰ ⑧

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ⑨

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ⑩

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ⑪

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ⑫

مرجه وحی فرستاد(۱۱)

دل دروغ نگفت آنچه دید(۱۲)

پس آیا ستیزید با او بر آنچه او دید؟(۱۳)

حالانکه او آنرا در کیفیت دیگر نیز دیده است(۱۴)

نزدیک سدره بر منتهای حد(۱۵)

نزدیک آن بهشت پناه دهنده است(۱۶)

گامیکه درخت سدره را پوشانید آنچه پوشانید(۱۷)

نگاه نه لغزید و نه از حد گذشت(۱۸)

یقیناً او از آیات پروردگار خود بزرگتر را دید(۱۹)

پس آیاتولات و عزّی را دیدی(۲۰)

و دیگر منات سومین علاوه را(۲۱)

آیا شمارا پسران و او را دختران اند(۲۲)

آنگاه این تقسیمی نا درست است(۲۳)

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى ۝۱۲

أَفْتَمْرُؤُنَّ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۝۱۳

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۝۱۴

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۝۱۵

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۝۱۶

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ۝۱۷

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ۝۱۸

لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝۱۹

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّتَّ وَالْعُرَىٰ ۝۲۰

وَمِنُوهَ الثَّالِثَةَ الْآخِرَىٰ ۝۲۱

أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ۝۲۲

تِلْكَ إِذْ أَوْسَمَهُ ضَيْضَىٰ ۝۲۳

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ  
وَأَبَاءُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ  
سُلْطَانٍ ۖ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا  
تَهْوَى الْأَنْفُسُ ۗ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ  
رَبِّهِمُ الْهُدَى ۖ

این فقط نامهایند که شما و پدران  
شما به آنها نامگذاری کرده اید -  
خدا برای آنها هیچ دلیلی نازل  
نکرد. آنها پیروی نکنند جز گمان  
و آنچه نفس تحریک کند و یقیناً  
ایشان را هدایت از پروردگار  
ایشان آمده است (۲۴)

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَّتْ لِي ۖ

آیا انسان را است هر چه تمنا  
کند؟ (۲۵)

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ۖ

پس آخرت و ابتداء از آن خدا  
است (۲۶)

وَكُمْ مِنْ مَلَائِكَةٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي  
شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ  
لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ۖ

و چه بسا فرشتگان در آسمانها و  
زمین اندک شفاعت ایشان هیچ  
هم بکار نیاید مگر پس از آنکه خدا  
بهر که خواهد اجازه دهد و خوشنود  
گردد (۲۷)

إِنَّ الدِّينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ  
لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَىٰ ۖ

البته آنها که به آخرت ایمان نمی  
آرند [از آنانند که] فرشتگان را با  
اصرار نامهای زنان میدهند (۲۸)

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا

در حالیکه درباره آنها ایشان را  
هیچ دانشی نیست. ایشان پیروی

الظَّنَّ ۚ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ  
شَيْئًا ۝۲۹

نمیکنند جز از گمان و گمان در مقابل  
حق هیچ هم بدرد نمیخورد (۲۹)  
پس روی برتاب از آنکه از ذکر ما  
روی برتابد و جز زندگی دنیا چیزی  
نمیخواهد (۳۰)

فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ  
يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝

همین مبلغ کل از علم ایشانست.  
البته تنها پروردگارتو بهتر میداند  
آنرا که از راه او گمراه گشته است  
و او بهتر میداند آنرا که هدایت  
یافت (۳۱)

ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ  
أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ  
أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ ۝

و از آن خدا است هر چه در آسمانها  
است و هر چه در زمین است. برای  
اینست که او آنانکه بدیها کردند را  
عوض اعمال ایشان میدهد و آنانکه  
کارهای نیکوتر کردند را پاداشی  
نیکو میدهد (۳۲)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۗ  
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اَسَاءُوا وَاِمْا عَمِلُوا وَاِيْجْزِيَ  
الَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا اِلٰلْحُسْنٰى ۝۳۲

آنانکه از گناهان بزرگ و فحشائیهها  
پرمیزکنند جز لمس خفیف یقیناً  
پروردگارتو فراخ در بخشش است.  
او شمارا نیکتر میداند از آنگاه  
که شما را از زمین نمو کرد و از

الَّذِيْنَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيْرَ الْاِثْمِ  
وَالْفَوَاحِشِ اِلَّا اللَّمَمَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ  
وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ ۚ هُوَ اَعْلَمُ بِكُمْ اِذْ  
اَنْشَاَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَاِذْ اَنْتُمْ اَجْنَّةٌ

وقتی شما جنین در شکمهای مادران خود بودید. پس بیهوا خودتان را پاك قرار ندهید. تنها اوست که بهتر میداند آنرا که متقی است (۳۳)

آیادیدی آنرا که روی برتابید (۳۴) و کسی داد و دست کشید (۳۵)

آیا او را علم نهانست پس او [نتائج] را می بیند؟ (۳۶)

آیا او به آن خبر داده نشد که در صحف موسی است؟ (۳۷)

و [آنچه در صحف] ابراهیم وفا کننده عهد است (۳۸)

اینکه هیچ باربری بار دیگری را بدوش نخواهد گرفت (۳۹)

و اینکه انسان را چیزی نیست جز آنچه کوشیده باشد (۴۰)

و اینکه کوشش او حتمًا نگریده شود (۴۱)

پس پاداش او کامل داده شود (۴۲)

و اینکه منتها بسوی پروردگار تو

فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا

أَنْفُسَكُمْ ۖ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى ۖ ﴿٣٣﴾

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ۙ

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ۖ ﴿٣٤﴾

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْ يَرَى ۖ ﴿٣٥﴾

أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ۙ

وَأَبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى ۖ ﴿٣٦﴾

أَلَا تَرَى زَوَازِرَهُمْ يُوزَرُونَ ۙ خَرَى ۙ ﴿٣٧﴾

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ۖ ﴿٣٨﴾

وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَى ۖ ﴿٣٩﴾

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ۖ ﴿٤٠﴾

وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ۖ ﴿٤١﴾

[رسیدن] است (٤٣)

و اینکه اوست که میخنداند و می  
گریاند (٤٤)

و اینکه اوست که میمیراند و  
زنده میکند (٤٥)

و اینکه اوست که جفت را آفرید  
یعنی نر و ماده را (٤٦)

از نطفه که انداخته میشود (٤٧)

و اینکه برخیزاندن دوباره بر او  
است (٤٨)

و اینکه او است که توانگر سازد  
و گنج بخشد (٤٩)

و اینکه فقط او پروردگار شعری  
[ستاره] است (٥٠)

و اینکه او است که عاد اولی را  
بهلاك رساند (٥١)

و نمود را. پس هیچ [از آنها] را  
باقی نگذاشت (٥٢)

و از این پیش قوم نوح را. یقیناً  
همانها ستم کارتر و سرکش تر  
بودند (٥٣)

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ۝٤٤

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ۝٤٥

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۝٤٦

مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى ۝٤٧

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشَأَةَ الْأُخْرَى ۝٤٨

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى ۝٤٩

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى ۝٥٠

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى ۝٥١

وَتَمُودًا فَمَا أَبْقَى ۝٥٢

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا

هُمَّ أَظْلَمَ وَأَطْغَى ۝٥٣

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ۝۵۴

و او شهرهایی زیر و زبر شدگان  
را نیز فروافکند (۵۴)

فَعَشَّمَهَا مَا عَشَّىٰ ۝۵۵

پس آنها را پوشانید آنچه هم  
پوشانید (۵۵)

فَيَأِيَّ الْأَءِرْيَاكَ تَتَمَارَىٰ ۝۵۶

پس جهت کدام نعمتهای پروردگار  
خود محاجه خواهی کرد (۵۶)

هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَىٰ ۝۵۷

این هشدارهای  
پیشین (۵۷)

أَزِفَتِ الْأَزْفَةُ ۝۵۸

نزدیک شونده نزدیکتر شد (۵۸)

لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ۝۵۹

نیست دورکننده آن جز خدا (۵۹)

أَفَمِن هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ۝۶۰

پس آیا بر این سخن تعجب می  
کنید؟ (۶۰)

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ۝۶۱

و میخندید و گریه نمیکنید (۶۱)

وَأَنْتُمْ سَمِدُونَ ۝۶۲

و شما غافلان آید (۶۲)

فَأَسْجُدُوا لِلَّهِ وَعَبَدُوا ۝۶۳

پس خدا را سجده کنید و عبادت

بجا آرید (۶۳)

وَأَسْجُدُوا  
لِلَّهِ



## ۵۴- سورة القمر

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۵۶ آیت دارد.

سوره گذشته حاکی از فروافتادن "شعری" خدای دروغین مشرکان بود. عبارت دیگر این پیشگوئی شده است که حتماً شرک باخدای برباخته خود نابود کرده خواهد شد.

اکنون بمحض آغاز سورة القمر این خبر داده میشود که آن ساعت فرا رسیده و ماه شکافته بر آن گواهی داده است. منظور از ماه دوره پادشاهی اعراب است و ماه را این تفسیر نیز از آنحضرت ﷺ مروی است. اینک دور پادشاهی مشرکان برای همیشه خاتمه یافت و آن ساعت انقلاب فرارسیده که برپا شدن آن منوط به بعثت آنحضرت ﷺ بود.

پس از آن آیتی است از آنچه بطور حتمی به اثبات میرسد که مشرکان آن زمان شکافتن ماه را برای چند لمحات تماشا کرده بودند. مفسران در این مورد نادرست یا درست تفاسیری بسیار کرده اند. اما از واقعیت این انکار نتوان کرد. زیرا که اگر مشرکان ظهور این واقعه را تماشا نکرده بودند آنگاه بلا فاصله از این انکار میکردند و مومنان نیز از ایمان خویش برمیگشتند چه اساس ایمان تماماً متکی بر صدق رسول الله ﷺ بود. باگفتن "سِخْرَ مُسْتَمِرّاً" مشرکان مکه گواهی دادند که این واقعه حتماً صورت گرفته ولی جادوئی است و محمد [ﷺ] این نوع جادوها را همیشه بنمایش میگذارد.

سپس مجدداً ذکر از قومهای مشرکان پیشین میرود که هر کدام رسول زمان خود را مجنون قرار میدادند و در نتیجه کفر و گستاخگوئیهای لجوجانه

خودشان به ملاک رسانده شدند.

در این سوره يك آیه بارها تکرار شده است که ما قرآن را برای نصیحت آسان قرار داده ایم یعنی برحالات قومهای پیشین بکمی هم رای کرده این امر راحت فهمیده میشود که بزرگ ترین تباهی در دنیا شرك گسترده است. اما کسی هست که بند فراگیرد؟ مردم بسیار کثیرنه از پیشینیان بند گرفتند و نه از پسینیان بند میگیرند.

☆ سُوْرَةُ الْقَمَرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَخَمْسُونَ آيَةً وَثَلَاثَةُ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارما رحم کننده (۱)

ساعت به نزدیک رسید و ماه

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَالنُّشُقُ الْقَمَرُ ②

بشکافت (۲)

و اگر آیتی را ببینند، روی برتابند

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ

و گویند، جادویی است که همواره

مُسْتَمِرٌّ ③

بوده است (۳)

و تکذیب کردند و پی هوای نفسانی

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ

خود رفتند [شتاب کردند] حالانکه

مُسْتَقَرٌّ ④

هر امر [بروقت خود] قرار گیرنده

است (۴)

و البته آنهارا بعض اخبار رسیده

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ

است در آنچه سخت زجروت و بیخ

مُرْدَجَرٌ ⑤

است (۵)

حکمتی با کمال بود. باز هم مشدارها

حِكْمَةٌ بِاللِّغَةِ فَمَا تَعْنِ التُّذُرُ ⑥

میچ به کار نیامد (۶)

پس از آنها اعراض کن [آنان]

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ ⑦ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعُ إِلَىٰ

خواهند دید [روزیکه خواننده به

شَيْءٍ تُكْرَهُ ⑧

سوی چیزی بسیار ناپسند بخواند (۷)  
چشان آنها از ذلت فروخته، آنان  
از گورها درآیند گویی که آنها ملخ  
های منتشر شده اند (۸)

شتابندگان بسوی خواننده بروند.  
کافران گویند امروز روزی سخت  
است (۹)

قبل از آنها قوم نوح تکذیب کرده  
بودند پس بنده ی ما را تکذیب  
کرده بودند و گفتند دیوانه است  
رانده شده (۱۰)

پس او پروردگار خود را خواند  
یقیناً من مغلوب ام. پس مرا یاری  
کن (۱۱)

پس مادرهای آسمان را بصورت  
آبی بیابی باریده گشودیم (۱۲)  
پس زمین را به صورت چشمه ها  
شکافتیم. پس آب بر امری بهم  
شد که مقدر شده بود (۱۳) ++

واو [نوح] رابر [کشتی] دارای تخته  
ها و میخها سوار کردیم (۱۴) ++

خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ  
الْأَجْدَاثِ كَالْهَمَجِ جَرَادٍ مُّنتَشِرٍ ۝۷

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ ۝ يَقُولُ الْكٰفِرُونَ  
هٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ۝۸

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا  
عِبْدَنَا وَقَالُوا مُجُنُّونَ وَإِذْ جَرَّ ۝۹

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ۝۱۰

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّثَمَرٍ ۝۱۱  
وَاجْرْنَا الْأَرْضَ عِيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ  
عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ۝۱۲

وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَاجِ وَدُسِّرَ ۝۱۳

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِّمَن كَانَ كُفِرًا ⑩

که جلوی چشمان ما حرکت میکرد  
بعنوان پاداشی برای آنکس که  
انکار شده بود(۱۵)++

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ⑪

و یقیناً ما آنرا نشانه ای بزرگ  
واگذارده بودیم. پس کسی گیرنده  
پند است؟(۱۶)++

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ⑫

پس عذابم و ترساندندم چگونه ای  
بود؟(۱۷)

وَلَقَدْ سَرَّنا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ

یقیناً ما قرآن را برای بند آسان  
ساخته ایم. پس کسی گیرنده پند

مُدَّكِرٍ ⑬

آیات ۱۳- ۱۶: سخن از کشتی حضرت نوح گفته میشود که از تخته های چوب و میخها ساخته شده بود. گویی که در زمان حضرت نوح فرهنگ تا این حد پیش رفت کرده بود که ایشان بر استعمال آهن مهارت بدست آورده بودند و احتمالاً برای تراشیدن تخته های چوب اره ها نیز میساختند.

درباره همین کشتی فرموده شد که این نشانه ی است که برای نصیحت گرفتگان ایمان افروز اثبات شود. از این امر این امکان نیز پیدا میشود که کشتی حضرت نوح برای آیندگان بعنوان نشانه ی محفوظ شده باشد. با این وجود که مسیحیان را به این بیان قرآن آگاهی نیست باز هم کشتی حضرت نوح را در يك محلی بعنوان نشانه ی محفوظ میپندارند و آن هر جا تلاش کرده میشود. بعضی افراد از جانب جماعت احمدیه نیز به اینکار مامور اند که سراغ آنرا پیرو آیات قرآن بگیرند. طبق تحقیق اینجانب کشتی در قمر دریای Dead sea محفوظ است و بروقت معین در آورده شود.

است؟ (۱۸)

عاد هم تکذیب کرده بودند. پس  
چطور بود عذابم و ترساندندم؟ (۱۹)  
یقیناً ما بر آنها بادی تند در روز  
شومی پایدار فرستادیم (۲۰)  
که مردم را برمیکنند گوئیکه آنها  
بن های برکنده نخلی بودند (۲۱)  
پس عذابم و ترسانیدم چگونه  
بود (۲۲)

و یقیناً ما قرآن را بخاطر بند  
آسان کردیم پس کسی گیرنده  
بند است؟ (۲۳)

شودهم هشداردهندگان را تکذیب  
کردند (۲۴)

پس گفتند، آیا او را که بشری از  
خودما یکتا است پیروی کنیم؟  
در آنصورت یقیناً ما در گمراهی  
و دیوانگی مبتلا شویم (۲۵)

آیا از میان ما ذکر بر او نازل کرده  
شد؟ بلکه او خیلی دروغگوی  
خودستا است (۲۶)

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي ﴿١٨﴾

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي  
يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ  
مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي ﴿٢١﴾

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ  
مُدَّكِرٍ ﴿٢٢﴾

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ﴿٢٣﴾

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّمَّنَّا وَاجِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا  
لَفِينَا ضَلَلٍ وَسُعْرٍ ﴿٢٤﴾

ءَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ  
كَذَّابٌ أَشِيرٌ ﴿٢٥﴾

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشْرُ ۝

فردا یقیناً بدانند کیست سخت  
دروغ گوی خودستا (۲۷)

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ  
فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ۝

یقیناً ما به آزمایش آنان ناقه ای را  
فرستنده ایم. پس [ای صالح!] تو  
مراقب آنها باش و شکیبائی  
کن (۲۸)

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ  
شِرْبٍ مَّحْتَصِرٌ ۝

و ایشان را آگاه ساز که [وقت] آب  
بمیان ایشان قسمت شده است. در  
هر کدام نوبت آب حاضر شدن لازم  
است (۲۹)

فَأَذُوا صَاحِبِهِمْ فَتَعَاظَى فَعَقَرَ ۝

پس آنها رفیق خود را فراخواندند.  
پس او [ناقه را] بگرفت و پی  
کرد (۳۰)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ۝

پس عذابم و ترساندندم چگونه  
بود (۳۱)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً  
فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ۝

مانا ما بر آنها تندی یکباره  
فرستادیم. پس همچون خرد و  
خاکشی خاربست زیر پا لهیده  
شدند (۳۲)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ  
مُدِّكِرٍ ۝

و یقیناً ما قرآن را بخاطر پند آسان  
کردیم. پس آیا کسی پندگیرنده

است؟ (۳۳)

قوم لوط نیز به هشدار دهندگان  
تکذیب کرده بودند (۳۴)

البته ما بر آنها باران سنگریزه های  
فرستادیم جز آل لوط که ایشان  
را صبحگاه نجات دادیم (۳۵)

بطور نعمت از نزد ما. همین گونه  
پاداش میدیم او را که سپاس  
داری کند (۳۶)

و یقیناً او نیز آنها را از خشم ما  
هشدار داده بود. باز هم به هشدارها  
متردد ماندند (۳۷)

وخواستند او را درباره مهمانان  
خود بلغزانند. پس ما چشمانشان  
را کور کردیم. پس طعم عذاب و  
ترساندنم را بچشید (۳۸)

و همانا صبحگاه ایشان را عذابی  
برقرار فرارسید (۳۹)

پس طعم عذابم و ترساندنم را  
بچشید (۴۰)

و یقیناً ما قرآن را برای بند آسان

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِاللَّذْرِ ﴿٣٣﴾

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ  
لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ﴿٣٤﴾

نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ  
شَكَرَ ﴿٣٥﴾

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا  
بِاللَّذْرِ ﴿٣٦﴾

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِمْ فَطَمَسْنَا  
أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿٣٧﴾

وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقَرٌّ ﴿٣٨﴾

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿٣٩﴾

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ يَسَّرُ



مَدَّ كِرِيًّا ①

ع ۹

کردیم پس کسی پند گیرنده  
است؟ (۴۱)

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ التُّدْرُ ①

و یقیناً به فرعونیان نیز بیم  
دمندگان آمدند (۴۲)

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَلْهَافًا خَذْنَهُمْ أَخَذَ عَزِيزٌ  
مُقْتَدِرٌ ①

آنها آیات ما مه آنها را انکار  
کردند. آنگاه ما آنها را گرفتیم  
که صاحب غلبه کامل قدرتمند می  
گیرد (۴۳)

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلِيِّكُمْ أَمْ لَكُمْ  
بِرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ①

ایا کافران [در زمان] شما از آنان  
بهرتر اند یا شما را در صحیفه ها  
رستگی نامه است؟ (۴۴)

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرُونَ ①

آیا گویند، "ما گروهی انتقام  
گیرندگان ایم"؟ (۴۵) ++

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ①

یقیناً این انبومی کثیرمزیت داده  
شوند و پشتها برگردانند (۴۶) ++

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَى  
وَأَمْرٌ ①

بلکه ایشان را به ساعت انقلاب  
وعده داده شد و آن ساعت سخت  
تر و تلختر باشد (۴۷)

++ آیات ۴۵-۴۶: این آیات از آن ایتهای ابتدائی است که در مکه نازل شدند. در  
اینجا گفته میشود که لشکری بزرگ کافران به مسلمانان پشت کرده یا بفرار  
خواهند نهاد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٥٨﴾

یعنی ابرهه‌کاران در [حالت] گمراهی و دیوانگی باشند (۴۸)

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ  
ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٥٩﴾

روزی که برویهای خود در آتش کشیده شوند. طعم دوزخ را بچشید (۴۹)

إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٦٠﴾

یعنی ما هر چیز را باندازه ای آفریده ایم (۵۰)

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٦١﴾

و فرمان ما نیاید مگر یکپهو مانند چشم بهم زدن (۵۱)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاءَ عَكُمْ فَهَلْ مِنْ  
مُدَّكِرٍ ﴿٦٢﴾

و البته ما [قبلاً نیز] هم قبیلان شما را هلاک کردیم. پس کسی است که اندرز را قبول کند؟ (۵۲)

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٦٣﴾

و هر کاری را که انجام دهند در صحیفه ما است (۵۳)

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌّ ﴿٦٤﴾

و هر یک کوچک و بزرگ مسطور است (۵۴)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿٦٥﴾

متقیان حتماً در باغستانها و در حالت فراخی باشند (۵۵)

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ

بر مسند راستی در محضر یک پادشاه نیرومند (۵۶)

مُقْتَدِرٍ ﴿٦٦﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ۵۵- سوره رحمن

این سوره حین دوره ابتلائی در مکه نازل شد و با بسم الله ۷۹ آیت دارد.

در این سوره درباره انسان و قرآن دو کلمه جداگانه بکار گرفته شده است. برای قرآن هیچگاه کلمه "خلق" گفته نشده است و نسبت به انسان کلمه "خلق" گفته شده است. پس بعلمت عدم تدبیر بر این نکته ای مهم بعضی مسلمانان از ازمته وسطی قرآن را مخلوق و بعضی غیر از مخلوق میپنداشته اند. بنابراین این میان مسلمانان بسیار قتل و غارت رخداد.

این سوره حاکی از میزانی است که بسبب آن توازی در سراسر آسمان به چشم میخورد. در امر حقیقت هر یک رفعت متکی بر این توازن میباشد. پس اگر بندگان مومن خدا نیز همیشه میزان را رعایت کرده و حرفی خلاف عدل نزنند در مقابل این عمل خداوند ایشان را رفعتهای بزرگ فراهم خواهد آورد.

ضمناً خطاب به جن و انس کرده این سخن بتکرار گفته میشود که شما دوی کدام يك نعمت خدای را انکار خواهید کرد و بدنبال این تفاوتی در آفرینش جن و انس عنوان میشود که جن از شعله های آتش بوجود آورده شد. جن را شرح در زمان کنونی بطریق گوناگون داده میشود. اما اینجا شرح اینست که ویروس [Virus] و باکتری [Bacteria] نیز اجنه است که حین ابتدای آفرینش در نتیجه باریدن تشعشعات رادیوئی بوجود آمدند و در زمان کنونی پژوهندگان علم هم رأی هستند که باکتری و ویروس نیرو را مستقیماً از آتش حاصل کرده

بوجود می‌آیند.

سپس نسبت به انسان چنین پیشگوئی میشود که پرده ای را از رازهای عمیق و حکمت آمیز مربوط به آفرینش بر میدارد. تخلیق انسان از گل در کتب پیشین هم مذکور است. ولی خلق کردن انسان از گلی خشکیده مانند سفال پخته ی جرنگ کرده چنین تصوراتی است که در هیچکدام کتب پیش از قرآن مجید بیان نشده است. اینجا گنجایش بتفصیل آنرا ندارد ولی زبردستان علم میدانند که در حین تخلیق چنین مرحله ای نیز آمد که لازم شده بود که ماده های تخلیقی بصورت گلی با صدای جرنگ خشک کرده شود و سپس دریا دوباره آن ماده خشک را در موجهای خود دربر گرفت و انسان را چنین سفر پیش رفت شیمیائی رو به آغاز نهاد در آنچه این شیمی های مهم برای تخلیق انسان تکراراً بسوی دوره ابتدائی خود برنگشتند.

سپس این پیشگوئی کرده شد که خدای متعال خط فاصل میان دو دریا را از بین برده و آندو بهم متصل میگرددند.

ضمناً آیت کریمه دیگری عبارت از چنین موضوعی است که در زمان وحی قرآن هیچکس آنرا تصور هم نمیکرد. انسان طاقت نیآورد که متریا دو متر بلند هم بپرد تا چه برسد به اینکه هر کدام مردمان بزرگ و کوچک برای پریدن اقطار السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ تلاش کنند. این تلاش از رسیدن انسان به کره ماه آغاز کرده است و برای رسیدن کره های بلندتر تلاش در جریان است. اما پیشگوئی قرآن مجید اینست که انسان نمیتواند بدون "سلطان" یعنی استدلالی بزرگ شأن مرزهای کاینات را بپرد و هرگاه او به پریدن آن با این کالبد تلاش کند براو مس گذاخته ای باریده میشود. در این امر شکی

نیست که تا آنگاه که پژوهندگان علم هر نوع تدبیر امکان پذیر را برای دفاع از سنگباران اجرام فلکی اختیار نکنند نمیتوانند در موشکی سوار سفر فضائی را ادامه دهند.

پس از بیان تمثیلی از جهنم باز بیان تمثیلی از بهشت شروع میشود. میبایستی خوانندگان هرگز این کلام را بر معنای ظاهری حمل نکنند. تمام این کلام تمثیلی است. این کلام را تفکر کرده اهل تفکر میتوانند هر آن دانه های مروارید عرفان را بدست آورند و الا سرگردان و هیچ هم بدست نمیرسد. جز تصور مادی بهشت که غرق در آن حل بسیاری مسایل را نخواهند یافت. پس نام خدا بسیار پربرکت است و برکات او را به شمار آوردن محال است. او ذوالجلال والاکرام است.

☆ سُورَةُ الرَّحْمَنِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعٌ وَسَعُونَ آيَةً وَثَلَاثَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا بلا استدعا و بلا امتیاز

بسیار بخشنده بارها رحمکننده (۱)

الرَّحْمَنُ ②

بلا استدعا بلا امتیاز بسیار

بخشنده (۲)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ ③

او قرآن آموخت (۳)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ ④

انسان را آفرید (۴)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ⑤

او را بیان آموخت (۵)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ⑥

خورشید و ماه بحساب [مسخر]

اند (۶)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ⑦

و ستاره و درخت هر دو سجده

کنند (۷) ++ [ص#۱۳۲۷]

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ⑧

و آسمان را چه شأن است. او آن

را رفعت داد و نمونه عدل قرار

داد (۸) ++ [ص#۱۳۲۷]

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ⑨

تا اینکه در میزان تعدی نکنید (۹)

و وزن را بداد برقرار نماید و در

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا

وزن کردن کم نکنید (۱۰)

الْمِيزَانَ ⑩

و زمین را چه شأن است او آن

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ⑪

را برای آفریدگان [تکيه گاه]

ساخت (۱۱)

در آن است میوه های و خرما  
خوشه دار (۱۲)

و حبوبات دارای سیوس و گل و  
برگ خوشبو (۱۳)

پس [ای جن وانس] شما دوی کدام  
نعمت های پروردگار خود را انکار  
کنید (۱۴)

او انسان را از گلی خشکیده  
مانند سفال پخته ی جرنگ کرده  
آفرید (۱۵)

و جن را از شعله های آتش  
آفرید (۱۶)

پس شما دوی کدام نعمتهای پرورد  
- گار خود را انکار کنید (۱۷)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ۝۱۱

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ۝۱۲

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۝۱۳

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۝۱۴

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَّارٍ ۝۱۵

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۝۱۶

آیت ۷: منظور از نجم میتوان آن ستاره باشد که مربوط به علم حساب مذکور در آیت  
قبلی است و گیاهان نیز میتوانند باشند چه سخن بعدی از درخت است. این کمال  
از فصاحت و بلاغت قرآن است که هر یک آیت آن بهم مربوط است.

++ آیت ۸: پس از آن سخن از رفعتهای آسمان گفته شود که خلاصه از موضوع در آیات  
قبلی است که میزان بوسیله حساب برقرار کرده میشود و رفعتهای آسمان  
آنقدر متوازن اند که انسان میتواند طریق عدل و انصاف را فراگیرد.

اوپروردگار دومشرق وپروردگار  
دو مغرب است(۱۸) ++

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿۱۸﴾

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام  
نعمت های پروردگار خود را انکار  
کنید(۱۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۱۹﴾

اودودریارا بطوری درهم بیامیزد  
که آندو بهم پیوسته یکجا خواهند  
شد(۲۰) ++

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿۲۰﴾

[عجالتاً] در میان آندو مانعی است  
که نتوانند از آن تجاوز کنند(۲۱) +  
پس [ای جن و انس] شما دوی کدام  
نعمت های پروردگار خود را انکار  
کنید(۲۲) ++

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿۲۱﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۲۲﴾

مروارید و مرجان از آندو در می  
آید(۲۳) ++

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿۲۳﴾

++ آیت ۱۸: در این آیه گریه دومشرق و دومغرب را ذکر است حالانکه در زمان آنحضرت  
ﷺ علم فقط از یک مشرق و یک مغرب بود. درین آیه کوچکتر درباره اکتشافات مهمی  
در زمان آینده پیشگوئی شده است.

+ آیات ۲۰-۲۲: ذکر از آن دو دریا است که از هر دوی مروارید و مرجان استخراج شود  
و آندو درهم آمیخته شود. "يَلْتَقِيَانِ" یعنی آندو در آینده یکجا کرده شوند. در زمان آن  
حضرت<sup>۳</sup> نه مردم میدانستند و نه هم به چنین پیشگوئی امکان بود. اینجا منظور دریای  
احمر و بحر الروم است که بوسیله نهر ساویر بهم پیوسته شده اند.



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۲۷﴾

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام  
نعمتهای پروردگار خود را انکار  
کنید (۲۴)

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ  
كَالْأَعْلَامِ ﴿۲۵﴾

و از آن اواست [صنعت] کشتیهائی  
که کوه مانند در دریا سربرافراشته  
خواهند بود (۲۵)

البحر

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۲۶﴾

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام  
نعمت های پروردگار خود را انکار  
کنید (۲۶)

البحر

كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَأَنِّي ﴿۲۷﴾

هر که بر آنست فناپذیر است (۲۷)  
در حالیکه فناپذیر جاه و حشمت  
پروردگار تو که صاحب جلال و  
اکرام است، خواهد بود (۲۸)

وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذَوَالْجَلَلِ  
وَإِلْكَرَامِ ﴿۲۸﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۲۹﴾

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام  
نعمت های پروردگار خود را انکار  
کنید (۲۹)

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ﴿۳۰﴾

هر چه در آسمانها و زمین است تنها  
از او سوال کند. هر آن او در يك  
شأن نوینی است (۳۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۳۱﴾

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام  
نعمتهای پروردگار خود را انکار

کنید (۳۱)

ای دوا بر قدرت احتمالاً حساب شمارا  
کاملاً تسویه خواهیم کرد (۳۲)  
پس [ای جن و انس] شما دوی کدام  
نعمتهای پروردگار خود را انکار

کنید (۳۳)

ای گروه جن و انس! اگر بتوانید از  
حدهای آسمانها و زمین بیرون روید  
پس بروید - نتوانید بیرون روید  
جز بایک استدلال محکم (۳۴) ++

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام  
نعمتهای پروردگار خود را انکار  
کنید؟ (۳۵)

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَيْنِ ﴿٣١﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَنِ ﴿٣٢﴾

يَمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ  
أَنْ تَقْدُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ فَأَقْدُوا ۗ لَا تَقْدُونَ إِلَّا  
بِسُلْطَنِ ﴿٣٣﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَنِ ﴿٣٤﴾

++ آیت ۳۴: از روی "یامعشر الجن و الانس" درباره جن که مخلوقی عجیب و غریب  
پنداشته میشد در آن زمان میتوانست گفت که آنها برای بیرون رفتن از اقطار السموات  
و الارض تلاش خواهند کرد. ولی برای "انس" که این کوشش خارج از تصور بود. در اینجا  
علی الخصوص قابل فکراین امر است که نه تنها اقطار الارض بلکه اقطار السموات و  
الارض فرموده شد یعنی آنها خواهند کوشید که جمیع کاینات را در یک جست عبور کنند.  
منظور از "الابسلطن" اینست که اگر چه آنان بکوشند ولی فقط با استدلالی استوار  
موفق خواهند شد. در زمان کنونی همینطور است. پژوهندگان علم بر اساس استدلال  
محکم خود اخبار از روشنی بیست بلیون سالگی دور را بوسیله استدلال محکم  
خود معلوم میکنند البته اینکار برای ایشان بطور جسمانی امکان پذیر نیست.

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَّ نَحَاسٌ  
فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿۳۷﴾

فرستاده شود بر شما دوی شعله های  
آتش و دودی. پس شما دوی نتوانید  
انتقام بگیرید (۳۶) ++

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۳۷﴾

پس شما دوی کدام نعمتهای  
پروردگار خود را انکار کنید؟ (۳۷)  
پس ناگهان آسمان بشکافت و مانند  
جرمی سرخگون گردد (۳۸)

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً  
كَالدِّهَانِ ﴿۳۸﴾

پس شما دوی کدام نعمتهای  
پروردگار خود را انکار کنید؟ (۳۹)  
پس آنروز انسان و نه جن از  
لفزش خود پرسیده نشود (۴۰) ++  
پس شما دوی کدام نعمتهای  
پروردگار خود را انکار کنید (۴۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۳۹﴾

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ  
وَّلَا جَانٌّ ﴿۴۰﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۴۱﴾

++ آیت ۳۶: امروز ما چون خلانوردان سوار بر موشکها میکوشند تا «سما و ارض»  
را عبور کنند بر آنان همینطور که در این آیت فرموده شد شعله ها و يك نوع دود  
افکنده میشود.

++ آیت ۴۰: در این آیت فرموده شد که آنروز جن و انس درباره لفظش های خود  
پرسش نشوند و منظور از این پرسش در روز قیامت نیست چه آنروز از هر کدام  
کوچک و بزرگ پرسش شود ولی در دنیا در صورت جنگهای جهانی نه ابرقدرتها از  
ملت های کم نیرومندسئوالی میکنند و نه ملت های اشتراکی کوچک از ملت های بزرگ  
سرمایه دارسئوالی میکنند. این بخش پیشگوئی را بیشتر روشن شدن هنوز باقی است.

مجرمان از سیمای خود شناخته  
شوند. پس از موهای پیشانی و از  
پاما گرفته شوند(۴۲)

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خویش را انکار  
کنید؟(۴۳)

اینست آن جهنم که مجرمان به آن  
انکار میکردند(۴۴)

آنها میان آن و آب جوشانی  
سوزان گردش خواهند کرد(۴۵)  
پس شما دوی به کدام نعمت های  
پروردگار خود انکار کنید؟(۴۶)

هر که از مقام پروردگار خود در بیم  
است او را دوبهشت است(۴۷)+

پس [ای جن و انس] شادوی کدام  
نعمتهای پروردگار خود را انکار  
کنید(۴۸)

يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بِسِيمِهِمْ فَيُؤْخَذُ  
بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ۞

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۞

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا  
الْمَجْرِمُونَ ۞

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ۞

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۞

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ ۞

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۞

++ آیت ۴۷: آنکه خدا را تقوی کند او را هم جنت دنیا و هم جنت آخرت داده شود.  
منظور از جنت دنیا غالباً آن جنت است که در آیه الا بذكر الله تطمئن القلوب  
مذکور است.

ذَوَاتَا أَفْئَانٍ ﴿۴۹﴾

مردو [بهشت] پرشاخ و برگ (۴۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۵۰﴾

پس شما دوی به کدام نعمت های  
پروردگار خود انکار کنید؟ (۵۰)

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَنِ ﴿۵۱﴾

در آندو دو چشمه روان است (۵۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۵۲﴾

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خود انکار کنید؟ (۵۲)

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿۵۳﴾

در آندو هر نوع میوه جفت جفت  
است (۵۳)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۵۴﴾

پس شما دوی به کدام نعمت های  
پروردگار خود انکار کنید؟ (۵۴)

مُتَّكِنِينَ عَلَى فُرْشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ

ایشان بر فرشهای تکیه زنند که  
آسترهای آنها استبرق است و میوه  
های مرد و بهشت رسیده از سنگینی

إِسْتَبْرَقٍ ۖ وَجَنَّاتٍ جُنتَيْنِ دَانٍ ﴿۵۵﴾

خم شده است (۵۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۵۶﴾

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خود انکار کنید؟ (۵۶)

فِيهِنَّ قُصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ

در آنها چنین زنان چشمان فرو  
مشته اند که آنها را کسی از انس

إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿۵۷﴾

و نه جن پیش از این [بهشتی] ها  
لمس نکرده است (۵۷)

پس [ای انس و جن] شادوی به کدام  
نعمت های پروردگار خود انکار  
کنید؟ (۵۸)

گویی آنها یاقوت و مرجان اند (۵۹)  
پس شما دوی به کدام نعمت های  
پروردگار خود انکار کنید (۶۰)

آیا عوض احسان جز احسان  
است؟ (۶۱)

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خود انکار کنید (۶۲)  
و بعلاوه این دو، دو بهشت دیگر  
است (۶۳)

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خود انکار کنید (۶۴)  
مردوی سرسبز است (۶۵)

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خود انکار کنید؟ (۶۶)  
در آندو دو چشمه فوران کرده  
است (۶۷)

فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبِينَ ﴿۵۸﴾

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿۵۹﴾

فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبِينَ ﴿۶۰﴾

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿۶۱﴾

فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبِينَ ﴿۶۲﴾

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَيْنِ ﴿۶۳﴾

فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبِينَ ﴿۶۴﴾

مُدَّهَا مِثْنَيْنِ ﴿۶۵﴾

فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبِينَ ﴿۶۶﴾

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَيْنِ ﴿۶۷﴾

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خود انکار کنید؟ (۶۸)

در آندو میوه ها [متنوع] و خرما  
و اناری است (۶۹)

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خود انکار کنید؟ (۷۰)

در آنها زنان نیکوسیرت و زیبا  
روی باشند (۷۱)

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خود انکار کنید؟ (۷۲)

حورانی درخانه های کاخ نماغیراز  
سنگ و آجر ساخته مسکن داده (۷۳)

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خود انکار کنید؟ (۷۴)

آنان را پیش از ایشان [بهشتیان]  
آدمی و نه جن لمس نکرد (۷۵)

پس شما دوی به کدام نعمتهای  
پروردگار خود انکار کنید (۷۶)

ایشان بر قالیهای سبز و بساط  
های گرانها تکیه زده باشند (۷۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٦٨﴾

فِيهِمَا مَا أَكْمَهُمْ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٩﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٠﴾

فِيهِنَّ حَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧١﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٢﴾

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٣﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٤﴾

لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٥﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٦﴾

مُتَّكِنِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ  
حِسَانٍ ﴿٧٧﴾

++ آیت ۷۳: الخيمة: كل بيت ليس من حجارة او ما يقوم مقامها [المنجد]

فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا كَذَّبْتُمْ

پس [ای جن و انس] شما دوی به  
کدام نعمت های پروردگار خود  
انکار کنید (۷۸)

تَبَرَكْتَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ

بسیار پر برکت است نام  
پروردگار تو که صاحب جلال و  
صاحب اکرام است (۷۹)

وَالْإِكْرَامِ ﴿۷۹﴾

ع  
۳۳



## ۵۶- سورة الواقعة

این سوره در آغاز دور مکی نازل شد و با بسم ۹۷ آیت دارد. آغاز این سوره حاکی از این امر است که آن پیشگوئیا که سوره گذشته عنوان کرد حتمی الوقوع اند. این سوره علی‌الخصوص دارای آن اخبار از رستاخیز پس از مرگ است که بیگمان راست خواهند آمد. سپس فداکاران دور اول اسلام و فداکاران دور دوم اسلام مقایسه کرده میشوند و از آن معلوم میگردد که از جمله فداکاران در دوره اول اسلام و در دوره دوم بسیار کثیر از ایشان نسبت به قربانیا بهم شباهت داشته و ایشان درجاتی همسان داده خواهند شد. اما فداکاران دور اول را بر فداکاران دور دوم از روی ایشار و قربانی در عدد و رتبه برتری حاصل خواهد بود. ولی حین دوره دوم نیز بعضیها باشند که به آن فضیلت رتبه برخوردار شوند که فداکاران دوره اول ارزانی شده بودند.

ضمناً سخن از تیره بختان مردو دور نیز گفته میشود که بنص قرآن جناح چپی قراردادده میشوند و منظور از جناح چپی زشتکاران اند و آن صفات آنها نقل شده است که منجر به جهنمی شدن آنها خواهد شد.

تمثیلاً این سوره ذکر هم از اهل بهشت میکند و هم از اهل جهنم و این امر خوب آشکار گردانده شده است که هنگام رستاخیز هرگز شما با این کالبد مادی برخیزانده نخواهید شد بلکه مبدل به چنین خلقتی درآورده شوید که به آنچه شما تصور هم نمیتوانید کنید.

آیات ۶۲، ۶۱ حاکی از این پیشگوئی است که شکلی که در آن خداوند

شما را روز رستاخیز درآرد شما را به آن هیچ دانشی نیست. اینک سوال اینست که بظاهر که علم آن داده میشود؟ واقعیت اینست که این هشدار است و نباید این کلمات را بر ظاهر حمل کرد. بلکه این تمثیلات است که به حقیقت آنها شمارا هیچ دانشی نیست.

سپس چنین چهار امر بیان شده است که حتماً تدبیر کرده قلبی پاک از بالودگی حسادت قبول خواهد کرد که میچکس قدرتمند به ساختن این چیزها نیست مگر خدای متعال:

ماده ای که از آن تخلیق انسان آغاز شد در آن چنین صفاتی پیچیده و باریک در باریک جمع کرده شد که آنها را بیمد بظهور آمدن بود - مثلاً چشم، گوش، بینی، گلو، عضو تولید صوت و غیره همه هدایت شده اند که هر کدام از آنها تا چه حدی میتواند رشدونمو کند و چه وقت آن عمل نشوونمو باید جلو گیری شود. اینک مثل دندان است که دندان شیر بعد از چند وقت نمومیکنند و باز یک مدت کار کرده، میریزند و کودکانی که در سن کودکی سلامت این دندان خود را نمیتوانند رعایت کنند بعلت این ریزش در مرحله بعدی نمو دندان از بدتائیرش حفظ کرده میشوند. سپس دندان سن بلوغت را نوبت است که نگهداری آنها برعهده خود انسان است. چرا این دندان تاحدی رشد و نمو کرده از این عمل باز میایستند؟ اینک چه چیزی است که آنها را از رشدونمو بیشتر باز میدارد؟ دل ان - آ [DNA] انسان دارای برنامه ای کمپیوتری (Computerized system) است که دندان طبق آن برنامه تابع تقدیر خدائی عمل میکنند. زبردستان علم میگویند، بسرعتی که این دندان بگسلندکم و بیش بهمان سرعت رشد میکنند. اگر اینها فقط رشد میکردند و سستم جلو گیری وجود

نداشت آنگاه امکان بود که دندان زیرین انسان مغزش را شکافته بسیار بالاتر میرفتند و بر همین منوال دندان بالائی بخش زیرین دهن را شکافته سینه انسان را از کار میانداختند. پس فرمود، آیا اینهمه استعدادهای جنینی را شما خودتان پدید آورده اید؟ پیدا است که هیچ جوابی ندارند.

ضمناً بظواهر انسان میپندارد که دانه را در خاک او میکارد. ولی رویدن درختان و سبزیها و میوه هارا از زمین نیز فرایندی پیچیده است که آن خود بخود صورت نمیگیرد.

همینطور انسان را بر نظام آن آب که بعنوان تکیه گاه حیات از آسمان به زمین نازل میشود هیچ اختیاری نیست. بملاوه موشکی شعله انگیز که انسان سوار بر آن تلاش میکند که بر آسمان بالارود هم تابع تقدیر خدا کار می کند و الا همان شعله موشکی میتواند آنرا سوزانده خاکستر سازد بجای اینکه آنرا بر بلندیا برساند. در مورد هوا پیماما و موشک های که در آسمان پرواز میکنند پیشگویی مروی از آنحضرت ﷺ موجود است که آن سوارها با آتش حرکت خواهند کرد. اما آن آتش سوارانی را که در آنها سوار باشند هیچ گزندی نخواهد رساند.

سپس "مواقع النجوم" را گواه گرداند. انسان آن زمان می پنداشت که نجوم دانه ها و سنگهای کوچک و درخشنده اند. ولی خدای متعال میفرماید که اگر شماها را دانش باشد که آن دانه های که کوچک بچشم میخورند چه چیزهای اند حتماً شما در شگفت میشوید. آن نجوم آنقدر بزرگ اند که این خورشید و ماه و زمین وغیره رادریک کنار یکی از آن نجوم توان جمع شد. پس فرموده شد که این يك گواهی بسیار بزرگ است که ما ارائه میدیم.

دنبال این گواهیها فرمود که قرآن نیز کتابی چاپ شده است. بطوریکه ستارگان بعلمت دور بودن از دیده های شما پوشیده اند بر همین منوال با اینکه ظاهراً شما قرآن را کتابی چاپ شده کوچک می بینید اما دیدگان شما مانند ستارگان واقع در دور، رفعت های آن را نیز نمیتوانند درک کنند. ضمناً فرمود، شما میتوانید بظاهر آنرا لمس کنید یعنی شما آنقدر نزدیک آن هستید که میتوانید آنرا لمس کنید ولی هیچکس نمیتواند مطالب آنرا لمس کند مگر آنکس که دلش را خداوند پاک سازد.

☆ سُورَةُ الْوَاقِعَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سَبْعٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَثَلَاثَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ① بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

وقتی واقع شونده واقع شود (۲)

نیست رد کننده ای بوقوع آمدن

آن را (۳)

[بعضی مارا] پائین آورنده و [بعضی

ما] را بالا برنده (۴)

چون زمین سخت لرزانده شود (۵)

و کوهها ریزه ریزه برده شود (۶)

پس آنها مانند گردی پراکنده

شوند (۷)

و شما سه گروه شوید (۸)

پس گروهی دست راست - کیستند

گروهی دست راست؟ (۹)

و گروهی دست چپ - کیستند

گروهی دست چپ؟ (۱۰)

و سبقت گیرندگان برمه سبقت

گیرندگان باشند (۱۱)

مانها مقربان اند (۱۲)

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ②

لَيْسَ يَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ ③

خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ④

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ⑤

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ⑥

فَكَانَتْ هَبَاءً مُتْبَقًا ⑦

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ⑧

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ⑨ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ⑩

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمِ ⑪ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمِ ⑫

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ⑬

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ⑭

دربشتهای پر نعمت (۱۳)  
 گروهی بزرگ از پیشینیان (۱۴)  
 و گروهی اندک از پسینیان (۱۵)  
 برتختهای پیراسته (۱۶)  
 روبروی هم بر آنها تکیه زننده (۱۷)  
 پسرانی [خدمتکار] دوام بخشیده  
 بر ایشان دور زنند (۱۸)  
 با جامها و صراحیها و کاسه های پر  
 از آبی شفاف (۱۹)  
 ایشان از [خوردن] آن نه به درد  
 سر مبتلا کرده شوند و نه از خرد  
 بیرون روند (۲۰)  
 و با میوه های انواع، از آنچه  
 بخواهند انتخاب کنند (۲۱)  
 و گوشت مرغی، از آنچه میل داشته  
 باشند (۲۲)  
 و دوشیزگان فراخ چشمان (۲۳)  
 همانندان مروارید نهفته (۲۴)  
 بیاداش آن عمل که میکردند (۲۵)  
 در آنجا میچ یاوه گوئی و سخن  
 گناه نشنوند (۲۶)

فِي جَنَّتِ التَّحِيمِ ﴿١٣﴾  
 ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٤﴾  
 وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿١٥﴾  
 عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٦﴾  
 مُتَّكِبِينَ عَلَيْهَا مُتَّقِلِينَ ﴿١٧﴾  
 يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّحَلَّدُونَ ﴿١٨﴾  
 بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ﴿١٩﴾  
 لَا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ ﴿٢٠﴾  
 وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢١﴾  
 وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾  
 وَحُورٍ عِينٍ ﴿٢٣﴾  
 كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٤﴾  
 جَزَاءً ۖ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾  
 لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهِمُ ﴿٢٦﴾

جز گفتار سلام سلام (۲۷)  
 و گروهی دست راست - کیستند  
 که گروهی دست راستند (۲۸)  
 در درختان سدر بدون خار (۲۹)  
 و [باغهای] موزروی هم انباشته (۳۰)  
 و سایه های به دور کشیده (۳۱)  
 و آبی باران (۳۲)  
 و میوه های فراوان (۳۳)  
 نه قطع و نه ممنوع شوند (۳۴)  
 و مسندهای افراشته (۳۵)  
 یقیناً ما آن [زوج] ما را نیکوی بدید  
 آوردیم (۳۶)  
 پس آنها را بی مانند نمودیم (۳۷) ++  
 دلربایانی همسالان (۳۸)  
 برای اهل دست راست (۳۹)  
 جماعتی بزرگتر از پیشینیان (۴۰)  
 و جماعتی بزرگتر از پسینیان (۴۱)  
 و اهل دست چپ، کیستند اهل  
 دست چپ؟ (۴۲)  
 دربادی سوزنده و آبی جوشان (۴۳)

إِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٧﴾  
 وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾  
 فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٩﴾  
 وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿٣٠﴾  
 وَظِلِّ مَمْدُودٍ ﴿٣١﴾  
 وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣٢﴾  
 وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٣﴾  
 لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٤﴾  
 وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٥﴾  
 إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنْسَاءً ﴿٣٦﴾  
 فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٧﴾  
 عُرَبًا أَثْرَابًا ﴿٣٨﴾  
 لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾  
 ثُلَّةً مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٤٠﴾  
 وَثُلَّةً مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿٤١﴾  
 وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤٢﴾ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤٢﴾  
 فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٣﴾

++ آیت ۲۷: "ابکار" بمعنای "بی مانند" مراجع شود المنجد.

وَوَظِلٌّ مِّنْ يَّحْمُومٍ ۙ ﴿٤٤﴾

و سایه های از دودی سیاه (۴۴)

لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ۝ ﴿٤٥﴾

نه خنک و نه مهربان است (۴۵)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ۙ ﴿٤٦﴾

یقیناً آنان قبلاً خوش گذرانان

بودند (۴۶)

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ

و بر گناه بزرگ داشتند اصرار

الْعَظِيمِ ۙ ﴿٤٧﴾

میورزیدند (۴۷)

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا

و داشتند می گفتند، آیا چون بمیریم

وَعِظَامًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۙ ﴿٤٨﴾

و خاک و استخوانها شویم آیا ما

حتماً برخیزانده شویم؟ (۴۸)

أَوْ آبَاءُ وَاوْنَا الْأَوْلُونَ ۙ ﴿٤٩﴾

آیامم پدران پیشین ما (۴۹)

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ۙ ﴿٥٠﴾

بگو، حتماً پیشینیان و پسینیان (۵۰)

لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ

بسوی وعده گاه زمانی معین جمع

کرده شوند (۵۱)

مَعْلُومٍ ۝ ﴿٥١﴾

سپس یقیناً شما ای گمراهان!

مکذبان! (۵۲)

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكذِبُونَ ۙ ﴿٥٣﴾

حتماً از درختی ز قوم خورنده

اید (۵۳)

لَا يَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ ۙ ﴿٥٤﴾

پس شکمها را از آن پرکننده

اید (۵۴)

فَمَا يُؤْنَسُ مِنْهَا الْبُطُونَ ۙ ﴿٥٥﴾

پس بر آن آبی جوشان نوشنده

اید (۵۵)

فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ۙ ﴿٥٦﴾



وآب خوردند گانیدنوشیدن شتران  
سخت تشنه ما (۵۶)

اینست پذیرائی ایشان در روز  
جزاء (۵۷)

ما شمارا آفریده ایم پس چرا  
تصدیق نمیکنید (۵۸)  
حالی کنیدنطفه که شما [در رحم] می  
افکنید (۵۹)

آیا شما آن را میآفرینید یا ما  
آفرینندگانیم (۶۰)  
مامرگ را میان شما مقرر کرده ایم  
و نیستیم ما که از این بازداشته  
شویم (۶۱)

که صورتهای شما را عوض کنیم و  
برخیزانیم شمارا در شکلی که شما  
آنها نمیدانید (۶۲)

و یقیناً آفرینش نخستین را دانسته  
اید. پس چرا پند نمیگیرید؟ (۶۳)  
حالی کنید آنچه میکارید (۶۴)  
آیا شما آنها را میرویانید یا ما رویمانند  
گان ایم؟ (۶۵)

فَشْرِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ ۱۶

هَذَا نَزَلُ لَهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ۱۷

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تَصَدَّقُونَ ۱۸

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ۱۹

ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ۲۰

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ  
بِمَسْبُوقِينَ ۲۱

عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي  
مَا لَا تَعْلَمُونَ ۲۲

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا  
تَتَذَكَّرُونَ ۲۳

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ۲۴

ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۲۵

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ  
تَفَكَّهُونَ ﴿۱۷﴾

اگرخواستیم آنرا ریزه ریزه می  
نمودیم پس شما شکوه و شکایت  
کرده میماندید (۶۶)

إِنَّا لَمُخْرَمُونَ ﴿۱۸﴾

که یقیناً ما غرامت زدگانیم (۶۷)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿۱۹﴾

بلکه ما محروم شدگانیم (۶۸)

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿۲۰﴾  
ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ  
الْمُنزِلُونَ ﴿۲۱﴾

آیا دیدید آبی را که مینوشید (۶۹)  
آیا شما آنرا از ابرها نازل آوردید  
یا ما نازل کنندگانیم؟ (۷۰)

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْ  
لَا تَشْكُرُونَ ﴿۲۲﴾

اگرخواستیم آنرا شور مینمودیم  
پس چرا سپاس نمیگویید؟ (۷۱)

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿۲۳﴾

پس آیا نظرگماشتید به آن آتش  
که شما روشن کنید (۷۲)

ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ  
الْمُنشِئُونَ ﴿۲۴﴾

آیا شما درخت [نماشعله] آن را بالا  
برید یا ما بالا برندگانیم (۷۳) ++

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَ مَتَاعًا  
لِّلْمُقْوِينَ ﴿۲۵﴾

ما آنرا تذکر و برای مسافران سود  
مند قرار داده ایم (۷۴)

﴿۲۵﴾

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿۲۶﴾

پس نام پروردگار خود عالیشان را  
تسبیح بگو (۷۵)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوْقِعِ النُّجُومِ ﴿۲۷﴾

پس یقیناً من معجوم ستارگان را  
گواه می‌آرم (۷۶)

++ آیت ۷۲: برای این معنا مراجعه شود تفسیر الرازی.

ویقیناً این گواهی بسیار بزرگست  
کاشکی میدانستید (۷۷)

وَإِنَّهٗ لَقَسَمٌ لِّتَوْعَلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿۷۷﴾

یقیناً آن قرآنی ارجمند است (۷۸)+

إِنَّهٗ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿۷۸﴾

[محفوظ] در کتابی پوشیده (۷۹) ++

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿۷۹﴾

نتواند کسی آن را لمس کند جز پاک  
شدگان (۸۰) ++

لَّا يَمَسُّهٗ إِلَّا الْمَطَهَّرُونَ ﴿۸۰﴾

نازل کردن [آن] از پروردگار  
مه جهانها است (۸۱)

تَنْزِيلٍ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۸۱﴾

بس آیا شما به این کلام خوشامد  
گویانید؟ (۸۲)

أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ﴿۸۲﴾

و روزی خود فراهم آرید بنا بر  
اینکه شما تکذیب میکنید؟ (۸۳)

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكذِّبُونَ ﴿۸۳﴾

بس چرا نشد گامیکه [جان] به  
حلقوم رسید (۸۴)

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ ﴿۸۴﴾

در آنحال شما نگاه میدواندید [تا  
برای خویشتن کاری کنید] (۸۵)

وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿۸۵﴾

و ما به نسبت شما نزدیکتر به آن  
[جان بازنده] بودیم اما شماها دید

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا

تُبْصِرُونَ ﴿۸۶﴾

++ آیت ۷۸-۸۰: قرآن کریم هم کتابی آشکار است و هم پنهان. ظاهراً هر کدام نیک و بد میتواند آنرا تلاوت کند. ولی اسرار مخفی آن فقط بر آنان آشکار میشود که از جانب خدا پاک قرار داده شوند.

نداشتید (۸۶)

اگر شما مدیونان نیستید پس

چرا نه - (۸۷)

اورا [از جنگ مرگ] بازگردانید.

اگر شما راستگویانید؟ (۸۸)

پس اگر او [جان بازنده] از مقربان

است (۸۹)

آنگاه [برایش] آرامش، محیطی معطر

و بهشتی پر نعمت باشد (۹۰)

و اما اگر از اهل دست راست

است (۹۱)

پس سلام باد بر تو آنکه از اهل

دست راست ای (۹۲)

و اگر از مکذبانان گمراهانست (۹۳)

پس آبی جوشان جای فرود آمدن

[او] است (۹۴)

و در آتش جهنم گداختن است (۹۵)

یقیناً همین است که یقین الحق

است (۹۶)

پس پروردگار بزرگ شان خود

را تسبیح بگو (۹۷)

فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿۸۷﴾

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۸۸﴾

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۸۹﴾

فَرَوْحٌ وَرِيحٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٍ ﴿۹۰﴾

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿۹۱﴾

فَسَلَّمَ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿۹۲﴾

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ﴿۹۳﴾

فَنَزَّلْنَا مِنْ حَمِيمٍ ﴿۹۴﴾

وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ ﴿۹۵﴾

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿۹۶﴾

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿۹۷﴾

ع  
۳۳

## ۵۷- سورة الحديد

این سوره در مدینه نازل آمد و با بسم الله ۳۰ آیت دارد.

ابتدای این سوره با این اعلام میشود که زمین و آسمان و آنچه در آنها است همه خدا را تسبیح میگویند. اول هم خودش است و آخر هم خودش است. او ظاهر است و هم باطن است. یعنی جلوه هایش عیان است و هم نهان است. اما دیده ای که آنها را نتواند بنگرد برایش آنها همواره نهان میماند. در يك آیت این سوره حیات دنیا را بعنوان مثال بیان کرده فرمود که این بازی و بازیچه ای محض است و هرگز باقی نمیماند. چون انسان به مرگ خویش نزدیکتر شود حتماً قبول خواهد کرد که این فقط مایه عیش چند روزها بود.

ضمناً این سوره دارای این آیه عالی رتبه است از آنچه به اثبات میرسد که خدای متعال این امر را بر آنحضرت ﷺ روشن فرموده بود که بهشت و جهنم را تصور عینی درست نیست. پس در آیه ۲۲ فرمود که برای آمرزش خدائی و پیشروی بسوی بهشت او که وسعتش بر زمین و آسمان محیط است بر مدیگر سبقت جویندگان باشید. هنگامیکه آنحضرت ﷺ این آیت را تلاوت کردند یکی از اصحاب ایشان بپا شد و پرسید، یا رسول الله! اگر بهشت بر زمین و آسمان گسترش یافته است آنگاه جهنم کجا است؟ ایشان فرمودند، آن هم همانجا است. یعنی در وسعتهای آن کاینات موجود است که در آن بهشت است ولی شما به این امر ادراک ندارید که این چطور ممکن است که جهنم و بهشت مردو یکجا قراردارند بی آنکه بهم تعلق هم داشته باشند. از این بیان

کاملاً به اثبات میرسد که رسول الله ﷺ را در آن زمان يك تصور فلسفه نسبی [Relativity] عطا شده بود - یعنی یکجا موجود بوده از تبدیلی حجم [Dimension] هیچ تعلق میان دو چیز برقرار نمیشود.

سوره الحديد را مرکزی آیت آنست درجه این اعلام شد که ما آهن را نازل کردیم. معنای که به کلمه "نزول" مردم عموم بیان میکنند از روی آن آهن از آسمان باریده است. حالانکه آن از قمر زمین استخراج میشود. لذا بر اساس این آیه حقیقت از معنای "نزول" معلوم میشود که چیزی که جنساً سودمندتر است قرآن مجید برای آن کلمه "نزول" بکار میبرد. برای دامها نیز بر همین منوال کلمه "نزول" بکار رفته است. نسبت به لباس نیز این کلمه آمده است. بالاتر از همه در مورد آنحضرت ﷺ فرموده شد: قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا (الطلاق ۱۱ - ۱۲) - یعنی یقیناً خداوند بسوی شما رسولی ذکر الهی مجسم را نازل کرده است. همه علماء بهم متفق هستند که ایشان ﷺ از آسمان به کالبد ظاهری خود نازل نشده بودند. لذا هیچ معنای به این کلمه نیست جز اینکه در مقابل همه ای رسولان بیشتر فیض رسان در حق انسان فقط آنحضرت ﷺ میباشد.

ضمناً در همین سوره ذکر از اصحاب رضوان الله عليهم میروید که نور ایشان هم پیشروی ایشان حرکت میکرد و هم دست راست ایشان - گویی که ایشان راه خویش را بوسیله آن نور خویش میدیدند.

☆ سُورَةُ الْحَدِيدِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثُونَ آيَةً وَأَرْبَعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①  
 بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
 بسیاربخشنده. بارها رحمکننده (۱)  
 خداتسبیح میکند آنچه در آسمان  
 ها و زمین است و او صاحب غلبه  
 کامل صاحب حکمت است (۲)  
 پادشاهی آسمانها و زمین از آن او  
 است. او زنده میکند و میمیراند  
 و به هر چیز مدام قادر است (۳)  
 همان اوّل همان آخر همان عیان  
 همان نهان است و او صاحب علم  
 دائمی بهر چیز است (۴)  
 او است آنکه آسمانها و زمین را  
 درشش زمان آفرید. سپس او بر  
 عرش قرار گرفت. او میداند آنچه  
 بداخل زمین میشود و آنچه از آن  
 خارج می شود و آنچه از آسمان  
 نازل میشود و آنچه در آن بالا  
 میرود و او با شما است هر کجا  
 باشید و خدا پیوسته بینا است به

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ②  
 وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ③  
 لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ④  
 وَيُعِی ⑤  
 وَيُمِيتُ ⑥ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ⑦  
 هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ  
 وَالْبَاطِنُ ⑧ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ⑨  
 هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي  
 سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ ⑩  
 يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ  
 مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ  
 فِيهَا ⑪ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ⑫ وَاللَّهُ  
 بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ⑬

آنچه عمل کنید(۵)++

پادشاهی آسمانها و زمین از آن او است و جمله امور بسوی خدا باز گردانیده شوند(۶)

شب را بداخل روز میکند و روز را بداخل شب میکند و او به امور سینه ها مدام آگاه است(۷)  
ایمان آرید بخدا و رسولش و انفاق کنید از آنچه شمارا در آن جانشین ساخت. پس کسانی که ایمان آوردند و انفاق کردند ایشان را اجری بزرگ است(۸)

لَهُ مَلَكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ①

يُؤَيِّجُ التَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَيِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۗ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ②  
أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ ۗ قَالَ الَّذِينَ أَمِنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ③

قرار گرفتن خدا بر عرش را منظور اینست که خداوند پس از تکمیل امور از تمامی کاینات بیکار نه نشست بلکه بر نگهبانی آن بر عرش مستقر شد. تمامی کارهای دنیا که بظاهر خود بخود انجام میشوند بر نگهبانی آنها بفرمان خدا فرشتگانی بشمار مامورانند.

یعلم ما یلج فی الارض وما یرج منها - پیوسته هر آن چیزی که به آسمان صعود میکند و چیزی فرود میآید. بعض بخارات و غیره است که آنها بسوی زمین برگردانیده میشود. اما برخی آنچنان تشعشعات رادیوئی و مغناطیسی اند که بر بلندی رفته خارج از حیطه کره زمین میگردند. همینطور شهابها و تشعشعات رادیوئی بیابایی بر زمین میبارند. در این مورد پژوهش پیوسته ادامه دارد و باین وجود که علم بکمی بدست آمد باز هم پژوهندگان درباره بیشتر تشعشعات فروآینده از آسمان دست به علم آنها نیافته اند. در زمان آنحضرت ﷺ تصور این علم هم نمیتوانست بخاطر کسی برسد.



و شمارا چیست که ایمان به خدا  
نمیآرید و رسول شمارا میخواند  
تابه پروردگار خود ایمان آرید در  
حالیکه او پیمانی موثق از شما  
گرفته است [بهبتر بود] اگر شما  
مومنان بودید (۹)

اوست که بر بنده خود آیاتی آشکار  
فرو میفرستد تا شما را از تاریکیها  
به نور درآورد و یقیناً خدا بر شما  
مهربان بارها را حکمکننده است (۱۰)  
و چیست شمارا که در راه خدا انفاق  
نمیکنید در حالیکه میراث آسمانها  
و زمین از آن خدا است. هیچکس  
از شما نمیتواند مساوی او شود  
که پیش از فتح [در راه] خدا انفاق  
و قتال کرد. همانند که در درجات  
بلندتر از آنانند که بعد [در راه  
خدا] انفاق و قتال کردند. خدا به  
همگی وعده‌ی نیکو داده است و  
خدا مدام آگاه است بآنچه عمل  
کنید (۱۱)

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ  
يَدْعُوكُمْ لِيُؤْمِنُوا بِكُمْ وَقَدْ أَخَذَ  
مِيثَاقَكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ⑩

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ  
لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ  
وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ⑩

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ  
مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ لَا  
يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ  
وَقَتْلٍ ۗ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ  
الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَتْلُوا ۗ وَكُلًّا  
وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

ع  
۳۷

خَيْرٌ ۗ ⑪

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا  
فِيضِعْفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

کیست که خدا را قرض حسنه بدمد. پس او آنرا برایش بیفزاید و او را پاداشی خیلی ارجمند است (۱۲)

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى  
نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ  
بُشْرًا كَمَا الْيَوْمَ جِئْتُمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ  
الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾

روزی که مومنان و مومنات را خواهی دید که نورایشان از پیش روی ایشان و از دست راست ایشان پرشتاب رود. موده باد شما را امروز بهشتهای که در دامن آنها نهرهای روانست. ایشان در آنها جاودانانند و این پیروزی است که بسیار بزرگ است (۱۳) ++

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ  
لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَسِسْ مِنْ  
نُورِكُمْ ؕ قِيلَ ارجعوا وراءكم  
فالتمسوا نورا فاضرب بينهم  
بسورته باب باطنه فيه الرحمة  
وظاهره من قبله العذاب ﴿١٣﴾

روزیکه منافق مردان و منافق زنان به آنها که ایمان آوردند گویند، بهمانگاه کنید تا از نور شما فیض بگیریم. خطاب شود، پشت سر خود برگردید و نور را تلاش کنید. آنگاه میانشان دیواری نهاده شود که آنرا دردی است. باطنش است که

++ آیت ۱۳: منظور از دست راست هدایت است و مومنان را نور در نتیجه هدایت

حاصل میشود.

در آن رحمت است و ظامرش است

که از پیش آن عذاب است (۱۴)

آنها به ایشان بانگ دهند. آیا ما با شما نبودیم. ایشان گویند: بلی، و اما شما خودتان خویشتن را به فتنه افکندید و انتظار کردید و به شک مبتلا شدید و آرزوها شمارا فریب داد تا آنگاه که فرمان خدا آمد حالیکه شیطان شمارا درباره خدا

بفریبی سخت مبتلا داشت (۱۵)

پس امروز هیچ فدیة ی نه از شما گرفته شود و نه از آنها که کفر کردند. مأوی شما آتش است. این یار شما است و چه زشت جایگاه

است (۱۶)

آیا برای کسانی که ایمان آوردند آن هنگام نرسیده که دلهای ایشان از ذکر خدا و از [رعب] آن حق که نازل آمده است فروتن شوند و نباید باشند مانند آنها که از پیش ایشان کتاب داده شده بودند؟ پس

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُنْزُوا لَكُمْ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَنَّا أَنْفُسَكُمْ  
وَأَرْبَابَكُمْ وَغَرَّبْنَاكُمْ  
أَمْرًا لِلَّهِ وَغَرَّبْنَاكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ①

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا مَا أَوْكِعُهُمُ  
مَوْلَاهُمْ ①

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ  
قُلُوبُهُمْ لِدِكْرِ اللَّهِ  
وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ  
وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا  
الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ  
عَلَيْهِمْ الْأَمَدُ فَكَسَتْ  
قُلُوبُهُمْ ① وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ②

زمان بر آنها طول کشید و دلهای ایشان سخت شد و بیشتر از آنها پیمان شکن بودند (۱۷)

بدانید که یقیناً خدا زمین را پس از مرگش زنده میکند. البته ما آیات را برایشما بوضوح بیان کرده ایم تا شما خرد را به کار برید (۱۸)

یقیناً مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و کسانی که به خدا قرض حسنه داده اند آن برایشان افزوده شود و یقیناً ایشانرا پاداش گرامی است (۱۹)

و کسانی که ایمان آوردند به خدا و رسولان او همانند که نزد خدا صدیق و شهید اند. برای ایشان پاداش ایشان و نورایشان است و آنها که کفر کردند و آیتهای ما را رد کردند همانها جهنمیانند (۲۰)

بدانید که زندگی دنیا فقط بازیچه و هوسبازی و خودآرائی و نازیدن با همدیگر و سبقت جوئی است در

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۸﴾

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضْعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿۱۹﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۲۰﴾

اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهِيَ فِي زِينَةٍ وَتَفَاخُرٍ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٍ فِي

اموال و اولاد. این همچون مثل بارانی است که رستنی آن کافران را شکفت می‌آورد سپس آن رشد و نمو مییابد. پس آنرا زردگون می‌بینی. سپس آن ریزه ریزه می‌گردد و در آخرت عذابی سخت است و هم آرزش خدا و خوشنودی و دنیا فقط اسباب فریبکاری است (۲۱)

و از هم پیشی‌گیرید بسوی آرزش پروردگار خود و بهشتی که فراخی آن مانند فراخی آسمان و زمین است که برای آنها آماده کرده شده است که به خدا و رسول او ایمان می‌آیند. این فضل خدا است که آنرا اعطا کند به هر که می‌خواهد و خدا را فضلی عظیم است (۲۲)

هیچ سختی وارد نمی‌آید در زمین و نه در خود شما مگر آن در کتابی [نوشته] است از این پیش که ما آن را پدید آوریم. یقیناً این خدا را بس آسان است (۲۳)

الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ  
أَعَجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ  
فَتَرَاهُ مُمْصَقًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا  
وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ  
مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا  
إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ⑩

سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ  
عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ  
أَعَدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ  
ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ  
ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ⑪

مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا  
فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ  
نُزِّلَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ⑫

لِكَيْ لَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا  
تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ  
مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۲۷﴾

[این تقدیر خدا است] تا شما افسوس  
نه خورید بر آنچه از شما برود و نه  
خودستا گردید بد آنچه بشما برسد  
و خدا دوست ندارد هر کدام را که  
خرامان خودستا است (۲۴)

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ  
بِالْبُخْلِ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ  
الْحَمِيدُ ﴿۲۸﴾

و کسانی که بخل ورزند و به مردم  
به بخل امر کنند و هر که روی برتابد  
پس [او بداند که] یقیناً خدا بی نیاز  
صاحب بسیارستایش است (۲۵)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا  
مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ  
بِالْقِسْطِ ۗ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ  
شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ  
يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۗ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ  
عَزِيزٌ ﴿۲۹﴾

یقیناً ما رسولان را فرستادیم با  
ادله روشن و با ایشان نازل کردیم  
کتاب و میزان عدل تا مردم بر  
عدالت استوار گردند و نازل  
کردیم آهن که در آن سامان جنگ  
شدید و برای مردم منافع است و تا  
خدا باز شناسد آنرا که او و رسولان  
او را در نهان یاری میدمد. یقیناً خدا  
بسیار قدرتمند صاحب غلبه کامل  
است (۲۶)

ع ۱۹

و یقیناً ما نوح و ابراهیم را  
فرستادیم و در زادگان ایشان

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا

فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ  
مُهْتَدٍ ۚ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿۲۷﴾

نبوت و کتاب نهاده بودیم. پس  
در آنها او هم بود که هدایت یافت  
در حالیکه بیشتر ایشان گمراهان  
بودند (۲۷)

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا  
وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ  
الْإِنْجِيلَ ۗ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ  
اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۗ وَرَهْبَانِيَّةً  
ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهَا إِلَّا  
ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ  
رِهَايَتِهَا ۚ فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ  
أَجْرَهُمْ ۚ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿۲۸﴾

سپس فرستادیم پی در پی بر  
نقش قدم ایشان رسولان خود را  
و دنبال ایشان عیسی ابن مریم  
را آوردیم و او را انجیل دادیم و  
دردلهای ایشان که او را پیروی  
کردند نرمی و مهربانی نهادیم و آن  
رهبانیت که آنان بدعت گذاردند  
مابرا آنان فرض نکرده بودیم مگر  
[فرض کرده بودیم] که خوشنودی  
خدا [تلاش کنند] پس آنها حق  
رعایت آن را رعایت نکردند. پس  
ما از آنها آنانکه ایمان آوردند [و]  
نیکوکاری کردند] را پاداش ایشان  
دادیم و بیشتر آنها زشت کرداران  
بودند (۲۸) + (ص ۱۳۶۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا  
را تقوی اختیار کنید و برسول

بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ  
وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ  
وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۵۷﴾

او ایمان آورید. او شما را برحمت  
خود دو برابر بهره اعطا کند و  
برای شما نوری قرار دهد که به  
آن راه روید و شما را بیامرزد و  
خدا آمرزگار بارها رحم کننده  
است (۲۹)

إِنَّمَا يَعْلَمَ أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ  
عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ  
اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ  
الْعَظِيمِ ﴿۳۰﴾

تا اهل کتاب [اینطور] ندانند که  
ایشان [مومنان] بر فضل خدا هیچ  
توانائی ندارند در حالیکه یقیناً  
فضل تماماً بدست خدا است. او  
آنها بدهد هر که را میخواهد و خدا  
را فضلی عظیم است (۳۰)

++ آیت ۲۸: اینجا علی الخصوص تذکر از آن رهبانیت است که میان کشیهای  
مسیحیان مرد و زن بصورت بدعت مجرد ماندن رائج است. هرگز خدا را مقصود  
این نبود بلکه ایشان هدایت شده بودند که راه تقوی را پیش گیرند و مسیحیان  
دوره اول کما هو حقه بر این توصیه عمل کردند اما بیعد مبالغه کرده بدعت  
رهبانیت براه انداخته شد.



## ۵۸-سورة المجادله

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۲۳ آیت دارد.

سورة المجادله را مرکزی موضوع اینست که این رسم اعراب بی معنای است که همسران خویش را بعلت رنجش مادرخوانده بر خود مرام میسازند. مادر فقط آنست که زائیده باشد. سپس فرمود که درمقابل این بیهودگیها کفاره دهید و از اینها پرهیز کرده بسوی زنان خود متمایل شوید.

درسورة الحديد ذکر ازحديد است و برای بریدن و شکافتن همین حدید بکار میرود. اما این استعمال ظاهری آن است. اما درسورة المجادله بارها ذکر از یَحَادُونَ و حَادٌّ که رفته است منظور از آن بریدن و شکافتن مددیگر از راه روحانی است و این ذکر پیوسته رفته است که کسانیکه آنحضور ﷺ را زخم روحانی میزنند و تلاش میکنند که میان اصحاب رضوان الله علیهم جدا افکنند و دنبال این هدف دسیسه های محرمانه میکنند ایشان اقدام به هلاک خودشان مینمایند. فرمود هر که خدا و رسولش را زخم طعنه ما بزنند آنها به بی مرادی روبرو خواهند شد و خدای متعال بر ذات خود فرض شمرده است که او و رسولانش حتماً غالب خواهند آمد.

☆ سُورَةُ الْمُجَادَلَةِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَثَلَاثَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلا امتیاز]  
بسیار بخشنده بارها رحیمکننده (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

یقیناً خدا شنید سخن آن زن که بتو  
در مورد شوهر خود مبحث کرده  
و به خدا شکایت میکرد و خدا  
گفتگوی هر دوی شما را میشنید  
یقیناً خدا بسیار شنوای بینا  
است (۲)

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ①

کسانی از شما که زنان خود را  
مادران اعلام کنند نیستند مادران  
ایشان مگر آنان که ایشان را  
زائیدند. و یقیناً ایشان البته  
سخنی ناپسند و دروغ گویند و  
یقیناً خدا بسیار عفو کننده ی  
بسیار آمرزنده است (۳)

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُم مِّن نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا الْآبَاءُ وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌ غَفُورٌ ②

و آنها که زنان خود را مادران  
اعلام کنند سپس از آنچه گفتند  
برگردند پس گردنی را آزاد کردن  
است بیش از آنکه همدیگر را المس

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذِكْمَهُ تُوَعِّظُونَ بِهِ ③

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۵﴾

کنند. این است که به آن شما بند داده میشوید و خدا به آنچه عمل کنید مدام آگاه است(۴)

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّ ۖ فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ۗ ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۵﴾

پس هر که نیابد [که بنده آزاد کند] پس روزه دو ماه متوالی گرفتن است قبل از اینکه آندوی همدیگر را لمس کنند. پس آنکه [به این نیز] طاقت نیارد آنگاه شصت بینوا تغذیه کردن است و اینست تاشمارا از خدا و رسول او طمانینه حاصل شود و این حد های خدا است و کافران را عذابی بسیار دردناک است(۵)++

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿۵﴾

یقیناً آنها که به خدا و رسولش مخالفت کنند با آنکه مانشانه های آشکار نازل کرده ایم هلاک کرده شوند بطوریکه هلاک کرده شدند کسانی که قبل از آنها بودند و کافران را عذابی رسوا کننده است(۶)

++ آیت ۵: ایمان بمعنای طمانینه مراجعه شود مفردات امام راغب (رح)

روزیکه خدا آنرا جمعاً بر خیزاند پس به ایشان آگاه سازد به آنچه میکردند. خدا این [عمل] را بشمار آورده است در حالیکه اینها آن را فراموش کرده اند و خدا بر هر چیز گواه است (٧)

آیاندیدی که خدامیداند آنچه در آسمانها و زمین است. هیچ سه تن باهم راز نمیگویند مگر چهارمین ایشان اوست و هیچ پنجتن [باهم راز نگویند] مگر ششمین ایشان اوست و نه کمتر از آن و نه بیشتر مگر او با ایشانست هر کجا باشند. سپس روز قیامت او آنها را آگاه سازد آنچه انجام دادند. یقیناً خدا

به هر چیز نیک دانا است (٨)

آیاندیدی آنها را که از باهم راز گفتن بازداشته شدند باز هم آنچه را تکرار کردند که از آن بازداشته شدند و آنها بگناه و تعدی و نافرمانی رسول باهم راز گوئی میکنند و

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٧﴾

ع  
٧

الْمُتَرَانَّ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ آيِنٌ مَا كَانُوا ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٨﴾

الْمُتَرَانَّ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا

لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ<sup>۱</sup> وَيَقُولُونَ فِي<sup>۲</sup>  
 أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ<sup>۳</sup>  
 حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ<sup>۴</sup> يَصَلُونَهَا<sup>۵</sup> فِئْسَ  
 الْمَصِيرُ<sup>۶</sup>

مرگاه نزدتو آیند. سلام میگویند  
 به آن طریق که خدا به آن بر تو  
 سلام نفرستاد. و به دلشان گویند  
 که چرا خدا ما را عذاب نمیکند  
 بدانچه میگوئیم [درحقیقت] جهنم  
 آنرا بس است. آنها بداخل آن  
 شوند. پس چه زشت جایگاه  
 است (۹)+

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا  
 تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ  
 الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى<sup>۱</sup>  
 وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ<sup>۲</sup>

ای آنانکه ایمان آورده اید چون  
 باهم رازگوئید پس به گناه و تعدی  
 و نافرمانی رسول باهم راز  
 مگوئید و به نیکی و تقوی باهم  
 راز گوئید و از خدا بترسید که  
 بسوی او محشور کرده شوید (۱۰)

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ  
 آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ

بهم رازگفتن [به دسیسه] فقط از  
 شیطانست تا آنانکه ایمان آوردند

+ آیت ۹: نجوی یعنی باهم راز گفتن گناهی نیست اگر منظور ظلم و برای مخالفت  
 خدا و رسول دسیسه‌ی نباشد. برای معرفی بیشتر از مردم این قبیل بیان شده  
 چون آنها نزد رسول حاضر آیند آنگاه بظاهر سلام کنند ولی دردل بدگوئی میکنند و  
 باز میپندارند که در اثر این بدگوئی هیچ عذابی بر آنها نازل نیامد. خدا حال دلهای آنها  
 میداند و حتماً آنها بداخل جهنم کرده شوند.

رنج کشند حالیکه او ایشان را هیچ هم زیان رساننده نیست جز باذن خدا. پس مومنان باید بر خدا توکل کنند (۱۱)

ای آنهاکه ایمان آورده اید هرگاه گفته شوید که در نشتگاه [برای دیگران] جا باز کنید پس جا باز کنید خدا شمارا فرای دهد و هرگاه گفته شود پاشوید پس پاشوید. خدا مقام ایشان از شما که ایمان آوردند و [خصوصاً] آنانکه علم داده شدند را بالا برد و خدا آگاه است به آنچه عمل کنید (۱۲) ++

ای کسانی که ایمان آوردید هرگاه از رسول مشورت بخواهید پس بیشتر از مشورت صدقه دهید. این امر برای شما بهتر و پاکتر است. پس اگر چیزی بدست نیآید پس یقیناً خدا آمرزنده ی بارها رحم کننده است (۱۳)

اللَّهُ ۖ وَعَلَى اللَّهِ فليتوكل المؤمنون ۱۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ۗ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فانشُرُوا وَارْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۱۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ۗ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرٌ ۗ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۱۳

++ آیت ۱۲: تَفَسَّحَ لَهُ = وَسَّعَ یعنی برای دیگری جای ساخت (المنجد)

ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ  
نَجْوَىٰكُمْ صَدَقْتُمْ ۖ فإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا  
وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا  
الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَاللَّهُ  
خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

ع  
۴

آیاتر سیدیدکه قبل از مشورتهاى  
خود صدقه دهید؟ پس اگر نتوانید  
اینطور کنید با آنکه خداتوبه شما  
را قبول کرده است آنگاه نماز را  
بپادارید و زکوت دهید و خدا و  
رسولش را اطاعت کنید و خدا  
آگاه است بدانچه عمل کنید (۱۴)

آیابسوى آنها نگاه نکردى که آن  
مردم را بدوستى گرفتند که خدا بر  
آنها غضب کرده بود؟ اینها نه از  
شما اند و نه از آنانند و سوگندهاى  
دروغ یاد کنند در حالیکه آنها مى  
دانند (۱۵)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ  
اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ ۗ  
وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ  
يَعْلَمُونَ ﴿١٥﴾

خدا برايشان عذابى سخت آماده  
کرده است. یقیناً بسیار زشت  
است آنچه عمل کنند (۱۶)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ إِنَّهُمْ سَاءَ  
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

ایشان سوگندهاى خود را سپرى  
گرفته اند. پس از راه خدا باز  
داشتند پس آنها را عذابى رسوا  
کننده است (۱۷)

إِتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ  
سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَلَهِمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧﴾

اموال ایشان و اولاد ایشان آنها

لَنْ نُنْفِئَهُمْ عَنْهُمْ ۖ وَأَمْوَالُهُمْ وَلَا

أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ أُولَئِكَ أَصْحَابُ  
النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۱۸﴾

را در مقابل خدا هیچ هم بی نیاز  
نسازد. همانها اهل آتش اند. آنها  
در آن مدت دراز بمانند (۱۸)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ  
كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ  
عَلَىٰ شَيْءٍ ۖ إِلَّا أَنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿۱۹﴾

روزی که خدا آنانرا جمعاً برانگیزد  
پس برای او قسم خوردند بطوریکه  
برای شما قسم میخورند و گمان  
کنند که آنان بر موضعی [استوار]  
اند. باش امانهاند که دروغگویان  
اند (۱۹)

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِكْرَ  
اللَّهِ ۖ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ۖ إِلَّا إِنْ  
حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۲۰﴾

شیطان بر آنها غالب آمد. پس او  
یاد خدا را از آنها فراموش نمود.  
همانها گروه شیطانند. باش! یقیناً  
گروه شیطانند که خسارتکاران  
هستند (۲۰)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ  
أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ﴿۲۱﴾

یقیناً آنها که خدا و رسول او را  
مخالفت کنند همانها از پستتران  
اند (۲۱)

كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ۖ إِنَّ اللَّهَ  
قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۲۲﴾

خدا نوشته است حتماً من و  
رسولانم غالب آیندگانیم. یقیناً  
خدا قدرتمند صاحب غلبه کامل  
است (۲۲)



لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ  
وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ  
إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۗ أُولَٰئِكَ كَتَبَ  
فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ  
مِّنْهُ ۗ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ  
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ رَضِيَ اللَّهُ  
عَنَّهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۗ أُولَٰئِكَ حِزْبُ  
اللَّهِ ۗ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٤﴾

مرگزشماچنین مردم نییابی که  
به خدا و روز آخرت ایمان آورند  
و دوستی با آنها کنند که خدا و رسول  
او را دشمن اند هر چند [مخالفان]  
بدران ایشان یا پسران ایشان یا  
برادران ایشان یا هم قوم ایشان  
باشند. همانند که خدا ایمان را  
در دلهایشان نگاشته و آنها را به  
امر خود مورد تایید قرار میدهد و  
آنان را بداخل بهشت های نماید که  
در دامنه آنها نهرها روانست. آنان  
در آنها جاودا نمانند. خدا از آنها راضی  
شد و آنان از خدا راضی شدند. همانها  
گروه خدا اند. باش! تنها گروه  
خدا موفق شدگانند (۲۴) ++

++ ایت ۲۴: در کلمات "ایدم بروح منه ضمیر" هم" بسوی اصحاب رسول ﷺ میرود  
و فرموده میشود که بر اصحاب روح القدس نازل میشود. پس از این رو مسیحیان را  
هیچ جای تفاخر نیست که روح القدس بر حضرت مسیح نازل میشود چه روح القدس  
که بر غلامان محمد ﷺ نیز نازل میشود و ایشان را یاری میداد.

## ۵۹-سورة الحشر

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۲۵ آیت دارد. سرآغاز این سوره ذکر از حشر است و در پایان این هم ذکر از حشر بزرگی میرود. نخستین حشرآنست که اول الحشر قرارداد شد و کیفر که یهود داده شدند گویی که این حشر ایشان برپاشد و هرکدام بکیفر اعمال خود رسید. برای بعضیها جلای وطن مقدر شد و بعضیها دستور داده شدند که خانه های خویش را بدستهای خود ویران کنند و بعضیها بقتل رسانده شدند. پس این نخستین حشر است در آنچه ذکر از مجازات رفت. حشری که در پایان این سوره تذکر داده شد حاکی از این موضوع است که آنهایی بمجازات رسانده میشوند که یاد خدا را فراموش میسازند و سپس سیاه و سفید نفس خویش را نیز به خموشی میسپارند. اما ورای آنها کسانی اند که در مراحل خدا را یاد میکنند و در نظر دارند که چه نوع اعمال خود را پیش میفرستند. ایشان را پاداشی بزرگ است.

موضوع تسبیح که در سوره های پیشین گذشته است و در آغاز این سوره نیز یاد شده است اینک این موضوع در پایان این سوره به نقطه اوج خود رسیده است و آیتی که با کلمات "هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ" شروع میشود حاکی از اسماء حسنی بلند مرتبت خدای متعال میباشد و کلمات لَه الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى عبارت از این بیان است که نه تنها این اسماء الحسنی بلکه جمله اسماء الحسنی از آن اوست.

☆ سُوْرَةُ الْحَشْرِ مَدِيْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَثَلَاثَةُ رُكُوْعَاتٍ ☆

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

خدا را تسبیح گوید هرچه در آسمانها است و هرچه در زمین است و او صاحب غلبه کامل

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

الْأَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ①

صاحب حکمت است(۲)

اوست آنکه آنها را از اهل کتاب که

کفر کردند برای نخستین حشر از

خانه های آنها در آورد. شما گمان

نمیکردید که آنان بیرون خواهند

رفت و آنها پنداشتند که قلعه های

نظامی ایشان آنها را از خدا نگهداری

خواهد کرد. پس خدا آنها را از راهی

آمد که هرگز گمان نمیکردند و در

دل های آنان ترس نهاد و بدست های

خود و بدست های مومنان خانه های

خود را ویران کردند. پس ای اهل

بصیرت! عبرت گیرید(۳) ++

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ

الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ۚ

مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ

مَانِعْتَهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ

مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي

قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ

بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا

يَا أُولِي الْأَبْصَارِ ①

++ آیت ۳: گنایه ای بسوی تبعید بنو نضیر است.

واگر خدا برای آنان جلای وطن مقدر نکرده بود حتماً آنها را عذاب در این دنیا میداد و برای ایشان در آخرت نیز عذاب آتش است (۴)

این بدانعلت است که آنها خدا و رسولش را بشدت مخالفت کردند و هر که به خدا مخالفت کند پس خدایقیناً سخت عقوبت است (۵)

هرچه از درختان خرمارا بریدید یا آن را بر اصل های خود برقرار ترک کردید پس باذن خدا بود و برای این بود که او فاسقان را رسوا کند (۶)

و آنچه خدا از [مالهای] آنان به رسول خود غنیمت داد پس شما بر آن اسبان دواندیدونه شتران. اما خدای رسولان خود را بر هر که می خواهد مسلط میکند و خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است (۷)

خدا هرچه از [مالهای] ساکنان شهرها به رسول خود غنیمت داد

وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ④

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ⑤

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِيْنَةٍ أَوْ نَزَعْتُمْ مِنْهَا قَائِمَةً عَلَى أَصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ⑥

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ⑦

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى

فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ  
وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ لِمَا لَا يَكُونُ  
دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ۗ وَمَا آتَاكُمْ  
الرَّسُولُ فَخُذُوهُ ۗ وَمَا نَهَكُمُ عَنْهُ  
فَأَنْتَهُوا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ  
الْعِقَابِ ﴿۵۹﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پس برای خدا و رسول است و  
برای خویشان و یتیمان و مساکین  
و درماندگان راه است تا آن فقد  
طعمه گردشی میان ثروتمندان از  
شما نباشد و رسول هر چه به شما  
بدهد پس آنرا بگیرید و از آنچه  
بازدارد پس بازایستید و خدا را  
تقوی پیش گیرید. یقیناً خدا  
سخت عقوبت است (۸)

برای آن درویش مهاجرانست که  
از خانه های خود و دارائیهای  
خود محروم کرده شدند و تنها به  
فضل و خوشنودی خدا آرزوکنند  
و خدا و رسولش را یاری کنند.  
مانهاند که راستگویانند (۹) ++

و کسانی که خانه هارا قبل از ایشان  
آماده داشتند و ایمان را [در سینه  
ها] جا دادند و محبت داشتند به  
کسانی که مهاجرت کرده بسوی  
ایشان آمدند و در سینه های خود  
از آن هیچ هم طلب نداشتند که

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ  
دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ  
اللَّهِ وَرِضْوَانًا ۗ وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ  
وَرَسُولَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿۶۰﴾

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ  
قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا  
يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا  
أُوتُوا وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ  
بِهِمْ خِصَاصَةٌ ۗ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۰﴾

[مهاجران] داده شدند و [آنان را] بر خویشتن برگزیدند اگرچه خود ایشان را تنگدستی بود، پس هر که از خست نفس خود بازداشته شود پس همانها موفق شدگان اند (۱۰) ++

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۱﴾

و کسانی که پس از ایشان آمدند گویند، پروردگارا! بیامرز ما را و برادران ما را که در ایمان از ما پیشی گرفتند و در دلهای ما کینه آنان نگذار که ایمان آوردند، پروردگارا بیگمان تو شفیق بارما رحم کننده ای (۱۱) ++

++ آیات ۹-۱۱: این آیات حاکی از ایمان و بلند رتبه روحانی انصار و مهاجران میباشد یکبار هیئت نمایندگان رافضیان از عراق خدمت حضرت امام زین العابدین آمدند و آنان برخلاف حضرت ابوبکر، حضرت عمرو و حضرت عثمان سخن گفتند. حضرت زین العابدین از آنها پرسیدند آیا شما از مهاجران هستید [مذکور در آیت ۹] آنها گفتند، خیر. باز ایشان پرسیدند، آیا شما از انصار هستید [مذکور در آیت ۱۰]. آنها گفتند خیر. ایشان فرمودند پس من گواهی میدهم که شما از آنان هم نیستید [آیت ۱۱] که درباره ایشان آمده است "والذین جاءوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا و لإخواننا الذین سبقونا بالایمان (کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، جزو ثانی، صفحه ۲۹۰ - الوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح الاربلی - دارالکتاب الاسلامی بیروت - ۱۴۰۱ هجرت)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ  
لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ  
الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ  
مَعَكُمْ وَلَا نُنْطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ  
قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ  
لَكَاذِبُونَ ﴿۱۲﴾

آیا بسوی آنان ندیدی که نفاق  
انداختند. آنان به برادران خود از  
اهل کتاب که کفر کردند گویند:  
اگر شما بیرون کرده شوید البته  
ما هم باشما خارج شویم و درباره  
شما قطعاً از کسی پیروی نه کنیم  
و اگر جنگ کرده شوید حتماً شما  
رایاری دمیم، و خدا گواهی میدهد  
که یقیناً آنها دروغگو یانند (۱۲)

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ  
وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ  
نَصَرُوهُمْ لَيُوَلِّنَنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا  
يُنصُرُونَ ﴿۱۳﴾

اگر خارج کرده شوند آنها با آنان  
خارج نشوند و اگر آنان جنگ کرده  
شوند میجگاه به آنان کمک نکنند و  
اگر کمک کنند حتماً پشتها بگردانند  
سپس یاری داده نشوند (۱۳)

لَا تَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ  
اللَّهِ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۱۴﴾

یقیناً شما درد دل های آنان بینا کتر از  
خدا اید. اینست چه آنان قومی  
اند که هیچ نمیفهند (۱۴)

لَا يَقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى  
مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ عُدَدٍ بَأْسُهُمْ  
بِهِمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ

جنگ نکنند بشما جمعاً جز در شهر  
های خصاری یا از ورای دیوارها.  
جنگ آنها بمیان خودشان بسیار  
سخت است. تو آنان را بهم پیوسته

شَتَّىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۵﴾

میبنداری حالانکه دلهای آنها ازهم جدا است چه آنها قومی بیخرد اند(۱۵) ++

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۶﴾

[اینان] همچون آن مردم اند که بتازگی قبل از اینان طعم اعمال خود را چشیدند و برای ایشان عذابی دردناک است(۱۶)

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ ۗ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۷﴾

همچون شیطان وقتی او به انسان گفت انکارکن. پس چون او انکار کردگفت، یقیناً من از تو بری الذمه هستم. همانا من از خدا پروردگار عالمیان میترسم(۱۷)

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿۱۸﴾

پس عاقبت هر دو اینطور شد که هر دو در جهنم مدت مدید در آن بمانند. ستمگران را این پاداش است(۱۸)

آیت ۱۵: این پیشگوئی است درباره یهودیان که تاقیامت ادامه خواهد داشت. یهودیان راتنا آنگاه که قلعه های محکم میسرنیاید که چگونگی این قلعه هامیتوان طبق حالات و زمان مختلف باشد و آنان به برتری خود اطمینان خاطر نداشته باشند مرگ بر خلاف متقابل خود دست بجنگ نیززند. ولی این چگونگی دال بر این نیست که دلهای آنان بهم پیوسته است. بظواهر آنها در مقابل دشمن یک دسته بنظر میرسند ولی دلهای آنها مدام ازهم جدا است. در این زمان کسانی را که آنحضرت(ص) متشابه یهود قرار دادند فرجام آنان نیز مثل یهودیان خواهد بود.



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَتَنْظُرُوا  
نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ  
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۲۸﴾

ای آنانکه ایمان آوردید خدای را تقوا کنید. و باید مرنفس بنگرد مرچه بجهت فردا پیش فرستد یقیناً خدا آگامست بآن عمل که میکنید (۱۹) و نشوید مانند آنها که خدا را فراموش کردند. پس او هم آنها را از خودشان بغلفت انداخت. همانها بدکرداران اند (۲۰)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَهُمْ  
أَنْفُسَهُمْ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۲۹﴾

اهل آتش و اهل بهشت نمیتوانند باهم برابر باشند. بهشتیان اند که پیروز ماندانند (۲۱)

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۗ  
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿۲۹﴾

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم حتماً آن از ترس خدا خاضع و ریزه ریزه میشد و این مثلهای است که برای مردم بیان میکنیم تا ایشان تفکر کنند (۲۲) ++

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ  
خَاشِعًا مُّصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَتِلْكَ  
الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ  
يَتَفَكَّرُونَ ﴿۳۰﴾

اوست خدا آنکه جزا و میج معبودی نیست. اودانای نهان و عیانست. او

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ عِلْمُ الْغَيْبِ

++ آیت ۲۲: در اینجا منظور فقط گوه های زمینی نیست بلکه منظور شخصیت های نامور و دارای مقام بلند بالامتداد بطوریکه در پایان آیت گفته شود که این مثل های زده میشود تا مردم بر اینها تدبیر کنند.

وَالشَّهَادَةُ ۚ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۳﴾

بلاستدعابخشنده بارها رحمکننده  
است (۲۳)

هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ أَمْلِكُ  
الْقُدْرَةَ وَالسَّلَامَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُهَيِّمِينَ  
الْعَزِيزِينَ الْجَبَّارِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ ۖ سُبْحَانَ اللهِ  
عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۴﴾

اوست خدا آنکه جز او هیچ معبودی  
نیست. او پادشاه است. او پاک، سلام،  
امان دهنده، نگهبان، صاحب غلبه  
کامل ترمیم کننده کارهای شکسته،  
صاحب کبریائی است. پاک است  
خدا از آنچه شرک میورزند (۲۴)

هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ  
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ۖ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ ﴿۲۵﴾

اوست خدا آنکه آفریننده، آغاز  
کننده آفرینش و مصور است. همه  
نام های قشنگ از آن اوست. او را  
تسبیح میگوید هر چه در آسمانها و  
زمین است و او صاحب غلبه کامل  
صاحب حکمت است (۲۵)

## ۶۰- سورة المتحنة

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۴ آیت دارد.

در سوره قبلی ذکر از محشور کردن یهود رفته است و در این سوره مسلمانان متنبه ساخته میشوند آنهایی که خدا و رسول را دشمنی میکنند را هرگز بدوستی نگیرید. اگرچه بظاهر آنان دوست هم باشند دل‌هایشان پر از کینه است و هرآن به هلاک شما تزویر میکنند.

دنبال این، ذکر از اسوة حضرت ابراهیم علیه السلام می‌رود که دوستیها و دشمنیهایش تنها بخاطر خدا بود. لذا هیچکدام از خویشاوندان، مادرو پدر و فرزندان بدر دشما نخورند. وابستگیهای خود را بخاطر خدا استوار کنید و بخاطر خدا کسلید. اما در عین حال مومنان توصیه میشوند که آن دشمنان شما که در اذیت کردن پیشی نمیگیرند سزاوار شما نیست که به اذیت کردن آنان پیشی گیرید. تقاضای عدالت‌مندی اینست که تا آنگاه که آنان در دوستی بشا و فاکند شما هم با آنان وفا کنید.

چون این سوره حاکی از آن زمان است که مسلمانان را علاوه بر یهود برخلاف دیگر مشرکان نیز برای قتال دفاعی رخصت داده شده بود بنابراین مسایلی ناشی از این قتال نیز در نظر گرفته شد. بمنوان مثال اگر زنان کافران ایمان آورده مهاجرت کرده باشند باید ایمان ایشان کاملاً آزمایش شود و اگر واقعاً ایشان بامیل خود ایمان آورده باشند در آن صورت نخستین وظیفه اینست که هرگز ایشان بسوی کافران پس داده نشوند زیرا که مردوی ایشان برای همدیگر خلال نمانده اند. البته سرپرستان آنان را بپردازید آنچه

ایشان مزینه کرده باشند.

سپس در پایان ذکر از آن پیمان بیعت می‌رود که میبایستی هم از آن مومنان گرفته شود که از سوی کافران مهاجرت نموده اند و هم از آن تمام مومنان که برای بیعت میل داشته باشند.

☆ سُورَةُ الْمُتَحِنَةِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ أَرْبَعٌ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
 بسیار بخشنده بارها رحمتکننده (۱)  
 ای کسانی که ایمان آورده اید  
 دشمنم و دشمن خودتان را هرگز  
 دوست نگیرید. شامبسویشان پیام  
 های دوستی میفرستید درحالیکه  
 آنها به آن حق انکار کرده اند که  
 شمارا آمد. آنها رسول و شمارا [از  
 خانه ما] بیرون میکنند تنها براینکه  
 شما به خدا پروردگار خود ایمان  
 آورده اید. اگر شما در راه من و به  
 تلاش رضای من برای جهاد بیرون  
 رفته محرمانه بسویشان پیام  
 های دوستی میفرستید درحالیکه  
 من دانفترام به آنچه پنهان کنید و  
 آنچه عیان کنید [این اختفای شما  
 بیفایده است] و هر که از شما این  
 طور عمل کند پس یقیناً او از راه  
 راست گمراه شد (۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي  
 وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ  
 بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ  
 الْحَقِّ ۚ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ  
 تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ ۗ إِنَّ كُنتُمْ خَرَجْتُمْ  
 جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي ۚ  
 تُسْرِفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ ۗ وَأَنَا أَعْلَمُ  
 بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ ۗ وَمَنْ  
 يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ②

اگر شمارا بیابند برای شما دشمنان باشند و دستهای خود و زبان های خود را از سوء نیت بر شما دراز کنند و دوست دارند کاشکی انکار کنید (۳)

هرگز خویشان شما و فرزندان شما روز قیامت بشما هیچ بهره نرسانند او میان شما جدائی افکند و خدا بینای آنست که شاعمل کنید (۴) شما را در ابراهیم و کسانی که با او بودند اسوه حسنه است چون به قوم خود گفتند که ما بیزاریم از شما و از آنچه شما بفر از خدا عبادت میکنید ما بشما انکار کرده ایم و میان ما و میان شاعداوت و کینه پدیدار شده است تا آنگاه که به خدای یگانه ایمان آورید مگر آن قول که ابراهیم برای پدر خویش داده بود که حتماً برای تو دعای آمرزش کنم با آنکه من از جهت خدا در حق تو هیچ اختیاری

إِنْ يَتَفَقَّوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْئِمَهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿٦﴾

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧﴾

فَدَكَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا سْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٨﴾

ندارم [زیرا که آن استثنائی بود].  
 پروردگارا! ما تنها بر تو توکل می  
 کنیم و بسوی تو انابت میکنیم و  
 بازگشت ما به سوی تو است (۵)

پروردگارا! ما را برای آنها که کفر  
 کردند موجب آزمایش مگردان.  
 پروردگارا! ما را بیامرز یقیناً تو  
 صاحب غلبه کامل صاحب بسیار  
 حکمت هستی (۶)

یقیناً در ایشان شمارا نمونه نیکو  
 است یعنی برای او که خدا و روز  
 آخرت را امید دارد و هر که روی  
 برتابد پس یقیناً خدا است که او  
 بی نیاز صاحب ستایش است (۷)

نزدیک است خدا بین شما و بین  
 آنهایی از آنان که شما دشمنی  
 داشتید محبت بیافکند و خدا مدام  
 قدرتمند است و خدا آمرزنده بارها  
 رحم کننده است (۸)

خدا شمارا باز نمیدارد از آنانکه در  
 دین بشما قتال نکردند و شمارا از

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا  
 وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۚ إِنَّكَ الْعَزِيزُ  
 الْحَكِيمُ ①

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن  
 كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ ۖ وَمَن  
 يَتَّوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ②

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ  
 عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً ۗ وَاللَّهُ قَدِيرٌ ۖ  
 وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ③

لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ

خانه هایتان بیرون نراندند که با آنان دوستی کنید و با ایشان بداد رفتار نمایید. یقیناً خدا دادگران را دوست دارد(۹)++

خدا شمارا فقط از آنها باز میدارد که در امر دین بشما قتال کردند و شمارا از دیارتان بیرون رانند و به اخراج شابه همدیگر پشتبانی کردند و هر که آنانرا دوست گیرد پس همانها ستم کارانند(۱۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید چون زنان مومن مهاجرت کنان نزد شما بیایند پس آنانرا امتحان کنید. خدا ایمان آنانرا بیشتر میداند پس اگر آنانرا مومنات باز شناسید پس آنان

يَقَاتِلُوَكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ اَنْ تَبُرُوهُمْ وَتُقْسَطُوا اِلَيْهِمْ ۗ اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ①  
 اِنَّمَا يَنْهٰكُمْ اللّٰهُ عَنِ الَّذِيْنَ قَتَلُوْكُمْ فِي الدِّينِ وَاَخْرَجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَاَخْرَجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَاَخْرَجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَاَخْرَجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَاَخْرَجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ  
 تَوَلَّوْهُمْ ۗ وَمَنْ يَّتَوَلَّهُمْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُوْنَ ②

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ ۗ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ ۗ لَأَهُنَّ حِلٌّ

آیت ۹: این آیه کریمه تصور جنگهای تهاجمی را در میکند و باز نمیدارد از رفتار نیکو با آنانکه با مسلمانان بعلت اختلاف دین جنگ نکردند و نه بیگناهمان را از منازل ایشان بیرون رانند. اشتباه برخی از آیتهای دیگر این استنباط کرده میشود دوستی با هر کدام غیر مسلم حرام است. اما از این آیت بدیهی است کسانی که بعلت اختلاف دین با مسلمانان نه جنگ تهاجمی کردند و نه ایشان را بیگناه از خانه های ایشان بیرون کردند با آنان نه فقط دوستی جایز است بلکه فرمان شده است که با ایشان حسن سلوک نشان داده شود.



رابسوی کافران پس نفرستید. نه ایشان برای آنها حلالند و نه آنها برایشان حلالند و [سرپرستان] هر چه به خرج دادند به آنها بدهید. و هیچ باکی برشان نیست که با آنان عقد ازداج بندید در صورتیکه آنها را مهریه ایشان بپردازید و کار نکاح زنان کافر را در اختیار خود نگیرید و بطلبید [از آنها] هر چه مزینه کردید و بطلبند [از شما] هر چه آنها مزینه کردند. این فرمان خداست. او میان شما فیصل می دهد و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۱۱)

و اگر برخی از زنان شما بسوی کافران ازدست شما بروند، باز شما عوض گرفته باشید آنگاه مومنان که زنان ایشان از دست رفته باشند را بپردازید طبق آنچه آنها مزینه کردند و بترسید از آن خدا که بر او شما ایمان آوردید (۱۲)

لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ۖ وَآتُوهُم مَّا  
 أَنْفَقُوا ۖ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ  
 تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ ۖ  
 وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفِرِ ۖ وَسَلُّوا مَّا  
 أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَّا أَنْفَقُوا ۖ ذَلِكُمْ  
 حُكْمُ اللَّهِ ۖ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۖ وَاللَّهُ  
 عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۱﴾

وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى  
 الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ  
 أَزْوَاجُهُمْ ۖ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
 الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿۱۲﴾

ای پیغمبر چون مومنات نزد تو بیایند که براین [امر] به تو بیعت کنند که هیچ را شریک خدا نه گردانند، و نه دزدی کنند و نه زنا کنند و نه اولاد خود را بکشند و نه تهمتی زنند که آن را پیش روی دست و پاهاى خودبهم بافته باشند و نه در معروفات تورا نافرمانی کنند پس بیعت ایشان را قبول کن و برای ایشان از خدا آمرزش بطلب. یقیناً او آمرزنده ی بارها رحمکننده است (۱۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید قومی را بدوستی نگزینید که خدا بر آنها خشمناک شد. یقیناً آنها از آخرت نومید شده اند بطوریکه کافران از اهل قبور نومید شده اند (۱۴)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِمُهْتَانٍ يَفْتَرِيَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعَصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٣﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبِئْسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ۗ

ع ١٤

## ۶۱ - سورة الصّف

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۵ آیت دارد.

در پایان سوره گذشته سخن از پیمان بیعت رفته است. این عهد نامه نه تنها از وظایف زنان حاکی است بلکه مردان مومن نیز از روی این پیمان بیعت برای پرمیز از بیماریهای روحانی عقد پیمان میکنند. پس هر دوی سر آغاز سوره صف توصیه میشوند که نسبت به پیمان بیعت خویش دو روی نکنید و نه اینکه دیگران را نصیحت کنید و خودتان بر آن عمل نکنید. اگر شما بر پیمان بیعت مخلصانه برقرار باشید آنگاه خداوند قلب های شما را بطوری بهم پیوند زند که شما را در مقابل دشمن همچون دیواری سرب دار استوار نماید.

این سوره عبارت از آن پیشگوئی نسبت به آنحضرت ﷺ نیز است در چه حضرت عیسی علیه السلام آنحضرت ﷺ را به دومین اسم ایشان یعنی احمد تذکر داده بودند که صفت جمالی ایشان را مظهر است. ذکری که در تعلق نام احمد ببعیافت میشود اثبات میکند که يك مظهر جمال آنحضرت ﷺ در آخرین زمان بظهور خواهد آمد. آن زمان او و پیروانش توفیق بدست خواهند آورد که اسلام را بجای صفت جلالی بوسیله صفت جمالی ترویج بنمایند. این نقشه آشکار میسازد که این پیشگوئی مربوط به آینده بود.

چون پایان این سوره حاکی از پیشگوئیهای این اعلام حضرت مسیح است کیست که مرا در راه خدایاری کند بر همین منوال لازم است که چون در زمان آخر مسیح محمدی این اعلام کند مسلمانان بر این پیشگوئی ایمان آورده زیر پرچم او جمع شده اعلام کنند. ما در راه خدا یاوران مسیح محمدی هستیم.

☆ سُورَةُ الصَّفِّ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسٌ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها را حکمکنده (۱)

برای خدا تسیح میخواند هر چه

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

در آسمانها است و هر چه در زمین

الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ②

است و او صاحب غلبه کامل

صاحب بسیار حکمت است (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید چرا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا

تَفْعَلُونَ ③

میگویید آنچه انجام نمیدهید (۳)

گنای بزرگ است نزد خدا که

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا

تَفْعَلُونَ ④

بگویید آنچه را انجام ندهید (۴)

یقیناً خدا دوستدار کسانی است که در

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ

راه او صف بسته قتال کنندگویی

صَفًّا كَالَّذِينَ بُنِيَ مَرَّضُوصٌ ⑤

که آنان دیواری سرب دار اند (۵)

و چون موسی بقومش گفت: ای قوم

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ

من اجرا آزارم دهید با آنکه میدانید

تَوَدُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ

که یقیناً من بسوی شما رسول خدا

إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ

هستم. پس وقتی کج شدند پس خدا

قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

دلهایشان را کج نمود و خدا قوم

الْفَاسِقِينَ ⑥

فاسقان را هدایت نمیدهد (۶)

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِيَّ  
إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ  
مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ  
وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ  
أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا  
سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۷﴾

و هنگامیکه عیسی ابن مریم گفت،  
ای بنی اسرائیل! یقیناً من بسوی  
شمارسول خدا ام تصدیق کننده  
آنچه از تورات که پیشرویم است  
و مؤده دهنده ام به رسولی بزرگ  
که پس از من خواهد آمد. نامش  
احمد است. پس چون او با نشانه  
های روشن نزد ایشان آمدگفتند:  
این جادویی آشکارا است (۷) ++

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ  
الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ  
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۸﴾

و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا  
دروغ بنند حالیکه او بسوی اسلام  
خوانده شود و خدا قومی ستمکار  
را هدایت نمیدهد (۸)

يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ  
وَاللَّهُ مَتِّمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿۹﴾

میخواهند که نور خدا را با [فوت]  
دهنهای خویش خاموش کنند حالی  
که خدا نور خویش را بکمال  
رساننده است هر چند کافران را  
خوش نیاید (۹) ++ [ص# ۱۳۹۰]

++ آیات ۷: این آیت عبارت از پیشگوئی به ظهورشان احمدیت آنحضرت ﷺ میباشد.  
ایشان طبق پیشگوئی حضرت موسی هم بنام محمد جلوه کردند و هم طبق پیشگوئی  
حضرت عیسی بنام احمد ظهور کردند.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ  
الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ  
الْمُشْرِكُونَ ﴿١٠﴾

بج

اوست که رسول خود را با هدایت  
و دین حق فرستاد تا آنرا بر هر کدام  
[بخش] دین غالب گرداند اگر چه  
مشرکان را ناخوش آید (۱۰) ++

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ  
تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿١١﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید آیا  
شمارا بر تجارتی مطلع سازم که  
شما را از عذابی دردناک نجات  
دهد؟ (۱۱)

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ  
ذُرِّيَّتِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٢﴾

شما به خدا و رسول او ایمان می  
آرید و با مالهای خود و جانهای  
خود در راه خدا جهاد میکنید. این  
برای شما بهتر است اگر شما  
بدانید (۱۲) ++

++ آیت ۹: حضرت مسیح موعود میفرمایند: در این آیت بتصریح فهمانیده میشود که مسیح

موعود در چهاردهمین قرن ظهور میکند زیرا که اتمام نور را چهاردهمین شب مقرر است.

++ آیت ۱۰: این آیت بوضاحت بیان میکند که آنحضرت ﷺ رسولی برای همه جهانها

هستند. ایشان فقط بسوی پیروکاران دین مخصوصی مبعوث نشده بودند بلکه بسوی

پیروکاران هر کدام دینی که هر جا در تمامی جهانها ظهور کرد فرستاده شده اند و بر

همگان غلبه خواهند یافت. حضرت مسیح موعود علیه السلام میفرمایند: " این در

قرآن شریف پیشگوئی عظیم الشأن است که نسبت به آن علماء و محققان متفق اند

که این بردست مسیح موعود بپایان برده خواهد شد.

++ آیت ۱۲: این اسلوب ترجمه از املاء ما مَنَّ به الرحمن گرفته شده است.

يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسْكِنٍ  
طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ۗ ذَلِكَ الْفَوْزُ  
الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾

او گناهان شمارا در حق شایباً مرزد  
و شمارا وارد کند به بهشتهای که در  
دامنه آنها نهرهای روان است و  
خانه های پاکیزه که در بهشتی  
جاودانیست. این پیروزی بسیار  
بزرگ است (۱۳)

وَأُخْرَى تَجُوبُوهَا ۗ نَصَّرَ مِنَ اللَّهِ وَفَجَّحَ  
قَرِيبٌ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾

[مژده ای] دیگر است که آن را  
بسیار دوستدارید. یاری از جانب  
خدا و پیروزی نزدیک. پس بמוمنان  
مژده بده (۱۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا  
قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ  
أَنْصَارِيَّ إِلَى اللَّهِ ۗ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ  
نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَا مَنَّا ۗ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي  
إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا  
الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَاصْبَحُوا  
ظَهْرِينَ ﴿١٥﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید  
یاران خدا باشید بطوریکه عیسی  
ابن مریم به حواریان گفت:  
کیستند که [برای رهنمائی کردن]  
بسوی خدا یارانم باشند؟ حواریان  
گفتند: ما یاران خدا هستیم. پس  
گروهی از بنی اسرائیل ایمان  
آوردند و گروهی انکار کردند پس  
آنانکه ایمان آوردند را بر خلاف  
دشمنان ایشان یاری دادیم پس  
ایشان [بر آنها] غالب آمدند (۱۵)

## ۶۲-سورة الجمعة

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

این سوره جامع تمامی پیشگوئیا مذکور در سوره گذشته است و هر کدام معنای کلمه "جمع" در این نقل شده است. یعنی آنحضرت ﷺ موجب شوند که اولین و آخرین امت خویش را جمع کنند و جلوه صفت جلالی و صفت جمالی خویش را نیز جمع کنند. این سوره حاکی از آن تجمع هفتگی مسلمانان نیز است که روز جمعه برگزار میشود.

پایان این سوره حاکی از این پیشگوئی است که مسلمانان آینده بدنیاال کسب مال و منال و مشغول در تجارتها آنحضرت ﷺ را تنها وابگذارند. درباره این آیه بعض علماء میگویند که در زمان آنحضرت ﷺ چنین میشد که گاهی آن اصحاب مخلص ایشان که حتی حین جنگهای پرخطر نیز ایشان را تنها نمیگذاشتند چون اخبار از قافله های تجاری میشنیدند آنحضرت ﷺ را تنها گذارده بسوی آن قافله های تجاری فرار میکردند. البته این بهتان بزرگی بر اصحاب آنحضرت ﷺ است بلکه این تذکر از آن مسلمانان در زمان آخرین است که عملاً دین خویش را بففلت سپرده میچ میل به پیغام آنحضرت ﷺ نخواهند داشت.



☆ سُورَةُ الْجُمُعَةِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها را حکمکنده (۱)

برای خدا تسبیح میخواند هر چه

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

در آسمانها است و هر چه در زمین

الْمَلِكِ الْقَدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ①

است، پادشاه است، پاك مطلق و

صاحب غلبه كامل صاحب بسیار

حکمت است (۲)

اوست که در قومی بیسواد رسولی

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ

باعظمت را از خود ایشان مبعوث

يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

کرد که آیاتش را برایشان تلاوت

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ

میکند، آنانرا پاک میسازد و آنانرا

لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ①

کتاب و حکمت میآموزد در حالیکه

از این پیش در گمراهی آشکار

بودند (۳) ++

++ آیت ۳: این سوره رتبه فوق العاده آنحضرت ﷺ را عنوان میکند که ایشان

ایمان آوردگان خود را تزکیه نفس قبل از بیان علم کتاب و حکمت با تلاوت آیات میکردند. این معجزه ی بزرگ از قرآن است که پیش از این در نخستین سوره

البقره آیت ۱۳۰ آن دعای حضرت ابراهیم مذکور است که به بعثت آنحضرت ﷺ

تعلق دارد. ایشان برای رسولی دعا کردند که آیات خدا را فروخواند و باز ایشان را

به علم کتاب و حکمت آگاه سازد و در نتیجه اش ایشان را تزکیه نفس کند [ص# ۱۳۹۴]

وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ①  
و بسوی دیگران از ایشان] نیز بمعوت کرده است [ که هنوز به ایشان ملحق نشده اند(۴) ++

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ②  
این فضل خدا است که آنرا به هر که خواهد اعطا میکند و خدا را فضلی عظیم است(۵) ++

بقیه آیت ۳: درباره قبولیت این دعا درسه جا تذکر است ولی مرجع این نوشته است که آنحضرت ﷺ تزکیه نفس با تلاوت آیات بعمل میآوردند و آموختن کتاب و حکمت را ذکر بعد از این است. پس این اعجاز قرآن است که نزولش ۲۳ سال طول کشید ولی هیچ جادرایاتش تضادی یافت نمیشود.

++ آیت ۴: در گروه "آخرین" مزبور در این آیت نیز ذکر از بمعوت شدن همان رسول است که در آیت گذشته بود (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا). اما در پایان این آیت آن چهار صفت نیست که در پایان آیت ۲ بود بلکه فقط دو صفت عزیز و حکیم بازگو شده است. از این معلوم میشود رسولی که در آغاز این سوره مذکور است مجدداً خودش نمیآید بلکه کسی بطور ظلالش بدون شریعت جدیدی فرستاده شود. جالب اینست که در ضمن حضرت عیسی علیه السلام نیز همین دو صفت الهی بیان شد بطوریکه فرموده شد: بَلْ رَقَمَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (النساء - ۱۵۹).

++ آیت ۵: از این آیت اثبات میشود که سخن از نخستین بعثت آنحضرت ﷺ نیست والا گفتن "يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ" لازم نبود. منظور بعثت فانی ایشانست که در قالب يك نبی امتی ایشان صورت میگیرد و این امتیاز از فضل و احسان الهی است که خدا میدهد به هر که بخواهد. این امر از حدیث بخاری نیز تایید میشود. چون هنگام تلاوت این آیه اصحاب پرسیدند من هم یا رسول الله. اینک سوال این نیست که ظهور کننده کیست بلکه پرسیده میشود که کیستند که بسوی ایشان او فرستاده [۱۳۹۵#۳]

مثل آنان که به تورات تکلیف کرده شدند سپس آنرا [سزاوارش] برنداشتند همچون اولادى است که بار کتابها را بر میدارد. بسیار زشت است مثل آنها که آیتهاى خدا را تکذیب کردند و خدا قوم ستمگران را هدایت نمیدهد (۶)

بگو ای کسانی که یهود شدید اگر گمان کنید که با ترك همه مردم تنها شما دوستان خدا اید پس مرگ را آرزو کنید اگر شما راستگویان اید (۷)

و ابدًا به آن آرزو نکنند بدانعلت که دستهای آنان پیش فرستاد و خدا ستمکاران را بخوبى میدانند (۸)

بگو، براستى آن مرگ که از آن بقیه آیت ۵: خواهد شد. آنحضرت ﷺ دست بر شانه حضرت سلیمان فارسى نهاده فرمودند که ایمان اگر بر ثریا هم بالا رود آنگاه از این مردمان يك رجل یا رجل آنرا از ثریا به زمین باز خواهند آورد. از این امر اثبات میشود که ذات گرامى آنحضرت ﷺ دوباره بمبعوت نمیشود بلکه يك رجل در غلامى ایشان بمبعوت شود که او اهل فارس یعنی از اهل عجم میباشد.

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ①

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ⑤

وَلَا يَتَمَتَّوْنَ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ⑧

قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ

فرار کنید یقیناً آن به شما در رسد  
 پس حتماً بسوی دانای نهان و عیان  
 برگردانیده شوید. آنگاه او شما  
 را آگاه سازد به آن عمل که می  
 کردید (۹)

مَلَقِيكُمْ ثُمَّ تَرُدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ  
 وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩﴾

ای آنانکه ایمان آوردید اگر در یک  
 بخش از روز جمعه بنماز خوانده  
 شوید پس بسوی ذکر خدا بشتابید و  
 داد و ستد را ترک کنید. این شما را  
 بهتر است اگر شما بدانید (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ  
 مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ  
 وَذَرُوا الْبَيْعَ ۗ ذِكْمٌ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ  
 تَعْلَمُونَ ﴿١٠﴾

پس هرگاه نماز ادا کرده شود پس  
 در زمین پراکنده شوید و از فضل  
 خدا تلاش کنید و خدا را بسیار  
 یاد کنید تا شما موفق شوید (۱۱)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي  
 الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ  
 وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ  
 تُفْلِحُونَ ﴿١١﴾

وهرگاه معامله تجاری یا بازیچه  
 را ببینند بسوی آن میشتابند و  
 تو را تنها میگذارند. بگو آنچه نزد  
 خدا است نیکوتر از بازیچه و  
 معامله تجاری است و خدا بهترین  
 رزق دهنندگان است (۱۲)

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا  
 وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا ۗ قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ  
 مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ ۗ وَاللَّهُ خَيْرُ  
 الرَّزَاقِينَ ﴿١٢﴾

## ۶۳ - المنافقون

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

آغاز این سوره عبارت از این موضوع است که بعضی منافقان در زمان کنونی سوگندهایاد میکنند که حتماً تو رسول خدا هستی و خدا خوب میداند که واقعاً تو رسول خدا هستی اما در عین حال خدا اینهم میداند که منافقان دروغگویانند. بر همین متوال در زمان آخرین نیز بسیار کثیر مسلمانان نسبت به صداقت آنحضرت قسم ها خواهند خورد اما خدا گواه باشد که آنان فقط قسم های زبانی خوردند و خواسته های ایمان را انجام ندهند.

این سورت دارای سخن از آن رئیس المنافقین عبدالله بن ابی سلول است که در زندگی آنحضرت ﷺ وجود داشت و حاکی از آن رویداد است که چطور او هنگام برگشتن از غزوه ای نسبت به آنحضرت ﷺ آشکارا دهن دریده شده بود تا آن انتها که برای خویشتن معززترین فرد مدینه مدعی شد. او نسبت به آنحضرت ﷺ در زبان گستاخانه گفت که مدینه رسیده او رسول الله ﷺ را بیرون خواهد راند. البته آنچه تقدیر خداوندی نشان داد اصلاً به عکس بود. ایشان بزرگترین نمونه عفو را ابراز کرده و با آنکه قدرتمند بودند او را از مدینه بیرون نراندند و برایش تا دم مرگش استغفار میکرده اند تا آن انتها که خداوند ایشان را حکماً منع فرمود که در آتیه بر قبرش ایستاده برایش طلب مغفرت نکن.

☆ سُوْرَةُ "الْمُنَافِقُوْنَ" مَدِيْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوْعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحمتکننده (۱)

اِذَا جَاءَكَ الْمُنْفِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ اِنَّكَ

چون منافقان نزد تو آیند میگویند

لرَسُولِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اِنَّكَ

که گواهی دهیم که یقیناً تو رسول

لرَسُولُهُ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّ الْمُنْفِقِيْنَ

خدا هستی و خدا میداند که تو

رسولش هستی باز هم خدا گواهی

لَكَذِبُوْنَ ②

میدهد که منافقان یقیناً دروغ

گویانند (۲) ++

اِتَّخَذُوا اٰيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ

آنها تسه‌ای خود را سپری میگیرند.

سَبِيْلِ اللّٰهِ اِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا

پس آنها از راه خدا باز دارند.

یقیناً زشت است آن عمل که آنان

يَعْمَلُوْنَ ③

میکنند (۳)

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا فَاَقْطِعْ عَلٰی

اینست چه آنان ایمان آورده باز

انکار کردند. پس بردل‌های آنها مهر

نهاده شد. پس آنان درک نمی

قُلُوْبِهِمْ فَمَهْمٌ لَا يَقْمَهُوْنَ ④

کنند (۴)

++ آیت ۲: بعضی مردم با این وجود که شفاهاً به صداقت تصدیق میکنند که واقعاً

درست است اما در دل‌های آنان تکذیب میباشد. پس خداوند به آنحضرت ﷺ مطلع

ساخت که سخنی راست میگویند ولی دل‌های آنان مکذب است.

و چون آنانرا میبینی بیکرمای آنان تورا خوش میآیند و اگر حرفی زنند به گفتار آنها گوش فرامی‌دهی. آنها همچون چوبهای خشک بهم تکیه داده اند. هر کدام تندر برق را بر خودشان [غرش کرده] میپندارند. همانها دشمن اند پس از [شر] آنها حذر کن. بر آنها لعنت خدا باد بکجا منحرف کرده میشوند (۵)

و هرگاه گفته شوند که بیآید تا رسول خدا برایشما آموزش بطلبد پس سرهای خود را بر میتابند و آنانرا می بینی که آنان تکبر کرده [از قبول حق] باز میایستند (۶)

برای آنها برابر است که برای آنها آموزش بطلب یا برای آنها آموزش نطلب. هرگز خدا آنها را نیاآمزد. حتماً خدا بقوم فاسقان هدایت ندمد (۷) همانها اند که میگویند، انفاق نکنید بر آنان که نزد رسول خدا اند تا متلاشی شوند حالیکه گنجهای

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ ۖ  
وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ ۖ كَانَتْهُمْ  
حُشْبٌ مِّنْ سِنْدَةٍ ۖ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ  
عَلَيْهِمْ ۖ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ ۗ  
فَاتْلَهُمْ اللَّهُ ۗ أَلَىٰ يَوْمِكُونَ ۝

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ  
رَسُولُ اللَّهِ لَوْؤَاءُ لُؤُؤِهِمْ وَرَأَيْتَهُمْ  
يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۝

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ  
تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ ۗ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ۗ إِنَّ  
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ  
عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا ۗ وَاللَّهُ

خَرَّابِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ  
الْمُنْفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۸﴾

آسمانها و زمین از آن خدا است و  
اما منافقان نمی فهمند (۸)

يَقُولُونَ لَيْسَ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ  
لَيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ مِنْهَا الْأَذَلَّ ۗ وَلِلَّهِ

گویند اگر چه مدینه بازگردیم حتماً  
ارجمندترین از آنها پستترین را  
از آن بیرون کند حالانکه عزت

الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ  
الْمُنْفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۹﴾

تماماً از آن خدا و رسولش و مومنان  
است اما منافقان نمیدانند (۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ  
وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ

ای کسانی که ایمان آورده اید مال  
هایتان و فرزندانان شمارا از یاد  
خدا غافل نکنند و آنکه اینطور

يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿۱۰﴾

کند پس همانها زیانکارانند (۱۰)

وَأَنْفُسُكُمْ مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ  
أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا

و انفاق کنید از آنچه شمارا اعطا  
کرده ایم قبل از آنکه احدی شمارا  
مرگ بیاید آنگاه گوید پروردگارا!

أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ فَأَصْدَقَ  
وَأَكُنَّ مِنَ الصَّٰلِحِينَ ﴿۱۱﴾

کاشکی مرا تا مدتی کوتاه فرصت  
میدادی پس حتماً صدقه میدادم و  
از جمله نیکوکاران میشدم (۱۱)

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۗ  
وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۲﴾

و هرگز خدا جانی را که مدت معین  
او فرارسد فرصت نمیدهد و خدا  
مدام آگاه است به آن عمل که شما

مکنید (۱۲)



## ۶۴-سورة التغابن

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۹ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز مانند سوره الجمعة با کلمات **يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ** میشود. این سوره نیز ذکر از تسبیح خدا کرده حاکی از این امر است که زمین و آسمان و هر چه میان آنها است خدا را تسبیح میگوید چنان تسبیح که بالاتر از مگان رسول الله ﷺ گفتند. پس چطور امکان پذیر است که هر که به این **مَسْبُوحٍ** اعظم امانت کند خدا او را مورد غضب خود قرار ندهد.

نسبت به آن "تجمع" زمان آخر که سوره جمعة حاکی از آنست این پیشگوئی نیز کرده شد که آن راستی و ناراستی را روز بازشناسایی است. در آن زمان که دور قربانی دارائیاها است همه فداکاران دارائی مژده ای داده میشوند که هر چه از روی صفای قلب در راه خدا اتفاق کنند خداوند آنها قبول کرده پاداشی بزرگ میدهد.

☆ سُورَةُ التَّغَابُنِ مَدِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]  
بسیار بخشنده، بارها رحمت کند (۱)

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ  
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ ②

برای خدا تسبیح میخواند هر چه  
در آسمانهاست و هر چه در زمین  
است. پادشاهی از آن اوست و  
ستایش مطلق از آن اوست و او  
بر هر چیز مدام قدرتمند است (۲)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ  
مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ③

اوست آنکه شما را آفرید. پس از  
شما هم کافرند و هم مومند و خدا  
به آنچه انجام دهید بینا است (۳)

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ  
وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ  
الْمَصِيرُ ④

او آسمانها و زمین را بحق آفریده  
و شما را تصویر کرد. پس صورتهای  
شما را زیباتر ساخت و بازگشت  
بسوی او است (۴)

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ  
مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ  
بِدَاتِ الصُّدُورِ ⑤

او میداند آنچه در آسمانهاست و  
زمین و میداند آنچه پنهان کنید و  
آنچه عیان کنید و خدا به امور  
سینه ها مدام آگاه است (۵)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

آیا شما را خبر آنها نرسید که ماقبل

کفر کرده بودند پس عقوبت کار خود را چشیدند و آنها را عذابی دردناک است (۶)

اینست چه آنها را رسولان ایشان با نشانه های روشن میآمدند پس آنها میگفتند آیا آدمیان ماراهدایت میدهند؟ پس انکار کردند و روی برتأبیدند و خدا [از آنها] مستغنی شد و خدا بی نیاز صاحب بسیار ستایش است (۷)

کسانیکه کفر کردند پنداشتند که هرگز بر خیزانده نشوند. بگو بلی، سوگند به پروردگام که حتماً بر خیزانیده شوید سپس حتماً آگاه کرده شوید به آنچه انجام میدادید و خدا را این امر آسان است (۸)

پس ایمان آرید به خدا و رسولش و به آن نور که ما نازل کردیم و خدا به آنچه انجام دهید مدام آگاه است (۹)

روزی که شمارا برای روز تجمع

قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۶﴾

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿۷﴾

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ ۗ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۸﴾

فَأْمُرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۹﴾

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمٌ

التَّعَابِنِ ۚ وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ  
صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ  
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ ذَلِكَ الْفَوْزُ  
الْعَظِيمُ ﴿۱۰﴾

جمع کند. آن روز برد و باخت  
است و هر که به خدا ایمان آورد و  
نیکوکاری کند او زشتیهایش را  
از او دور نماید و او را وارد بهشت  
های کند که در دامنه آنها نهرهای  
روانست. ایشان در آنها جاودانانند.

این پیروزی بزرگ است (۱۰)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ  
أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَبِئْسَ  
الْمَصِيرُ ﴿۱۱﴾

و کسانی که کفر کردند و به آیتهای  
ما تکذیب کردند همانها اهل آتشند  
و در آن مدت دراز میمانند و چه  
زشت باز گشتگامی است ﴿۱۱﴾

هیچ گزندی نیرسد جز باذن خدا  
و هر که به خدا ایمان آورد او دل  
او را هدایت میدهد و خدا به هر  
چیز مدام دانا است (۱۲)

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ  
وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۲﴾

و اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید  
رسول را. پس اگر روی برتایید  
آنگاه بر رسول فقط ابلاغ کردن  
آشکارا است (۱۳)

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ ۗ فَإِنْ  
تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ  
الْمُبِينُ ﴿۱۳﴾

خدا است که جز او هیچ معبود  
نیست. پس مومنان را باید بر خدا

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ  
الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱۴﴾

توکل کنند(۱۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید یقیناً از مسران شما و فرزندان شما بعض دشمن شایند. پس از آنها حذر کنید و اگر عفو کنید و گذشت کنید و بیامرزد پس یقیناً خدا آمرزنده ی بارها رحم کننده است(۱۵)

دارائیهای شما و فرزندان شما فقط آزمایش است و خدا است که نزدش پاداشی بزرگست(۱۶)++

پس خدا را تقوی فراگیرید تا حدی که میتوانید گوش کنید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای جانهای شما نیکو است و هر که از خست نفس باز داشته شد پس همانند که رستگار اند(۱۷)

اگر به خدا قرضه حسنه دهید او آنرا برای شما میفزاید و شما را میآمرزد و خدا قدرشناس بردبار است(۱۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوٌّ لَّكُمْ فَاحْذَرُوا هُمْ ۚ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٥﴾

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٦﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ ۚ وَمَنْ يُوقِ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٧﴾

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضْعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٨﴾

عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٩﴾ مدام دانا است نهان را و عیان را  
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت

است (۱۹)

++ آیت ۱۶: سخن از آن فتنه اولاد که در این آیت گفته میشود دال بر این معنای  
نیست که زنان و فرزندان فتنه را علناً پدید خواهند آورد بلکه کنایه به این امر  
است که انسان از روی زنان و فرزندان به آزمایش افکنده میشود و اگر او در  
این آزمایش دست به موفقیت نه یابد آنگاه اومتلا به مشکلات میشود.

## ۶۵- سورة الطلاق

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۳ آیت دارد.

این سوره از آغاز گرفته تا پایان در مورد طلاق مسایلی گوناگون بیان مینماید. سوره گذشته را به این سوره نسبت اینست که این آنحضرت ﷺ را بعنوان آن نوری ارائه میدهد که از تاریکیها بسوی نور درمیآرد و همین نور است که در زمان "آخرین" نیز یکبار دیگر آن مردم امت که در تاریکیها سرگردان باشند را از آن تاریکیها در خواهد آورد. این موضوع دال بر این است که از فسق و فجور درآورده بداخل زندگی پاک و منزّه خواهد نمود و این موضوعی با اهمیت است. آن عبارت از تاریکیهای اعتقادات و هم تاریکیهای اعمال میباشد. لذا در سوره الطلاق نسبت به آنحضرت ﷺ فرموده شد که این رسول سراپا ذکری است و نور بسبب ذکر اعطا میشود و بسبب ذکر خداوند ایشان را فضیلتی بزرگ داد و ایشان سراپا نور شدند و ایشان غلامان راستین خویش را نیز بسوی نور در آوردند.

این سوره دارای چنین آیتی است که پرده ای را از رازهای زمین و آسمان بنحوی شگفت انگیز برمیدارد. چنانکه ذات گرامی و پاک آنحضرت ﷺ از تاریکی ما به نور درمیآرد همچنان کلامی که برایشان نازل کرده شد پرده ای را از تاریکیها و رازهای کاینات برمیدارد. هر جا در قرآن بارها ذکر از هفت آسمان رفت در عین حال این هم فرموده شد که با آنهافت زمین نیز بوجود آورده شده است. اما این امر را خدا نیک میدانند که چطور نزول وحی بر ساکنان این هفت زمین بعمل آمد و آنان از کدام تاریکیها نجات

داده شدند. تا حال پژوهندگان علم را به این موضوع هیچ دسترس نیست اما بطوریکه بارها به اثبات رسیده است علوم قرآن همچون "کوثر" لامتناهی است و پژوهندگان علم در آینده حتماً بر این علوم تا حدی دست خواهند یافت.



☆ سُورَةُ الطَّلَاقِ مَدِينِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ ثَلَاثُ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحمکننده (۱)

ای پیغمبر! هرگاه شما [مردم] به

زنان خود طلاق دهید پس بمدت

عده طلاقشان دهید و عده را شمار

کنید و از خدا بترسید که پروردگار

شما است. آنان را از خانه های آنان

بیرون نکند و نه خودشان بیرون

روند مگر اینکه فحشائی آشکارا

بیارند. این حدهای خدا است و

هر که از حدهای خدا تجاوز کند

یقیناً او بر جان خود ستم کرد. تو

نمیدانی شاید خدا از آن پس فرمان

تازه ی را معرفی نماید (۲)

پس چون ایشان به پایان مدت

معین خود برسند آنگاه آنان را

بمعروف نگاهدارید یا بمعروف جدا

کنید و دوگواه عادل از خودتان

بگزینید و گواهی را برای خدا

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ

فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ

وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ

بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ

بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ

وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ

نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ

ذَلِكَ أَمْرًا ①

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ

بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

وَاشْهَدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا

الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ۗ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ

استوارکنید. این آن امری است که بدان توصیه شود هر که به خدا و روز آخرت ایمان می‌آرد و آنکه از خدا بترسد او برایش راه نجات قرار میدهد (۳)

و او را رزق از راهی اعطا کند که او نتواند بیندارد و آنکه توکل بر خدا کند پس او برایش بس است. یقیناً خدا امر خود را بپایان میبرد خدا برای هر چیز سرنوشت قرار داده است (۴)

و آنهایی از زنان شما که از عادت ماهانه نومید شده اند اگر شمار مردد آید پس عدّه آنان سه ماه است و هم برای آنانکه عادت ماهانه ندیدند - و آنها که باردار اند عدّه آنان است اینکه وضع حمل خود کنند و هر که تقوای خدا پیش گیرد خدا بفرمان خود در کار او آسایش قرار میدهد (۵)

این فرمان خداست که اوبسوی

يَوْمٍ مِّنْ بِلِلَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۗ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۗ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ۝

وَالَّتِي يَبْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ ۗ وَالَّتِي لَمْ يَحِضْ ۗ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۗ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ۝

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ ۗ وَمَنْ يَتَّقِ

شما نازل کرد و آنکس که از خدا بترسد او زشتیهایش را از او دور مینماید و پاداش را برایش بزرگ میکند (۶)

آنرا اسکونت دمید در جائیکه خود شما از حیث دارائی خود سکونت دارید و آنرا نه آزارید تا [عرصه] بر آنان تنگ گردانید و اگر ایشان باردار باشند پس بر آنان خرج کنید تا آنگاه که بار خود را بنهند. پس اگر برای شما شیر دهند آنگاه مزدشان به آنها بپردازید و میان خود بمعروف بسازید و اگر [توافق کردن] بر شما دشوار باشد آنگاه برایش [پدر] یکی دیگر [زنی شیرده] شیر دهد (۷)

توانگر باید از سمت خود مزینه کند و آنکه رزقش بر او تنگ کرده شد پس باید مزینه کند از آنچه خدا به او داده است. خدا هیچکس را تکلیف نمیکند جز آنچه به او در

اللَّهُ يُكْفِّرُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمُ لَهُ أَجْرًا ۝

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تَضَارَّوهُنَّ بِتَضَيُّقُوا عَلَيْهِنَّ ۖ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمِلْنَ فَإِنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۚ وَاتَّمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ ۚ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِاتْرَاعٍ لَهُ أُخْرَىٰ ۖ

لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ ۖ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ۝

داده است - خدا پس از تنگی،

گشایش را قرار دهنده است(۸)

وجه بسا قریه های راکه از فرمان

پروردگار خود و رسولان او سر

باز زدند پس ما آنها را بسختی

مجازات کردیم و آنها را عذابی رنج

آور دادیم(۹)

پس عقوبت کار خود را چشیدند

و فرجام کارهای ایشان بسیار

زیان آور بود(۱۰)

خدا برای آنها عذابی سخت آماده

کرده است. ای خردمندان که

ایمان آورده اید خدا را تقوی پیش

گیرید - خدا بسوی شما ذکری

بزرگ نازل کرده است(۱۱)++

بطور رسولی که آیتهای روشن

خدا را بر شما تلاوت میکند تا

کسانیکه ایمان آوردند و اعمال

شایسته انجام دادند را از تاریکیها

به روشنی بیرون آرد و آنکه به

خدا ایمان آرد و کارهای شایسته

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا

وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا

وَوَعَدْنَا بِهَا عَذَابًا تَكْرُرًا ﴿٨﴾

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ

أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ

يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ

مطابقه ۱۲  
عذاب العاصين

اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿١٠﴾

رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ

لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ

بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ﴿۱۲﴾

انجامدمد او را به داخل بهشتهای  
نماید که در دامنه آنها نهرهای روان  
است. آنان در آنها همیشه جاویدان  
اند. یقیناً خدا برای او [که نیکو  
کاری کند] رزقی نیکو مهیا کرده  
است (۱۲) ++

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ  
الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ  
لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ  
وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿۱۳﴾

خدا است آنکه هفت آسمان را  
آفرید و از زمینها نیز مانند آنها.  
فرمان [او] میان آنها بسیار نازل  
میشود تا بدانید که خدا بر هر چیز  
که بخواهد مدام قدرتمند است و  
اینکه خدا هر چیز را بعلم احاطه  
کرده است (۱۳)

++ آیات ۱۱-۱۲ : از این آیات کاملاً به اثبات میرسد که منظور از نزول این  
نیست که انسان با جسم مادی خود از آسمان فرود میآید بلکه معنای نزول اعطا  
شدن بهترین نعمتها از جانب خدای متعال است. آنحضرت ﷺ را از این رو ذکری  
مجسم بیان کرده فضیلت ایشان بر تمامی پیامبران دیگر به اثبات رسانده شده است.

## ۶۶-سورة التحريم

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۳ آیت دارد.

آن رازهای بزرگ که سوره گذشته حاکی از آنها بود و آنها در آن کتاب مکشوف کرده شد که بر آن حضور ﷺ نازل آمد اکنون این سوره رازهای کوچک را نیز خاطر نشان میسازد. بعبارت دیگر هم رازهای بزرگ بر آنحضرت ﷺ از جانب عالم الغیب مکشوف کرده شد و رازهای کوچک نیز از جانب عالم الغیب مکشوف کرده شد. پس از روی این معنا این سوره را با سوره قبلی این نسبت است که مَالِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَفِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا یعنی این کتاب عجبی است که هم کوچکترین راز را و هم بزرگترین راز را احاطه کرده است.

در این سوره تذکر از توبه النصوح داده غلامان رسول توصیه شدند که اگر ایشان با صفای باطن توبه کنند آنگاه خدا بر این امر قدرت مند است که تمامی گناهان کوچک و بزرگ ایشان را عفو نماید. علامت از قبول شدن این توبه این بیان شد که توبه کنندگان رو به اصلاح مینهند و روز بروز تواناتر بر ترک گناه میشوند و خدا تمامی زشتیها را از ایشان دور مینماید. این دور ترک بدی در حقیقت ناشی از آن نور بدست آید که ایشان داده خواهند شد مثلاً چنانکه راه رونده ای در تاریکیها از روشنائی درمیآید که او با چه نوعی از مخاطرات روبروی است. پس منظور از تَوَرَّاهُمْ يَسْمَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ اینست که آن نور مدام ایشان را رهنمائی خواهد کرد. در کلمات بِأَيَّانِهِمْ اشاره بدین امر معلوم میشود که دارندگان آن بدیها که جناح چپ خوانده

میشوند به هیچ نوری برخوردار نشوند. نور فقط ایشان ارزانی داشت شوند که همواره درمقابل هربدی، نیکی را برمیگزینند. همانهاستند که برای استواری نیکی، نوری اعطاء کرده شوند که ایشان را استقامت بخشد.

در پایان این سوره مثل از آن دو زن تیره بختان زده میشود که بظاهر بداخل اهل پیغمبران بودند ولی عملاً در انجام وظیفه خودشان خیانت می کردند. دنبال این ذکر از دو زن بسیار پاکدامنان می رود که یکی از آندو با اینکه مسر دشمنی سَقَاک و ستمگر به خدا بود بازهم از ایمان خویش نگه داری کردو دومین حضرت مریم علیهاالسلام بودند که خداوندایشان را وجود اعجازی در صورت حضرت مسیح علیه السلام اعطاء کرد که بنابر هیچ تحریک نفسانی نبود. سپس در آیت آخرین این سوره فرموده شد که خدای متعال در وجودی پاک و درست کردار پدیدآینده در امت محمدی نیز اعجاز خواهد کرد که با این وجود که او هیچ تمایل به مناصبی بلندتر روحانی نخواهد داشت بلکه پیکر فروتنی باشد اما خداوند در او روح خویش را خواهد دمید که در نتیجه آن او یک پیکر روحانی بخشیده شود که مشابه حضرت عیسی علیه السلام خواهد بود. چنانکه فرمود **فَنَنْفَخَنَافِيهِ مِنْ رُوحِنَا** یعنی خداوند روح خود را در مرد مومن خواهد دمید.

☆ سُوْرَةُ التَّحْرِيمِ مَدِيْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

ای پیغمبر! چرا حرام میسازی آنچه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ ۚ

را خدا برای تو حلال کرده است.

تَبَتَّغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ ۖ وَاللَّهُ

تو خوشنودی همسران خود می

خواهی و خدا آمرزنده بارها ترا رحم

غَفُورٌ رَّحِیْمٌ ②

کننده است (۲) ++

خدا برای شما تحلیل کردن قسمهای

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْلِيَةَ أَيْمَانِكُمْ ۚ

[لغو] شما لازم کرده است و خدا

وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۚ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ③

مولای شما است و او صاحب علم

صاحب دانش است (۳) ++

++ آیت ۲: این بحث لازم نیست که همسران را چه چیزی ناپسند بود که رسول خدا

بخاطر آنان بر خود حرام شمرد و هر چه بود خدا آنرا حلال قرار داد. گویی ارشاد

اینست که چیزهای که خداوند بوضوح حرام یا حلال کرد بنده نباید آنرا عوض

کند. مردم میتوانند بمیل خود موجب پسند و ناپسند خود حرام و حلال برگزینند چه

آنها برای دیگران نمونه نیستند ولی آنحضرت ﷺ علی الخصوص فرمان شدند چه

عمل ایشان برای امت خویش اسوه ی است.

++ آیت ۳: اینجا شکستن قسم بدین معنای نیست که قسمی که جداً بخاطر وعده کسی

خورده شود آنها تحلیل کرده شود. بلکه آن قسمها که برای تمویض حرام و حلال

واجب کرده خدا خورده شود میبایستی آنها را تحلیل کنید بلکه فدیة هم بپردازید.



وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ  
حَدِيثًا ۚ فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ  
عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ  
بَعْضٍ ۚ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ  
هَذَا ۚ قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَيْرُ ①

وگامیکه پیغمبر بعضی از همسران  
خود سخنی به راز گفت. پس گاهی  
که او به آن [دیگری را] خبر داد و  
خدا آن [جریان را] بر او [نبی]  
مکشوف ساخت او پاره‌ی از آن  
را [به همسرش] آگاه ساخت و از  
[گفتن] پاره‌ی از آن خود داری  
کرد. پس گامیکه او بدو [همسر  
خود] به آن خبر داد وی گفت. این  
خبر به تو کی داد. او پاسخ داد  
علیم و خبیر مرا خبر داده است (۴)  
اگر شما دوی توبه کنان بسوی خدا  
روی آورید [همین شایسته تر  
است] چه یقیناً دل‌های شما دوی [به  
این خطا] متمایل شده بود و اگر  
شما دوی هم‌دیگر را برخلاف او  
پشتبانی کنید آنگاه بدانید که یقیناً  
خدا یاور او است و جبرائیل و  
[هر کدام] شایسته کار از مومنان  
و علاوه بر آن فرشتگان او را  
پشتبانی میکنند (۵) ++ [ص# ۱۸ ۱۴

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا  
وَإِنْ تَظْهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ  
وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ  
بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ ②

نزدیک است اگر او شما دوی را طلاق دهد پروردگارش همسران نیکوتر از شما برایش عوض کند که مسلمان، مومن، تمکین کننده، توبه کننده، عبادت گذار، روزه گیرنده بیوه یا باکره باشند(۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید جانهای خود و اهل خود را از آتش ننگه دارید که سوخت آن انسانها و سنگها است و بر آن فرشتگانی خشمگین، سخت گیر [مامور] اند. ایشان به خدا نافرمانی نکنند از آنچه او آنان را فرمان کند و بجای آورند آنچه فرمان شوند(۷)

ای کسانی که کفر کردید امروز عذر نیآورید یقیناً فقط عوض آن داده شوید که شما میکردید(۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید با

عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ  
أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ  
قُنَّتِ ثَبَّتِ عِدَّتِ سَخَتْ ثَبَّتِ  
وَأَبْكَرًا ①

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ  
وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ  
وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا  
يَعُصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا  
يُؤْمَرُونَ ⑤

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ  
إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ⑥

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً

++ آیت ۵: این آیت نامهای آندو ام المومنین گفته است که سخنی به راز رسول را افشاکرده بودند. پس امری را که خداوند مخفی داشته است به بنده ای نمیسزد که بخیالش بیفتد.

توبه خالص بسوی خدا روی بیآرید. بعید نیست که پروردگار شما بدی هایتان را از شما دور نماید و شما را بداخل بهشتهای کند که در دامنه آنها نهرهای روانست، روزیکه خدا، رسول و ایشان که با او ایمان آوردند را رسوان کند. نور ایشان بیشرای ایشان و بدست راست ایشان میدود. ایشان گویند که پروردگارا! نور ما را برای ما بکمال برسان و ما را بیآمرز، یقیئاتو بر هرامر مدام قدرتمند ای (۹)

ای پیغمبر! با کفار و منافقان جهاد کن و خلاف آنها سختی کن و ماوی آنها جهنم است و جایگامی بسیار زشت است (۱۰) ++

تَّصَوَّحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَا يَخْزَى اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا لَنَا نُورًا وَافْغِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ①

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۚ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ ۖ وَيُسَّ الْمَصِيرُ ②

++ آیت ۱۰: جهادی که نه از تحریک نفسانی بلکه بخاطر خدا باشد انگاه با دشمن قتال سختی کرده شود هر چند قلب نرم هم باشد. از آیتی دیگر معلوم میشود که فایده سختی اینست، کسانی از دشمنان که شامل قتال نباشند آنان نیز در ترس میشوند و در نتیجه به مسلمانان قتال ناحق نخواهند کرد. بطوریکه فرمود: فَشَرِّدْ بِهِمْ مَن خَلَقْتَهُمْ [الانفال: ۵۸]

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَالْمَرَاتِ  
نُوحٍ وَامْرَأَتِ لُوطٍ ۗ كَانَتَا تَحْتَ  
عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَهُمَا  
فَلَمْ يُعْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا  
النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ ﴿۱۱﴾

خدا برای آنها که کفر کردند مثل  
زن نوح و زن لوط آورده است.  
آندو تحت فرمان دو بنده نیکو  
کاران ما بودند. پس ایندو با آندو  
خیانت کردند. پس آندو نتوانستند  
آندو زن را از گرفت خدا حفظ  
نمایند و گفته شد که مردوی با  
واردان دیگر وارد آتش شوید (۱۱)  
و خدا برای کسانی که ایمان  
آوردند مثل مسر فرعون آورده  
است چون او گفت: ای پروردگار  
من! برای من نزد خودخانه ی  
دربهشت بساز و مرا از فرعون و  
از عملش نجات بده و مرا از قوم  
ستمکاران برهان (۱۲)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا الْمَرَاتِ  
فِرْعَوْنَ ۗ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ  
بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ  
وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۱۲﴾

و مریم دختر عمران [رامثل زده  
است] آنکه فرج خود را نگهداشت.  
پس ما از روح خود کمی در آن  
[کودک] میدیم و [مادر] او کلمات  
پروردگار خود و کتابهای او را  
تصدیق کرد و او از فرمانبرداران

وَمَرِيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ  
فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا  
وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا  
مِنَ الْفَٰئِزَاتِ ﴿۱۳﴾

بود (۱۲) ++

++ ایت ۱۴: در آیتی دیگر مبنی بر همین موضوع فرموده شود *فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا (الانبياء: ۹۲)*. در اینجا منظور از کلمه "فِيهِ" اینست که مومنانی که بطور روحانی از حالت مریمی بگذرند در ایشان نیز روح دمیده شود بعبارت دیگر تمثیلاً ایشان عیسی زمان خود برگزیده خواهند شد.

## ۶۷ - سورة الملك

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۳۱ آیت دارد.

این سوره با آیت تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلِكُ شروع میشود. خدای متعال مَلِكُ کل است و هر چه را بخواهد بر آن توانا است. پس موضوعی شگفت انگیز که در سوره گذشته عنوان شد این کنایه ای بسوی آن معلوم میشود. زیرا که از این پس موضوع پدید آوردن زندگی از مرگ شروع میشود و این اعلام امت محمدی را مژده ای بزرگست که بطوریکه خداوند قدرتمند بر درآوردن زندگان از مردگان صوری است همانگونه او توانا است که مردگان روحانی را نیز دوباره زنده کند.

بلافاصله دنبال آن فرمود تمامی کاینات را در نظر آورده تجسم کنید. آن گواه بریکتائی آفریدگار یگانه میباشد و هیچ نقصی در آن بچشم نمیخورد. اگر این کاینات بخودی خود بوجود آمده بود میبایستی دریک محلی آثار رخنه ای بچشم میخورد. اگر این کاینات را گذشته از خدای متعال شریکش بریافته ای تخلیق کرده بود یقیناً دستوراتی اجرا کرده اش با دستورات خدای یگانه مصادف میشد. پس از این رو تمامی نوع انسان دعوت تفکر داده شدند که براسرار کاینات بارها نظربگمارند. منتها نگاه ایشان در مانده ای حسرت زده بسوی ایشان بر میگردد بی آنکه هیچ شکافی در هیچ جای آن دریافته باشند.

این سوره حاکی از چنان مرغان روحانی است که در فضای وسیع و بسیط آسمان به شرف بلند پروازی نایل میآیند. بطوریکه خدای متعال

مرغان صوری را نیروی پرواز بخشیده و میان زمین و آسان مسخر نموده است بر همین منوال اوبندگان مومن خود را قوه پرواز اعطاء میکند. برعکس جانورانی که بر روی خودشان واژگون راه میروند هیچ رفعت ظاهری و روحانی بدست نمیآرند.

در آخرین آیه این سوره فرموده شد، آب زندگی که از آسان فرومیبارد و پیوسته از آن استفاده میکنید آیا گاهی تدبیر کردید که اگر آن در نتیجه فقدان بارندگی سالهای متوالی از دسترس شما در قعر زمین فرورود آنگاه شما آب زلال را از کجا خواهید آورد؟ پس همچون آب صوری آب روحانی نیز از فضل خاص خدا در دسترس انسان میماند.

☆ سُوْرَةُ الْمَلِكِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اِخْدَى وَثَلَاثُونَ آيَةً وَرُكُوْعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ① بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحمتکننده (۱)

تَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ② بس فقط آن يك پربرکت ثابت شد که پادشاهی در قبضه قدرت او است و او بر هر چیزی مدام قدرتمند است (۲)

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ اَيْكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا ۙ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُوْرُ ③ آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیآزماید که کدام يك از شما نیکوتر در عمل است و او صاحب غلبه کامل آمرزگار است (۳)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوٰتٍ طَبَاقًا ۙ مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِن تَفٰوُتٍ ۗ فَارْجِعِ الْبَصَرَ ۙ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُوْرٍ ④ آنکه هفت آسمان را طبقه به طبقه آفرید. در آفرینش رحمن هیچ تفاوت نمی بینی. نگاه را بگردان پس آیا شکافی را می بینی؟ (۴) ++

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ اِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِئًا ۙ وَهُوَ حَسِیْرٌ ⑤ باز هم دوباره نگاه بگردان. نگاه ناکام بسوی تو بازگردد و آن خسته است (۵)

++ آیت ۴: به انسان اعلام میشود هر چه میتواند بر کائنات تفکر کند اما بعلمت اینکه این تخلیق خدای یکتا است در این هیچ تفاوتی در نخواهد یافت.



ویقیناً آسان نزدیک را با چراغ ما  
 مزیّن ساخته ایم و وسیله راندن  
 شیاطین قراردادده ایم و برای آنها  
 عذاب آتش شعله ور آماده کرده  
 ایم (۶).

و برای کسانی که به پروردگار خود  
 انکار کردند عذاب جهنم است و  
 چه زشت بازگشتگاهی است (۷)  
 چون در آن افکنده شوند صدای  
 خروشدنش را بشنوند و آن بجوش  
 آمده خواهد بود (۸)

نزدیک است که از خشم بشکافد.  
 مرگه گروهی در آن افکنده شود.  
 نگهبانانش بپرسند آیا شمارا بیم  
 دهنده نیامده بود؟ (۹)

گویند: بلی، یقیناً ما را بیم دهنده  
 آمده بود ولی ما [او را] رد کردیم و  
 گفتیم، خدا چیزی را نازل نکرده تو  
 فقط در گمراهی بزرگ هستی (۱۰)  
 و گویند، اگر ما گوش فرامیدادیم و  
 عقل میکردیم ما شامل اهل آتش

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ  
 وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيْطَانِ وَأَعْتَدْنَا  
 لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ⑥

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۖ  
 وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ⑦

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ  
 تَفُورُ ⑧

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ ۖ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا  
 فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ  
 نَذِيرٌ ⑨

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا  
 وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ ۚ إِنْ أَنْتُمْ  
 إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ⑩

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي

نمیشدیم (۱۱)

پس بگناه خود اعتراف کردند.

پس ملاک باد اهل آتش را (۱۲)

یقیناً کسانی که از پروردگار خود  
درغیب میترسند ایشانرا آمرزش

و پاداشی بزرگ است (۱۳)

و سخن خود را پنهان کنید یا آن  
را عیان کنید یقیناً او به امور

سینه ما مدام آگاه است (۱۴)

آیا آنکه خلق کرد نمیداند؟ حالانکه

اودقیق بین مدام آگاه است (۱۵)

اوست آنکه زمین را مطیع شما

ساخت . پس بر راه های او بروید

و از رزق او بخورید و بسوی او

برخیزانند است (۱۶)

آیا ایمن اید از آنکه در آسمان است

تا شما را در زمین فروبرد پس

بناگاه آن بلرزد (۱۷)

آیا شما ایمن اید از آنکه در آسمان

است که از آسمان بر شما بادی تند

سنگریزه افشان بفرستد؟ آنگاه

أَصْحَابِ السَّعِيرِ ۝۱۱

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ ۖ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ

السَّعِيرِ ۝۱۲

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ

مَغْفِرَةٌ ۖ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۝۱۳

وَأَسْرُوقًا لَكُمْ وَأَوْجَهُرُ وَايَهُ ۖ إِنَّهُ

عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝۱۴

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ ۖ وَهُوَ اللَّطِيفُ

الْخَبِيرُ ۝۱۵

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا

فَامشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ۖ

وَالِيهِ النُّشُورُ ۝۱۶

ءَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ

الْأَرْضَ فَإِذْ هِيَ تَمُورُ ۝۱۷

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ

عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ

نَذِيرٌ ⑧

بدانید که بیم دادن من چگونه  
بود (۱۸)

و براستی تکذیب کرده بودند آنها  
که پیش از آنان بودند. پس عقوبت  
من چه سخت بود؟ (۱۹)

آیا پرندگان را پرپهن کرده و جمع  
کرده فراز خود ندیدند؟ آنها را  
هیچ نگهدارنده نیست جز رحمان.  
یقیناً او هر چیزی را بدقت بینا  
است (۲۰) ++

یا کیستند اینهایی که بعنوان  
لشکر شما در مقابل خدا شما را  
یاری دهند؟ کافران فقد در فریبی  
بزرگ هستند (۲۱)

یا کیستند اینهایی که شما را رزق

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ  
كَانَ نَكِيرٍ ⑨

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَّتْ  
وَيَقْبِضَنَّ ۗ مَا يُمِسُّهُنَّ إِلَّا  
الرَّحْمَنُ ۗ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ⑩

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدُكُمْ يَنْصُرُكُمْ  
مَنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ۗ إِنَّ الْكٰفِرُونَ إِلَّا فِي  
عُرُورٍ ⑪

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ

++ آیت ۲۰: نسبت به پرواز کردن پرندگان در آسمان و مسخر شدن آنها در  
هوامعنای دقیق همراه دارد. ساخت مرغان خصوصاً بربنای چنین اس اساس است تا  
بتوانند در هوا پرواز کنند. این فقط حادثه‌ی نیست. سرعت پرواز بعضی از مرغان  
شکارچی تا حد دویست میل در ساعت میرسد و بعلمت ساخت آنها این سرعت موجب  
هیچ گزندی به آنها نمیشود. زیرا که باد به بیخ و سر آنها خورده به چهارسو پخش  
میگردد و با همین سرعت پرواز کنان آنها مرغان دیگر را شکار هم میکنند.

رِزْقَهُ ۱۳ بَلْ لَجَّوْا فِي عُتُوِّ وَتُفُورٍ ۱۳

دهند اگر او رزق خود را بازدارد  
بلکه اینها در سرکشی و نفرت  
بایداری میکنند (۲۲)

أَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ  
أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ  
مُّسْتَقِيمٍ ۱۴

پس آیا آنکس که در جهالت خود  
سرگشته راه رود هدایت کرده تر  
است یا آنکه راست بر راه مستقیم  
می رود؟ (۲۳)

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ  
السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا  
تَشْكُرُونَ ۱۵

بگو اوست آنکه شما را پدید آورد و  
برایشما گوشها و چشمها و دلهای  
ساخت. کم تراست آنچه سپاس می  
گویید (۲۴)

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ  
تُحْشَرُونَ ۱۶

بگو اوست آنکه شما را در زمین  
تخم پاشی کرد و بسوی او جمع  
کرده شوید (۲۵)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ ۱۷

و میگویند، انجام این وعده تا  
بچند میکشد اگر شما راستگویان  
اید؟ (۲۶)

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ ۖ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ  
مُّبِينٌ ۱۸

بگو علم کامل فقط نزد خدا است  
و من فقط بیم دهنده آشکارم (۲۷)

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ

پس هرگاه آنها آنرا نزدیک بینند  
چهره های کسانی که کفر کردند زشت

گردد و خطاب شود همانست آنکه  
را طلب میکردید (۲۸)

بگو. حالی کنید اگر خدا هلاک کند  
مرا و آنانرا که بامن اند یا ما را  
ترحم کند پس کیست که کافران  
را از عذابی دردناک نجات دهد؟ (۲۹)  
بگو. همان رحمن است. ما بر او  
ایمان آوردیم و بر او توکل  
کردیم. پس بزودی شما بدانید  
کیست که در گمراهی آشکار مبتلا  
است؟ (۳۰)

بگو حالی کنید که اگر آب شما در  
زمین فرو رود آنگاه کیست که  
شمارا آبی چشمه ها بیاورد؟ (۳۱)

كُفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ  
تَدْعُونَ ﴿٢٨﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِی اللَّهُ وَمَنْ مَعِیَ  
أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ یُجِیرُ الْکَافِرِینَ مِنْ  
عَذَابِ الْیَوْمِ ﴿٢٩﴾

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا  
فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ ﴿٣٠﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا  
فَمَنْ یَأْتِیْكُمْ بِمَاءٍ مَّعِینٍ ﴿٣١﴾

## ٦٨- سورة القلم

این سوره در صدر دوره مکه نازل شد و با بسم الله ٥٣ آیت دارد. این آخرین سوره است که با حروف مقطعات شروع میشود. این با حرف "ن" شروع میشود که يك معنا اش دوات است و نویسندگان با قلم همگان محتاج دوات میباشند. دوره تمامی پیشرفتهای انسان از پادشاهی قلم شروع میشود. اگر هنر تحریر از پیشرفتهای انسان برداشته شود آنگاه او بسوی جهالت برگردد و دیگر هرگز پیشرفت علمی نصیب او نخواهد شد. دومین منظور از این آن پیغمبران خدای اند که "ذوالنون" خوانده میشوند. بعنوان مثال حضرت یونس علیه السلام که ذکر از ایشان نیز در همین سوره بدین ترتیب رفته است که آن چه واقعه ای گذشته بود که در نتیجه آن بعثت وارد نه آمدن عذاب خدا بر قوم خویش به آنچه آنان هشدار داده شده بودند، ایشان دل خود گرفته باین نیت قریه خودش را ترك کردند که آینده هیچگاه نخواهند توانست روی به قوم خویش بیآرند. آنگاه خداوند ایشان را این درس عبرت آموخت که گاهی عذاب ناشی از توبه برگشت نیز داده میشود و خداوند بدیشان این دعا نیز آموخت "لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ [سورة الانبياء ٨٨]" یعنی تو از هر ناتوانی پاک هستی یقیناً من ستمگر بودم که آزمند عذاب بر قومی توبه کننده شده بودم. در این سوره حرف "ن" بتکرار ذکر کرده میشود که به مضامین این سوره کاملاً مطابقت دارد و هیچ جای هم موضوع سوره و این حرف از هم ناجور درآمده بچشم نمیخورد.

☆ سُورَةُ الْقَلَمِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحمکنده (۱)

نَ سَوَّغْتَ بَقْلَمٍ وَ أَنْجَه رَا مِی

نَ وَ اَلْقَلَمِ وَ مَا یَسْطُرُونَ ②

نویسند (۲)

که تو بنعمت پروردگار خود دیوانه

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ③

نیستی (۳)

و یقیناً تو را مزدی لامتناهی

وَ اِنَّ لَكَ لَ اَجْرًا غَیْرَ مَمْنُونٍ ④

است (۴)

و یقیناً تو بر خلقی بزرگ استوار

وَ اِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ⑤

مستی (۵)

پس هم تو بیستی و هم آنها بیینند (۶)

فَسَبِّصْ وَ یَبْصُرُونَ ⑥

که از شما مفتون است (۷)

بِ اَسْبَاطِكُمُ الْمَفْتُونُونَ ⑦

یقیناً پروردگارتو داناتر به آنست

اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ

که از راهش گمراه گشته و او به

سَبِيلِهِ ⑧ وَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ⑧

هدایت یافتگان نیز داناترست (۸)

پس دربی مکتدیان نرو (۹)

فَلَا تُطِيعِ الْمُكَدِّبِينَ ⑨

آنها میخوانند تو مدانه کنی پس

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ⑩

آنها هم مدانه کنند (۱۰)

و هر کدام پیوسته سوگند خورنده

وَ لَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ⑪

ای پست را اطاعت نکن (۱۱)  
 (که) سخت عیبجو، سخن چینی کنان  
 بسیار راه رونده است (۱۲)  
 (که) بازدارنده از خیر و تجاوزگر،  
 سخت گناه کار است (۱۳)  
 شدیداً سختگیر و علاوه بر آن  
 حرام زاده است (۱۴)  
 تنها برای این [تکبر کند] که او ثروت  
 مند و دارای فرزندان است؟ (۱۵)  
 هنگامیکه آیت‌های مابر او تلاوت  
 شود میگوید اساطیر پیشینیان  
 است (۱۶)  
 یقیناً بر بینی اش داغ نهیم (۱۷)  
 یقیناً ما آنها را آزمایش کردیم آن  
 طور که باغداران را آزمایش کرده  
 بودیم چون آنها قسم خوردند که  
 حتماً سپیده دم آنها درو کنند (۱۸)  
 و استثناء نمی‌کردند [انشا الله  
 نمی‌گفتند] (۱۹)

پس از پروردگارتو بر آن [باغ]  
 آفتی دور زنده دور زد در حالیکه

هَمَّا زِمَّ شَاءَ بِمَيْمٍ ۱۱

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ آئِيْمٍ ۱۲

عُتِلِّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيْمٍ ۱۳

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِيْنٍ ۱۴

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ  
 الْأَوَّلِيْنَ ۱۵

سَنَسِيْمُهُ عَلَى الْخُرْطُوْمِ ۱۶

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ  
 الْجَنَّةِ ۱۷ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا  
 مُصْبِحِيْنَ ۱۸

وَلَا يَسْتَنْوُونَ ۱۹

فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ



تَأْمُونَ ﴿۲۰﴾

ایشان خواب بودند (۲۰)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿۲۱﴾

پس آن [باغ] همچون بریده شده

گردید (۲۱)

فَتَنَادُوا مُصْحِحِينَ ﴿۲۲﴾

پس فجر بهمدیگرندازدند (۲۲)

أَنْ أَعِدُّوا عَلَيَّ حَرْشِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

که بامداد سرکشتی خود بروید

اگر شما دروندگانید (۲۳)

صَرِيمِينَ ﴿۲۳﴾

پس آنان روانه شدند و بهمدیگر

سرگوشی حرف میزدند (۲۴)

فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ﴿۲۴﴾

که امروز هیچ مستندی برخلاف

میل شما بداخل نیاید (۲۵)

أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ﴿۲۵﴾

و صبحگاه رفتند بقصد ندادن چیزی

بکسی (۲۶)

وَعَدُّوا عَلَيَّ حَرْدِ قَدِيرِينَ ﴿۲۶﴾

پس چون آن [باغی] را روئت

کردند گفتند، یقیناً ما تباه و نابود

شدیم (۲۷)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَأَصَاوُونَ ﴿۲۷﴾

بلکه ما محروم شدگانیم (۲۸)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿۲۸﴾

نیکوترین آنان گفت، آیا شما را

نگفته بودم که چرا تسبیح نمی

گوئید (۲۹)

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا

گفتند، پاکست پروردگار ما یقیناً

ما ستمگران بودیم (۳۰)

تُسَبِّحُونَ ﴿۲۹﴾

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۳۰﴾

پس بر هدیگر ملامت کنان  
رفتند (۳۱)

گفتند، وای بر مابیکمان ما سرکش  
بودیم (۳۲)

بعید نیست خدا برای ما نیکوتر  
از آنها بدل کند. یقیناً ما بسوی  
خدا میل کنندگانیم (۳۳)

عذاب همینطور میباشد و البته  
عذاب آخرت بزرگترست. کاشکی  
میدانستند (۳۴)

یقیناً متقیان را نزد پروردگارانیشان  
بهشتهای پر نعمت است. (۳۵)

آیا ما فرمان برداران را مانند  
مجرمان بگزینیم؟ (۳۶)

چيست شمارا؟ چطور قضاوت می  
کنید؟ (۳۷)

آیا شما را کتابی است که در آن  
می خوانید (۳۸)

یقیناً شمارا در آنست آنچه را  
دوست دارید (۳۹)

آیا در حق شما بر ماسوگندهای است

فَأَقْبَل بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ ﴿۳۱﴾

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طُغْيَانًا ﴿۳۲﴾

عَسَى رَبَّنَا أَنْ يُبدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى  
رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿۳۳﴾

كَذَلِكَ الْعَذَابُ ۗ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ  
أَكْبَرُ ۗ لَوْ كُنُوا يَعْلَمُونَ ﴿۳۴﴾

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتِ  
التَّحِيمِ ﴿۳۵﴾

أَفَجَعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿۳۶﴾

مَا لَكُمْ ۖ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿۳۷﴾

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿۳۸﴾

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿۳۹﴾

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ مِنَّا بِالْعَهْدِ إِلَى يَوْمِ

که [مارا] تا قیامت پایبند کند که  
یقیناً اختیار شما است هرچه  
فیصل دهید؟ (٤٠)

بپرس از آنان کدامی از آنان به  
این امر ضامن است؟ (٤١)  
آیا در حق ایشان شریکانند؟ پس  
باید شریکان خود را بیارند اگر  
راست گویان اند (٤٢)

روزیکه با آشفتنگی مواجه گردنست  
و بسجده کردن خوانده شوند پس  
طاقات نخواهند آورد (٤٣)

دیدگان آنها فرومشته باشد و ذلت  
آنها را فراگیرد و یقیناً به سجده  
ها فرا خوانده میشوند در حالیکه  
آنان تندرستان بودند (٤٤)

پس تو بگذار مرا و آنکه به این  
بیان تکذیب کند. ما آنها را تدریجاً  
بطوری بگیریم که متوجه هم  
نشوند (٤٥)

و من به آنها مهلت میدهم. تدبیرم  
بیگمان بسیار برقرار است (٤٦)

الْقِيَةِ ۱۱ إِنَّ لَكُمْ لَمَاتًا تَحْكُمُونَ ۱۰

سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمًا ۱۱

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ ۚ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ  
إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ۱۱

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى  
السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۱۲

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ  
وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ  
سَلِيمُونَ ۱۱

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ ۱  
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۱۱

وَأُمْلِي لَهُمْ ۱۱ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ۱۱

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثَقَّلُونَ ﴿۴۷﴾

آیا تو از ایشان مزدی میخواهی که از غرامت گرانبارانند؟ (۴۷)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿۴۸﴾

آیا آنرا علم نمان است که آنان [آن را] مینویسند؟ (۴۸)

فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿۴۹﴾

پس برای فرمان پروردگار خود صبر کن و همچون صاحب ماهی مباش چون او ندا کرد و او پُر اندوه بود (۴۹)

لَوْلَا أَنْ تَدْرَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَمُبْدَى بِالْعُرَىٰ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿۵۰﴾

اگر نعمت پروردگارش او را در نمیرسیدحتماً او را بدستی لخت و لم یزرع درحالی میفکندیم که او ملامت زده بود (۵۰)

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۵۱﴾

پس پروردگارش او را برگزید و او را از نیکوکاران شمرد (۵۱)

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُرَ لِقَوْنَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿۵۲﴾

و بعید نیست از آنانکه کفر کردند چون ذکر را بشنوندیقیناً تو را با [قهر] چشمان خود بلغزانند و گویند یقیناً او دیوانه است (۵۲)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۵۳﴾

حالانکه نیست آن جز نصیحت برای همه جهانها (۵۳)

## ۶۹-سورة الحاقه

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۵۳ آیت دارد.

سورة القلم عبارت از این موضوع بود که وقتی ما مکذبان پیغمبران خود را فرصت میدهیم آن برای اینست تا پیمانہ گناہان آنها لبریزشود و سپس میچکس نمیتواند آنها را از گرفت خدای متعال برہاند.

این سوره نیز حاکی از حالت آن قومهای است که از جانب خدا بارها فرصت داده شدند اما وقتیکه پیمانہ گناہان ایشان لبالب شد آنگاه ساعت مواخذہ آنها در رسید.

عذابی که خداوند به آنحضرت ﷺ اشاره فرمود که ایشان از آن نوع انسان را بترسانند آن از جمله ادیان بستگی تنها به پیروان دین مخصوصی ندارد بلکه هرکدام متنبہ بحیثیت انسان ساخته میشود. گامیکه آن واقعه واقع شود انسان از روی دیدگاه دنیائی نیز خواهد پنداشت گویی که زمین و آسمان شکافته شده اند. هنگام بعثت ثانی انسان نیز این هشدار مجدداً راست خواهد آمد که نه او را تعلق زمینی نجات بخشد و نه تعلق آسمانی و منتها به جهنم افکنده شود.

سپس خداوند يك گواهی بزرگ را ارائه میدهد هم به تکمیل آن امور که تاحدی بچشم انسان میخورد و هم به آن امور که نگاه انسان به آنها نمی رسد یعنی اینکه سخنان رسول الله ﷺ کلمات رسولی امین گرامی است و آنها نه کلام شاعری سرگشته است و نه کلامی بیہوا از گامنی است. بلکه این تنزیلی از پروردگار همه جهانہایست.

در آخرین آیه این سوره چنین پیمانه ای نسبت به سنجیدن راستی آنحضرت ﷺ ارائه داده میشود که دشمن نمیتواند ردّش کند. دشمن متنبه ساخته میشود که از نظر شما که آن رسول ﷺ این کتاب مقدس را از خود بربافته است حالانکه اگر او بر خدا کوچکترین دروغی را هم بهم بافته بود آنگاه یقیناً خدا او و سلسله اش را بهلاکت میکشید. اگر خدا اینطور فیصل میداد هیچکدام از شماها نمیتوانست او را نجات دهد. بعبارت دیگر خداوند در مقابل همه نیروهای شما او را یاری داده نجات میدهد. یقیناً این بر رسالت خدای وی گواهی کشفی است. یعنی این کلام خداوند "كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي [المجادلة ۲۲]" در حق او آشکارا راست آمده است.

☆ سُورَةُ الْحَاقَّةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

حتمی الوقوع (۲)

الْحَاقَّةُ ①

حتمی الوقوع چیست؟ (۳)

مَا الْحَاقَّةُ ②

تو را چه چیزی بفهماند حتمی  
الوقوع چیست؟ (۴)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ③

ثمود و عاد به آفتی هولناک انکار  
کرده بودند (۵)

كَذَّبَتْ ثَمُودٌ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ④

پس باتوجه به ثمود پس آنها با  
آفتی سرکش هلاک کرده شدند (۶)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَاهُ اللَّهُ وَقَوْمَهُ ابِلَاطِغِيَّةَ ⑤

و باتوجه به عاد آنها هلاک کرده  
شدند با بادی تندوز که پیوسته  
از حد درگذرنده بود (۷)

وَأَمَّا عَادٌ فَاهْلَكُوهَا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ  
عَاتِيَةٍ ⑥

[خدا] آنرا هفت شب و هفت روز  
متوالی بر آنها مسلط نمود [که آنها  
را] بریده از میان میبرد. پس  
قوم را در آن بخاک افتاده دیدی  
آنها همچون ساقه درخت خرما  
توخالی بودند (۸)

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمِينَةَ  
آيَاتٍ ⑦ حُسُومًا ⑧ فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا  
صَرْعَى ⑨ كَالَّذِينَ هُمْ عَنْ حُلِيِّ خَاوِيَةٍ ⑩

فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ يَاقِينَةٍ ⑩

پس آیا از آنها بازمانده میبینی؟ (۹)  
و آمد فرعون و آنها که قبل از او  
بودند و شهرمائی بعلت گناه کاریها  
زیرو رو شده (۱۰)

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَتِ  
بِالْحَاطِطَةِ ⑪

پس آنان رسولِ پروردگار خود  
را نافرمانی کردند. پس خدا آنها را  
به گرفتی سختتر بگرفت (۱۱)

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً  
رَّابِيَةً ⑫

یقیناً ما شما را گامیکه آب طغیان  
کرد در کشتی برداشتیم (۱۲)

إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي  
الْجَارِيَةِ ⑬

تا آنها برای شما یادآوری قرار  
دهیم و گوش های فرا گیرنده آن  
را فرا گیرد (۱۳)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أذُنٌ  
وَاعِيَةٌ ⑭

پس گامیکه ناگهان در صورت میدگی  
برزور دمیده شود (۱۴)

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةً وَاحِدَةً ⑮

و زمین و کوهها برداشته و یکپو  
از هم پاشیده شوند (۱۵)

وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا  
دَكَّةً وَاحِدَةً ⑯

پس آنروز حتمی الوقوع حتماً  
صورت وقوع حاصل کند (۱۶)

فِيَوْمٍ مَيِّدٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ⑰

و آسان بشکافد پس آنروز آن  
وامی باشد (۱۷) ++ [ص# ۱۴۴]

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ⑱

و فرشتگان بر اطراف آن باشند و

وَأَمَلَكْتُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ



عَرْشِ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ مَّيْمِينَهُ ۝ ط

آنروزفوق آنان عرش پروردگار  
تورا هست [صفت] بردارند (۱۸) +

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ  
خَافِيَةٌ ۝ ۱۹

آنروزشما عرضه داشته شوید. هیچ  
راز داری از شما پنهان نماند (۱۹)

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَيَقُولُ  
هَآؤُمَّا أَقْرَبُ وَأَكْبَىٰ ۝ ۲۰

پس آنکس که نامه اعمالش بدست  
راستش داده شود پس گوید،  
بیایید بگیرد نامه اعمالم را و  
بخوانید (۲۰) ++

++ آیت ۱۷: این آیه مربوط به رویدادهای زمینی است زیرا که در روز قیامت آسمان  
را شکافتن مانند پارچه خارج از موضوع است. آنروز که نه این زمین است و نه آسمان.  
++ آیت ۱۸: کسی را از این آیت گمان نگذرد که فرشتگان را نیرو همچون نیروی  
مادی در دست است و عرش را بوسیله آن برداشته اند. عرش که مانند چیزی مادی  
نیست که برای برداشتن آن نیروی مادی را نیاز دارد. واقعیت این است که فقط  
خدا بثنهائی هر چیز را برداشته است یعنی هر چیز به او تکیه زده است.  
حضرت مسیح موعود میفرمایند، عرش نام از مقام تنزه و تقدیس خدای متعال است  
و دال بر حالت وراء تر بودن او میباشد. چهار صفت الهی مذکور در سورة الفاتحة  
یعنی رب، رحمن، رحیم و مالک یوم الدین موسوم به چهار فرشته میشوند. این چهار  
صفت عرش او را برداشته اند. بعبارت دیگر در این دنیا وجود مخفی او را  
بوسیله این چهار صفت میتوان معلوم کرد و این معرفت در عالم آخرت دو  
برابر افزایش خواهد یافت. گویی که بجای چهار فرشته هشت فرشته خواهند شد.  
++ آیت ۲۰: هَآؤُمَّا : مَا كَلِمَةً فِي مَعْنَى الْاِخْتِذِ. وَ يُقَالُ هَآؤُمَّ وَ هَآؤُمَا (مفردات امام  
راغب رح) هَآؤُمَّ را معنا است بگیرد.

یقیناًن امید داشتیم که حساب

خود را روبرو بیننده ام (۲۱)

پس او درزندگی خوش و پسندیده

باشد (۲۲)

در بهشتی بلند و بالا (۲۳)

خوشه هایش به نزدیک باشد (۲۴)

با مزه خوش بخورید و بیاشامید

به بدل آن اعمال که در روزهای

گذشته بحامیآوردید (۲۵)

و اما آنکه نامه اعمالش در دست

چپش داده شود او گوید، کاشکی

نامه اعمال داده نمی شدم (۲۶)

و نمیفهمیدم حسابم چیست (۲۷)

ای کاش [آن ساعت] قضیه را تصفیه

کننده بود (۲۸)

مالم هیچ بکارم نیآمد (۲۹)

غلبه من از من برباد رفت (۳۰)

اورا بگیرید و طوقش کنید (۳۱)

بازاورا بداخل جهنم افکنید (۳۲)

بازاورا در زنجیری که طولش هفتاد

ذراع است منتها اورا بکشید (۳۳)

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلِقٌ حِسَابِيَةَ ۝

فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ ۝

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۝

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ

فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۝

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ ۙ

فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لِمَ أُوتِيَ كِتَابِيَةَ ۝

وَلَمْ أَدْرِمَا حِسَابِيَةَ ۝

يَلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ۝

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَةَ ۝

هَلَكْتُ عَنِّي سُلْطَانِيَةَ ۝

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ۝

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ۝

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا

فَأَسْلُكُوهُ ۝

یقیناً او به خدای صاحب عظمت  
ایمان نیآورد (۲۴)

ونه به تغذیه کردن مسکین تشویق  
مینمود (۳۵)

پس امروز اینجا او را هیچ دوست  
صمیمی نباشد (۳۶)

و نه غذایی است جز از آب غسل  
زخمها (۳۷)

نمیخورد آنرا جز خطا کاران (۳۸) ع  
پس باش امن قسم میخورم به آنچه  
شما میبینید (۳۹)

و آنچه را شما نمی بینید (۴۰)  
یقیناً این سخن رسولی صاحب  
عزت است (۴۱)

و گفتار شاعری نیست. بسیار کم  
است آن ایمان که میآرید (۴۲)

و نه حرف کاهنی است. بسیار کم  
است بندی آنچه میپذیرید (۴۳)

تنزیلی از پروردگار جهانهاست (۴۴)  
و اگر بمض سخنان را بدروغ بر

ما میبست (۴۵) ++

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۝۴

وَلَا يَخْضَعُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ۝۵

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ لَهُمْ نَا حَمِيمٌ ۝۶

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلِ ۝۷

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ۝۸

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصَرُونَ ۝۹

وَمَا لَا تُبْصَرُونَ ۝۱۰

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝۱۱

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ ۝ قَلِيلًا مَّا  
تُؤْمِنُونَ ۝۱۲

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ ۝ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۝۱۳

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝۱۴

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۝۱۵

حتماً او را از دست راست می  
گرفتیم (۴۶) ++

لَاخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٦﴾

سپس حتماً رگ جان او را قطع  
میکردیم (۴۷) ++

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٧﴾

پس هیچکس از شما [مارا] از او  
باز دارنده‌ی نبود (۴۸) ++

فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿٤٨﴾

و یقیناً این متقیان را پندی  
بزرگ است (۴۹)

وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾

و یقیناً ما میدانیم که میان شما  
تکذیب کنندگان نیزاند (۵۰)

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ ﴿٥٠﴾

و یقیناً این بر کافران حسرتی  
بزرگست (۵۱)

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٥١﴾

و یقیناً آن حق الیقین است (۵۲)

وَإِنَّهُ لِحَقِّ الْيُقِينِ ﴿٥٢﴾

پس نام پروردگار خود صاحب  
عظمت را تسبیح بگو (۵۳)

ع  
١٥  
١

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٥٣﴾

++ آیات ۴۵- ۴۸: در این آیتها رد به این سوء تفاهم است که وحی را بدروغ به خدا نسبت دهنده را نیروی دنیائی میتواند نجات دهد. درحقیقت باآنکه مدعیان دروغین را نیروی دنیائی پشتبانی میکند بازهم آنها و پشتبانان آنها به نابودی کشیده میشوند. پس این دلیل به صداقت آنحضرت ﷺ استوار و بزرگی است. چه تمامی سرزمین عرب پس از دعوی پیغمبری بمخالفت ایشان برخاسته بودند. این آیت عبارت از این نکته باریک است که اگر تمامی اعراب بجای مخالفت به حمایت ایشان برمیخواستند اگر ادعای ایشان با دروغ آمیخته بود هرگز نجات از نابودی ممکن نبود.

## ٧٠- المعارج

این سوره درمکه نازل شد و با بسم الله ٤٥ آیت دارد. همان درنخستین آیه این سوره خدای متعال به چنین عذابی هشدار داده است که کافران نمیتوانند جلوی آنرا بگیرند.

باز خداوند "ذی المعارج" قرار داده میشود یعنی بلندی او را بر آسمانی طبقه به طبقه تدبیر کرده میتوان تاحدی درک کرد وگرنه بلندیهایی او را هیچکس نمیتواند پی برد. آن بلندی که در اینجا مذکور است بر آن چنین گواهی علمی یافت میشود که ذکرش در آیت *خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ* این سوره رفته است یعنی فرشتگان بسویش در پنجاه هزار سال عروج میکنند. اینک در پنجاه هزار عروج کردن را میتوان دو معنا کرد-

اول بظاهر پنجاه هزار سال و اگر این معنا گرفته شود در اینصورت نیز بیگمان پس از پنجاه هزار سال چنین تبدیلی آب و هوا پدید میآید که سراسر زمین با برفی توده شده فراگرفته میشود و تخلیق را آغاز از نو میشود.

دوم اینکه اینجا *مَاتَعَدُونَ* فرموده نشده است. اگر آیتی دیگر از قرآن که در آن ذکر از هزار سال رفته است با این آیت بهم خوانده شود این مطلب درمیآید که اگر هزار سال طبق شمارش شمارمردم شمار کرده شود يك روز خداوند معادل آن هزار سال میباشد و اگر هر يك روز با تعداد روزهای يك سال ضرب داده شود آنگاه عددی که در میآید آن مدت روزهای خدا را تعیین مینماید. پس از روی این حساب اگر پنجاه هزار سال را با روزهای خدا

ضرب داده شود آنگاه عدد هیجده الی بیست بلیون سال درمیآید و این نزد پژوهندگان علم عمر کاینات است.

$$[18,250,000,000 = 365 \times 50000 \times 1000]$$

یعنی هرکدام کاینات به این عمر رسیده در نیستی غرق میشود و پس از آن وجودش از نیستی دوباره آفریده میشود.

این مدت آنقدر طولانی است که انسان اینرا دورادور میپندارد. اما گامیکه عذاب واقع شود پس آن ساعت بسیار نزدیک دیده خواهد شد. آن چنین عذابی است که انسان تلاش کند که نزدیکان و جان و مال و منال و هرچیزی دیگر را درمقابل آن فدا داده از آن نجات بدست آرد اما این امکان پذیر نخواهد شد. بلی! اگر قبل از این عذاب مومنان دارای این صفات باشند که ایشان بر نماز پایدارند و آنرا بتفکر ادا میکنند و علاوه بر این برای نگهداری از پاکیزگی خویش آن شرایط را تکمیل میکنند که بر ایشان واجب گردانده شد آنگاه ایشان آن خوش بختان هستند که از عذاب نجات داده خواهند شد.

باز آیه ٤٢ به این امر هشدار میدهد که خدا از شما بی نیاز است. پس اگر شما دست از فسق و فجور برنمیدارید آنگاه خدا بر این امر توانا است که بجای شما مخلوقی دیگر را بیآرد. پس این سوره، با تذکر عذابی که خبر از واقع شدن آن داده شد، پایان میپذیرد.

☆ سُوْرَةُ الْمَعَارِجِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

پرسنده ی درباره عذابى حتى

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ①

الوقوع پرسیده است (۲)

نیست آنرا برای کافران دور

لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ①

کننده ای (۳)

از جانب خدای صاحب همه بلندیها

مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ①

است (۴)

فرشتگان و ارواح بسوی او بالا

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ

میروند در روزی که شمار آن

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ①

پنجاه هزار سال است (۵)

پس صبر کن صبری نیکو (۶)

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ①

البته آنها آنرا به دور مینگردند (۷)

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ①

وما آنرا بنزدیک مینگریم (۸)

وَتَرَاهُ قَرِيبًا ①

روزیکه آسمان همچون مس

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ①

گداخته ای بشود (۹)

و کوهها همچون پشم زده ای

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ①

بشوند (۱۰)

و هیچ دوست صمیمی از دوست

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ①

صیمی [احوال] نپرسد (۱۱)

آنان بدیشان بنمایش گذارده  
شوند. مجرم آرزو کند کاشکی از  
عذاب آنروز نجات یابد فدا داده  
پسران خود را (۱۲)

و همسر خود و برادر خود را (۱۳)  
و قبیله خویش را که او را پناه  
میداد (۱۴)

و هر که در زمین است جمیع را.  
باز آن [فدیه] اورانجات دهد (۱۵)  
آگاه باش! یقیناً آن زبانه آتش بی  
دود است (۱۶)

برگننده پوست است (۱۷)  
آن فرا میخواند آنرا که پشت  
برگرداند و روی برتابید (۱۸)  
و جمع کرد پس احتکار نمود (۱۹)  
یقیناً انسان سخت حریص آفریده  
شد (۲۰)

هرگاه او را شری برخورد کند  
سخت ناله کننده است (۲۱)  
و هرگاه به او نعمت برسد سخت

يُبَصِّرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي  
مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَيْنِيهِ ۱۱

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ۱۲  
وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ۱۳

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنَجِّيهِ ۱۴

كَلَّا إِنَّهَا لَأَنْظَى ۱۵

نَزَاعَةَ اللَّشْوَى ۱۶

تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى ۱۷

وَجَمَعَ فَأَوْعَى ۱۸

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ۱۹

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ۲۰

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَبُوعًا ۲۱



إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿۲۲﴾

بخل کننده میشود (۲۲)

جز نمازگذاران (۲۳)

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾

آنانکه بر نماز خود برقرار اند (۲۴)

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿۲۴﴾

آنانکه در مالهای ایشان حتی

معیّن است (۲۵)

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿۲۵﴾

برای سؤال کننده و بینوا (۲۶)

و آنانکه به روز جزاء تصدیق

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۲۶﴾

کنند (۲۷)

و آنانکه از عذاب پروردگار خود

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ

میترسند (۲۸)

مُشْفِقُونَ ﴿۲۸﴾

یقیناً عذاب پروردگار ایشان است

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَا مُنُّوا ﴿۲۹﴾

که از آن در امان نتوان شد (۲۹)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُجُورِهِمْ حَفِظُونَ ﴿۳۰﴾

آنانکه فجای خود را نگهدارندگان

اند (۳۰)

إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

جز همسران خود یا آنهایی که دست

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿۳۱﴾

راست ایشان مالک شد. پس یقیناً

آنان مورد ملامت نیستند (۳۱)

فَمَنْ ابْتغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

پس آنکه خواست [چیزی] جز آن

الْعَادُونَ ﴿۳۲﴾

پس همانها تجاوزگران اند (۳۲)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ

و آنانکه به امانات خود و پیمان

رَاعُونَ ﴿۳۳﴾

های خود رعایت کنندگانند (۳۳)

وَأَنانِكِهٖ بَرِگَوامِ مای خود استوار  
اند (٢٤)

وَأَنانِكِهٖ بَرنامازهای خود نگهداران  
اند (٢٥)

همانها در بهشتها احترام شدگان  
اند (٢٦)

پس چه شده بود آنها را که کفر  
کردند که به تو پرشتاب می  
آمدند (٢٧)

از سمت راست و از سمت چپ  
گروه در گروه (٣٨)

آیامر کدام از ایشان امید دارد که  
به داخل بهشتی برنعمت کرده  
شود (٣٩)

هرگز نه. یقیناً ما ایشان را آفریده  
ایم از آنچه میدانند (٤٠)

پس باش! من به پروردگار خاوران  
وباختران قسم میخورم بیقین ما  
حتماً توانا هستیم (٤١) ++

براینکه (بجای آنان) نیکوتر از آنان  
بدل کنیم و پیشی گرفتن بر ما

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِمْ قَائِمُونَ ﴿٢٤﴾

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ  
يَحَافِظُونَ ﴿٢٥﴾

أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾

فَعَمَّالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مَهْطَعِينَ ﴿٢٧﴾

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ﴿٣٨﴾

أَيُّطَمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ  
جَنَّةَ نَعِيمٍ ﴿٣٩﴾

كَلَّا! إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ﴿٤٠﴾

فَلَا أَقْسَمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ  
إِنَّا لَقَدِرُونَ ﴿٤١﴾

عَلَىٰ أَنْ تُبَدَّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ ۗ وَمَا نَحْنُ  
بِمَسْبُوقِينَ ﴿٤١﴾

غیر ممکن است (۴۲) ++

پس بگذار آنها را غرق به مرزه  
گویی و بازی کنان تا آن انتها که  
آنروز خود را ببینند که وعده داده  
شدند (۴۳)

روزیکه از مدفنه‌های خود سریعاً  
بیرون آیند گویی آنان بسوی  
قربانگاه‌ها پرشتاب میروند (۴۴)  
چشمان ایشان فرومشته و خواری  
آنها را فرا گرفته باشد. این روزی  
است که به آن وعده داده می  
شدند (۴۵)

فَذَرَهُمْ يَخَوْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يَأْتُوا  
يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٤٣﴾

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا  
كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصَبٍ يُوْفِقُونَ ﴿٤٤﴾

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ  
ذَٰلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٤٥﴾

آیات ۴۱-۴۲: در این آیات گریه نیز پروردگار خاوران و باختران گواه قرار داده  
میشود یعنی پیشگویی است که زمانی میرسد که خاوران و باختران در مصطلحاتی  
گونگون به کار گرفته شود مثلاً خاور میانه، خاور دور، خاور نزدیک و غیره. اینجا  
دومین سخن شگفت انگیز اینست که خداوند توانا بر این امر است که اگر بخواهد  
در این دنیا مخلوقی بهتر از آدمیان بیآرد.

## ۷۱-سورة نوح

این سوره از آن جمله سوره های ابتدائی است که در مکه نازل شد و با بسم الله ۲۹ آیت دارد.

پایان سوره گذشته حاکی بود که ما برای امر توانا هستیم که مخلوقی بهتر از شما را پدید آریم. اینک سوره نوح عبارت از این موضوع است که حین عذاب بر قوم نوح، نسبتاً بر سطح کمتر، همین صورت بود که همه ای آن قوم به غرق افکنده شد جز چند نفر که در کشتی حضرت نوح پناهنده شده بودند و سپس زادگان آن سرنشینان کشتی که با حضرت نوح علیه السلام سوار شده بودند خوبتر بوجود آورده شدند.

در آیه ۵ باز سخن از نهایت زمانی معین کرده خدای متعال گفته میشود که چون آن در رسد، پس نیستید شما که آنرا دورکننده باشید. این اعاده موضوع از سوره گذشته است.

سپس ذکر از گریه و زاری حضرت نوح علیه السلام و ابلاغ کردن پیغام میرود. فرمود که تنها رساندن پیغام کفایت نمیکند بلکه پیغمبری برای فهماندن آن پیغام جان خویش را بدست هلاک میسپارد. آن فرستاده خدا هیچ وسیله ای را و نمیگذارد تا هر کدام کوچک و بزرگ قوم بتواند آن پیغام را درک کند. گاهی با زاری و گاهی پنهان تا متکبران قوم صداقت را روبروی مردم قبول کرده احساس شرمساری نکنند. گاهی علناً تا عوام الناس نیز مستقیماً از پیغام پیغمبر حالی گردند و الا سرداران ایشان که آن پیغام را پیچ داده ارائه خواهند داد. باز گاهی او توجه مردم به این طمع جلب میکند که ببینید!

اگر شما ایمان بی‌آرید آنگاه از باران رحمت آسمانی بسیار برخوردار خواهید شد و گاهی او مردم را در ترس می‌فکند که اگر ایمان نی‌آرید آنگاه از آسان بجای باران رحمت بارانی هلاک کننده فرودمی‌آید و در آنصورت زمین هم نتواند به کمک شما برآید بلکه از آنهم هلاکت فواره خواهد زد. آنگاه پس از اتمام حجت منتها صف ایشان پیچاندید و پی قومی جدید ریخته شد.

پس آن دعای حضرت نوح علیه السلام که خدا از کافران میچکس را باقی نگذارد بنا بر این امر بود که خداوند ایشان را این دانش داده بود که اگر اکنون آنها زنده نگهداشته شوند آنگاه فقط زاد و ولد فاسقان و فاجران ادامه خواهد داشت و از نثراد آنها زایش مومنان منقطع شده است. پس وقتیکه جماعت‌های برگزیده خدائی این نوع اتمام حجت را به‌پایان رسانده باشند آنگاه این حق ایشان است که برای مخالفان خویش دست دعا به نابودی آنها بلند کنند.

بعلاوه این سوره عبارت از این موضوع نیز است که حضرت نوح علیه السلام توجه قوم خویش را جلب کرده گفته بودند که چرا شما يك هستی باوقار خدای متعال را قبول نمیکنید؟ اوست که شما را کم کم جلو انداخته به پایه تکمیل رسانده است. همین امر از بلندیه‌های طبقه به طبقه آسان به اثبات میرسد. این موضوع از سطح ادراک آن قوم بالاتر بود. ایشان نه از زمان گذشته خودشان حالی بودند که چطورایشان طبقه به طبقه بوجود آمدند و نه از زمان آینده خویش آگاه بودند و نه ایشان از طبقه در طبقه بودن آسان را علمی داشتند. غالباً این يك پیشگوئی است که چون در زمان آینده

”کشتی نوح“ جدیدی ساخته خواهد شد آنگاه مردم آنزمان درباره اینهمه امور آگاه شده خواهند بود. باز هم اگر آنان دست از ترویج شرک برندارند با اینکه هر نوع اتمام حجت برایشان بپایان رسانده شده باشد منتها این دعا

فَسَحِّقْهُمْ قَسْحِيًّا وَاَلَّا تَذَرَعَلَى الْاَرْضِ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ شَرِيْرًا بر آنان راست  
شواید آمد.

☆ سُوْرَةُ نُوحٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحمت کند (۱)

یقیناً ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را بترساند  
بیش از آنکه عذابی دردناک به ایشان برسد (۲)

او گفت: ای قوم من! یقیناً من  
برایشما آشکارا بیم دهنده‌ام (۳)  
که خدا را عبادت کنید و از او  
بترسید و از من اطاعت کنید (۴)  
او گناهان شما را برایشما می‌آمرزد  
و شما را تا نهایت زمانی معین  
فرست دهد. یقیناً چون نهایت  
زمانی معین از خدا برسد آن دور  
کرده نمیشود. کاشکی شما می  
دانستید (۵)

او گفت: پروردگارا! یقیناً من  
قوم خود را شب و روز دعوت  
کردم (۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ  
قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ  
أَلِيمٌ ①

قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ②

إِنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا ③

يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ  
أَجَلٍ مُّسَمًّى ④ إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا  
يُؤَخَّرُ ⑤ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ⑥

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا  
وَنَهَارًا ①

پس دعوت من بر ایشان میج

نیفزود جز فرار کردن (۷)

و براستی مرگاہ من آنها را خواندم

تا تو آنها را بی‌آمرزی سرانگشتان

خود را به گوشهای خود نهادند و

جامه های را بر خود پوشاندند و

اصرار کردند و با تحقیر کبر

کردند (۸)

سپس البته من آنها را با صدای

بلند دعوت کردم (۹)

سپس یقیناً من بخاطر آنان اعلام

هم کردم و برای آنان اخفاء هم

کردم (۱۰)

پس گفتم از پروردگار خود آمرزش

بطلبید. یقیناً او بسیار آمرزنده

است (۱۱)

او از آسمان بارانی پیوسته بارنده

را بر شما بفرستد (۱۲)

و شمارا با دارائیها و فرزندان کمک

کند و برایشما بهشتی بسازد و

برای شما نهرهای قرار دهد (۱۳)

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ﴿٧﴾

وَإِنِّي لَكُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَغَفَّرَ لَهُمْ جَعَلُوا

أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا

ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ﴿٨﴾

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿٩﴾

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ

إِسْرَارًا ﴿١٠﴾

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ

غَفَّارًا ﴿١١﴾

يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١٢﴾

وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَأَبْنٍ وَيَجْعَلُ

لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿١٣﴾



مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٤﴾

چيست شمارا كه از خدا به وقار  
اميد نداريد(۱۴) ++

وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٥﴾

درحاليكه او شما را بر اطواري  
مختلف خلق کرده است(۱۵) ++

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ  
طَبَاقًا ﴿١٦﴾

آيا ننگرىستيد چگونه خدا هفت  
آسمان را طبقه بر طبقه خلق  
کرد(۱۶) ++

وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ  
الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٧﴾

و ماه را در آنها نوري قرار داد و  
خورشيد را چراغي روشن قرار  
داد(۱۷) ++

وَاللَّهُ أَتْبَعَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٨﴾

و خدا شمارا از زمين مانندنباتي  
رويانيده(۱۸) ++

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ  
إِخْرَاجًا ﴿١٩﴾

بازشمارا در آن عودت دهد و شما  
را برنگ جديدي درآورد(۱۹) ++  
و خدا زمين را براي شماگسترشي

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ بِسَاطًا ﴿٢٠﴾

قرار داد(۲۰)

++آيات ۱۴-۱۹: اين آيات حاكي از اين موضوع است كه آفرينش انسان درجه بدرجه از مختلف ادوار ارتقاء گذشته صورت گرفته است. كسانيكه ميپندارند كه خداوند هرچيز را يكهودر حالت كنوني بديدار ساخت آنان از صاحب وقار بودن خداوند انكار ميكنند چه يك مستي صاحب وقار هيچگاه كاري را پرشتاب انجام نميدهد. آن هرچيز را درجه بدرجه ترقى داده بلندتر ميسازد. خدای متعال بر همین منوال [۱۴۵۸#ص]

تایر راهای گشاده اش بروید (۲۱)  
 نوح گفت. پروردگارا ایقیناً آنها  
 مرانافرمانی کرده اند و آنرا پیروی  
 کردند که دارائیش و اولادش بر  
 او هیچ نیفزود جز خسارت (۲۲)  
 و نیرنگی بزرگ را نیرنگ کرده  
 اند (۲۳)

و گفتند: هرگز معبودان خود را  
 ترک نکنید و نه ودا و سواع را  
 ترک کنید و نه یغوث و یعوق و  
 نسر را (۲۴)  
 در حالیکه آنها بسیار کثیران را  
 گمراه کرده اند و تو بر کافران  
 نیفزای جز گمراهی (۲۵)

لَتَسْلُكُوْا مِنْهَا سَبِيْلًا فِجَا جًا ﴿٢١﴾  
 قَالَ نُوْحٌ رَبِّ اِنَّهُمْ عَصَوْنِيْ وَاَتَّبَعُوْا  
 مَنْ لَّمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ اِلَّا خَسَارًا ﴿٢٢﴾

وَمَكْرُوْا وَاَمْكُرًا كَبَّارًا ﴿٢٣﴾  
 وَقَالُوْا لَا تَذَرُنَّ اِلٰهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ  
 وِدًّا وَّوَلًا سُوَاعًا وَّوَلًا يَغُوْثَ وَّيَعُوْقَ  
 وَنَسْرًا ﴿٢٤﴾  
 وَقَدْ اَصْلَحُوْا كَثِيْرًا وَّلَا تَزِدِ الظَّالِمِيْنَ  
 اِلَّا ضَلٰلًا ﴿٢٥﴾

بقیه آیات ۱۴-۱۹: آسانها را طبقه به طبقه بوجود آورد.

در پایان این آیات فرمود «انبتکم من الارض نباتا» - این فقط مصطلحی نیست بلکه حقیقت است که آفرینش انسان چنین دور را طی کرد که آن فقط بصورت نبات بود و درآیاتی دیگر این موضوع بدین صورت عنوان میشود که «لم یکن شیئاً مذکوراً» یعنی انسان درتخلیق خود از چنین حالت نیزگذشت که هیچ هم قابل ذکر نبود. در این کلام اشاره لطیفی بدین ست است که چون تخلیق انسان از دوره نباتی میگذشت آنگاه او حواس برای شنیدن یا شنواندن صدا را نداشت و سکوت کامل حیات نباتی را فراگرفته بود.

پس از روی خطا کاریهای خود غرق  
 کرده شدند پس بداخل آتش کرده  
 شدند و آنها خدا را رها کرده برای  
 خود هیچ را یاور نیافتند (۲۶)

ونوح گفت، پروردگارا! کسی کافر  
 را روی زمین آباد نگذار (۲۷) ++  
 یقیناً اگر تو آنها را ترک کنی بندگان  
 تو را گمراه سازند و نزایند جز  
 ناسپاسی بدکار را (۲۸) ++

پروردگارا! بیا مرز مرا و الدینم را  
 و آنکه مومن بداخل خانه ام شود  
 و مومنان و مومنات را و نیفزای  
 بر کافران جز نابودی (۲۹)

مَا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَذْخَلْنَا نَارًا فَلَمْ  
 يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٦﴾

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ  
 مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٧﴾

إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ يَظْلُمُوا عِبَادَكَ وَلَا  
 يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٨﴾

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ  
 بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ  
 وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٢٩﴾

ع  
 ٢٩

آیات ۲۷-۲۸: این لمن حضرت نوح بر قوم خود بدینعلت بود که خداوند ایشان را  
 متنبه ساخته بود که اینک این قوم و نسلهای آینده اش هیچگاه ایمان نیآوردند.  
 حضرت نوح را این علم از خود نمیتوانست باشد. حتماً ایشان این علم را از خدا  
 فراگرفتند و بر مبنای آن بر قوم خویش لمن کرده بودند.

## ۷۲-سورة الجن

این سوره درمکه نازل شد و با بسم الله ۲۹ آیت دارد.

این سوره را تعلق بقرار معلوم با سوره نوح اینست که در این سوره نیز به قوم موده ای داده میشود که اگر شما پیغام حق را قبول کنید، آب رحمت کثیر بر شما نازل شود و اگر به آن انکار کنید پس بعذابی مدام سرکش مبتلا کرده شوید. سیلی که سوره نوح حاکی از آنست نیز پیوسته سرکش بود.

اکنون ما بر موضوعات این سوره نگاه عمومی میفکنیم درچه موضوعاتی عمده نسبت به اجنه آغاز نهاده است. علماء بالعموم خیال میکنند که منظور از اجنه مخلوقی نادیدنی و آفریده از آتش بوده است حالانکه از حدیث های مستند به اثبات میرسد که وقتی آنحضور با يك هیئت نمایندگان که بدین معنا اجنه بودند که ایشان سرداران قوم خویش بودند ملاقات کردند آنان آتش را روشن کردند تا غذای خویش را آماده کنند. پس بدیهی است هرگز اینجا سخن از هیچ نوع جن فرضی نرفته است.

ضمناً از آنجمله موضوعات عمده که ایشان تذکر دادند یکی اینست که بعضی احمقان از میان ما سخنان شگفت انگیز را به خدا نسبت میدادند. مضافاً این عقیده نیز میان مامتداول شده بود که اکنون خدا هیچ پیغمبری را مبعوث نخواهد کرد. ایشان به این اعتقاد انکار کردند زیرا که ایشان پیغمبری بزرگ را حضوراً زیارت کرده بودند.

سپس سخن از مساجد میرود که آنها خالصاً برای خدا بنا کرده میشوند.

عبادت غیر از خدا در آنها روانیست. باز ذکر از عبادت آنحضور ﷺ رفته است. ایشان را حین عبادت تفکراتی گوناگون فرامیگرفت تا توجه ایشان بهم زده شود اما باین وجود ایشان کلیه توجه خویش را خالصانه برای خدا اختصاص میدادند. آدمی هر روز مشاهده میکند که حالت شادمانی و غمناکی اش اکثراً میتواند توجه او را حین عبادت بهم زند.

اینجا یکبار دیگر این امر تکرار میشود که عذابی را که شما دورادور می پندارید هیچکس نمیتواند بگوید که آن دور است یا نزدیک. وقتی عذاب برسد در آنصورت هر چند انسان آنرا دور بیندارد حتماً آن نزدیک دیده میشود. آنحضرت ﷺ را غیب فراوان اعطاء شده بود. ایشان در ذات گرامی خود دانای غیب نبودند. عملاً خداوند فرستادگان خویش را با آنکه ذاتاً ایشان دانا بر غیب نمیباشند پیوسته علم غیب اعطاء مینماید و غیبی که به ایشان در داده میشود لازماً بحق میرسد. همانطور فرشتگانی که با وحی رسالت نازل میشوند ایشان از پیشروی و پشت سر از آن وحی نگهداری کنان حرکت میکنند تا شیاطین در آن نتوانند هیچ نوع اختلال و تبدیلی بعمل آرند. دنبال پیغمبران بزرگ بسیار رسولان تابع ایشان نیز بظهور میآیند که عملاً بر حفاظت معنوی آن وحی که بر پیغمرانی بزرگ فرستاده شود مامور میشوند.

☆ سُورَةُ الْجِنِّ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)  
بگوبسوی من وحی شده است که  
گروهی از جنها سخن را بدقت گوش  
کرده پس گفتند یقیناً ما قرآنی  
عجیب را گوش کرده ایم (۲) ++

قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ  
الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قرآنًا عَجَبًا ②

که بسوی خوشبختی هدایت میکند.  
پس ما به آن ایمان آورده ایم و  
هرگز ما هیچ را به پروردگار خود  
شریک قرار ندهیم (۳) ++

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۗ وَلَنْ نُشْرِكَ  
بِرَبِّنَا أَحَدًا ③

واینکه شأن پروردگار ما بلند است  
او نگرفت همسری و نه پسری (۴)  
واینکه نادانی از ما ستمکارانه بر  
خدا حریف میزد (۵) ++

وَأَنَّهُ تَعَلَّى جَدًّا رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً  
وَلَا وَلَدًا ④  
وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ  
شَطَطًا ⑤

و اینکه یقیناً ما میپنداشتیم که  
میچکس از انس و جن بر خدا دروغ  
نگوید (۶) ++

وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّن نَقُولَ الْإِنسَ وَالْجِنُّ  
عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ⑥

واینکه از توده مردم اشخاصی  
بودند که به مردانی از مهتران

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ  
بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ⑦

پناه میبردند پس ایشان آنها را در  
 زشتکاری و جهالت افزودند(٧) ++  
 و اینکه آنها گمان کردند آنگونه  
 که شما گمان کردید که خدا هیچ  
 کس را مبعوث نخواهد کرد(٨) ++  
 و اینکه ما آسمان را جستجو کردیم  
 پس آنرا پر از نگهبانان سختگیر  
 و شعله های آتش یافتیم(٩) ++  
 و حتماً باخاطر شنیدن بر رصدگاه  
 های آن مینشستیم. پس هر که حالا  
 به شنیدن بکوشد او شعله آتش را  
 در کمین خود بیابد(١٠) ++

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ نَّبْعَثَ  
 اللَّهُ أَحَدًا ۝

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَهَا مِلْئًا  
 حَرَّ سَاسِدِيدٍ أَوْ شُهَبًا ۝

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ  
 فَمَنْ يَسْمَعُ أَلَا نَحْنُ بِمَبْصُورِينَ ۝

++ آیات ۲-۱۰: در این آیات دو امر علی الخصوص قابل وضاحت است. اجنه ای که  
 در خدمت آنحضرت ﷺ رسیدند آنان سرداران بزرگ از قوم خویش بودند و آن اجنه  
 فرضی نبودند که تولید توهمات هستند. آنان بخاطر ریختن غذا آنجا آتش را روشن کردند  
 و اصحاب در آنجا زغال خموش شده و آثار آمادگی غذا را نیز مشاهده کردند. درباره آنان  
 غالب خیال اینست که آنان هیئت نمایندگان بنی اسرائیل مقیم در افغانستان و از  
 سرداران و اعیان قوم خویش یعنی جن بودند. آنان ذکر از بیعت آنحضرت ﷺ را شنیده  
 در صدد برآمدند که حضوراً این امر را ارزیابی کنند. آنان بدنبال بحث طولانی نه فقط  
 آنحضرت ﷺ را راستگو تسلیم کردند بلکه از این اعتقاد دروغین هم منکر شدند که حالا  
 خدا هیچکس را به پیغمبری مبعوث نخواهد کرد چنانکه بعضی بیخردان از آنان معتقد  
 بودند. سپس آنان بازگشتند و تمامی افغانستان آنزمان را به آغوش اسلام درآوردند.

وَأَنَا لَأَنْدَرِي أَسْرًا رِيْدِيْمَن فِي  
الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشْدًا ﴿١١﴾

وبراستی ما نمیدانستیم آیا برای  
هرکه در زمین است بدی خواسته  
شد یا پروردگاران آن در حق آنان  
درصد خوبی برآمده است (۱۱)

وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا ذُوْنَ ذَلِكَ ط  
كُنَّا ظُرَآءَ بَقٍ قَدَدًا ﴿١٢﴾

ویقیناً میان ما بعض نیکان بودند  
و میان ما غیر از آن نیز بودند. ما  
در مسلك های گوناگون قرار گرفته  
بودیم (۱۲)

وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ  
وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا ﴿١٣﴾

و البته ما یقین کرده بودیم که  
هرگز نمیتوانیم خدا را در زمین  
بمجز آوریم و گریزان نیز نتوانیم  
او را مات کنیم (۱۳)

وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ أَمْتَابِهِ ط فَمَنْ  
يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا  
رَهَقًا ﴿١٤﴾

و همانا وقتی ما هدایت را شنیدیم  
به آن ایمان آوردیم. پس هرکه به  
پروردگار خود ایمان آرد پس او از  
زیان و ستم نمی ترسد (۱۴)

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ ط  
فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشْدًا ﴿١٥﴾

و البته در ما هم فرمانبرداران  
اند و هم ستمکارانند. پس هرکه  
فرمانبردار شد پس همانند که  
هدایت راتلاش کردند (۱۵)

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ

و کسانی که ستمکار بودند همانها



حَطَبًا ۱۶

سوخت آتش شدند (۱۶)

و اگر بر مسلک درست استقامت  
نشان میدادند یقیناً آنها را آبی  
فراوان مینوشانیدیم (۱۷)

تا ایشان را در آن آزمایش کنیم و  
هر که از یاد خدا روگردانی کندوی  
را بعد از سخت بیفکند (۱۸)

و یقیناً مساجد برای خدا است. پس  
احدی را با خدا شریک نخوانید (۱۹)  
و یقیناً چون بنده خدا او را خوانده  
بپاشد نزدیک اندک گرد هم آمده  
بر او بتازند (۲۰) ++

بگو، من فقط پروردگار خود را  
میخوانم و هیچ را با او شریک  
قرار نمیدهم (۲۱)

بگو بر راستی من برایشما مالک  
زیان و سود نیستم (۲۲)

بگو ابداً هیچکس مراد مقابل خدا  
نمیباشد و هرگز من از او  
گذشته هیچ پناه گاهی نیابم (۲۳)

کار من فقط سخنان خدا و پیغام

وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ  
لَأَسْقِيَهُمْ مَاءً غَدَقًا ۱۷

لِنُقْتِلَهُمْ فِيهِ ۱۸ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ  
رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۱۹

وَ أَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ  
أَحَدًا ۲۰

وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا  
يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۲۱

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ  
أَحَدًا ۲۲

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا  
رَشَدًا ۲۳

قُلْ إِنِّي لَنْ يُخَيِّرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ  
أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۲۴

إِنَّا بَلَّغْنَا مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۱۸ وَ مَنْ يَعِصْ

اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا ۝

او رساندن است و هر که خدا و رسول او را نافرمانی کند پس یقیناً برایش آتش جهنم است. آنان در آن مدت متمادی بمانند (٢٤)

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ  
مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَوْقَلَ عِدًّا ۝

تا آن انتها که چون آنان مشاهده کنند از آنچه هشدار داده میشوند آنگاه بدانند کیست ضعیفتر مددگار و کمتر به عدد (٢٥)

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ  
يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ۝

بگو، نمیدانم آیا از آنچه هشدار داده میشود نزدیک است یا پروردگارم مدت آنرا به طول انجامد (٢٦)

عِلْمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ  
أَحَدًا ۝

او دانایی غیب است و احدی را بر غیب خود غلبه نمیدهد (٢٧)

إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ  
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۝

جز رسولی برگزیده خود را. پس یقیناً او پیشرویش [رسول] و پشت سرش نگهبانی کنان می رود (٢٨)

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَهُمْ  
وَاحْتَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ  
عَدَدًا ۝

تا بدانند که آنان پیغام پروردگار خود را ابلاغ کرده اند و هر چه نزد آنانست را او فرا گرفته و شمار هر چیزی را تماماً شمرده است (٢٩)

## ۷۳ - المزمل

این سوره در ابتدای دور مکه نازل شد و با بسم الله ۲۱ آیت دارد.

آن چگونگی عبادت از آنحضرت ﷺ که در سوره گذشته عنوان شده بود تفصیلاً همان در آغاز این سوره یافت میشود و مجملأً بدینصورت است که ایشان شبگاه بپا شده بیشتر وقت آنرا زاری کنان میگذراندند. هیچ طریقی برای فرونشاندن خواهشهای نفس بهتر از این نیست که انسان شبگاهان بپا شده بوسیله عبادت خدا آنها را زیر پا له کند.

در این سوره یکبار دیگر مائلت آنحضرت ﷺ با حضرت موسی علیه السلام بیان کرده میشود که ایشان ﷺ نیز رسولی صاحب جلال بودند که شریعتی آوردند. پس مخاطبان رسول الله ﷺ هشدار داده میشوند که رسولی بزرگتر در جلال از حضرت موسی علیه السلام ظهور کرده است. اگر شما به مخالفت او برخیزید هیچ نتیجه ای بدست نیآید جز اینکه به غرق هلاکتها افکنده شوید چنانکه در مقابل موسی علیه السلام جابری بسیار بزرگ به تکذیب پیغام ایشان برآمده بود و منتها به نابودی کشانده شد.

☆ سُورَةُ الْمَزْمَلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ إِخْدَى وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)  
ای! که خود را به جامه تشنگ  
پیچیده ای (۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①  
يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ ①

شب را بپای خیزمگر کم (۳)  
نصف آن یا کمی از آن بکاه (۴)  
یا بیفزا بر آن و قرآن را خوب  
روشن تر بسرا (۵)  
یقیناً ما فرمانی سنگین بر تو  
نازل کنیم (۶)

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ①  
نُصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ①  
أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ①  
إِنَّا سُلِقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ①

یقیناً بپاخاستن هنگام شب عاملی  
قدرتمندتر برای رام کردن نفس و  
پایدارتر از جهت گفتار است (۷)  
یقیناً برای تو در روزکاری طویل  
است (۸)

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً  
وَأَقْوَمُ قِيلًا ①  
إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ①

پس نام پروردگار خود را ذکر  
کن و با انقطاعی کامل بسوی او  
جدا باش (۹)  
او پروردگار شرق و غرب است.

وَادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ  
تَبَتُّلًا ①  
رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

هیچ معبودی نیست جز او. پس  
او را کارساز بگیر (۱۰)

و صبرکن بر آنچه میگویند و  
آنها را با روشی نیکو ترک  
کن (۱۱).

و بگذار [تنها] من و مکتبان  
پروردگان نعمت را و به آنها کمی  
مهلت بده (۱۲)

یقیناً نزد ما گوناگون سامان عبرت  
و جهنم است (۱۳)

و غذائی گلوگیر و عذابی دردناک  
است (۱۴)

روزی که زمین و کوه هابلرزه آیند و  
کوه ها توده های ریگ گردد (۱۵)  
یقیناً ما بسوی شما رسولی فرستادیم  
که بر شما گواه است بطوریکه ما  
رسولی به سوی فرعون فرستاده  
بودیم (۱۶)

پس فرعون آن رسول رانافرمانی  
کرد. پس او را به مواخذة سخت  
گرفتیم (۱۷)

فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۱۰

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ  
هَجْرًا جَمِيلًا ۱۱

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعَةِ  
وَمَهْلُهُمْ قَلِيلًا ۱۲

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ۱۳

وَطَعَامًا إِذْ غَضَصْتُمْ وَعَذَابًا أَلِيمًا ۱۴

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ  
الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا ۱۵

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا  
عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ  
رَسُولًا ۱۶

فَحَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا  
وَبِيْلًا ۱۷

پس اگر کفر کنید پس چگونه از آن روز نجات یابید که کودکانرا پیر نماید (۱۸)

آسان با [هیبت] آن از هم بپاشد. وعده او حتی الوقوع است (۱۹) یقیناً این تذکری است. پس هر که بخواهد راهی بسوی پروردگار خود را بگیرد (۲۰)

البته پروردگارت میداند که تو نزدیک دوثلث شب یا نصف آن یا ثلث آن بپایبایستی وهم گروهی از ایشان که با تو هستند و خدا شب و روز را کم و بیش میکند. او میداند که شما نمیتوانید آنرا مراقبت کنید. پس او برحمت خود بر شما گرایش کرد. پس هرچه امکان پذیر است از قرآن قرائت کنید. او میداند که از شما مریض هم میباشند وهم دیگران که در زمین خواهان فضل خدا مسافرت می کنند و بعض دیگران که در راه

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا  
يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ۱۸

السَّمَاءِ مُنْفِطِرًا بِهِ ۱۹  
مَفْعُولًا ۱۹

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۲۰  
فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ  
رَبِّهِ سَبِيلًا ۲۰

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي  
الَّيْلِ وَنُصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَافِيَةَ ۲۱  
مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۲۱ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۲۱  
عِلْمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا  
يَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۲۲  
عِلْمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضًى  
وَأَخْرُونَ ۲۲  
يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ  
مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ۲۲ وَأَخْرُونَ  
يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۲۳  
فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ ۲۳  
وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ  
وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۲۴  
وَمَا تَقْدِمُوا

لَا نَفْسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ  
 خَيْرٌ وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۖ وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ  
 إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١﴾

ع  
 ۱۴

خداقتال خواهند کرد. پس هر چه  
 امکان پذیر است از آن قرائت  
 کنید و نماز را بپای دارید و زکوت  
 بدهید و خدا را قرضه حسنه بدهید  
 و هر چه از نیکی بخاطر خود پیش  
 بفرستید آن را در درگاه خدا  
 نیکوتر و به پاداش بزرگتر بیابید  
 — و از خدا آمرزش بطلبید. یقیناً  
 او آمرزگاری بارها را می کند (۲۱)

## ۷۴-سورة المدثر

این سوره در صدر دوره مکه نازل آمد و با بسم الله ۵۷ آیت دارد. بطوریکه در سوره قبلی آنحضور مژمل قرار داده شدند یعنی خویشتن را کاملاً در پتوی بیچیده - در این سوره نیز همه موضوع ادامه دارد و شرح به این امر است که آن کدام جامه های است که پیغمبر آنها را محکم با خود می گیرد و آنها را پاک همی نماید. قطعاً اینجا ذکر از جامه ای ظاهری نیست بلکه ذکر از اصحاب رضوان الله علیهم می رود و علی الخصوص آن اصحاب که نزد رسول میماندند و تحت تاثیر همنشینی پاک آنحضور ﷺ پیوسته پاک میشدند و از رجز یعنی پلیدی دور میشدند در حالیکه پیش از آن کثیر از ایشان بودند که دوری گزیدن از رجز برای ایشان امکان پذیر نبود. ضمناً رجز را منظور مشرکان مکه نیز میتوانند باشند و فرمان است کاملاً انقطاع روابط به آنها بعمل آورده شود.

در این سوره ذکر از آن نوزده فرشته می رود که به کیفر مجرمان هیچ نوعی نرمی را نشان نخواهند داد. اینجا عدد ۱۹ کنایه ای به چنین استعداد های انسان میکند که ناشی از اشتباه در استفاده این استعدادها میتوان او مستوجب جهنم قرار داده شود. هر کدام عضو از سرتا پای بدن انسان که اگر آنها را آنطور که حق هر یک عضو است بکار گرفته شود آنگاه انسان میتواند از گناهان و لغزشهای مصون بماند و غالباً شمار این اعضا نوزده است. اما شمار هر چه است این سوره بر این امر روشنائی میفکند. لشکرهای خداوند بیشمار اند و نباید بر عدد نوزده توقف کرده پنداشت که فقط نوزده فرشته



هستند. فرشتگانی مربوط به عذاب خدای نیز بيشمار اند و بعقوبت انسان فراخور حالش مامور کرده میشوند.

در این سوره پیشگوئی از قمری کرده میشود که خورشید را پیروی کرده ظهور خواهد کرد. این کلام نیز بسیار معناخیز میباشد. همین موضوع در سوره الشمس نیز مذکور است.

## ☆ سُورَةُ الْمُدَّثِرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سَبْعٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِرُ ②

ای جامه را بر خود کشیده (۲)

قُمْ فَأَنْذِرْ ③

بپاخیز پس هشدار بده (۳)

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ④

و پروردگار خود را بزرگ بدار (۴)

وَشِيبَكَ فَطَهِّرْ ⑤

ولباس [یعنی دوستان] خود را بسیار

پاک بنما (۵)

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ⑥

و از هر نوع ناپاکی کاملاً دور

باش (۶)

وَلَا تَمَنَّئَنَّ تَسْتَكْبِرُ ⑦

و منت نگذار تا زیادتر گیری (۷)

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ⑧

و برای پروردگار خود صبر کن (۸)

فَإِذَا نَقَرْنَا فِي النَّاقُورِ ⑨

پس گامیکه در صور دمیده شود (۹)

فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ⑩

پس آن روزی است که خیلی

سخت باشد (۱۰)

عَلَى الْكُفْرَيْنِ غَيْرُ لَيْسِرٍ ⑪

بر کافران آسان نباشد (۱۱)

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ⑫

من و آن را که من آفریده ام تنها

بگذار (۱۲)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ⑬

و برای او مالی فراوان قرار

دادم (۱۳)

وَبَيْنَ سُهُودًا ۱۴

و فرزندان جلوی نگاه حاضر (۱۴)

وَمَهَّدَتْ لَهُ تَمَهِيدًا ۱۵

و من برایش [زمین را] گهواره

پرورش قرار دادم (۱۵)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ۱۶

بازهم طمع دارد که بیفزایم (۱۶)

هرگز نه. یقیناً او به آیتهای ما

دشمن بود (۱۷)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِإِيْتَا عَيْنِدَا ۱۷

یقیناً او را بعدایی مبتلا سازم که

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ۱۸

مدام افزایش مییابد (۱۸)

یقیناً او خوب فکر کرد و اندازه

برد (۱۹)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۱۹

مرگ بر او چگونه اندازه برد (۲۰)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۲۰

بازهم مرگ بر او چگونه اندازه

برد (۲۱)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۲۱

سپس نگاه دواند (۲۲)

ثُمَّ نَظَرَ ۲۲

باز ترش رویی کرد و چهره را

درم کشید (۲۳)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۲۳

بازهم روی برترباید و تکبر کرد (۲۴)

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ۲۴

پس گفت: این جادوئی محض است

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ۲۵

که پیروی کرده میشود (۲۵)

نیست این جز گفتار بشر (۲۶)

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ۲۶

البته او را به جهنم افکنم (۲۷)

سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ ۲۷

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿١٨﴾

و چه ترا حالی کند جهنم چه  
است (٢٨)

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿١٩﴾

نه چیزی باقی گذارد و نه رها  
کند (٢٩)

لَوْ أَحَاطَ لِلْبَشَرِ ﴿٢٠﴾

چهره را میسوزاند (٣٠)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٢١﴾

بر آن نوزده [نگهبان] است (٣١)

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا

وماکسیرا جز فرشتگان نگهبانان

مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً

جهنم قرار ندادیم و تعدادشان را

لِلَّذِينَ كَفَرُوا ۖ لَيْسَتِيقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا

مقرر نداشته ایم جز به آزمایش

الْكِتَابَ وَيَزِدُّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا

آنها که کفر کردند تا یقین کنند

يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

آنانکه کتاب داده شدند و آنانکه

وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي

ایمان آوردند در ایمان بیفزایند

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ

و کسانیکه کتاب داده شدند و

اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۗ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ

مومنان مردد نباشند و آنهاییکه

يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَا يَعْلَمُ جُودَ

در دلهای ایشان بیماری است و

رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۗ وَمَاهِيَ إِلَّا ذِكْرِي

کافران گویند: خدا را به این مثل

لِلْبَشَرِ ﴿٢٢﴾

چه اراده است. اینگونه خدا هر

۱۰۰

که رامیخواهد گمراه میگرداند و

هر که رامیخواهد هدایت میدهد

و لشکرهای پروردگارت را کسی

نمیداند جز خودش و این برای

كَلَّا وَالْقَمَرَ ۝۲۲

انسان فقط اندرزی است (۳۲)

باش! قسم به ماه (۳۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ۝۲۳

و به شب چون پشت گرداند (۳۴)

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ۝۲۴

و به صبح چون روشن گردد (۳۵)

إِنَّهَا إِلَّا حُدَىٰ الكُتُبِ ۝۲۵

یقیناً آن یکی از امور بزرگست (۳۶)

نَذِيرٍ لِلْبَشَرِ ۝۲۶

آدمی را بیم کننده (۳۷)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ۝۲۷

تا هر که از شما دوست دارد قدم پیش

نهد یا عقب بماند (۳۸)

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ۝۲۸

هر تن رهین است به آنچه کسب

کند (۳۹)

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ۝۲۹

جز آنهایی که بطرف راستند (۴۰)

فِي جَنَّتٍ يُتَسَاءَلُونَ ۝۳۰

در بهشتها باشند. از هم بپرسند (۴۱)

عَنِ الْمُجْرِمِينَ ۝۳۱

شما را چه چیزی بداخل جهنم

کرد؟ (۴۳)

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ۝۳۲

گویند: ما از نمازیان نبودیم (۴۴)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ ۝۳۳

و ما به مسکین غذا نمیدادیم (۴۵)

وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ ۝۳۴

و با سرگرمان هرزه گوئیها سرگرم

میشدیم (۴۶)

وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ۝۳۵

و ما به روز جزاء انکار می

کردیم (۴۷)

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ ۝۳۶

حَتَّىٰ آتَيْنَا الْيَقِينَ ﴿۱۸﴾

حتیّ مرگ بما در رسید (۴۸)

فَمَا تَتَّعِبُهُمْ شِفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿۱۹﴾

پس شفاعت شفیعان ایشان را  
هیچ سودی نبخشد (۴۹)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿۲۰﴾

پس چیست ایشان را که از تذکر  
روگردانی کرده میروند (۵۰)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَفْرَجَةٌ ﴿۲۱﴾

گوی آنها خرهای رَم کرده اند (۵۱)  
که از شیر [ترسیده] با بفرار نهاده

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿۲۲﴾

اند (۵۲)

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ

بلکه هر کدام از آنها می خواهد که  
[برای ترویج موضع خود] صحیفه  
های بتکثیر انتشار یافته داده  
شود (۵۳)

صُحُفًا مُّتَنَسَّرَةً ﴿۲۳﴾

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿۲۴﴾

هرگز نه بلکه از آخرت نمی  
ترسند (۵۴)

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ ﴿۲۵﴾

باش! یقیناً این تذکری است (۵۵)  
پس هر که بخواهد آنرا یاد

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿۲۶﴾

بدارد (۵۶)

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۗ هُوَ

و آنان پند نمیپذیرند مگر که خدا  
بخواهد و همان اهل تقوی و هم

أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿۲۷﴾

ع ۱۱  
ع ۱۲

اهل آمرزش است (۵۷)

## ۷۵ - سورة القيامة

این سوره در ابتدائی دور مکی نازل شد و با بسم الله ۴۱ آیت دارد. سوره گذشته حاکی از اقرار جهنمیان است که آنها بدانعلت عقوبت جهنم کرده شدند که آنان به روز بازپسین انکار میکردند. ناشی از انکار آخرت جرم های بی پایان پدید میآید و سراسر دنیا پرازنساز میگردد. پس سرآغاز این سوره همان روز قیامت گواه قراردادده میشود و هم آن نفس را که تکراراً خویشتن را ملامت میکند. اگر انسان از این ملامت استفاد کند او میتواند که از هزار نوع گناهان ایمن شود.

علت به انکار قیامت از جانب منکران این بیان میشود که آنان میپندارند که وقتی ظاهراً تمامی اعضای بدن ایشان پراکنده شود پس چطور خداوند آنها را گرد میآورد. این فکر آنان بعلمت سراز مطلبی درنیآوردن است. قرآن بارها این مطلب را بوضاحت ارائه داده است که نه بدنهای ظاهری بلکه بدنهای روحانی شما گردآورده خواهند شد. اما دشمن بر این موضع خود پا فشاری نمود تا بتواند بارسول زمان خودتسخر کند و انکار آخرت را فراخور دانش خویش دلیل عقلانی فراهم آورد.

اموری که در آیت قَادَا بَرَقَ الْبَصْرُ وَ حَسَفَ الْقَمَرُ وَ جَمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ مذکور است را به قیامت نسبت دادن درست نیست. این امور نه از واقعات قیامت بلکه اینها علاماتی دال بر نزدیک بودن قیامت است. زیرا روز قیامت که این نظام عالم بکلی فناخواهد شد. آنگاه نه خورشید باشد و نه ماه و نه نظام محوری آنها و نه گرفتگی آنها و نه هم کسی روئت کننده آنها وجود خواهد داشت.

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ يَعْنِي وَتِيكِهِ چشمان خیره شود - مطلبش اینست که در آن روزگار عذابهای هولناک بردنیا نازل خواهد شد.

ضمناً از این فرمایش که آنگاه مکذب را هیچ گریزگامی نباشد آشکار میگردد که آن نشانه ما به اثبات رساندن صداقت يك موعود خدای بظهور خواهد آمد تا بر منکران اتمام حجت بعمل آید.

گرفتگی خورشید و ماه کی جمع خواهد شد؟ طبق فرمایش آنحضرت ﷺ تفصیلش بدین ترتیب است. در تاریخ های معین همان دریکماه که نامش رمضان است گرفتگی خورشید و ماه صورت خواهد گرفت و طبق فرمایش آنحضرت ﷺ این واقعه علامت از صداقت مهدی ایشان ﷺ میباشد. پس این واقعه بظهور رسیده است. يك پیشگوئی عبارت از این موضوع حضرت مسیح ناصری علیه السلام نیز نموده بودند.

دنبال این، ذکر از يك معجزه دیگر از آنحضرت ﷺ میرود. قرآن کریم کتابی اینقدر بزرگ طی بیست و سه سال نازل شد و حین نزول، ناشی از این اندیشه خود که مبادا فراموش نکنند ایشان ﷺ زبان خود را زود حرکت میدادند. اما خدای متعال ایشان را اطمینان داد که ما هستیم که این قرآن را نازل کرده ایم و همان ما بر جمع آوری کردن آن قدرتمند هستیم. پس قرآن کریم که مدت نزول آن بريك امی بطول بیست و سه سال انجامید بسلامت جمع آوری کرده شد. حضرت مسیح موعود علیه السلام این امر را معجزه ای بزرگ قرار داده میفرمایند که طی این مدت بیست و سه سالگی دشمنان بر آنحضرت ﷺ از هر سو حمله کرده تلاش کردند که ایشان را هلاک کنند. اگر آنها همان پس از نزول بخش قرآن نعوذ بالله موفق میشدند که ایشان



ﷺ را بهلاك برسانند در آنصورت این ادعای که قرآن کتابی کامل است  
نعوذ بالله اصلاً دروغ و بی معنی درمیآید.

در پایان این سوره پس از بیان کردن مراحل از آفرینش انسان فرموده  
شد که او مدام رو به ترقی است. پس چطور امکان پذیر است که بالآخر او  
در محضر خدا حاضر و مسؤل اعمال خویش قرار داده نشود؟

☆ سُورَةُ الْقِيَامَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدَى وَاَرْبَعُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده. بارها رحمت کند (۱)

باش! سوگند به روز قیامت یاد می

لَا اَقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَمَةِ ①

کنم (۲)

و باش! نفسی بسیار ملامت کننده

وَلَا اَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّٰوَمَةِ ①

را گواه میگردانم (۳)

آیا انسان گمان میکند که هرگز ما

اَیْحَسَبُ الْاِنْسَانُ اَلَنْ نُّجْمَعَهُ

استخوانهایش را جمع نکنیم (۴)

عِظَامَهُ ①

باش! ما قشنگ قادر به این امر ایم

بَلِیْ قُدْرٰیْنِ عَلٰی اَنْ نُّسَوِّیْ بَنٰنَهُ ①

که هر بند او را درست کنیم (۵)

حقیقت اینست که انسان دوست

بَلْ یُرِیْدُ الْاِنْسَانُ لَیْفُجِّرَ اَمَامَهُ ①

دارد که پیشروی او گناه کرده

باشد (۶)

یَسْئَلُ اَیَّانَ یَوْمِ الْقِیَمَةِ ①

او میپرسد که انجام روز قیامت

تا بچند میکشد (۷)

بس وقتی چشم خیره گردد (۸)

فَاِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ ①

و ماه گرفتگی باشد (۹)

وَ حَسَفَ الْقَمَرُ ①

ماه و خورشید [در گرفتگی] جمع

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ①

کرده شوند (۱۰)

آنروز انسان گوید گریزگامی

کجا است! (۱۱)

باش! هیچ پناه گامی نیست (۱۲)

پنهامگاه آنروز بسوی پروردگار

تو است! (۱۳)

آنروز انسان آگاه کرده شود به

آنچه او جلوفرستاد و آنچه او باز

گذاشت (۱۴)

حقیقت اینست که انسان بر نفس

خویش دارای بینش است (۱۵)

هرچند عذرهای بزرگ خود

بیآرد (۱۶)

به [وقت قرائت] آن زبان خود را

برای این زودحرکت نده تا به

[خواندن] آن بشتابی (۱۷)

جمع آوری کردن قرآن و تلاوت

آن بر ما است (۱۸)

پس هرگاه ما آنرا خوانده باشیم

پس قرائت آنرا پیروی کن (۱۹)

سپس یقیناً بیانش هم بر ما

است (۲۰)

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرَقُ ۝

كَلَّا لَا وَزَرَ ۝

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ۝

يَتَّبِعُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ۝

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۝

وَلَوْ أَلْفَىٰ مَعَاذِيرَهُ ۝

لَا تَحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ۝

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ۝

فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ۝

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ۝

مشدارا بلکه شما دنیا را دوست  
دارید (۲۱).

و آخرت را نادیده میگیرید (۲۲)  
در آن روز بعضی چهره ها زیبا و  
تروتازه باشند (۲۳)

بسوی پروردگار خود چشم به  
راه (۲۴)

و آنروز بعض چهره ها کریه  
باشند (۲۵)

یقین کنند که سلوکی پشت شکن  
کرده شوند (۲۶)

مشدارا هنگامیکه جان به حنجره  
رسیده باشد (۲۷)

و گفته شود کیست افسونگر (۲۸)  
و حدس زند اینک [وقت] جدائی  
است (۲۹)

و ساق بساق بر خورد (۳۰)  
آنروز بسوی پروردگار تو راندن  
است (۳۱)

پس او نه تصدیق کرد و نه نماز  
خواند (۳۲)

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ۝۱

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ۝۲

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ ۝۳

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ۝۴

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ۝۵

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ۝۶

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ۝۷

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ۝۸

وَوَضَّأَتْهُ الْفِرَاقُ ۝۹

وَأَنْتَقَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ۝۱۰

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ۝۱۱

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ۝۱۲

وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿۳۳﴾

بلکه تکذیب کرد و روی  
برتابید (۳۳)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَمْتَطِي ﴿۳۴﴾

سپس خرامنده بسوی اهل خود  
رفت (۳۴)

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿۳۵﴾

مرگ بر تو باز مرگ بر تو (۳۵)  
بازهم مرگ بر تو باز مرگ  
بر تو (۳۶)

ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿۳۶﴾

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿۳۷﴾

آیا انسان گمان کند بی‌لجام ترک  
کرده شود؟ (۳۷)

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِي يَمْنَىٰ ﴿۳۸﴾

آیا او قطره ای منی نبود که  
انداخته میشود (۳۸)

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَىٰ ﴿۳۹﴾

سپس او خونی بسته گردید. پس  
او وی را آفرید پس وی را توازن  
اعطاء کرد (۳۹)

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿۴۰﴾

پس از آن دوجفت ساخت یعنی  
نروماده (۴۰)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿۴۱﴾

آیا آن بر این توانا نیست که  
مردگان را زنده نماید؟ (۴۱)

## ۷۶ - سورة الدهر

این سوره حین دور ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۳۲ آیت دارد. در این سوره توجه انسان به آغازش جلب کرده گفته میشود بر او چنین روزگاریز گذشته است که او چیزی لایق ذکر هرگز نبود. حالانکه انسان از زمانی که بوجود آمد لایق ذکر بوده است. پس اینجاسخن ازحالتهای ابتدائی انسان گفته اشاره میشود که او از چنین روزگار ابتدائی و ارتقائی گذشته است که او چیزی لایق ذکر هرگز نبود. بقرار معلوم این آن روزگار است که قوه گویائی هنوز حتی به مرغان نیز اعطاء نشده بود و يك خاموشی کامل سراسر زمین را فراگرفته بود. انسان از آن پدید آورده شد و سپس او سمیماً بصیراً ساخته شد - هم شنوا و هم بینا. پس خدای که خاک زمین را قوه شنوائی و گویائی بخشید او قدرتمند بر این امر نیز است که او را دوباره بیفریند و حساب شنوائی و بینائی را از او بگیرد.

سپس سخن از صفات خصوصی از بهشتیان گفته میشود که ایشان احسان برکسی بدینعلت نمیکند که بیاداش آن بر دارائی ایشان افزوده شود. هرگاه ایشان حسن عمل را برکسی نشان دهند اعلام ایشان اینست که ما اینکار فقط به دنبال خوشنودی خداوند میکنیم و ما ببدل این از شما پاداش و سپاس را تمنا هرگز نداریم.

☆ سُوْرَةُ الذَّهْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اثْنَتَانِ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده. بارها رحمکننده (۱)

هَلْ أَلَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الذَّهْرِ لَمْ

آیا بر انسان از روزگار لمح ای آمد

يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا ②

که او هیچ هم قابل ذکر نبود (۲)

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ

یقیناً ما انسان را آفریدیم از نطفه

تَبْتَلِيهِ وَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ③

مرکب که آنرا ما به شکلهای گونا

گون درمیآریم. پس او را شنوایی

بینایی ساختیم (۳)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا

یقیناً ما او را به راه راست هدایت

دادیم. خواه سپاسگذار باشد خواه

كَفُورًا ④

ناسپاسی کننده (۴)

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا

یقیناً ما برای کافران زنجیرها و

طوقها و آتشی شعله ور مهیا کرده

وَسَعِيرًا ⑤

ایم (۵)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ

البته نیکان جام هائی خورند که

در آن آمیختگی کافور باشد (۶)

مِرَاجِبًا كَأْفُورًا ⑥

چشمه‌ی که بندگان خدا از آن

بیآشامند. آنرا شکافته خوب باز

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا

تَفْجِيرًا ⑦

کنند (۷)

ایشان نذرما را وفا میکنند و می ترسند از روزی که شرش پراکنده است (۸)

يُوقُونَ بِالَّذِرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ⑧

و طعام را با وجود دوست داشتنش مسکینان و یتیمان و اسیران را تغذیه میکنند (۹)

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ⑨

ما شما را فقط برای خوشنودی خدا میخورانیم و هیچ پاداشی و سپاسی از شما نمیخواهیم (۱۰)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ⑩

یقیناً ما میترسیم از پروردگار خود روزی را که ترشروی و حشت ناک باشد (۱۱)

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ⑪

پس خدا ایشان را از شر آنروز نجات داد و ایشانرا تروتازگی و سرور در داد (۱۲)

فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ⑫

و ایشانرا پاداشی داد بدانملت که صبر کردند بهشتی و يك نوع ابریشم (۱۳)

وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ⑬

ایشان در آن بر تختها تکیه زده باشند. ایشان نیند در آن آفتابی سخت و نه سرمای سخت (۱۴)

مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهَرِيرًا ⑭



و سایه های آن بر ایشان نزدیک  
آمده و خوشه های آن بطرف پائین  
خمیده شود (۱۵)

و بدور آورده شود بر آنان جام های  
از نقره و جام های که از بلور  
باشد (۱۶)

بلورها از نقره که آنان آنها را با  
زبردستی ترکیب کرده باشند (۱۷)

و ایشان در آن جامهای نوشانده  
شوند که آمیزش زنجبیل دارد (۱۸)  
چشمه ی در آن باشد که سلسبیل  
خوانده شود (۱۹)

و بسرانی جاودان برایشان دور  
زنند چون ایشان را بنگری آنان  
را مرواریدهای پراکنده خواهی  
پنداشت (۲۰)

و وقتی بنگری سپس آنجا نعمتی  
و ملکی بزرگ خواهی دید (۲۱)  
برایشان جامه های ابریشمی نازک  
و دیبای ستبر باشد و بادستبندهای  
نقره مزین کرده شوند و پروردگار

و دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذُلَّتْ قُضُوفُهَا  
تَذَلِيلًا ⑩

و بعضی بجز اولیاء علی او صلّی الله علیها و آلیها  
و اصحابها می گویند که اینها در این آیه  
اولیاء و اصحاب علی (علی) است

و يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِانِيَّةٍ مِّنْ فِضَّةٍ  
وَ اُكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ⑪

قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ⑫

و يُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْجَابًا  
زَنْجَبِيلًا ⑬  
عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ⑭

و يُطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا  
رَأَوْهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنشُورًا ⑮

وَ إِذَا رَأَيْتَ ثَمْرًا رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مَلَكًا  
كَيِّرًا ⑯

عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ  
وَ اسْتَبْرَقٌ وَّ حُلُوعًا آسَاورَ مِنْ

ایشان شرابی پاک به ایشان  
بنوشاند (۲۲)

فَصَّۜتْ وَسَلِّمۜمۜ رَبُّهُمۜ شَرَابًا طَهُورًا ۝۱۱

یقیناً اینست پاداش شما و از  
کوشش های شما سپاسگذاری  
شود (۲۳)

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعِيۜكُمْ  
مَشْكُورًا ۝۱۲

یقیناً ما هستیم که قرآن را بر تو  
با تدریجی شکومند نازل کرده  
ایم (۲۴)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَیۜكَ الْقُرْآنَ تَنزِیۜلًا ۝۱۳

پس برای [عمل بر] فرمان پرورد  
گار خود شکبیا باش و در آنها  
هیچ گنهکار و ناسپاس را بیروی  
نکن (۲۵)

فَاصْبِرۜ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطۜغۜ مِنْهُمۜ  
أَیۜمًا أَوْ كَفُورًا ۝۱۴

و نام پروردگار خود را صبح و  
شام ذکر کن (۲۶)

وَإِذۜكۜرۜ اسۜمۜ رَبِّكَ بُكۜرَةً وَأَصِیۜلًا ۝۱۵

و پاره از شب برای او سجده  
کنان باش و بطول شب او را  
تسبیح بگو (۲۷)

وَمِنَ اللَّیۜلِ فَاسۜجُدۜ لَهُۥ وَسَبِّحۜهُ لَیۜلًا  
طَوِیۜلًا ۝۱۶

یقیناً این مردم دنیا را دوستدارند  
و ورای خودشان روزی سنگین  
را نادیده میگیرند (۲۸)

إِنَّ هَؤُلَآءِ یُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَیَذُرُونَ  
وَرَاءَهُمۜ یَوْمًا ثَقِیۜلًا ۝۱۷

مایشان را آفریده ایم و اندامهای

نَحْنُ بۜ خَلَقۜنَّهُمۜ وَشَدَدۜنَا أَسۜرَهُمۜ ۝۱۸

وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿۲۹﴾

ایشان را نیرومند ساختیم و  
هرگاه بخواهیم صورتهای ایشان  
را یکسره تبدیل نمائیم (۲۹)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿۳۰﴾

یقیناً این تذکری بزرگ است  
پس هرکه بخواهد رامی بسوی  
پروردگار خود را بگزیند (۳۰)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۳۱﴾

و شما نمیتوانید بخواهید مگر  
آنچه خدا بخواهد. یقیناً خدا  
صاحب علم دائمی صاحب حکمت  
است (۳۱)

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ وَالظَّالِمِينَ  
أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۳۲﴾

هرکه را میخواهد بداخل رحمت  
خود مینماید و نسبت به ستمکاران،  
او برای آنها عذابی دردناک مهیا  
کرده است (۳۲)

## ۷۷ - سوره المرسلات

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۵۱ آیت دارد.

بمحض آغاز این سوره آن رویدادهای استقبالی که به زمان آخرین وابستگی دارد عنوان شده است و ذکر از پیشرفت علمی آن زمان بمنوان گواه قرار داده گفته میشود که آن خدای که به امور غیب مطلع ساخته است او توانا به این امر نیز است که هر نوع انقلاب را برپا نماید. بدنبال این موضوع سخن از چنین پروازکنندگان میرود که در ابتدا آهسته آهسته به پرواز آمده و شکل طوفانی تندوز را اختیار میکنند. در زمان کنونی هواپیماهای که با سرعت بسیار پرواز میکنند نیز بامین حالت همراه اند. آنها کم کم به حرکت کردن گرفته و ببعد با سرعتی بسیار پرواز میکنند. در زمان جنگ با دشمن بوسیله این هواپیماها جزوه هایی افشاندند و این عمل از افشاندن جزوه ها بمنزله این اعلام است که اگر شماها با ما باشید ما مددگار شما خواهیم بود و الا هیچکس نتواند شمارا از جنگ ما نجات دهد.

سپس فرمود وقتی ستارگان در آسمان تیره شوند و انسان تدبیر کند که بر آسمان بالا رود. اینجا تیره شدن ستارگان دال بر این امر معلوم میشود که وقتی دوره اصحاب رضوان الله علیهم بگذرد و آن نور که امت آنحضرت صلی الله علیه و آله بعد از ایشان بوسیله اصحاب همچون ستارگان بدست میآورد آنهم تیره خواهد شد.

سپس فرمود. وقتی ریشه های ابرقدرتهای کوه مانند، برکنده شود و همه ای رسولان برانگیخته شوند. درباره این آیت علماء به پیدا کردن این سوء

تفاهم تلاش میکنند که این منظره مربوط به قیامت است. اما بدیهی است که روز قیامت که هیچ کوهی برکنده نشود و رسولان نیز نه برای قیامت بلکه برای این دنیا بموت میشوند. پس پیدا است که مطلب اینست که طبق پیش گوئی قرآن از برکت غلامی و اطاعت آنحضرت ﷺ چنین پیغمبری ظهور کند که ظهورش دال بر ظهور کردن همه ای رسولان گذشته خواهد بود یعنی از کوششهای آن وجود والای شان امت هر کدام پیغمبر گذشته بداخل امت آنحضرت ﷺ خواهند شد.

جنگهای مذکور را یکی علامت اینست که آنها دارای تشکیلاتی سه گانه یعنی نیرو زمینی، نیرو هوایی و نیرو دریائی میباشد و در این جنگها چنین شعله های از آسمان می بارد که همچون قلمه های خواهد بود و چنین بنظر خورد که آن شعله ها شترانی زرد رنگ است. این دو آیت به اثبات میرساند که این کلام تمثیلی است زیرا که در زمان آنحضرت ﷺ جنگهای را با اینچنین کیفیت تصور هم وجود نداشت. بنابراین این يك پیشگوئی است از جانب آن علیم و خبیر که به حالات آیندگان نیز مدام آگاه است.

☆ سُورَةُ الْمُرْسَلَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ إِحْدَى وَخَمْسُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ②

سوگند به فرستادگان از بی هم (۲)

فَالْعَصْفِ عَصْفًا ③

باز بسرعت بسیار تند دروندگان (۳)

وَالنَّشْرِ نَشْرًا ④

و [بیفام را] خوب منتشر کنند

گان (۴)

پس خوب تشخیص داده جدا

فَالْفُرْقَةِ فَرَقًا ⑤

کنندگان (۵)

پس هشدار داده [صحیفه ها]

فَالْمُلْقِيَةِ ذِكْرًا ⑥

افکنندگان (۶)

بعنوان حجتی یا تنبیه ای (۷)

عُذْرًا أَوْ نُذْرًا ⑦

یقیناً از آنچه بیم داده شوی حتمی

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ⑧

الوقوع است (۸)

پس زمانی که ستارگان بی نور

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ⑨

شوند (۹)

و زمانی که به آسمان شکافهای

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ⑩

[گوناگون] داده شود (۱۰)

و زمانی که کوه ها از بیخ برکنده

وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ ⑪

شوند (۱۱)

و زمانیکه رسولان بوقت معین

آورده شوند (۱۲)

برای کدام روز وقت ایشان

مقرر شده بود؟ (۱۳)

برای روز قضاوت نهایی (۱۴)

و تو را چه چیزی حالی کند که

روز قضاوت نهایی چیست؟ (۱۵)

آنروز مکذبان را هلاک است (۱۶)

آیا پیشینیان را هلاک نکردیم؟ (۱۷)

پس پسینیان را دنبال آنان می

آریم (۱۸)

به مجرمان رفتار اینطور می

کنیم (۱۹)

مکذبان را آنروز هلاک است (۲۰)

آیا شما را از آبی حقیر خلق

نکردیم؟ (۲۱)

پس آیا آنرا در آرامشگامی ایمن

ننهادیم؟ (۲۲)

تا اندازه‌ی معلوم (۲۳)

پس [آنرا] ترکیب کردیم. پس ما

چه خوب ترکیب کنندگانیم (۲۴)

وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتَتْ ۗ

لَا إِلَهَ إِلَّا يَوْمَ أُجِّلَتْ ۗ

لِيَوْمِ الْفَصْلِ ۗ

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفَصْلِ ۗ

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۗ

أَلَمْ نُهَلِكِ الْأَوَّلِينَ ۗ

ثُمَّ نَبْعَثُهُمُ الْآخِرِينَ ۗ

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ۗ

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۗ

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ۗ

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ۗ

إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۗ

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ۗ

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٥﴾

مکذبان را آنروز هلاک است (۲۵)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٦﴾

آیا زمین را فرا گیرنده قرار نه

دادیم (۲۶)

أَحْيَاءٍ وَأَمْوَاتًا ﴿٢٧﴾

زنده ها و مرده ها را (۲۷)

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ

و در آن کوههای بلند نهادیم و شمارا

وَأَسْقَيْنَكُم مَّاءً فُرَاتًا ﴿٢٨﴾

با آبی گوارا سیراب کردیم (۲۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٩﴾

مکذبان را آنروز هلاک است (۲۹)

إِنظَلِقُوا إِلَى مَا كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٣٠﴾

بروید بسوی آنچه که شما آنرا

تکذیب میکردید (۳۰)

إِنظَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿٣١﴾

بروید بسوی سایه سه شاخه (۳۱)

نه آرامش بخشد و نه از شعله های

آتش نجات دهد (۳۲)

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣٢﴾

یقیناً آن شعله های به کاخ ماننده

پرتاب کند (۳۳)

إِنهَاترُمِي بِشَرِّهِ كَالْقَصْرِ ﴿٣٣﴾

گوی آن [شعله ها] بماننده شترهای

كَأَنَّهُ جُمِلَتْ صُفْرًا ﴿٣٤﴾

زرد رنگ است (۳۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٥﴾

مکذبان را آنروز هلاک است (۳۵)

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٣٦﴾

اینست آنروز که گنگ شوند (۳۶)

و آنها را رخصت داده نشود که

عذر بیارند (۳۷)

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ﴿٣٧﴾

مکذبان را آنروز هلاک است (۳۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٨﴾



اینروزتفاوتست [برای آنچه] شما  
و پیشینیان را جمع کردیم (۳۹)

پس اگر شمارا هیچ تدبیری است  
پس بکارم بندید (۴۰)

مکذبان را آنروز هلاک است (۴۱)

یقیناً متقیان باشد در سایه ما و  
چشمه سارها (۴۲)

و میوه‌ها که آنها را دوستدارند (۴۳)  
بخورید و بی‌آشامید خوشمزه بعوض  
آن عمل که میکردید (۴۴)

یقیناً مانی‌کوکاران را پاداش این  
طور میدهم (۴۵)

مکذبان را آنروز هلاک است (۴۶)  
بخورید و کمی بهره بکشید یقیناً  
شما گنهار مستید (۴۷)

مکذبان را آنروز هلاک است (۴۸)  
چون گفته شوند کمر بتعظیم خم  
کنید کمر خم نمیکند (۴۹)

مکذبان را آنروز هلاک است (۵۰)  
پس بعد از این به کدام سخن  
ایمان خوامند آورد؟ (۵۱)

هَذَا يَوْمُ الْفَضْلِ جَمَعْنَاكُمْ

وَالْأَوْلَىٰ ۝۳۹

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا ۝۴۰

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝۴۱

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعُيُونٍ ۝۴۲

وَفَوَاحِشٍ مَّا يَشْتَهُونَ ۝۴۳

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۴۴

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝۴۵

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝۴۶

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ ۝۴۷

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝۴۸

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا أَلَا يَرْكَعُونَ ۝۴۹

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝۵۰

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۝۵۱

## ۷۸-سورة النَّبَا

این سوره حین دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۱۴ آیت دارد. در سوره قبلی المرسلات يك سوال اساسی از جانب کافران مطرح شده بود که انجام یوم الفصل تا بچند میکشد تا درست و نادرست را جدا افکند. در پاسخ این پرسش در سوره النَّبَا این "نَبَاً عَظِيمًا" یعنی خبری بزرگ داده میشود که آن "یوم الفصل" رسیده است. در همین سوره فرموده شد که "یوم الفصل" وعده ای نابرگشتنی و حتی الوقوع بود.

سپس این سوره خجسته حاکی از صورتهای گوناگون از یوم الفصل است. نخست خدای متعال مجدداً ذکر از آن نظام مینماید که آب را از آسمان میباراند و غذا را از زمین درمیآورد. پس توجه به این امر جلب کرده میشود که نوع انسان از این نظام بهره برداری نمیکند و نه تفکر میکنند که آب زلال آسمانی که درحقیقت آب هدایت روحانی است. بعلت کفراز این آب آفتهای که بر آنها افتاده و یاخواهد افتاد ذکر از آنها دراین سوره یافت میشود.

درپایان این سوره اعلام خطر مهمی شده است که اگر انسان زندگی را بر همین منوال بگذراند پس انجام کاراین حسرتی دردناک را اظهار خواهد نمود که کاشکی من همان از پیش به خاک فرو میرفتم و باز ازخاک در صورت انسان برخیزانده نمیشدم.

☆ سُوْرَةُ النَّبَاِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اِحْدَى وَاَرْبَعُوْنَ اَيَّةً وَرُكُوْعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحمتکننده (۱)

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ②

درباره چه از همدیگر میپرسند (۲)

عَمَّ  
يَتَسَاءَلُونَ

عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيْمِ ③

درباره خبری بسیار بزرگ (۳)

[این] همان [خبر] است که آنها در

الَّذِي هُمْ فِيْهِ مُخْتَلِفُونَ ④

موردش بهم اختلاف دارند (۴)

باش احتمالاً آنها بدانند (۵)

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ⑤

باز هم باش احتمالاً آنها بدانند (۶)

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ⑥

آیا زمین را بستری قرار ندایم؟ (۷)

الْمَنْجَعِلِ الْاَرْضِ مِهْدًا ⑦

و کوهها را میخها پیوسته (۸)

وَالْجِبَالِ اَوْ تَادًا ⑧

و شما را جفتهایی آفریدیم (۹)

وَ خَلَقْنَاكُمْ اَزْوَاجًا ⑨

و خواب شما را موجب آرامش

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ⑩

قرار دادیم (۱۰)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ⑪

و شب را لباسی قرار دادیم (۱۱)

و روز را برای امرار معاش

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ⑫

کردن قرار دادیم (۱۲)

و هفت آسمان محکم را فراز شما

وَبَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ⑬

بنا کردیم (۱۳) ++

++ آیت ۱۳: بعلمت تکثیر استعمال آسمان محذوف است و الا شامل موضوع است.

و چراغی بسیار درخشنده  
 نهادیم (۱۴)

و از ابرهای پرآب بارانی تند و  
 ریز بارانیدیم (۱۵)

تا بدان برویانیم حبوبات و  
 نباتات را (۱۶)

و باغهای پردرخت (۱۷)  
 یقیناً روز قضاوت را وقتی معین  
 است (۱۸)

روزیکه در صور دمیده شود و  
 شما فوج در فوج بیایید (۱۹)  
 و آسمان گشوده شود پس دارای  
 دربهای گردد (۲۰)

و کوهها بحرکت آورده شوند و  
 بسوی نشیب متحرک گردند (۲۱)  
 یقیناً دوزخ درکمین است (۲۲)

سرکشان را بازگشتگاه (۲۳)  
 آنها در آن قرن‌ها مکث کنند (۲۴)  
 هرگز نچشند در آن چیزی خنک و  
 نه نوشابه ای (۲۵)

جز آبی جوشان و چرکابه ای

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ۱۴

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۱۵

لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ۱۶

وَجَنَّتِ الْفَاقَاتُ ۱۷

إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا ۱۸

يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ۱۹

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۲۰

وَسُورَتِ الْجِبَالِ فَكَانَتْ سَرَابًا ۲۱

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ۲۲

لِللَّظَاغِينِ مَا بَابًا ۲۳

لِيُشِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ۲۴

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ۲۵

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ۲۶

- جراحتها (۲۶)
- این پاداشی مناسب به اعمال  
است (۲۷)
- یقیناً آنها به محاسبه امید  
نداشتند (۲۸)
- و به آیتهای ما بشدت تکذیب  
کردند (۲۹)
- و ما هر چیزی را به کتابی نک  
داشته ایم (۳۰)
- پس بجشید. پس ما شمارا نیفزایم  
جز در عذاب (۳۱)
- البته متقیان را کامرانی بزرگ  
است (۳۲)
- باغها و درختان انگور (۳۳)  
و دخترانی همسال (۳۴)  
و جامهای لبریز (۳۵)  
و نشوند در آن مرزه گوئی و نه  
دروغی را (۳۶)
- این پاداشی است از پروردگار  
تو کاملاً سنجیده (۳۷)
- از پروردگار آسمانها و زمین و آنچه
- جَزَاءٌ وَّوَفَاءٌ ﴿۲۶﴾
- إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿۲۸﴾  
وَكَذَّبُوا بِالْآيَاتِ كَذِبًا بَاطِلًا ﴿۲۹﴾
- وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿۳۰﴾
- فَذُو قُوَّةٍ لَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿۳۱﴾
- إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿۳۲﴾
- حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿۳۳﴾  
وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿۳۴﴾  
وَكَأْسًا مُدَاهِقًا ﴿۳۵﴾
- لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذْبًا ﴿۳۶﴾
- جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿۳۷﴾
- رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ۝۸

میان آندو است یعنی از رحمان است - اختیار ندارند با اوس سخن گویند (۳۸)

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أِذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ۝۹

روزی که روح القدس و فرشتگان صف کشیده بپا ایستاده باشند و لب به سخن نگشایند مگر آنکه را رحمن اجازه دهد و سخنی درست گوید (۳۹) ++

ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَاءً ۝۱۰

آن روز الحق است. پس هر که دوست دارد بازگشتگامی بسوی خدا بگزیند (۴۰)

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ۝۱۱

یقیناً ما شمارا درباره عذابی نزدیک هشدار داده ایم. روزی که هر کس روبروی خود ببیند هر چه دودست او پیش فرستاد و کافر گوید، کاشکی خاکی میشدم (۴۱)

++ آیت ۳۹: روز قیامت هیچکس مجاز نیست که شفاعت کند مگر به اجازه خدا. ناشی از ترس خدا خموشی کامل فرا گرفته باشد و هر که حرف زند فقط درست حرف زند. هیچکس جرعت نداشته باشد که در حضور خدا دروغ گوید.

## ۷۹ - النازعات

این سوره در دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۴۷ آیت دارد. طبق اسلوب قرآن یکبار دیگر تذکر از عذابهای دنیائی و کارزارها داده میشود و بوضاحت کشفی ذکر از چنین جنگهایست که در آنها ناوگانی زیر آب بکارگرفته شوند. وَالتَّازِعَاتِ غَرْقاً رايك معنا اینست که آن رزمنده ما زیر آب رفته برای این حمله کنند که دشمن را غرق نمایند و بر هر کدام پیروزی خویش شادمان میشوند و بدینسان این مسابقه دوجنگ وجدال در تلاش برتری بر همدیگر تمام میشود و مردوجانب دشمن همدیگر نیرنگ های بزرگ را خلاف همدیگر میزنند.

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحاً را معنا شناوراند خواه آنها زیر آب شناکنند یا بر سطح آب. و بعض وقت ناوگانی زیر آب وقتی پیروزی بدست آورند روی سطح آب برمیآیند.

خلاصه از هیبت این جنگها چنین لرزه براندام افتد که قلب از آن میتپد و چشمان بسته شود. پس از این تاراجگری دنیا وجدان انسان این سوال را مطرح میکند که آیا ما دوباره از مردگان زندگان شویم با آنکه استخوان های ما پوسیده خاکستر گردد؟ فرمود، یقیناً همینطور خواهد بود و صدای هشدار دهنده چون رعد صدا کند که ناگهان ایشان خویشتن را در محشر خواهند یافت.

سپس ذکر از حضرت موسی علیه السلام شروع میشود. ایشان بسوی فرعون فرستاده شدند که او مدعی به مقام خدایی شده بود و به آخرت شدیداً انکار میکرد. چون حضرت موسی بدو پیغام حق دادند جواباً او منم

زده گفت که خدای متعال تو منم. بدنبال این فیسش خدای متعال او را بنحوی بگیرفت که مایه عبرت برای اولین و آخرین قرار گرفت. اولین که لشکریانش را بفرق فرو رفته تماشا کردند و آخرین کالبدی بفرق رفته و نجات یافته را. خداوند او را بعنوان درس عبرت از مرگ ظاهری در چنین حالتی نجات داد که او تا عمر طولانی مبتلا به زدو خورد زندگی و مرگ جان خویش را در حالی باخت که جسدش مومیائی کرده بعنوان مایه عبرت برای آیندگان نگه داشته شد.

سپس این سوره با ذکر این پرسش پایان میپذیرد که ظهور آمدن آن ساعت قیامت تا بچند میکشد؟ فرمود، چون آن ظهور کند آنگاه خوب آشکار گردد که منتها برگشت همه چیزها بسوی پروردگارش است و ای رسول! تو فقط او را میتوانی بترسانی که از این ساعت هیبت دارد. روزیکه آنها آنرا ببینند پس زندگی دنیا را چنین احساس کنند که از چند لمحہ بیش نبود.



☆ سُورَةُ النَّازِعَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سَبْعٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ① بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

سوگندبه آنها که فرورفته برکشند

وَالزُّرْعَتِ غَرَقًا ②

[یا برای بفرق بردن بگشند](۲)

و به بسیار شادمانی کنندگان(۳)

وَالنَّشِطِ نَشْطًا ③

و به تشنگ شنا کنندگان(۴)

وَالسَّيِّئَاتِ سَبًّا ④

پس به از همدیگر پیشی گرفته

فَالسَّيِّئَاتِ سَبًّا ⑤

گان(۵)

پس به کارهای مهم را تدبیر

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ⑥

دقت لازم

کنندگان(۶)

روزیکه لرزنده سخت بلرزد(۷)

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ⑦

بدنبالش آید دنبالش آینده(۸)

تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ⑧

دلها آنروز سخت بتپد(۹)

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ⑨

چشمان آنها فرومشته باشد(۱۰)

أَبْصَارُهُمْ خَائِفَةٌ ⑩

دقت لازم

گویند: آیباقیناً ما به حالت اولین

يَقُولُونَ ءَأِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ⑪

خود بازگردانده شویم؟(۱۱)

آیا بآنکه استخوان های پوسیده

ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً ⑫

شدیم(۱۲)

گویند: آنگاه این برگشت بسیار

دقت لازم

قَالُوا تِلْكَ إِذْ أَكَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ⑬

زیان آور باشد (۱۳)

پس [گوش کنید] این فقط [صدای]

سرزندی بزرگست (۱۴)

پس ناگاه آنها در میدانی وسیع

باشند (۱۵)

آیا به تو خیر موسی آمد؟ (۱۶)

وقتی او را پروردگارش در وادی

مقدس طوی ندا کرد (۱۷)

برو بسوی فرعون که او گردنکش

است (۱۸)

پس بگو: آیا برای تو ممکن است

که پاکیزگی اختیار کنی؟ (۱۹)

و ترا بسوی پروردگارت هدایت

کنم تا تو بترسی (۲۰)

پس او را آیتی بزرگ نشان داد (۲۱)

پس او تکذیب کرد و نافرمانی

کرد (۲۲)

سپس روی برتابیده تند رفت (۲۳)

پس او [مردم را] جمع کرد و ندا

زد (۲۴)

پس گفت: منم پروردگار متعال

فَاتَّمَاهِيَ زَجْرَةً وَاحِدَةً ۞۱۳

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۞۱۵

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ۞۱۶

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۞۱۷

إِذْ هَبُّ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ۞۱۸

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّىٰ ۞۱۹

وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْتَضِيَ ۞۲۰

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ ۞۲۱

فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ۞۲۲

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ ۞۲۳

فَوَحَّشَ قَوْمَهُ ۞۲۴

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ ۞۲۵

شما (۲۵)

پس خدا او را به کیفری عبرتناک  
دنیا و آخرت بگرفت (۲۶)

یقیناً در این برای او که میترسد  
عبرتی بزرگ است (۲۷)

آیاتخلیق شما سخرست یا آسانی  
که او آنرا بنا کرده است (۲۸) ++  
او افراشتی اش را بلند کرد پس  
آن را آراستید (۲۹)

پس شیش را پوشاند و بامدادش را  
بیرون آورد (۳۰)  
و بعد آن زمین را هموار  
ساخت (۳۱) ++

از آن آبش و علفش رادر آورد (۳۲)  
و محکم نمود کوه ها را (۳۳)

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْزَةِ وَالْأُولَىٰ ۗ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ ۗ

ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ ۗ بَنَاهَا ۗ

رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَاهَا ۗ

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ۗ

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ۗ

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ۗ

وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا ۗ

++ آیت ۲۸: خداوند آسمان را خلق کرد. این تخلیق آنقدر حیرت انگیز و مبنی برجین قدرتی بزرگست که در مقابلش تخلیق انسانی را هیچ هم ارزش نیست اگرچه او موشک های سازد یا هواپیما و ناوگانی زیر آب. همینطور تخلیق خود انسان دارای چنین هنرمندی است که هرچند بر آن تدبیر کرده شود منظره های لامتناهی از هنرمندیها و قدرتهای خداوندی آشکارتر میشود.

++ آیت ۳۲: برای این معنای مرغی مراجعه شود مفردات امام راغب رحمت الله علیه.

مَتَاعًا لَكُمْ وَلَا نَعَامِكُمْ ۝۲۴

بطور سامان معیشت برای شما و  
برای دامهای شما (۳۴) ++

فَإِذَا جَاءَتْ الظَّامَةُ الْكُبْرَى ۝۲۵

پس وقتی آفتی بزرگ بیاید (۲۵)  
آنروز انسان بیاد آورد آنچه کوشش  
کرد (۳۶)

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ۝۲۶

و جهنم بروز داده شود برای  
کسیکه میبیند (۳۷)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى ۝۲۷

فَأَمَّا مَنْ طَغَى ۝۲۸

پس اما آنکه سرکشی کرد (۳۸)  
و زندگی دنیا را برگزید (۳۹)  
آنکاه حتمًا همان جهنم ماوی او  
است (۴۰)

وَأَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۝۲۹

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ۝۳۰

و اما آنکه از مرتبه پروردگار خود  
ترسانست و خود را از اغراض  
نفسانی باز میدارد (۴۱)

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ

عَنِ الْهَوَى ۝۳۱

پس یقینًا جایگامش بهشت  
است (۴۲)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ۝۳۱

درباره قیامت از تو مسئلت میکنند  
که برپا شدن آن تا بچند می  
کشد (۴۳)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ۝۳۲

++ آیت ۳۴: اینجا ذکر است که گوه ها در زمین میخکوب کرده برقرار اند. این  
بدینعلت است که مرار معیشت انسانها و جانوران به این گوه ها وابسته است.

فِيْمَا أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا ۝۱۴

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ۝۱۵

پس از ذکرش تو درجه خیالی (۴۴)

آن بسوی پروردگارت منتهی می

شود (۴۵)

توقفش مگذار دهنده هستی او را

که از این ترسان است (۴۶)

روزی که آنرا بنگرند [فکرکنند که]

گویی [در دنیا] درنگ نکردند جز

شامگامی یا صبحگامی اش را (۴۷)

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَنْ يَخْشَاهَا ۝۱۶

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا

إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ صُحْحًا ۝۱۷

ع  
۱۷

## ۳۰-سورة عَبَسَ

این سوره در ابتدای دوره مکی نازل شد و با بسم الله ۴۳ آیت دارد. این سوره نیز حاکی از یکنفر متکبر است که در زمان آنحضرت ﷺ وجود داشت. او برای پرسشی در خدمت ایشان ﷺ آمد. چنانکه آنحضرت ﷺ همواره آرزو داشتند که بنحوی کسی هدایت بیابد پس با وجود تکبرش ایشان با کمال شفقت بسویش متوجه شدند تا آن انتها که حین آن ملاقات مومن نابینای دنبال پرسش سوال حاضر آمد ولی آنحضرت ﷺ حائل بودنش را پسند نفرمودند. باز هم بی میلی خویش را بنحوی اظهار فرمودند که فقط آنکس که مباحثه میکرد می توانست بنگردد ولی آن مومن نابینای که بی توجه بود نیز دلگرا ن نشد. دنبال این سخن خداوند این نصیحت میفرماید، هر کدام که با صفای دل و شوق نزد تو بیاید را هیچگاه با غفلتکاری رفتار نکن و هرگز هر کدام متکبری که دنبال جستجو میآید هر چند از اعیان هم باشد را بر ناتوانان و فروماندگان برتر شمار.

ضمناً ذکر از عظمت و شأن قرآن مجید شروع میشود که چطور آن کتاب پرده ای را از رازهای مربوط به تخلیق ابتدائی کائنات بر میدارد و حوادثی بزرگ که در پایان این کائنات و روز قیامت رخ دهد نیز بروشنی بیان می شود.

☆ سُورَةُ عَبَسَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها را حکمکنده (۱)

عَبَسَ وَتَوَلَّى ②

او اخم کرد و روی برتأبید (۲)

برای اینکه نزد او نابینایی

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْيَى ③

آمد (۳)

و ترا چه حالی کند که ممکن بود

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى ④

او پاکی فرا میگیرفت (۴)

یابه نصیحت فکر کرده نصیحت او

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى ⑤

را سود میداد (۵)

اما آنکه بی پروا است (۶)

أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى ⑥

بس تو برایش متوجه ای (۷)

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ⑦

حالانکه تکلیف تو نیست اگر او

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى ⑧

پاکیزگی فرانگیرد (۸) ++

و اما آنکه کوشان نزد تو آمد (۹)

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ⑨

و او [از خدا] میترسید (۱۰)

وَهُوَ يَخْشَى ⑩

بس تو از او غافل شدی (۱۱)

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ⑪

باش! یقیناً این بندی بزرگست (۱۲)

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ⑫

بس هر که خواهد یادش بدارد (۱۳)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ ⑬

وَقِيلَ

++ آیت ۸: غریب القرآن

فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ﴿١٤﴾

در صحیفه های گرامی است (۱۴)

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿١٥﴾

بلندپایه ای پاک نگهداشته (۱۵)

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ﴿١٦﴾

بدست نویسندگان اند (۱۶)

كِرَاهٍ بَرَرَةٍ ﴿١٧﴾

که بسیار گرامی، نیکوکارانند (۱۷)

مرگ بر انسان! چقدر ناسپاس

قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ ﴿١٨﴾

است (۱۸)

مِنْ أَيْ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴿١٩﴾

او ویرا از چه چیز آفرید؟ (۱۹)

از نطفه ای - او را آفرید پس او

مِنْ نُطْفَةٍ ۖ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ﴿٢٠﴾

را متناسب کرد (۲۰)

سپس مسیر را برایش آسان

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ﴿٢١﴾

نمود (۲۱)

سپس او را میراند و او را به

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ﴿٢٢﴾

داخل قبر کرد (۲۲) ++

سپس هرگاه بخواهد او را بر

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ﴿٢٣﴾

انگیزد (۲۳)

باش! بجای نیآورده آنچه او بدو

كَأَلَمْ يَأْتِ قُضْ مَا أَمَرَهُ ﴿٢٤﴾

امر کرده بود (۲۴)

پس انسان به طعامش بنگرد (۲۵)

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴿٢٥﴾

++ آیت ۲۲: لازم نیست که برای هرکس قبری درست شود. بسیار مردم غرق میشوند یا

طعمه جانوران وحشی میشوند. پس اینجا مراد از قبر زمانی پیش از آخرین بعثت

است. بعبارت دیگر بر هر کدام انسان زمانی قبرستان خواهد آمد.



یقیناً ما خوب آب بارانیدیم (۲۶)  
 سپس زمین را خوب شکافتیم (۲۷)  
 پس رویانیدیم در آن حبوبات (۲۸)  
 و انگور و سبزی جات (۲۹)  
 و زیتون و خرما (۳۰)  
 و باغهای پردرخت (۳۱)  
 و میوه ها و علف را (۳۲)  
 که برای شما و برای دامهای شما  
 سامان بهره مندی است (۳۳)  
 پس وقتی صدای غرش بیاید (۳۴)  
 روزیکه فرار کند انسان از برادر  
 خویش (۳۵)  
 و از مادرش و پدرش (۳۶)  
 و از همسرش و از فرزندانش (۳۷)  
 آنروز هر کدام از آنها را حالی  
 است که او را [از همگان] بی نیاز  
 سازد (۳۸)  
 و آنروز چهره های است که روشن  
 باشد (۳۹)  
 خندان و شادمان (۴۰)  
 و آنروز چهره هایی است که خاک

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۱  
 ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ۲  
 فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۳  
 وَعِنَبًا وَقَضْبًا ۴  
 وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ۵  
 وَحَدَاقًا بَقُوعًا ۶  
 وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ۷  
 مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ۸  
 فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَةُ ۹  
 يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۱۰  
 وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ۱۱  
 وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ۱۲  
 لِكُلِّ امْرَأٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۱۳  
 وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ۱۴  
 ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ ۱۵  
 وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ غَابِرَةٌ ۱۶

آلودند (۴۱)

تیرگی آنها را فراپوشاند (۴۲)

مانهاندن اسپاس بدکار (۴۳)

عج

تَرَهَقَّا قَتْرَةً ۱۷  
 أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجْرَةُ ۱۸

## ۸۱ - سورة التکویر

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۲۰ آیت دارد.

قرآن کریم یکباردیگر خبر میدهد به حوادث بزرگ از دنیا و بر ساعت قیامت گواه قرار گیرنده و گواه قراردادده میشود خورشید وقتی آن فروپوشانده شود. بعبارت دیگر دشمنان آن حضور ﷺ نگذارند که نور ایشان به بهبود نوع انسان برسد و تبلیغاتی کرامت انگیز آنها پابمیان خواهد گذاشت. هنگامیکه دشمن نور اصحاب رضوان الله علیهم را نیز تاریک سازد. چنانکه ستارگان پس از خورشید تاحدی برای روشنی بکار می آیند، رتبه اصحاب نیز آنچنان بود ولی نور ایشان هم از میان برده شود. این روزگاری است که کوههای بزرگ و بلند حرکت داده شوند یعنی کشتیهای دریایی بلند و بالا و هواپیماهایی بزرگ برای حمل کالا بکار گرفته شوند و شترماده ها در مقابل آنها بکار گرفته، ترک کرده شود. این روزگاری است که باغهای وحش ساخته شود. بدیهی است که در زمان آنحضرت ﷺ این وضعی وجود نداشت و باغهای وحش در زمان کنونی که جانورانی بزرگ میکل دریایی بوسیله هواپیماهای بزرگ به این باغها انتقال داده میشوند به آدمی آنزمان که اندیشه پذیرم نبود.

سپس غالباً توجه به جنگهای دریائی جلب کرده میشود. آنزمان کشتی رانی در اوقیانوسها فراوان شده و ناشی از آن مردمان دورا دور بهم پیوسته شوند. بعبارت دیگر نه تنها جانوران گرد آورده شوند بلکه آدمیان نیز بهم پیوسته خواهند شد. آن روزگاری است که دارای حکمرانی قانون باشد و انسان حتی بکیفر فرزندان خویش نیز مجاز نباشد. هر چند بظاهر حکمرانی بر سراسر

دنیا از قانون باشد بازهم میچکدام قانون نتواند که فسق و فجور را بعلمت انکار از قانون خدائی از میچکدام کشور دور بنماید. این روزگاری باشد که در آن کتب و مجلات بفرآوانی طبع و نشر کرده شود و پژوهندگان راز های آسمانی گویی که پوست آسمان را برکنند. آنروز دورخ که هم عبارت از دوزخ جنگها و هم از غضب آسمانی است، مشتمل ساخته شود. با این وجود کسانی که بر تعلیم خداوند عمل کنند و بر این کردار برقرار باشند، بهشت برای ایشان نزدیک کرده شود و هر کس دریابد آنچه او برای خویشتن پیش فرستاده باشد.

در آیات ۱۶ و ۱۷ گواه قراردادده میشوند آن کشتیها که عملیات محرمانه انجام داده به توقفگاه های مخفی خود برگردند. این امر مجدداً بیان میشود بدینعملت که اینجا سخن از چنین حملات شیطانی است که از طریق خیالات بخاطر انسان خطور کرده و بر نفسش هجوم برده باز ناپیدا میشود. سپس آن شبی گواه قرار داده میشود که آخرین دَمش را میگذد و علامات بامداد پدیدار شده و منتها این شب تار حتماً منتج به بامداد اسلام خواهد شد.

☆ سُورَةُ التَّكْوِيْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحمت کند (۱)

چون خورشید دردم بیجیده

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ②

شوند (۲)

و چون ستارگان تیره گردد (۳)

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ③

و چون کوهها بحرکت آورده

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ④

شوند (۴)

و چون ناقه های باردار ده ماهه

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ⑤

بدون نگهبانی رهانیده شوند (۵)

و چون وحشیها جمع کرده شوند (۶)

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ⑥

و چون دریاها شکافته شوند (۷)

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ⑦

و چون نفوس بهم پیوسته شوند (۸)

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ⑧

و چون زنده درگور شده [درباره

وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُيِّلَتْ ⑨

خویشتن] پرسیده شود (۹) ++

به چه گناهی کشته شد (۱۰) ++

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ⑩

++ آیات ۹-۱۰: ذکر از دولتهای متمدن آینده است که از اقتدار والدین بر

فرزندان خویش انکار خواهند کرد. این آیت در معنای وسیعتر خود بدین شان والای راست آمده است که اگر به اثبات رسد که والدین در حق فرزندان خود تجاوز کرده اند تا چه برسد باینکه آنان قتل کرده شوند دولتها آن بچگان را به تحویل خودشان بگیرند.

و چون صحیفه ما نشر کرده  
شود (۱۱)

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿۱۱﴾

و چون پوست آسمان گنده  
شود (۱۲)

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿۱۲﴾

و چون جهنم برافروخته شود (۱۳)  
و چون بهشت نزدیک کرده  
شود (۱۴)

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ ﴿۱۳﴾

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُرْفِقَتْ ﴿۱۴﴾

هر کس بدانند آنچه آورده باشد (۱۵)  
پس باش! قسم خورم آنهارا که کار  
را پنهانی انجام داده برگردند (۱۶)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ﴿۱۵﴾

فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ﴿۱۶﴾

کشتیهارا که وقت پنهان شدن  
[یا در جای پنهان شدن] پنهان  
شوند (۱۷)

الْجَوَارِ الْكُنُوسِ ﴿۱۷﴾

و شب چون بیاید و پشت  
کند (۱۸) ++

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿۱۸﴾

و صبح چون نفس کشد (۱۹)  
یقیناً این کلام پیغامبری ارجمند  
است (۲۰)

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿۱۹﴾

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿۲۰﴾

(که) قدرتمند است، نزد صاحب عرش  
بسیار بزرگوار است (۲۱)

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿۲۱﴾

++ ایت ۱۸: عَسْعَسَ اللَّيْلِ: أَي أَقْبَلَ وَ أَدْبَرَ شَبَّ أَمْدُ وَبَشَتْ كَرْدَ [مفردات امام راغب]

بسیار واجب اطاعت سپس امین

است (۲۲)

و رفیق شما هرگز دیوانه

نیست (۲۳)

و یقیناً او درافتی روشن او را

دیده است (۲۴)++

و بر [بیان] غیب هیچ بغل نمی

کند (۲۵)

و این کلام شیطانی رانده

نیست (۲۶)

پس کجا میروید؟ (۲۷)

این نیست جز نصیحتی بزرگ

برای همه جهانها (۲۸)

برای آنکس از شما که استقامت

نشان دهد (۲۹)

و نمیتوانید بخواهید جز آنچه خدا

پروردگار همه جهانها بخواند (۳۰)

++ آیت ۲۴: یعنی رسول الله ﷺ هیچ سخن را از خود برنباخته اند بلکه واقعاً

ایشان جبرائیل را برافتی روشن دیده بودند.

مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٌ ۝۲۲

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝۲۳

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ۝۲۴

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۝۲۵

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝۲۶

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ۝۲۷

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝۲۸

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ۝۲۹

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝۳۰

## ۸۲-سورة الانفطار

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۲۰ آیت دارد.

در ابتدائی این سوره نیزسخن ازستارگان، نه از بی نور شدن آنها بلکه فروریختن آنها، گفته میشود، که انسان در تاریکیهای شب از نور ستارگان کاملاً بی بهره ساخته شود. سپس سخن از دریا گفته این امر تکرار کرده میشود که نه تنها در دریاها کشتی رانی فراوان گردد و برای کشف رازها آنها شکافته شوند بلکه از زمین نیز باستان شناسان مدفن های فرهنگ قدیم را بر خواهند کند. آنگاه به انسان معلوم شود که پیشینیانش چه چیزی برای خویشتن پیش میفرستاده اند و پسینیانش چه چیز را برای خویشتن پیش خواهند فرستاد .

باز در پایان این سوره دنبال موضوع آخرت در آیتی این مطلب نقل میشود که ملك دنيا مربوط به صاحبان موقتی اش نیست بلکه مالك حقیقی فقط خدای متعال است که روز یوم الدین هر کدام ملك بسوی او برگردد و هر کدام وجود غیر از او از ملك محروم کرده خواهد شد.



## ☆ سُورَةُ الْإِنْفِطَارِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ عِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ① بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

چون آسمان ازهم بپاشد (۲)

و چون ستارگان فروریزند (۳)

و چون دریاها شکافته شوند (۴)

و چون قبرها باز کرده شوند (۵)

مرجان بدانند آنچه او پیش فرستاد

و او پس گذاشت (۶)

ای انسان چیست که ترا درمورد

ربِّ کریم خود فریب داد (۷)

او که ترا آفرید، پس ترا مرتب کرد

پس ترا میانه حالی بخشید (۸)

ترا ترکیب کرد در هر صورتی که

او میل کرد (۹)

باش ابه جزاء انکار میکنید؟ (۱۰)

درحالیکه یقیناً بر شما نگهبانان

هستند (۱۱)

نویسندگان ارجمند (۱۲)

آنان میدانند آنچه انجام مید (۱۳)

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ②

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ③

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ④

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ⑤

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ⑥

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ

الْكَرِيمِ ⑦

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّبَكَ فَعَدَلَكَ ⑧

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ⑨

كَأَلْبَلٍ تُكَدِّبُونَ بِالَّذِينَ ⑩

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ⑪

كِرَامًا كَاتِبِينَ ⑫

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ⑬

یقیناً نیکان در آسایش باشند (۱۴)  
و یقیناً زشتکاران در جهنم  
باشند (۱۵)

روز جزاء بداخل آن شوند (۱۶)  
و آنان از آن بیحضور نباشند (۱۷)  
و چه ترا حالی کند که روز جزاء  
چیست (۱۸)

باز هم چه ترا حالی کند که روز  
جزاء چیست (۱۹)

روزی که جانی برای جانی دیگر  
هیچ اختیار ندارد و آن روز فرمان  
از آن خدا است (۲۰)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٤﴾  
وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٥﴾

يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٦﴾  
وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٧﴾  
وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٨﴾

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٩﴾

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا ﴿٢٠﴾  
وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿٢١﴾

ع ۷

## ۸۳- سورة المطففين

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۲۷ آیت دارد.

در این سوره توجه انسان یکباردیگر بسوی "میزان" جلب کرده میشود که شافقت آنگاه میتوانید به موفقیت نایل باشید که بر میزان استوار شوید. باش! این درست نیست که وقت گرفتن به کمال و تمام گرفته و برای توزیع پیمانہ ای دیگر اختیار کنید. اینجا وضع تجارت این زمان نیز تجزیه و تحلیل میشود. هرگاه ملتہای بزرگ و ثروتمند با ملتہای ضعیف و نادار معامله میکنند حتماً این معامله منجر بزیان ملتہای ضعیف میشود. فرموده میشود که اینہائی بتفکر نمیپردازند کہ روز حساب بزرگ اینہا گرد آورده شوند و آنروز دادوستد دنیائی نیز محاسبہ شود. این آن یوم الدین است کہ ذکر از آن در سوره گذشتہ رفته است.

در آیتہای بعدی ذکر از یوم الدین آورده متنبہ ساخته میشود کہ منکران یوم الدین ہم درازمنہ پیشین ہلاک کرده شدند و ہم در زمان آخرین بہ فرجام بد خویش خواهند رسید.

سپس توجه بہ مقایسہ ای میان اہل بہشت و دوزخ جلب کرده متنبہ ساخته میشود کہ ایشان را کہ آنها در دنیا تمسخرکنان، مہوکرده و چشم برہم زده، تذلیل کنان، کافر قرار میدادند، آنروز ایشان نیز بہ آنها خندان بہرساند کہ بگویند کہ اکنون حال شما چطور است؟

☆ سُوْرَةُ الْمُطَفِّفِيْنَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ سَبْعٌ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

ملاك بردر كيل بی عدالتندان (۲)

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ ①

آنهاییکه چون از مردم کیل کنند

الَّذِيْنَ اِذَا كَتَّلُوْا عَلٰى النَّاسِ

تمام بگیرند (۲)

يَسْتَوْفُوْنَ ②

و چون برای آنان کیل کند یا

وَ اِذَا كَالُوْهُمْ اَوْ وَّزَنُوْهُمْ

بپسایند کم میکنند (۴)

يُخْسِرُوْنَ ③

آیا آنها فکر نمیکنند که حتماً آنها

اَلَا يَظُنُّ اُولٰٓئِكَ اَنَّهُمْ مَّبْعُوْهُنَّ ④

برانگیخته شوند (۵)

لِيَوْمٍ عَظِيْمٍ ④

برای [احضار] روزی بزرگتر (۶)

يَوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ⑤

روزیکه تمام مردم در محضر

پروردگار همه جهانها بپا خواهند

ایسناد (۷)

كَلَّا اِنَّ كِتٰبَ الْفُجٰرِ لَفِيْ سَجِيْنٍ ⑥

آگاه باش! یقیناً نامه اعمال

بدکاران در سجین است (۸)

وَمَا اَدْرٰكَ مَا سَجِيْنٌ ⑥

و چه چیزی ترا حالی کند که

سجین چیست؟ (۹)

کتابی مرقوم است (۱۰)

كِتٰبٌ مَّرْقُوْمٌ ⑦

آنروز مکذبان را هلاک است (۱۱)

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ⑧

آنها که روز جزاء را تکذیب کنند (۱۲)

و تکذیب نمیکند به آن جز هرگناه کاری تجاوزگر (۱۳)

هرگاه آیتهای ما بر او خوانده شود گوید، این اساطیر پیشینیان است (۱۴)

باش در حقیقت بردلهای آنان زنگ زد آنچه داشتند کسب میکرده اند (۱۵)

باش ایقیناً آنروز آنها از پروردگار خود در حجاب باشند (۱۶)

سپس یقیناً آنها واردان جهنم اند (۱۷)

سپس گفته شود: این همانست که شما به آن تکذیب میکردید (۱۸)

باش! یقیناً نامه اعمال نیکان در علین باشد (۱۹)

و چه ترا بفهماند که علین چیست (۲۰)

کتابی مرقوم است (۲۱)

الَّذِينَ يَكْذِبُونَ يَوْمَ الدِّينِ ۝۱۲

وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۝۱۳

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝۱۴

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝۱۵

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمْ حُجُّوا ۝۱۶

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ۝۱۷

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝۱۸

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ۝۱۹

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ۝۲۰

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ۝۲۱

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾

عَلَى الْأَرَائِكِ يُنظَرُونَ ﴿٢٣﴾

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْمُومٍ ﴿٢٥﴾

خَلِيْمُهُمْ سِكَطٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ

الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٢٦﴾

وَمَزَاجُهُمْ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا

يُضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ ﴿٣٠﴾

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا

فَكِهِمِينَ ﴿٣١﴾

آنرا مقربان خواهند دید (۲۲)

یقیناً نیکان در آسایش باشند (۲۳)

بر تختهای [نشسته] نظاره کنان (۲۴)

تو در سیمای ایشان تروتازگی خیر

و نعمت را خواهی شناخت (۲۵)

شرابی خالص سربهر نوشانده

شوند (۲۶)

مهرش از مشک است. پس باید در

اینمورد شایقان [مسابقه] بیشتر

از مدیگر شایق باشند (۲۷)

و آمیختگی اش از تسنیم

باشد (۲۸)

چشمه ای است که مقربان از آن

بخورند (۲۹)

البته کسانی که جرم کردند داشتند

با آنانکه ایمان آوردند استهزاء

می کردند (۳۰)

و مرگاه از نزد آنان گذر میکردند

غمزه میکردند (۳۱)

و هنگامیکه بسوی خانواده خود

باز میگشتند یاوه گویان باز می

گشتند(۳۲)

و چون ایشان را میدیدند، می گفتند:براستی آنها حتماً گمراهان اند(۳۲)

درحالیکه آنها برایشان نگهبانان نفرستاده شده بودند(۳۴)

پس کسانیکه ایمان آوردند امروز بر کافران بخندند(۳۵)

بر تخت های [نشسته] نظاره کنان باشند(۳۶)

آیا کافران عوض کامل داده شدند به آنچه داشتند عمل میکردند(۳۷)

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِظِينَ ﴿٣٤﴾

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٥﴾

عَلَى الْأَرْبَابِكِ يُنظَرُونَ ﴿٣٦﴾

هَلْ نُؤَبِّ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٧﴾

## ۸۴ - سورة انشقاق

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۲۶ آیات دارد.

دنبال اسلوب سوره های قبلی یکبار دیگر دگرگونی‌هایی بزرگ دنیائی گواه بر آخرت قراردادده میشوند. مجدداً سخن از منفجر شدن آسمان گفته میشود و این مصطلح را يك معنا اینست که آفت‌های گوناگون نازل خواهد شد. سپس سخن از گسترانیدن زمین گفته میشود. بظاهر که این زمین در دنیا گسترانیده بعجم نمیخورد اما در زمان نزول قرآن بقرار علم انسان دنیا نصف بود و نصف دنیا معناً پس از کشف سرزمین‌های امریکه و غیره گسترش داده شد و همین روزگار است که زمین رازهای مخفی اش را بیرون افکند که گویی تهی گردد. این زمان پیشرفت علمی پس از دریافت امریکه رو به آغاز مینهد.

ضمناً این پیشگویی است که زمانیکه روز تبدیل به تاریکیها خواهد بود و سپس شب فرا خواهد گرفت و ماه اسلام مجدداً طلوع خواهد کرد آنروز شما آخرین پایه های پیشرفت خویش را درجه بدرجه طی کرده خواهید داشت.



☆ سُورَةُ الْإِنْشِقَاقِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سِتُّ وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها را حکمکنده (۱)

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ②

منگامیکه آسمان بشکافت (۲)

و گوش به پروردگار خود فرامد و

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ③

همین بر آن لازم شده است (۳)

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ④

و زمین پهن کرده شود (۴)

و براندازد آنچه در آنست و خالی

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ⑤

گردد (۵)

و گوش به پروردگار خود فرامد و

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ⑥

و همین بر آن لازم شده است (۶)

ای انسان ایقیناً ترا بسوی پروردگار

يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ

خود بسیار کوشش کردن است. پس

كَذْحًا فَمُلَاقِيهِ ⑦

[روزی] با او ملاقات کننده ای (۷)

پس آنکه نامه اعمالش بدست

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ⑧

راستش داده شود (۸)

پس بزودی بحسابی آسان محاسبه

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ⑨

کرده شود (۹)

و شادمان بسوی خانواده خویش

وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ⑩

باز گردد (۱۰)

و اما آنکه نامه اعمالش از پشت سرش داده شود (۱۱)

پس حتمًا او [برای خویشتن] هلاک بخواند (۱۲)

و بداخل آتشی شعله ور شود (۱۳)  
البته او میان اهل خود شادمان بود (۱۴)

براستی او گمان میکرد که هرگز برگشت کننده نیست (۱۵) ++

بلی یقینًا پروردگارش او را بیننده است (۱۶)

پس باش امن شفق را گواه قرار می دهی (۱۷) ++

و شب را و آنچه او جمع می کند (۱۸) ++

وماه را چون آن پرنور گردد (۱۹)  
یقینًا شما درجه بدرجه پیشرفت کنید (۲۰) ++

وَأَمَّا مَنْ أَوْتِي كِتَابَهُ وَرَأَىٰ ظَهْرَهُ ۝۱۱

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ۝۱۲

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ۝۱۳  
إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝۱۴

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَخُورَ ۝۱۵

بَلَىٰ ۙ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ۝۱۶

فَلَا أَقْسِمُ بِالْشفقِ ۝۱۷

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۝۱۸

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ۝۱۹

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ۝۲۰

++ آیات ۱۷-۲۰: اینجا "فلا" بدین معنای نیست که من قسم نمیخورم بلکه این انکار از خیالی است که متداول شده باشد. خداوند شفق را گواه قرار میدهد و سپس چون شب آغاز تاریکی نهد آنوقت نیز خدا انسان را کاملاً از نور بی بهره [ص# ۱۵۳] ++

پس چه مورد است که آنها ایمان  
نمی آرند (۲۱)

و چون قرآن برایشان قرائت  
شود سجده نمیکنند (۲۲)

بلکه آنها که کفر کردند تکذیب می  
کنند (۲۳)

و خدا داناتر است به آنچه جمع  
می کنند (۲۴)

پس آنها را به عذابی دردناک  
مژده بده (۲۵)

جز ایشان که ایمان آوردند و  
اعمال نیکوی انجام دادند ایشان  
را پاداشی بی پایان است (۲۶)

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۲۱﴾

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ  
لَا يَسْجُدُونَ ﴿۲۲﴾

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَكْذِبُونَ ﴿۲۳﴾

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿۲۴﴾

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۲۵﴾

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۲۶﴾

بفیه آیات: ۱۷- ۲۰: نمیسازد بلکه ماه را برای انعکاس روشنائی خورشید مامور  
مینماید و ماه نیز بلافاصله بانور کامل نمیدرخشد یعنی ناگهان بصورت بدری در نمی  
آید بلکه کم کم پیشرفت میکند. بر همین منوال آن تجدید کننده دین که ظهورش در  
قرن چهاردهم قرار است نیز طبق فرایند طبقاً عن طبقاً پس از پیشرفت تدریجی  
بمنوان بدر کامل ظهور خواهد کرد.

++آیت ۱۵: لَنْ يَخُورَ أَيُّ لَنْ يَبْعَثَ [مفردات امام راغب رح]

## ۸۵-سورة البروج

این سوره درمکه نازل شد و با بسم الله ۲۲ آیت دارد.

این سوره را نسبت به سوره گذشته اینست که در آن ذکر از مجدداً طلوع کردن ماه اسلام بود. ظهور این واقعه تا بچند میکشد و آنرا منظور چیست؟ پس باید دانست که آسمان را دوازده برج است و بعبارت دیگر این پیشگوئی پس از دوازده قرن راست خواهد آمد. بطوریکه ماه گواهی درحق خورشید میدهد بر همین منوال يك گواه استقبالی درحق مشهودی بلند شان خویش یعنی آنحضرت ﷺ باشمول پیروان راستین خویش گواهی خواهد داد. هرگز ایشان مبادرت به جرّمکاری نکنند مگر اینکه برظهورکننده ایمان خواهند آورد. اما با این وجود ایشان مجازات سنگین و ظالمانه کرده شوند. تا آن انتها که ایشان درآتش سوزانده و بینندگان راحت این حالت ایشان را تماشا خواهند کرد. این سلوک طبق این پیشگوئی با احمدیان نیز روا داشته میشود.

در پایان این سوره بدین امرشدیداً هشدار داده میشود که قومهای پیشین نیز وقتی اینگونه عمل ستمکارانه را پیش گرفته بودند پس ستمکاری های آنان خودشان را فرا گرفته بود. پس سوگند به قرآن که درلوح محفوظ است که شما همانیز بکیفر جرمهای خویش رسانده خواهید شد.

☆ سُوْرَةُ الْبُرُوْجِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَعِشْرُوْنَ آيَةً وَرُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ① بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوْجِ ②

سوگنده آسمان دارای برجها (۲)

و سوگند به روزی که وعده داده

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُوْدِ ③

شد (۳)

و به گواهی دهنده و گواهی شده (۴)

وَشَٰهِدٍ وَّ مَشْهُودٍ ④

هلاک شوند اهل حفره ها (۵) ++

قُتِلَ اَصْحٰبُ الْاَحْدُوْدِ ⑤

اهل آن آتش که با سوخت

التَّارِذَاتِ الْوَقُوْدِ ⑥

فراوانست (۶) ++

چون آنها گرداگردش نشسته

اِذْ هُمْ عَلَيْهَا قٰعُوْدٍ ⑦

باشند (۷) ++

و آنها بر آنچه بمومنان میکردند

وَهُمْ عَلٰی مَا يَفْعَلُوْنَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ

گواه باشند (۸) ++

شٰهُوْدٍ ⑧

++ آیات ۵-۸: این آیات حاکی از پیشگوئی هلاکت آمرمدان است که در حفره ای

آتش برافروختند و مومنان را در آن افکنده سوزاندند و برکنارنشته تماشا میکردند.

در این واقعه این پیشگوئی مضراست که در آینده نیز واقعه ای همانندش در زمان

موعود بوقوع خواهد آمد. پس حتماً اطلاقش بر آن احمیدیان میشود که درباره ایشان

تلاش شد که با خانه های خود زنده سوزانده شوند و کلمه قعود حاکی است آتش

زندگان برکنار نشسته تماشا میکردند و هیچ اقدامی علیه ستمگران کرده نشد. پس

این پیشگوئی راست آمد چنانکه آشوبگران زیر سرپرستی پلیس تلاش [۱۵۲۵ #ص]

و از ایشان انتقاد نکردند جز آنکه  
ایشان به خدای ایمان آوردند که  
صاحب غلبه کامل لایق بینهایت  
ستایش است (۹)

آن ذات که پادشاهی آسمانها و  
زمین ملک اوست و خدا بر هر  
چیز گواه است (۱۰)

یقیناً کسانی که مومنان و مومنات  
را آزاریدند سپس توبه نکردند پس  
برای آنها عذاب جهنم است و آنها  
را عذاب آتش است (۱۱)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و نیکو  
کاری کردند ایشان را بهشت های  
است که در دامنه آنها نهرهای روان  
است. این پیروزی بسیار بزرگ  
است (۱۲)

یقیناً گرفت پروردگارت خیلی  
سخت است (۱۳)

یقیناً او هم آغاز میکند و هم  
تکرار میکند (۱۴)

باین وجود او بسیار آرزوگاری

وَمَا تَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمُوا بِاللَّهِ  
الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝۹

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ  
وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝۱۰

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ  
وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ۝۱۱

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ  
جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ ذَلِكَ  
الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ۝۱۲

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ۝۱۳

إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّلُ وَيُعِيدُ ۝۱۴

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ۝۱۵

بسیار دوستدار است (۱۵)  
 صاحب عرش صاحب بزرگی  
 است (۱۶)  
 او کننده ای است هر چه را می  
 خواهد (۱۷)  
 آیا ترا رسید خبر لشکرهای (۱۸)  
 فرعون و ثمود (۱۹)  
 بلکه کسانی که کفر کردند در تکذیب  
 [مشغول] میمانند (۲۰)  
 در حالیکه خدا از پیش و پشت  
 سرشان احاطه کرده است (۲۱)  
 بلکه آن قرآنی بزرگ است (۲۲)  
 که در لوح محفوظ است (۲۳)

ذَوَالْعَرْشِ الْمَجِيدِ ۱۱

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ۱۷

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ۱۵

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ۱۹

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ۲۰

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ۲۱

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ۲۲

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ۲۳

ع

بقیه آیات ۵-۸ ص ۱۵۳۳#۳: کردند تا احمدیان را زنده بسوزانند و خیلی بار  
 موفق شدند و گاهی نا موفق هم شدند.

## ۸۶- سوره الطّارِق

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله هیجده آیت دارد.

در این سوره ادامه به همان موضوع سوره البروج داده پیشگوئی میشود که خدای متعال در این شب تاریکبفانانی از آسمان مأمور میکند که به بندگان مظلوم اویاری خواهند کرد. چرا انسان بدین امر فکر نمیکنند که او فقد وجودی جست زننده و حرف بیبها زننده ای است؟ پس منتهاحتمأ او بمواخذة اعمال خود گرفته خواهد شد. پیروان حقیقی آنحضرت ﷺ در این زمان را هدایت است که بگذارید که شیران به شرارتهای خود مشغول باشند دیری نمیپاید که منتها آنها گرفتار شوند. پس منتظر باشید و کمی فرصت بدهید.



## ☆ سُورَةُ الطَّارِقِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَمَانِي عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده، بارها رحم کننده (۱)

وسوگند به آسمان و شبگاه ظهور

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ②

کننده (۲) ++

وتراچه حالی کند که شبگاه ظهور

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ③

کننده چیست (۳)

ستاره بسیاردرخشان (۴)

النَّجْمِ الثَّاقِبِ ④

میچکدام نفس نیست که بر او

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ⑤

نگهبانی نباشد (۵)

پس انسان باید بنگرد که از چه

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ⑥

او آفریده شد (۶)

او از آبی جست زنده آفریده

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ⑦

شد (۷)

که از میان کمر و استخوانهای

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ

سینه خارج میشود (۸)

وَالثَّرَائِبِ ⑧

یقیناً او بر بازگرداندن آن حتماً

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ⑨

++آیت ۲: بمحض آغاز این سوره گواهی به ظهور کننده ای هنگام شب داده میشود.

در آیاتی بعد این توضیح یافت میشود که او النَّجْمُ الثَّاقِبُ باشد. بقرار معلوم

النجم الثاقب دال بر این است که شعله های آتش از آسمان فرو خواهد بارید.

قدرتمند است (۹)	
روزی که رازها آشکار ساخته شود (۱۰)	يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿١٠﴾
پس او را نه هیچ توانایی باشد و نه کسی یاریگر (۱۱)	فَمَالَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١١﴾
و سوگند به آسمان دارای باران بی در بی (۱۲) ++	وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١٢﴾
و سوگند به زمین که رویدنیها میرویند (۱۳)	وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٣﴾
یقیناً آن کلامی فیصله کننده ی است (۱۴)	إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَضْلٌ ﴿١٤﴾
و مرگز آن هرزه سرائی نیست (۱۵)	وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٥﴾
یقیناً آنها نیرنگی خواهند زد (۱۶)	إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٦﴾
ومن هم تدبیری خواهم کرد (۱۷)	وَإِكِيدُكَيدًا ﴿١٧﴾
پس کافران را مهلت بده و آنها را يك مدت فرصت بده (۱۸)	فَمَهْلٍ الْكٰفِرِيْنَ اَمْهَلْهُمْ رَوَيْدًا ﴿١٨﴾

++ آیت ۱۲: الرَّجْعُ = الْمَطْرُ بَعْدَ الْمَطْرِ - باران پس از باران

++ آیت ۱۲: الصَّدْعُ: نَبَاتُ الْأَرْضِ - رویدنی زمین [الاقرب]

## ۸۷-سورة الاعلیٰ

این سوره مکی است و با بسم الله بیست آیت دارد.

سرآغاز این سوره این مژده ای داده میشود که همان نام خدا و نام اهل خدا غالب میآید. پس توصیه بدین امر است که پیوسته نصیحت کنید. پس منتها نصیحت بهرمنند میشود اگرچه ظاهراً در آغاز بی نتیجه بعشم خورد. سپس به انسان گفته میشود که شما از نصیحت بهره مند نمیشوید زیرا که شماها دنیا را برزندگی اخروی برگزیده اید در صورتیکه تنها آخرت خانه بهبود و بقاء است.

☆ سُورَةُ الْأَعْلَى مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ عِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
سیاربخشنده بارهارحکمننده (۱)

پروردگار بزرگ و بالا خود را  
تسبیح بگو (۲)

آنکه آفرید و مرتب کرد (۳)  
و آنکه [عناصر] را ترکیب کرده  
پس هدایت داد (۴)

و آنکه برای زندگی علف درآورد (۵)  
پس آنرا [برای ناسپاسان] خاشاکی  
پوسیده درآورد (۶)

پس حتماً تو را قرائت میآموزیم  
پس فراموش نخواهی کرد (۷)

جز آنچه خدا بخواهد. یقیناً او می  
داند عیان را و آنچه پنهانست (۸)  
و برای تو آسایش مهیا سازیم (۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ①

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ①

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ①

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ①

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ①

سَنُقَرِّبُكَ فَلاتَتَّسَى ①

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ① إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ

وَمَا يَخْفَى ①

وَنُبَيِّرُكَ لِيُسْرَى ①

++ آیت ۵: برای این معنا مراجع شود مفردات امام راغب رح.

++ آیت ۷-۸: آن نسیان که اینجا مذکور است بدین معنائیست که نمودبالله قرآن از آنحضور ﷺ فراموش میشد بلکه نسیان بدین معنا است که گاه بگاہ هنگام نماز موقتاً کلمه ای بخاطر نیاید و برای این فرمان است که مقتدیان در نماز هنگام چنین حالت میتوانند به کلمه ای درست آگاه سازند.

پس حتماً تذکر بده. یقیناً تذکر  
سودمند است (۱۰)

حتمّاً پند فرا گیرد آنکه بترسد (۱۱)  
و دوری جوید از آن کسیکه تیره  
بخت است (۱۲)

آنکه بداخل آتش بزرگ شود (۱۳)  
سپس نمیرد در آن و نه زنده  
بماند (۱۴)

یقیناً موفق شد آنکه پاک شد (۱۵)  
و نام پروردگار خود را یاد کرد  
و نماز خواند (۱۶)

حقیقتاً شما زندگی دنیا را برتر  
می شمارید (۱۷)  
با آنکه آخرت نیکوتر و برقرارتر  
است (۱۸)

یقیناً این [سخن] ها در صحیفه  
های پیشین نیز است (۱۹)

در صحف ابراهیم و موسی (۲۰)  $\frac{1}{3}$

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ۝۱۰

سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى ۝۱۱

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ۝۱۲

الَّذِي يَصِلُ النَّارَ الْكُبْرَى ۝۱۳

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ۝۱۴

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ۝۱۵

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ۝۱۶

بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝۱۷

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۝۱۸

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۝۱۹

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ۝۲۰

++ آیات ۱۹-۲۰: اینجا درباره قرآن فرموده میشود که بهترین تعلم از هر کدام صحیفه های پیشین در آن جمع شده است. بهترین تعلیم از صحف ابراهیم علیه السلام نیز موجود است و هم از صحف موسی علیه السلام.

## ۸۸ - سورة الفاشیه

این سوره مکی است و با بسم الله ۲۷ آیت دارد.

در این سوره سخن از عذابهای پیوسته و فراگیرنده رفته است و آنروز چهره‌ها سخت خوفزده و گرفتار سختی و خسته خاطر باشند. آنان بداخل آتش شعله ورگردند و غذای آنان نیست جز گیاهی شور و خاردار که نتواند آنان را فربه نماید و نه گرسنگی آنان را دور سازد. این تمثیلی است اشاره به میوه‌ای از گیاهی شور و خاردار که بظاهر شیرین ولی منتها خورندگان را موجب رنج میشود.

سپس تمامی سوره جمله رویدادهای زندگی اخروی را بیان کرده منتها سخن از آن حساب میگوید برای آنچه انسان را در محضر او حاضر شدن است.

در پایان سوره مقتدیان در نماز در پیروی سنت از آنحضرت ﷺ بصدای بلند این دعا میخوانند که پروردگارا! حساب از ما آسان بگیر.

☆ سُورَةُ الْغَاشِيَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

آیا تو را خبر [از ساعت] مدهوش

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ①

کننده رسید؟ (۲)

چهره هائی آذرو زسخت خوف زده

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ①

باشند (۳)

[یعنی تبادر کار مائثر دنیائی] سخت

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ①

مشقت کننده، خسته خاطر (۴)

به آنشى شعله ور داخل شوند (۵)

تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً ①

از چشمه ی بنهایت جوشش و گرمی

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ ①

رسیده نوشانده شوند (۶)

برای آنها هیچ طعامی نیست جز

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ ①

گیامی شور و خاردار (۷)

نه چاق کند و نه از گرسنگی

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ①

نجات دهد (۸)

چهره هائی آنروز تروتازه اند (۹)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ①

برای کوشش خود خوشنودند (۱۰)

لَسْعِيهَا رَاضِيَةٌ ①

در بهشتهای عالی (۱۱)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ①

++ آیت ۲: برای این معنی خاشعۀ مراجع شود تاج العروس.

در آن هیچ یاوه‌ی نشنوی (۱۲)  
 در آن چشمه‌ی جاری است (۱۳)  
 در آن تخت‌های بلند است (۱۴)  
 و جام‌های باشایستگی چیده (۱۵)  
 و بالش‌های ردیف هم قرار داده (۱۶)  
 و فرش‌های [پربها] گسترده (۱۷)  
 آیا نینگرند بسوی شتر، چطور  
 آفریده شد؟ (۱۸)  
 و بسوی آسمان، چگونه برافراشته  
 شد؟ (۱۹)  
 و بسوی کوه‌ها چگونه محکم نشانده  
 شدند؟ (۲۰)  
 و بسوی زمین چطور گسترده  
 شد؟ (۲۱)  
 پس تذکر بده تو فقط تذکر دهنده  
 هستی (۲۲)  
 مرگز تو بر آنها نکهبان نیستی (۲۳)  
 مگر آنکه روی برتابد و انکار  
 کند (۲۴)  
 پس خدا او را بعدایی بزرگتر  
 معذب کند (۲۵)

وَقِيلَ

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَآغِيَةً ۝  
 فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝  
 فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ۝  
 وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ۝  
 وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۝  
 وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ۝  
 أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ  
 كَيْفَ خَلَقْتُمْ ۝  
 وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۝  
 وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۝  
 وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۝  
 فَذَكِّرْ ۗ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ۝  
 لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ۝  
 إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ۝  
 فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ۝



إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٦﴾

یقیناً بر گشت آنها بسوی ما  
است (۲۶)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٧﴾

سپس یقیناً حساب گرفتن هم بر  
ما است (۲۷)

## ۸۹-سورة الفجر

این سوره در دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۳۱ آیت دارد. نام این سوره الفجراست و فجر، ده شب و باز جفت و طاق که جمعاً سیزده است را بر طلوع فجرگواه ساخته میشود. این عدد سیزده کنایه ای بسوی دوره ابتدائی مکی میباشد که پس از آن قرار بود که فجر هجرت طلوع کند.

نسبت به این سوره شرح های دیگر نیز ارائه داده شده است که از آنجمله یکی نسبت به آن فجر اشاره میکند که طلوع آن در زمان آخر قرار داشت. ولی اشاره ای به فجر اولین بطور حتم یافت میشود. پس ذکر همان را بس میدانم.

در بقیه آیت های این سوره تکراراً تحریص به خدمت نوع انسان کرده فرموده شد. هر که به آزادی ملتهای نادار و مظلوم تلاش کند برایش مژده ای است که او پاداشی بزرگ خواهد یافت. بزرگترین مژده در آخرین آیت اینست که او جان خویش را درحالتی خواهد داد که خداوند به روانش بدین گفتار بسوی خویش بخواند که ای آن نفس که نسبت بمن کاملاً مطمئن شده بودی و نه تنها راضی بلکه مرضیه نیز بودی یعنی رضایم را نیز شامل حال خود داشتی اکنون بداخل بندگانم باش و بداخل آن بهشت باش که بهشت بندگانم است.

☆ سُوْرَةُ الْفَجْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اِخْدَى وَثَلَاثُونَ آيَةً وَرُكُوْعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیاربخشنده بارما رحم کننده (۱)

و سوگند به صبح (۲) ++

وَالْفَجْرِ ①

و به ده شب (۳) ++

وَلَيَالٍ عَشْرٍ ②

و به جفت و طاق (۴) ++

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ③

و به شب چون حرکت کند (۵) ++

وَاللَّيْلِ اِذَا سُرِرَ ④

آیا در آن برای خردمند قسمی

است؟ (۶) ++

هَلْ فِيْ ذٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِيْ حِجْرٍ ⑤

آیا ندیدی پروردگارتو با عاد چه

الْمُرْتَكِبِ فَعَلَّ رَبُّكَ بِعَادٍ ⑥

کار کرد؟ (۷)

++ آیات ۲-۶: این آیات برای خردمندان حاکی از این مطلب است که پس از دعوی نبوت

زندگی آنحضرت ﷺ در مکه تا سیزده سال ادامه داشت. ده سال اخیر این زمان که عبارت از تاریکی سختیها بود و بدنبال این بشارتی به ظهور صبحگاه داده شد. روزگاری بود که کافران مکه پیوسته در دستگیری خود بر آنحضرت ﷺ سختتر میشدند تا آنگاه که سحرگاه هجرت برای ایشان پدیدار شد.

بعضی مفسرین این موضوع را اینطور شرح میدهند که وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ یعنی جفت و طاق دال بر اولین سه قرن است یعنی زمان اصحاب. تابعین و تبع تابعین - و سپس ده شب یعنی زمان تاریکی هزارسالگی فیج و اوج است. بعد ما طبق فرمان آنحضرت نبی امتی بلا شریعت میآید. این زمان تا آغاز چهاردهمین قرن میباشد و در این زمان مسیح موعود ظهور کرد.

[از قوم عاد به] ارم که دارای ستون

های بزرگ بودند (۸)

آنانکه هیچگاه در شهرها بنائی

مثل آنها بنا نشده است (۹)

و به نمود کسانی که در وادی سنگها

تراشیدند (۱۰)

و با فرعون که دارای ساز و برگ

بود (۱۱)

اینهائی بودند که در کشورها

سرکشی کردند (۱۲)

پس در آنها دامن بفساد زدند (۱۳)

پس خدا تازیانه عذاب را بر آنها

فرو ریخت (۱۴)

حتماً پروردگارتو در کمین بود (۱۵)

پس حال انسان اینست که چون

پروردگارش او را آزمایش کرده

و سربلندش میکند و او را نعمت

میدهد آنگاه میگوید پروردگارم

مرا گرامی شمرده است (۱۶)

و اما چون او را به سختی میفکند

و رزقش را بر او تنگ میگرداند

إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝۸

الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ ۝۹

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝۱۰

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝۱۱

الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ ۝۱۲

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ ۝۱۳

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝۱۴

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ ۝۱۵

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ

وَنَعَّمَهُ ۝ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝۱۶

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ ۝

فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿۱۷﴾

آنگاه میگوید: پروردگارم مرا  
خوار کرد (۱۷)

كَأَلْبَلٍ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ ﴿۱۸﴾

باش! شما کسانی هستید که یتیم  
را گرامی نمی‌شمارید (۱۸)

وَلَا تَحْضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ ﴿۱۹﴾

و نه همدیگر را بتغذیه مسکین  
تشویق مینمایید (۱۹)

وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿۲۰﴾

و اراث را تماماً مورد طعمه قرار  
میدمید (۲۰)

وَمُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿۲۱﴾

و مال را با دوستی فراوان  
دوست میدارید (۲۱)

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿۲۲﴾

باش! گامیکه زمین ازهم پاشیده  
ریزه ریزه کرده شود (۲۲)

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿۲۳﴾

و پروردگارتو بیاید و فرشتگان  
[همراه] صفی صفی باشند (۲۳)

وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ ۚ يَوْمَئِذٍ

و جهنم آنروز آورده شود. آن روز  
انسان بند میپذیرد ولی بند گرفتن  
برایش کجا ممکن است (۲۴)

يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ ۚ وَأَلَىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ﴿۲۵﴾

گوید: ای کاشکی برای حیاتی  
خود چیزی بیش میفرستادم (۲۵)

يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿۲۶﴾

پس آنروز عذاب کسی ندمد مانند  
عذاب دادن او (۲۶)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿۲۷﴾

وَلَا يُوْتِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٧﴾

وگسی نتواند بال و پرش را ببندد  
بطوری که او محکم میبندد (۲۷)

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٨﴾

ای نفس آرمیده (۲۸)

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾

برگرد بسوی پروردگار خود در  
حالی که تو از او خوشنودی و او

از تو خوشنود است (۲۹)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٣٠﴾

پس شامل بندگانم باش (۳۰)

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣١﴾

و به بهشتم وارد شو (۳۱)

++ آیات ۲۸-۳۱: در این آیاتها مژده ای است برای آن مومنان که بیش از مرگ از  
خدای متعال گنته شوند که ای نفس مطمئنه! بمحضر پروردگار خود حاضر بیآیید  
در حالیکه شما از او راضی و او از شما راضی باشد. سپس با فرمودن فادخلی فی  
عبادی این امر روشن کرده میشود که اگرچه بظاهرا از استعمال صیغه تانیث نفس  
یعنی روح مونث گردانده میشود ولی روح نه مذکر است و نه مونث و آن را خطاب  
کرده گفته میشود که بداخل بندگانم باش و در آن بهشتم که برای بندگان خاص  
خود قرارداده ام.

## ۹۰-سوره البلد

این سوره در دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۲۱ آیت دارد. مجدداً ذکر از همان شهر مکه که شب هایش در سوره گذشته گواه قرار داده شد، شروع میشود. خدای متعال خطاب به آنحضرت ﷺ کرده میفرماید که من این شهر را گواه میسازم تا آنوقت که تو در آن هستی و وقتی تو را از این شهر بیرون کنند این شهر ایمن نخواهد ماند.

سپس نسلهای آینده را گواه قرار داده گفته میشود که برای انسان مرارتی پیوسته مقدر شده است. وقتی او نور نبوت بخشیده میشود آنگاه روبروی او دو درب گشوده میشود - پیشروی دینی و دنیائی. اما انسان بجای اینکه راه مشقت را اختیار کرده بسوی بلندیهای دین و دنیا بالا رود، راه آسان و سرازیر را اختیار کرده بسوی تنزل فرو میرود. اینجا مطلب بالا رفتن توضیح داده میشود. منظور بالا رفتن بر کوهی صوری نیست بلکه وقتیکه گرسنگی قومهای فرومانده را فراگیرد و قوما ببندگی گرفته شوند آنان که در این هنگام برای آزادی این ملتها تلاش کنند و آنمردم روبرو به گرسنگی و ستم دیده و خوار را بپا خیزانده استوار نمایند همانند که بسوی بلندیها بالا میروند. اما این يك چنین هدفی است که بزودی بدست آینده نیست و راه صبوری را پیموده باید به فراگرفتن صبر نصیحت کرد و پیوسته رحمت را بکار گرفته باید نصیحت بسوی رحمت کرده شود.

☆ سُوْرَةُ الْبَلَدِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اِحْدَى وَعِشْرُوْنَ اَيَّةً وَرُكُوْعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

باش! من سوگند به این شهر می

خورم (۲)

لَا اُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ ①

حالیکه [روزی] تو در این شهر فرود

آینده ای (۳)

وَ اَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ ①

و به پدر و آنچه او بدنیآ آورد (۴)

وَ الْاِیْدِیْ وَ مَا وَكَدَ ①

یقیناً ما انسان را آفریدیم تا او

لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِیْ كَبَدٍ ①

پیوسته در مشقت بسر برد (۵)

آیا میپندارد که کسی بر او غلبه

نخواهد یافت؟ (۶)

اَيَحْسَبُ اَنْ لَّنْ يَّقْدِرَ عَلَيْهِ اَحَدٌ ①

میگوید: من مالی فراوان را

يَقُوْلُ اَهْلَكْتُ مَا لَآ اُبْدَا ①

نابود ساختم (۷)

اَيَحْسَبُ اَنْ لَّمْ يَرَهُ اَحَدٌ ①

آیا میپندارد کسی او را ندیده

است (۸)

اَلَمْ نَجْعَلْ لَّهٗ عَيْنَيْنِ ①

آیا نساختمیم برایش دو دیده؟ (۹)

و زبان و دو لب؟ (۱۰)

وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ ①

و او را بسوی دو راه مرتفع

وَ هَدَيْنٰهُ السَّبْعَ الدِّیْنِ ①

مدایت دادیم (۱۱)



پس او بر عَقَبَه [گردنه] نرفت. (۱۲)

ترا چه بفهماند عقبه چیست؟ (۱۳)

آزاد کردن بنده است (۱۴)

یا تغذیه کردن در روز گرسنگی

عام (۱۵)

یتیمی دارای قرابت (۱۶)

یا بینوائی خاک نشین را (۱۷)

سپس او از آنان باشد که ایمان

آوردند و بر صبر استوار همدیگر را

به صبر نصیحت کنند و بر ترحم

استوار همدیگر را به ترحم نصیحت

کنند (۱۸)

ایشان جناح راست اند (۱۹)

و کسانی که به آیات ما انکار

کردند ایشان جناح چپ اند. (۲۰)

برای آنها آتشی بسته [مقدر]

است (۲۱)

۱۰۴۱۰

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۝۱۲

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۝۱۳

فَكَرَّرَبَّةٌ ۝۱۴

أَوْ اطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ۝۱۵

يَتِيمًا إِذًا مَقْرَبَةٌ ۝۱۶

أَوْ مَسْكِينًا إِذًا مَرْبَبَةٌ ۝۱۷

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا

بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۝۱۸

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۝۱۹

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ

أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝۲۰

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّوَصَّدَةٌ ۝۲۱

## ۹۱-سورة الشمس

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۱۶ آیت دارد.

در این سوره یکبار دیگر این پیشگوئی میشود که خورشید اسلام بار دیگر طلوع خواهد کرد و ماه فیض را از روشنی خورشید کسب کرده باز خواهد درخشید. سپس باز شبی تاریک فرامیگیرد. بعبارت دیگر هیچ صبحی نیست که پس از آن تاریکیهای غفلتکاری دوباره نوع انسان را فرامیگیرد. سپس اعلامی بزرگ اینست که هر نفس را خداوند با عدل آفریده است و او را به تمیز دادن بدو خوب الهام فرموده است. آنکه استعدادهای خود را رشد داد او موفق خواهد شد و آنکه استعدادهای خود را بخاک سپرد او هلاک خواهد شد.

سپس ذکر از قوم ثمود و ناقة رسول ایشان رفته است. این امر اشاره بدینسو معلوم میشود که ناقة ای که بر آن سوار حضرت صالح علیه السلام پیغام حق میرساندند چون قوم ایشان آن ناقة را پی کردند اینکار آنها به نابودی بزرگ آنها منجر شد. پس دشمنان انبیاء هرگاه رسانه های ابلاغ ایشان را میبرند عاقبت آنها به نابودی کشیده میشوند.

☆ سُورَةُ الشَّمْسِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ②

سوگند به خورشید و آفتابش (۲)

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ③

و سوگند ماه که از پی آن می‌آید (۲)

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ④

و سوگند به روز چون آن [خورشید]

را خوب درخشان گرداند (۴)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ⑤

و سوگند به شب هنگامیکه آنرا به

تاریکی بکشد (۵)

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ⑥

و سوگند به آسمان و بطوری او

آن را بنا کرد (۶)

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ⑦

و سوگند به زمین و بطوری او

آن را گسترانید (۷)

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ⑧

و به نفس و بطوری او آن را

آراستید (۸)

فَالهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ⑩

پس به [استعدادش به جدا افکندن]

زشتکاریهایش و پرمیزکاریهایش

که در او بودیعت نهاده شد (۹)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ⑪

بیگمان برد آنکه آن [تقوی] را

افزود (۱۰)

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَا ۝

و البته باخت او که آن را در  
خاک فروبرد (۱۱)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ۝

ثمود بعلت سرکشی خود تکذیب  
کردند (۱۲)

إِذَا نَبَعَتْ أَشْقَاهَا ۝

چون بدبخت تر آنها بر خاست (۱۳)  
آنگاه رسول خدا به آنها گفت،  
این ناقه خدا و آبشخور آنرا [باید  
مراقبت کنید] (۱۴)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ  
وَسُقِيهَا ۝

اما آنها او [رسول] را رد کردند  
و آن [ناقه] را پی کردند. پس خدا  
بسبب گناهان آنان آنها را پی در پی  
ضربه زد و آن [شهر] را هموار  
نمود (۱۵)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝ فَذَمَّ عَلَيْهِمْ  
رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۝

حالی که او برای عاقبت آن هیچ  
پروای نمی کرد. (۱۶)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۝

## ۹۲-سورة الّیل

این سورة مکی است و با بسم الله ۲۲ آیات دارد.

پس از سورة الشمس سورة الّیل میآید بطوریکه پس از روز شب میآید و این شب دنیائی نیست بلکه این تمامی سورة جنبه روحانی شب را بنحوی زیبا ارائه میدهد و در عین حال این مزده ای نیز است که چون شب فرارسد پس دنبالش روز هم حتماً میآید. فرمود، چنانکه شب و روز را تاثیر جدا جدا است پس کوششهای انسان نیز یا همچون شب تاریک اند و یا مانند روز روشن. پاداش انسان فراخور اعمال و اعتقادات او داده میشود. پس کسانی که تقوی را پیش گرفته بخشودی خدا برای بهبود ناداران هزینه میکنند و سخن نیکوی را چون نزد ایشان میرسد مورد تایید خود قرار میدهند پس خدا نیز مسیر ایشان را آسان میسازد. بعکس آنکه بخل ورزد و از عاقبت آن بی پروا باشد و به سخن نیکو هرگاه نزدش میرسد تکذیب کند پس ما هم مسیرش را دشوار میسازیم.

در پایان به شخصی زشتکردار که دارای صفات فوق باشد از آتشی شعله ور هشدار داده میشود. پس او بداخل این خواهد شد و آنکس از این آتش نجات داده شود که دارائی خویش را در راه نیکوکاری هزینه کرده تقوی را پیش گرفت.

☆ سُورَةُ اللَّيْلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اثْنَتَانِ وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ②

و سوگند به شب چون فرا گیرد (۲)

و سوگند به روز چون آشکار

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ③

گردد (۳)

و به آنکه او نروماده را آفرید (۴)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ④

یقیناً کوشش شامجا جدا است (۵)

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى ⑤

پس آنکه [در راه حق] داد و تقوی

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ⑥

پیشه کرد (۶)

و به بهترین نیکی تصدیق کرد (۷)

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ⑦

پس او را گشایش دردمیم (۸)

فَسَيَسِّرُهَا لِلْيُسْرَى ⑧

و اما آنکه بخل کرد و بی نیازی

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ⑨

جست (۹)

و به بهترین نیکی تکذیب کرد (۱۰)

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ⑩

پس حتماً او را به عسرت نهیم (۱۱)

فَسَيَسِّرُهَا لِلْعُسْرَى ⑪

و دارائیش هیچ بکارش نیاید

وَمَا يَغْنِيْ عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ⑫

چون تباه شود (۱۲)

یقیناً هدایت دادن بر ما به فرض

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى ⑬

است (۱۳)

یقیناً عاقبت و آغاز نیز بدست ما  
است (۱۴)

پس شما را از آتشی شعله ور می  
ترسانم (۱۵)

کسی بداخل آن نشود جز سخت  
تیره بخت (۱۶)

آنکه تکذیب کرد و روی  
گرداند (۱۷)

حالیکه نجات داده شود آنکه  
بیشتر پرهیزکاری کرد (۱۸)

آنکه دارائی خود میدهد تا پاک  
گردد (۱۹)

و نزدش از جانب احدی منت  
نیست که [برای آن از جانب او]  
پاداش داده شود (۲۰)

مگر به تلاش خشنودی پروردگار  
بلندو برتر خود [هزینه کند] (۲۱)  
و حتماً او خوشنود شود (۲۲)

ع  
۳۷

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ۝۱۴

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ۝۱۵

لَا يَصْلُهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ ۝۱۶

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝۱۷

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ ۝۱۸

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ۝۱۹

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ ۝۲۰

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ۝۲۱

وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ۝۲۲

## ۹۳-سورة الضحیٰ

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

مجدداً در این سوره مژده ای از روزی داده میشود که خوب روشن شده باشد و باز از شبی که بدنبال آن خواهد آمد. خطاب به آنحضور ﷺ کرده فرموده میشود که خدا هنگام سخت تاریکیها و مشکلات تو را تنها نخواهد گذاشت و هرکدام ساعت بعدی تو از ساعت قبلی خوبتر خواهد شد و سپس این مژده ای است که خداوند اعطای خود را بر تو ارزانی خواهد داشت. پس به یتیمان باسلوک زیبا رفتار کن و به گدائی نهیب نده و نمود بالله بعلت این ترس که گویی نعمتهای نزد تو تمام نشود از نوع انسان پنهان ندار. بیشتر تو در راه خدا انفاق کنی خداوند بیشتر آنها را افزایش میدهد.



☆ سُورَةُ الضُّحَىٰ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیار بخشنده. بارها را حکمکنده (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

و سوگند به روز چون خوب روشن  
گردد (۲)

وَالضُّحَىٰ ①

و سوگند به شب چون خوب تاریک  
شود (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ①

پروردگارت تو را نه ترک کرد و  
نه نفرت یافت (۴)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ①

و یقیناً آخرت برای تو نیکوتر از  
[مراحل] قبلی است (۵) ++

وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ①

و حتماً پروردگارت تو را اعطاء کند  
پس تو خوشنود شوی (۶)

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ①

آیا تو را یتیم نیافت؟ پس پناه  
داد (۷)

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ①

و تو را [در تلاش هدایت] سرگردان  
یافت و هدایت داد (۸) ++

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ①

++ آیت ۵: آن آخرت که بهتر بودنش از اولی اینجا ذکر شده است منظور از این هر  
لمحۀ ی آینده از زندگانی آنحضور ﷺ است که از هر لمحۀ پیشین خوبتر بود چه  
ایشان هر آن بسوی خدا به سفر مشغول ماندند.

و تو را عیالمند یافت و [برای

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي ۞

کفالت] غنی نمود(۹) ++

پس با توجه به یتیم هرگز بر او

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۞

سختی نکن (۱۰)

و با توجه به سایل پس او را

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۞

سرزنش نکن (۱۱)

و با توجه به نعمت پروردگار

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۞

خود پس آنرا بیان کن(۱۲) ++

++ آیات ۸-۹: در این آیات واژه ضالاً به گمراهی دلالت نمیکند بلکه عبارت از این

معنا است، هر که وجود خویش را در عشق و محبت خدا گم کرد. و ایشان عائلاً بعلت بزرگی و وسعت امت ایشان خوانده شدند. هیچکدام بیغبر امت به این

وسعت نصیب نشد که به نصیب آنحضور ﷺ شده است.

++ آیت ۱۲: احادیث آنحضور ﷺ بتکثیر نقل میکنند که ایشان هیچگاه احسانات و فضل

خدا را که بر وجود پاک ایشان ارزانی داشته شد پنهان نداشتند بلکه کاملاً آشکار میکردند. آن برتربهای روحانی که خداوند برایشان نازل کرد اگر فرمان خدا

نبود ایشان آنرا در وجود خویش پنهان میداشتند. بیان کردن آن فضل دنیائی که برایشان ارزانی داشته شد لازم بود برای اینکه حاجتمندان حاجت خویش را از

آنحضور ﷺ بخواهند و حاجت های ایشان برآورده شود و رفتار احسان با آنان مانند رفتاری است که با اهل و عیال کرده میشود و انسان بعوض آن هیچ نوع تشکر را

نمیخواهد.

## ۹۴-سورة الم نشرح

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله نه آیت دارد.

در این سوره پس از بیان صفات نیکوی آنحضور ﷺ فرموده شد که آیا ما سینه تو را کاملاً باز نکردیم و آن بار امانت که تو بدوش گرفته بودی خدا وند تو را به ادای آن توفیق نبخشید و ذکرت را بلند نمود؟ پس این صداقت استوار را بخاطر بسپار که پس از هرکدام مشکل آسایشی پدید میآید. همین اصل است از جهت دنیا و هم از لحاظ معنویت. پس هرگاه از مشغولیات روز فرصت پیدا کنی پس شبگاه در حضور پروردگارت بپاخیز و از محبت او آرامش قلبی بیاب.

سُورَةُ الْمَنْشُورِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [ بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

آیا سینه تو را برای تو فراخ نه

الْمَنْشُورُ لَكَ صَدْرَكَ ①

نمودیم؟ (۲)

و بار تو را از تو دور نه

وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ①

نمودیم؟ (۳)

آنچه پشت تو را شکسته بود (۴)

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ①

و ذکر تو را برای تو بلند نمودیم (۵)

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ①

پس یقیناً با سختی آسایشی

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ①

است (۶)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ①

یقیناً با سختی آسایشی است (۷)

پس هرگاه فراغت داشتی پس

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ①

کمر همت ببند (۸)

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ①

و به پروردگار خود رغبت کن (۹)

ع ۱۱

## ۹۵-سورة التّین

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله نه آیت دارد.

سورة التّین بدنال سورة الانشراح، شرح به این امر است که فَاِنَّ مَعَ

الْعَسْرِ یَسْرًا ۝ اِنَّ مَعَ الْعَسْرِ یَسْرًا ۝

در این سوره خیراز ارتقاء لامتناهی داده میشود. اینجاستین و زیتون

را گواه قرار داده میشود یعنی آدم و نوح علیهما السلام و طور سینین یعنی

آن کوه حضرت موسی علیه السلام را که خداوند بر آن متجلی شد و سپس آن

بلد الامین را که آماج گاه آنحضور ﷺ بود. همراه با این پیشرفت تدریجی

این اعلام نیز کرده شد که بر همین منوال ما انسان را از حالت های ادنی

ترقی داده به منزلگاه نهائی ارتقاء رسانیده ایم. اما آنکس که از روی تیره

بختی از این استفاده نکند ما او را با برگشتگان بحالت پست ترین به درجه

پست ترین همه برمیگردانیم. بعبارت دیگر ذکر از پیشرفت لامتناهی و وارنگ

می شود. اما کسانی که ایمان آورده نیکوکاری کنند پیشرفت روحانی ایشان

لامتناهی است. پس هر که از این پس هم در امر دین به آنحضور ﷺ تکذیب

کند پس خداوند برایش بهترین فیصل دهندگان است.

## سُورَةُ التِّينِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

والتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ②

سوگند به انجیر و زیتون(۲)

و به طور سینین(۳)

و طُورِ سِينِينَ ③

و این شهر ایمن(۴)

و هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ④

یقیناً انسان را در بهترین حالت

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ

ارتقائی آفریده ایم(۵)++

تَقْوِيمٍ ⑤

سپس او را پست ترازیست ترین

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ⑥

ها گردانیدیم(۶)++

جز کسانی که ایمان آوردند و اعمال

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

نیکو انجام دادند پس برایشان

فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ⑦

اجر لامتناهی است(۷)

پس کیست که پس از این تو را

فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدَ الدِّينِ ⑧

درباره دین تکذیب کند؟(۸)

آیا خدا قضاوت کننده بهترین

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَكَمِينَ ⑨

قضاوت کنندگان نیست؟(۹)

++آیت ۵: برای این معنای تقویم مراجع شود مفردات امام راغب و المجد.

++آیات ۵-۶: در این آیات ذکر از ارتقاء انسان است که پیوسته ادامه دارد و چطور او از حالت های دون بالا برده بر مقام بلندترین نشانده شد. تقویم را لغوی معنی اینست که چیزی را درست کرده پیوسته خوبتر ساختن. سپس فرموده شد که باز ما

او را بهمان حالت دون تر برگردانیدیم که پیشرفتش را آغاز کرده بودیم. منظور از این فقط فاسقان و ناسپاسگذاران خدا هستند که آنها بظاهر آدمی ولی از جمله زشت ترین آفریدگان میباشند جز مومنان که طبق این سوره به ترقیات لامتناهی مژده ای داده میشوند.

به اثبات این دلیل که انسان با این وجود که بهترین آفریدگان است میتواند مخلوقی زشت ترین هم در آید این حدیث آنحضرت صلی الله علیه و آله بس است که در بدترین زمان آینده علماء آن مردم "شَرُّ مَنْ تَحْتَ أَدِيمِ السَّمَاءِ" یعنی زیر پرده آسمان بدترین مخلوق خواهند بود. [مشکوٰة، کتاب العلم]

## ۹۶-سورة العلق

این نخستین سوره قرآن است که در مکه نازل شد و با بسم الله ۲۰ آیت دارد.

ابتدای نزول وحی با این سوره شد درجه خداوند به آنحضور ﷺ بنام آن پروردگار خود به قرائت فرمان میدهد که هرچیز را خلعت آفرینش بخشیده است و مجدداً اقراء فرموده اعلام نمود که بامعزترین نام پروردگار خویش قرائت کن که او تمامی رازهای پیشرفت انسان را در قلم نهاده است و اگر به انسان قلم و هنر تحریر اعطاء نمیشد پس پیشرفت هیچ نوع امکان پذیر نبود.

سپس هرکدام که مانع در راه عبادت ایجاد کند هشدار داده میشود و او از این فرجام بیم داده میشود که اگر او از این کار خودداری نکند پس ما او را از موهای پیشانی خطا کارش میگیریم آنگاه او هرکدام یاریگر خویش را خواهد بخواند در صورتیکه نزد ما هم سخت کیفر دهنده فرشتگان جهنم هستند.



☆ سُورَةُ الْعَلَقِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ عِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحمتکننده (۱۰)

بخوان بنام پروردگار خود آنکه

آفرید (۲)

او انسان را از خون بسته

آفرید (۳)

بخوان و پروردگار تو از همه

عزتمندتر است (۴)

آنکه با قلم آموخت (۵)

آموخت انسان را آنچه او نمی

دانست (۶)

آگاه باش! یقیناً انسان سرکشی

می کند (۷)

براینکه خود را غنی میپندارد (۸)

یقیناً بازگشت بسوی پروردگار

تو است (۹)

آیا نگریستی او را که باز می

دارد؟ (۱۰) ++

بنده ی بزرگ را وقتی او نماز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ②

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ③

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ④

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ⑤

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ⑥

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي ⑦

إِنَّ رَأهَ اسْتَغْنَى ⑧

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى ⑨

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ⑩

عَبْدًا إِذَا صَلَّى ⑪

میخواند (۱۱) ++

آیا نگرستی که اگر او بر  
هدایت است؟ (۱۲)

یا به تقویٰ امر کند؟ (۱۳)

آیا تو نگرستی اگر او [از نماز  
بازدارنده بازم] تکذیب کند و  
بشت گرداند؟ (۱۴)

آیا او نمیداند که یقیناً خدا می  
بیند؟ (۱۵)

باش اگر دست بر ندارد یقیناً او  
را بموای پیشانی می‌کشیم (۱۶)  
موای پیشانی دروغگوی خطا  
کار (۱۷)

پس باید او اهل انجمن را  
بخواند (۱۸)

مافرشتگان جهنم را بخوانیم (۱۹)

باش امرگز او را پیروی نکن و  
سجده کن و قرب را تلاش کن (۲۰)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ۝

كَلَّا لَئِنْ لَّمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ۝

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ۝

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ۝

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ۝

كَلَّا لَا تَطَّعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝

++ آیات ۱۰-۱۱: این آیات ابتدائی زمان اسلام را ذکر میکنند که چطور بدبختان  
آنحضور را از خواندن نماز بازداشته برایشان ستم میکردند.

## ۹۷-سوره القدر

این سوره درمکه نازل شد و با بسم الله شش آیت دارد.

این سوره حاکی از این مژده ای است که آن وحی که با قرآن آغاز کرده شد میتواند هر نوعی از شبهای تاریک را روشن سازد. پس اینجا سخن از تاریکترین شب در زمان آنحضور ﷺ گفته میشود درجه فساد بحرو برّ را فراگیرد. اما در نتیجه دعاهاى آن فانی فی الله در شبهای تاریک بامدادی درخشنده پدیدار شد یا بعبارت دیگر قرآنی نازل آمد که نورش تا قیامت ماندگار است. منظور از "هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ" اینست که نزول وحی ادامه خواهد داشت تا آنگاه که صبحگاه کاملاً آشکار شود. سپس این اعلام فرمود که از جدوجهد يك نفر به طول عمرش بهتر این يك ساعت ليلة القدر است اگر به نصیب کسی بشود.

سُورَةُ الْقَدْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحمتکننده (۱)

یقیناً ما اینرا در شب قدر نازل

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ②

کرده ایم (۲)

و ترا چه حالی کند که شب قدر

وَمَا آذْرُبَكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ③

چه است (۳)

شب قدر بهتر است از هزار ماه (۴)

القدر

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ④

فرشتگان و روح القدس در آن به

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْذِنُ

اذن پروردگارا ایشان بتکثیر نازل

ملائکة  
روح القدس

رَبَّهُمْ ⑤ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ⑤

می شوند در مورد هر چیز (۵)

سلام است. این [سلسله] ادامه

القدر

سَلَامٌ فَهِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ⑥

دارد تا فجر طلوع کند (۶)

## ۹۸ - البیّنة

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله نه آیت دارد.

سوره قبلی حاکی از این مطلب بود که وحی طی لیلۃ القدر نازل شده هرچیز را همچون صبحگامی آشکار، بروشنی بیان خواهدکرد. اینک این سوره عبارت از این موضوع است که ما بر همین منوال به رسولان پیشین نیز نسبتاً به اندازه ای کوچک لیلۃ القدر داده بودیم و الا ایشان تاریکیهای آن ازمنه را تنها از کوششهای خود نمیتوانستند به صبحگاهان تبدیل کنند.

سپس نسبت به آنحضور فرموده میشود که آنجمله کتب که بر پیغمبران پیشین نازل شده بود خلاصه آنها درتعلیم توشامل شده است ومجمل تعلیمات ایشان این بود که دین خدا را بخاطرش خالص نموده او را عبادت کنید و نماز را بپادارید و زکوٰة دهید. این چنین دینی است که مدام برقرار و نوع انسان را نیز بر راه مستقیم استوار خواهد نمود.

سپس به کافران و مومنان از عاقبت بد و خوب مطلع ساخته گفته میشود که چون دین قیّم آید آنگاه هرکس آزاد است خواه آنرا پیروی کرده به عاقبت نیکوی برخوردار شود خواه از آن انکار کرده به فرجام بد برسد.

☆ سُوْرَةُ الْبَيِّنَةِ مَدْنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]  
بسیاربخشنده بارهارحمکننده (۱)

کسانی از اهل کتاب و مشرکان  
که کفر کردند هرگز دست نمی  
برداشتند بآنکه ادله روشن نیز  
آنان را آمده بود (۲)

رسول خدا صحیفه های پاک را  
فرومیخواند (۳)

در آنها تعالیم استوار و استوار  
کننده بود (۴)

و تفرقه نیفکندند کسانیکه کتاب  
داده شدند مگر از این پس که  
دلیلی روشن ایشان را آمده  
بود (۵)

وایشان فرمان نشدندجزآنکه خدا  
راعبادت کنند دین راخالصاً برای  
او قراردادده مدام بسوی او فروتن  
ونمازرابهای دارندوزکوت دهند و  
همین دین از تعلیمات استوار و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ  
وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ  
الْبَيِّنَةُ ①

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ①

فِيهَا كُتِبَ قِيَمَةٌ ①

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ  
بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ①

وَمَا أَمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ  
لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ  
وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ①

استوار کننده میباشد (۶)

براستی کسانی از اهل کتاب و مشرکان که کفر کردند در آتش جهنم باشند و در آن مدت دراز می مانند. همانها اند که بدترین

آفریدگان هستند (۷)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و صالحات بجا آوردند همانها اند که بهترین آفریدگان هستند (۸)

پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان بهشتهای جاودان است که در دامنه آنها نهرهای روان است که در آنها جاودانانند. خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان از او خوشنود شدند. این برای آنکس است که از پروردگار خود میترسد (۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ  
وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا  
أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۖ

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۗ

جَزَاءُ لَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا  
أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ  
ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ۗ

ع  
۳۳

## ۹۹ - الزلزال

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ته آیت دارد.

این سوره عبارت از آن تغییرات است که در آخرین زمان صورت میگیرد و انسان بپندارد که او پیروزی بزرگ بر قانون قدرت بدست آورده است در حالیکه آنزمان زمین هرچه رازهای خویش را بیرون افکند آن فقد بفرمان پروردگار تو باشد. در آنروز ساعتی است که مردم پاداش دنیائی نیر داده شوند و آنگاه آنان ببینند که پیشرفتهای دنیائی هیچ هم به کار ایشان نیآمد جز اینکه بجنگ وجدال گرفتار پریشان حال شدند. پس آنروز هر انسان به کوچک ترین نیکی نیز پاداش خواهد یافت و هم برای کوچکترین بدی.

در آغاز این سوره مذکور است که زمین بارهای خویش را بیرون افکند و دنباله این در پایان فرموده میشود که نه تنها از نیکی و بدی سنگین محاسبه شود بلکه کسی نیکی را باندازه ذره ای نیز انجام داده باشد او پاداش آنرا درمییابد و همچنین برای بدی باندازه ذره ای نیز مجازات کرده میشود.



سُورَةُ الزَّلْزَالِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تَسْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

هنگامیکه زمین از زلزله لرزانده

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ②

شود (۲)

و زمین دینه های خود را بیرون

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ③

افکند (۳)

و انسان گوید آنرا چیست (۴)

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ④

آنروز اخبار خود را بیان کند (۵)

يَوْمَئِذٍ تُخْبِرُكَ أَخْبَارُهَا ⑤

چه پروردگارتو او را وحی

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا ⑥

میفرستد (۶)

آنروز مردمان پریشان حال

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا ⑦

بیرون آیند تا اعمال خود نشان

لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ⑦

داده شوند (۷)

بس هرکه باندازه ذره ی نیکی

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ⑧

کند آنرا ببیند (۸)

و هرکه باندازه ذره ی بدی کند

ع

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ⑧

آنرا ببیند (۹)

## ۱۰۰-سورة عاديات

این سورة مکی است و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

پس از تذکر آن جنگها که بخاطر تسلط دنیائی جنگیده میشوند اینک ذکر از آن جنگهای است که آنحضور ﷺ و اصحاب ایشان رضوان الله علیهم بدفاع خود جنگیده بودند. این جنگها از هر جهت مختلف از جنگهای بنفع دنیائی و نیکوتر در فرجام اند. آن اسبان تندرو گواه قرار داده میشوند که بشتاب نفس زده بردشمن بطوری حمله میکنند که از نعلهای آنها شعله در میآید و حمله ور صبحگاه میشوند و شب بخون نمیزنند. این علامت از بلندترین دلوران است و الا برای جنگهای دنیائی روش ملتها همین است که آنها بر همدیگر حمله ور پنهانی میشوند.

سپس فرموده میشود که انسان به پروردگار خویش سخت ناسپاسی می کند و خودش بر این امر گواه است. او در دوستی مالها بسیار سخت است و این کنایه ای به اینسو است که جنگهای دنیائی بخاطر مال و منال جنگیده میشود. پس آیا او نمیداند که چون دینه های دنیا در آورده شود و هر چه راز در سینه های انسان است آشکار ساخته شود و خداوند در آنروز از حالات ایشان خوب آگاه باشد.

سُورَةُ الْعَادِيَّاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَا عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

وَالْعَدِيَّتِ ضَبْحًا ②

و سوگند به اسبان تیزرو با

صدای سینه (۲)

فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا ③

پس به جرقه های برانگیخته شعله

های درآوردگان (۳)

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ④

پس سوگند به سپیده دم تاخت و

تاز کنندگان (۴)

فَأَثَرَانَ بِهِ نَقْعًا ⑤

پس به آن غبار برانگیختگان (۵)

پس با آن [غبار] وسط هجوم

میرسند (۶)

فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ⑥

یقیناً انسان در حق پروردگار

خود بسیار ناسپاس است (۷)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ⑦

و یقیناً بر این امر گواه

است (۸)

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ⑧

و یقیناً او برای دوستی مال

سرسختر است (۹)

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ⑨

پس آیانبیداندوقتی آنچه درمدفنها

است برانگیخته شود؟ (۱۰) ++

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَمَاهُ فِي الْقُبُورِ ⑩

وَحَصِّلَ مَا فِي الصَّدُورِ ۱۱

و آشکار کرده شود آنچه در سینه  
ها است (۱۱) ++

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ خَبِيرٌ ۱۲  
يَقِينًا پروردگار ایشان آنروز به  
آنها کاملاً آگاه است (۱۲)

++ آیات ۱۰-۱۱: این آیات دارای پیشگوئیا از پیشرفتهای در آخرین زمان است. منظور از بَعِثَرَ مَا فِي الْقُبُورِ اینست که حالاتی از قومهای بَخاک سپرده مکشوف شود. این آیت حاکی از پیشگوئی درباره پیشرفت فوق العاده ی از علم باستان شناسی میباشد که در زمان کنونی جلوی چشمان ما راست میآید. زبردستان باستان شناسی حالات قومهای هزاران ساله پیشین را از آثار ایشان از طریق حیرت انگیز مکشوف مینمایند.

حَصِّلَ مَا فِي الصَّدُورِ روان شناسی این زمان حاکی از این امر است که يك بیمار روانی رو به صحت نمیشود تا آنگاه که حالات دلش معلوم کرده نشود. پزشک با تزریق نیم بیهوشی از این مریض میپرسد و از این طریق تمامی رازهای سینه اش در آورده میشود.

## ۱۰۱-سورة القارعة

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

این سوره مجدداً حاکی از همان تنبیه است که در سوره گذشته مذکور بود که گاه و بیگاه برای بیدار کردن انسان صدای هولناک درش را میکوبد. این صدای درش را کوبنده چیست؟ باز هم بنگرید که این صدا چیست؟ چون انسان ناشی از جنگهای هولناک همچون ملخا پراکنده شود و کوهها نیز همچون پشم زده ریزه ریزه برده شوند. اینجا منظور از کوهها ابرقدرتهای دنیائی اند و حتماً ذکر از قیامت اخروی نیست زیرا آنگاه که هیچ کومی ریزه ریزه برده نمیشود. امروز قومهای که با سازوبرگ سنگین مجهز باشند آنان پیروزند میشوند و آنانکه نسبتاً تجهیزات سبک داشته باشند به "حاویه" جنگ افکنده شوند و آن آتشی شعله ور است.

سُورَةُ الْقَارِعَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

سیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

الْقَارِعَةُ ②

صدای کوبنده [از خواب غفلت] (۲)

مَا الْقَارِعَةُ ③

چیست صدای کوبنده؟ (۳)

چه ترادانا کند کوبنده چیست (۴)

وَمَا أَذْرَبُكَ مَا الْقَارِعَةُ ④

روزی که مردمان مانند ملخا

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ

پراکنده گردند (۵)

الْمُبْتُوثِ ⑤

و کوهها مانند پشم زده شوند (۶)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ⑥

و اما کسیکه وزن کرده هایش

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ⑦

سنگین آید (۷)

پس او در زندگی بسندیده

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ⑧

باشد (۸)

و اما کسیکه وزن کرده هایش

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ⑨

سبک باشد (۹)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ⑩

پس مادرش هاویه باشد (۱۰)

چه ترادانا کند که آن چیست؟ (۱۱)

وَمَا أَذْرَبُكَ مَا هِيَ ⑪

آتش زبانه دار (۱۲) ++

نَارٌ حَامِيَةٌ ⑫

++ آیت ۱۲: مطالب این سوره به این دنیا نیز اطلاق میکند. هنگام جنگها ملتهای

که از روی تجهیزات جنگی سنگین تر باشند پیروزند میشوند و بوسیله پیروزیهای

خویش سامان عیش و نوش بدست می‌آرند و ملتهای که از روی تجهیزات ضعیفتر باشند منتها در آتش جنگ سوزانده میشوند.

اگر این موضوع را به قیامت ببندیم منظور اینست که کسانی که وزن کرده‌های اعمال ایشان سنگین باشد ایشان از لذت بهشت بهره‌مند شوند و کسانی که وزن کرده‌های ایشان سبک باشد طعم از آتش جهنم بچشند.

## ۱۰۲- سورة التكاثر

این سوره مکی است و با بسم الله نه آیت دارد.

در این سوره انسان متنبه کرده میشود که او در نتیجه دوستی مال و منال تا قبرها خواهد رسید. در این سوره از یکسو ابرقدرتها هشدار داده میشوند که این مسابقه منتها منجر به نابودی میشود. در عین حال حالت بعضی ملت‌های ضعیف نیز بیان میشود که آنها بدنبال مال و منال دنیائی از دیدن قبرها نیز خود داری نخواهند کرد. نسبت به این امر انسان از هر دو جهت هشدار داده میشود - هم ملت‌های گرفتار در فعالیت‌های دنیائی و هم ملت‌های مذهبی دچار به توهمات گوناگون که سرانجام شماها علم آن آتش را می‌پرورید که برایشما برافروخته شده است و پس شما آنرا جلوی چشمان خود تماشا کنید و سپس چون در آن افکنده شوید آنگاه پرسیده شوید که اینک بگویند که در نتیجه طلب کورکورانه از نعمت‌های دنیائی چه چیزی بدست آوردی؟



سُورَةُ التَّكَاثُرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسیار بخشنده بارها رحمکننده (۱)

شما را سبقت جستن بهم بفرغلت

أَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ ۝

انداخت (۲)

حتی به مقبره ها نیز دیدن

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۝

کردید (۳)

آگاه باشید! حتماً شما خواهید

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝

دانست (۴)

بازهم آگاه باشید! حتماً شما

تُمْ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝

خواهید دانست (۵)

آگاه باشید! اگر شما بحد علم یقین

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۝

بدانید (۶)

حتماً جهنم را خواهید دید (۷)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۝

سپس حتماً آنرا بحد یقین رأی

تُمْ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ۝

العين خواهید دید (۸)

سپس حتماً آنروز از نعمتها پرسش

تُمْ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّحِيمِ ۝

شوید (۹)

## ۱۰۳-سورة العصر

این سوره ابتدائی است که در مکه نازل شد و با بسم الله چهار آیت دارد.

این سوره عبارت از این بیان است که آن انواع انسانها که ذکر از آنها در سوره های گذشته رفته است و آزمندی دنیا که از آن هشدار داده شد ناشی از آن چنین روزگاری برسد که همگان بر آن گواه باشند که انسان دچار خسارت است جز آنانکه ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و بر حق استوار برای حق نصیحت کردند و بر صبر برقرار به صبری اندرز دادند.

سُورَةُ الْعَصْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ أَرْبَعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها رحمکننده (۱)

سوگند به زمان (۲)

وَالْعَصْرِ ②

یقیناً انسان در خسارتی بزرگ

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ③

است (۳)

جز کسانی که ایمان آوردند و نیکو

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

کاری بجا آوردند و برحق استوار

وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ④

بحق نصیحت کردند و بر صبر

ع ۲۸

برقرار به صبر سفارش کردند (۴)

## ۱۰۴- سورة الهمزة

این سوره مکی است و با بسم الله ده آیت دارد.

سورة الهمزة دنبال سورة العصر میآید. از آنجمله هشدارها که به قومهای آزمندسیم و زرتاحال داده شد این سوره دارای بزرگترین هشدار است. فرموده میشود، آیا بزرگ انسان این زمان میپندارد که مال و منال به آن فراوانی نزدش جمع شده است و او بیدریغ آنرا بدفاع خویش مزینه میکند که او را بردنیابرتری ابدی بدست آمده است؟ باش! او درچنین آتشی افکنده شود که در صورت ذره های کوچکترین بسته باشد و تورا چه معلوم که آن کدام آتش است؟ سؤال مطرح میشود که آتش چطور به ذره های کوچک توان بسته شد. حتماً این حاکی از آن آتش است که در اتم بسته میشود و کلمات حَطْم و اتم بهم شباهت صوتی دارند. این آن آتش است که بردلها حمله برد و برای حمله بردن در چنین ستونها بسته شود که کشیده در اتر می شوند.

اینهمه سوره بفهم انسان نمیتواند برسد تا آنگاه که حالات دوره اتمی بر او آشکار نگردد. آن مواد اتمی که این آتش در آن بسته شده است قبل از انفجار شکل عَمَدِ مُدَدَةٍ را میگیرد یعنی بعلت فشار درونی گستردن میگردد و آتشش قبل از سوزاندن جسم، به دل آدمی حمله کرده و حرکت قلب بسته میشود. تمامی پژوهشگران علم بر این امر گواه هستند که صورت هنگام انفجار اتم بم همین طور میباشد. قبل از اینکه مواد آتشی برسد تشعشعاتی نیرومند حرکت قلب را میبندد. معنای دیگر اینست که يك آتش در ذرات جسم انسان نیز مخفی است و چون آن آشکار شود بردل انسان حمله برده آنرا از کار خواهد انداخت.

سُورَةُ الْهُمَزَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ عَشْرُ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

ملاك بر هر سخن چین و عیب

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ②

کننده (۲)

آنکه مال را جمع کرد و آنرا

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ③

شمار میکرد (۳)

پنداشت که مال او را جاودان

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ④

نگه دارد (۴)

آگاه باش! حتماً او فرو حطه

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ⑤

افکنده شود (۵)

و چه ترا حالی کند که حطه

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ⑥

چیست؟ (۶)

آن آتش خدا است برافروخته (۷)

نَارَ اللَّهِ الْمَوْقَدَةِ ⑦

که بر دلها چیره شود (۸)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ⑧

یقیناً آن برخلاف آنها از همه طرف

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ⑨

بسته شده است (۹)

در ستونهای که کشیده دراز کرده

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ⑩

شده است (۱۰)

## ۱۰۵ - سورة فيل

این سوره ابتدائی و مکی است و با بسم الله ۶ آیت دارد.

پیشرفت ملت‌های دنیائی منتها به این نقطه عروج بپایان میرسد که تمامی ابرقدرتها در پی نابودی اسلام خواهند افتاد. قرآن واقعه ای از زمان گذشته را بیان کرده میفرماید که قبل از این نیز ملت‌های بزرگ با جاه و حشمت تلاش کرده بودند که أمّ القری یعنی مکه را نابود سازند. آنان اصحاب فیل یعنی دارای فیل‌های بزرگ بودند. اما قبل از اینکه سوار بر آن فیل‌ها به مکه برسند بر آنها آن ابابیل‌ها که در چاه‌های سنگ خاره‌های دریائی آشیانه درست میکنند چنین سنگریزه‌های پرتاب کردند که جرثومه مرض آبله همراه داشت و آن مرض مهلك و خوفناك در سراسر ارتش حمله‌کنندگان گسترش یافت و بلافاصله آنها پشته‌های جسدها همچون گاهی خورده شدند و جسدهای آنها را پرندگان مردارخوار بسختی بزمین میزدند. پس اگر کسی در آتیه هم از روی فیس نیرومندی آهنگ به بحرمتی یا نابودی اسلام و مکه کرد پس او نیز بر همین منوال به نابودی کشیده خواهد شد.

سُورَةُ الْفِيلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ بِسْتُ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

آیا نیدانی که پروردگارتو به

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ

دارندگان فیل چه رفتار کرد؟ (۲)

بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ①

آیا او نیرنگ آنها را بی نتیجه نه

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ①

ساخت؟ (۳)

و پرندگان را گروه درگروه بر

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ①

آنها[نه] فرستاد؟ (۴)

آنها سنگهای ازسجیل برآنها پرتاب

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِّيلٍ ①

میکردند (۵)

پس او آنها را مانند کامی خورده

فَجَعَلَهُمْ كَعَصِفٍ مَّا كُوِيَ ①

گردانید (۶)

## ۱۰۶ - سورة القريش

این سوره مکی است و با بسم الله ۵ آیت دارد.

بلافاصله پس از سوره الفیل در این سوره این مژده ای داده میشود که بطوری که اهل مکه پیش از واقعه مذکور در سوره الفیل در صورت قافله ها تجاری طی زمستان و تابستان سفر میکردند و ما ایشان را از طریق هر نوعی میوه ها از گرسنگی و خوف امن میبخشیدیم این سلسله آینده نیز ادامه خواهد داشت.



سُورَةُ قُرَيْشٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسُ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

برای بهم ربط دادن قریش (۲)

لَا يَلْفُ قُرَيْشٌ ②

[بلی] برای افزایش ربط همدگر

الْفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ③

آنان سفرهای زمستانی و تابستانی

است (۳)

پس باید پروردگار این خانه را

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ④

عبادت کنند (۴)

آنکه آنانرا [به نجات] از گرسنگی

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ ⑤ وَأَمَّنَّهُمْ

غذا داد و از ترس ایشانرا ایمن <sup>ع</sup><sub>۳</sub>

مِنْ خَوْفٍ ⑥

ساخت (۵)

## ۱۰۷-سورة الماعون

این سوره ابتدائی و مکی است و با بسم الله ۸ آیت دارد.

بقرار معلوم این سوره را تعلق با سوره قبلی اینست که چون خداوند به مسلمانان نعمتهای فراوان اعطاء کند ایشان از خرج در راه او راه گریز پیدانخواهند کرد و در عبادتی که پروردگار کعبه بدیشان آموخته است تظاهر را بکار نگیرند و گرنه نمازهای ایشان موجب هلاک ایشان بشود زیرا که چنین نمازها از روی تظاهر است و بر همین منوال خرج ایشان نیز از روی تظاهر باشد. ایشان هزینه های بزرگ را برای اشتهار یافتن کنند در حالیکه به نیازمندان از دادن چیزهای معمولی نیز خود داری خواهند نمود.

سُورَةُ الْمَاعُونِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَمَانِي آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده، بارها رحم کننده (۱)

آیا آنکس را دیدی که به دین

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِذْنِ ②

تکذیب میکند؟ (۲)

پس همین است آنکه یتیم را طرد

فَذَلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ③

میکند (۳)

و به طعام مسکین تشویق نمی

وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ④

نماید (۴)

پس هلاک است بر آن نماز

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ⑤

گذاران (۵)

که از نماز خود غافل اند (۶)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ⑥

آنانکه تظاهر میکنند (۷)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ⑦

و کالای مورد استفاده روزانه را

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ⑧

نیز [از مردم] باز میدارند (۸)

## ۱۰۸ - سورة الكوثر

این سوره مکی است و با بسم الله ۴ آیت دارد.

بلافاصله پس از سوره الماعون به آنحضرت ﷺ مژده ای به چنین کوثر داده شده است که هیچگاه پایان پذیرنمیباشد. یکی این معنا است که آن دارائی که ایشان در راه خدا انفاق کنند اگر ایشان آنها را هزینه بیدریغ هم کنند باز هم خدای متعال پیوسته مالهای بیشتر اعطاء کند و بزرگترین مژده ها این است که به ایشان قرآن اعطاء کرده شد که مطالب آن همچون گنجی پایان نپذیر تا قیامت به سود نوع انسان ادامه خواهد داشت و هیچکس نتواند این موضوع را فراگیرنده باشد.

سپس این فرموده شد که تو بمنوان تشکر برای این انعام بزرگ عبادت کن و قربانی بده. یقیناً دشمن تو ابر است و فیض توهرگز پایان پذیرنده نیست.

## سُورَةُ الْكُوْثِرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اَرْبَعُ اَيَاتٍ وَ رُكُوْعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

اِنَّا اَعْطَيْنَكَ الْكُوْثَرَ ①

یقیناً ما تورا کوثر عطا کردیم (۲)

پس برای پروردگار خود عبادت

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَاَنْحَرْ ②

کن و قربانی بده (۲)

یقیناً دشمن تو ابتر خواهد ماند (۴)

ع ۳۳

اِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ ④

++ آیت ۴: کافران مکه به آنحضرت صلی الله علیه و آله طعنه ابتر بودن میزدند یعنی آنکس که هیچ فرزند نرینه ای نداشته باشد. اینجا بدیشان صلی الله علیه و آله مژده ای داده میشود که آنان که داشتن فرزندان نرینه مدعی هستند فرزندان آنان نیز فرزندان روحانی بودن تو را موجب سربلندی و خوشبختی خودشان دانسته و وابستگی خویش را با والدین بدبخت خود خواهند برید. چنانکه نسبت به عکرمه فرزند ابوجهل روایت است که پس از قبول اسلام یکی مسلمان او را طعنه به فرزند بودن ابوجهل زد و عکرمه در حضور آنحضرت صلی الله علیه و آله شکایت کرد و ایشان به آن مسلمان نهی کردند که در آتیه به عکرمه فرزند ابوجهل گفته نشود [اسدالغایبه - زیر کلمه عکرمه] بعبارت دیگر ابوجهل خودش بحالت ابتر جان باخت و نوادش از روی معنویت بسوی آنحضرت صلی الله علیه و آله نسبت داده شد.

## ۱۰۹ - سورة الكافرون

این سوره مکی است و با بسم الله ۷ آیت دارد.

در این سوره مجدداً کافران متنبه ساخته میشوند هیچگاه نه من از دین شما پیروی کننده ام و نه شما از دینم پیروی کنندگانید. پس شما دین خویش را دنبال کنید و من از دین خودم پیروی خواهم کرد.

سُورَةُ الْكَافِرُونَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعُ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

بگو، ای کافران (۲)

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ②

من عبادت نکم آنچه را شما

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ③

عبادت کنید (۳)

و نه شما عبادت کنندگان هستید

وَلَا أَنْتُمْ عِبُدُونَ مَا أَعْبُدُ ④

آنکه را من عبادت میکنم (۴)

و منهم عبادت کننده نیستم آنچه

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ⑤

را که شما عبادت میکنید (۵)

و شما هم عبادت کننده نیستید

وَلَا أَنْتُمْ عِبُدُونَ مَا أَعْبُدُ ⑥

آنکه را من عبادت میکنم (۶)

دین شما برایشما است و دین من

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ⑦

برای من است (۷)

## ۱۱۰-سورة النصر

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۴ آیت دارد.

در این سوره نیز دومین شکل کوثر بیان میشود یعنی بطوریکه انعامات قرآن ناتمام شدنی است بر همین منوال فتوحات اسلام نیز مبنی بر سلسله لامتناهی است و حتماً آنزمان فرارسد که مردم فوج در فوج بداخل اسلام خواهند شد. آنزمان برای برگزاری جشن شادمانی نیست بلکه باید استغفار کرد. زیرا که بعلت آن پیروزیها نباید تکبر بدل راه یابد بلکه فروتنی را بکار گرفته باید بر این یقین استوار باش که اینهمه فقط ناشی از فضل خدا است. پس آنهنگام باید بیشتر از معمول به استغفار مشغول شد و ستایش خدا را باید بیشتر فراگرفت.



سُورَةُ النَّصْرِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ أَرْبَعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

هنگامیکه مدد خدا و پیروزی

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ②

بیآید (۲)

و مردم را خواهی دید که گروه در

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ

گروه بداخل دین خدا شوند (۳)

أَفْوَاجًا ③

بس تسبیح بگو با ستایش

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ

پروردگار خود و از او آمرزش

بخواه یقیناً او توبه را بارها

تَوَّابًا ④

قبول کننده است (۴)

## ۱۱۱-سورة اللهب

این سوره در ابتدا در مکه نازل شد و با بسم الله ۶ آیت دارد. ابولهب اسم عموی آنحضرت ﷺ بود که او هر جا خلاف ایشان ﷺ آتش نفرت بر میافروخت و همسرش نیز او را در اینکار یاریگر بود. فرموده شد که مردو دستش بریده شود. بعبارت دیگر هر کدام هم خواه به جناح راست تعلق دارد یا به جناح چپ هر گاه برخلاف اسلام شعله های آتش برافروزد هیچ هم بدست نیارد جز ذلت و رسوائی. آن ملتها که سوخت آتش جنگ وی را مهیا سازند و کمک کنند آنان هم چیزی بدست نیآرند جز اینکه به دار کشیده شوند.

سُورَةُ اللَّهَبِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

دو دست ابولهب ملاک شد و او

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ②

نیز ملاک گردید (۲)

مال او و آنچه کسب کرد هیچ هم

مَا آغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ③

بکارش نیامد (۳)

یقیناً او بداخل آتشی شعله ور

سَيَصْلَىٰ نَارًا إِذْ أَتَا لَهَبًا ④

شود (۴)

و زنش هم که سوخت فراوان را

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ⑤

برداشته باشد (۵)

در گردنش رسی از لیف خرما

ع  
۳۱

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ⑥

باشد (۶)

## ۱۱۲ - سورة الاخلاص

این سوره مکی است و با بسم الله ۵ آیت دارد.

این يك بسیار كوچك سوره است اما در این وعده ای از پیروزیهای بزرگ اسلام برخلاف مسیحیت داده شده است و این خبر داده میشود که نه خدا را پدری بود و نه او را فرزندی باشد. با این يك جمله مجمل ساختمان مسیحیت بتمام منهدم میشود. اگر خدا را پدری نیست آنگاه در او صفات تولد کردن فرزندی از کجا آمد؟ عیسی علیه السلام که فرزند فرضی خدا گفته میشوند چرا ایشان از پدر سهم صفاتش نگرفتند؟ اگر پدر پسر را تولد کرده بود آنگاه چرا پسر را فرزندان دیگر تولد نشدند؟ سپس گفته شد که خدا را کسی کفو نیست. بنا بر این اینگونه یاوه گوئیهی نتیجه ای ندارد جز گستاخگوئی نسبت به خدا جَلَّ شان.

سُورَةُ الْاِخْلَاصِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

بگو خدا یکتا است (۲)

خدا بی نیاز است (۳)

نه او تولد کرد و نه تولد شد (۴)

و هیچگاه او را احدی همتا نبوده  
است (۵)

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ②

اللَّهُ الصَّمَدُ ③

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ④

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ⑤

## ۱۱۳ - سورة الفلق

این سوره مدنی است و با بسم الله ۶ آیت دارد.

در این سوره هشدار داده میشود که در نتیجه هر کدام تخلیق بعلاوه خیر، شر نیز پدید میآید. پس از شر آنها به خدا پناه ببرید و از شر آن شب تار هم پناه به خدا ببرید که مجدداً دنیا را فراگیرنده است و از شر آن قومها نیز به خدا پناه برید که انسان را از انسان و ملتها را از ملتها شکافته جدا میسازند. بعبارت دیگر اصل اخلاقی ایشان اینست که برای حکومت کردن میان قومها افتراق پیدا کرده شود [Divide & Rule]. اینهمه خلاصه حکومت امپراتوری است که هدفش بردن تسلط یافتن بود. در عین حال یقیناً اسلام پیشروی خواهد کرد و الا اگر قرار باشد که اسلام نابود شود در آنصورت حسادت که بوجود نمیآید. موضوع حسادت حاکی است که اسلام را یقیناً پیشروی کردن است و هرگاه آن پیشروی کند دشمن حسادت خواهد داشت.

## سُورَةُ الْفَلَقِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سِتُّ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارمارحمنکننده (۱)

بگوپناه میبرم به پروردگار [که

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ①

چیزهارا] شکافته [چیزهای نوین]

خلق کننده است (۲)

از شرّ هرچه او آفریده است (۳)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ①

و از شرّ تاریک کننده چون او

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ①

فراگرفته باشد (۴)

و از شرّ آنها که در گرما

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ①

میدمند (۵)

و از شرّ حسود چون حسدکنند (۶)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ①

++ آیت ۵: این آیت را يك معنی این کرده میشود که از طریق افسون در گره های مناسبات همدیگر میدمند. ولی درحقیقت این يك بیشگوئی بزرگ نسبت به آن قومهای است که اقتدارایشان متکی بر این اصل اخلاقی باشد که برای حکومت کردن بر ملت‌های خواسته خود میان ایشان تفرقه انداخته آنانرا ناتوان سازند و خودشان بر مقام حاکمیت برآیند [Divide & Rule] و علی الخصوص اروپائیا هرجا بنا بر همین اصل حکومت کرده اند.

## ۱۱۴ - سورة الناس

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۷ آیت دارد.

این سوره مجمل آنجمله کوششهای یهودیان و مسیحیان را ارائه میدهد که علامات ایشان این باشد که مدعی از ربوبیت نوع انسان شده بر مقام مالکیت از اقتصادیات مردم برآیند و بر این منوال مدعی از مقام ملوکانه هم باشند. بعبارت دیگر اختیارات سیاسی مردم را نیز در قبضه خود بگیرند و گویی که بر مقام معبودیت برآیند و هر که آنانرا پرستش کند او را بهره مند سازند و هر که آنانرا انکار کند او را خوار سازند.

خطرناکترین جنگ ابزار ایشان این باشد که آنان همچون کسی باشند که خَنَاس است یعنی به دلها تردید انداخته پنهان شوند. در آنزمان حالت اخلاقی ابرقدرتها یعنی ملتهای سرمایه دار و اشتراکی یکسان خواهد بود. منتها هر که در مقابل این امور پناه به خدا برد خداوند او را نجات میدهد.



سُورَةُ النَّاسِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

بگو پناه میبرم به پروردگار

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝

مردم (۲)

پادشاه مردم (۳)

مَلِكِ النَّاسِ ۝

معبود مردم (۴)

إِلَهِ النَّاسِ ۝

و از شرّبتکثیر وسوسه کننده که

وسوسه کرده کنار میرود (۵)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَفَّائِ ۝

آنکه در دل‌های همه انسانها وسوسه

میکند (۶)

الَّذِي يُوسَسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝

خواه آن ازجنها [ارشدان] باشد

ع

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝

یا از عوام الناس (۷)

++ آیات ۵-۷: این آیات حاکی از این پیشگوئی میباشند که در زمان آخرین یهودیان و مسیحیان در دل‌های دیگران تردید خواهند انداخت. الجنة و الناس را يك معنی اینست که هم در دل ارشدان و هم در دل عوام الناس وسوسه کرده شود. پس بعلت آن وسوسه که شیطان به دل ملت‌های سرمایه دار و ملت‌های اشتراکی انداخت مردود بسوی عقیده خدا شناسی رفتند. دومین معنی اینست که یهود و مسیحیان مردود وسوسه میکنند و در یقین آن‌مردم که بر آنها حکومت میکنند تردید انداخته آنانرا ناتوان میسازند.

## دعای ختم القرآن

اَللّٰهُمَّ اِزْحَمْنِيْ بِالْقُرْاٰنِ الْعَظِيْمِ وَاَجْعَلْهُ لِيْ اِمَامًا وَّ نُوْرًا وَّ هُدًى وَّ رَحْمَةً  
 اَللّٰهُمَّ ذَكِّرْنِيْ مِنْهُ مَا نَسِيْتُ وَّ عَلِّمْنِيْ مِنْهُ مَا جَهِلْتُ وَاَرْزُقْنِيْ تِلَاوَتَهُ  
 اِنَاءَ اللَّيْلِ وَّ النَّهَارِ وَاَجْعَلْهُ لِيْ حُجَّةً يَّا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ

پروردگارا! از برکت قرآن بزرگ بر من رحم بفرما و آنرا برایم امام و نور و هدایت و رحمت بنا. پروردگارا! هر چه از آن فراموش کنم بخاطرم بیار و مرا آنچه از آن بلد نیستم بیاموز و هنگام شب و هنگام روز مرا توفیق تلاوت آن اعطاء کن و ای پروردگار جهانها! آنرا حتی بنفع من بگردان - آمین